

McGill University Library



3 103 089 949 7

قرآن مجید



کتابخانہ مجلس کتب و احادیث اسلامیہ کراچی



McGill
University
Libraries

Islamic Studies Library

85258

58842

58842

C2P
V1766g

28445

Qur'ān-i Majīd

قرآن مجید



ترجمہ اول: حضرت امام شاہ ولی اللہ محدث دہلوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ دوم: حضرت شیخ الہند مولانا محمود حسن دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

بر حاشیہ فوائد ملخص

۱۔ تفسیر فتح الرحمن مؤلفہ شاہ ولی اللہ رحمۃ اللہ علیہ

۲۔ تفسیر عثمانی مؤلفہ مولانا شبیر احمد عثمانی رحمۃ اللہ علیہ



نور محمد اصح المطابع و کارخانہ تجارت کتب

آرام باغ پسر پروڈکراچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُقَدِّمَةُ لِلشَّاهِ وَلِيِّ اللَّهِ الصَّلَوِيِّ

حمدنا محمد وودعنا تبارک و تعالیٰ را که برافت تا تتر قرآن را برائے بندگان خود نازل فرمود تا مرضی او را از نامرضی باز شناسند و از مکار نفس و ظلمات اعمال قبیحه و اخلاق خبیثه خلاص شوند و بخیطرة القدس راه یابند و نزد پروردگار خویش مرضی باشند، ممکن نبود که ازین بهلکه نجات یابند مگر خود دستگیری و فرمودے و منظور نبود که ازین ظلمات متراکه خلاصی بدست آید، اگر خود را خودی منت و تعالیٰ قلب و قالب ما را احاطه کرده است. وجود او ظاهر و باطن ما را در گرفته درود و سلام بر آں حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت و این مطلع ساخت و مصالح نشأتین بوجه اتم بیان فرمود. پس هیچ بیایے نباشد واضح تر از بیان آں حضرت، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آں حضرت. نیک بخت ترین ما آنست که آثار سنت آں حضرت کند و بد بخت ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود. **وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**

اما بعد نصیحت و نیک خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان رسنگی و بگردارد و واقفان دیگر می نماید و لهذا علماء دین و کبراء اهل یقین و تفسیر و احادیث و عقائد و فقه و سلوک نصایف متنوع ساخته اند و توالیف کنندگان پر داخنة، طائفه شایسته اطنا ب اختیار نموده اند و فرقه کوچکی اختصار پیش کرده، جماعت بزبان عجم سخن گفته اند و گروهی به لغت عرب در سفته. و درین زمانه که ما در آنیم و درین اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان اقتضای کند که ترجمه و تفسیر آن عظیم بزبان فارسی سلیم و در دوزمه متداول بے تکلف فضیلت نمائی و بے نصنع عبارت آرائی بغیر تعریض قصص مناسبه و بغیر ایراد توجیهات متشعبه تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکساں فهم کنند و صغار و کبار بیک وضع ادراک نمایند. لهذا ایں فقیر را داعیه ایں امر خطیر بخاطر ریختند و خواه بر سر آں آور و ندیک چند درخص ترجمه با افتاد تا هر که از تراجم غیر آں که بخاطر مقرر شده است مناسب باید در ترویج آں کوشد و کفایت امکان پیش اهل عصر مرغوب نماید و بعضی تطویل ممل یافت و در بعضی تقصیر خلل هیچ یک موافق آں میزان نیفتاد. لاجرم عزم تا لیف ترجمه دیگر معتم شد و تسوید ترجمه زیر این بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتفاق افتاد و آں سلسله از هم گسست. بعد سالها که چند عزیز بے پیش ایں فقیر خواندن قرآن با ترجمه آں شروع کرد. ایں صورت سلسله جنبا ب آں عزم شد و بر سر آں آورد که بقدر خواندن سابقا نوشته شود چوں قریب ثلث قرآن رسیده شد آں عزیز را سفر پیش آمد و ایں تحریر در حیز توقف افتاد. بعد مدتی باز تفریبه پیدا شد، و دیگر بار آں خطر پارینه را با آورد و تا در ثلث قرآن کشیده بود چوں لاکثر حکم اکل مقرر است بعضی بار آں گفته شد که آں مسوده را تبیین کنید و آں ترجمه را مقرون بآیات قرآن نویسد تا نسخه مستقل گردد و آں یار سعادت مند روز عید الاضحی سنه خمسین بعد الالف و المائة در تبیین شروع نمود چوں تبیین بخت تسوید رسید باز عزم را بنگاشته پدید آمد و تا آخر قرآن مسود شد و کان ختم التسوید فی او ثلث

غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فائده که پیش از مطالعه آن نه شنیده اند و نه دیده باشند بنازگی استفاده نمایند و این ترجمه بنا بر شقیقت خلق الله و کف شده ایشان استقصا و جوه اعراب و استیفاء توجیهات کلام را و استنباط قصص را احتمال ندارند و اگر تحصیل علوم الهیه تکلیف داده شود معلوم نیست که آن صورت متحقق شود یا نه، و بعد تحقق آن صورت ممکن که داعیه تعمق در آن علوم پیدا شود و تمام عمر درین داعیه مصروف گردد. چنانکه اکثر اهل علوم الهیه را می بینیم هیچ بهتر از آن نیست که درجه ادنی از علم تفسیر در اول عمر انکساب کرده شود تا اکثر علوم الهیه بدست آید این نیز مقصد و موید در اتمام مقصد و بود و اگر بدست نیاید چه از مقصود بدست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد

صناره قلندر سزدار بمن نمائی! که در از و در و دیدم ره و رسم پارسائی

و طریق تخریر در این کتاب آنست که هر آیه را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه آن نشان متعارف و در زمره متداول اختیار نمود آمد و هر چه زیاده از تحت اللفظ است اگر یک دو کلمه است بلفظ یعنی یا مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل اول آن بلفظ مترجم گوید و آخر آن بلفظ و الله اعلم، معلوم کرده شد و هرگاه ممکن در قصص متعلقه قرآن اکتفاء یک دو فقره لازم دیده شد و در اسباب نزول از قصص منقول نکته انتزاع نموده شد و تا امکان رعایت سیاق آیات ضروری دانسته آمد و استناد این کتاب در آنچه متعلق نقل است از اصح تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبار ضعیفه و موضوعه احتراز نمود شد قصص اسرائیلیه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیث خیر البشر علیه و علی آله الصلوٰت و التسلیات داخل کرده الا در جائی که کشف معنی بغیر این آیه می شود و القی در استیعاب المخطوطات و این ترجمه ممتاز است از ترجمه های دیگر و بگونه وجه یک آنکه نظم قرآن را بمثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد باظهار مراد و لطافت تعبیر و از آنچه در ترجمه های دیگر یافته می شود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و اعجام مراد بقدر امکان احتراز نموده شد و دیگر آنکه سائر تراجم از دو حال خالی نیست، یا ترک کرده اند قصص متعلقه بقرآن مطلقا یا استیفاء جمیع آن نموده اند و درین ترجمه راه متوسط اختیار نموده شد پس جائی که معنی آیه متوقف است بر قصه بقدر ضرورت دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جائی که معنی آیه متوقف است بر قصه نبود ترک نموده آید. سوّم آنکه از توجیهات متنوعه توجیه اقوی باعتبار عربیه و اصح باعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف اظهار اختیار نموده شد و کسی که تفسیر و چیز و تفسیر جلالین که بمنزله اصل این ترجمه اند و بنا بر تفاسیر مطالعه کند درین حرف شک ندارد و چهارم آنکه این ترجمه بوجه واقع شده است که شناسنده بخواند اعراب قرآن و تعیین مخدوف و مرجع ضمیر و محل لفظیکه در عبارت مقدم و مؤخر کرده شده است میتواند دانست و آنکه شناسنده بخواند از اصل غرض محروم نه ماند و بچشم آنکه ترجمه خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظی باشد یا ترجمه حاصل المعنی و در هر یک وجه خلل بسیار در می باید. و این ترجمه جامع است در هر دو طریق و هر خللی را از آن غلها علما می مقرر کرده شد و این سخن در از هست در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید و آنکه گفتیم این ترجمه مشعرا بوجود اعراب کلمه ایست مجمعه سیطی می طلبد اندک خاطر را با آن متوجه باید ساخت لفظ است علامت بر لبه است که در میان حاشیئین جمله سمیه و ظریفه باشد زید قائم است، زید کجا است و علامت اسناد فعل بفاعل تقدیم فاعل متصل آوردن فعل زید اسناد و عند الضرورة استناد زید نیز می توان گفت و مفعول بنائب مناب فاعل می باشد، یا نه بحرف را مقرون می شود زدم زید را، و زده شد زید را و بمعنی از تراجم مبتدیان گفت، زید زده شد و اگر قرنیه قائم باشد حذف را جاز هست و مفعول مطلق اگر بر لای عدد باشد به یک بار کردن

و در بار کردن می توان تقریر کرد و اگر بر لای نوع باشد بیک نوع کردن و یک طور کردن و اگر غیر مصدر را بجای مصدر قائم کرده باشد
گویند ضَرْبُ سَوْطٍ از دم یک چابک و اگر از غیر لفظ فعل باشد قَرَأْتُ سَرْدًا خواندم به طریق پی در پی خواندن و اگر مجرد بر لای
تاکید باشد تا از قبیل سبحان الله و عدل الله از قبیل اختلاف لغتین است بدول تکلیف و ارجاع بحرف دیگر میسر نشود و اگر مفعول
باشد معنی غرض باشد بلفظ بر لای لفظ او تصویر مصدر بصورت جمله ضَرْبَةُ تَابِيَا زوش بر لای ادب دادن یا تا ادب دهم و اگر معنی حال باشد
بلفظ بعلت و حکم و مقتضی و امثال آن قَعَدَ جَدُّنَا نَشْتَ بعلت نامردی و اگر معنی احتراز باشد بلفظ بر لای احتراز و بر لای احتیاط و امثال
آن ضربتہ اَنْ یَقُولَ النَّاسُ مَضْرَبَةٌ نزدش بر لای اجتناب از آنکه گویند، نزدش و مفعول فیہ بلفظ در مکان باشد
یا زمان و مفعول مع بلفظ با اِسْتَوَى الْمَاءُ وَ الْحَشْبَةُ برابر شد آب با چوب و حال اگر کلمه مفرد باشد باشتقاق لفظی که موضوع
بر لای حال باشد جِئْتُ سَاحِبًا سوار آمده ام و اگر جمله ملتمه از فعل ذی الحال باشد با یصال لفظ کرده و کنایه و مثل آن جَاءَ زَيْنٌ
یَتَخَمَّنُ فِی مَشِیَّتِهِ زید آمد بخمر کنایه در رفتار خود و اگر جمله ملتمه از فعل غیر ذی الحال باشد لاچار لفظ مال آنکه زیاده کرده شود و
هر چند در اصل لغت فارسی نیست حال در زبان عربی معنی شتی آید گاهی مَوَدَّهٌ باشد جَاءَ فِی الْبُؤْسِ عَطُوفًا و گاهی معنی تهیبا
قَاتِلًا و هَا خَالِدٌ و گاهی معنی قصد آید جِئْتُ اَشْكُو الْیَئِسَّ و در فارسی این معانی مستعمل نیست و تمیز اگر از عدد پیاد
یا پیمان یا ماضی باشد بصیغه تمیز یا باضافت یا لفظ از بیان کرده شدنی است نزدیک رطل گندم یک صاع از خود اگر از اسم اشاره باشد
بلفظ صفت مَادَا اَسْرَادَ اللّٰهِ يَهْدِي اَمْثَلًا چه چیز اراده کرده است خدا باین مثل و اگر نسبت باشد بخوبل فاعل یا مفعول کرده
شد یا از روی و از جهت و باعتبار فروده آمد زَيْنٌ حَسَنٌ و اسرار زید نیک است از روی خانه و باعتبار خانه و گاهی در فارسی
مضمون تمیز را بنوعی از تقریر که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود صَنَاعَاتٌ قَلْبًا تَنَاقُلٌ دل شد هَوَاتِی قَلْبًا و می
سخت دل است و گاهی در عربی مفعول بغیر توسط حرف جر باشد و در فارسی ایراد حرف جر لازم شود وَ قَسَبَ كَفِّكَ هُمُ اللّٰهُ
کفایت خواهد کرد ترا خدا از شر ایشان و مثل قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا و گفته اند فرزند گرفت خدا و مثل اَعْطَيْتُ زَيْنًا اَوْ هَمًّا
در هم دادم زید را و مثل کَانَ زَيْنًا قَائِمًا زید استاده بود و جَعَلْتُ زَيْنًا عَجَبًا زید را بنده خود ساختم و برین صورتهای تقدیم و
تاخیر را بر خود میوار باید ساخت و گاهی جمله را که بتاویل مصدر ساخته باشد بمصدر مفرد تقریر توان کرد و مصدر مفرد را با جمله مصدره
بآن مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول باصلاح کلمه مفرده و بالعکس و قَالِ الْاَذِیْنِ اَمَنْ كَفْتُ اَنْ سَلَامَانَ و الْاَذِیْنِ ۲ مَمْنُونِ
مسلمانان و الْاَذِیْنِ اَوْ ثَمَّ الْاَنْكَابِ اهل کتاب و اهل درال صورت است که معنی واضح باشد و مثل قَدْ اَفْلَحَ الْاُمُومُونَ
الْاَذِیْنِ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ هر آینه رستگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نماز خویش خشوع کنند گانند یعنی اگر
موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن و صفت کرده شد و علامت تخصیصی که از تقدیم معمول مستفاد می شود در
فارسی نیز تقدیم است کم و هم و هت و وایا و در بعضی مواضع بخود تعبیر کرده می شود و در فارسی میتوان گفت شمار است گویند یا
ایشان راست گو احتیاج آن نیست که گویند ایشانند راست گویان و اگر مظهر را موضع مضموم وضع کرده باشد لفظ آن را اند کرده شده تا
مربوط باشد و در فارسی علامت جمع لفظی کنند هر چند فاعل مظهر باشد قائم هو لاء استناد ایشان و او و فالبسیار است که زید
باشد و بسیار است که در فارسی معنی آن را بلفظ بغیر ذکر عطفت و تعقیب درست شود پس اگر رکاکت لفظ درین صورت در ترجمه لازم
می آید ترک کرده شد بالمجد و قائل فن ترجمه بسیار است و مضموم این جابیان نمودن می است چوں این فقیر خوض در ترجمه بدون

معاونت کے وبدول رجوع بکتاب لے کر دے است و در اوقات تخلیف با وجود اشتغال بال با سائر علوم محرر بنموده احتمال دارد که در بعض مواضع و فابا این التزامات متحقق نشده باشد یا ران سعادت مند که آن قواعد را مستحضر داشته باشند حکم اخوت و دینی نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آل کوشند و لیصلحه من جاد مقولا و صیبت این فقیر لکتابان این ترجمہ است کہ عبارت قرآن را بخط علی و اعز آن و حمرة از ترجمہ متمیز سازند و احتیاط کنند کہ در الفاظ مترجمہ تحریفی راہ نیابد و در مواضع اشتباه کلام نام را بنقطہ حمرة از البعد جدا نمایند و ترکیب اضافی و توصیفی را بحسره مضاف و موصوف معلم سازند تا بر مبنیای روشن تر شود و اگر در ترجمہ لفظی کہ نسبت بتندیای غریب می نماید تقریرے کہ بر زبان مبیدان معنوی می نهند یافتہ شود یا ران سعادت مند بر ماشیه کتاب معنی آن نویسنده تا بر هیچ فردے شکل نشود

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبد الرحيم عفي عنه قرات القرآن كله من اوله الى اخره بر رواية حفص عن عاصم على الصالح الثقة حاصي محمد فاضل السندی سلفه قال تلوته الى اخره بر اية حفص على الشيخ عبدالحق المتوفى شيخ القراء بمصر سنة « ٥٠٠ » قال قرات القرآن كله بالقراء السبع على الشيخ البقري والبقري كلاهما على شيخ القراء بزمانه الشيخ عبد الرحمن اليميني وقرا اليميني بها على والده الشيخ سجادة اليميني وعلى الشهاب احمد بن عبدالحق السنباطي بتلاوته كذلك على الشيخ السجادة المذکور وقرا الشيخ سجادة كذلك على الشيخ ابی نصر الطهلاوي وقرا الطهلاوي كذلك على الشيخ الاسلام نركم بتلاوته على برهان القلقلي والرضوان ابی النعيم العقبی وقرا كل منهما على امام القراء والمحدثين محمد الر ايات والطرق ابی الخير محمد بن محمد بن علي بن يوسف الجزري صاحب كتاب النشر له طرق كثيرة اذكرها في النشر منها سلسلة معتمة تسلسل التلاوة والقراء ايضا يطلب من جهة صاحب التيسير فلنقتصر ههنا على ههنا تلك السلسلة قال الجزري قرات التيسير وقرات بالقراء كله من اوله الى اخره على شيخ الامام القاه العالم قاضي المسلمين ابی العباس احمد بن الشيخ الامام ابی عبد الله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفي بد مشق المرحمة رحمة الله قال لي قراة وقرات به القرآن على والدي واخبرني انه قراة وقره به القرآن العظيم على الشيخ الامام ابی محمد القاسم بن احمد بن الموفق العراقي قال قراة وقرات به على المشايخ الائمة المعتبرين ابی العباس احمد بن علي بن يحيى بن عون الله الخضر ابی عبد الله محمد بن سعيد بن محمد الماروي وأبى عبد الله محمد بن القوب بن محمد بن نوح العافقي الاندلسيين قال كل منهم قراة وقرات به على الشيخ امام ابی الحسن علي بن محمد بن هذيل البلنسي قال قرات وتلوت به على ابی داود سليمان بن نجاح قال قراة وتلوت به على مؤلفه الامام ابی عمر الداني قال الجزري وهذا على سنن أبي جاد ليوفى الدنيا متصلا واختص هذا الاسناد بتسلسل التلاوة والقراة والسماع ومعنى الى المؤلف كلهم علماء ائمة ضابطون قال الداني في كتاب التيسير قرات القرآن كله بر اية حفص على ابی الحسن طاهر بن غلبون المقر قال قرات بها على ابی الحسن علي بن محمد صالح الهاشمي الصريمي المقر بالبصرة قال قرات بها على ابی العباس احمد بن سهل الاثناني قال قرات بها على ابی محمد عبید بن القبايح قال قرات على حفص قال قرات على عاصم قال الداني واخذ عاصم القرآن عن ابی عبد الرحمن بن عبید بن حبيب السلمي وعن زرين جیش اتا ابو عبد الرحمن فغن عثمان بن عفان وعلى بن ابی طالب وابی بن كعب وزيد بن ثابت وعبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم

تمت هذه الديكاجي
ابر نقل از ترجمہ و تفسير فتح الرحمن قلمي كرده شد و آن نسخ در سال ١٢٠٠ و دوازده صده سال هجري نوشته شده است و اخذ نمود ما ان الحمد لله رب العالمين

سرا قلم الحروف غلام مصطفى غفر له

روز اوقات

م	علامه وقت لازم است، از ترک کردن آن در معنی غفل واقع میشود، لذا وقت نهایت ضروری است.
ط	علامه وقت مطلق است، از اینجا نباید گذشت، بل حسن همین است که در اینجا وقت کرده از ابعاد اندا کرده شود.
ج	علامه وقت جائز است، در اینجا وقت و وصل هر دو جائز است اما توقف نمودن بهتر، وقف نه کردن هم رواست.
ر	علامه وقت مجوز است، در اینجا هم سبب وقف موجود است و هم از وصل ولی علت وصل قوی تر و واضح تر است، بنابراین گذشتن بهتر است.
ص	علامه وقت مخصص است، افراد از آن ایست که در اینجا تعلق با همی و چیز است لیکن از حیث معنی، هر چیز حیثیت مشتقل را هم داشته می باشد، قاعده باید وصل خوانده شود لیکن اگر قاری در قرائت مانده گردد، برائش وقف رخصت است.
ق	علامه (قد قیل) و (یا قیل علیه الوقت) می باشد، نزد بعض علماء در اینجا وقف کردن جائز است اما این علامه (قی) بطرف ضعف وقف اشاره می کند، وقف نه کردن بهتر است.
لا	علامه لا وقف علیه (در اینجا وقف نیست) می باشد و اشاره باین است که قاری در اینجا هرگز وقف نکند بعض علماء می گویند که اگر وقف واقع شود عاده قرائت واجب می باشد اگر در سر آیه نباشد.
وقت	(۱) علامه یوقف علیه (در مقام ایستادن است). (۲) جائز است وصل نمودن از طرف قاری باشد، علامه وقت (یعنی ایستاده شو) نوشته می شود.
سکته	بدون تنفس نمی ایستاده شدن است، قاری در اینجا نمی مکث کند و نفس خود را قطع نکند.
وقفه	علامه سکته در از است، یعنی قاری نسبت به مدت تنفس کمتر وقف کند، در اصطلاح علم قرائت (سکته و وقفه) قریب المعنی است، اما سکته به وصل و وقفه به وقف قریب تر است.
صلی	علامه (الوصل اولی) است، یعنی وصل خواندن بهتر است.
○	علامه آیه مطلق است، جائز که صرف همین علامه باشد وقف کرده شود و اگر بالای آن (لا) باشد، ترک وقف اولی است اگر احتیاج وقف پیدا شود بنا بر ماندگی مضائقه نیست، در بین قاریا هم مشهور است که وقف نشود، اگر بدون لا کدام امر دیگر باشد همان علامه معتبر شمرده شود.

تعداد الحروف و غیرها (کما قال الفارسی عبد المعز بن عبد الله فی بستان القرآن)

۲۶۵۳۵	م	۸۴۲	ظ	۱۶۶۱	۴۶۹۰	ا	۸۸۰۲	ذ	۱۱۲۲۸	ب	۱۱۹۹	ت	۱۲۰۶	ث	۳۲۰۳	ج	۹۰۳	ح	۲۳۱۶	خ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د
۲۶۵۶۰	ن	۹۲۲۰	ع	۱۶۶۱	۱۱۰۹۳	س	۱۱۲۲۸	ر	۱۱۹۹	ز	۱۲۰۶	س	۱۲۰۶	ش	۳۲۰۳	ص	۹۰۳	ض	۲۳۱۶	ظ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د
۲۵۵۳۶	و	۲۲۰۸	غ	۱۶۶۱	۱۵۹۰	ز	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح	۱۱۹۹	ح
۱۹۰۰۰	ح	۸۳۹۹	ق	۱۶۶۱	۵۸۹۱	س	۱۲۰۶	ش	۳۲۰۳	ص	۹۰۳	ض	۲۳۱۶	ظ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط
۳۰۲۰	ل	۲۸۱۳	ق	۱۶۶۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۰۳	ص	۹۰۳	ض	۲۳۱۶	ظ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د
۳۱۱۵	ک	۹۵۲۲	ل	۱۶۶۱	۲۰۱۳	ص	۹۰۳	ض	۲۳۱۶	ظ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط
۲۵۹۱۹	ی	۳۳۳۲	ل	۱۶۶۱	۱۶۰۰	ض	۲۳۱۶	ظ	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د	۱۲۰۴	ط	۵۶۲۲	د

فهرس الالفات الزائدة (٢٩ مقامات)

العدد	الكلمة	الصفحة	السطر	السورة	الجزء	ركوع السور
١	افأثن مات	٦٩	٣	٣	٣	١٥
٢	لا الى الله	٤١	١١	٣	٣	١٤
٣	تبرء	١١٣	٥	٥	٦	٥
٣	ملأته	١٦٣	١١	٤	٩	١٣
٥	لا اوضعوا	١٩٥	١١	٩	١٠	٤
٦	ملأته	٢١٨	٤	١٠	١١	٨
٤	ملأهم	٢١٩	٣	١٠	١١	٩
٨	شودأ	٢٣٠	١١	١١	١٢	٦
٩	ملأته	٢٣٣	١٣	١١	١٢	٩
١٠	امم لتتلوا	٢٥٣	٢	١٣	١٣	٢
١١	لن تدعوا	٢٩٥	٩	١٨	١٥	٢
١٢	لشأن	٢٩٤	٣	١٨	١٥	٢
١٣	لكننا	٢٩٩	١	١٨	١٥	٥
١٣	افأثن مت	٣٢٥	١١	٢١	١٤	٣
١٥	ملأته	٣٣٣	٢	٢٣	١٨	٣
١٦	شودأ	٣٦٢	٦	٢٥	١٩	٢
١٤	لا اذبحته	٣٤٤	١٠	٢٤	١٩	٢
١٨	ملأته	٣٨٨	٦	٢٨	٢٠	٢
١٩	شودأ	٣٠٠	١	٢	٢٠	٢
٢٠	انتم من رباليربوا	٣٠٤	٨	٣٠	٢١	٢
٢١	لا الى الجحيم	٣٣٨	٢	٣٤	٢٣	٢
٢٢	ملأته	٣٩١	١٣	٣٣	٢٥	٥
٢٣	ولكن ليبوا	٥٠٦	٥	٣٤	٢٦	١
٢٣	نبوا	٥٠٩	٢	٣٤	٢٦	٢
٢٥	بئس الاسم الفسوق	٥١٥	١٢	٣٩	٢٦	٢
٢٦	شودأ	٥٢٤	٦	٥٣	٢٤	٣
٢٤	سلسلا	٥٤٩	١٣	٤٦	٢٩	١
٢٨	قوا سيرا	٥٨٠	٨	٤٦	٢٩	١
٢٩	قوا سيرا آمن	٥٨٠	٩	٤٦	٢٩	١

فهرس الاجزاء

العدد	الجزء	الصفحة	آياته	السور التي يشتمل عليها
١	الم	٢	١٣٨	الفاتحة - البقرة ١-١١١
٢	سيقول	٢٣	١١١	البقرة ١١١-١١٢
٣	تلك الرسل	٣٣	١٢٥	البقرة ٣٣-٣٤ آل عمران ٩١
٤	لن تنالوا	٦٣	١٣٢	آل عمران ١٠٩-١١٠ النساء ٢٣
٥	والمحصنات	٨٣	١٢٣	النساء ١٢٣
٦	لا يحب الله	١٠٣	١١١	النساء ٣٠-٣١ المائدة ٨٢
٧	واذا سمعوا	١٢٣	١٣٨	المائدة ٣٨-٣٩ الانعام ١١١
٨	ولواثنا	١٣٣	١٣٢	الانعام ٥٥-٥٦ الاعراف ٨٠
٩	قال الملا	١٦٣	١٥٩	الاعراف ١١٩-١٢٠ الانفال ٣٠
١٠	واعلموا	١٨٣	١٢٨	الانفال ٣٥-٣٦ التوبة ٩٣
١١	يعتذرون	٢٠٣	١٥٠	التوبة ٣٦-٣٧ يونس ١٠٩-١١٠ هود ٥
١٢	وامن ذآبة	٢٢٣	١٤٠	هود ١١٨-١١٩ يوسف ٥٢
١٣	وما أبرئ	٢٣٣	١٥٥	يوسف ٥٩-٦٠ الرعد ٣٣-٣٤ ابراهيم ٥٢-٥٣ الحجر ١
١٤	سربها	٢٦٣	٢٢٦	الحجر ٩-١٠ النحل ١٢٨
١٥	سبحن الذي	٢٨٣	١٨٥	بني اسرائيل ١١١-١١٢ الكهف ٤٢
١٦	قال الم	٣٠٣	٢٦٩	الكهف ٣٦-٣٧ مريم ٩-١٠ طه ١٣٥
١٧	اقرب للناس	٣٢٣	١٩٠	الانبيا ١١٢-١١٣ الحج ٤٨
١٨	قد افصح المؤمنون	٣٣٣	٢٠٢	المؤمنون ١١٨-١١٩ النور ٦٣-٦٤ الفرقان ٢٠
١٩	وقال الذين	٣٦٣	٣٣٣	الفرقان ٥٠-٥١ الشعراء ٢٢٤-٢٢٥ النمل ٥٩
٢٠	اقن خلق السموات	٣٨٣	١٦٦	النمل ٣٣-٣٤ القصص ٨٨-٨٩ العنكبوت ٣٣
٢١	اتل ما اوحى	٤٠٣	١٤٩	العنكبوت ٢٥-٢٦ الروم ١٠-١١ لقمان ٣٣-٣٤ السجدة ٣٠-٣١ الاحزاب ٣٠
٢٢	ومن يفتن	٤٢٣	١٦٣	الاحزاب ٣٣-٣٤ سبا ٥٣-٥٤ فاطر ٢٥-٢٦ يس ٢١
٢٣	وما لي	٤٣٣	٣٦٣	يس ٦٢-٦٣ الصافات ١٨٢-١٨٣ ص ٨٨-٨٩ الزمر ٣١
٢٤	ومن اظلم	٤٦٣	١٤٥	الزمر ٣٣-٣٤ المؤمن ٨٥-٨٦ حم السجدة ٣٦
٢٥	اليه يرد	٤٨٣	٢٢٦	حم السجدة ٨-٩ الشورى ٥٣-٥٤ الزخرف ٨٩-٩٠ الدخان ٥٩-٦٠ الجاثية ٣٠
٢٦	حم	٥٠٣	١٩٥	الاحقاف ٣٥-٣٦ محمد ٣٨-٣٩ الفتح ٢٩-٣٠ الحجرات ١٨-١٩ ق ٣٥-٣٦ التدرج ٣٠
٢٧	قال فما خطبكم	٥٢٣	٣٩٩	التأثيث ٣-٤ الطور ٣٩-٤٠ التجم ٦٢-٦٣ القمر ٥٥-٥٦ الرحمن ٤٨-٤٩ الواقعة ٩٦-٩٧ الحديد ٢٩
٢٨	قد سمع الله	٥٣٣	١٣٤	المجادلة ٢٢-٢٣ الحشر ٢٣-٢٤ الممتحنة ١٣-١٤ الصف ١٣-١٤ الجمعة ١١-١٢ المنافقون ١١-١٢ التغابن ١٨
٢٩	تبارك الذي	٥٦٣	٣٣١	الطلاق ١٢-١٣ التحريم ١٢
٣٠	عم	٥٨٣	٥٦٣	الملك ٣٠-٣١ القلم ٥٢-٥٣ الحاقة ٥٢-٥٣ المعارج ٣٣-٣٤ فوج ٢٨-٢٩ الجن ٢٨-٢٩ المزمل ٢٠-٢١ المدثر ٥٩
				النبأ ٣٠-٣١ التزلزل ٣٦-٣٧ عبس ٣٢-٣٣ التكوثر ٢٩-٣٠ الانشراح ١٩-٢٠ الغاشية ٢٦-٢٧ الفجر ٣-٤ البلد ٢٠-٢١ الشمس ١٥-١٦ الليل ٢١-٢٢ الفجر ١١-١٢ الانشراح ٨-٩ التين ٨-٩ العلق ١٩-٢٠ القدر ٥-٦ البينة ٨-٩ الزلزال ٨-٩ الغدات ١١-١٢ انكسار ٨-٩ العصر ٣-٤ المهيمة ٩-١٠ الفيل ٥-٦ القريش ٣-٤ الماعون ٤-٥ الكوثر ٣-٤ الكافرون ٦-٧ النصر ٣-٤ الهب ٥-٦ الاخلاص ٣-٤ الفلق ٥-٦ الناس ٦-٧



فل منترجم گوید یعنی عالم
 انس و عالم جن و عالم ملائکه
 و علی بن ابی طالب یاس ۱۲
 فتح الرحمن
 فل منترجم گوید مراد از
 آنکه اکرام کرده شد بر
 آنها چهار فرقه اند بنی و
 صدیقین شهداء و صالحین
 و مراد از آنکه ختم گرفته
 شد بر آنها بهر دو اند و از
 گمراہان نصاری آئین
 قبول کن دناے مارا ۱۳
 فتح الرحمن

تفسیر عثمانی

عنه جن و رحیم هر دو
 بمعنی مبالغه است اما در
 "رحمن" نسبت به "رحیم"
 مبالغه بیشتر است و این
 ترجمه تمام این دعا نقلی
 شده.

عنه خداوند این سوره
 عظیم را بر زبان بندگان
 خود فرمود تا بندگان را
 ببارگاه مآشریف جنت
 حاصل کنند از حضرت
 مادرین سوال نیاز کنند
 ازین است که این سوره
 را تعلیم المسلمین تا من و
 بدین مناسبت در خانه
 فاتحه گفتن آئین سنت
 قرار داده شده و کلمه
 از قرآن مجید خارج و مستحب
 آن چنین است دعا
 اجماعت کن دعائے مارا
 یعنی ما را به بندگانی که
 مقبول بارگاه توانایی
 بازگشتند و ان تویی
 پروردور گردان پس
 نیز اول سوره فاتحه
 خداوند را ستایش ا
 و غیر دوم بندگان ادرا
 نیاز روز قیامت - فاعلمه
 غیر المغضوب بهالذین
 میباشد یعنی صفت او که این
 ترجمه مناسب آن است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره فاتحه در سه تازل شده و آن هفت آیات است
 سوره فاتحه هفت آیه و یکی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند بخشنده
 آغاز سے کہم بنام خداوند بخشنده
 است

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱

ستایش خداوند است پروردگار عالمیان
 ستایش خداوند بخشنده
 همه ستایشها را خداوند است آن خداوند پروردگار عالمیان است

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۲

خداوند روز جزا
 خداوند روز جزا
 خداوند روز جزا است

إِلهٍ هَدانا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۳

پروردگاری که ما را به صراط مستقیم
 پروردگاری که ما را به صراط مستقیم
 پروردگاری که ما را به صراط مستقیم هدایت فرمود

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۴

صراط آن بندگان را که تو بر ایشان
 صراط آن بندگان را که تو بر ایشان
 صراط آن بندگان را که تو بر ایشان

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۵

آن بندگان را که غضب تو بر ایشان
 آن بندگان را که غضب تو بر ایشان
 آن بندگان را که غضب تو بر ایشان

و الضَّالِّينَ ۵

و گمراہان
 و گمراہان
 و گمراہان



سورة البقرة نزلت في مكة في شهر ربيع الثاني سنة ثمان مائة وثمانين

سورة البقرة در مدینه نازل شد و آن دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

سورة البقرة در مدینه نازل شد و آن دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

بنام خداوند بخشنده مهربان

آغاز میکنم بنام خداوند بخشنده مهربان نهایت با هم است

الم ذلک الکتب لا ریب فیہ

این کتاب هیچ شبه نیست در آن

هدی للمتقین الذین یؤمنون

راهنماست برای متقین و ایمان دارند

بالغیب و یقیمون الصلوة و یمسرون

به نادیده و برپای دارند نماز را و از آنچه عطا کرده ایم انباشتار

ینفقون والذین یؤمنون بما

خرج می کنند و آنانکه ایمان می آرند به آنچه

أنزل الیک و ما أنزل من قبک

فرد آورده شده بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

نازل شده بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

عنه این حروف مقطعات
گویند منشاء اصلی آن
در بیان بی برکتی تو اندر بلکه
راز است در میان خدا
در پیغام بر روی ارض علیه
و سلم که بنا بر حکمت و مصلحت
آتش کاش نکردند آنچه از
تفسیر علی در معنی آن نقل
است خاص بقصد تفسیر
و تنبیه و تامل می باشد
شاید که اراده الهی چنین
بوده است گسائی این
تفسیرات را را کسی شخصی
می بیند مانند بر تردید آن
می برد و اندیشه خود
آنها اندیشه شخصی و قضا
با تحقیق علی را می افکند
عنه هیچ شبه نیست که
قرآن کلام الهی و منزه است
آن همه راست و واقعی
است انشاء و در کلام بود
طریق دارد
می شود
کلام خطا
و غلط می باشد
یا در ادراک
سایع فساد
و فقرت در صورت
شست خود کلام کل ریب
خواهد بود و دعوت ثانی
العبیه و در آن دانسته
این کلام حق در است
و گاه که ساینده می اند
بجست خود را در آن ایشان
محل ریب معلوم گردد در
این آیه رب صریح است
نهی گردد و این شبه نیز
منطقی شد که کافران قرآن
را کلام خدا و حق در است
منید استند و در آن ریب
و انکار داشتند پس نفی
ریب چه معنی دارد اشتباه
صورت دوم پس ازین
ذکر شده و آن کفر فی ریب
ما نزلنا الا باله

مترجم گوید حاصل مثل
آنست که اعمال منافقان
هرگز پادشاه نشود چنانکه روشنی
آن جماعه دور شد ۱۲
فل مترجم گوید که حال
مثل آن است که منافقان
در نظرات نفسانی افتاده اند
و چون مواضع اطمینان نشوند
فی الجمله ایشان را تنبیهی
پیشود و آن فایده نکند
مانند مسافران که در شب
تاریک و در حیران باشند
و در برق دوسه قدم برند
و باز ایستند و الله اعلم ۱۳

تفسیر عثمانی

خدا این مثال در منافقین
است منافقان چون
کسانی می باشند که در شب
موحش و تاریک ابرهائے
تیره و غلیظ افکار ابرو شده
باشد قطرات درشت و
مسلل باران را می فرود ریزد
در میان امواج مد بشش
ظلمت در غروب افکنند برق
با فرورغ غیون در دل خاک
خود درخشد و آنها را زبول
مرگ بگشاید و خوشی را
در گوش نهند تا با ادا از شد
آرزو قابل جوی کنند
این است حال منافقان
که کالیف تبهیدیه
شرع را می شنوند

۲ خوری در سوانی خویش
را امید اند ضیاع اعراض
و مصالح و نبوی را قصود
می کنند و از هر طرف و
کشاکش و اضطراب هر
شگفتی گرفتاری باشند و
با وجود این می خواهند
با تدابیر پیروزه از خوشبین
مناظر کنند قدرتی افند
مستولیست از عذاب
دردناک آن ابرو سنگبار
شده نتوانند ۱۲

و یدهم فی طغیانهم یعمهون ۵	او لیک الذین اشتروا	و همت میدهند ایشان را در طغیانی خویش سرگشته شده	ایشان آنکسند که خریدند
الضلالة بالهدی	فما ربحتم تجارتهم وما كانوا مهتدين ۹	و همت میدهند ایشان را در سرگشتی شان حال آنکه متعجبند	ایشان آن کسانی که خریدند
مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً	فلما اضاءت ما حوله	گمراهی را محض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند	گمراهی را محض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبودند راه یافتگان
ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمت لا یبصرون ۱۰	بکم عنهم لا یرجعون ۱۱	داستان ایشان مانند داستان کسی است که افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش حوالی او را مثال ایشان چون مثال کسیست که افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش حوالی او را	پس چراشت ایشان را در تاریکیها بیج نه بینند گرانند (ایشان) گرانند
ظلمت و رعد و برق	یجعلون اصابعهم فی اذانهم من الصواعق حذر الموت و الله محیط بالکفرین ۱۲	تاریکیها و رعد و برق می در آید و گدازد آن بارها و گدازد آن بارها	تاریکیها و رعد و برق می در آید و گدازد آن بارها و گدازد آن بارها
یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم مشوا فيه ۱۳	واذا اظلم علیهم	بر پای چشمان ایشان را هرگاه روشن شد برق ایشان را راه روند و در تاریکی دید بر ایشان	بر پای چشمان ایشان را هرگاه درخشید برق ایشان را راه روند و در تاریکی دید بر ایشان
قاموا و لو شاء الله لذهب بسمعهم و ابصارهم ان الله علی کل شیء قدير ۱۴	یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و	بایستند و اگر خواست خدا هر آینه بروی شنوایی ایشان را و دیدن ایشان را هر آینه خدا بایستند و اگر می خواست خدا هر آینه بر شنوایی ایشان را و بینایی ایشان را هر آینه خدا بر	بایستند و اگر می خواست خدا هر آینه بروی شنوایی ایشان را و دیدن ایشان را هر آینه خدا بایستند و اگر می خواست خدا هر آینه بر شنوایی ایشان را و بینایی ایشان را هر آینه خدا بر
الذین من قبکم لعلکم تتقون ۱۵	الذی جعل لکم الارض	کسانی را که پیش از شما بودند تا یاد بگیرید از آنها و از خدا بترسید (از خدا)	کسانی را که پیش از شما بودند تا یاد بگیرید از آنها و از خدا بترسید (از خدا)
فراشوا السماء ببناء و انزل من السماء ماء فخرج به	من الثمرات رزقاً لکم فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون ۱۶	بنا و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و	بنا و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و
من الثمرات رزقاً لکم	فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون ۱۶	پس مقهور کنید همشایان برائے خدا	پس مقهور کنید همشایان برائے خدا

والماء في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من
 مثله وادعوا لشهادتهم من دون الله إن كنتم صدقين
 فان لم تفعلوا وكن تفعلوا فأتوا بالنار التي فودها الناس و
 ان لهم جنت تجري من تحتها الانهار كلما رزقوا منها من
 ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل واتوا به
 متشاكها ولهم فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون
 ان الله لا يستحي ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها مما الذين
 امنوا فيعلمون ان الله الحق من ربهم واما الذين كفروا فيقولون
 ماذا اراد الله بهذا مثلا يضل به كثير اهل
 ما يضل به الا الفسقين الذين ينقضون عهد الله من
 بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون
 في الارض اولئك هم الخسرون
 كيف تكفرون بالله و
 انهم يستبدون
 انهم يستبدون
 انهم يستبدون

والماء في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من
 مثله وادعوا لشهادتهم من دون الله إن كنتم صدقين
 فان لم تفعلوا وكن تفعلوا فأتوا بالنار التي فودها الناس و
 ان لهم جنت تجري من تحتها الانهار كلما رزقوا منها من
 ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل واتوا به
 متشاكها ولهم فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون
 ان الله لا يستحي ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها مما الذين
 امنوا فيعلمون ان الله الحق من ربهم واما الذين كفروا فيقولون
 ماذا اراد الله بهذا مثلا يضل به كثير اهل
 ما يضل به الا الفسقين الذين ينقضون عهد الله من
 بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون
 في الارض اولئك هم الخسرون
 كيف تكفرون بالله و
 انهم يستبدون
 انهم يستبدون
 انهم يستبدون

كُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ رُجْعُونَ

حال آنکه بودید بے جان پس زنده گردانید شما را بعد از آن بمیرا، شما را باز زنده گردانید شما را باز بسوے دے گردانیدد شما را

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ اِسْتَوٰى اِلَى

دے آنست که بیا فرید برائے شما هر چه در زمین است آں ذاتست که بیا فرید برائے شما آنچه در زمین است

السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمُوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝۱۰

آسمان پس راست کرد آن هفت آسمان را و او بهم هر چیز داناست و یادکن چون آسمان (پس) برابر کرد آنها را هفت آسمان با ذات او بهم هر چیز داناست و یگانه که

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً ۝۱۱

گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفرینده ام در زمین جانشین را گفتند گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفرینده ام در زمین خلیفه را گفتند که

اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

آیای آفرینی در زمین کس را که تباه می کند و خونریزی کند و ما تسبیح میکنیم آیای گردانی در زمین کس را که فساد دے کند و آن وی ریزاند خون را و عاقلان ما تسبیح میکنیم

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۝۱۲ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝۱۳

بمجد تو و بپاکی اقرار میکنیم که تو بر آئین من میدانم آنچه شما نمیدانید و بحمد تو و پاکی یاد میکنیم مرترا گفت بر آئین من میدانم آنچه شما نمیدانید و

عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِیْ

بیا موقت خدا آدم را نامهای مخلوقات تمام آن باز پیش آورد آن چیزها را برابر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بیا موقت آدم را نام های اشیاء را بهم باز پیش کرد آن اشیا را برابر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا

بِاَسْمَآءِ هٰۤؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۝۱۴ قَالُوْا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا

بنامهای این چیزها اگر راست گوئید گفتند بپاکی یاد میکنیم ترا هیچ دانش نیست ما را بنام های این چیزها اگر برترید راستگویان گفتند بپاکی یاد میکنیم ترا نیست هیچ دانشی ما

اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ ۝۱۵ قَالَ یٰۤاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ

مگر آنچه تو آموختی بپا بر آئین تو تو ای دانای باهمت فرمود اے آدم خبر ده فرشتگان را مگر آنچه تو آموختی بپا بر آئین تو تو ای دانای باهمت گفت اے آدم خبر ده فرشتگان را

بِاَسْمَآئِهِمْ ۝۱۶ فَلَمَّا اَنْۢبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْ

بنامهای اینها پس چون خبر داد ایشان را بنامهای اینها فرمود آیا نگفتم بود شما که بر آئین من میدانم بنام های اینها پس چون خبر داد ایشان را بنام های ایشان گفت آیا نگفتم بود شما که بر آئین من میدانم

اَعْلَمُ غَیْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ

پنهان آسمان با و زمین و میدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه چیزهای نهانی آسمان با و زمین را و میدانم آنچه آشکارا میکنید و آنچه را شما

تَكْتُمُونَ ۝۱۷ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا

پوشیده میداشتید و چون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند می پوشانید و چون گفتیم به فرشتگان که سجده کنید به آدم پس همه سجده کردند مگر

اِبْلِیْسَ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ ۝۱۸ وَقُلْنَا یٰۤاٰدَمُ

ابلیس قبول نکرد و سرکش نمود و گشت از کافران و گفتیم اے آدم ابلیس عه نه پذیرفت و سر باز زد و بود از کافران و گفتیم اے آدم

تفسیر عثمانی
آدم ۴ مسلم گردید فرشتگان
و جنیان نامور شدند تا
بسوے او سجده نمایند
و او را قیام سجده خویش را
دهند بآیین شما بان که
و اقرار نصب و سجده
ارکان دولت و تقدیم
بدایات امور سازند
۳ تا حدی را بجا می آورد
نماز فرشتگان سجده کردند
و ای اصل
چون بود با ملائک آئینش
تمام داشت عدلت
نافرمانی ابلیس را چنین
توضیح میدهند جنیان
چندین هزار سال در زمین
تصرف داشتند و گنجه
بر آسمان نیز سر می کردند
در آخر غریزی و فساد
ایشان خداوند متعال
را امر کرد که بسجده آنها را
بقتل رساند و بر می را
در جزیره ها در صحرا ها
در کوه ها منتشر سازد تا جنیان
در میان مردے
عاید و پارسا بود و بخاسه
جنیان آنها را ملائک است
نیکو و سفارش فرشتگان
مخوف ماند و در میان ایشان
سکونت میکرد و در طمع
اقدام که بجای جنیان
مطرد و تصرف زمین
بوسے گذاشته شود
در عبادت میگوشت و
در همیشه در بوی خلافت
زمین بود چون حکم خدا
بخلافت آدم را دریافت
ابلیس مایوس شد و در
اتلاف عبادت ربانی
خویش و فساد حد آنچه
توانست انجام داد
و ملعون تا بدید گردید

وَلَدَانِ كَمَا تَكُن
وَقَدْ كَلَّمْنَا آدَمَ
وَلَمَّا تَقَفُوا لَكَأَنَّ
كُلُّهُمْ لَكَأَنَّ كُنْزُ
الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ - دانه
علم ۱۲
وَلَمَّا تَقَفُوا لَكَأَنَّ
بنی اسرائیل را نعمتای
خود داد و میگوید که
درین قوم ظاهر شده بود
دگر فرمود آنگاه شهادت و
بشوات ایشان را در کرد
بدلائل این قصه مستند
است تا قول تالی فی خطا
واذا بیئت ابراهیم
در ب ۱۲

تفسیر عثمانی

عده و تنه که آدم هرگاه
خدا را شنید از بهشت
برآمده و بیست افعال
گرسنت گرفت و دیراری
مشغول شد خداوند
از راه مهربانی
کلماتی چند بآنها
و القادرا و مروت
باین وسیله توبه آدم
اجابت گردید کلمات این
است "ربنا علما انفسنا"
آلایه ۱۲
عده خداوند توبه آدم
را پذیرفت ولی مجله امر
نمود که در بهشت باز گردد
نکته را که در باره مروت
او برین نفاذ یافته بود
هری الاما قرار داد -
مقتضای حکمت و رحمت
نیز چنین بوده و واضح
است که آدم هم بغرض
خلافت زمین آفریده شده
بود و بجهت سکونت بهشت
خداوند فرمود سکونت نیاید
مندگان مطیع را بجای
زبان سودمند و در رخ
برای کسی نیست که از
اطاعت خدا سر باز زند و دنیا برائے امتحان این دو عنصر متشاد و شاکسته است ۱۲

اَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ

برمان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت خوردن بسیار هر جا که خواهید
ساکن شو تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت خوردن زیاد هر جا که خواهید

لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۱۰ فَازْلِهَما الشَّيْطَانُ

نزدیک مشوید باین درخت که خواهید شد از گناهکاران پس بلغزانید هر دو را شیطان
نزدیک مشوید باین درخت (پس) می شوید از ظالمان پس بلغزانید هر دو را شیطان

عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

از اینجا پس برآمد ایشان را از آن نعمت که بودند در آن و فرمودیم هر دو را
از اینجا پس برآمد ایشان را از آن نعمت که بودند در آن و فرمودیم هر دو را

وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۱۱ فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ

و شما را هست در زمین آرامگاه و بهره مندی تا مدتی پس فراغت آدم از
و شما را هست در زمین آرامگاه و بهره مندی تا مدتی پس یاد گرفت آدم از

رَبِّهِ كَيْفَ كُنْتُمْ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۱۲ قُلْنَا

پروردگار خود سخن چند پس باز گشت خدا بپس بانی برده هر آنچه دوست باز گردنده مهربان و
پروردگار خویش سخن چند (پس) قبول کرد خدا توبه او را هر آنچه دوست پذیرنده توبه مهربان و

اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۱۳ فَمَا يَأْتِيَكُمْ مِنْهُنَّ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ

فرودید از اینجا همه شما پس اگر بیاید شما از من هدایت پس هر که پیروی کرد
فرود آمد ازین جا همه شما پس اگر بیاید شما از طرف من هدایت پس هر که پیروی کرد

هُدًى أَىٰ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱۴ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

هدایت مرا هیچ ترس نیست بر آن جماعت و نه ایشان اندوه خوردند و کسانی که گردیدند و
هدایت مرا پس ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوگین شوند و کسانی که کافر شدند و

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۱۵ يٰبَنِي

دروغ داشتند آیات ما را ایشان اند و باشندگان دوزخ ایشان در اینجا جاویدند و اے فرزندان
نکذب کردند آیات ما را آن گروه اهل آتش اند ایشان در آن همیشه می باشند اے فرزندان

إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي

یعقوب یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و وفا کنید پیمان مرا
اسرائیل یاد آرید آن نعمت مرا که انجام کردم بر شما و وفا کنید به عهد من

أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۱۶ وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ

تا وفا کنم بر عهد شما و از من بترسید و ایمان آرید بآنچه فرود آورده ام
تا وفا کنم بر عهد شما و خاص از من بترسید از زوال مانع دنیا و ایمان بیاورید به آنچه نازل کرده ام

مَصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرِيهِ ۱۷ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَتِي

تصدیق کننده آنچه با شماست و مبادید شما سخن کافر به آن و متانید عوض آیت های من
تصدیق کننده است آنچه با شماست و مبادید شما سخن کافر به آن و مبادید به آیات من

ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاشْقُونِ ۱۸ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ

بهای اندک را و از من هذر کنید و غلط نکنید راست را با نادر است و
بهای اندک و خاص از من بترسید و مبادید حق را به باطل و

تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۹ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

پنهان نکنید راست را و آنست
پنهان نکنید راستی را حال آنکه شما میدانید

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را
و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را

وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ اَتَاَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

و نماز گذارید یا نماز گذاران آای میفرمایید مردمان را به نیکوکاری و فراموش می کنید و نماز گذارید یا نماز گذاران آیا امر میکنید مردم را به نیکویی و فراموش میکنید

اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَنْتَهُونَ الْكِتَابَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَاَسْتَعِينُوا

خویشتر را و شما میخوانید کتاب یعنی تورات آیا نمی تفهید و مدد طلبید و نفهانه خود را حال آنکه شما میخوانید کتاب را چرا پس نمی کنید (عمل زشت خود را) و مدد بخوانید

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۝ وَاِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝ الَّذِينَ

بشکایتی و نماز و بر آئینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه نصبر و نماز و بر آئینه نماز البته گران است مگر بر فروتنانی که

يُظَنُّونَ اَنْهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَاَنْهُمْ اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ يٰبَنِي اِسْرَءٰىلَ

میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آنکه ایشان بسوئے و باز خواهند گشت اے فرزندان یعقوب چنین دارند بکه بر آئینه ایشان ملاقات کنندگان پروردگار خواهند و بر آئینه ایشان بسوئے او باز خواهند گشت ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)

اَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ اَفَلَا

یاد کنید آن نعمت مرا که از منی دانستم ام بر شما و آنکه فضل و ادام شارا بر یاد کنید نعمت مرا آنکه انعام کردم بر شما و بر آئینه من بتری و ادام شارا بر

الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا

بر عالمها و خداوند از آن روز که کفایت نکند هیچکس از کس چیزی را و عالمیان (آن زمان) و ترسید از روزی که کفایت نکند هیچکس از هیچ کس چیزی را و پذیرفته نشود

يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ ۝ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ ۝ وَاِذْ

پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود هیچ کس عرض و نه ایشان یاری داده شوند یا و کنید نعمت من آنوقت از او شفاعت و گرفته نشود از او عرض (خداوند) و نه ایشان یاری داده شوند یا و کنید و گفته را که

بَخَيْنَكُمْ مِنْ اِلٰلٍ فَرَعُونَ ۝ يَسْؤُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ بِئْسَ

که را بنیدید شارا از کسان فرعون میرسانیدند بشارا سخت ترین عذاب ذبح میکردند نجات دادیم شارا از کسان فرعون که می چشاندند شارا بدترین عذاب ذبح میکردند

اَبْنَاءُكُمْ وَيَسْتَفْجِرُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ

پسران شارا و زنده میگذاشتند دختران شارا و درین کار آزمائشی بود از پروردگار پسران شارا و زنده میگذاشتند زنان (دختران) شارا و درین کار آزمائشی بود از رب شارا

عَظِيمٌ ۝ وَاِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَابْجَيْنَاكُمْ وَاَغْرَقْنَا اِلٰلَ فَرَعُونَ وَ

شمار و آن وقت شکافتیم برائے شما دریا را پس خلاص کردیم شارا و غرق ساختیم کسان فرعون را و بزرگ و یاد کنید و گفته را که شکافتیم بر برب شارا دریا را باز نجات دادیم شارا و غرق کردیم اسراع فرعون را و

اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ وَاِذْ وُعِدْنَا مُوسٰى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمْ

شما میدیدید و آن وقت که میباید مقرر کردیم با موسی چهل شب پس گرفتید و یاد کنید و گفته را که وعده دادیم با موسی چهل شب را بعد گرفتید شارا

الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهَا وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفُوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ

گوسال را پس از رفتن موسی و شما سرگازر بودید پس در گرانیدیم از شما بعد گوسال را (معبود) پس از موسی حال آنکه شما سرگازر بودید پس عفو کردیم از شما بعد از

ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَاِذْ اَتَيْنَا مُوسٰى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

ازین تا بود که سپاسداری کنید و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت و یاد کنید و بنگاه که دادیم موسی کتاب و حجتی میدادند حق از باطل آن تا شارا فکر کنید

و ای بنی ذیحجج عاقبت تو مصائب الهی را علم کن و ای بنی علیان آن زمان و ای مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بود که کاشان فرعون را خبر داده بودند که مدتی پس پسر پیدا شود که باعث برافراختن پادشاهی او گردد و ای مترجم گوید که خدا موسی علیه السلام را وعده داد که چهل شب در محراب مشورت عطا فرمایم و درین مدت بنی اسرائیل با خواسته ساری که ساری برین افتاد که خداوند تعالی بعد عود موسی حکم فرمود که بعضی ایشان را بکشد و این که بر ایشان سختی و ای بنی عبود را فقیه تفسیر عثمانی و بعضی طلبه یهود مبراته بخیر رسانند که دین اسلام را در خیر خوش بخیر بنیائش کنند و ای خدا ایمان نیارند و بخیر موانع علای یهود بلکه اکثر مردمان ظالمین و ایمان اشتباه بودند که چون ما در تعلیم احکام شریعت تفسیر میکنیم و در دین حق پرستی اقلیم پابندی در احکام شریعت ضرورتی بای نمی ماند و به بنای الدال با بخیر کفایله در صورتیکه مردم اعمال شرع را در اثر هدایات ما بجای آیند آن اعمال از انان است و چه ضرورت است که خود

داخل عمل شوم این آیه که بر برای هر دو خبیله بطلان میکشد مطلب و احتیاط آنچه موعظه میکند خود بران عمل نماید نه اینکه فاسق بکس موعظه نکند

ولم یترک لکم من یشی علیہ السلام بنی اسرائیل باخو و یرونا باوے کلام الاهی استماع نمایند ایشان بعد از شنیدن خوانان رویت شدند و در طلب آن پادشاه و در پیرون نهادن عدا و تعالی آن که را با صفا بوحثت و بیادید عالمی موسی زنده ساخت و از کشتن باقیقت است این آیه و بنی اسرائیل را می شنیدند بجهاد عالمه و ایشان و مان باب تعاقب کردند پس محاسبه باقیات و در میانان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمهها مفقود شدند تعالی بیداع موسی علیه السلام من و سلمی نازل ساخت و از سنگ دوازده چشمه روان کرد و در راس ایشان گرفتند قدر این نعمتها نشاندند و کفران نعمت کردند اشارت بدین قسم است این آیه ۷ و بنی اسرائیل را که در دنیا محنت موسی فتح شده بود ۱۲ و کما بنی بانی حطه حطه گفتند ۱۲ تفسیر عثمانی علی ابن زبیر بیان داشت که محراب است و محراب ۴ آب زبیر از ضرب عصا بر سنگ دوازده چشمه ۱۳ شد بنی اسرائیل ۶ بر دوازده قبیله تقسیم و تعداد نفوس قبیله اهلقت بود ملاست معرفت هر چشمه اندوه و موافقت کی دیشی نفوس بودیا بر اساس اختلاف اطراف سنگ گفته اند نظری که ازین محراب باهره انکار می آید نمیتواند قوم غلاف آوردند و صدیکه متعالی این اجنب می کند چه در است کرسنگ آب اجنبی را

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۵ وَاذَقَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ

تا بود که راه یابید و آن وقت که گفت موسی قوم خود را که بگو سال سجد نمودن این قوم بر این شمشیر ستم کردید و بهنگامه که گفت موسی قوم خود را که بگو سال سجد نمودن این قوم بر این شمشیر ستم کردید

انفسكم ياخذكم العجل فتوبوا الى بارئكم فاقتلوا انفسكم ذلکم

بر خویشتان بفرار گرفتن کوسار پس باز آید بسوئے آفرید کار خود بکشید خویشتان را این بود که بکشید خویش بفرار گرفتن کوسار را در بخدائی پس توبه کنید بسوئے آفریننده خویش پس بکشید نفس بائے خود را این

خير لكم عند بارئكم فتاب عليكم ان الله هو التواب الرحيم ۶ و

بہتر است شمارا نزدیک آفرید کار شمارا پس خدا باز گشت بمرحمتی بر شمارا بر این آفریننده دوست باز گردند مهربان و بہتر است برائے شمارا نزد آفریننده و تان پس باز گشت خدا بمرحمتی بر شمارا بر این آفریننده دوست بسیار توبه پذیر نهایت مهربان و

اذ قلتم يا موسى لن نؤمن بك حتى نرى الله جهرة فاخذناكم

آن وقت که گفتید اے موسی هرگز با ما دعایم ترا تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شمارا یا آنکه گفتید و تنه را که گفتید اے موسی هرگز ایمان نیادیم به تو تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شمارا

الصعقة وانتم تنظرون ۷ ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم

صاعقه و شما میدیدید باز زنده گردانیدیم شمارا پس از مردن شما تا شما صاعقه و شما میدیدید باز برانگیختیم شمارا پس از مردن تان تا شما

تشكرون ۸ ووظلنا عليكم الغمام وانزلنا عليكم المَنَّ والسَّوَّى

شکر گزاری کنید و سایه بان ساختیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما من و سلمی را و شکر گزاری و سایه بان ساختیم بر شما ابر را و فرود فرستادیم بر شما من و سلمی را

كلوا من طيبات ما تركنا لكم وما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم

بخورید از پاکیزه های آنچه دادیم شمارا و ایشان ستم نکردند بر ما و سبکی بر خویش بخورید از پاکیزه چیز های که دادیم بشما و ظلم نکردند بر ما و لاکن بودند که بر نفس های خویش

يظلمون ۹ واذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا من حيث

ستم میکردند و آن وقت که گفتید و آیدید درین دیه و کل پس بخورید از آنجا با فروزی ظلم میکردند و زیاد کنید بنگاه را که گفتیم و اصل خریدیدین ده پس بخورید از آنجا بر جا که

تشتم رغدا وادخلوا الباب سجدا ووقولوا حطة تغفر لكم

بر جا که خوابید خودی گوانده و آیدید دروازه سجد کنندان و بگوئید سوال آمرزش است تا بیا مرزیم شمارا خوابید خودی (فراخ) فارغ و آیدید دروازه سجد کنندان و بگوئید بخش تا بیا مرزیم بشما

خطيكم وسنزيد المحسنين ۱۰ فبدل الذين ظلموا قولا

کتابان شما و زیاد کردیم نیکو کاران را پس بدل کردند کسانی که ستمکار بودند سخن کتابان شما و زداد است که بسیار داریم نیکو کاران را پس بدل کردند کسانی که ستم کردند سخن را

غير الذي قيل لهم فانزلنا على الذين ظلموا جزا من السماء

بخش آنچه فرموده شد ایشان را و آن وقت که آب خواست موسی برائے قوم خود پس گفتیم بزن به غیر آنچه گفته شد برائے شان پس فرود فرستادیم بر آنانیکه ستم کردند خدا را از آسمان

بما كانوا يفسقون ۱۱ واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب

بسبب بدکار بودن ایشان و آن وقت که آب خواست موسی برائے قوم خود پس گفتیم بزن بسبب فسق که میکردن بچون آب خواست موسی برائے قوم خود پس گفتیم بزن

بعصا الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل

بعضی خود سنگ را پس روان شد از سنگ دوازده چشمه بداشت هر بعضی خود سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه هر آفریننده داشت هر

فل یحیی شکار کردند و
 شکار کردن روز شنبه در
 دین بنی اسرائیل حرام
 بود ۱۲
 فل یحیی در آن زمان جان
 بود ۱۳
 فل یحیی شکار کردند و
 بنی اسرائیل گفتند
 و گفته آن معلوم نبود
 خدا تعالی حکم فرمود که
 گاوس را ذبح کنند
 و بعضی از آن مقتول
 را بزنده باز نمودند و
 قاتل خود خیر و بر القصد
 گاوی را به مبلغ خطی خرید
 کردند و بزنده مقتول نمود
 شد و یسرا نغم خورد
 نام بود که ایشان گفتند
 پس قاتل انقباس
 رسانیدند از آن باز قاتل
 را از میراث محرم ساختند
 و الله اعلم ۱۴

تفسیر عثمانی

عنه بنی اسرائیل یک
 تورات مامور بودند که یک
 شنبه را بعبادت خیر
 و همه در آن روز شنبه
 شکار نه کنند آنها نیز
 روز شنبه شکار کردند
 خداوند بصورت این بندگان
 آن باسخ کرد و بفرمود
 و شورش بر سر می
 نگریستند و می گفتند
 سخن گفته نمی توانستند
 سرودن باین صورت
 زنده بودند مردود
 این را قصد در کار
 حضرت داود ۲
 بفرمود بر سر
 سوره اعراف تفصیل
 ذکر شود ۱۳
 عه این گاوی را
 نیک فطرت بود و می
 مادرش را بخوبی نمید
 میکرد یک پیران را باند
 که در پوست آن گاوی
 گنجینه داد و آن را خرید
 که شتم مردم را و می
 که باین بهانه میزد
 که از آن خرید و آن
 که شتم مردم را و می
 که باین بهانه میزد

عَلِمْتُمْ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً

دانشته آید آن کسانی که از حد گذشتند از شما در شنبه فل پس گفتیم ایشان را بوزنه شوید

خَاسِرِينَ ۵ فَجَعَلْنَا نَكَالَ لِبَاسَيْنِ يَدَيَّهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً

خوار شده پس ساختیم این قصه را بر آن قوم که پیش آن دیر بودند فل و آن قوم که پس از ایشان آیند و پند

لِلْمُتَّقِينَ ۵ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا

بر بندگان گاران را فل و آن وقت که گفت موسی بپدر خود هر آئینه خدا می فرماید شکار

بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُ بَهِيمَةً كَالْحِزَابِ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ

گاوس گفتند آیا ما را سحر می کنی گفت پناه می گیرم بخدا از آنکه باشم از

الْجَاهِلِينَ ۵ قَالُوا ادْعُ لَكَ رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۖ قَالَ إِنَّ

نادانان گفتند سوال کن برائے ما از پروردگار خود تا بیان کند برائے ما چیست آن گاوی گفت هر آئینه خدا

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا يَكْرَهُ عَمَلُ بَنِي ذَلِكَ ۖ فَافْعَلُوا

می فرماید که هر آئینه آن گاویست نه پیردند و نه از میان این و آن پس بکنید

مَا تَأْمُرُونَ ۵ قَالُوا ادْعُ لَكَ رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْ هُمَا قَالَا إِنَّ

آنچه فرموده شدید گفتند سوال کن برائے ما از پروردگار خود تا بیان کند برائے ما چیست رنگ آن گاوی گفت هر آئینه خدا

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفَرَاءُ فَاقْعُ لَوْ هُمَا تَسْرُّ النَّظِيرِينَ ۵ قَالُوا

میفرماید که آن گاویست زرد رنگ زرد است رنگ آن خوش میکند بینندگان را

ادْعُ لَكَ رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۖ إِنَّ الْبَقَرَ تَشْبَهُ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن

سوال کن برائے ما از پروردگار خود تا بیان کند برائے ما چه کاره است آن گاوی هر آئینه گاو دان مشتبه شدند بر ما

شَاءَ اللَّهُ لَهْتَدُونَ ۵ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ

خواستار است خدا را یافتگانیم گفت هر آئینه خدا میفرماید که آن گاویست نه گاو نیست نه محنت کشنده که ستود اند

الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةً لَا تَشِيءُ فِيهَا قَالُوا لَئِن

زمین را و نه آب میدهد زراعت را سلامت است بیج عال نیست و روسته گفتند احوال

جِئْتُ بِالْحَقِّ ۖ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ۵ وَإِذْ قُلْتُمْ نَفْسًا

آوردی سخن درست پس ذبح کردند و نزدیک نبودند از آنکه کنند و آن وقت که گفتند شخص را

فَادْرَأْنِي فِيهَا ۖ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۵ فَقُلْنَا اضْرِبُوهَا

پس نزار و کوبید و و خدا بیرون آنرا است چیزی را که پنهان میکردید پس فرمودیم بر بنده این شخص را

پس نزار و کوبید و و خدا شکار کننده است آنچه را پنهان میکردید پس گفتیم بر بنده آن را

فتح الرحمن

فل یعنی بار ریسان
خویش آن ریسان ۱۲
فل یعنی نعمت پیغمبر
آخر الزمان ۱۳

تفسیر عثمانی

عنه منافقان بهود
سایه حضرت پیغمبر را
که در کتاب ایشان بود
از تلقی مسلمانان اظهار
میداشتند بیهودان دیگر
ایشان را ملاحت میکردند
و میگفتند چرا از کتاب
خویش به مسلمانان مسند
میدادید بیهودان مسلمانان
در اثر اخبار خود شما را
بجسور بهر دوکار ملزم
کرده گویند بهود پیغمبر
آخر الزمان را صادق
دانستند اما این را ندانند
آنگاه جواب خواهند داد
عنه پنهان فاشکار
ایشان به پیشگاه خداوند
تماما روشن است حضرت
او متراشند که در اهل
کتاب آنها را بر مسلمانان
آشکار سازد چنانچه
مواقع آن اطلاع دارد
است بهود آیت جم را
پنهان کرده خداوند
آن را ظاهر نموده و سبب
فنیعت بهود گردانید
چنین گردید از ایشان
ایشان که دعوی دانش
و کتاب داشتند ۱۲
سه به دانشان بهود
بر نبشته با توورات
اطلاع ندانند مگر بر
آوردن چند کلام
سخنان دودغ علمای
خویش شنیده اند مثلا
در همیشه جز بهود دیگر
نخواندند و امداد ما
حتما را مشاعست
میکند این هر تخیلات

بَعْضُهُمْ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

بعض دے از گدایان طوط زنده میکند خدا مردگان را و بیناید شما نشانهای خود تا بود که
به پاره از گدایان بهچین زنده میکند خدا مردگان را و بیناید شما نشانهای خود قدرت خویش را تا شما

تَعْقِلُونَ ۲ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ

در یابید باز سخت شد دلهاے شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند
لنگر کنید باز سخت شد دل باے تان بعد از آن پس آن ها مانند سنگ اند

أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَ

بلکه زیاده تر سختی و هر آئینه از سنگها آفت که مدالی می شود از روی جوینها و
یا بیشتر و سختی و هر آئینه از سنگها آفت که مدالی می شود از آن جوی ها و

إِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ السَّاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ

هر آئینه از سنگها آفت که می شکافد پس بیرون می آید از روی آب و هر آئینه از سنگها آفت که فرو می افتد
هر آئینه بعضی از سنگها آفت که می شکافد پس بیرون می آید از آن آب و هر آئینه بعضی از سنگها آفت که فرو می افتد

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۳ أَقْطَعُونَ

از ترس خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید اے عوامان آیا امید میدارید
از ختم خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه می کنید آیا اے مسلمانان قطع دارید

أَنْ يَوْمِنَا أَلَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ

که بهود متقاعد شوند شما را و هر آئینه گردد از ایشان می شنیدند کلام خدا را یعنی تورات را
که آنها باور دارند سخنان شما را و به تحقیق بود گردد از ایشان کی شنیدند کلام خدا را

ثُمَّ يَعْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۴ وَإِذْ الْقَوَا

پس بدل میکردند دانسته بعد از آنکه فهمیده بودند ادرا و چون ملاقات کنند
باز تحریف میکردند آنها بعد از آن که فهمیده بودند آنرا از ایشان میدانند و چون ملاقات کنند

الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا أَمَّا جَاهِلِيَّتُنَا آلَا مَنَاقِبُهُمْ وَإِذِ الْيَهُودُ

با مؤمنان گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی و گویند
با کسی که که ایمان آورده اند گویند ایمان آوردیم و هنگامی که تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی گویند

أَتَعْبُدُونَ إِلَّا مَا جَاءُوكُمْ بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا

آیا خیر می پیدایشانرا آنچه گشاده است خدا بر شما و تا مانده اند که با شما بان دلیل نزد هر دو کار شما آیا مدعی یابید
چرا میگوید (آیا خیر می پیدایشانرا) ایشان را آنچه ظاهر کرده خدا بر شما تا مانده اند که با شما بان دلیل نزد هر دو کار شما آیا

تَعْقِلُونَ ۵ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۶

این جوایان آیا نمیدانند که خدا میدانند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا می نمایند
در می یابید اے آیا نمیدانند که هر آئینه انش می دانند آنچه را پنهان میکنند و آنچه را آشکارا می نمایند

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا الْآمَانِيُّ وَانَّهُمْ

و بعضی از ایشان ناخواندگان بنیدانند کتاب را لیکن میدانند آنرا باطل و نیستند
و بعضی از ایشان ناخواندند بنیدانند کتاب را مگر آنرا باطل و نیستند

لَا يَظُنُّونَ ۷ قَوْلَ الَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بَايِدُ بِهِمْ ثُمَّ

مگر گمان کنند پس دایه آسمان را که می نویسند نوشته بر دستهای خود باز
مگر که گمان میکنند اے پس عذاب است بکسانی که می نویسند کتاب را بر دستهای خود باز

يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا قَلِيلًا قَوْلَ لَهُمْ

میگویند این از نزدیک خداست تا بستانند عرض دے بهایه اندک را پس دایه ایشان را
از جانب خداست تا بستانند عرض دے بهایه اندک پس عذاب است بایشان

و استمریم گوید یکے از
 مقام عالمی بود و آن بود
 که میگفتند برین نباشد
 و روح مغربوسه چند
 این خطا است زیرا که
 دخول جنت موقوف بر
 ایمان نبخدا و روز قیامت
 و مبینا مبر آخر زمان است
 جنس بهبود و غیر آن اعتباراً
 ندارد و اشارت به این معنی
 است این عبارت استعلا

تفسیر عثمانی

۱۵ اینها کسان هستند
که سخنانی بعبار ذوق اندیشه

۹
۱۱

ہائے عوام از خود ساخته
می نوشند و آزا
بکفرت خداوند

منسوب میباشند ۹
مثلاً تواریخ نوشته بود که
مقامی...

زینا، چشمان سیاه، قامت
سیاه، انگشتان منجمد تابان

زنگنه گندمی متولد میشود
علما، بهیودا نرا تحریف نمود
و در شانل فرخنده

از خود نگاشتند که قامت
او بلند چشمان او کبود، موی او

نبوت حضرت دے را
تصدیق نکلند و نافع دے را

ایمان رافتوئے نرسد ۱۲
ع ۵ این ایام بقول
یعنی ہفت روز است

و بقول بعضی پہل روز۔
 رکعت عبادت گوسالہ

سال است آن مدت
سرگردانی تیه باشد، و

وہ دنیا مذمتی کردہ اندر
۱۵۰ این سخن کہ یہود دور

دو نغ جاوید نمی ماند صحیح
نیمست چو آله قاعده کلیه
خلود و دو نغ و بهشت که

در آینده بیان میشود در باب

فَبَاكَّتْ اَنْفُسُهُمْ وَوَيَّلَ لَهُمُ مَلٰٓئِكُيُسُفُوْنَ ۝ وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا

بسیب نوشتن دستبائی ایشان و دوائی ایشان را بسبب پیش گرفتن ایشان داد و گفتند بر کز ما تماس نکند

چند روز	مگر	مغمومہ شدہ	بگو	آیا گرفتید	از پیش خدا	پیمانے	تا ہرگز
کمر	روز ہائے	مغمومہ شدہ	بگو	آیا گرفتید	از نزد اللہ	پیمانے	پس ہرگز

بِخَلْفِ اللَّهِ عَهْدًا أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ بَلْ

مُطَافِئُ كُنْدِ خُدا پیمانِ غُدرِ آید میگوید در خدا آنچه نمیدانید

فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفٰسِقِیْنَ
مَنْ كَسَبَ سَبْعَةً وَاحِدَةً بِهَا خَطِيئَةٌ فَلَيْلِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هر که کرد کار بد و بگرو آید او را گناه او پس ایشان را پاشندگان دوزخ
هر که کرد گناه و احاطه نمود با او گناه او پس ایشانند اهل دوزخ

ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته	و کسانی که	در آنجا جاویدند
ایمان آوردند و کردند اعمال شایسته	و کسانی که	در آنجا جاویدند

اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۱۱ واذ اخذنا ميثاق

بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ قَدْ وَبَّأْنَا لَدَيْنَ احْسَانًا وَ

ذی القربی و التمد و المسکن و قوله اللیالی و اقامه

ماہل قربات و یستیمان و بے نزیان و بگوئید بگردان سخن نیک و برپا دارید
بر اہل قربات و بگردان درمرد و بے نزیان و بگوئید بگردان سخن نیک و برپا دارید

نماز	و ہدیہ	زکوٰۃ	پس	برگشتہ روگردان شدہ مگر اندکے	از
نماز	و ہدیہ	زکوٰۃ	پس	برگشتہ روگردان شدہ مگر اندکے	از

وَاِذَا اخَذْنَا مِنْكُمْ اَنْفُسَكُمْ لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَاءَكُمْ وَلَا

و گردان گانید و بیاد آید زمانه که گرفتار همان شادان که مرزید و خورنای یکدیگر را و

تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَبْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

مکنید (قوم) خود را از دیارتان پس قبول کردید حاضر آمدہ
بیرون مکنید (قوم) خود را از دیارتان پس اقرار کردید و شاگردی میبد (قبول کردید)

باز شا آن گردید که می کشید قوم خویش را و بیرون می کشید گردی را از قوم خود از

باز شا آن گردید که میکشید همه را خود را و بیرون می کشید گردی را از خود را از

دیارِ کُلم تظہرون علیہم بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاِنْ يَأْتِيَكُمُ

پسینمای یکتا یا پلید بر ایشان
بجمله و ظلم و اگر بیایند بشما
هر مردم کیان نغازی یا بد ازین قاعده کلیه هم مستثنی نیست ۱۲

الْأَسْرَى تَفْدَوْهُمْ وَهُمْ هُمْ مَحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوْهُمْ مَنْ

می آیند فدای میدهند عوض ایشان و حال آنکه حرام است بر شما اسیران فدای میدهند غلامی بکفایت ایشان با حال آنکه حرام شده است بر شما برکن کردن ایشان آیا ایمان می آورید

بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ

پاره از کتاب و کافر می شوید پاره پس چیست جزا آنکه چنین کند

مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ

از شما مگر خوارگی در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند

إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ أُولَئِكَ

بوسه سخت ترین عذاب و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید و ایشان بوسه سخت ترین عذاب و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید و ایشان

الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ

آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت پس سب کرده نشود از ایشان عذاب

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ

و نه ایشان یاری داده نشوید و به ایشان مدد داده میشوید و به تحقیق دادیم موسی را کتاب و از پی دادیم بعد از او

بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَا بِرُوحِ

پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه های روشن و توثیق دادیم ارواح بر روح پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را معجزات روشن و توثیق دادیم ارواح بر روح

الْقُدْسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ

القدس یعنی جبریل آیا هرگاه آورد پیغامبر بر شما آنچه دوست ندارید نفسهای شما سرکش گردید

فَفَرِّقَا كَذِبُكُمْ وَفَرِّقَا تَقْتُلُونَ ۝ وَقَالُوا اقْلُوبْنَا عِلْفًا بَلْ

پس گویید که دروغ گویید و گویید که کشتید و گفتند دل ما را برگردانید و گویید که کشتید

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ

لعن کردن خدا بر کفر ایشان را بعد از سبب کفر ایشان پس اندک ایمان آوردند و هنگامه آمد بایشان کتاب

مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ

از نزدیک خدا و طلب کننده آنچه بایشان است و پیش ازین طلب فتح میکردند

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ

بر کسانی که کفر کردند پس هرگاه آمد بایشان آنچه میشناختند مسخر شدند و پنداشتند پس لعنت خدا است

عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ يَسْمَا شَرًّا وَبِهِ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

بر آن کافران و بدتر است از آنچه فروخته و عموماً و عموماً را که کافر شوند با آنچه فرود آورده است خدا

فما یعنی از کوفه شدند
از ایشان جدا شدن کردن و
در علم و کاری نمودن فرجه
شدن بقدره اسیران
و ایشان ازین برادران
بعد از اسیران غسل
کردند پس زیرا که موافق
نفس ایشان افتاد این
طاعت نفس است و
خدا نیست ۱۲
فما مترجم گوید در اینجا
تبارع بود آیه که بخند
قولینا غافل یعنی درین
خود افتاد است کام و ارم
که هیچ شیهه بدین راه نمی یابد
و این خدا است و سبب
۱۴ قبول نکردن دین سبب
حسد و جمل بود و تفرقه
۱۵ زیرا که آثار تفرقه
در نگاه از ایشان ظاهر
نمی شد و اشارت بهین
معنی است بر آیات
۱۶ یعنی قرآن ۱۳
و کفر یعنی است بآن
نقد که بهیچ وجه باطلان
جمله میکردند و نه نیست
می یافتند و فرود آمدن که
بطلان معنی ای که
خروج او را از زمان
موجود است اما انصراف
بعد از آن فتح یافتند ۱۴
و یعنی قرآن ۱۳
تفسیر عثمانی
عنه یعنی احکام رای پذیرفته
از بعضی اخباری و درین
چون تجزیه ایمان ممکن
نیست کیسه بر بعضی حکام
احکام و کافر مطلق گوید
و از ایمان بر یارده از
احکام و ایمان او را
نمیست نه باشد از این
آیت واضح است که
او را شرع را دوستی نیست
و در تسلیم قسمتی که به

موضع و طبع و احوال و داشته باشد تفسیر و در آنچه در بعضی احکام متابعت نموده بوسه نمیشد

وَاللَّهُ يَصِيرُ الْيَسِيرُونَ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْحَبِيبِ فَقَدْ خَالَفَ عَلَى قَلْبِهِ

وَعَدًا نَبِيًّا اسْتَبَدَّ بِجُورٍ كَثِيرٍ وَكَانَ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ وَالْعَدْوِيَّةِ وَكَانَ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ وَالْعَدْوِيَّةِ

بِإِذْنِ اللَّهِ مَصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ

بِحُكْمِ خُدا باوردارنده آنچه پیش و پس است و در پناه و در دهنده اهل ایمان را بر که باشد

عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلِكُوتِهِ وَرُسُلِهِ وَحَبِيبِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

و دشمن خدارا و فرشتگان و پیران و پیغمبران و پسران و پسران را پس که بر آید خدای دشمن است

لِلْكَافِرِينَ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

آن کافران را در آید بر آید و در آید بر آید و در آید بر آید و در آید بر آید و در آید بر آید

أَوْ كَلِمَاتٍ عَمَّا يُخَالِفُونَ فِيهِ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آیا بر که استند پیمان را بر انداخت آن را کرده است از ایشان بلکه اکثر ایشان باور نمیدارند و هرگاه که

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ

آمد ایشان فرستاده از جانب خدا تصدیق کننده به آنچه ایشان است بر انداخت گروهی از آنان که

أَتَوْا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَوْا ظُهُورَهُمْ كَانُوهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَاتَّبِعُوا مَا

داده شده اند کتاب کتاب خدا را پس پشت روی خود را می بینند و پیروی کردند آنچه

تَنَزَّلَ الشَّيْطَانُ عَلَى مَلَكِ سُلَيْمَانَ وَكَافَرَ سُلَيْمَانَ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ تَقْوَى

نیز از شیطانان در سلطنت سلیمان و کافر شد سلیمان و لیکن شیطانان کافر شدند

يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّاجِدِينَ وَالْأَنْزِلَ عَلَى الْمَلَكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ

می آموختند مردمان را چادو و پیروی کردند آنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت

وَمَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَ إِنَّمَا حُفَّتْ غُرَّتُكُمْ فَبِتَعْلَمُونَ مِنْهَا

و نمی آموختند هیچکس را تا آنکه گویند جز این نیست که ما را حفر کرد غرورتان پس با دوی کرده اند از ایشان

وَيَقْرَأُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ الرُّعُوزَ وَجَعَلُوا مَا هُمْ بِضَالِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ

آنچه می خوانند و در میان مرد و زن او و میخوانند ایشان زبان رسانند که هر چه میگویند و هر چه

اللَّهُ وَتَعْلَمُونَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَلَا يَشْعُرُونَ وَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ الشَّيْطَانَ

خدا و ایشان می خوانند آنچه در میان مرد و زن او و میخوانند ایشان زبان رسانند که هر چه میگویند و هر چه

مَا لَكُمْ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَيْسَ فَاشْرَ وَأَبْهَ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا

نیست او را در آخرت هیچ بهره و پسر آینه بد چیز است آنچه فرود خفتند غرورتان و در آید از خود را اگر

آنرا نیست او را در آن جهان هیچ بهره و پسر آینه بد چیز است آنچه فرود خفتند غرورتان و در آید از خود را اگر

۱۱ و اما دیگر از جمع
۱۲ بنوع کلام به پیوسته
۱۳ گویند هر چه از این
۱۴ بر آید و از سخنان
۱۵ پیروان بود که جبرئیل
۱۶ را دشمن میداشتند
۱۷ که غضب بر ابراهیم علیه
۱۸ فرود آورد و این خطا
۱۹ است که جبرئیل را مورد
۲۰ است از جناب حق عز و
۲۱ جل و بر او چه اعتقاد
۲۲ و دیگر از سخنان است
۲۳ آن که در کفر میگردند
۲۴ سلیمان علیه السلام را
۲۵ ساحر میدانستند و
۲۶ این اثر را بود بر سلیمان
۲۷ علیه السلام داشتند
۲۸ بهین معنی است در این
۲۹ آیت ۱۱
تفسیر عثمانی
۳۰ علی بن ابی طالب گفتند
۳۱ جبرئیل که پیغمبر و وحی
۳۲ می آورد و دشمن است
۳۳ اسلاف ما از وی بدیدیم
۳۴ بودند اگر چه جبرئیل
۳۵ فرشته بود پیغمبری بهر جهت
۳۶ و وحی می آورد و ما بدیدیم
۳۷ ایمان می آوردیم -
۳۸ خداوند در جواب نشان
۳۹ گفت فرشتگان از خود
۴۰ چیزی نمی گفتند هر چه
۴۱ نفاذ میدادند حکم
۴۲ خداوند است خدا
۴۳ کسی را دشمن است
۴۴ که با آنان دشمنی می ورزد
۴۵ عده پیروان پیش
۴۶ عادت دارند که هر
۴۷ عهدی که با خدا و
۴۸ پیغمبری و یا با دیگری
۴۹ نهاده اند خود ایشان
۵۰ جماعتی بر می خیزند و
۵۱ میگویند خود را از این
۵۲ نماند پس از پیوسته
۵۳ تورات ایمان ندارند
۵۴ دهند از نقص میگویند
۵۵ باکی ندارند

فلا دیگر از صفوات
 بیرون آید که در
 مجلس پیرامین آمده
 بظرف اعتنا میگذرد
 و این نظار را در
 معنی است که
 آنکه رعایت کن ما را
 و شفقت کن بر ما و
 رخصت کن از این بوی
 ایشان سبب بود حق
 سبحانه مسلمانان را
 ازین کفر بی گداری
 سداب فساد و انشا
 بهین معنی است درین
 آیت ۱۲ و ۱۳ مترجم
 گوید درین آیت که
 است بخواب پیوسته
 انکار نسخ می کردند
 الله اعلم ۱۱ و ۱۲
 امر کند بجهاد ایشان
 والله اعلم ۱۳
 تفسیر غنائی
 عیسی و چون بایست
 فرخنده حضرت نبوی
 رحمة الله علیه و سلم
 حاضر می شدند و کلام
 قدی نظام اداری
 شنیدند بر کمال بیعت
 کلمات خوب میگوش
 آنها نمی رسید و می
 خواستند دوباره
 بپرسند می گفتند
 در اعتنا یعنی بجانب
 مالتو کج و رعایت
 تمام مسلمانان نیز
 چون این کلمه را
 از زبان پیوسته
 شنیدند گاهی
 استعجاب میکردند
 خداوند از گفتن
 این کلمه نمی خورند
 که بجای در اعتنا
 و انظار بگویند که
 معنای آن نیز همین
 است اگر اول به
 سخن آن پیوسته بود
 گوش نمیداد سوال

يَعْلَمُونَ ۴) وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْكَانُوا
 می دانستند و اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی می کردند پادشاهان از نزدیک خدا بهتر بود که
 می دانستند و اگر آنها نیز ایشان ایمان می آوردند و تقوی می کردند پادشاهان از نزدیک خدا بهتر است اگر
 يَعْلَمُونَ ۵) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا
 می دانستند ای کسانی که ایمان آورده اید ای مومنان مگویند راعنا و بگویند انظرن و بشنویید
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۶) مَا يَذُلُّ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
 و کافران را عذاب دردناک دوست نمی دارند آنرا که کافرانند از این کتاب و نه
 و کافران را عذاب دردناک دوست نمی دارند آنرا که کافرانند از این کتاب و نه
 الْمَشْرِكِينَ ۷) أَن يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
 مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نی از پروردگار شما و خدا مخصوص می کند بخشش خود
 مشرکان که فرود آورده شود بر شما چیزی از نیکی که از پروردگار شما و الله اختصاص می دهد به پادشاهانی
 مِّنْ يَّشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۸) مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ
 هر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است هر چه نسخ می کند از آیه یا فراموش می گردانیم آنرا می آریم
 آنرا که خواهد و الله خداوند فضل بزرگ است اگر نسخ می کند از آیه یا فراموش می گردانیم آنرا می آریم
 بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۹) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ
 بهتر از آن می آید یا مانند آن که خدا بر همه چیز تواناست و آیا ندانستید که
 بهتر از آن یا مانند آن آیا نمی دانی هر آینه الله بر همه چیز تواناست آیا ندانستی هر آینه
 اللَّهُ لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا
 خدا را است پادشاهی آسمان با زمین و نیست شمارا بجز او و هیچ دوست و
 الله را و است پادشاهی آسمان با زمین و نیست شمارا جز الله و هیچ دوست و نه
 نَصِيرٌ ۱۰) أَمْ تَرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
 یاری دهنده آیمای خواهید که سوال کنید پیغمبر خود را چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین و
 هیچ یاری دهنده آیمای خواهید که بپرسید پیغمبرتان را چنانکه پرسیده شد موسی پیش ازین
 مِّنْ يَّتَبَدَّلَ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۱۱) وَكَثِيرٌ مِّنْ
 و هر که بستاند کفر را عوض ایمان پس هر آینه که کرد راه میان راه دوست داشتند بسیار از
 هر که بستاند کفر را عوض ایمان پس هر آینه که کرد راه راست را دوست دارند بسیاری از
 أَهْلَ الْكِتَابِ لَوْ يَرَوْنَكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَقَارِحَسَاءٍ مِّنْ عِندِ
 این کتاب که کافرانند شمارا پس از ایمان شما بسبب حسد از نزدیک
 این کتاب اگر باز گردانند شمارا پس از ایمان شما کافران بجهت حسد که گفتند کرده از
 أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْقُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ
 نفس خود پس از آنکه واضح شد بر ایشان حق پس در گذرید و روی گردانید تا آورد الله
 نفس بای ایشان پس از آنکه واضح شد بر ایشان حق پس در گذرید و روی گردانید تا آورد الله
 بِأَمْرِ إِنْ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۲) وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
 فرمان خود را پس هر آینه خدا بر همه چیز تواناست و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را
 فرمان خویش را که قتل است هر آینه الله بر همه چیز تواناست و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را
 وَمَا تَقْدِرُوا إِلَّا نَفْسُكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّمَّنْ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَتَعَمَّلُونَ
 و آنچه پیش می فرستید برای نفس بای تان از نیکی می یابید آنرا (کتاب آنرا) نزد خدا هر آینه خدا بچه می کند
 و آنچه پیش می فرستید برای نفس بای تان از نیکی می یابید آنرا (کتاب آنرا) نزد خدا هر آینه خدا بچه می کند

مگر حاجت نمی افتد - اما به و این کلمه را به نیت بد و فریب ادای کردند و هرگاه اندکی کسر را اشیاء می دادند در اعتنا به درو عیال اجل می

بَصِيرَةٍ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اَنْتَ اَوْ نَصْرِيْكَ

بصیرت و گفتند هرگز به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود یا نصرانی باشد این

اَمَانِيْهِمْ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝۸ بَلَىٰ مَنْ اَسْلَمَ

آرزو بای باطله ایشانست بگو آریید دلیل خود را اگر راست راست گوئید هر که منقاد کرد

وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرٌ عِنْدَ رَبِّهِ ۝۹ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

روئے خود را برائے خدا و دوسه نیکوکار باشد پس او راست نزد او نزد پروردگار خویش نیست ترس ایشان

هُم يَخْزَوْنَ ۝۱۰ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَةُ عَلٰى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَةُ

اندو بکن شوند و گفتند یهود نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند ترسایان

لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلٰى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُوْنَ اَلْكِتٰبَ الَّذِيْ قَالَ الَّذِيْنَ لَا

نیستند یهود بر هیچ چیز و ایشان هم میخوانند کتاب را هم چنین گفتند آنانکه

يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

می دانند و مانند قول ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کنند در آن

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسِيْحَ ابْنِ مَرْيَمَ الَّذِيْ اَتٰهُمُ بِالْبَيِّنٰتِ وَهُمْ يَكْفُرُوْنَ ۝۱۱

و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسیح پسر مریم را که او را آمد با براهین و کفر می کردند و او را

اَوَّلِكَ مَا كَانَ لَكُمْ اَنْ يَدْخُلُوْهَا الْاَخَافِيْنَ ۝۱۲ لَكُمْ فِيْ الدُّنْيَا خِزْيٌ فَلَهُمْ

این گروه نمی رسد و ایشان را که در آیند مسجد با مگر هر اسان ایشان راست در دنیا خوار و ایشان راست

فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝۱۳ وَبِلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَاَيُّ اَنْتُمْ اَوَّلٰٓئِكَ

در آخرت عذاب بزرگ است و خدا را است مشرق و مغرب هر سو که رو آید بها بجا است روئے

اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ وَاَسْمِعْ عَلَيْهِمْ ۝۱۴ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَ الَّذِيْ

خدا هر آینه خدا فراموش گشت و آنرا است و گفتند بگرفت خدا فرزند را یا بی او راست بلکه از راست آید

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ۝۱۵ بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا

آسمانها و زمین است هر کس بر آسوده فراید اندر دست آفریننده آسمانها و زمین است و چون

قَضٰۤهٖ اَمْرًا فَاَمَّا يَقُوْلُ لَكَ ۝۱۶ فَيَكُوْنُ ۝۱۷ وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا

می کند کار پس جز این نیست که گوید او را بشو پس می شود و گفتند آنانکه نمی دانند چرا

يَكُنَّا اللّٰهُ اَوْ تٰتِيْنَا اَيَّاهُ ۝۱۸ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ

یا ما سخن می گوید خدا یا می آید ما که امثال ما چنین گفتند که این از ایشان پیش بود که مانند گفت ایشان

مَنْ يُّدْعُوْهُ فَاِذَا دُعِيَ فَقَالَ هَـٓؤُلَآءِ اَشْرَاقُ الَّذِيْنَ كَانُوْا مِنْ قَبْلُ ۝۱۹

و کیست که او را می خوانند و اگر او را می خوانند و او را می خوانند و او را می خوانند و او را می خوانند

طی و دیگر از صفوات
این کتاب آن بود که هر
فرقه از یهود و نصاری
و دیگر از انکاش کردند
و اشارت بهین معنی
است درین آیت ۱۲
و این معنی مشرکان گفتند
۱۳ آیت درین آیت
تقریص است بکفار که
و اشارت است به
۱۴ مغلوب شدن ایشان
و الله اعلم ۱۵
و دیگر از صفوات یهود
۱۶ آن بود که چون استغفار
بیت المقدس خسوف
شد استغفاری کردند
اشارت بهین معنی است
درین آیت ۱۷ دیگر
از صفوات این کتاب
آن بود که یهود عذر را
و نصاری عیسی را بپس
خدا می گفتند در و ایشان
خداست علی این آیت
نازل کرده ۱۸
تفسیر عثمان
ع کافران مکرر را
سزاوار این بود که در
مسجد بای ای بگرفت
و توفیق و ادب و عظیم
میدانند این ظلم
صریح است که آنجا
از راه بی احترامی
پیش آمده یا اینکه
لیاقت زندگی با عزت
و حکومت را در آن
دیوار ندارند و همچنان
صورت گرفت که کشور
شام و سرزمین که
را خدا از دیگران
اخته بمسلمانان بخشید
علاء عیش در همه
جامع است اختصار
بقی ندارد مصلحت
و ارادات و اعمال
نندگان را خوب می
دانند که آنها را چه سود

عده در حق مومنان ،
 باشند بکعبه و حرمه
 گفت آن بار ایستاد
 روزی کن در باره
 کافران دعا نکرد تا
 آنجا از لوث کفر پاک
 بماند عده خداوند
 فرمود در دنیا با کافران
 نیز روزی داده می
 شود و روزی چون
 امانت نیست که جز
 این ایمان دیگری
 را پذیر نشود - مع
 ابراهیم و پسرش
 اسمعیل علیه السلام
 پروردگار خدا
 دعا کردند که جماعتی
 در فرزندان خالق
 کن تا اولاد ترا
 اطاعت کنند در دنیا
 ۵ آنها را سولی میجو
 کن اگر کتابی حکمت
 را قلمم دهد در
 ۸ اولاد این دو پسر
 جز حضرت سرور
 کائنات و دیگری
 موصوف باین صفات
 نیست - این واقعه
 تحلیلات گذشته
 پیوسته باطل خلقت
 علم کتاب آن مطاع
 و معانی ضروری است
 که از خود عبارتند
 آید حکمت خفیات
 اسرار و دقائق روز
 می باشد لطف شرافت
 این ملت در مذهب مذکور
 گردید حضرت ابراهیم
 و یعقوب علیهما السلام
 پسران خویش را
 تومیس نمودند تا از آن
 متابعت نمایند هر که
 از این راه معرفت
 بشود به پیغمبران مذکور
 مخالفت می ورزد
 پیوسته دعوی و استعجاب

جَعَلَ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ
 بساز این مکان را شهر ایمن و روزی ده سالگان آن را از میوه پاکسید ایمن دارد از ایشان جدا
 بگردان این چهار شهر ایمن و روزی ده سالگان آن را از میوه پاکسید ایمن دارد از ایشان جدا
 وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِحْهُ قَلِيلًا ثُمَّ اضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ
 و روز باز پسین زود خدا و کسی که کافر شود بهره مند گردانمش اندک کمی پس به بیچارگی برانم اورا بسوی عذاب آتش
 و روز قیامت گفت و کسی که کافر شود بهره مند گردانمش اندک کمی باز تا چارش گردد از او را بسوی عذاب آتش
 وَيَسْأَلُ الْمَصِيرَ ۝ وَاذِذْ لَهُمْ أَزْوَاجَهُمْ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ ۝
 و سب بد چای است و آنگاه که بلند می گردند ابراهیم و اسمعیل بنیاد بای خانه را گفتند اے پروردگار ما
 و پدر من چای است و یاد کن آنگاه که بلند می گرد ابراهیم بنیاد بای خانه کعبه و اسمعیل و عامی کردند ای پروردگار ما
 تَقْبِلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ ۝
 قبول کن از ما هر آینه کوئی شنوا دانا اے پروردگار ما و پسران ما فرمان بردار خودت و
 بپذیر از ما هر آینه کوئی نیک شنوا دانا اے پروردگار ما بگردان ما فرمان بران خود و
 مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ۝ وَإِنَّا نَمُسُّكَ وَتُبْ عَلَيْنَا يَا أُنْك
 از اولاد ما کن گروهی منقاد خودت و بنامدار طریق عبادت بکس ما و پسرانی ما را بر آینه
 از اولاد ما گروهی فرمان بر بخود بنمای ما را مناسک ما را از قواعد حج و عبادت بپذیر که ما را هر آینه کوئی
 أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
 توئی باز آینه مهربان اے پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان بخواند بر ایشان آیتها
 و پذیرد توبه مهربان اے پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند بر ایشان آیتها
 وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۝ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَمَنْ
 و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی توانا دانا و گشت که
 و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی بسیار قاطع بسیار با حکمت و گشت
 يُرْغَبُ عَنْ قُلُوبِهِمْ إِلَهُ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ صَدَقَ فِي الدُّنْيَا
 رو بگرداند از نفس ابراهیم مگر آنکه در اطمینان گفت نفس خود را و هر آینه بر کزیدیم اورا درین سرای
 که باز گرد از دین ابراهیم مگر آنکه به حاکم گفت خود را و هر آینه بر کزیدیم اورا در دنیا
 وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ ۝
 و هر آینه او در سرای دیگر از صالحان است آنگاه که گفت اورا پروردگار او که منقاد شوق منقاد شد
 و هر آینه او در آخرت از نیکان است یاد کن و گفت اورا پروردگارش که منقاد شوق منقاد شد
 لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَوَصَّيْنَا إِبْرَاهِيمَ بِبَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَنْبِيُّ إِنَّ اللَّهَ صَطَفَ
 مر پروردگار عالم را و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را اے فرزندان من هر آینه
 به پروردگار عالمیان و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب هم که ای پسران من هر آینه خدا برگزید
 لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَبْتُغُوا إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ ۝ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ
 برای شما دین را پس ازین جهان میسرید مگر مسلمان شده آیا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد
 برای شما دین را پس میسرید مگر حاکم شما مسلمانان باشید آیا شما بودید حاضر آنگاه که پیش آمد
 يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
 یعقوب را موت آنگاه که گفت فرزندان خود را چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند عبادت کنیم
 یعقوب را مرگ بوقتی که گفت به فرزندان خود که را می پرستید از من گفتند می پرستیم
 إِلَهُكُمُ وَاللَّهُ آيَاتُكُمْ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ يَحْيَىٰ وَيُحْنُ لَهُ
 معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را و اما اورا
 معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند معبود یگانه را و اما برای او

که یعقوب علیه السلام فرزندان خود را به یهودیت و نصیبت کرده ولی چنانکه از آیت ما بعد ثابت می گردد آنها دروغ می گویند -

علا یعنی دین اورا
 ۱۲ م مترجم گوید
 چون آنحضرت صلی الله علیه و سلم به مدینه هجرت فرمود ششزده ماه یا بنقد ماه بطون بیت المقدس نماز می گذارد و آرزو میکرد که خدا استغاثی کعبه را قبله دس سازد خدای تعالی نازل کرد قدرتی تعالی آفرید از ان جواب بنده سفارین سئله نازل کرد سیقول السعیه و بعد از ان امر فرمود بصبر بر مشاق جهاد و در بسیار از احکام تو حید و قصاص و حج و عقیقه و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاویت تحریف کرده و دنیا رعایت الضائق می کردند بیان حقیقت حال فرمود و در این شبهات غی الفیض کرد و سوال الهی ایشان را جواب داد و اقلن سیق شفق است تا آخر الم ترالی الذین خرعوا و الذی اعلم ۱۳ تفسیر عثمانی ع ۵ بنگامیکه یعقوب و صیت خود شاموچ نبودید اورا باره متابعت ملت پیغمبر ان موصوف ارشاد نموده بود اما شما چنان کردید که یهود غفله جزایا بگریان بودند غی باشند نصرا گفتند جزایا بگریان بزدان حق نیستند ۱۶ ازین جهت هر دو به ذنب حق رسیده خالف شدند بدین این بود آخرای شما

مَسْلُومُونَ ۳ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ فَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۚ وَلَا
 این گروه است که در گذشت دس راست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و شما
 آن گروهی بودند که بر حقیت گذشتند آنهاراست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و
تَشْكُلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۵ وَقَالُوا كُنَّا تُهَوَّدًا وَنُصْرَىٰ ۖ تَتَّبِعُونَ اُمَّةً قَدْ خَلَتْ
 پرسیده بخوابید شد از آنچه آن گروه می کردند و گفتند شویید یهود یا نصاری یا تاراه یا ماید
 پرسیده می شویید از آنچه ایشان می کردند و گفتند شویید یهود یا نصاری تاراه یا ماید
بَلْ يَكْفُرُ اِبْرَاهِمُ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۶ قُلْ اَنَا مَتَّابِلِلّٰهِ وَمَا
 بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود و نبود از اهل مشرک
 هرگز نی بلکه پیروی می کنیم ملت ابراهیم را که حنیف است یک جهت بود و نبود از مشرکان بگوید ایمان آوردیم بخدا و آنچه
اَنْزَلَ الْكِتَابَ وَمَا اَنْزَلَ اِلٰى اِبْرٰهٖمَ وَاسْمٰعِیلَ ۖ وَاسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ ۖ وَالْاَسْبَاطَ ۚ
 فرود آورده شد بسوی ما و آنچه فرود آورده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اولاد یعقوب
وَمَا اَوْحٰی مُوسٰی وَعِيسٰی وَمَا اَوْحٰی النَّبِیُّونَ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ لَا تَقْرُبُوا
 و آنچه وحی داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شدند پیغمبران از پروردگار خویش تقوی کنیم در میان نبی
 و آنچه داده شده موسی و عیسی را و آنچه داده شده دیگر پیغمبران را از جانب پروردگارشان تقوی کنیم در میان نبی
مِنْهُمْ وَخُنْ لَهُمْ مَسْلُومُونَ ۷ فَاِنْ اَمَّنَا بِدِیْنِ مَا اَمَّنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اِهْتَدٰۤی ۚ
 از ایشان و ما برای حق عزوجل متقادیم پس اگر ماور دارند اهل کتاب آنچه ماور داشتید شما پس راه یافتند و
 از ایشان و ما به پروردگار متقادیم پس اگر ایمان میاوردند شلیک شما ایمان آوردید به آن هر آینه هدایت یافتند
اِنْ تَوَلَّوْا فَانْتَبِهْ ۚ فِی شِقَاقٍ فَمِیْ کَیْفِیْهِمْ ۚ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ۸
 اگر برگشتند پس جز این نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که کفایت کند خدا با تمام لواش را و دست مغفولان
 اگر برگشتند پس جز این نیست که ایشان در خلاف اند پس کفایت کند ترا از تر ایشان خدا و او نیک شنوا داناست
صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً ۚ وَنَحْنُ لَهُ عٰبِدُونَ ۹ قُلْ
 قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا با اعتبار رنگ و ما اورا پرستند گاییم
 قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا با اعتبار رنگ (دین) و ما اورا پرستند گاییم
اَتُحَاجُّونَنَا فِی اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا ۚ وَكُنَّا عَمَلًا لِّكُلِّ اُمَّةٍ ۚ وَنَحْنُ
 آیا ما را بر می کنید با ما در باب خدا و او پروردگار ما و شماست و ما راست کردار ما و شماست کرده با ما و شماست کرده
 آیا ما را بر می کنید با ما در (شان) خدا حال آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست و ما راست کرده با ما و شماست کرده
لَهُ خٰلِصُونَ ۱۰ اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ اِبْرٰهٖمَ وَاسْمٰعِیْلَ وَاسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَ
 اورا با خلص پرستند گاییم آیا می گوید که هر آینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و
 با و مخلصایم (موجودان) آیا می گوید که هر آینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و
الْاَسْبَاطَ ۚ كَانُوا هُودًا اَوْ نَصْرٰی ۚ قُلْ اَنْتُمْ اَعْلَمُ ۚ وَهُوَ الَّذِیْ هُوَ مِنْكُمْ ۚ
 بنیگان او یهود بودند یا نصاری یا تاراه یا ماید یا خدا و کیست ستمکار تر از کسیکه یهود
 اولاده او بودند یهود یا نصاری یا تاراه یا ماید یا خدا و کیست ستمکار تر از کسیکه یهود
شِمَارَةٌ عِنْدَ رَبِّ اللّٰهِ ۚ وَمَا لِلّٰهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۱ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ
 آن گویای را که نزدیک اوست از جانب خدا و نیست خدا به غافل از آنچه می کنید این گروه است که در گذشت
 شما را که نزدیک او ثابت است از جانب خدا و نیست خدا به غافل از آنچه می کنید این گروه است که در گذشت
لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۲
 و راست است آنچه کردند و شمار است آنچه شما کردید و پرسیده بخوابید شد از آنچه ایشان می کردند و
 ایشان راست است آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و پرسیده می شویید از آنچه ایشان می کردند و

دل چون آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم بدین
بجرت فرمود نشانزده
ماه یا هفتده او بطرف
بیت المقدس نماز
میگذازد و از روی کرد
که خدا می آید کعبه را
قبله و سرازه خدای
قیامی نازل کرد و فرست
لقبله آید اذان اذان
جواب مشبه سفید و برین
مسئله نازل کرد سيقول
السفهاء لجد اذان امر
فرمود بصیر بر شرف
جهاد و در بسیار
از احکام توحید و قصه
و حج و معی و مدینه و
نوح و طلاق که اهل
جانبیت تحریف کرده
بودند باری عانت القضا
شکوه و بیابان حقیقت
حال فرمود و رد و الطاف
شبهت نمی آید برین کرد
سوال بانی ایشان
را جواب داد و این
سیاق محتداست تا الم
ترالی التین حر جواب
و تدل علی آنچه در سابق
علم الی مقدر شد گفت
که قبله است محمد مصطفی
صلی اللہ علیہ وسلم که
باشد و توحید بیت المقدس
یک چند بنابر حقیقت
استحسان است ۱۲
یعنی توجع نزول
استقبال کعبه ۱۲
تفسیر عثمانی
علی فائده است
وسط یعنی امت متدل
بدان سبب خوانده
شده اند که ایشان
را بر این می باشند
که کعبه شامیه می
باشد و آن نیست
از هر گونه افراط
تفریط پاک می باشند

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَهُمْ

دل خواهند گفت بندگان از مردم چه چیز بر گردانید ایشان را
زودی گویند بے خردان از مردم چه چیز گردانید پیغمبر و مسلمانان را

عَنْ قِبَلِهِمُ الْمَقْدِسَ كَانُوا عَلَىٰ قُلُوبِهِم مِّنْ

از آن قبله که ایشان بودند بر آن یعنی از بیت المقدس بگو خدا راست مشرق و مغرب راه می نماید هر گرا
از قبله ایشان که بودند بر آن بگو خدا راست براندگاه آفتاب و قوه گاه آفتاب می آید هر گرا

يُشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

خواهد بسوی راه راست و هم چنین ساجد شمارا گردید به مختار تا گواه
خواهد بسوی راه راست و هم چنین (که شمار بدایت دادیم) گردانیدیم شمارا امتی معتدل (مختار) تا بارخیزد

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ

باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما و مقرر نگردیم آن قبله را
گواهان بر مردم (در قیامت) و باشد پیغمبر بر شما گواه و نگردانیدیم قبله را

الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ

که بودی بر آن یعنی بیت المقدس را مگر برای آنکه بداییم که را که پیروی پیغمبر کند خدا از آن کس که باز گردد بر پیروی یا نشنود
آنکه بودی بر آن مگر که بداییم که پیغمبر را که پیروی می کند پیغمبر را از آن کس که باز گردد بر پیروی یا نشنود

وَإِنْ كُنْتُمْ لَكِبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عِبَادَهُ

و بر آینه هست این خصلت دشوار مگر بر آنکه ایشان را راه نموده است خدا و خدا صانع نمیشازد گردانیدن شمارا
بر آینه این کار را تبدیل قبله دشوار است مگر بر آنکه راه نموده است خدا و خداوند چنین نیست که صانع گردانیدن ایشان را

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَءَوْفٌ خَبِيرٌ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ

بر آینه خدا بردمان بخشنده مهربان است تحقیق می بینیم گشتن روئے تو در جانب آسمان و
بر آینه خدا بردمان (مخوفمان) بسیار مهربان نهایت بخشنده است به تحقیق می بینیم بار بار گردانیدن روی تو را چنان آسمان

فَلَوْلَيْكَ قِبْلَةٌ تَرْضَاهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ

پس البته متوجه گردانیم ترا بآن قبله که خوشنودی شوی بوی پس متوجه گردان روئے خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که
پس بر آینه می گردانیم ترا به قبله که دوست داری آن را پس بگردان روی خویش را طرف مسجد حرام و هر جا

كُنْتُمْ قَوْلُهُ أَوْ جُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ

باشید که پس متوجه گردانید روی بانی خویش را بطرف و س و هر آینه اهل کتاب میدانند که این
که باشد (پس) بگردانید روی بانی را چنانچه و هر آینه آنانیکه داده شده به آنها کتاب البته میدانند که هر آینه

الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَلَٰكِنَّ أَتَيْتُ الَّذِينَ أُوتُوا

راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بے خبر از آنچه می کنند و هر آینه اگر بیاری پیش این
راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بے خبر از آنچه می کنند و قسم است اگر بیاری نزد (مومنان) اهل

الْكِتَابِ بِكُلِّ آيَةٍ قَاتِبُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَلَا بَعْضُهُمْ

کتاب هر نشانه هرگز پیروی نکنند قبله ترا و پیوستی تو پیروی کنند قبله ایشان را و نبینند بعضی ایشان پیروی کنند
کتاب تمام نشانه بار بار پیروی نمی کنند قبله ترا و نه تو پیروی قبله ایشان و بعضی ایشان پیرو

قِبْلَةٍ بَعْضٌ وَلَٰكِنْ أَنْتَ أَتَيْتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

قبله بعض دیگر را و اگر تو پیروی کنی خواستش بانی نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتو از دانش
قبله دیگر اند (قسم است) اگر پیروی کنی خواستشان را بطلان ایشان را بعد از آنکه آمد ترا از علم

أَنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ أَتَيْتَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا

هر آینه تو باشی از ستمگران کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می شناسند و بر آینه آنکه
هر آینه تو آنگاه به تحقیق از ستمگران باشی کسانیکه دادیم ایشان را کتاب می شناسند و بر آینه نبوت چنانکه

الْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

گرسنگی و نقصان مالها و جانها و میوهها و ثمرات ده صابران را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ أُولَٰئِكَ

آنانیکه چون برسد بدیشان بگویند بر آئین ما انا لله وانا الیه راجعون و میگویند بر آئین ما برای خدا ایم و بر آئین ما بسوی او رجوع کنند گاهیم این کرده

عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ إِنَّ

بر ایشان است درود و باز برود و گاه ایشان و بخشایش و ایثارند راه یافتگان و بر ایشان

الصَّافِوَاتِ الْمُرُوءَةِ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا

و مرده از ایشان باشد خداست پس هر که حج خانه کند یا عمره بجا آورد

جَنَاحَ عِلْبَةٍ إِنْ يُطَوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝

پس جناح نیست بر روی در آنکه طواف کند در میان این هر دو و هر که نیکی بجا آورد پس خدا قبول کننده داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنْ الْكِتَابِ إِلَيْهِمْ هُمْ كَافِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

بر آئین آنانیکه میگویند آنچه ما نازل کردیم از کتاب خود آورده ایم از سخنان خود و بدین بود از آنکه بیان کردیم از برای مردمان

فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

در کتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت می کند ایشان را لعنت کنندگان مگر آنکه توبه کردند

وَأَصْلَحُوا وَبِئْسَ ثَوَابٌ لَكُمْ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝

و نیکو کاری پیش گرفته اند و بیان کردند پس این گروه نیکوکاری باز می گردم بر ایشان و منم باز کرده مهربان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ أَُولَٰئِكَ لَعْنَةُ اللَّهِ ۝

بر آئین آنانیکه کافر شدند و کافر مردند آن گروه بر ایشان است لعنت خدا و

الْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخْفَى عَنْهُمْ

فرشتگان و مردمان همه یکی بپوشد باشند در آن لعنت می کند آن گروه و از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝ وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و معبود شما معبود بیگانه نیست با معبودی جز او (و او یگانه)

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ

بخشایشنده مهربان است بر آئین در آفرینش آسمانها و زمین آمد و شد

وَالنَّهَارِ وَالْفَلَاحِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا

روز و آن غمی که می رود در دریا با آنچه سود می دهد مردم را و آنچه

فتح الرحمن

والا بعضی از اسلام

عصا و مرده را از

شماره و احویت

گمان کرده از این است

باز دانستند پس نازل

شد این آیه ۱۲

تفسیر عثمانی

عصا مراد از این مرد

پیوسته است زیرا که

تفسیری رسالت حضرت

پیغمبر را که در تورات

بود و پیشگویی که در

تورات نسبت به

تحویل قیله و در شده

پنجاه می کردند

عصا به بر سر تمام

آن کسی که علم الهی

را برای اغراضی فریاد

اختلاف کنند در حکم این

آیه و اخذند ع

لعنت کنندگان

عبادت و از جنیان

مردمان و فرشتگان

همه شایسته ذی روح

زیر این آیه بر روی

حق برده می انگشند به

کیفر حرام ایشان

در سر تا سر خط و

و با عام می شود و حق

بجودان و مجادین

عصا می رسد به

بر آن لعنت میکنند

به اگر نسبت

حق پوششی آنها بپوشد

مردم بطور گمراهی

گردان شدند اما

چون از اخلاقی حق

بعد توبه کردند و

آزاد گشتند

اختلاف بجای

لعنت بر آنها

رحمت می فرستیم

زیرا ما تواب

در عظیم

ما ترمم گوید اهل
جا بلیت چیزها را از
نزد خویش حرام است
بودند مانند کجاکرو
سواب خدا تعالی
درود ایشان نازل
کرد و فتح الرحمن
تقریر عثمانی
دل عشق مومنان
با خدا از دوستی
مشرکان بمجودان
آنها بیشتر استوار
تر است محبت مشرکان
در معاصی این
جهان زائل می گردد
و هنگام مشاهد
عذاب آخرت از
معبودان باطن
خویش به کلی تیری
می کنند (بعد از
تقصیل می آید) بر
عکس عشقی که در جهان
به خدای خویش می
ورزند زوال نمی
پذیرد این عشق
در رنج و راحت در
بیماری و صحت در
دنیاء و آخرت ۲۰
یکسان پایدار است
می باشد
عشق مومنان ۲۱
بجز اینست از محبتی
است که به واسطی
الشی یعنی به پیغمبران
اولیا - فرشتگان
و المقصدان عابدان
پادشاهان و پاد
اجداد و اموال و
اولاد خویش دارند
مومنان بجز عشق
اصلی و بالاستقلال
دارند عشقی که شایسته
شان و خلقت حق است
اما با دیگران با واسطه
و در اثر حکم الهی بر
وفاق مراتب بر یکدیگر
محبت دارند و فرق مراتب
کلی زندیقی - خدا و دیگران را (هر که باشند) بی یک اندازه دوست داشتن اخلاص مشرک و آئین مشرکان است -

انزل الله من السماء من ماء فاحياه الارض بعد موتها وبث
فرو آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت بسبب و بزمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت
فرو فرستاده الله از طرف آسمان از آب پس زنده گردانید به آن زمین را پس از مرگ آن و پراکنده ساخت
فیهما من کل دابة و تصريف الريح و السحاب المستخرجين للسماء
در زمین هر نوع جنبنده و در گردانیدن باد و در ابرها را پراکنده شده میان آسمان
و زمین از هر جنبنده و در تهللیب باد و در ابرها را پراکنده شده میان آسمان
والارض لايت لقوم يعقلون و من الناس من يخذل من دون
و زمین هر آینه نشانه است از آنهاست آن گروه را که در می یابند و از مردمان کسی هست که میگوید
و زمین هر آینه دلایل است بر گردی که خرد دارند و از مردمان کسی است که میگوید
الله انذاد اخرجونهم حب الله و الذين امنوا اشد حبا لله و لو يرى
خدا همه ایمان را دوست میدارد ایشان را مانند دوستی خدا و کسی که ایمان آوردند قوی تر اند و دوستی خدا و عجب میکنند و اگر می بیند
خدا همه ایمان را دوست می دارد ایشان را مانند دوستی ایشان خدا را و کسی که ایمان آوردند اندکی قوی تر اند و محبت مر خدا را
الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا و ان الله
کسانی را که ستم کردند در آن حالت که می بینند عذاب را بسبب آنکه توانسته خدا را است تمام آن و بسبب آنکه خدا را
شديد العذاب اذ تبار الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و اوا
سخت عقوبت است در آن حالت که بسیار متوعد پیغمبران کفر از تابلیان و بینند
سخت عقوبت کننده است در آن حالت که بسیار متوعد متوعدان کفار از آن کسانی که پیروی ایشان کردند و بینند
العذاب و تقطعت بهم السباب و قال الذين اتبعوا ان لنا
عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیله ها و گویند پیروی کنندگان کاش ما را
عذاب را و بریده شود از ایشان و سبب (محبت و قرابت) و گویند پیروی کنندگان کاش ما را
كثرة فتنبأ منهم كذا تبوءا و اما كذا يريهم الله اعمالهم
باز گشتی باشد تا بفری گیریم از آن پیغمبران چنانکه بفرستند ایشان از آنچه بچین نباید خدا را که ایشان کردند و بای ایشان
باز گشتی باشد تا بفری گیریم از آن پیغمبران چنانکه بفرستند ایشان از آنچه بچین نمی تواند خدا کرد و بای ایشان را
حسرت عليهم و ما هم بخارجين من النار يا ايها الناس كوا
و بایانی با ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ
و بایانی با ایشان و نیستند ایشان بر گزیدند بیرون آیندگان از دوزخ
اس مردمان بخورید
اس مردمان بخورید
يماني الارض حلالا طيبا و لا تتبعوا خطوات الشيطان و ان الله
حلال یا کزهره را از آنچه در زمین است و پیروی کنید گمراهی
از آنچه در زمین است حلال یا کزهره و پیروی نکنید گمراهی
لکم عذر و مبين انما يامرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا
شمارا دشمن آشکارا است فل چنین نیست که می فرماید شمارا به بدکاری و بی حیائی و با آنکه اقرار کنند
شمارا دشمن ظاهر است چنانچه نیست که امر می کند شمارا به بدکاری و بی حیائی و آن که بخورید
علم الله ما لا تعلمون و اذ قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا
بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفتند ایشان را پیروی کنید از آنکه خدا فرود آورد دست خدا گویند
بر خدا آنچه نمی دانند و می گوییم که گفتند ایشان که متابعت کنید آنچه خدا فرود فرستاده خدا می گویند
بل نشيع ما افينا عليه ابناء ناه اولو كان اباؤهم لا يعقلون شيئا
بلکه پیروی می کنیم چیز را که ما یافته ایم بر دهن آن خویشت را آیا تقلید می کنید اگر چه پدران ایشان نمی فهمند چیزی را
نی و بلکه پیروی می کنیم آنچه را که یافته ایم بر دهن آن خویشت را آیا متابعت می کنید اگر چه پدران شما را نمی دانند و پدران ایشان
خدا و دیگران را (هر که باشند) بی یک اندازه دوست داشتن اخلاص مشرک و آئین مشرکان است -

والتی در آردی
یا خلاصی بندگان
مکاتب ۱۲ و یعنی
اعتبار یافت در
کشتگان ۱۲ و یعنی
مثل اوست در حکم
۱۲ و یعنی مثل اوست
۱۲ و یعنی چیزی از
خون مسلمان مقتول
و یعنی دے دم
محکم معاططه طلب
کنند بدستی ۱۲ یعنی
تاکل بدست خودی ادا
نماید بصورت ۱۲
و اهل چایبیت
شریف را در مقابل
وضع نمی کنند و در
مقابل شریف چند کس
از وضع می کنند خدا
توای نازل فرمود که
اینها با اعتبار یافت
است در اجناس
کشتگان بای معنی که
احرار را حکم جهالت
که هرگز مثل خود نیست
در آن حکم عید و حکم
جهالت که هرگز مثل
عید دیگر است و ۱۲
حکم زمان را حکم جهالت
ست که هرگز مثل زن
دیگر است در آن حکم
و امتیاز زمان است
حکم در باب دیانت
و باب قود یعنی قصاص
پس هرگز ازین
اجناس مساوی است
با فرجه دیگر چه بپوش
شریف باشد و بعضی
وضع بعضی عیال
و بعضی ذم بعضی
مالدار و بعضی فقیر
سنت زیاده کرده
است و بعضی دیگر
مسلمان در مقابل مسلمان
است و کافر در مقابل
کافر و بعضی در مقابل
عقوبت کند یا از شمشیر خون به قول نمایند و در برابر باید که محکم معاططه طلب کند بدستی و تامل را باید که بخون ادا کند به بدستی ۱۲

بِأَلَدِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالتَّائِبِينَ وَآتَى الْمَالَ
خدا را اورد و زیادت را و فرستگان را و کتاب و پیمان را و بدید مال
بجای آورد و زیادت و فرستگان و کتاب و پیمان و بدید مال را
عَلَى حَبِيبِهِ ذُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَ
با وجود دوست داشتن آن مال خداوندان خویش را و یتیمان را و مسافران را و
با وجود دوست داشتن آن خویشاوندان را و یتیمان را و محتاجان را و مسافران را و
السَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ
سوال کنندگان را و طرح کنند باب برود مال و بر بادد و نماز را و بدید زکوة را و وفا کنندگان
سوال کنندگان را و طرح کنند خلاصی کردن با و بر بادد نماز را و بدید زکوة را و وفا کنندگان
يَعْبُدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّادِقِينَ فِي الْبَيْعَاتِ وَالضَّرَّاءَ وَحِينَ
بر عهد خویش چون عهد کنند و صبر کنندگان در شکستگی و سختی و بوقت
بعد خویش و قیام عهد کنند و خاص می گردانیم صبر کنندگان را در سختی و در بخت و وقت
النَّاسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ يَا أَيُّهَا
کارزار ایشان را راست گو
و ایشان را بدید پسر میز گاران
الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقَصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرِّ وَالْحَرِّ وَالْعَبْدِ
مسلمان لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان و آنرا در مقابل آزاد است و دهنده
مومنان فرض کرده شد بر شما قصاص (مسادات) در باره کشتگان آنرا به عوض آزاد و ظلم
بِالْعَبْدِ وَالْأَنْتِ بِالْأَنْتِ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ
در مقابل سنده و ک و زن در مقابل زن پس یکدیگر که از کشته شد و از خون برادرش و پس حکم او پیروی کردن است
به عوض ظلم و زن به عوض زن پس اگر کشته شد از طرف برادرش چیزی (پس) حکم او طلب کردن است
بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ
به شکوی و در ساندن خون بهاست بوسه بخور و ک این حکم است از پدر و دیگران
مواظف و مستور و نیک و ادا کردن بوی از طرف قاتل به شکوی این حکم است از جانب پدر و دیگران
و رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّكَ يَعْدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَكُمْ
و مهر باقی است پس هر که از حد گذرد بعد ازین ویر است عذاب درد دهنده و شمار
و مهر باقیست پس اگر کسی تجاوز کرد بعد ازین پس اوست عذاب درد دهنده و مهر ای شما
فِي الْقَصَاصِ حِينَ يَأُولَىٰ الْأَلْبَابِ لَكُمْ تَتَّقُونَ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمُ
بسیب قصاص زندگانی است اے خداوندان خود تا بماند که بر پیرمندی کنید و لازم کرده شد بر شما
در قصاص زندگانیست ای و اندان تا شما بر پیرمندی فرض کرده شد بر شما
إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ أَن تَرَكُوا خِيراً أَوْ صَبَبَ لِّلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
و قتی که پیش آید کسی را از شما موت اگر مال بگذارد و وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان
و قتی که پیش آید یکی از شما را (اسباب) مرگ اگر بگذارد مال و وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان
بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنشَأَ
به شکوی لازم است این کار بر متقیان پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آنکه شنید پس جزین نیست که
بأنشأ این حکم لازم است بر پیرمندی گاران پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آنکه شنید آنرا پس بر آید
أَنشَأَ عَلَى الدِّينِ يَبْدُو لَهُ أَنَّ اللَّهَ سَمِعَ عَلَيْهِ ۝ فَمَن خَافَ
کنه تبدیل بر نکسان است که بدل می کنند آن وصیت را پس خدا شنود و آنست پس هر که در ما بد
کنه آن برگسان نیست که بدل می کنند آنرا پس خدا شنود و آنست پس هر که برگسان
عقوبت کند یا از شمشیر خون به قول نمایند و در برابر باید که محکم معاططه طلب کند بدستی و تامل را باید که بخون ادا کند به بدستی ۱۲

دل مترجم گوید ظاهر
 نزدیک این نزد است
 که سوال کردند از شهر
 حج که سوال ذیقده و
 روز از یالچ باشد
 که آیا حج موقت است
 که آنها یانه و یکی از تحفه
 جالبیت آن بود که در
 حالت احرام از پاکی
 و بود حشر و یا از عقب
 دیوار گذشته بخاندی
 آمدند از راه دروازه
 نمی آمدند پس نازل
 شد این آیت ۱۲
 یعنی تا مردمان احرام
 حج نهند در آنها ۱۲
 فتح الرحمن و یعنی
 و مقابله او قتل جائز
 است ۱۳
 تفسیر عثمانی
 ع چون در آیت
 اول ذکر حج بود و
 این حکم نیز مجرب بود
 است درین جا
 بیان شد بعضی
 علماء بر آنند که
 مراد از کلمه اهل
 در این آیت ظاهر
 ماهی حج را سوال
 ذیقده ده شب
 ذی الحجه است که
 احرام حج در آن ماه
 می باشد مردم از
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه
 و سلم پرسیدند که حج
 خاص در این ایام
 است یا در روزهای
 دیگر نیز حج می توان کرد
 خداوند جواب آنها
 گفت که برای ادای
 حج ماهی حج مقدر شده
 و باین مناسبت گفتند
 ادخال خانه بدانور
 انشای احرام ذکر کرده
 از این احکام واضح
 گردید که اگر باقی ما
 از طرف خود نیک پنداشتن و از راه اهل دین قرار دادن مذموم بلکه مخلوق است چنانچه از این ابدعت مذموم بودن بسیار چیزها معلوم میشود

عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونُ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

دانست خدا که شما خیانت می کردید در حق خویشانش پس مهربانی باز گشت بر شما و در گذشت از شما

فَالَّذِينَ بَايَعُوا مِنْهُمْ وَابْتَغُوا مَالَهُمْ لِيُقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ كَفُرًا

پس احوال محالطت کنند باز نان و طلب کنند آنچه مقدور کرده است خدا برای شما یعنی اولاد و بخورید و بنوشید تا آنکه

يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْغَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْغَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا

روشن شود بر آن شمارشته سفید از رسته سیاه مراد از رسته سفید جو است پس اذان می نامند

آشکار شود بشما تار سفید از تار سیاه از هیچ باز تمام کنند

الصَّيَامَ إِلَى الْيَلِّ وَلَا تَبَايَعُوا مِنْهُمْ وَابْتَغُوا مَالَهُمْ لِيُقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ كَفُرًا

روزه را تا شب و مساس نکنند زنان را در حالیکه معتکف باشند در مسجد یا

روزه را تا از اول شب و مکنید مباشرت با زنان در حالیکه معتکف باشند در مسجد

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

اینها مهنیات خدا است پس نزدیک نشوید آنها همچنین بیان می کند خدا آیت های خود را برای مردمان

این حدود که برای احکام معین شده حدود خدا است پس نزدیک مشوید آنها چنین بیان می کند خدا آیت های خود را مردم

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْكُرُوا

تا یاد میز گاری کنند و بخورید اموال خویش را بباطل و مرسانند

شاید ایشان بپرسند و بخورید مال های یک دگر تان را در بین خود بباطل و مرسانند

بِهَآئِلِ الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ

اموال خود را حکامان یعنی پرستوت تا بخورید پاره از اموال مردم

آزاد سوی حکامان تا بخورید یک حصه از مال های مردم به ستم رانحی و شما

تَعْلَمُونَ يُسْأَلُكَ عَنِ الْآهْلِ فَقُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ النَّاسِ وَآحْجَافُ

دانسته می پرسد ترا از آنها یعنی از شهر حج بگو اینها میعادند برای مردمان و برای حج

می دانند می پرسند ترا از سبب اختلاف ماه یا بگو این اوقات مقدرات برای مردم و برای حج

وَلَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى

و نیست نیکی کاری آنکه در خانه ها از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در وارد شوید و نیست نیکی کاری آنکه از پشت در

فَان قَتَلْتُمْ مَا قَتَلْتُمْ هُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ فَاِنْ اَنْتُمْ وَاَفَاَنْ لِلّٰهِ

پس اگر بکشید یا تا پس بکشید ایشان را این چنین است جزای کافران پس اگر باز مانند پس هر آینه خدا

پس اگر بکشید یا تا پس بکشید ایشان را این چنین است جزای کافران پس اگر باز آید (پس) هر آینه خدا

غفور رحيم ۝ وَفِيْلَهُمْ حَتَّى لَا تَكُوْنُ فِتْنَةٌ وَيَكُوْنُ الدِّيْنُ لِلّٰهِ

آمرزنده مهربان است و بچنگید با ایشان تا آنکه نابود شود شرک و خود وین محض برائے خدا

بپار آمرزنده نهایت مهربان است و جنگ (جهاد) کنید با ایشان تا و بچنگید باقی مانند فساد و شرک و دین را با طاعت

فَاِنْ اَنْتُمْ وَاَفَاَنْ لِلّٰهِ ۝ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ

پس اگر باز مانند پس نیست دست و درازی مگر بر همه کاران ماه حرام عوض ماه

پس اگر باز آید از فساد و شرک پس نیست تجاوز مگر بر همه کاران ماه حرام مقابل ماه

الْحَرَامُ وَالْحَرَامُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ

حرام است و بزرگی با یا یک دیگر عوض می شود پس هر که تعدی کند بر شما پس دست درازی کنید بر وی

حرام است و حرمت با یا همه مگر سزا و بد (پس) سزا تعدی کند بر شما (پس) تجاوز کنید بر او

بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

مانند دست درازی و سزا بر شما و خدا کنید از خدا و بدانید که خدا با پرستندگان است

مانند آنچه تعدی کرده بر شما و بر سزا از خدا و بدانید که هر آینه خدا با پرستندگان است

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا

و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشان را بسوی هلاکت و نیکی مکاری کنید

و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خود بار در پلای و نیکی کنید

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَاتَّبِعُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَإِنْ اِحْصَرْتُمْ فَمَا

هر آینه خدا دوست می دارد و نیکی کاران را و تمام کنید حج و عمره را برائے خدا پس اگر باز داشته شود از شما

هر آینه خدا دوست می دارد و نیکی کاران را و تمام کنید حج و عمره را برای خدا (پس) اگر شایسته کرده بودید پس هر

استيسر من الهدى وَلَا تَحِقُوا رِءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ

سهل باشد از قربانی و متر استید سر بای خود را تا آنکه برسد قربانی

آسان باشد از هدیه و متر استید سر بای تان را تا آنکه رسد هدیه

حِلَّةٌ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ

بجایش و پس هر که باشد از شما بیمار یا او را رنج باشد در سر او و پس لازم است عوض آن از

بجایش پس هر که باشد از شما بیمار یا او را رنج باشد از سرش پس لازم است بروی فدیه از

صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا

روزه یا صدقه یا قربانی پس چون این شد پس هر که بهره در شد بسبب ادائے عمره تا وقت نماز

روزه یا خیرات یا هدیه پس چون این شد پس هر که بهره در داشت با دای عمره تا وقت نماز پس بروی لازم است

استيسر من الهدى فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصْيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةِ

سهل باشد از قربانی پس هر که نیابد پس لازم است روز دوازده روز در وقت حج و بیعت روز

آسان است هدیه (پس) هر که نیابد هدیه پس لازم است کدوزه کرد در ایام حج و بیعت روز

اِذَا جَعَلْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةَ كَامِلَةٍ ۝ لَيْسَ لَكُمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي

و بچنگید باز گردید از سفر این یک ده تمام است این حکم آن راست که نباشد فلیله و سبب باشند

و بچنگید باز گردید این ده روز کامل است این حکم برای کسیست که نباشد اهل وی باشند گان

المسجد الحرام وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

مسجد حرام و خدا کنید از خدا و بدانید که خدا سخت عقیبت است و

مسجد حرام و بر سزا از خدا و بدانید که هر آینه خدا سخت است عقیبت او

مَنْ لَمْ يَجِدْ فِصْيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَمَا

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

هر که نیابد فدیة ثلاثه ايام فاما

</

فل یمنی شرال ذلقة
 وعشر ذی الحجة
 مترجم گوید یعنی از
 عرفات نه از مزدلفه
 چنانکه در پیش تحریر
 که بودند و التذکر
 ۱۲ مترجم
 گوید بعد ازین
 خداستعاضا
 تصویر میفرماید
 حال کاروان و
 مومن را و التذکر
 اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 عه از عه شوال
 تا ماه ایدید قربان که
 و هم دی آنچو است
 را شبر حج را به پای
 حج نامیده می شود
 زیرا در این ماه با
 احرام حج بپوشید
 کسی که پیش از آن
 احرام بندد ناجائز
 و مکروه است برای
 ادای حج چند ماه
 معین و مقرر است
 که مردان آن را می
 شناسند آئین مشرکان
 عرب بود که ماهی
 حج را بر حسب قدرت
 و احتیاج خویش
 مقدم و موخر می
 نمودند خداوند
 در آیه دیگر
 را انما النبی زیادة
 فی الکف انرا باطل
 و بی اساس گردانید
 و دستور کفر بود
 را دیگر مفسرین
 این دستور را
 بمردمین منسوب
 میدارند که رفیق
 حج را بدون زاد راه
 توبه یابد اشتند
 و آنرا کوهی نامیدند
 و چون بکوهی رسیدند
 پیش بر کوه دست شوال
 را زانو نهاده نزدیکی
 گردند خداوند فرموده که
 استعاضا و اردو را
 باخته بپوشید برودن از آن
 سوار بر اسب و مردم را برایشان
 نسیان

الحج أشهر معلومت فمن فرض فیہین الحج فلا رفق ولا فسوق
 حج معلوم است ماهی است که نامش بر هر کس که لازم کرد برود درین ماه با حج را یعنی احرام بستن بر سر طاعت رانان جائز نیست نه بدکاری و نه
 و وقت آن ماه بایستین است پس کسی که لازم گردانید و آنجا را را (پس) جائز نیست جماع با زنان و درای جماع و نه کار بد و نه
 حلال فی العیم و ما تفعلوا من خیر یعمله الله و ترود و افان خیر
 با هم منافعه کردن در حج و هر چه می کنید از نیکی می دانند او را خدا و توشه براه گیرید هر آینه بهترین
 منافعه در وقت حج و آنچه می کنید از نیکی می دانند آنرا خدا و توشه گیرید پس هر آینه بهترین فائده
 الزاد التقوی و اتقون یا ولی الالباب لیس علیکم جناح ان تبغوا
 فائده توشه پذیریزی گاری است یعنی از سوال و دزدی و از سر برسد ای خداوندان سرود نیست شمار آنست در آن طلب کنید در روز حج
 توشه پذیر است از سوال و دزدی از سر برسد ای خداوندان سرود نیست بر شما گناهی در این که می خواهید
 فضلا من ربکم فاذا قضیت من عرفات فاذکروا لله عند المناسک
 روزی از پیروز و کار خویش پس آنگاه که باز گردید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد یک منفر
 فصل (لحق) از پیروز و کارتان پس آنگاه که باز گردید برای طواف از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد
 الحرام و اذکروا کما هداکم وان کنت من قبله لیس الضالین
 حرام و یاد کنید خدا را بشک آنکه راه نموده است شمارا و هر آینه بودید پیش از آن پیش از آن گمرازان
 حرام و یاد کنید خدا را چنانکه هدایت کرده شمارا و هر آینه بودید پیش از آن پیش از آن بی شک از بی گمرازان
 ثم افيضوا من حيث افاض الناس واستغفروا الله ان الله عفون
 پس باز گردید از آنجا که باز میگردند عاصه مردمان و از سرش طلب کنید از خدا هر آینه خدا آمرزنده
 پس باز گردید برای طواف از آنجا که باز میگردند مردم و بخشش بخوانید از خدا هر آینه خدا بسیار آمرزنده
 رحیم ۳ فاذا قضیت مناسککم فاذکروا الله کما ابداءکم او اشد
 مهربانست پس چون ادا کردید از آنجا که خویش را پس یاد کنید خدا را یعنی در منی مانند یاد کردن خدا پدران خویش را بلکه زیاده تر
 نهایت مهربان است پس و قیله ادا کردید مناسک حج خود را پس یاد کنید خدا را مثل یاد کردن شمارا بزرگ بیشتر
 ذکرا فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا و مالہ فی الآخرة
 یاد کردن پس از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 یاد کردن پس بعضی از مردم کسیست که می گوید ای پروردگار ما بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 من خلاق ۵ ومنهم من یقول ربنا اتنا فی الدنیا حسنات و فی
 آنچه نصیب و از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 آنچه نصیب رحمت و بعضی از مردم کسیست که می گوید ای پروردگار ما بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 الآخرة حسنة وقنا عذاب النار ۵ اولیک لهم نصیب ما کسبوا
 آخرت نعمت و محفوظ دارا را از عذاب دوزخ این کرده ایشان راست بهره از کسب و بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 آخرت خوبی و نگهدار ما را از عذاب دوزخ آن کرده مرا ایشان راست بهره از کسب و بدو دنیا و دنیا و نیست او را در آخرت
 والله سر یع الحساب ۶ و اذکروا الله فی ایام معدودت فمن تعجل
 و خدا زود گفته حساب است و یاد کنید خدا را در چند روز شماره پس ایام می پس سبک شتاب کو می کند
 و التذکر و گرفته حساب است و یاد کنید خدا را در روزهای شماره شده پس سبک شتاب کرده رفت
 فی یومین فلا اثم علیہ ومن تأخر فلا اثم علیہ لیس فی تعجل و اتقوا الله
 در دو روز یعنی از کسی پس گناه نیست بر کسی که تأخر نماید پس گناه نیست بر کسی که سبک شتاب نماید پس سبک شتاب کرده رفت
 در دو روز پس نیست گناهی بر او و هر که دیر ماند پس نیست گناهی بر او (این حکم بخیر) است که بتسبیح و تسبیح و تسبیح
 واعلموا انکم الیه تمشرون ۷ ومن الناس من یحب ان یتبعکم
 و بدانید که شما بسوی او میروید و هر که می خواهد بر شما پیوسته باشد و از مردمان کسی هست که می خواهد بر شما پیوسته باشد و از مردمان کسی هست که می خواهد بر شما پیوسته باشد
 و بدانید که بر آئینه شما بسوی او میروید (مخشور) خواهی شد بعضی از مردمان کسیست که بر حقیقت می آرد و حقان را
 و بدانید که بر آئینه شما بسوی او میروید (مخشور) خواهی شد بعضی از مردمان کسیست که بر حقیقت می آرد و حقان را

سب قول ۲
 البقرة ۲
 مک ۳۲ نزل
 فتح الرحمن

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ اللَّهُ الْخَصَّامُ وَإِذَا

در باب زندگانی دنیا و خواهی آمد خدا را بر آنچه در دل داریست حال آنکه او سخت ترین سیزندگان است و چون میامد
در باره زندگانی دنیا و خواهی گرداند خدا را بر آنچه در دل داریست حال آنکه او سخت ترین سیزندگان است و چون

تَوَلَّى سَعْيَ فِي الْأَرْضِ لِيَفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ

از پیش تو باز گردد دویده می رود و زمین تا خدا کند در آن و هلاک کند گشت و جانور را و الله و خدا

(بِحَبِّ الْمَسَادِ) وَاِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ

دوست ندارد فساد را و چون گفتہ شود اورا بنرس از خدا برا نیز اند اورا تنگبر بہ گناہ پس کافی است اورا

حَمْدٌ طَوَّلَ لَيْسَ إِلَٰهًا مَعَهُ مَرُّ شَرِّ

دورخ است و بر آئینه وے بدجایست و از مردمان کے بہت کہ میفرمودند
دورخ و بر آئینه بدجاست است (دورخ) و بہت از مردمان کہست کہ میفرمودند

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا

رضا مندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان اے کسانی که ایمان آوردید در آئید
رضای الله و الله بسیار مهربان است بر بندگان اے مومنان در آئید

فِي السَّلَامِ كَافً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (١٥)

در اسلام پلورده و کنید پیروی (نقش اقدم های شیطان را بر آئینه او بشمارا دشمنی است آشکارا و پنهانی بر این جهان و پیروی کنید شیطان را بر آئینه او بشمارا دشمنی است آشکارا و پنهانی

فَإِنْ رَأَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ قَوْلُ الْبَيْتِ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
پس اگر لغزید بعد از آنکه آمد بشما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب

پس اگر بلغزید رسید بضا احیام (نجات های) روشن پس بداند بر آینه خدا غالب

انست انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آنز که بیاید یا ایشان خدا یعنی بیاید عذاب او در سانسها از ابرو حکمت است انتظار نمی کنند مگر آنرا که بیاید ایشان را خدا عذاب او در سانسها از ابرو

لِلْمَلِكَةِ وَقَضَى الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ ^{١٠٧} سَلِّ بِفِي إِسْرَائِيلَ

پایانده شدگان و یا بنجام رسانیده شود کار و لبوی خدا باز گردانیده میشوند کارها. پیرس از بنی اسرائیل
رشته گان و یا بنجام رسانیده شود کار و لبوی خدا باز گردانیده می شوند همه کارها پیرس از بنی اسرائیل

كَمُتِّينَهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ يَحْيَا مَاجِدَةً فَإِنَّ

وہ کہ بدل کند نعمت خدا را پس از آنکہ بر ما بدوے یعنی کفر پس گیر ما نعمت مفتوحہ و دوہیں ہر آنکہ

اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنْ
هَذَا مَثَلًا ۝ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَهُ آيَاتٌ أَنْ يَسْخَرُوا مِنْهَا ۝ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنْ
يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا إِنَّا نَنْزِيلُ الْكِتَابَ لَنْ نَحْمِلَ هَذِهِ حَتَّىٰ تُنْزِلَ إِلَيْنَا أُمَّةً
مِنْ بَيْنِ أُمَّةٍ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ الْبَأْسَ بِلَدُنَا ۚ إِنَّا آنَسْنَا
مِنْكُمْ لَعْنَةً رَبِّكُمْ ۖ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ يَتْلُو آيَاتِنَا ۚ لَٰكِنِ
أَكْثَرُهُمْ أَصْحَابُ أَلْسِنَةٍ أَعْجَسُوا عَنْهَا ۚ وَلَقَدْ يَنْصَرِفُونَ ۚ فَلَمَّا لَمْ يَنْجِئْهُمُ
رَبُّكَ مِنْهَا لَمَّا جَاءَ أَعْرَضُوا عَنْهَا ۚ لَمَّا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ حَقُّ الْكَلَامِ ۚ تَوَلَّوْا
وَصَلُّوا ۚ فَكَفَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ وَهُمْ عَصَافٌ ۚ

است عقوبت او زینت داده شده برای کسانی که فرشتند زندگانی دنیا و متخیر می کنند

مَدِينِ اَمَمَوَالِدِينِ اَتَمَعُوا تَوْشَهْ يَوْمِ الْعِيَمَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

غَيْرِ حِسَابٍ ۝ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَفُتِنْتَ اللَّهُ السَّيِّئِينَ

خارجی بشارت بودند مردمان یک گروه و
بودند مردمان بر یک دین (اسلام متحد)

نوار انصاف و دجصلی اللہ علیہ وسلم را ببینید که میخواهد به احد ادا این مردم بینوائی محتاج ناخوان بر سر داران عرب فروزی حاصل کند و

فایز یعنی در اصول
مختلف می شوند ۱۲
فایز یعنی پیش از
آمدن هر یغماگر باشد
متفق بودند با یکدیگر
در دین و اختلاف
نیاست محمد ۱۲
لحم عثمانی
علی مخالفت کافران
یا احکام روشن الهی
و پیغمبر داد کرد و فوق
ذکر شده باین علت
است که محبت دنیا و
عیش و آسایش آن در
نظر بای آنها انقدر
جای گرفته است که
در مقابل بدین و
آسایش آخرت التماس
می نمایند و بالعکس
بمسلمانان که با دای
و نظیف خویش مصروف
و باندایش آخرت متغول
و در تمیل احکام خدا
نمیکنند متغیر میکنند
و مسلمانان را خوار
و ذلیل می شمارند
پس اینگونه اجتماع
۲۵
۹
کسر دوان بر او
مندگان بودند
چگونه می توانند
احکام الهی را بجا
آوردند و سعی می کردند
بر وقت که بپای عمل
و صیبه فقرای
مهاجرین رضی الله
عنهم را در حال بی
لوائی و تهیدستی
مشاهده می کردند
میدیدند که در آن
بی لوائی و تهیدستی
در راه حقیقت میگو
شد به آنها به تسخر
نگاه می کردند و می
گفتند این بی لوائی
باید آخرت را بجا آورد
مصابیب دنیا را
نار و دینار الصالح نماید

فتح الرحمن

که منتهی الشجاری
 شده است بآنکه بعد
 بعثت هم پیغمبر
 امت دعوت اخلاف
 واقع میشود از این
 تنگدل نباید شده الله
 علم ۱۲ وکذا یعنی
 رجب و ذی القعدة
 ذی الحجه و محرم که
 در شریعت حضرت
 ابراهیم ۳ جنگ کردن
 و درین ماهها حرام بود
 پس سوال کردند که در
 شریعت محمدی حکم
 تحريم باقی مانده است
 والله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 علم مراد از نگار
 لسانی و دشواری به
 نفس است از انکار و
 روید که مخالف حکمت
 به صحت پیدا شده
 شود و مسلمانان را
 سبب افسردگی لغزت
 برد و در این امر لسانی
 است زندگی در نگاه
 انسان طبعی کار او
 عزیز است و از جنس به
 مثال در رفوی دشوار
 صعب می باشد علم
 یعنی هر چه ارشاد حق
 لیس نافع یا مضر
 پیدا دید حقیقت
 همان فیما بیند راهها
 نیز است که نشان از اسرار
 میان توحش می
 پیدا دید حقیقت
 نشاندهای باشد و آنچه
 نشانده کرده شود ممکنه
 یان نموده آن است
 نامی پیدا دید و در
 بنیاد ضرر مالی و جانی
 است و در ترک جهاد
 و در و در این می ماند
 نامی اندیش که در راه
 و بنیاد علم غیر توحش

بُشْرَيْنَ وَمُنْذِرَيْنَ وَانْزِلْ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

بشارت دینده و بیم کننده و فرستاد بایشان کتاب را بر آستی تا حکم کند میان مردمان

فِيمَا اخْتَلَفَ فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا

در اینجا اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن

فَمِنْهُمْ قَوْمٌ مُّؤْمِنُونَ وَمِنْهُمْ قَوْمٌ لَّا يَخْتَلِفُ أَلْفٌ

آمد بایشان نشانی از بهجت حیدر در میان غوبش پس راه نمود خدا مومنان را یکن حق که اختلاف کردند

[illegible]

دردے ہمارا دُخود و خدا راہ می نمایند پسے را کہ خوابد بسوئے راہ راست دل آریا

از حق بار آید و الله را می بینید پس را که خوابد بسوی راه است

پنداشتند اے مردمان کہ در آئینہ بہشت حال آنکہ هنوز پیش نیامده است شمارا حال آنکہ عمر شریف پیش از شما

می پندارید کرمی در آید در بهشت حال آنکه بنور پیش نیامده شمارا حالت آنانیکه گذشتند پیش از شما

مسئله بیاضاء و انحراف و ریزوا حے یعول الرسول و الدین امنو
 و حلا نده مشوند تا آنکه میگویند و کما ینک الکاتبین و غیره

رسید باینسان متحی و محنت و جنبانیده شدند تا آنکه میگفت پیغمبر و آنانیکه ایمان آورده اند

معہ سی نصر اللہ الا ان نصر اللہ قریب ۱۰ یسئلونک ماذا یتفقون

بادی که می آید مدد خدا آگاه شوید هر آنکس که مدد خدا نازد یک است می پرسد ترا که چه
لفظ کند

قُلْ مَا نَفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ وَإِلَيْكُمْ رُجُوعٌ ۝۲۴

بگو آنچه سرچ می‌گوید از مال پس برادر و پسر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و
بگو آنچه شرح می‌کند از مال پس برای مادر و پسر باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و

بِالنَّاسِ سَبِيلٌ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ٥ كَتَبَ عَلَيْكُمْ

مسافران را و آنچه نهد ازینک پس هر آینه خدا بوسه دادناست لازم کرده شد بر شما
مسافران و آنچه نهد ازینک پس هر آینه خدا بر آن نیک داناست فرغ شده بر شما

الْقِتَالُ وَهُوَ كَيْدٌ وَعَسَى أَنْ تَكُونُوا شُعْبًا مِّنْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ عِندَ

و آن ناگوار است برای شما که
و آن ناگوار است و این ناگوار را چنانچه در اصل آنکس و سبب بهتر باشد شمارا دشمنان

شکوه و هوش که طو الله اعلم ان الله تعالی

دوست واریہ چیزے را حال آنکو دے بد باشر شہاداد خدا میداند و شما بخندایند سوال می کنند ترا

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا تَقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَلَا تُسَمِعُوهُ إِلَّا وَنُفْسٌ مِنْكُمْ خَائِفَةٌ أَوْ يَدُمُضٌ أَوْ يَسْتَفْهِمٌ

از جنگ کردن در آن و بجنگ کردن در وی سخت کار است و بازداشتن

در این کتاب بزرگ است و بازداشتن

از راه خدا و تا که رویدن بخدا و بازداشتن از مسخرام و بیرون کردن

و لقمه بخور و بازو اشکن از مسجد حرام و بیدون کردن اهل مسجد

این بیان را که در کتاب مذکور است و در بیان سخنان اهل بیت می‌داند و می‌فهمد اینها احکام الهی است.

مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ

از دین بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از کشتن و ایستادند بر شما و ایستادند بر شما و ایستادند بر شما

حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ

تا آنکه بازگردانند شما را از دین شما یعنی اسلام اگر توانند و هر که برگردد از شما و هر که برگردد از شما

دِينِهِ فَبِمَتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا

و دین خود پس کافر می شود و آن گروه کسالتی اند که ضایع شده اعمال ایشان در دنیا و در دنیا و در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۱۰ إِنِ الَّذِينَ

و آخرت و ایشانند باشندگان دوزخ ایشان در اینجا جاویدند بر آینه آتشی بر آینه آتشی

مِنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ

ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا آن گروه امید دارند ایمان آوردند و کسانیک هجرت و جهاد کردند در راه خدا آن گروه امید دارند

رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْمِرِ

بخشایش بخارا و خدا آمرزنده مهربان است سوال می کنند ترا از شراب و قمار و قمار و قمار

قُلْ فِيهِمَا آثَمُ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ لَكَبِيرُونَ مِمَّا كَانُوا

بگو در اینها بزرگترین گناه است و نفع است مردم را و اینها بزرگترین گناه است از آنچه بودند و نفع است مردم را و گناه بزرگتر است از سود آن ها و

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ

سوال می کنند ترا چه چیز خرج می کنند بگو خرج کنید زه یاد را و این چنین بیان می کند خدا برای شما آیات را و این چنین بیان می کند خدا برای شما احکام را

لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۱۲ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى

تا باشد که تأمل کنید در مصیبت دنیا و آخرت و سوال می کنند ترا از یتیمان و یتیمان و یتیمان

قُلْ إِصْلَاحُ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

بگو اصلاح کردن کار ایشان بهتر است و اگر شما را با ایشان دوستی کنید با ایشان برادران شما اند خدا میداند اصلاح کردن کار ایشان بهتر است و اگر شما را با ایشان دوستی کنید با ایشان برادران شما اند خدا میداند

الْمُفْسِدُ مِنَ الْمَصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ

مفسد کار را از اصلاح کننده و اگر خدا خواست محنت گردانید شما را بر آینه خدا غالب است و اگر خدا خواست محنت گردانید شما را بر آینه خدا غالب

حَكِيمٌ ۱۳ وَلَا تَتَّبِعُوا هَوَى الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَا أَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ

استوار کار است و بزرگترین گناه از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان

خَيْرٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۴ وَلَوْ أَعَجَبْتُمْ لَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا هَوَى الْمُشْرِكِينَ

بهتر است از مشرک آوردن اگر چه تعجب کنید از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان

بِهَتِّهِمْ ۱۵ وَتَتَّبِعُوا هَوَى الْمُشْرِكِينَ ۱۶ وَلَا تَتَّبِعُوا هَوَى الْمُشْرِكِينَ

بهر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان

بهر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان با حکمت است و نواحی کفر از دین مشرک آوردن تا آنکه ایمان آورند و هر آینه کفر مسلمان

و لا یعنی ترویج نکردن
و لا حاصل جواب
آست که قتال کفار
چنان است و تحریم قتال
مسلمین مطلق میشود
والله اعلم
یعنی حرام انداختن منافق
انتقادات نباید کرد و الله
اعلم
حاجت ضروری است
یعنی بفرستادن
تفسیر عثمانی
عمر از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و سلم
سوال نمودند که چه مقدار
مال خود را در راه خدا
صرف نمایند حکم الهی
نازل گردید بر آن قدر
که از مصارف ضروری
شمار باید بماند زیرا این نگ
اندیشید آخرت ضرورت
نظر این جهان را نیز باید
داشت اگر شما آنچه را که
بر دامن نماند ضروری
خود را از پیگیری بخواهید
کرد و حقوق را که بر شما
لازم است چگونه ادا
خواهید نمود و از این
دیده ده چاره مصائب
دنیوی آخرتی خواهید
شد عیال مطلب
خاص صیانت اصلاً
مالی تقیم است اگر در
جهانی منفعت تقیم
باشد بخاری و اگر در
شرکت مفاد باشد به
شرکت در این امر هیچ
مضایقه نیست که گاهی
از حد تقیم تجاوز و بدهی
از حد خود بوی دهد
یقین در دین یا نسب
باشما را و انبراداران
اگر شریک باشند از دیگر
مستفید شوند پس ندادن
لازم آنست که اصلاح
یقین بدستی شود خداوند

فل یمنی بر بنده از
 بندگان خدا که موسی
 باشد و بر او از او
 خدا که موسی باشد
 است از مشرک و مشرک
 و الله اعلم ۱۲
 یعنی نفس بجای آید ۱۲
 و یعنی به صفت کج
 که جماع کنند شاید
 غلطانده و از پس
 پشت و غیر آن بعد
 از آنکه در قیل باشد
 و یعنی سوگند برای
 موقوف کردن کاری
 جائز نیست و
 یعنی لا اله الا الله
 و الله بفرصه گوید
 غلطانده سوگند
 خود علی اختلاف
 المذهبین و الله اعلم
 ۱۲ و یعنی قسم خورده
 که جماع نکند ۱۲
 تفسیر عثمان
 ع حیض خوانی است
 که بر حسب عادت از
 رحم زن جاری میشود
 در حال حیض - جماع
 ناز - روزه - حرام است
 خونیک بر خلاف عادت
 از زن جاری میشود
 بیماری است در انتفا
 این خون جماع - ناز
 روزه همه درست است
 زیرا این خون حالت
 که از رحم و قصد جاری
 شود پیوسته و مجوس
 در حال حیض یا زنان
 یک ماه خورده و در
 یک خانه بودن را
 نیز جائز نمی شود
 انصاری از جماع
 هم پریشانی کردند
 مردم درین باره از
 حضرت پیغمبر پرسیدند
 این آیه که مکرر فرود
 آمد حضرت پیغمبر
 واضح فرموده اند که در حال حیض مجامعت حرام است اما خوردن - نوشیدن - بود و باش کردن همه جائز می باشد افرایه بود و تغذیه نصاری برود مرده و قرار داده شده

حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ ۚ وَكَوْا عَجَبَكُمْ ۚ وَوَلَدُكُمُ
 تا آنکه ایمان آورند یعنی زمان مومنان و هر آینه بنده مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه بدست آورده باشد شمار اول گروه مومنان
 تا آنکه ایمان آورند و البته غلام مسلمان بهتر است از مشرک و اگر چه به شکفت آرد و شمارا آن گروه
 يَدْخُلُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَاللّٰهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِأَذْنِهِ وَيُبَيِّنُ
 میخوانند بسوی دوزخ و خدا میخواند بسوی بهشت و بسوی آمزش بقدرت خود و بیان می کند
 دعوت می نماید بسوی آتش و خدا می طلبد بسوی بهشت و به آمزش حکم خود و بیان می کند احکام
 آیته لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۚ
 آیتهاست خود را برای مردمان تا باشد که پند پذیر شوند و سوال می کنند ترا از حیض
 خود را بمردمان تا ایشان پند گیرند و می پرسند ترا از حکم حیض
 قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ۖ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى
 بگو که وے نجاست است پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی کنید با ایشان تا آنکه
 نجاست است پس کناره گیرید از جماع زنان در وقت حیض و نزدیک مشغول ایشان را تا آنکه
 يَطْهُرْنَ ۖ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّٰهُ ۚ إِنَّ اللّٰهَ
 پاک شوند پس چهل نیک پاک شوند و پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شمارا یعنی از جانب قبل از آنکه
 پاک شوند پس و قنیک خوب پاک شوند پس برود نزد ایشان از آن جانب که حکم کرده است الله بر آنکه
 يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۝ نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَنْتُمْ
 دوست می دارد تو به کفندگان را و دوست می دارد به پند پذیر کفندگان را از نجاست زنان شما کشت زار شماست پس بیایید
 دوست می دارد تو به کفندگان را و دوست می دارد به پند پذیر کفندگان را از نجاست زنان شما کشت زار شماست پس بیایید
 حَرْثُكُمْ اَنْ تَسْعَوْا وَقَدْ مَوَّالَ اَنْفُسِكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا
 به کشت زار خویش بر روش که خواهید و پیش فرسید یعنی اعمال صالحه را برای خویش و بر رسید از خدا و بدانید
 کشت زار خود را به هر کیفی که خواهید و پیش فرسید اعمال صالحه را برای خودتان و بر رسید از الله و بدانید که
 اَنْتُمْ مَّالِقُوهُ ۖ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا اللّٰهَ عَرَضًا
 که شما با وے ملاقات خواهید کرد و بشارت ده مسلمانان را و مکنید نام خدا را و مثال
 بر آینه شما ملاقات کننده آید او را بشارت ده مومنان را و مگردانید خدا را بدت
 لَا يَسْأَلُكُمْ اَنْ تَبْرُوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلُّوا وَتُحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۖ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ
 برائے سوگند ان خویش برائے اجتناب از آنکه بخواری کنید بهر بهر کاری نماید و صلاح آید در میان مردمان و خدا شنوا
 به سوگند بای خود برای اجتناب از آنکه بخواری کنید بهر بهر کاری نماید و اصلاح کند میان مردم و الله بینو شنوا
 عَلَيْهِمْ ۖ لَا يَأْخُذُكُمْ اللّٰهُ بِالْغُفْوَةِ اَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يَأْخُذُكُمْ
 داناست که مواخذه نمی کند شمارا خدا به پیوسته گوئی در سوگند بای شما و مکن مواخذه می کند
 داناست نمی گرد شمارا الله به تنو در سوگند بای شما و لیکن می گرد شمارا به آن سوگند بای
 بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۖ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لِلَّذِينَ يُولُونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ
 بایچه که قصد کرده است و لیاقت شما و خدا آمرزنده بود با راست - مرا غسان را که ایلمی کنند از زنان خویش و
 که قصد کرده است از دل بای شما و الله نیک آمرزگار و بکره با راست - مرا کسان را که سوگندی خوردند از نزدیکی یا زنان خود
 تَرَبُّصًا رُبْعًا ۖ وَفَافَّوْا ۖ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَانْ عَزَمُوا
 انتظار کردن چهار ماه است پس اگر باز کشتند یعنی ازین سوگند پس بر آینه خدا آمرزنده مهربان است و اگر قصد کردند
 انتظار کشیدن چهار ماه است پس اگر باز کشتند پس بر آینه الله نیک آمرزگار مهربان است و اگر قصد کردند
 الطَّلَاقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ
 جدائی را پس بر آینه خدا شنوا داناست و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یا
 طلاق را پس بر آینه الله نیک شنوا داناست و زنانیک طلاق شده اند انتظار کشند به نفس بای خود

ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَجْلُ لَهْنٌ أَنَّ يَكْتُمَنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنَّ

سه مرتبه نماز بخوانند و لهن یعنی لیسیدن آنچه خدا آفریده است در رحمهای ایشان یعنی ولده حیوانی که

کُنْ يَوْمَئِذٍ مِنَ الْبَاقِيَاتِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ طَوَّعًا وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ

و شما بپایان ایشان سزاوارتر اند به باز آوردن ایشان در جای خود و بپایان ایشان سزاوارترند بر رجوع ایشان در آن مدت

إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ

اگر خواهند نیکوکاری و زنان را هست مانند آنچه بر زنان است بوجه پسندیده و

بِرِّجَالٍ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ طَوَّعًا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ طَوَّعًا الطَّلَاقُ مَرَّتَيْنِ

بر مردان را بر زنان فضیلت است و الله غالب یا حکمت است طلاق رجعی دو بار است

فَامْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُهُ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجْلُ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا

پس از آن یا نگاه داشتن است بجهت نیکو یا باز کردن به نیکویی و حلال نیست شمارا که بگیرید چیزی را از آنچه

تَنَظَّرُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ

داده اید زنان را و اگر نگاه کنید بر سر آنها بترسند مرد و زن که بر پا نمانند احکام الله را پس اگر ترسیدای مسلمانان

أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ

اگر ترسید که بر پا نمانند این هر دو احکام خدا را پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض خود داد زن این

حُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

خدا را مقرر کرده خداست پس بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه ایشانند

الظَّالِمُونَ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ شُرُوجًا

و اگر طلاق داد یعنی سوم بار پس برگز حلال میشود این زن آن مرد را بعد از این تا نکاح کند زن شوهر

غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا

و اگر طلاق کرد و او را طلاق داد پس شوهر و زن که برگردند و اگر طلاق داد پس شوهر و زن که برگردند و اگر طلاق داد پس شوهر و زن که برگردند

حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَإِذَا طَلَّقْتُمْ

احکام خدا را و این حدود خداست بیان می کند آن حدود را برای قومی که می دانند و طلاق دادید

النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ

زنان را پس رسیدن مهلت خود و پس نگاه دارید ایشان را یا بپایان کنید ایشان را

بِمَعْرُوفٍ مَوْكُوفًا لِتَعْتَدُوا وَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَامْسِكُوهُنَّ

و نگاه دارید ایشان را بپایان و نگاه دارید ایشان را بپایان و نگاه دارید ایشان را بپایان

بِمَعْرُوفٍ مَوْكُوفًا لِتَعْتَدُوا وَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَامْسِكُوهُنَّ

و نگاه دارید ایشان را بپایان و نگاه دارید ایشان را بپایان و نگاه دارید ایشان را بپایان

فمن لیس من زانی را
بر مردان حق است
چنانچه مردان را بپایان
حق است ۱۲ و
یعنی حلال نیست که
بدل طلاق از مهر بگیرد
یعنی در معاشرت
و یعنی نزدیک سید
باقضا عدت ۱۲
تفسیر عثمانی
۲۸ پیش از اسلام
رجوع بود مردان
هر قدر که میخواهند
و بهیست مرتبه زنان
خویش را طلاق میدادند
و قبل از انقضای عده
عدت رجوع می کردند
باز هر وقتیکه خواستند
طلاق دادند و رجعت
می نمودند باین روش
نقض مردان زنان را
سخن می آوردند و در
تجرب این آیت کریمه
تا قبل از طلاق که
در آن رجعت جائز
است تمام آن دوم مرتبه
می باشد مردان را
نادر مرتبه اختیار داده
شده که اگر در اثباتی
عدت بخوانند می توانند
بر حسب دستور زن
را نگهدارند یا با حقان
رجعت دهند اما بعد
از انقضای مهلت
رجعت بجای نمی آید اگر
هر دو رضی باشند می
توانند دوباره نکاح
کنند مردی که زن خود
را سه مرتبه طلاق دهد
تا شوهر دیگر با زن
نکاح نکند و حلال نکند
نکاح آن باین زن
جائز نباشد بلکه
مردان ماسک معروف
تسریع با حقان
است که اگر مرد

بیت نایب قریب موافقت و حسن معاشرت باشند آنکه زنا را و جسد دارند و آزاد دهند چنانکه در چین معمول بود که یک چنین خوانند زن را به آسانی و احترام رجعت دهد

والتی علیها منتهی
 شد ۱۲ یعنی با
 شوهران دیگر بایشان
 رغبت پیدا کردند
 تفسیر عثمانی
 معنی را شوهرش
 یک یا دو مرتبه طلاق
 داده و در
 عدت رجعت
 نگرفته بود
 زانی که عدت با تمام
 رسید شوهر سابق او
 نیز باره مال دیگر پیام
 نکاح داده و زن با او
 راضی شده اما مردش
 برافروخته گردیده از
 نکاح بازداشت باز
 آن این حکم تازل
 گردید که رضای شوهر
 زن را رعایت نمایند
 و موافق مرضی او
 نکاح کنند و در این
 معاطعه عدم رجعت
 خود را داخل مگویند
 این خطاب عمومی
 است باز دارندگان
 نکاح خواه شوهر طلاق
 دهنده زن باشد که
 زن را از نکاح دیگری
 بازدارد یا دلی یا وارث
 زن یا شهادت را از نکاح
 کردن یا شوهر اول یا
 دیگری منع نماید این
 حکم برای مانت تمام
 آنها فرود آمد یعنی اگر
 کدام امری مطابق
 قاعده باشد مثلاً
 زن از کسی شوهر
 کند که کفو او نباشد
 یا در ایام حائضه
 اول یا دیگری نکاحی
 نماید پیشک ممانعت
 حق دارند و مقصد از
 کلام بالمعروف بین
 امت عامه احکامیک
 ذکر شد تنها مومنان
 اند آن پند می گیرند زیرا ایشان

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۖ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا ۚ وَدَأْبُكُمْ وَانْعَمْتَ اللَّهُ
 پس هر آینه ستم کرده بر خود و میگرد آیتهای خدا را تمسخر و یاد کنید نعمت خدا را
 پس هر آینه ستم کرده بر خودش و میگرد آیتهای خدا را تمسخر و یاد کنید نعمت خدا را
 عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ الْحِكْمَةَ يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 بر خویش و آنچه فرود آورده بر شما از کتاب و علم که پند میدهد به شما را بآن و بترسید از خدا
 که بر شماست و آنچه فرود فرستاد بر شما از کتاب و علم که پند می دهد به شما را بآن و بترسید از الله
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ
 و بدانید که خدا بهر چیز داناست و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند
 و بدانید که هر آینه الله بهر چیز داناست و چنانکه طلاق دادید زنان را (پس) رسیدند
 أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْصِلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَائُوا بَيْنَهُنَّ
 ایضا خود را پس منع نکنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش و فتنه بایک دیگر راضی شدند
 به طهارت عدتشان (پس) منع نکنید ایشان را که نکاح کنند شوهران شان را و فتنه راضی باشند در میان خود
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 در میان خویش بروش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مومن باشد از شما بخدا و روز
 محاسن محسور (بوجه پسندیده) علم این پند داده می شود به آنکه (باشد) از شما ایمان دارد به الله و روز
 الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكُمْ أَنْتُمْ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝
 قیامت و این کار خوشتر است شما و پاینده تر و خدای دانند و شما نمیدانید
 قیامت علم این کار نافع تر است شما و پاینده تر و خدای دانند و شما نمیدانید
 وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ مِنْ أَرْدَانٍ يَتِيمِ
 و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن
 و مادران شیر دهند فرزندان شان را دو سال کامل برای کسی که خواهد تمام کند
 الرِّضَاعَةُ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا
 مدت شیر دهنده پدر نقد و پوشاک این زنان شمرده است بوجه پسندیده واجب
 مدت شیر دادن را و بر کسی که فرزند زاده شده برای او یعنی برای پدر طعام زن و لباس زن و مخ است موافق قاعده و اگر
 تَكْفِ نَفْسٍ إِلَّا وَسْعَهَا ۚ لَا تَضْرِبُوا الدَّيَّةَ لَئِنْ بُولَوا حَوَافِلَهُمْ
 کرده می شود و بر هیچ کس الا قدر توانائی او در ج نباید داد مادر را بسبب فرزند دهنده و نه پدر را
 حلیف داده نمی شود کسی را مگر بقدر توانائی پدر رسانیده نه شود مادر بجهت فرزندش و نه کسی را که طفل برای او زاده شده و پدر را
 بُولَدَهُ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَا فِصَاةً
 بسبب فرزند دهنده و لازم است برومی مانند این پس اگر خواهند مادر و پدر از شیر باز کردن یعنی پیش از دو سال بعد
 بجهت فرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر در پدر خواسته چنان طفل را از شیر در دو سال بعد
 تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ
 رضامندی میان پدر و مادر مشورت کردن بایکدیگر پس نیت بر ایشان اگر خواهید که
 از خود رسندی بایم و اگر مشوره کردن بایم و اگر پس نیت هیچ گنای بر آن و اگر خواهید که
 تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيْتُمْ
 دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست بر شما چون تمام تسلیم نموده آید و او را نش مقرر گردید
 دایه گیرید جهت شیر دادن فرزندان خود پس نیت هیچ گنای بر شما چون تسلیم نموده آید و او را نش مقرر گردید و دادن آنرا
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝
 بخوش خوئی و بترسید از خدا و بدانید که خدا با آنچه می کنید بیناست
 موافق قاعده و بترسید از الله و بدانید که هر آینه الله به آنچه می کنید بیناست

اندر آن پند می گیرند زیرا ایشان

و ان تعفوا اقرب للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم ان الله
 و آنكه در گذاردید نزد یک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید احسان کردن در میان خویش بر آینه خدا
 و آنکه به بخشد شما نزدیک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید بخوی را در میان خود بر آینه الله
 بما تعملون بصير ۵ حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى
 با آنچه می کنید بینا است تعبد کنید بر همه نمازها و بر نماز میانی خصوص نماز عصر
 به آنچه می کنید نیک بینا است آگاه باشید (در داری کنید) بر همه نمازها و نماز میانه
 وقوموا لله قنيتين ۶ فان خفتكم فیرجالا اوزکباناء فاذا
 و بایستید برانکه خدا را بنزد آورده پس اگر ترسید یعنی از عدو و مانند آن پس روان بر پا بماند خود نماز گزاری یا سواره پس برون
 و بایستید محض نور الله را بنزد آورده پس اگر ترسید از کسی پس پیاده نماز بخواند یا سواره پس و قنیه
 امنتم فاذا كنتم والله كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون ۷
 این شود پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید
 این شود پس یاد کنید الله را چنانچه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید
 والذين يتوفون منكم ويذرون ازواجهم وصبيانهم لا زواجهم
 و آنانکه قبض روح ایشان کرده شود از شما و می گذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برانکه زن خویش
 و کسانیکه می میرند از شما و می گذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برای زنان شان
 متاعا الى الحول غير اخراج فان خرجن فلا جناح عليكم
 آنچه که به دهند ایشان را تا یکسال خبر بر آورده یعنی بجز آنکه برون پس اگر برون پس گناه نیست بر شما
 تا یکسال خبر برون کردن از خانه عده پس اگر برون شوند زنان پس نیست هیچ گناهی بر شما
 في ما فعلن في انفسهن من معروف ۸ والله عزيز حكيم ۹
 در آنچه کردند در حق خویشانشان از کار پسندیده یعنی نكاح بطور شرع و خدا غالب استوار کار است و
 در آنچه کردند در حق خود از کار پسندیده و الله غالب با حکمت است و
 لم تطلق متاعا الا المعروف ۱۰ حقها على المتقين ۱۱ كذا لك
 طلاق داده شد گاثر لازم است به و مند ساقی بخویش یعنی نفقه و سکنی لازم کرده شد بر پسران گاران همچنین
 و برای زنان طلاق داده شده نفقه عدت است موافق قاعده بود پسندیده لازم است بر پدر نیز گاران لعل بهمان
 يبين الله لكم آيته لعلكم تعقلون ۱۲ ألم تکر الى الذين
 بیان می کند خدا برای شما احکام خود را تا بآیات که شما بهجید
 بیان می کند الله برای شما احکام خود را تا شما بهجید
 خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت فقال
 بیرون آمدند از خانه های خویش ایشان هزاران بودند به بیم مرگ پس گفت
 بیرون شد از خانه های خویش و ایشان هزاران تن بودند از بیم مرگ پس گفت
 لهم الله موتوا فقال لهم احياهم ان الله لذو فضل على
 ایشان را خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را هر آینه خدا صاحب بخشایش است
 ایشان را خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را هر آینه الله دارا بخشایش است
 الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون ۱۳ وقاتلوا في
 مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند و جنگ کنید در
 و لیکن بیشتر مردم شکر نمی کنند و جنگ کنید در
 سبيل الله واعلموا ان الله سميع عليم ۱۴ من ذا الذي
 راه خدا و بدانید که خدا شنوا و داناست
 و بدانید که هر آینه خدا نیک شنوا و داناست
 راه خدا و بدانید که هر آینه خدا نیک شنوا و داناست
 کیست آنکه کیست آنکه

مطلقه مستحب است لازم و در صورت اول ضروری باشد

و ان تعفوا اقرب للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم ان الله
 و آنكه در گذاردید نزد یک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید احسان کردن در میان خویش بر آینه خدا
 و آنکه به بخشد شما نزدیک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید بخوی را در میان خود بر آینه الله
 بما تعملون بصير ۵ حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى
 با آنچه می کنید بینا است تعبد کنید بر همه نمازها و بر نماز میانی خصوص نماز عصر
 به آنچه می کنید نیک بینا است آگاه باشید (در داری کنید) بر همه نمازها و نماز میانه
 وقوموا لله قنيتين ۶ فان خفتكم فیرجالا اوزکباناء فاذا
 و بایستید برانکه خدا را بنزد آورده پس اگر ترسید یعنی از عدو و مانند آن پس روان بر پا بماند خود نماز گزاری یا سواره پس برون
 و بایستید محض نور الله را بنزد آورده پس اگر ترسید از کسی پس پیاده نماز بخواند یا سواره پس و قنیه
 امنتم فاذا كنتم والله كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون ۷
 این شود پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید
 این شود پس یاد کنید الله را چنانچه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید
 والذين يتوفون منكم ويذرون ازواجهم وصبيانهم لا زواجهم
 و آنانکه قبض روح ایشان کرده شود از شما و می گذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برانکه زن خویش
 و کسانیکه می میرند از شما و می گذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برای زنان شان
 متاعا الى الحول غير اخراج فان خرجن فلا جناح عليكم
 آنچه که به دهند ایشان را تا یکسال خبر بر آورده یعنی بجز آنکه برون پس اگر برون پس گناه نیست بر شما
 تا یکسال خبر برون کردن از خانه عده پس اگر برون شوند زنان پس نیست هیچ گناهی بر شما
 في ما فعلن في انفسهن من معروف ۸ والله عزيز حكيم ۹
 در آنچه کردند در حق خویشانشان از کار پسندیده یعنی نكاح بطور شرع و خدا غالب استوار کار است و
 در آنچه کردند در حق خود از کار پسندیده و الله غالب با حکمت است و
 لم تطلق متاعا الا المعروف ۱۰ حقها على المتقين ۱۱ كذا لك
 طلاق داده شد گاثر لازم است به و مند ساقی بخویش یعنی نفقه و سکنی لازم کرده شد بر پسران گاران همچنین
 و برای زنان طلاق داده شده نفقه عدت است موافق قاعده بود پسندیده لازم است بر پدر نیز گاران لعل بهمان
 يبين الله لكم آيته لعلكم تعقلون ۱۲ ألم تکر الى الذين
 بیان می کند خدا برای شما احکام خود را تا بآیات که شما بهجید
 بیان می کند الله برای شما احکام خود را تا شما بهجید
 خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت فقال
 بیرون آمدند از خانه های خویش ایشان هزاران بودند به بیم مرگ پس گفت
 بیرون شد از خانه های خویش و ایشان هزاران تن بودند از بیم مرگ پس گفت
 لهم الله موتوا فقال لهم احياهم ان الله لذو فضل على
 ایشان را خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را هر آینه خدا صاحب بخشایش است
 ایشان را خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را هر آینه الله دارا بخشایش است
 الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون ۱۳ وقاتلوا في
 مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند و جنگ کنید در
 و لیکن بیشتر مردم شکر نمی کنند و جنگ کنید در
 سبيل الله واعلموا ان الله سميع عليم ۱۴ من ذا الذي
 راه خدا و بدانید که خدا شنوا و داناست
 و بدانید که هر آینه خدا نیک شنوا و داناست
 راه خدا و بدانید که هر آینه خدا نیک شنوا و داناست
 کیست آنکه کیست آنکه

ع چون روشن شد که حیات و دارائی شما همه در قدرت خدای مختارست بر شماست که در راه خدا در راه دین با کافران بجنگید آگاه باشید خدا سخنان مردم بهانه جور می شود و بر نیات واردات آنها آگاه است و در راه خدا آنچه را بدیدید کنید از نیوانی و تهنیتی میگردید قرض حزن است که قرض و نهاده تقاضا نمکته و قرض دار است نگذارند و عوض نشاند و ملوک را حجت نشاند این جا بجا قرض حزن دادن در جهاد صرف نمودن و در محتاجان دینی توانان صدق و ادب است عده از این قدر ثابت میگرد که بسط و قرض فراخی و نیش در قدرت خدا است یعنی تنها او توانمند نیوانی را شای بد و پادشاهی را بیرون گردانند تا توان را قوت دهد و اقویا را بیچاره سازد و بد از حضرت موسی علیه السلام کار بی اسرائیل منتظر بود چون نیت آنها و از کونه شد حالات نام پادشاه کافری بران با مسلط گردید و آنها را از شهر بیرون کرد و تاج نمود اسیر گرفت و غلام گردانید بنی اسرائیل عزیمت و به بیت المقدس فرام آیدند و در آن وقت حضرت شعیب علیه السلام

يَقْرَضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ
 دام دهد خدا را دام دادن نیک پس دو چند سازد خدا آن مال را برائے او و مراتب بسیار و خدا می بندد قرض دهد الله را قرض نیکو پس دو چند می گرداند آنرا برای او و مراتب بسیار و خدا می بندد
 وَيَبْصُطُصْ وَالْيَهُ تَرْجَعُونَ ۝ اَلَمْ تَرَ اِلَى الْمَلِكِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِئِيلَ مَنْ
 و کشاده می کند روزی را و بسوی او باز گردانیده شود آیا ندیدی بسوی جماعت از بنی اسرائیل و بسوی او باز گردانیده می شود آیا ندیدی بسوی جماعتی از بنی اسرائیل
 بَعْدَ مُوسَى اِذْ قَالَ لَوِ الْبَنِي لَهُمْ اِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ
 بعد از موسی چون گفتند مر پیغمبر خویش را که بر ما کن برائے ما پادشاهی تا جنگ کنیم در راه بعد از موسی عده چون گفتند آنها را پیغمبرشان مقرر کن بر ما پادشاهی تا بجنگیم در راه
 اللَّهُ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ اَلَا تُقَاتِلُوْا قَالُوْا
 خدا گفت پیغمبر آیا نزد یک هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ اینکه جنگ نکنید گفتند خدا گفت پیغمبر آیا تو حق میروی و از شما اگر حکم شود بر شما جنگ آنچه جنگ نکنید گفتند
 وَمَا لَنَا اَلَا نَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ اَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَابْنَانَا
 و چه شده ما را که جنگ نکنیم در راه خدا و چه تحقیق بیرون کرده شدیم از خانه های ما و پسران ما و چه شده ما را که جنگ نکنیم در راه خدا و چه تحقیق بیرون کرده شدیم از خانه های ما و پسران ما
 فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَالِمُ
 پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا دانا است پس بقیه واجب شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان و الله نیک دانا است
 بِالظَّالِمِيْنَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ
 به ستمکاران و گفت حرا ایشان را پیغمبر ایشان را آئینه خدا پادشاه مقرر کرده است برائے شما به ستمکاران عده و گفت به آنها پیغمبرشان بر آئینه خدا به تحقیق مقرر کرده بر شما
 طَاوُتَ مَلِكًا قَالُوْا اَنَّى يَكُوْنُ لَهُ الْمَلِكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ
 طاوت را گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما و ما طاوت را پادشاه گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما حال آنکه ما
 اَحْسَنُ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَلَمْ يُوْتْ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَا اِنَّ
 سزاوارتریم به پادشاهی از وی و داده نشده است ویرا فراخی از مال گفت هر آینه سزاوارتریم به پادشاهی از وی و داده نشده او را فراخی از مال پیغمبر گفت هر آینه
 اللَّهُ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ
 خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در دانش و افزونی در بدن خدا برگزیده است او را بر شما و افزونی در دانش و افزونی در بدن
 وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَةً مِّنْ يَّشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ و
 و خدای بخشد پادشاهی خود را به هر که خواهد و خدا بخواد و دانا است و خدا بخشد پادشاهی خود را به هر که خواهد و الله فراخ فضل بسیار دانا است و
 قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اٰيَةَ مَلِكِهِ اَنْ يَّاتِيَكُمْ السَّابُوتُ
 گفت ایشان را پیغمبر ایشان را آئینه نشان پادشاهی او آنست که بیاید بشما صندوق گفت بنی اسرائیل پیغمبرشان را آئینه نشان سلطنت طاوت آنست که بیاید نزد شما صندوق
 فِيْهِ سَكِيْنَةٌ مِّنْ سَرِيْسِكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى
 در آن آرم و دست از پروردگار شما و بقیه از ترکانی که گذارستندش آل موسی در آن کسلی فاطمه شماست از جانب پروردگار تان و باقی مانده از اسبابی که گذارستند آل موسی
 پیغمبر بنی اسرائیل می گفتند پادشاهی بر ما مقرر کن تا با وی اتفاق کرده و در راه خدا جهاد نمایم -

و در آن سه صد و
سیزده تن که مقابل
جالت صف آراند
حضرت داود و
با پدر و شش
برادر خود شویبت
داشت داود و
در راه به سه پاره
سنگ تصادف
نمود سنگها صد گزین
مار را بر دار تا جاهوت
را بکشیم چون دو سنگ
مقابل یک گز را برانند
جاهوت میدان در آمد
و گفت من تنها هستم
بسته ام بیایید حضرت
اشوین و حضرت
داود عا را خواست
گفت پسران خوش
را بمن بیا - و یک شش
پس خود را که بپندار
دوی بیخ بودند و
نمود جز داود و عا که گواه
قد و ناتوان بود و
گوشتن را می
چراغ اشوین عا
داود و را طلب کرد
دیر رسیدی توانی
جاهوت را بکشی چو
داد آری - داود و
در مقابل جاهوت
ایستاده بهان سه
قطعه سنگ را در
فلاخن نهاده جاهوت
خواهر کرد جاهوت را
در آیین غرق بود جز
پیشانی وی که برین
بود سنگهای داود
مستقیما به پیشانی
وی اصابت کرد و
از تنهایش برآمد
لشکرانش بهر جهت
رفتند و مسلمانان را
فرود گردید پس
ازین واقعه طالوت
و حضرت خلیف را به
داود عا را چون

وَالْهَرُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن كُنتُمْ
و آل هارون بر میدارند او را فرشتگان هر آینه در این صورت نشانه است شمارا
و آل هارون می برد آن صندوق را فرشتگان هر آینه در این به تحقیق کامل نشانه است بشما اگر هستید
مُؤْمِنِينَ ۴ فَلَمَّا أَفْضَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
درانده آید پس چون جدا شد یعنی از وطن طالوت با لشکر باگفت هر آینه خدا آزمایش کننده است شمارا
موسسان پس چون برآمد طالوت با لشکر باگفت هر آینه خدا آزمایش کننده است شمارا
بَشَرِيٍّ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۖ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي
بخونی پس هر که بخورد از آن جوئی پس نیست از آن من و هر که نجوید آن را پس او از آن من است
بهری پس هر که بخورد از این نه پس نیست از من و هر که نجوید آنرا پس هر آینه او از من است
إِلَّا مَنِ اغْرَقَ غَرَفًا يُكَيِّدُ ۖ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا
الا آخر بر دارد و یک کف آب بدست خود پس آشامی وند از آن جوئی مگر آنکه از ایشان پس آنکه
مگر سبک بر دارد و یک کف آب بدست خود پس لو شندند بهر از آن نه مگر آنکه از ایشان پس و قتیکه
جَاوِزَةً هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۖ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ
گذشتند از جوی طالوت و مومنان همراه او گفتند نوشته گان نیست توانائی ما را امروز
گذشت از جوی طالوت و مومنان همراه وی گفتند نیست توانائی ما امروز
بِجَاوِزَةٍ وَجُنُودِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلْقُوا اللَّهَ لَا كَم
بمقابل جاهوت و لشکر باست او گفتند آنگاه می دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا
بمقابل جاهوت و لشکر بای او گفت آنگاه می دانستند که ایشان ملاقات کنندگان اند به خدا
مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ط وَاللَّهُ مَعَ
گروه اندک که غالب شد بر گروه بسیار بارادۀ خدا و خدا با
از طائف اندک که غالب می شود جماعت بسیار را بحکم الله و الله همراه
الصَّابِرِينَ ۱ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَاوِزَةٍ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا افْرغْ
شکیما یا نست و آنگاه میدان آمدند بر آینه جنگ جاهوت و لشکر باست و بی این صانعان گفتند ای پروردگار ما برین
صا بران است و چون ظاهر شدند مقابل جاهوت و لشکر باست گفتند ای پروردگار ما برین
عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَوْدَانُ أَمْنًا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۲
براستی کیانی و هم کن قدم باست ما را و طلبه ده ما را بر گروه ناکرده ویدگان
براستی کیانی و استوار دار قدم باست ما را و مدد ده ما را بر گروه کافران
فَمِنْهُمْ مَوْهَمٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتْلَ دَاوُدَ جَاوِزَةً وَاتَّهَ اللَّهُ الْمَلِكَ
پس شکست دادند آن کفار را بوفیق خدا و کشت داود جاهوت را و داد خدا بی تحلی داود را با دشمنی
پس شکستند مومنان جاهوت و لشکر را بحکم الله و کشت داود جاهوت را و داد داود را الله با دشمنی
وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ط وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ
و حکمت و بیاموخت او را از آنچه میخواست و اگر نمی بود دفع کردن الله مردم را بعضی شانرا
و بیاموخت او را از آنچه میخواست و اگر نمی بود دفع کردن الله مردم را بعضی شانرا
بِبَعْضٍ لَّفُسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۳
بدست گروهی هر آینه تباه می شد ملک (دین) و لیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالمها
به بعضی هر آینه تباه می شد ملک (دین) و لیکن الله بسیار مهربان است بر عالیشان
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۴
این آیات خداست بخوانیم آنرا بر تو به حق و هر آینه تو از رسلان هستی
این آیت بای الله است بخوانیم آنرا بر تو به حق و هر آینه تو به تحقیق از رسولان هستی

و در آن سه صد و سیزده تن که مقابل جالت صف آراند حضرت داود و با پدر و شش برادر خود شویبت داشت داود و در راه به سه پاره سنگ تصادف نمود سنگها صد گزین مار را بر دار تا جاهوت را بکشیم چون دو سنگ مقابل یک گز را برانند جاهوت میدان در آمد و گفت من تنها هستم بسته ام بیایید حضرت اشوین و حضرت داود عا را خواست گفت پسران خوش را بمن بیا - و یک شش پس خود را که بپندار دوی بیخ بودند و نمود جز داود و عا که گواه قد و ناتوان بود و گوشتن را می چراغ اشوین عا داود و را طلب کرد دیر رسیدی توانی جاهوت را بکشی چو داد آری - داود و در مقابل جاهوت ایستاده بهان سه قطعه سنگ را در فلاخن نهاده جاهوت خواهر کرد جاهوت را در آیین غرق بود جز پیشانی وی که برین بود سنگهای داود مستقیما به پیشانی وی اصابت کرد و از تنهایش برآمد لشکرانش بهر جهت رفتند و مسلمانان را فرود گردید پس ازین واقعه طالوت و حضرت خلیف را به داود عا را چون

ما يعني جوت سلا
نکاه پارس پس گویا
جبرکون نیست
اگر چه فی الجمله
باشد و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع و این سوره
حضرت الهی در عبادات
و معاملات احکام کلیه
بیان فرموده که تعمیل
آن هر بر نفس ناگوار
و دشوار است - اما
تسبب به همه اعمال
مهم تار جان و دین
مال سخت تری باشد
دکتر احکام الهی که
آورده میشود یا بجان
تعلق دارد یا مال
آری محبت جان و
مال برتر جان را به
نگاه می آنگذرد و
بشکی باین دو امر سر
چشمه گشایان است
و نجات از آن بر طاعت
را بر انسان آسان
می گرداند از این جهت
که پس از بیان این احکام
بمیان قتال و اتفاق
مناسب است تا قاتلو
فی سبیل الله را
بیان اولی من الذی
یقرض الله قرضاً حسناً
بیان امر ثانی است
بعد از آن تصریحات
بیان اول را تاکید
فرموده و اکنون بواسطه
انفقوا امارت قتلکم
تاکید شایسته منظور
است - چون بسیاری
از امور عبادات و
معاملات به اتفاق
مال مشتمل است مفصل
و میگرد بیان کرده شد
چنانکه کوع آمده
اگر از امر ثانی یعنی از
بدل مال بحث میراند

تلك الرسل فضلنا بعضهم على
این پیغامبران فضل دادیم بعضی را از ایشان بر
این پیغامبران فضیلت دادیم بعضی ایشان را بر
بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات و اتينا عيسى ابن مريم
بعض از ایشان کلماتی که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبه یا
بعضی از ایشان کلماتی که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی ایشان را در مرتبه یا
البیت و ايدنه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من
سجدها وقت دادیم او را بروح القدس و اگر خواست خدا یا یکدیگر نمی جنگیدند کسی نیک
سجدهای مرتبه و وقت دادیم او را بروح القدس (جبرئیل) و اگر می خواست خدا جنگ نمی کردند آنانی که بعد
بعدهم من بعد ما جاءتهم البیت ولكن اختلفوا فمنهم من امن
بعد از پیغامبران بودند پس از آنکه آمد بایشان بجهنم و لیکن اختلاف کردند پس از ایشان که است که ایمان آورد
و منهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد
و از ایشان که کفر و اگر خواست خدا یا یکدیگر نمی جنگیدند و لیکن الله می کند آنچه می خواهد
يا ايها الذين امنوا اطيعوا ما امركم به من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه
ای مسلمانان اطاعت کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست و در آن
و لا حيلة ولا شفاعة ولا كفرون هم الظالمون الله لا اله الا هو
و زودستی و نه سهارش و کافران ایشانند ظالمان خدا هیچ معبود نیست بخود و
و زودستی و نه درخواستی و کافران ایشانند ستم گاران الله نیست هیچ معبودی جز وی
الحق القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في
زنده تدبیر کننده عالم نمی گیرد او را سستی و خواب او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در
زنده است تدبیر کننده عالم نمی گیرد او را سستی و خواب او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الأرض من الذي يشفع عنده الا بذنوب يعلم ما بين أيديهم
زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد یک اهلای بگناه او میماند آنچه پیش دست ایشان است
زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد وی مگر با اجازه وی میماند آنچه پیش دست ایشان است
وما خلقهم ولا يموتون بشئ من علمه الا بشاء وسمع كرميسيه
و آنچه پیش دست ایشان است و در نمیکند مردمان و آنچه چیزی از معلومات او مگر به آنچه وی خواسته است و امری که کسی او
و آنچه پیش دست حق است و اعطای کند به هیچ چیزی از معلومات او مگر به آنچه وی خواسته است و امری که کسی او
السموات والأرض ولا يئوده حفظهما وهو العلي العظيم
آسمانها و زمین را و گران نمی شود برودنی نگهداری این هر دو و او بلند مرتبه بزرگ قدر است حیث
آسمانها و زمین را و در گران نمی آنگذرد او نگهداری آن هر دو و بزم و دست از همه بلند با عظمت حیث
اكثر اه في الدين قد تبين الله شد من انبي من يكفر بالظن غوث و
جبرکون برائے دین علی هر آینه ظاهر شده است راه بانی از گمراهی پس هر که منکریت شود و
اكره و در دین بر تحقیقی جوار شده بدایت از گمراهی پس کسیکه منکر شود گمراه کننده را و
يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله
ایمان آورد بخدا پس بر آید چنگ زده است بدست او دینی محکم که نیست گسستن آنرا و خدا
ایمان آورد بخدا پس بر آید چنگ زده است بدست او دینی محکم نیست انقطاع آنرا و الله

ظاهر مقصد آنست که وقت عمل بین دنیا است و در آن جهان اعمال را کسی نمی فرموده و دینی نمی دبد و کسی شفاعت دیگری نمی یابد تا آنکه خداوند آنرا نجات دهد -

طالع بوی بتم مستحق
نقش راسه گرام و
کس را که مستحق نقشی
نیست میکشد و اگر علم
و فن مزجم گوید آن
شخص جزیر بود ۱۲
تفسیر عثمانی
مع این شخص
حضرت عزیر بود ک
تمام نورات را حفظ
داشت و در میان
اسرائیلی مختصر بود
که وی پادشاهی
کاف بود و در وقت
رادیان کرد و
از بنی اسرائیل اسرای
زیاد باو پیش برده بود
عزیر چون اناسارت
رهای یافت و جانب
وطن خویش روان شد
در راه شهری ویران
و محروم نظر و را جلید
کرد با خود گفت خدا
چگونه ساکنان این
جای را که هر چه مخمل
شده اند همه از تو شکست
بخشد و این شهر
ویران را آبادان نماید
روح وی در آنجا قبض
شود و خورش مرد و نامرد
سال و در آن حال ماند
و کسی را بدان سو
مرد نیفتاد و از انجا
او خبری نشد مختصر
نیز در این حال مرد
و پادشاه دیگری
بیت المقدس را
آباد کرد و آن شهر
را نیز تعمیر نمود عزیر
بعد از صد سال جان
یافت آب و تان او
چون سابق و در پیش
نهاده بود خدا کرد
و استخوانهایش بوسید
دو سه افتاد بود پیش
نگاه وی زنده گردید
شد و در آن این حدسالت
بنی اسرائیل که از اسارت
نجات یافته بودند در آن
شهر ساکن شده بودند چو
حضرت عزیر زنده شد شهر
را آبادان یافت

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ ۝ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۝

شنا و اناست خدا کار ساز مومنان است بیرون می آورد ایشان را از تاریکی به سوی

النُّورِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۝

روشنی و آنانکه کافرند و ایشان را از تاریکی به سوی روشنایی در می آورند و ایشان را از تاریکی به سوی روشنایی

إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

به سوی تاریکیها این جماعه باشندگان دوزخند ایشان در اینجا جا میدهند آیا ندیدی بسوی

الَّذِي حَاجَّكَ إِبْرَاهِيمُ فِي رَبِّهِ أَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ مَا ذُكِرَ ۝ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

کسی که مبارزه کرد یا ابراهیم در باب پروردگار او در مقابل آنکه داد او را خدا پادشاهی یعنی خود چون گفت ابراهیم پروردگار من

الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا الْحَيُّ وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي

آنست که زنده می کند و می میراند گفت آن کافر من زنده می کند و می میراند گفت ابراهیم پس بر آئینه خدای آورد

بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِيَهُمَا مِنَ الْمَغْرِبِ بَوَّهَتْ ۝ الَّذِي كَفَرَ ۝ وَاللَّهُ

آفتاب را از مشرق پس تو بیا آن را از طرف مغرب پس مغلوب شد کافر و خدا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ

راه نمی نماید گروه ستمگاران را یا ندیدی این شخص را که گذشت بر رویه و دوی افتاده بود

عَلَى عُرُوشِهِمْ ۝ قَالَ أَنِّي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِنَا ۝ فَأَمَاتَ اللَّهُ بَنَاتِ

بر سقفهای خود گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد مردن این پس مرده کرد او را خدا سخنانی حدسالت

تَحَرُّعَتْهُ ۝ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ ۝ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۝ قَالَ بَلْ

بعد از آن بر این گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یک روز یا باده از روز گفت بلکه

لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۝ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۝ قَالَ بَلْ

درنگ کردی حدسالت پس بر این بسوی خود و آشامیدی خود که شکر نشد و بر این بسوی

جَمَارِدُهَا ۝ وَلِيَجْعَلَ لَكُمُ الْتَابَ ۝ وَالنَّارُ الْوُاسِعَةُ ۝ وَالنَّارُ الْوُاسِعَةُ ۝ وَالنَّارُ الْوُاسِعَةُ ۝

در آتش خود و بجای آنکه گردانیم بر آتش برای مردمان و بر این بسوی استخوانها چگونه جفتش می ویم آن را بعد از آن

نَكْسُوهُمْ الْحَافَةَ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ ۝ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

می پوشانیم بر آن گوشت پس چون شدش این حال گفت بمبین می دانم که خدا بر هر چیز توانا است

إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُنْخِئُ السَّمَوَاتِ ۝ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ ۝ قَالَ بَلَىٰ ۝

انگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بخمار چگونه زنده میکنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداشته گفت آری باور داشته ام

یَا دَاوُدَ ۝ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُنْخِئُ السَّمَوَاتِ ۝ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ ۝ قَالَ بَلَىٰ ۝

ای داوود گفت ابراهیم ای پروردگار من بخمار چگونه زنده میکنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداشته گفت آری باور داشته ام

فتح الرحمن
 و من مخرج و مخرج
 این مثل آنست که
 این اخلاص فائده
 می دهد از سابقین
 باشد یا از اصحاب
 یعنی ۱۲ و حاصل
 این مثل آنست
 که عمل منمائی
 در وقت شدت احتیاج
 جبهه شود چنانکه بویست
 این شخص در وقت
 شدت احتیاج جبهه
 ۱۲ تفسیر عثمانی
 عه مراد از باران
 شدید خرج
 مال بسیار و از
 شبنم خرج مال
 اندک است شبنم
 و لهذا آن است که
 تلوپ خویش را برای
 تحصیل ثواب استوار
 نمایند یعنی متیقن باشند
 که ضرر به ثواب حق
 بر خود را می شود اگر
 نیت پاک است
 به صرف مال بسیار
 به ثواب زیاد حاصل
 می گردد و غیرت
 اندک نیز نفع دارد
 و چنانست که بفرز
 زمین خالص و بلند
 باغی باشد و در آن
 هر چه باران بیشتر
 بیاید بارش بیشتر
 مستفیض میشود و اگر
 نیت درست نیست
 بهر قدر مال بیشتر خرج
 شود در زیان بیشتر رسد
 که صرف مال بسیار
 زیاد و خونی نیز همان
 قدر زیاده نمی باشد
 و این چنانست که
 فراز سنگی را از زیر وید
 و هر چه باران بیشتر
 بیاید در زیان بیشتر
 رسد هر که را خدا
 نواز بود و موردین دانای
 گردانند و در امر خیرات
 دانش نصیب میکنند که بجهت
 و از کلام مال بپایند که
 در بیو خیرات دهم هر که
 خدا را شکر کند بجهت
 نیت با حق

أَصَابَهُمْ وَأَبْلَ فَاَتَتْ أَكْثَهُمْ ضَعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهُمَا وَابِلٌ فَطُلَّ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ أَيُّوْذَاحِدِكُمْ أَنْ تَكُوْنُ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ

نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضَعَفٌ فَأَصَابَهُ الْعَصَا رَفِيعَةٌ تَأْتِي

فَأَحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبِئَتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنْ

الْأَرْضِ وَلَا تَيَسَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ

تَغْضُوْا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفِيْرٌ حَمِيْدٌ ۝ الشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ

وَيَاْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ ۝ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۝ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۝ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَّشَاءُ ۝ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ

أُوْتِيَ خَيْرًا كَثِيْرًا ۝ أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْاَلْبَابُ ۝ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ

نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا ۝ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ

أَنْصَارٍ ۝ إِنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

وَأَنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

وَأَنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

وَأَنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

وَأَنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

وَأَنْ تَبَدَّدَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلْنَاهَا ۝ وَإِنْ تَخَفَوْهَا ۝

فلا يعني ان اسما نان
فلا يعني ان يثقل
تفسير عثمان
ع انكره مزارا
يعقل بان تان باشد
چون طفل و پير كه خود
مامل رانده بگفت
بزرگفته تواند گفتار
مليون يا وارث و سوت
او مملد با طيق عدالت
و بصوت الاما عايد
عنه كسي را كه برائے
گواه شدن يا اداي
شهادت دعوت گفتند
نباید انكار كرد يا
استنكاف و رزوه
كاتب ماملات خورد
و بزرگ هرگز اجمال
نمنايد كه عدل و عدا
درين امر است و احمق
بر شهادت بر طبق بين
كاتب مي باشد و كسان
از بين و اتلاف
حقوقي خوش مطن و
آسوده ميشوند
اگر در سفر به قرض
مجبور شويد و نتوانيد
كاتب پيدا كنيد بايد
مليون از داراي خوش
در عرض قرض بطور كروي
بدانين دم خانه رهي
و در سفر نسبت به حضر
بشتر ضرورت دارد
زيرا اكتب و شهادت
در حضر بسوختن ميشود
مي شود و اين باساني
مطن مي گردد و از بين
جهت در سفر حكم بين
داوم شود و در حال
حضر موجوديت كاتب
نيز كروي و درست است
چنانچه در حديث
موجود است اگر
داين پديدان است
كند و اذني در بين بخواند
بمليون لازم است

سِفِيرًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلِكَ هُوَ فِيمَا مَلَكَ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ
بجزد يا ناتوان يا نتي تواند ادا كردن پس بايد كه ادا كنند كار گذار او بانصاف
بفعل يا ناتوان يا نتي تواند ادا كردن او پس بايد كه ادا كنند كار گذار او بانصاف عه
وَأَشْهَدُ وَأَشْهَدُكَ مِنْ رَجَائِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَجُلَيْنِ
و گواه بگرد و گواه بگرد از مردمان خویش و پس اگر نباشند دودرد
و گواه بگرد و گواه بگرد از مردمان تان و پس اگر نباشند دودرد
وَأَمَّا أَنْ تَرْضَى مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضِلَّ إِحْلَاهَا
پس يك مرد و دوزن كفارت است از كسي كه رضامند باشد از گواهان و تا اگر فراموش كند يك زن
پس يك مرد و دوزن گواه شوند از كسي كه رضامند باشد از گواهان تا اگر فراموش كند يك زن
فَتَذَكَّرْ أَحَدَهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشَّهَادَةُ إِذَا مَسَّ عُرْوَاطُ
ياد دانه بگيرد و بايد كه سر باز نزنند گواهان نگاه كه غلبه شوند
ياد دانه بگيرد و دوزن و بگيرد و انكار كنند گواهان و تفكيك خواسته شوند
وَأَلْسِنَةً أَنْ تَكْتُبَهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكَ أَقْسَطُ
و انده مشويد از آنكه نوبت حق و ادا كنند يا بشد يا بسيار تا ميعاد دسي اين بانصاف تراست
و اول ميشويد كه نوبت حق را ادا كنند يا بشد يا بسيار تا ميعاد دسي اين كتاب بن شهابانصاف تراست
عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى إِلَّا أَنْ تَكُونَ
نزد خدا و درست تر برائے گواهي و قريب تر از آنكه در شك نشويد مگر و تفكيك يا بشد آن مامل
نزد خدا و درست تر برائے گواهي و قريب تر است كتابت كه شك نپايد عه مگر و تفكيك يا بشد مامل
تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا
سودا كروي و دست بدست كرد مستكر و ان كند آنرا ميان خویش پس نيست بر شما كناه در آنكه نوبتيد آنرا
سودا كروي دست بدست كرد گرداني آنرا ميان خود پس نيست بر شما آنچه كناي آنكه نوبتيد آنرا
وَأَشْهَدُ وَإِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ
و گواه بگرد هرگاه كه خريد و فروخت كنيد و بايد كه ريج داده نشود نوبتيد و نه گواه و اگر
و گواه بگرد و تفكيك خريد و فروش كنيد و بايد كه نقصان نرساند نوبتيد و نه گواه و اگر
تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ اللَّهُ كُلَّ شَيْءٍ
كنيد اين كار پس بر آيند اين كناه است شمار او برسد از خدا و آموزد شمار خدا و خدا بهر
چنين كنيد پس بر آيند اين كار كناه است بشمار او برسد از خدا و آموزد شمار خدا و خدا بهر
شَيْءٍ عَلِيمٌ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ
بجزدانا است و اگر مامل يا بشد و نبايد بپيد نوبتيد را پس لازم است مگرد
بجزدانا است و اگر باشد در سفر و نبايد نوبتيد پس مگرد
مَقْبُوضَةً فَإِنْ آمَنَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ فَلْيُوْدِّ الَّذِي أَوْثِنَ أَمَانَتَهُ
بدست آورده شده پس اگر اين داند مگرد و از شمار دسي را پس بايد كه ادا كنند آن كس كه اين داند شمار دسي را
بدست آورده شده لازم است پس اگر اعتبار كنند بعضي شما بعضي را پس بايد ادا كنند آن كس كه اعتبار شده بروي امانت را
وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ
و بايد كه برسد از خدا و مگرد و پنهان كنيد گواهي را و هر كه پنهان كند آنرا پس بر آيند
و بايد كه برسد از خدا كه مگرد و مامل و پنهان كنيد شهادت را و كسي كه پنهان كنيد آنرا پس بر آيند او
أَشْرَقَبَهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي
كنار است دل او و خدا بايچي مي كنيد آگاه است خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
كنار است دل او و خدا بايچي مي كنيد خوب دانا است خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
كروي دايين را كالا ساديه كند از خدا برسد و در تاديه حق از راه امانت پيش آيد

قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ هَٰذَا الَّذِي دِينُ الْكُفْرِ وَإِيَّاكَ يَتْلُوا

ازین برائے راه نمودن مردمان و فرود آورد مجیزه را هر آینه که اینک کافرانند بآیات خدا ایشانراست

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۳ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ

عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است هر آینه خدا پوشیده نمی شود بروی

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝۴ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

چیزه در زمین و نه در آسمان او آنست که صورت می بندد شما را در رحم

نِيفَ يَشَاءُ ۝۵ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۶ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ

چنانکه خواهد نیست هیچ معبود جز او غالب استوار کار او آنست که فرود آورد بر تو

الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا

کتاب بعضی از آن آیات با محکم یعنی معانی آن واضح است اصل کتاب است و بعضی دیگر متشابه معانی با هم متشابه است اما

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ

کسانی که در دل ایشان زنجی است پیروی می کنند آنرا که مانند یک دیگرند از آن کتاب برای طلب فتنه و

ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۝۷ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۝۸ وَالرَّاسِخُونَ فِي

برای طلب تاءیلش و نمی داند تاویل آنرا مگر خدا و ثابت قدمان در

الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو

علم می گویند ایمان آوردیم باین همه از نزد یک پروردگار است و پندیر نمی شود مگر خداوندان

الْأَلْبَابِ ۝۹ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

دلها را که بعد از هدایت ما را راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد خود

رَحْمَةً ۝۱۰ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝۱۱ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ

نفت هر آینه توئی عطا کننده اے پروردگار ما هر آینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست

فِيهِ ط ۝۱۲ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْوَعْدَ ۝۱۳ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ

دراں هر آینه خدا خلاف نمی کند وعده را هر آینه آنانکه کافر شدند دفع نمکند

عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُقَرَّدُونَ

از ایشان اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدا بچیزه را و ایشانند آتش انگیز

النَّارِ ۝۱۴ كَذَٰبُ الْفِرْعَوْنَ ۝۱۵ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دوزخ حال ایشان مانند حال کسان فرعون است و آنانکه پیش از ایشان بودند دروغ داشتند آیات ما را

كَذَٰبُ الْفِرْعَوْنَ ۝۱۶ وَكَذَٰبُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دو زخ (دعوت شان) مثل دستور آل فرعون است و کسی پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را

كَذَٰبُ الْفِرْعَوْنَ ۝۱۷ وَكَذَٰبُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دو زخ (دعوت شان) مثل دستور آل فرعون است و کسی پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را

تفسیر عثمانی
ع چنان که در کتب
را بدین معانی
نموده و کسی از توانائی
مطلق او دست نوازد
درین جایزه ارشاده
لایق است باطلان
الو بیت میخ علی السلام
زیر اقتدار و اختیار
تای که خدا راست
در وجود هیچ برتر پیدا
نی شود بلکه حضرت عیسی
موافق عقیده نصاری
نیز چنان می تواند
و دیگران را امر و بدو
حالی که بر تفرع و الحاح
توانست خویش را
از جنگ ستم کاران
و از باند پس عیسی را
خدا یا پسر خدا آفتن
چگونگی راست آید پس
از نوع پدر است پس
خدا نیز باید خدا باشد
مخوق تا توانی را پس
حضرت توانائی مطلق
پنداشتن پدر و پسر
بر عیب منسوب داشتن
است الهیاء بالله
عن چنانکه قدرت و
اختیار او تمامه کامل
است علم او نیز محیط
می باشد در عالم بره
بندگ و کوچک است
بقدر یک قطره العین از
علم وی غالب نیست
بهر شاه گاران و کج
کاران کاذب جرات
باعتقاد و نوعیت
آن از علم الهی مخفی
نی باشد پس کدام
گفته گاری تواند از
حضرت او منان گردد
در عجاقله است که عیسی
خدا شده می تواند زیرا
وی علم محیط داشت و
چندان می دانست که
خدا بود و نمانده بود

بجز انرا انان بران بجهت اعتراف نمودند امروز از اناجیل موجه نیز ثابت است

فلما سبق روزه و...
 فلما مترجم گوید از اینجا
 خدا استعالی شروع
 میفرماید در نماز
 اهل کتابین در و...
 ایشان و کلام و...
 ایشان و این تفسیر
 است تا قوله و...
 عدوت من اهلک...
 و این آیه را...
 تفسیر عثمانی
 ع و ابتدا خطاب
 به نصاری بخوان بود
 و مقیده الوهیت مسیح
 را کمال لطافت حاصل
 کرده اند و حیرت افکن
 اعلان به ایمان آوردن
 ترغیب فرموده در بین
 حواری را و ذکر زود و که
 با وجود روشنی شدن
 حق انسان را از غفلت
 ایمان خود میباید یعنی
 مال و اولاد و سامان
 عیش و عشرت در این
 آیات بعد از بیان
 صفات مومنین باصل
 مضمون توحید و غیره
 عود شده یعنی در قبول
 توحید خالص تردیدی
 توان شد زیرا حق تعالی
 در تمام کتابهاست خود
 گواهی دهد و در حق و هر
 نقطه کتاب فعلی و حقیقت
 کائنات اشهاد است و بعد
 که سوره رب العالمین
 احدی سزاوارد پرستش
 نیست و فی کل شی
 له آیه تملک عدل اند
 واحد سزاوارد استعانتی
 الاغاث و فی القسم الخ
 (تم بحمد ربی ٣٤)
 عند ظاهری است که
 گواهی در شان بر حق
 گواهی خدا چنان بیرون
 شد فرشته ام مخلوقی
 است که از راه حق
 و حق سرتابی کرده غی تواند بود که هیچ و تجید فرشته گان عموما بر توحید و تفرید باری تعالی مشتمل باشد.

فَاَخَذَ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ١٠ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 پس گرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است
 پس گرفت ایشانرا الله به گناهان شان و الله سخت است عذاب او
 سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْيَهَادُ ۚ قَدْ كَانَ لَكُمْ
 که مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ و بد جانگاه است او و محقق هست شما را
 گزوه شما مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ و بد جانگاه است او و هر آینه بود بطا
 آيَةٌ فِي فِتْنَتَيْنِ ۖ الثَّقَاتُ فِي تَقَاتِلٍ ۚ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ ۚ
 نشان دران دو قوم که بهم آمدند و یک گروه جنگ می کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند
 نشان در دو گروه که بهم مقابل شدند گروهی جنگ می کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند
 يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ ۚ إِنَّ
 می بینند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش و دیدن بچشم و خدا قوت میدهد به نصرت خود هر کرا خواهد هر آینه
 می بینند هر طائفه را دو برابر خود دیدن بچشم و الله قوت می دهد مبدء خود هر کرا خواهد هر آینه
 فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۚ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
 در این واقعه پند است خداوندان چشمها را آراسته کرده شده است برائے مردمان دوستی و خواهش نفس
 در این واقعه هر آینه پندی است خداوند بینائی را عی زینت داده شده برائے مردم محبت چیزهای مریغ
 مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ
 از زنان و فرزندان و خزانها و مع ساخته از زر و سیم
 از زنان و فرزندان و خزانهای و مع شده از طلا و نقره
 وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۚ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ
 و اسبمان نشانند ساخته و چهارپایان و ذراعت اینست بهره زندگانی دنیا
 و اسبان و اراغ نهاده شده و چهارپایان و ذراعت این است فائده گرفتن زندگانی دنیا
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَٰئِ ۚ قُلْ أَوْفَيْتُكُمْ بِمِثْرِ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ
 و خدا نزد یک اوست بازگشت عی بجای آنکه شما را آنچه شمارا با آنچه بهتر است از آن بشمار برائے آنکه
 و خدا نزد یک اوست بیجا جای بازگشت بجای آنچه شما را آنچه بهتر است از آن بشمار برائے آنکه
 اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَهَنَّمَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَكَانَ
 مراقب شما باشد نزد یک پروردگار ایشان پوستانها میرود از زیر آن جوهرها جاوید باشند گان و مان و باشند
 پروردگار کند نزد پروردگار ایشان با نعمت میرود از زیر درختان آن جوهرها جاوید باشند در آن و با بر ایشان
 مَظْهَرَةٌ ۚ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ ۚ بِالْعِبَادِ ۚ الَّذِينَ يَقُولُونَ
 زنان پاکیزه و باشد خوشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان آنانکه می گویند
 زنان پاکیزه و باشد خوشنودی از الله و خدا بیناست به بندگان آنانکه می گویند
 رَبَّنَا إِنَّا أَمَتْنَا غُفْرَانَكَ ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۚ الصَّابِرِينَ وَ
 ایست پروردگار ما بر آئینه ما ایمان آوردیم پس بپا بر ما گناهان ما و نگاهدار ما از عذاب آتش شکیب کنندگان و
 ایست پروردگار ما بر رستی ما ایمان آوردیم پس بپا بر ما گناهان ما و نگاهدار ما از عذاب آتش مدح می صابران را و
 الصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ وَالْمُتَّقِينَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۚ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
 راست گویندگان و خراج دارندگان و خراج کنندگان و آمرزش خواهند گان در اوقات سحر و
 راست گویندگان و قربان را و خرج کنندگان را و آمرزش خواهند گان را و آخرهای شب
 شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِأَقْسَمِ
 گواهی داد خدا و حق آن نیست هیچ معبود مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش و حال که خدا تفرید کننده عالم است
 گواهی داده الله هر آینه شان این است که نیست هیچ معبودی غیر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش و حال که خدا تفرید کننده عالم است

إِلَهُ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا

نزدیک خدا اسلام است و
بر آئینه دین پسندیده نزد خدا اسلام است

خَفَّ الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ الْأَمِينَ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِغَيَابَتِهِمْ

مگر بعد از ازا آمد بایشان دانش و از روی محمد و میان خویش
تفاوت نکردند آنرا که داده شده اند کتاب مگر پس از آنکه آمد بایشان دانش و از روی محمد میان ایشان

وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٥ فَإِنْ حَاجُّوهُ فَقُلْ

پس اگر مکالمه کندز با تو یا محمد پس بگو
پس اگر خصومت در زند با تو پس بگو

سَلِّمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ ابْتِغَىٰ وَفَلَ لِلَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَ

و کتاب و

الْمُسْلِمِينَ أَسْلَمْتُمْ هَٰذَا أَنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا

پس اگر اسلام آوردند به تحقیق راه یافتند و اگر روی گردانیدند پس جز این نیست که به ناخوشان آید اسلام آوردند پس اگر اسلام آوردند به تحقیق راه راست یافتند و اگر روی گردانیدند پس جز این نیست که

عليك الباعث والله بصير بالعباد ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ

لازم بر پیغام رسانیدن است و الله بنیاست به بندگان
 هر آینه آنا که کافر شوند به آیت های خدا

وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنْ

دی کشند پیغمبران را بنای حق دی کشند
آنان را که اصراری کنند بپند از

الثَّالِثُ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ① أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقِطَ أَعْمَالُهُمْ

پس مجروح ایشان را بجواب درود پند این گروه آید که نابود شد علیهای ایشان
پس مجروح بدیه ایشان را بجواب دردناک این گروه آمانند که ضایع شده علیهای ایشان

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ خَاصِرِينَ ﴿٥﴾ الْمَوْتُ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا

و نسبت ایشان را به پنج مد گار آید ندیدی بسوی آنها که داده شدند

صِيَابًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى

از کتاب خواستنی شوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان پس ردی گرداند

فريق منهم وهم مع رضوان^٣ ذلك بأنهم قالوا إن نبي هذا التار

بعضی از ایشان و اعراض کنندگان انداز حق این به واسطه آنست که ایشان گفتند هرگز نمی رسد بامان و دروغ

اَيُّهَا مَعْدُودِي وَغَرِّهْمُ فِي دِينِهِمْ قَاكُنُو اَيُّفِرُونَ ﴿٧٢﴾ فَكَيْفَ

و فرقت ایشان را در دین ایشان از اجزای گردیده پس چگونه بود حال
و فریب داد ایشان را در دین شان از اجزاء می گردید پس چگونه باشد حال

وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ

ایشان و فیکه مع الیم ایشان را در روزی که اینجک شکل نیست دران و تمام داده شود هر کس را آنچه کرده و ایشان

ماغزین متقی گردیده عموماً بنی بر جهل و دالستکی بنوده اکثر از حب جاء و محبت میم و از یوق پوسته است.

فخ الرحمن
 فل منظم گوید که
 در امر این عا
 بشارت است
 مخلوب شدن کافر
 فل یعنی در عهد خدا
 نیست ۱۲
 مترجم گوید که نصاح
 با حضرت پنا مبر
 صلح در باب عیسی
 علیه السلام گفتگو کردند
 حق سبحانه این آیات
 نازل ساخت بعد
 از نزول این آیتها
 نصاری را به اهل کت
 کردند چه عاجز شده
 جز قبول نمودند ۱۲
 تفسیر عثمانی
 ع چون آنکه پیغمبر و ک
 شد ابو جاره بن
 علقمه رئیس قریظ بن
 گفته بود که اگر پیغمبر
 ایمان از من سلاطین
 روم بعد از من اند
 اعزاز یک از مای گنند
 و مالیک مای و مهند
 امتناع می و زند
 شاید این چادر رنگ
 دعا و مناجات جوا
 وی داده شده باشد
 یعنی شاکر بر احترام
 سلاطین و عطائ
 آنان مقنون می
 می شود
 بداند که
 مالک اصلی
 همه عزت با و
 سلطنت با
 خداست و در قضا
 قدرت او است هر کرا
 خواهد بی بخشد و از
 هر کرا خواهد می ستاند
 آیا ممکن نیست عزت
 و سلطنت پارس
 و روم از آنان اخذ
 بمسلما ن داده
 شود بلکه وعده می
 دیم که ضرور داده میشود

لَا يَظْلِمُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُعَوِّذُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
 ستم کرده نشوند بگو یا خدا یا ای خداوند بادشاهی میدی بادشاهی هر کرا خواهد و باز میدی
 ستم کرده می شوند بگو یا خدا یا ای خداوند سلطنت میدی بادشاهی را هر کرا خواهد و باز میدی
 الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۝
 بادشاهی از هر کرا خواهد و از منتهی سازی هر کرا خواهد و خوار می سازی هر کرا خواهد بدست توست بدی
 بادشاهی را از هر کرا خواهد و عزت دهی هر کرا خواهد و خوار گردانی هر کرا خواهد به بدست توست
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي
 هر آینه تو بر همه چیز توانائی توانائی درمی آری شب را در روز و درمی آری روز را در
 هر آینه تو بر همه چیز توانائی علی می در آری شب را در روز و می در آری روز را در
 اللَّيْلَ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتُزِقُّ مِنَ
 شب و می در آری زنده را از مرده و می در آری مرده را از زنده و روزی میدی هر کرا
 شب و می بر آری زنده را از مرده و می بر آری مرده را از زنده و روزی دی هر کرا
 تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
 می خواهد بی شمار فل باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز
 خواهد بی شمار باید نگیرند مومنان کافران را دوستان از غیر
 الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا
 اهل ایمان و هر کرا این کند پس نیست در چیزه از آن خدا فل مگر آنکه و قع شر ایشان
 مومنان و هر کرا کند این پس نیست او از دوستی خدا در هیچ چیزه مگر آنکه ترسید
 مِنْهُمْ تَقْوَةً وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ طُورًا إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرَ ۝ قُلْ إِنْ
 کنید بترسید و می ترساند شما را خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است بگو اگر
 از کافران ترسید و می ترساند شما را خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است بگو اگر
 تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تَبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا
 پنهان کنید آنچه در سین بانه شاست یا آشکارا کنید می داند از خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه
 پنهان دارید از خود را و لهائے شماست یا آشکارا کنید می داند از خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه
 فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست آنروز یک حاضر باید هر کس آنچه عمل کرده است
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست روزگرمی باید هر کس آنچه کرده
 مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ أَنْ يَنْسِيَ بَيْنَهُ يَوْمَ يَكُونُ عِلْدًا
 از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که گشت بود و در میان و در میان آن بدی مسامحه
 از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که گشت بود و در میان و در میان آن بدی مسامحه
 وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ
 می ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان اے محمد بگو اگر دوست می دارید
 می ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان بگو اگر دوست می دارید
 اللَّهُ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝
 خدا را پس پیروی کنید تا دوست دارد و شما را خدا بسیار مهربان است و خدا آمرزنده مهربان است
 خدا را پس پیروی کنید تا دوست دارد شما را خدا و بسیار مهربان است شما را خدا آمرزنده مهربان است
 قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۝
 بگو فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید پس بر آنچه خدا دوست ندارد کافران را و
 بگو فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید پس (بر آنچه) خدا دوست ندارد کافران را

و میتوان از این جهت پیرو و مناققان

بَارِئُ اللَّهِ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را بر عالمها
بر عالیشان (زمانه خودشان)

ذُرِّيَّةَ بَعْضِهِم مِّن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ

در حالیکه از بعضی آن پیدا شده از بعضی و خدا شنوا داناست
و حق که گفت زن

عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّیْ نَذَرْتُ لَكَ مَا فِیْ بَطْنِیْ مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّیْ اِنَّكَ اَنْتَ

ایران اے پروردگار من هر آنچه من نیاز تو کردم آنچه در شکم من است آزاد کرده و پس قبول کن از من هر آنچه گوی
ایران اے پروردگار من هر آنچه من نذر کردم برای تو آنچه را در شکم من است آزاد کرده شده از همه پس قبول کن از من هر آنچه گوی

السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ۝ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّیْ وَضَعْتُهَا اُنْثٰی طَوَّ

شنا وانا پس چون بزا و دختر را گفت اے پروردگار من هر آنچه زادم این دختر را و
شنا وانا پس دمی که بزا و آنرا گفت اے پروردگار من هر آنچه زادم آنرا دختر و

اَللّٰهُ اَعْلَمُ ۝ وَوَضَعَتْ وَلَیْسَ الذَّكَرُ کَا لْاُنْثٰی ۝ وَاِنِّیْ سَمِیْعٌ مَّرِیْمٌ ۝

خدا داناست آنچه دے بزا و گفت آن زن و نیست فرزند مانند دختر و و هر آنچه نام کردم آنرا مریم و
خدا داناست تراست هر آنچه زاده است و نیست آن بسم یا محمد این دختر و هر آنچه من نام نهادم آنرا (مریم) و

اِنِّیْ اَعِیْذُ بِهَا بِكَ وَذُرِّیَّتِهَا مِنْ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ ۝ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِ

بر آنچه من در پناه تو می کنم او را و کس او را از شیطان ملعون پس قبول کرد مریم را پروردگار او
بر آنچه من در پناه می آورم او را و پاد او را و او را از شیطان مردود پس قبول کرد آنرا پروردگار من

بِقَبُولٍ حَسَنٍ ۝ وَاثْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا ۝ وَكَلَّمَهَا زَكَرِیَّا ۝ اَلَمْ تَدْعُهَا

قبول نیک و با پیده ساخت او را با پیدن نیک و خبر که ساخت بر دے زکریا را راه و اهل شده زکریا
به قبول نیک و نهادش نائی نیک و سپردش بر زکریا هر گاه می در آمد بر مریم

زَكَرِیَّا الْیَحْرَابَ ۝ وَجَدَ عِنْدَ هَارِیْرَةَ قَالَتْ یٰرِیْمُ اِنِّیْ لَكَ هَٰذَا طَلَقٌ

بر مریم در سجده یا حق نزدیک او روزی را و گفت اے مریم از کی است ترا این روزی گفت
زکریا در حجه مریم می یافت نزدش خوردنی و عا گفت اے مریم از کجای آید ترا این روزی گفت

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ ۝ هَٰذَا طَلَقٌ

او از نزد یک خداست هر آنچه خدا می دد روزی هر گرامی خواهد بے شمار آن وقت طلب کرد
آن از نزد خدای آید هر آنچه خدا روزی می دد هر گرامی خواهد بے شمار آن وقت خواست

زَكَرِیَّا رَبُّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْكَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً ۝ اِنَّكَ سَمِیْعٌ

زکریا از پروردگار خود گفت اے پروردگار من عطا کن مرا از نزد خود و نسل پاک
زکریا از پروردگار خود گفت ای پروردگار من به بخش مرا از نزد خود اولاد پاکیزه هر آنچه تو شنود و اینا بگفت

الدَّعَا ۝ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ فِی الْیَحْرَابِ ۝ اِنَّ اللّٰهَ

و عا پس ندا کردند او را فرشتگان و او ایستاده بود نماز می گزارد در عبادت گاه که خدا
و عا پس آواز کردند او را فرشتگان در حالیکه وی ایستاده بود نماز می گناود در حجه که هر آنچه خدا

یُبَشِّرُ بِوَحْیٍ مُّصَدِّقٍ لِّکَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَسَیِّدًا ۝ وَحَصُورًا ۝ وَنَبِیًّا

بشارت می دهد ترا بخبر یاورد و از نده فیض خدا و و سردار دے رغبت است بزنان و پیغمبری
مژده می دهد ترا به یحیی که تقدیر کنده است به حلی از خدا و سردار دے رغبت است بزنان و پیغمبری

مِّنَ الصّٰلِحِیْنَ ۝ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ یَکُونُ لِّیْ عِلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ ۝

گفت اے پروردگار من چگونه پیدایم شود بر من فرزند و رسیدن است مرا کلاں سالی و
گفت اے پروردگار من چگونه باشد مرا فرزند و حایک به تحقیق رسیدن مرا کلاں سالی و

وَعِیْ ۝ اِنِّیْ نَذَرْتُ لَكَ مَا فِیْ بَطْنِیْ مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّیْ اِنَّكَ اَنْتَ

و عا پس آواز کردند او را فرشتگان و او ایستاده بود نماز می گزارد در عبادت گاه که خدا
و عا پس آواز کردند او را فرشتگان در حالیکه وی ایستاده بود نماز می گناود در حجه که هر آنچه خدا

فل یعنی از خدمت
والدین معاف و است
فل یعنی دختر خدمت
بیت المقدس نشانی
فل یعنی سیده زمستان
در تابستان و میوه
تابستان و زمستان
فل یعنی عیسی را با و

داید ۱۲
تفسیر عثمانی
علا اکثر سلف میگویند
رذیله او از غوراک
ظاهر است که میوه یک
موسم در موسم دیگر زده
مریم میر سید میوه
زمستان و تابستان

و میوه تابستان در
زمستان یک روایت
از مجاهد نقل شده که
مرا و از رزق صحایف
علی است که باید آنرا
غذائی در حالی گفت
بهر صورت در این
حال که امات بر کات
و علامات خارق العاده

در حضرت مریم آشکارا
شروع شد چون حضرت
زکریا بگردن آویخته بل
را دید خود داری نتوانست
و از روی تعجب پرسید
ای مریم این اشیا
تو از کجای رسیده

حضرت زکریا بسیار
پیر و زنی عظیم بود
در ظاهر هیچ امید
نداشت که مالک فرزند
مرد و چون خود را
فوق العاده و حسنت
و بر کات مریم را دید
ناگهلی خوش جنبشی
در دل وی پدید آمد که
من نیز عید افزند و نام

ایستادم مرا هم بدون
موسم میوه بدست آید
یعنی در پیری فرزندی
علاست شود

فل یمن نشان حل
آن فرزند ۱۲
یعنی قرعہ انداخته
تفسیر عثمانی
عادت و مشیت
حضرت ادریس
اسباب و الیه نیست
اگرچه درین جهان
عادت اوست که از
میتات را از ۱۲
اسباب عادی پدید
می آید - اما گاهی
نق بعضی اشیا بر
غلاف اسباب عادی
و به صورت غیر معمولی
منبر عادت خاص
حضرت ولایت اصل
این است که سیدین
رزق فوق العاده
بزم حدیقه و ظاهیر
گویند امور غیر
عادی از وی و بعد
از معائنہ این امور
و عای به اختیار
حضرت زکریا و یحیی
او و صلب او و لاد باو
و بزنی عقیقش بصورت
غیر متعارف آمد این احوال
قدت را باید تجسید
این از عظیم الشان
دالت که بدین قدرت
شمار از وجود مردم دنیا
نزدیکی فرزند پدید
آمدنی بود و با ولادت
غیر متعارف و عجیبی که خدا
(که تک یفعل بایشان)
فرمود تجسید (که تک
یعقل الله بایشان) است
که بعد از این در سلسلہ
ولادت غیر عادی هیچ
می آید عدا آنکه
خدا بسیار یاد کن
از با ما تا شام به
تسبیح و تهلیل بر سر
مطهر شد سخن بگوین
وی با مردم را مضطرب
بود و در این زمان ایام بر ذکر و شکر فارغ باشند اما اشتغال آورد ذکر و شکر اندکی مضطرب نبود و به آن مامور شده بود -

أَمْرًا تَعَاظِمُ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ١٠ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي
 زَنًّا مِّنْ نَّازِلَاتِكَ ۖ كَذَلِكَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۖ
 اِنَّكَ تَقَالَ اَيْتُكَ اَلَا تَكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ اَلَّا يَمْرُؤًا وَاَدَّكَ رَبُّكَ
 ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ فَرَدَّكَ لِنَاسٍ تَوَاتَى كَذَلِكَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۖ
 كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْاُبْحَارِ ۖ وَاِذَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ اِنَّا
 بَسَمٌ وَّ نَسِجٌ مِّنْ بَشَامٍ وَّ صَبَاحٍ وَّ اَمْسٍ وَّ نَسِجٌ مِّنْ بَشَامٍ وَّ صَبَاحٍ وَّ اَمْسٍ
 اللَّهُ اَصْطَفٰكَ وَطَهَّرَكَ وَاصْطَفٰكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ١١ يَمْرِي
 خدای برگزیده ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت داده ترا بر زنان عالمیان اے مریم
 اِقْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ١٢ ذَلِكُمْ مِّنْ اَنْبَاءِ
 فرما بروی کن پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان اے محمد این از خبرهای
 الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اذْ يُلْقُونَ اَقْلَامَهُمْ اَيْهُمْ
 غیب است و می گویم آنرا بسوی تو و تو نبودی نزد آن قوم چون ای انداختند قلمهای خویش با قلمها کس از ایشان
 يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اذْ يَخْتَصِمُونَ ١٣ اِذَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ
 خبر مریم فرمود و نبودی نزد ایشان و قلمهای خود را با قلمهای خود می کردند
 يَمْرِي اِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ
 اے مریم خبر آید خدا بشارت میدهد ترا بیک کلمه از جانب خود که نام او مسیح است عیسی پسر
 مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ١٤ وَيَكْلِمُ النَّاسَ
 مریم است با برود در دنیا و آخرت و از نزدیک کردگان حضرت عزت و سخن گوید با مردمان
 فِي الدُّهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ١٥ قَالَتْ رَبِّ اِنِّي يَكُوْنُ لِيْ وَلَدٌ
 در گهواره و وقت معری و باشد از شما مستطابان گفت اے پروردگار من چگونه شود مرا فرزند
 وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۖ اِذَا قَضٰى
 و دوست نرسانیده است بمن هیچ آدمی گفت چنین خدا پیدای کند هر چه را خواهد هر گاه اراده کند
 اَمْرًا اَفَا نَسِيْهُنَّ اَلَمْ يَكُنْ فَيَكُوْنُ ١٦ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ
 کارهای پس جز این نیست که می گوید او را که بشو پس می شود و بشارت داد که از سودا در آمدن کتاب و دانش
 وَالتَّوْرَةَ وَالْانْجِيلَ ١٧ وَرَسُولًا اِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ اِنِّي
 و فرستاده و انجیل و کتاب و رسولی بپس می خود و می گرداند او را به پسران بنی اسرائیل باین دعوی که
 اَمْرًا اَفَا نَسِيْهُنَّ اَلَمْ يَكُنْ فَيَكُوْنُ ١٨

قَدْ جَعَلْنَا بَابَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ إِلَىٰ أَخِي أَخْتَلِكُمْ مِنَ الطَّيِّبِينَ كَهَيْئَةِ
 آورده ام پیش شما شانه از پروردگار شما آنکه من می سازم برای شما از مثل مانند شکل
 به تحقیق آورده ام پیش شما شانه از جانب پروردگار شما هر آنچه من می سازم پیش از من مانند شکل
 الطَّيِّبِينَ فَانْفِرْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَى الْأَكْمَلَةِ وَالْأَكْمَرِ
 پندیده پس دم نیز من در آن پس باشد پندیده حکم خدا و پیری کنم کور مادر زاده را و برص دار را
 پندیده (پس) می و دم در آن (پس) می باشد پندیده حکم خدا و پیری کنم کور مادر زاده را و پیش را
 وَأَخِي النُّوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ بِمَنَآئِلَ كُنُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ
 و زنده می سازم مردگان را حکم خدا و خبری دهم شما را آنچه می خورید و آنچه ذخیره می پندید
 و زنده می سازم مردگان را حکم الله و خبری دهم شما را آنچه می خورید و آنچه ذخیره می پندید
 فِي بُيُوتِكُمْ إِنْ فِي ذَلِكَ لَا يَأْتِيَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۸ وَمَصَدَّقًا
 در خانه های خود هر آنچه در این کار شما است شما را خبر بدارند گائید و آمده ام باور دارنده
 در خانه های تان هر آنچه در این علامات کامل است لبها اگر مستید مومنان و آمده ام تصدیق کننده به آنچه
 لِبَائِبِينَ يَدِّي مِنَ التَّوْرَةِ وَإِلَّا لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي جَزَمْتُ عَلَيْكُمْ
 آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تا حلال گردانم برای شما بعضی آنچه حرام شده بود بر شما
 پیش از من است از تورات و تا حلال گردانم لبها بعضی آن چیزه را که حرام گردانیده شده بود بر شما
 وَجَعَلْنَا بَابَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ فَاسْتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۹ إِنْ اللَّهُ
 و آوردم نزدیک شما شانه از پروردگار شما پس بترسید از خدا و فرمان من برید هر آنچه حرام
 و آورده ام پیش شما شانه از جانب پروردگار تان پس بترسید از خدا و گفت مرا بپذیرید هر آنچه الله
 رَزَىٰ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۱۰ فَلَمَّا أَحْسَسَ
 پروردگار من و پروردگار شماست پس پرستش کنید و این است راه راست و پس انگاه که دریافت
 پروردگار من و پروردگار شماست پس بترسید از این است راه راست و پس هرگاه دانست
 عِيسَىٰ مِنْهُمْ الْكَفَرُ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ
 عیسی از قوم خود کفر را گفت کیستند یاری دهندگان من یسوی خدا گفتند خواریان
 عیسی از بنی اسرائیل کفر را گفت کیست مددگاران من و راه خدا گفت خواریان
 نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ ۱۱ رَبَّنَا آمَنَّا
 ما یما یاری دهندگان خدا را ایمان آوردیم بخدا و گواه باش که ما فرما بپردازیم اے پروردگار ما ایمان آوردیم
 ما یما مددگاران راه خدا ایمان آوردیم به الله و گواه باش که ما فرمان برداریم اے پروردگار ما ایمان آوردیم
 بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۱۲ وَفَكَرُّوا
 با آنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را با شاهدان و بدست بیدند کافران
 بر آنچه فرستادی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را با شاهدان و مکر کردند (به عیسی)
 وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۱۳ إِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَىٰ إِنِّي
 و بدست بید خدا و خدا قوی تر است از همه بدستگران انگاه که گفت خدا اے عیسی هر آنچه من
 و جزای مکر او خدا و خدا بهترین جزا دهنده گانست مکر کنندگان را و قتی که گفت خدا اے عیسی هر آنچه من
 مَتُوفِيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىٰ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاجْعَلْ
 بر گرداننده توام و بردارنده توام بسوی خود و پاک کننده توام از کافران و گرداننده توام
 بر گرداننده توام و بردارنده توام بسوی خود و پاک کننده توام از کافران و گرداننده توام
 الَّذِينَ اتَّبَعُواكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ إِلَىٰ
 تا اینان توام بالا کافران و می تا روز قیامت باز بسوی من است
 تا اینان توام غالب بر کسی که انکار کردند تا روز قیامت باز بسوی من است
 تا اینان توام غالب بر کسی که انکار کردند تا روز قیامت باز بسوی من است

صلی الله علیه و آله
 بشارت در حق عیسی
 علیه السلام متحقق شد
 و پیوسته بدین خود
 دعوت نمود ۱۲ و
 یعنی در زمره مشهوره
 که کمال امت اند و الله
 اعلم ۱۳ یعنی بآن
 کافران ۱۲ و یعنی
 ازین جهان ۱۲ و
 یعنی غالب بر ایشان
 تفسیر عثمانی
 اصل الاصول
 و بنای همه امور بر این
 است که بداند خداوند
 قادر متعال پروردگار
 من و پروردگار شماست
 علامه پدری و فرزندی
 را استوار نمایند به
 وی سندی کنیده راه
 مستقیم و صول ضای
 الی تمها توحید تقوی
 اطاعت پیغمبر است
 عده حواریان که
 بودند داین لقب
 چگونه برانان نهاده
 شد علما و ادرا این
 باره اقوال مختلف
 است قول مشهور آنست
 که اهل و فکر به عیسی
 متابعت کردند گاه
 بودند و مناسبت
 شستن جامه آن
 ۵ و ما را عاری
 عیسی گفتند عیسی
 ۱۳ عیسی گفت
 ۱۳ عیسی گفت
 لباس پوشید
 من بشاطین شستن
 و لباس ای آمون -
 حواریون بوی پوشند
 و سائر زلفاء عیسی
 نیز بدین مناسبت
 بخواری شهرت
 یافتند پس
 از آنکه در پیشگاه پیغمبر
 از آنکه در پیشگاه پیغمبر

از آنکه در پیشگاه پیغمبر از آنکه در پیشگاه پیغمبر

فتح الرحمن
و یغفر الذنوب
شده
تفیر عثمانی

عده پادشاه بفرمود
حکم داد تا مسیح را
گرفته صلیب نمایند
و چنانچه عتبت انگریز
مجازات دهند که مردم
و غیر از متابعت
دی باز آیند این
کثیر گوید نبوت فی
طلبه من یاخذ و
یصلبه و ینکل به
دکسی را به طلبی
گماشت تا اگر کسی
صلیبش نماید عذابش
کنند خدا را شرابین
اقدام مسیح را مطمئن
گردانید که ارادات
و ترتیبات این تیر
بختان را با خاک برآید
می کنم ایلهها در پی
قتل تواند و می خواهند
آب در خلقت و بعثت
تو مطلوب است
انجام یابد در این
امر از لغت عظیم الهی
قدنا شناسی می کنند
امان لغت خویش
از آنگاه بازی ستان
عمر و مقدار است قصه
بزرگی را که به آن
تعلق دارد یا انجام
میرسانم ترا چنان
بر صحت و سلامت
برم که سر موی از تو
کم نتواند بچای
آنگاه ترا آنگاه
برند خدا ترا به
پناه خویش
می بریزم و بپند
ترا به صلیب بالا
کشند خدا ترا به
آسمان بلند می کنند
می خواهند ترا
مجازات دهند که
مایه عبرت و انقضای
شود مردم ترا در پی
نزد آمدن خدا می گذارد که دست
نا پاک آنها را من تورسد ۱۴۰ - بر صفحہ ۵۹

مَرْجِعَكُمْ فَأَحْكُمْ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۱ فَاَمَّا الَّذِينَ

باز گفت شما پس دادی می کنم میان شما در آنچه اختلافات می کردید اندر آن پس آنگاه

كُفَرُوا فَاَعَذَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا اِنِّي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَمَا لِهَم

کافران پس عذاب کنم ایشان را بعد از آن سخت در دنیا و آخرت و آنچه هست نیست ایشان را

مِنْ نَصِيرِينَ ۲ وَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ

یارای دهنده و اما آنکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس پوره می دهم خدا

اَجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۳ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ

ایشان را مزد ایشان و خدا دوست نمی داند ظالمان را این را می خوانیم یا محمد بر تو که

الْاٰیٰتِ وَالَّذِي ذُكِّرَ الْحَكِيْمُ ۵ اِنَّ مَثَلَ عِيسٰی عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ

آیات و کتاب حکم است هر آینه حال عیسی نزد یک خدا باشد حال آدم است

خَلْقَهُ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ۵ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

آفرید او را از خاک باز گفت او را بشو پس شد حق آنست که از جانب پروردگار گشت

فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۶ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ

پس مباش از شک آرندگان پس هر که ملازمه کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد تو

مِنْ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَكُمْ وَاَبْنَاءَكُمْ وَاَبْنَاءَكُمْ وَاَبْنَاءَكُمْ

از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را

وَاَنْفُسَكُمْ وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ

و ذاتهای خود و ذاتهای شما پس همه بزاری و عا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر

الْكٰذِبِيْنَ ۷ اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ الْقَصَصِ الْحَقِّ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللَّهُ

دروغ گوینان هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا

وَاِنَّ اللَّهَ لَهٗوَ الْعَزِيزِ الْحَكِيْمِ ۸ فَاَنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

و هر آینه خدا غالب استوار کار است پس اگر روگردانید پس خدا داناست

بِالنَّفْسِ الْفٰسِدِيْنَ ۹ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا

به فساد کنندگان بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی سخن مسک میان ما

وَبَيْنَكُمْ اِلَّا نَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا شَرِكَ لَهُ يَهْدِيْهِ سُبُوْحٌ اَلَمْ يَجْعَلْ لَّعْنَتَ اللَّهِ

و شما که نه پرستیم بجز خدا و شریک را از ما به سبزه را و پروردگار بخرد و بعضی از ما بعضی

وَمِنْكُمْ شٰمٌ كَرِهَ لِمَنْ يُّغَيِّرُ دِيْنَهُ عَنْ دِيْنِهِ لَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ لَئِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و میان شما که نه پرستیم غیر الله را و شریک سازیم با وی چیزی را و بخرد بعضی از ما بعضی را

و لا یغنی بعض گفتند
 یهودی بود و بعض
 گفتند نصرانی بود ۱۲
 و لا یعنی در مسائل
 منصوصه در تورات
 اختلاف کرده اند تا بغیر
 منصوصه چه رسد ۱۲
 و لا مترجم چه حدیث
 آنرا می گفتند که استقبال
 کعبه کند و حج گذارد
 و قتل نماید از جنابت
 غسل کند حاصل
 آنکه نام کسی بود که
 بشریت ابراهیمی
 متدین باشد ۱۲
 و لا یعنی باید که ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقبر برقیه ۵۰

خدا ترا از میان ان
 به حجت آلوده و ناپاک
 بطهارت و پاک
 بری دارد بجای آنکه
 قریب عزت شوی و
 مردم ترسیده از تو
 بی روی نکلند کسان
 را که مطابق حکم الهی
 بصورت صحیح از تو
 پیروی میکنند تا نزدیک
 خشن بر منکران تو فرود
 و چهره می سازد تا
 آنجا که منکران تو برود
 باور کنندگان مسلمان
 و فهادی در این
 جهانند باور کنندگان
 بر منکران تو غالبی
 باشند و وقتی فراموش
 که تو دمو افغان و
 مخالفان تو بر منکر
 من مراجعه می کنند
 ۱۵ من منازعات
 شمار بطور قطعی
 فیصله می کنم و این همه
 منازعات حل و فصل
 می بزرزد و هنگام این
 فصل چنانکه از آیه
 ص ۱۰۰

أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۱
 و دیگر را بخیز خدا پس اگر روی گردانیدند پس بگویند که گواه باشید که ما مسلمانیم
 پروردگار ان سوای خدا (پس) اگر روی گردانیدند (پس) بگویند که گواه باشید باینکه ما تابع حکیم
 یَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِيْ اِبْرَهِیْمَ وَمَا اُنْزِلَتْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِیْلُ
 ای اهل کتاب چرا مکاره می کنید در باب ابراهیم و فرود آورده شده است توریت و انجیل
 ای اهل کتاب چرا محاصره می کنید در باب ابراهیم و فرود آورده شده تورات و انجیل
 لَا مِّنْ بَعْدِ هَٰذَا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۲
 آلا بعد ابراهیم آیا نمی فهمید
 مگر بعد از ابراهیم آیا نمی دانید
 لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّوْنَ فِیْمَا لَیْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ یَعْلَمُ
 شما را بوسی دانش است پس چرا مکاره می کنید در آنچه شما را بوسی دانش نیست و خدا می داند
 شما را بوسی چیز نیست دانش است پس چرا محاصره می کنید در آنچه نیست شما را به آن دانشی و الهی می داند
 وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۳
 و شما نمی دانید و لا
 و شما نمی دانید
 وَلَٰكِنْ كَانْ حَنِیْفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانْ مِنَ الْمُشْرِكِیْنَ ۴
 و لیکن بود حلیف مسلمان و نه بود از شرک آلودگان و لا
 و لیکن بود از مذاهب باطله بزار حکم بردار و نه بود از مشرکان بر آید
 أُولَی السَّائِسِ بِاِبْرَهِیْمَ لِلَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُ وَهَٰذَا السَّبْیُّ الَّذِیْنَ
 نزد یک ترین مردم با ابراهیم کسانی است که پیروی کردند او را (در زمان او) و این پسران و
 نزدیک ترین مردم به ابراهیم کسانی است که پیروی کردند او را (در زمان او) و این پسران و
 اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَبِّ السُّوْمِیْنِ ۵ وَذَتْ طَافِیْفَةً مِّنْ اٰهْلِ
 مومنان و خدا کار ساز مومنان است
 کسانی که ایمان آوردند به این پیغمبر و خدا کار ساز مومنان است
 اَلْكِتٰبِ لَوْ یَضِلُّوْكُمْ وَمَا یَضِلُّوْنَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا یَشْعُرُوْنَ ۶
 کتاب که گمراه سازد شما را و گمراه نمی سازد مگر خویششان را و آگاه نیستند
 کتاب که گمراه سازد شما را بخوبی و گمراه نمی سازد مگر خویششان را و نمی دانند
 یَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِآیٰتِ اللّٰهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ۷
 ای اهل کتاب چرا کافر میشوید باینکه خدا دانسته
 ای اهل کتاب چرا انکاری کنید به آیت های الهی و شما معترفید
 یَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُوْنَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْنَ
 ای اهل کتاب چرا محلط می کنید حق را به باطل و چرا می پوشانید
 ای اهل کتاب چرا می آمیزید حق را به باطل و چرا می پوشانید
 الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۸ وَقَالَتْ طَافِیْفَةٌ مِّنْ اٰهْلِ الْكِتَابِ اٰمَنُوا
 حق را دانسته و گفتند که رو به از اهل کتاب و ایمان آرید
 حق را و شما می دانید و گفتند بعضی از اهل کتاب ایمان بیاورید
 بِالَّذِیْ اُنْزِلَ عَلَی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَجَهِ النَّارِ وَاکْفُرُوا الْاٰخِرَةَ
 با آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و انکار کنید آخر آن روز
 بر آنچه فرود آمده شده بر مومنان اول روز و منکر شوید آخر روز

فاما الذین كفروا فاعلم انهم قد باث يد في الدنيا بيري ايد معلوم است که منال آن پیش از وقوع آخرت فکاهد این جهان آغاز می شود و از بقیه ص ۱۰۰

دل یعنی رشتن
شود ۱۲ یعنی از
بنی آدم بیان گرفت
برائے بیان ۱۲
یعنی قبول کردید
یعنی بر یکدیگر
تفسیر عثمانی
بگیر بر ص ۴۰

وای را بکفیه صلیب
رای شکند عقائد
فاسد و اندیشه های
باطل نصاری اصلاح
می کنند تمام دنیا را به
اسلام مستقیم سازد
این وقت است که
منزعات فیصله
و اختلافات مذهبی
محوی شود و تنبها
دین راست

۱۴ خدای واحد
لا شریک یعنی دین
اسلام باقی می ماند
خداوند نسبت به
این حالت فرموده
روان بل الکتاب
الایوب من به قبل
سوره نهار کو ۲۴
تفصیل این وقت
و چگونه رفع می شود
در سوره نساوی آیه

بهر حال نزد من
و ثم الی رحمتی
تنها متعلق به آخرت
نیست بلکه بدینا
و آخرت هر دو متعلق
دارد چنانکه بعد از
تفصیل لفظی در دنیا
و الاخرة بوضاحت
توایمی و بدو این
قرینه آنست که معنی
الی یوم القیمة قریب
قیامت می باشد

چنانچه در احادیث
صحیح مخرج است
که قبل از قیامت
خروج وقت مبارکی

وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ

و می گویند که این نزد یک خداست و نیست آن از نزد یک خدا و

و می گویند آن از جانب الله است و نیست آن از جانب الله

و دروغ می گویند بر خدا

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

و دروغ می گویند بر الله

تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۶۱

ابو البقار راجع بہ کلمہ "تونی" در کلیات خودی نگارہ التونی الاماتہ و قبض الروح و علیہ استعمال لغاتہ و الاستیفاءۃ اخذ الخ و علیہ استعمال البلفاۃ الی اخرہ "یعنی" "تونی" در کارہ عامہ و میرانیدن و جان ستانیدن استعمال می شود و نزد بلغا یعنی وصول کامل و درست فرا گرفتن است گو یانزو آنها ازین جہت تونی برتوت اطلاق شدہ کہ موت کدام مضموحا ص مروا نمی باشد بلکہ از طرف حق تعالی کا مازع اخذ می شود اکنون اگر فرض شود کہ خداوند روح کسی را باندیش فرا گرفتہ بطریق اولی تونی گفتہ می شود بعضی از علمائے لغت کہ نوشتہ اند مفہوم تونی قبض الروح است یعنی توشیح ندادہ اند کہ قبض روح مع الہیہ را تونی نمی گویند و چنین قاعدہ نیز وضع نکرده اند کہ اگر ناعل تونی خدا و مفعول آن ذی روح باشد جز موت دیگر مفہومی ندارد اشتہار چون وقوع قبض روح عموماً جہاد شدن آن از بدن است بنابر عادات و اکثریت کلمہ موت را یک ہما بہ آن می نویسند و الاموال تونی این کلمہ قبض روح مع البدن است ۱۲ بقیہ صفحہ ۶۱

عَلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

بر ما و آنچه فرود آورده شدہ بر ابراہیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و

الْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تُفْحَشُ

نیرکان دے و آنچه دادہ شدہ موسیٰ و عیسیٰ و پیغمبران را از پروردگار ایشان فرق نمی بینم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۳﴾ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ

میان یکی از ایشان و ما اودا فرمان بریم و ہر کہ طلب کند در اسے

الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَكَ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَيْرِينَ ﴿۴﴾

اسلام دین دیگر را پس ہرگز قبول کردہ نخواہد شد از او در آخرت از زبان نگاران است

كَيْفَ يَهْدِيَ اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ

چگونہ راہ نماید خدا گروہی را کہ کافر شدند بعد اسلام خود بعد از آنکہ شناختند کہ پیغمبر

حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۵﴾ أُولَٰئِكَ

درست است و بعد از آنکہ آید بایشان حجت ہائے خدا راہ نمی نماید گروہ ستم گاران را این گروہ

جَزَاءُ هُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۶﴾

سزائے ایشان آنست کہ باشد بر ایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردمان ہمہ ایشان جزائے شان این است کہ ہر آئینہ ہست بر ایشان لعنت اللہ و فرشتگان و مردمان ہمہ

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۷﴾

جاویدان در آن لعنت سبک کردہ نشود از ایشان عذاب و نہ ایشان مہلت دادہ شوند

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

الا آنانیکہ توبہ کردند بعد ازین و نیکی کارے نمودند پس ہر آئینہ خدا آمرزندہ

رَحِيمٌ ﴿۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا

مہربان است ہر آئینہ کاینکہ کافر شدند بعد اسلام خویش باز زیادتی کردند در کفر

لَنْ يُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ

ہرگز قبول کردہ نشود توبہ ایشان و آن گروہ ایشانند مگر ایمان ہر آئینہ آنانیکہ

كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ

کافر شدند و کافر مردند ہرگز قبول کردہ نخواہد شد از ہر یکی از ایشان مقدار پیری

الْأَرْضِ ذَهَابًا وَلَوْ أَقْدَىٰ بِذُنُوبِكُمْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَلَا لَهُمْ مِنْ نَصِيرِينَ

زمین از لر و اگر عوق خود دہد آنرا آن گروہ ایشانراست عذاب دردناک و نیست ایشانرا یاری دہندہ

زمین طلاء و اگر چه عوض دہد آنرا آن گروہ ایشانراست عذاب دردناک و نیست ایشانرا یاری مدد گاران

فل بدین خدا ۱۲
 فل یعنی ادس و
 خروج و عرب
 معدیه و مینه و عرب
 و عجم بایکدیگر دشمنی
 داشتند ۱۲
 یعنی تفرق در اصول
 دین حرام است ۱۰
 که جمیع معزلی بج
 باشند و معنی
 شیعه و علی بن ابی طالب
 ۱۲ و این یعنی واجب
 بالکفایه است که
 جمیع با هم معروف
 و نهی از منکر تیسام
 نمایند ۱۲ یعنی
 مانند یهود و نصاری
 مشهود که بهفتاد و
 چند فرقه گشتند ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقره صفحه ۶۳
 ۳ تو قلیم بایلم و بیلم
 ما جزم بانهبار
 (انعام رکوع ۷)
 خداوند در روایت
 توفی را بر نوم اطلاق
 کرده حال آنکه قبض
 روح در نوم تکلیف
 نمی شود بلکه اگر
 در آل عمران و مائده
 در روایت توفی بر
 قبض روح مع الیه
 اطلاق شده چنانچه
 لازم می آید مخصوصا
 چون دیده شود که اطلاق
 کلمه توفی بر موت و
 نوم در قرآن آنگاه
 زیر ارم و در عصر
 جابلیت چون باین
 حقیقت آشنایند
 که خدا هنگام موت
 و نوم چیز را از
 انسان بازیگری
 استعمال کلمه توفی
 بر موت و نوم در آن
 با شایع نمود برای
 تشبیه آنکه در حقیقت موت و نوم نخست قرآن کریم این کلمه را استعمال نموده است

أَوْتُوا الْكِتَابَ يَوْمَ تَمُوتُكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ ۝ ۹ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ
 کتاب کافر گردانند شمارا بعد از اسلام شما
 کتاب بازی گردانند شمارا پس از ایمان تان کافران
 و چگونه کافر شوید حال آنکه شما کافر
 تَنْتَلِ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ
 خوانده می شود بر شما آیات خدا و در میان شما هست پیکر خدا و هر که چنگ استوار کرد بخدا پس هر آینه راه نموده شد
 خوانده می شود بر شما آیت های خدا و در میان شماست پیکر خدا و هر که چنگ انگیزد (دین) خدا پس به تحقیق ره نموده شد
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ ۱۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا
 بسوی راه راست ای مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 ابوسه راه راست ای مومنان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 تَتُوبُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ ۱۱ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
 غیرید مکن مسلمان شده و چنگ زنید بر سن خدا ملحق آمده و
 میباید مکن مسلمان و چنگ انگیزد بر سن خدا همه شما و
 تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ
 پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست چون بودید و دشمن یکدیگر و پس الفت داد میان
 پراکنده مشوید و یاد آرید نعمت خدا را که بر شماست وقتی که بودید دشمنان پس الفت انگیزد میان
 قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنْ
 دلها را شما پس شدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر و بودید بر کناره منگای از
 دلها را شما (پس) گشتید به نعمت خدا برادر و بودید بر کناره منگای از
 النَّارِ فَانْقُذْكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ ۱۲
 آتش پس را بپایند شمارا ازان بچنین بیان می کند برائے شما که شما را نجات دهد که راه یابید و
 آتش پس نجات داد شمارا ازان بچنین بیان می کند خدا بآیات خویش را تا راه یابید
 وَلَسْتَ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ عَنَ الْخَيْرِ وَيَأْمُرُوكَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوُكَ
 و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکی کاری و بفرمایند بکار پسندیده و منع کنند
 و باید که باشد از شما جماعتی که بخوانند بسوی کار نیکی و بفرمایند بکار پسندیده و باز دارند
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ ۱۳ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّوْا
 از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که پراکنده شده
 از ناپسند و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که پراکنده شده
 وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ ۱۴
 و خلان بایکدیگر کردند بعد از آنکه آمد بایشان حجت ها و آن گروه ایشان عذاب بزرگ
 و اختلاف کردند بایکدیگر پس از آنکه آمد بایشان احکام واضح و آن گروه ایشان را سخت عذاب بزرگ
 يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَفَكُنتُمْ
 آرزو کردید سفید شود یک پاره رویها و سیاه گردد یک پاره رویها اما آنکه سیاه شدت روی ایشان بدیشان گفته شود که لا شکی
 روزی که سفید شود بعضی رو با و سیاه شود بعضی رو با پس اما کسی که سیاه شد روی ایشان بدیشان گفته می شود که آیا کافر شدید
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ ۱۵ وَأَمَّا الَّذِينَ
 بعد از ایمان تان پس بچشید عذاب بسبب کافر شدن خویش و اما آنانی
 بعد از ایمان تان پس بچشید عذاب را به عوض کافر شدن تان و اما کسی
 أَبْيَضَتْ وَجُوهُهُمْ فَقَدْ رَحِمَهُ اللَّهُ هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ ۱۶ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این آیات خداست
 سپید شد رویهای ایشان پس در رحمت خداوند ایشان در آن جاویدند این حکم خداست

سَوَّاهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَاللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمَ الْعَالَمِينَ ۝ وَكَانَ اللَّهُ مَعَهُ

می خوانیم آنرا بر تو برآستی و می خواهد خدا ستم کردن بر مردمان و خدا راست است آنچه
می خوانی من بر تو برآستی و می خواهد خدا ستم را به عالمیان و مر خدا راست است آنچه

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

در آسمان با و آنچه در زمین است و پیوستی خدا باز گردانیده میشود همه کارهاستند شما بهترین تمام ام

خرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون
که بیرون آورده شد و ای برائے مردمان می فرماید بپارایندیده و منع می کنید از ناپایندیده و باور دارید

که مردن آورده شده برای مردم امر می کنید بکار پسندیده و بنی می کنید از کار ناپسند و ایمان می آرید

فہرست کتب خانہ امیر المومنین علیہ السلام و

كَمْ مِمَّنْ فَسَقُوا ۖ لَكُنْ تُصْرِكُهُمُ الْآذَىٰ وَإِنْ سَأَلْتَهُمْ لَوْ كُنَّا

هرگز زیان نه رسانند بشما که اندک رنج و آوازه کار از ار کنند با شما نیست
هرگز زیان نمی رسانند شمار مگر و سخنانند زبانی و اگر حجت کنند با شما نمی گردانند

أَذْبَابُ اقْتُلَهُ لَا يَنْصُرُونَ ﴿٢٧﴾ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا لَا

بگویند شما که باز نصرت داده نمی شوند
بشما پشت بار باز نصرت داده نمی شوند

جِبِلِّ مِنَ اللَّهِ وَجِبِلِّ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُ وَيَغْضِبُ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ
بدرست آویزی از خدا در دست آویزی از مردمان است و باز کشتن چمن از خدا دزدان شد

بدستاد بزرگی از خدا و دستاد بزرگی از مردم و بازگشتند به قمی از خدا و لازم شد

بایات خدا و می گشت

الْأَنْبِيَاءُ يُغْفِرُ لَكَ ذَلِكُ يٰمَعْصُومٌ أَفَلَا تَعْتَدُونَ ﴿٣﴾ لَسْنَا

این بسبب گناه کردن ایشانست و بسبب آنکه از حدی گزشتند میترسند همه
این به آن سبب بود که فرامی گردند و از حد گذشتند همه برابر میترسند

سَوَاءٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتَ اللَّهِ إِنَّهُ يُبَيِّنُ

از این کتاب بخردی است استاده براه راست می خوانند آیت های خدا را و قنات شب و

هم يسجلون ﴿٢٠﴾ يؤمنون بالله واليوم الآخر وياقرون بالمرءة

ایشان سجده می کنند ایمان دارند بخدا و در ذریعت و امر می کنند بکار پسندیده

و نه می کنند از تا پسندیده و شتابی می کنند در نیکی با
و ایشان از شایسته کار اند

و ان کرده ارشاد نمایند و اینها را

و آنچه کند از نیکی پس نادر شناسی کرده نشود بایشان به نسبت آن عمل و خداداد است به هر پیر گران به آئینه ساینده
و آنچه کند از خیر پس هرگز قرار نداشتی بخیر شد و خداداد است به هر پیر گران به آئینه ساینده

روح القدس پدید آمده آیا ممکن نیست که حکم خدا آسمان پروردگار کند که یک نفس در دست وی و نقطه ای حکم الهی شود و این پس مشروط



فلما حصل آتست
 شود ۱۲ مانی از غیر
 مسلمانان ۱۲ و
 در غزو احد اهل فقه
 میل کردند با آنکه در
 شهر محض شوند و
 اصحاب خواستند که
 بیرون آمده جنگ کنند
 بعد از آنکه خبریت
 واقع شد منافقان
 این را محل طعن
 بنزد آنکه گفتند و وقت حرب
 حضرت پیغامبر را
 جماعت را اغویا
 که از پیغمبر چون
 آثار فتح ظاهر شدن
 گرفت آن جماعت در
 پی غارت افتادند
 و طعنان پیغمبر کردند
 بنوی این خصایان
 بنزدت هر مسلمان
 افتاد و هم فر کردند
 الا الله الله وینو
 غیر شهادت حضرت
 پیغامبر شایع شد
 منافقان قصد تمام
 کردند پس در جواب
 طعن منافقان عتبات
 طعن کردند که آن
 و تشنح بودند باین
 حق بجهان نازل کرده
 تفسیر شکافی
 عتبات حریف بجا
 که شهادت از دست آنها
 میزنند و آنها دوست
 شایان ملک دشمنان
 کن شای باشند ۱۳
 طرفین است که
 شای تمام کتاب
 آسمانی را به هر
 قلم و هر زبانه و هر
 پیغمبری که فرد آمده
 بنزد قبول دارند و بر
 آنها که خدا را می شناسند
 را و پیغمبر را علی النبیان
 و بر آنها که اصحابی شان را تو میخواند

كَفَرُوا لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَاُولَئِكَ
 کافر شدند و فتح نکند از ایشان مال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را و ایشانند
 کافران هرگز بکار نیاید (در فتح نکند) از ایشان مال بای شان و فرزندان شان از عذاب خدا چیزی را و آن گروه
 اصْحَابُ الدَّارِ لَهُمْ فِيهَا خِلْدُونَ ۵ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيٰوةِ
 باشند گان و در آنجا جاویدند صفت آنچه خرج می کنند در این زندگانی
 باشند گان آتشند ایشان در آن جاویدند صفت آنچه خرج می کنند در این زندگانی
 الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَيْحٍ فِيهَا صِرٌّ اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ فَاَهَلَكَ كَدُّهَا
 دنیا مانند صفت باد است که در آن سرمای سخت رسید گشت قومی را که ستم کردند بر خویشانشان پس نابود ساخت آن را
 و مَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ اَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
 و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشانشان ستم می کردند ۶ ای کسانی که ایمان آورده اید
 و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشانشان ستم می کنند ای مومنان مگر یکدیگر را
 بِطَانَةٍ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ خَبْرٌ مَّكْرُومٌ وَاَمَّا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَّتْ الرِّجْزُ
 کثیر بد از غیر خویشات تقصیر می کنند به نسبت شمار فقر انگیزی و دست دراز شدن در شمار اینها ظاهر شد و شعله
 و دست نهاده خبر از خود یا کوتاهی نمی کنند در خرابی شمار دست دارند در شمار اینها حقیقت آشکار شده و دشمنی
 مِنْ اَقْوَامٍ هُمْ هُمْ وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ اَلَمْ يَكُنْ لَّكُمُ الْاٰيَاتُ اِنْ
 از دین ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه ایشان سخت تر است بر آینه بیان کردیم برای شما نشانهای آنکه
 از دین بای شان و آنچه پنهان کرده است سینه بای شان کلام تر است به تحقیق بیان کردیم بشارت آنها را اگر
 كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ۷ هَانَتْ اُولَآءِ حِبْطُوْنَهُمْ وَلَا يُحِبُّوْكُمْ وَتَوَّابُونَ
 دانایان استید آگاه شوید شما ای قوم که دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست نمی دارند شما را و ایمان می آرید
 شما عاقل هستید آگاه شوید شما ای مردم و دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست نمی دارند و ایمان دارید شما
 بِالْكِتٰبِ كُلِّهٖ وَاِذْ اَقْرَبْتُمْ قُلُوْبُكُمْ وَاِذَا خَلَوْا عَضُّوْا عَلٰیكُمْ
 بهر کتاب الهی و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردید و چون تنها میشوند بگریزند بر شما
 بِه کتاب با و چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند میگریزند بر شما
 الْاَنَامِلِ مِنَ الْغِيْظِ طَقُلْ مُّوْتًا بَعِيْظًا كَذٰلِكَ اَللّٰهُ عَلِيْمٌ بِذٰلِكَ
 انگشتان خود را از خشم بگرمیدید بسبب خشم خویش بر آینه خدا داناست آنچه در
 انگشتان خود را از خشم بگرمیدید به خشم خود بر آینه انگشتانک داناست به آنچه
 الصُّدُوْرُ اِنْ تَسْسِكُمْ حَسَنَةً سَوْفَ تَكُوْنُ مِنْكُمْ ۸ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ
 سینه باست اگر برسد بشما لغت ناخوش کند ایشان را و اگر برسد بشما سختی
 در سینه باست اگر برسد بشما بیبودی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد بشما بدی
 يَفْرَحُوْهَا وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ سَوْفَ تَكُوْنُ مِنْكُمْ ۹ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ
 خوش دل شوند بآن و اگر شکیب کنند و بر پیر گاری نمایند هیچ زیان نرساند بشما مگر ایشان
 خوش شوند به آن و اگر صبر کنند و بر پیر گاری نمایند هیچ زیان نرساند بشما مگر ایشان
 اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۱۰ وَاِذْ عَدُوْتُ مِنْ اَهْلِكَ تَبَوَّءُ
 هر آینه خدا با آنچه می کنند در گیرنده است و یاد کن آنکه که پناه آمد از میان اهل خانه خودی نشاندی
 هر آینه خدا به آنچه می کنند در گیرنده است و آنگاه که میج برون آمدی از منزل خود همسایه گردی
 الْمُؤْمِنِيْنَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاَللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۱۱ اِذْ هَمَّتْ طٰلِفَتُنِ
 مسلمانان را در جایها برای جنگ و خداست نوا داناست آنگاه که خواستند دو طرف
 مسلمانان را جایها برای جنگ و خداست نوا داناست آنگاه که قصد نمودند دو طرف

و بر آنها که اصحابی شان را تو میخواند

مِنْكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا اللَّهَ وَلِيَّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ٢

از شما که بزدلی کنند و خدا کار ساز ایشان بود و بر خدا باید توکل کنند مسلمانان و

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

و بر آئینه خدا فتح داد شما را روز بدر و شما خوار بودید پس بترسید از خدا تا بود که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

تَشْكُرُونَ ٣ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُكْبَةً

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

فصل یعنی بی سلمه
بنو حارثه که از اعراب فر
بجای ایشان نگذاشته
بود و با خدا استخاره
ایشان را از هیچ محفوظ
داشت ١٢
تفسیر غمناکی
عده در جنگ جنگ
احد ذکر بر مرت سود
ظاهر تعلق ندارد اما
شاید ازین جهت
مناسبت داشته
باشد که آیه از اذیت
طاعتان منکم این
تفسیر پیشتر از آنکه
و برتری در مقام جهاد
ذکر شده بود و خودن
سود به دولت
البع بعدی می آرد
اول خوردن
مال حرام از توفیق طاعت
میگردد و بزرگترین
طاعات جهاد است
شناختن خودن سود میمال
بجمل طاعت دارد و غیرا
سود خود می خواهد مانی با
که داده همه با از نیت
و غنما اگر دیگری از آن
مان کار گرفته آنرا نیز
را بهمان نگیرد و
عوض آنرا عظیمه
حصول کند که در مال
این تقدیر خلیل باشد
که نتواند از آن برای
خدا بگذرد
بهره دی کند دی
که داده خدا بگویند
خواهد داد ابو جحش
می نویسد تا این وقت
بایست و غیره معاملات
سود مسلمانان هر جهت
داشت ازین جهت
قطع علاقی به آن با
مشکلی می نمود چون
قبلاً حکم لاتخاذ ایضا
عبارت شده بود و در تفسیر
احد حکم منافقان نبود و بسیار و عمل داشت مهاد خداوند مسلمانان را متنبه ساخت که معاملات دلد و دست سودا حرکت کنند و درین میان با آن منافقان استخوان خواهد

و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدلی بودید پس بترسید از خدا تا باشد که

فتح الرحمن

فل یعنی نزد
 کردید ۱۲ و
 یعنی درین کار
 دارا اختیار نیست و
 به تدبیرا کار نمیکنند
 تفسیر عثمانی
 عه در غزوه احد
 چون سلمان شکست
 خاخر شدند کافران
 و منافقان موقع یافتند
 و زبان بطعن و الزام
 کشودند و بعضی در
 پرده بی خوای و
 دل سوئی پرتیغ
 پرده حق تعالی
 آینه به قتال جزیت
 نکلند خداوند آگاه
 می سازد که فریب
 دشمنان را بخورید
 اگر بدام فریب آنها
 مبتلا شدید و بسیار
 پادشاه دوباره در آن
 تصرف خواهید
 افتاد که خدا شمارا
 ازین نجات داده بود
 و دامن دین حق آهسته
 آهسته از دست تان
 بریدن خواهد نمود و
 جز خسارت دنیا و
 آخرت نتیجه نخواهد
 بخشید بول تقوی بود
 که بجز حق خدا پرستان
 سیری شوند اینجا از
 شنیدن سخنان آشوب
 مانعت که تا سالمانا
 بوشید بوده سود و
 زبان خویش را بسفید
 عه باید وی حکم را
 پذیرفت و به مدونات
 بی بهتای وی اکتفا
 نمود کسی را که خدا
 مدد کند باشد چنان
 دارد که به نصرت دشمنان
 خدا امیدوار باشد
 یا مقابل آنها گردون
 طاعت کند و در خدا
 ست که چون اوصیایان از احدی بکشت برای شکست و اعتکاف باین فرمود آورد و در این معرزه و لایزال هم حضرت پیر بزرگوار و دلاور پانچ دی گویند ۱۱ الله مولانا و مولانا

الْمُحْسِنِينَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنْ تَطِيعُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَدْرِكُوْكُمْ
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲
 ۵۱۳
 ۵۱۴
 ۵۱۵
 ۵۱۶
 ۵۱۷
 ۵۱۸
 ۵۱۹
 ۵۲۰
 ۵۲۱
 ۵۲۲
 ۵۲۳
 ۵۲۴
 ۵۲۵
 ۵۲۶
 ۵۲۷
 ۵۲۸
 ۵۲۹
 ۵۳۰
 ۵۳۱
 ۵۳۲
 ۵۳۳
 ۵۳۴
 ۵۳۵
 ۵۳۶
 ۵۳۷
 ۵۳۸
 ۵۳۹
 ۵۴۰
 ۵۴۱
 ۵۴۲
 ۵۴۳
 ۵۴۴
 ۵۴۵
 ۵۴۶
 ۵۴۷
 ۵۴۸
 ۵۴۹
 ۵۵۰
 ۵۵۱
 ۵۵۲
 ۵۵۳
 ۵۵۴
 ۵۵۵
 ۵۵۶
 ۵۵۷
 ۵۵۸
 ۵۵۹
 ۵۶۰
 ۵۶۱
 ۵۶۲
 ۵۶۳
 ۵۶۴
 ۵۶۵
 ۵۶۶
 ۵۶۷
 ۵۶۸
 ۵۶۹
 ۵۷۰
 ۵۷۱
 ۵۷۲
 ۵۷۳
 ۵۷۴
 ۵۷۵
 ۵۷۶
 ۵۷۷
 ۵۷۸
 ۵۷۹
 ۵۸۰
 ۵۸۱
 ۵۸۲
 ۵۸۳
 ۵۸۴
 ۵۸۵
 ۵۸۶
 ۵۸۷
 ۵۸۸
 ۵۸۹
 ۵۹۰
 ۵۹۱
 ۵۹۲
 ۵۹۳
 ۵۹۴
 ۵۹۵
 ۵۹۶
 ۵۹۷
 ۵۹۸
 ۵۹۹
 ۶۰۰
 ۶۰۱
 ۶۰۲
 ۶۰۳
 ۶۰۴
 ۶۰۵
 ۶۰۶
 ۶۰۷
 ۶۰۸
 ۶۰۹
 ۶۱۰
 ۶۱۱
 ۶۱۲
 ۶۱۳
 ۶۱۴
 ۶۱۵
 ۶۱۶
 ۶۱۷
 ۶۱۸
 ۶۱۹
 ۶۲۰
 ۶۲۱
 ۶۲۲
 ۶۲۳
 ۶۲۴
 ۶۲۵
 ۶۲۶
 ۶۲۷
 ۶۲۸
 ۶۲۹
 ۶۳۰
 ۶۳۱
 ۶۳۲
 ۶۳۳
 ۶۳۴
 ۶۳۵
 ۶۳۶
 ۶۳۷
 ۶۳۸
 ۶۳۹
 ۶۴۰
 ۶۴۱
 ۶۴۲
 ۶۴۳
 ۶۴۴
 ۶۴۵
 ۶۴۶
 ۶۴۷
 ۶۴۸
 ۶۴۹
 ۶۵۰
 ۶۵۱
 ۶۵۲
 ۶۵۳
 ۶۵۴
 ۶۵۵
 ۶۵۶
 ۶۵۷
 ۶۵۸
 ۶۵۹
 ۶۶۰
 ۶۶۱
 ۶۶۲
 ۶۶۳
 ۶۶۴
 ۶۶۵
 ۶۶۶
 ۶۶۷
 ۶۶۸
 ۶۶۹
 ۶۷۰
 ۶۷۱
 ۶۷۲
 ۶۷۳
 ۶۷۴
 ۶۷۵
 ۶۷۶
 ۶۷۷
 ۶۷۸
 ۶۷۹
 ۶۸۰
 ۶۸۱
 ۶۸۲
 ۶۸۳
 ۶۸۴
 ۶۸۵
 ۶۸۶
 ۶۸۷
 ۶۸۸
 ۶۸۹
 ۶۹۰
 ۶۹۱
 ۶۹۲
 ۶۹۳
 ۶۹۴
 ۶۹۵
 ۶۹۶
 ۶۹۷
 ۶۹۸
 ۶۹۹
 ۷۰۰
 ۷۰۱
 ۷۰۲
 ۷۰۳
 ۷۰۴
 ۷۰۵
 ۷۰۶
 ۷۰۷
 ۷۰۸
 ۷۰۹
 ۷۱۰
 ۷۱۱
 ۷۱۲
 ۷۱۳
 ۷۱۴
 ۷۱۵
 ۷۱۶
 ۷۱۷
 ۷۱۸
 ۷۱۹
 ۷۲۰
 ۷۲۱
 ۷۲۲
 ۷۲۳
 ۷۲۴
 ۷۲۵
 ۷۲۶
 ۷۲۷
 ۷۲۸
 ۷۲۹
 ۷۳۰
 ۷۳۱
 ۷۳۲
 ۷۳۳
 ۷۳۴
 ۷۳۵
 ۷۳۶
 ۷۳۷
 ۷۳۸
 ۷۳۹
 ۷۴۰
 ۷۴۱
 ۷۴۲
 ۷۴۳
 ۷۴۴
 ۷۴۵
 ۷۴۶
 ۷۴۷
 ۷۴۸
 ۷۴۹
 ۷۵۰
 ۷۵۱
 ۷۵۲
 ۷۵۳
 ۷۵۴
 ۷۵۵
 ۷۵۶
 ۷۵۷
 ۷۵۸
 ۷۵۹
 ۷۶۰
 ۷۶۱
 ۷۶۲
 ۷۶۳
 ۷۶۴
 ۷۶۵
 ۷۶۶
 ۷۶۷
 ۷۶۸
 ۷۶۹
 ۷۷۰
 ۷۷۱
 ۷۷۲
 ۷۷۳
 ۷۷۴
 ۷۷۵
 ۷۷۶
 ۷۷۷
 ۷۷۸
 ۷۷۹
 ۷۸۰
 ۷۸۱
 ۷۸۲
 ۷۸۳
 ۷۸۴
 ۷۸۵
 ۷۸۶
 ۷۸۷
 ۷۸۸
 ۷۸۹
 ۷۹۰
 ۷۹۱
 ۷۹۲
 ۷۹۳
 ۷۹۴
 ۷۹۵
 ۷۹۶
 ۷۹۷
 ۷۹۸
 ۷۹۹
 ۸۰۰
 ۸۰۱
 ۸۰۲
 ۸۰۳
 ۸۰۴
 ۸۰۵
 ۸۰۶
 ۸۰۷
 ۸۰۸
 ۸۰۹
 ۸۱۰
 ۸۱۱
 ۸۱۲
 ۸۱۳
 ۸۱۴
 ۸۱۵
 ۸۱۶
 ۸۱۷
 ۸۱۸
 ۸۱۹
 ۸۲۰
 ۸۲۱
 ۸۲۲
 ۸۲۳
 ۸۲۴
 ۸۲۵
 ۸۲۶
 ۸۲۷
 ۸۲۸
 ۸۲۹
 ۸۳۰
 ۸۳۱
 ۸۳۲
 ۸۳۳
 ۸۳۴
 ۸۳۵
 ۸۳۶
 ۸۳۷
 ۸۳۸
 ۸۳۹
 ۸۴۰
 ۸۴۱
 ۸۴۲
 ۸۴۳
 ۸۴۴
 ۸۴۵
 ۸۴۶
 ۸۴۷
 ۸۴۸
 ۸۴۹
 ۸۵۰
 ۸۵۱
 ۸۵۲
 ۸۵۳
 ۸۵۴
 ۸۵۵
 ۸۵۶
 ۸۵۷
 ۸۵۸
 ۸۵۹
 ۸۶۰
 ۸۶۱
 ۸۶۲
 ۸۶۳
 ۸۶۴
 ۸۶۵
 ۸۶۶
 ۸۶۷
 ۸۶۸
 ۸۶۹
 ۸۷۰
 ۸۷۱
 ۸۷۲
 ۸۷۳
 ۸۷۴
 ۸۷۵
 ۸۷۶
 ۸۷۷
 ۸۷۸
 ۸۷۹
 ۸۸۰
 ۸۸۱
 ۸۸۲
 ۸۸۳
 ۸۸۴
 ۸۸۵
 ۸۸۶
 ۸۸۷
 ۸۸۸
 ۸۸۹
 ۸۹۰
 ۸۹۱
 ۸۹۲
 ۸۹۳
 ۸۹۴
 ۸۹۵
 ۸۹۶
 ۸۹۷
 ۸۹۸
 ۸۹۹
 ۹۰۰
 ۹۰۱
 ۹۰۲
 ۹۰۳
 ۹۰۴
 ۹۰۵
 ۹۰۶
 ۹۰۷
 ۹۰۸
 ۹۰۹
 ۹۱۰
 ۹۱۱
 ۹۱۲
 ۹۱۳
 ۹۱۴
 ۹۱۵
 ۹۱۶
 ۹۱۷
 ۹۱۸
 ۹۱۹
 ۹۲۰
 ۹۲۱
 ۹۲۲
 ۹۲۳
 ۹۲۴
 ۹۲۵
 ۹۲۶
 ۹۲۷
 ۹۲۸
 ۹۲۹
 ۹۳۰
 ۹۳۱
 ۹۳۲
 ۹۳۳
 ۹۳۴
 ۹۳۵
 ۹۳۶
 ۹۳۷
 ۹۳۸
 ۹۳۹
 ۹۴۰
 ۹۴۱
 ۹۴۲
 ۹۴۳
 ۹۴۴
 ۹۴۵
 ۹۴۶
 ۹۴۷
 ۹۴۸
 ۹۴۹
 ۹۵۰
 ۹۵۱
 ۹۵۲
 ۹۵۳
 ۹۵۴
 ۹۵۵
 ۹۵۶
 ۹۵۷
 ۹۵۸
 ۹۵۹
 ۹۶۰
 ۹۶۱
 ۹۶۲
 ۹۶۳
 ۹۶۴
 ۹۶۵
 ۹۶۶
 ۹۶۷
 ۹۶۸
 ۹۶۹
 ۹۷۰
 ۹۷۱
 ۹۷۲
 ۹۷۳
 ۹۷۴
 ۹۷۵
 ۹۷۶
 ۹۷۷
 ۹۷۸
 ۹۷۹
 ۹۸۰
 ۹۸۱
 ۹۸۲
 ۹۸۳
 ۹۸۴
 ۹۸۵
 ۹۸۶
 ۹۸۷
 ۹۸۸
 ۹۸۹
 ۹۹۰
 ۹۹۱
 ۹۹۲
 ۹۹۳
 ۹۹۴
 ۹۹۵
 ۹۹۶
 ۹۹۷
 ۹۹۸
 ۹۹۹
 ۱۰۰۰

در غزوه احد
 چون سلمان شکست
 خاخر شدند کافران
 و منافقان موقع یافتند
 و زبان بطعن و الزام
 کشودند و بعضی در
 پرده بی خوای و
 دل سوئی پرتیغ
 پرده حق تعالی
 آینه به قتال جزیت
 نکلند خداوند آگاه
 می سازد که فریب
 دشمنان را بخورید
 اگر بدام فریب آنها
 مبتلا شدید و بسیار
 پادشاه دوباره در آن
 تصرف خواهید
 افتاد که خدا شمارا
 ازین نجات داده بود
 و دامن دین حق آهسته
 آهسته از دست تان
 بریدن خواهد نمود و
 جز خسارت دنیا و
 آخرت نتیجه نخواهد
 بخشید بول تقوی بود
 که بجز حق خدا پرستان
 سیری شوند اینجا از
 شنیدن سخنان آشوب
 مانعت که تا سالمانا
 بوشید بوده سود و
 زبان خویش را بسفید
 عه باید وی حکم را
 پذیرفت و به مدونات
 بی بهتای وی اکتفا
 نمود کسی را که خدا
 مدد کند باشد چنان
 دارد که به نصرت دشمنان
 خدا امیدوار باشد
 یا مقابل آنها گردون
 طاعت کند و در خدا
 ست که چون اوصیایان از احدی بکشت برای شکست و اعتکاف باین فرمود آورد و در این معرزه و لایزال هم حضرت پیر بزرگوار و دلاور پانچ دی گویند ۱۱ الله مولانا و مولانا

فتح الرحمن
 صل و این کانه برآ
 آن کرده شد که در علم
 الهی مقدر بود و حق
 یعنی کافران مسلمانان
 و حق یعنی چون میگردند
 درین حالت ۱۲
 تفسیر عثمانی
 ع این کون نشین
 یاست و افسوس
 چیزی باقی آرد
 آنچه را خدا در بار
 اجل عمل برگزید
 سبب و وقت آن
 زحمت و مقدر کرده
 است هرگز تغییر نمی کند
 و حق و نوعی یابد
 اگر شمار درون خانه
 ۱۲ بای خویش محصور
 می شد و باقی
 رای شما علی پیشه
 باز هم کس نیکو
 آنها و دروغ نزدیک
 اندر مقدور و محتاج به سبب
 از بندگان صوب
 میرفتند و در جهان
 موقع گشته می شد
 این صوبت الهی است
 که در آنجا کشتن آنها
 مقدور و راه خدا
 به مقتضای دلاری
 و خوشی بشمارت رسید
 حسرت و تاسف برآ
 چیت کار با کائنات
 قیاس از خود نمیز
 عه خدا باز دل
 بای تمام کاهست و
 هیچ مالی از هیچ کس
 در حضرت دی خفی
 نیست مقصد این بود
 در معاملات استخوان
 و در دکان تاجر هر دو
 تملوب شماست برآ
 تراود و در کوره آه
 خالص از مشغول
 متماز گرد و مخلع
 صل و قنیت خویش را

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ
 در دل خویشان آنچه آشکارا نمی کنند برائے کوی گویند اگر بودی ما را ازین کار چیزی
 در دل بای خویش آنچه را آشکارا نمی نمایند بگو گویند اگر می بود ما را ازین کار چیزی
مَا قَتَلْنَا هَذَا فُلًا لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ
 کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر می بودید در خانه های خویش بر آید بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است برایشان
 کشته می شدیم در این جا بگو اگر می بودید در خانه های خویش بر آید بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است برایشان
لَكُمْ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٦ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا
 آنچه در دل شماست و خدا دانا است آنچه در سینه های شماست
 آنچه در دل بای تان است و خدا دانا است بر آنچه در سینه های شماست
مِنْكُمْ يَوْمَ التَّفَاجُّعِ ۚ إِنَّهُمْ أَسْتُزَلُّوا مِنَ الشَّيْطَانِ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا
 از شمار روزی که بهم آمدند بر دو جماعت جز این نیست که لغز ایند ایشان را شیطان بوسیله بعضی آنچه کردند
 از شمار روزی که در روز آورند و دو فرج جز این نیست که لغز ایند ایشان را شیطان به طعنی بعضی آنچه کردند
وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 و بر آید عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بر بار است ای مومنان
 و بر حقیقت عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بر بار است ای مومنان
أَنْتُمْ كُنْتُمْ أَكْثَرُ الظَّالِمِينَ كُفِّرُوا وَاقُوا إِلَى الْإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا إِلَى الْأَرْضِ
 شما شدید مانند آنان که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قتل سفارتن در زمین
 متوید مانند نیکو کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قتل که سرگشته در زمین
أَوْ كَانُوا أَغْزَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ
 یا باشند بجا بیرون آمده است اگر می بودند ایشان نزدیک ما نمی مردند و کشته نمی شدند تا گرداند خدا
 یا باشند غازیان اگر می بودند نزد ما نمی مردند و کشته نمی شدند تا گرداند خدا
ذَلِكَ حَسْرَةٌ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُشِي وَيُخَيِّتُ وَاللَّهُ بِأَعْيُنٍ
 این سخن را در پیچ و در دل ایشان و خدا زنده می کند و می میراند و خدا با آنچه می بیند
 این سخن را افسوس در دل بای ایشان و خدا زنده می گرداند و می میراند و خدا با آنچه می بیند
بَصِيرٍ ٨ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمْ يَغْفِرَ اللَّهُ عَنْكُمْ
 بیگناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید بر آید آمرزشی از خدا و
 بیگناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید بر آید آمرزشی از خدا و
رَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْعَلُونَ ٩ وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَا إِلَى اللَّهِ
 بخشایش بهتر است از آنچه می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
 بخشایش بهتر است از آنچه می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
تُخْسَرُونَ ١٠ فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا عَلِيًّا ظ
 بر اینگونه خواهد شد پس به سبب مهر بانی از خدا نرم می باشد ایشان و اگر می شدی در سخت
 بر اینگونه خواهد شد پس به سبب رحمت که از جانب خداست نرم می شدی برایشان و اگر می بودی تو تند و سخت
الْقَلْبَ لَا أَنْفُسُكُمْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
 دل بر آید زنده می شدند از حوالی تو پس در محضر از ایشان و آمرزش خواه برائے ایشان
 دل بر آید زنده می شدند از پیرامون تو پس در گذر از ایشان و آمرزش خواه بایشان

در بایانده برای آینه دل بای شان از سبب و ضعف پاک باشد نقایطی منافقان آشکار شود و مردم کجای خست باطن آنها را بداند ۱۲

فتح الرحمن

دل این بر سر پروردگار
 دست ترم که می چون
 حضرت علی علیه السلام
 و سلم تصرف بودند
 در غیبت این آیت است
 نازل شد تا که کما
 خیانت کند ۱۲
تفسیر عثمانی
 عه از پیش و قوم
 آنها که را پیغمبر
 گردانده که به آسانی
 می تواند بر پیروی و
 نشیند با او مکارم
 کند و بان او را پیغمبر
 و از افوا و برکات
 او هر نوع استفاده
 نمایند باز جمیع
 احوال و خلاق
 سوا از حیات امانت
 و دیانت خدا ترسی
 و بر همه کاری او کمال
 خوبی آگاه می باشند
 چون ظهور عجرات را
 در یکی از جاهل قوم
 و خاندان خود مشاهده
 می کنند ایشان را
 بسبب اولتین حاصل
 بشود یا غرض از گرد آمدن
 فرست یا چون پیغمبری
 مبعوث می گردید و
 مبعوثانی از وی دیده
 میشد ممکن بود که
 در دل شان می
 گذشت که چون
 او مخلوق جدا گانه
 بود از جنس بشر
 نیست شاید این
 خرافاتی مخصوص صورت
 نوعیه و طبیعت ملکیه
 یا جنیه او باشد و
 عجز را در مقابل اولی
 بنیت وی شده نمی
 تواند بهر حال مومنان
 باید این را احسان
 خدا بدین که پیغمبری
 بر آنان فرستاده که
 بدون زحمت از حق حجتی مستقیم شده می توانند و با او در یک پهن است و علی ترین عزیز ترین مقامات و صفات را به ایشان می رساند و از این که از ایشان می خواهند که در راه خدا

وَشَارَوْهُمْ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

و مشورت کن بایشان در زمین کار پس آنچه که قصد نم کنی پس اعتماد کن بر خدا هر آینه خدا دوست می دارد و مشوره کن بایشان در کار (پس) چون عزم کردی (پس) توکل کن بر خدا هر آینه خدا دوست می دارد

الْمُتَوَكِّلِينَ ۝ إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ

توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شما را خدا شکست غلب نیست بر شما و اگر به یاری بگذارد شما را توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شما را خدا شکست غلب نیست بر شما و اگر مدد نکند شما را

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

پس کیست که نصرت دهد شما را بعد از او پس کیست آنکه مدد دهد شما را بعد از آن پس کیست آنکه مدد دهد شما را بعد از آن

الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ

مومنان و هرگز خیانت از نبی نمی آید و هر که خیانت کند خود را آورد آنچه را که خیانت او کرده است مومنان و نیست کار پیغمبر که پنهان دارد چیزی را و هر که پنهان دارد می آورد آنچه را که پنهان داشته

يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تَوَلَّى كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ ۶۰

بروز قیامت ملائکه تمام داده شود هر شخص را آنچه را که کرده است و ایشان ستم کرده نشوند و آیه ۶۰ روز قیامت باز تمام داده شود هر کس را آنچه را که کرده است و ایشان ستم کرده نمی شوند آیه ۶۰

الْبَعْثُ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَمَا أُوتِيَ جَاهِدًا وَيُحْسِنُ

در پیشتن خوشترودی خدا رفت می باشد یا سخط خدا و آنچه را که جاهد شده و بد جایست پیروی کرد خوشترودی خدا را می باشد مانند کسی که باز گردد بخدا خوشترودی خدا و در حق است و بد جایست

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ يُجِزُّ لِمَا يُعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى

ایشان بر سر آنچه اند نزد یک خدا و خدا بیناست با آنچه می کنند هر آینه نعمت فراوان داد خدا بر مردم و چه بای محنت دارند نزد خدا و خدا بیناست بر آنچه می کنند محنتی احسان کرد خدا بر

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ

مومنان آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان بخواند بر ایشان آیات خدا را و ایشان را آنچه که فرستاد در ایشان پیغمبر از خودشان عه می خواند بر ایشان آیت های خدا را و

يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

پاک می سازد ایشان را از می آموزد ایشان را کتاب و علم و سر آینه بودند پیش ازین در پاک می کن ایشان را از شرک و غیره و می آموزد ایشان را کتاب و علم و سر آینه بودند پیش ازین در

ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أُولَئِكَ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْ لَكُمْ

گمراهی آشکارا آیات که رسیده بشما میبست که بدست آورده بودید و خدا از آن گفتید گمراهی آشکارا آیات که رسیده بشما رجعی به تحقیق رساندید و چند آن می گوید

أَنْ هَذَا أَقَلُّ مِنْ مِمَّا عِنْدَ أَنْفُسِكُمْ إِنْ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

از شما آمد این معصیت بخو که آن از نزد یک نفوس شما است هر آینه خدا بر همه چیز توانا است از شما آمد این بگو این معصیت که بشمار رسیده از طرف خود شماست هر آینه خدا بر همه چیز توانا است

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فِإِذَنْ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

و آنچه رسیده بشما روزی که بهم آمدند و گردید پس باران خدا بود و ما پیغمبر سازد مومنان را و آنچه رسیده بشما روزی که بهم آمدند و گردید پس به حکم خداست و برای یک پیغمبر سازد مومنان را

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۝ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاكْفُرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ

و تا پیغمبر سازد آنانرا که منافق شدند و گفتند و کفر شد ایشان را با نیکی بخندید در راه خدا و برای آنکه پیغمبر سازد منافق را که منافق بودند و گفتند و کفر شد ایشان را که منافق بخندید در راه خدا

و ایضا معنی السلام

۱۳۱ و ایضا معنی اودا

۵ و ایضا معنی اختیار

کردند و یعنی آن مال

را بهیچان نکرده و

گروه ایشان انداخته

تفسیر عظمی

۵ هم چنانکه مرست

و مهلت این جهان

دلیل بر بقولیت زان

نیست اگر بر مسلمانان

مخلص مصائب و

حوادث ناگوار پیش

آید که در جنگ احد

واقع شد دلیل بر

مغفوبیت آن باشد

خلاصی باشد سخن این

جاست که خدا نمی خواهد

مسلمانان و پیروان

مبهم بماند که تا آنروز

بوده اند یعنی کافر کافران

از روی نفاق کلمی

خوانند و چون میدان

مسلمانان می زیستند

نظر بر حال ظاهر و باطن

کلمه منافق بر آن با

مشکل بود لهذا هر دو

است که خدا قاضی

و احوالی را ردی نماید

آرد که پاک از ناپاک

و خاص از مغشوش

عدا کرده بدینک

در پیشگاه احدیت سهل

بود که مسلمانان به اهل

آنگاه با سخنان افکند

از اسامی و اعمال

منافقان آنچه می

گردانند ولی حکمت

و مصلحت او مقتضی

نیست که همه مردم را

با عو غیب آگاه کند

تنها پیغمبران خود را

مخبر نموده هر چه

بخواهد از مغیبات

بطور یقین بایشان

اطلاع می دهد و خلاصه

عامر مردم را از امور

وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝۳ اَسْمَاءُ لَكُمْ

و پیروی خشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهنده

و پیروی کردند خوشنودی خدا را و خدا خداوند فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهنده

الشیطن یخوف أولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم

شیطان است می ترسانند و دشمنان خود را پس شما ترسید از کافران و ترسید از من اگر ترسید

شیطان است می ترسانند و دشمنان را پس ترسید از ایشان و ترسید از من اگر ترسید

مؤمنین ۝۴ وَلَا يَخْرُجُكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ أَنَّهُمْ لَن

مؤمن هستند و آنچه بگویند که شما را با کفر می رشتانند در نصرت کفر هر آینه ایشان یقین

مؤمنان و آنچه بگویند که شما را با کفر می رشتانند در نصرت کفر هر آینه ایشان یقین

يَضُرُّوهُ اللَّهُ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزْبًا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ

زیان نرسانند خدا را و آنچه خواهد خدا که نهد ایشان را هیچ بهره در آخرت و ایشان راست

زیان نرسانند خدا را و آنچه خواهد خدا که نهد ایشان را هیچ بهره در آخرت و ایشان راست

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝۵ إِنَّ الَّذِينَ أَشْرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوهُ اللَّهُ

عذاب بزرگ هر آینه آنان که خریدند کفر را عوض ایمان هیچ زیان نرسانند

عذاب بزرگ هر آینه آنان که خریدند کفر را عوض ایمان هیچ زیان نرسانند

نَفْسًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۶ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ اللَّهَ

خدا را و ایشان راست عذاب دردمنده و گمان نکنند کافران که مهلت دادند

خدا را و ایشان راست عذاب دردمنده و گمان نکنند کافران که مهلت دادند

لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ لَّهُمْ لِيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ

ایشان را بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهد ایشان را تا زیاده شوند در گناه بخاری و ایشان راست عذاب

باید ایشان بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهد ایشان تا زیاده شوند در گناه و ایشان راست عذاب

مُهَيِّئٌ ۝۷ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ

خوار کننده هرگز نه گذارد خدا مسلمانان را بر آنچه اعمال شما هستند بر آن تا آنکه جدا کند

خوار کننده نیست خدا که گذارد مسلمانان را بر اعمالی که شما هستید بر آن تا آنکه جدا کند

الْخَبِيثَاتِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ

ناپاک را از پاک و هرگز مطلع نه کند خدا شما را بر غیب و لیکن خدا

ناپاک را از پاک نیست خدا که مطلع گرداند شما را بر غیب و لیکن خدا

يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَّا زُكْرَاءُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ وَإِنْ تُؤْمِنُوا

برمیگزیند از پیغمبران خود هر که خواهد پس ایمان آید بحداد پیغمبران او و اگر ایمان آید و

برمیگزیند از پیغمبران خود هر که خواهد پس یقین کنید بر خدا و پیغمبرانش و اگر یقین کنید و

فتح الرحمن
 ١٨ و ما ينفذون
 ١٩ و ما ينفذون
 ٢٠ و ما ينفذون
 ٢١ و ما ينفذون
 ٢٢ و ما ينفذون
 ٢٣ و ما ينفذون
 ٢٤ و ما ينفذون
 ٢٥ و ما ينفذون
 ٢٦ و ما ينفذون
 ٢٧ و ما ينفذون
 ٢٨ و ما ينفذون
 ٢٩ و ما ينفذون
 ٣٠ و ما ينفذون
 ٣١ و ما ينفذون
 ٣٢ و ما ينفذون
 ٣٣ و ما ينفذون
 ٣٤ و ما ينفذون
 ٣٥ و ما ينفذون
 ٣٦ و ما ينفذون
 ٣٧ و ما ينفذون
 ٣٨ و ما ينفذون
 ٣٩ و ما ينفذون
 ٤٠ و ما ينفذون
 ٤١ و ما ينفذون
 ٤٢ و ما ينفذون
 ٤٣ و ما ينفذون
 ٤٤ و ما ينفذون
 ٤٥ و ما ينفذون
 ٤٦ و ما ينفذون
 ٤٧ و ما ينفذون
 ٤٨ و ما ينفذون
 ٤٩ و ما ينفذون
 ٥٠ و ما ينفذون
 ٥١ و ما ينفذون
 ٥٢ و ما ينفذون
 ٥٣ و ما ينفذون
 ٥٤ و ما ينفذون
 ٥٥ و ما ينفذون
 ٥٦ و ما ينفذون
 ٥٧ و ما ينفذون
 ٥٨ و ما ينفذون
 ٥٩ و ما ينفذون
 ٦٠ و ما ينفذون
 ٦١ و ما ينفذون
 ٦٢ و ما ينفذون
 ٦٣ و ما ينفذون
 ٦٤ و ما ينفذون
 ٦٥ و ما ينفذون
 ٦٦ و ما ينفذون
 ٦٧ و ما ينفذون
 ٦٨ و ما ينفذون
 ٦٩ و ما ينفذون
 ٧٠ و ما ينفذون
 ٧١ و ما ينفذون
 ٧٢ و ما ينفذون
 ٧٣ و ما ينفذون
 ٧٤ و ما ينفذون
 ٧٥ و ما ينفذون
 ٧٦ و ما ينفذون
 ٧٧ و ما ينفذون
 ٧٨ و ما ينفذون
 ٧٩ و ما ينفذون
 ٨٠ و ما ينفذون
 ٨١ و ما ينفذون
 ٨٢ و ما ينفذون
 ٨٣ و ما ينفذون
 ٨٤ و ما ينفذون
 ٨٥ و ما ينفذون
 ٨٦ و ما ينفذون
 ٨٧ و ما ينفذون
 ٨٨ و ما ينفذون
 ٨٩ و ما ينفذون
 ٩٠ و ما ينفذون
 ٩١ و ما ينفذون
 ٩٢ و ما ينفذون
 ٩٣ و ما ينفذون
 ٩٤ و ما ينفذون
 ٩٥ و ما ينفذون
 ٩٦ و ما ينفذون
 ٩٧ و ما ينفذون
 ٩٨ و ما ينفذون
 ٩٩ و ما ينفذون
 ١٠٠ و ما ينفذون

خَيْرٌ ١ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

دانا است هر آینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است و ما

أَغْنِيَاءُ مَسْتَكِبِينَ ٢ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ٣ وَنَقُولُ

تو که می دانی خواهی نوشت آنچه گفتند و بنویسیم لشکر ایشان را بجا حق و بگویم

ذُو قُوَّةٍ أَعَذَّ ابْنُ الْحَقِّيقِ ٤ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيِدِيكُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَكَبِيرٌ

چشمه عذاب سوزنده این عذاب بسبب علی است که پیش فرستاده است دستهای شما و بسیار است

ظَلَامٌ لِلْعَبِيدِ ٥ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَاهَدُ الْبَنَاءَ الْأَوَّلَ ٦

ستم کننده نیست بر بندهگان آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بپوی ما که ایمان بنماییم

لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بَقَرًا يَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

بگو پیغمبر تا آنکه بیارد ما را قرآنی که بخورد و آتش را بخورد و آنرا آتش بخورد و بنده شما را

مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ هُمْ أَنْ كُنْتُمْ

پیش از من مجزه ها و آنرا نیز که شما گفتید پس چرا گفتید ایشان را اگر هستید

صَادِقِينَ ٧ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا

راستگو پس اگر بدو رخ نسبت کردند ترا بدو رخ نسبت کرده شده بودند پیغمبران پیش از تو آوردند

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ٨ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ٩ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

حجت با ما و محیف با ما و کتاب روشن را هر نفسی چشیده مرگی است

وَاللَّامَاتُ الْقَوْنِ ١٠ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ١١ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ

و جزاین نیست که تمام داده میشود و مردای اعمال شما روز قیامت پس هر که دور داشته شد از دوزخ و

أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُودِ ١٢

و آورده شد به بهشت پس هر آینه عمر او رسید و نیست زندگی دنیا مگر متاع غرور عده

لَتَنبَلَّوْنَ فِي أَمَمِهِمْ إِلَهُكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ ١٣ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

البدیه آزمایش کرده خواهند شد شمار اموال شما و جان شما و خواہید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند

الْبُيُوتِ أَمْ مِمَّنْ يَنْتَوِي عَنِ النَّارِ ١٤ وَأَن تَصْبِرُوا

پیش از شما و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید

وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِّنْ عِزِّ الْمُمُورِ ١٥ وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ

و پیر بگزینی تا بید هر آینه این خصلت از کارهای مقصود است و یاد کن چون گرفت خدا عهد

و لا یجوز فی ترجمه
بلغ والی علم
تفسیر عثمانی
عنه یهودی مسائل
و غلط بیان می کردند
و شوق می خوردند از
هم بیشتر از ادوات
و صفات یهودی و کفار
را اینها می کردند
خوش بودند که بغیر
شان کسی نداند
و از مردم توقع داشتند
که آنها را به بزرگی علم
و دانش حق برستی
ستایش کنند و متعجب
هم در زمین غیبیه
آنها بودند ۱۹
موضع خزانگاه
های خود بنیان
شده آرامی ۱۰
نشدند و شهادت
به دند که خود را چگونه
خلاص کردند و زمانی
که حضرت یسوع از
جهاد برمی خیزد
محفوظ و مبارک آمد
نسبت به غیاب
خود از جهاد عذر
های دروغ پیش
نی کردند و می خواستند
از زبان حضرت
پیغمبر تعریف خود را
بگویند این است که
در استعجال میفرماید
این چیز با دین نیاو
آخرت واسطه نباشد
از عذاب الهی شده
نی تواند چنین مردم
ادل و دینا فیهوت
میشوند و اگر در اینجا
بگویم موجب نجات
یا نجات و یا نجات
بهر جهت تیر نجات نمی
باشد تنبیه اگر چه
و این آیت بی پروا
مناقض موضوع
بحث قرار داده شده

الَّذِينَ آوَوْا إِلَى الْكُفْرِ لَيُخَذَّ بِأُذُنِ الثَّغْلَاءِ وَلَا تَتَكَلَّمُونَ لَهُمْ فَتُنَبِّئُوهُمْ

این کتاب که البته بیان کند کتاب را برای مردمان و پوشیده آنرا پس بانداختند آن عهد را
این کتاب را که هر آینه بیان کنند آن را بر مردم و پنهان کنند آنرا پس انداختند آن را

وَأَشْرَوْا بِهِ تَمَتُّعًا قَلِيلًا فَبُخْسًا مَا يَشْتَرُونَ

بخریدند و فروختند و تمتع بهای اندک پس بد چیز است که می ستانند
پس بخت خود و خریدند بدل آن بهای اندک پس چه بد است آنچه می ستانند

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يَحْمَدُوا

پندار کس را که شادمان می شوند یا آنچه کردند و دوست میدارند که ستوده شوند
پندار کس را که شاد میشوند به آنچه کردند و دوست می دارند که ستایش کرده

بِمَا لَهُمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ

نه کرده اند پندار ایشان را از خلاص از عذاب و ایشان راست
شوند به آنچه نکردند پس این را ایشان را در خلاص از عذاب ایشان راست

عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ

عذاب در دو دسته و خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه
عذاب در دو ناک عه و مر خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ اخْتِلَافًا لِّئَلَّا

ایز توانا است هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد
چیز توانا است هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد

النَّهَارِ لَا يَتَذَكَّرُ الْكَافِرُ ۝ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا

و روز نشانه است خداوندان خود را آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده و
و روز نشانه است مر خداوندان خدا را آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده و

فَقَعُوا عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

نشسته و بر پهلوئی خویش خفته و تامل می کنند در آفرینش آسمانها و زمین
نشسته و بر پهلوئی خویش خفته و فکر میکنند در پیدایش آسمانها و زمین

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ۖ سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ رَبَّنَا

ای گویند اے پروردگار ما بیافریده این را باطل و پاکست ترا پس نجات ما را از عذاب آتش را
ای گویند اے پروردگار ما بیافریدی این را عجب پاکست ترا از همه عیبها پس نجات ما را از عذاب دوزخ را

إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

هر آینه تو هر که را در آری بدوزخ به تحقیق رسوا کردی او را و نیست
هر آینه تو هر که را در آری بدوزخ (پس) به تحقیق رسوا کردی او را و نیست ستم کاران را

أَنْصَارٍ ۝ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا

یارای دیننده اے پروردگار ما هر آینه ما شنیدیم ندا کننده را و او بلند می خواند کسبوی ایمان که ایمان آرید
مددگار اے پروردگار ما هر آینه ما شنیدیم ندا کننده را (پس) آواز بلند ندا می کرد بسوی ایمان که ایمان آرید

بِرَبِّكُمْ ۖ فَاٰمَنَّا بِرَبِّنَا فَأَخْفِ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

به پروردگار خود خویش پس ایمان آوردیم اے پروردگار ما پس بپوشان ما از گناهان ما و دور گردان ازنا بدی های ما را
به پروردگار تان (پس) ایمان آوردیم اے پروردگار ما پس بپوشان ما از گناهان ما و دور گردان ازنا بدی های ما را

وَ تَوَقَّعْنَا مَعَكَ الْآبْرَارَ ۖ رَبَّنَا وَ إِنَّا نَمُوتُ وَ عَدُّ ثَنَّا عَلَىٰ رُسُلِكَ

و میمان ما را با نیکوکاران اے پروردگار ما و به ما را آنچه
و میمان ما را با نیکوکاران اے پروردگار ما و به ما را آنچه

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

وَرَسُولُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَذَا كُنْ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

تفسیر عثمانی
عنه چه در پیشگاه
زین رخ کسی در بارگاه
ما ضایع نمی شود هر چه
کنند می بیند این باطل
شرط است زین نیکو
کار بر وفق استعدا
خویش در آخرت نجاتی
قانونی گردد که مردان
را نصیب میشود شما
ای مردان و زنان که
افزود یک نوع این نیست
و از یک آدم پدید آید
و در یک رشته اسلامی
منسلک و در یک
حیات اجتماعی و امور
معاشرتی اینها باید
در امکان و قدرت این
تیر خورشید را مقدر
بدانند و این است
که ام سلمه رضی الله
تعالی عنهما عرض کرد
ای پیغمبر خدا! هیچ یک
در قرآن بحجرت و دیگر
اعمال حسنه ما و زنان
به تقیص مذکور نشد
جواب آن باین آیت
داود شد و این آن
کفار که بهر سو دست
می زنند و پانده می زنند
شروقی اندوزند
و تکی در زند بایند
مسلمانان از آن با
فریب بخورند اینها
هر چه آتی و فغانی
است چه عیش خوش
است کسی را که چند
روز با و غذا باشد
لطیف و مهند پس
از آن او را بداند
یاد زندان را نمی آید
عیش و گوارا کسی
راست که به تحمل
رخ اندک و سبیل
آسایش عالی و
ایدی را تا بین ناید
این بدین سبب

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ السَّيِّئَاتِ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ

ط اور جا بلیست
اولهائے دختران
بیتربا نذرانہ
اعمال ایشان را -

بنکاح خودی آوردند
والفائے حقوق نفاح
یعنی کردند عادی تباری
آیت فرستاد ۱۲
یعنی بر سفید و جبرایله
کرد و اموال ایشان
که تحقیقت هر یک را
آن منتفع اندر هر سبط
یا بواسطه بدست ایشان
داده ضایع نه باید
ساخت و الله اعلم
یعنی در امان صراحت
یعنی بالغ شوند
۱۲ یعنی در سفر
ایشان ۱۲ که یعنی
و می تمیز کرد و اگر
باشد از اموال بنیم
چیز دیگر ۱۲ -

تفسیر عثمانی
۵ از نکاح بایک
زن یا نخواست بربیک
کنیز یا چند کنیز یا
کردن یک کنیز یا
چند کنیز بایک نفاح
از این سخنان توتخ
آن است که شاد از
عدل و انصاف مخوف
تشوید زیر حقوقی
که زن منکره است
کنیزان ملوک را

نیست اگر در میان
آنها عادت نکنند
بر شامو افند یعنی
باشند کنیز را هر نیست
و معاشرت آنها را
کدام حد متعینی باشد
فانده با مردیک چند
نزد دارد بروی اجیب
است که خود را که
و پوشاک و نوبت با
شمار سادات و
برابری نماید که
مسادات می کنند در قیامت

سُورَةُ النِّسَاءِ مَكِّيَّةٌ فِي ثَمَانٍ وَ سِتِّينَ آيَةً وَ اَرْبَعٌ وَ عِشْرُونَ كُورَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَ ابْنَتْ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اللَّهُ الَّذِي فِي

از مردان به ترسید از آن پروردگار خویش که بیافرید شما را از یک کس و آفرید
از مردان ترسید از پروردگار تان که بیافرید شما را از نفس واحد و بیافرید

مِنْهَا زَوْجَهَا وَ ابْنَتْ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اللَّهُ الَّذِي فِي

از آن یک کس زن او را و منتشر ساخت ازین دو کس مردان بسیار و زنان بسیار و ترسید از آن خدا که

نِسَاءً لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۚ وَ اللَّهُ الَّذِي كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۚ وَ اللَّهُ الَّذِي

از یکدیگر بنام او سوال می کنید و ترسید از قطع عیب داری هر آینه خدا است نگاهبان بر شما و بدید بر شما
سوال می کنید از یکدیگر به آن و خبر ده باشید از خویشاوندان (و ترسید از قطع رحم) هر آینه خداست نگاهبان بر شما و بدید بر شما

أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا الْحَبِيثَ بِالطَّبِيبِ ۚ وَ لَا تَمْلِكُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى

اموال ایشان و بدل نه کنید ناپایگز را بپایگز و خورید اموال ایشان بهیچ آورده
مالهای شان را و بدل کنید مال بدرا مال خوب و بخورید مال بای شان را یا

أَمْوَالِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۚ وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسُطُوا فِي الْيَمِينِ

با اموال خویش هر آینه این گناه بزرگ است و اگر در امید که عدل نتوانید کرد در حق دختران و پسران
مال بای خود هر آینه آن هست گناه بزرگ و اگر ترسیدید که عدل نتوانید در حق دختران و پسران

فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبْعَ ۚ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا

پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر در امید که درین صورت
پس نکاح کنید که را که خوش آید شما از زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر ترسیدید که

تَعُدُّوا أَوْ أَحَدًا ۚ أَوْ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُدُّوا ۚ وَ اللَّهُ

عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یک زن را یا دوسه یا یک زن را که مالک است دست بای مان یعنی کنیز را که مال تان است از
عدل کرده نمی توانید پس نکاح کنید یک زن را یا دوسه یا یک زن را که مالک است دست بای مان یعنی کنیز را که مال تان است از

النِّسَاءِ صَدَقْتُمْ فِي حُكْمِكُمْ ۚ فَإِنْ طَبَنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا

زنان را مهر ایشان بخشدنی و اگر زنان در کردند بخشدنی برای شما از بعض
به زنان مهر بای شان را به عظمی پس اگر در کردند بخشدنی به شما از بعضی از مهر خود به عظمی

فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهَا إِذَا تُرِيتُمْ ۚ وَ لَا تَوَلُّوا الشُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ

پس بخورید از آن را سازگار و خوش گذار و مدیدید به خردان را اموال خود که کرده است خدا آنرا
پس بخورید از آن را سازگار و خوش گذار و مدیدید به خردان را مال بای تان را که کرده است خدا شما

لَكُمْ قِيَمًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ كَسُوهُمْ وَ وَقُوا اللَّهَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ وَ

بسبب استقامت معیشت برای شما بخورید و پوشانید ایشان را از آن و بپوشانید ایشان را و بگوئید بای ایشان سخن نیکو و
بسبب قوام معیشت و بخورند ایشان را از آن و بپوشانید ایشان را و بگوئید بای ایشان سخن نیکو و

ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا

آنها را بپوشانید بپوشان را و تا آنگاه که رسند به نکاح و اگر پس از آنکه از ایشان حسن اندید پس بپوشانید
آنها را بپوشانید بپوشان را تا آنکه رسند به نکاح پس اگر در یافتید از ایشان بهوشی یا صلاح و درین حال بپوشانید

الْيَهُمُّ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ

باید آن اموال ایشان را در خوردن آن اموال را با اسراف و دستاویزی از ترس آنکه بزرگ شوند و

مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ

هر که باشد تو غنی پس باید که پرهیزگاری کند و هر که فقیر باشد پس باید که بخورد

بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَنْتُمْ حَرَامٌ

بوجه پسندیده پس چون رسانید ابا ایشان اموال ایشان را خواه گیرید بر ایشان

وَكُفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ٦ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و پس است بحقیقت خدا حساب کننده مردان را حصه است از آنچه بجزارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و خویشان و زنان را نیز حصه است از آنچه بگذارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ٧ وَإِذَا

و خویشان از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده و چون

حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالسَّبِيكُونَ فَأَرْزُقُوهُمْ

حاضر شوند نزدیک همت میراث خویشان و یتیمان و سبک نوایان پس بدید ایشان را

مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ٨ وَلِيخَشِ الَّذِينَ فِي بُيُوتِكُمْ

چیز از آن و بگویند بایشان سخن پسندیده و باید که بترسند از خدا آنانکه از نزدیک خود را

مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُ ضَعُفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

پس خود اولاد ناتوان را خائف باشند بر ایشان که ضعیف شوند پس باید که از خدا بترسند

وَلْيَقُولُوا اقْوَالًا سَدِيدًا ٩ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى

و باید بگویند سخن راست هر آنچه آنانکه می خوردند مال بای یتیمان را

ظُلْمًا إِنَّهَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ١٠

ظلم جزین نیست که می خوردند در شکم خویشان آتش را و زود می در آیند

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي يُلَدُّ ذَكَرًا وَنُثْيًا لِلْأُنثَيْنِ وَأَنَّ لِلرِّجَالِ

حکم می کند خدا در حق اولاد شما که مرد است مانند حصه و زن پس اگر اولاد

نِسَاءً فَوَقَّعَ الْاُنثَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ اِحْدًا فَلَهَا النِّصْفُ

مرد و زنان باشد زیاد از دو پس از آن راست و سوم حصه از آنچه همت از آن است و اگر باشد موله بیسه پس او را است نیم مال

فلا تنفقوا من أموالكم
هر دو حصه دارند از مال
مال که باشند بود یا
بسیار درین رو است
بر این جا بلیت که
زنان را حصه میدهند
۱۲ و لا یفرقوا
غیر و ارث و این
بطریق آفتاب ۱۲
و این آیت که اولاد
و حصه باشند بوجه
و حصه کنند که اولاد
را ضرر رسد این
مقرر است در شرع
سوم حصه مال یا کم
از آن و الله اعلم
و هر مترجم گوید حکم
دو دختر نیز مثلشان
است و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع در انشا می حضور
افراد خانواده برای
تقسیم میراث اگر در میان
آنها خویش انداخته
باشند که آنها میراث
نرسد یا شیم و محتاج
باشند آن با حلالی
داده و رضعت کنند
و یا حسب موقع از تر
که نیز آن با چیزی
بدید این و نقد
مستحب است اگر
در مال متروک و اذن
علا یا چیزی و دیگر
الحججه ایشان در است
۱۱ باشد مثل مال
۱۲ متروک که انشیم باشد
و حصه نیز در آن
و حصتی نکند و باشد
آن با یا سخن معقول
و حصه بدید یعنی
نیمی و از محب و ریت
خود قدر کند که مال
کوک بدیده است
و حصه نیز و حصتی بخوبی
در آغاز مورد گفتند
که خویش و نفاق بر علی تدویر بهم مستحق ملوک و رعایه و یتیمان و سبک نوایان و یتیمان است که قرین و دور و علین آن بیست است بهنگام تقسیم میراث حتی الامکان باید ایشان را

وَالْخُصْنَتِ مِنَ السَّاءِ إِلَّا

و حرام کرده شدند زنان شوهر دار مگر
در قوام کرده شدند بر شما زنان شوهر دار مگر

فَاَمَلَكْتُ اِيْمَانَكُمْ كِتَابَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَاجَلَ لَكُمْ مَا وَرَّاءَ ذٰلِكُمْ اِنْ

تبتغوا بأموالكم فحسبنا غير مسأفين فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ

از زنان بادیه ایشان را مهر ایشان مفقود کرده شده است و نیست بر شما گناه در آنچه آید بیکدیگر راضی
از زنان (پس) بدیدید به ایشان مهرشان را که مفقود کرده شده است و نیست گناهی بر شما در آنچه راضی

شديد بعد مهر مفرد و هر آينه خدا هست و انا استوار کار و هر که
شديد به آن بعد از مهر مفرد هر آينه خدا هست دانا با حکمت و هر که

لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَبِئْسَ

فَاَمْلِكْ اِيْمَانَكُمْ مِّنْ فَتْنَتِكُمُ الدُّوْمِنِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ

بعضی شما از جنس بعضی است و پس کلام کنید که این کلام را بدستوری خداوند ایشان و بدست ایشان است و این کلام را

بالمعروف محضنت غیر مسفحت و اَمْتَحَلَاتِ اَحَدِ اِنْ وَاذًا

اَحْصِنْ فَإِنْ أَتَيْنُ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِمْ نَصْفٌ فَأَعْلَى الْمُحْصَنَاتِ

من العذاب ذلوا ليس خشى العنت منكم وأن تصبروا خير لكم
فقط و نکاح کینه کان کسی راست که ترسد از گناه از شما و آنکه صبر کنید بهتر است شما را
از عذاب این برای کسیست که می ترسد از محنت را از شما و اینکه صبر کنید بهتر است شما را

والله اعلم
و خدا آمزنده مهربان است می خواهد خدا که بیان کند برائے شما و بنیاد شمارا راه های
دخا آمزگار مهربان است می خواهد خدا که بیان کند لیتما و هدایت کند شمارا راه های

کتابیک پیش از شما بودند و بر حجت باز کرد بر شما و خدا دانا استوار کار است
کافی را که پیش از شما بودند و بیخشا بد شمارا و خدا دانا با حکمت است

السلام علیکم ایها الذی دانند مکر ابو حنیفه در آنرا افضل می شمارد بهم چنین فلاح کنیز که از اهل کتاب باشد نزد ابو حنیفه رجحان است ولی نزدیک امام

وَأَنْفَقُوا مِنْ رِزْقِهِمْ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا ۝۱۰ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ

وخرجه می گویند از آنچه خدا داده است ایشان را و هست خدا بایشان دانا و هر آینه خدا ستم کننده

و خرج می کردند از آنچه داده بایشان خدا و هست خدا به ایشان دانا هر آینه خدا ظلم نمیکند

مَثَقَالِ ذَرَّةٍ ۝ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً لِيُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ

وزن ذره و اگر آن عمل نیکی باشد و چندان کندش دید به از نزد یک خود

بوزن ذره و اگر باشد نیکی دو چند میگرداند آنرا و میدهد از نزد خود

أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ

مزد بزرگ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاریم ترا

أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ

مزد بزرگ (پس) چگونه است آنگاه که بیاریم از هر امت گواهی و بیاریم ترا

عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدٌ ۝ يُؤْمِدُ يُؤَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ

گواه بر این امت آنروز آرزو کنند آنرا که کافر شدند و نافرمانی پیغمبر کردند

عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدٌ ۝ يُؤْمِدُ يُؤَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ

بر اینها گواه آن روز آرزو کنند کسی که کافرند و فرمان بپایند

لَوْ كُنُوا يَفْقَهُونَ ۝ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهُ حَدِيثًا بَيِّنًا يَأْتِيهِمُ الَّذِينَ

کاش بر ایشان زمین را بخوار کرده شود و نبوتشند از خدا بیاورند

لَوْ كُنُوا يَفْقَهُونَ ۝ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهُ حَدِيثًا بَيِّنًا يَأْتِيهِمُ الَّذِينَ

کاش برابر شود به ایشان زمین و پوشیده نتوانند از خدا بیاورند

أَمِنُوا إِلَّا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

بنماز نزدیک مشوید حال آنکه شما مست باشید تا آنکه بفهمید آنچه بر زبان می گویند و

أَمِنُوا إِلَّا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

به نماز نزدیک مشوید در حالیکه شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه را می گویند و نزدیک مشوید

لَا جُنْدًا لَكُمْ فِي سَبِيلِ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ

بنماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مریب باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر

لَا جُنْدًا لَكُمْ فِي سَبِيلِ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ

به نماز در حال جنابت مگر آن گاه که روان باشید براه مسافر تا وقتیکه غسل کنید و اگر بیمار باشید یا مسافر

أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِبِ أَوْ لَمْ يَأْتِ الْغَائِبُ فَلَمْ يَجِدْ أَوْ مَاءً

یا بیاید کسی از شما از جای ضرورت یا میبایستت زمان کند و نیامد آب را

أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِبِ أَوْ لَمْ يَأْتِ الْغَائِبُ فَلَمْ يَجِدْ أَوْ مَاءً

یا بیاید یکی از شما از فضایی حاجت یا میبایستت کند بازماند (پس) نیامد آب را

و این یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند و این حکم قبل از تحريم فرمود بنماز است با تکلیف حرام شد و الله اعلم و این مترجم گوید که خدای عزوجل در هر چه بود و تو خداوندی است ایشان آیات در کتاب و این یعنی بر زبان حق حال و تغییر عفتی و در این آیات بیان بعضی از قبایل و وسایس پیوسته است پیوسته است و کفر و گمراهی شان و دیگران را به احترام از آن باطل می نماید چنان که از ان الله لا یحب من کان مختلاً فخوراً و انما یأیها الذین آمنوا لا تقریة الصلوة معایب پیوسته ذکر است در میان بنابر مناسبت مخصوصی ادای نماز در حال مگر و جنابت مانع شده و اینک باز بیا جناب پیوسته است پیوسته است از کتاب یا تقدیر یعنی کلمات را برای خواندن فراموش کنند اما از عمل آن که قصه اصلیت اعراض نمودند و گمراهی را خریدند یعنی احوال اوصاف پیوسته است و این را برای حصول عزت و تفرات پیوسته است رشوت پنهان می دارند و خود را به بخار انگیز میخوانند مسلماً نیز از این بگردند و گاه شوند ای مسلمانان خدا دشمنان شمارا خوب شناسید اما شما را صرف آنها را مروعا بنمید بفرمان خدا العینان کنید و از ان با عذر نماید خدا و اندک بگمراهی متعال برای دفع و نگهبانی شهادت لقص و زحمت کا نیست

وَرَاعِنَا لِيَا أَلْسِنَتَهُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا

در اعنای می بینیم و سخن را از زبان او میشنود و طعن میزند در دین و اگر ایشان گفتند می شنیدیم

وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَالْأَنْظُرُ نَالِكَانِ خَيْرٌ أَلَهُمْ وَأَقْوَمٌ وَلَكِنْ

و فرمان برداری کردیم و بجای اسمع غیر اسمع می گفتند و بجای انظر ناظران می گفتند و در حال طعن و در اسلام و اگر ایشان می گفتند شنیدیم

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ يٰ أَيُّهَا الَّذِينَ

لعنت کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی و لعنت کرد بر ایشان خدا به سبب کفرشان (پس) ایمان نمی آرند مگر اندکی

أَوْتُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلُ إِن

اين كتاب ايمان آوريد يا آنچه فرود آورديم باور كننده آنچه با شماست پيش از آنكه اين كتاب ايمان بياوريد يا آنچه فرود ستاديم در حاليكه تصديق كننده است آنچه را كه با شماست پيش از آنكه

نُطِيسَ وُجُوهًا فَنَرُّهَا عَلَىٰ آذَانٍ أَوْ نُلْعَنُهَا كَمَا لَعَنَّا

مخ كنيم صورت روي بار ايس بگردانيم بر شكل پشت روي يا لعنت كنيم اينان را چنانكه لعنت كرديم مخ كردايم صورت رو بار ايس) ميگردايم روي هاي شان بر پشت يا لعنت كنيم اينان را چنانكه لعنت كرديم

أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝ إِنَّا اللَّهُ لَا يَغْفِرُ

اين شنبه را و هست اراده خدا کرده شده هر آينه خدا لعنتي آمرزد كه اهل دور شنبه را و هست حكم خدا کرده شده هر آينه خدا لعنتي آمرزد كه

يُشْرِكُ بِهِ وَيُغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ

او را شريك مقرر کرده شود و مي آمرزد غير آن هر كرا خواهد و هر كه شريك خدا مقرر كند شريك گرداننده شود به او و مي آمرزد مساوي شريك هر كرا كه بخايد و هر كه شريك كند بخدا

فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزُولُونَ أَنفُسَهُمْ

هر آينه از كار کرده است بگناه بزرگ آيا نديدي بسوي كسي نيك ستايش مي كنند خود را بجهنم افزا کرده گناه بزرگ را آيا نديدي بسوي كسي نيك تر گويد مي كنند نفس هاي خود را

بَلِ اللَّهُ يَمِيزُ بَيْنَ مَن يَشَاءُ وَلَا يَظْلُمُونَ فِتْيَلًا ۝ أَنْظُرْ كَيْفَ

بل خدا ستايش مي كند هر كرا خواهد و قسم كرده بخواند شد مقدار رفته به بين چگونه بل خدا پاكي مي گرداند كسي را كه خواهد و قسم مي شود بقدر رفته كه در بيان داده خواست به بين چگونه

يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

مي بنند بر خدا دروغ گفتن استكار ايس است و آيا نديدي بسوي افزاي كنند بر خدا دروغ را و كافيست اين گناه صريح آيا نديدي بسوي

الَّذِينَ أَوْتُوا أَنْصِبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

كسانيكه بهره از كتاب داده شدند معتقد مي شوند بت را و معبود باطل را و كسانيكه داده شده بايشان حصه از كتاب ايمان مي آرند بربت با و شيطان و

يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝

مي گويند در حق مشركان كه اينان راه يابنده تر اند از مسلمانان و مي گويند به كافران كه اين مردم راه يابنده تر اند از مسلمانان (در طريق)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنَ يَجْعَلَ لَهُ نَصِيرًا ۝

اينان آن گروه اند كه لعنت كرد ايشان را خدا و هر كه خدا لعنت كند مش پس نخواهي يافت مراد را ياري دينده آن گروه كسي مي باشد كه لعنت کرده بر ايشان خدا و كسي را كه لعنت كند خدا پس هرگز نمي يابي او را مددگار

آوردند مگر آنكه انچه را كه از اين خست شرارت خود داري كرده اند از لعنت خدا محفوظ مانده تا نهد عبد الله بن سلام و بر اهلان بفرماني الله عنهم ۱۳

من مترجم توحيد
پيچيدن سخن آنست
كه سبب با چنان كلام
خلط كنند كه كسي نشناخت
و اسمع غير اسمع دو معني
دارد يك آنكه بشنود
حاليكه معنم و مجسمي
و كسي با توجه و تفكر
تو توان گفت ديگر آنكه
بشنود در حاليكه محققي
و كسي با توجه نمي گويد
و اعنا نیز دو معني دارد
يك آنكه رعيت كن
بار ابراهيم رعونت
دارند و عرض ايشان
سبب بود و كمال معني بود
مي گفتند و الله اعلم ۱۳
و لعنتي مي گويد كه نمي
اسرائيل برگزيده گان
خدايند و ايشان را
عذاب نخواهد شد بجز
روز ۱۳ در دين آيت
تقريري است بآن كه
يهود روز احترام
مدگار مشركان شدند
تفسير عثمان
عنه خدا سخن خودم
يهود را در وضع خود
بطور است و بدليت
مي فرمايد اگر يهود بجاي
عصيان اطاعت آورند
خود من و اسمع و اسمع
هم بدل را عاين الفاظ
مي گفتند حال آنها
بهتر سخن راست و
درست بود و بجهنم
نمي مانند آن ها به جنت
باطن و شرارت خویش
از كلمات مذکور معني بد
آنها را داده مي گرداند
چون خدا را آنگاه را
اشرارشان از رحمت
و بدليت خویش دور كند
به سخنان مفيد و راست
نمیدانند و ايمان نمي

دل نفیروی است که
بر پشت خسته خراب باشد
فلان دین بایست
است بقدر عثمان
که مفتوح کعبه از دست
و سرگرفته و مردمان
آزاد از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم طلب
کردند آنحضرت قبول
نموده بختان برود نمود
تفسیر عثمان
عبدیه و خیال خود
پیغمبری و سیادت نبوی
را امیرات خویش
میدادند و متنبها
خود را سراداران می
دانستند انما عیونهم
عرب را عاری
نمودند و
گفتند اگر چند
پادشاهی دیگران
باشد با آنند آخر
از آن است این
آیت و ران باره فد
آن مطلب آیت این
است که بگوید از
سلطنت بهره و دگر
ندارد اگر بیود و حکمران
گردد به اندازه خرد
و یا نطق که چکی که بر
پشت خسته خراب باشد
چیزی نمیدهند یعنی چنان
نمیشوند که در سلطنت
خویش نیز کوچک ترین
چیزی را به بیوای نمی
دهند و خدا همیشه
خانواده ابراهیم را
بزرگی داده و اکنون
نیز این بزرگی در
خانواده نیست بلکه
بدون دلیل و خاص
از وی عهد او را
نمیبرد آتش سوزان
دور بر سوختن آن
وی کا قدرت مسا
در آیت گذشته ذکر
مومن و کافر بود اینک

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمَالِ فَإِذْ يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمْ

آیا ایشان را نصیبی است از مال پادشاهی پس آن هنگام که می دهند بمردمان مقدار نقره و فلان
آیا ایشان را نصیب حصه از پادشاهی پس آن هنگام که می دهند بمردم مقدار لفظ که بر خسته خراب است و بلکه
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آنچه ما دادیم کسان
حسد می کنند بر مردم بر آنچه داده ایشان را خدا از فضلش به تحقیق داده ایم به آن

أَبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَنْ

ابراہیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد
ابراہیم کتاب و علم و دادیم بایشان سلطنت بزرگ (پس) بعضی از آنها جفا شد که ایمان آورده اند

بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّاعُنْهُ ۝ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

بآن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از خود بر آید کسی
بآن و از آن کسی می باشد که باز ایستاد از وی و کافی است دوزخ آتش از خود بر آید هر کس که
کفر و ابا یکتا سوف نصلیهم ناراً ۝ کَلِمَاتٍ نَّجْوَاهُمْ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا

کافرانند بآیات ما در آرم ایشان را با آتش برگاه که بخورند پوستهای ایشان بوجوه پیدا کنند برای ایشان
کافرانند به آیت های ما زود در آرم ایشان را در آتش برگاه بسوزد و بخورند پوست های شان تبدیل کینه ایشان

جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝

پوستهای دیگر بخور آن تا بخورند عذاب را هر آینه خدا هست غالب است بر کار
پوستهای غیر پوستهای اول تا بخورند عذاب را هر آینه خدا هست غالب با حکمت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند زود در آرم ایشان را ایوستستانها که می رود
و کسانی که ایمان آورده اند و کرده اند کارهای شایسته زود در آرم ایشان را در بارگاه های که روان است از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ لَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

زیر آن جوینها عایدان آنجا همیشه ایشان را است آنجا زنان پاک کرده شده و
زیر آن جوینها جاوید اند در آن همیشه مر ایشان را است در آن زنهای پاکیزه

لَهُمْ فِيهَا ظِلٌّ ۝ إِنَّا نُرِيهِمْ رِجَالًا كَافَّةً ۝ وَإِذَا رَأَوْا

در آرم ایشان را سایه یک نوعی راحت تمام بر آینه خدا میسراید شمارا که ادا کنند امانت با بسوی
کی و در آرم آنها را در سایه یا بنده که کتاب در آن مجیده شود اند بر آینه خدا امر میکنند شمارا که ادا کنند امانت باره

أَهْلَهَا ۝ وَإِذَا حُكِمْتُمْ بِهِنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِإِلْعَادِلٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ

اینها آن وی فراید که حکم بر استی کنند چون حاکم موعود میان مردمان بر آینه خدا
اینها آن و منها یک حکم می کنند میان مردم که حکم کنند به عدالت بر آینه خدا

نِعْمًا يُعْظِمُ بِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

نیکی چیز نیست که بآن پند میدهند شمارا بر آینه خدا هست شنوایان و ای مومنان
نیکی چیز نیست که بآن پند میدهند شمارا بآن بر آینه خدا هست شنوایان ای مومنان

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۝ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ

فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید شما میرا و فرمان برداری از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید
فرمان برداری خدا را و فرمان برداری از طاعت کنید خداوندان حکم را پس اگر اختلاف کنید
فی شئی فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ۝ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

در چیزی را پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلافی دارید بخدا
در چیزی را (شما و امرایا) پس باز گردانید آنرا بسوی خدا و پیغمبر اگر ایمان دارید بخدا

فتح الرحمن
ع ۸
صل مردم
ضیعت الاسلام

در خلاف هواست
نفس حکم شرع را نمی
نشدند و گاهی بکشتن

در میان کفر و جوع
می کردند و چون آخرت
ایشان را بر این معنی تعزیه

بانهید فرموده
سوگند خوردند که
که مخالف آن حضرت

مقصود ما نیست
خدا تعالی در شب
آیات فرستاده ۱۲

و یعنی در میان
حضور ۱۲ تن یعنی
از قتل ایشان ۱۲

و این واجب بود که
تفسیر شتاق
ع هر چه بود به انجام

یافت منافقان در
آن زمان چه خواهند
کرد و اینکه بفرموده

شان عذاب فرود آید
یعنی در تقییم فصل
حضور از حضرت

پیغمبر خود داری کرده
و دیگران را از آن باز
می دارند منگامیک

عذاب آن آگاه گردد
این منافقان چه کرد
می توانستند این که

بمخوف و بترسیدند
خود که با محضو حضرت
عمران جهت رفیق

کوی در میان آشتی
آگاهند و نه از آن شد
پیغمبر اعراض می کردیم

و هرگز خود داری نمی
نمودیم عده در این آیت
که می حضرت با رحمتی

تسلی و مودت مسالحت
منافقان را انگیز
فرموده می گوید منافقان

هر چه می گویند بگویند
خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

خدا نازل آنرا را

وَالْيَوْمَ الْآخِرُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

در روز آخرین بهتر است و نیکوتر با عباد عاقبت و آیانیدی بسوی سائیکه

در روز رستاخیز این بهتر و نیکوتر است انجام آن آیانیدی می گمانی را که

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

کمان می کنند که ایمان آورده اند با آنچه بسوی شما نازل کرده شده است و با آنچه پیش از تو نازل کرده شد می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

بِزَعْمِهِمْ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَتَزَلُ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که تصفا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که نامحقره و غیورند می خواهند

فتح الرحمن

ط مترجم گوید مردم

ضعیف الاسلام در

اول اسلام که جهاد

فرض شده بود دعوت

اسلام قبول نمودند

چون جهاد فرض شد

از آن لغت افتاد کردند

از بعضی کلمات متناقض

سر بری زود بعضی یا

مخالفتین بهتران شد

خلاف مرضی آنحضرت

را می میزدند خداست

درین باب آیات و فتا

تفسیر عثمانی

ع ازین جا ذکر جهاد

آغاز می شود در آیت

گذشته ذکر کرده بود که

هر که خدا پیروی

را اطاعت کند

بر یافت انبیا

و صدیقین و شهدا

و صالحین نایل می

گردد در احکام خدا

چون جهاد شوارتر

است مخصوصا بر

مناقض که دشمنه

می شوند از این جهت

حکم جهاد داده شد

تا هر که یافت انبیا

و صدیقین و شهدا

و صالحین را توقع

نکند منقول است که

در آغاز اسلام چنین

افراد ضعیف الاسلام

دعوت اسلام باید

بودند جنگی که جهاد

فرض گردید بعضی

مترزل شدند و

برخی با کافران هز

گردیدند و به مخالفت

پیغمبر برخاستند این

آیت در این باره ن

آند مطلب این

است ای مسلمانان

کیفیت مناقضان از

اول بشما معلوم شده

خیر متاد این است که

أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ فَأَفْعَلُوا إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا

یا بیرون تنوید از خانه های خویش نمی کردند این را مگر اندک از ایشان و اگر آن با

یو عظمون به لکان خیر لهم و أشد تثبيتا و إذا لا تينهم

بان پسند داده میشود هر آینه بهتر بود که ایشان را و حکم تر در استواری دین و انگاه البتة می دادیم ایشان را

من لدنا أجر أعظما و لهديتهم صراطا مستقيما و من

از نزد خویش مزد بزرگ و دلالت می کردیم ایشان را بر راه راست و هر که فرمان برد

از نزد خویش مزد بزرگ و هر آینه می نمودیم ایشان را راه راست و هر که اطاعت کند

يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين

خدا و رسول را پس این جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

و الصالحين و الشهداء و الصالحين و حسن أولئك رفيقا

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفق اند ایشان

و صدیقان و شهیدان و نیکو کاران و بهتر است رفقاء آن با

ذلك الفضل من الله و كفى بالله عيما يا أيها الذين آمنوا

این بخشایش از خداست و بسست خدادادان ای مسلمانان

این فضل است از جانب خدا و کافی است خدادادان ای مومنان

خذوا حذر زكم فانفروا ثبات أو انفروا جميعا و إن منكم من

بگیرید سلاح خود را پس بیرون روید گروه گروه یا بیرون روید همه جمع آمده و هر آینه بعضی از شما آنست که

بگیرید سلاح خود را پس برانید گروه گروه یا برانید همه یک جا و هر آینه بعضی از شما آنست که

ليقتلن فإن أصابتكم مصيبة قال قد أنعم الله علي إذ لم أن

که درنگ می کند پس اگر برسد به شما مصیبت بگوید انعام کرد خدا بر من بخون نمودم

درنگ می کند پس اگر رسیده شما مصیبت می گوید به تحقیق انعام کرد خدا بر من آنگاه که نبودم

معه شهيدا و لئن أصابكم فضل من الله ليقولن كان

حاضر با ایشان و اگر برسد بشما نعمتی از خدا بگوید گویا

بالشان حاضر و اگر برسد بشما فضلی از جانب خدا بر من می گویند گویا

لم يكن بينكم وبينه مودة يليلتني كنت معهم فأوثر فوزا عظيما

هرگز نبود میان شما و میان من دوستی کاش بودی با ایشان پس با منی مطلب بزرگ را

بود میان شما و میان او محبتی ای کاش بودی با ایشان پس با منی مطلب بزرگ را

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرؤون الحياة الدنيا بالآخرة و

پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیا را به آخرت و

پس باید بجنگند در راه خدا کسانی که می فروشند زندگانی دنیا را به آخرت و

من يقاتل في سبيل الله فيقتل أو يغلب فسوف نؤتيه أجرا

هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید بدییش مزد

هر که بجنگد در راه خدا پس کشته شود یا فیروز گردد پس زود بدییش مزد

عظيما و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برائے بیچارگان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

مَنْ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ

مردان و زنان و کودکان طاعت آنان می گویند ای پروردگار ما بیرون آر ما را از

هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمُ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۚ وَ

این دیه که ستمگرانند اهل آن و مقرر کن برای ما از نزد یک خود کارساز و

اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۚ الَّذِينَ آمَنُوا يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

مقرر کن برای ما از نزد یک خود یاری دهنده مومنان کارزار می کنند در راه

لِلَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى

بادوستان شیطان هر آینه کید شیطان سست است آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا

کس نیک گفته شد ایشان را بازدارید دست خود را و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را پس چون

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ

نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گردید از ایشان می ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا

وَأَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا

باز داده ترسیدن و گفتند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار چنانچه ننگد استی ما را

إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ ۚ كُلُّ مَتَاعٍ دُنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى

تاوست نزد یک بگوهر مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرستش گاری کند

وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشتی هر جا که باشید در باید شمار امرگ و اگر چه باشید

فِي بَرٍّ أَوْ يَبْرٍ مُشِيدَةٍ ۚ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ

در محل یا بی محکم و بلند و اگر برسد ایشان را بخوبی می گویند این از

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ

نزدیک خداست و اگر برسد ایشان شدت می گویند یا محمد این از نزدیک است

قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ قَسَالٌ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ

بگویم از نزدیک خداست پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند

بجانب خداست پس چه حال است این مردم را نزدیک نیستند

و لا یعنی گرفتارند

بدست کفار ۱۲ و لا

یعنی جنگ کنید ۱۳

و لا یعنی پس قبول

کردند ۱۴

تفسیر عثمانی

ع قبل از هجرت

که مسلمانان سخت

بر همت بودند کافران

ستم های و ناگوای بر

ایشان می کردند چون

بعضی میفرمودند

شدند شکایت می

کردند و اهل

می خواستند که

با کفار مقاتله کنند

ان مقام کشند حضرت

پیغمبر ایشان را منع

می کرد و می گفت بنویس

با حکم قتال نیامده

بلکه حکم است که صبر

کنید و حمله نمانید

بخوانند زکوة بدهید

و مطابق حکم بشمار

فرو داده رختار نماید

زیر پا و امیکه آن

لغات خدا و جهاد

نفس و رنج و

جسانی و صرف مال

خونکند جهاد نمودن

و از حیات و رگه شوق

بوی دشمن است مسلمانان

این اندر رسد و منند

را پذیرفته بودند

ع بعد از هجرت

چون حکم جهاد فرو آمد

باید مسلمانان شاد

می شدند که داعیه شاد

بغرف اجابت مقبول

شده بود و بر مطلب

خویش فایز بودند

ال بعضی مسلمانان

ضعیف چنان از

جهاد می ترسیدند که

کسی از عذاب الهی

فتح الرحمن

فل يظن ان كل حق است که خیر از جانب خدا است و شراز جانب بزرگوار مقصود این مردمان کلمه درست نیست و آن آنست که جهاد با جمع قبایل عرب معقول نیست پس این فتح باشد یعنی غیر از این است و اگر نه محتمل باشد موافق حال این تدبیر است و چون جهاد با امر آبی است همه خیر است عقل را در اتحاد غل دادن میج بنات و الله اعلم و کلامی بر تو رحمت دادست و پس اگر رفاقت نکند بر تو موافقه نیست و کلام تفسیر عثمانی عه خدای فرایده اے محمد در پاسخ آنجا که بخیر خواهی جانب خداست که کلام حق تعالی موجود است و کلام حضرت اوست و کلام را در آن و علم نیست و تدبیر غیر از این است و سوی خدا و الهام است الزام شما بر پیغمبر ندارد و مستطیع تصور دانش نیست این با همه حکمت الهی می باشد که شمار است و می گرداند و با شما می آید و کلام این جواب اجمالی بود در آیت آئینه الزام منافقان به تفصیل ذکر می شود و هر چه از این است که اگر چه موجود نیکی با و بدی با حضرت خداست اما نباید حسان را نفع و احسان خدا شناسد و بدی در حق از خاست اعمال خویش دانند و بر پیغمبر الزامی دارد و نکند پیغمبر از سبب کار با نیست جمعی بخیر است و سبب آن

يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ٥ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ

كُرْهٍ مِمَّا نَفَعْتُمْ مِنْ شَرِّهِ فَمِنْ أَيْدِي اللَّهِ وَمِمَّا نَصَبْتُمْ

مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكُمْ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ

شَهِيدًا ٦ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأْ

رَسُولَهُ عَلَيْهِمْ هُمُ الَّذِينَ يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ ٧ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٨ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٩ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٠ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١١ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٢ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٣ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٤ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٥ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٦ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٧ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٨ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ١٩ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٠ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢١ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٢ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٣ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٤ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٥ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٦ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٧ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٨ وَالَّذِينَ

يَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ يَكُونُوا أَجْزَاءً مِمَّا يُدْرِكُونَ ٢٩ وَالَّذِينَ

وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كُفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى

وهر که شفاعت کند شفاعتی بد باشد او را حصه از عذاب آن و هست خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ ۝ وَاِذَا حُجِّبْتُمْ بِهِ نَظَرْتُمْ وَاِذَا كُفِّرْتُمْ بِهِ نَظَرْتُمْ

همه چیز توانا است و چون حجب کرده شود بسلامتی پس نظار کنید بطلان بهتر از آن یا

رَدُّهَا طَرِيقَ اللَّهِ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بهران مگر جواب دهد هر آینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده خدا نیست هیچ معبود اگر

لِيَجْمَعَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

البته بهم آورد شمار ابر روز قیامت هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا

حَدِيثًا ۝ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا

در سخن است پس چیست ای مسلمان شمارا در باب خلق کنندگان دو گروه شدیدی و خدا بگفت اسراحت ایشان را به

كُتِبُوا أَنْ يَزِيدُوا أَنْ تَهْدُوا وَمَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلَّ اللَّهُ

آنچه کردند آیاتی خواهم که رانند یعنی از جمله راه یابان شدیدی که راه که گمراه ساخت او را خدا و هر گمراه کند خدا

فَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ سَبِيلًا ۝ وَذُو الْوَكْفُرِ وَنَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ

نیایی بر آن و او بگفت راست این خلق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس بر این

سَوَاءٌ فَلَا تَخْشَوْهُمْ أَوْلِيَاءُ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ

باشید پس دوست گیرید و محاسن را از ایشان تا آنکه بگریختند در راه خدا و پس اگر

تَوَلَّوْا فَنَحْنُ لَهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ

اخراج کردند یعنی از اسلام و بگریختند پس امیر گیرید ایشان را و بکشید هر جا که یابید ایشان را و دوست دیار

وَلِيًّا وَلَا تَصِيْرُوا إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

و دوست و نه مددگار مگر آنکه بیوسمت شوند بسوی کسی که میان شما و ایشان

مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَفْقَدُوا

عهد است یا میانند نزد یک شما حال آنکه شک شده است از آنکه بگریزند یا شما یا بگریزند یا شما یا بگریزند یا شما

وَقَوْمٌ كَقَوْمِ قَارِئٍ ۝ فَانْصِرْ إِلَى قَوْمِكَ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنَ الدِّينِ

و قومی چون قاری و انصراف کن به قوامی تا خارج شوند از دین

وَقَوْمٌ كَقَوْمِ قَارِئٍ ۝ فَانْصِرْ إِلَى قَوْمِكَ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنَ الدِّينِ

و قومی چون قاری و انصراف کن به قوامی تا خارج شوند از دین

وَقَوْمٌ كَقَوْمِ قَارِئٍ ۝ فَانْصِرْ إِلَى قَوْمِكَ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنَ الدِّينِ

و قومی چون قاری و انصراف کن به قوامی تا خارج شوند از دین

وَقَوْمٌ كَقَوْمِ قَارِئٍ ۝ فَانْصِرْ إِلَى قَوْمِكَ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنَ الدِّينِ

و قومی چون قاری و انصراف کن به قوامی تا خارج شوند از دین

صل یعنی مثل سپارش
گمراهی تو گمراه را
بدینند یک است و سپارش
سارق تا دوست او
برند و دست نیست
صل مترجم گوید خدا
ایمانی فرماید که
صل کفر اعتماد
صل نباید کرد
صل یعنی بعضی بعض
از نیت است بعض
نشد و می بایست
که همه بافتن و نیت
ای نمی شنود و تمام
صل یعنی مسلمان
ال شوند و بگریخت
م کنند و در هر
گوید که ایمان
آورد و بگریخت
حکم او بطریق اولی
نمی شود و از آن
تفسیر شما
ع خدا بر هر چیز
تواناست و نصیب
هر چیز را بوی می رسد
پادشاهی و بدی
محضت او دشوار
نیست ع در مقام
این طایفه نیز مانند
که بظن ایمان نیارند
یوسف که در ظاهر و
باطن به کفر استوار
بودند اما با حضرت
پیغمبر و مسلمانان
بظاهر دوستی میکردند
باین واسطه که اسیر
اسلام بر قلبه نشان
بجسم آن محفوظ ماندند
نهنگامیک مسلمانان
داشتند گرفت و
آمدن باین غرض
بوده از دل مخفی بودند
بعضی گفتند یا بدین
اخرور از آنکه بگویم
از آنکه بگویم بعضی
تفنگند او را و بگویم
...

فتح الرحمن

فل یعنی اگر اسلام
آرند و هجرت کنند
ایشان را دوست
باید گرفت و اگر اسلام
نند نمی باید کشت
مگر آنکه محارب باشند
و ثابتاً نمانند و بر عهد و
صلحی محارب نمانند
راه نتوان ایستاد
و الله اعلم
صلح می کنند و باز
نقض عهد می
نمایند و الله
اعلم
گوید خدای تعالی
احکام قتل خطایان
می فرماید آنکه کف
از کسی که اسلام
ننهد واجب
است و قتل مجاهدان
و وجوب هجرت از
دار کفر برای اسلام
کیفیت نماز مغفرو
نماز خوف و یمن می
کنند الله اعلم
یعنی مقتول مسلمان
اگر زانسان را اوجب
باشد ویت لازم نیست
و الله اعلم
و ادومین باشد و
جهود مفسرین لغوی
و ان کان من قوم
بینکم و بینهم میثاق
در مقتول کافر کردند
بلا حمله آنکه توارش
در میان مومن و کافر
منقطع است و سبیل
دیت سبیل میراث
است و بنده ضعیف
می گوید تمسید سبیل
با کان لمومن ان
یقض مؤمن الاخطاء
تقید و هموم در
نقد باغی نه ظلم
است در آنکه ایضا
قید ایمان معتزلست
و لازم دیت و هجرت و قایم دست نه بر سبیل میراث و نقد شرعاً جواب هرست در مسلم مؤمن از قوم متعبدین در سوره متعبد الله تعالی تفسیر عثمانی عه نزو مجبور علماء خود را

عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۝ سَجِدُوا لِلْأَخْرَيْنِ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوا كُفْرًا
بر ایشان راهی دل خواهم یافت قوی را که می خواهند این شوند از شما و این شوند
بر ایشان راهی زود می یابید قوم دیگر را که می خواهند این باشند از شما و این شوند
قَوْمَهُمْ كُفْرًا ۝ وَالْأَلَى الْفِتْنَةِ أَسْرُسُوا فِيهَا ۝ فَإِنْ لَمْ يَعْزُوا لَكُمْ ۝ وَ
از قوم خود هرگاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی بخواند اخته شوند در آن و پس اگر کسی نشوند از جنگ شاد
از قوم خود هر وقتی که باز گردانیده شوند جانب فتنه بخواند فتنه بخواند در آن (پس اگر کسی نشوند از جنگ شاد و
يَقْتُلُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا إِلَيْكُمْ ۝ وَفَحُلْ وَهُمْ ۝ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
نیغلتند بسوی شما بی تمام صلح را و باز ندارند دست های خود را (پس) بگریزید ایشان را و قتل نمایند ایشان را هر جا که
انقض کنند شما صلح را و باز ندارند دست های خود را (پس) بگریزید ایشان را و بکشید هر جا که
ثَقِفْتُمُوهُمْ ۝ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ وَمَا
یابید ایشان را و این جماعت داده ایم شمارا بر ایشان حجت ظاهر
بیا بید ایشان را و آن گروه داده ایم شمارا بر ایشان حجت آشکارا
كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا آخِطًا ۝ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا
سزد مسلمان را که بکشد مسلمان را لیکن قتل واقع می شود بخطای یعنی بفرقه و هر که بکشد مسلمان را بخطا
سزد مسلمان را که بکشد مسلمان را مگر بدون قصد و هر که بکشد مسلمان را بدون قصد
فَكَفَىٰ ذُرِّيَّةً مَوْمِنَةً ۝ وَذِيَّةً مُّسْلِمَةً إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا
پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون بهای رسانیده شده به کسان مقتول مگر آنکه ابرایمانند
پس لازم است آزاد کردن گردن یک مومن خون بهای رسانیده شده به ورثه او مگر ابرایمانند
فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرٌ سَرَقَبَةً مَوْمِنَةً ۝
پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمانست پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان
پس اگر مقتول باشد از قومیکه نه دشمن شماست حال آنکه مومن بهم باشد پس لازم است آزاد کردن گردن یک مسلمان
وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَذِيَّةً مُّسْلِمَةً إِلَىٰ
و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است پس لازم است خون بهای رسانیده شده
و اگر باشد از قومی که میان شما و میان شان عهد است پس لازم است خون بهای رسانیده شده
أَهْلِهِ وَتَحْرِيرٌ سَرَقَبَةً مَوْمِنَةً ۝ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَوْصِيَامًا فَتَحْرِيرٌ مِّتَابَعِينَ
بکسان او و آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نیابد برده را پس لازم است روزه دهتن دو ماه به هر که بکشد
به ورثه آن و آزاد کردن گردن یک مسلمان پس هر که نیابد آن را پس لازم است بر روی روزه دو ماه متوالی
تُوبَةً مِّنَ اللَّهِ ۝ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا
بجهت قبول توبه است از جانب خدا و همت خدا امانا است و کار دل و هر که بکشد مسلمان را
برای قبول توبه از جانب خدا و همت خدا امانا با حکمت و هر که بکشد مسلمان را
مَتَعِدًا فَجْزًا ۝ وَكَجَهْتُمْ خَالِدًا فِيهَا ۝ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ
بقصد پس جزای او و دوزخ است جاوید اینجا و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرد او را
بقصد (پس) جزای وی دوزخ است جاوید باشد در آن و خشم گرفته خدا بر او و لعنت کرده بر او
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ
و آماده ساخت برائے او عذاب بزرگ ای مسلمانان چون سفر کنید در
و آماده کرده باو عذاب بزرگ عا ای مومنان هنگامی که سفر کنید در
اللَّهُ فَتَبَيَّنُوا ۝ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا
خدا یعنی برای جهاد پس نیک نطق کنید و گویند کسی را که بسوی شما سلام انداخته است نیستی مسلمان
خدا برای جهاد محقق کنید و گویند کسی را که انگشت بسوی شما سلام که نیستی مسلمان

و لازم دیت و هجرت و قایم دست نه بر سبیل میراث و نقد شرعاً جواب هرست در مسلم مؤمن از قوم متعبدین در سوره متعبد الله تعالی تفسیر عثمانی عه نزو مجبور علماء خود را

ول تانده قیامی و اولی
 الضوا است که در اولی
 الضوا این حکم مطرو
 نیست بلکه جمعی باشند
 از اولی الضوا که نیست
 میگرداند نذرت و اب
 عل کاس یا بنده الله
 اعلم و اول یعنی بزرگ
 بجمرت از اولی الحوب
 بدو اسام و بجمرت
 سر و کفاره و اولی اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه خدا غفور و رحیم
 است و عدای ابر
 و مغفرت و رحمتیکه
 بدو مجاهدان فرموده
 همدر آنکس می کند
 یا آنکه اگر مجاهدی بنا
 داشته که مسلمان
 را می کشد خدا وی
 را می بخشد و توبه
 آن از جهاد باز نماند
 عه بعضی در اول
 خویش مسلمانند
 اما چون در حکومت
 کفار مغلوب
 ایشانند و از بیم
 اعمال اسلامی اظهار
 بجهاد اقدام نمی نمایند
 بر آنها فرض است
 که بجهت نمایند در این
 رکوع ذکر آنهاست
 خلاصه اینها بخود
 می کنند که با کافران
 آمیخته اند بجمرت
 نمی نمایند جنگا همگ
 و مستکان از ایشان
 می پرسند که شما هر چه
 و بنیده گویند مسلمان
 بودیم اما بنابر توانایی
 نتوانستیم اعمال دین
 را بجا آوریم و مستکان
 گویند زمین الهی نذر
 بودی توانید از اینجا
 بجهت کنید پس جای
 چنین اشخاص چنین
 است

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ مِمَّا كُنْتُمْ لَا

می طلبید متاع دنیا پس نزد یک خدا غنیمت های بسیار است هم چنین
 می طلبید متاع زندگانی و متاع (پس) نزد خدا غنیمت های بسیار است هم چنین

كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنْ اللَّهَ كَانَ بِمَا

بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما پس تحقیق کنید هر آینه خدا هست
 بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما (پس) تحقیق کنید هر آینه خدا هست

تَعْمَلُونَ خَيْرًا ۖ لَاسْتَوَى الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ

بآنچه می کنید آگاه برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان
 به آنچه می کنید آگاه برابر نیستند نشینندگان از مسلمانان غیر

أُولَى الصَّرِيعَةِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

و جهاد کنندگان در راه خدا به مال خویش و جان خویش
 معذور و جهاد کنندگان در راه خدا به مال خویش و جان خویش

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

نفع داده است خدا مجاهدان را به اموالشان و نفس های شان بر نشینندگان در مرتبه
 افزوده داده خدا مجاهدان را به اموالشان و نفس های شان بر نشینندگان در مرتبه

وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَةَ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

و هر یک را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان
 و هر یک را وعده داده و خوبتر و دینت و افزونی داده است خدا مجاهدان را بر نشینندگان

أَجْرًا عَظِيمًا ۖ دَرَجَتٌ مِنْهُ وَمَغْفِرَةٌ وَرَحْمَةٌ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

مزد بزرگ و افزون داده است مرتبه یا از جانب خویش و آمرزش و بخشایش و هست خدا آمرزنده
 مزد بزرگ مرتبه بلند از جانب خود و آمرزش و مهربانی و هست خدا آمرزنده

رَحْمَةً إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ

مهربان می گردانید آنانکه درشت گران بعضی را در حقشان کردند و ظالم بودند بر خویشان و دشمنان ایشان گفتند در جهل
 مهربان می گردانید آنانکه بعضی را در حقشان را درشت گران در عالم ستم کردند بر خویشان گویند در چه حال

كُنْتُمْ قَالُوا أَكُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ

بودید مستضعف بودیم بیکدیگر و زمین گفتند
 بودید گویند بودیم نا توان در زمین گویند آیا نبود زمین

اللَّهُ وَاسِعَةٌ فَهَاجِرُوا فِيهَا قَالُوا لَكَ مَاؤُهُمْ هَتَمٌ وَسَاءَتْ

زمین خدا تا بجمرت می گردید در آن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است داد بد
 خدا اراض که می طلبید از وطن خود در آن (پس) آن کرده جای شان دوزخ است و بد

مَصِيرًا ۚ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا

جای نیست مگر آنانکه محضیت بیکدیگر اند از مردان و زنان و کودکان
 مریخ است دوزخ مگر نا توانان از مردان و زنان و کودکان که

يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۚ قَالُوا لَكَ عَسَى اللَّهُ

می توانند تدبیری و نمی یابند راه پس آن جماعت امید است که خدا
 عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که ترک و من بزند در راه

أَنْ يَغْفِرَ عَنْهُمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا ۚ وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که بگذارد و وطن خود را در راه
 عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که بگذارد و وطن خود را در راه

طایفه ای در راه قبل
وصول بقصد ۱۲
مترجم گوید مشهور
آنست که این آیت
در صلوة مسافران
شده است و خوف
تبدل اتفاق است
و آنچه نزدیک
این بنده
رجحان یافته ۱۱
است آنست که این
آیت در صلوة خوف
نازل شده است و
مسافر قبل از تقویت
و مراد از تقویت
رکوع و سجود است که
بایمانی ادای توان
کرد و در رکعت رکعت
و الله اعلم ۱۲
یعنی وقت خوف ۱۲
و یعنی مقابل عدا
و خوف خود و ز
و سیرم گویند ۱۳
مترجم گوید این را
سوره تهاست یک
آنکه نام ده بار نماز
گزارد یکبار با جماعت
و دیگر به یا جماعت
و دیگر آنکه امام یک
جماعت یک رکعت
گزارد و در قیام
توقف کند تا آنکه
رکعت دیگر خوانده
مقابل هدورند
آنجا که دیگر آمده
اقتضا کند اگر رکعت
و دیگر با جماعت خواند
در قیام چندان توقف
کند که از رکعت دوم
نزد شریفان
بایشان سلام دهد
این برود با صبر
و غیره و چه شده و غیر
محل آنست ۱۴
اعلم ان الله اعلم
تفسیر عثمانی

اللَّهُ يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرْعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا
خدا بیابد در زمین انواع بسیار و فراوانی معیت و هر که بیرون رود از خانه خود بهجرت کنان
خدا می یابد در زمین مواضع بسیار و گشایش و هر که بیرون رود از خانه اش بهجرت کنان
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُدْرِكُهُ الْوُتُّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ
بسیوی خدا و پیغامبر او پس در یابد او را موت و طایفه ای تحقیق ثابت شد نزد او بر خدا و هست
بسیوی خدا و پیغامبر او پس در یابد او را مرگ به تحقیق ثابت شد نزد او بر خدا و هست
اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
خدا آمرزگار مهربان و هنگامی که سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
در آنکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر بترسید از آنکه در پلایان بگنند شمارا کافران
که قصر کنید از نماز اگر بترسید که ایذا رسانند ب شما کافران
إِنَّ الْكَافِرِينَ كَالْوَكَاءِ عُذَّةٌ أَمِينَةٌ ۱۲ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
بر آئینه کافران هستند شمارا و طعن آشکارا و چون باشی در میان مومنان و طایفه ای پس بر هر کدی
بر آئینه کافران هستند شما و طعن آشکارا و هنگامی که باشی در میان آن ها پس بر یاد استی
لَهُمُ الصَّلَاةُ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا بَأْسِلِحَتِهِمْ وَإِذَا
برای ایشان نماز پس باید گروهی باشند گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون
به ایشان نماز را باید بایستند گروهی از ایشان با تو و باید بگیرند سلاح شان را پس چون
سَجِدُوا وَقَلِبُكُمُ نَوَاسٍ وَرَأَيْكُمْ وَلِتَلْزَمُوا طَائِفَةً أُخْرَى لَمْ يَصَلُوا
سجده روند پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند و باید که سایه آن گروه دیگر که هنوز نماز نکرده
نموده کنند نماز گذاران بودند از برای شمار مقل و من و باید بنمایند گروه دیگر که نماز خوانده اند
فَلْيَصَلُوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا بِحِلْيَتِهِمْ وَاسْلُحَتِهِمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا
پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند حلیه و سلاح خود را آرزو کردند کافران کاش
نماز خوانند با تو و بگیرند احتیاط خود را و سلاح خود را دوست دارند کافران که بیگانه
تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً
غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش پس حمل کنند بر شما یک باره
غافل شوید از سلاح تان و اسباب تان پس حمل کنند بر شما یک باره
وَلَجُنَاحٌ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ
و هیچ گناه نیست بر شما اگر باران باشد شمارا یا از باران یا بیمار باشید او را آن که
و نیست گناهی بر شما اگر باشد شما رنج از باران یا بیمار باشید
تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
بپایند سلاح خویش را و البته بپایند حد خود را هر آینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب
بپایند سلاح خود را و بگیرند احتیاط تان را ۱۵ بر آئینه خدا آماده کرده بر کافران عذاب
هَهِينَا ۱۶ فَإِذَا أَقَضْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى
رسوایان و طایفه ای پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و
ذلت آور و هنگامیکه ادا کردید نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و
جُنُوبَكُمْ فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى
پهلوی خویش پس چون آرامید بر پا کنید نماز را هر آینه هست نماز
پهلوی خویش پس چون آسوده شد از خوف بر پا دارید نماز را هر آینه نماز هست

اگر بنابر بیان یا بعدی و تا وقتی بر داشتن سلاح حمل باشد که استی آن نماز است اما برای حر است خویش و در و سیرم گویند ۱۴

ولا تترحموا على من كفر بالله ورسوله
 دل بفرایم ۱۲ فل
 مترجم گوید ازین آیه
 تخریم ترک میفرماید ۱۲
 مترجم گوید یعنی
 مانند خفی کردن و
 سوزن زدن بریدن
 تاسیر یا کبر و گدازند
 و الله اعلم ۱۲
 تفسیر غسانی نیز
 عده هر گناه که یک
 یا بزرگ کند از بزرگ
 بی گناهی انگیزد و
 دو گناه لازم میشود
 گناه بزرگ و دو گناه
 اصلی لهذا بر کندی
 کند و بر بزرگ بزرگ
 بنده و مال آن زیاد
 میشود و هیچ منفعتی بوی
 نمی رسد معلوم شد که
 چاره گناهان کبیره
 و صغیره جز توبه
 خالص جزو نیست
 متعلق به غنی باشد ۱۲
 در این آیت به حضرت
 پیغمبر خطاب میگردد
 و غریب غایب از افشا
 میشود و عظمت شان
 و عصمت و کمال علمی
 حضرت وی که بر همه
 کمالات افضل اول
 ی باشد میان مشرکین
 و نفسی منیت ۱۲
 سفرت کربانی بر
 ذات فرخنده او که از
 بیان دانش مافوق
 توابع بگوید و اشارت
 است باین طرف که
 حضرت پیغمبر اگر بود
 را شایسته برات چنان
 بود لکن محقق ظاهر
 حال نشیند شهادت
 و اقول بود را علی بن ابی طالب
 زیارت میلان من الحق
 یا امامت بی الحی و
 این امر بیانی نکرده
 در اینجایی شده بگوئی که از فضل الهی حقیقت امر آید که گردید دیگر نشودش باقی نماند

رَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ
 رحمت او بر همه کرده بود و گروهی از ایشان که همراه کنند ترا و همراه میکنند
 رحمت او بر آینه تعد کرده بودند مردی از ایشان که از راه بگردانند ترا و در ضلالت می انداختند مگر خود ایشان را و
 مَا يَضُرُّوكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ
 هیچ زیان نرسانند ب تو و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و حکمت و آموخت ترا
 مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۱
 آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست خودی در بسیار
 آنچه را نمی دانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست چیزی در بسیار
 مَنْ يُجَاهِدْكُمْ فَإِنْ آمَرُ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ
 از مشورت پنهانی ایشان بیک خودی در مشورت کسی است که فراید بصدقه یا بکار پسندیده یا بصلاح کاره میان
 از مشورتشان مگر آنکه علم کرده بصدقه دادن یا کار نیک کردن یا آشتی انگیزدن میان مردم
 وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۲
 و هر که این کند بطلب خوشنودی خدا بدینش مزد و هر که این کند
 و هر که کند این را بطلب رضای الهی پس زود و بهیشش مزد بزرگ
 وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ
 و هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آنکه معلوم شد او را هدایت و پیروی کند سواره
 و هر که مخالفت کند با پیغمبر پس از آنکه معلوم شد بوی راه راست و پیروی کند راهی را که خلاف
 الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِبُونَ ۳
 مسلمانان متوجه بکنش با پیغمبر میگردد و در آریش بدوزخ و او بد جانی است و هر که این کند
 مسلمانان است حواله کنیم او را بآن طرف که اختیار کرده و در آریش بدوزخ و بدو مرجع است دوزخ
 لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۴
 نمی آمرزد آنکه شرک با او نموده شود می آمرزد غیر شرک و هر که شرک خدا
 نمی آمرزد آنرا که شرک آورده و می آمرزد سواي شرک کسی را که خواهد و هر که انباشتد
 بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۵
 مقرر کند پس همراه شد تمامی دور مشرکان نمی پرستند بجز خدا که بجای او را که بنام دختران مسیحی کرده اند
 به خدا (پس) هر آنچه گناه شد دور افتاد (به گمراهی دور) نمی پرستند جزوی مگر زنان را و
 أَنْ يَدْعُونَ إِلَّا الشَّيْطَانَ مَرِيدًا ۶
 نمی پرستند مگر شیطان و در رفته از حد لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از
 نمی پرستند مگر شیطان سرکش را لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از
 عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۷
 بندگان تو حصه که در علم از من بچین شده و البته همراه کن ایشان را و البته در آزادی باطل آنکه ایشان را و البته بفرایم ایشان را
 بندگان تو حصه مقرر و البته همراه بکن ایشان را و امیدوار می سازم ایشان را و می فرایم ایشان را
 فَلْيَبْكِكُمْ أَدْأَىٰ أَلَمًا لَكُمْ وَلَهُمْ فُلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَخْلُقِ
 تا بشما فند محوش چهار پایان را و البته بفرایم ایشان را تا بفرماید آفرینش خدا را و هر که دوست گرد
 که بشما فند محوش های چهار پایان را و بفرماید بفرایم ایشان را تا بفرماید صورت بای آفریده خدا را و هر که بگوید
 الشَّيْطَانُ وَلِيًّا مَنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسِيرًا ۸
 شیطان را بجز خدا پس زیان کا شد زیان ظاهر و عده میده (ایشان را و
 شیطان را دوست از غیر خدا به حقیق زیان کرد (و زیان) ظاهر و عده میده به ایشان را و
 شیطان را دوست از غیر خدا به حقیق زیان کرد (و زیان) ظاهر و عده میده به ایشان را و

يَسْتَبِيحُهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ الْأَغْرُورًا ۝ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ

در آرزوی می اندازد ایشان را و وعده نمی کند ایشان را شیطان اغریب این گروه جماعت جائے ایشان

تَحْمَلُهُمْ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وزیر است و نیابند از آنجا غریب از آنکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ

در آدم ایشان را بچوستانهای می رود زیر آن جو میهای جاویدان آنجا همیشه

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝ لَيْسَ بِأَمَانَتِكُمْ

و وعده کرده است خدا راست است و کیست راست گو تر از خدا در سخن نیست کار بوفی آرزوی شما و

أَمْثَلُكُمْ فِي الْأَمْرِ إِلَّا مَنْ عَمِلَ سُوءَ عَمَلٍ فَيَرْجِيهِ ۖ وَلَا يَجِدُ لَهُ

باز بوفی آرزوی این کتاب هر که کند کار بد جزا داده میشود بوفی و نه یابد بخود

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلْيَاوُلَاكَ نَصِيرًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ

جز خدا هیچ دوستی و یاری دهنده و هر که کند از کارهای شایسته

ذِكْرٍ وَأَنْتَ وَهُوَ مِنْ فَاوَلَاكَ يَدُ خُلُونِ الْجَنَّةِ وَلَا يَطْلُبُونَ

مرد باشد یازن داد ستان است پس آنجا عت در آیند به بهشت و ستم کرده نه شوند

نَصِيرًا ۖ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ

بیمار تقصیر و کیست نیکوتر با اعتبار دین از کسی نهاده چنین خود را بکلم خدا حالانکه او نیکوکار است و پیروی نموده

مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي

ملت ابراهیم را در دلت که حنیف بود و خدا دوست گرفت ابراهیم را و خدا راست آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُخِيطًا ۝ وَيَسْتَفْتُونَكَ

آسمانهاست و آنچه در زمین است و هست خدا همه چیز در گیرنده و طلب فتوی می کنند از تو

فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ۖ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ

در باب زنان قلم بخود فتوی می دهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده میشود بر شما در کتاب نازل شده است

فِي يَتَمَنَّاهُ النِّسَاءَ الَّتِي لَا تَوْفُوهُنَّ مَا كَتَبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ

در حق آن زنان تمنا میکنید که نمی دهند ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان در رعیت می کنید که عاقل کنید بایشان

وَالْمُسْتَضَعْفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ ۖ وَأَنْ تَقُوهُمُ الْبَيْتَةَ بِالْقِسْطِ

و نازل شده است در باب بیچارگان از کودکان و حکم است بآنکه تمنا حال یتیمان کنید با انصاف و عطف است در باره کودکان ناتوان و عیال مسایند در باره یتیمان با انصاف

فلا یفتی فی نساء بائعات
مواطع باید کرد و اهل علم
فلا در نکاح زنان تمنا
بغبت میکردند بسبب
براعت جمال و عفت
سن در ادای نفقه و
مهر تقصیر میکردند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه خداوند را آغاز
این سوره در موضوع
تادیبه حق یتیم تا یکد
فرموده بود که اگر ولی
یتیم از اقارب او مثلا
پسر کای ادا بار شد
و بداند که حق او را کامل
ادا کرده نمی تواند باوی
نکاح کند و بگذارد
با دیگری نکاح نکند
و خود را بی حمایت
نماید و غرض این حکم
مسلمانان نکاح چنین
و خیران را ممنوع قرار
داده بودند اما بهر چه علم
شد که در بعضی مواضع
برای دختر فداست
که در نکاح و خود را بدهد
زیر اینچنانکه ولی قریب
رعایت او را می نماید
و دیگری نمی کند مسلمانان
در این باره از حضرت
پیغمبر اجازه خواستند
این آیت فرود آمد
اجازه داده شد و
بیان گردید که مال و عت
گذشته در صورت خاص
بود یعنی در صورتیکه حق
یتیم را کامل ادا نکند و
در باره تادیبه حق یتیم
تاکید شده بود و اکنون
که بهر غرض مملوک
احسان اراده نکاح
آن ها را ادا میدهد
اجازت است

طریق از زمره شما
 ایم و الله اعلم
 و طریقی خواهی شد
 مصلحتی که
 مسلمانان بکنند
 گذاشته که بصلحت
 دیگر عمل کنند و الله اعلم
 و طریقی سعی کردیم
 که هر مسلمانان بشناسند
 رسول الله اعلم
 و طریقی نشود
 که اسلام را
 متعطل
 گردانند و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه و دل کافران
 در ظاهر مسلمانان
 مروت و اینها چنین
 محفوظ بمانند و از هر دو
 طرف مستحق گردانند
 سزای این و غایب
 شان را و اگر شرارت
 و جنایت های نهانی شان
 را بیرون بکشند
 و آنها را چنان بکشند
 که قابلیت عقاب
 ایشان بر کلی سلب گردد
 و هر فردی بای شستن
 بر مسلمانان مشکشف
 شد و سزای را که در
 آخرت بر آن باداده می
 شود نیز ظاهر نمود
 چنانچه در آیات آمده
 ذکر می شود خلاصه از
 فریب آنها بر سر
 ساخته نشد خدا خود
 را در فریبی نگذاشته و دنیا
 و آخرت شان به نجات
 رفت عه و دل
 که امری پس ضروری
 و عبادت خالص است
 و در ادای آن هیچ
 زیان مالی و جانی متصور
 نیست منافقان در این
 نیز چنین میکنند و آنرا
 اذیت و دشمنی
 بر خود

فِي جِهَتِهِمْ جَمِيعًا الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِنْ
 بیهوشی در روز
 آن منافقان که انتظار شای کشند
 پس اگر باشد شمارا فتنی از جانب
 در روز همه آن بار
 آن منافقان که بخوانند
 بشما پس اگر باشد شمارا فتنی از جانب
 اللَّهُ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ
 خدا گویند آیا بودیم با شما و اگر باشد کافران را نصیب گویند یعنی بکافران آیا
 ندانید که ما با شما بودیم یا شما و اگر باشد کافران را نصیب گویند
 نَسْتَعِذُّ بِكُمْ وَ نَنْتَعِزُّ بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ يُجْزِيكُمْ يَوْمَهُ
 غالب نه شدیم بر شما و شما باز داشتیم شمارا از هر مسلمانان و پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز
 باز گرداننده دستوری بودیم بر شما و باز داشتیم شمارا از مسلمانان پس خدا میسر می کند میان شما روز
 الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا إِنَّ
 قیامت و هرگز گشاده نه گرداند خدا کافران را بر مسلمانان را چه و هرگز
 قیامت و هرگز نگرداند خدا کافران را بر مومنان را برای قیامت هرگز
 الْمُنَافِقِينَ يُجَادِلُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ
 منافقان فریب میکنند با خدا و خدا نیز فریب میکند با ایشان و چون منافقان بسوی نماز برخیزند
 منافقان فریب می کنند با خدا و در سزای فریب می دهد خدا با ایشان و چون برخیزند بسوی نماز برخیزند
 قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَ لَا يُدْرِكُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قَدْ بُدِّلَ
 کامل کنان برخیزند می نمایند مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندکی متردد اند
 گران جانان می نمایند مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندکی متردد می کنند
 بَيْنَ ذَلِكَ ۝ لَا إِلَى هُوَ ۝ لَا إِلَى هُوَ ۝ لَا إِلَى هُوَ ۝ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا
 در میان این و آن نه بسوی ایشانند و نه بسوی آنان و هر کس گمراه کند خدا پس نیایی
 در میان این و آن نه جانب ایشانند و نه جانب آنان و هر کس گمراه کند خدا پس
 بِجَدَلِهِ سَبِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ
 اورا هیچ راهی ای مسلمانان دوست بگیرید کافران را
 برگزینیایی اورا هیچ راهی ای مومنان بگیرید کافران را دوست
 مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَرْبِدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا
 بجز مومنان آیا میخواهید که ثابت کنید برائے خدا بر خویشانتان الزام
 بجز مسلمانان آید می خواهید که بگردانید بخدا بر خود الزام
 مُبِينًا ۝ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ
 ظاهر هرگز نیست منافقان در طبقه زیر ترین اند از آتش و نه یابی ایشان را
 صریح هرگز نیست منافقان همه در طبقه زیرین آتش از روز جز و هرگز نمی یابی ایشان
 نَصِيرًا ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ
 هیچ یابی دهنده مگر آنان که توبه کردند و اصلاح پیش گرفتند و چنگ زدند بخدا و خالص گردانیدند دین خود را
 مگر کسانی که توبه نمودند خود را اصلاح کردند و استوار گردانند خدا را و خالص گردانیدند دین شان را
 لِلَّهِ قَالُوا لَكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝
 برائے خدا پس آنچه همراه مومنانند و زود دهد خدا مومنان را مزد بزرگ
 برائے خدا پس آنچه همراه با مسلمانانند و زود میدهد خدا مسلمانان را ثواب بزرگ
 مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدُوِّكُمْ إِنَّ شُكْرَكُمْ وَأَمْنَكُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ۝
 چه کار کند خدا بخصم شما اگر سپاس بدارد می کند و ایمان آریده است خدا قدرش شناسد و دانای
 چه کار کند خدا عذاب گردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین نمائید و هست خدا قدر دان و دانای

و الله اعلم بالصواب

لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَاهِلِينَ بِالسُّوءِ مِنَ

دوست نمی دارد خدا بیلند گفتن سخن
دوست نمی دارد خدا آشکارا کردن سخن

دوست نمی دارد خدا آشکارا کردن سخن

الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝١٠٠٠ إِنَّ يَبْدُ وَآخِرُهُ

بد مگر سخت نطق منظر آدم که عفو است و هست خدا شنو ادا نا
مگر کسی که بروی ستم شده و هست خدا شنو ادا نا

خَفُودًا أَوْ تَعْمُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

عفو کننده توانا بر ایند کاینکه
عفو کننده تواناست (بر آئیند) کاینکه

يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

مگر نه به خدا و پیغمبرش می خواهند که تفریق کنند میان خدا و پیغمبرش می گویند

و بعضی بعض و پیداون ان یثخدا این ذلک سید

بعضی شوم بعضی را و می خوانند که بپرند میان این راهی

وَأَمَّا أَتَى الْبَنَاتِ وَأَصْلَبَ الْكُلْبُ الْمَوْتَى وَذَكَرَ الْحَرْثَ يُقَايِمًا
أَجْمَلَتِ ابْنَتَانِ كَاهِلَانِ خَفِيقٍ وَأَمَادَهُ سَخَطُهُ أَيْمٌ بَرَاءَةٌ كَأَقْرَابِ عَذَابٍ رَسُوهُ الْكَفِيدَةُ وَكَانَ يَكِي

ان مرد ایستادگان به هیئت و آمده کرده اند برای کاروان عذاب خوار کننده و کایید

ایمان آورند بخدا و پیغمبران او و تقوٰه کردند در میان پنج یکی از ایشان آسمان خواهد داد خدا ایشان را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مزد ایشان و دست خدا آمرزنده میریان دل در خواست میکنند از تو اهل کتاب که فرود آری
(خدا) تو ایشان را دست خدا آمرزگار مهربان عفو می فرمندی از اهل کتاب که فرود آری (بیکسار)

عَلَيْهِمْ كِتَابٌ مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَأَيْتَ

برایشان کتاب از آسمان یعنی یک دفعه پس سوال کرده بودند از موسی تحت تر ابرین گفتند حسنه را
برایشان کتاب از آسمان به تحقیق نرسیدند از موسی از ابرین و از ابرین از ابرین گفتند بنده را

اللَّهُ جَاهِرَةً وَأَخَذَهُمُ الصُّعْقُ بِطُلُوعِ نَجْمِ النَّجْدِ وَالْعَجَلِ مِنْ بَعْدِ

خدا را آشکارا (پس) گرفت ایشان را صاعقه به سبب طاعت ایشان باز گرفتند موسی را بخدا پیوسته از آنکه

فَاجَاءَهُمُ الْمَلِيكُ فَقَعَوْا عَنْ ذَلِكَ إِنَّمَا هُوَ سُلْطَانُ مَبِينٍ ①

آدم بآنها نشان داد پس عفو کردیم از این گناه شان و دادیم موسی را خلیفه صریح

رَفَعْنَا لَهُمُ الصُّورَ يَهْدِيهِمْ وَوَقْنَا لَهُمُ ادْخَالَ الْبَابِ سَجْدًا وَقُلْتُ

بالای شان طوره به واسطه حکم فتن عهد شان و کفایت با ایشان در آید به دروزه حیدر کنان و کفایت

هم لا تعدوا إلى السبت **فاحذروا** منكم ميتا واعين **فما المقصود**
 الإنسان را بخاوند کند و در روز شنبه و کمتر از ایشان عهد محکم پس بسبب شکستن ایشان

الشیخان حماد و ملکید و وزیر سنجید و کریم از ایشان پنهانی استوار این سزا رسید ایشان

...بسم الله الرحمن الرحيم ...

سَوَّيْتُمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ إِنْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ

زود بیدار ایشان را مزد بزرگ بر آئینه مادی فرستادم بسوی تو چنانکه مادی فرستادم بسوی نوح و پنهان کرد
زود بیدار ایشان را ثواب بزرگ مادی فرستادم بسوی تو چنانکه مادی فرستادم بسوی نوح و پنهان کرد

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

پس از وی دو فرزند داشتیم بنوی ایما و اسمعیل و اسمعیل و یوسف و یوسف و

اسيد و عيسى و ايوب و يونس و هرون و سليمان و ايتناداؤ

وہ علیسی ویر الیاب ویر لانس ویر ہارون ویر سیلیان و دھانکر دادیم دادودرا

بور ۱) ورسلا ول قصصناکم علیک من قبل ورسلاکم نقصصہ
 زبور دجانی فرستادیم پیغمبر اینده قصه ایشان گفته ایم
 بر تو پیش ازین و پیغمبر استی که قصه ایشان گفتند

و چون فرستادیم پیرمائی که داستان بای شان را گفتدیم بجهش ازین و فرستادیم پیرمائی که داستان بای شان

بروۀ گفت خدا با موسی سخن فرستادیم پیغامبران مژده دهندگان و بیم کنندگان تا

نَكُونُ لِلنَّاسِ عِلًا إِلَّا خُفَاً ۚ وَقُلْ لِّمَنِ الْكَوْكَبُ ۚ إِنَّهَا كَوْنٌ خَافٍ ۚ

ناباشد مردان را بر حذر الزام بعد فرستادن پیغامبران و با دست خدا غالب استوار کار

لَٰكِنَ ٱللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ ٱلَّذِى أَنزَلَهُ يُعَلِّمُ ٱلْمَلِكَةَ يَشْهَدُ

این غذا الطهاره میفرماید در حق آنچه فرو فرستاده است بسوی تو که فرو فرستاده آنرا بجم خود درشتان نیز گویای می دهمند
این غذا گویای می دهد به آنچه فرو فرستاده بسوی تو فرستاده آنرا بجم خود و درشتان گویای می دهند

وَقَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ۖ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

و این است خدا گواه
هر آینه کسی که کافر شد باز داشتند مردم را از راه خدا

فلا ضلوا أضلأ بعیداً ۝ ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله

گفته اند که کافران را که کافر شدند و ستم کردند هرگز نیست خدا

بیشتر لهم ولا یبهر لهم طریقاً (۴) طریق محمد خلیفین دین

در آن

اے مردمان ہر آئینہ آمد بشما پیغامبر

لَا تَقْرَأُ فِيهِمْ مَلَأُوا بِهِمْ ذُلًّا وَمَوْجِئًا ۚ

استی از جانب پروردگار شما پس ایمان آرید تا ایمان آوردن بهتر باشد بهای شما و اگر کافر شوید پس هرگز یکنه خدا را است بخدا که

الْأَرْضُ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٥ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ

این است و هست خدا و انا استوار کار و	اے اہل کتاب از حد مگزید در دین خود
وین است و هست خدا و انا با حکمت	اے اہل کتاب از حد مگزید در دین مان

ان عالمگیر واقع گردید پس از ان در زمان حضرت بود و حضرت صالح و حضرت شعیب علیہ السلام برگزار انواع عذاب اہل گردید۔



فتح الرحمن
۲۲ و بعضی تان
۲۰ گویند که تفسیر
۲۲ مانت بیخ بنیر
نزدیک اسناد انوار
۲۲ مترجم گوید از جا
شروع میفایه در در
شبه انوار
والنار علم
تفسیر عثمانی
تشبیه از وی با وحی
که حضرت نوح علیه السلام
و دنیا بی بالبداء و الله
شادمان سید باشند
که در وقت آدم علیه السلام
و حی در حال
اترایی بود و بر نوح
علیهم السلام تکلیف یافت
نمود و احوال شوقی
تعلیمی بود و در زمان
نوح علیه السلام کمال
رسیده لایق آن شد
که خود امتحان قرار
داد و شود و مطیعان
انعام یافتند و عاصیان
عذاب شوند چنانکه کاس
انبیاء اولو العزم نیز
نوح شروع گردید
و عذاب الهی بر سر ایشان
و حی نیز از همین وقت
آغاز یافت است و نوح
پیش از زمان نوح
علیه السلام و از مخالفت
حکم خدا و بی عذاب
نازلی نشد بلکه آنها را
مستغفروند و محبت
داد و شد و کوشش
تنهایی در اینین مردم
مخدود بود و در هر حضرت
نوح علیه السلام و حی
مردم فحاشی باقی نماند
بناظران عذاب
نازلی شد و محنت در
زمان نوح علیه السلام

تفسير غفاری -

عنه این کتاب در
نعلیت پیغمبر خود غلو
نموده از حدی و زری
کردند چنانکه در لغت
انصاری است و این
غدا می گفتند پس خدا
فرمود که و حرف دین
مرا نزن و نگویند و نشان
کسی که بوی اعتقاد
دارد از حد گذرید و
از حقیقت دور
باشید و در
چیزهای بیکدیگر کلاه
و محقق باشند و چیزی
از خود متراسید این
چشم است که حضرت
علیه السلام را که پیغمبر خداست
و حکم وی آفریده شده
بر تلافی و جی پس خدا
گفته اید به سر خدا
اعتقاد کرده اید بیک
خدا و دم مسیح سوم مرتکب
ازین سخنان باز آید
خدا و احد و یگانه است
و یک شریک او نیست
و کسی نمی تواند پس را
شود ذات او از این
چیز پاک و منزواست
تا این نقائص از
انجاست که شمار روی
اطاعت و پابندی
نگوید اگر از وی است
بگوید خدا پس قرار بی
دادید به سر خدا و آن
و مرعای مشرک نمی
شدید به تکیه بیک
محمد رسول الله ...
سید المرسل و قرآن
مجید افضل الكتب
پرداخته بزرگترین
کفایتی گردید فائده
طائفه از این کتاب
رسالت حضرت عیسی
علیه السلام را قبول
نکردند بیک عقل و هم

وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ

و گویند به خدا مگر سخن راست جز این نیست که عیسی پسر مریم پیغمبر
و گویند در شان خدا مگر سخن راست بیشک هیچ عیسی پسر مریم فرستاده

اللَّهُ وَكَلَّمْنَاهُ الْقَهْطَاءَ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ زَفَا مَنُوبًا لِلَّهِ وَرَسُولُهُ

خداست و فیض اوست انداخت آنرا بسوی مریم و روحی است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او
خدا و کلام اوست افکند او را بسوی مریم و روحی است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او

أَنْتُمْ خَيْرُ الْكُفَرِ إِنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ سُبْحَانَ أَنْ

گویند خدا این همه اند باز مانند این هم گفتار تاین باز مانند این هم گفتار تاین نیست که خدا معبود و یگانه است پاکست خدا از آن که
گویند که خدایان سرانند بلکه از این گفتار را بیاورد آن بهتر است برای شما بیشک خدا معبود و یگانه است پاکست خدا از آن که

يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلٌ

باشد او را فرزند و مراد است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و پس است خدا کار ساز
مرا و او نیست که او را فرزند باشد مراد است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و کافی است خدا کار ساز

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ

ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده خدا و فرشتگان مقرب ننگ ندارند
دیگر ننگ ندارد عیسی که باشد بنده خدا و فرشتگان مقرب

وَمَنْ يَسْتَنْكِفَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمُ إِلَيْهِ جَمِيعًا

و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند پس خواهد بر انگیخت ایشان را نزد یک خویش همه یکجا
و هر که عار کند از بندگی او و استکبار کند پس زود جمع می کند ایشان را بسوی خود همه را

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ

پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند پس نام دهد ایشان را مزد ایشان را زیاده و دهد ایشان را
دین اما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک پس کامل میدهد ایشان ثوابشان را و یاد میدهد ایشان را

مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفَوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا

از فضل خود و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب
از فضل خود و اما کسانی که ننگ کردند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب

أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

درد و تنگ دهنده و نیابنده برائی خویش بجز خدا هیچ دوستی و یاری و
دردناک و نمی یابند ایشان سواي خدا حامی و مددگار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا

ای مردمان اے مردمان محقق آمد نزد یک شما دلیل از پروردگار شما نازل کردیم بسوی شما و روشنی
اے مردمان محقق آمد شما بختی از جانب پروردگار تان و فرود آورده ایم بسوی شما روشنی

مُبِينًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ

آشکارا پس اما کسانی که ایمان آورده اند بخدا و استوار گرفتند به کتاب پس زود می در آورد ایشان را
در رحمت خود و فضل از نزدیک خود و بشارت ایشان را بسوی خود راه راست

فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَكَمْ هُمْ إِلَى صَوَاطِئِ مُسْتَقِيمَةٍ

در رحمت و فضل از نزدیک خود و بشارت ایشان را بسوی خود راه راست
در رحمت خود و فضل و بشارت ایشان را بسوی خود راه راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُو أَهْلَكَ

تسبب فتوی می کنند از تو بگو خدا حکم فتوی میدهد شمار در باب میراث کسی که والد و والد ندارد اگر مردی بمیرد
حکم فتوی می دهند از تو بگو خدا حکم فتوی می دهد بشما در باب کلال اگر مردی یا کسی بمیرد

لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا

دزدی نداشت باشد دادرا خواهری باشد پس خواهرش راست نیمه آخر گذاشته است و اگر این خواهر مرده آن برادر دارد

ان لم یمن لهما ولد فان كانت اثنتین کلھما الثلثین مہما

پس اگر دو خواهر باشند (پس مرد و دواست دو مثلث از آنجا

ناراض است و اگر ایشان جماع باشند مردان و زنان پس مرد است

حیات و تمدن مردمان و زبان (پس) مرد است برابر

عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہما بیان میکند خدا برائے شما تا همراه مشوید و خدا بہم چیز و اناست
 حبیب دوزن بیان می کند خدا شما کہ همراه مشوید و خدا بہر چیز و اناست

سورة المائدة مكية ثمانون آية وعشرون آية وسبعمائة وثمانون حرفا

2 月 11 日

نام خدا کے
بجائے اپنے

نهایت بارم است

یہاں الدین اموا او تو اب العفو دہ احدث لکم بعینہ انقاد

ای مومنان و ناکند به عهد
حلال گردانیده شده برای شما چهار پایان مواشی

شکار در حالتیکه حرم باشد بر آئینه خدا حکم میبندد آنچه می شکار
 اگر خوانده شود بر شما نه حلال دارد شکار در حال حرام بر آئینه خدا حکم میبندد آنچه خوانده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ فَيُضِلَّكُمْ سُبُلًا كَثِيرًا ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْلَ الْغَوَاةِ فَهُمْ يَمُوتُونَ ۖ أَلَمْ يَكُنِ اللَّهُ يَوْمَ الْمُلْحَمَاتِ ۖ خَالِقُ الْوَحْيِ مُخْتَلِفًا ۖ ذَوَاتُ الْأَوْبَانِ كُنُوزًا ۖ

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱

لَا الْقَلَابِدَ وَلَا الْمَيْنَ الْبَيْتَ الْحَرَّ أَمْ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَ

بیت الحرام را کرمی طلبید
از پروردگار خود و

صَوَانُ إِذَا خَلَّتْ فَاصْطَادُوا وَلَاحِجٌ مِنْهُ شَذَانٌ وَوَرَانٌ
بوشنوی از وی و چون اصرام کشادید پس شکار بکنید و حل نکتہ دارا و علمنی عریمه بسبب آنکه

شعوی اودا دجن ازا حرام بر آید پس شکار کند و باعث نکند شکار دهنی قوم کر باز

الشيء فلهذا از مسجد الحرام می
بر تاجانز کردن از حد و با یکدیگر ده نیند برینو کادی و بر تاجانز کادی

بِرَحْمَةِ رَبِّكَ الْكَرِيمِ وَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

برگناه استم و جز سید از خدا هر آینه خدا سخت است
و جز سید از خدا هر آینه عذاب خدا سخت

که بر استناد و کرامات و صفات الهی بر نظام و عی جرات که از فرقی و امتیاز نزیهان خود عاجز باشد ذات بی چون و صفات بی چون و اوست

فتح الرحمن
ترجم توفیق علی اعجاز
و اگر بنا شد علایق خام
مقام اعلیٰ بی بود ۱۲
صل یعنی شوق و آتش و کوشش
و این قسم از انعام
گویند طالع است مگر
یتیم موقوفه و یتیم باید
و الشما علم ۱۲
و یعنی قتل و در حب
مهر و دقت نقد و بی کج
و محرم نباید کرد
و الشما علم ۱۲
و یعنی تعرض
حاجان و معمران
مسلمان نباید
کرد و لفظ اشراف
باید گرفت
و الشما علم ۱۲
و یعنی پیش از
فتح که و پیش از آنکه
مسلمان شوند و الله
اعلم فی غیبی
پیشتر معلوم شد که خدا
هبات برنگان خود را
می پندارد اکنون می پندارد
که هر چه جزا و عذاب است
پس مطلب این است
که اگر در مسائل دینی
مضرتی واقع شود
بهر سبب در این اشراف
علام می شود که اصحاب
نسبت به استفساری
که در مسائل کمال نموده
بودند محقق و آئیده
بودن چنین سوا ارباب
ترغیب می خوانند
و بگذارد و اگر آید
که ظاهر بر حیرانگاه
است و شامی نایند
که حتی این قدر توضیح
دادنی توانید محقق
که در کمال دیگر موارد
معین شده علت تحقیق
آن چیست پس عقلم
الناس که است اشراف
روان فکری و در چهره می بیند



فتح الرحمن
 ط م ترجم گوید
 تفسیر
 قتال و شهادت
 حرم مخصوص است
 بسلیس بدلیل آیت
 سوره بقره و تحريم
 حاجان نیز مسلمان
 مخصوص است بدلیل
 آیت سوره برات
 و این آیات آخر منزل
 است شوق داشتن
 اینجا که علامه
 گویند است یعنی آید
 و الله اعلم
 م ترجم گوید یعنی
 صورت و نه الله اعلم
 م ترجم گوید یعنی
 در خود خورده مردار
 جائز است و نزدیک
 ابی حنیفه قائم لفظ غیر
 مائل بگناه آنست که
 زیاده از ضرورت خورد
 و نزدیک مالک تنافی
 آنست که قاطع طریق
 و سابق را در حضرت
 نیست و این آیت
 آخر آیت قرآنست بعد
 از برآوردن آیت نازل
 شد و الله اعلم
 و آنچه خوب بآیه
 دانند و الله اعلم
 و م ترجم گوید یعنی
 دهنده باشد برائے
 خوردن خود و الله اعلم
 ط م ترجم گوید یعنی
 نزدیک ارسال و
 م ترجم گوید یعنی برای
 کتاب حلال بود بر شما
 حلالست مثل گوشت
 و گاو آنچه بر شما حلال
 کرده شد بر کسی که از
 ایشان مسلمان شود
 حلالست مثل شتر و
 غنم را قبیل و قبیله و
 لغاری و درین باب
 اعتدالست و الله اعلم
 تفسیر عثمانی - بعد از این مکه و عالم شمول حد انتظار دین دیگر بودن صفات است غیر از اسلام که در آن توفیق و تسلیم است و سبب دیگر برای نجات و معقولیت نیست

الْعَقَابُ حُرِّمَتْ عَلَيْكَ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَيْزُرِ وَمَا أَهْلُ الْغِيَرِ
 عقیقت او ق حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت و آنچه اهل غیارت است
 الله به والمنخنقة والموقوذة والمتردية والنطيحة وما أكل السبع
 یاد کرده شود و آنچه بکوفه کردن مرده باشد و آنچه بر تنگ یا بعضا مرده باشد آنچه از جلعن بلند افتاده و بر او پاشا زدن مرده باشد و آنچه از کوه
 الرماذ كَيْتُمْ قَدْ وَادَّجِي عَلَى النَّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِأَلْزَامِ ذَلِكُمْ
 الا آنچه بعد از این آفتاب دیده کرده باشد حرام است آنچه ذبح کرده باشد بر شما نهایی میباید باطل است و حرام کرده شد
 فَمَنْ يَسْأَلْكَ يَنْفِرْ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاحْشَوْنَ الْيَوْمَ
 حق است امروز تا امید شدند از دین شما پس مترسید از ایشان و برترسید از من امروز
 اكَلْتُمْ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَنْتُمْ عَلَيْكُمْ نَعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامُ
 کامل کردم برای شما دین شما و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین
 دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْصَصَةٍ غَيْرِ مَخْصَصَةٍ لَنَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ غَفُورٌ
 برای شما پس کسی که ناچار شود در مخرج غیر مخرجی بگناه پس بر آید خدا آمرزنده
 رَحِيمٌ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ
 مهربان است و سوال می کنند ترا چه چیز حلال کرده شد برائے ایشان بگو حلال کرده شد برائے شما پاکیزه ها و آنچه آموخته باشید
 مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ
 از جانوران شکاری و در حالیکه شما آموخته باشید و از اندین می آموزد یا نه از آنچه آموخته شما را خدا پس بگو آنچه از آن یاد نگارده و شتر باشد
 عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ سِرْبَ الْحِسَابِ
 برائے شما و یاد کنید نام خدا را بر آن و و برترسید از خدا بر آید خدا زود حساب کننده است
 الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَ
 امروز حلال کرده شد برائے شما پاکیزه ها و طعام اهل کتاب حلال است برائے شما و
 طَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ
 طعام شما حلال است برائے ایشان و حلال کرده شد برای شما زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن
 أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ
 س اینک کتاب داده شدند پیش از شما چون بپردازید ایشان را مهربانان مطلق طلب کنند
 مُسَافِحِينَ وَلَا تُنْجِزُوا أَيْدِيَكُمْ أَنْ تُقْبِلُوا إِلَى الْيَمَانِ فَقَدْ حَطَّ طَعَامُ
 مسافران و نه دوست پنهان گیرندگان و هر که تا عقد اسلام باشد پس نابود شده عمل او
 است و راندگان (زنانندگان) و نه دوست گیرندگان پنهانی و کسی که منکر شده از ایمان و تحقیق نابود شده عمل او

كَمْ لَكُمْ لِمَا كُنْتُمْ تَخْفَوْنَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْقُوا عَنْ كَثِيرٍ

بسیار از کتاب پنهان میداشتید از کتاب و در میگذرد از تفصیلات بسیار

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

از اهل کتاب هر آینه که بشما از جانب خدا نور و کتاب روشن رسیده است به راه می نماید خدا پس نور آنرا که

تَبِعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

طلب رضای او که بسوی راه های نجات و بیرون می آورد ایشان را از تاریکی بسوی

النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَقَدْ

نور را با اذن خود و دلالت می کند و راه می نماید ایشانرا بسوی راه راست و درستی

كُفِّرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ

کسانی که گفتند که خدا همان است مسیح پسر مریم است و بگو که

يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ

چیزی تواند از خدا چیزی را اگر بخواهد که بپاک کند عیسی پسر مریم را و او را که مرگم است

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ

و خداوند است و خداوند است پادشاهی آسمانها و زمین و

مَا يَشَاءُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در میان آید می آفریند هر چه بخواهد و خداوند است بر هر چیز توانا است و

قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ

گفتند یهود و نصاری ما پسران خدا ایم و دوستان اویم و بگو پس چرا

يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّثْلُ خَلْقٍ يَغْفِرُ

عذاب می کند شما را بر گناهان شما بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است می آمرزد

مَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ

و خداوند است پادشاهی آسمانها و زمین و خداوند است پادشاهی آسمانها و زمین

وَمَا يَشَاءُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در میان آید می آفریند هر چه بخواهد و خداوند است بر هر چیز توانا است و

فلا بین حلول کرده است در وی انشا الله و ترجمه گوید یعنی خدا را بدو میگذرد و انشا الله و ترجمه گوید یعنی بود عیسی بخیرت یا عیسی بخیرت معبود شد بدت میان ایشان یا نصیب و نصیب سال بود و انشا الله و تفسیر عثمانی عه شایسته از خود را و ترجمه گوید یعنی بود و نصیب را که در دینی و دینی را از دست داده و تبارکی های بود و آرد افکار را که خود مرگ را در گوشت های ظان و شقان افتاده حیران و سرگردان اند و بر آسمان شان از این باریک است بصورت موجوداتی است امکان ندارد بخوبی که بزرگ ترین روشنی خدا در رسیدن میخواستید که بر او هیچ نجات آید بسیار شود و زمین روشنی بر پیر وی غای خدا نشانده طرق سلامتی و نجات را باز خواهید یافت و از تاریکی بر آمده اند اندیشه در روشنی رها خواهم شد و به عون و عنایت کسی که رضای او قرار میگیرد بدون تنگن مرا مستقیم را طی خواهید کرد و میگویند خدا غیر از هیچ چیزی دیگر نیست باشد و گویند که این عقیده آن فرقها است که آنرا یعقوب

مرد در نزد آنها خدا و دیگر میگویند حلول کرده است (العیاذ بالله)

مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وینچ خړوه دهنده دهنده کړه پرآینه آمده است بشا خړوه دهنده و نیم کنده و خدا بر هر

شئی قدير و اذ قال موسى لقومه يقوموا ذكروا نعم الله

چیز تواناست و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را

علیکم اذ جعل فیکم انبیاء وجعلکم مملوکا و انکم قالوا یوت

برخویش چون پیداکرد در میان شما پیغمبران را و پادشاه ساخت شما را و ادبش آنچه نداد

احدا من العالین یقوموا دخوا الارض المقدسة التي

هیچ کس از عالمیان و ای قوم من درآیند به زمین پاک

کتب الله لکم ولا تردوا علی اذ بارکم فتقبلوا خیرین

مقرر ساخت از خدا برای شما و گردان مشوید بر سمت پشت خود انگاه زیارت کردید یعنی فرار کنید

قالوا ای موسی ان فیها قوم ماجبارین و ان ان تدخلها ک

گفتند ای موسی هر آینه آنجا گروهی هستند زور آور دهر گزما داخل نشویم آنجا تا آنکه

یخرجوا منها فان یرجوا منها فاساد اخلون قال رجل من

ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان بیرون شوند هر آینه مادر آیم گفتند

من الذین یخافون انعم الله علیهم اذ خلوا علیهم الباب

از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان و در آمدند ای قوم برای بنیاد از راه دروازه

فاذا دخلتموه فانیکم غلبون و علی الله فتوکلوا ان کنتم

چون در آمدید به دروازه پس برآیند شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان

مومنین قالوا ای موسی ان ان تدخلها ابدا فادفعها فاذهب

بستید گفتند ای موسی ما هرگز نه درین زمین هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اندیشید پس

انت و ربک فقاتلا اننا لهنا قاعدون قال رب انی لا املک

و تو و پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آینه ما اینجا نشسته گایم گفت موسی ای پروردگار من قادر نیستم

الا نفسی و اخی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین قال فاما

الا بر خود و برادر خود یعنی با زدن پس فیصل کن میان ما و میان گروه گناه کاران گفت خدا پس برآیند

حرمة علیهم اربعین سنة یتیهون فی الارض فلا تأس علی

حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال و مسرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباشی بر

حرام کرده است بر ایشان چهل سال مسرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباشی بر

و این معجزات
علیما ز فنی بحرو
رفع طور و الله اعلم
فلا یعنی بوشع
و کانی و کانی
علم کرد که این
زین متبع نشسته
تفسیر عثمانی
عد شمار از دلت
غالی غریبان از دعا
بخشیده بران ملک
شان تصرف گردانید
بر غلاده بیشتر از زمین
شما حضرت دوست
را بر خزان و لطفت
مهر تسلط از دانی
فرمود و مستقبل نیز
مثل حضرت سلیمان
پیغمبر و پادشاه
و بنعت بای دین
و دنیا شما مقتدر
افزار گردانید و باز
ترین نصب و نبی
دشوت می باشد و آتیا
عروج اقبال نبوی
آزادی و سلطنت او
این بود و برای شما
رحمت گردید ع
در آردان که بوسی
السلام این خدای
می شد یعنی اسرار
نسبت بنیام ساکنین
زمین بیشتر مورد
بای خدا واقع بودند
و اگر انسان مطهر
بر علوم عمل شود از این
سبب هیچ نیست که
خود قرآن که یکم در خصوص
امت محمد آفرین می
ناید که کتم خیر است از جهت
للتاس را آل عمران
دکوع ۱۲ هم چنین
فرموده و که لک طفا
ایضا و سلطنت و
شبهه آلی همان
د لغوه رکوع ۱۴
سه بین دوم و نیکو کلمات از حضرت (یوشع ابن نون) و (کالب ابن یوشع) است که از خدای ترسیدند لهذا از عاقل و غیره خوف و هراس نمداشتند

وَأَنزَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا

وَقَبِلَ أَحَدُ قُرْبَانِهِمَا وَقَبِلَ مِنَ الْآخَرِ قَالُ لَا تَقْبَلْكَ قَالَ

لَا تَقْبَلْ مِنْ شَرِّهِمَا وَلَهُمَا عِزٌّ مِنْ كَبَرِهِمَا وَكَانَ جَعْلُهُ

لِإِبْلِيسَ قَالَ أَتَقْبَلُ اللَّهَ مِنَ الْمُتَّقِينَ ١

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي

مَا أَنَا بِبَاسٍ بِكَ يَدِي إِلَيْكَ لَا تَقْتُلْ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ٢

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِيشِمِي وَأَشِدَّكَ فَتَكُونَ مِنَ الصَّاحِبِينَ ٣

فَاصْبِرْ مِنَ الْخُسُوفِينَ ٤

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ

فَيُرِيهِ كَيْفَ يُوَارِي سَوْآتِهِ أَخِيهِ قَالَ يُوحَيُّتُ بِأَمْرٍ أَنَا نُكْرِمُ

مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْآتِهِ إِنِّي فَأَصْبِحُ مِنَ الْمَرْبُوعِينَ ٥

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ

نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُنَا

بِالْبَيِّنَاتِ لَكِن كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ٦

وَأَنزَلْنَا فِي الْقُرْآنِ حِكْمًا وَذِكْرًا لِّمَنْ هَدَيْنَاهُ وَنَزَّلْنَا الذِّكْرَ بِالْعَرَبِيَّةِ لَعَلَّ يَفْقَهُوهُ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٧

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٨

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٩

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٠

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١١

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٢

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٣

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٤

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٥

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٦

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٧

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٨

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ١٩

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٢٠

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٢١

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ٢٢

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فَخَالِ

فلان یعنی دست راست
 و پائین چپ و الله اعلم
 و فلان یعنی حد ساق راست
 و حقوق او میان ساق
 نیست و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه جائے دیگر برده
 آنرا محبوس نمایند چنانکه
 مذہب امام ابو حنیفہ
 است و رحمتہ اللہ تعالیٰ علیہ
 عہ و رکوع گذشتہ
 سزای اخروی و دنیوی
 کافی بیان شدہ بود
 کہ با خدا پیغمبرش
 جنگ می کردند
 و در زمین فساد
 می انگیزیدند و ۹
 این رکوع مسلمانان
 را از ان سزا بازسانید
 و اجماع کرده اند کہ آنگاه
 کہ مردان شقی با خدا و
 پیغمبری جنگ کنند شایہ
 طرف داری خدا و
 پیغمبری جدا کنند اگر
 آنها در زمین فساد می
 انگیزند شایہ از کوشش
 و حسن عمل خود در راه
 قیام امن و صلح بکامیابند
 عہ و آیت گذشتہ
 واضح شد کہ انسان بہ
 خوف الہی و حصول
 قرب الہی و بیجا و غوی
 و در راه دینی تواند
 کامیابی و صلاح را
 امیدوار باشد بعد این
 آیت تنبیہ فرمودہ است
 کہ کسی کہ از خدا
 اعراض می نماید این
 پاگرد آخرت تمام
 گنجائش زمین بکشد
 آنرا از صرف کنند
 و فدیہ دهند و بخوانند
 خود را از عذاب نجات
 دهند ہرگز ممکن نمی شود
 خلاصہ در این جا کامیابی
 بہ تقوی و اتیان فی سبیل
 جہاد فی سبیل اللہ حاصل می شود و فدیہ چیز بی نی تواند

لَا تَجْزُوا الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ
 جزاین نیست کہ جزائے کسی کہ جنگ می کند با خدا و رسول او و می شتابند در زمین
 جزاین نیست جزا کسی کہ جنگ می کند با الله و رسول او می شتابند در زمین
 فساداً أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيُهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ
 بقصد فساد یعنی قطع طریق می کنند آنست کہ کشتن شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دستها و پایهای ایشان از
 بقصد فساد آنکہ کشتن شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دستهای ایشان و پایهای ایشان بر
 خلافِ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جزئى فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ
 جانب مخالف و یا دور کرده شوند از وطن این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانرا است
 خلاف یا دور کرده شوند از زمین عہ این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانرا است
 فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدُرُوا
 در آخرت عذاب عظیم ۝ مگر کسی کہ توبہ کردند پیش از آنکہ دست یابند
 در آخرت عذاب بزرگ مگر کسی کہ توبہ کردند پیش از آنکہ قادر شوید
 عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ ۝ يَٰ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا
 بر ایشان پس بدانند کہ خدا آمرزنده مهربان است و ای مسلمانان بترسید
 بر ایشان پس بدانند کہ خدا آمرزنده مهربان است ای گروه مومنان بترسید
 اللَّهُ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ
 از خدا و بطریق قرب بسوی او و جہاد کنید در راه او تا شما
 از خدا و بطریق بسوی او وسیلہ و جہاد کنید در راه او تا شما
 تَقْدَحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَأَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً
 رستگار شوید ہر آئینہ کافران اگر باشند دست ایشانرا بچند در زمین است ہر یک جا و
 رستگار شوید عہ ہر آئینہ کافران اگر باشند در ایشانرا بچند در زمین است ہر یک جا و
 مِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ
 ہر ادا ماندہ او بہتای برائے آنکہ عوض خود دهد آنرا از عذاب روز قیامت ہرگز قبول کردہ نشود از ایشان و
 مانند آن ہر ادا کہ عوض دهند آنرا از عذاب روز قیامت ہرگز قبول کردہ نشود از ایشان و
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ الدَّارِ مَا فِيهَا
 ایشانرا است عذاب درد دہندہ بخوانند کہ بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از دوزخ
 و ایشانرا است عذاب درد دہندہ عہ می خوانند کہ بیرون آیند از آتش دوزخ و نیستند ایشان بیرون آیند
 مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا
 و ایشانرا است عذاب دائم و درد دوزخ زن دزد و مرد دزد و دست ایشانرا
 از ان و در ایشانرا است عذاب دائم و درد دوزخ و زن دزد و مرد دزد و دست ایشانرا
 جَزَاءً لِمَا كَسَبَتْ لَكَ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ
 جزائے آنچه بہ عمل آورده اند غیرتے از طرف خدا و خدا غالب داناست پس ہر کہ توبہ کرد
 جزائے آنچه بہ عمل آورده اند غیرتے است از جانب خدا و خدا غالب داناست پس ہر کہ توبہ کرد
 بَعْدَ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ ۝
 بعد از ظلم خود و کارشاستہ بصلح آورد پس ہر آئینہ خدا بمرحمت باز میگرد بوی ہر آئینہ خدا آمرزنده مهربان است
 بعد از ظلم خود و اصلاح آورد کار خود را پس ہر آئینہ خدا بمرحمت باز میگرد بوی ہر آئینہ خدا آمرزنده مهربان است
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْنِي مَنْ يَشَاءُ
 آیا ندانستہ کہ خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند ہر کہ را خواهد و
 آید اندیشی کہ ہر آئینہ خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند ہر کہ را خواهد و

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ سُوِّدُوا

ہرگز آفرید ہرگز آفرید
 و خدا بر ہم چیز گواناست و خدا بر ہم چیز گواناست
 اسے پیغامبر اندو بگین اسے پیغامبر اندو بگین

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ آلِ زَكَرِيَّا إِذْ نَبَاَهُمْ رَبُّهُمْ أَنْ أَمَّا بَعْضُكُم مِمَّنْ كَانَ يَجْعَلُ لَكُمْ بَنِينَ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ ۖ

تراکایک سہمی کنند در کفر از آنانکہ گفتند

سایه سبزه در غایت
در غایت سبزه سایه

و از قوم یهود نیز ایشان شنود گانند سخن دروغ را و

و از آنجا که میبودند (ششوند گانه) دروغ را (دجاسمی) گفته برای که

الْمُسْلِمُونَ لَمْ يَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ

فازند که بگویند ایام جاسوسه برای قوم دیگر که نزد تو نیامده اند عه تبدیل می دهند کلمات را بعد از ثبوت آن در مواضع

أَمْ يَقُولُونَ إِنْ أَوْتَيْنَا هَذَا فَخَذَوْنَاهُ وَإِنْ لَمْ يَأْتِنَا بِهِ لَنُؤْتِيَنَّهُ فَإِذَا خَذُوا مِنْ

برای برگزیده افراد، قبول کنید و اگر آزاد داده نشود پس استراحت نماید و هرگز
 اگر داده شود شما را این حکم کنید (پس) قبول کنید و اگر آزاد داده نشود (پس) استراحت کنید و هرگز

فَلْيَنْتَبِهُوا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْءٌ أَوْ لَكَ إِلَهٌ

فداصلالت اور ارادہ کردہ است۔ تواتر برای ادا و خراجی از هدایت ایشان آنانہ کہ

اراده نکرده است خدا را بی ادراک (چون پسر) توانایی برای او از حد پذیرد اینان مردمان

نخاسته است خدا که پاک کند دل ایشان را ایشان راست در دنیا رسوائی ایشان راست در

که بخاسته خدا که پاک گرداند دل های شان را مرایشان راست و دنیا دلیت و مرایشان راست در

لَمِنْ أَجْرِ عَذَابٍ عَظِيمٍ ۝ سَتُعَوْنُ لِلدِّبِ أَكُونُ لِلشَّجَرَةِ فَا

عذاب آخرت عذاب بزرگ (بسیار شونده گامند سخن دروغ را) بسیار خورند گامند حرام را (پس) اگر

جَاءُواكَ فَأُحْكَمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ ۚ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ

۱. اگر اعراض کنی از ایشان بیخ

...فان كان في ذلك ...

انسان زبان نہ رساند جو داگر حکم کن پس حکم کن میان ایشان با نصاب ہر آئینہ خدا دوست می وارد

پس فیصلہ کن میانستان برالصاف ہر ایضاً دوستی دارد

وینف یحیی و نیک و حسن هم و در این بیت حکیم

الضاف کنندگان را و چگونه حکم می گردانند ترا حال آنکه نزد ایشان ثورات است دران حکم

لَهُ ثُمَّ يَتَوَلَّى مَنْ بَعْدَ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

ایشان میگویند ایها مردود اور دیم
وینتند ایشان مومنان هر آینه فافرستادم

الْعَوْرَةَ قَفْضًا هَدًى لِيُخَوِّفَ فِيهَا السُّيُوفَ الَّذِينَ اسْلُبُوا

نوریت را در دے ہدایت و روشنی است حکم می کنند آن پیغامبران که منقاد حکم الہی اند

وگواراست هم کی صدیان بیخیزد

کتابخانه عمومی و موزه ملی ایران - تهران

علا بن بلع معلوم کرده بودند که حکم الهی است و الله اعلم و بلع یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا می کرد و الله اسم ۱۲ تفسیر ثنائی ع بنا بر خوف مردم باین طبع دینار کتب الهی تبدیل و تحریف نمی کنند احکام و اخبار آن را مخفی ندارد و از تحریف و انتقام خدا بترسید از انبیا عظمت شما و مقبولیت تورات این خطاب بر آن رؤسا و علماء یهودی شود که هنگام نزول قرآن بودند و ندانستند آنجا بودند که از حکم و دم انکار کردند و بیگونی بای راکب باطل حضرت پیغمبر بود و در معنی آیه است شقشقی تحریفات نمودند باغبان بامت مسلمة نصیرت است که شما مانند دیگر اقوام از کسی ترسیده یا در حبس مال و جاه گرفتار شده کتاب آسمانی خویش را ضائع نگذارید چنانکه این امت بجهنم حرقی از کتاب خود را ضائع نکرده اند تا امروزه محفوظ ماندن آن بحدی و تحریف و تبطلی که بایا اندیشه خواهند بود عه بنفیدن قصاص چون کفاره کتابان مجروح می شود چنانکه در بعضی احادیث به تصریح آمده بعضی مفسرین این آیت را در باره جاری دانسته میگویند اگر مجروح جاری را به خنجر گاه دی سنان خواهد شد و الرانع هم الاول

لَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَايُونَ وَ الْحَمَارِبَا اسْتَحْفُظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ

برائے یهود و حکمی کنند خدا پرستان و اجاریان همه حکم میکنند بآنچه حافظ آن گردانیده شده اند از کتاب خدا و حکمی کنند خدا پرستان و علماء به آنچه حافظ گردانیده شده اند از کتاب خدا

وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُ النَّاسَ وَ اخْشَوُ اللَّهَ

بر آن گواه بودند و بر آن گواهان پس گفتیم مترسید از مردمان و ترسید از من و خدای کنید و بودند بر آن گواهان (پس) مترسید از مردم و ترسید از من و خدای

بِأَيِّ شَيْءٍ نَمُنَّا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

بآیتهای من بهمان اندک و هر که حکم نکند بآنچه خدا فرستاده پس ایشانند به آیت های من بهمان اندک و هر که حکم نکند موافق آنچه فر فرستاده خدا پس آن گروه ایشانند

الْكُفْرُونَ ۱ وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ

نامعتقدان و لازم ساختیم بر یهود در تورات که شخصی بر عوض نفس است یعنی عوض او با پشت دهم کافران و فرض گردانیدیم بر ایشان در آن کتاب که هر آینه نفس عوض نفس است و چشم

بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ النَّسَّ بِالنَّسِ ۲ وَ

عوض چشم است و بینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است و دندان عوض دندان و دهن عوض دهن و بینی عوض بینی و گوش عوض گوش و دندان عوض دندان و

الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ ۳ وَ مَنْ لَمْ

زخم با اعتبار مماثلت است پس هر که عفو کند آن زخم پس این عفو کفارت است و هر که عفو نکند زخم با مثل آنست پس هر که عفو کرده قصاص را پس این عفو کفارت است و هر که عفو نکند

يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۴ وَ قَفَّيْنَا عَلَى

حکم نه کنند بآنچه خدا فرستاده است پس ایشانند ستمگران و از پس فرستادیم بر چه نكند موافق آنچه فر فرستاده خدا پس آن گروه ایشانند ستم گاران و پس فرستادیم بر چه

أَنَّا رِهْمُ بَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ

این پیغمبران عیسی پسر مریم را بآوردند و آنچه پیش او بود یعنی توریت و برای او مثل عیسی پسر مریم را بآوردند و آنچه پیش او بود از توریت

وَآتَيْنَهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

و دادیم او را انجیل و در وی هدایت و روشنی است و بآوردند او را آنچه پیش وی بود و دادیم او را انجیل که در آن هدایت و روشنی بود و بآوردند او را آنچه پیش او بود از آنچه

مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ۵ وَ لِيَحْكُمَ أَهْلُ

که توریت باشد و هدایت و پند متقیان و فرمودیم باید که حکم کنند اهل از تورات و هدایت و پند متقیان را و باید حکم کنند اهل

الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ

انجیل بآنچه فر فرستاده است خداوندی و هر که حکم نکند بآنچه فر فرستاده است خدا پس ایشانند انجیل بآنچه فر فرستاده است خداوندی و هر که حکم نکند بآنچه فر فرستاده است خدا پس ایشانند

هُمُ الْفَاسِقُونَ ۶ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا

بدکاران و فر فرستادیم بسوی تو کتاب را بر راستی بآوردند آنچه بدکاران و فر فرستادیم بسوی تو کتاب را بر راستی بآوردند آنچه

بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمُنَا عَلَيْهِ فَأَحْكَمْ بَيْنَهُم بِمَا

بین دین از کتاب و تمهیدان بروی و پس حکم کن در میان ایشان بآنچه پیش از دین بود از کتاب و تمهیدان بروی پس حکم کن میان ایشان بآنچه

پیش از دین بود از کتاب و تمهیدان بروی پس حکم کن میان ایشان بآنچه

فل من ترجم گوید این
 و عده در زمان حضرت
 ابو بکر صدیق متفق شد
 و مهاجران و انصار
 و تابعان ایشان با
 تودان جفا کردند
 و الله اعلم
 مترجم گوید یعنی
 باذان است
 گفته الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه نزد یک است
 آن وقتی که خدا بفرستد
 خود پیروزی باو غلبه
 های فیصله کن عنایت
 کند و در مکه مکرمه نیز که
 مرکز مسلم تمام عرب
 است حضرت اودا
 فاتحانه داخل گردانید
 سواي آن از حکم قدرت
 خویش چیزی بر روی
 کار کرد که منافقان
 آنرا دیده تمام توفقات
 باطل شان خاتم پذیر
 دو بر آنها منکشف
 شود که تبه مولات با
 و شتمان اسلام جزالت
 در سواي در دنیا
 و عذاب الیم
 در آخرت
 چیزی نیست چون
 ساجد این نصیحت و
 خسران پیش آید آن
 گاه جزند است کثرت
 و کف افسوس بهم
 مایه آن چیزی حاصل
 نشود الان قد نمت
 و ما ننتقم و چنین
 شد دشمنان اسلام
 چون غلام دفع کرد
 و غیره را دیدند حوصله
 بای شان تنگ شد
 بسیار بود که کشیدند
 بسا که جلای وطن گردید
 بر امیدهای منافقان
 بر باد رفت و در محض
 مقابل مسلمانان درو

مَنْ عِنْدَهُ فَيُصِيبُ عَلَى مَا اسْرَوْا فِي انْفُسِهِمْ نَذِيرًا ۝ وَيَقُولُ
 از نزد یک خود پس بپایان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش و بگویند
 از جانب خود پس می شوند بر صحنی که پوشیده اند در نفس های خود ایشان عه وی گویند
 الَّذِينَ اٰمَنُوا اَهُؤُلَاءِ الَّذِينَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ تَحَدُّاۢ اَيْمَانِهِمْ اِنَّهُمْ
 مومنان یعنی روز قیامت آیا ایشانند آنانکه قسم خورده اند بخدا سخت ترین سوگند های خویش که البته ایشان
 مسلمانان آیا همان مردم اند که قسم می خوردند بر خدا به تاکید (سخت ترین قسم ها) که ایشان
 لَكُمْ حَبِطَتِ اَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَيْرَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا
 براه شما اند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زبان کار
 با شایسته بر باد رفت عمل های شان پس ماندند در نقصان (زبان کاران) اے مومنان
 مَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيۡنٍ فَسَوْفَ يٰۤاَتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُجِبُّوۡنَهُ
 هر که از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را و ایشان دوست می دارند او را
 کسی که از شما گشت از دین خود پس عنقریب می آرد خدا قومی را که دوست می دارد (خدا) ایشان را و دوست میدارند ایشان را
 اٰذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِيۡنَ اَعْرَۡةٌ عَلَى الْكٰفِرِيۡنَ يُجَاهِدُوۡنَ فِي سَبِيۡلِ
 متواضع اند برای مومنان در سخت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه
 نرم دل اند بر مومنان زبردست اند بر کافران جنگ می کنند در راه
 اللّٰهِ وَلَا يَخَافُوۡنَ لَوۡمَةَ اِلٰهٍ ۝ ذٰلِكَ فَضَلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنۢ يَّشَآءُ
 خدا و نمی ترسند از طعنت طاعت کننده این بخشایش خداست می دهد آنرا به هر که خواهد
 خدا و نمی ترسند از طعنت کردن هیچ طاعت کننده این فضل خداست خواهد داد کسی را که بخواهد
 وَاللّٰهُ وَاَسِعَ عَلِيۡمٌ ۝ اِنَّهَا وَلِیۡكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهُ وَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوا
 و خدا بجاودا است و داناست و این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که
 و خدا صاحب کیش و داناست (جز این نیست) که مددگار شما فقط خدا و رسول و دوست مومنان اند
 الَّذِيۡنَ يَقِيۡمُوۡنَ الصَّلٰوةَ وَيُوۡتُوۡنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُوۡنَ ۝ وَمَنۢ
 بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان هم سست نماز گزارند و هر که
 بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة و آن عابری کنندگان اند و کور کنندگان و کسی که
 يَقُوۡلُ اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهُ وَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوا فَاَنۢ حَزَبَ اللّٰهُ هُمُ الْغٰلِبُوۡنَ ۝
 دوستی کند با خدا و رسول او و با مومنان پس هر آینه گروه خدا هاست غالب
 دوست دارد خدا و رسول او و مومنان را پس هر آینه گروه خدا ایشان بر همه غالب اند
 يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِيۡنَ اتَّخَذُوۡا دِيۡنَکُمْ هُزُوًا وَاُولٰٓئِکَ
 اے مسلمانان دوست نگیرید کسانی را که متخو و بازی گرفته اند و این همارا
 ای مومنان دوست نگیرید آن مردمان را که می گیرند دین شما را خنده و بازی
 مِّنۢ الَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الْکِتٰبَ مِنْ قَبۡلِکُمْ وَالْکٰفِرَ اَوۡلِیَآءَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
 از کسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش از شما و دشمنان کافران را و بترسید از خدا
 آن مردمان که داده شده بر ایشان کتاب پیش از شما و نه کافران را و بترسید از خدا
 اِنْ کُنۡتُمْ مُّؤْمِنِيۡنَ ۝ وَاِذَا نَادٰۤیۡتُمۡ اِلَى الصَّلٰوةِ اٰتُوۡا وَاَقِمُوا
 اگر مسلمان هستید و چون ندا کنید بسوی نماز متوجه شوید و بازی گیرند
 اگر مستبد شما مسلمان و آنگاه که شما ندا می کنید بر اسای نماز می گیرند او را متوجه
 وَلَعِبًا ذٰلِکَ بَاۡتِهَمۡ قَوْمًا لَا يَعْقِلُوۡنَ ۝ قُلۡ يٰۤاَهۡلَ الْکِتٰبِ
 آن را فل این بسبب است که ایشان گروهی هستند که هیچ نمی فهمند بگو اے اهل کتاب
 و بازی این بدان سبب است که آنان قومی بی عقل اند بگو ای اهل کتاب

آنرا فل این بسبب است که ایشان گروهی هستند که هیچ نمی فهمند بگو اے اهل کتاب و بازی این بدان سبب است که آنان قومی بی عقل اند بگو ای اهل کتاب

فل یمنی سائر کتب سابقه
 و مترجم گوید حاصل
 آنست که اگر بر پای
 داشته علم توریت و
 انجیل را پیش از نزول
 قرآن پیش از انکه حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 مبعوث شود برکت
 فرودان نصیب ایشان
 میشد لیکن مخالفت
 کردند پس با فساد بلا
 مبتلا گشتند الله اعلم
 ما یقینی اگر یک آیت
 هم نرساندی از الله اعلم
 و مترجم گوید یعنی
 قرآن و سائر کتب سابقه
 و مترجم گوید حاصل
 آنست که بر وفق
 قول خود مژم می
 شوند بر هر که از کتب
 شرعی می کنند و حسب
 آن می روند قطع نظر از
 انکه قرآن و الله اعلم
 و یقینی در اصل از
 هر فردی که باشد چون
 ایمان آرد از اهل بیعت
 است و خصوصیت
 فرق را اعتبار
 نیست و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 ازین معلوم شد که تا پیش
 در میان مسلمانان بیعت
 و اخوت محکم بوده پس
 جمله و رشده صلاح
 باشند و در اجتناب
 از فساد و کوشش چنانکه
 در میان اصحاب معلوم
 بود تا همسایگی اهل
 کتاب در مقابل آنها
 پیروده می باشند
 با وجود این همه حرامی شده
 و اعمال زشت اکنون
 نیز اگر اهل کتاب از
 کرده خویش تابید
 می شدند و بکفر می
 میگردیدند و سائر کتب
 که هم ایمانی می آوردند

أَوْ قَدْ وَاَنَّا لِلْحَرْبِ لَظَفَا هَا اللَّهُ لَا يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا
 بری از روزنه آتش را بر آتش جنگ فرو می نشاندش خدا می ستانند
 می از روزنه آتش بر آتش جنگ فرو می نشاندش خدا می ستانند
 و الله لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ٥ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا
 و خدا دوست نمی دارد مفسدان را و اگر اهل کتاب ایمانی می آوردند و پرهیزگاری می کردند
 و خدا دوست ندارد مفسدان را و اگر اهل کتاب ایمانی می آوردند و پرهیزگاری می کردند
 لَكُنَّا عَنْهُمْ سَبِيلًا ٦ وَأَدْخَلْنَاهُمْ حِجَّتَ النَّبِيِّ ٧ وَلَوْ أَنَّهُمْ
 تا بود ساحتی از ایشان گناهمان ایشان را و در آوردی ایشان را بپوششهاست لغت و اگر ایشان
 البتة و در می کردیم از ایشان گناهمان ایشان را و داخل می کردیم ایشان را در باغ های لغت و اگر ایشان
 أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْفِيَهُمْ
 بر پامید استند حکم توریت و انجیل را و آنچه فرو آورده شده است بسوی ایشان از پروردگار ایشان و خداوند
 قائم می داشتند تورات و انجیل را و آنچه نازل شده بر ایشان از جانب پروردگارشان البتة خودند
 مِنْ قَوْمِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ
 از بالای خود و از زیر پایهای خود از ایشان گروهی است میانده و بسیار
 از بالای خود و از زیر پایهای خود از ایشان گروهی است میانده و بسیار
 مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ٨ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنَ
 از ایشان بد چیز است که می کنند و ای ایستاده برسان آنچه فرو آورده شده است بسوی تو از
 از ایشان بد است آنچه می کنند ای رسول برسان آنچه بر تو نازل شده است از
 رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
 جانب پروردگار تو اگر چنین نکردی پس تو نرسانندی بلیغ پیغام او را و خدا نگهدارند ترا از مردم
 بجان پروردگار تو اگر چنین نکردی پس تو نرسانندی بلیغ پیغام او را و خدا نگهدارند ترا از مردم
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٩ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى
 بر آنچه خدا راه نمی نماید گروه کافران را بگو ای اهل کتاب بنشینید بر
 بر آنچه خدا راه نمی نماید قوم کفار را بگو ای اهل کتاب شما بنشینید بر
 لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ١٠ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ
 چیز می تا آنکه بر پائیند حکم توریت و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شده است بسوی شما از پروردگار شما و
 چیز تا استوار دارید و انجیل را و آنچه نازل شده بسوی شما از طرف پروردگار شما و
 لَنُزَيِّنَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ١١ فَلَا
 البتة بیفزاید و در حق بسیار است از ایشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو یعنی قرآن طغیان و کفر
 البتة بیفزاید و در باره کسی از ایشان آنچه نازل شده بسوی تو از طرف رب تو تا قرآنی و کفر پس
 تَأْسَى عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ١٢ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
 اندوهگینی منو بر قوم کافران و بر آنچه مسلمانان و جهودان و مجوس است حال
 اندوه من بر قوم کفار بر آنچه آنکه مسلمانان اند و تانکه
 الصَّابِرُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا
 ستاره بر مسلمانان و نصاری و هر که ایمان آرد از ایشان بخدا و روز آخر و کرد کار
 و فرق صافی و نصاری و هر که ایمان بخدا و روز قیامت و عمل نیک کند
 فَلَا تَخَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٣ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوهگینی کشوند و
 نه بر ایشان خونی هست و زادشان هکلی می کشند بر آنچه هر که عهده می اسرائیل را

کردیم ایمانی می آوردند و آن جهان سرفروزی میگردانید رحمت خدای متعال

دلیلی پیشوایان
یهودیه و نصرانی
که برائے ایشان
مذہب قرار داده
اند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع چون مسیح را
خدا گفتند از نام
می آید که او را
موجود هم خوانند
لیکن موجود شدن
صرف بذات مقتضی
است که اهل هر نوع
نفع و ضرر و اداری
اقتدار کامل باشد
زیرا که عبادت
تذلل انتہائی را
نامند و انتہائی تذلل
در پیشگاه ذاتی می
توان کرد که اداری
متحمل عزت و
غلبه نباشد و در هر
وقت شنوای احوال
هر کس که خواهد نام
قد این آیت با عقیده
مشرکان و تثلیث عقاید
تمام مشرکان و دینی خود
ع مقصد از بیان
در عقیده ایست که
یک موجود بشری را
خدا قرار دادند و غلو
در عمل آنست که
"ربانیت" گفته
می شود و در بیان
بنده و مالکین
علیهم السلام را محدود کردند
از تمام قبایح یهود
بیان شده ظاهر می شود
که بنا بر اینها که در
دنیا پرستی و تمکیل
شبهات نفسانی
دین و دینداران در
نقد آنها هیچ غفلت
و دقت نداشت
حتی ابا بت و قتل
انبیاء علیهم السلام
شمار آنها بود بر خلاف آنها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو کردند که از زمین آنها بعضی را خدا خواندند و دینا ترک و در میانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و دین

وَلَا تَقْعَاطُ وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ۝۱۰ قُلْ یَا هَلَلِ الْکِتَیْبِ

و نه سودی و خدا همان است شنوا و انا بخوان ای کتاب و نه سودی و خدا همان است شنوا و انا بخوان ای کتاب

لَا تَقْعَاطُ فِی دِیْنِکُمْ غَیْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوََاءَ قَوْمٍ قَدْ

از حد بگذرید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که از حد بگذرید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که

ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا کَثِیْرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِیْلِ ۝۱۱

گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمراه شدند از راه راست و گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمراه شدند از راه راست

لَعْنُ الَّذِیْنَ کَفَرُوا مِنْ بَنِیْ إِسْرَءِیْلَ عَلٰی لِسَانِ دَاوُدَ

لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود

عِیْسٰی ابْنِ مَرْیَمَ ذٰلِکَ بِمَا عَصَوْا وَاَوْکَاظُ یَعْتَدُوْنَ ۝۱۲

عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی می کردند و از حد می گذشتند یک دیگر را عیسی پسر مریم این بسبب بود که نافرمانی کردند و یوئند که از حد می گذشتند یوئند که

لَا یَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْکَرٍ فَعَلُوْهُ لَکِیْسٌ مَّا کَانُوْا یَفْعَلُوْنَ ۝۱۳

منع نمی کردند از ان عمل زشت که مرتکب آن میشدند هر آینه بد چیزه است که می کردند منع نمی کردند یک دیگر را از عمل زشت که می کردند آنرا هر آینه بد چیزه است که می کردند

تَرٰهُمْ کَثِیْرًا مِنْهُمْ یَتَوَكَّلُوْنَ الَّذِیْنَ کَفَرُوا لَکِیْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لَهُمْ

آنچنین که بسیار از ایشان دوستی می کنند با کافران یعنی با مشرکان هر آینه بد چیزه است که پیش فرستاده است برای ایشان می بینی بسیار از ایشان را که دوستی می کنند با کافران ع هر آینه بد چیزه است که پیش فرستاده است برای ایشان

اَنْفُسَهُمْ اَنْ یَّخْطَا اللّٰهُ عَلَیْهِمْ وَفِی الْعَذَابِ هُمْ خٰلِدُوْنَ ۝۱۴

نفس ایشان آن چیز خشم خرقن خداست بر ایشان و ایشان در عذاب جاوید اند نفس شان آنکه خشم معرفت خدا بر ایشان و در عذاب ایشان جاوید اند

وَلَوْ کَانُوْا یُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ مَا نَزَّلَ اِلَیْهِمْ مَّا تَتَّخِذُوْهُمْ

و اگر ایمان آوردند خدا و پیغمبر یعنی پیغمبر خود و آنچه فرو فرستاده شده است بسوی دی البتہ دوست نه گرفتند و اگر با شنید که ایمان آوردند خدا و پیغمبر و آنچه فرو فرستاده شده بسوی وی البتہ دوست نه گرفتند

اَوْلِیَآءَ وَلٰکِنْ کَثِیْرًا مِنْهُمْ فَسِقُوْنَ ۝۱۵ لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ النَّاسِ

مشرکان را و لیکن بسیار از ایشان فاسقاند هر آینه بیابانی سخت ترین مردمان مشرکان را و لیکن بسیار از ایشان فاسقاند هر آینه بیابانی سخت ترین مردمان

عَدَاوَةً لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوا الْیَهُودُ وَالَّذِیْنَ اَشْرَکُوا وَلَتَجِدَنَّ

در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیابانی در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیابانی

اَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوا الَّذِیْنَ قَالُوْا اِنَّا نَصْرُیْ ذٰلِکَ

نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که می گفتند ما نصاری ایم این نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که می گفتند ما نصاری ایم این بسبب آنست که از جنس ایشان هستند و دشمنان دشمنان و بسبب آنست که ایشان تکبر می کنند آنست که از جنس ایشان هستند و دشمنان دشمنان و بسبب آنست که ایشان تکبر می کنند

یَاۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا لَا یَسْتَكْبِرُوْنَ ۝۱۶

ای کسانی که ایمان آورده اید متکبر مگردید

وَإِذْ أَسْمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ

و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بر پیاپی
و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بسوی پیشتر

تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا

به بینی چشمهای ایشان اشک میریزد بسبب آنچه شناختند از حق می گویند ای پروردگار ما
به بینی چشمهای ایشان اشک میریزد بسبب آنچه شناختند از حق می گویند ای پروردگار ما

أَمَّا فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَا لَنَا لَوْ كُنَّا بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ

ایمان آوردیم پس بنویس ما را با شاهدان و چیست ما را که ایمان نیایم بخدا و آنچه آمده است ما از
ایمان آوردیم پس بنویس ما را با شاهدان و چیست ما را که ایمان نیایم بخدا و آنچه آمده است ما از

الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يَدْخُلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَأَنَّا بِهِمْ

دین راست و طمع داریم که داخل کنی ما را پروردگار ما با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را
دین راست و طمع داریم که داخل کنی ما را پروردگار ما با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را

اللَّهُ بِمَا قَالُوا اجْتَنِبُوا حُرْمِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ

خدا بر آن مقرر کرد گفتند بوستانها میروند زیر آن جوینها مجاهدان آسمانی و این است
خدا بر آن مقرر کرد گفتند بوستانها میروند زیر آن جوینها مجاهدان آسمانی و این است

جَزَاءُ الْبَاحِثِينَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

جزای بنیکوکاران است و کسانیکه کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات ما را ایشانند اهل
جزای بنیکوکاران است و کسانیکه کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات ما را ایشانند اهل

الْجَحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرُّوا طَيْبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

دور از اے مؤمنان حرام مکنید لذت آنچه خدا حلال ساخته است شمارا
دور از اے مؤمنان حرام مکنید لذت آنچه خدا حلال ساخته است شمارا

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ

و از حد نگذرید هر آینه خدا دوست نمی دارد و از حد گذرندگان را و بخورید از آنچه روزی داده است شمارا
و از حد نگذرید هر آینه خدا دوست نمی دارد و از حد گذرندگان را و بخورید از آنچه روزی داده است شمارا

اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝

خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما بوی ایمان آوردید
خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما بوی ایمان آوردید

لَا يُؤْخَذُ كُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُ كُمْ

بازخواست نمی کند از شما خدا بلفظ و سوگند بانهی شما و لیکن بازخواست می کند از شما
بازخواست نمی کند از شما خدا بلفظ و سوگند بانهی شما و لیکن بازخواست می کند از شما

بِمَا عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ

بسبب محکم کردن سوگند یا بقصد و کفارت تمین منعده طعام دادن ده مسکین راست از
بانهی سوگند یا بار کفارت تمین منعده طعام دادن ده مسکین راست از

أَوْ سِتْرًا مِمَّا نَظَعُمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفًا مِنْ رِقَبٍ فَمَنْ

جلسه میماند از آنچه بخورید یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده پس هر که
میماند از آنچه بخورید یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده پس هر که

لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ

نیاید لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگند بانهی شما چون سوگند خورد یعنی و حاشا تنبیه
میسر نشود (شاید) لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگند بانهی شما چون سوگند خورد یعنی

و یا بر هر روز نظر بر مسکین غدا یا قیمت آنرا بپردازد سه یا آن اندازه که قسمت کشیدین پنهان شود مثلاً پیرامن و قبان و یا انگ و چادر لعه یعنی یک برده را آزاد کردن

و این یعنی حالت
را کمال امت
باشند والله
اعلم ۱۱ و

یعنی بهشت ۱۲
و مترجم گوید در
آیات مذکور اشارت
است بفضیلت قومی
از انصار حبشه که همراه
جعفر طیار مخدوم
آنحضرت آمده مسلمان
شدند و الله اعلم ۱۳

و این یعنی نذر نکاح
یا ترک کل کرم و امثال
آن در دست نیست
والله اعلم ۱۴

مترجم گوید یعنی بنویس
کفارت واجب نیست
چنانکه از دور شبیه
مینور بنی گوید که الله

۱۱ زید است و زید
باشد و تمین
منعده اگر طاعت
۱۲ شود کفارت
واجب است چنانکه
گوید و الله این حکم
خودم یاد دین خانه
فرمایم و علی بن القطار

۱۳ و الله اعلم ۱۴
تفسیر عثمانی
۱۵ یعنی بانهی و در دنیا
کفاره نیست بلکه
در تمین منعده

۱۶ واجب است تفسیر
تقسیم لغو را و از خبر
پاره سیقول گذشت
است چون در فوق
ذکر تحریم طایبات بود
یعنی هر یک قسم تحریم
است لهذا احکام

۱۷ بیان میشود
عنه یعنی بعد از گفتن
قسم این کفاره داد
می خود به دادن نان
مخیر است که ده مسکین
را بخاند آورده نان ده

۱۸ و الله اعلم ۱۹
تفسیر عثمانی
۲۰ یعنی بانهی و در دنیا
کفاره نیست بلکه
در تمین منعده

۲۱ واجب است تفسیر
تقسیم لغو را و از خبر
پاره سیقول گذشت
است چون در فوق
ذکر تحریم طایبات بود
یعنی هر یک قسم تحریم
است لهذا احکام

۲۲ بیان میشود
عنه یعنی بعد از گفتن
قسم این کفاره داد
می خود به دادن نان
مخیر است که ده مسکین
را بخاند آورده نان ده

۲۳ و الله اعلم ۲۴
تفسیر عثمانی
۲۵ یعنی بانهی و در دنیا
کفاره نیست بلکه
در تمین منعده

۲۶ واجب است تفسیر
تقسیم لغو را و از خبر
پاره سیقول گذشت
است چون در فوق
ذکر تحریم طایبات بود
یعنی هر یک قسم تحریم
است لهذا احکام

۲۷ بیان میشود
عنه یعنی بعد از گفتن
قسم این کفاره داد
می خود به دادن نان
مخیر است که ده مسکین
را بخاند آورده نان ده

فتح الرحمن

والتی تاقدهور
حاش نشوید و الله
علم ۱۲ یعنی
قبل از تحریم ۱۲
مترجم گوید یعنی
آنچه قبل از تحریم خود
عفو است چون در
تقریری در سوخ پیدا
کردند و این سخن بدان
ماند که کسی گوید یا تو
احسان کنم یا باز تو
احسان کنم بجز آنکه
پیوسته احسان کنم
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع چون آن
شرابی خورده خود
ضایعی می شود بعضی
اوقات بدست
شده با هم دگری
جنگند حتی پس از
رفع نشه نیز گاهی
اثر جنگ باقی
می ماند و دشمنی برپا
می شود عین این
کیفیت بلکه به
مراتب بیشتر از آن
از قمار پیدا
می آید و در اثر
بردن باخت ۲
جنگ و فداهای
سخت برپا می شود
و شیطان را برای
برپا کردن منگامه
موقعه خوب دست
می دهد این بود فساد
و عیج ظاهری اما
نقصان باطنی این
است که آن چون
درین چیزهای ناپاک
مشغول شود از یاد
خدا و عبادات الهی
لاذ غافل می شود
و دلیل آن مشایبه
و تخریب است افرادی
را که به شرطی مشغول
میشوند بهینده که در

وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و نگاهدارید سوگندهای خود را و همچنین بیان می کند خدا برای شما آیتها را خود را تا بود که شما شکر کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذُوا آلَ الْبَيْتِ وَالْأَزْوَاجُ رُجْسًا

اے مسلمانان جزاین نیست که هر و شمار و نشانهای معبودان باطل و تیرهای نال پیدا است اے مومنان جزاین نیست که هر و شمار و نشانهای معبودان باطل و تیرهای نال پیدا است

مَنْ عَمِلَ لِلشَّيْطَانِ فَاجْتَبَاهُ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ ۱۰ اتَّخَذُوا آلَ الْبَيْتِ الشَّيْطَانِ

از کردار شیطان است پس احتراز کنید از او تا بود که شما رستگار شوید جزاین نیست که می خواهد شیطان

أَنْ يُوَفَّقَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَيْرِ وَالْمَيْسَرِ وَيَصُدَّكُمْ

که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب مهر و قمار و باز دارد شمارا که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی در خوردن مهر و قمار و باز دارد شمارا

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ قَهْلًا أَنْتُمْ مُسْتَهْزِئُونَ ۱۱ وَأَطِيعُوا

از یاد خدا و از نماز پس آید احوال شما باز ایستادید و فرمانبردار می کنید از یاد خدا و از نماز پس آید استیسا باز ایستادگان ع و فرمانبردار می کنید

اللَّهُ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّي أَعْلَى

خدا را و فرمانبردار می کنید پیغمبر را و ترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که بر خدا را و فرمانبردار می کنید پیغمبر را و ترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که بر

رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْبَيِّنُ ۱۲ كَيْسٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

پیغمبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا نیست بر کسانیکو ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند رسول ما رسانیدن روشن است نیست بر کسانیکو ایمان آوردند و عمل شایسته کردند

جَنَاحٍ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا

کتابی در آنچه خوردند خط چون پر پیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پر پیزگاری کردند و کتابی در آنچه بیشتر خوردند چون از آینه ترسیدند پر پیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پر پیزگاری کردند

أَمْنًا اتَّقَوْا وَاحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ایمان آوردند باز پر پیزگاری کردند و نیکی کار می دارند خدا دوست می دارد و نیکی کاران را اے پر پیزگاری کردند و یقین کردند ایمان آوردند و بازمی ترسیدند پر پیزگاری کردند و نیکی کار می دارند خدا دوست می دارد و نیکی کاران را اے

أَمْنًا اتَّقَوْا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۴ تَالَهُ الصَّيْدُ تَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرَمَا حَكْمُ لِبَعْدِ

مسلمان هر آینه می آید شمارا پروردگار شما بخیر از شکار پرست بان دستهای شما و نیزه های شما بخیر کند مومنان هر آینه می آید شمارا خدا بخیر از شکار که میرسد بان دستهای شما و نیزه های شما تا معلوم کند

اللَّهُ مَنْ يَخَافُ بِالْغَيْبِ فَمِنْ أَعْدَائِي بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

خدا کسی را که غایبانه از وی ترسد پس هر که قدری کند بعد از این او را است عذاب خدا کسی را که از وی ترسد در غیب پس هر که از حد درگذرد بعد از این پس مراد است عذاب

أَلِيمٌ ۱۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ

درد دهنده اے مسلمانان کشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که در ناک اے مومنان کشید صید را حال آنکه شما محرم باشید و هر که

قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِمَّا قُتِلَ مِنَ التَّعْوِيجِ حَكْمٌ بِهِ

کشد او را از شما بقصد پس واجب است جزا و آن جزا آنست که از کشته است از پیش چهار پا یا آن حکم کند بان بکشد او را از شما بقصد پس بر او واجب است جزا مانند آنچه کشته است از چهار پا یا آن حکم کند بر آن

میشوند بهینده که در

ذَوَاعْدِلٍ مِنْكُمْ هَدًى يَأْتِلُغُ الْكَعْبَةَ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ

و صاحب عدالت از شما باشد که آن جزای را بپایان رساند بکعبه یا برادست طعام داون درویشان یا

عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لَيَذُوقُ وَبِالْأَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ سَلَفُ ط

برابر آن از روزه تا بخشد جزای کردار خود عفو کرده است خدا از آنچه گذشت

وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۲۱ أَحِلَّ لَكُمْ

و هر که دیگر بار کند انتقام کرد از وی و خدا غالب صاحب انتقام است مطلقان کرده شد برائے

صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغَنَاءِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ

شکار دریا و خوردن آن تا منفعت باشد برائے شما و برائے قایل و حرام کرده شد بر شما شکار

الْبَرِّ مَا دُمْتُ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝۲۲ جَعَلَ اللَّهُ

بیابان تا وقتیکه احرام بسته باشد و برسد از آن خدا که بسوی وی حشر کرده خواهد شد گردانید خدای تعالی

لِلْكَعْبَةِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ وَ

کعبه که خانه بزرگوار است سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و

الْقَلْبِ ذَلِكُمْ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

آنچه در گردن نشن تلاوه اندازند این بیان برائے آنست که تا بداند که خدای دانند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۲۳ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۴

داند آنکه خدا به هر چیز داناست بداند که خدا سخت است عقوبت او و آنکه بداند که

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۲۵ مَاعَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ

خدا آمرزنده مهربان است نیست بر پیغمبر مگر رسانیدن پیغام و خدای دانند آنچه آشکارا می کنید و

مَا تَكْمُلُونَ ۝۲۶ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ كَثْرَةُ

آنچه پنهان می کنید بخوایم محمد برابر نیست و پلید و پاک و اگر چه در عجب آرد ترا بسیاری

الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ ۝۲۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پلید پس برسد از خدای خداوندان خرد تا شما بجات یا بید

أَمْوَالُكُمْ تَسْأَلُونَ عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلُكُمْ تَسْأَلُونَ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ

مسلمانان سوال کنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما علین کند شمارا و اگر سوال کنید از آن و قتی که

يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدِّلُكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۲۸ قَدْ سَأَلَهَا

فرود آورده می شود قرآن البتة ظاهر کرده شود پیش شما غفور خدای تعالی از آن سوالات و خدا آمرزنده بزرگوار است و هر آنچه سوال کرده

تازل می شود قرآن در گذشت خدا از آنها خدا آمرزنده محل کننده است (به تحقیق) چنین سخنها پرسیده اند

فتح الرحمن
و از منجم گوید جزای
صید کنی از منجم تواند
بود مائل صید را در
حرم و منجم کند و مالیت
نزدیک شایقی خلقت
و بیعت است و
نزدیک الی صنف
بقیت یا بقیت صید
طعام خریدن نماید
و مسکینان و بدو
نزدیک شایقی بهر
سکته را بدو و
نزدیک ای صنف
میکنی را بهر صاع
از منجم یا یک صاع
از جو یا شمشکینان
علی اختلاف المبین
رویه دارد و الله اعلم
و منجم گوید یعنی مال
حرام و مال حلال برابر
نیست اگر چه حرام
بسیار مع می شود
والله اعلم ۱۲ و
منجم گوید بعضی مردم
از آنحضرت بفرمود
سوال می کردند که
گفت بدین کیست
و دیگر که گفت که
مرجع من بهشت
است یا دوزخ و این
ناپ نازل شد ۱۲
تفسیر عثمانی
ع نزد خدیو مسلم
این است که اگر در
۱۳ حال احرام
خ صید را بگوید
ممنوع آن فرض
است و اگر گفت دو
نفر مقبره بهر تجربه
کار قیت آنرا صحن
نماید به اندازه قیمت
آن حیوانی را بخود
مثلاً (بزی یا گاو یا شتر
و غیره) و نزدیک کعبه
یعنی در حدود حرام
رسانده و منجم کند
خداوند آن را بخود یا قیت آنرا غلظت برید بهر مسکین به مقدار صدقه و فقر تقسیم کند و یا بهر تعداد مسکین که می رسد به آن قدر روزه بگیرد و عید منجمی از قبضه قدرت او بر آید

فتح الرحمن

ما ترجمه گوید باین
 باینیت احکامه چند
 اختراع کرده بودند
 در آنها بقل اسلاف
 خود شک می نمودند از بیک
 بیکه و آن ماده شتره
 است که او را برای
 بنان مقرر می کردند
 و بیکه نمیدانند سائبه
 که برای بنان جانور را
 می گزاشتنند و بار بر
 پشت او می نهادند و
 وصله و آن ماده شتر
 که او را در اول عمر
 شتر ماده لبه بارها
 بنیز فصل دیگر باره
 زاید پس از آن است
 می گزاشتنند و بعد از آن
 اندک محله چند بچه
 گرفته اند و در اسباب
 داشتند از در کوب
 و جز آن در اعلا
 گفته اند خدا انقدر
 این همه را فرستاد و
 آیت فرستاد و
 این اگر شواهد را کردید
 و شواهد معروف بجا
 آورده مخالفت مخالفان
 ضرر نمی کند و الله اعلم
 الباقی مترجم گوید سائبه
 را اتفاق سفر افتاد
 و در جائی که هیچ سائبه
 نبود مخفیانه ناچار
 دود می را ترک خود
 سپرد و بر دوش خود
 گواه ساخت ایشان
 از آن ترک حام فقره را
 خیانت کردند چون
 ادیانیت از ایشان
 مطالبه نمودند قسم خوردند
 که ما باین اطلاع ندایم
 بعد از آن آنجا نزدیک
 صومالی پیدا شد گفت
 که این دود می بدست
 من فروختند درین باب
 آیت نازل شد و در کسر
 از اولیامیت قسم خورده آنجا را گرفتند و باین گواه

قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكَ ثُمَّ أَصْبَحُوا نَافِرِينَ ﴿٢﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۖ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا احْسِبْنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَلَا وَكُنَّا مِنَ اللَّهِ لَسُوًّا يُسْوِيهِمْ يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ إِلَّا الْأَشْجَارَ الَّتِي لَا يَمَسُّهَا الْإِنسَانُ وَلَا الْأَنْعَامُ ۚ أُولَٰئِكَ نَجْثِلُهُمْ فِيهَا حُغُلًا عُقَبًا كَاثِرًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ أَكْثَرُ فَاسِدِينَ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَاذَنْبُوا أَمْوَالَهُمْ الَّتِي بَنَوْا عَلَىٰ الْكَفْرِ قَالُوا مَاذَا نَجْعَلَ إِلَٰهًا غَيْرَ اللَّهِ ۚ قُلْ إِنَّمَا أَتَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُخَوِّفُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآيَاتِ الَّتِي هُنَّ بَيِّنَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّىٰ إِذَا هُمْ يَحْتَدِيثُ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ خَلِّشْتُمْ إِلَىٰ ضَرْبِ غَيِّ رَسَائِدِ شَرِّكُمْ كَمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّىٰ إِذَا هُمْ يَحْتَدِيثُ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ خَلِّشْتُمْ إِلَىٰ ضَرْبِ غَيِّ رَسَائِدِ شَرِّكُمْ كَمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّىٰ إِذَا هُمْ يَحْتَدِيثُ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ خَلِّشْتُمْ إِلَىٰ ضَرْبِ غَيِّ رَسَائِدِ شَرِّكُمْ كَمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦﴾

فوق پیش از شما باز کافر شدند با آنها صلوات و نکرده است خداوند شایسته و بیکه
 فوق پیش از شما باز کافر شدند از آن سخن با مکرر مقرر نکرده خدا از بیکه و نه
 سائبه و نه وصیل و نه حام را و لیکن کافران می بزدند بر خدا
 سائبه و نه وصیل و نه حام را و لیکن کافران می بزدند بر خدا
 کذب و اکثرهم لا یعقلون و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل
 می بزدند و بسیار از ایشان در نمی یابند و چون گفته شود ایشان را بیا سائبه بوی آنکه نازل کرده
 بهتان و بسیارشان عقل ندارد و چون گفته شود ایشان را بیا سائبه بوی آنکه نازل کرده
 الله و الی الرسول قالوا احسبنا ما وجدنا علیه ابائنا و لو کان
 خدا و بسوی پیامبر گویند پس است ما را آنچه بر آن یا قیتم پدران خود را و اگر چه
 خدا و بسوی رسول می گویند کافی است ما را آنچه یا قیتم بر آن پدرها و اجداد خود را و اگر چه
 ابائهم لا یعلمون شیئا و لا یحسدون و یأیها الذین امنوا علیکم
 پدران ایشان هیچ نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند اے مسلمانان محافظت کنید
 پدرها و اجدادشان هیچ نمی دانستند و نه راه را می دانند اے مومنان بر شما لازم هست
 انفسکم لا یضرکم من ضل اذا هتمت الی الله مر جعکم
 خویشانتان را ضرر نمی رساند شمارا کسی که گمراه شد چون شمارا راه یاب شدید بسوی خداست و رجوع شما
 نکرده شما خود هیچ ضرر بر شمارا نماند نمی توانست که گمراه شد آنگاه که بر راه با شدید بسوی خداست باز گفتن
 جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون و یأیها الذین امنوا شهداء
 همه یک جا پس خبر دهید شمارا با آنچه عمل می کردید و اے مسلمانان نصاب شهادت
 همه شما پس خبر بجا دهید شمارا با آنچه می کردید اے مومنان نصاب شهادت
 بینکم اذا حضر احدکم الموت حین الوصیه اثنتین ذواتین منکم
 در میان شما چون برسد یکی از شمارا موت در وقت وصیت دو شخص عادل می باید که از شما
 در میان شما چون برسد یکی از شمارا موت در وقت وصیت دو شخص عادل می باید که از شما
 او اخرین من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبه
 یا دیگران از غیر شما اگر شما سفر کرده باشید در زمین پس رسد ب شما مصیبت
 یا دو تن دیگر از غیر شما اگر شما سفر کنید در زمین پس برسد ب شما مصیبت
 الموت تحبسوا لهما من بعد الصلوة فیقسمین بالله ان ارتبکم
 موت اگر شک داشته باشید باز دارید ایشان را بعد از نماز یعنی نماز عصر پس قسم خوردند بخدا
 موت باز می دارید آن دو کس را بعد از نماز پس قسم خوردند آن دو بیکدیگر که راست می گویند
 لا نشتریک به ثمناً و لو کان ذاقربی و لا نکتهم شهادة الله اننا الذین
 که خرید می کنیم عوض سوگند خدا بهمانی دنیا و اگر چه سبک برای لغو او گواهی میدییم صاحب قرابت باشند و پنهان می کنیم
 که بدل نمی کنیم باین سوگند بها و اگر چه خویش ما باشد و می پوشیم گواهی خدای را بدستیکه آن وقت (بهر آئیند) از
 الذینین فان عثر علی انهما استحقا انما فخرین یقومن مقامهما
 گناهکاران یا قسم پس اگر اطلاع داشتند بر این دو گناه حاصل کردند گواهی پس باینستند و کس دیگر که قرابت فریده است باینستند باینستند باینستند
 گناهکاران یا قسم پس اگر اطلاع یافتند بر این دو گناه پوشیدند سخن حق را (کسب کرده اند گناه را) پس گواه دیگر خبرند باینستند باینستند باینستند
 من الذین استحق علیهم الاولین فیقسمین بالله لشهادتنا حق
 از جماعت که مال را حق خود ساخت هر یک از دو گناه دروغ بزرگتر است بر ایشان و پس سوگند خوردند بخدا که گواهی ما درست تر است
 از آنانکه حق شان پوشیده بود گواهی اولین از همه پیش تر و بزرگتر است باینستند پس قسم خوردند (خدا را) بخدا که گواهی ما راست تر است
 از اولیامیت قسم خورده آنجا را گرفتند و باین گواه

يَوْمَ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

در آن روز هیچ سودی برای ایشان نخواهد داشت و آنجا همیشه محو شوند و خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا نیستند

لَقَدْ زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالًا عَظِيمًا

درستاری بزرگ خداست بادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر درستاری بزرگ خداست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر

سُبْحَانَ الَّذِي فِي يَدَيْهِ الْمَصِيرَاتُ

بسمه چيز تواناست بسمه چيز تواناست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خدا بخشاينده مهربان

الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور

ستایش آن خداست که آفرید آسمانها و زمین و پدید آورد تاریکی با و روشنی بر ستایش با آن ندائی راست که آفرید آسمان با و زمین و پدید آورد تاریکی با و روشنی را

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

باز آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر می کنند اوست آنچه بپایانید شمار از کل باز

قُلْ أَجَلُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ثُمَّ أَنْتُمْ تُنصَرُونَ

بگو در وقت مرگ را و در آن معین هست نزد یک اوست باز شما شک می کنید و اوست خدا در آسمانها مقرر کرد وقت (مرگ) را و در آن معین است نزد او باز شما شک می کنید و اوست خدا در آسمانها

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَعْلَمُونَ

فخ الرحمن

واینها تعصب
ایشان بر تبار است
که اگر نزل کتاب
را بحس ظاهر بینند
نیز انکار کنند
و یعنی بوجهی که
آنرا بحس ظاهر بینیم
والله اعلم
یعنی ظهور ملائکه باین
و محسوس ملائک
ایشان است در
حکمت الکی الله اعلم
و یعنی جزای کلمه
که بطریق مخفی بایشان
می گفتند
تفسیر عثمانی
ع در هر کلمه
بالی السموات الارض
تعیین مکان بود و در
در اسکن فی السبل و
النهار به اعتبار
زمانه تعین است یعنی
حکومت و قبضه و
اقتدار او بر جا و هر
وقت است تمام آن
چیز با که در شب و
در روز زندگی را به آرا
مش و سکون بسوی
برنده از چندین دشن
مرئی و نامرئی محفوظ
و مومن میمانند
آنرا رحمت کامله است
و تن من یلومکم بایین
والنهار من الرحمن
را بنیاء او - ت که
در خلال غلظه میا
بوی روز و در ظلمت
خدا و شعی عقیق شب
ایضاً خواب غنودگان
را می شود به جوارح
و ضروریات همه خودی
می اند - اکنون خود
بگویند که چنین بود که
را نگذاشتن و انداز
دیگری خواستن چه تلافی
فرموده و نشان شده
است خوراندن اشاره است سوی سامان بقای یعنی در ایام و بقا و در هر چه به وی نیازمندند و وی درو یکدیگر چیز نیازی ندارد و او را نگذاشتن و دیگر برادر دارد

عَلَيْكَ كِتَابِي قُوطَايسَ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِرُتُو نُوشْتِه در ورع پس مساس میکردند آنرا بدست خود گفتند که افغان نیست

هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ٤ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ٥

این مگر سحر ظاهر است گفتند که افغان چرا نازل کرده است بر پیکر فرشته و اگر فرستاده این مگر جادوی روشن گفتند که افغان چرا فرود آورده نشد بر پیکر فرشته و اگر فرستاده

مَلَكًا لَقَضَى الْأَمْرَ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ ٥ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا

فرشته را البته با این م رسانیده شده کار باز مهلت داده نشود و اگر میگردیم آن فرستاده را فرشته لازم میشد که بخشش بر روی زمین فرشته البته با انجام رسانیده می شد کار باز مهلت داده نشود اگر میگردانیم رسول فرشته را هر آینه (متمثل) میگردانیم که او را بعین مردی

وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَّا يَلَبْسُونَ ٦ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ

و هر آینه مشتمل میگردیم بر ایشان آنچه الحال اشتباه می کنند و هر آینه متخلف کرده شد به پیغامبران پیش از تو و هر آینه مشتمل میگردیم بر ایشان آنچه اشتباه می کنند و هر آینه متخلف کرده شد به پیغامبران پیش از تو

فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٧ قُلْ يَسِيرُوا

پس فرود آمد به متخلف کنندگان از ایشان جزای آنچه بآن متخلف میگردند و بگو سیر کنید پس (فرود آمد) احاطه کرد به آنانکه متخلف کرده اند از ایشان آنچه بآن استهزا می کردند بگو سیر کنید

فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ٨ قُلْ لَيْسَ مَا

در زمین باز نظر کنید چگونه شد آخر کار دروغ و داندگان بگو کرامت آنچه در زمین باز نظر کنید چگونه شد آخر کار تمذیب کنندگان بگو کرامت آنچه

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كُتُبٌ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَكُمْ

در آسمانها و زمین است بگو خداست راست لازم کرد بر خود مهر بانی البته جمع کند شمارا در آسمانها و زمین است بگو خدا راست نوشت بر خود مهر بانی البته جمع کند شمارا

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يَمْنُونَ ٩

در روز قیامت هیچ شک نیست در آن آنانکه زیان کردند در حق خویش پس ایشان ایمان نمی آرند در روز قیامت هیچ شک نیست در آن آنانکه زیان کردند در حق خویش پس ایشان ایمان نمی آرند

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١٠ قُلْ أَغْنَى اللَّهُ

و او را است آنچه ساکن شد در شب و روز و او است شنوا دانای بگو آیا دوستی گیرم و او را است آنچه ساکن شد در شب و روز و او است شنوا دانای بگو آیا غیر خدا

أَتَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ سَلْ

بگو خدای پیدا کننده آسمانها و زمین داد رزق میدهد و رزق داده نمی شود بگو بگویم مدد کار که پیدا کننده آسمانها و زمین است الله داد بپرداز رزق می دهد و رزق داده نمی شود ع

إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١١ قُلْ

بهر آینه امر کرده شده است مرا که باشم نخستین مسلمان یعنی اولین امرت و فرموده شد که مباش از مشرکان بگو هر آینه امر کرده شده است مرا که باشم اول کسی که گردن نهاند حکم خدای را و فرموده شد که مباش از مشرکان بگو

إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٢ مَنْ يَصْرِفْ عَنَّا

بهر آینه من می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ هر که عذاب باز داشته شود از دوسه هر آینه من می ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگار خود را از عذاب روز بزرگ هر که عذاب باز داشته شود از دوی

يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْنَاكَ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ١٣ وَإِنْ يَسْتَسْئِلُكَ اللَّهُ

آن روز پس مهر بانی که خدا ببرد و اینست مطلب بانی ظاهر و اگر سختی رساند خدا آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس مهر بانی که خدا ببرد و اینست مطلب بانی ظاهر و اگر سختی رساند خدا آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

بِظُرِّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُنْسَسْ سَكَبٌ بِهِ عَلَى كَلِّ نَسْمَى

بویس بدفع کننده نیست آنرا مگر او و اگر نعلت رساند بشو پس او بر همه چیز

قدیر ۵ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۖ قُلْ أَمْرٌ شَى

تواناست و او است غالب بالای بندگان خود و او است دانای آگاه بگو چه چیز

كِبْرُ شَهَادَةٍ ۖ قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا

بر شهادت در باب شهادت و بگو خداست و من اظهار حق کننده است میان من و میان شما و وحی کرده شد بسوی من این

نَقْرَانُ لَا تَنْذِرُكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً

قرآن تا بهر که شمارا بان و بیم کنم آنرا نیز که قرآن باد برسد آیا شما ایستادگی کنید که یا خدا هستند خدا بیان

اُخْرَى ۖ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بِرِسْمِ مِمَّا

دیگر بگو من اثبات نمی کنم بگو جز این نیست که او خداست بیگانه است و هر آینه من بپرسم از آنچه شما

لَشِرْكَؤُنَ ۖ الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابُ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُ هُمْ

شریک مقرر می کنند آنرا که ایشان را کتاب داده ایم می شناسند حقیقت این قول را اول چنانچه می شناسند پس از خود را

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۖ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى

آنان که زیان کار شدند در حق خویششان پس ایشان ایمان نمی آورند و کیست ستم گار تر از کسی که بر نسبت بر

اللَّهُ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُقَالُ الظَّالِمُونَ ۖ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ

خدا در روز را با هم گردانیم و روزی که همه را گردانیم و روزی که همه را گردانیم و روزی که همه را گردانیم

نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شَرِكَاؤِكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ۖ ثُمَّ لَكُمْ تَذَكُّرٌ

گوییم مشرکان را بجا آمدن شریکان شما که ایشان را بطن اثبات می کردید

فَتَنَّتْهُمْ آيَاتُ اللَّهِ بِكُفْرِهِمْ وَلَعَنَّا الْفٰكِرِينَ ۖ أَنْظِرْ كَيْفَ كُنَّا عَالَمًا

خدا ایشان را آزمون نمود و لعنت نمود بر کفار و بنمیزد چگونه دروغ گفتند بر

أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْكُرُونَ ۖ وَمِنْهُمْ مَّنْ يُسْمِعُكَ أَلْفًا

خویشش و کم گشت از ایشان آنچه افشامی کرده اند و از ایشان کسیست که گوش می بیند بسوی تو و

جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا طَوَانُ يَرْوَاكُلْ

پیدا کردیم بر دل ایشان پردی تا نتوانند بفهمند آن را و در گوش ایشان گران می آید و اگر می بینند

آيَةً لَا يُؤْمِنُ بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

معجزه ایمان نیارند بان تا وقتی که بیایند پیش تو مگر بهره گناان با تو گویند این کافران

مَعْجَزَةٍ الْإِيمَانِ يَارَبِّهِمْ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي كُنْتُمْ تُقَالُونَ ۖ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ كَذِبًا

نستیم که چنین در معرفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و صداقت قرآن هیچ شبهه و تردیدی نباشد البته حسد بکبر تقلید پدران حب مال و جاه و امثال آن اجازه نمی دهد که

فلا یعنی اظهار حق کردن و الله اعلم ۱۲ فلا یعنی کلمه توحید ۱۲ تفسیر عثمانی و تفسیر گفت خدا مالک همه نفع و ضرر و بر جمیع بندگان غالب و قاهر و از هر ذره آگاه و با خبر است نسبت بر شهادت دس شهادت که بلندتر و بے لوث تر شده می تواند من نیز در میان خود و شما در آگاه می گردانم زیرامن دعوی رسالت کرده پیام اورا بشمارانم و چیزیکه شما در جواب آن بان و بیانم ربانی بعمل آورده آید همه در پیشگاه الهی موجود است او خود موافق علم محیط خویش میان من و شما فصلی کند مع علاه بر اینکه امروزه متعال گواه صداقت من است و قرآن کریم در این باره بطور ناظر و غیر قابل تردید شهادت می دهد اهل کتاب (یهود و نصاری) نیز که آنها را عالم به کتب آسمانی دانسته و باره من بایشان رجوع می نمایند در دل یقین دارند که بیان نبی آخر الزمان کانیای پیشین درباره آن را بشازت حقانیت آنها چنانکه در میان جماعت بزرگ اطفال و در معرفت پسران خود به دقت احتیاجی

مشرک بر آن است که خود را از ایشان جدا و پاک و بی نیازی از آنها

فتح الرحمن

ول یعنی منکر شرارت
 والذالعلم ۱۲
 یعنی گناهان خویش
 را ۱۲ یعنی عمل بد
 بشکل خیریه در
 نهایت زشتی و نا
 خوشی شده بر پشت
 او بنهند ۱۲ -
 تفسیر عثمانی
 عه کذب و استهزا
 آنها به آیات الهی و
 تمام خوت و غرور آنها
 تا آن گاه است که منکر
 کفر و یونان و پوش
 ربای الهی در مقابل
 نگاه شان نیست
 چنانکه بقدر یک
 ذره سموم جهنم را حس
 کنند این همه منکر و غرور
 خوایی آنها سرومی
 شود و بهر از
 قنادر خواست
 کنند که دوباره
 در دنیا فرستاده
 شوند تا آینده آیات
 پروردگار خویش را
 یک گاه کذب نکنیم
 و مومن را به عقیده
 باشیم - الان تقدیرت
 و ما یفیع الذم - عه
 اکنون نیز متناهی
 آنها در مراجعت دنیا
 به عزم و درست و
 رغبت ایمانی نیست
 بلکه چون منظر مافات
 و مجازات عمل را که
 با وجود و نازل روشن
 در پرده انکاری پوشیده
 محاسبه کردند و عذاب
 الهی را پیش رو دیدند و
 همه اعمال شنیع
 آنها که از نگاه مردم
 پنهان بود فاش
 گردید و در رختونی
 آنها که والذالعلم بنا
 ماکنشتر کین
 می گفتند آشکار گشت آنقدر مخفی و غیر مرغی شرارت که در قلوب این ناشائسته بپوشانده بود و غفلت شده پیش روی شان آمد اکنون محصل برای نجات خویش متناهی کنند

ان هذا الا اساطیر الاولین ۵ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْهَوْنَ عَنْهُ
 نیست این مگر قصصهای پیشینیان و ایشان منع می کنند از متابعت او و دوری ستوند از متابعت او و
 نیست این (قرآن) مگر آینه های پیشینیان و ایشان باز دارند مردمان را از آن دوری ستوند از متابعت او و
 يَهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَما لَيْشَعُرُونَ ۶ وَلَوْ كُنِي إِذْ وَفَّقُوا عَلَى الشَّارِ
 هلاک نمی کنند مگر خویششان را و نمی دانند و تعجب نمی اگر به بینی ایشان را وقتیکه باز داشتند شوند نزدیک آتش
 پاک نمی کنند مگر خود را و نمی دانند و اگر به بینی ایشان را چون ایستاده کرده شوند بر آتش
 فَقَالُوا ائِلَيْكَ تَتَّزِدُّوْنَ لَكَ بَيِّتٌ رَبَّنَا وَتَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۷ بَلْ
 پس گویند اے کاش ما باز گردانیده شویم پس دروغ نسبت می کنیم آیات پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان
 پس گویند اے کاش ما باز گردانیده شویم بدینا و تکذیب نکنیم آیات پروردگار ما را و باشیم از جمله باوردارندگان علامه
 بَدَّ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْضِرُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَانَّهُمْ
 ظاهر شد ایشان را آنچه می پوشیدند پیش ازین یعنی برای عقاب باطل را و اگر باز گردانیده شوند البتة رجوع کنند بسوی آنچه منع کرده می شد
 ظاهر شد ایشان را آنچه می پوشیدند پیش ازین عه و اگر باز گردانیده شوند البتة رجوع کنند بسوی آنچه منع کرده می شد ازین هر آنچه
 لَكِنَّ بُون ۸ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَما نَحْنُ بِبَارِعِينَ ۹
 و هر آنچه ایشان را به نظر می افتاد گفتند نیست این جز حیات مگر زندگی این جهانی ما و نیستیم ما بر اینها
 دروغ گویند و گفتند نیست این زندگی مگر زندگی ما و دنیا و نیستیم ما بر اینها
 تَرَى إِذْ وَفَّقُوا عَلَى دِينِهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبَّنَا قَدْ
 به بینی آنها که باز داشتند شوند بحضور پروردگار خویش گویند خدایا این درصت نیست گویند از تو درست است قسم پروردگار تو
 به بینی چون ایستاده کرده شوند بحضور پروردگارشان بخوبی خدایا این درصت نیست گویند از تو درست است قسم پروردگار تو
 قَدْ وَفَّاءُ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۱۰ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِإِلْقَاءِ اللَّهِ
 پوشیده عذاب را بسبب آنچه کار می کردید به تحقیق زیاده کار شدند آنها به دروغ نسبت کردند ملاقات خدا را
 خدای پس پوشیده عذاب را بسبب آنچه کار می شد بدین معنی که خود بدست می زبان کردند آنرا که تکذیب کردند ملاقات خدا را
 حَتَّى إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا ائِحْسَرْنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ
 تا آنگاه که بیاید بایشان قیامت ناگهان گویند اے پیشانی ما بر تقصیر ما در باب قیامت و ایشان
 تا چون بیاید بایشان قیامت ناگهان گویند اای حسرت ما بر آنچه تقصیر کردیم در جیات دنیا و ایشان
 يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَسَاءُ مَا يَرْزُونَ ۱۱ وَما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 بردارند بارهاست خویش را و بر پشت نهاده خویش آگاه شوید بد چیز نیست آنچه بر می دارند و نیست زندگی دنیا
 بزرگواران خود را بر پشت های خود آگاه شوید بد چیز نیست آنچه بر می دارند و نیست زندگی دنیا
 الْأَلْعَبُ وَلَهُمْ وَاللَّذَا الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۲
 مگر بازی و لهو و هر آینه سرای آخرت بهتر است متقیان را ایادری یا بید هر آینه
 مگر بازی کودکان و مشغولی دیرالنگان و هر آینه دار آخرت بهتر است برای کس مگر بهر بازی کند ایادری یا بید به تحقیق
 نَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْحَرَنكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْنُ بُونُكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ
 می دانیم که آنچه می شنید ترا آنچه ایشان می گویند پس هر آینه ایشان دروغ نسبت نمی کنند ترا لفظ و لیکن این ستمکاران
 می دانیم بدستیکه ترا انده بلایی می گرداند آنچه می گویند پس بدستیکه ایشان تکذیب نمی کنند ترا و لیکن این ستمکاران
 بَيِّتَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ۱۳ وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرٌ وَعَافَى
 آیات خدا را انکاری می کنند و هر آینه بدو ع نسبت کرده شد چنانکه از پیش از تو پس صبر کردند بر
 آیات خدا را انکاری می کنند و هر آینه بدو ع نسبت کرده شد چنانکه از پیش از تو پس صبر کردند بر
 كَذَّبُوا وَآوَدُّوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۱۴ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ
 تکذیب شدند (در جانیدن خویش) و بر آید آنرا آنچه می باید ایشان را لعنت و نیست هیچ کس و صبر و عه هاست خدا را هر آینه آمد بتو
 تکذیب شدند (در جانیدن خویش) و بر آید آنرا آنچه می باید ایشان را لعنت و نیست هیچ کس و صبر و عه هاست خدا را هر آینه آمد بتو
 می گفتند آشکار گشت آنقدر مخفی و غیر مرغی شرارت که در قلوب این ناشائسته بپوشانده بود و غفلت شده پیش روی شان آمد اکنون محصل برای نجات خویش متناهی کنند

ثَنِّفِيمُ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ

و دور کن کس را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد و دور کن کس را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد

وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ

و سامی طلبند روئی او را نیست بر تو از حساب ایشان چیزی نیست و نیست از و سامی طلبند رضای او را نیست بر تو از حساب ایشان چیزی نیست و نیست از

حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَكَفَوْا عَنْ الظَّالِمِينَ ۲ وَكَذَلِكَ

حساب تو بر ایشان چیزی نیست تا برای ایشان را که انچه باشی از ستم گاران و پنهان حساب تو بر ایشان چیزی نیست تا برای ایشان پس تو باشی از ظالمان عا و هم چنین

فَتَابِعْهُمْ بِبَعْضِ لَفْظِهِمْ أَهْوَاءَ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنَاتٍ أَلَيْسَ

ایمان کرده بم بعض مر امان را بعض تا گویند آیا انچه نام کرده است خدا بر ایشان از ایمان ما خدا اینچنانی فرود بیاست ایمان کردیم بعض مردمان را به بعض تا گویند آیا این نامه فصل کرده است خدا بر ایشان از ایمان ما آیا نیست

لِللَّهِ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۳ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا

خدا و انما تر بشکر کنندگان و چون بیایند پیش تو کسانیکه ایمان آورده اند یا نیتان خدا و انما تر به شکر گویندگان عا و چون بیایند پیش تو آنکس ایمان آورده اند به آیت های ما

فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۴ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ

پس بگو سلام علیکم لازم کرده است پروردگار شما بر خود مهر بانی را لازم کرده است که هر که کند پس بگو سلام بر شما باد لازم کرده است پروردگار شما بر خود مهر بانی را بدرستی که هر که کند

مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵

از شما کار بد بنادانی باز تو به کرد بعد از آن و نیکی کاری نمود پس خدا آمرزنده مهر بانی است از شما کار بد بنادانی باز تو به کرد بعد از آن و نیکی کاری نمود پس سخن تحقیق این است که خدا آمرزنده مهر بانی است

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْآيَاتِ وَلِتُسَيِّبَ لَكُمْ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۶ قُلْ

و همچنین تفصیل می کنیم نشانیها را و تا ظاهر شود راه ستم گاران و تا همچنین تفصیل می دهیم نشانیها را و تا ظاهر شود راه گناه گاران

إِنِّي نَحِيْتُ أَنْ أُعْبِدَ الَّذِينَ شَدَّ دُعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ

بر آنچه منع کرده شد مرا که عبادت کنم آن کس را که شدا دعای می کنند بخیر خدا بخیر خودی می کنم بر آنچه منع کرده شده مرا از آنکه پیروستم آنانرا که شدا می پیوستند بدون خدا بخیر پیروی می کنم

أَهْوَاءَكُمْ لَقَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا مَا أَنْأَمْنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۱ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ

آرزو های ستم را گمراه شده باشم و انچه راه راستم از راه یا ننگان بخیر آید من بر حجتم آرزو های شمارا بدرستی که گمراه شوم آنکه و بناشتم از راه یا ننگان بخیر آید من بر حجتم

مَنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ أَسْكَمُ إِلَّا إِلَهُ

از پروردگار خود پروردگار خود را شنید آن دلیل را نیست نزدیک من آنچه ستما بزودی می طلبید آنرا فانیست حکم مگر خدا را از پروردگار خود و شما گداز کردید آن دلیل را نیست نزدیک من آنچه شما بزودی می طلبید آنرا نیست حکم مگر خدا را

يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۲ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ

بیان می کند حق را و او بهترین فیصله کننده گان است بخیر نزدیک من بودی آنچه شما بر آن مشتاقی کنید بیان می کند حق را و او بهترین فیصله کننده گان است بخیر نزدیک من بودی آنچه شما بر آن مشتاقی کنید

بِهِ لَقَضَى الْأَمْرَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ۳ وَعِنْدَهُ

بر آنچه با انجام رسانیده شد کس کار میان من و میان شما و خدا و انما تر است بر ستم گاران و نزدیک اوست بر آنچه با انجام رسانیده شدی کار میان من و میان شما و خدا و انما تر است بر ستم گاران و نزدیک اوست

فل رسله
کفار با حضرت گفتند
که ما را راست که با
فقراے مسلمین
صحبت داریم ایشانرا
از مجلس خود بیرون
تا با تو بشنیم خدا را
آیت فرستاد ۱۲
فل ظاهر از نزدیک
مترجم آیت که این
واو زانداست مثل
واو و تحت ابوابها
۱۲ یعنی مقبوت
در اختیار نیست
تفسیر عثمانی
ع چون ظاهر حال
آنها بود ای سازد
که شب و روز در
عبادت و حصول
رضای خدا مشغولند
مناسب آن رفتار
کن موالات بر تقوی
حساب این امر مقبوت
۱۲ نیست که حال این
آنها چه میشود
۱۲ یا مقبوت شان
چون مت به حساب
تو میزدت آنهاست
و نه از آنها بر عهد تو
خفا اگر تو به طعنه
توانگران این خلصان
بینوار از نزد خود
برانی و دراز افشا
است و موضح القرآن
است که بعضی از
رؤسای کفار حضرت
بخیر گفتند ما میخواهد
سخنان ترا بشنوم
اما نزد تو مردم نیست
می نشنید که نامی تو را
برابر آنها بنشینیم این
آیت در این باره فرود
آمد یعنی طالب خدا اگر چه
بچه نواست خاطر او
مقدم می باشد ع

و اگر از این پیروستان آرمود که آنها بخاری میگردند و تعجب می کنند که بنویسایان چگونه شایسته تغیر خدا بنده اما خدا اول های شایسته می باشد حق خدا را قبول کرده اند

فتح الرحمن

فلا یعنی انواع علم
غیب ۱۲ و لا یعنی
وقت نوم ۱۲ و لا یعنی
از محسبات باشد
بیایان و در ۱۲
یعنی چنانکه سنگ بر
توم نوبت بارید ۱۲
و لا یعنی چنانکه تار
بر زمین رفت و لا
یعنی افواج متده
پیدا شود و باید که
جنگ کنند ۱۲
آفرین عثمان
عالمی که
مفاتیح را
مفاتیح
بیم ترجمه کرده اند
مفاتیح الغیب را
گنجهای غیب ترجمه
کرده اند و نزد کسانی
که جمع مفاتیح به کسرتیم
است آنها حقایق
الغیب را موافق
مترجم رحمه الله ترجمه
کرده اند یعنی کلید
بائی غیب مطلب
این است گنجهای
غیب کلیده باقی آن
تنها به قدرت خداست
از آن غنای هر وقت
و هر قدر به سر که خواهد
می کشید و دیگری را
قدرت نیست که به عقل
و حواس یا دیگر آلات
ادراک تواند بدو علم
غیبی فرارسد یا بران
مقدار غیوب که خدا
بر وی متکشف گردانند
تواند از خود چیزی
بیشتر از حد اعتدال
علوم غیب بدست
وی نیاید شکر خدا
یکی از بندگان بر
ملیون حاجت و قیل
غیبی آگاه کرده شده
باشد باز هم علم اعمول
و کلیات غیب را که

مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ
 کلید باغ غیب و لا یعنی دانندش مگر او و می داند آنچه در بیابان و دریا است و می افتد
 کلید باغ غیب و لا یعنی دانندش مگر او و می داند آنچه در بیابان و دریا است و می افتد
مِنْ وَرَقَةٍ أَوْ نَضِيبٍ أَوْ لَبَنٍ أَوْ زَبَدٍ حَلَالٍ أَوْ نَضِيبٍ أَوْ لَبَنٍ أَوْ زَبَدٍ حَلَالٍ
 نضیب برگ و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش
 نضیب برگ و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش و لا یعنی دانندش
الَّذِي يَتَوَفَّكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ
 الا ثبت است در کتاب و روایت و او است آنکه قبض روح شما می کند شب و روز و می داند آنچه کسب کرده
 مگر ثبت است در کتاب و روایت و او است آنکه قبض روح شما می کند شب و روز و می داند آنچه کسب کرده
بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقَظَّ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ
 بر روز باز برمی انگیزد و شمارد روز تا با تمام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوئے او بازگشت شماست باز
 بر روز باز برمی انگیزد و شمارد روز تا با تمام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوئے او بازگشت شماست باز
يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ
 خبر دهد شما را به آنچه می کردید و او است غالب بالای بندگان خود و می فرستد
 خبر دهد شما را به آنچه می کردید و او است غالب بالای بندگان خود و می فرستد
عَلَيْكُمْ حَفَظَةً ۚ وَحَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ
 بر شما ملائکه نگاه میدارند تا وقتیکه بیاید به کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان
 بر شما ملائکه نگاه میدارند تا وقتیکه بیاید به یکی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان
لَا يُفِرُّونَ ۚ ثُمَّ رَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۖ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ
 تقصیر نمی کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوئے الله خداوند ایشان که حق است مراد است حکم و او
 تقصیر نمی کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوئے الله خداوند ایشان که حق است بدانند مراد است حکم و او است
أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۚ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنَ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ
 شتاب ترین حساب کنندگان است بگو کیست که می داند شمار از تاریکی بیابان و دریا را نجات میبخشد و کیست که
 شتاب کننده ترین حساب کنندگان است بگو کیست که می داند شمار از تاریکی بیابان و دریا را نجات میبخشد و کیست که
تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّكْرِينَ ۚ قُلْ
 براری و نیاز پنهانی می گویند اگر رهایی دهد ما را از این و محنت هر آینه باشیم از شکر کنندگان بگو
 براری و نیاز پنهانی و اگر نجات دهد خدا را از این شدت هر آینه باشیم از شکر کنندگان بگو
اللَّهُ يُخَيِّمُكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ ۚ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ
 خدای را باند شمار از این محنت و از هر پیرانده به باز شما شریک او مقرر می کنید بگو او است توانا
 خدای را باند شمار از این و از هر سختی باز شما شریک مقرر می کنید بگو او است توانا
عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَعْجُلُكُمْ أَوْ
 بر آنکه فرستد بر شما عذاب از بالای شما یا از زیر پای شما یا از هر دو
 بر آنکه فرستد بر شما عذاب از بالای شما یا از زیر پای شما یا از هر دو
يَلْسِكُمْ سُيُوفًا وَيَنْزِلُكُمْ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۖ يُخَيِّمُكُمْ بِبَعْضِ أَعْيُنِ النَّاسِ وَيُنْزِلُكُمْ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۖ
 بیخیزد شما را با دگر کرده و بپوشاند بعضی شمار از چنگ بعضی و لا یعنی بپوشد و لا یعنی بپوشد و لا یعنی بپوشد
 آیزد شما را با دگر کرده و بپوشاند بعضی شمار از چنگ بعضی و لا یعنی بپوشد و لا یعنی بپوشد و لا یعنی بپوشد
لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۚ وَكَذَٰبُ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ
 تا به نیند و بدو و لا یعنی نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است بگو کیستم بر شما
 تا ایشان به نیند و بدو و لا یعنی نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است بگو کیستم بر شما
 تا ایشان به نیند و بدو و لا یعنی نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است بگو کیستم بر شما

و کلیات غیب را که

يُكَلِّمُ كُلَّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرًّا وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ وَاذْأُرِيتَ الَّذِينَ يُخَصِّصُونَ

نکبتان هر خبر را میعاد نیست و خواهد دانست و چون به پیشی آنان را که گفتگوی کنند

فِي آيَاتِنَا فَعَصَوْا عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۝ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ

در آیت های ما پس رو بگردان از ایشان تا در گفتگو بحث شروع کنند در سخن غیر و اگر فراموش گردانند ترا

الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَا عَلَى الَّذِينَ

شیطان پس نشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران و نیست بر کسانی که

يَتَّقُونَ مِنْ حَسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذَكَرْهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَاذْأُرِيتَ

پس بیزگاری کردند از حساب کاران بجز س و لیکن برایشان لازم است بپردازن تا بفرمانند و اگر فراموش گردانند ترا

تَتَّخِذُوا دِينَهُمْ لَهَآءُ وَآخِرَهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكَرَكُم بَلَّغَ الْبَيِّنَاتِ

این خود گرفتند باری دین و فریفت ایشان را زندگانی دنیا و پندیده بفرمان بران تا احتیاط از آنکه بگذارد س و را که

نَفْسٌ يَمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ ۝ وَإِنْ

نفس را بسبب آنچه کرده است نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر

تَقُولُ كُلُّ عَدَلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسُوا إِلَيْهَا كَسَبُوا لَهُمْ

عوض خود بد بپردازند که خوانند گرفته نشود از س و آن جماعه آنانند که بفرمانند بفرمانند بفرمانند بفرمانند

شَرَّابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ يَمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ

آشامیده از آب جوشانیده و ایشان را است عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافر بودند بجو آید مناجات کنیم بجز

اللَّهُ مَا يَنْفَعُنَا أَوْ يَضُرُّكَ أَوْ تَرُدُّ عَلَىٰ عِقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا اللَّهُ كَالَّذِي

خدا کسی را نفع ندهد یا ضرر نرساند ما را باز گردانیده شویم بر پاشنه های خود بعد از آنکه راه راست نموده است راه را همانند کسی که

اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ ۝ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَىٰ

گمراه کرده باشند او را پریان در زمین حیران مانده مراد ایا دارند که می خوانندش بسوی

الْهُدَىٰ اِتَّبَعُوا قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمَّا الْإِسْلَامُ فَكَيْفَ

راه راست که بیا بسوی یا بگو بر آید هدایت خدا همان است هدایت حقیقی و فرموده شده است راه را همانند کسی که

الْعَالَمِينَ ۝ وَإِنْ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝

عالمهارا و فرموده شده که بر پا دارند نماز را و بفرستند از خدا و است آنکه بسوی او حشر کرده خواهد شد

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۝

و است آنکه بیا فرید آسمانها و زمین را بنده بر محکم و روزی که بفرماید کُنْ پس می شود

وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ و است آنکه بفرماید کُنْ پس می شود

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

اینکه یقین کردند دنیا میمند یقین خود را به نقصان (بشرک) آن جماعه ایشان راست ایمنی وایشانند

ویریک حجتنا الیه ابرہیم علی قویم رفیع درخت

مَنْ تَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ① وَهَذَا الشَّعْرُ وَيَعْقُوبُ ط

هر کرامیخا ائیم هر آینه پیرو دگار تو استوار دار و اناست و عطا کریم ابراهیم را اسحاق و یعقوب
 هر که میخوایم هر آینه پیرو دگار تو با حکمت اناست و بخشیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب

وَوَحَّاهُ دِينَنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَ

٥) اَوَّلُ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ يُمَا الْمُحْسِنِينَ ٥

ایوب و یوسف و موسیٰ	و ہارون را	و ہم چنین جزای دہیم	نیکو کاران را
ایوب و یوسف را و موسیٰ	و ہارون را	و ہم چنین جزای دہیم	نیکو کاران را

وَأُذِّنْ يَوْمَ ذِکْرٍ يَوْمَ تُنْفَخُ الصُّفُوفُ ۚ وَمَنْ يُؤْمَرْ بِالْإِيمَانِ فَلْيَسْعَىٰ سَعًى ۚ

وهدایت کردیم) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را هر یک از صالحان بود و (هدایت کردیم) اسمعیل و

و یونس و لوط را و هر یک را فضیلت دادیم بر اهل زمان و هدایت کردیم بعضی را از پدران ایشان و بعضی را از پسران و یونس و لوط را و هر یک را فضیلت دادیم بر عالمیان و هدایت کردیم بعضی را از پدران ایشان و بعضی را از پسران

وَأَخَوَاهُ وَاجْتَنِبْتَهُمْ وَهَدَيْنَهُم إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥

ولاد ایشان و برادران ایشان را و ولادت سرزمین ایشان را بسوی راه راست

ایست برایت خدا دلالت می کند بدان هر کرا خواهد از زندگان خویش و اگرش یک نفر میکردند نامور شدی

لَهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابُ الْحَكِيمَ وَالنَّبِيُّ

این جماعه آنانی که دادیم ایشان را کتاب و شریعت و پیغامبری

۱۵۹

وَالَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَيُحَدِّثُهُمْ أَفَتَيَّ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ كُنْ

کے لئے اندک ہر ایک کو ایسا خدا پس پرورش ایسا ان اقتدار کن جو سوال کی کتب انشا بر پیغام رسا بدین ان خدا کن ستمو نیست این

تعالیٰ از در می بلعین ۵ و ما قدر و الله حق قل رب زدنا و اما انزل الله علی

و لعظیم حکم دند خدا را چنانچه سزاوارت عظیم او باشد چون گفتند و فرموده است خدا ایر

[illegible]

نظارہ آں ابراہیم علیہم السلام ہے اختیار۔ نوای ملاحبہ الافئذند۔ جملہ آسادرصدق وعلیقین نو۔

[illegible]

الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَلَيْ تَتُفَكَّرُونَ ۱ فَاَلَيْ

وایران آفریده مرده است از زنده اینست خدا پس از بجا برگردانیده میشوید شکافنده

أَصْبَاحٌ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ

وگردانید شب را آرامگاه و گردانید آفتاب و ماه را معیار حساب اینست تقدیر

أَعَزُّ الْعَالَمِينَ ۲ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي

و اوست آنکه بیا فرید برای شما ستاره یا تاراه یا باید بسبب آنها در

طَلَبِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۳ وَهُوَ الَّذِي

از آفرینش برای شما بیان کردیم نشانهها را برای گروهی که می دانند و اوست که

وَهُوَ الشَّاكِرُ مِنْ تَقْدِيرٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا

و او است که شاکر است از تقدیر و دودلیست جای هر آنچه بتفصیل بیان کردیم

ذَلِكُمُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ ۴ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَرَجْنَا

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم

لَهُ مِنْ نَبَاتٍ كُلِّ نَبْتٍ فَخَرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا مِثْرًا كَيْسًا وَ

و اوست که بیرون آورد از آن آب سبزه بیرون می آید از آن سبزه و از آن سبزه گیاهان می آید

أَخْرَجْنَا مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ

و از درختان فراوان می آید و از درختان نزدیک شده است و بیرون آوردیم بوستانها از درختان انجور و بیرون آوردیم زیتون

عَلَى الْوُتُونِ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرْ إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْجِهِ

بر درختان مانند یکدیگر و بیرون آوردیم میوه درخت چون میوه گرد و بسوی بیختگی او

إِذَا رَأَى فِي ذَلِكَ آيَاتِ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۵ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ

و اوست که در این نشانهها را برای قومی که ایمان دارند و می گردانند شریک بخدا جنها را حال آنکه

يَخْلُقُهُمْ وَخَرَقَ آلَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ يُعْزِيهِمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ۶

و او آفریده است ایشانرا و خردا و پسران و دختران و عتران بگوید و آنرا بلند است از آنچه می کنند

يُنَادِيهِمُ الْمَوْتُ وَالْأَرْضُ أَلَيْ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَ

و او می خواند آنها را و زمین است چگونه باشد او را فرزند و حال آنکه نبود او را زن و

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

اینست خدا پروردگار شما نیست هیچ معبود مگر او

اینست خدا پروردگار شما نیست هیچ معبودی جز او

و این معنی صورت
در وقت و قراتتیک
دیگر است در طعم
مخفف یکبار و شیرین
و یکبار ترش یا
تلف و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه خداست گرفته
و آنرا را پس از
آشناندن و نه گفتن
در زمین شن کرده سبز
می گردانده را از
زنده و زنده را از
مرده بیرون می آورد
از مثلاً آفرینش لسان
از لطف و لطف از
انسان) شاکر او را
می گردانید که می رود
کیست جز او که تواند
این امور را انجام دهد
عنه مستقر قرار
گاه و مستودع
جای سپردن امانت
مزد شاکر را گویند
با معنی نفیست -
مفسرین در تعبیر
مصدقین در کلمه
اقتلاد و از آنجا
را حضرت شاعر
الطاهر در موعظه
نکاشته اند پسندیده
ایم - یعنی اول بر
مادر سپرده می شود که
مستند بر خدا شرف دنیا
دوری پدید آید -
پس از آن در دنیا
قیامی و رزق - بعد از
آن به قبر سپرده میشود
که آیه است آیه اثر
آخرت در وی پدید
آید پس از آن در
جنت یا دوزخ قیام
می رود و حکم وی
برابر از جانب آسمان
پایید و سبب پدیدان

و او ایست که میوه را و دل خام و بیخود و غیر قابل انتفاع می باشد بعد از بخت شدن لذت و خوش گوار و مفید می گردانند این بر ظهور قدرت الهیست -

فتح الرحمن

فل من لم يولد احتمل
بود که گفتگو کند که
سابقه خوانده و
انچه می گوئی ما خوانده
کتب سابقه است
نه وی الهی پس
خدا متعالی قرآن را
بوجه نازل ساخت
و بوجه گوناگون
بیان کرد که محال این
ست نه مانند زیر که
این شمع بیان از
خواندن کتب سابقه
خی آید بدون وحی
الهی و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
رحمه الله گوید طلب
این آیت این است
که در چشم قوی نیست
که وی را دیده تواند
اما اگر خدا از سر طلب
و کم خواب که ویرا دید
تواند در دیدگان
بشر این قوت را
بوجودی آورد چنانکه
در آخرت مسلمانان
را حسب مراتب نشان
دیدار نصیب می شود
طوری که از لصوص کتاب
و سنت ثابت است
یا موافق به بعض
روایات در بیله
الاسرار حضرت
پیغمبر دیدار نصیب
شد علی اختلاف
الاقوال در دیگر
مواضع چون نص
موجود نیست بنابر
توجه عمومی نفی درین
اعتقاد می شود بعض
مفسران سلف
ادراک اعطای
معنی کرده اند ۱۹
یعنی نگاه افان
یا پنج گاه و می را اصلاح
می تواند در آخرت نیز درین

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدْهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تَدْرِكُهُ

آفریننده هر چیز است پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز کارساز است درمی یابند او را
پیدا کننده هر چیز است (پس) پرستش کنید او را و او بر همه چیز کارساز است درمی یابند او را

الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ

چشم با بیننده در دنیا و او درمی یابد چشمها را و او است مهربان آگاه
چشم با و او درمی یابد چشمها را و او نهایت مهربان آگاه است (به تحقیق) آمد بشما

بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا

دلیل با از جانب پروردگار شما پس هر که بینا شد پس بفرستد او را و هر که نابینا ماند پس بر او نیست و من
نشان با از جانب پروردگار شما پس کسیکه دید برای خودش است و هر که نابینا ماند پس بر وی نقصان است و من

عَلَيْكُمْ مُحْفِظٌ ۝ وَكَذَلِكَ نَضْرُفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا أَدْرَسْتُ وَلَنُبَيِّنَ

بر شما نگه بدار و هم چنین گوناگون می کنیم نشانها برای استحضار ادانگی گویند که خوانده و تایید این دین را
من بر شما نگه بدارم و هم چنین گوناگون می دانیم آیات را و تا که گویند از که خوانده و تایید این دین را

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ اتَّبِعْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ وَ

برای کسی که می داند و یا محمد پیروی کن پیغمبر اگر وحی کرده شد بسوی تو از جانب پروردگار تو هیچ معبود نیست مگر او
برای کسی که می داند پیروی کن آن حکمی را که بتو آمده از پروردگار تو نیست هیچ معبودی جز او و

أَنزِلْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۝ وَمَا جَعَلْنَاكَ

انزال کن از مشرکان و اگر خواست خدا اشتریک مقرر نمی گردند و مگر دانستم شما را
روی بگردان از مشرکان و اگر میخواست خدا آن با شرک نمی گردند و مگر دانستم شما را

عَلَيْهِمْ حَفِظٌ ۝ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسْئَلُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ

بر ایشان نگه بدار و نیستی تو بر ایشان معبود و ای مسلمانان و دشمنان مدعیان که از مشرکان می پرستند
بر ایشان نگه بدار و نیستی تو بر ایشان معبود و بدیدید آنان را که این با پرستش می کنند

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْئَلُوا اللَّهَ عَنِّي وَأَبْغَرُ عِلْمُ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ

بخش خدا زیر آله ایشان دشمنان خواهند بود خدا را از روی ظلم بغیر او نشانی هم چنین آورده که در نظر هر گروهی
بخش از خدا پس آنها به خدا بپرسند گفت خدا از آیه ادبی را از ظلم بدون دانش هم چنین مزین کردیم در نظر هر گروهی

عَمَلِهِمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ فَرْجُهُمْ فَيُخَبِّرُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

کردار آن گروه باز بسوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان پس انچه بد ایشان را بحاقبت حال آنچه می کردند
کردارشان را باز بسوی پروردگارشان مرجعشان است پس آگاه کند ایشان را با آنچه می کردند

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ

و سوگند خوردند که از آن سخت ترین سوگند ان خود بپیش که اگر بیاید بد ایشان معجزه البته ایمان آوردند
و قسم می خوردند به خدا از تمام قسم های خود که اگر می آمد به ایشان نشانی هر آینه ایمان می آوردند

بِهَاءٍ وَقُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعُرُكُمْ أَهْمًا إِذَا

آن بخوبی این نیست که معجزه ها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است شما را اگر مسلمانان یعنی آیات نمایند که آن بخوبی چون
به آن بخوبی نشانده اند خداست از مسلمانان و شما را به خبر ساخته است که آن نشانی با چون

جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَنَقَلْنَا عَنْهُمْ آبْصَارَهُمْ كَمَا

بیاید ایشان ایمان نیارند و صرف بیکم دل ایشان را و
بیاید این با ایمان خواهند آورد (خواهند آورد) و می گردانیم دل های ایشان را و چشم های ایشان را چنانکه

لَمْ يُؤْمِرُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرْنَاهُمْ فِي طَعْنَانِهِمْ يَعْمَلُونَ ۝

ایمان نیارند و ند بفران اول بار و بخواریم ایشان را در گردانی خود سرگردان گشته
ایمان نیارند و ند بر نشانی با به قرآن اول بار و بخواریم ایشان را در سرگشتی شان سرگردان گشته

ی

ی

فتح الرحمن

من ترجم گوید یعنی

میت حرام است الا

وقت ضرورت تناول

آن رخصت است

والله اعلم

من ترجم گوید مراد ازین

دوسه است که اهل

جاهلیت می گفتند

چرا که به خود را بخیر

و گشته خدا را بخیر

والله اعلم

یعنی کافر بود و هدایت

گرفتند

چنانکه و سالفه که

در لغت کفر سعی

می کردند الله اعلم

یعنی هر کس

از ما جز بیل فرود

آید و می نماند

مشود و الله اعلم

کفر عثمانی

عقیده کلمات

این است که هر چه

بالواسطه یا بلا واسطه

خدا پدید می آید

آوردی می ماند

در آفریدگان

او خورده بعضی گوید

و مفید است چون

سبب الهی و مانند

آن و اهل بعضی منقول

و مضر چون اشیای

ناپاک و سم الفار و مانند

آن اشیای را که

خلافی میراند نیز در گوشت

است اولی که نفرت

سلیم از آن نفرت

می کند یا خوردن

آن برای

موت بطن

در وی مانده

نزد خدا

مفری باشد

چون حیوان و موی که

برگ طبیعی مرده و

و خون آن در جگر

فَكُورًا مَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِالْآيَةِ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا لَكُمْ

پس بخورید آنچه ذکر کرده شد نام خدا بروی یعنی نزد یک ذبح و اگر مؤمن بتباید آیات خدا

پس بخورید از آن حیوان مذبح که یاد کرده شده نام خدا بر آن اگر شما به حکم های او ایمان دارید

اَلَا تَاْكُلُوْا مِمَّا ذَكَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

که نمی خورید از آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بروی و حال آنکه بتفصیل بیان کرده است بر شما آنچه بر شما حرام گردانیده بر شما

اَلَا مَاضٍ طَرَفًا لِّبَنِي اَوَّلَ اَيُّهَا الَّذِيْنَ كَثُرَ الْيُتُورُ وَ اِنْ كُنْتُمْ بِالْآيَةِ مُؤْمِنِينَ ۝

الا آنچه مضطرب باشد بسوی او و اگر آینه بسیار می کند بخوابش نفس خویش بفرستد و انش

مگر آنچه مجبور شوید بسوی آن و هر آینه بسیار مردم گمراه می کنند بر خیالات خود به تحقیق بدون دانش

اِنْ رَبُّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ۝ وَ ذَرُوْا ظَاهِرَ الْاَنۡفِ وَ بَاطِنَ الْاَنۡفِ

هر آینه پروردگار خود را تا تراست بر ستمکاران و ترک کنید آشکارا و پنهان او را هر آینه

در آینه پروردگار خود را تا تراست بر ستمکاران و ترک کنید آشکارا و پنهان او را هر آینه

الَّذِيْنَ يَكْسِبُوْنَ الْاَنۡفَ سَيَجْزُوْنَ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ۝ وَلَا تَاْكُلُوْا

کسی که گناه می کند جزا داده خواهد شد بحسب آنچه میکردند و بخورید

مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اِنَّهُ لَفِسْقٌ ۝ وَ اِنَّ الشَّيْطٰنَ

از آنچه یاد کرده شد نام خدا بروی و هر آینه خوردنش گناه است و هر آینه شیاطین

از آنچه یاد کرده شده نام خدا بر آن و این خوردن گناه است و هر آینه شیاطین

لِيُوْحِيْنَ اِلٰى اَوْلِيَیْهِمْ لِيُجَادِلُوْكُمْ ۝ وَ اِنْ اَطَعْتُمْهُمْ هُمُ الرَّاكِبُونَ

و سوسه القا می کنند بسوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر کس را که

در امور می اندازند در دل با آن رفیقان خود تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری کرده بدان ایشان را هر آینه شما

لَمُشْرِكُوْنَ ۝ اَوْ مِنْ كَانَ مِيثَاقَ حَیۡثُ وَّ جَعَلْنَاهُ نُوْرًا لِّمَشِيٍّ

مشرك باشد و یا کسی که مرده بود پس زنده ساختنش و پدید کردیم برای او نور که میرود

مشرك عدل آیا کسی که مرده بود پس زنده کردیم او را و گردانیدیم بر او روشنی که رود با آن

بِهِ فِی النَّارِ كَمَنْ مِّثْلُهُ فِی الظُّلُمٰتِ لَیْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۝ كَذٰلِكَ

با او در میان مردمان مانند کسی باشد که در تاریکیها است نیست بیرون آینه از آن هم چنین

در میان مردم مانند کسی هست که حال آن اینه است که افتاده است در تاریکی و آینه در تاریکی افتاده است در تاریکی

زَیۡنٌ لِّلْكَافِرِیۡنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝ وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰ فِی كُلِّ قَرْیَةٍ

آراسته کرده شده است در نظر کافران آنچه می کردند و هم چنین پدید کردیم در هر د

قریه کرده شده در نظر کافران آنچه می کردند و هم چنان آفریدیم در هر د

اَكْبَرُ مِمَّهَا لِیَكُوۡفِرُوۡا فِیْهَا وَ مَا یَكْفُرُوْنَ اِلَّاۤ اَنْفُسُهُمْ وَ مَا یَشْعُرُوْنَ ۝

ریشان گشای آن دیه تا فساد کنند مد آن دیه و بحقیقت ضرری نمی کنند مگر در حق خود ایشان و نمی دانند

سرواران گنهکاران را تا جلد افکنند و آنچه جلد (نار) می کنند (مگر) به نفس های خود و فکر نمی کنند

وَ اِذَا جَآءَ تَهْمًاۤیۡهٖ قَالُوۡا لَنْ نُّؤْمِنَ حَتّٰی نُنۡزِلَ مِثْلَ مَاۤ اَوۡتٰی رَسُوۡلَ اللّٰهِ

و چون بیاید بایشان گناه گویند ایمان نداریم تا نازل شود بر ما مانند آنچه داده شده است پیغمبران خدا را و

و چون آید نزدشان آیتی می گویند ما هرگز ایمان نمی آوریم تا نازل شود بر ما مانند آنچه داده شده است رسولان خدا را

اللّٰهُ اَعْلَمُ حَیۡثُ یَجْعَلُ رِسٰلَتَهُ سِیۡدُ الَّذِیۡنَ اُجْرِمُوۡا صَغٰرًا

خدا داناست جایی که خواهد رسید این گناه کاران را رسوا می

خدا ابهرتری داند آن موقع را که می فرستد آنجا پیغام بای خود را بخاطر بپرسد گناه کاران را رسوا می

جذب شده باشد دوم حیوان حلال و طیب که بقاعده موافق و بنام خدا ذبح شده این را نیز خدا میسرانیده و با دست مسلمان اهل کتاب ذبح شده و مرغی

جذب شده باشد دوم حیوان حلال و طیب که بقاعده موافق و بنام خدا ذبح شده این را نیز خدا میسرانیده و با دست مسلمان اهل کتاب ذبح شده و مرغی

عَنْ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ لِّمَن كَانُوا يَسْكُرُونَ ﴿٣﴾ فَسُبْحَانَ اللَّهِ أَنْ

نزدیک خدا و عذاب سخت بسبب آنکه بدی اندر شنیدند پس هر که را خدا خواهد که
نزد خدا و عذاب سخت بسبب آنکه مکر می کردند پس هر که را خدا خواهد که

هَكَذَا يَسْرَحُ صِدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدَانِ يُضِلُّهُ يَجْعَلُ صِدْرَهُ

ہدایت کندش کثادہ کند سینہ اورا برائے اسلام ول و ہر کرا خواہد کہ گمراہ کندش متنگ کند سینہ اورا
ہدایت کند باو کثادہ می کند سینہ اورا برائے قبول اسلام و مسے را کہ بنواہد گمراہ کندش می گرداند سینہ اورا

خَيْفًا خَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ ط كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى

در نهایت تنگی گویا بالا می رود در آسمان هم چنین می اندازند خدا ناپاکی را
تنگ به نهایت تنگی گویا به تکلف بالا می رود در آسمان هم چنین می کند خدا عذاب را

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۖ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمٌ لَقَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ

کاینکه ایمان نمی آرند و این اسلام راه پروردگار است آمده بر آئینه تفصیل کردیم نشانها را
کاینکه ایمان نمی آرند و این راه پروردگار نیست راست به تحقیق واضح کردیم نشانها را

قَوْمٌ يَدَّكُرُونَ ۝ اَلَمْ يَدْرِ السَّامِعُ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا

برای (مردی) که بخوای کند پذیرد پیشوند ایشان را است عمر است سلامتی یعنی بهشت نزدیک پروردگار ایشان و او کار ساز ایشان است بسبب آنچه
برای (مردی) که بخوای کند پذیرد پیشوند ایشان را است خانه سلامتی نیز پروردگار ایشان و او مدد کارشان است بسبب عمل ایشان

يعملون ٥) ويوم يحشرهم جميعا يومئذ العرش للذين آمنوا قد استكثروا من

نبردند و روزی که حشر کنند خدا ایشان را همه بخیر گوید اسے گروه جن و
(اگر کسی کردند) و روزی که جمع کنند ایشانرا همه خواہد فرمودای گروه جن بسیار اتباع کردید از

الْأَرْضُ وَقَالَ أُولَئِكَ هُم مِّنَ الْأَنْسِ رَبَّنَا اسْقِمْتَعِ بَعْضَنَا بَعْضًا ۖ

مردمان و لغت دوستان ایشان از زمینان و اے پروردگار ما بہرہ مند شد بعض ما از بعض و
مردمان و خاندان لغت دوستان شان از مردمان اے پروردگار ما بہرہ مند شد بعض ما از دیگرے و

بَلِّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ الْبَاقِيَ مَثْوًى مَكْتُومٌ خَلِيدِينَ فِيهَا أَلَمْ

رسیدم بیخود خویش کہ معین کردہ بودی ما برائے ماعہ گوید خدا آتش جائے شہادت جہادیدان انجائیکیں ایسہ
رسیدم برآن و عدۂ خود کہ معین کردہ بودی برائے ماعہ گوید آتش جائے شہادت جہادیدان در آن مگر ادا می کہ خواہم

شَهِدَ اللَّهُ أَن رَّبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَكَذَلِكَ نَقُولُ بِعِضِ الظُّلُمِ

خداوند است که بر تو و پروردگار تو استوار داناست و به چنین مسأله می گویم بعضی ستم گاران را

خدا بر آئینه پروردگار تو صاحب حکمت و داناست و بهم چنین خطا (مسلط) می کنی بعضی مستکاران را

بعضاً كما كانوا يسبون^١ يعشراجن^٢ والانس الحياتكم رسول
بر بعض الشايت، اني قد دنا السرك و هو

بر بعضی بابت است آنچه می کردند اے گروه جن
بر بعضی بسبب آنچه می کردند اے گروه جن و انس آیا نیاده بودند بشما رسولان

وَمِنْكُمْ يَفْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَتِي وَيَنْزِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا

از جنس ششما که می خوانند بر ششما حکم های مرا و می ترسانند شمارا از پیش آمد این روز شما گویند

شهدنا على أنفسنا وغررنا في الحياة الدنيا وشهدوا على أنفسهم
اعترافا كذبهم برحمتك يا ذا الجلال والإكرام

که اقرار کردم برگناه خویشتم و فریب دادی ایشان را زنده گانی دنیا و قاتل شدند بر خویشتم

انہم کانوا کفرین ذلک ان لم یکن ربکم فہلک الکفر بظلم و اھلہ

این ارسال رسل بر سبب ایشان کافر بودند
این ارسال رسل بر سبب ایشان کافر بودند

پس افراد و مشرود و حقایق منکشف گردد مردم مشرک چنین عذر کنند که - اے پروردگار ما! ما بپرستش نیز از اعظم بلکه در بین خود به کار دانی موقوف

و اما یعنی بغیر از
 حقیقت اسلام
 و ما من آن الزم
 و یعنی هر چند می خوا
 حقیقت اسلام و ما من
 آن بخواهد می تواند و الله
 اعلم
 یعنی اگر شیاطین
 یعنی نیاوران ایشان
 از کفار
 متذکران عاقل خوشوقت
 شدند بقرابان و ایمان
 محفوظ شدند از مقلدان
 و الله اعلم
 یعنی برائے حساب ما
 پس در حق ما چه حکم
 است
 و در حق اهل نجات و الله
 اعلم
 مراد آن است که آیا
 نیامده اند از مجموع جن
 انس و آن صادق
 است بیرون رسل
 از انس مبعوث بانس
 و جن و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عاقل نیکو در دنیا
 بت و امثال آزمای
 پرستند در حقیقت
 جن جیست (شیاطین)
 رای پرستند خیالی
 کنند حاجات
 شان از آنهاست
 می آید و به آنها
 ندهد و پیش می
 کنند چنانکه کسی از
 اهل جاهلیت نهنگام
 پریشانی و اضطراب
 از اجزاء استغاثه می
 کردند در سوره جن
 اشاره کرده شد این
 کثرت و یکرنگ در باب
 ان روایات نقل کرده
 اند چون در آخرت
 شبها این سخن الانس
 مثل انسان مورد باز
 شود و بگویم و پیش از

دره ردد عاده هرگز نخست در محاللات دفعه ای از یک دیگر کار نمی گیرند و قریه متعلقه را با هم می گیرند است آنها را بنابر دره

ف بوش
عقوبتی آید دانند
و مترجم گوید این عیبت
احکامی چند اقرار کرده
بودند از آنکه آنست که از
زناعت موشی پاره بر سر
خدا مقرر میکنند پاره بر سر
بتان و حصه خدا بر سر
و ضعیفان میگویند و
حصه بتان باستان بتان
میرسانند پس اگر چیزی
از حصه خدا در حصه
بتان مخلوط شد ترک
میکردند که خدا حاجت
ندارد و اگر از حصه بتان
در حصه خدا مخلوط میشد
آنرا میگویند که بتان
محتاج اند و از آنجمله
آنست که قتل خشریان
تجزی کردند پیشوایان
ایشان بدین توطئه
داده بودند و از آنجمله
که بعضی زراعت موشی
را بر حیوانات که غیر سزا
بتان کس دیگر نمیدادند
آنچه برای بتان ذبح
می کردند نام خدا بران
نمی گرفتند از آنجمله آنست
که چون بخانه و سوای
پرسیدند اگر زنده بود
مردن یا حال
و اگر زنده را
و اگر مرده بود
همه را حال میبردند
خدا متعالی رد این
مذاهب باطل فرمود
و آنچه حکم حق است
فرمود و محاسنی که
این باطل بران جفت
اند و کرد و خدا اعوذ
که یعنی شباهین که
و سوسه کرده اند یا
پیشوایان که مذموب
قرار داده اند و انعام
تفسیر عثمانی
ع حضرت کردگار
مادت ندارد که میرا بدون آگاه ساختن و خبر کردن در اثر علم و عیبتان او در دنیا آخرت گرفتار کرده بتا و ملاک کند ازین جاست که پیغمبران و نه یان فرستاده و کتاب

غفلون ۲) وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مَّا عَمِلُوا وَفَارَّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

غافل باشند و در هر نفس را مرتبه بایست از آنچه کردند و نیست پروردگار تو بے خبر از آنچه بعمل می آرند
بے خبر باشند و برای هر یک درجه بایست از اعمالی که کردند و نیست پروردگار تو بے خبر از آنچه می کنند و

وَرَبُّكَ الْغَفِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنَّ يَشَاءُ كُنْ هَبْكَمُ وَيَسْتَخْلِفُ مِنْ بَعْدِهِ

و پروردگار تو غنی خداوند رحمت است اگر خواهد دور کند شمارا و جانشین سازد پس از شما
و پروردگار تو بے نیاز صاحب رحمت است اگر بخواهد بیرون شمارا و جانشین سازد پس از شما

مَّا يَشَاءُ كَمَا أَتَشَاكُ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخِرِينَ ۵) إِنَّ مَا تَوْعَدُونَ

هر که خواهد چنانکه پدید آید شمارا از نسل قومی دیگر هر آینه آنچه وعده کرده می شود شمارا
هر که خواهد چنانکه پدید آید شمارا از نسل قومی دیگر هر آینه چیزی که وعده کرده شده آید

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۵) قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَاِلٌ

البته آمدنی است و نیستید شما عاجز کننده گان بخداست قوم من عمل کنید بر حالت خویش هر آینه من نیز عمل کننده ام
هر آینه آمدنی است و نیستید شما عاجز کننده گان بخداست قوم من عمل کنید بر (حال) جای خود هر آینه من نیز عمل کننده ام

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده در آخرت هر آینه رستگار نشوند ظالمان و
پس عتق یاب خواهید داشت برای کسی که میرسد خانه عاقبت (آخرت) هر آینه رستگار نشوند ظالمان

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ

و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پدید آورده است از جنس زراعت و چهار پایان حصه گفتند این حصه برای خداست
و مقرر می کردند برای خدا از آنچه پدید آورده از کشت و مویشی حصه را بازی گویند که این برای خداست

بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا الشُّرَكَاءُ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ

بهمان خویش و این حصه برای شرکا که مقرر کرده ایم پس آنچه بود برای شرکا که این شرکا را بتان میبرد بخدا
به همان خود و این حصه برای شرکیان ماست پس آن حصه که برای شرکیان ایشان است نمی رسد بطرف خدا

وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَمَا يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۵)

و آنچه باشد برای خدا میرسد به شرکا که این شرکا بدین نیست که مقرر می کنند
و آنچه برای خداست آن میرسد به شرکیان شان بدست آنچه می کنند

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّرَكَاءِ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُ وَهُمْ

و هم چنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد ایشان را شرکا که ایشان و
و هم چنان آراسته کرده در نظر بسیاری از مشرکین قتل اولاد ایشان را شرکیان ایشان

لِيَرُدَّوَهُمْ وَلِيَكْسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ ط وَكُلُّ شَاءَ اللَّهِ مَا فَعَلُوهُ

تا ملاک کنند ایشان را و تا خلع کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر خواسته خدا نمردند این کار
تا که ملاک کنند ایشان را و تا خلع کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر می خواست خدا نمی کردند این کار را

فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۵) وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حُرْبِ

پس بگذار ایشان را با مفریات ایشان و گفتند این چهار پایان و زراعت حیر است
پس بگذار ایشان را با مفریات ایشان و می گویند که این مویشی و کشت ممنوع است

لَا يَطْعَمُونَ إِلَّا مِنْ نَشَأَ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرْمَتُ ظُهُورِهَا وَأَنْعَامٌ

نخورد آن را سحر آنچه ما خوریم بمان خویش و چهار پایان و دیگر آنکه حرام کرده شده است بودی بر پشت آنها و چهار پایان و دیگر آن
نخورد آن را هیچ کس مگر کسی را که ما بخوریم موافق همان ایشان و چهار پایانی اند که حرام کرده شده بر پشت آنها بودی و چهار پایان و دیگر آن

لَا يَذْنُ كَرُونَ أَسْمَاءَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَتَرَاءُ عَلَيْهِمْ يَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا

کرام خدا نمی نذرند و ذبح آن بسبب آنکه دروغ بستند بر خدا جزا خواهد داد ایشان را بملک با آنچه
بوقت ذبح یا در پیش خدا بر آنها نه می گذارد خدا عتق میدهد سزا خواهد داد ایشان را به آنچه

فتح الرحمن
 و ما مراد صرافه
 است به نسبت بهمت
 الانعام و آن است
 ثانی مذکور است
 و شیر و یازده غیر آن
 اگر چه حرام است
 از بهیمة الانعام نیست
 و در آن بحث
 نداشتند و الله
 اعلم
 یعنی مثل شتر و شتر
 مرغ و الله اعلم
 یعنی لقمه از کتب
 الهی و الله اعلم
 تغییر عثمانی
 متعلقه به عثمانی
 استیاد محقق علم الهی
 است پس شما را نشان
 یا یا نزل داده یا چه
 را که در علم داده است
 و باره هر مردم یادر
 باره بعضی حرام قواد
 میدید چنانچه در باب
 گذشت ذکرش چه سند
 دارد هر گاه سندی
 ندارد که آنرا حکم خدا
 ثابت کند پس چیز
 بای را که خدا آفریده
 حلال یا حرام گفتن
 عینا چنان است که
 معاذ الله مقام خدای
 را بحدی که بگوید یا عا
 و عا بعد از آن است
 این بود صورت هر یک
 و تبار کفنه است
 حضرت شاد
 می نماید یعنی از این
 که خوردن شراب و ولع
 دارد اینها حرامند
 درین آیت توضیح
 بگفتار است که اشیا
 مذکور فوق را که حلال
 بود و حرام قرار داد
 اکنون آن اشبار
 بیان می شود که در
 واقع حرام است
 و شما آنرا متلا می بیند از تفسیر و توضیح
 آیت در شروع سوره مائده در "حرمت شکار میوه و گیاهان و غیره که کشته است آنرا حرام است"

عَلَيْهِ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ أَمْ كُنْتُمْ شُرَكَاءَ آدَمَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ هَذَا

پس بر او رحمتی است این دو ماده آیا حاضر بودید و متفکر حکم کرد
 برادر رحمتی است بر دو ماده آیا بودید شما حاضر و متفکر حکم داد شما را خدا به این

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ

پس کیست ستمگر تر از کسی که بگوید بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را بغير دانش
 پس کیست ظالم تر از کسی که بهتان کرده بر خدا دروغ تا که گمراه کند مردمان را بدون تحقیق (دانش)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ

پس آینه خدا راه نمی نماید قوم ستمکاران را بگوئی یا یلم در آنچه وحی فرستاده شده بسوی من
 پس آینه خدا هدایت نمی کند قوم ظالمسان را بگوئی یا یلم در آنچه وحی شده بسوی من

مُحَرَّمًا عَلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا أَنْ يَكُونُوا مِتًّا أَوْ دُمًا مُّسْفُوحًا أَوْ

شیر چیز حرام بر خوردن که بخورد آنرا مگر آنکه باشد مردار یا خون ریخته شده یا
 شیر حرام بر خوردن که خورد آنرا مگر آنکه آن چیز باشد مردار یا خون روان یا

لَحْمِ خَيْزُرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فَسَقًا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ

گوشت خوک پس هر آینه آن حرام است یا آنچه فاسق باشد که بر آن غیر خدا آواز بلند کرده شد وقت حاجت او پس هر گاه اضطرر
 گوشت خنزیر (پس هر آینه) او ناپاک است یا آنچه فاسق باشد (فاسق) که آواز بلند کرده شده است برای غیر خدا و وقت حاجت او پس هر گاه

غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا

نه بخی کننده و نه از حد گذرنده پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است و بر یهود حرام ساختیم
 و نه فراموش کننده و نه زیاده دهنده پس پیش پروردگار تو بسیار بخشنده نهایت مهربان است و بر آن که بیک سو و آنکه

كُلِّ ذِي ظِفَرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهَا الْأَمْحَلَكُ

هر جانور ناخن دار و از گاو و گوسفند حرام ساختیم بر ایشان این دو قسم مگر سیم که بر او شست است آنرا
 گوشت و پوست و ناخن و از گاو و گوسفند حرام کرده بودیم بر ایشان پس بگوئید که بر او شست است این دو قسم

ظُهُورَهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَاهُم بِمَا كَفَرُوا

پشت این دو قسم یا بر دوش است یا از زانو یا آنچه متعلق است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را بابت ایمان و کفر
 و چسبیده باشد بر پشت بای آن یا بر دوش است یا از زانو یا آنچه متعلق باشد با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را بسبب کفر ایشان و بر آینه

لَصْدِقُونِ ۖ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبِّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ

راست گوئیم پس اگر بدو دروغ نسبت کنید بگوئید که پروردگار شما خداوند مهربان است و دهنده می شود
 راستگو یا یلم پس اگر بدو دروغ نسبت کنید بگوئید که پروردگار شما خداوند مهربان است بسیار است در دهنده می شود

بِأَسْمَاءِ عَنِ الْقَوْمِ الْيَاسِرِينَ ۚ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ

بگوئیم او از قوم ستمکاران زود باز می آید بگوئید
 عفو آنرا و قوم کفرکاران زود باز می آید بگوئید مشرکان اگر خواسته

لِلَّهِ مَا أَشْرَكُوا وَلَا آبَاءُ وَلَا أَوْلَادُكَ لِشَيْءٍ لِّكَ كَذِبًا لِّلَّذِينَ

خدا یعنی رخصت او بود و شریک مقرر نمی کردیم و نه پدر و نه پسر و نه فرزندی را بچیزه را بچیزه بدو دروغ نسبت کند
 و اشراک نمی آید و ما و نه پدران ما و حرام نمی کردیم بچیزه را بچیزه بدو دروغ نسبت کردند که بگوئید

قَبْلَهُمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ

پیش از ایشان بودند تا آنکه چشیدند عقوبت ما بگوئید که شما دانستی و
 پیش از ایشان بودند تا آنکه چشیدند عقوبت ما بگوئید که شما دانستی و

مِنْ جَوْهَرٍ لَّا يَمُوتُ إِلَّا الشُّعْبُ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا شُرَكَاءُ مِنْ قُلْ

تا بهر آن آید از برای ما پیروی نمی کنید مگر شجره را و پیوسته شما مگر دروغ بگوئید
 پس پیروی از برای ما پیروی نمی کنید مگر همان را و پیوسته شما مگر دروغ بگوئید

فتح الرحمن
 دل متوجه گوید ظاهر
 نزد یک این سه
 آنست که حرام گردانید
 اشیائی مذکوره را
 در ازل بر قوم
 نوح و هلم جبرائیل
 باز دادیم موسی را
 کتاب و الله اعلم
 و این برای بعض
 ارواح ۱۲ فسخی
 با ملاک قوم ۱۲
 یعنی طلوع نفس از
 مغرب یا دایه الاض
 و الله اعلم ۱۲
 یعنی آنروز توبه گنهگار
 و ایمان کافر قبول
 نشود و الله اعلم ۱۲
 و این از توبه اخذ
 نجا پذیرد و الله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 معلوم می شود
 احکامیک در فوق از
 قل تالوا ان احرم
 علیکم خوانده و
 شنوانیده شد
 همیشه جریان داشت
 و هم پیغمبران شرع
 بر آن متفق بودند
 پس از آن خداوند
 تورات را بر موسی
 علیه السلام فرود آورد
 که در آن احکام شرع
 بتفصیل مزید درج
 بود و تورات مطهر و به
 حکو کاران آن روز
 کا نعمت خدا تمام
 گردید و دریات با
 شرح و بسط بیان
 شد و ابواب هدایت
 و رحمت گشاده گردید
 که مردم آن را بدانند
 و به تقای پروردگار
 خویش یقین کامل
 حاصل کنند و عه
 کیست ستم کار تر از آنکه
 بعد از فرود آمدن
 چنین کتاب روشن و بهر مثال آیات آن را دروغ انگارند از پذیرش احکام آن و گردانند و دیگران را نیز بگردانند و تبلیغ در اصداف عنها و معنی از سلف منقول است

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ اتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ
 شما پر بهیز گاری کنید باز می گوئیم که داده بودیم موسی را کتاب تا نعمت تمام کنیم بر هر که بشکوه کار بود
 و تَقْصِيْدًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّكُمْ يَلْقَآءُ رَوْحِي يُؤْمِنُونَ ۝
 و بیان کنیم بر چیز را و بهجت هدایت و مهربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند و
 و برای بیان بر چیز و بهجت هدایت و مهربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خود ایمان آرند و
 هَذَا كِتَابُنَا أَنْزَلْنَاهُ فَبُكِّرْ فَاتَّبِعُوهُ وَاسْتَقُوا الْعَلَكَ تَرْحَمُونَ ۝
 این قرآن کتابیست که فرود فرستادیمش با برکت پس پیروی او کنید و پر بهیز گاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما و شما
 این (قرآن) کتابیست که فرود فرستادیمش با برکت پس پیروی کنید آنرا و پر بهیز گاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما و شما
 تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَي طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِكَ وَأَنْ كُنَّا
 گوئید بخبر این نیست که فرود آورده شد کتاب یعنی تورات و این بر دو گروه پیش از ما و تحقیق بودیم ما
 بگوئید جز این نیست که فرود فرستاده شده است کتاب بر دو گروه پیش از ما و بدرستی که ما
 عَنْ دَرَسْتِهِمْ لَغَفْلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا
 از تلاوت ایشان بے خبر یا گوئید اگر فرود آورده شده بر ما کتاب هر آینه بودیم
 هستیم از درس و تدریس ایشان بے خبر یا گوئید اگر فرود آورده شدی بر ما کتاب (هر آینه) ما بودیم
 أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ ۝
 راه یافته تر از ایشان پس آمده است بشارتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش
 راه یافته تر از ایشان پس بدرستی که آمد بشارتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش
 فَسَنُأْظِمُ مِنْ كَذِبِ بَايِتِ اللَّهِ وَصَدَقَ عَنْهَا سَجْرِي لَّذِينَ
 پس کیست ستم کار تر از کسیکه بدروغ نسبت کند آیات خدا و اعراض کند از آن جزا خواهیم داد
 پس کیست ستم کار تر از کسیکه بدروغ نسبت کند آیات خدا و اعراض کند از آن جزا خواهیم داد
 يَصْدُقُونَ عَنْ آيَاتِنَا سَوَاءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدُقُونَ ۝
 اعراض کنندگان را از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض می کردند
 بر می گردند از آیات ما بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض می کردند و نیستند
 يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
 منتظر نیستند مگر آنرا که بیایند بدیشان فرشتگان و یا بیاید حکم پروردگار تو یا بیاید بعض
 منتظر مگر آن که بیایند بدیشان فرشتگان یا بیاید (حکم) پروردگار تو یا بیاید بعض
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 نشانههای پروردگار تو و روزی که بیاید بعضی از نشانههای پروردگار تو بقی ندم نفسی را که ایمان
 نشانی های پروردگار تو روزی که بیاید بعضی از نشانههای پروردگار تو بقی ندم نفسی را که ایمان آن
 لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتظِرُوا أَنْ
 نیاورده بود پیش ازین ایمان او یا بقی ندم نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود عمل خیر توبه او و بگو انتظار کنید و اینها
 که نیاورده بود ایمان پیش از این یا بقی ندم نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود عمل خیر توبه او و بگو انتظار کنید و اینها
 مَتَّظِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَرْفَعُونَ صَوْتَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كَسَبَتْ مِنْهُمْ
 منتظریم تحقیق کسی که برانگیزه کردند دین خود را و گروه کرده شدند یقینی از ایشان
 منتظریم تحقیق کسی که برانگیزه کردند دین خود را و شدند گروه نموده ترا یا آنها را سر و کاری نیست از ایشان
 فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝
 در هیچ حساب و قضا این نیست که کار ایشان کند الله و بسوی خداست باز خبر دهد ایشان را بعلت آنکه می کردند هر
 در هیچ چیزی جز این نیست که کار ایشان با خداست باز خبر دهد ایشان را به آنچه می کردند هر

چنین کتاب روشن و بهر مثال آیات آن را دروغ انگارند از پذیرش احکام آن و گردانند و دیگران را نیز بگردانند و تبلیغ در اصداف عنها و معنی از سلف منقول است

جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَاءٍ وَمِنْ جَاءَ بِالسَّبِيَّةِ فَلَا يُجْزَى

آورد بینی پس اوراست ده چندان و هر که آورد بدی جزا داده بخوابد شد
آورد یک بینی پس اوراست ده چندان و هر که آورد یک بدی پس سزا داده بخوابد شد

لَا يَمْلِكُهَا وَهُمْ لَا يُطِيعُونَ ٢٥ قُلْ إِنِّي هَدَيْتُ رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ

الاضل آن دایشان ستم کرده نخواهند شد
بگو هر آینه دلالت کرده است مرایه در دگر من بسوی راه
عقل آن (ویران) علم نخواهد شد و ایشان ستم کرده نخواهند شد ع
بگو هر آینه هدایت نموده است مرایه در دگر من به راه

مُسْتَقِيمٌ دِينَ قِيَامَةٌ إِبْرَاهِيمَ حَنِفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

مراد می دارم دین درست کنش ابراهیم را حقیقت شده و نبود از مشرکان راست

راست وین هیچ کس آن ملت ابراهیم است در جای که یک طرف بود (رایل بدین حق) و نه بود از مشرکان

بگو هر آينه نماز من و رجب من و قرياني من و زندگاني من و موت من همه براي خداست پروردگار عالميا

بگوهر آینه خازن و (ع) و زنگاری من و موت من همه خاص برای خدا پروردگار عالمیان است

تَشْرِيكَ لِهَجٍّ وَبِذَلِكَ أَفْهَمْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ⑨ وَف

نیست یانچ ستریک اورا و بالین تو حید فرموده شد مراد من عشقین مسلمانانم
نیست یانچ ستریک اورا و بالین تو حید فرموده شد مراد من عشقین مسلمانانم

وَاللَّهُ يَخْتَارُ

آیا طلب کنم پروردگارے غفر خدا و اوست پروردگار همه چیز و عمل منی کنیده بیایج کسے

[illegible]

عليها ولا تنزلوا ردة و زرا حري فتدلى ربيكم مرجعكم
بر ذات خود و بر تداريچ بردارنده پارو پيگرا باز بسوي بيرون و گاه شارجوع خواهانند

بر خود هر که گناه می کند بر ذمه اوست و بر ندارد و بی تیج بر دارنده بار دیگری را باز بسوی پروردگار شمار رجوع شما سر

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ ١٠ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

پس خبردار کنده شمارا با پنجه که در آن اختلافا می گردید
 و او آنست که ساخت شمارا

پس خبردار کندهشماره آنچه که در آن اختلاف می کردید و ادست که مگردانید شماره

بادشاهان زمین و ملوک کرد
نظر را بالای بعضی دره ها ساز
در بعضی درخت لیبی و ام

نایب داور زمین و بند کرد (یعنی شمارا بالای بعضی در جهان) از شمار د جان یی را بر د یگری تا بیاز ماید شمارا

وَمَا أَتَاكُمْ مِنْ رَّبِّكُمْ سِرِّيهِ الْقَوَابِلُ وَأَنْ تَغْفِرُوا لَهُمْ

در اینک داده است بشما بر آئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است و هر آئینه او آفریننده مهربان است
در احکامی که (در آئینه) داده است بشما (بر آئینه) پروردگار تو زود عذاب کننده است و هر آئینه وی آفریننده مهربان است

شعره ای که در این کتاب است و در هر یک از اینها

سید الشهدا و سید الشهداء است ایستادگار

3 2 11 1 3 2 11 20

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم خداے بخشنده مهربان

النَّصْرُ أَتَى الْأَعْرَابَ فَأَلْجَأَهُمْ فِي صُدُورِهِمْ مِنْهُ

این کتابست که فرود آورده شد پسوی گویند باید که نباشد در سینه تو باشد یعنی از تبلیغ او

این کتابیست که فرود آورده شده بر موی پس نباشد و در سینه تو بیج می آید از سنان او

از زبانه فرمان بردارم" نخست از همه فرمان بردارم" گفته است به این طرف اشاره نمود و زیر پایه اعتبار مجاوره در ادای تعبیر اولین رتبه بیشتر و

[illegible]

والبینه معبودان
باطل که دوست می
گرفتند و الله اعلم
والبینه یعنی بر اعمال
ایشان را ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه نگاه که ظلم و
عدوان کفر و عصیان
آنها از حد گذشت
در لذات و شهوات
این جهان فرو رفتند
و از عذاب الهی بگریختند
نیز ایشانند و خواستند
از خواب آسایش
منتقل شوند ناگهان
عذاب با فرارسید
در این منظره مهلک
وحشت زاده بنگاه
گردیدار همه حشت
و کبریا و خویش را
فراموش کردند از
چار جهت جز فریاد
انانیت و غلبه پیروی
شعیده می شد گویا
در آن وقت بر آن
با آشکار گردید و به
اقرار آمدند که خدایا
کسی نمی کشد ا
ما خود بر خویش ا
ظلم نمودیم
تنبیه - در (۱۰۰)
نجاه با یاسا مفسران
را چند قول است
غالباً مترجم محقق رح
آن را تفسیر و تفصیل
«الملکان» قرار داده
مثلاً اگر گفته شود تو
خدا فضل و جود و زلیله
را بجز فلان کس و ضو
و کس نیست روی
دوست خویش را بدین
مثال شستن و تفصیل
و تفسیر وضو است
بهم چنین در این چل
از بیان کیفیت غذا
(بلای کردن) تفصیل
و تفسیر می شود و الله اعلم

لَتَنْذِرُ بِهِ وَذِكْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ ۵ اَتَبْعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ
فَرُود آورده شد تا مردم نمی بان برای پند مسلمانان را پیروی کنند آنرا که فرود آورده شد بسوی باز چنانچه برود و اگر
تا آخر ساقی به آن و نصیحت است مومنان را پیروی کنند آنرا که فرود آورده شد بر شما از جانب پروردگار شما
وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ طَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۶ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ
و پیروی کنید بجز وی دوستان را اندک پند می پذیرید و کفایت پیروی بجز وی دوستان را اندک پند می پذیرید
أَهْلَكْنَاهُمْ أَفْجَاءً هَآبِلًا سَنَابِلًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۷ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ
هلاک کرد پیش پس آمد بوسی عقوبت ماولیایان شباهتگاه آرمیده بودند با دقت ایشان در خواب بیدار بودند پس بود قول ایشان
اِذْ جَاءَهُمْ سَنَابِلُ الْأَنْفَالِ أَلَانَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۸ فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ
چون بیاید بایشان عقوبت ما آنکه گفتند هر آینه ما مستکار بودیم پس البته سوال خواهیم کرد آن کس را که
أَرْسَلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۹ فَلَنَقْصُصَ عَلَيْهِمْ يَوْمَئِذٍ مَآلَهُمْ
پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته سوال خواهیم کرد و پیغامبرانرا پس البته بیان خواهیم کرد و حضور ایشان را که بدانش و
كُنَّا غَافِلِينَ ۱۰ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۱۱ فَكُنْ تُقَلِّتُ مَوَازِينَ ۱۲
نمودیم غافل و سنجید ان اعمال بالصفات آن روز بود نیست پس هر که گران شد پله بینی با سئ او
فَإُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۱۳ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۱۴ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ
پس ایشانند رستگار و هر که سبک شد پله بینی با سئ او پس ایشانند رستگار
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ يَهَآكُنَّ أُولَٰئِكَ يَظْلِمُونَ ۱۵ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي
زبان کردند در حق خویش سبب آنکه آیات ما انکار می کردند و هر آینه استقامت دادیم شمارا در
الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَاشًا طَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۱۶ وَلَقَدْ
زمین و پیدا کردیم برای شما در آنجا اسباب معیشت اندک می شکر می کنید و هر آینه
خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ۱۷
آفریدیم شمارا یعنی پدر شمارا باز صورت بسیم شمارا یعنی پدر شمارا باز گفتیم به فرشتگان که سجده کنید آدم را پس سجده کردند
إِلَّا إِبْلِيسَ ط لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۱۸ قَالَ مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدُ
مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده کنی
إِذَا أَمَرْتُكَ ط قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ
او قویتر از من ترا گفت من بهترم از او آفریده مرا از آتش و آفریده او را از
طِينٍ ۱۹ قَالَ فَهَبْطْ مِنْهَا فَيَا كُونُ لَوْ أَنَّ تَتَكَبَّرُ فِيهَا فَاخْرُجْ
گفت پس فرود از آسمان زیرا که لایق نیست ترا که سر کشی کنی در آن پس بیرون شو
گفت خدا پس فرود شو از آن پس لایق نیست ترا که سر کشی کنی در آن پس بیرون شو

و تفسیر می شود و الله اعلم

ثَاثٌ مِنَ الصَّغِيرِينَ ٣ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ ٤ قَالَ

گفت یا خدا یا مهلت ده تا روزی که آدمیان برانگیخته شوند گفت خدا

ثَاثٌ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ٥ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَا فَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطُكَ

پس گفت بسبب آنکه گمراه کردی مرا البته بپایانم برای آدمیان براه

لِاسْتِقْلَامٍ ٦ ثُمَّ لَا تَبْتَغِهِمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ

راست تو یعنی تا از آن منع کنم پس البته بپایم بسوی ایشان از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از

أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ٧ قَالَ خُزْجْ

از آن که جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیایی اکثر ایشان را شکوگذار گفت بیرون رو

مِنْهَا مَذْعُومًا مَدْحًا لَنْ تَبْعَكَ مِنْهُمْ لَأَمَّا لَنْ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ

از آن که از آسمان بخوبی پندیده رانده شده بخدا هر که پیروی کند شما از آدمیان البته پیرکنم و در حق را از شما

أَجْمَعِينَ ٨ وَيَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ

جمع کنید و ای آدم ساکن شو تو و زن تو در بهشت پس بخورید از هر جای که

شِئْتُمْ وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ٩ فَوَسْوَسَ

که خواهید شد از سمت گاران (پس) خواهید شد از گنه گاران) پس (وسوسه کرد) لغزانی

لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَائِهِمْ وَقَالَ مَا

شیطان تا آشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شما که پنهان است از ایشان و گفت

لَكُمْ مَارِئِكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينَ أَوْ تَكُونَا

منگوده است شمارا پروردگار شما ازین درخت مگر بر آن عطا کند از آنکه شوید دو فرشته یا شوید

مِنَ الْخَالِدِينَ ١٠ وَقَا سَمِعَا إِلَى لَكَمَا لَيْسَ النَّصِيحِينَ ١١ فَدَلَّهُمَا

و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شما را پس بسوی پستی انداخت ایشان را

بَعُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفْنَ

پس چون چشیدند آن درخت را ظاهر شد ایشان را اندامهای برهنه و شروع کردند که بر سرک بالایی بر می خیزند

عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ طَوَّافًا هَهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تَبْكُمَا

از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکردم بودم شمارا از این

الشَّجَرَةَ وَأَقُلْ لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ١٢

درخت و نه گفته بودم به شما که هر آینه شیطان شمارا دشمن آشکارا است

درخت و گفته بودم شما که (هر آینه) شیطان بشما دشمن آشکارا است

عنه از مخلوق خدا

بهشت یا آسمانها کسی

ماند و می تواند که سرایا

مطیع و فرمان بر حق

او باشد آنجا خود

خواهد سرکش را

گنجایش نیست بهر

حال شیطان ملعون

که بران مقام عزت

بنا بر کثرت عبادت

و غیره تا آنکه نایز شد

بود در سر خود خواهی

و تکبر فردا نموده شد

تنبیه از شمولیت

المیس در معرفت

تامت در از تنبیه شد

که خداوند قسط بخرج

یک از مظلومان حتی

المیس بهم چنان نیا

فریده که خاص پانجام

هدی مجبور و معطر

باشد بلکه به اعتقاد

فطرت اصلی خدیش

ترس موجودات نیز

صلاحیت آنها را

که بر کسب و اختیار

نیکی و تقوی یا انتهای

ترقی برسد عه با

مردم ناشکری باشند

نمی توانند عازیان برسانند عاقبت کامیابی و فلاح از آن

این و فاست اگر چه اندک باشند کثرت تاسا مسان نذر

دور خ می شود گویا باین صورت واضح شکه جنود شیطان

هر قدر زیاده باشند نمی توانند سپاه گلیل

التحراد و خلق الله را مغلوب و مقهور

کنند مگر به آدم و حوا اجازه بود که بلا مانع بهر

چیز بخوانند بخورند و نوشند جز یک لحظه

فتح الرحمن

واللین یسوی کبریا
واللین یسوی کبریا
خفته انگر و محشور

شیر: نه علم ۱۲

تفسیر عثمانی

ع مراد از فرود آوردن

آفرینش را و غیره

توضیح تدبیر است

که فرود آوردن اکثر

در آنجا استعمال می

شود که چیزه از ۲

بالای پایان آورده

شود و مادر بسیار

چاپاز از فوق ۹

و تحت مکانی مراد می

باشد بل درباره کن

که در مرتبه بلند باشد

اگر چیزی بزرگتر است

خویش بخشد نیز این

کلام لطاف می شود

چنانکه در این آیت

کریمه و انزل کم

من الانعام ثمانیه

از داج یا و انزلنا

الحمد فی لباس شدید

عنه اخراج و تبرع

بسی سبب این مصداق

شده یعنی سبب صدای

آدم و حوا از بهشت

و بر آوردن لباس

آنها و می تدا کنون

شمار از آنها فریب

خود و در مقابل مگر

آن با هو بسیار باشد

سه و شتی که با چنین

بینده ما و او دیده

نقوایم جزا و خطرناک

و منافات او سخت

و شمار می باشد باید

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر خویش و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البتة از

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر نفس بای خود و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البتة می باشیم

مِنَ الْخَاسِرِينَ ۱۳ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي

از یاکاران گفت (خدا) فرودید بعض شما بعض را دشمن خواهید بود و دشمنی را

الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۱۴ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا

زمین استقرار و بهره مندی باشد تا وقتی گفت خدا در زمین زندگی خواهید کرد و در آنجا

تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تَخْرَجُونَ ۱۵ يَبْنِي أَدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ لُبَاسًا

خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید ای فرزند آدم بر آئینه ما فرود آوردم بر شما لباس

يُؤَارِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ

که پیوسته شمرگاه شمارا و فرود آوردم جام های زینت را و لباس پرهیزگاری و آن بهتر است این از

أَيُّهَا اللَّهُ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۱۶ يَبْنِي أَدَمَ لَا يَفْتِنُكُمُ الشَّيْطَانُ

ای پادشاه خدا است تا ایشان پند پذیر شوند ای فرزند آدم گمراه نه کند شمارا شیطان چنانکه

أَخْرَجَ أَبَوَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسًا لِّئَلَّا يَهْتَمَّ بِمَا سَوَّاهُمَا

بیرون آورد پدر و مادر شمارا از بهشت بر کشید از آنها جامه ایشان را عدا تا بنماید به ایشان شرم گاه آن بار

لَهُ يَرْبُكُهُ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ

بر آئینه شیطان و قوم او می بیند شمارا از آنجا که شما نمی بینید ایشان را بر آئینه ما ستم شیاطین را

أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۷ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحْشَةً قَالُوا وَجَدْنَا

کار گذار نیک ایمان ندارند و کار گذار آنانکه چون میکنند کار زشت گویند یا قیوم

دوستان مرگانی را که ایمان نمی آورند و چون بکنند عمل زشت می گویند یافته ایم

عَلَيْهَا أَبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَمُرُّ بِالْفَحْشَاءِ

برین کار پدران خود را و خدا فرموده است ما را بان بگو بر آئینه خدا می فرماید بکار زشت

بَرِّينَ كَارِ بَدْرَانَ خُودَا وَخُودَا فَرَمُودَه اسْتَمَارَا بَابِن بُوْدِهَر آئِنَه خُودَا حَكَم مِی وَهید بکار زشت

تَقْوُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۱۸ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا

ایا می گویند بر خدا آنچه نمی دانید بگو بر آئینه فرموده است پروردگار من بالقسط و راست کنید

آیا می گویند بر خدا آنچه نمی دانید بگو حکم داده پروردگار من بحد و راست کنید

وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ هَٰذَا

روی خود را نزد یک هر نماز پرستید او را برای او خالص کرده عبادت را چنانچه

رو بای خود را وقت هر نماز بخوابید او را خالص فراد او شده و پرستید شمارا در جای که خالص گفته با شکر برای او طاعت را بکنید

بِذَٰلِكُمْ تَعْبُدُونَ ۱۹ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّ

آفرید شمارا هم چنان دیگر بار خواهید شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراه شدند بر ایشان

بیا فرید شمارا باز آفریده خواهید شد باز خواهید گشت بوی گروهی را هدایت نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراه شدند بر ایشان

بویه رک الاله و بما للطف الخیر تنبیه - انذار که همو قبل من حیث لا ترونهم قضیه مطلقه است نه آنکه یعنی بسا اوقات که او را می بیند و ما را نمی بینیم این قول

فتح الرحمن

ولا فراموش کردن خدا ترک ایشان است و درود بخواند و التماس کند و یعنی مسلمان شود و بت راند پرستیم و یعنی گناه جزا شب را بلباس تنه پوشانیده در حساب نهاری گرداند و التماس علم را یعنی از پی در آمدن شبانه روز مشایه آنست که گویا کسی که را دو ان دشت با پای طیار تفسیر عثمانی ۵۰ دوزخیان ۵۰ خوش را باخته مفسر باد پیش اهل جنت دست نیاز درازی کننده می گویند سو فقیه اندکی آب بریزید یا از انجلی که خداوند بشمار ازانی داشته دارد مستفید گردانید جواب داده میشود که این اشیاء بر کافران حرام گردانیده شد این همان کافراست ۴ کزین الهی را ۶ یا بجه قرار داده و بر تنم ۱۳ دنیا مقهور شده بودند چنانکه آنها را زندانی در دنیا بیک گاه از آخرت اندیش نیکوید مانیز امروز استی با نهانی و بیم و چنانکه آنها آیات را انکار می کردند مانیز در خواستان را اجابت نمی کنیم عه در حال وجود و کتابی مانند قرآن که در آن کلیه ضروریات تفصیل علی موجود است و هر چه را آگاهی و صراحت تمام بیان می کند چنانچه مومنان بخوبی از آن برخوردار می گردند تعجب است که این معاندان خود خواه طوری به عاقبت خویش نگردند اکنون پشیمانی سودمند به

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۵ وَنَادَىٰ أَحْكَبُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ
بر شما و نه شما اند و بگین شوید و ندانکنند
بر شما و نه شما اند و بگین شوید و ندانکنند
افِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ يَمَسُّنَا فَعَلَّمَ اللَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ
بریزید بر ما چیزی را آب یا از سائر آنچه روزی داده است شمار خدا گویند هر آینه خدا حرام ساخته است این
بریزید بر ما چیزی را از آب یا از سائر آنچه روزی داده است شمار خدا گویند هر آینه خدا حرام کرده است شمار خدا
عَلَى الْكَافِرِينَ ۶ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ
بر کافران آنانکه دین خود گرفتند بازی و لهو را و فریب او ایشان را از زندگانی
بر کافران برانانکه گرفتند دین خود بازی و لهو را و فریب نادانانرا از زندگانی
الدُّنْيَا ۷ فَالْيَوْمَ نَسْفَعُكُمْ كَمَا نَسْفَعُ الْقَاءَ يَوْمَهُمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِالْبَیِّنَاتِ
دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انجاری کردند
دنیا پس امروز فرو گذاریم ایشان را چنانچه ایشان فرو گذارستند و بدین این روزشان را و چنانکه آیات ما را
يُجْحَدُونَ ۸ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ بَيِّنَاتٌ فَصَلَّاهُمْ عَلَىٰ عِلْمِهِمْ هَذَا وَرَحْمَةً
بآیات ما و هر آینه آوردیم برائے ایشان کتابی که مفصل کردیم آیه را و التماس برای ربیانی و رحمت
انجاری کردند و (هر آینه) آوردیم بارشان کتابی که مفصل کردیم آیه را و التماس برای ربیانی و رحمت
لِقَوْمٍ يَوْمُونُونَ ۹ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ
مومنان را انتظار می کنند کفار مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن
برای مومنان عه آیا هنوز منتظر اند که مصفون آن ظاهر شود روزیکه ظاهر شود مصفون (مصداق آن
يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ بِالْحَقِّ فَمَنْ
گویند کسانی که فراموش کرده بودند از ایشان هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برستی پس آیا هستند
از انتظار می برند کفار مگر مصداق این وعده را خواهند گفت کسانی که فراموش کرده بودند از ایشان هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برستی پس آیا هستند
لَنَا مِنْ شَفْعَةٍ فَيشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرْدِفْ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۱۰
برائے ما شفیعان تا شفاعت کنند برائے ما یا باز گردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم
برائے ما شفاعت کنندگان تا که شفاعت کنند برای ما یا باز گردانیده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم
خَيْرٌ وَأَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۱۱ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ
زیان کردند در حق خویشان و گم شد از ایشان آنچه اختراست کردند بر آینه پروردگار شما آن خدا است
تباه کردند نفس بآن خود را و گم شد از ایشان آنچه اختراست کردند بر آینه پروردگار شما التماس
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى
که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد
که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس قرار گرفت و غلبه و قهصر کرد
الْعَرْشِ يُعْطَى الْبَيْتَ النَّهَارَ يُطَلِّبُهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَ الشَّهْرُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجْمُ
عرش می پوشاند شب را بروز و قیامی طلبد شب روز را بشتاب و آفرید آنتاب ماه ستارگان را
عرش می پوشاند شب را می جوید شب روز را بشتاب و آفرید خورشید و ماه و ستارگان را
مَسْخَرَتِ بِأَمْرِهٖ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَرَّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۱۲
رام شده بفرمان خدا آگاه شود او است آفرین و فرمانروای بی نهایت بزرگ است خدا پروردگار عالم
رام شده بفرمان خود آگاه شود خاص کار او است پدید آمدن و فرو بردن حکم دارای بیکت بزرگ خداست که پروردگار همه جهانیان است
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۱۳ وَلَا تَقْسِدُوا
به پرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از حد گذارند کار خدا کند
بخوانند پروردگار خود را بزرگی و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از حد گذارند کار خدا کند و نکنند

فتح الرحمن

وایینه بیار

عقوبت ۱۲۱

وایینه بی ۱۵

اصل است ۱۲

تفسیر عثمانی

عقود باطل سود

وزیان را فیه بگردند

کور شدند و به سرکشی

تکذیب بجات یا

فتنای کردند از بیت

پرستی و دیگر کارهای

باز نیامد پس ما هم

محدود از زمان

را که در کشتی با نوح

بیایم سوار بودند

نهادیم و بجز تمام کذب

را در آب غرق نمودیم

اکنون بر قدر انان

در جهان موجود است

ذریه مردم اهل سفینه

بلکه صرف ذریه حضرت

نوح علیه السلام

عنه عاد از اولاد

ادم است که نواسه

نوح بودند این قوم متو

بهان عاند که در

احقافین سکونت

داشتند حضرت پرورد

از این قوم است و

بدین جهت با آنها

اخوت قوی و هم وطنی

دارد و در این

مردم بت پرستی به

کثرت رائج شده بود

برای رزق برای

باران برای صحت

برای بر جود مطالب

و حاجات ارباب انواع

قرار داده بودند و به

پرستش آن می پرداختند

بود آنها را منع کرد

از کفر آن کنه عظیم

ترسانند و بفرمان

سخن من از این دانشی

نیست منصب سالت

از سوی خدا بفرستاده

شده و من حقوق آنرا ایجابی کنم

شما و انداخته و این

حقانیت و امتیاز

داشته بده حق می

خواهید و بخود زبان می

رسانید

گذر بایستنا انهم كانوا اقواما عابدين والی عاد اخاهم هود

دروغ داشته بودند آیات مارا هر آینه ایشان بودند کرده تا بینا و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان هود را

تکذیب می کردند آیات مارا هر آینه ایشان بودند کرده تا بینا و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان هود را

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من الیه غیره افلا تتقون قال

گفت اے قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او آیا پرستیزگاری نمی کنید گفتند

گفت اے قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او آیا نمی ترسید من گفتند

الکذبین کفروا من قومیه انما لک رب فی سفاهة وانا لنظنک

اشتراف کفار از قوم او هر آینه نامی بیستم ترا در بے خبری و هر آینه اے پندارم ترا

سر داران کفار از قوم او هر آینه ما بیستم ترا در بے خبری و هر آینه نامی پندارم ترا

من الکذبین قال یقوم لیس فی سفاهة ولیکنی رسول

از دروغ گوینان گفت اے قوم من نیست با من هیچ بے خبری و لیکن من پیغام برم از

از دروغ گوینان گفت اے قوم من نیست مرا هیچ بے خبری و لیکن من پیغام برم از

رب العالمین ابلیغکم رسالت رزنی وانا لکم ناصح امین

جانب پروردگار عالمها می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود من برای شما نیک خواه با امانتم

جانب پروردگار عالمها می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود را و من برای شما نصیحت کننده ام با امانت

او عجبتم ان جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لیتذکرکم

آیا تعجب کردید از آنکه بشما پیغام من از جانب پروردگار شما فرود آمده بر مردی از شما تا بیدار کند شمارا و

آیا تعجب کردید که آمد بشما پیغام من از جانب پروردگار شما بر زبان مردی از جنس شما تا بیدار کند شمارا و

اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح و زادکم فی الخلق

یاد کنید نعمت الهی آن وقت که گردانید شمارا جای نشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

یاد کنید چون گردانید شمارا جای نشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

بصطیحة فاذکروا ان الله لعلکم تفلحون قالوا اجئتنا لنعباد

قوت را پس یاد کنید نعمت الهی خدا را تا شمارا ستودید گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

کثرتی (قوت و طول) پس یاد کنید احسان های خدا را تا شمارا ستودید گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

الله و حده و نذر ما کان یعبدا ابائنا فالتبایعنا بعد ان کنتم

خدا را ستودید و بجز از تم آنچه می پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما آنچه و عید می کنی دل اگر هستی

خدا را بپاکت و بجز از تم آنچه می پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما آنچه و عید می کنی ما را اگر هستی

من الصدیقین قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

از راست گوینان گفت ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

از راست گوینان گفت بدستیک ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

اتجاد لونی فی اسماء سمیت بها انتم و ابائکم فانزل الله

آیا مرا بره می کنید با من در باب نامهای چند که شما مقرر کرده اید آنرا و پدران شما مقرر کرده اند و فرود نیارده است خدا بران

آیا مرا بحد می کنید با من در باب نامهای چند که مقرر کرده اید آنرا و پدران شما مقرر کرده اند و فرود نیارده است خدا بران

من سلطان فانظروا الی معکم من المنتظرین فانجیبه

بفرستد دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز همراه شما از منتظرانم پس نجات دادیم او را

بفرستد دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز همراه شما از منتظرانم پس نجات دادیم او را

والذین معه برحمة منّا و قطعنا دابر الذین کذبوا

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان و دروغ می داشتند

و کسانی را که با او بودند برحمت از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان و تکذیب می کردند

۹
ع
۱۶
احسان و
مکر و مکر

در زمین خداوند
میکنند عداوت
میکرد و مانند پهلوانان
بے نوا و ضعیف است
می گفتند چه ممکن است
که مانند مار چال بزرگ
و دانش مند از او
نداشد باشد مگر
بشما معلوم شد که
صالح فرستاده خدا
مسلمانان جواب داد
بلای آنرا ازل پذیر
و بران ایمان آوردیم
و مکرین ازین جواب
حکایت نقل شدند
و گفتند چیزی بر شما
پذیرفتید یا آنرا نمی
پذیریم و اگر مانند شما
چند نفر ایشان و
در آمده ایمان آورد
ازان چه کامیابی بزرگ
حاصل میشود
گویند آن ماده مشر
چندان قوی هیول و
بزرگ بود که بکلام
چوین سار چار پایا
از وی دم می کرد و می
گریختند و در روی
لوبت آن می بود تمام
آب چاه را می نوشید
و آنرا می می کرد گویا
چنانکه خلقت دی غیر
معمولی بود لازم و
آثار حیات و انقیاد
او نیز بطور خارق العاده
آفریده شده بود
انجام مردم بخشم آمدند
و بقتل آن اتفاق کردند
و تقارن شقی پایامی
اورا قطع کردند پس
ازان بقتل خود حضرت
صالح علیه السلام

يَا أَيُّهَا مَآكَانُ مَوَدِّينَ ۝ وَالْيَوْمَ نَبُذُكُمْ بِلِجَنِاتٍ ۝ وَاللَّهُ يَتَذَكَّرُ أَلَيْسَ لَكَ عِلْمٌ ۝
آیات ارا و نه بودند از مومنان و فرستادیم بسوی قوم بنود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من
آیات ارا و نه بودند مومنان و فرستادیم بسوی قوم بنود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من
عبدوا الله ما لكم من دونه شيء ۝ انزلنا من السماء ماء فأنزلنا خشبا مستصفا ۝
عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او هر آنچه آمده است بشما دین است از جانب پروردگار شما
هذه ناقة الله لكم آية ۝ فذروها تأكل في أرض الله ۝ ولا تمسوها
این ماده شتر نیست پیدا کرده خدا را نه برای شما پس بگذارید پیش که چرو در زمین خدا و مرسانند او را
این ماده شتر خداست (آفرید) برای شما تا پس بگذارید پیش که چرو در زمین خدا و مرسانند او را
سوء فإخذكم عذاب أليم ۝ ۱ واذكروا أن جعلكم خلفاء من
باید بدی پس آنکه بجز شما را عذاب درد دهنده و یاد کنید آن وقت که گردانید شمارا از جا نشین
بعد عاد و ثمود في الأرض فتخذون من سواهم قسورا ۝
بعد از قوم عاد و استغفار داد شمارا در زمین می سازید از نرم آن کوشکیا
تنتحون الجبال بيوتا ۝ فاذكروا أن الله ولا تعثوا في الأرض
تراشیده خانه های ساری کوه بارا پس یاد کنید نعمت باطن خدا را تا بای مکنید در زمین
مفسدين ۝ قال الملأ الذين استكبروا من قومه للذين استضعفوا
فساد افکنان گفتند آن اشراک که سرکشی کرده بودند از قوم او آنرا که هر کس ضعیف و استیافت ایشان را
لئن آمن منهم تعلمون أن صلياً من ربه قال أنابها
مرکسان را که ایمان آورده بودند از ایشان ای صلی و امان که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار و گفتند اهل ایمان هرگز نباید بایستد که
ارسل به مؤمنون ۝ قال الذين استكبروا أنابها ۱ امنتم به
فرستاده شده است بآن شریعت معتقد ایم گفتند سرکشان هر آینه باطن معتقدان شدید
فكفرون ۝ فحقروا الثاقة وعتوا عن أمر ربهم وقالوا اصلح أنفسنا
کافر ایم پس کشتند آن ماده مشر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیا رما
کافران عه پس بی کردند و گفتند آن ماده مشر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیا رما
بما تعدنا ان كنت من المرسلين ۝ ۵ فآخذتهم الرجفة فاصبحوا
آپرا و عید می کنی اگر هستی از پیشا بران پس در گرفت ایشان را زلزله پس گشتند
آپرا و عید می کنی ما را اگر هستی از پیشا بران پس در گرفت ایشان را زلزله پس گشتند
في دارهم جثين ۱ فتولى عنهم وقال يقول لقد ابلغتمكم
مردم بزانو افتاده در سرای خویش پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما
در سرای خویش مردم بزانو افتاده پس رو بگردانید صا از ایشان و گفت ای قوم من بیهوده تحقیق رسانیدم بشما
رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون الناصحين ۱ ووطأ
پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم شما را لیکن دوست نمی دارید بندگان که نصیحت کنند شما و فرستادیم لوط را
پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم شما را لیکن دوست نمی دارید بندگان که نصیحت کنند شما و فرستادیم لوط را

نیز آمده و در این طریق احکام خدا را که از حق به صالح و ناقة بود و قتل کردند

فلینے واجب آن

بود که همه متفق میشدند

برایان و چون متفق

نشدند منتظر فیصل

کرده باشند و الله اعلم

تفسیر عثمانی

ع لوط علیه السلام

برادر زاده ابراهیم

علیه السلام بود با علم

از علق بجهت کرده و به

شام آمده اند آنها

جانب "سدم" و قری

اطراف آن مبعوث

که قوام آنجا را

اصلاح کنند و از امور

ناپاک و تنگین مخالف

فطرت و بی حیائی

که مبتلا بلکه موجود

آن بودند یاز

دارند پیش از

این باور جهان کسی

این مرض مملک را

نی شناخت می گویند

نخست این فعل طعن

را شیطان باهالی

سدم آموخت و از

آنجای مقامات دیگر مترا

که حضرت لوط علیه السلام

مردم را به عواقب این

فعل شنیع ناپاک متنبه

نموده خواست این مجامع

را از ملامت بآلود

ناید بر جرات تنگی

همامین انجیل موجوده

باید گریست که نسبت

به چنین پیغمبر معصوم که

برای تطهیر دنیا از

این عمل شنیع و تنگی

مبعوث شده بود و این

اعلان ناپاک را ضروب

گردانند از شنیدن

آن کسی که حیا دارد

مور به نش راست

می شود بکرت کلمه

تخریج من افواههم

یقونون الا کلاما

ع شانهها گرفتار یک گناه نبی باشید بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شانهها در حد انسانیت تجاوز کرده اید.

اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة فاسبقکم بها من احد من

آوقت که گفت بقوم خود آیای کنید آن به حیاتی که پیش از شما بکرده است آنرا هیچ کس از

آن وقت که گفت بقوم خود آیای کنید آن به حیاتی که پیش از شما بکرده است آنرا هیچ کس از

العلمین ۵ انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انکم

عالمها هر آینه شما میرید بشهوت بسوی مردان بجز زنان بلکه شما

عالمیان ع هر آینه می روید بسوی مردان بشهوت بجز زنان بلکه شما

قوم مسرفون ۹ وما کان جواب قومک الا ان قالوا اخرجوهم من

کرده مسرفانند و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

کرده مسرفانند ع و نه بود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

قریبکم انهم اناس يتطهرون ۱۰ فانجینا واهله الا امراتک

دیده خود که هر آینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده اند پس نجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنت را

ده خود که (هر آینه) ایشان مردی اند که پاکیزگی می طلبند پس نجات دادیم او را و کسان او را مگر زن او را

کان من الغیرین ۱۱ و امطرنا علیهم مطرا فافطرکف کان

که بود از باقی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بگر چگونه بود آخر کار

که بود از باقی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بگر چگونه بود آخر کار

المجرین ۱۲ والی مدین اخاهم شعيب قال یقوم عبد الله

کنایه ازان و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من هر یک ستم خدا را نیست

کنایه ازان و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست

لکم من الله غیره ط قد جاءکم بینکم من ربکم فاقوال الکلیل و

شمارا این معبود بجز او هر آینه آمده است بشما و بلی از پروردگار شما پس کنید پیمان و

شمارا این معبود غیر او هر آینه آمده است بشما و بلی از پروردگار شما پس تمام کنید پیمان و

الیزان ولا تبخسوا الناس شیء هم لا یفسدوا فی الارض بعد

تراز و را و ناقص مدهید مردم را اشیای ایشان را و فساد نکنید در زمین بعد

وزن (ترازو) را و ناقص مدهید مردم را اشیای ایشان را و فساد نکنید در زمین بعد

اصلا حملاذ لکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین ۱۳ ولا تقعدوا بکم

اصلاح آن این کار که گفتیم بهترین است شمارا اگر باور دارند بگویند و متنبهید

اصلاح آن این کار بهترین است شمارا اگر بپسندید و بگویند و متنبهید

صراط یوعدون و تصدون عن سبیل الله من امن به و تبغونها

راه که بترسانید و باز دارید از راه خدا که ایمان آورده است با و می جویند برای آن

راه که بترسانید و باز دارید از راه خدا که ایمان آورده است با و می جویند برای آن

عوجا واذکروا الذنکم قلیلا فکثرکم و انظر و کیف کان عاقبة

عیب (بجای) یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و ببینید چگونه شد آخر کار

المفسدین ۱۴ و ان کان طایفة منکم انوا بالذی ارسلت به و طایفة

مفسدان و اگر هست گروهی از شما که ایمان آورده اند با آنچه فرستاده شدم همراه او و گروهی

مفسدان و اگر هست گروهی از شما که ایمان آورده اند با آنچه فرستاده شدم همراه او و گروهی

لکم یومنون فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکامین ۱۵

تا مومن پس صبر کنید تا آنکه من حکم خدا در میان ما و او بهترین حکم کنندگان است

که ایمانی بنیاد کرده اند پس صبر کنید تا آنکه من حکم خدا در میان ما و او بهترین حکم کنندگان است

ع شانهها گرفتار یک گناه نبی باشید بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شانهها در حد انسانیت تجاوز کرده اید.

دل یمنه عادت
کلام ازمانه است که
کلامه سخته و

گلته راحت می باشد
از باب مواخذه بر
اعمال نرود و الله اعلم
تفسیر عثمانی
معنی "عود" از

چیزه بر آمدن دوباره
بازگشتی است اطلاق
آن حقیقه بر احباب
حضرت شعیب علیه
السلام صادق شده
می تواند زیرا از کفر باز
گشته داخل اسلام

شده بودند در باب
خود حضرت شعیب
علیه السلام قطعا انصاف
نمی توان کرد که او شایسته
در ادب (معاذ الله)

در دین کفاره داخل بودند
بعد از مسلمان شدنند
ناچار یا به اعتبار
آن باین خطاب

تغلیباً خواهد بود
مع این کلام میگرد
حق مؤمنین نمی

استعمال شده
فوق اکثریت غالب را
چون منجم نمیده برای
حضرت شعیب کلام

جدا گانه خصوصاً در
نشر و این کلام در حق
دی مطابق نرم گفته

اگر گذشت در زیر ایشان
از لغت تازه اینیک
حضرت شعیب علیه

السلام دعوت
چنین را شریعاً
بود اهل مدین خاموشی

شعیب علیه السلام
را در باب کفریات
خود صریح کرده شاید
علمان کرده باشند که
شعیب علیه السلام

نیز بمنوای آمده برینا
مهرنگار

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

گفتند آن اشتران که سرکش کرده بودند از قوم او

خَرَجَتْكَ يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مِنْ قَوْمِنَا وَلِتَعْوَدَنَّ فِي

بیرون کنیم ترا ای شعیب و کسانی را که ایمان آوردند از وی یا ایست که باز گردید در

تِلْكَ قَالَ أُولَئِكَ كَانُوا فِي يَدَيْنَا مَا أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِن كُنَّا

گفت آیا عود کنیم اگر چه مانا خواهیم داشتیم هر آینه بر لبه با شعیب بر خدا دروغ اگر باز گردیم

فَلَنَكُنَّ مِنْكُمْ أَلَدَّ حَسِبْنَا اللَّهُ مِنْ بَيْنِ أُمَّةٍ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ

بیشما بعد از آنکه بر ما نرسد خدا ما را از وی و هرگز رایی نیست ما را که عود کنیم در آن مگر آنکه

يَأْتِيَ اللَّهُ بِذِكْرٍ لِرَبِّكَ كُلِّ شَيْءٍ عَلَّمْنَا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ

خدا پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما به همه چیز از وی علم بر خدا توکل کردیم اے پروردگار ما

بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلَأُ

کن در میان ما و در میان قوم ما راستی و تو بهترین فیصل کننده گانی و گفت آن اشتران

بَيْنَ كُفْرًا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ أَتَيْتُمْ شَعِيبًا أَنِ كَذَبَ الْخَبْرَ ۝

بیان را خود اگر متابعت کنید شعیب را هر آینه شما آن هنگام زیان کار باشید

خَذَلْتُمْ أَوَّارَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تُدْعَوْنَ بِهِ إِلَى اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا كَذِبًا

و گرفت ایشان را زلزله پس هیچ کردید و سرای خویش مرده بر زانو افتاده آنرا که دروغ داشتند شعیب را

لَمْ يَخُفْ يَخْشَى الَّذِينَ كَذَبُوا شَعِيبًا كَأَنَّهُمْ لَخُبِيرٌ ۝

آنرا که دروغ داشتند شعیب را ایشان بودند زیان کار پس باز گشت

و قَالَ يَقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولِي وَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ

ایشان و گفت اے قوم من رسانیدم به شما پیغامهای پروردگار خود نیک خواهی کردم برای شما پس چگونه

نَهَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا

در خرم بر قوم کافران و نفرستادیم در هیچ دیه پیغامبری را مگر گرفتار کردیم

بِهِمُ الْبِئْسَاءُ وَالضَّرَاءُ لِعَالِهِمْ يَضْرَعُونَ ۝ ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ

تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

الْحَسَنَةَ حَسْبُ عَفْوَاقٍ ۝ وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ وَالضَّرَاءُ وَالسَّرَاءُ

داحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند هر آینه رسیده بود پدران ما سخی و راحت

راحتی است دایم عود مجاز یعنی مطلق "میسورت" گرفته شود (چنانکه بعضی مفسرین گفته اند) عمل اگر چه با درخت روستی و لایق و این ازین کفریات

ول یفزع الیه الذین
 الیها والذین اعلموا
 تفسیر عثمانی
 ۵۰ در زمان بعثت حضرت
 چون مردم بمکه با کعبه
 مقابله می آیند ابتدا
 از طرف خدای تعالی
 بطور تهنیتی عرض فرمود
 تا ایستاد و مصائب
 ناگوار را بگذرد تا آنکه
 تا زمانه سختی خورده از
 شدت دست کشد
 و بطرف بازگردد ای ای
 شریف و پاکیزه تنه
 متناثر می شوند حضرت
 آبی شادمانه و مصائب
 را دور کرده بر آنها
 فرو می ریزد و عیش و
 خوشی و شادی را
 می فراید که از
 احسان متاثر شده
 بشیر شده و محضرت
 رویت متوجه شوند
 یا در فتنه و فتنه
 غرق شده بقی قافل
 و به دست شوند گویا بزرگوار
 که محبت اولاد دولت
 و کرامتی شان بشیرت
 کند حال قدر بر خفت
 و غفلت آنهای افزون
 حتی مصائب گذشت
 را فراموش نموده می
 گویند سلسله رنج و
 راحت از قدیم ایام
 به همین منوال برسان
 داشته کفر و تکبر و
 غفلت اند و در پی
 از روز سستی نصیب ما
 می شد این بختها
 زمانه است که اسلاف
 ما بهم دچار آهنگی شده
 اند بنده کفر و تکبر و
 غفلت آنها به این حد
 می رسد تا ناله این خدا
 خدا آنها را می گیرد
 مگر بهیچ وجه از
 عیش و نشاط با هم

فَاخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۲ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَعْلَمُوا
 پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۲ و اگر ایستادگان آگاه بودند
 پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۳ و اگر ایستادگان آگاه بودند
 وَاسْتَقْبَلَتْنَا عَلَيْهِمُ بَرَكَاتٌ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ
 و بر سرگیری کردند برکات از جانب آسمان و زمین و لیکن اهل شهر کردند
 و بر سرگیری کردند هر یک از کسب و کارهای خود از جانب آسمان و زمین و لیکن اهل شهر کردند
 فَاخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۳ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
 پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۳ آیا ایستادگان آگاه بودند
 پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۴ آیا ایستادگان آگاه بودند
 بَأْسًا بَلَاءًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۴ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسًا
 عذاب با ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۴ آیا ایستادگان آگاه بودند
 عذاب با ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشته اند ۵ آیا ایستادگان آگاه بودند
 ضَعْفٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۵ أَفَأَمِنُوا فُتُورًا لَّهُمْ فَمَا يَكْفُرُ اللَّهُ إِلَّا الْفُتُورَ
 وقت چاشت و ایشان بازمی کنند آیا ایستادگان آگاه بودند از مکر خدا
 چاشت گاه و ایشان بازمی کنند آیا ایستادگان آگاه بودند از مکر خدا
 الْخَيْرُونَ ۶ أَوَلَمْ تَكُنْ لِلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا
 زیان کاران آیا داغ داشت بر آنکه وادار زمین می شوند بعد از بندگان آن زمین که
 زیان کاران آیا داغ داشت بر آنکه وادار زمین می شوند بعد از بندگان آن زمین که
 لَوْ شَاءَ أَصَابْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يَسْمَعُونَ
 اگر خواست می عقوبت رسانید می ایشان را بوجز کتمان ایشان و مهر می بپوشد بر دهان ایشان پس ایشان می شنوند این
 الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ جَاءَ نَهْمُ رَسُولِهِمْ بِالْمُنْجَىٰ
 دین ما را از کرمی بگویم پیش تو بعضی اخبار آن و هر آینه آمده بودند باین آنها پندران ایشان با حجت
 دین ما را خواندم بر تو بعضی از خبرهای آفرید و رسیدگی آمدند باین آن پندران ایشان با حجت
 فَمَا كَانُوا يَسْمَعُونَ ۷ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَاتُ أَنْبَاءِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ لِيُنْذَرُوا
 پس هرگز ایمان نیادوند با آنچه تذکره کرده بودند پیش از آن بچنین مهر می بپوشد خدا بر دل
 پس هرگز ایمان نیادوند با آنچه تذکره کرده بودند پیش از آن بچنین مهر می بپوشد خدا بر دل
 الْكَافِرِينَ ۸ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَمَلٍ وَإِنْ وَجَدْنَا
 کافران و نه یافتیم در اکثر ایشان و تا بهر آینه یافتیم اکثر ایشان را
 کافران و نه یافتیم در اکثر ایشان و تا بهر آینه یافتیم اکثر ایشان را
 لَفِئَتَيْنِ ۹ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 بدر کار باز فرستادیم بعد از ایشان موسی را به نشان باری عظیم بوسی فرعون و قوم او
 بدر کار باز فرستادیم بعد از ایشان موسی را به نشان باری عظیم بوسی فرعون و قوم او
 فَظَلَمُوا بِهَا ۱۰ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۱۱ وَقَالَ مُوسَىٰ
 پس کافرانند این نشانها پس بگر چگونه بود اکثر کار مفسدان و گفت موسی
 پس کافرانند این نشانها پس بگر چگونه بود اکثر کار مفسدان و گفت موسی
 يَفِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۲ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ
 ای فرعون بر آینه من پیغام برم از جانب پروردگار عالمها سزاوارم بآنکه بگویم
 ای فرعون بر آینه من پیغام برم از جانب پروردگار عالمها سزاوارم بآنکه بگویم
 عِشْرِينَ أَمَّا نِسَاءُ الْيَهُودِ الْمَتَّعَاتِ ۱۳ وَنَسُوا اللَّهَ الَّذِي بَعَثَهُمْ
 عیش و نشاط با هم بیست و دو نفر از زنان یهودی را که متاع شده بودند و فراموش کردند خدا را
 عیش و نشاط با هم بیست و دو نفر از زنان یهودی را که متاع شده بودند و فراموش کردند خدا را

الْحَقُّ إِلَّا اللَّهُ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي

انگشت من راست آورده ام پسران من از جانب پروردگار شما پس بفرست بامن بنی

عِيسَى قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَاتَّبِعْهَا اِنْ كُنْتَ مِنَ

عیسی گفت اگر آمده ای معجزه پس حاضر کن آنرا اگر هستی از

الْمُتَّقِينَ ۴ فَالْقَىٰ عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثَعْبَانٌ مُّبِينٌ ۵ وَنَزَعَ يَدَهُ

پس انداخت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دایه ظاهر شده و بیرون آورد دست خود را

عَنِ يَمِينِهِ ۶ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هَذَا

پس انداخت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دایه ظاهر شده و بیرون آورد دست خود را

يُخْرِجُكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ فَسَادًا اَمْرُونَ ۷

خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما پس چه می فرمایید

لَقَدْ اَرْسَلْنَا فِي الْمَدَائِنِ خَيْرِينَ ۸ يَا تَوَلَّوْا بَعْضُ

ما فرستادیم در شهرها بهترین را تا بیارند پیش تو هر

اَنْفُسًا ۹ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوْا اِنَّ لَنَا لَآخِرًا اَوَّلًا

و آمدند ساحران پیش فرعون گفتند هر آینه ما از تو دیرینه ای باید

مِنَ الْغَالِبِينَ ۱۰ قَالَ نَعَمْ وَاَنْتُمْ لِمَنِ الْمُتَّقِرِينَ ۱۱ قَالُوْا لِمَوْسٰى

از غلبه کننده ها گفت آری و بر آینه شما از مقربان باشید گفتند ای موسی

اَنْ تُلْقٰى وَامَّا اَنْ تَكُوْنَ تَحْتَ الْمَلٰٓئِكَةِ ۱۲ قَالُوْا فَلَئِمَّا

است که تخت تو اعلی یا ما باشیم اندازند گفت موسی شما گفتید پس آن هنگام که

اَسْحَرُوْا اَعْيُنَ النَّاسِ وَاَسْرَقُوْهُمۡ وَجَاءُوْا بِسِحْرِ عَظِيْمٍ ۱۳

جادو بکش چشم های مردم را و سرقت کنید ایشان را و آوردند جادوهای بزرگ را

حِيْنَآ اِلٰى مُّوْسٰى اِنْ اَتٰكَ عَصَاكَ فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُوْنَ ۱۴

عصای خود را پس ناگهان آن عصا فرو می برد آنچه بدو رخ اظهار می کردند

فَعَرَّ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۱۵ فَغَلِبُوْا هٰذَاكَ وَاَنْقَلَبُوْا

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنچه دخواه

غَرِبَ ۱۶ وَاتَّبٰى السَّحَرَةُ سُلَيْمٰنَ ۱۷ قَالُوْا اَمَّا نَبُذِ الْعِلْمَ اَوْ

و انداختند سحران سحده کسان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها

ع و آژ با شدن

آن پنج شک و شبه

بنود گویند این آیه ها

با دایه کشاده بسوی

فرعون شرافت فرعون

مضطرب شده از

موسای علیه السلام

خواهش نمود که از دایه

خود را بگیرد و بخورد و بیرون

علیه السلام دست

پیش کرد باز عصا

خ کشید

دست خود را

بگیر بیان برود و در

بغل فشرده بیرون

آورد مردم به چشم سر

دیدند که دستش

خارق العاده سفید

و درخشان بود این

سفیدی درخشیدگی از

مرض ریوی و غیره نبودند

چنان معلوم می شد که روشنی

و از هر از طریق آید و در

انوار من کرده است

دست معلوم می شود

فرعون از معجزات

موسای علیه السلام

مرعوب شده عموم

مردم را به فرعون کرد اول

خودش اصالت (چنان)

در هر دو بزرگ است

نیز برای معجزاتی که

از طرف موسی علیه

السلام ظاهر شد موافق

حیات خود جز جادو

توجیه بهتری نیافتند

لغوی می خواندند

بای سحرانه و شگفتی

نمایش دید و مردم را

به خود مائل کند و با آن

را در هر دو بزرگ است

نیز برای معجزاتی که

از طرف موسی علیه

السلام ظاهر شد موافق

حیات خود جز جادو

توجیه بهتری نیافتند

لغوی می خواندند

بای سحرانه و شگفتی

نمایش دید و مردم را

به خود مائل کند و با آن

فل یعی دست در است
 و بایستی چپ و الی علم
 تفسیر عثمانی
 عه از درگاه پروردگار
 ما زید یزیدن آیاتش
 در نظر و بجم قرایا فت
 ایم در خواست می کنیم
 که ما را بر تاج و زات
 و منحنی بایستی تو صبر
 جمیل عطا کند و نام
 مرگ بر اسلام مستقیم
 دار و تا مبادا مضطر
 و متن ازل شده کاری
 کنیم که خلاف تسلیم و
 رضای او باشد
 عه چون الان
 مشابه نشان
 حق ساعیرین بسوی
 افتاده و بنی اسرائیل
 بهر ای موسی علیه
 السلام پافشاری
 کردند بلکه بعضی قطیع
 هم بفران او میلان
 نمودند و در آن وقت
 مشوش و مضطرب
 شدند و فرعون را
 بدین این کلمات به
 تشدد آماده کردند که
 موسی و قوم او بنی اسرائیل
 را موقع ندیده که آزاد
 در ملک فتنه و فو
 بر پا کنند و عوم مردم
 را بخود مایل گردانند
 بر علیه حکومت علم
 بغاوت برافرازند
 و در آینده پرستش
 تو و موجودات را که تو
 بخویش کرده و مشوخ
 قرار دهنده
 فرعون خود را
 رب اعلی
 یعنی پروردگار اعلی
 میخواند از کلام اعلی
 ظاهر است که برای
 ثبوت علویت خود
 بعضی پروردگاران
 ادنی تمیز کرده بودند چنانکه کلام البیتک
 هو ید است بعضی گفته اند این معبودان ادنا بجمه بای خود غیر بود و بعضی مراد از ان آفتاب و ستارگان را

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ١٣ قَالَ فِرْعَوْنُ اَمَنْتُمْ بِرَبِّ قَبْلِ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ
 خداست موسی و هارون گفت فرعون ایمان آوردید بنوعی پیش از آنکه دستور می دهم شمارا
 اَنْ هَذَا لَكُمْ مَكْرٌ تَوَكَّلْ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَكًا فَسَوْفَ
 هر آینه این تدبیر نیست که اندیشیده اید آنرا در این شهر تا بیرون کنید اذان ما کنان آنرا پس زود
 تَعْلَمُونَ ١٤ لَا قِطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاجْلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ اَصْلَبَ
 خنجر بستم دست های شمارا و بایست که شمارا بخلاف یکدیگر و باز بردار کنم شمارا
 اَجْمَعِينَ ١٥ قَالُوا اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ١٦ وَمَا نَنْقُصُكُمْ مِنْ شَيْءٍ اَلَا اَنْ
 گفتند هر آینه ما بسوی پروردگار خود رجوع کننده گانیم و انکار نمی کنی بر ما آنکه
 اَمَّا يَأْتِيَ رَبَّنَا لَسَجْدَةً تَنْأَمُرُ بِئَنَّا اَفْرَعُ عَلَيْنَا صِدْرًا وَتُؤْتِنَا مَسِيلًا
 ایمان آوردیم به رزقش نهانست پروردگار خود چون بیاید ما را بریزد بر ما صید را و میبخشد و اح
 وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي
 و گفتند اشرف از قوم فرعون آیامی گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در
 الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ط قَالَ سَنَقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ هُمُوسْتَحِ
 زمین و تا بگذارد عبادت ترا و معبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهم گذاشت
 نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ١٧ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا
 دختران ایشان را و ما بر ایشان غالب ایم گفت موسی بقوم خود مدد طلبید
 بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 از خدا و صبر کنید هر آینه زمین خداست و ارث او می کند هر کرا خواهد از بندگان خویش
 الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ١٨ قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَأْتِنَا وَ مِنْ بَعْدِ
 آخر کار برای پر هیزگار ان است گفتند ای داده شدیم پیش از آنکه بیای نزدیک ما و بعد از آنکه
 جَعَلْنَا ط قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ اَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ
 آمدی نزدیک ما گفت امید است که پروردگار شما را بکشد دشمن شمارا و خلیفه گرداند شمارا در زمین
 فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ١٩ وَلَقَدْ اخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ
 پس بنگرد چگونه عمل می کنید و هر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقطعا و نقصان
 مِنَ الثَّمَرِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ٢٠ فَادْجُلْهُمْ هَاجِلًا فَانْصَبْ لَهُمْ السِّنِينَ وَنَقْصِ
 بیهوده با تا شود که ایشان پند پذیرند پس چون آمدی بایشان فراخی گفتندی این
 از میوه ها شاید ایشان پند گیرند پس چون آمدی بایشان فراخی گفتندی این

چون بنی اسرائیل از
برونج پریشانی بطنین
شدند از موسی در خواست
نمودند که اکنون برای
ما شریعتی آسمانی ببار
تا با طینان خاطر به
آن عمل کنیم موسی
عرض شانرا به بار
الهی تقدیم کرد خدای
تعالی با وی وعده فرمود
که اقلای روز و اکثر
چهل روز مسلسل
بروزه بگذارد و روزی که
طور مستغف فرورت
توجهی شود از مقبره
کردار و مدت یکم
بیش باشد این
مطلب بود که اگر ۱۴
در انشای بیاض
به اعتبار انجام ۱۲
و ادن وظائف ۶
عبودیت و آداب
تقرب بحدود تغییر
از وی سزاست
اقل یعنی سی روز کفایت
می کند ورنه باید اکثر
الاحلیل یعنی چهل روز
را تکمیل کند و یا شریعت
این سی روز بطریقی
فروزی خواهد بود و
اکمال آن چهل روز از
حیث اختیاری و
استنباطی بود و تکلیف
تقریب اصل میباد مقرر
شده باشد چنانکه
شعبه شریعت میگوید
خود را به موسی داد گفت
علی ان تا جری ثانی
مجموعان التمت عشر
الجزء القصص کوهم
و بعضی مصنفین عشر
گفته اند چنانکه در
سوره بقره مذکور است
اصل میباد چهل روز
بود و در اینجا هم در
فتم میقات ربه
اشاره شده است این یک پیرایه بیان آن چهل روز است که ماسی روز و عده کرده بودیم که تفرقه آن ده روز دیگر بود تا اشاره خود که یک ماه کامل (و تفرقه) را تکمیل از ماه دوم

يَعْبُدُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ ۚ قَالُوا يَهُوسُفُ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمُ آلِهَةٌ
گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسا برای ما معبودی چنانکه ایشان را معبودان
عبادت (اقامت) می کردند بر بتان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی بساز برای ما بتی (معبودی) چنانکه ایشان را معبودان
قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ يَجْهَلُونَ ۙ إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا هُمْ فِيهِ وَبَطِلٌ مَّا
گفت بر آئینه شما هر چه هستید که نادانی می کنید هر آینه این جاعل باطل کرده شده است ند پیسه که ایشان در اندر باطل است آنچه
گفت بر آئینه شما هر چه هستید که نادانی می کنید بر آئینه این جاعل باطل کرده شده است آنچه (مذنبی) که ایشان در اندر باطل است آنچه
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۙ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد فضل داد است شمارا بر
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد و برتری داد است شمارا بر
الْعَالَمِينَ ۙ وَلَا تَجِدُنَا مِن َالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوءَ الْعَذَابِ
و یاد کنید نعمت ما چون نجات دادیم شمارا از گزند فرعون میرسانیدند به شما عقوبت سخت
جهان را عالمهای زمانه و یاد کنید چون نجات دادیم شمارا از گزند فرعون میرسانیدند به شما عقوبت بد
يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ
می کشند پسران شمارا و زنده می گذارند دختران شمارا و درین مقدمه آزمائش بزرگ بود از جانب
می کشند پسران شمارا و زنده می گذارند دختران شمارا و در این احسان (آزمائش) بزرگ بود از جانب
عَظِيمٍ ۙ وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً فَاتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مُّبَاقًا
پروردگار شما وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن میباد را بد شب پس کامل شد میباد
پروردگار شما وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن (وعده) را بد شب پس کامل شد میباد
رَبُّكَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
وَأَصْلَحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ۙ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِ
و اصلاح کاری کن و پیروی مناراه تبار کاران و چون آمد موسی بوعده گاه ما
و اصلاح کن کار آنها را و پیروی مناراه تبار کاران و چون آمد موسی بوعده گاه ما
وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ۚ قَالَ رَبِّ ارْنِي أُظَرِّ إِلَيْكَ طَقَالَ لَن تَرِنِي وَلَكِن
و سخن گفت با او پروردگار او گفت ای موسی مرا بپوش تا نظرم بسوی تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن
و سخن گفت با وی پروردگار او گفت ای موسی مرا بپوش تا نظرم بسوی تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن
اَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَ رَبُّهُ
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس وقتی که ظهور کرد پروردگار او
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس وقتی که ظهور کرد پروردگار او
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعْقًا فَلَمَّا آفَقَ قَالَ سُبْحَنَكَ
بر آن کوه گردانید آن کوه را زمین بپا شد و افتاد موسی بر پیشانی چون بپوش آمد گفت بیا که یادی کنم ترا
بسوی کوه گردانید او را ریزه ریزه زمین بود و افتاد موسی بر پیشانی چون بپوش آمد گفت بیا که یادی کنم ترا
ثَبَّتَ إِلَيْكَ وَانَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۙ قَالَ يَهُوسُفُ إِنِّي أَصْطَفَيْتُكَ
باز گزیدم بسوی تو و من اول ایمان آوردم گاه گفت ای موسی بر آئین من برگزیدم ترا
باز گزیدم بسوی تو و من اول ایمان آوردم گاه گفت ای موسی بر آئین من برگزیدم ترا
عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَارَمِي فَعِزَّ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ
بر مردمان به پیغامهای خود و بشواینیدن سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باش از شکر کننده گان
بر مردمان به رسانیدن پیغامهای خود (بشواینیدن) سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باش از شکر کننده گان

دل بپایه تا غرگرمید
از عبادت گوسارد
این جماعت اگر چه
عبادت نکرده بودند
بر عبادت کنندگان
انگیزم بگریزند پس
خدا بختی را بکاست
والله اعلم ۱۳ و ۱۸
پس اگر در بنی
اسرائیل بپاک
می شدند تهمت قتل
بر می شنید نه نهادند
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع اگر چه بارون
علیه السلام برادر عیسی
حضرت موسی علیه السلام
است مگر نیست وی
بماور بدان جهت بود
که بر نری و مهربانی
آماده نمود در این
آیت بیان محذرت
بارون است خلاصه
من باندازه توان خود
آنها را دانانند بیک
مرا بجماعت نداده
بر عکس به قتل آورد
شدند اکنون توان
این کار دشمنان را
موقع ده که بر پیش
شوند و شکایت
و شتم و زمره ظالمان
شمار گردانند
از راه بدحتی شرک و
کفر توبه کنند و ایمان
آورد در رحمت بخشایند
خدای غفور رحیم
نیست این بخشایش
و غیره آفرین متنی
است گویا اشاره
بآنست که مزای قتل
که بر گوساله پرستان
اجرا شد و حق آنها
شرط قبول توبه شرود
شده بود توبه الی
باریکم فاتحوا انفسکم
و البقره اکنون مواخذه

إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يُقْتُلُونَنِي فَلَا تَنْتَهَمُ بَنِي

بر آئینه این قوم ضعیف شدند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شادمن بسبب امانت من
بر آئینه مردم کمزور و استضعفد مرا و نزدیک بود که بکشند مرا پس شاد گردان بر من

الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۵ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ

دشمنان را و دشمنان من را با گروه ستمکاران گفت موسی ای پروردگار من بپامز مرا و
دشمنان را و ستمکاران مرا با قوم گمراه (ستمکاران) ع گفت اے پروردگار من بپامز مرا و

لَا رَحْمِي وَأَدْخِلْنِي فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ۶ إِنَّ الَّذِينَ

برادر مرا و داخل کن مرا در بخشایش خود و تو بخشنده ترین بخشنده گان
برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو مهربان ترین مهربانان

اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

معبود گرفتند گوساله را خواب رسید باین جماعت عیسی از پروردگار ایشان در سواهی در حیات دنیا
گرفتند معبود گوساله را (زود) خواب رسید به ایشان عیسی از جانب پروردگار ایشان در سواهی در زندگی دنیا

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ۷ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ

و هم چنین جزای دهم افترا کنندگان را و هر آئینه کسانی که گناه با کردند باز توبه نمودند
و هم چنین جزای دهم افترا کنندگان را و کسانی که کردند اعمال بد پس توبه کردند بعد از

بَعْدُ هَآؤُلَآءِ أَمِنُوا أَنْ رَبَّهُمْ مِنْ بَعْدِ هَآؤُلَآءِ الْغُفُورِ الرَّحِيمِ ۸ وَلَمْ تَسْكُنْ

بعد از آن گناهان و ایمان آوردند البته پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد
علیهما بعد و ایمان آوردند هر آئینه پروردگار تو بعد از توبه البته آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد

عَنْ مُوسَى الْغَضَبِ أَخَذَ الْوَاخِشَ وَفِي سُخْرِيهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ

خشم از خاطر موسی گرفت الواخ را و در مکتوب دے هدایت بود و بخشایش
از موسی خشم گرفت الواخ را و در مکتوب آن هدایت بود و بخشایش

لِلَّذِينَ هُمْ لِزُجُمِهِمْ يَرْهَبُونَ ۹ وَاسْتَخَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا

آنرا که ایشان از پروردگار خود ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد و کس
آنرا که ایشان از پروردگار خود میترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد و کس

لِيُقَاتِلَآءَ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ

برای بیجا دما پس و قتل گرفت ایشان را زلزله گفت موسی اے پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین
برای بیجا دما پس و قتل گرفت ایشان را زلزله گفت موسی اے پروردگار من اگر می خواستی بپاک می کردی

مِنْ قَبْلُ وَإِنِّي أَنُفِّلُكَ بِنِيعَتِي السَّفَهَاءَ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا

ایشان را دما بپاک می کردی و ما آیه بپاک می کنی ما را بجزای آنچه کردند بخیران از قوم ما نیست این حادثه مگر
ایشان را پیش ازین و ما آیه بپاک می کنی ما را بجزای آنچه کردند بخیران از ما نیست این مگر

فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا

امتحان تو گمراه می کنی بآن هر کرا خواهی و راه می نشانی بآن هر کرا خواهی تو کار ساز مانی
امتحان تو گمراه می کنی بآن هر کرا خواهی و راه می نشانی بآن هر کرا خواهی تو کار ساز مانی

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ۱۰ وَكَتَبْنَا فِي هَٰذِهِ

پس بپامز ما و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان
پس بپامز ما و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هْدَيْنَا لَكُمُ الْبَيْتَ ط قَالَ عِزَّىٰ أَيْصِبْ

در آخرت نیز سبکی بر آید و جوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عیسی
در آخرت نیز سبکی بر آید و جوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عیسی

وَأَمَّا الْبَقَرَةُ فَكَانَتْ مَوَاحِشَ

و اما گوساله ای که نماند بعد از مرگش و خردی در اینجا بیان حالت اخروی رشیب آنست که خدای تعالی در جای دیگر بعد از ذبح او و اسراف

ول یمنی در آخرت ۱۲
 ول یمنی ناکبها آفت
 که در آخر زمان رحمت
 خاص باشد بمجاان
 نبی امی و الله اعلم ۱۳
 ول من یم یمو بدین
 دادن خدا تعالی
 حضرت موسی را به
 امرت مرحوم اول
 دلیل است بر نبوت
 آن حضرت و لهذا می
 فرماید و الله اعلم ۱۴
 تفسیر عثمانی
 حضرت شاهره
 می گوید شاید مقصد
 حضرت موسی از
 درخواست خوبی دنیا
 و آخرت برای ایش
 آن بود که بنی اسرائیل
 بر تمام ایم در دنیا و
 آخرت مقدم دانند ۱۵
 ۱۶ باشد خداوند
 جواب گفت عذاب
 ۱۷ رحمت من مخصوص
 بطبقه خاصی نیست
 عذاب من بر کانی
 است که خواسته بآیم
 و رحمت عامه شامل
 تمام آفریده گانست آن
 رحمت خاصی را که تو
 خواسته ای به قسمت
 کسانی نوشته شده
 است که از خدای
 ترسند و از او میل
 خود زکوة می دهند یا
 به تزکیه نفس می پردازند
 و به تمام آیات ایمان
 کامل دارند یعنی آخرین
 امتی که همه کتب ایمان
 خواهند آورد پس از
 امت موسی هر که بر
 کتب آخرین ایمان آورد
 به این نعمت نایل میشود
 و دعای مؤمن در حق
 دی قبول گردیده -
 علی اشراف نبوت
 و انوار علمای پیر

بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ
 و مهربانی من احاطه کرده است بر چیز را پس خواهم نوشت رحمت کامل خود را بر آن کس که می ترسند
 و مهربانی من احاطه کرده است بر چیز را پس زود خواهم نوشت آن را برای کس که می ترسند
 وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ يَأْتِيَانِي يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 و زکوة می دهند و کس که بنیکه ایشان با ایت ما معتقد می شوند و خواهم نوشت رحمت خود را بر آن کس که پیروی می کنند
 و می دهند زکوة را و کس که بنیکه ایشان به ایت ما یقین می کنند و آنرا که از روی صدق پیروی می کنند
 لِرَسُولِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُحْدِثُ مِنْهُ مُكْتَوِبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ
 آن پیغامبر را که بنی امی است آنکس که بنیکه او نوشته نزدیک خویش در تورات و
 آن پیغامبری را که بنی امی است آنکس که بنیکه او نوشته نزدیک خویش در تورات و
 وَالْإِنْجِيلِ يَا أُولَئِكَ هُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ
 اینجیل می فرماید ایشان را بکار پسندیده و منع می کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می سازد برای ایشان
 آنچه می فرماید ایشان را بکار پسندیده و منع می کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می سازد برای ایشان
 الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ
 پاکیزه ها و حرام می کند بر ایشان ناپاکیزه ها و ساقط می کند از ایشان بار گران ایشان را و آن مشقت های را
 پاکیزه ها و حرام می کند بر ایشان ناپاکیزه ها و ساقط می کند از ایشان بار گران ایشان را و آن مشقت های را
 الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ قَالُوا آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوا وَنَصَرُوا وَاتَّبَعُوا
 که بود بر ایشان پس آنرا که ایمان آوردند با و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را پیروی کردند
 که بود بر ایشان پس آنرا که ایمان آوردند با و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را پیروی کردند
 التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ ۝ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا
 توری را که نازل کرده شده است بادی آن گروه که ایمان آورده اند ایشان را رستگاران است بگو اے
 توری را که نازل کرده شده است بادی آن گروه که ایمان آورده اند ایشان را رستگاران است بگو اے
 النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ
 مردمان هر آینه من پیغامبر خدا ام بسوی شما همه را جان خدا بیگانه او را است پادشاهی آسمانها و
 مردمان هر آینه من پیغامبر خدا ام بسوی شما همه را جان خدا بیگانه او را است پادشاهی آسمانها و
 الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا مَنِ اتَّبَعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 زمین نیست هیچ معبود مگر او زنده می کند و می میراند پس ایمان آرید بخدا و به پیغامبر او که بنی
 زمین نیست هیچ معبود مگر او زنده می کند و می میراند پس ایمان آرید بخدا و به پیغامبر او که بنی
 الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوا أَمْرَهُمْ تَهْتَدُوا
 امی است آنکس که تصدیق می نماید خدا را و سخنان او را و پیروی می کند او را تا بود که شاره یاب شود و
 امی است آنکس که تصدیق می نماید خدا را و سخنان او را و پیروی می کند او را تا شمس راه یابید و
 مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٍ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَقُضِيَ لَهُمْ
 از قوم موسی که در دین است که ولایت می کند مردمان را براه راست و بر راستی حکم می کند و متفرق می سازد بنی اسرائیل را
 از قوم موسی که در دین است که ره نمونی می کند مردمان را بر راستی و به حق او عدل می کند و متفرق می سازد بنی اسرائیل را
 اثْنَتَا عَشْرَةَ نَسِيطًا أَمَّا طَوَّافًا وَاحِدًا إِلَى مُوسَى إِذَا اسْتَسْقَى قَوْمًا
 بر دو ازده قسم قبیل قبیل کرده کرده و دو می فرستادیم بسوی تو و تو آب خواستی از وی قوم دی
 بر دو ازده قسم قبیل قبیل کرده کرده و دو می فرستادیم بسوی تو و تو آب خواستی از وی قوم دی
 أَنْ اضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَسِيطًا
 که بزبان بخصای خود سنگ را پس روان شد از آن سنگ دو ازده چشمه بدرستی که
 که بزبان بخصای خود سنگ را پس روان شد از آن سنگ دو ازده چشمه بدرستی که

و انوار علمای پیر

و انوار علمای پیر

فل منترجم گوید اهل
 دین مترجم گوید اهل
 قسسه شکاری می کردند و
 قسسه از ان بپای می کردند
 و قسسه نه شکاری می کردند
 و نه از ان منع می کردند
 و الله اعلم بالصواب
 یعنی قسم ثالث می گفتند
 گمان را و الله اعلم
 تفسیر ثانی
 ع: باب و اقرار بود
 سائین آن دیار کرد
 عهد داد و علیه السلام
 پیش آمده بود از یهود
 عمر خود بطور قتیله و
 توفیق سوال کن اکثر
 مفسرین ازین تفسیر
 ۱۰ ایل و مراد
 ۱۱ گرفته اند که در
 ۱۲ ساحل بحر
 ۱۳ تفسیر این
 ۱۴ درین
 ۱۵ و که
 ۱۶ طوره این
 ۱۷ بود اهل آن
 ۱۸ دیار بنا بر قرب
 ۱۹ دریا بنا بر مای
 ۲۰ عادت داشتند
 ۲۱ خداوند روز شنبه
 ۲۲ شکار را به یهود
 ۲۳ حرام گردانیده
 ۲۴ بود باشندگان - ای
 ۲۵ به نافرمانی و تجاوز از
 ۲۶ حکم عادی بودند و از
 ۲۷ طرف خدا مورد آزار
 ۲۸ تحت ذل شدند زیرا
 ۲۹ روز شنبه مای بکشت
 ۳۰ پیدا می شد و بر سطح
 ۳۱ دریا شنا می کردند و روز
 ۳۲ بای دیگر مفتقد میشد
 ۳۳ آخر طاقت آنها طاق
 ۳۴ گردیده مقابل حکم
 ۳۵ الهی به جیل برداشته
 ۳۶ و جوی هاجد کرده
 ۳۷ حوض با ساختند
 ۳۸ چون بر روز شنبه مای
 ۳۹ در حوض بای ساختن آنها جمع می شد راه بر آمدن را مسدود میکردند و فرای آن مای می گرفتند تا شکار به روز شنبه عداوت نشود و گویا خواستند (مسدود) خدا را قریب دهند

عَلِمَ كُلُّ أَنَاثٍ مَّشْرُومٍ وَظَلَمْنَا عَلَيْهِمُ الْعِقَامَ وَإِنَّ لَنَا عَلَيْهِمُ السَّيْرَ
 بدانست هر گروهی آب خور خود را و سائین را ساقیم بر ایشان ایراد نازل کردیم
 و انست هر گروهی آب خور خود را و سائین را ساقیم بر ایشان ایراد نازل کردیم
 وَالسَّلَوى كَلَامٌ مِنْ طَبِئَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَمَا ظَلَمْنَاهُ وَلَكِنْ كَانُوا
 و سلوی را گفتیم بخورید از پاکیزه بای آنچه روزی داده ایم شمارا و ایشان بر ما ستم نکنند
 و سلوی را (گفتیم) بخورید از پاکیزه بای آنچه روزی داده ایم شمارا و ستم نکنند بر ما
 أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۵ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا
 و یادکن چون گفتند ایشان را که ساکن شوید درین دیار و بخورید ازین دیار
 و یادکن چون گفتند ایشان را که ساکن شوید درین شهر موده و بخورید ازین شهر
 حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ
 هر جا که خواستید باشند و بگویند حطه و داخل شوید بدروازه مسجد کنان تا بیامرزیم برای شما گناهای شمارا
 که خواست باشند و بگویند بیامرز ما (سوال ما حطه است) و داخل شوید بدروازه مسجد کنان تا بیامرزیم برای شما گناهای شمارا
 سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۶ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي
 زیاده خواهیم داد بنیکوکاران را پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخن غیر آنچه
 زود افزون کردیم جزای نیکوکاران پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخن غیر آنچه
 قِيلَ لَهُمْ فَارْسلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْرًا مِنْ السَّمَاءِ يَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ وَيَسْلَمُون ۷ وَسَلَّمَ
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عقوبتی از آسمان بمقابل آنکه ستم می کردند و موال کن یا محمد یهود را
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بسبب آنچه ستم می کردند و موال کن یا محمد یهود را
 عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ مَا ذِيعَدُن فِي السَّبْتِ أَذْنَابُهُمْ
 از حال دیه که بود ساکن بر لب دریا چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قتیله می آمد
 از حال دیه که بود کنار دریا چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قتیله می آمد ایشان
 حِينَئِذٍ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا يَوْمَ لَا يُسَبِّتُونَ لِاتَاتِيهِمْ ۸ كَذَلِكَ
 ماهیان ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان بتعلیم شدند مشغول می شدند و روزیکه تعلیم شدند می کردند می آمدند ایشان هم چنین
 ماهیان ایشان روز شنبه ایشان ظاهر بر روی آب و روزیکه تعلیم شدند می کردند می آمدند ایشان هم چنین
 نَبَلُّوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۹ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا
 آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند و یادکن چون گفت گروهی از اهل آن دیار چرا پند می دهید گروهی را که
 آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند و یادکن چون گفت گروهی از اهل آن دیار چرا پند می دهید گروهی را که
 اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةُ إِلَى رَبِّكُمْ
 خدا استخوانی بپاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا ما عذر می باشد نزد یک پروردگار شما
 خدا بپاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا ما عذر می باشد نزد یک پروردگار شما
 وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱۰ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
 و تا باشد که ایشان بر بیزگاری کنند پس و قتیله فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را نجات دادیم کسانی را که منع می کردند
 و تا باشد که ایشان بیزگاری کنند پس و قتیله فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را نجات دادیم کسانی را که منع می کردند
 عَنِ السَّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزَابٍ مُبِينٍ ۱۱ بَلَّغْنَاكَ
 از کارید و گرفتار کردیم ستمکاران را بعذاب سخت بسبب آنکه
 از کارید و گرفتار کردیم آنان را که ستم کردند بعذاب بد سخت بسبب آنچه
 يَفْسُقُونَ ۱۲ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۱۳
 فاسق بودند پس چون تکیه کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را و اذان گفتیم ایشان را شوید بوزنگان خوار شده
 فاسق می کردند پس چون تکیه کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را و اذان گفتیم ایشان را شوید بوزنگان خوار شده

وَاذْذَنْ رَّبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُوءُ فَعْلَهُمْ

و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو که البته بفرستد بر ایشان تار و زخم قیامت کسی را که برساند و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو البته بفرستد بر ایشان تار و زخم قیامت کسی را که برساند

سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

عقوبت سخت هر آینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آینه او آمرزنده مهربان است و عقوبت (سخت) بد هر آینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آینه او آمرزنده مهربان است

قَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَمْهَاجَ مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ

پراکنده کردیم بنی اسرائیل را در زمین گرده گرده بعض از ایشان را شایسته کارند و بعض از ایشان را سواي ایشان پراکنده کردیم بنی اسرائیل را در زمین گرده گرده بعض از ایشان را شایسته کارند و بعض از ایشان را سواي ایشان

وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و امتحان کردیم ایشان را بختها و مشقتها ۱ تا باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آیدند بحد و امتحان کردیم ایشان را به خوبی ها و بدی ها ۲ تا ایشان باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آیدند بحد

بَعْدُ هُمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ

از ایشان جا نشینان بد که وارث توریت شدند و از ایشان جا نشینان بد که وارث توریت شدند و از ایشان جا نشینان بد که وارث توریت شدند

يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوا لَهُ أَلَمْ

می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید مثله مانند آن البته بگذرد آن را آری می گویند زود آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید مثله مانند آن بگذرد آن را آری

يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ

گرفته شده است بر ایشان آن عهد که در توریت است که نگویند بر خدا مگر سخن راست گرفته شده است بر ایشان آن عهد که در توریت است که نگویند بر خدا مگر سخن راست

دَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْخَيْرِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

خوانده اند آنچه در توریت است و سرای آخرت بهتر است مرا تا مرا که بپایند آری می بینید خوانده اند آنچه در توریت است و سرای آخرت بهتر است مرا تا مرا که بپایند آری می بینید

وَالَّذِينَ يَسْكُنُونَ بِالْكِتَابِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ

و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا داشتند نماز را هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا داشتند نماز را هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد

الصَّالِحِينَ ۝ وَاذْنَعْنَا الْجَبَلَ قَوْمَهُمْ كَانَتْ ظِلَّةً وَظَنُوا اللَّهَ وَاقِعٌ

این بیکو کاران را و یاد کن چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد و چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد

بِهِمْ خَذُوا مَا آتَيْنَاكَ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ وَاذْخُلُوا

بر ایشان بخت بجزید و آدم شمار بخت نام و یاد کنید آنچه در دست شما باشد که شاید بر شما بیفزاید بخت و چون گرفت بر ایشان بخت بجزید و آدم شمار بخت نام و یاد کنید آنچه در دست شما باشد که شاید بر شما بیفزاید بخت

رَبِّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

پروردگار تو از بنی آدم از پشت های ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر ذات ایشان پروردگار تو از بنی آدم از پشت های ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفس های شان

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ ۖ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

گفت آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری بختی گواه شدیم این شاهد گرفتن برای اجتناب از آن است که بگویند روز قیامت هر آینه ما (گفت) آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری بختی گواه شدیم تا نگویند روز قیامت بدرستی که ما بودیم

صلی بنی اسرائیل

۱۲ و بعد از این

بسیار بادشاهی در بنی اسرائیل پیدا نشد و بیشتر کد کوب بادشاهی

اسلام و نصاری و موسی بودند و الله اعلم

بنی اسرائیل ۱۲ یعنی مصر اند بر اهل آن و غیر نام اندازا

و توبه مصر غیر نادیده نیست و الله اعلم

۱۲ یعنی روز قیامت از آدم اولاد او را پیدا

کرد و از ایشان اولاد کرد و از ایشان را به ترتیبی

که خارج تحقیق شد و الله اعلم

۱۲ تفسیر عثمانی

عده در گذشتگان صالحان نیز بودند آینه

چنان تا خلف شدند چون حامل و وارث

کسانی مانند توریت شدند متعارف و عیال

و نهاده بر این ترتیب و به تعریف و گمان آری

آن پروردگارد و شرف با گرفت به خلاف احکام

آنی فصل کردند بر خلاف کسانها بحدی رسید

که با وجود ارتکاب چنین اعمال ناشایسته عقیده

یکدو می داشتند که از ضرر این اعمال هیچ اندیشه

ندیدیم با اولاد و محبوب خدا ایم هر چه کنیم خدا

تجانات مادی بخشد بنا بر این عقیده آمده

اند که هرگاه موقع باشد باز شرف گرفته مثل

سابق از ایمان بگذرد گویا بجای اینکه بر اعمال

نیز شرف ندادند و برای آینده عزم می کردند که آنرا عاده نگذشتند و میخواستند آن اعمال ناشایسته و کفر را عاده کنند و بختی بختی فرود تر ازین نیست

فتح الرحمن

واینها پس تقدید

ایشان کردیم ۱۲

یعنی تابع شهادت

نفس شد و تابع شهادت

نفس عالم توان

نفت ۱۲ یعنی علم

باور که کتب الهی خواند

بود بعد از آن با خواسته

زن خود ایدائے

حضرت موسی علیه

السلام تقدیر نمودن

شده الله اعلم ۱۲

واینها منزلیت اورا

۱۲ یعنی بزدن و

دو اندن ۱۲

تفسیر عثمان

اکثر مفسرین بر آنند

که این آیات در باره

بلعیم بن باعور نازل

شده و بلعیم عالمی

در پیش خدا تعریف

بوده اثر خواست یک

زن و بلعیم دنیوی آیت

و آیات خدا ترنگ

داده آماده آن گردید

که مقابل حضرت موسی

تعریف خود را بکار

اندازد و تدابیر بخوبی

خوش را بظهور آورد به

موسی علیه السلام زیاده

در سینه نتوانست

اما خود را مردود و پاک

گردانید علم آیات

الله چندان به بلعیم

ارزانی شده بود که اگر

خواست خدای بود

به مراتب لذیذ رسید

به وی توفیق ارزانی

می شد تا علم خود را

در آیات الهی طاعت

می کرد ولی چنین نشد

زیرا خود را بر کات و

آیات آسمانی اعراض

نمود و بشهرت و لذات

زینی منبک شد در پی

خواهش نفسا

رو اینان و شمشیران به تباہی و

و در غمره بگردان و گردان داخل شد و آن وقت حال وی شبیه سگی بود که زبانش بیرون برآید و پیهم نفس زند که یا فریض اگر ساد باری

عَنْ هَذَا غَفْلِينَ ۱۱ اَوْ تَقُولُوا لَوْ اَنَّآ اَشْرَكَ اٰبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ

پس خبر بودیم از این توحید یا بگویند که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و

از این بے خبران یا بگویند که جز این نیست که شرک آورده پدران ما پیش از ما و

بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۲ وَكَذَلِكَ

ما نسل بودیم آمده بعد از ایشان و آیا ملاک می کنی ما را معقوبت آنچه پدران کردند و هم چنین

بودیم ما فرزندان بعد از ایشان آیا ملاک می کنی ما را به آنچه کردند پدران و هم چنین

نَقْصِلُ الْاٰيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۳ وَاثْلُ عَلَيْهِمْ نَبَا الَّذِي

بیان می کنیم شأنها و ما باز گردند و بخوان برای ایشان خبر سبک

و آنچه بیان می کنیم شأن بار و ما ایشان باز گردند و بخوان برای ایشان خبر سبک

اتَيْنَا اٰيَاتِنَا فَانْسَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعُ الشَّيْطٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ۱۴

داده بودیم اورا علم آیات خود پس بیرون رفت از علم آن آیات و پس در پی او شیطان پس گشت از گمراهان و

داده بودیم اورا آیات خود پس بیرون رفت از آن آیات پس در پی او شیطان پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلٰكِنَّهُ أَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ ۱۵

و اگر می خواستیم بر داشتیم او را و به سبب این آیات و سبب این کرد بسوی یقنی و پیروی خواستش خود کرد و

و اگر می خواستیم (بر آید) می برداشتیم بسبب آن آیات و لیکن او سکوت نمود (میل کرد) بسوی زمین و پیروی کرد خواستش

فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ۱۶

پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشتقت اندازی بروی و اگر حاکم و اگر محمل بگذاری او را نیز بیرون آید

پس حاکم مانند حال سگ است اگر مشتقت اندازی بروی زبان از زبان بیرون آید یا اگر بگذاری او را زبان از زبان بیرون آید

ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا ۱۷ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

این صفت گروه بیست کرده و غمخیزند آیات ما را پس بخوان برای ایشان این چند

این مثال گروهی است که دروغ غمخیزند آیات ما را پس بخوان برای ایشان این چند

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ۱۸ سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا ۱۹

تا ایشان تامل کنند باعتبار صفت بد اند این قوم که دروغ غمخیزند آیات ما را و

تا ایشان تامل کنند بد است حال قومی که دروغ غمخیزند آیات ما را و

اَنْفُسَهُمْ كَاَنُوْا يَظْلِمُوْنَ ۲۰ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مُهْتَدٰى ۲۱ وَمَنْ

بر خویش حق ستم می کردند هر که راه نایدش خدا بهما نهد و یا بنده و هر که

بر خویش حق ستم می کردند هر که راه ناید خدا (پس) او راه یابنده است و هر که را

يُضِلُّ فَلَا وَلِيَّكَ هُمْ الْخٰسِرُوْنَ ۲۲ وَلَقَدْ ذَرٰنَا لَٰجِهَتِهٖمُ كَثِيْرًا ۲۳

گمراه سازدش پس آنجا که ایشانند زیان کاران و هر آینه بیافریدیم برای دوزخ بسیار از

گمراه سازد (پس) آنجا که ایشانند زیان کاران و هر آینه بیافریدیم برای دوزخ بسی از

الْجِيْنِ الْاٰنْسِ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَا يَفْقَهُوْنَ ۲۴ وَهُمْ اَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُوْنَ ۲۵

جنیان و آدمیان ایشان را دلها است که نمی فهمند و آن و ایشان را چشمها است که نمی بینند

جنیان و آدمیان ایشان را دلها است که نمی فهمند به آن و ایشان را چشمها است که نمی بینند

يٰۤهٰذَا الَّذِيْ اَنْتَ اَلَمْتَ اَنْ لَا يَسْمَعُوْنَ ۲۶ وَهُمْ اَوْ لِيْكَ كَاَلَا نَعْمٰى بَلْ هُمْ اٰصْلُ

ایان و ایشان را گوشها است که نمی شنوند به آن و ایشان را گوشها است که نمی شنوند

بر آن و ایشان را گوشها است که نمی شنوند به آن و ایشان را گوشها است که نمی شنوند

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰفِلُوْنَ ۲۷ وَبِاللّٰهِ اَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا ۲۸

ایشانند بے خبران و خدا اتر است نامها بے نیک پس بخوانند او را بایان نامها

(این گروه) ایشانند بے خبران و خدا اتر است نامهای نیک پس بخوانند او را به آن

وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي سَمَائِهِ طَسِيرُ جَزُونَ مَا كَانُوا

و بجزا آید آنرا که بگردی می کنند در نام بای خدا داد و خواستد ایشان را جزای آنچه

يَعْمَلُونَ ۹ وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۱۰

ی کردند و از آن جماعه که پیدا کردیم گروهی است که راه می نمایند بدین حق و برو حق آن عدل می کنند

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱

و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را پایه بختیم ایشان را تا غل هلاک

وَأَمَّا لَهُمْ إِنْ كُنْزِي مَتِينٌ ۱۲ أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا سَكَنَةً مَا يَصَاحِبُهُمْ

و مصلحت و بیم ایشان را هر آینه من میر من محکم است آیات ما را که نیست این بیم نشین ایشان را

مَنْ جَنَّةٍ طَانٌ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مَبِينٌ ۱۳ أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَكُونِ

باز دیوانه نیست او مگر بیم کننده آشکارا آیات ما را نکردند

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ۱۴ وَإِنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ

در آسمانها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز و آیات ما را نکردند در آن که شاید

قَدْ أَقْرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَكَ يُؤْمِنُونَ ۱۵

نزدیک شده باشد اجل ایشان پس ب کدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد

يُضِلُّ اللَّهُ فِرَاقَهُ دِي لَمْ طَوِيكَ رَهْمٌ فِي طَغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۱۶

گمراه سازد خدا پس هیچ راه نمانده نیست او را و می گذارد ایشان را خدا و گمراهی شان سرگردان شده

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ

سوال می کنند ترا از قیامت که کی باشد استقرار او بجز این نیست که علم قیامت نزدیک

رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ظَلَمْتُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

پروردگار من است پدید نیارد او را و وقت او مگر خدا گمان شده است و در آسمانها و زمین

لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً طَيَسَّلُونَكُمْ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ

نیاید بر شما مگر ناگهان سوال می کنند ترا از قیامت گویا تو را پوشانده ازان و بگو

إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۷ قُلْ

جز این نیست که دانش او نزدیک خداست و لیکن بسیار از مردمان نمی دانند

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ طَوَلُّوْكُمْ كُنْتُ

هی توایم بر آن خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن مگر آنچه خدا خواسته است و اگر

من

فتح الرحمن
طایفه ابو المسبح
ابو الملاحی گفته
فتح و طایفه منتهی

شده است
انستین قیامت
۱۲
۱۱
۱۰

تفسیر عثمانی
عده چیست که آیات
الذکر الکنزیه می کنند
داز عاقبت سوزان
عاقبت آرنده این آیت
مسماة الله اولی و نه
خرد نیست و تمام عمر
نزد و تمام و باحوال
جزئی و کلی او علم دارید
عقل و دانش او

لایق و دیانت او از
اولین مسلم و
موصوف است این
آیات را از پیشگاه و
متعالی آورده و که مالک
و شهنشاه مطلق تمام
کائنات و آفریننده
هر چیزی است هر گاه به
نظام سلطنت او که
سماوات استوار است
وقت نماید بلکه بر آنچه
خود و بزرگ خود و قلم

کنید بر این
فی بایان کنونی
آیات
تنزیلی او را
تصدیق می نماید و به
تسلیم کرات الله تعالی
بانی می ماند آنها باشد
که شاید وقت موت
و ملک شان نزدیک
شده باشد لهذا
برای حیات بر ذرات
بزرگ و آماده شوند
عده هدایت و طاعت
و هر چیزی در قبضه خدا
اگر او تامل خواهد کرد
وسیله هدایت بود و می
خورد و آن از چیزه

خداوند را که در روز قیامت از او اعجاز خود را نشان دهد

خداوند را که در روز قیامت از او اعجاز خود را نشان دهد

فتح الرحمن

والتا شهاب

لام علیہ

است یعنی

خدا تبارک و تعالیٰ

آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان

نسب بسیار پیدا آورد بعد از آن تفصیل

انتشار نسل میفرماید

و مترجم گوید این تصویرات عالی آدمی

را که نزدیک نقل عمل نیت اخلاص

درست کند و چون فرزند بوجود آید آنرا

نوازش سازد و در تسمیه اش را که بنشیند

بر حال و احوال کند در حدیث صحیح آمده که

حوا حامله شد شیطان بدش و سو اس

انداخت و چون فرزند متولد شد نام

او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود و جود

تقریر در امثال این مواضع ضرور نیست

آدم از لوث شرک برآید و این آیت

عصمت او را مصادقت کند کذا حققت

و از اینجا دانستند که شرک در تسمیه

نوعیت از شرک است این باب باطل است و خداوند

نامی نهد و اگر بگوید خود را یا

بیان میبرد هیچ کار نکرد تفسیر عثمانی

عنه بتانی را که میبود گردانیده بمقام خدائی

می شناسید چه بدرد شما بخورد و صورتیکه

بر حفظ خود قادر نیستند علاوه بر اینکه مخلوق اند

از ان کمالات که مخلوقی را به خلق دیگر تفوق و امتیاز میدهد نیز خود را

و اما اینها را که میگوید

می شناسید چه بدرد شما بخورد و صورتیکه

بر حفظ خود قادر نیستند علاوه بر اینکه مخلوق اند

از ان کمالات که مخلوقی را به خلق دیگر تفوق و امتیاز میدهد نیز خود را

أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا سِمْكَانَ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنْ

دانشسته علم غیب را بر آینه بسیار منع کرده از جنس منفعت و نرسیده بنیج سخن

دانشسته غیب را بر آینه بسیار منع کرده از جنس منفعت و نرسیده بنیج سخن

مگر نیم کننده و خرد و پند برای گروهی که ایمان دارند دوست آنکه پیدا کرد شمارا از یک

مگر نیم کننده و خرد و پند برای گروهی که ایمان دارند دوست آنکه پیدا کرد شمارا از یک

و احدی و جعل منها زواجها ليسكن اليها فلما تغشها حملت

و پیدا کرد از ان یک شخص رشت را تا آرام گیرد وادی پس چون منع کرد آدم را از گرفت

حسدا خفيا فمرت به فلما اتقلت دعوا الله ربهما لين اتعنا

پس آمد و رفت کرد بان بار سبک بعد از ان چون زن گرفتار شد هر دو عاقدند جناب پروردگار و غیبت از کفر نماند

پس آمد و رفت کرد به آن بار سبک پس آن هنگام که گران شد حوا به آن بخوانند آدم و حوا خدا پروردگارشان را مگر اگر بدی ماما

صالحا لئلا تكونن من الشكرين فلما اتهم صا حا جعل لهما

بدی ماما با شیم از شرک کنندگان پس چون داد خدا ایشانرا فرزند شایسته مقرر کردند بر آنرا و از شرکیان

فيم اتهم صا فتع الله عما يشركون ايستركون ما لا يخلق شيئا

در آنچه داده بود بایشان پس بلند قد است خدا را از آنچه شرک می کردند و ایایان شرک می کردند و می کردند چیزی را که نیاید خلق شود

وهم يخلقون ولا يستطعون لهم نصر او لا انفسهم ينصرون

و خود این مشرکیان آفریده میشوند و نمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادند و نه خود را یاری می دهند

وان تدعوهم الى الهدى لا يتبعوك طسواء عليكم ادعواهم

و اگر بخوانید ایشان را بسوئے راه هدایت پیروی نکنند شمارا و اگر بر است بر شما آنکه دعوت کنید ایشان را

انتم صامتون ان الذين تدعون من دون الله عباد امثالكم

خاموش باشید اے مشرکان هر آینه که بنده عبادت می کنید ایشان را بجز خدا بنده گانند مانند شما

فادعواهم فليست جيبوا لكم ان كنتم صدقين اللهم ارجل

پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند و دعای شمارا اگر راست گوئید آیا بجان را پائے با است

يتشون بها نام لهم ايدي يتطشون بها نام لهم اخين يتصورون

که راه میروند به آن آیا ایشان را دستهاست که متناول می کنند بان آیا ایشان را چشمهاست که می بیند بان

ام لهم اذان يسمعون بها قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلا

آیا ایشان را گوشهاست که می شنوند بان بگو اے مشرکان بخوانید شرکیان خود را بعد از ان به سگالی کنید در حق من و

انظرون ان ولي الله الذي نزل الكتب وهو يتولى الصديقين

مبلیت مدید مرا بر آینه کار ساز من خداست آنکه فرود آورد کتاب را و او کار سازی می کند بنیکو کاران را

مبلیت مدید مرا بر آینه حامی من خداست که فرود آورده کتاب را و او کار سازی می کند بنیکو کاران را

مبلیت مدید مرا بر آینه حامی من خداست که فرود آورده کتاب را و او کار سازی می کند بنیکو کاران را

مبلیت مدید مرا بر آینه حامی من خداست که فرود آورده کتاب را و او کار سازی می کند بنیکو کاران را

الباطل ولو كره المجرمون ٥ اذ يستغيثون ربكم فاستجاب لكم
 دين باطل را اگر چه نا خوشنود يا شريك همكاران ول آنگاه كه فریادی كردید در جناب پروردگار خویش پس قبول كرد دعای شما
 باطل را اگر چه نا خوشنود شوند گنگاران عه آنگاه كه فریادی كردید در جناب پروردگار خویش پس اجابت كرد دعای شما را
انني قد اتيكم بالقرآن من الملائكة مردفين ٦ وما جعله الله الا بشرا
 كه من مد كنده شما را بفرستادم از فرشتگان از پیش خود آمده جماعه دیگر را آورده ول ساخت خدا این مدد را مگر برای شرمه
 كه من مد كنده شما را بفرستادم از فرشتگان از پیش خود آمده جماعه دیگر را آورده و نگردانید خدا این مدد را مگر شرمه
ولتطمئن به قلوبكم وما النصر الا من عند الله ان الله عزيز
 و تا آرام گیرد آن دل شما و نیست فتح مگر از نزد خدا هر آینه خدا غالب
 و تا آرام گیرد آن دل با می شما و نیست فتح مگر از نزد خدا هر آینه خدا غالب
حكيم ٧ اذ يغشيكم النعاس امنة منه ويظل عليكم من السماء
 با حكمت است آنگاه كه می پوشد شما را به پستی بجهت ایمنی از نزدیک خود و فرود می آورد بر شما از آسمان
 با حكمت است آنگاه كه آنگاه كه می پوشد شما را به پستی بجهت ایمنی از نزدیک خود و فرود آورد بر شما از آسمان
ما يطمئركم به ويد هب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم
 آب باران تا پاك كند شما را بآن و ببرد از شما آلودگی شیطان و تا بربندد بر دل شما تا بماند دلها را
 آب تا پاك كند شما را به آن و ببرد از شما آلودگی شیطان را و تا بربندد استوار كند بر دل شما
ويثبت به الاقدام ٨ اذ يوحي ربك الى الملائكة اني معكم
 و تثبیت كند بآن پاها را و می فرستاد پروردگار تو بسوی فرشتگان كه من با شما ام
 و تثبیت كند به آن پاها را آنگاه كه حکم می فرستاد پروردگار تو بسوی فرشتگان بدستگیر كن با شما
فتبينوا الذين امنوا سألني في قلوب الذين كفروا الرعب فاضروا
 پس استوار سازید مسلمانان را رعب خواهی افكند در دل
 پس استوار سازید و لهاي مومنان را (زود) می افكند در دل با كافران ترس را پس بزنید
فوق الاعنناق واضربوا منهم كل بنان ٩ ذلك باثمهم بشاؤ الله
 ای مسلمانان بالا بزنید از ایشان بر طرف دست و پای را این بسبب آنست كه ایشان خلاف كردند با خدا
 بزنید بر گردن با و بزنید بر بزمند از آنها اطراف دست و پا) سر انگشتان این (ضرب) برای آنست كه خلاف كردند با خدا
ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان الله شديد العقاب ١٠
 و رسول او و هر كه خلاف كند با خدا و رسول او پس خدا سخت عقوبت است
 و پیغمبرش و هر كه مخالفت كرد با خدا و پیغمبرش (پس) بر آید خدا سخت عقوبت كنده است
ذليكم قد وقوه وان للكافرين عذاب النار ١١ يا ايها الذين امنوا
 این را بپوشید و بدانید كه كافران را است عذاب آتش
 این را بپوشید و بدانید كه هر آینه كافران را است عذاب آتش اے مومنان
اذ القيمم الذين كفروا زحفا فلا تلوهم الا ذباسر ١٢ ومن
 چون بهم آیند با کافران انبوه کرده پس مگردانید بسوی ایشان پشت را و هر كه
 چون بهم آیند آنان را كه كافرند (در حایك جمع شوند) در میدان جنگ پس مگردانید بسوی ایشان پشت را و هر كه
يولهم يومئذ برة الا متحورا للقتال او متحيزا الى فئة فقد
 بگردانید بسوی ایشان آن روز پس خود را مگردانید بر او متحيزا بپایان بپایان بپایان بسوی او پس هر آینه
 بگردانید بسوی ایشان آن روز پشت خود را مگردانید برای هر جنگ (در جنگ كنان برای جنگ) یا برساند (پایان بسوی او) پس هر آینه
بأع بغضب من الله وما وافه جهنم وبئس المصير ١٣
 باز گشت غضب از خدا و جایی است جهنم است و بد جائی است
 باز گشت غضب از خدا و جایی است جهنم است و بد جائی باز گشتی است دوزخ

ول منترجم گوید درین آیات توفیق است بآن قصه كه آنحضرت صلی الله علیه و سلم در غزوه بدر برانته غارت كردن كاردان توفیق متوجه شد و این خبر بگرددان رسید راه ساحل اختیار نمودند خلاص شدند ابو جبل اگر كنده ایشان با لشكر كران از كه بر آمده بودند توفیق آنحضرت شد بعضی اصحاب میل لغارت كردن كاردان كردند و جمعی قصد كاردان لشكر نمودند و مرضی آنحضرت جنگ را لشكر بود ١٢ و این یكین بود و بداند بندگان به هزار گشتند و بداند از ان پیغمبر ارشادند و الله اعلم ١٣ و منترجم گوید درین آیت توفیق است بآن قصه كه روز بدر مسلمانان تشنه بودند و محدث بودند آب نداشتند و ازین جهت و سوسه شیطان با خاطرات راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد و پیغمبر را بر چشم ابراهیم مسلط كرد تا اضطرار دل ایشان بر طرف فتنه تفسیر عثمانی علی مسلمانان میزدند بر تافه تهاقی و علم نمازید اما چنانكه عاری بپای نخل و مال فرودا حاصل شود و دلها را خدای تعالی بود كه این جمعیت كوچك بے سر و سامان را بالشكر كند و استوار داد و مرتب است

بجز بنگار آنگاه كه كلام خود حق را ثابت گردانند و بنیاد كفا كه را بر آنگاه تا صدق خود را بپایان این طریق حیرت انگیز ظاهر گردد و علی الرغم كفا بلی آشكار شود و كه است ١٣

وَاذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ

و یاد کنید اے همراهان امت ای آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید

اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَاولَكُمْ وَاَيدِكُمْ بِبَصِيرَةٍ وَرَزَقَكُمْ مِنْ

از آنکه بر بایند شمار مردمان پس جان و دوشمار ایمن و در مدینه دقت و دوشمار ابراهیم خود و روزی داد شمار از

الطَّبِيبِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخَوْا اللَّهَ

چیز بای که بایزه تا شود که سبب ساداری کنید اے مسلمانان حیانت کنید با خدا

وَالرَّسُولَ وَتَخَوْا أَمْنِيَّتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَعَلِمُوا أَنَّ

در رسول و حیانت کنید امانت بای یک دیگر را دانسته و بدانید که

أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ

مالهای شما و فرزندان شما آزمایش بزرگ است و آنکه خدا نزد یک دوست مزد

عَظِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

بزرگ اے مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما تمیز را

وَيُغْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

و در گذارد از شما گناهان و بیامزد شمارا و خدا صاحب فضل بزرگ است

وَأَذِّنْ لِكُرُوكِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْيَتِيمُوكِ أَوْ يَقْتُلُوكِ أَوْ يُخْرِجُوكِ

و یاد کن کرم ای یار من که بدست می گردند حق تو را فراموش کنند ترا یا بکشند ترا یا بیرون کنند ترا از مکه

وَيُكْفِّرُونَ وَيُنْكِرُونَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمُنَافِقِينَ وَإِذْ أَتَاكَ عَلَيْهِمْ

و ایشان بدست می گردند خدا بدست می گردی یعنی بایان و خدا بهترین بدست می گردانست و چون خوانده شود برین جماعت

أَيْتَانَا قُلْ سَمِعْنَا وَنُصَلِّ عَلَى هَذَا هَذَا هَذَا هَذَا هَذَا هَذَا

آیات ما گویند شنیدیم اگر خوانیم بخوئیم مانند این نیست این مگر افسانه

الْأَوَّلِينَ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

پیشانیان و آنگاه که گفتند بار خدایا اگر هست این قرآن راست از نزدیک تو

فَامْطُرْ عَلَيْنَا مِجْرَافًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ آتِنَا بَعْدَ آبٍ أَلِيمٍ وَمَا

پس ببار بر ما سنگ از آسمان یا ببار بر ما عذاب دردناک را و نیست

كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

و یاد کنید اے همراهان امت ای آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید و یاد کنید اے همراهان امت ای آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید و یاد کنید اے همراهان امت ای آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید

فتح الرحمن

ول يفتح الله

انست كذا

در میان قوم باشد

عذاب عام نمی کند

و همچنین تا آنکه ایشان

استغفار می کنند عذاب

نمی آید ۱۱

بجرت حضرت مهدی

از میان ایشان ۱۲

و این اصل کتاب

عذاب دارند لیکن چون

پیش از در میان ایشان

مالی بود احوال مال

برخواست ۱۳

مترجم گوید این

تصویر است حال

کسی را که میخواهد جزه

کل چیز پیدا بطل

سازد ۱۴

و این نیز از اسلک

تفسیر عثمانی

عده دو چیز مال و نزل

عذاب است که میگوید

پیغمبر میان آنها

استغفار یعنی در

کرم به سن قدم آن

معلم عذاب معلوم

اکنون بر آنها

عذاب فرود آید

پس فوراً ۱۵

میگذرد نام

باشد و به توبه ادا

بدرد مورد عذاب

نمی شود و از بزرگ

ترین گناهان بوده

حضرت پیغمبر فرمود

مگر گدازان و چیز است

یکه وجود من و دیگر

استغفار کذا فی

الموضع

کسی نیک نگذاردان

حقیقی را از مسجد باز

می دارند تا زودشان

پس از دش دارد بر

بطایف کبر بر افق

بکای و کفر خدا صغر

کشیدن و کفر زدن چنانکه در اکثرین امر و نیز لواحقین زنگ و ناقوس عبادت بزرگ و الهی می شود و عرض خود خدا را نمی پرسند و دیگران را می گذارند تا بیایند

وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۵ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ

و ایشان استغفار می کنند و چیست مرا ایشان را که عذاب نکند ایشان را و خدا حال آنکه ایشان باز میمانند یعنی مردمان را

و ایشان مغفرت خواهند ع و چیست آن بار که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان باز می دارند مردمان را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ط إِنْ أَوْلِيَاءُ لَهُ إِلَّا

از مسجد الحرام و نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند

الْمُتَّقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۷ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ

متقیان و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند و نیست نماز ایشان نزدیک

الْبَيْتِ الْأَمْكَاءُ وَتَصَدِيْقُهُ قَدْ وَفَّى الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

خانه کعبه و تصدیق کردن و دستک زدن پس بچشید اسه کافران عذاب را بسبب

تَكْفُرُونَ ۸ إِنْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُفْقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ

کافر شدن خود هر آینه کافران خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از

سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُفْقُونََهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۹

راه خدا پس زود باشد که خرج کنند آنرا باز باشد آن خرج کردن ایشان را بر ایشان باز مغلوب شوند و

الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ تَحْتِهِمْ يَجْشَرُونَ ۱۰ لِيُمِيزَ اللَّهُ الْأَخْيَرِ مِنَ الظَّيِّ

کافران بسوی دوزخ رانده شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک

وَيَجْعَلِ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكَبَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي

و بنهد ناپاک را بر بعضی آن را بر بعضی پس نوده سازد آنها را یک جا پس در آرد در

جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۱ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَنْتَهُوا

دوزخ آن جماعه ایشانند زیان کاران و بگو کافران را اگر باز ایستند

يُغْفِرْ لَهُمْ قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ۱۲

آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند پس هر آینه گذشته است روش پیشینان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلَهُ لِلَّهِ

و کارزار کنید ای مسلمانان با ایشان تا آنکه نباشد هیچ فتنه یعنی علیه کفر و باشد دینی همه

فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۳ وَإِنْ تَوَلَّوْا

پس اگر باز ایستند از شرک یعنی مسلمان شوند پس هر آینه خدا با شما می کند بینا است و اگر روی بگردانند و

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَكُمْ مِنْ نِعْمِ الْبَوَلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۱۴

پس بدانند که خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

فتح الرحمن
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ

و بدانند که آنچه غنیمت یافته از کاروان از بهر من
و بدانند که آنچه غنیمت گرفتند از چاره

فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ

پس پنجم حصه اش خداست و پنجم را رسول و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان
پس بر آئین برای خداست پنجم حصه اش و پنجم را دغویان و ندان و یتیمان و بی نوا یان

وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ

و مسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روزیک
و مسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روز

الْفَتْحِ فَإِنَّ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِذْ أَنْتُمْ

جدا شدی از باطن روزیک بهم آمدند دو گروه جنگ و خدا بر همه چیز تواناست و اگر ایمان آورده اید آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود
فیصل شدن عه روزیک بهم آمدند دو گروه و خدا بر همه چیز تواناست عه (یاد آورید) آنرا که بودید

بِالْعُدُوِّ وَاللَّذَّيْبِ أَوْ هُم بِالْعُدُوِّ وَالْقَصُوفِ وَالرَّكِبِ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا

بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره دورتر و کاروان پایین تر از شما یعنی بجانب دریا و اگر
بکناره نزدیک تر و ایشان بکناره دورتر عه و کاروان بودند فروتر از مکان شما عه و اگر

تَوَاعَدْتُمْ لَا خِلَافَ لَكُمْ فِي الْمِيعَدِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ

پایک دیگر و عده جنگ مقرری گردید البتة اختلاف می نمودید در وعده لیکن جمع کردن تا با انجام رساند خدا کار را که
بیان خود عده قتالی می گردید هر آینه خلاف می گردید در وعده خود عه و لیکن جمع کردن تا با انجام رساند خدا کاری را که بود

مَفْعُولًا لِّبِهْكَ مِنْ هَلَاكِ عَن بَيْتِنَا وَيُخَيِّمُ مَن مَّحَىٰ عَن بَيْتِنَا وَلَا

کردنی بود تا ملاک شود کسی که هلاک شده است بعد قیام محبت و زنده ماند کسی که زنده شده بود قیام محبت و
کردنی تا ملاک شود کسی که هلاک شدنی است از محبتی روحی و زنده ماند کسی که زنده شدنی است محبتی روحی و

إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ يَرِيكَمُ اللَّهُ فِي مَنَاكِبِ قُلُوبِ لَا وَلَا

هر آینه خدا شنوا داناست و نگاه که بنمود خدا ایشان را بتو در خواب تو اندکی و اگر
هر آینه خدا شنوا داناست و نگاه که بنمود بتو ایشان را خدا در خواب تو اندکی و اگر

أَرَبَكُمْ كَثِيرٌ فَفُتِلْتُمْ وَلِتَنَازِعُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ

بنموده بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می گردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت یعنی از بزدلی
بنمودی بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می گردیدید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت هر آینه دی

عَلِيمٌ يَذَرُ الصُّدُورَ وَإِذْ يَرِيكَمُ اللَّهُ إِذْ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ

داناست با آنچه در سینه باست و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم شما
داناست با آنچه در سینه باست و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم بانه شما

قَلِيلًا وَيُفَلِّكُمُ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا

اندکی و کم نمود شما را در چشم آنان تا با انجام رساند خدا کار را که
اندکی و کم نمود شما را در چشم بانه ایشان تا با انجام رساند خدا کار را که بود کردنی

وَالِ اللَّهِ رُجْعُ الْأُمُورِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا الْقِيَمَةُ فَاعْلَمُوا

و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها ای مسلمانان چون رو برو شوید با خدا عه
و بسوی خدا باز گردانیده شود کارها ای مسلمانان چون رو برو شوید با خدا عه

فَأَسْبَغُوا ذِكْرًا وَاللَّهُ كَثِيرٌ أَعْلَمُكُمْ تَفْلَحُونَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ

پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار بود که شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا
پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا

و بدانند که آنچه غنیمت یافته از کاروان از بهر من
و بدانند که آنچه غنیمت گرفتند از چاره
پس پنجم حصه اش خداست و پنجم را رسول و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان
پس بر آئین برای خداست پنجم حصه اش و پنجم را دغویان و ندان و یتیمان و بی نوا یان
و مسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روزیک
و مسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روز
جدا شدی از باطن روزیک بهم آمدند دو گروه جنگ و خدا بر همه چیز تواناست و اگر ایمان آورده اید آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود
فیصل شدن عه روزیک بهم آمدند دو گروه و خدا بر همه چیز تواناست عه (یاد آورید) آنرا که بودید
بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره دورتر و کاروان پایین تر از شما یعنی بجانب دریا و اگر
بکناره نزدیک تر و ایشان بکناره دورتر عه و کاروان بودند فروتر از مکان شما عه و اگر
پایک دیگر و عده جنگ مقرری گردید البتة اختلاف می نمودید در وعده لیکن جمع کردن تا با انجام رساند خدا کار را که
بیان خود عده قتالی می گردید هر آینه خلاف می گردید در وعده خود عه و لیکن جمع کردن تا با انجام رساند خدا کاری را که بود
کردنی بود تا ملاک شود کسی که هلاک شده است بعد قیام محبت و زنده ماند کسی که زنده شده بود قیام محبت و
کردنی تا ملاک شود کسی که هلاک شدنی است از محبتی روحی و زنده ماند کسی که زنده شدنی است محبتی روحی و
هر آینه خدا شنوا داناست و نگاه که بنمود خدا ایشان را بتو در خواب تو اندکی و اگر
هر آینه خدا شنوا داناست و نگاه که بنمود بتو ایشان را خدا در خواب تو اندکی و اگر
بنموده بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می گردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت یعنی از بزدلی
بنمودی بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می گردیدید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت هر آینه دی
داناست با آنچه در سینه باست و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم شما
داناست با آنچه در سینه باست و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم بانه شما
اندکی و کم نمود شما را در چشم آنان تا با انجام رساند خدا کار را که
اندکی و کم نمود شما را در چشم بانه ایشان تا با انجام رساند خدا کار را که بود کردنی
و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها ای مسلمانان چون رو برو شوید با خدا عه
و بسوی خدا باز گردانیده شود کارها ای مسلمانان چون رو برو شوید با خدا عه
پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار بود که شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا
پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا
آن طرف که از مدینه طایفه میبودند و کاروان تجارتی ابوسفیان بنی قریظ و در میان کاروان و مسلمانان جابل میگردیدند و آن طرف که از مدینه طایفه میبودند و کاروان تجارتی ابوسفیان بنی قریظ و در میان کاروان و مسلمانان جابل میگردیدند و آن

دل مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات باده چندان از کفار بعد از ان فسوخ شد بوجوب ثبات در مقام دو چندان و التواضع ۱۲ مترجم گوید چنانچه از اسیران بدر خدا گرفته با جهاد خوشتر و مرضی نزدیک خدا تعالی قتل ایمنانه بود لیکن چون نبض صریح ممنوع نشده بود غرض فرمود و این آیت نازل شد ۱۳

و لیکن بعضی غیر منصوص و التواضع تفسیر عثمانی

عده در این آیت بمسلمانان ترغیب جهاد است یعنی اگر چه اندک باشند دل از دست ندهند بنیان الهی برداشتی کرده بزرگان شان باشند غلبه شوند زیر اسلامان خاص در راه خدای جنگند و جزوای و مطعی ندارند مردن را در راه خدا اصل زندگی دانسته و جنگ حاضر میشوند در حال فتح و شکست یقین دارند که زمینها به نتیجه قربانی های خویش در آخرت نایز میگردد و در آخرت جای کرده راه علای کلمه الله می کشند به سرت ایستاد هم آغوش می شوند آن گاه که باین نیت جهاد کنند تا شهادت ربانی بدی کنند و انچه مرگ برکناری گردد و از این دو مالک شجاعت جنگ می نمایند کافران این حقیقت را نمی دانند برائے اغراض دنیائی و حیرانند بهای می جنگد و از محنت طلب و نعمت غیب محرومی مانند

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ

هر آینه وی شنو ادا است و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس هر آینه وی شنو ادا است و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس هر آینه

حَسْبُكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْأَمْنِ ۝ وَالْف

کفایت کننده است ترا خدا بهوست آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و بمسلانان و بهوست آنکه الفت داد کفایت کننده است ترا خدا او است آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و بمسلانان و بهوست آنکه الفت بدستی

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

میان دلها می ایشان اگر خرج می کردی آنچه در زمین است همه یک جا الفت نمی دادی میان دل های ایشان میان دلها می شان اگر خرج می کردی آنچه در زمین است همه نمی الفت میان دلها می شان

وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ

و لیکن خدا الفت کننده میان ایشان هر آینه وی غلبه با حکمت است اے پیغمبر کفایت کننده است ترا خدا و لیکن خدا الفت کننده در میان ایشان هر آینه وی غلبه با حکمت است اے پیغمبر کفایت کننده است ترا خدا

وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ

و کفایت کند ترا آنکه پیروی تو کرده اند از مسلمانان اے پیغمبر رغبت ده مسلمانان را و کفایت کند آن را که پیروی تو کرده از مسلمانان اے پیغمبر رغبت ده مسلمانان را

عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ

اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از کافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند و اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از آنکه کافر شدند زیرا هر آینه ایشانند گردی

لَا يَفْقَهُونَ ۝ أَلَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ

که نمی فهمند و اکنون سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعف هست پس اگر که نمی فهمند و اکنون سبک ساخت خدا از شما و دانست که در میان شما ضعف هست پس اگر

يَكُنْ مِنْكُمْ قَائِدٌ صَابِرٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ

باشند از شما صد کس شکیبا غالب آیند بر دو صد کس و اگر باشند از شما هزار کس باشند از شما صد کس شکیبا غالب شوند بر دو صد و اگر باشند از شما هزار کس

يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ

غالب آیند بر دو هزار کس بفرمان خدا و خدا با صابران است و سزاوار بود پیغمبر را غالب شوند بر دو هزار کس بفرمان خدا و خدا با صابران است و سزاوار بود پیغمبر را

أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يَتَخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ

که بدست وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آورد در زمین می خواهید مال که بدست وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آورد در زمین می خواهید مال

الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ لَوْلَا كُنْتُمْ مِنَ

دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است اگر نبودم من دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است اگر نبودم من

اللَّهُ سَبَقَ لَكُمْ فِيهَا أَخَذَ ثَمَرُ عَذَابٍ عَظِيمٍ ۝ فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ

خدا پیشی گرفته و میرسد به شما در آنچه گرفته عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه عینت گرفته خدا پیشی گرفته هر آینه میرسد به شما در آنچه گرفته عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه عینت گرفته

است لباس

بن عبد المطلب

بنی ماجران

والفعا با یکدیگر باید که

نصرت دهند و مواخا

کنند و الله اعلم

بنی ماجران

با یک دیگر

تفسیر عثمانی

لقد صفت ۱۰۹ تنبیه

ذکر اعداد ۱۰ و ۱۰۰

مکن است بدین جهت

یاش که در آن وقت

تعداد مسلمانان در

سریه اطلبیت و

در عیش مد نفری بود

و آیت آورده بعد از

مدتی فرود آمد که در نزد

مسلمانان افزوده بود

سریه مد نفری بود این

دو آیت در مواضع آن

نسبت تفاوت اعداد

را بیان می کند و هرگاه

نزل آیت آورده شد

مسلمانان بیشتر شده

بوده اند این صاف

در تجاری منقول است

حکمی که در آیت گذشته

شده بود که مسلمانان

مقابل کفد یا فشار

نمایند اگر چه در عدده

برابرشان باشند بر

مسلمانان گران آمد

این آیت نازل گردید

الان خفف الله الیه

یعنی خداوند ضعف

نمود و بفرموده

تخفیف نمود اکنون به

مسلمانان حکم میشود

که اگر دشمن دو چند

آنها باشد اثبات

قلم فرض و گرفتن

حرام می باشد این

ضعف مسلمانان

باعتبار

حَلَا كَيْبًا وَأَتَقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ
حلال پاکیزه و بترسید از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است ای پیغمبر بگو
لَسْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا ۶
آنرا که در دست شماست از اشیاء اگر داند خدا در دل شما نیکی بدید شما را بهتر
لَوْ تَكُونُ خَيْرًا لِّمَا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۷ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۸
اگر بود که خیرتر از شما و بپارزد شما و خدا آمرزنده مهربان است و
إِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَاوُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ط
اگر خواهند خیانت با تو پس هر آینه خیانت کرده بودند با خدا پیش از این پس قدرت داد بر ایشان
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۹ إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَاجَاهَدُوا
و خدا دانایا حکمت است هر آینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَانْصَرَفُوا
با مالهای خود و جانهای خود در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند
أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ط وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهِجَرُوا مَا لَكُمْ
این جماعه بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نکرده اند نیست شمارا
مِنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ يُخْتَصِمُ بِهِمْ جَرًُّا وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكَ فِي
از کارسازای ایشان هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند و اگر مد طلب کنند از شما در
الَّذِينَ فَعَلِكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ط
کار دین پس لازم است بر شما یاری کردن مگر بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهد باشد
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ
و خدا با آنچه می کنند بیناست و آنانکه کافر شدند بعضی ایشان
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۴ إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ
کارسازان بعضی اند اگر نکنید ای مسلمانان این کار را باشد فتنه در زمین
وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۵ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَاجَاهَدُوا
و فساد بزرگ و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَانْصَرَفُوا أُولَئِكَ هُمُ السُّوءُ مُنُون
در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعه ایشانند مومنان
در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعه ایشانند مومنان

باعتبار تخفیف حکم شده چیز بود آغاز هجرت مسلمانان اندک ثبوت و جلالت شان معلوم بود پس از چندی اکثری را توان گشتند و نسل جدید مانند مهاجران انصار پیشین

والمی تکلیف چهار
نشود ۱۲ و مترجم
توبه توبه است
بجواب مغفرت توبه
باعتبار مسجد عام ۱۲
تفسیر عثمان
بقیه صفحہ ۱۸۹
اگر مومنین را از
وقت و جهت و ساز
و برگ گذاریم راسی
دل پدید آید باید
خوف خدا در دلها بی
شان بیشتر باشد نیک
بدانند که چون خوف
خدا در دل جا کند دیگر
خوف با فرار از تقاضا
ایان آنست که مریز
از نافرمانی خدا قهر
وی در هراس باشد
زیر انفع و طر بر کمال
در قدرت او تعالی
است و بیج مخلوق
بے مشیت او تعالی
بر کو چک ترین نفع
و ضرر توانا باشد
عنه بجا حکمت
دیگر شریعت جهاد
فرموده شده یعنی
کسانی که زبان
دعوی بندگی و
ایمان می کنند بسیار
اندولی تا محک امتحان
در میان نباشد خالص
و خشوش تریز گردد
خدای تعالی بوسیله
جهاد آشکاری سازد
که کدام مسلمان در
راه و می باشد
و دارائی آماده است
و تمییز جز خدا و
رسولی و مسلمانان
اورا دوست و همکار
باشد چه آن کس
اورا قوم و خویش بود
این معاد است که
مومنین بر آن آزمون
میشوند تا به جهاد عمل

فَقَاتِلُوا آلَ الْكُفْرِ أَتَمُّ لَا يُؤْمِنُونَ لَهُمْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ يَتَّبِعُونَ
پس کارزار کنید با پیشوایان کفر هر آینه سوگند نیست ایشان را بود که ایشان باز مانند
پس جنگ کنید با پیشوایان کفر بشک ایشان را هیچ قسمی نیست جنگ کنید با ایشان تا باز آیند (از سر تقی و طهر جوی)
أَلَا تَتَّقُونَ قَوْمًا شَكُّوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ
آیا جنگ نمی کنید با گروهی که شکستند سوگند ان خویش را و قصد کردند جلا و طعن ساختن پیغامبر را و ایشان
آیا کارزار نمی کنید با قومی که شکستند قسم مای خود را و قصد (مشوره) کرده بودند به بیرون کشیدن رسول از مکه و ایشان
بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ
ابتدا کردند لفظ عهد با شما اول مرتبه ای می ترسید از ایشان پس خدا سزاوارتر است تا بترسید از وی اگر
ابتدا نمودند بقتال شما اول بار آیا می ترسید از ایشان پس الله سزاوارتر است که بترسید از وی اگر سبید
مُؤْمِنِينَ قَاتِلُوهُمْ يُعْلِمَ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَتَجْرِبُهُمْ وَبَصُرُكُمْ
مسلمانان جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را عذاب بدست شما و در سوا سازد ایشان را و فتح دهد شما را
مومنان عه جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را الله بدست می تان و در سوا کند آنها را و لغت دهد شما را
عَلَيْهِمْ وَيُكَفِّرْ صُدُورُهُمْ وَمُؤْمِنِينَ وَيَذْهَبْ غَيْظُ قُلُوبِهِمْ
بر ایشان و شفا بخشد سینه های گروه مسلمانان را و دور کند اندوه دل ایشان را
بر ایشان و شفا دهد سینه های قوم مومنان را و ببرد اندوه دل مومنان را
وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ
و بر رحمت باز گردد بر هر که خواهد و خدا دانای استوار کار است آیا گمان کردید که
و توبه می دهد (بر جوع بر رحمت می کند) (الله) بر هر که خواهد و الله دانای بزرگ خداوند حکمت عظیم است آیا می ترسید از وی مومنان
تَتْرَكُوا أُولَئِكَ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ
ترک داشته شوید و هنوز متمیز ساخته است خدا آنان را که جهاد کرده اند از شما و نگرفته اند
گذشته شوید و حالیکه متمیز است الله آنکس را که جهاد کردند از شما و نگرفته اند
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا
جز خدا و بجز پیغامبر و بجز مومنان هیچ دوست نیمانی و خدا داناست با آنچه
جز الله و بجز رسول او و بجز مومنان دوستی نیمانی و الله خوب خبردار است به آنچه می کنید
تَعْمَلُونَ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْبُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شُعْبًا
می کنید عه روان باشد مشرکان را که آباد سازند مسجد الهی خدا را اعتنا کرده
نیست سزاوار بر ای مشرکان که عقلت کنند مسجد الله را در حالیکه گواهی دهنده تسلیم کنند
عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ
بر خود به کفر آن جماعه باطل شد عملهای ایشان و در آتش بهر
بر نفس بای خود کفر را آن گروه تباہ شد عملهای ایشان و در آتش ایشان
خَالِدُونَ ۝ إِنَّمَا يَعْبُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ أَمِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
باشند گزند و جز این نیست که عمارت مسجد الهی خدا را کسی که ایمان آورده است سجده و بروز آخر و
جاویدند جز این نیست که آبادی می کنند مسجد الله را کسی که یقین کرده باشد و بروز آخر را در زیارت است
أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشُوا إِلَّا اللَّهَ فَكَفَعْنَا أُولَئِكَ
بر پا داشته است نماز را و داده است زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از الله پس امید است که این جماعه
بر پا داشته نماز را و داده زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از الله پس امید است که این جماعه
أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَهْتَبِينَ ۝ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ
از راه یا تفتان باشند آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن
که باشند از راه یا تفتان سجات آیا کردید آینه آب دادن حاجیان و آبادی

نشود و دعای زیانی نتوان قایل گردید خدای دادند کدام کار به راستی و اخلاص و کدام به ریاء و خود نمایی شده است ترجمه مطابق عمل بدست می آید

المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستون عند الله والله لا يهدي القوم الظالمين

مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است بخدا و روز آخر و جهاد کرده است در سبیل الله

الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله يامواهم وانا نكف عنهم

و آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا ما آنها را از جهاد می بخشیم

انفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم الفاعلون

و این بزرگترین درجه نزد خدا و این جماعت ایشانند

لهم برحمة من ورضوان وبحث لهم فيها نعيم مقيم

برای آنها رحمتی از من و پاداشی از من و بحث شد در میان آنها که این نعمتی است که در آنجا است

فيها ابدان الله عنده اجر عظيم

در آنجا ابدان خداوند است و در آنجا پاداش بزرگ است

اباءكم وراخوانكم اولياء ان استجبوا الكفر على الايمان ومن

پدران شما و برادران شما و اولیای شما اگر استجاب کنند کفر را بر ایمان و کسی که

يتولاهم منكم فاولئك هم الظالمون

تولایت کند از شما را پس اینها ستمگرانند

والله اعلم وراخوانكم واولئك هم الظالمون

و خداوند داناست و برادران شما و اینها ستمگرانند

افترقوا وها و تجارة تخشون كسادها و مسكين ترصونها

پراکنده شوید و تجارتی دارید که ترسید از کساد شدن آن و مسکینان را ترس از فقر

احب اليكم من الله ورسوله وجاهد في سبيله فتر بصوا

دوستتر از شما نزد خدا و رسول او و جهاد کنید در سبیل او پس منتظر باشید

حتى ياتي الله باخره ط والله لا يهدي القوم الفاسقين

تا آنکه خداوند با آخرت خود را بیاورد و خداوند راه نمی نماید گروه فاسقان را

نصركم الله في مواطن كثيرة و يوم نحني الراية و يوم نرفع الراية

خداوند شما را در مواضع بسیار و در روزی که پرچم را می نهد و روزی که برافرازد

ولا مترجم گوید بعد غزوه فتح در غیب بر جهاد مشرکین و اهل کتاب نازل شد ۱۲ لغت کسانا به روایت بخوانا سودی کار و انی متاع جز آن ۱۲ و مترجم گوید در غزوه خنجر شکست نمودن مسلمانان بود بعد از آن خداوند تعالی نعمت داد و بجهت تذکر نعمت این آیات فرستاد تفسیر عثمانی عه ثواب و در جات نزد او تمامه و در جات است بر کمال قدر که خواهد ازانی میدارد در آیت ما قبل ذکر کرد چیز آمده است (۱) ایمان (۲) هجرت (۳) جهاد و این سه را بر سه نعمت بشدت آمده است (۱) هجرت (۲) رضوان (۳) خلوتی و تجرد و جویان می نویسند رحمت بر ایمان مرتب است آنکه ایمان نداد از رحمت الهی محروم است رضوان که لذتترین مقامات است صلواتی که فی سبیل الله می باشد زیرا عباد فی سبیل الله نفسانی و تعلقات شخصی و اترک کرده چنان اهل خود را در راه خدا نظر می کند و برای خوشنودی حضرت وی نقص و تحاطی قربانی آخرین خود را بدهی کند پس معنی

نماید که این مقام رفاه و آسایش است بجز ترک وطن و مال و روزگار و دنیا و این سه چیز را که در راه خداوند بگذرانند و این سه چیز را که در راه خداوند بگذرانند

فتح الرحمن

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

كثرتكم فله تغن عنكم شيئا وضائق عليكم الارض بما رحبت

بسیاری شما پس دفع نکرد آن بسیاری از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با وجود فراخی آن

ثم وليكم مدينين ١ ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى

پس برگزید مدينتان داد و پس فرستاد خدا تعالی تسکین خود را بر پیامبر خود و بر

المؤمنين وانزل جنود الم تر وها وعد ب الذين كفروا واذك

مسلمانان و فرستاد لشکری که شما ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است

جزاء الكافرين ٢ ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء و

جزای کافران پس رجوع برعت می کند الله بعد از این بر هر که خواهد و

الله مغفور رحيم ٣ يا ايها الذين امنوا انما المشركون نجس فلا

خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلید اند پس باید که

يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان خفتم عيلة فسوف

نزدیک نشوند مسجد حرام بعد از همین سال اگر می ترسید از درویشی پس بزدی

يغنيكم الله من فضله ان شاء الله عليكم حكيم ٤ قاتلوا

تو که خواهد ساخت شمارا خدا از فضل خود اگر خواهد هر آینه خدا دانسته درست کار است جنگ کنید

الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ولا يحرمون ما حرم الله

با آنانی که ایمان نمی آرند بخدا و نه بروز آخر و حرام نمی ستیزند آنچه حرام کرده است خدا

ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى

و پیغامبر او و اعتبار نمی کنند دین درست را از این کتاب تمام آنکه

يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون ٥ وقالت اليهود عزير

بدهند جزیه را از دست خود خوار شدند و گفتند یهود که عزیر

ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم يا قواهم

پسر خدا است و گفتند نصاری مسیح پسر الله است این گفتار ایشان است بدیهای ایشان

يضاهون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله اتي بكون

مشابهت درده اند با سخن قومی که کافر شدند پیش ازین و کشتند الله آنها را چگونه برگردانیده میشوند و

استخذوا احبارهم ورهبانهم اربابا من دون الله والمسيح ابن مريم

خدا گرفتند و استخدا نمودن و را بدهان خود و بجز الله و مسیح پسر مری را و

همه گفتند عباد خود و عبادان خود را عبادان بجز الله و مسیح پسر مری را و

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

۱۰ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ لَوْ كَان عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا
 اگر می دانید اگر بودی آنجا بان دعوت می کنی بفتح قریب المحصول و سفری آسان
 اگر می دانید اگر بودی آنجا بفتح قریب امال قریب المحصول و سفر میان

۱۱ وَلَٰكِنْ بَعْدَتْ عَنْهُمْ الشَّقَاةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
 پیروی می کردند ترا و لیکن دور نمود ایشان را مسافت راه و سوگند خواهند خورد بخدا
 هر آینه پیروی می کردند ترا و لیکن دور شد بر ایشان مسافت و زود قسم شوند به خدا

۱۲ وَاسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 اگر می توانستیم بیرون می آمدیم با شما ملک می کنند خویش را و خدا می داند
 که اگر قدرت داشتیم هر آینه بیرون می رفتیم همراه شما ملک می کنند نفس های خود را و خدا می داند

۱۳ اللَّهُ لَٰكِن يُّونَ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لَمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ
 که ایشان دروغ گویند عفو کند خدا از تو حیا دستور می دادی ایشان را منع اذن تا آنوقت بود که سبید استوند
 که بیشک ایشان هر آینه دروغ گویند عفو کند خدا از تو چرا رخصت دادی ایشان را تا اینکه آشکارا می شدند

۱۴ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمُ الْكَذِبِينَ ۝ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ
 راست گویند و بدانی دروغ گویان را دستور می می طلبند از تو آنانکه
 راست گویند راست گفتند و می دانستی دروغ گوینان را نمی خواهند اذن از تو آنانکه

۱۵ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 ایمان آوردند بالله و روز آخر در مختلف از آنکه جهاد کنند با اموال خویش و جان خویش
 ایمان دارند بالله و بروز آخر در مختلف از آنکه جهاد کنند با مالهای خود و نفس های خود

۱۶ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبِتُّونَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 خدا دانست متفقان جز این نیست که دستور می طلبند از تو آنانکه ایمان نمی آرند
 البته دانستمت به ترسندگان جز این نیست که رخصت می طلبند از تو آنانکه ایمان ندارند

۱۷ وَاللَّهُ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَمِنْ رَيْبِهِمْ
 بخدا و روز آخر و شک آورده است دل ایشان پس ایشان در شک خود
 بالله و بروز آخر و شک کرده دل های شان پس ایشان در شک خود

۱۸ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ كَرِهَ
 سرکردان می شوند و اگر خواستند بیرون آمدن میبای کردند برای آن مسوومان را و لیکن ناپسند داشت
 (سرگردانند) عدا و اگر اراده می داشتند بیرون شدن را هر آینه تیار می کردند بران اسباب و لیکن ناپسند داشت

۱۹ اللَّهُ أَنْبَأَهُمْ قَسَبَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقُعْدِيْنَ ۝ لَوْ
 خدا بر ایشان پیش از حرکت باز داشت ایشان را و گفته شد بنشینید با نشینندگان و اگر
 الله قیام ایشان را پس باز داشت ایشان را و گفته شد بنشینید با نشستگان اگر

۲۰ حَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خَلْقَكُمْ
 برمی آمدند میان شما نمی افزودند در حق شما مگر فساد و البته مرگ می تاختند میان شما
 بیرون می شدند در میان شما نمی افزودند در شما مگر فساد و هر آینه می تاختند (به فساد و تباهی) در میان شما

۲۱ يَبْغُوا نَفْسَهُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمْعُونُ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِ
 فتنه جوینان در حق شما و میان شما سخن می شنوند از ایشان و خدا داناست
 می طلبند برای تان فتنه را و در میان شما (مشنوندگان) جاسوسان برای ایشان است والله داناست

۲۲ لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ
 هر آینه طلب کرده بودند فتنه را پیش ازین و برگردانید برای تو مصلحتها
 (بیشک) می جستند فتنه را از پیش و برگردانید برای تو مصلحت ها

۲۳ وَاسْتَدْرَكَ حَيْثُ بَدَأَ بَيْنَ جَسُوسَانِ مَعْنَاهُ اسْتَدْرَكَ بَيْنَ جَسُوسَانِ
 و استدرک کرد جایی که بدو را بین دو جاسوس و جاسوسان را بچشم می گردوند و برای دیگری می گویند در میان بیت مسلمانان را جای می کنند

فل یبکی لبوگند
 درخ: انک داین تقوی
 است القای عزم
 مختلف لمرغالین
 ۱۱ و یبکی سسی درفت
 می کردند ۱۲ یعنی
 سخن ایشان بجز می کنند
 نفس عثمانی
 عدا یک دل با
 شان ایمان و تقوی
 ۱۲ و روشن است ایشان
 ۱۳ نرسد که بهانه کنند
 و از جهاد کناره جویند
 ۱۴ اجازه خواهند آنچه را
 ایشانرا سزاوار
 است در آخرین
 پاره بیاید و تولو و
 اعینهم تفضیل من المبع
 حزن آنان لایجدوا ما
 یتفقون یعنی اگر
 انلاس و غیره ایشان
 را از شرف جهاد نه
 سبیل الله می بهره
 سازد دل های شان
 به قرار و چشمان شان
 بر سر شک گردد و متا
 تنگی که از جهاد کناره
 می جویند و اجازه
 نرفتن می طلبند شیوه
 طایفه ایست که بروعد
 های کرد کار یقین ندارند
 و زنده گی آخرت را
 نیشنا سنده و در ایشان
 بای خدا به پیروزی
 اسلام و مسلمین بنظر
 شک می نگردند عدا
 اکنون نیز جاسوس
 بای شان در میان
 شائبست برخی از
 شائبه ساده لوح اند
 و نمی اندیشند از
 حرف ایشان که پیشتر
 متاخر می نمود این کفر
 هر چند این زمره چنانکه
 مقتضی شراست شان
 بود فتنه برپا کرده

فما یخیر ما رد بلا

روم میرید که جان بهین

دیده مفتون غلام

شد و الله اعلم ۱۳

و لا یخیر بینهم باعدا

نواقت کرده ایم یا

از سفر تعلق نموده

ما را هیچ کس نیست

و الله اعلم ۱۲ لغت

عذرة اسباب اور

ما مان سازد ساخت

فقطهم باز که

ان کو التبت کسی کو

کام سے باز گشتا

خبالا فساد خرابی

تباہی کا وضو

تحقیق گروہ دود

لا یفعل تیر جلانا

دور انا ساعون

جاسوسین سماع و

جاسوس ۱۳ و

یضخ یا شهادت

۱۲ یعنی مشتق

جمع مال و حفظ اول

و تاسف بر آنچه فوت

شود و الله اعلم ۱۳

تفسیر عثمانی

ع مناقب بزرگ

و جدا حقین گفت

مرا بگذارد زمان و

زبان چو بدین

بگویم ناب نیارم بهتر

آنست که آنجا نشوم

و مرا برید تا گمراه

بگویم این را گفته

و به ترس و کذب

پرد توئی و زبده

دروغی را بر چنین

خود بخند و در

مخاک کما ای افتاد

و هم کفو نقاش او

و مخاک هم خواهر

داد بری دیگر ملک

آیت را در باب

مناقضت گرفته و

مطلب لا لغتی

را چنین بیان کرده

حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُون ۶ وَمِنْهُمْ مَن

تا آنکه بیاید نصرت حق و غالب شود کار خدا و ایشان ناخوایان بودند و از ایشان کسی است که

بِقَوْلِ اعْذَن لِي وَلَا تَفْتِنِي ۷ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ

می گوید دستور می ده مرا در فتنه مینداز مرا و ای خداوند مرا و فتنه از مرا در فتنه آگاه باش در فتنه افتاده اند و بسیار آینه دور

لَمْ حِطْ بِالْكَافِرِينَ ۸ إِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسُوءَهُمْ ۹ وَإِنْ

در گیرنده است کافران را اگر برسد به تو نیک ناهوش کند ایشان را و اگر

تُصِيبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا

برسد به تو مصیبت می گویند به تحقیق گرفته بودیم کار خود را از پیش و باز می گردند در حالیکه ایشان

هُمْ فَرِحُونَ ۱۰ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا

شادمان شده بگو هرگز نرسد بنا مگر آنچه نوشته است خدا برای ما اوست کار ساز ما

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۱۱ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا أَلَّا

و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان بگو انتظار نمی برید در حق ما مگر یک

أَحْسَنِينَ ۱۲ وَخَرَجْنَا بِكَ أَنْ يَصِيبَكَ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ

از دو مصیبت نیک را و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند خدا به شما عذاب را از

عِندَهُ أَوْ بَائِلِينَ رَبِّهِ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ۱۳ قُلْ الْفَقْرَ

نزدیک خود یا بدست ما پس انتظار کشید بر آید ما نیز با شما منتظر ایم بگو ای منافقان خرج کنید

طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۱۴

بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما هر آنچه شما هستید قوم فاسقان

مَأْمَنَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ

بازند است ایشان را که قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا و

رَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ

رسول او و نمی آیند به نماز مگر کاسالی گان و خرج نمی کنند

إِلَّا وَهُمْ كَرِهُون ۱۵ فَلَا تَعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ طَائِفَتٌ

مگر ناخوایان پس بگفت نیاید تر امان ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ

می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را با آنها در زندگانی دنیا و بر آید جان ایشان

که اراده دارد و الله که عذاب کند ایشان را بسبب آن اموال و در زندگانی دنیا و بر آید جان بای ایشان

را چنین بیان کرده اند اگر ما را بطوری برید خسارت مال بگماید و بنا بر این به - الا فی الفتنه سقطوا بایشان جواب داده شد -

فتح الرحمن
واینها ایمان
بزمان خود
تفسیر عثمانی
عنه منافقان در انجیل
بای شان از اسلام
و پیغمبر آن غیبت و
بر مومنین مادی
استیلا می کردند و بای
دین را باز می کردند
بند استند و اگر
گاهی به تصور آن می رفتند
که سخنان شان حقیقت
پیغمبری رسدی گفتند
چه باک پیغمبر سرا پا
گوش است بر تاویل
و تعلیمی که نایم می
شود و می پذیرد اما
چون انشرومی الهی
لناق و خفت باطن
شانرا آشکار میگردد این
میرسیند که مبادا
یک صورت
قرآن از
مخاطب پویند
و نیات نهانی
شان برده
بردارد در
حقیقت دل
منافی از جبین
و ناتوانی نمیند
یک طرف قیام کند
از این جهت همیشه
متزلزل بودند و اگر
گاهی از مشاهد
اغماض و کرامت
نفس حضرت پیغمبر
متسل می شدند از
بیم ماعتقرآن
مضطرب می گردیدند
از این جهت خداوند
فرمود بهتر است شما
بر تضرع استیلا ای
خویش را اومت کنید
و نسبت به پیغمبر
در جوانی تا گفتند
خود را تسلیم دهید اما

يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنْ لَهُ تَارَاجَهُمْ خَالِدًا فِيهَا
خلاف کند با خدا و رسول او پس هر آینه او راست آتش دوزخ جاویدان
مخالفت می کند الله و رسول او را پس (هر آینه) هست برای او آتش دوزخ که جاوید باشد در آن
ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ۝ يَحْذَرُ الْمُنْفِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ
اینست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان از آنکه فرود آورده شود بر مسلمانان
اینست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان از اینکه نازل کرده شود بر مومنان
لَسَوْفَ تَنْبَهُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهِزْءُوا إِيَّائِيَ اللَّهُ
سور شکی خیر و بد ایشان را با یکدیگر در دل منافقان است بگو مسخر کنید هر آینه خدا
سور شکی خیر و بد ایشان را به آنچه در دل بای منافقانست بگو استهزا کرده باشید بتحقیق الله
فَخَرَجَ مَا تَخَذَرُونَ ۝ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ
پدید آورده است چیزی را که می ترسید و اگر سوال کنی ایشان را گویند جز این نیست که ملود بزل تروغ بیندیم و
پدید آورده است آنچه را می ترسید و (قسم است) اگر پیغمبری از منافقان بر آید گویند جز این نیست که با فریب می
نَلْعَبُ قُلْ أَبِإِلَهِهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ
بازی می کردیم بگو آیا بخدا و آیت های او و پیغمبر او مسخر می کردید
بازی می کردیم بگو آیا بالله و آیت های او و فرستاده او استهزا می کردید
لَا تَعْتَدُوا وَقَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ
عذر نگویید هر آینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود و
عذر نگویید بتحقیق کافر شده اید بعد از ایمان تان اگر عفو کنیم
طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ تَعْلَبُ طَائِفَةٌ بَالَهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝
سرگروهی از شما البته عذاب کنیم گروه دیگری را باین سبب که بتحقیق ایشان بودند مجرمان
بسیب آنانکه گنجه بودند
الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ
مردان منافق و زنان منافق بعضی ایشان از جنس بعضی اند می فرمایند بکار ناپسندیده
مردان منافق و زنان منافق بعضی ایشان (محمود و مشایر) با بعضی دیگرند در کردار و دین امری کنند بکار
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ
دست می کنند از کار پسندیده و می بندند دستهای خود را فراموش کردند خدا را
و باز می دارند از کار پسندیده و می بندند دست های خود را فراموش (ترک) کردند الله را
فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَعَدَّ اللَّهُ
پس خدا فراموش ساخت ایشان را هر آینه منافقان ایشانند فاسقان و عده داده است خدا
پس فراموش (ترک) کرد ایشان را بیشک منافقان ایشانند بجای بر آمدگان از طاعت و عده کرده الله
الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَتِ وَالْكَافِرَاتُ زُجْجَتُهُ خَالِدِينَ فِيهَا
مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ همیشه باشندگان آنجا
مردان منافق و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ جاوید باشند در آن
هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ كَذِبِينَ
دوزخ پس است ایشان را و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان راست عذاب دائم مانند آنجا
آن لعنه است ایشان را و دوزخ را دانه ایشان را الله از محنت و برای ایشان است عذاب برقرار بمثل آن کسانی
مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثُرَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَادُهُمْ
پیش از شما بودند بودند قوی تر از شما در قوت و بیشتر در اموال و اولاد
که پیش از شما بودند شدید تر از شما از حیث قوت و زیاد تر از روى اموال و اولاد

خدا آشکارای کند چیزی را که تنها از آن می ترسید و خدا شمار فاش نموده رسوائی تان می گرداند - عده آید موع شگفتی خاطر در آن این است که با خدا و پیغمبر

اسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ فَاَسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

پس بهره مند شدند به نصیب خویش و بهره مند شدید به نصیب خود چنانکه بهره مند شدند

لَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا

چنانکه پیش از شما بودند به نصیب خود و فرو رفتید در باطن مانند کسیکه فرو رفتند

وَلِيكَ حِجَّتُ اَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاوليك هم

آن نامه نابود شد عمل بای ایشان در دنیا و آخرت و آن جماعه ایشانند

الْخَسِرُونَ ۱۰۰ اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَاُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَ

آیا نیامده است بایشان خبر آنکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و

ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و الموفیك انهم رسالهم

نمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل مکه و اهل مدینه و اهل مدینه و اهل مدینه

بَلَيِّنَتْ فَمَا كَانَ اللهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

پهشانی بای روشن پس برگزشت که خدا ظلم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر نفس بای خود ظلم می کردند

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

مردان مسلمانان و زنان مسلمانان بعضی ایشان کار ساز بعضی اند می فرمایند

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

بکار پسندیده و منع می کنند از کار ناپسندیده و بر پای دارند نماز را و می دهند

الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللهَ وَرَسُولَهُ اُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللهُ اِنْ

زکوة را و فرمانبرداری می کنند خدا و رسول او را این جماعه رحم خواهد کرد بر ایشان خدا بر اینک

الله عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ ۱۰۱ وَعَدَ اللهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

خدا غالب در مرت کار است و عده کرده است خدا مردان مسلمانان و زنان مسلمانان را بوستانها که میرود

مِنْ تَحْتِهَا اَنْهَارٌ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكَنٌ طَيِّبٌ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ

زیر آن جویها همیشه باشند گان آنجا و جایهای پاکیزه در بهشت های همیشه ماندن

وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللهِ اَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۰۲ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

و خوشنودی خدا بزرگ تر است از هر چیزی است این است کامیابی بزرگ

جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ

جهد کن با کفار و منافقان و درستی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است

وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ ۱۰۳ وَاُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِبُونَ ۱۰۴

و آنچه دارند جهنم را و اینانند سواران و اینانند سواران و اینانند سواران

دل یعنی از دنیا ۱۲
دل یعنی یسیر ۱۳
دل یعنی بربان ۱۴
تفسیر عثمانی
عده قوم لوح به طاعت
قوم عاده به نادر و قوم
شود به صبر و شوق عینی
پاک شدند خدای
مخال حضرت ابراهیم
غیر اسلام را بطریق
شگفت و خارق عادی
تائید نمود که از مشایخ
این قومش ذلیل و نا
کام و نمرود شمر یار
شان بخت بای ذلت
جان سپردا محراب
مدین به مسجد و حبه
در زلزله و غی و ذلک با
شدند مساکین قوم
لوح و زبور و زبور شد
و سنگ باران گردید
تقصص این اقوام
باستثنای قوم ابراهیم
در سوره اعراف گذشت
عده در آغاز رکوع
احوال منافقان
بیان شد این جا
در مقابل آن صفات
مؤمنان مذکور می شود
یعنی مکه مکه منافقین
مردم را از جنگ باز
داشته به پری ترغیب
می دهند و مؤمنان مردم
را از نبرد باز داشته
بر حنات آماده می گردانند
مشقت منافقین
دست مسلمان کشاد
است منافق از
نخل نمی داند مالی
خود را بکجا مصرف
کنند مسلمانان از
دارایی خویش بر طبق
قواعد و مقرره زکوة
و صدقات می بینند
منافق خدا را بجای
خویش کرده مسلمانان

و آنچه دارند جهنم را و اینانند سواران و اینانند سواران

م حضرت پیغمبر در باره آیه نازل شده و عفو و رحمت الهی را بیان فرموده است
 م یعنی ای اهل ایمان
 م پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در این
 م نوحه از حکم است
 م والله اعلم ۱۲
 م یعنی عفو و رحمت الهی
 م پدید می آید و صفت
 م می دهند ۱۳
 م هر دو صورت یک
 م تفسیر عثمانی
 م عه جهاد عبادت
 م از جنبه های کوشش
 م است در دفع چیز
 م های ناپسند گاهی به
 م سلاح و قتی
 م شمشیر زانیان
 م نزد جهور است
 م در مقابل منافق که
 م لسانیه اسلام
 م معترف است عذر
 م دل مسلمان نمی باشد
 م جهاد با سیف مشهور
 م نیست و در عهد نبوت
 م نیز چنین نشناختند
 م جهت لفظ جهاد
 م این آیت معنی عام
 م می باشد یعنی با ناس
 م با شمشیر یا قلم یا
 م هر چه صلاح باشد
 م جهاد شود بعضی علماء
 م بر آنکه اگر لفظ
 م منافق تمام آشکار
 م شود با وی نیز باید
 م پیغمبر جهاد کرد
 م بهر حال چون در
 م عذره چون لفظ
 م منافقین مرناسر
 م آشکار شد در این
 م آیت هدایت آمده
 م نسبت به آنها به
 م سختی رفتار کنند
 م حضرت پیغمبر صلی
 م الله علیه و آله و سلم چون
 م قدرت بر تسلیم و
 م مهربان داشت
 م عفو و رحمت الهی
 م نسبت بهم انجام
 م ال عمری رکوع ۱۱ و

وَيَسِّرْ ۱ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلْبَةَ
 م دو می دهد جایست م می گزینی خوردند م بخدا که نطق اند و بر آینه گفته اند سخن
 م و در مرجع است آن عه م هم می خوردند م باشد که نطقند (آیه توبه سیده) و بیشک نطقند م
 الْكُفْرَ وَكَفَرُوا بِعَدِ اسْلَامِهِمْ وَهَؤُلَاءِ لَمْ يَنَالُوا وَمَا تَقْوُوا الْا
 م کفر و کافر شده اند بعد اسلام خویش م او قصد کردند آنچه نیافتند و انکار نه کردند م
 م کفر و (علاوه) کافر شدند بعد از (انگیزه کردن) اسلام خود و قصد کردند به آنچه نیافتند و عیب نکردند م
 اَنْ اَعْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَاِنْ يَتُوبُوا اِيَّاكُمْ خَيْرٌ
 م بر آنکه توبه ساخت ایشان را خدا و رسول او از فضل خود م پس اگر توبه کنند بهتر باشد
 م از اینکه توبه نکرد ایشان را الله و رسول او از فضل خود پس اگر توبه کنند باشد بهتر
 لَهُمْ وَاِنْ يَتُوبُوا يَعِدْ بِهِمُ اللَّهُ عَذَابُ اَبَائِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَا
 م ایشان را و اگر برگردند از توبه عذاب کند ایشان را خدا و عذاب در دین و دنیا
 م برای شان و اگر برگردند از توبه عذاب کند ایشان را الله عذاب در دنیا و
 الْاٰخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْاَرْضِ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَصِيْرٌ ۲ وَمَنْهُمْ
 م آخرت و نیست ایشان را در زمین یا هیچ کار ساز م و توبه یاری دهنده و از ایشان کسی هست که
 م آخرت و نیست برای ایشان در زمین یا هیچ دوست و مددگار و از ایشان کسی هست که
 عَذَابُ اللَّهِ لَئِنْ اَتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَنْصُدَّهُمْ وَلَسَوْنَ مِنَ الظَّالِمِيْنَ
 م عذاب است با خدا البته اگر بدید ما را از فضل خود م صدقه و عفو و توبه از سبک کاران
 م پیمان کرده باشد که البته اگر بدید ما را از فضل خود م صدقه می گیریم و اگر آینه ای باشد از سبک کاران
 فَلَا اَنْهُمْ مِنْ فَضْلِهِ يَجْأُوْا بِهِ وَتُوبُوا اَوْ اَوْفَوْا مَعْرُضُونَ ۳ فَاَعْقِبْهُمْ
 م پس و عیب کند بعد از ایشان را از فضل خود بخوبی کردند م آن و برگشتند اعراض کنان پس خدا امتحان عاقبت حال ایشان
 م پس چون داد ایشان را از فضل خویش بخل کردند به آن و برگشتند و ایشان اعراض کنند پس خدا امتحان عاقبت حال
 نِفَاقًا فِيْ قَوْلِهِمْ اِلَى يَوْمٍ يَكُوْنُ لَهُمْ اَخْلَافُ اللَّهِ مَا وَعَدُوْهُ وَا
 م نفاق را در دل ایشان تار و زری که ملاقات کنند با او پس بشمارت آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با او و
 م نفاق را در دل های ایشان تار و زری که ملاقات کنند با او پس بسبب آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با او و
 بِمَا كَانُوا يَكْذِبُوْنَ ۴ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَا
 م بشمارت آنکه دروغ می گفتند م آیا ندانستند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و از گفتن ایشان را و
 م بسبب آنکه دروغ می گفتند م آیا ندانستند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و از گفتن ایشان را و
 اَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ۵ اَلَّذِيْنَ يَلْمِزُوْنَ الْمُكُوْلَ عَيْنٍ مِنْ
 م آنکه خدا داننده غیب با است م آنرا که عیب می کنند در راه خدا رعیت کنندگان را از
 م آنکه خدا نیک دانای عیوب است م آنرا که عیب می کنند صدقه دهندگان را از
 الْمُؤْمِنِيْنَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ اِلَّا جُهْدَهُمْ
 م مسلمانان در صدقات و عیب می کنند آنان را که نمی یابند م مگر مشقت خود را و
 م مسلمانان در صدقات و آنان را که نمی یابند م مگر مشقت خود را و
 فَيَسْتَفْزِوْنَهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۶ اَسْتَغْفِرُ
 م پس استغفر می کنند برای ایشان م سخر کرد خدا بآن م سخر کنندگان و ایشان را است عذاب در دین و دنیا و طلب
 م پس استغفر می کنند برای ایشان (جز او به خدا ایشان را نرسد سخر کنندگان) و ایشان را است عذاب در دین و دنیا و طلب
 لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِيْنَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ
 م برای ایشان یا آمرزش طلب لمن برای ایشان م اگر آمرزش خواهی برای ایشان میقتاد بار هرگز نیامزد
 م برای ایشان یا آمرزش طلب کنی بر ایشان اگر آمرزش خواهی برای ایشان میقتاد بار پس هرگز نیامزد

بن حکم از بارگاه الهی پوی شده بود که و اخفض جناح لمن تبك من المؤمنين و لشمر رکوع ۱۱ و منافقان با ظاهر و زمره مؤمنان بودند

تفسیر عثمانی
 ۱۰ چنانکه در باشد
 مدینه هم منافقین و هم
 مومنین مخلص سید
 میشود در اعراب
 نشین نیز از مختلف
 موجودی باشد و
 طایفه از آنها مذکور
 شده بدوین مخلص
 در خانه این رکوع
 ومن الاعراب من
 یؤمن بالله
 الیوم الآخر
 الا که در پیش
 اینجا ذکر دو
 طایفه اعراب است
 معذون - قاعدون
 در مصداق طائفه
 اول (معذون)
 مفسرین سلف را
 اختلاف است که
 آیا مراد از آن
 منافقانی است که
 بهانه باری دروغ
 میباشند (چنانکه
 از ترجمه معلوم می شود)
 و یا مسلمانانیکه به
 راستی عذر داشتند
 و حقیقه از شرکت
 جهاد مذور بودند
 اگر شش اول گرفته
 شود در این آیت
 دو قسم منافق بیان
 شده (۱) معذون
 یعنی کسانی که با وجود
 لغای محض برای
 ظاهری حیل با
 دروغ تراشیده از
 آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم اجازه می
 طلبیدند (۲) قاعدون
 یعنی آنانکه نخست
 بدو دعوی ایمان
 نمودند و ظاهری
 نیز نکردند پس که نام
 جهاد را شنیدند در
 خانه بای خویش
 آرمیدند و چنانکه

مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَكِنَّ الرَّسُولَ

بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ

و آنانکه ایمان آوردند با او جهاد کردند با اموال خود و جان بای خود و این جماعه

لَهُمُ الْخَيْرُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ

ایشان را است نیکی با و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخته است خدا برای ایشان بوستانها

بِجَنَّتِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

میرود زیر آن جویها جاوید آن آسایش است فیروزی بزرگ

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ

و آمدند اهل عذر از صحرا نشینان تا دس توری داده شود ایشان را و نشستند آنانکه

كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ

دروغ گفتند یا خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهر رسید بکافران از ایشان عذاب

أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ

درد دهنده نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه

لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْبًا إِذَا نَصَحُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا عَلَى

نمی یابند آنچه خرج کنند بجهاد گناه چون نیک خواهی کنند یا خدا و رسول او نیست بر

الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ غُفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ

نیکی کاران بیچاره عتاب و خدا آمرزنده مهربان است و نیست گناه بر آنانکه

إِذَا مَا أَوْكَلْتُمْ بِهِ شَأْنًا لَا يَجِدُ مَا أَحْبَبُوا عَلَيْهِ تَوَلَّوْا

چون بپایند پیش تو سوارای دبی ایشان را گویی نمی یابیم آنچه سوار گم شمارا بران بازگردند و

أَعْيَنَهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدِّمَاءِ حَرْبًا أَلَا يَجِدُ مَا يُفْقُونَ ۝ أَلَا

چشم ایشان روان باشد بآنگ بجهت اندوه که نمی یابند آنچه خرج کنند جز این نیست که

السَّبِيلِ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ عَنْ رِضْوَانِ

راه عتاب بر آنان است که دستور می طلبند از تو و ایشان توانگر اند راهی شدند بآنگ

يَكُونُوا مَعَ الْخَوَافِ ۝ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی دانند

آرمیدند و چنانکه

يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا أَرَأَوْا

عذر خواهی کنند پیش شما چون باز آیند
عذر کنند بسوی شما هنگامیکه باز گردید

إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُونَ مَنِ الْمُؤْمِنِينَ لَكُمْ قَدْ نَبَأَ اللَّهُ مِنْ

بسوی ایشان بگو عذر خواهی نکنید باور نکنیم سخن شمارا هر آینه آگاه ساخته است خدا را بعضی بجهت شمارا
بسوی شما بگو عذر نکنید هرگز باور نمی کنیم سخن شمارا به تحقیق آگاه گردانیده ما را خدا از جرم های شما

وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ كَمَا تَبْذُرُونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ اللَّهُ هَادٍ

وخواهد دید خدا و رسول او عمل شمارا یعنی در دنیا باز گردانیده شوید بسوی دامن ده نهان و آشکارا
و زود می بیند خدا کار شمارا و فرستاده او پس باز گردانیده می شوید بسوی در نای پوشیده و آشکار

فَيَنْبَغِيكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ سَيُخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ

پس بچوید شمارا با آنچه میکردید سوگند بخدا پیش شما چون باز آیند
پس آگاه می گرداند شمارا به آنچه شما می کردید زود است که قسم خورند باله برای شما چون باز گردید

إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۝ اِنَّهُمْ رَجَسٌ وَمَا وَلَهُمْ

بسوی ایشان تدبیر دارند از ایشان پس شمارا و بگردانید از ایشان هر آینه ایشان پلید اند جای ایشان
بسوی ایشان تا اعراض نمایند از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بیشک ایشان پلیدند و مسکن ایشان

جَهَنَّمَ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ

دورخ است سزای آنچه می کردند سوگند میخورند برای شما تا رضامند شوید از ایشان
قسم خودند برای شما تا خوش شوید از ایشان

فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ الْأَعْرَابُ

پس اگر رضامند شوید از ایشان هر آینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان صحرا نشینان
پس اگر راضی شوید از ایشان بیشک الله راضی نمی شود از قوم میکرو نامتق (نا فرمانداری از ارباب بادیه نشینان)

لَشَدِيدُ كُفْرًا وَنِفَاقًا ۝ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ

سخت تراند در کفر و نفاق و سزاوارتراند بآنکه ندانند احکام شریعت را که نازل کرده است خدا بر
شما بدترین از حیث کفر و نفاق و سزاوارترند باینکه ندانند حدود شرعی را که نازل کرده الله بر

رَسُولِهِ ۝ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُفِيقُ

پیغام خود و خدا را نادان درست کار است و برخی از اعراب کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج
رسول خود و الله و انبیا با حکمت است و برخی از اعراب همچو ایشان است که می بیند از خرج خود را

مِنْ مَّا وَكُنْزُهُمْ يَكْمُلُ إِلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

می کند و انتظار می کشد در حق شما مصائب را بر ایشان باد و مصیبت بد و خدا شنوا
تاوان و انتظار می کشد بشما در حق بای زمانه را بر ایشان باد گردش بد و الله شنوا

عَلَيْهِمْ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا

و نامست و از اعراب کسی هست که ایمان می آورد بخدا و روز آخر و می شمارد چیزی را
و نامست و بعضی از صحرا نشینان است که ایمان می آورد بالله و بروز آخرت و می گردود و بدل آنچه

يَفِيقُ فَرُبَّمَا بَلَغَ عِنْدَ اللَّهِ وَصْلَتُ الرَّسُولِ أَلَّا تُهَاقِرَهُ لَهُمْ ط

که خرج می کند سبب قربت نزدیک خدا و وسیله دقایق پیغامبر آگاه باش هر آینه دس و قریب است ایشان
خرج می کند (سبب) قربت با نزد الله و سبب دعا می رسول آگاه باش بیشک این خرج موجب نزدیکی (الله)

مَسْئَلُ خَلْقِهِ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ط إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝

داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود هر آینه خدا آمرزنده مهربان است
ست به آن باز و در داخل گرداند ایشان را الله در رحمت خود بیشک الله بخشنده مهربان است

یعنی بر نسبت
از این جا

احوال منافقان و
مؤمنان مخلص مدینه
بیان شده بود اکنون
از یکی اوصاف اعراب
صحرا نشین بیان می
شود در میان آنها
نیز جنوع مردمند
کافر متناقض مسلمان
مخلص چون بادیه
نشینان فطرتا تشر
خو و سخت مزاجند
چنانکه در حدیث است
ممن سكن البادية

حقا و از حمالس
علم و حکمت دور اند
فروع تهذیب مدینت
علم و عرفان در آنها
کمتر تاثیر می کند کفر
و نفاق آنها نسبت
به کفاد و منافقین
بلا شد بدتر می باشد
موقع نمی یابند که به
محبت اهل علم و
صلاح برسند و احوال

دیانت و تهذیب
را که خدا به پیغمبر خویش
فرستاده بیاوردند
بدی است بدون
علم و معرفت دل انسان
طایم و مذهب نمی گردد
پس کس نیکو مستغرق
جبهه الله می آید دل
بای شان سخت می
باشد و در راه کفر و
نفاق که خود اختیار
می کنند مانند سبیل
ایمان می گوید و اند

در او ان می باشد
سنگدلی اعراب
در احادیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

از حدیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از حدیث معتبره

و قبل مشوند و در
 احوال اولاد اقامت
 بینند ۱۲ تفسیر عثمان
 عه و را بل مدینه اگر
 از یک طرف این
 منافقان متحد اند که
 جرایم و مینات خود را
 در برده نفاق می پوشند
 و بر آن سخت استوار
 اند از سوی مع
 دیگر مسلمانانی
 هم پیدا می شوند که چون
 به مقتضای پشت توفیق
 از ایشان صادر گردد
 تادم می شوند و لما
 تامل به گنایان خویش
 اعتراف می کنند گناه
 و صواب آنها مخلوط
 است گناه نشان
 آنست که با وجود نیر
 عا که دعوت پیغمبر و
 تیوک حاضر نشده اند
 صواب آنکه پس آن در
 غیاب خویش بپایان و
 مسامحت شده و ظاهر
 و باطن توبه نمودند و در
 سایر اعمال مثالیست
 ناز و دوزخ از کوه و ج
 غزا و غیره شرکت زند
 این همه امور در دست
 حسا ایشان داخل
 است خدا این جهرا
 را امیدوار گشتایش
 خویش گردد ازین جهرا
 نگاه داشته اند این آیت
 در بده ابوبکر و عمر
 او که از حق آسانی در
 تیوک حاضر نشدند و خود
 آمده اما بنیامین که در
 پیغمبر از تیوک شنیدند
 از فطانت خلیفه
 رابه ستون بای مسجد
 بستند و سوگند کردند
 تا پیغمبر خود نیاید و آنها
 نه بخوابند و نه دست
 خویش از بلندها بلند

وَالشَّاقُونَ الْآوُونَ مِنَ الْمُهْجَرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
 و سبقت کنندگان از مهاجران و انصار و آنانی که پیروی ایشان کردند
 و سبقت کنندگان از سبوی سبکی پیشینیان از مهاجرین و انصار و آنانی که پیروی کردند ایشان را
 بِأَحْسَنِ رِضَى اللَّهِ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 به نیکوکاری خوشنود شد خدا از جماعه و ایشان خوشنود شد ندا زوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهای گوناگون
 جنتی را می شده الله از ایشان و را می شد از ایشان ادا و و مهیا ساخت الله برای شان جنت با که جاری است
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ① وَمِمَّنْ
 زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه اینست فیروزی بزرگ و از آنانی که
 زیر درختان آنها جویها جاوید باشند در آن همیشه اینست کامیابی بزرگ و بعضی از آنانی که
 حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ ظُومٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ يَدْعُوهم إِلَى
 حوالی شما اند از اعراب منافقانند و بعضی این مدینه خوشترند اند
 گرد گرد شماست از اعراب با دیده نشین منافقانند و بعضی از این مدینه عادت گرفتند بر
 الْبِغَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ طَخُنَ عَلَيْهِمْ سَعْدُ بَعْضِهِمْ قَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ
 بنفاق و نمی دانی ایشان را امیدایم ایشان را عذاب خواهیم کرد ایشان را دودبار و باز گردانیده شوند
 نفاق نمیدانی (نفاق) ایشان را امیدایم ایشان را دود عذاب کنیم ایشان را و مرتبه پس باز گردانیده شوند
 إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ ② وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا
 بسبوی عذاب بزرگ و دیگران سبقتند که اقرار کردند بگناهای خود آمیخته اند عمل نیک را
 بسبوی عذاب بزرگ و بعضی دیگر اقرار کردند بگناهای خود آمیخته عمل نیک و
 آخِرَ سَيِّئَاتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ نَبَّاهٍ عَلَيْهِمْ ط إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ③ خذ
 با عمل دیگر که بدست نزدیک است خدا بر عت متوجه شود بر ایشان هر آینه خدا آمرزنده مهربان است بگیر
 دیگر عمل بد را قریب است که الله بر عت باز گردد بر ایشان بیشک الله بخشنده مهربان است عذاب
 مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ ط إِنَّ
 از اموال ایشان زکوة تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را بان و دعای خیر کنی بر ایشان هر آینه
 از اموال ایشان زکوة تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را بر آن صدقه و دعای خیر کنی بر ایشان بیشک
 صَلَواتِكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ④ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ
 دعای تو سبب آرام است ایشان را و خدا شنوا داناست آیا ندانستند که خدا بخون گوید
 دعای تو تسکین مست برای او شان و الله بجز چیز شنوا داناست آیا ندانستند که بیشک الله او قبول می کند
 التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَا خُذْ الصَّدَقَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ⑤
 قبول می کند از بندگان خود و میگرد صدقات را و آنکه خدا بخونست گوید پذیرنده مهربان
 گوید را از بندگان خود و قبول می کند صدقات را و بیشک الله (اوست) قبول کننده گوید مهربان
 وَقُلْ عَمَلُوا أَفْسِرِي لِلَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَارِدُونَ
 و بگو عمل کنید پس خواهد دید خدا و رسول او و مؤمنان عمل شما و گردانیده خواهد شد
 و بگو آنکه محمد عن کرده باشید پس زود می بیند الله عمل شما و رسول او و مؤمنان و پیرویی باز گردانیده می شود
 إِلَى عَلَيْهِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑥ وَآخَرُونَ
 بسبوی داننده پنهان و آشکارا پس خبر دهد شما را با آنچه می کردید و دیگران اند
 بسبوی دانای پوشیده و آشکارا پس خبر دهد شما را با آنچه می کردید و دیگران اند
 فَرَجَحُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ أَمَّا يَعْبُدُ بِهِمْ وَا مَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 موافق دارند امر الله بر فرمان خدا یا اینست که عذاب کند ایشان را یا بر عت متوجه شود بر ایشان و خدا داناست
 که تا چه داده و رنند (قبول گوید نشان) برای حکم الله عذاب کند ایشان را یا قبول گوید و رحم نماید بر ایشان و الله بجز چیز داناست

حَكِيمٌ ٥ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وزارت ایشان اناندر کرساچت اند مسجد کے برای زبان رسانیدن و بکوت کفر و برای لغو اقلید میان خدا و حکمت بزرگ است عد و انانیکه فرا کرتند (ساختند) مسجدی برای ضرر و کفر و برای لغو انداختن میان

لِلْمُؤْمِنِينَ وَارْضَادُ الْإِيمَنِ حَارِبُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ قَبْلِ ط

مسلمانان و همین ماه سال من پر از آن بزرگواران کرده اند یا خدا در میان او
و پیش ازین و
و برای اینکار مرگ من نفس را که چنگیده بالذات و فرستاده او
و پیش ازین و

لِيُخْلِفَنَّا إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٥٨﴾

الذی سوگند خوردند که بخوابت ایام مگر حصلت نیل را و خدا گواهی میدهد که ایشان دروغگو باشند
براینکه ایشان سوگند خوردند که اراده نکردیم (به بنیاد کردن مسجد) مگر کاریکو و الذی گواهی میدهد که بیشک ایشان ضرور

نَقَّهَ فِيهِ أَبَدًا أَلَمْ تَسْجُدْ لِكُنُوسِ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ إِذْ

ایست | آجما ہرگز ہر آئینہ مسجد کے کہ بنیاد بنیاد شدہ | است بر میت کوی از اول روز بہر میت کہ
ایست برای نماز در آن (در مسجد خمار) ہرگز۔ ہر آئینہ مسجدی کہ اساس بنیاد شدہ بر زمین خمار از اول روز سزاوار است کہ

تَقُولُ فِيهِ رَجُلٌ يَسْجُونَ أَنْ يَنْتَهَرُوا طِوَالَ اللَّهِ يَحِبُّ الْمَطْمَرِينَ ⑨

استاده شوی اینجا بخارداستد که دوست میدهد که باک شوند و خدا دوست میدهد و باک باشند کان را

أَفَمَنْ أَشْبَهَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَشْبَهَ

آیا پس بر کسی که اسامی ننهاده آبادی خود را بر شمس از الله و بر ضامنندی (الله) بهتر است یا آن کسی که اسامی ننهاده

بَيِّنَاتُهُ عَلَى شَفَا جُحْرِ هَارٍ فَتَهَارِبُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آبادی خود را بکسانه رود که زیرش بمرو رسیده تهن شده در شرف سقوط باشد پس بیفتد آن علت با بانی آن در آتش دوزخ و الف

قَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبًا فِي قُلُوبِهِمُ

گروه ستمکاران را با بطش باشد عمارت ایشان آنکه ساخته بودند (سبب شک و لفافه) در دلی های شان

۴۶۲ اِنْ تَقْطَعْ قُلُوبَهُمْ ۖ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝ اِنْ اللّٰهُ اَشَدُّ مِنْ

مگر که پاره پاره شود دل با می ایشان و اللہ دانا است هر چه خداوند حکمت بزرگست بیشک اللہ خرمیده است از

مُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةُ يَبْقَاتُونَ فِي

مومنان و مال های ایشان را پایتیک باشد برای ایشان همت جنگ می کنند در

سَيُكَلِّمُكَ اللَّهُ فِي قَلْبِكَ وَيَتْلَؤُنَا بِأَبْصَارِهِ عَزَّ وَجَلَّ ۖ فَرِحْنَا بِهِ بِنَاهٍ أَن يَكُونَ كَذِبًا ۖ

پس می کشند و گفارا) و نوشته می شوند (گای) و عده که هست بر عهده است و در کودات و

الْحَجَّاجِلَ وَالْقُرْآنَ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا

و قرآن و کسب و نالنده ترکبندویش از الله پس خوش باشید

ببيعوم الذي بايعتم به ط وذلك هو القور العظيم ①

به خرید و فروخت خود آنکه معامله گردید به آن و این معامله آن کامیابی بزرگست

فل است روزی چند فرمان خدا را اختیار باشند به اقتضای علم حکمت الهی یا سزاوی پیشند یا معاف می شوند و سولی کیم سولی اند علیه کلام تا ننو دل حکم برض تا



يَسْتَفْتِيكُمْ عَنْهُ مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ فَتَرَى

مانده ام میان شما عمرے پیش از وی آیا در نمی یابید پس کیست ستم کار تر از کسی که بر بندد و درنگ کند من در میان شما عمرے پیش از وی آیا پیدا در نمی یابید پس کیست ستم کار تر از کسی که بر بندد

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ

بر خدا دروغ را یا دروغ می خورند آیات او را هر آینه سخن نیست که رستگاری نمی شوند کفار و منافقان و می پرستند بر خدا دروغ یا بتکذیب کند آیات او را هر آینه سخن نیست که رستگاری شود کفار و منافقان و می پرستند

مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُوَ إِشْرَافُهُمْ

بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند ایشان را و می گویند ایشان شفاعت کنندگان مانده بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند ایشان را و می گویند ایشان این با شفعیان مانده

بِئْسَ اللَّهُ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يَتَذَكَّرُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ

زردی که خدا بگو آیا خرداری که کند خدا را یا بخیر نمیداند در آسمان یا در زمین زرد خداوند بگو آیا خرداری که کند خدا را یا بخیر نمیداند در آسمان یا در زمین

بِسْمِ اللَّهِ وَقُلْ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً

بانی دیر است و برتر است از آنچه شرک می کنند و بودند مردمان مگر یک امت و بانی دیر است و برتر است از آنچه ایشان شرک او میدادند و بودند مردمان مگر یک امت

فَاخْتَلَفُوا ۝ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُتْنُكُمْ فِيمَا فِيهِ

پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که سابق صادر شده است از پروردگار و کلمه که پیش از ایشان در آید و پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که سابق صادر شده است از پروردگار و کلمه که پیش از ایشان در آید

يَخْتَلِفُونَ ۝ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلْ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا

اختلاف دارند و می گویند چرا فرستاده نشده است بر این پیغمبر آنکه از پروردگار و بگو جز این نیست که اختلاف دارند و می گویند چرا فرستاده نشده است بر پیغمبر ایشان از پروردگار پس بگو جز این نیست که

لَاغِبُ اللَّهِ فَانْتَظِرُوا ۝ إِنِّي مُنْتَظِرُكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا

عالم غیب خدا را است پس انتظار بنشیند هر آینه من بشما از منتظرانم و چون بخشایم عالم غیب خدا را است پس انتظار ببرید هر آینه من باشما از منتظرانم و چون بخشایم

النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۝ إِذَا هُمْ يَكْفُرُونَ ۝ إِذَا هُمْ يَكْفُرُونَ ۝

مردمان را رحمت پس از محنتی که رسیده بود بایشان تا که ایمان ایشان را بداند پس ایشان را بافت بگو خدا مردمان را رحمتی از خود پس از محنتی که رسیده بود بایشان تا که ایمان ایشان را مگری باشد در نشانی بگو خدا

لَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۝ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْ بِكُمْ طَائِفَةٌ

در غشی و در دریای تا و قلیقه باشد در کشتی با و در آن شدند کشتی با با سواران خود بیاد خوش و در غشی و در دریای تا و قلیقه باشد در کشتی با و در آن شدند کشتی با با سواران خود بیاد خوش و

وَجَاءَ بِهَا نَارٌ مِمَّنْ وَجَاءَ هُمْ إِلَى الْوَجْهِ ۝ وَجَاءَ هُمْ إِلَى الْوَجْهِ ۝

شادان شدند ایشان با آن باد موافق ناگاه برسد بایشان کشتی با باد و آمد بایشان موج از هر جا و شادان شدند ایشان به آن باد ناگهان آید بادی سخت و بیاید بایشان موج از هر جا و

ظَنُّوا أَنَّهُمْ أَحْبَبَ إِلَيْهِمْ ۝ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ لَكِنْ

پنداشتند که از هر جهت که رفتار کنند دعا کنند بجناب خدا خالص کرده بر آن دعا را که اگر پنداشتند که از هر جهت آن با هر کار کنند بخوانند خدا را خالص کنندگان به وی در عبادت اگر

بَدَأَ اللَّهُ أَنْزَلَ الْوَحْيَ فِي الْمَاءِ ۝ وَأَنْزَلَ الْوَحْيَ فِي الْمَاءِ ۝ وَأَنْزَلَ الْوَحْيَ فِي الْمَاءِ ۝

بدا کرد خدا که از هر جهت که رفتار کنند دعا کنند بجناب خدا خالص کرده بر آن دعا را که اگر پنداشتند که از هر جهت آن با هر کار کنند بخوانند خدا را خالص کنندگان به وی در عبادت اگر

فلا يعني بر تو مريد
ملت ابراهيم هادي
يعني سبب غروب
فلا يعني بجز ان نعمت
۱۱۱ مترجم گوید
اذا ان خدا شغلی بران
میگوید کیفیت کفر
و کفران نعمت را
والله اعلم
تفسیر غنائی
عنه که کارکنان
کار به خیر و صلاح
نایل شده نمی تواند
اکنون شایسته فیصله
کنند ستمکار و مجرم
کیست! اگر چه فرض
محال است دروغ
گویم و آن را بخدا
منسوب کنم یا چه کسی
از من ظلم تر خواهد
بود از دلیلی که در
آیت گذشت میان خدا
ثابت گردیده که این
۱۱۱ محتمل است ثابت است
۱۱۱ من راست میگویم
۱۱۱ و شایسته چنین وعده
کلام خدا را نکلیب
میکنید پس و در
تاسر جهان که ظالم
تر از شما نمی باشد
عنه تا اینجا بیان محمل
آنها با خدا و پیغمبر
اکنون صورت خدا
پرستی شان را بشنوید
خدا می زنداند و
چیزی را ای پرستند
که هیچ نوع و ضرری
در دست آنها نیست
نه گامیک از ایشان
می رسد و گویند بدون
شبه خدای بزرگ که
بساها و زمین را
پیدا کرده یکی است
اما اصنام از آن
جهت رعایت باید کرد
که ای خرد و دانا

مسلم یعنی در دست
خداست تسلط
تفسیر عثمانی
عنه حکم خدا ناگهانی
در روزی شب آفتی
رسید و مثل طوفان باد
فرد آمدن زلزله بگرم
شیخ و علی بن القیاس
و تمام آن در اعدت را
چنان برهم زد که گویی
کمی در آنجا نرسیده
بود. چنین است مثل
دنیا که چندی زیبا و
خرم به نظر جلوه میکند
بے خودی به دل انگیزی
و حال آن مفتون
می شود و حاصل
حقیقت را فراموش
می کند. اما این نشان دانی
و آماره گری روزی چند
بیش نیست و زود
است که ستیغش
خدا زوال شده از
ظاهر را فراموش گردد
حضرت شاه رحمة الله
این مثال را الطیر
لطیفی بر حیات مخصوص
بشری لطیف نموده
است. یعنی روح
بابت آب از آسمان
"عالم بالا" فرود
آید و در کلاه نعل
آمیخته قوت گرفت
از اختلاط آب تنگ
انسان پدید آمده و
کرده از آن حیوانی
برود را انجام داد.
چون در هرگز کامل
و متعین بر روی زمین
گردد ناگهان در گنج
فرود رسیده در آن
این نمایش را خاتمه
داد و چنان موحش
که از پیش بر روی
زمین پستان نمائند
و نمانده بلکه او را
دستگاه بارونی است

انجیتنا من هذه لئلا نكون من الشكرين ۱۰ فليما انجهم اذا هم
خلاص کنی ما را ازین بلا باشدیم از شکر کنندگان پس هرگاه خلاص ساخت ایشان ناگهان ایشان
خلاص کنی ما را از این هر آنچه باشدیم از شکر کنندگان پس چون نجات داد ایشان را ناگهان ایشان
يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا بَعَثْنَا فِي نَفْسِكُمْ
بشایسته می کنند در زمین ناحق ای مردمان جز این نیست که بر این شما زیان بر جان نجات
ستمی کنند در زمین بغیر حق ای مردمان جز این نیست که ستم شما بر نفس های شماست
مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
یا قید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما رجوع شماست پس خبر دارییم شما را با آنچه می کردید
یا قید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما باز گشت شماست پس خبر دارییم شما را با آنچه می کردید
إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْغَيْثِ الَّذِي أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَخَتَطِبَ مِنْهَا الْأَرْضُ
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آب است که فرود آید در زمین از آسمان پس در هر چه میخشد بسبب وی و در هر
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که فرود آید در زمین از آسمان پس در هر چه میخشد به آب و در هر
مَثَلُ الْغَيْثِ الَّذِي أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَخَتَطِبَ مِنْهَا الْأَرْضُ
از آنچه می خورد مردمان و چهار پایان تا قتی که بدست آورد زمین پس بر این خود را و آراسته شد
از آنچه می خورد مردمان و چهار پایان تا قتی که بدست آورد زمین پس بر این خود را و آراسته شد
و ظَنُّ أَهْلِهَا أَنَّهُم قَدِ ارْتَدُّوا عَلَيْهِمْ قَدْرُونَ عَلَيْهِمْ قَدْرُونَ عَلَيْهِمْ قَدْرُونَ
و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانا اند بر آن متعلق از آن ناگهان بیاید بزمین فغان ما در پیش پا در پیش گردانند
و گمان کردند ساکنان آن که ایشان توانا اند بر آن متعلق از آن ناگهان بیاید فغان ما در پیش پا در پیش گردانند
حَٰمِلًا كَانُوا لَا تَفْقَهُمْ شِرَارَ الْيَهُودِ أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ
مثل زراعت از نزع بریده گویا بنزد دیر روز هم چنین بیان می یکنم ایشان را بر این می گردانند که کمال می کنند
مثل زراعت در دود گویا که هیچ نبوده دیر روز هم چنین بیان می یکنم ایشان را بر این می گردانند که کمال می کنند
وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
و خدای خواند بسوی سرای سلامتی و دلالت می کند بر هر که خواهد بسوی راه راست
و خدای خواند بسوی سرای سلامتی و راه می نماید بر هر که خواهد بسوی راه راست
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ
آنان را که نیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و در پیش روی ایشان را هیچ سیاهی و تیرگی خدای
آنان را که نیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و در پیش روی ایشان را هیچ سیاهی و تیرگی خدای
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۱۱ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
این جماعه این بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانند به
این جماعه این بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانند به
جَزَاءً سَيِّئَةٍ يَسْتَنَافِرُهَا وَلَا تَرْهَقُهَا ذِلَّةٌ ۱۲ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاقِبَةٍ
جزای بدی مثل آنست و بپوشد ایشان را خدای نیست ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا
جزای بدی مثل آنست و بپوشد ایشان را خدای نیست ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا
أَعْيُشُوا فِي جُحُودٍ ۱۳ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
پوشانیده شده است روی ایشان را بپوشد تاریک این جماعه این و در رخ اند ایشان
پوشانیده شده است روی ایشان را بپوشد تاریک این جماعه این و در رخ اند ایشان
فِيهَا خَالِدُونَ ۱۴ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ
آنجا جاوید باشند گانند و بر سر همه از روزی که بر این زمین ایشان را همه یک جا باز گوئیم من گمان را باینکه بجای خود
آنجا جاوید باشند گانند و بر سر همه از روزی که بر این زمین ایشان را همه یک جا باز گوئیم آنرا که شرک آوردند باینکه بجای خود

نَمُوْا وَشَرُّكُمْ كَوْمًا فَرَّ يَتَّبِعُنَا بِهِ وَنُحْمَ وَقَالَ شَرُّكُمْ كَوْمًا فَرَّ يَتَّبِعُنَا بِهِ وَنُحْمَ

و نوحه و شرکوار کومہ فری بکتابینہم و قال شرکوار کومہ فری بکتابینہم و قال شرکوار کومہ فری بکتابینہم

عَبَادُونَ ۵ فَكُنْ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكَ

عبدون ۵ فکف بالہ شہیداً بیننا و بینک ان کنا عن عبادتک

غَافِلِينَ ۹ هَذَا لِكَيْ تَبْلُوْا كُلَّ نَفْسٍ مَّا سَلَفَتْ وَرَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ

غافلین ۹ ہذا لکے تبلوا کل نفس ما سلفت و ردوا الی اللہ مولہم

الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ أَكْبَاحُ دَرِيٍّ أَمْ يَلْمِزُكَ أَشْجَاءُ ۱۰ قُلْ مَنْ يَرْفَعُ قَلْبَهُ مِنَ السَّمَاءِ

الحق و ضل عنہم اکباح درئی ام یلمزک اشعاء ۱۰ قل من یرفع قلبہ من السماء

وَالْأَرْضِ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ

والارض من یملک السمع و البصر و من یرجی الحی من الممیت

وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ

و یرجی الممیت من الحی و من یدبر الامر فسیقولون اللہ فقل

فَلَا تَتَّقُونَ ۱۱ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا

فلا تتقون ۱۱ فذلک اللہ ربکم الحق فماذا بعد الحق الا

الضَّلَالُ فَالَّذِي تَصْرَفُونَ ۱۲ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ

الضلال فوالذی تصرفون ۱۲ کذلک حقت کلمت ربک علی الذین

فَسَقُوا أَنفُسَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۳ قُلْ هَلْ مِنْ شَرٍّ أَلَبَّكُمْ مِنْ يَبْدُؤُا

فسقوا انفسہم لا یؤمنون ۱۳ قل هل من شر الیکم من یبدؤا

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُکُمْ إِلَى اللَّهِ يَبْدُؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُکُمْ إِلَى اللَّهِ يَبْدُؤُا

الخلق ثم یرجیکم الی اللہ یبدؤا الخلق ثم یرجیکم الی اللہ یبدؤا

قُلْ هَلْ مِنْ شَرٍّ أَلَبَّكُمْ مِنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي

قل هل من شر الیکم من یرجی الی الحق قل اللہ یرجی

لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا

للحق أفمن یرجی الی الحق احق ان یتبع ام من لا یرجی الا

أَنْ يَضِلَّ ۱۵ وَمَا يَتَّبِعُ الْكَافِرِينَ إِلَّا لِيُضِلَّ

ان یضل ۱۵ وما یتبع الکافرین الا لیضل

وَمَا يَتَّبِعُ الْكَافِرِينَ إِلَّا لِيُضِلَّ

وَمَا يَتَّبِعُ الْكَافِرِينَ إِلَّا لِيُضِلَّ

ول یفنی عاقب کوش و چشم باشد و دل بکوش
چونان را از لطف و لطف

تفسیر عثمانی
آنکه شکفت اضطرار و نفسی باشد عاقل

و معبودین اندک جدا شوند و دراهی که معنی
بر او با و چند فرود

برشته بود بیکبار
مگر سست گردد

در آن وقت
بول انگیز که مشرکین

از معبودان معبود خود
امید با و در معبودان

شایع و خارج جواب
و سبب گویند میان ما

و شایع غلطی است
شاید در عبادت

ی گردید و چیزی را می
پرستید که خود به آن

صفات الوهیت
تراشیده بودیده

حقیقت این صفات
و آن با وجود نبود

عبادت شتاد حقیقت
بماهی سبب و شکیان

بودت های بجان را
واقع نمی پرستیدید

یا شیطان لعین را
عبادت می کردید و تزلزل
پر فرشت و پیغمبر را به
شخص صالح یا فاسق
و امثال آن غریب
می نمودید خدا را
که برضاه و خوشنودی
با چنین عکوده اید و
خبر نمائیم که زکات
حالت و بے دانشی
در مقابل خدای متعال
را معبود گردانیده اید
(تنبیه) این گنہگار
از طرف حضرت مسیح و
دیگر مخلوق ذی عقل
و حیوانی از آن گنہگار
و گنہگار است

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِإِيقَاعِ اللَّهِ وَكَانُوا مُحْتَدِينَ ۖ ﴿٥﴾ وَإِنَّا مُرْسِلُونَ

زبان گشاده آمانی که دروغ داشتند طاعات خدا را و نبودند راه یافتگان و اگر بنایم ترا
خفته ز زبان کرده آمانی که سبب کردنی لقای خدایا و نه بودند راه یافتگان و اگر بنایم ترا

بعض الذين بعدهم اوتوفيتك والينا مرجعهم نزل الله شهيد

وعدہ می کنیم یا نہیں ایم ترا بہر حال سب سے باز جوع ایشان است باز خدا مطلع است
وعدہ می کنیم یا نہیں ایم ترا پس سب سے باز جوع ایشان است باز خدا گواہ است

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ ۖ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ

د هر اتمته را پيغامبر بهست پس چون آمد پيغامبر ايشان پيغمبر کرده شود میان ايشان
پيغامبر بهست پس چون آمد پيغامبر ايشان پيغمبر کرده شود میان ايشان

برای کسی کند و هر آنچه را پیشا مبری هست پس چون آمدیم جابر ایشان هم کرده خود میان ایشان

القسط وهم لا يظلمون ﴿٤﴾ ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم

دبر ایشان ستم کرده لشود فل می گویند که باشد این وعده اگر همتی

صدقین ۸ قل لا املک لنفسی ضرّاً ولا نفعاً الا ما شاء الله

راست گو بگوئی تو انهم برای خود زیاده و نه سودت مگر آنچه خواسته است خدا

وَأَمَّا الْكُفَّارُ الْكَاسِبُ فَلَهُ أَنْ يَسْتَأْذِنَ بَعْدَ الْبَرِّ بِمَا عَصَىٰ ۚ وَأَن تَكُونَ الْفِتْنَةُ ۚ وَفِي هَٰذَا آيَاتٌ لِّلَّذِينَ يُهْتَدُونَ

هرگز در ایام عادی نیست چون بیاید میعاد ایشان کوفت نه کنند ساعتی و

استقرومون ⑨ قَالُوا اَعْمَدْتُمْ اَنْ تَكُونَ مِنْ سَائِرِ الْاَوْنَمِ

از صفت کنند بگو خبر بدید مرا اگر بیاید بشما عذاب او شما نگاه یا برور

از مقدم شده می توانند بگو خوب بیند (خبر دید مرا) اگر بیاید بشاید عذاب او شایانگاه یا ببرد

بهر حال چه چیز را اشتباه می طلبند از آن عذاب این گنجه را بعضی و قیامت محقق شود آیا یا این آیه آن آیه و گفته شود آیا این

فَلَا تَكُنْ مِمَّنْ يَنْتَحِبُ لَهُ نَصْرٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ (۱۱) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس ازین بشتاب می طلبد آندرا دل باز گفته شود ستمکاران را بچشمه عذاب

پس گفته شود مر آنرا از اسم کردند و بچشمید عذاب

مادیہ، جوادادہ نے عقوبہ الا باہر کی کر دید می پرسند ترا

و می پرسند ترا

ایمان است این و عدله بخوار است قسم پروردگار من هر آنچه که در دست است و کتاب عاجز کند التماسید و اگر ایمان

دست است این و عده بگو آری قسم به پروردگار من هر آینه وی درست است و بشیر شما عزیز گان

بر نفس کشم گفته را آنچه در زمین است البته ندید خود به آنرا و در ضمیر خود دار ندید شبانی چون

باشد هر کس را که ستم کرده است آنچه در زمین است هر آینه ندیده و آزاد و پخته بشما فی خود است این میگوید

میباشد غدا ب را و فیصل کرده شود میان ایشان بعد و بر اینان قسم کرده نشود آگاه باش هر آینه

و حکم کرده میشود میان ایشان بالصف و ایشان ستم کرده نشوند آگاه باش در سر آئینها

نفاذ اعم الفاعل من غير افعالي في وري في تبيين في الجواب علم وذك على الله ليس من ابن هو و هو عايد و مسد فاعل داد حافظ ابن كثير آيت صاف

[illegible]

وذلك على الزمان، جرم بين هر دو به قیامت و سه شصت دارد و حاشا این که کثرت آیت حاضر و متعلق به حاشا قرار داده است به

فل یعنی خدا باریک
چه خواهد کرد در دنیا
تفسیر عثمانی
ع این با این است
با قرآن کریم است
قرآن از فاطمه تا فاطمه
پند است پند کیه
را از مضرات مملکت
بازی دارد قرآن شفا
رج و دل است طری
قرب و رضای الهی را
روشن میگردد قبول
سمت گان خود را درین
جهان و آن جهان
مستاد و رحمت الهی
میدهد از محققان
یعنی برایت که درین
آیت برایت کمال نفس
انسان اثر است است
یعنی کسی که قرآن کریم
متک کند به تمام
مراتب نازل میگردد و
فدیش از اعلی تا اقل
پاک میشود و کلمه
اشاره به آن است
در باطن از
عقاید ناسده
و ملات رویه من
میگردد و این از
شفاء لسانی الصدق
مفهوم میشود و
وی به عقاید حق و
اخلاق ناصیه آراست
نیشود و کلمه به ی
بسیار مناسب
آست (۳) پس از
اصلاح ظاهر و باطن
مورد نزول و رحمت
الهی میگردد چنانکه
از کلمه رحمت ظاهر
است (۱) فخر الدین
رازی (رحمات) در
تفسیر خود نوشته
این چهار لفظ است
است به شریعت
طریقت و حقیقت
نبوت و خلافت علی

لله ما فی السموات والأرض لا اله الا ان وعد الله حق ولكن
فدا نرسر آنچه در آسمانها و زمین است آنچه باش بر آید و عده خدا راست است و لیکن
فدا نرسر آنچه در آسمانها و زمین است آنچه باش بر آید و عده خدا راست است و لیکن
اکثرهم لا یعلمون ۲ هو یحیی و یمیت والیه ترجعون ۳
بیشترین ایشان نمیدانند ازنده می کند و می میراند و بسوی دس مگردانیده شود
بیشتر از ایشان نمیدانند ازنده می کند و می میراند و بسوی دس مگردانیده شود
الناس قد جاءکم موعظة من ربکم وشفاء لکم فی الصدور و
مردمان آمده است بشما پند از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینها است و
مردمان به حقیقت آمده است بشما پندی از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینها است و
هدی و رحمة للؤمنین ۴ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك
راه نمودنی و بخشای مسلمانان را بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها
راه نمودنی و رحمت مسلمانان را بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها
فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون ۵ قل اریتم ما آتزل الله لکم من
باید که شادمان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که درود آورده است خدا برای شما
باید که شادمان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که درود آورده است خدا برای شما
یرقی فجعلکم منه خرافا و حللا قل الله اذن لکم ام علی الله
جس روزی پس ساقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
روزی پس ساقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
تفترون ۶ وما ظن الذين یفترون علی الله الذل ب یوم القيمة
دروغ می بنیدید و چیست گمان آنانکه افترای کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت
دروغ می بنیدید و چیست گمان آنانکه افترای کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت
ان الله لذ و فضل علی الناس ولكن اکثرهم لا یشکرون ۷
هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان پاسداری نمی کنند
بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان شکر نمی کنند
وما تکون فی شان و ما تلتوا منه من قران و لا تعملون من عمل
و نه باشی در هیچ شغل و نه خوانی هیچ کس را از او در قرآن و نه عملی که کار
و نه باشی در هیچ شغل و نه خوانی هیچ کس را از او در قرآن و نه عملی که کار
الا کتاب علیکم شهود اذ یفیضون فیه و ما یعزب عن ربک من
مگر هبیم بر شما مطلع چون در س آید در آن کار و بوشیده به خود از پروردگار تو
مگر هبیم بر شما (لکامیان) حاضر چون غول می کند در آن بوشیده به خود از پروردگار تو
منقال ذریة فی الارض و لا فی السماء و لا اصغر من ذلک و لا اکبر
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نه خود در آن و نه بزرگ تر
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نه خود در آن و نه بزرگ تر
الا فی کتاب مبین ۸ الا ان اولیاء الله لا تخوف علیهم و لا هم
الا نوشته شده است در کتاب روشن آنچه بر آید دوستان خدا هیچ ترس نیست برایشان و نه ایشان
مگر نوشته شده است در کتاب روشن آنچه بر آید دوستان خدا هیچ ترس نیست برایشان و نه ایشان
یحزنون ۹ الذین امنوا و کانوا یستقون ۱۰ لهم البشری فی الحیوة
اندوه بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان راست بشارت در زندگانی
اندوه بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان راست بشارت در زندگانی

نبوت و خلافت علی المرتب در جمیع تفصیل آن نیست و این مضمین در تفسیر فاضل نکند عده اصل فضل و رحمت خداست که آن باید در طلب آن باشد

الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَيَا دَل در آخرت نیست هیچ تبدیلی در سخنان خدا را این بشارت بهوست فیروزی بزرگ

وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥

وعلین ز کند ترا سخن ایشان هر آینه علیه مر خدا است همه یک جا اوست شنوا و آگاه باش

لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُتَّبَعُ الَّذِينَ يُدْعُونَ

بر آینه مر خدا است هر که در آسمان با است و هر که در زمین است و پیروی نمی کنند آنانکه پرستش می کنند

مَنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءُ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ٦

بخیر خدا شریکان را بحقیقت پیروی نمی کنند مگر وهم را و نیستند مگر دروغ گو

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارُ مُبْجَرِطٌ إِنَّ فِي

اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و ساخت روز را در دهن هر آینه درین

ذَلِكَ لَا يَتْلُوهُمُ يُسْمِعُونَ ٧ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ هُوَ

ایشان با است گردیده را که می شنوند گفتند که فرزندان گرفته است خدا پاک است اوست

الْغَفِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

بے نیاز اوست آنچه در آسمان با است و آنچه در زمین است نزدیک شما هیچ

بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٨ قُلْ إِنْ الَّذِينَ يَقُولُونَ

بمیزن آید می گویند بر خدا آنچه نمی دانند بگو هر آینه آنانکه بر می بندند

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْقَهُونَ مَتَاعُ فِي الدُّنْيَا إِنَّمَا مَرَجَعُهُمْ ثُمَّ

بر خدا دروغ را راستکار نمی شوند ایشان را بهره مندی اندک باشد در دنیا باز بسوی است بازگشت ایشان پس

نَذِيرُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٩ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ

بخشایم ایشان را عذاب سخت بسبب آنکه کفر می کردند و بخوان بر ایشان خبر

نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ إِن كَانُ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي

نوح که چون گفت بقوم خود ای قوم من اگر دوست دارید مرا در میان خود بمانم و تذکره ای

بِآيَاتِ اللَّهِ فَفَعَلَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ

بایت های خدا پس بر خدا توکل کردم پس گرد آورید کار خود را و شریکان خود پیش نهان شد

أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةٌ ثُمَّ أَفْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونَ ١٠ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاءَ لَكُمْ

کار شما بوی غمده بر شما باز برسانید بسوی من و مهلت دهید مرا پس اگر روی بگردانید پس نخواستم از شما

وَأَمَّا بَنُو إِدْرِيسَ وَبَنُو نُوحَ وَبَنُو إِبْرَاهِيمَ وَبَنُو إسمٰئِيلَ إِذْ قَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن مَّا نَدْعُكَ بِهِ

و اما پسران ادریس و پسران نوح و پسران ابراهیم و پسران اسماعیل که می گفتند ای خداوند ما را از آنچه می خوانیم

صلواتی بر پیام
صلواتی بر پیام
من چه زبان
تفسیر عثمانی
در وقت اعدای
که مکتب بودند که نشسته
در مقابل آن تذکار
دوستان اعدای او
بشارت داده شد که
در هر دو جهان احوال
می مانند در آن سلسله
بر آنحضرت صلی الله
علیه وسلم تسلی داد
شود که از سخن بیه
دانشان و اشتیاق
در حقیقه خاطر نشوند
غلبه قوت همه فلان
راست او به تأیید
خوشحالی را غافل
و مسخرو و خالقین را
ذلیل و سوا می نماید
و دشمنان را می شود
کافران و کفار را
میداند همه در زمین
و آسمان سلطنت
خدا و اوست
جن و انس و فرشتگان
هم مخلوق و ملک اوند
مشیت که جز خدا دیگر
نیست برای خوانند
و آن را بخوانند
بسم الله می خوانند
و تبارک و تعالی
نام و دای است
حقیقت و درست
آنها نیست حجت
و برائی ندارند در
کلمات او بام و ظنون
ره نم زندگانند
آفریدگار مبدء و معد
و مبدی و تاریکی
ذات یگانه اوست
آفرینش فیض و شوق
ایشانی است قابل را
تلاش بیدار است باین
موسسه که خداوند پس از
شب تاریک روز روشن
پدید آید و در فرخ روز
آید و بخت و طاعت

تفسیر عثمان

عنه بزرگوار چشم بخت
است به بند انجام
کذب را که چش
نوح علیه السلام صدها
سال به آنها نصیحت
کرد از نفع و ضرر
آگاه بود چون سخنان
دی موثر نیفتاد بلکه
عناد و فرار آنها
افزون شد بفرمان
الهی آنها طوفانی
شد و کذبین همه
غرق گردیدند تنها
نوح علیه السلام و چون
قرن که بادی در کشتی
بود از طغیان ماندند و در
آینده نسل انسان
از آنها پدید آمد و
دیوار متمدن و تمدن
آنها را تار و شوم
از تفسیر نوح علیه السلام
در صورت اعوان گفته
است بعد از نوح
نوح - بعد از صلح
نوح ابراهیم و شعیب
علیهم السلام و دیگر
انبیاء را ایوبی
اقوامشان با طاعت
روشن فرستاد و اما
چنانکه پیش از یونس
انبیاء در حال جهل
و کفر بودند اموری را
که پیشتر کذبین بگفته
توفیق یافته اند بعد
از بعثت و تبلیغ انبیا
بپذیرند و ایوبی
مجمعی را که قوم دغ
نگذیب نموده و در
دیگران نیز قبول
آن انبیا و در زیاده
چون سخت رفتی
گفتند و ثوابی بپا
کرد آن گویند و بیچاره
باید بماند و تائید حق
تا آخر ماندند و
کسی که در دنیا نرسد و
عادات حق از حد جوی و زیاده صورت بپوشانند بر آن اصرار می ورزند و دشمنی و عداوت می سازند تا آنکه از دنیا

مَنْ أَجْرُ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَامِرَاتُ أَنْ أَوْفَى مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۵

بهر کسی که از من بگریزد خدا او را فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان

فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلْفًا وَاعْرَقْنَا

پس دروغ گفتند و او را و آنرا که با او بودند در کشتی و گردانیدیم آنرا را جانشین و غرق کردیم

الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ ۶ ثُمَّ

کسانی را که دروغ داشتند آیات ما را پس بنگر چگونه شد آخر کار بیکم کرده شدگان باز

بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا

فرستادیم بعد از نوح پیغمبران را بسوی قوم ایشان پس آورده اند پیش ایشان نشانیهای روشن و پس هرگز مستعدان

لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ

که ایمان آرند با آنچه دروغ داشتند بودند آن را پیش ازین بیکم چینی نموده ایم بر دل

الْمُتَكَبِّرِينَ ۷ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ

از حد گذراندگان باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون و

مَلَائِكَةٍ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۸ فَلَمَّا جَاءَهُمْ

فرشتگان و بندگان ما را نشانیهای روشن پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران پس چون آمد بایشان

الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا السَّحَرُ مَبِينٌ ۹ قَالَ مُوسَى

حق در دست از نزد ما گفتند هر آینه این سحر ظاهر است گفت موسی

الْقَوْلُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ أَسْحَرُ هَذَا وَلَا يَفْلَحُ السَّاحِرُونَ ۱۰

آیا چنین می گویند حق در دست را چون بیاید بر شما آیا سحر است این در سحرهای خفیه خفیه خفیه

قَالَ أَجَعَلْتُمْ لِقَائِنا عَمَلًا وَجَدْنَا عَلَيْكُمُ الْبُكْرَةَ وَتَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ

گفتند آیا آمده پیش ما تا باز داری ما را از دست که یا نه بپوشانید بران بپوشانید خود را و تاها شد شما را راست

فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِأَوْفَى مِنَ الَّذِينَ ۱۱ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونِي بِجُل

در زمین و بپوشید ما را بر شما را با در داند و گفت فرعون بیاید پیش من هر

سَحَرٍ عَلَيْهِمْ ۱۲ فَلَمَّا جَاءَهُ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمُ أَنْتُمْ

ساحر و انارا پس و گفت که آمدند ساحران گفت ایشان را موسی با گفتند آنچه شما

مَلْقُونَ ۱۳ فَلَمَّا الْقَوْمُ قَالَ مُوسَى مَلِكُكُمْ بِالسَّحَرِ إِنَّ اللَّهَ

انگنده اید پس چون انگنده گفت موسی آنچه آورده اید سحر است هر آینه خدا

انگنده اید (پس) چون انگنده گفت موسی آنچه آورده اید آنرا سحر است هر آینه خدا

الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمُ إِلَىٰ حِينٍ ۝ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآتَيْنَاكَ مِن فِي الْأَرْضِ

و دنیا و بهره مند سازیم ایشان را تا مدتی و اگر خواست خدا ایمان آوردند و آنرا که در زمین اند

كُلِّ شَيْءٍ جَمِيعًا أَفَلَا تَكْفُرُ ۝ النَّاسُ حَتَّىٰ يَكُونُوا مَوْتِينَ ۝ وَمَا كَانَ

بیشتر ایشان یک جا آیا که گمراهی کرد مردان را تا مسلمان شوند در و نبود

لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ حَسْبَكَ عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ ۝

تا نفس را که ایمان آورد مگر بخاطر است خدا و می اندازد پلیدی را بر آنکه در نمی یابند

قُلْ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْبِي الْآيَاتِ وَالنَّذِيرِ

بگو ببینید چه چیز است در آسمان ها و زمین و فائده می کند نشانه ها و ترسانندگان

عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَمَنْ يَنْظُرُونَ إِلَّا مِثْلَ إِلَهِمُ الَّذِينَ خَلَوْا

گروهی را که باور نمی کنند پس انتظار می کشند مگر مانند مصیبت بانی آنرا که گذشتند

مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ يَوْمَ يَأْتِي السَّحَابُ بِغَمَامٍ

پیش از ایشان بگو پس انتظار بکشید هر آینه من نیز با شما از مثل اینم باز خلاص می گفتم

رَسُلًا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْكَ نَبِيُّهُمُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ قُلْ

پیغمبران خود را و آنان را که ایمان آوردند هم چنین بر ماست که سحابت و باران و عده و عده لازم بر خود بگو

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ

ای مردمان اگر هستید در شک از دین من پس بشنوید که عبادت می کنم آن را که شما می پرستید

مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّكُمُ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ

بجز خدا ولیکن عبادت می کنم آن خدا را که قبض ارواح شما کند و فرموده شد مرا که باشم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

از مسلمانان و فرموده شد آنکه راست کن در دین خود را برای دین صیفت و مباشر از

الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ

مشرکان و بخوان بجز خدا چیزی را که سود بکن ترا و زیان نرساند بگو

فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ إِذَا مَنِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنْ يَسْسِسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ

پس اگر بیایی باشی آنگاه از ستمکاران و اگر برساند خدا بگو

فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ

پس نیست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد در حق تو نیکی پس نیست دفع کننده نقض او را میرساندش

بِمَنْ يَشَاءُ ۝ وَإِنْ يَرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ

پس نیست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد در حق تو نیکی پس نیست دفع کننده نقض او را میرساندش

تفسیر عثمانی

عنه برای این مردم
لوحی مسلمان که پدید
و طاعتی را نمی پذیرند
جز این چیزی نیست که
نظر آفات و عبادتی
باشند که بکنند
بیشتر فرود آمدن
است او شده است
آن وقت با شما تاپایان
کار دست گردان و
در دین و ایمان و
عنه اگر مسلک دینی
من در اندیشه شما
گنجد و در آن باره
شکوک و شبهات و
اصلی و این خدا
که تو حیدر خالص است
بشما می دانم خلاص
من از پرستش موجودان
مومنان و ستمگران
و هر چه در این دنیا
همه آنرا خواهم گردید
از من خالص خدای
اقدس و متعالی
پرستم و در شایسته
قدت دست چون
اراده کند در ایمان
شما کند و چون خواه
یک بر آمد پس باید
کس را عبادت نمود
مگر حیات و دیدار
عبادت تنها از عباد
ساخته نیست هر آینه
انسان باید از بند
توید و بیای و کمال
مستغنی شود و در دنیا
و جهان بهمان دین
حقیق که دین ابراهیم
خلیل الله است از
روی عبادت و تو
پاک از شر و ایمان
جلی و خفی پاک گردد
چنانکه قاصد بوی
عبادت می کند خالص
از استقامت و
زیرا مود و در این
در حق حاکم است

از ستمکاران و اگر برساند خدا بگو

ول یعنی اعراض می
کنند ۱۱ ول مترجم
گوید می توان گفت

یحییٰ بن سینہ عبارت
 از آنست که فکر بای
 ناصواب کند و بشناس
 و ایمه دل خود را اطمینان
 دهد و عقاید حق را

فرا موش سازد
زیر اک صدر را اینجا
بچنه غلام صدر او

آمده است
تفسیر عثمانی

۱۶
عقده چون در خواست
نمودن از جنرلیک
خبر و شورا اختیار
نمیت ممنوع قرار

داد شد مناسب
آنست که در قبال
آن خود کرم مالک

علی الاطلاق شود که
 رنج و راحت خیر و
 شر همه در قدرت

اوست و هیچ کس
نمی تواند عذلی بود که
وی فرو فرستاده

و فتح کند و پیر که
خواهد عنایت کند کس
نتواند آنرا باز دارد

عده (حق) بآداب دلائل
ویرایشی آشکار
فرا رسید و بهیچ کس

عند حصول ندارد که
انرا نپذیرد خدا
آخرین حجت خود را

اتمام نمود - اکنون
هر که سود و زیان

که خدا باز نمود و میباید
میشود قلاح دنیا و
آخرت (نصیر اوم)

مردود - هر که آنرا می
نگذارد و مردود دارد
خود غلام و میراث آن

گرمایست مردم
خودشان ای خیر از شر

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ

جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فانتهى إلى نفسه ومن

آمده است بشما و حجی را است از هر دو که شما پس هر که راه یافت جز این نیست که راه یافت بر آنست خود و دیگر
 هر یک که آمد بشما حق از هر دو که شما پس هر که راه یافت جز این نیست که راه نمی باید برای خود و دیگر

ضَايِقًا لِّمَا بَيْنَهُمَا عَلَيْهِمَا وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۝۵۰ وَاتَّبِعْ مَا

گواه شد جز این نیست که گواه میگوید بزرگان خود و چشم من بر شما نگاه بان و یا محمد پیروی کن چیز را
گواه شد پس جز این نیست که گواه میگوید بر نفس خود و چشم من بر شما اعتبار نگاه بان اعتد پیروی کن ای امی

یو بی ایلت و اصریر سے بیدار الله و سوت الی یسین

کرمی فرستادم بود شکلیا فی اورد ز ما آنکو میصل کند خدا داد بهترین فیصل کنندگان است
چیز را که دل کرده می شود بود و میرمن تا حکم کند خدا داد بهترین فیصل کنندگان است

ط ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲

سورة هود مليه واهي نعة واثلاث عشر واول بيت عشر واول

بنام خدا
آغاز می کنم بنام هدای که نهایت
مهربان است بسیار
مهربان
بارحم انت

الَّذِينَ كَفَرُوا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

این کتابت حکمت ایته تفصیل من لدن حکیمه خیر^(۱) الا تعبدوا

این کتابت که اسماء کرده شد آیات اورا بازدا صبح کرده شد آمده از نزدیک خداوند دست کار جبار پان مضمون کتبنا برکریله

وَاللَّهُ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ۝ وَإِنْ اسْتَخَفُّوا رَجُلًا فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ الْإِسْلَامُ وَلَا الْإِسْلَامُ عَنْكَ إِلَّا الْيُؤْتِيكَ اللَّهُ مَا يَشَاءُ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝

مگر خدا را هر آینه سخن سخا از وی نیامده و مرده رساننده ام و انکه از رخش بیدار می شود و ملا خود اندر کف

الَّذِي يَمْتَعِكُمْ أَهْتًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِي كُلَّ ذِي فَضْلٍ

بگو دے تا بهره مند سازد سخا را به بهره ای که نامش معلوم و تا به هر صاحب بزرگوار

فَضْلُهُ مَوْأَنٌ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ۝۳ اِلَى اللّٰهِ

مَرْجِعُهُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾

بازگشت شما داد بر چیز کواناست
بازگشت شما داد بر همه چیز کواناست

سینه‌ای خود را پیش نهاد که پنهان شوند از خدا آگاه باش چون بر سر می کنند جام با سینه خود را
سینه‌ای خود را پنهان شوند از خدا آگاه باش چون بر سر می کنند جام با سینه خود را

میدانند آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می کنند هر آینه او داناست بر سر یک مالک سینه باست و
میدانند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند هر آینه او داناست با سر دیگر در سینه باست

نشد و بسبب خود را از آنها آلوده گردانید و این سبب را از اختیار ما نداشتیم و چون میخواستیم که مسئول دستخیز تمام اهل مردم باشد کارهای مردم

فتح الرحمن
ما من من كذبت
به سوره محمدي واقع
شد چون از ان عاجز
شدند بیک سوره
محمدي فرموده است
يعني بيا سلام ثابت
باشيد و استايه
ثواب صدقه صلوات
که زکات بود و می آید
در دنیا میدهند و توبه
زندق و محبت بدن
که یعنی دلیل عقلی
که یعنی قرآن
که یعنی کرامات
تفسیر عثمانی
عنه قول سیدرات
مطلوبه آنها مصلحت
نیست بزرگ ترین
معجزات یعنی قرآن
رو بوی آنهاست
که می پذیرند و می گویند
ساخته و پیرا حضرت
معاذ الله بگویند
ترجمه و تفسیر
و طاقت هر قدر هم
و ده سورت مانند
قرآن پیش آید و در
این کار از آنها بگویند
بل از معجزاتی که
آنها را آنها از خدای
دانش پیدا است
جویند اگر نتوانستند
و هر عزتی توانند پس
بدانند که قرآن کلام
حضرت آفریده است
کلامی که هر مردمان
از آن دردن مثل آن
عاجز آیند کلام خداست
که در عالم خوش بر
پیغمبر فرود آورده و در
شبه چنانکه کلام او را
انندی نیست ذات
و صفات وی نیز به
مثال و انشای می
باشد پس این کتاب
بسیار کلام خداست
که شریک و مثل ندارد و او بود این همه دلایل واضح برای قبول خداوند است

أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ
تویم کننده و خدا بر هر چیز نگهبان است آیای گویند بر سر است قرآن را
تویم دهنده و خدا بر همه چیز نگاهبان است آیای گویند خود بر سر است قرآن را
فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَةٌ ۝ وَأَدْعُوا مَنِ اسْتَعْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ
پس بیارید ده سوره را مانند این برافتم و بخوانید هر کرا خوانید
پس بیارید ده سوره مانند این بر سر است از خود و بخوانید هر کرا خوانید
اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ نَزَّلَ
خدا اگر راست گو هستید پس اگر قبول کنند آن کافران حق شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است
خدا اگر راست گویمان پس اگر اجابت نکردند شما را پس بدانید آنچه خود فرستاده شده
يَعْلَمُ اللَّهُ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
بعدم خدا و بداند که هیچ معبود نیست مگر من پس آیا شما مسلمان هستید هر که خواسته باشد
به علم خداست و بداند که نیست هیچ معبود غیر وی پس آیا هستید شما مسلمانان عه هر که باشد می خواهد
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَكُمُ الْأَنْفُسَ فِيهَا وَنَحْنُ مُخْلِصُونَ
زندگانی دنیا و بجز آن تمام رسانیم بسوخته این جماعه جزای اعمال ایشان در دنیا و ایشان در دنیا
زندگانی دنیا و آرایش آنرا تمام رسانیم بسوی ایشان جزای عمل ایشان در دنیا و ایشان در دنیا
أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ لَهُمْ فِيهَا وَنَحْنُ مُخْلِصُونَ
این جماعه آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد در آخرت آنچه کرده بودند و
انگروه کسی اند که نیست مرایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد آنچه کرده بودند و دنیا
يُطْلَقُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتٍ مِنْ سُورٍ وَيَتْلُوهُ شَاهِدًا
نابود است آنچه بعمل می آوردند آیا کسی که باشد بر محراب از جانب پروردگار خود و فصل دی ای کلامی
باطل است آنچه می کردند آیا کسی که باشد بر راه و از هر دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
مِنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كَتَبَ مُوسَىٰ أَمَامَ وَرَحْمَةٍ ۝ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِمَا هُوَ
از جانب پروردگار او و پیش از قرآن گواه دے بود موسی پیشوائی و محراب باشد از جماعه ایمان می آید
از خدای و پیش از آن کلامی و دی بود کتاب موسی پیشوائی و محراب باشد از جماعه ایمان می آید
يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ ۝ فَالْتَأَمُّ مَوْعِدُهُ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ
کافرشان بان از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آینه و
کافرشان بر آن از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آینه و
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
درست است آمده از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند و گشت ستمکارتر از کسیک
درست است از جانب پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند و گشت ستمکارتر از کسیک
افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَأُولَئِكَ يَعْرِضُونَ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ وَيَقُولُ الْإِنشَادُ
بر گشت بر خدا دروغی را این جماعه عرضه کرده شوند پیش پروردگار طریقی و گویند گواهان است
بر گشت بر خدا دروغی را این جماعه عرضه کرده شوند پیش پروردگار خود و گویند گواهان
هُوَ آيَةُ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۝ إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ
ایشانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه
ایشانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه
يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
باز می دارند مردمان را از راه خدا و می خوانند برای آن می و ایشان به آخرت و ایشان
باز می دارند از راه خدا و می خوانند برای آن می و ایشان به آخرت و ایشان

فِي رُؤُونٍ ۱۱ أُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جُزْءٌ مِمَّا عَجِلْنَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ

بُخْرُودَانِ این جماع نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را

بُخْرُودَانِ این جماع نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أُولَئِكَ يَضْعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ

بُخْرُودَانِ خدا دوستان دو چند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند

بُخْرُودَانِ خدا دوستان دو چند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند

لَهُمْ وَمَا كَانُوا يَصِيرُونَ ۱۲ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ

بُخْرُودَانِ بخورون و نبوده که بدیدندی آن گروه آنانند که زیان کردند نفس های خویش و گم شدند

بُخْرُودَانِ بخورون و نبوده که بدیدندی آن گروه آنانند که زیان کردند نفس های خویش و گم شدند

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۳ لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ ۱۴

بُخْرُودَانِ ایشان آنچه بر می یافتند بیشک این جماع در آخرت ایشانند بسیار زیان کاران

بُخْرُودَانِ ایشان آنچه بر می یافتند بیشک این جماع در آخرت ایشانند بسیار زیان کاران

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاجْتَنَبُوا إِلَىٰ رِزْقِهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ

بُخْرُودَانِ ایشان را خداوند عمل های شایسته کردند و فروختی کردند متوجه شده بسوی پروردگار خویش ایشان اهل

بُخْرُودَانِ ایشان را خداوند عمل های شایسته کردند و فروختی کردند متوجه شده بسوی پروردگار خود آن گروه اهل

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۱۵ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْدَىٰ وَالْأَصَمِّ الْبَصِيرِ

بُخْرُودَانِ ایشان را خداوند دیدند صفت این دو فریق اینست مانند کور و دگر و بینا

بُخْرُودَانِ ایشان را خداوند دیدند صفت این دو فریق اینست مانند کور و دگر و بینا

الْمُتَّبِعِينَ هَلْ يَسْتَوِينَ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۱۶ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا

بُخْرُودَانِ شما آیات و براینکه در صفت آید نمی گیرید و هر آنچه فرستادیم نوح را

بُخْرُودَانِ شما آیات و براینکه در صفت آید نمی گیرید و هر آنچه فرستادیم نوح را

إِلَىٰ قَوْمِهِ دُلِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۷ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ

بُخْرُودَانِ قوم او گفت بر اینست شما را اینست که پسر است مگر خدا را هر آنچه می ترسم

بُخْرُودَانِ قوم او گفت بر اینست شما را اینست که پسر است مگر خدا را بدستیک من می ترسم

عَلَيْكُمْ عَذَابٌ يَوْمَ إِلَيمٍ ۱۸ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَىٰ

بُخْرُودَانِ شما از عذاب روز و در مهند پس گفتند جانش که کافر بودند از قوم او نمی بینم ترا

بُخْرُودَانِ شما از عذاب روز و در مهند پس گفتند سرورانی که کافر بودند از قوم او نمی بینم ترا

الَّذِينَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ كَذِبُوا الرَّاٰ

بُخْرُودَانِ مگر آن می مانند خویش و نمی بینم ترا که پیروی کرده باشد ترا مگر آنانکه ایشان فرموده ایگان مانند و ظاهر ای بلاتان

بُخْرُودَانِ مگر آن می مانند خویش و نمی بینم ترا که پیروی کرده باشد ترا مگر آنانکه ایشان فرموده ایگان مانند و ظاهر ای بلاتان

ول مستریم و غیره
گفت که هر که استغفام
انکار می خواند است
نمی بایستی و آید می
تکفیر عثمان
عاید پیغمبر در مقابل
قوم خود اختیار آشکارا
داشت باشد مایه پیغمبر
توانند از نوع بشری
خودتر از آسمان بشی
که انسان در مقابل
آن گردن نمیدارند
بشر نیز بر کدامین
دربری خاص نداری
تو انبی و نه مالک
حکومت و جاب پیروان
تو نیز از همه بی تواری
و از طبقات پستند
محاسن آنها با که
هر شرف نام اسباب
عاری باشد اما
خدا از همه مردم تنها
تو را به مرتب رسالت
شایسته یافت
ماورد گردانید مادر
حسب و نسب در آل
و دولت در خلق و خلق
در چه از تو کم بودیم که
باین منصب انتخاب
شدیم اهل پیردان
تو باید صاحب برت
و بزرگی می بودند
اتباع این مردم فرمای
موجب کدام فضل و
شرف نمی گردد و چه
سان بعد تو دلیل
میشود اگر این مردم
ظاهر بین کبیری و
رذالت شان معروف
است بدون شرف و
تذقیق به ظاهر ایمان
از دیگر کمال خود آن
است پسند ما این است
که تو و همایان پرورد
میگویند تو حق تر از
پس از این می آید

مل مترجم گوید این
جزیره را کرده ستود
وسط قعر قوم نوح تا
تنبیه باشد بر طبعی
حال مشرکین که با
حال قوم حضرت نوح
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه نوح علیه السلام
قبل از طوفان میان
قوم خویش بنهصد و
پنجاه سال زندگانی
کرد شب روز پیدا
و پنهان پند میداد و
بجواب شبهاتشان
می پرداخت سلسله
این تبلیغ و بحث بود
داشت. قرنیه او
جدال پیری شاکر از
از مباحث عقلی و
امرویی نوح برستود
آدمه گفتند این سلسله
گفته شود اگر تو
صداتی عدالی را که
بلن تهدیدی کنی بر
قوی فرود آر تا این
جهان هر روزه خشم تو
عده اندا جانکاهان قدر
امرار در آید و با کمال
شرف و جلال بخواند
غذاب فرود آید پس
اراده خدا بر این است
که شمار او را بخواهد
عاقبت هلاک گرداند
چون خدا را اثر شود
اعمال شایسته و نیکوست
است من بر قدر نعمت
کنم و نخواهم بشمار
استغفار برسانم
مغفیه گفتند و
پس گویند تا نیری ۱۳
نه بخشد پروردگار
شناختی است کاذب
امور در قبضه تصرف
اوست هر چه خواهد کرد
نمودن مانع آید و چون
مردمان بوی اوست

عَلَيْهِ مَا لَكُمْ أَنْ جَرَىٰ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَكْبَرُ إِلَهُ الَّذِينَ آمَنُوا
بر این پیغام رسانیدن مال را نیست مزد من مگر بر خدا و نیستیم یکسو کننده مسلمانان یعنی از صحبت خود
بر این پیغام پاسخ مالی نیست مزد من مگر بر خدا و نیستیم من را ندانند آنرا که گردیده اند هر آینه ایشان ملاقات
آنهم ملقوا رتبعهم و لكني أرىكم قومًا تجهلون ۵) وَيَقُولُ مَنْ
هر آینه ایشان ملاقات کند گمانند با پروردگار خویش و لیکن من می بینم شما را قومی که جهالت می کنید و اے قوم من که
کنندگان با پروردگار خویشند و لکن من می بینم شما را قومی که جهالت می کنید و اے قوم من که
يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۶) وَلَا أَقُولُ لَكُمْ
نصرت دهم را از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیا پند نمی گیرید و می گویم بشما
نصرت دهم را از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیا پند نمی گیرید و می گویم بشما
عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مُلْكٌ
که نزد یک من خزینه است خداست و نه آنکه میدانم غیب را و می گویم که من فرشته ام
که نزد یک من خزینه است خداست و نه آنکه میدانم غیب را و می گویم که من فرشته ام
لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا مِنَ اللَّهِ
می گویم آنرا که بخواری می نگرد بر ایشان چشم شاکر نخواهد داد خدا بد ایشان پاسخ ندهد
می گویم آنرا که بخواری می نگرد بر ایشان چشم شاکر نخواهد داد خدا بد ایشان پاسخ ندهد
أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنْ إِذَا الْبُيْنَ الظَّالِمِينَ ۷) قَالُوا يَنْبَغُ
دانای تر است با آنچه در ضمیر ایشان است هر آینه من نگاه از ستارگان باشم گفتند اے نوح
دانای تر است با آنچه در ضمیر ایشان است هر آینه من نگاه به تحقیق از ستارگان باشم گفتند اے نوح
قَدْ جَادَلْتَنَا فَكُنتَ مِنْ جَادِلِنَا فَاثْنَاهُ بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ
مکابره کردی با ما پس بسیار کردی مکابره ما پس بسیار آنچه وعده می کنی اگر هستی از
هر آینه مجادله کردی با ما پس بسیار کردی جدال را ما پس بسیار آنچه وعده می کنی اگر هستی از
الصَّادِقِينَ ۸) قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنَا
راست گویان گفت جز این نیست که بیاورد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما
راست گویان گفت جز این نیست که بیاورد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما
بِمَعْجَزِينَ ۹) وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ
عاجز کننده نیستید و سود نمی کند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا
(عاجز کننده گان) که مگر بجز خدا را عاجز گردانید و قطع نمی کند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا
إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ قُلْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
اگر خدا خواهد که بخواهد که بگرداند شما را و بگویند او باز گرداننده شود
اگر هست خدا که بخواهد که بگرداند شمارا که سازد اوست پروردگار شما و بگویند او باز گرداننده شود
أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَشَرٌ
یا محض آیا می گویند بر بسته است قرآن را بگو اگر بر بسته ام آن را پس بر من است گناه من و من بے نعمت
آیا می گویند بر بسته است قرآن را بگو اگر بر بسته ام آن را پس بر من است گناه من و من بیزارم
فَمَا تَجْعَلُونَ ۱۰) وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوْحٍ إِنَّهُ لَمِنْ قَوْمِكَ إِلَّا
از کنایه کردن شما و وحی فرستاده شد بوی نوح که ایسان نخواهد آورد از قوم تو الا
از آنچه شما گناه می کنید و وحی فرستاده شد بوی نوح که ایسان نخواهد آورد از گروه تو
مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۱) وَاصْبِرْ لَفُكِّ
آنکه مؤمن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند و بسیار سختی را
آنکه مؤمن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند و بسیار سختی را

بَاعِدْنَا وَوَحِينَا وَلَا تَخْطُبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعَذَّبُونَ

بغور ما و بفرمان ما و سخن گو با من در باب آنکه ستم کردند بر آئینه ایشان عذاب کردند

بغور ما و بفرمان ما و سخن گو با من در باب آنکه ستم کردند بر آئینه ایشان عذاب شده گانند و

ی ساخت نوح کشتی را و دیگر گاه که گذشت بر آن مردمان (جماعت) از قوم او دشمنی کردند بدی گفت اگر

تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ فَمَنْ يَسْخَرُ مِنْكُمْ فَمَا يَسْخَرُ مِنْكُمْ إِلَّا لِيُخْزِيَهُ وَيُجْلِيَ عَذَابَ الْمُقِيمِ

سخن می کنید با ما پس بر آئینه ما سخن خواهیم کرد با شما چنانچه شما سخن می کنید پس زود می دانند

آن را که بیایدش عذاب را که رسوا کندش و زود آید بر دے عقوبت دایم در بین معاصی بودا و تفتیک

آن کسی را که بیاید بدو عذاب را که رسوا گرداند و زود آید بر دوی عذاب دایم تا و تفتیک

إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَذُنُوبُهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ غَافِلٍ

آدمان ما و بگوشتید تنور را و کفتم بار کن در کشتی از هر غافل

آدمان عذاب ما و بگوشتید تنور را کفتم بار کن در کشتی از هر جنس دوتی

ثَلَاثِينَ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ طَوْعًا

دو تن نزد ما راه بردار که آن خود مگر آنکه سبقت کرده است بر دوی قضا و الله مسلمانان را و

(نزداده) و بردار که آن خود مگر آنکه سبقت کرده است بر دوی قول ما و در دله مسلمانان را و

مَنْ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ وَقَالَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

ایمان نیا در دند با و مگر اندک و گفت (نوح) سوار شوید در کشتی بنام خداست روان شدن وی و

ایمان نیا در دود با و مگر اندکی و گفت سوار شوید در کشتی بنام خداست روان شدن وی و

كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحَ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ

مانند کوه ها و آواز داد نوح پسر خود را و آید در کرانه ای پسر سوار شو

مانند کوه ها و آواز داد نوح پسر خود را و آید در کرانه ای پسر سوار شو

مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَأُوْبَىٰ إِلَىٰ جِبَلٍ يَفْعَلُ

با ما و ما با کافران گفت پناه خواهم گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا

با ما و ما با کافران گفت زود باشد که باز گردم بسوی کوهی که نگاه دارد مرا

مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ

از آب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا باین معصوم کسی که بخشد خدا و عاقل شد

از آب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا باین معصوم کسی که بخشد خدا و عاقل شد

بَيْنَهُمُ النَّوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَعْزِقِينَ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي

موج میان ایشان پس شد از غرق کردن گان و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را

میان ایشان موج پس کشت از غرق شده گان و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را

وَيَسْأَلُ أَقْلِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ

و ای آسمان باز من دست و کم کرده شد آب و سراج تمام نموده شد کار و قرار گرفت بر کوه جودی

و ای آسمان باز دار و کم کرده شد آب و سراج تمام نموده شد کار و قرار گرفت بر کوه جودی

فصل فی تفسیر نوح
آیه ۱۱ یعنی نوح
نوح و کشتان پسر نوح
آیه ۱۲ یعنی از باران
تفسیر عثمانی
عنه نوح علیه السلام
به تعبیرش مشغول بود تا
آنجا که حکم خدا بر حسب
بیان فرارسید و آن شد
ایم با یار و زمین خور
تا بدین شغلان و فیض
خود را که در مورد توبه
و سایر امور انداخته
و منهد از خوار باران
و سخن گرفت از خود
زمین آبها چون چشمه
بجوش آمد حتی از تنورها
از آنجا که آتش برای
نان فروزان بود آب
سرازیر شد تنبیه
در معنی تنور و اختلاف
است بعضی بر آنند
تنور عبارت از مطلق
تنوران پز نیست
بعضی گویند این تنور
از حوا علیها السلام
نوح مشتعل شده در
خانه و ی بود چون علامتی
برای طوفان مقرر شد
بود که وقتی آب از آن
ظاهر شود به کشتی سوار
گردند یعنی گویند تنور
چند خامی بود در کوه
یا جزیره برقی مایه
تنور عبارت از
سبیل است یعنی
آنگاه که روشنائی
صبح خوب فروزن گردد
ایچنان گویند منور
شاید کنایه از ظهور خدا
و شدت بول باشد
چنانکه حمی الوطین
کنایه از شدت کفرند
است از ابن عباس
رضی الله تعالی عنهما
نقل است معنی تنور
خلف دانسته آیه ۱۲

در ارض است و در فوق کوهی و در اقصای دشت و سوی سایه نشسته شده بودیم حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه است قول جمهور سلف و علای

که گوئی و نه
بای آسمان
گشاده و پره بانی
شعاع شده بود بکوبای
منج درختان سر فراز
در آب پوشیده شدند
جز میفزون نشان دیگر
هم مردم کز نور علی السلام
در باره شان نفرین
کره بود و غرق گردیدند
آنچه خدای متعال
برین فرغان داد آیههای
خویش را برودن انگشت
و بر ابر با حکم کرد که
بایستند کرا جمال آن
بود که در اقبال فرغان
بیه مثال و طریقه الهی
در یک می کرد آب
خشکیدن گرفت کشتی
پیکره جودی استوار
(جودی به بنفیه بعضی
نزدیک مریض است
آنچه خدا خواهد یعنی کشتی
گفته کاران را بپایان
میرساند به تمام کاران
گفته شد از رحمت الهی
دور شوند و بیست و
گودال صیت ۹
و ملک
مع
بازند
تنبیه
احکامات
است که طوفان
تمام گوئی را در گرفتار
پدیاری خاص بود این
جامع تفسیر نیست
بر این و اقوال بعضی
محققان ارد پاک در
دایرة المعارف نقل شده
طوفان عظیمی را تا نیند
می نیند و اکثر این
به طوفان عظیمی تا نیند
نسل موجوده انسان
از سر پیرنوع سام عام
یا نشت است در جملتها
فردیه هم الهی است و گویا
و حیواناتی که در طوفان

وَقِيلَ بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۹ وَنَادَىٰ نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ انِّ ابْنِي
و گفته شد پس از قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا از این
و گفته شد (پس از) دوری باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا از این
مِنْ أَهْلِي ۚ وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ۱۰ قَالَ يَبْنَوْهُ
از این من است و بر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
از این من است و بر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَتَعَلَّنَ مَا لَيْسَ لَكَ
بر آینه وی نیست از کسان تو خداوند کار نداشت است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیست ترا
بر آینه وی نیست از کسان تو خداوند کار نداشت است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیست ترا
بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطَكُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۱۱ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ
دانش آن بر آینه من بند میدهم ترا برائے احترام از آنکه باشی از جاهلان گفت ای پروردگار من بر آینه من خواهم بپناه
بان دانش بر آینه من بند میدهم ترا از آنکه باشی از جاهلان گفت ای پروردگار من بر آینه من بپناه میگیرم
بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ طَوَّاءُ تَغْفِرْ لِي وَرَحْمَتِي أَنْ
تو از آنکه بر پرسم از تو آنچه نیست مراد دانش آن و اگر نیامری مرا در رحمت غنی بر من باشم از
تو از آنکه بر پرسم از تو آنچه نیست مراد دانش آن و اگر نیامری مرا در رحمت غنی بر من باشم از
الْخَسِرِينَ ۱۲ قِيلَ يَبْنَوْهُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ
زبان کاران گفته شد ای نوح فرود آ بر ما سلامتی از جانب ما و براه برکت با فرود آمدن و برود و برامت بای
زبان کاران گفته شد ای نوح فرود آ بر ما سلامتی از جانب ما و براه برکت با فرود آمدن و برود و برامت بای
فَتَمَنَّ مَعَكَ وَامْرَأَتُهُمَا تَتَّبِعُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَمِنْ خَلْفِكَ وَمَنْ
پیدا میشوند از هر بان تو و امت بای و دیگران که بر مندی بایم ایشان را در دنیا باز برسد بایشان از جانب ما غلبه و در دهنده این نعمت از
از آنها که با تو اند دامت بای و دیگران که فرود بپره منند کنیم ایشان را باز برسد بایشان از عذاب در دهنده این نعمت از
أَتَاكَ الْغَيْبُ نُوْحٍ بِأَلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ
و آمد غیب است و می میرسیم آن را بسوی تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش
و آمد غیب است و می میرسیم آن را بسوی تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش
هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ۱۳ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودٌ ۱۴
از این پس صبر کن بر آینه عاقبت مرستقیان راست و فرستادیم بسوی عاد برادر ایشان بود را
از این پس صبر کن بر آینه عاقبت متقین راست و فرستادیم بسوی عاد برادر ایشان بود را
قَالَ يَقُومُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ طَرَانُ أَنْتُمْ إِلَّا مَفْرُوقُونَ ۱۵
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمار این معبودی بجز دین نیست شما مگر انرا کننده
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمار این معبودی بجز دین نیست شما مگر انرا کننده
يَقُومُوا لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ إِلَٰهِي فَظَنَنْتِي
ای قوم من بی طلب از شما بر این پیغام مزده را نیست مزد من مگر بر کسی که آفریده است مرا
ای قوم من بی طلب از شما بر این مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه آفریده است مرا
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۶ وَيَقُومُ اسْتَغْفِرْ وَأَرْبَابَكُمْ تَتُوبُونَ إِلَيْهِ يُرْسِلُ السَّمَاءَ
آباد می باشد و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی او تا او توبه را بفرستد از آسمان
آباد می باشد و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی او تا او توبه را بفرستد از آسمان
عَلَيْكُمْ قَدْ سَأَلْتُمُونِي قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتْلُوا مَجْرِيْلَيْنِ ۱۷ قَالَ
بر شما بر شما بپرسید و بپرسید شما را قوت شما در دین و در دین مشوید گناه کار شده
بر شما بارانی بپرسید و بپرسید شما را قوت شما در دین و در دین مشوید گناه کار شده
و گشتند بطور تحریف بنیادین چنان که با دیگر و سایر طبیعی مردم مرگ و دین شود خداوند بر آنها نیز مرگ و دین کرده و این علم می باشد که متون نیز که

تو در آینده مردی شوی
بس فاضل و شیکو کار
تا مردم ترا خلف جزو
و افتد بر سر و چشم
نشاند چون در
همین تو آثار رشتد
علاج پیدا بودیم
توقع داشتند که در
مستقبل قریب از تو
بسیار مستقیمی شوند
برای تدبیر اصلاح
و مشوره برادران قوم
خود را هدایت و مذہب
پدران را با قوت
قلب تائید و حمایت
می نمائی و درست است
که در آغاز بیت پرستی
مبغوض تو بود و از
مذہب غوی قوم جدا
بودی باز هم برداش
و قابلیت فطری تو
اعتقاد داشتیم و امیدوار
بودیم پس باز کمال عقل
و تجربه این روش تو
باقی ماند اما در دنیا تو
مختالی بنیاد نهادی
و چندین بر فلات
مذہب نیاکان ما
جہاد کردی که کافر
آماں ما بجاگ برابری
شد تو بیو ایمی یک
خدا داشتیم با هم دیگر
کلید معبودان باستان
را ترک گوئی روش
بزرگان را گذاشتی
و بر فلات آن جنین
مسکین را اختیار نمودن
نزد ما سخت شد
ناک است هرگز
و همدان اقبول
آن را نمی بخشود
و در وضع افراق است
خود مندی خودی برای
آنکه راه آباد اجداد
را روشن کنی اما تو به
چون آن که بستی عصب
مکن است خدا آخر شک

فَاَسْتَغْفِرُكَ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ۝ قَالَ أَوْ اِيصْلِحْ قَدْ
پس طلب آمرزش کنیدی از او باز رجوع کنیدی بسوئے او هر آینه پروردگار من نزدیک است پادشاه است و عاصمت گفت اے صالح
پس طلب آمرزش کنیدی از او باز رجوع کنیدی بسوئے او هر آینه پروردگار من نزدیک است اجابت کننده است گفتند اے صالح
كُنْتُ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَمْتَعُونَ قَالَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَلَكِنْ مَوْعِدٌ لَّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝
بودی تو در میان ما امید داشتند که پیش از این آیات منی کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت می کردند پدران ما و هر آینه در
بدرستی بودی در میان ما امید داشتند که پیش از این آیات منی کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودی را که عبادت می کردند پدران ما و هر آینه در
شَكَرْتُ لَكُمْ عَمَلَكُمْ أَلَيْسَ لِي بِرَبِّ ۝ قَالَ يَقُولُ أَهْلُ الْيَمِينِ ۝
شکر می گویم ای اهل ایم از آنچه می توانی نارا بسوئے آن گفت اے قوم من آیا دیدید اگر با شما بر
شکر می گویم از آنچه می توانی نارا بسوئے آن در شک بهمت انگنند عه گفت اے قوم من آیا دیدید اگر با شما بر
بَيْنَكُمْ مِّنْ رَبِّي وَآتَنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ
بخشید از پروردگار خود و عطا کرده باشد من از جانب خود بخشید پس که رحمت و هدایت از عقوبت خدا اگر
بخشید از پروردگار خود و داده باشد مرا از نزد خود بخشاید پس که رحمت و هدایت از عقوبت خدا اگر
عَصِيَّةً قَدْ فَرَّيْتُكَ وَتَنِي غَيْرَ تَحْسِينٍ ۝ وَيَقُولُ هَذِهِ نَافَةُ اللَّهِ لَكُمْ
نافرمانی او کنم پس زیاده نمی کنی در حق من مگر زیان کاری را و اے قوم من ایستاده عجزی که خدا فرستاده است برای شما
نافرمانی کنم او را عه پس شما زیاده نمی کنید در حق من مگر نقصان و اے قوم من ایستاده عجزی که خدا فرستاده است برای شما
إِنَّهُ فَذَرُوهُمَا تَاْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوْهُمَا بِسُوءٍ فَخُذْكُمْ
نشان پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرا سزا ندهد بوسیله عجزی که آنگاه بگیرد شما را
نشان پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرا سزا ندهد بوسیله عجزی که بگیرد شما را
عَذَابٌ قَرِيبٌ ۝ فَعَقَّرْهُمْ فَقَالَ تَشْعَوْنَ فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ
عقوبتی نزدیک پس بے گردید آنرا پس گفت بهر مذهب باشد در سرانے خود سه روز این
عقوبت نزدیک پس بے گردید آنرا پس گفت بهر مذهب باشد در سرانے خود سه روز این
وَعَدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا بَنِي صَالِحٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
و وعده هست غیر دروغ پس و قتی که آمد فرمان ما بجات و ایم ما را و آنان را که ایمان آوردند همراه او
و وعده هست غیر دروغ پس و قتی که آمد فرمان ما بجات و ایم ما را و آنان را که ایمان آوردند همراه او
بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيٍ يُؤْمِرُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝
بخششایی از خود و در پشیمانی از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار خود را تو به دوست توانا غالب و
بخششایی از خود و در پشیمانی از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار خود را تو به دوست توانا غالب و
أَخِذْ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جُثَيْنٍ ۝
در گرفتند ستمکاران را آواز سخت پس جمع کردند در سرانای خود مرده شده
در گرفتند ستمکاران را آواز سخت پس جمع کردند در سرانای خود مرده شده
كَانَ لَكُمْ يَغْنَوُافِيهَا إِلَّا إِنْ شِئْتُمْ أَنْ تَكْفُرُوا إِنَّ رَبَّكُمْ هُوَ الْعَزِيزُ ۝
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه خود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری باد
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه خود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری باد
لَشَوْوَهُمْ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشِيرِ قَالُوا سَلَامٌ
خود را و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت سلام گفتند
خود را و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت گفتند سلام بر تو
قَالَ سَلَامٌ فَلْيَاكِتْ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيدٍ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ
ابراهیم جواب سلام داد پس توقف نکرد و در آنکه آورد و گوساله بریان پس چون دید که دست ایشان
ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد تا آنکه آورد و گوساله بریان پس چون دید که دست های ایشان
ممكن است خدا آخر شک

رَأَيْتُمْ إِلَىٰ ذَٰلِكَ نَكْرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَنْخَفِزُوا أَنَا أَرْسَلْنَا

فرستادیم بدانید از ایشان و بجاظر آورد از ایشان گفتند مترس بر آئینده فرستاده شده ایم

لِيُقِيمَ لَكُمْ قُلُوبَكُمْ فَضَحِكْتُمْ فَبَشِّرْهُمْ بِأَلْسِنَتِهِ وَمِنْ وَرَاءِ

بوی قوم لوط و زن ابراهیم ارستاده بود پس بخندید پس مزده داد مثل بتولد اسحق و بعد

إِسْحَاقَ يَعْقُوبُ قَالَتْ يَوَاسْتُكَ أَلَدًا وَانَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخٌ طَائِفٌ

حق بوجود یعقوب گفت ای من آیا خواجهم زاده و من پیرم و این شوهر من است کلاں سال شده هر آینه

هَذَا الشَّيْءُ عَجِيبٌ قَالُوا اتَّجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُ

این چیز عجیب است گفتند فرشتگان آیا تعجب می کنی از قدرت خدا بخشایش خدا و برکات او

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ

بر شماست ای اهل این خانه هر آینه خدا ستوده بزرگوار است پس چون رفت از ابراهیم

أَرْوَعُ وَجَاءَتْهُ الْبَشَرُ بِمُحَادِنَاتِنَا قَوْمُ لُوطٍ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ

خود و آمدش بشارت نمود جدال کردن با مرد باب قوم لوط هر آینه ابراهیم بردبار

قَالَ مُنِيبٌ يَا إِبْرَاهِيمُ اعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ بِكَ وَ

بسیار نزد دل رجوع کننده بخدا بود گفت ای ابراهیم بگذر از این خیال بدستیک (حال این است) آمده است فرمان برود و

أَنهَمُ أَنْتِهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مُرْدُوْدٍ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيقُوهُ

که از ایشان آمده است بایشان عقوبتی که باز گرداننده نشود و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوختن که سیران

ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَجِيبٌ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ بِهَرَجٍ

تنگ دل شدند بسبب ایشان و گفت این روز گسست سخت است و آمدند پیش لوط قوم او مشتایان بسوئے او

وَمِنْ قَبْلِ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَقَوْمُ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ

و پیش از این می کردند کارهای زشت گفت ای قوم من این دختران من اند یعنی نکاح کنند این با یکدیگر و ترا ند

لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزَوْا فِي صَیْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ شَهِيدٌ

برای شما پس بترسید از خدا و در سوا گنند مرا در باب بهمانان من آیا نیست از شما یکی مرد شایسته

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا

گفتند هر آینه تو دانستی که نیست ما را در دختران تو حاجتی و هر آینه تو میدانی آنچه

رَبِّدُ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ قَالُوا

ای خواجهم گفت اگر مرا بمقابل شما قوت بود یا پناه گزینم به قوم زور آورنده می گزینم خستگان گفتند

گفت کاش مرا بمقابل شما قوت بودی یا پناه گزینم در پناه گزینم گفتند فرشتگان

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ سَلَامٍ از مدینه میخاند و در برود و میگوید که خدا این قدر میماند در حالت خود آمده و مشاهد چندی در جوار خود اتفاق افتاده این هر چقدر میگوید که

عجب آنها بشود و خوبان...

طالع مترجم گوید یعنی بسبب خوش و حتی از بایک قوم لوط است مترجم گوید یعنی ایشان اندر خوش و در عادت قوم مسلم بود پس خوف نداشتند شدوا الله اسلم تفسیر عثمانی عه حضرت ساره که در آنجا برای خدمت یا جهت کار دیگران بود از برداشته شدن خوف شاد شد و خنده کرد - خدا بوی مزده دیگر داد یعنی ترادد این عمر پسری (اسحق) ارزانی میکنیم و از نسل وی بنام یعقوب نواده بتجی بخشیم از یعقوب بنی اسرائیل که از اقوام بزرگ دنیا است وجود می آید - این بشارت بساده از آن جهت داده شد که ابراهیم علیه السلام قبل از این باجمه پسری بنام اسحق داشت و ساری خواست و دختر پسری داشت بدش از پسری نامید شد بعد بعضی علماء خندیدن ساره را به جهت دیگر توجیه نموده اند ظاهر آنست که با بیان کردیم علماء از من در راه اسحق یعقوب است و لایلی که حضرت اسمعیل ذبیح بودند اسحق را این کفر علی این جا کفر و یللی چنان است که زنان در محاوره می گویند که این ناتوان در این راهی اولاد بدیدار گویند ساره و در آن وقت خود دو سال داشت و

این هر چقدر میگوید که عجب آنها بشود و خوبان...

[illegible]

در تقصیر است آنها
و از راه را شکستند یا
و شش کردند از راه
و بود فرود از چند جریبل
و لاس را از بفرمان امیر
و در راه جدا کرد و بلندی
و در راه اندکی بسوی آنها
و حرکت در قافله بود و گور
شدند و همه یکباره
بمان بود و سحران
و گزیدند و پنجام
و فتح غلب فرود می آید
و سبب از شب نامده با
فراده خوش از این جا
و فرنگ بمحاطات را
بیت ده تابستانند
که در امیر تقصیر کنند
و جرات با تو می رود
و بازی گردد بدین وسیله
و عدلی که به قوم فرود
نداشتند و بی ملای
و گویند این زن
و از راه دور دو دهان
و در لایح داده بود و
در سبب این مسکن
و از راه نزدیک است
و از راه چایان کنند
و در راه از این بر شد
و از راه نجات را از راه

يَلْعَنُ النَّاسُ رُسُلَ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ

۱۷ لوط هراينه افرستادگان پروردگار تو ايم رسيد بتو پس ميرگمان خود را بيماره از شب
۱۸ لوط هراينه افرستادگان پروردگار تو ايم رسيد بتو پس ميرگمان خود را بيماره از شب

وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا أَصَابَهُمْ

و باید که واپس ننگد هیچ کس از شما
الا زن تو که رسیدنی ست اورا آنچه رسید باین قوم
و باید که در پس ننگد هیچ کس از شما
مگر زن تو بدستگیر رسنه است اورا آنچه رسد ایشان را عه مهر آید

مَوْعِدُ هُمُ الصُّبْحِ الْيَسْرُ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ١٥ فَلَمَّا جَاءَ أَفْرَاجَنَا جَعَلْنَا عَلَيْهِ

میراد ایٹھن دقت ہے است آیا صبح نزدیک نیست پس چون آمد خان سامعین زیر آن دیہ بار
میراد ایٹھن دقت ہے است آیا نیست صبح نزدیک پس چون آمد خان ما گردانند کم زیر آن را

سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ۖ مِّنْضُوبٍ ۖ مَّسُومَةٍ ۖ عِنْدَ

زیر آن و بارانند هم بر آن خاکسنگها از تن سنگ گل ته به دل
زیر آن و بارانند هم بر آن خاکسنگها از گل سحر سه (هے) ته به دل

رَبَّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِعَدُوٍّ وَأَلَىٰ مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعْبَةُ قَالَ

پروردگار تو و این سنگها نیستند دور از شما کاران
 و فرستادیم بنویسند قوم مدین بر او در ایشان همبهار رفت
 پروردگار تو و نیست آن قریه از ظالمان دور
 و فرستادیم بر مدین و فرستادیم بر او در ایشان همبهار رفت

يقوم احد والله مالكة من الغد ولا تنقص البكماء والبنا

اے قوم من عبادت کند خدار انست شمار ایچ مجبوسے کروے و کم کنند پیمانہ

ان ارسك مجتهد واني اخاف عليك عذاب يوم محط ①

بر آئین من می بینم شمارا با سودگی و بهر آئین من می ترسم بر شش از عذاب روز و در خیزنده و با ساقی قوم من هم کن

الميزان والقسط و التخصيص

پیمانہ و ترازو را بالانصاف و کم مرسایند محمودان چیز بانه ایشان را و ترازو لاری کمند

فِي الْأَرْضِ مُفْسَدُونَ ﴿٦٠﴾ يَقُولُ الْكَافِرُونَ الْإِسْلَامُ ظُلْمٌ بَعْدَ ظُلْمِهِمْ وَيَقُولُ الْقُلُوبُ الْمُنَافِقِينَ

در زمین فساد گشتان
در زمین فساد گشتان
در زمین فساد گشتان

قَالَ اِنَّا عَلَّمْنَاهُ كَيْفَ يَحْفَظُ ﴿٢٠﴾

نیم بر شما فکریان گفتند اے شعیب آیا من از تو میفرماید ترا
 که بلذات منم آنچه

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript.

ی پرسیدند پدران ایامی که داریم اگر کنیم در مالی خود هر چه خواهیم هر آینه تورد مود بار شایسته

در این باب است خود را که در این باب است

عالم مقصود ایشان استبرأود گفت اے قوم من آیا ویدید اگر با ششم بر چنے از پروردگار خود و

از پروردگار خود و

اده باشد بمن از جانب خود روزی نیک داد و بی خوابم که خلاف نعم پاشا من شده بموئے آنچه منع می کنم بشما ازان می

لن آن باسنگ ریزه و سنگ از بالا باریدند حرکت می کردند که در از شهر می زیدند مله چایه سنگ باران می زدند و امیرالدین و صاحب از آنجا می فرستادند

[illegible]

عنه هر کوشش من
 نیست که حال دنیا و
 دنیا اصلاح شود
 کوشش کنی از حیض
 ذلت خلق و مذلوله
 ایمان و عزت نایز
 شوق مقصد من جز
 اصلاح نیست در
 هیچ حال باندازه
 توان و استطاعت
 خویش اذن نمی گندم
 اما اینک محض من است
 شود و در کوشش خود
 کایب کردم همه
 نعمت های پاک
 است به توفیق و
 امداد هموار انجام
 میشود تو کل من کوشش
 اوست و در هر کاری
 به دی رجوع می کنم
 عذبه از افراط به
 ضدت و دشمنی بلا
 کاری مکنید که بان
 اقوام سلف خویش
 را مستوجب عذابی
 گردانید که موجب
 بربادی شما شود
 عذبه که به شامت
 تکذیب و دشمنی بر است
 نوح اهورا مزاح خود است
 مخفی نیست مخصوصا
 داستان قوم لوط که
 پس از همه درین است
 نزدیک واقع شده
 تازه یاد شاست نظایر
 آنرا از یاد میرسد
 انسان هر قدر در
 گذشته گناه کرده
 و بسیار شقی باشد
 چون از صدق بیا
 گاه دی باز گردد
 و بخشایش طلبید
 کل کرم دی را ببارد
 و کوشش دارد لعل
 بر جای نماند اما از
 عذاب و خفای حق می

ان ارید الا اصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت
 می خواهم مگر اصلاح کاری تا بتوانم و نیست توفیق من مگر بفضل خدا بروسه تو کل کردم
 می خواهم مگر اصلاح تا عادی که بتوانم و نیست توفیق من مگر به مدد خدا بروی تو کل کردم
وَالْبَدِيبُ ۝ وَيَقَوْمِ لَا تَجِدُ مِنْكُمْ شَقَاقِي اَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا اَصَابَ
 و بدیست او رجوع می کنم و ای قوم من پیدا نکند در حق شما دشمنی من این خصلت را که برسد بشما مانند آنچه رسید
 و بدی او رجوع می کنم و ای قوم من پیدا نکند در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید
قَوْمِ نُوْحٍ اَوْ قَوْمِ هُوْدٍ اَوْ قَوْمِ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝
 قوم نوح یا قوم بود یا قوم صالح و نیست قوم لوط دور از شما و
 قوم نوح یا قوم بود یا قوم صالح و نیست قوم لوط از شما دور و
وَسْتَغْفِرُكُمْ وَارْتَدَّ عَنْكُمْ تَوْبَتُهُ اِنْ رَزَقْنِي رَحِيْمٌ وَّ دُوْدٌ ۝ قَالُوا اَيْشَيْعَب
 طلب آمرزش کنید از پروردگار خود باز رجوع کنید بپسند او هر آینه پروردگار من مهربان و دلسلط گفتند ای شعیب
 آمرزش خواهید از پروردگار خود باز رجوع کنید بپسند او هر آینه پروردگار من مهربان دوست داشته گفتند ای شعیب
مَنْفَقَةٍ تَخِيرُكُمْ اَقْبِلُوا نَقولُ وَاِنَّا لَنَزِدُّكُمْ فَيَا ضِعْفًا وَاَوْلَا سَهْطًا
 ای شعیب بسیار است از آنچه می گویی و هر آینه می بینم ترا در میان خود ناتوان و اگر بخوای بپای تو
 ای شعیب بسیار است از آنچه می گویی و هر آینه می بینم ترا در میان خود ناتوان و اگر بخوای بپای تو
لَكُمْ مِنْكُمْ اَنْ تَعْلَمُوا بِمَنْ يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْوَحْيُ ۝ قَالَ يَقَوْمِ اَرَأَيْتُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ مَنْ يَنْزِلُ عَلَيْهِ
 سزاوارتی که هر آینه می بینم ترا و پیش ما گرامی قدر گفت ای قوم من آیا بیاید من گرامی تر است پیش شما از
 سزاوارتی که هر آینه می بینم ترا و پیش ما گرامی قدر گفت ای قوم من آیا بیاید من عزیز تر اند بر شما از
اَللّٰهُ وَاتَّخَذَ نُوْحٌ وَاٰدَمُ وَابْرَاهِيْمُ اٰلًا اِنْ رَزَقْنِي رَحِيْمٌ ۝ وَيَقَوْمِ
 خدا و گرفتند خدا را انداخته پس پشت خویش هر آینه پروردگار من یا آنچه می بینم در گذشته است و ای قوم من
 خدا و گرفتند خدا را انداخته پس پشت خویش هر آینه پروردگار من یا آنچه می بینم در گذشته است و ای قوم من
عَسُوْا عَلٰی مَا كُنْتُمْ اِلٰی عَابِلٍ ۝ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ مَنْ يَنْزِلُ عَلَيْهِ
 من کنید بر طور خود هر آینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید و آلت آنرا که بیاید من
 من کنید بر جای خود هر آینه من کننده ام زود خواهید و آلت آنرا که بیاید او را
عَذَابٍ يَخْزِيْهِ وَّمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَاَرْتَقِبُوا اِلٰی مَعَكُمْ رَقِيْبٌ ۝ وَلَمَّا
 عذابی که رسوا کندش و آنرا که وی دروغ گوید و انتظار برید هر آینه من بشما منتظرم و دقت
 عذابی که رسوا کندش و آنرا که وی دروغ گوید و انتظار برید هر آینه من بشما منتظرم و چون
جَاءَ اَمْرُنَا فَجَاءَ شُعْبَةُ وَالدِّينِ اَمْنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَاخَذَتْ
 آمد عذاب ما فلان را شعیب را و آنرا که ایمان آوردند با او به بخشایش از خود و در گرفت
 آمد عذاب ما فلان را شعیب را و آنرا که ایمان آوردند با او به بخشایش از خود و در گرفت
لَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصُّبْحَةَ فَاصْبَحُوا فِيْ دِيَارِهِمْ جُشْيٰنٌ ۝ كَانَتْ
 فلان را آواز سخت پس گشتند در سرای خود مرده افتاده گو یا هرگز
 فلان را آواز سخت پس گشتند در سرای خود مرده افتاده گو یا هرگز
يَعُوْا فَاِذَا اَلْبَعْدُ اَلْبَدِيْنِ كَمَا بَعْدَتْ شُوْدٌ ۝ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا
 فرستادیم آنجا آگاه باش دوری با مدین را چنانکه دور افتادند نمود و هر آینه فرستادیم
 فرستادیم آنجا آگاه باش دوری با مدین را چنانکه دور افتادند نمود و هر آینه فرستادیم
مُوسٰى بِاٰيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝ اِلٰی فِرْعَوْنَ وَمَلٰٓئِكِهِ فَاتَّبَعُوْا اَمْرَ
 موسی را به نشانه های خود و بدلیل روشن بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرمان
 موسی را به نشانه های خود و بدلیل روشن بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرمان
مُوسٰى بِاٰيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝ اِلٰی فِرْعَوْنَ وَمَلٰٓئِكِهِ فَاتَّبَعُوْا اَمْرَ
 موسی را به نشانه های خود و بدلیل روشن بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرمان
 موسی را به نشانه های خود و بدلیل روشن بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرمان

فَرْعَوْنَ وَمَا أَرْفَعُونَ ۲ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

فرعون را در آید و فرعون بر او راست پیشوا شود فرعون قوم خود را روز قیامت

فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَيُسَّسُ الْيُودُ الْمُرُودَ ۳ وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً

پس بیاورد ایشان را آتش و بد جایست که دارد آن شدند و در آتش (دور) و از بے ایشان آورده شد لعنت درین دنیا

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُسَّسُ الرَّفْدُ الْمَرْفُودَ ۴ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرْآنِ نَقُصُّهُ

در روز قیامت نیز بد جایست که داده شد آن لعنت این از اخباریهای است که در قرآن است

عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ۵ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

بر تو بر آن باقیست و بقیه آنست بریده وستم نکردیم ایشان را و لیکن ایشان ستم کردند بر خویش

فَمَا آغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَدُنَّا

پس آنچه دفع نکردند از ایشان معبودان ایشان که میخوانند بجز خدا و تبتک

جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ ۶ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ۷ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا

آمد فرمان پروردگار تو و نه افزودند ایشان را بجز بپای و هم چنین ستم گرفتار کردن پروردگار چون

أَخَذَ الْقُرْآنُ مِنْهُ وَهِيَ ظَالِمَةٌ لَنَا أَنْ أَخَذَهُ إِلَيْهِ شَدِيدٌ ۸ إِنَّ فِي ذَلِكَ

در گرفت کند دیر بار و آنها ستمکار باشند هر آینه گرفت و سه در دهنده تحت است هر آینه درین سخن

لَايَةٍ لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۹ ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَ

نشانه است که را که ترسیده است از عذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند در آن مردمان و

ذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ ۱۰ وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدودٍ ۱۱ يَوْمَ يَأْتِ

آن روز روزیست که همه حاضر شوند در سه و موقوف نمی داریم آنرا مگر ثابت معین روزیکه بیاید

لَكُمْ نَفْسُ الْإِبْرَاهِيمَ ۱۲ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۱۳ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا

سخن گوید پنج کس مگر بدستوری حق پس بعضی ایشان بد بخت باشند و بعضی نیک بخت اما آنکه بد بخت شدند

فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زُفْرٌ وَشِهْقٌ ۱۴ خَلِيدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ

پس در آتش باشند ایشان را آنچه آید زبرد هم خرابند باشند جاویدان آنجا مدت بقای آسمانها

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۱۵ وَأَمَّا

و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو هر آنچه بخواهد پروردگار تو می کند آنچه می خواهد و اما

الَّذِينَ سَعَدُوا ۱۶ فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

آنکه نیک بخت شدند پس در بهشت باشند جاویدان آنجا مدت بقای آسمانها و زمین

درین جهان امام کفر و تکذیب بود و در آنجا نیز چنان باشد که ساینه در دنیا کور کورانه به تقلید آدمی پرداختند به تحقیق او در آنجا تا منزل آخرین روز دنیا برسند و در آنجا جایست که بعضی آب سرد آتش سردان دارد - عده در آن بای علی باستان بشناخته شده که چنان به تکذیب پیغمبران پرداخته گشتانی نموده و چگونه تیرا شدند و ستم بعضی مانند مهر که مقام فرعون بود تا هنوز آباد است منازل برخی مانند قوم لوط و ایران شده و قیام آن بحال خراب بر جاست و نهدی چنان از پنج و بن پادشاه که بر صفی هستی نشانی از این باقی نمانده خدا پنج بے گناهی را موافقه نه میکند تا بر حضرت او عمل ستم رود چون آنها خود را از تکلیف جوارم از عهد بخورند و در دین کلی خویش را مستحق سزا گردانند و عذاب خدا فرود آمد نگاه کنند معبودانیک بر اینها اعتقاد قوی داشتند و از آن با تو قعات بزرگ می نمودند و بکار مصیبت پنج بکار نشان نیامده و بعضی از معبودان بلبل و لار ساخته می شدند و بکس مایه ملک می نمودند چون آنها را ملک سود و زیاده داشت بر آن با امید بسته اند و نیاز خود را بکس و احترام کردند و این روز بد چار شدند و از آن تکذیب و ستم این عذاب فرود آمد و عذاب شد

لَا مَشَاءَ رَبِّكَ عَطَاءٌ غَيْرُ مَجْدٍ وَذِي ۱۳ فَلَا تَكُ فِي مَرِيَّةٍ مَّا يَعْبُدُ

پس مباحش در شب از آنچه می پرستند
پس مباحش در شب از آنچه می پرستند

هَوَاءٌ مَّا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَنَوْفُوهُمْ

این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و ما البته تمام رسانیده ایم ایشان
این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و هر آینه تمام رسانیده ایم ایشان

لَصِيبٌ لَهُمْ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ۱۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ

حصه ایشان را ناکامیده و
و هر آینه دادیم موسی را کتاب پس اختلاف افتاد در آن

وَلَا كَلِمَةٍ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقْضٍ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

و اگر بودی سخن که سابقا صادر شده از پروردگار تو هر آینه فیصل کرده میشد میان ایشان و ایشان در شک تو اند
و اگر بودی سخن که سابقا صادر شده از پروردگار تو هر آینه فیصل کرده میشد میان ایشان و هر آینه ایشان در شک تو اند

مَرِيبٍ ۱۵ وَإِنْ كُنَّا لَنَاقِلُوهُمْ فِي بَيْنِهِمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُمْ بِمَا يَعْمَلُونَ

از آن و هر آینه هر گس و قبیله بر آینه می نمود البته تمام خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان هر آینه می نماید
از آن که آنها را مصلحت می ماند و هر آینه بخیر و بدی آن رسد تمام دهد به ایشان پروردگار تو جزای کردار ایشان را هر آینه می نماید

خَيْرٍ ۱۶ فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

و انست پس استوار باش چنانچه فرموده شده تو و آنان که کوبیده اند همراه تو و از حد مگذرید هر آینه دس با پنجه
و انست پس استوار باش چنانچه فرموده شده تو و آنان که کوبیده گردند همراه تو و از حد مگذرید هر آینه دی با پنجه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٍ ۱۷ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَلَوْ مَا

می کنید بیناست و میل کنید بسوی آنان که ستم کردند که نگاه برسد بشما آتش و نیست
می کنید بیناست و میل کنید بسوی آنان که ستم کردند پس برسد بشما آتش و نیست

كُنْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَائِهِمْ لَا تَنْصُرُوهُمْ ۱۸ وَاقِمُوا الصَّلَاةَ طَرَفِي

خدا را بخیز خدا دوستان باز نصرت داده نه شویید و بر پا کن نماز را دو طرف
خدا را بخیز خدا دوستان باز نصرت داده نه شویید و بر پا کن نماز را دو طرف

النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنْ أَلَيْسَ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ۱۹ هَذَا ذِكْرُ

روز و ساعته چند از شب هر آینه طاعات دور می کنند گناهان را این
روز و ساعته از شب هر آینه نیکی با می برد بدیها را این

لِكُلِّ لَدُنَّا زَكَاةٍ وَأَصْحَابُهَا ۲۰ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ ۲۱ فَلَوْلَا

پندست بهست چند پند بران را و شکیبایی کن هر آینه خدا صانع می سازد مزد نیکی کاران را پس چرا
پندست بهست چند پند بران را یاد گاری است یاد گیرند گناهان و صبر کن (پس هر آینه) خدا صانع می سازد مزد نیکی کاران را پس چرا

كَانَ مِنَ الْقَرُونِ مِنْ قَبْلِكَ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

زشتند از آن قرن که پیش از شما بودند این فرد که منع کنند از فساد در زمین
زشتند از این قرنهای جماعت که پیش از شما بودند خداوندان عقل و خیر می کردند از فساد در زمین

أَقْلِيلًا ۲۲ مِمَّنْ ابْتِغَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتُوا بِهٖ وَكَانُوا

از اندک کسی آن جماعت که خلاص ساختیم از میان ایشان و پیروی کردند ستمکاران چیزه را که آموذگی داده شد ندانان و دیو
سبب اندک از آنها که نجات دادیم ایشان را و پیروی کردند ستمکاران چیزه را که آموذگی داده شد ندانان نبودند

مَجْرِبِينَ ۲۳ وَكَانَ رَبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقَوْمُ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ ۲۴

گناهکاران و هرگز نیست پروردگار تو که بپاک کند این دیه با را پس ستم داهل آن نیکی کار باشند

فتح الرحمن
صلی مترجم گوید یعنی
مدت ماندن در بهشت
و دوزخ را مقدمات
دوام آسمان با در زمین
است در دنیا اگر
زیادتی را که در بهشت
خداست و در فهم
کسی نمی بخیزد اعتبار
نکند حاصل بران
دوام است بابلغ
و جود و لذت اعم ۱۲
و لایق به حضرت ایشان
از عذاب ۱۳
یعنی لذات دنیا
مشغول شدند ۱۴
تفسیر عثمانی
عنه این آیات را می
توان و دینش کرد اول
بقدر دوام آسمانها و
زمین دنیا شقاوت
و دوزخ و سعادت در
بهشت می باشد اما
اگر پروردگار تو بیشتر
از آن اراده کن محضت
او معلوم است زیرا
اگر مانواست باشیم
در ازترین زمانه با را
تقصیر کنیم به اعتبار
ماحول بیشتر ازین
و در تقدیر مائی محمد ازین
جهانست که در محاصرت
عربستان مادامت
اسموات و الارض
برای ما معلوم و درک
گفتی شود اما ما فهم
حقیقی دوام و ابدیت
که آنرا الله ان لا محصی
می گویند مختص بر علم
غیر شهابی حضرت
الهی است که به ملاحظه
ربک اگر دیده
تجربیم این است
که مادامت السموات
و الارض هکنایه از
دوام باشد پس در
این آیت آسمان و

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ وَلَا يَزَالُ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلِ خَلْقٍ ۖ

مَنْ رَجَعَكُمْ وَلِيْدَكَ خَلَقَهُمْ وَتَتَّ كَيْفَ تَرْتَبُ لَا مَكْنَ جَمْعُهُ مِنْ

آنکه رعیت کند پروردگار تو و دیرای این آفریده ایشان را و تمام (ثبات) شد سخن پروردگار تو که البته هرگز دروغ را

جن و مردمان ہمہ یک جا فل دہر چیزے را میجوایم بگو از اخبار پیغمبران آن چیزے را کہ

بن مردمان همداها و هم پیر را کی خواهم برو از اجار بیجا بران آن پیر را

ثابت می گردانیم باں دل ترا و آئده است بخود این سوره سخن در صفت و پند دے و یاد کردنی برای مسلمانان
ثابت می گردانیم باں دل ترا و آئده است بخود این سوره سخن در صفت و پند دے و یاد کردنی برای مسلمانان

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَمِلُوْنَ (١٦) وَنَتَنَظَّرُ

و جوانان را که ایمان نمی آرند کار کنید به حال خود هر آینه مایه کار می گیم و انتظار کشید

بر آئینا مایه نظر انیم و خدا تراست علم غیب آسمان ها و زمین و بسوی او باز گردانیده میشود کار

بر آینه نظر ایم و خدا را است علم غیب آسمان با و زمین و بسوی آواز گردانیده می شود که

بہر آں پس عبادت کن اورا دتو کل کن براد و نیست پروردگار تو بنجر از آنچه می کنی
بہر آں پس عبادت کن اورا دتو کل کن براد و نیست پروردگار تو سے خبر از آنچه می کنی

سورة يوسف و هو اية واحد عشرة اية و اننا عشر ركونا

3 211 1 3 211 1

بسم خداے بخشاینده
 محمد بن الرحیم

آغازی کنم بنام خداوند بے اندازه میهمان نه میست بارم است

این آیت‌ها آیات کتاب روشن است
هر آینه‌ها و فرستادیم آن را قرآن عربی ساخته باشد که مشا

تَعْقِلُونَ ٢) لَمْ يَنْقُصْ عَلَيْكَ احْسِنِ الْقِصَصَ يَا اَوْحِيَا اِنَّكَ

دریابید
دریابید

هذا القرآن وإن كنت من قبله لمن الغفلين (۳) اذ قال يوسف

این قرآن را ده آیت تیرودی پیش از آن از بے زبان چون گفت یوسف

پدر خود را اسے پدر من ہر آئینہ من خواب دیدم یازدہ ستارہ را و آنتاب و ماہ را دیدم اینبارا برائے خود

ان من وندالتی بودن قرآن اعجاز است و همه احکام و شرائع و مواظبات و اندامی که قرآن بر این مشتمل است پس روشن و واضح می باشد.



والمترجم گوید درود
ملائکات را نسبت میکند
باین باطن نه باین حق
و یقیناً قائل علی الحق گذا
رفا بقیم فرق پس استثنائی
من رحم بے تکلف میبخش
اللہ اعلم ۱۲-

تفسیر عثمانی
عنه چنانچه بیشتر بار
نوشتہ شدہ است حکمت
کوئی حضرت الہی مقتضی
فیت کہ مردم جہان را
یک راہ رواں کند
بس ہمیشہ در قبول علم

فمن قول حق اختلاف من هو
ست و بعد از این
نیز دوام تواید داشت
ما در حقیقت که
اتفاق و اختلاف علی غایت
و مقابل فطرت عز و
و شش حق و آنکه

ی کلماتی که به
فقط سینه
و قلمی کردند
خستانی نمی ماند بدینی
بهت به ۱۰ الامن روم
ربک، تنبیه شد که
سایه خداوند بر

نه با طغیانی حق پرستی
شان دم فروده اند
خندان کنندگان
ستغنی می باشند
مضمون این
در آغاز این
سوره گذشت مطلب

ین است اگر سخن مرا
 قبول نمی کنید بهتر است
 شما بر عباد خود استوار
 باشید من بر مقام خود
 استقامت و رزم شما
 برای من حوادث دیردرا
 زنتظار میبرید من منتظر

و بید و غیب باشد
بزرودی آشکاری گردد
تقریبون بکم الدار
علیهم دانه السود

یوسف بنی لا تقصص رویا علی اخوتک فیکیدوا لک کیداً

همه کنند گفت است پس بر من بیان کن خواب من خواب را پیش برادران خود که نگاه انداخت گفت در حق تو خیال

ان الشیطن لا لسان عدو قهین و کذ لک یجتنبک سرک و

هر آینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است و چنانکه خواب تو نمودیم چنین برگزیده تر از پدر و کار تو و

یعلیک من تاویل الاحادیث و یتقن نعمت علیک و علی ال یعقوب

پایه ز ترا از علم تاویل الاحادیث یعنی تعبیر رویا و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب

کما اتهم علی ابویک من قبل ابرهیم واسحق ان سرک علیک

چنانکه تمام کرده آن را بر دو پدر تو پیش ازین ابراهیم و اسحق هر آینه پروردگار تو و انا

حکیم لقد کان فی یوسف و اخوته آیت للسائلین اذ قالوا

استوار گار است هر آینه هست در قصه یوسف و برادران او نشان ها سوال کنندگان را چون گفتند که

لیوسف و اخوه احب الی ابینا منا و نحن غصب ان ابانا لفی ضلل

یوسف و برادر حقیقی او دوست تر از نزدیک پدر ما از ما و ما چنانچه ایستیم هر آینه پدر ما در خطای

مبین اقلوا یوسف و اطرحوه ارضاً یغل لکم وجه ابیکم و تکتونوا

تأمر است بکشید یوسف را یا با بختیدش بر زمین غیر معلوم تا حالی شود بر او که بشاود پدر شما و تا ما سرخشد

من بعدة قوما ضلحین قال قایل قنم لا تقتلوا یوسف و القوة

بعد ازین گروهی که شته یعنی توبه کنند گفت گوینده از ایشان بکشید یوسف را و با بختیدش

فی غیبت الحب یتقطه بعض السیارة ان کنته فحیلین قالوا ابانا

در چاه تاریک تا بر آید و در بعضی مسافران اگر کنند گناید گفتند اے پدر ما

مالک لا تمنا علی یوسف و اناله لنا صحن ارسله معنا غدا یترع

بیت حال تو که امین می پنداری ما را بر یوسف و هر آینه تا او را نیک خواهم بفرستد و او را با ما فرستاده بسیار خود

و یلعب و اناله لحفظون قال ابی لیجزئی ان تذهبوا به و اخف

و بازی کند و هر آینه ما او را نگاه داریم گفت بر آینه اندک بپایم می کند مرا آنچه میریدش و می ترسم

ان یناکله الذئب و انتم عن غفلون قالوا الین اكله الذئب و

از آنکه بخورد او را و شما از او بی خبر باشید گفتند اگر بخورد او را اگر

من غصبة ان اذ اخبرون فلما ذهبوا به و اجمعوا ان یجعلوه

پس از غصه آنرا که از خبر کردن فلما ذهبوا به و اجمعوا ان یجعلوه

بختیدم چنین اقدام

حضرت یوسف علی السلام

یوسف در زندان نشسته
کسانیکه خواستند از
او را که چنین و غافل
نتیجه گیرند بسیار آید
و عبرت پیدا آرست
پیشین آن قدرت
و علمت عظیم الهی در دل
ها نقش بندد و صد
حضرت یوسف با شایسته
رسد و ثابت گردد که
حضرت یوسف با وصف
آنکه ای بود از هیچ
کتاب و آموزگار
استفاده نکرده
حقایق شریع و غیبه
آن در رخ را که بیان
موج و نگر و مشکشف
می نماید خاصه یقینش
مکد که به تحریک بود
و نایب بدو از حضرت
سوال نموده بودند در
این داستان در می بین
جست آنکه است هم
چنانکه یوسف را
برادرش از خانه
بدر نموده از خواص
به کشتن و جلای او از
وطن با هم مشوره کردند
هر گونه رنجبار سازند
در لمانت و استغاث
دی کوچک ترین فرد
و کذا شتی نکردند عاقبت
رفدی فرار سید کر
یاز آهنگ خدای متعال
یوسف را بقتل عام
در این جهان و آن
جهان برگزیده و
نیکام عزت و توانایی
از گناه برادران چشم
پوشید و با سبزه فراخ
تمام تفسیرات شامرا
بختیدم چنین اقدام
حضرت یوسف علی السلام

عہ مفسران در ضمن سخنان دروالبزورت آوری ذکر می کنند که سنگ ازان بنالرمی آید اما خدای دانند که تا کجا راست است قرآن کریم با عقاید انجیل و تورات خاص خود این همه تفصیلات را نشان می دهد و در غرض اعتقادی دانند بر اینها است این جزئیات مربوط نیست قرآن نخواهد بود بای سامعین خویش را بر دقت آورد اما فکر متد آن خاص بیان و عرفان باشد قرآن عادت ندارد که باین عامر نظار رقت عادی را که کافران مسلمان حتی حیوانات نیز طبعاً در آن مشتعل و مورد توجه شد قرار دهد و این جایز نیست تمام واقعات ۱۳ متضمن حذف ۱۲ و انجام سخن بیان شده یعنی برادران یوسف را به لطایف الحیل از نزد پدر بردند و چنانکه قرار داده بودند آماده شدند که در چاه پاش می کنند در آن وقت طوریکه هیچکس ندانند یوسف اشاره کردیم بر ایشان مشور روزی میاید که این همه اعلان را میاید آری و تو چنان معانی بلند فایز گوئی که تبه رسیده نتواند و از طول عهد ترا نشانند تفصیل این مسئل که شدت خدای در غلب بود یا بیاداری بطریق الهام بود یا بواسطه فرشته در قرآن نیست البتہ از ظاهر الفاظ گفته اند آن دینی بر چہن سان که متخوف نیست زیرا که یوسف در آن متکلم اندک بود و الله اعلم

فِي غَيْبَتِ الْوَحْيِ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنْبِتْنَهُمْ يَوْمَهُمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
در چاه تاریک و وحی فرستادیم یوسف را که البتہ جزو اوحای ساخت ایشان را باین اجرائی ایشان و ایشان را نشانند
وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ۝ قَالَ أَلَا أَبَايَ أَأَنَا أَتَاكَ هَبْنَا لِسْتَيْقُ وَتَرْكُ
و آمدند پیش پدر خود شبانگاه غمگینان گفتند ای پدر ما هرگز آیتنا بخبر تو کردیم در مسافت و گذشتیم
يُوسُفُ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَالْكَلْبُ الَّذِي دَبَّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا
یوسف را نزد یک رخت خویش پس بخورد و در اگر گرس و یستی تو باور دارنده ما اگر چه هستیم
صَادِقِينَ ۝ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۝ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمُ
راست گو و آوردند بر بالائی قمیص او خون دروغ گفتی بلكه آراسته است پیش شما
انفُسُكُمْ أَمْ رَأَيْتُمْ فَصَبَّارِ جَمِيلٍ ۝ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ۝ ۱۳
نفس شما تدبیر را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیده میشود از او بر آنچه شما بیان می کنید و
جَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ ۝ قَالَ يَبْنَؤُ رِي هَذَا
آمد کاروانی پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دل خود گفت ای سرده این
عَلِمُوا سَيَّارَةٌ بَصَاعًا ۝ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَكْمُونُ ۝ ۱۴ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ
نوجوانی است و اهل خانه پنهان ساختند او را سرایه دانستند و او را ناست با چرخ می کردند و پیران خود و خاندانش پنهان
دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ ۝ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَى
در بے چند بشماره شده و بودند در باب یوسف از بے رغبتان و گفت بخیه که خرید یوسف را
مِنْ مِصْرَ لَا تَرْأَنِي أَكْرَمِي مَثْوًى عِنْدَ ابْنِ يَعْقَبَ ۝ وَنَبَعْنَا أَوْتَرُجْزَةً وَلَدْنَا
از اهل مصر بزن خود گرامی دار جانے او را شاید که نفع دهد ما را یا فرزند گرامی او را و
كَذَلِكَ مَكَانًا يُوسُفُ فِي الْأَرْضِ ۝ وَلِنَعْلَمَنَّ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ
هم چنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین و تا میاموزیم او را از علم تأویل الاحادیث و
اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ ۱۵ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
خدا تواناست بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید یوسف بهایت و توت خود
اتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَرَأَوْنَهُ الْقِيَامَ
دادیم او را دانای و علم و هم چنین جزا میدیم نیکوکاران را و گفت و شنید کرد یوسف از آن که
هُوَ فِي بَيْتِنَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۝ قَالَ
او در خانه اش بود تا بگذرد از حفظ خود (این کتابت از طلب خارج است) و بهرست در بار او گفت پیش آ گفت
اودر خانه اش بود از نفس او و بست در بار او گفت پیش آ گفت

مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ٣٠ وَلَقَدْ

وہ نام بخدا این شخص صاحب من است نیکو ساخت جائے مراں ہر آئینہ رستگاری شوند ظالمان و ہر آئینہ
نہاد ہر گزیم بخدا بدرستیکہ او صاحب من است نیکو ساخت جای مرا بدرستیکہ رستگاری شودستم کاران و ہر آئینہ

[illegible][illegible]

السَّوْدِيَّةُ الْفَجْشَةُ طَبَقُ الْبُكَامِ دُنَا الْبُخْصَةِ مِائَةِ أَلْفٍ

سوء و الحشاء کہ از تہ بن عباد را مخلصین ۴۷ و استبقا البکاء
ہر آئینہ دے از بندگان خالص کردہ ماست و ما یکدیگر سبقت کردند بسوی دروازہ

هر آینه دی از بنندگان خالص کرده ماست عهد و پیمان مگر بیفت گردند بسوی دروازه

وَقَدَّتْ قَيْصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَيَاسُ سَيِّدُ هَذَا الْبَابِ قَالَتْ فَكَلِمَةٌ

و یافتمند شوهر زن را نزد یک دروازه گفت بپشت جزای کی
و یافتمند شوهر زن را نزد یک دروازه گفت بپشت جزای کی

ادب اهله سبعه (ان تسبیح) و اعذاب الد (۵) و

خواستہ باشد یا اہل تو کار بد مگر آنکہ بزنندان کرده شود یا عقوبتہ درد دہندہ یوسف گفت این زن گفت شنیدہ کردیم

فایسته باشد باطل تو کار بد مگر آنکه بزنندان کرده شود یا بعد از در دناک گفت یوسف این زن را خواست (از افسوس)

عن عيسى وشهد شاهد من أهلها إن كان قبيصة قاتل

که نفس خود را باز ندادم و گویای داد گویای از قبیل زن من اگر هست پیراهن یوسف دریده از پیش

فَصَدَقْتُ وَهُوَ مِنَ الْكَذِبِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ قَبِيضَةٌ قَدْ مِنْ دَبَرِ

پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغ گویا نیست و اگر هست پیراهن او دریده از پشت

پس زن راست گفته است و یوسف از درد غویان است و اگر هست پیراهن او دریده از پس

فلدت وهو من الصديقين ٤ فلما راقبته قد من دكر قال ان
 بس این زن دودغ گفته است و یوسف از راست گویمان است پس شیخ چون بدید سر ایشان در دودغ از سر گفت از

پس از آن در آن روز که گفتند و یوسف از راست گویان است پس چون دید عزیزان را در دیده از پس هفت این
 و یوسف از راست گویان است پس چون دید عزیزان را در دیده از پس هفت این

۱۸۰۷
بَن كَيْدَكُنْ اِنْ كَيْدَكُنْ عَظِيْمٌ ﴿٨﴾ يُوْسُفُ اَعْرِضْ عَنْ هٰذَا

ازین ماجرا
از ابن ماجری

استغفر الله العظيم الذي لا يغفر العثرات

اسے زن طلب آفرزش کن برائے گناہ خود ہر آئینہ تو بودہ از خطا کنندگان و گفتند زنان چند

ای زمان طلب آفرینش کن برائے گناه خود بر آئینه تو بوده از خطا کاران

في المدينة امرأت العزيز ترادفتها عن نفسها قد شغلها

رشتہبر کزن عزیز گفت: بیشنید میکنم با تو جوان خود تا غافل کند اورا از حفظ نفس خود، هرگز نہ شدش جا کرده است از روی دوستی
رشتہبر کزن عزیز خواست از غلام خود نفس اورا بدرستی بشکافتم است غلام دل اورا از دوستی

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ ۚ فَأُولَٰئِكَ لَنِفْسٍ عَنِ الْقَوْمِ ۚ فَأُولَٰئِكَ مُّشْرِكُونَ ۚ

پس چوں شنید زن عزیز غیبت ایشان را آدم فرستاد بسوئے ایشان

ایمانی میبایست آن زن را در خطای ظاهر (پس) همچون شندیدن عزیزم که ایشان را فرستاد بسوئے ایشان

اعطت لهم متكا وانت كل واحد منهن يسلي بنا و قال

بہادر برائے ایشان مجھے داد ہر پے را از ایشان کار دے و گفت
 (تذکرہ ۱۵) مجلس داد ہر پے را از ایشان کار دے و گفت

معدای و در مقابل پدر است و بسف و و جاهی که و میرا بر شاه الهی بود به گفتار آمد بعضی گویند گواه کودک بی بلکه مرد و استندی بود که اینگونه به برکتی



فلان یوسف مشورت کردند
که یوسف را بزنند
باید که دانا نزدیک
مردمان برات زینجا
ظاهر شود ۱۲-

تفسیر عثمانی

عنه زینجا زان مذکور
را بهمانی خوانده و خلق
پراز اطعمه و اشراف گستر
دود و سفره چیزه بود
که با کار خود می شد
بدست بر زن کاروی
داد تا در خوردن آن
زمت انتظار ببردند
چون این همه می شد
به یوسف گفت تبارک
آید یوسف برآمد در
حالی که عذاروی چون
آفتاب می درخشید
زان بجزه دیدن جمال
یوسف از خود رفتند
و بجای میوه و دستان
خوش را بریدند و
نیز سیله جدا گانه
بود که بر صداقت
و نزاهت یوسف

افشاد زیرا ۱۳
در حالی که زنان تماشا می
بیک جلوه جمال به
مثال یوسف از خود
رفتند و یوسف از کمال
جانی بی بر آن ما
نیفتند پس حطم است
که چون زینجا از مشاهده
جمال او دل داده و مفتون
شد یوسف مانع از رفتن
به گناه دامن عفت
خویش را نیالوده از آن
آزمون گاه میسر یک
بر آمد معه زینجا چون
رنگ آنها را دید به
الهام حقیقت پرداخت
و گفت بدون منکر
میخواهم دل دی را امید
نایم فلان یوسف چنان
استوار نگاشت که
بی هیچ صورت نمی تواند

اخرج عليهن فلما راينه الكبرنة وقطعن ايديهن و قطن حاش

اے یوسف بیرون آ برای زن پس چون دیدنش بزرگ یافتند و بریدند دست خویش و گفتند پاک است
اے یوسف بیرون آ برای زن پس چون دیدنش بزرگ یافتند و بریدند دست باغ و راعه و گفتند پاک است

بالله ما هذا ابشر ان هذا الاملك كريم قال فذلكن الذي

خدا نیست این تو جوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی زن عزیز گفت اینست آنکه
خدا نیست این تو جوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی گفت زن عزیز اینست آنکه

لنتنفي فيه ولقد راودته عن نفسه فاستعصم ولو لئن لم

لماست کرده بودید مرا در عشق و سه و هر آینه گفت و شنیدم کردم با دستانم از حفظ نفس و دی پس نگاه داشت خود را و اگر
لماست کرده بودید مرا در عشق و دی و هر آینه گفت و شنیدم کردم با دستانم از حفظ نفس و دی پس نگاه داشت خود را و اگر

يفعل ما امره ليسجن وليكونا من الصغرين قال رب اليسجن

نگند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از عوارض دکان یوسف گفت اے پروردگار من زندان
نگند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از عوارض دکان یوسف گفت اے پروردگار من زندان

احب الي من ايد عوني اليه والا تصرف عني كيدهن اصب

دوست تراست نزدیک من از آنچه میخواهند مرا بسوی آن و اگر بخواهند از من فریب این زنان را البتہ من کنم
دوست تراست من از آنچه میخواهند مرا بسوی آن و اگر بخواهند از من فریب این زنان را بسوی من کنم

الذهن واكن من الجهيلين فاستجاب له ربه فصرف عنه

بایشان و باشم از نادان پس قبول کرد دعای او را پروردگار او پس باز داشت از یوسف
بسیوست ایشان و می شوم از نادان پس قبول کرد دعای او را پروردگار او پس باز داشت از او

كيدهن ان الله هو السميع العليم ثم بد الله من بعده ما راوا الايت

فریب ایشان را هر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیده بودند نشان با
فریب ایشان را هر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیده بودند نشان با

ليسجنه حتى حين و دخل معه اليسجن فتين قال احلها

که البتہ بزدان در آوردند او را تا مدتی و داخل شدند بزدان همراه یوسف و دو جوان یکی از ایشان گفت
بر باری یوسف که البتہ بزدان در آوردند او را تا مدتی و دو را مدتی با وی بزدان دو جوان گفت یکی از ایشان

اني ارنبي اعصر خمره وقال الاخر انا ارنبي احمل فوق راسي

هر آینه خواب می بینم خود را که می افشارم آب انگور و دیگری گفت که هر آینه خواب می بینم خود را که بر دوشم افشارم بر سر خود
بدرستی که من می بینم خود را در خواب که می افشارم انگور را و گفت دیگری بدرستی که من می بینم خود را بر دوشم بر سر خود

خبز اناكل الطير منه نبتنا نبتا و بيله اننا نرى من السمسمين

تا می که مرغمان از آن می خورند خردار کن ما را بشمار این خواب هر آینه ما می بینم ترا از نیکی کاران
تا می که مرغمان از آن خورده ما را به بشمار این خواب هر آینه ما می بینم ترا از نیکی کاران

قال لا ياتيكما طعام ترزقنه الا نبتا نبتا و بيله قبل ان ياتيكما

گفت بخدا امد به شما هیچ طعامی که داده میشود بخوان را بیدار خواب مگر خردار کن بشمار این خواب هر آینه ما می بینم ترا از نیکی کاران
گفت بخدا امد به شما هیچ طعامی که داده میشود بخوان را بیدار خواب مگر خردار کن بشمار این خواب هر آینه ما می بینم ترا از نیکی کاران

ذلكما منا علمني ربني اني تركت ملة قوم لا يؤمنون بالله

این که شما از آن علمید منم است که اموخته ام مردمانی که ترک کردم مذهب قوم که ایمان نمی آورند بخدا
این که گفت شما از آن چیزه است که میا موخته ام مردمانی که ترک کردم مذهب قوم که ایمان نمی آورند بخدا

وهم يا اخوة هم كفرون و اتبع ملة اباي ابراهيم

و ایشان با خیرت نامعتقد اند و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم
و ایشان با خیرت ایشان نامعتقدان اند و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم

و ابراهيم با خیرت نامعتقدان اند و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم

و ابراهيم با خیرت نامعتقدان اند و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم

وَالْحَقُّ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

والتحق ويعقوب ما كان لنا ان نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا وعلى الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون

فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند

فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند

يَا حَبِيبِي السَّجْنُ عَزَابٌ مُتَعَفِّفُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

ای دوست من زندان آسایش دهنده است یا خدای یکتای غالب

تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتَهُنَّ مَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا

عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نامهای چند را که شما مقرر کرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند

أَنزَلَ اللَّهُ نُهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا

فرستاده است خدا بر آنها هیچ دلیل علیه نیست حکم مگر خدا را فرمود که بعبادت مگر

يَا حَبِيبِي الْقِيَمَةُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَا حَبِيبِي

خودش را اینست گیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای دوست من

السَّجْنُ أَمْ أَحَلَّ كَمَا قُيَسِّقِي رَبِّكَ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَمَا كُنْ

زندان اما یکی از شاپس بنوشاند مولای خود را شراب و اما آن دیگر پس بر دار کرده شود پس بخورند

ظُهُورُ مَنْ رَأْسُهُ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِينَ ۖ وَقَالَ لِلَّذِي

مرغان از سر او قیصل کرده شد کار می کرد و می سوال می کنید و گفت یوسف به شخصی که

ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا أَذْكُرَنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ

والتس بود که خلاص باشد است از آن دو کس یاد کن مرا نزد مولای خود پس فراموش گردانید از خاطر و گریه کرد پیش

فَكَيْفَ فِي السَّجْنِ بَضْعَ سِنِينَ ۖ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ

پس ماند یوسف در زندان چند سال و گفت پادشاه هر آنچه من خواب می بینم که هفت

بَقَرَاتٍ سَمَانٍ بَازٍ كَاهِنٌ سَبْعَ عَجَافٍ وَسَبْعُ سَنَابِلٍ خَضِرٍ وَآخَرُ

گاو قرمز می خوردند آنها را هفت گاو لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه

يَسِيئُ بَأْيُهَا إِلَّا أَقْوَمُ ۖ فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَى تَعْبُرُونَ ۝

خست را ای جماعت من بهید در باب خواب من اگر خواب را تعبیر می کنید

فَأَنصُغَاتُ أَحْلَامِهِ وَنَاوِيلُ أَحْلَامِهِ يُعْلَمِينَ ۖ وَقَالَ لَدَيْنَا

گفته این خوابها را شوریده است و اینست به تعبیر خوابها را شوریده دانست

وَلَدَيْنَا خَبْرٌ بِمَا تَعْبُرُونَ ۖ وَنُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ نَحْنُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وگفته این خوابها را شوریده است و اینست به تعبیر خوابها را شوریده دانست

ولت ابراهیمی استخوابم
نه تنه باه باره با بل
در باره تمام جهان فضل
در رحمت خداست زیرا
شع دو دمان ابراهیم
است که همه مردم از
چراغ قلوب خود را
افروخته می توانند اما
در یق که اکثر تدر این
نعمت عظیم را می دانند
باید احسان خدا را
قبول می کردند و بر
جاده توحید و دینی
شهادت ابراهیم
پروا نمی بطریق شرک
عصیان می یابانند
عده چنانکه بدوی
مسند اساس بر آنها
نام بای نهاده اید که
بیچ حقیقت ندود
خدایانی را که خود نام
نهاده ایدی پرستید
باید از بهمانت خویشا
کنید سه مجازه خالص
توحید نشیب و فراز و
کلمات بیج بودند از این
جاده راست و هموار
است هر که بر آن روان
شود بدون اندیشه بخدا
رسیده می تواند اما با
کس افکند از حقاقت و
یا القصب سخن حق
را نمی فهمند لکن
ایوسف علیه السلام
پس از ادای تبلیغ
خواب آنها را تعبیر کرد
و گفت آنکه خواب دیده
که پیاد شاه شرابی می
نوشاند تعبیرش آنست
که در بیداری نیز پیادش
شرابی می نوشاند و آنکه
دید پرندگان از سرش
نان می خوردند بشارت
میشود و پرندگان سفر
معرض را خواهند خورد
تعبیر چنین است
شما را خبر می دهم که

وَمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَكَاذِبَةٌ

و پاک بنی تم نفس خود را هر آینه نفس بسیار فرایند است
و پاک بنی تم نفس خود را هر آینه نفس بسیار فرایند است

يَا سَفُوءَ الْآكَارِ حِمِّيْ اِنْ رَّبِّيْ غَفُورٌ رَّحِيْمٌ وَقَالَ الْمَلِكُ

به بدی مگر آن وقت که مهر بانی کند پروردگار من هر آینه یزد و دگار من آمرزنده مهر بان است و گفت پادشاه
که بدی مگر آنرا که رحم کند پروردگار من هر آینه یزد و دگار من آمرزنده مهر بان است و گفت پادشاه

أَتَقْنِي بِهِ اسْتَخْلَصَهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلِمَةً قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ كَدَسْنَا

میرا دیدن پیش من تا مقرر کشش خالص برائے خدمت خود پس چون سخن گفت با یوسف دا گفت اے یوسف ہر آئینہ کو اور دوزخ کو

فَكَانَ أَمِينٌ ﴿٥﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَازِنٍ فِي الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ

مباح قذرات واری گفت مقول هر ایر خزانهاے این سر زمین هر آئینه من محافظت کنند

عَلَيْهِ ۖ وَكَانَ إِلَهُ مَكْنًا لَهُ سِفْ فِي الْأَرْضِ ۖ رَبَّنَا آمَنَّا حَتَّىٰ نَشَاءَ

و اما هم چنین یعنی باین تقریب منزلت دادیم یوسف را و ازل زمین قوامی گرفت ازل زمین هر جا که میخواست

وَأَلَيْكُمُ الْمَوْتُ وَذَٰلِكُمْ يَوْمُ الْحِسَابِ ۝

می رسایم و رفت خود را بهر که خواهیم و ضایع نمی گشایم مزد نیکی کاروان را و هر آینه مزد آخرت

خَدَّ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا تَقْوًا ﴿١٠٠﴾ وَكَانَ أَخُوهُ مُشْكَرًا ﴿١٠١﴾

بہتر است آنانرا کہ ایمان می آورند و دین پرست گاری می گردند و آدند برادران یوسف پس اعلیٰ شاند بدی

مهرزاد انار که ایان می آید. بند و بر میر گادی می درند و آمدند برادران یوسف (پس) داخل شدند بروی

پس بشناخت ایشان را و ایشان را و نامش را بودند و چون مهیا گردید بر لای ایشان را نام ایشان گفت بسیارید پیش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ

برادر علانی خود را که از پدر شصت و آياتی بسیند که من تمام میدهم پنهان را و من بهترین مباحثه‌ای کنندگان

بزرگوارانی خود را از پرده استعلاست آبیانه بیفکند که من تمام می‌دهم بی‌پایانه و من بهترین جهان داری کند نام

پس اگر تیار وید اورا پیش من پس ہر گز پیچیدون نہا شد مرا شما نزدیک من و ہرگز نزدیک اللہ بید من گفتہ گفتہ کہ پیچید

س اگر نیارود یه ادر ا پیش من پس هرگز نباشد کیل برای مقما نزد من و هرگز نزد یل لستویه من گفتند خواهش داشت

باید و تا زود دست باز دارد ما البته این کار کنند گایم و گفت یوسف غلامان خود را بهیچد سرا به ایشانرا ده

نادرش بازدارد و ما البته گفتیم و گفت یوسف غلامان خود را بتبیه میسرای ایشان را

[illegible]

باری ایشان شاید آن ایشانند انرا چون باز روند بسوی اهل شان شاید رجوع کنند پس چون

رجعوا الی اٰیہکم وَاٰبَائِنَا فَمِمَّا تَصِفُّونَ
 باز گشتند بسوی پدر خود و ابا یانانان از آن چیزها که توصیف می کردید

باز گفتند بسوی پدر خویش گفتند ای پدر ما فتح کرده شد از ایپسان پس بفرست بابا برادر ما

محرران و نویسندگان محترم، جناب وی جانتان بهی که تمام خدمت و مسامحه و ادب و احترام را در دست من نهادند که کثرت و کمبود



تفسیر ختانی

عبارت تفسیر ختانی که برادر
یوسف داخل مصر رفت
چون مایه برادران
ایستادند اشتغال
شهر چون توجه الطاف
خاص یوسف را بدیده
آنها مشا به کردند
برای با چشم و دقت
لبنان این سر جبهه فتن
شان بر اهتمام و شوق
خاص بکنش می بود
یوسف علیه السلام بود
بنیامین که پس از یوسف
طرف غفلت و محبت
خاص پیدا بود نیز
بر لسان برادر یوسف
اندیشه پیدا کرده
زیاد که از یک پدر
اگر بهینت اجتماعی
بشهر در آنجا حضور
پیدا شدن بر لطف که
تو به یوسف و یوسف
در باره آنها می دانست
بود نگاه خاص مردم
بدان سو جلیب مشهور
الهی و زعمی شامی
حقیقی است که
بای مسیری که در رفت
کار عالمی تا شرف
چشم است این است
که یعقوب نیز برای
بخت پسون خود را
نکرده و حسد سایر
مکروهات ظاهر این
مرد را با تامل
گردان آید
معه می تفرق
شده از
ده و ده بای شهر
داخل شوند و انکار
عمومی به آنها کردند
نشان ده عین زمین
گفتند سیرا فیصله
قضای و قله را باز
داشته می توانند در کائنات

لَتَكُلَّ وَارِثًا لَّكَ حَفْظُونَ ۶ قَالَ هَلْ أَمْنَكُمْ عَلَيْهِ ۷ أَلَا كَيْفَ أَمْنَكُمْ عَلَيْهِ ۸

تا پناه گیرم و هر آینه ما نگهدارنده ایم گفت یعقوب این نیکم شمارا بروی مگر چنانکه این گرفته بودم شمارا بر
تا پناه گیرم و هر آینه ما نگهدارنده ایم گفت یعقوب این نیکم شمارا بروی مگر چنانکه این گرفته بودم شمارا بر

أَخِيهِ مِنْ قَبْلِ ۹ قَالَ لَهُ خَيْرُ حَفْظٍ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ ۱۰ وَلَمَّا

برادر و یوسف ازین پس خدا بهتر است نگاه دارنده و او مهربان ترین مهربانان است و چون
برادر و یوسف ازین پس خدا بهتر است نگاه دارنده و او مهربان ترین مهربانان است و چون

فَتَحَمَّامَتَاهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رَدَّتْ إِلَيْهِمْ ۱۱ قَالُوا يَا بَنَا نَامُوسَ ۱۲ هَذَا

بکشادند رخت خود یا گفتند سرمای خود را باز گردانیده بایشان گفتند ای پدر ما دیگر چه می خواهیم این است
بکشادند رخت خود یا گفتند سرمای خود را باز گردانیده بایشان گفتند ای پدر ما دیگر چه می خواهیم این است

بِضَاعَتِنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا ۱۳ وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدُ بِكَ بَعِيرٌ

سرمای ما باز گردانیده بسوی ما برودیم بلکه غذا آوریم برای کن خود و نگهدارنده ای کنیم برادر خود را و یوسف
سرمای ما باز گردانیده بسوی ما برودیم و غذا آوریم برای کن خود و نگهدارنده ای کنیم برادر خود را و یوسف

ذَلِكَ كَيْفَ يَسِيرُ ۱۴ قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُوا مِنْ مَوَاقِلَ ۱۵

و آنچه آورده ایم پناه اندک است گفتند ز درسم او را با شما تا آنکه و بعد مرا عهدی از
این پناه آسان اندک است گفتند هرگز ز درسم او را با شما تا آنکه و بعد مرا عهدی از

اللَّهُ كَتَبَتْهُ يَدَاهُ ۱۶ إِلَّا أَنْ يَسْجُطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوَاقِلَهُمْ قَالَ اللَّهُ

خدا که البتہ باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون دادند موقلش را گفت یعقوب خدا
خدا که البتہ باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون دادند موقلش را گفت یعقوب خدا

مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ۱۷ وَقَالَ لِيَبْنِيَ لَكَ خُذُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا

آنچه می گویم نگهدارنده است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آنجا
آنچه می گویم نگهدارنده است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آنجا

مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ۱۸ وَمَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ

از دروازه های پراکنده و دفع نمی کند از شما از قضای خدا چیزی را نیست فرمان روانی
از دروازه های پراکنده و دفع نمی کند از شما از قضای خدا چیزی را نیست فرمان روانی

أَلَا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۱۹ وَلَمَّا دَخَلُوا

مگر خدا را بروی توکل کردم و بروی توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند
مگر خدا را بروی توکل کردم و بروی توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند

مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً

از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از قضای خدا مگر برای
از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از قضای خدا مگر برای

جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنَ أَيَّتُهَا الْعِيرَاتُ كُمُ

بهاد آورد آب خوردن و در خرمن برادر خود بعد از آن آواز داد آواز گفتند که اے کاروان هر آینه شما

لَسَارِقُونَ ۲ قَالُوا أَوْ اقْبُوا عَلَيْنِهِمْ مَاذَا اتَّفَقُوا ۳ قَالُوا اتَّفَقُوا

در دزد گفتند و بسوی ایشان در آورده چیست آنچه می یابید گفتند نمی یابیم

مَوَاعِ التَّيْلُ وَلَمَّا جَاءَ بِهِ حُمْلٌ بَعِيرٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۴ قَالُوا تَنَاوَلْنَا

بیانه بادشاه را و کسی را که بیار و در حق یک بار شتر باشد و من باین و عده ضامنم گفتند بخدا

لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۵ قَالُوا إِنْ

بر آینه دانستید که نیامده ایم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده ایم گفتند پس چیست

جَزَاءُكَ إِنْ كُنْتُمْ كَذِبِينَ ۶ قَالُوا جَزَاءُكَ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَبُهِتَ

جزای این که اگر دروغ بگو یا بشنید گفتند جزای این فعل است که یافته شود متاع در خرمن او پس بیهوش

جَزَاءُكَ كَذَلِكَ جَزَى الظَّالِمِينَ ۷ فَبَدَأَ أَبَاوَعِبْدِهِمْ قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ

جزای او هم چنین جزای دیم ستمکاران را پس شروع کرد یوسف بهاروان های ایشان پیش از برادر او

ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كُنَّا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ

بعد از آن بر آورد و بیانه را از خرمن برادر خود هم چنین تدبیر کردیم برای یوسف مستند نبود که اسیر گیرد

أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَتَهُ مِمَّنْ نَشَاءُ ۸ وَ

برادر خود را در دین بادشاه لیکن اسیر گرفتن نیست خدا بفرماید که بخواهیم در درجه ای که

فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلَيْهِ ۹ قَالُوا إِنْ يَشِئْكَ فَقَدْ فَتَقْنَا شَرْقَ أَخِيهِ مِنْ

بالای هر خداوند دانش دانای هست گفتند اگر دزدی کند این شخص و در نیت کرد دزدی کرده بود برادر او پیش

قَبْلَ فَاسْرُهَا لِيُؤْثِرَ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا

از پیش من بهای داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود و آشکارا نکرد و آنرا پیش ایشان گفت در دل خود شما بدتر هستید از من

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۱۰ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

و خدا داناست با آنچه می گویید گفتند اے عزیز هر آینه او را پدر است پیر کلان سال

فَخَذَ أَحَدُ نَاكِحَاتِنَا أَنْثَىٰ نَزَلَتْ مِنَ الْحُسَيْنِ ۱۱ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ

پس یکی از زنان ما بچاے او بر آینه ماے بیستم ترا از نیکو کاران گفت می یابیم از خدا

إِنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا إِذْ ظَالِمُونَ ۱۲ فَلَمَّا

اگر بگیریم مگر کسی را که یافته ایم متاع خود را نزد او هر آینه ما نیکو کاران باطمینان پس چون

فل یخلفه ورا غلام
گیرد و انرا غلام ۱۲
فل حضرت یوسف
بسته از طلا از آن چو
مادی خود بدزدید تا
از عبادت منم بازماند
یامش با این قصه چنانکه
سبب جنت او باشد
بنفدی یوقوع آمده
بود و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمان
چون یوسف را یوسف
غلام با بارشده مسلمان
سفر داده و مرید هاجی
سبعین بدون اطلاع
بنیامین در اسباب
وی گذاشت چون
کاروان عزم رحیل
کرد محافظان کجوی
وام از او در کاروان
طرف اشتباه واقع
شد هنوز اندکی دور
نشده بودند که از
محافظین فریاد و شای
یافتند و زدید تعلیم
اگر یوسف را یوسف چنین
گفتند و طلب این است
و یوسف را می دزدند
شما آنانید که برادر را
از پدر دزدید و غرق قید
رفتار و کردار با به
مروان مصر معلوم است
کیست درین جا که
نشان دهد که شریعت
کرده با شما برای شما
آمده با شما ما از
خانمان و در دکان می
باشیم - سزای دزد در
شریعت ابراهیمی این
بود یعنی از نزد هر که
مال دزدی می برد
پس سال ۱۱
شد بر اهلان یوسف
بر رفتن تا نون شوش
سزای دزد را بدو
تألیف کرد و نذر

قَالَ اَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ

گفتند ای عزیز رسید دست ما و گران ما سختی و آورده ایم سرایه نامقبول یعنی اندک یا ناسره پس تمام ده

لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ٩ قَالَ

از اینها و صدقه ده بر ما بر آئینه خدا جزای دهد صدقه دهندگان را گفت

هَلْ عَلِمْتُمْ مَافَعَلْتُمُ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ١٠ قَالُوا

آیا دانستید آنچه کردید یوسف و برادرش و قبیله شما نادان بودید گفتند

إِنَّكَ أَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

آیا به حقیقت تو یوسفی گفت من یوسفم و این برادر من است بر آئینه الهام کرده خدا بر ما

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ ١١ قَالُوا

بر آئینه سخن اینست که هر که پر هیز گارد کند و صبر نماید پس خدا ضایع نمی سازد خیر و نیکو کاران را گفتند

ثُمَّ قَالَ لِقَدْ أَتَرَكْتُكُمْ عَلَى الْخَطِيئَةِ ١٢ قَالَ أَكْثَرُ رَبِّ عَلَيْكُمْ

تو بعد بر آئینه فضل داده است مرا خدا بر ما و بر آئینه ما خطا کننده بودیم گفت ای سرزنش نیست بر شما

الْيَوْمَ طَيِّبُوا لَكُمْ وَهُوَ أَزْهَمُ الرَّجْمِينَ ١٣ إِذْ هَبُوا بَقِيَّةَ مِثْقَلٍ مِنْ هَذَا

امروز بیامرز خدا شما را و او مهربان ترین مهربانان است برید این و پیرایه مرا

ثِقَلٍ عَلَى وَجْهِي يَأْتِ بِصِيرَةٍ أَوْ آتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ١٤ وَلَمَّا

پس با تکیه بر من بر روی من تا صیرت پیدا دهم و بیاید نزد من این خویش را همه یک جا و چون

فَصَلَّتْ الْعِيرُ قَالَ أَبُو هَمَّامٍ لِكَيْلِ يَوْسُفَ لَوْلَا أَنْ تَقْدِرُونَ ١٥

جدا شد کاروان یعنی از شهر گفت پدر ایشان بر آئینه من می یابم یوسف را اگر به نقصان عقل نسبت نکنید مرا

قَالُوا ثَلَاثُ أَثَرٍ لَكَ لَقِيَ ضَلَالَكَ الْقَدِيمَ ١٦ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ

گفتند خدا بر آئینه تو در خطای قدیم خودی پس چون بیاید پیش دست مزده و چند

الْقَدِيمُ عَلَى وَجْهِهِ فَأَرْتَلَّ بِصِيرَةٍ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ

انداخت قدیم را بر روی وی پس گشت بینا گفت ایما گفتند یوسف را که بر آئینه من می دانم از جانب خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ١٧ قَالُوا يَا بَنَا آسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ١٨

آنچه نمیدانید گفتند ای پسر ما آمرزش طلب کن برای ما و در حق گناهان ما بر آئینه ما گناه بودیم

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ١٩

گفت طلب آمرزش خواهم کرد برای شما از پروردگار خود بر آئینه او آمرزنده مهربان است

گفت زود باشد که آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود (بر آئینه) او آمرزنده مهربان است

تفسیر عثمان
بشر بن برادر یوسف
ایستاد مصر نزد یوسف
مقام یوسف معلوم شود
وارد او شدند خدمت
در پی کسی بودند که
دی صاحب است یعنی بنی
بن مزید بر آن جوان
تجربه بود و به غله نیاز
داشتند و میخواستند
بدین امر نزد یوسف را
موجه گردانند و اگر
در این مقام دوست
مهربان یافتند سخن
بنیامین را نیز مهربان
آنها ازین جهت گفتن
سخن که در حضور یوسف
عزیز السلام گفتند این
یوسف از عزیز مصر در
این روز کار به نسبت
قطعه دیناری را با خود
داشت مصیبت خود
آدم هر چه ضایع خانه
داشتیم فرخته شد
جز متاع اندک دوز
باید که به عرض خریداری
غلط یا خود آورده ایم
از مقام اخلاق و
عقبات مسالمت امید
دریم نقصان متاع
ما را در نظر نداری به
بهای اندک همان
مقدار یک سکه اوقی غله
داده بودی باز غنا
الربع فی این
رعایت و تحقیق
خیر است که
میدانی یا چیز سخته
بطور خیرات بمانی
بخشائی خدا بخوای
می کند یوسف چون
شنید گریستن آغاز
کرد و شرم آورد
اشک از چشم جاری
شد آن گاه بفرمان
خدای متعال بولفتن
رو را بر گرد که گشت و
آنها با وی چه کرده اند
بعضی گویند معنی لغت معنی احسان کردنت چنان بود در مدتی مملو قهر واقع شد و صدقه ات را بپایان

تفسیر عثمانی
و مسند خود به تنظیم

کردن

و الذین یزیدون فی الخصال
یهدوا بکتابنا و یزیدون فی الخصال
عزیزیکه هدی متعال
که مانع آن شده یعنی
توانست برو فزاین
آن روز که پدیدار
جاء و هم برادران مقابل
یوسف سجده افتادند
این سجده عظیم بود چنانکه
حافظ تمام الدین ابن
کنیر گوید از زمان آدم
تا دور کاسیم هیچ جایزه
شرعیست محمیه آن را
منوع حرام کرد و ایند
دل با احادیث که
شاهد این مدعاست
بلکه حضرت شاه
عبد القادر رحم الله
علیه اشارت حرمت
آن را از ان المصلح
استنباط نموده
بعضی مفسران اینها
مقصود معنی ستیوار
سجده را ننمودند و
گویند درین جامه
از سجده تنها غم شدن
می باشد بعضی بر آنند
این سجده برای یوسف
نمود بلکه چون عزت و
عظمت یوسف را
دیدند همه بسجده مشرک
خدا بد افتد برین
تقدیر بود «خر دلانه»
لام سیغیه می
باش یعنی به
سبب روح
داقتد اریوسف
علیه السلام پیش خدا
بسجده افتادند -
تتمیمه - تعلیم و عبادت
چیز است جدا از
هم دیگر تعلیم نمودن
جز خدا و برگشتن منوع
ست العجز جز خدا نیست
عبادت کردن شرک

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبُو يَدٍ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ

پس چون درآمد بر یوسف پیغمبر عیسیاں و او برائے استقبال برآمد ہوا جانے والوں کے پیچھے پورا اور خود او گفت در آمدنہ
پس چون درآمد بر یوسف بجای داد بسوی خود پورا و مادر خود را و گفت در آمدنہ

إِنْ شَاءَ اللَّهُ مَبِينٌ ۖ وَرَفَعَ أَبُو يَدٍ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرَّ لَهُ سُجْدًا

ایمن شده اگر خدا خواسته است و بر داشت پدر و مادر خود را بر تخت خود و ایشان آفتاب و دنیای بوسه او سجده کنان
اگر خواهد خدا را حاکم ایمان یا شهید و بر داشت پدر و مادر خود را بر تخت و افتادند بسوی او سجده کنان

وَقَالَ يَا بَنِيَّ هَذَا أَوَّلُ رُءُوسِي مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

و کثرت اے پدر من اینست هجیر خواب من که پیش ازین دیده بودم بر آئینه راست ساخت آنرا خدا کے لئے
و کثرت اے پدر من اینست هجیر خواب من پیش ازین بر آئینه که واحد آنرا پروردگار من راست

وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ

و لغت خادان داد. بمن چون بیرون آوردم از زندان و آوردم شعاع را از محراب
و پدر را که بیرون آورده است. بمن چون بیرون آوردم از زندان و آوردم شعاع را از محراب

مِنْ بَعْدِ أَنْ تَزْعُمَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ أَخَوْتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ

بعد از آنکه خلافت انگلستان میان من و میان برادران من برآیند پروردگار من تدبیر نیک سازنده است
بعد از آنکه خلافت انگلستان میان من و میان برادران من (بر آئین پروردگار من تدبیر نیک سازنده است

لَمَّا يَشَاءُ اللَّهُ الْعِلْمُ الْحَكِيمُ ۝ رَقَدْ أَتَيْنَكَ مِنَ الْمَلِكِ

چمبریہ اگر میخاید ہر آئینہ دوست دانا با حکمت
چمبریہ اگر خواہد ہر آئینہ دوست دانا با حکمت

وَعَلَّمَ تَيْمِيَّ مِنْ تَارَوِيلِ الْحَادِثِ فَأَطْلَعَ السَّمْعُوتَ وَأَكْرَضَ^{٢٥} أَنْتَ

د آموختنی مرا تاویل اداویش
د آموختنی مرا از تقصیر خراب

وَلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمُؤْتَمِرِينَ ۖ فَمِنْهُمْ مُسْلِمُونَ ۖ وَأَلْحَقْنَا بِهِمْ آلَهُمْ وَأَنْهٰهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ بِأَكْبَارِهِمْ ۖ إِنَّهُمْ سَامُونَ ۖ

کار از زمین در دنیا و آخرت ملان میمران مرا و لاحق کن مرا به صاحبان

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ يُوحِيهِ إِلَيْكَ اللَّهُ وَكَانَتْ لَدَيْهِمْ إِذَا حَفَعُوا

این گفت از اخبار غریب است و حی می بینم آفراسیاب که تو و گو بنودی نزدیک ایشان چون عزم کردند

وَمِنْكُمْ مَنْ يَخُصُّكُمْ بِالْغِنَىٰ فَالْعَنُوهُ إِنَّ الْغِنَىٰ كَانَ لَشَدِيدًا ۝

بر مشورت خود بدستگاری نماند و مسلمانان بستانند اکثر مردان و اکثره حرص نمی

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِيْنَ

و سوال می کنی از ایشان بر مبلغ قرآن بیچ مزدی نیست این مگر بنده عالمهارا و بسا

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

نشانها اند در آستانها و زمین می بگردند بران اعراض کنان از تامل دران

بر این و اینسان این که هر دو می گردانند و این

و اما این نمی آید از ایشان بخدا
مگر خیر و مقرر کرده آیا این شده اند از این بیاید با ایشان

دیده شده و طبعی شود و نو برای یک نیمه هم باشد یعنی از خدای یگانگه متعال و عظمی را در هر مرتبه باشد و هر یک مشکل سه درجه باشد و از آن

140

فَأَنشَبُوا مِنْ عَدَابِ اللَّهِ أَزْوَاجَهُمْ السَّاعَةَ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣

موقوف عام از عذاب خدا یا بیاید بایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند
موقوف از عذاب خدا یا بیاید بایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند

فَلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْنِي وَ

جو این راه من است می خواهم بسوی خدا
 باجت ظاہر من پیر و ان من نیز میخوانند و
 بر (مینائی) دیده و دانسته من و هر که پیردی من گردد است
 بر این راه من است می خواهم بسوی خدا

سُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٥٠﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا

پاک خدا است و یسیتیم من از مشرک مقرر کنندگان و نه فرستاده ایم پیش از تو مگر مردانی
پاک خدا است و یسیتیم من از مشرک آرندگان و نه فرستادیم پیش از تو مگر مردانی

لَوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى ۖ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

از می میفرستادیم بایشان از اهل دیهی با
از کجای فرستیم بایشان از اهل ده با

يَفْكَانَ مَا قَبْلَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

چون شد آخر کار آسمان
پیش از ایشان بودند و هر آینه سرای آخرت بهتر است

لَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٥ حَتَّى إِذَا اسْتَأْيَسَ الرُّسُلُ

مهربان را آيا مني فهميد
مهربان را آيا مني فهميد

فَقَالُوا أَتُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَصْفَاءُ لَا يَشَاءُونَ سِيْرَهُمْ فِي الْأَشْيَاءِ وَالْغَنَى وَالْمَالُ وَالْأَوْلَادُ لِلَّهِ فَبِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

این که میزد و از غده مرده شده بایست آن نصرت با پس خلاص کرده شد هر کس خواهم در

سَنَّا عَنِ الْقَوْمِ الْمَجْرُمِينَ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانُوا فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً

غلابا از گروه سترگاران هر آینه هست در قعد پیغمبران

فقد اندان خورد

علاوندان خود را نیست قرآن سخنی که بدو رخ برافشته باشد و لیکن هست و باور دارد از تمام ما و آن

این یادیه و سبیل کی سی و هادی قرحه لوه و مینون
 میل اوده هست و بیان کننده هر چیز و هدایت و بخشایش مسلمانان را

پیش از وی است و بیان کننده هر چیز را و بدایت و رحمت است بر هر دینی که ایمان دارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغازی کسم بنام خدا شکری بے اندازه مهر بان نہایت باد تم است

این آیات بخوانند و آنچه فرو فرستاده شد از پروردگار تورا بسمت است

این با آیات کتاب (قرآن) است و آنچه فرستاده شده بیوتی تو از هند و گار تو حق است

وَلَيْسَ أَكْثَرُ مَرْدَانِ إِيْمَانٍ مَعِيَ آرْتَدَ

و این بیشتر مردمان نمی گردند بدان حد است که (برداشت) بپند گردند اما سعادتمندان

خدا را من توجیه
 خالص است من
 مرا سراسر جهان را
 دعوت می دهم که از
 او بازم اندیشه بمانم
 باطل بگذرد و بدوی
 خدای بیان در جعبه کند
 که جویدوی به صفات
 و کمالات و دی و احکام
 معرفت صحیح از ادراک صحیح
 حاصل نمایند و
 همرایان من بدرین
 راه راست بفرود
 حجت و برهان و پرتو
 بصیرت و وجدان
 روانم خدا نوری من
 که امت کرده که در
 پرتو کن ذوق تامل و آید
 من روشن گردیده
 است و این ها که
 کورانند لکس تعلیم
 غنی شود و هر دین خالص
 توحید برقی که برمی
 دارند و باطل خویش
 فروغ خاص معرفت
 و بصیرت را می بینند
 و لذت خاص عبودیت
 محض را حاصل گردوبه
 اختیار فریادی برآرد
 سبحان الله و اما
 من المشرکین
 ۱۲ عده بیشتر
 و فرشتگان آسمان را
 ۶ به نبوت نفرستاده
 بودیم انبیاء سابقین
 مردانی بودند که در قریه
 با سکونت داشتند پس
 بیغیبه که برکنده بکنید
 گلان آن با درو و نیاید
 شد حلالی و دنیا به
 کافران هم کفر و اوقات
 حش غیب میشود
 لیکن بهرودی آخرت
 خالص برای کس نه
 است که از شرک و کفر
 پرور می کنند این تنبیه
 است بر هر حق و باطل

سده در مقابل آسمان
باقی بلند زمین پست
مذکور شده با آسمان
از آفتاب و ماه که
حرکت جداگانه دارند
مختلف دارند بیانی رفت
کاری که از آفتاب و ماه
حرکت آفتاب و ماه
می آید از بروج و دایره
ماه ساخته می شود و بجهت
اعمال مختلف زمین
و چیزهای مختلفی که
بر زمین خلق دارد این
جمله نور گردیده که جانی
کوه های بلند و دره
جائی دریاها و رودها
است و میوه ها با عقابر
شکل و صورت رنگ
و لذت خوردنی و گلابی
تذکیه و تائید است و مختلف
اند زمین و بروج و دایره
شب گاهی روشن و
زمانی تاریک می باشد
و تعجب است اگر چه
چند قطعه مختلف زمین
از یک جنس بوده و
از یک آب سیراب
می گردد و از تابش
آفتاب حرارت میگیرد
همه یک هوای دوز
اما فوارات مختلف و
متنوع می دهد و در کثرت
و قلت محصولات هم
آنها متفاوت می باشد
که می بیند و حیران میشود
این نکره و دقت از
مشاهده این همه آثار
قدرت بآن می رسند
که انسان هم اگر چه
بعد از یک نوع اند و
یک ابر و همت و یک
آفتاب هدایت او را
تربیه می کند اما باز هم
از حیث ماده و معنی
اختلافات زیاد دارند
و همان قدرت غیر
محدوده است که از زمین تا آسمان نظام ترکیبی تمام مخلوقات را بقدر خود گرفته است و در حق استفاده هر چیز دایره عمل و اثر آن را به بسیار استواری تحدید نموده است پس برای آن

بغیر عَمَدٍ تَرْوُنَهَا ۖ أَمْ نَأْتُوا عَلَى الْعَرْشِ وَنَحْنُ الشَّمْسُ الْقَدِيرُ ۚ
بغیر ستون ها که رویشان استوارند یا ما بر عرش مستقر شدیم بر عرش و ما که آفتاب و ماه را برین
بغیر ستون ها که رویشان استوارند یا ما بر عرش مستقر شدیم بر عرش و ما که آفتاب و ماه را برین
يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يَذْرَؤُ الْأَمْزِلَ فَيُفْصِلُ الْأَيَّاتِ لَعَلَّكُمْ يَلْقَآءُ رَبِّكُمْ
سیر می کند و میسازد و در وقت مقرر تدبیر می کند کار خود را باین می کند نشان باین قدرت خود را تا شما بطلاقات پدید آورده
میرود و در وقت مقرر تدبیر می کند کار خود را باین می کند نشان باین قدرت خود را تا شما بطلاقات پدید آورده
تَوْقِنُونَ ۚ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسٍ وَأَنْهَارًا ۚ
یقین آید و او آنست که گسترده زمین را و آفرید در آنجا کوه ها و نهرا و
یقین کنید و او آنست که گسترده زمین را و آفرید در آنجا کوه ها و نهرا و
مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۚ جَعَلَ فِيهَا رِوَاسٍ ثَلَاثِينَ يَغْشَى الْيَلَّ النَّهَارَ ۚ إِنَّ
از هر نوع میوه و آفرید در زمین دو قسم از ترش و شیرین و خیس و خشک است و در هر روز هر آینه
از هر نوع میوه و آفرید در زمین دو قسم از ترش و شیرین و خیس و خشک است و در هر روز هر آینه
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۚ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَبَعُونَ ۚ
در این نشان است قوه را که تفکر می کنند و در زمین قطعهها مختلف است پیوسته با یکدیگر و
در این نشان است قوه را که تفکر می کنند و در زمین قطعهها مختلف است پیوسته با یکدیگر و
جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَيْتُونٍ وَنَخِيلٍ مُّسَوَّوْنَ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ أَيْسَرِ الْمَاءِ ۚ
بوستانهاست از درختان انگور و کشت و زراعت و خرما با بعضی بسیار شاخ و بعضی بجز آن سیراب کرده میشود و از یک
بوستانهاست از درختان انگور و کشت و زراعت و خرما با بعضی بسیار شاخ و بعضی بجز آن سیراب کرده میشود و از یک
وَاحِلٍ وَتَفْصِيلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ ۚ فِي الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَذْكُرُونَ ۚ
آب و فصل می دهم بعضی را بر بعضی در هم میوه ها و در میوه ها (هر آینه) در این نشان است
یک آب و برتری می دهم بعضی را بر بعضی در هم میوه ها و در میوه ها (هر آینه) در این نشان است
لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۚ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ ۚ إِذْ أَتَاكَ تِبَاعًا ۚ إِنَّا لَنُفِ
قوه را که می فهمند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیات فتنه خاس تویم آیا مادر
قوه را که می فهمند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیات فتنه خاس تویم آیا مادر
خَلَقَ جَدِيدًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَى ۚ فِي
آفرینش نو خوانیم بود ایشانند آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش و ایشانند باین صفت که طوطی در
آفرینش نو خوانیم بود ایشانند آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش و ایشانند باین صفت که طوطی در
أَعْنَابٍ ۚ وَفِيهَا خِلْدُونَ ۚ
گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش ایشان آنگاه جا دیدان باشند و
گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش ایشان آنگاه جا دیدان باشند و
يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۚ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ ۚ
بشتاب می طلبند از تو بدی پیش از راحت و هر آینه گذشته است پیش از ایشان عقوبت با
بشتاب می طلبند از تو بدی پیش از راحتی و هر آینه گذشته است پیش از ایشان عقوبت با
وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلُمِهِمْ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ
دهر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان و هر آینه پروردگار تو سخت
دهر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان و هر آینه پروردگار تو سخت
الْعَقَابُ ۚ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا الْوَلَا أُنْزِلَ عَلَيْكَ آيَةٌ مِنْ رَبِّكَ ۚ إِنَّا
عقوبت است و می گویند کاذبان چرا فرستاده نشد بر این و میگویند که آیات از پروردگار او یا محمد جز این نیست
عقوبت است و می گویند کاذبان چرا فرستاده نشد بر این و میگویند که آیات از پروردگار او یا محمد جز این نیست
و همان قدرت غیر
محدوده است که از زمین تا آسمان نظام ترکیبی تمام مخلوقات را بقدر خود گرفته است و در حق استفاده هر چیز دایره عمل و اثر آن را به بسیار استواری تحدید نموده است پس برای آن

مُنْذِرًا لِّكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۝۱۰۰ اَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُحْسِلُ ۝۱۰۱ اَنْتَ وَمَا

و هر قوس را راه نایب باشد خدای داند آنچه در شکم می دارد هر زن و آنچه ناهن می کنند هر کس را
و هر قوس را راه نایب باشد خدای داند آنچه در شکم می دارد هر زن و آنچه ناهن می کنند هر کس را

فَقَضِ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزِدْ أَدُوْكَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِرَقْدٍ ۖ ۝ ١ ۖ عِلْمُ الْغَيْبِ

ریاضہ می گردانند و ہر چیزے نزدیک او ہانداڑہ است و اناست بہ پینہاں
ناہمی کند رمہا و ایچہ زیادہ می گرداند و ہر چیزے نزد او ہانداڑہ است و انای پینہاں

الشَّهَادَةُ الْكُبْرَى الْمُتَعَالِ ٢ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ

بزرگ است بلند مرتبه است یکسان است از شما کنید پیوسته سخن را و کنید
بزرگ است بلند مرتبه است یکسان است از شما کنید آهسته گوید سخن را و کنید

جَهْرِيَةً وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ۖ لَهُ مُعَقَّبٌ

آواز بلند گوید آنرا دسبک و سه پنجاه است در شب و کسیکه آوازه می‌رود در روز برای آدمی فرستگانند از پنهان یکدیگر آیند
آواز بلند گوید آنرا دسبک و سه پنجاه است در شب و راه می‌رود بر روی آدمی تعقیب کنند خانه

مَنْ يَأْتِي بِدَلِيلٍ وَمِنْ خَلْفِهِ يُحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا

پیش رو دست او و پیش پشت او نگاه میدارند او را بحکم خدا (سهر آینه خدا
پیش روی او و پیش پشت او نگاه میدارند او را بحکم خدا (سهر آینه خدا

يَعْرِضُ مَا يَقُومُ حَتَّى يَغَيِّرَ مَا بَانَفْسِهِمْ ط وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا

بدل بی کند حالت قومی را تا دقتیکه لیر دهنده آنچه در نفس های ایشان است و چون خواهد خدا بگردی (بدی) آفت پس

رَدْلَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ أَلَيْسَ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ سَبِيلَكُمْ خَوْفًا

و در روز دهم آنرا دایمیت ایشان را مجزوی بیج کار سازنده عهداوست آنکمی نایب شمار برق برای قمرس

فطعنوا في شئ السحاب الثقيل ٥ ويسبب الرعد بمجموعه والمليحة

وایمید ویرمیلادو ابرهائے گران را و پیاکی مادمی کند رعد بهستان ایل او و فرستان

از قریب او در فرستد صاحبش را بر سر ساند آنرا بفرستد خواه و کاذبان

از ترس او دمی فرستد ماعقبا پس میرساند آنرا بهر که خواهد

چهارم آن بی الله وهو سيد ابي حنبله دعوای و ابی و ابی
مکذبه می کنند در باب خدا و او بسیار قوت است مراد است دعا حق و آنانکه کاران

میدانی کنند در سخن خدا و سخت است گرفت او اوراست دعوت حق و آنا

ایشان را میخوانند بجز خدا قبول نمی کنند و عاقل ایشان را هیچ وجه مگر مانند یک کبریا یا دودست خود را بسوئے

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا هذا كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

آپ نابارہ بدبھل و آن آب ہرگز رسد نہ نیت بدہاں او ویتست دعائے کافران مگر در بے فائیدی

وَلَهُ سُلْطَانٌ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ وَالْجَبَلِ وَالْأَنْهَارِ وَالْجَبَلِ وَالْأَنْهَارِ

و زمین است خواهان و ناخواهان و بجهت می کنند مایه باقی ایشان و بجهت

ان شاء، نازا اشخاص و افراد بر آن تعیین خوبی دیدی قوم به لحاظ اکثریت و غلبه می باشد.

بیان شد و از اشخاص و افراد ذریعہ تمسید و خیر و برکت و تقویٰ و محاظ اکثریت و غلبه می باشد و

و لا یکن من انفسا
ناواهل سجده
می کنند نزدیک
شدت یا ترس
ششیر و فرشته یکن
و سلمان خوابان
و الله اعلم
مزمع گوید یعنی لابد است
که در هر نفس خیر و شر
باشیم چنین لابد است
که در آدمیان یکنوایی
و یکنوایی باشند یکن
یکنوایی را بد است
می سازد و گاهی ایشان
را پیش می رود و بدکاران
را پاک می کند و مانند
اعلم لا تغییر عثمانی
علا یا موجودین شما
مانند خدا چیزی
آفریده توانسته اند
که از ان در اشتباه
آفتاده آن باران جاری
پذیرفته اند یعنی برگزینی
تواند که یک بار گس
بایک پای پیرش را برساند
بلکه خداوند نیز مانند
سائر اشیا آفریده
همان خدای یگانه
توانای باشد پس
چنین چیزهای مختلف
و ناقص را بخدای
بزرگتر و جلال
و قهر و پستی است
ند و نه با بر
صورت میگذرد
در آخرت چنان
پریشان و در مانده
باشند که اگر
تا هزاران
و نه در
و ترس ایشان
باشد نظیر آن که در کلام
کنند که آن همه را
قدیمه همدست یار
انسان سرگردانی
نجات یابنده وانی
و الله اعلم

و الارض قل من رب السموات والارض قل الله قل افاتخذ
دشام دل بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو از طرف ایشان خداست بگو اگر نفی
دشام بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خداست بگو آیا مگر نفی
من دونه اولیاء لا یبدلکون لا نفسهم نفعاً ولا ضرراً قل هل
بجز دونه دوستانی که نمی توانند برائے خویش
بجز دونه دوستانی که نمی توانند برائے خویش
یستوی الاعمى والبصیر اه هل تستوی الظلمات والنور ام جعلوا
برابرست نابینا و بینا نه ای برابرست تاریکی با درخشندگی آیا مقرر کرده اند
برابر می شود نابینا و بینا نه ای برابرست تاریکی با درخشندگی آیا مقرر کرده اند
الله هدی کما خلقه فتنشابه الخلق علیهم قل الله خالق
خدا را هدی که آفریده باشد مانند آفرینش خدا پس مشبه شده است آفرینش برایشان بگو خدا آفریننده
برای خدا شریکان که آفریده باشند مانند آفرینش خدا پس مشبه شده است آفرینش برایشان بگو خدا آفریننده
کل شیء وهو الواحد القهار انزل من السماء ماء فسالت
هر چیز است و او است یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان آب را پس روان شد
هر چیز است و او است یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان آب را پس جاری شد
اودیه بقدرها فاحتمل السبل زبداء الیاء و ما یوقدون علیه
رودها باندازه خویش پس برداشت سبل گلی آسیده و از آن بچه میگذاردندش
رودها باندازه خویش پس برداشت سبل گلی آسیده و از آن بچه میگذاردندش
فی النار ابتغاء حلیة او متاع زبد مثله کذلک یضرب الله الحق
در آتش بطلب بهر آیه یا بطلب رخت خانه کف است اندک آب هم چنین بیان می کند خدا مثل حق
در آتش می گذاردندش بر آتش برای خواستن پیرایه یا بطلب اسباب که در آن کف است مانند آن هم چنین بیان می کند خدا حق
و الباطل فاما الزبد فید هب جفأ و اما ما ینفع الناس فیکف
و باطل را اما آن کف پس میرود ناچیز شده و اما آنچه سود میرساند بمردمان می ماند
و باطل را اما آن کف آب پس میرود خشکیده و آنچه سود میرساند بمردمان پس می ماند
فی الارض کذلک یضرب الله الامثال للذین استجابوا لیه
در زمین هم چنین بیان می کند خدا مثل باران است
در زمین هم چنین بیان می کند خدا مثل باران است
الحسنه و الذین لم یستجیبوا له وان لهم ما فی الارض جمیعاً
حالت نیک است و آنانی قبول نکردند سخن او را اگر ایشان را آنچه در زمین است همه یک جا
حالت نیک است و آنانی قبول نکردند حکم او را اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همه
و مثله معه لا فتد و ابیه اولیک لهم سوء الحساب و ما و لهم
و مانند آن همراه آن البته تو من خود دهنده آنرا آنجا که ایشان راست سختی حساب و جانے ایشان
و مانند آن همراه آن در بدل خود آنجا که ایشان راست بد حساب و جانے ایشان
بجملهم و یبئس الیهاد افسن یعلم انما انزل الیک من ربک
دو دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار تو
دو دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار تو
الحق کین هو اعلم انما یتن کواو لوالا کتاب الذین یوفون
راست است مانند کسی باشد که دین ناپیدا است جز این نیست که پند پذیرد میگوید خداوندان خدایان خود را می کنند
راست است مانند کسی باشد که دین ناپیدا است جز این نیست که پند پذیرد میگوید خداوندان خدایان خود را می کنند
و الله اعلم

بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْعَيْثَانَ ۝ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ

بَعْدَ خدایا و نه می شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيَجْشُونَ رَهْمًا وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۝ وَالَّذِينَ

به آن که وصل می کنند و می ترسند از پروردگار خویش و می اندیشند از بدی حساب و آنانی که

صَبَرُوا وَالْبِنَاءَ وَجَرَّ رَهْمًا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

شکیبایی کردند بطلب رسته پروردگار خویش و بر پا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی دادیم ایشان پنهان

وَعَلَانِيَةً وَيُبَادِرُونَ بِالْحَسَنَةِ الشَّيْئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَقُوبٌ لِّدَارٍ ۝

و آشکارا و در دفع می کنند به نیکی و بدی می کنند در مقابل بدی یعنی عه برای آن کرده است جزای آن سران

جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُوهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آلِهَا فَهُمْ فِيهَا ۝ وَذُرِّيَّتُهُمْ

بستانهاست همیشه ماندن در آیند آنجا ایشان و هر کس نیکی کرده از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۝ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

و فرشتگان داخل شوند بر ایشان از هر دروازه می گویند سلامتی بر شماست بسبب صبر کردن شما

نِعْمَ عَقُوبُ الدَّارِ ۝ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ

بسیار نیک است جزای آن سران و آنانی که می شکند عهد خدا را بعد استواری کردن آن و

يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ

قطع می کنند آنچه فرموده است خدا که وصل می کند و فساد می کنند در زمین آنجا

لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

ایشان لعنت است و ایشان سراسر خدا لعنت شده بسیار روزی را بر آن هر که خواهد و تنگ می کند

وَفُجِّرُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَ

و فساد شدند با حیات دنیای و نیست زندگانی دنیا به نسبت آخرت مگر متاع اندک و

عَوَّلَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا يُزِلُّهُمْ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلَّ

ی گویند که گمرازان چنان فرود آورده شد بر ایشان نشان از عذاب پروردگار او را بگوهر آینه خدا همراه می کند

مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَهُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَفُّوا عَنْهُمْ

هر که خواهد و راه می نماید بسوی خویش هر که را رجوع کرد آنانی که گمرویدند و آدمی باید دس باشد ایشان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكَفُّوا عَنْهُمْ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَفُّوا عَنْهُمْ

و آنانی که ایمان آوردند و گمرازان را

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكَفُّوا عَنْهُمْ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَفُّوا عَنْهُمْ

و آنانی که ایمان آوردند و گمرازان را

فتح الرحمن
صلی الله علیه و آله
تفسیر عثمانی
عنه عفت و جلال
ای را در نظر گرفته
براسان پیا شدند
دو پست و درین نمک اند
روزی که دره زده صفا
گرفت می شود آید حاصل
خوایم داشت عه
بدی را به نیکی جواب
می دهند و در مقابل
دشمنی ملامت می کنند
کسی را که به آن با
ستم کند می بخشد
ایشان را بخشایش
و بهم افزونی نبات
نبات میدی را
گذشته بنگار نماید
اگر به عمل بدی باز
ایشان سرزند و در
مقابل آن کار نیک
یعنی توبه می کنند و
به تلافی گناه می پیوند
ده گمرازان را بطور
تغلیب استامها
نیز در آن شامل اند
به کلامی که فرموده جنت
داده شده این باشد
دیگر است یعنی علوه
بر سر مرتبه که برای آنها
بسیار حاصل می شود این
نعمت نیز از انانی
می شود که پادشاهان
و امان و ازدواج
خودشان که آنها
نیز بسبب اعمال
حسن خود در بهشت
داخل شده اند کجا
شوند حتی اگر از جمل
متحقین آنها که
در مرتبه کم باشد خداوند
بفضل و مرحمت خود
در مرتبه او افزوده بکن
کامان نزدیک میدهد
و الذین آمنوا و کفوا عنهم
و آنانی که ایمان آوردند و گمرازان را

مل مترجم گوید یعنی
از کسی که درخواست
ی کند و آن مترجم
گوید و آن کلمات است
از شدت که از و
خون پاک برایشان
ستوی شود و با قدرت
بخشند یا بندگان را
و مترجم گوید یعنی
او صاف ایشان را
و کند تا با وضاحت
خاصه قابل کرده شود
نقی حالت ظاهر گردد
والله اعلم بالصواب
تقدیر با سبب که در
سخن بے اصل و اثر
اعلم فی تفسیر عثمانی
ع این جامه از
قرآن تمام کتاب است
چنانکه در یک حدیث
پیچ بر زبور نظر قرآن
اطلاق شده یعنی اگر
کتابی فرستاده میشد
که بواسطه آن نشان
های مطلوب
تکمیل می یافت
غیر ازین قرآن ۱۰
کتاب دیگر نمی بود اگر
پس قرآن است که
مردمان را روشن کرد
استوار بودند بطور
روماتی از جایجا
کرده است زمین
تلوب بشر را شاکفته
چند برای موفقی الهی
را از ان جاری نمود
راه با پای وصول
الی الله اگر بایستد
باطی می شد آسان
مردمان که اکنون
بیک آن طے میشود
در مرد و دامن روح
زندگی جاوید و مبد
چون آن قرآن ایضا
شفاه هدایت نصیب
نشد بالارض آن
و معانی در خاصیت

الصلیحت طوبی لهم وحسن ما بکذلک أرسلناک فی امۃ قل
کردند حالت خوش باشد ایشان را و خوبی جایگاه باشد هم چنین فرستادیم ترا در امۃ که
کردند حالت خوش باشد ایشان را و خوب جایگاه هم چنین فرستادیم ترا در امتی که
خلفت من قبلها امۃ لتتوا علیهم الذی اوحینا الیک و هم یكفرون
گذشتند پیش از و امت بانی بسیار تا بخوانی برای ایشان آنچه حکم دهمی فرستادیم بسوی تو و ایشان منکر می شوند
بالرحمن قل هو ربی لا اله الا هو علیہ توکل و الیه متاب
بخدا بخوان او پروردگار من است نیست هیچ معبود مگر او پروردگار من است توکل کردم و بسوی او دست و رجوع من
از رحمت بخوان او پروردگار من است نیست هیچ معبود مگر او پروردگار من است توکل کردم و بسوی او دست و رجوع من
و لو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کفر به
و اگر بودی قرآن که روان کرده میشد بسبب آن کوه ها یا شکافت میشد بسبب آن زمین یا به سخن آورده میشد بسبب آن
و اگر بودی قرآن که روان کرده میشد بسبب آن کوه ها یا شکافت میشد بسبب آن زمین یا به سخن آورده میشد بسبب آن
الموتی بکل لک الامۃ جمیعاً اقله یا ینیس الذین امنوا ان لو نشا
مردگان نیز ایمان نمی آورند بلکه خداست راست کار همه یک جا آید انداخته اند مسلمانان که اگر خواسته
مردگان بلکه خدا درست کار همه را آید گوید نشاند آنها که گردیده اند برانکه اگر خواستی
الله لهدی الناس جمیعاً و لا یزال الذین کفروا تصیبهم بها
خدا راه نموده مردمان را همه یکجا و همیشه کافران باین صفت باشند که میرسد بایشان بسبب آنچه
خدا راه نموده مردمان را همه و همیشه آنانکه منکر شدند بر سر ایشان را به آنچه
صنعوا قارعة او تحمل قریباً من دارهم حتی یاتی وعد الله ان
کردند عقوبتی سخت یا فری آید آن عقوبت نزدیک بخوار ایشان و تا وقتیکه بیاید و عده خدا هر آینه
کرده اند صدمه یا فرود می آید از نزدیک سرای ایشان تا وقتیکه برسد و عده خدا (هر آینه)
الله لا یخلف الیوم اذ و لقد استعجزی برسول من قبله و کما ملئ
خدا خلافت نمی کند و عده را و هر آینه استعجز کرده شد پیغمبران پیش از تو پس مهلت دادم
خدا خلافت نمی کند و عده خود را و هر آینه استعجز کرده شد پیغمبران پیش از تو پس مهلت دادم
لذین کفروا ثم اخذتهم فکینف کان عقاب ۱ افسن هو قاید
کافران را باز گرفتار کردم ایشان را پس چون بود عقوبت من آیا سبک خبر گیرنده است
مسکوران را باز گرفتار کردم ایشان را پس چون بود عقوبت من (آیا هر کس که او باشد نگاهبان)
علی کل نفس بما کسبت و جعلوا لله شرکاء قل سئلوه هم
بر هر نفسی آنچه عمل کرده است این چنین باشد و مقرر کردند کافران خدای را شریکان بخوان که از ایشان بپرسند
بر هر نفسی آنچه عمل کرده است و مقرر کردند برای خدا شریکان بخوان که از ایشان بپرسند
تنبؤونه بما لا یعلم فی الارض ام یظن انهم یعلمون القول بل سیرت
خبر میدهند خدا را آنچه نمیداند در زمین یا فریفته میشوند به سخن سرسری و بلکه آمانت کرده شده است
خبر میدهند خدا را آنچه نمی داند در زمین یا فریفته میشوند به سخن سرسری و بلکه آمانت کرده شده است
لذین کفروا ثم وصوا عن السبیل و من یضلل الله فما
کافران را انداخته فاسد ایشان و باز در شسته است و اند از راه و هر که گمراه کنش خدا نیست او را
برای آنانکه مگردیدند و سبب شدن و باز در شسته شده اند از راه و هر که گمراه کنش خدا نیست او را
من هادی لهم عذاب الذین یأمنون و عذاب الذین یأمنون و عذاب الذین یأمنون
راهنما را نمیدهد ایشان را عذاب است در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت تر است و نیست
راهنما را نمیدهد ایشان را عذاب است در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت تر است و نیست
نشد بالارض آن

لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاَقِ ۙ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي

ایشان را از خدا بی نگاه دارند	صفت بهشتی که	و عله کرده شده است متقیان را ایست که میرود
ایشان را از خدا بی نگاه دارند	حال بهشتی که	و عله داده شده اند بر بزرگان میرود

مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَرُ أَكْهَادَ أَيْمٍ وَظِلَّهَا تِلْكَ عَقْبَى الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ

ميوه آں اوجايد است و سايه اش بيم چنين ابن است جزائے متقيان و
ميوه آن جاويد است و سايه آن بيم چنين، ايز است جزاء آنانگي منسوب و

عَلَى الْكَافِرِينَ مِنَ النَّارِ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ بَقَرَةَ

آتش است و آنرا که دادیم ایشان را کتاب شامی شوند و آنچه فرستاده شد

جزایه لایمان اس است و اما که دادیم این را لقب میشوند باجمه فرستاده شده

ہو تو وائیں، جاعتہا کے است کہ انہارمی کند بعض اورا بجو جز این نیست کہ فرمودہ شد مرا کہ عبادت کن

هری نوعه و از این جماعت پاکست که انکار می کند بعضی آنرا بگو (جز این نیست) که فرموده شده مرا که عبادت کنم

اللہ ورا لہم فیہ ادعوا وایئہ فارب وکلایہ انزلنہما
تعدادا وشریک او مقربین کم یسوتے اوی خواہم ولسوتے ادست مرتب من و ہم چنین فز و فستادیم قرآن را

هَذَا وَتَرْكِ أَوْ مَقْرُونَةٍ سَوِيٍّ أَوْ مُخَالَفٍ لَهَا بَعْدَ تَمَامِهِ، أَدْمَتُ بِازْكَشْتِ مَنْ وَهَبْتُ جَنِينَ ذُو فَسْتَادِمِ الْإِنِّ كَلَامِ رَا

وَالَّذِينَ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ يَعْلَمُ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّكَ إِذْ مَدَدْتَهُمْ لَكَ إِحْسَانًا ۖ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَمَّا جَاءَكَ مِنْهُمُ الرَّحْمَةُ أَنْ قُلْ يُغْنِيكُمْ رَبِّي ۚ فَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ لَرَبِّنَا لَمَا جِئْنَاكَ بِالْحَافِي ۚ وَقَدْ خَلَّيْنَا مِنْ قَبْلِكَ مَا لَا تُبَالِي بِهِمْ ۚ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ آتٍ يَأْتِيهِمْ فِيْ يَوْمٍ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ وَلَا يُنصَرُونَ ۚ

و اگر پیردی کنی خواهش پای ایشان را بعد از آنچه آمده است بتو از علم نیست ترا

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ

وهرآینه در سادیم پیغامبران را پیش از تو و
وهرآینه (فرستادیم پیغمبران را پیش از تو و

جَعَلْنَاهُمْ أَزْوَاجًا ۖ ذَرِيَّةً ۖ وَمَكَانًا لِّرَّسُولٍ أَن يَأْتِي بِآيَةٍ إِلَّا

ایشان را زنان و فرزندان و شاید پنج پسر بمهره
ایشان را زنان و فرزندان و نشاید پنج پسر بمهره

بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ① يَتَّبِعُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا

کلم خدا ہر نفسائے موقت را نامہ ہست و ناپود میسازد خدا ہر چہ میخواد و ثابت می کند ہر چہ خواہد و

عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ٢ وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ

نزدیک اوست ام الكتاب یعنی لوح محفوظند و اگر بناییم ترا بعضی آنچه و عده می یکنم بایکسان
نزد اوست اصل کتاب و اگر نمایم ترا بعضی آنچه و عده کنیم با ایشان

وَلْتَوَسَّلْكَ فَاسْمَاعِلُكَ الْبَلَّغُ عَلَيْنَا الْحَسَّاءُ (٣) أَوَّلُهُ يَرَوُا

بهر حال جزئی نیست که بر تو پیغام رسانیدن است و بر ماست حساب آیا می بیند

فَإِن تَابُوا فَهُوَ رَاقٍ

و خدا حکم می کند بفرستادن او و گویند

10. ابراهیم (ع) باین سرزمین که ناقصی سازیم آنرا از جواب آن و خدا حکمی کند نیست و رکنند

و او زود واپ گنده است و هر آینه بدسگایند آنکه پیش از ایشان بودند

و او را زود حساب کند و است (و هر آینه) فریب کردند آنانی پیش از ایشان بودند

و ان شاء الله تعالی و ندیم یک نوح مسهرت بود زیرا می دید که آن کرم که کمال خوبی کتاب های شان را تصدیق می کند و بتوصیف و تعلیم پیغمبر



فلا ينفذ اجار يهود
ميدانند که رسالت
آخفتند علی الله علیه
وسلم مع است و الله
اعلم ۱۲ فای یعنی به
مشبهات ثابت می
کنند که کج است
تساوی
یوتانی که از
جانب اولوند ۱۳
تفسیر عثمانی
عنه طوریکه که نشان
انجام مکر خود را دیدند
به کف موجود هم قد
عاقبت معلوم میشود
عده از تکذیب شما
چیزه ساختنی شود
چون خدای پاک نش
بای بزرگ عداقت
مرا آشکار میکند قرآن
که کلام دوست هم
چنانچه بر خود آمدن
خود از بارگاه الهی
گواهی میدهد بر نبوت
من نیز شاهد است
اگر دیده بکشید می
بیند که در احوال بسیار
نامسا عدالت است
در آتی باین صورت و
تأثیر آن در دل
و شمعان و مخلوب
و مقهور شدن به صف
همه برای حقانیت من
درین آشکارا از
طرف خداست سه
بسیار که از علم قرآن
و تحقیق آن آگاه شد
اند نیز از دل گواهی
میدهد که دروغی نباشد
ام هم چنین دل بانی
آنانی که در کتب سابقه
ساده و پیشگویی باشد
آن یاد مخصوص من
علم دارند گواهی می
دهند که محمد صلی الله
علیه وسلم مطابق با حق
بیست گوی با ظهور نموده

فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ
پس خدا است بدستگاری همه یک ما میداند آنچه بعمل می آرد هر نفس و خواهند داشت این کافران
پس خدای راست (جزای) بکشان همه می دانند آنچه می کنند هر نفس و زود خواهند دانست این کافران
لِمَنْ عِثْبَى الدَّارِ ۵ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا اَلَسْتُ مُرْسَلًا قُلْ
که کرا باشد جزای آن سرای و می گویند کافران یعنی پیغامبر بخو
که کرا باشد جزای آن سرای و می گویند کافران یعنی فرستاده شده بخو
كُفِّرْ بِاللَّهِ شَهِيدًا ابْعِثْنِي وَبَيِّنْكُمْ لَوْ مِنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ۶
پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسیکه نزد او است علم کتاب و
پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسیکه نزد او است علم کتاب و
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ۷
جسم خدای بخشاینده مهربان
آغاز می کنم بنام خدای که بی اندازه مهربان نهایت بارم است
الرَّكِبِ أَنْزَلْنَاهُ الْكِتَابَ لَتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ
این کتاب است که فرود فرستادم آنرا بسوئی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی به سوی روشنی
این قرآن کتاب است که فرود فرستادم آنرا بسوئی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی به سوی روشنی
رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۱ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي
پروردگار ایشان بسوئی راه خدا غالب ستوده بسوئی راه خدای که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
پروردگار ایشان بسوئی راه خدا غالب ستوده خدای که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۲ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
زمین است و دایمی کافران را از عذاب سخت آنگاه که اختیار می کنند
زمین است و دایمی کافران را از عذاب سخت آنگاه که اختیار می کنند
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا
زندگانی دنیا را بر آخرت و باز می دارند مردمان را از راه خدا و می طلبند در دین
زندگانی دنیا را بر آخرت و باز می دارند مردمان را از راه خدا و می طلبند در دین
عِوَجًا أُولَئِكَ فِي صُلًى بُعِيدٍ ۳ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ
کجی است ایشانند در کراهی دور و نه فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان
کجی است آن گروه در کراهی اند دور (از حق) و فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان
قَوْمٍ لَيْبِنَ لَهُمْ قِيَضَ اللَّهُ مِنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ
قوم او تابیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هر گمراه خواهد و راه نماید هر گمراه خواهد و او است
قوم او تابیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هر گمراه خواهد و راه نماید هر گمراه خواهد و او است
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۴ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ
غالب با حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با نشانه های خود که بگویم که بیرون آید قوم خود را از
غالب با حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با نشانه های خود که بگویم که بیرون آید قوم خود را از
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ
تاریکی با بسوئی روشنی و بپندده ایشان را برود که بایست هر آینه در این نشانهاست هر
تاریکی با بسوئی روشنی و بپندده ایشان را برود که بایست هر آینه در این نشانهاست هر
صَبَّارٍ شَكُورٍ ۵ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
شکیباست که در راه و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر خویش
شکیباست که در راه و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر خویش
است که صد با سال پیش موسی و عیسی علیهما و علی نبینا الصلوة والسلام خبر داده بودند خدا گواه باشد که تحقیق پیغمبری که ذات تو و صاحبان کتاب

اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا هَذَا نَبَا اللَّهِ لَهْدَيْنَا سَوَاءٌ عَلَيْنَا

عذاب خدا گویند اگر راه نمودی ما را خدا راه نمایی می گردیم شمارا برابر است بر ما عذاب چنانچه را گویند اگر راه نمودی ما را خدا راه نمایی می گردیم شمارا برابر است بر ما

أَجْرُ عَنَّا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنْ مَحْجُوسٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَهَا

یمن کرده شمارا دل هر آینه خدا و عده داد شمارا و عده راست و عده داد شمارا پس خلاف عذر کرد من باشا یمن کرده شمارا دل هر آینه خدا و عده داد شمارا و عده درست و عده داد شمارا پس خلاف عذر کرد من باشا

يُضَى الْأَكْفَرُ إِنَّ اللَّهَ وَعْدُهُ وَعْدُ الْحَقِّ وَوَعْدُكُمْ فَخَلَفْتُمْ

و عده داد شمارا و عده درست و عده داد شمارا پس خلاف عذر کرد من باشا و عده داد شمارا و عده درست و عده داد شمارا پس خلاف عذر کرد من باشا

وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي

و نبود مرا بر شما سلطان لیکن بود آنکه بخوانم شمارا پس قبول کردید سخن مرا و نبود مرا بر شما حکومت لیکن آنکه بخوانم شمارا پس قبول کردید سخن مرا

فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْ مَوَّأَ أَنْفُسِكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنَا

پس ملامت کنید مرا و ملامت کنید خویش را نیستم فریاد رس شما و شما نیستید پس ملامت کنید مرا و ملامت کنید خویش را نیستم من فریاد رس شما و نیستید شما

بِمُصْرِحِي ۝ إِلَى كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ

فریاد رس من هر آینه من بیزاری شدم از آنکه مرا شرک مقرر کردید پیش ازین هر آینه ستم کاران فریاد رس من هر آینه من بیزاری شدم مقرر کردم از آنکه مرا شرک مقرر کردید پیش ازین هر آینه ظالمان

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

جَنَّاتٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

در بهشت با می رود زیر آن جوئها جا دید آن در آن جا حکم پروردگار خویش در بهشت با (که) می رود زیر آن جوئها جا دید آن باشند در آنجا حکم پروردگار خویش

يُحِبُّهُمْ فِيهَا سَالِمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

دعای خیر ایشان با یکدیگر آسایم است آنجا ندیدی چگونه پدید کرد خدا استی را ساخت سخن پاکیزه را دعای خیر ایشان را طاقات ایشان در آنجا سلام است آنجا ندیدی چگونه بیان کرد خدا سخن پاکیزه

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا

مانند درخت پاکیزه که ریشه خش است و شاخه ها در آسمان می دهد میوه های خود را مانند درخت پاکیزه که ریشه خش است و شاخه ها در آسمان می دهد میوه های خود را

كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۝ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

هر لحظه حکم پروردگار خویش و پدید می آورد خدا مثلها را برای مردم تا یاد گیرند هر لحظه حکم پروردگار خویش و (می زند) بیان می کند خدا مثلها را برای مردم تا یاد گیرند

يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمِثْلَ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ

مانند بدی می شوند و مثل کلمه ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است مانند بدی می شوند و مثل کلمه ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است

أَجْنُتٌ مِنَ ثَوَى الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

که بر کنده شده از بالای زمین نیست او را هیچ استوار نیست و استواری سازد خدا که بر کنده شده از بالای زمین نیست او را هیچ استوار نمی سازد خدا

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

الْأَرْضَ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

دل منزع گوید یعنی
و تیکه بشتیان به
بهشت در آید
و در جهان بدند
و الشراطم
یعنی شریعت حق
و ملکوت ثابت
ست و در دنیا برود
روایه تازه می یابد و
مردمان متعین شوند
و ملت جا بایت در
ملکوت استقامت
یک چند در میان مردم
شایع شود باز بریم
کرده آید و الشراطم
تفسیر شتانی
یعنی دشت باشد
و بر کوچک ترین اشیا
کند می شود و گویا سپید
و کمی دو آن ظاهر شد
حاصل این در مثال
آنست که دعای ایمان
و توحید مسلمان راست
درست می باشد
زیرا دلایل آن پس
روشن و صریح و استوار
است و چون موافق
بفطرت است بنفله
آن در اعناق دل با
ریشه می داند و شایع
اعمال صالح به آسمان
قبول می رسد الیه
بصحة الکلم الطیب
و اصل الصالح می رسد
(نظر کوع) کام
موجدان از فرموده
و شیرین آن همیشه
می بردارد و ظاهر
نهان همیشه بهار حق
و صداقت و تعهد
معرفت روز بر روزی
بالد و دایمی نماید
بر عکس و دروغ و فریب
کفر و غوی باطل
جیاد می دهد و یک
خداوند اندک با و از بی

و این وقت مرگ
توین شهر و روستا
و وقت سوال منکر و
بقول حق گویا
میسازد و الله اعلم
و این یعنی
نسیاسی کردند
بشوی آن نعمت
مفقودت پس گویا
نعمت دادند و نفر
خریدند و الله اعلم
و مترجم گویا یعنی
پسران بے واسطه
و الله اعلم ۱۳
تغییراتی
عمره مراد از این با
سرداران کفند و
مشترکان است خاصه
رؤسای قریش که
زام عرب تا آنگاه در
دست ایشان بودند
خداوندان چنان
برایشان احسان
فرمود حضرت پیغمبر را
صلی الله علیه و سلم
به هدایت آنها میفرستاد
و گویا اینها را
فرود آورده و بناور
خانه و حرم خویش
را بساختند و ریاست
عرب را در آن با بر
قرار ساخت آنها را
بدل این عمل احسان
و انعام ناسیله
او که بستاند و بخیال
را دروغ انگاشتند
تا آخر بایستد و
حکایتند عاقبت
با قوم خود در
نیال تباهی
افتاد مدینه
بعد از آنکه لار احوال
نقاره میوزن نیست
تنبیه میفرود که آنها را
بیدار کنند و بگویند
فرقی زودتی از حق
عبودیت به یل آید و در

الَّذِينَ آمَنُوا الْقَوْلَ الثَّابِتَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ
مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت
و يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ فَدُفِعَ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۖ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
و گمراه میسازد خدا ستمکاران را و دفع کند خدا آنچه میخاند و آیت دیدی بسوی آنها که
و گمراه میسازد خدا (ظالمان) بے انصافان را و دفع کند خدا آنچه میخاند آیت دیدی بسوی آنها که
بَدَّ لَوَانِعَمَتِ اللَّهِ كَقَرَأُوا أَحْقَاقَ مِمَّا عَدَّارَ الْبَقَارِ ۖ جَهَنَّمَ
بدل کردند نعمت خدا را بنا سبب می و فرود آوردند قوم خود را بسرای بلای که دوزخ است
بدل کردند نعمت خدا را بنا سبب می و فرود آوردند قوم خود را بسرای تباهی عه که دوزخ است
يَصْلَوْنَ نَهَا وَيَسْأَلُ الْقَرَارَ ۖ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْكَادَ الْيَضْأَعْنَ
در آیند آنجا و آنجا قرار گاه است و مقرر کردند خدا را بتبایان تا گمراه کنند عالم را از
در آیند آنجا و بقرار گاهی است و مقرر کردند برای خدا بتبایان که گمراه کنند مردمان را از
سَبِيلِهِ قُلْ تَتَّبِعُوا فَإِنْ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۖ قُلْ لِعِبَادِي
راه او بگو بهر مذهب شوید هر آینه باز گشت شما بسوی آتش است بگو آن زندگان مرا
راه او بگو بهر مذهب شوید پس هر آینه باز گشت شما بسوی آتش است بگو مریندگان مرا
الَّذِينَ آمَنُوا يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُفِقُوا مِمَّا رَزَقَهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا
که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا
مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِي يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا يَخْلُ ۖ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ
پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در آن و نه باید بگردی خدا آنست که آفرید
پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در آن و نه باید بگردی خدا آنست که آفرید
السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ
آسمانها زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد پیاپی آب روانی
آسمانها زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد پیاپی آب روانی
الْشَّجَرَاتِ زُرْؤًا لَكُمْ وَنَحْرُكُمْ الْفَلَاحَ لَتَجْزِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَ
برای شما از شجر میوه ها و درام ساخت برای شما شجر را تا برود در دریا بحکم او
میوه ها روزی برای شما و درام ساخت برای شما شجر را تا برود در دریا بحکم او
نَحْرُكُمْ الْأَنْهَارِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ
درام ساخت برای شما جاریها و درام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان درام ساخت برای شما
درام گردانید برای شما جاریها و درام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان بیگ بخت و درام ساخت برای شما
الْبَلِّ وَالنَّهَارِ ۖ وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَاسَا السَّمُوتِ ۖ وَإِنْ تَعْدُوا
شب و روز را و داد شمارا از هر چه خواستید و اگر بشمارید
شب و روز را و داد شمارا از هر چه خواستید و اگر بشمارید
نِعَمَتِ اللَّهِ لَا تُحْصُوها ۖ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۖ وَإِذْ قَالَ
نعمت خدا را احاطه نتواند کرد آن را هر آینه انسان ستمکار ناسپاس است و یاد کن چون گفت
نعمت خدا را شمار نتواند کرد آن را هر آینه انسان بسیار ستمکار ناسپاس است و چون گفت
إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ
ایبراهیم اے پروردگار من بکن این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آن عبادت
ایبراهیم اے پروردگار من بکن این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آن عبادت کفر
عبدویت به یل آید و در جهان آخرت عمارت و افریدن را خدمت مناسب کند که بهترین عبادت است تا در امر عبادت حقوق و حدود و محال

لَا صَلاٰهٖ ۱ رَبِّ اِنَّهُمْ اَصْلٰنَ کَثِیْرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِیْ فَاِنَّهٗ
 بتان را سے پروردگار من این بتان گمراہ کردہ اند بسیار سے را از مردمان پس ہر کہ پیروی من کرد پس ہر آئینہ او

بِیِّیْ وَمَنْ عَصٰنِیْ فَاِنَّکَ عَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۲ رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْکَنْتُ مِنْ
 از ان من است و ہر کہ نافرمانی کرو مرا پس ہر آئینہ تو آمرزندہ مہربانے اسے پروردگار ما ہر آئینہ من ساکن ہا ختم بعض

ذُرِّیَّتِیْ بِوَادِیْ غَزٰی زُرِّیْعٍ عِنْدَ بَنِیْکَ الْمَحْرَہٗ رَبَّنَا لَیْقِمُوْا الصَّلٰوۃَ
 اولاد خود را بوا دی بے زراعت نزد غنہ محرم تو اسے پروردگار ما بربا یا دارند نماز را

فَاَجْعَلْ اَفِیْدَہٗ مِّنَ النَّاسِ تَهْوٰی اِلَیْہِمْ وَاَرْسَلْہُمْ مِّنَ الْمُرَاتِ
 پس بچے دے چند را از مردمان رغبت کنند بسوئے ایشان و روزی وہ ایشان را از سیوہ ہا

عَلٰہُمْ یَشْکُرُوْنَ ۳ رَبَّنَا اِنَّکَ تَعْلَمُ مَا نَخْفِیْ وَمَا نَعْلُنَ وَمَا یَخْفٰی
 تا بود کہ ایشان سپاسداری کنند اسے پروردگار ما ہر آئینہ تو میدانی آنچه چہاں میداریم و آنچه آشکارا کنیم و پوشیدہ نیست

عَلٰی اللّٰہِ مِنْ شَیْءٍ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَآءِ ۴ اَحْمَدُ لِلّٰہِ الَّذِیْ
 بر خدا هیچ چیزے در زمین و نہ در آسمان سپاس آن خدا تراست کہ

وَهَبَ لِیْ عَلٰی الْکِبَرِ اِسْمَ عِیْلِیْ وَاسْتَحَقَّ اَنْ سَمِیْعُ الدُّعَآءِ ۵
 عطا کرد مرا با وجود کلاں سالی اسمعیل و استحقق ہر آئینہ پروردگار من شنونده دعاست

رَبِّ اجْعَلْنِیْ مُقِیْمَ الصَّلٰوۃِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِیْ ۶ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءَ ۷
 اسے پروردگار من بچہ مرا پر یاد دہندہ نماز و از اولاد من نیز اسے پروردگار و قبول کن دعائے مرا

رَبَّنَا اغْفِرْ لِیْ وَلِیِّ الدِّیْنِ وَلِلْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ یَقُوْمُ الْحِسَابُ ۸
 اسے پروردگار ما بیامرز مرا وادرو پدیر مرا و مسلمانان را روزیکہ قائم شود حساب

وَالْحَسْبُ لِلّٰہِ غَافِلًا عَمَّا یَعْمَلُ الظَّالِمُوْنَ ۹ اِنَّہُمْ یُؤْخَرُوْنَ
 و چندار خدا را بے خبر از آنچه می کنند ظالمان جزا این نیست کہ مہلت میدہد ایشان را

یَوْمَ نَشْخِصُ فِیْرِ الْاَبْصَارِ ۱۰ ہُطُوْیْنَ مُقْبِعِیْ رُءُوسِہُمْ لَا یَرْجُوْنَ
 ہر اسے روزیکہ خیرہ شوند در ان چشم ہا رشتاب کنندگان سر خود پروردگان یازمعی گردد

اَلِیَوْمِ طَرَفُہُمْ اَوْفَیْہُمْ ۱۱ وَ اَنْزَلَ النَّاسَ یَوْمَ یَاۡتِہُمُ الْعَذَابُ
 سوئے ایشان چشم ایشان و و لہا بے ایشان عالی است و بترسان مردمان را از روزیکہ بیاید ایشان عذاب

یَقُوْلُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا رَبَّنَا اِنَّا کُنَّا اِلَیْکَ اَسْجِلَ فَرِیْقٍ مَّجْبُوْرًا ۱۲
 ظالمان اسے پروردگار ما موقوف دار ما را تا میعاد سے نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا

۱۳
 ظالمان اسے پروردگار ما مہلت دہ ما را تا میعاد نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا

تفسیر عثمانی

عہ در آسمان و زمین ہر چیز ہر حضرت وی تحقیقیت پس پیدا و پیمان با چنان پروردگار و در ما تحقیق را آئینہ ما خفی را چندی احوال است لیکن تحقیق جہی نذر الفاظ ما خفی و مانع عام و ہر کاہنیز ہای پوشیدہ و آشکارا مثل است حضرت شاہ رحمہ اللہ می فرماید در ظاهر دعا برای ہمہ فرزندان و در باطن منظور وی پیغمبر آخر زمان بود صلی اللہ علیہ وسلم عہد بنی عامیری رہور غیر متوقع است و را از باطن ہاجرہ و اسخی را از لہجہ سنا مرحمت فرمودی چنانکہ دعای مرا کہ در بارہ اولاد عرض کردم پذیرفتی و رب ہب لی من الصالحین این دعای مرا نیز پذیرد عہد غائبان این دعای ہنگامی کوثر بود کہ از مردن پدر در حال کفر خرد داشت پس مقصد این است کہ ابراہیم اسلام قبولی کن و روز قیامت شایستہ آمرزش گردد و اگر پس از وصول خبر مرگ وی دعا کردہ باشد شایستہ آن شہنام خداوند حضرت ابراہیم را آقاہ نگردانیدہ بود کہ کافر شایستہ دعای مغفرت نبی باشد مغفرت کافر عقلا محال نیست اما سخفا متنع است پس علم آن مرتبت

حَيَا مَسْنُونٌ ۝ قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ
 الی یوم الدین ۱۰ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۱۱ قَالَ فَإِنَّكَ
 مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۱۲ الی یوم الوقت المعلوم ۱۳ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي
 أَنْزِلْ بَيْنَ يَدَيَّ الْوَيْحَ ۱۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۶
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۹
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۱ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۲
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۵
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۸
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۲۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۱
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۲ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۴
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۷
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۳۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۰
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۱ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۲ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۳
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۶
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۴۹
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۱ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۲
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۵
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۸
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۵۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۱
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۲ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۴
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۷
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۶۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۰
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۱ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۲ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۳
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۶
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۷۹
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۱ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۲
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۴ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۵
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۷ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۸
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۸۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۰ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۱
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۲ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۳ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۴
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۵ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۶ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۷
 وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۸ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۹۹ وَأَنْزِلْ فِي الْوَيْحِ الْوَيْحَ ۱۰۰

تفسیر عثمانی
 در ست کلمه و درین
 قابلیت یونی چشم که
 تواند بعضی روح
 انسانی شود پس
 در آن روح انکس که
 از آن مجاز انسان
 گردانیده بشما حکمی
 شود که همه بجهت میقتد
 (تنبیه) روح انسان
 را که خدا بسوی خود
 اضافت نموده انسان
 جهت است که شریف
 و تکلم و امتیاز روح
 انسانی نبوده اگر در
 بعضی آن روح خاص
 که در آن نموده علم و
 تدبیر و سایر صفات
 من است از اصل
 فطرت بزرگ من می
 پردازد و از لطافت
 خصوصی نسبتا با من
 علاقه قوی دارد
 اما غرض از این حدیث
 علیه السلام دیگر
 توجیه کرده وی
 سم گوید اگر آن شب
 نیروی گویانی پیدا
 کن گوید من فیض
 نور خود را بر زمین رسانم
 آیا کند نور خود غلط
 می باشد چو این سخن
 درست است و جای که
 نه آفتاب در زمین طویل
 می کند و نه نور آن از
 جدا شود بلکه با صف
 هر دو در میان
 دوری از زمین نیز
 روشنی در تصرف خود
 اوست و زمین
 هیچ اختیاری ندارد
 مگر بقدر استعداد از
 آن منتفع گردد پس
 اگر خدای کرده و او را
 سه چنین فرمود که
 این در آدم روح خود
 که در آن است

دل پنهان گرفته اند
 شهادت خواهند داد
 نیت من اینست
 والله اعلم
 این حکم در وسط
 قصر حضرت لوط نازل
 کرده شد تا تنبیه باشد
 بر تطبیق حال مشرکین
 که بر حال قوم لوط
 امثال ایشان اند
 اطمینان
 تغییر عثماني
 در آن وقت و غیره
 مامول بود که این
 سال خود نگاه
 کرد و چیزی نگفت
 بر نظر آمدن غاصه
 طبیعت انسانی است
 دنیا را می خردی مرگ
 آگاهی می شود که بر
 غلات توقع دیگر
 مامول و ناگهانی
 باشد اگر چه بر آن
 یقین داشتند و شکی نداشت
 پیشتر کادش و تحقیق
 می نمایند لیسر تعجب
 اختیار می کنند تا خبر
 و نهنگه بکمال تأکید
 و تفریح به تکرار و تفریح
 خبری پسران را که در
 آن احتمال می نمود
 غلامی و تامل و
 التماس فاند گویا
 مقصد از اظهار
 تعجب آنست که
 بشارت خوب ارفع
 و استوار شود از
 تکرار مع لذت نوبتی
 حاصل گردد حضرت
 ابراهیم علیه السلام
 باین صورت اظهار
 تعجب نمود این کثیر
 چنین گوید: قال
 متعجبانم بکرم و بکرم
 نوبتی و متعجبانم بکرم
 ناهایه و متعجبانم بکرم

عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكَذِبُ قَبْلَهُ لِيُنَبِّئُوكَ ۖ قَالُوا أَبَشَّرْتَكَ بِالْحَقِّ وَلَا تَكُن
 با وجود آنکه رسیدن سخن پیری پیش بچه قسم بشارت می دهی گفتند مژده دادیم ترا براسستی پس مباحث
 با وجود اینکه رسیدن سخن پیری پیش بچه قسم بشارت می دهی گفتند مژده دادیم ترا براسستی پس مباحث
 مِنَ الْقَانِطِينَ ۖ قَالَ وَمَنْ يَهْتَكُمُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۚ
 از ناامیدان گفت و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 از ناامیدان گفت و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۚ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ
 گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان گفتند هر آینه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی
 گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان گفتند هر آینه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی
 مُجْرِمِينَ ۖ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَنَنبِئُهُم بِأَجْعَلِينَ ۖ إِلَّا أَمْرًا أَنَّهُ قَدْ رَأَىٰ
 مجرمان مگر آن لوط (هر آینه) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را بهمه یک جا غرضش که مقرر کرده ایم
 کینه کاران مگر آن لوط (هر آینه) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را بهمه یک جا مقرر کردیم
 أَيُّهَا الَّذِينَ الْغَابِرِينَ ۖ فَكُلَّمَا جَاءَهُ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۖ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ
 که هر آینه دس اند باز ماندگان است پس و قتی که آمدند بلسان لوط فرستادگان گفت هر آینه شما گروهی
 که (هر آینه) دی از باز ماندگان است پس چون آمد بلسان لوط فرستادگان گفت (هر آینه) شما گروهی
 مُنْكَرُونَ ۖ قَالُوا بَلْ جُنُنُكَ ۖ مَا كَاؤُ أَفِيدَ يَمُوتُونَ ۖ وَأَنْتَ نَكَّاحٌ
 نا آشناید گفتند بلکه آدرده ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردند یعنی عقوبت داد و ده ایم پیش تو و عداوت
 نا آشناید گفتند بلکه آدرده ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردند و آورده ایم پیش تو و عداوت را
 وَإِنَّا لَصِدْقُونَ ۖ فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقُطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ
 و هر آینه ما البته راست گوئیم پس بپوشان خود را بپاره از شب و توار پی ایشان رو
 و هر آینه ما راست گوئیم پس بپوشان خود را بپاره از شب و توار پی ایشان رو
 وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۖ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ
 و باید که پس ننگرد از شما هیچ کس و بروید آسما که فرموده شد و در آن زمین شام بود و وحی فرستادیم بسوی لوط
 و باید که ننگرد از شما هیچ کس و بروید آسما که فرموده شده است و وحی فرستادیم بسوی لوط
 ذَلِكَ الْأَمْرُ أَنْ دَاخِرُ هَوَاؤِهِمْ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ۖ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ
 این سخن که پنج ایشان بریده خود چون بوقت صبح در آیند و آمدند اهل شهر
 این سخن را بدرستی که بنهاد این گروه بریده شده است در حالیکه هیچ در آیند و آمدند اهل شهر
 يَسْتَبْشِرُونَ ۖ قَالَ إِنْ هَؤُلَاءِ صُفِّي فَلَا تَفْضَحُون ۖ وَاتَّقُوا
 خوش و شگفت کنان گفت لوط هر آینه ایشان مهان من اند پس رسوا می کنید مرا و بپوشید
 خوش و شگفت کنان گفت لوط (هر آینه) ایشان مهان من اند پس رسوا کنید مرا و بپوشید
 اللَّهُ وَلَا تَخْزَوْنَ ۖ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ ۖ قَالَ هَؤُلَاءِ
 از خدا و خوار کنید مرا گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) حایت عالم گفت اینها
 از خدا و خوار و بخل مسازید مرا گفت آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) حایت عالم گفت اینها
 بَلَنُتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعِلَاءِينَ ۖ لَعَسَ أَنْ أَهْمَ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْنَهُونَ ۖ
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزندگانی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزندگانی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میباشند
 فَأَخَذَ لَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ۖ فَجَعَلْنَاهُمْ لَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا
 پس دریافت ایشان را آذ از بولناک چون بوقت مشرق در آمدند پس ساجیم باله آن شهر را از میان و باران
 پس دریافت ایشان را آذ از بولناک در حالیکه دامن بودند و دقت طالع آفتاب پس گردانیدیم زیر آن شهر را از میان و باران

بشود به تحقیق بشارت بعد بشارت چون از قاهر کلام نوسیدی تو می شنو و آن سر اسر مخالف نشان بندگان خاصه قید این اولاد

عَلَيْهِمْ حَجَارَةٌ مِّنْ سِجِّيلٍ ۝۱۳ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ۝۱۴
 بر ایشان سنگ از سیم سنگ و بر ایشان نیز در این نشانه است مومنان را و
 آنها لیسبیل مقید ۝۱۵ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝۱۶ وَإِنْ كَانَ
 بر ایشان سیم با بر سیم است که داریم آمد و رفت دارد و هر آینه در این نشانه است مومنان را و
 اصحاب الزبکة لظالمين ۝۱۷ فَاَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ وَانْهَلْنَا لَمَامًا مِّنْهُمْ ۝۱۸
 این ایک از ستمکاران پس انتقام کشیدیم از ایشان و شهری قم لوط و شهر بانه ایک در راه آتش
 وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ ۝۱۹ وَإِتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَأَنَّمَا
 و هر آینه دروغ می کردند ساکنان حجر پیغامبران را و داریم ایشان را آیت های خود را پس شدند ازان
 مَعْرُضِينَ ۝۲۰ وَكَأَنَّمَا يُجِثُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ۝۲۱ فَآخَذَهُمْ
 رد گردان و بودند تراشیده می ساختند از کوه ها خانه های امن شده پس گرفت ایشان را
 الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ۝۲۲ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يُكْسِبُونَ ۝۲۳ وَمَا
 آواز سخت صبح کنان پس دفع نمود از ایشان آنچه کسب می کردند و
 خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ۝۲۴ وَإِنَّ السَّاعَةَ
 نیافریدیم آسمان با زمین و آنچه مابین اینهاست مگر شش روز است و هر آینه قیامت
 لَآئِنِي فَاَصْبَحُ الصَّفْحَ الْجَبِيلَ ۝۲۵ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝۲۶
 آید نیست پس در روزی از به او بپایان ایشان در گذشتن میجو هر آینه پروردگار تو همانست آفریننده دانا
 وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ التَّنْزِيلِ ۝۲۷ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ۝۲۸ لَا تَمْلِكُ
 و هر آینه دادیم ترا هفت آیت از آنچه در نماز مکر خوانده می شود و داریم قراقرآن بزرگ باز کن
 عَيْنُكَ إِلَىٰ مَامَتَعْنَابَةٍ ۝۲۹ وَأَوَّاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَن عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ
 در چشم خود را بسوی آنچه بهره مند ساختیم ایمان جماعت پدا از کافران و اندر دنیاک مشغول بر ایشان و پست کن
 جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝۳۰ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ۝۳۱ كَمَا أَنزَلْنَا
 باز دای خود را برائے مسلمانان و بگو هر آینه من بیم کننده آشکارا فرود خوانم آورد عذاب را برائے آنچه خود آورده بودم
 عَلَى الْمُتَقَسِّمِينَ ۝۳۲ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ۝۳۳ وَرَبِّكَ
 بر تقسیم کنندگان آنانرا ساختند کتاب خدا قرآن را پاره پاره پس قسم به پروردگار تو
 لَنَسْلُكَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝۳۴ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۳۵ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ
 البته سوال کنیم ایشان را همه یک جا از آنچه می کردند پس آشکارا کن به آنچه فرموده می شود و
 البته سوال کنیم ایشان را همه یک جا از آنچه می کردند پس آشکارا کن به آنچه فرموده می شود و

فلنترجم کوبه یعنی
 ۱۲ و یعنی سوره نوح
 ۱۳ و یعنی تواضع
 ۱۴ و یعنی مترجم کوبه
 یعنی بر اهل کتاب که
 بر بعضی آیات علی می
 کردند و بعضی
 ۱۵ و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 ۱۶ و "موتوم" در
 اصل کس را گویند
 که از مشاهده بعضی
 علامات و قرآن ظاهری
 محض به فراست خود
 با مرئیهان آگاه شود
 در حدیث است -
 ۱۷ و انتقام از مومنان
 فانه نظر بنور الله
 در بعضی روایات
 دو توفیق الشما افرد
 شده یعنی از فرست
 مومنان تر مان باشند
 کردی در دروغ و موبه
 خدا و توفیق آدمی بیند
 و فرق میان فرست
 و گفت باقول امیر
 عبد الرحمن خان
 مرحوم مانند فرق میان
 شایفون و ملکرات
 است بهر حال مطلب
 آیت اینست برای
 ک اینکه اهل تدقیق
 و تحقیق در قصه
 "قوم لوط" پس نشانه
 بای عبرت آورده
 است انسان از
 آن میدانند که عاقبت
 بدی در سر کشی عیبت
 و در مقابل قدرت
 عظیم الهی چه میروند
 هیچ اند و بوجوب خدا
 صبر و مداومت باید
 است بهر بهجت دی
 مفرور نشود با پیغمبر
 لغیر دعا و استعینا
 بهر گشتی قوم و این

نیاید نه همان طور مشر خواهد شد علم یعنی از دیدن آن خواب با حضور مومنان را عبرت حاصل میشود و بر آنها میدانند که در عبادت بدکاری و سرگشتی قوم و این

فلا يفتقدون كلام
وتعذب كفار يقين
شأنی است چراغ
میکنید و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه یعنی هرگز
یقین را از قرآن
که در جاهای دیگر
هم چنین معنی استعمال
کرده است و کن
نکذ بوم الدین
حتی انما الیقین
(مدرسه رکوع ۲)
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را جمعیت
در حدیثی فرموده -
«اما یوفد جاء الیقین
والی لا رجول الخ»
درین آیت چهار
سلف یقین یعنی
مرگ گرفته اند یعنی تا
آخرین نفس عبادت
خدا مصروف باش
«اندرین راهی تراش
و یغواش به تادم
آخر دی فارغ نشا
بعض عارفان یقین
را درین موقع معنی
دارد اول قلبی گرفته
اندر توجیه آن در درج
الغائی مسطور است
ملاحظه شود علم
مراد از روح و حی
الهیست که بطور از
از بارگاه خدا پیوسته
وی بصورت غیر مادی
می آید چنانکه جای
دیگر فرموده یقین
الروح من امره علی
من یشق من عباده
(المومن و کون ۱۲)
و در توجیه دیگر نسبت
بقرآن گوید «و لکن
احینا الیک دعا
امرنا لا یخفی روح
در تعبیر قرآن با
دی مالمی در روح است که چنانچه در روح حیات ظاهری تغیب میشود دل پاکه بیاری چهل و ضلال مرده اند تا شریعی الهی جان پیاپی زنده می گردد

أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۱۵ إنا كفيناك المستهزئين ۱۶ الَّذِينَ

اعراض کن از مشرکان هر آنچه ما بکنیم از استهزا کنندگان آنانکه

يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۷ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ

مقرر می کنند به خدا معبود دیگر پس زود بدانند و هر آنچه ما می دانیم از حال تو که

يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۱۸ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ

تنگ میشود سینه تو بسبب آنچه می گویند پس بپای یاد کن پروردگار خود را با ستایش او و باش از

السَّاجِدِينَ ۱۹ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۲۰

سجده کنندگان و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد یقین تو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱

بسم خدا که بخشاینده مهربان

إِنِّي أَمُرُّهُ اللَّهُ فَلَا تَسْتَعِجِلُواهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱

پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه شرک می کنند و بزرگوار است خداوندی که در حق او

بِالْوَاحِدِ مِنْ أَمْرِهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

یوحی باراده خود بر هر که خواهد از جنده که خود را بپسند باین معنی که خداوندی که نیست هیچ معبود مگر

أَنَا فَاتَّقُونِ ۲ خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ بِأَحْسَنِ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۳

من پس بترسید از من آفرید آسمان ها و زمین را بتدبیر درست بلند قدر است از آنکه شرک می کنند

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ۴ وَالْأَنْعَامَ

آفرید آدمی را از منی پس ناگهان دسستیزنده آشکارا شده و چهار پایان را

خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۵ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ

آفریده برای شما از آنجا بوی خوشی منقعت مانع و دیگرست و بعضی آنها را بخورید و شمار آور آنها آبر دست

حِينَ تَرْجِعُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ۶ وَنَحْمِلُ أَسْفَالَكُمْ إِلَى الْبُلْدِ لَكُمْ تَكُونُونَ

چون وقت شام از هم باز می آید و چون بسوی هم می آید و بر میدارند بارهای گران شمار بسوی شهر یکدیگر

بَلِّغُوا إِلَى أَهْلِ الْقُرَىٰ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ أَتَعْلَمُونَ ۷ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَصْدٌ

را بپرسید بدان مگر مشقت جانها هر آنچه پروردگار شما بخشاید مهربانست و آفرید آسمان را و اختران را

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَصْدٌ

و خزان را تا سوار شود بران و بران را آریل دی آفریند آنچه میدانند و همان را تا سوار شود بران و بران را آریل دی آفریند آنچه میدانند

و اعلموا ان الله قصد

السَّبِيلَ وَمِنْهَا جَائِدٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ هُوَ الَّذِي

و بعض راه پانچ است و اگر فاشی و بعضی راه خودی شمارا هر یک جا

النَّزْلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝

آورد آورد از آسمان آب را برایتان آسمان آب آشامیدنیست و از آن آب بیشه درختان است که در آن میخراهند

يُنْثَرُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعُ وَالزَّيْتُونُ وَالنَّخِيلُ وَالْأَعْنَابُ وَمِنْ كُلِّ

پسریاندر برایتان شنبلیله آب زراعت و زیتون را و درختان خرما و انگور و از هر جنس

النَّارِ ثَرَانٌ فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ

میوه با بر آید در این نشانه است مگر دهر را که تفکر میکنند و بشارت بدهد برای شایسته

النَّارِ وَالْقَمَسِ وَالْقَسْرِ وَالْجَوْهَرِ مَسْحَرٌ بِأَمْرِ طَارٍ فِي ذَلِكَ

روز و آفتاب و ماه را و ستارگان مسخراند بفرمانی که بر آید در این

آيَةٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَوْ أَنَّهُ طَائِفٌ

نشانه است مگر دهر را که در این نشانه است مگر دهر را که تفکر میکنند و بشارت بدهد برای شایسته

فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَكُمْ شَآوًا وَمِنْ

در این نشانه است مگر دهر را که در این نشانه است مگر دهر را که تفکر میکنند و بشارت بدهد برای شایسته

فِيهِ وَلِتُبَيِّنَ لَكُمْ فَضْلَهُ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَالْقَوْمُ فِي الْأَرْضِ

در دنیا و در این نشانه است مگر دهر را که در این نشانه است مگر دهر را که تفکر میکنند و بشارت بدهد برای شایسته

رَوَّاسِي أَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ أَوْسَبُ الْأَعْلَافِ تَهْتَدُونَ ۝ وَعَلَيْكُمْ

و برایتان حکم بر آن است که از این راه بگردید و از این راه بگردید و از این راه بگردید

وَالْبُحُورُ هُمْ هَتَدُونَ ۝ أَمِنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

و بشارت بدهد برای شایسته و بشارت بدهد برای شایسته و بشارت بدهد برای شایسته

فَلَنْ تَعْلَمَ وَارِعْتَهُ اللَّهُ لَا تَخْصُوهَا طَارٍ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَاللَّهُ

و بشارت بدهد برای شایسته و بشارت بدهد برای شایسته و بشارت بدهد برای شایسته

يَعْلَمُ السُّيُورَ وَمَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

میدانند آنچه بندها را میدارید و آنچه آشکارا میکنند و آنچه میگویند که از این راه بگردید

و بعضی از انواع حیوان و نباتات است تفسیر عثمانی عذاب از آب میوه های گوناگون پدید می آید که در شکل و صورت و رنگ و بود و نه و تاثیر از هم متفاوتند که در آن برای تفرقه آیت بزرگی از قدرت کامل و صنعت عجیب الهی ظاهر می شود زیرا بر روی یک زمین در فروغ یک نور شدید از یک آب و یک هوا چه میوه های بولگون پیدا می آید - ع ع خدا بر زمین کوه بای گران را گذاشته تا بحکمت انعطافی خود با شایسته جانور نرود از دریا و آثار بر می آید که زمین را در آغاز خلقت مفضربانه لرزش و جنبش بود خدا نکرده با رابین آورده تا لرزش دی فرو نشاند در دنگد با نیز سائیس جدید اعتراض بناید که گوناگون با رابین وجود کوه با کثرت نازل را با رابین و هر حال در مسند حرکت و سکون بین که مکاران اختلاف دارند این آیت نصیحت اثبات تعلق بند و زیر اینجوبیل کوه با مسند و شوق حرکت و ای زمین نیست که در آن اختلاف باشد و تمیز از طرف دیگر تفسیر کبیر این آیت

و بعضی از انواع حیوان و نباتات است تفسیر عثمانی عذاب از آب میوه های گوناگون پدید می آید که در شکل و صورت و رنگ و بود و نه و تاثیر از هم متفاوتند که در آن برای تفرقه آیت بزرگی از قدرت کامل و صنعت عجیب الهی ظاهر می شود زیرا بر روی یک زمین در فروغ یک نور شدید از یک آب و یک هوا چه میوه های بولگون پیدا می آید - ع ع خدا بر زمین کوه بای گران را گذاشته تا بحکمت انعطافی خود با شایسته جانور نرود از دریا و آثار بر می آید که زمین را در آغاز خلقت مفضربانه لرزش و جنبش بود خدا نکرده با رابین آورده تا لرزش دی فرو نشاند در دنگد با نیز سائیس جدید اعتراض بناید که گوناگون با رابین وجود کوه با کثرت نازل را با رابین و هر حال در مسند حرکت و سکون بین که مکاران اختلاف دارند این آیت نصیحت اثبات تعلق بند و زیر اینجوبیل کوه با مسند و شوق حرکت و ای زمین نیست که در آن اختلاف باشد و تمیز از طرف دیگر تفسیر کبیر این آیت

و بعضی از انواع حیوان و نباتات است تفسیر عثمانی عذاب از آب میوه های گوناگون پدید می آید که در شکل و صورت و رنگ و بود و نه و تاثیر از هم متفاوتند که در آن برای تفرقه آیت بزرگی از قدرت کامل و صنعت عجیب الهی ظاهر می شود زیرا بر روی یک زمین در فروغ یک نور شدید از یک آب و یک هوا چه میوه های بولگون پیدا می آید - ع ع خدا بر زمین کوه بای گران را گذاشته تا بحکمت انعطافی خود با شایسته جانور نرود از دریا و آثار بر می آید که زمین را در آغاز خلقت مفضربانه لرزش و جنبش بود خدا نکرده با رابین آورده تا لرزش دی فرو نشاند در دنگد با نیز سائیس جدید اعتراض بناید که گوناگون با رابین وجود کوه با کثرت نازل را با رابین و هر حال در مسند حرکت و سکون بین که مکاران اختلاف دارند این آیت نصیحت اثبات تعلق بند و زیر اینجوبیل کوه با مسند و شوق حرکت و ای زمین نیست که در آن اختلاف باشد و تمیز از طرف دیگر تفسیر کبیر این آیت

فلو ان لم يكن الله لم يكن شيء لهم لخلقون ۱۱ اموات غير اجيائ وما يشعرون
افراد و انشان را
بالمعروفه ۱۲
تف عثماني
عنه ومن انبأ
از اين گفتار
آلت كردم انما
قرآن كريم را در نظر
مردم بے ايجت قرار
دهند و سايرين را
نيز باحو كراه گردانند
و بر علاوه بار مثالان
كفر كه از خود دارند
بببب اصنام افغان
از ديگران چيزي
بهر سرباري بر پشت
خود تخيل كند سينه
چند بار دست كه بر
دوش خودي گذارند
در حديث است و
من دعائي مقلات
كان عليهن
الاثم مثل ثام
من اتبعه ۹
ينقص ذك من
آنهاهم شناه تاراند
تعالى و لم يمن انفا
لهم و عكبت روم
اعده تدبيرى كه
بغرض كراي مردم
بے ايجت نشان
دادن پيغام حق
اتحاد نموده بودند امر
جاري است پيش از
اين ساير مل نيز
قبل انبياء عليهم
السلام چنين كرده
بودند كلف بزرگ
و در بيني از كرم و تليس
افراخته بودند چون
فرمان خدا فرارسيد
بنهاد باي آن مشركان
شد. بيك تكيان
فالباب ابي جيزه
را كه استوار كرده
بودند بر آلت بزرگ
امده و در راجه

لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۱۱ اموات غير اجيائ وما يشعرون
مى آفرينند چيزي را و خودشان آفريده ميشوند
مى آفرينند چيزي را و ايشان آفريده ميشوند
اَيَّانَ يَبْعَثُونَ ۱۲ اَلْهَيْكَلُ اِلَهٍ وَّاحِدًا فَاَلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ اِلَّا الْآخِرَةَ
كه براينچه خواهند شد معبود شما خداي يگانه است پس آنانكه معتقد مى شوند
كه براينچه خواهند شد معبود شما خداي يگانه است پس آنانكه معتقد مى شوند
فَاَلَّذِينَ يَكْفُرُونَ ۱۳ اَلْهَيْكَلُ اِلَهٍ وَّاحِدًا فَاَلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ اِلَّا الْآخِرَةَ
دل ايشان ناشناس است و ايشان سرکش اند
دل باي ايشان (ناشناس است) همه پديدنده گيت و ايشان (سرکشند) معبودانند بيش از يك خدا ميدانند
وَمَا يَخْلُقُونَ اِلَّا اَشْيَاءَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۴ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ مَعَاذَ
و آنچه آفكار مى كنند هر آينه او دوست ندارد سرش را
و آنچه آفكار مى كنند هر آينه او دوست ندارد سرش را
اَنْزَلَ رَجُلًا مِّنْ اَسْفَلِ الْأَوَّلِينَ ۱۵ لِيُحْيُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً
فرو فرستاده است پروردگار شما كوييند انا منها بيش نيكبان است ما ان ايس گفتار كه بر دارند بار گناه خوش نيام
فرو فرستاده است پروردگار شما كوييند انا منها بيش نيكبان است ما ان ايس گفتار كه بر دارند بار گناه خوش نيام
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنَ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّوهُمُ الْآسَاءُ مَا
روز قيامت و بر دارند باره از بار (گناه) آنانكه گناه ميزانند ايشان را بغير تحقيق و دانش آگاهي و پديد است باريك
روز قيامت و بر دارند باره از بار (گناه) آنانكه گناه ميزانند ايشان را بغير تحقيق و دانش آگاهي و پديد است باريك
يَزِيدُونَ ۱۶ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللَّهَ بُنْيَانُهُمْ مِّنْ
بر ميم دارند
بر ميم دارند
اَلْقَوَاعِدُ فَنَحَرُوا عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوَقِهِمْ وَآتَهُمُ الْعَذَابُ اَبَ مِنْ حَيْثُ
بنهاد با پس افتاد بر ايشان سقف از بالاى ايشان و آمد بدیشان عذاب از ابي جهت كه
بنهاد با پس افتاد بر ايشان سقف از بالاى ايشان و آمد بدیشان عذاب از ابي جهت كه
لَا يَشْعُرُونَ ۱۷ تَقْوِمُ الْقِيَمَةُ يَوْمَ يَقُولُ اَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ
مى دانستند
مى دانستند
كُنْتُمْ تَشْفِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ اُوْتُوا الْعِلْمَ اِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالْشُّوْ
مخالفت مى كرديد در حق ايشان گويند
مخالفت مى كرديد در حق ايشان گويند
عَلَى الْكَافِرِينَ ۱۸ الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِيْ أَنْفُسِهِمْ فَاَلْقَوْا
بر كافران است
بر كافران است
السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلْ اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
پيغام
پيغام
فَاذْخُلُوا اَبْوَابَ كَهْلِهِمْ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
پس در اينجا بدر و از بهانه دوزخ
پس در اينجا بدر و از بهانه دوزخ

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ إِنَّ اللَّهَ يَسِّرُ

گفتند فرود آورده است بهترین سخن آنان را که
گفتند فرود آورده است بهترین سخن آنان را که

أَحْسَنُ إِلَى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَكِنَّ أَرَأَيْتُمْ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ

در این سرایه برای شان حالت نیک است و (بر آئینه) سرایه آخرت بهتر است و (بر آئینه) نیک

ذَٰرُ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٠﴾ جَنَّاتٌ عِدْنُ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

سرانے متقیان است (آخرت) بوستانهاے همیشه ماندن در آیند آنجا میرود
 سرانے متقیان است (آخرت) بوستانهاے همیشه ماندن در آیند آنجا میرود

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ طَيِّبٌ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و ایشان راست در آن هر چه خواهند نام چنین جز امید به خدا متقیان را ۲۸۲

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

شتران افش از و ارج ایشان می کنند جلاله شاهانمان مارشند گویند شترانان سلام بر شما دو دانشمند پرست جزای

بعض ارواح ایشان می کنند فرستگان و در حالیکه آنها پاک باشند از خواست شرک عه گویند فرستگان سلام بر شما باد و در آئینده به پیشانی

شاه سلطان کی ہل پتھروں کے ان تالیفیں الملیہ او یاری

مگر آید بیایند ایشان فرشتگان یا باید

فَرَسَّابَكَ كَذَلِكَ وَعَلِ الذِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَ

هم چنین کردند اما نه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا و
 همان پدر و درگاه تو هم چنین کردند آنها که پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا و

لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئٌ مِمَّا عَمِلُوا

ایک برفی ستمی گردن داپس رسید پایش چڑائے گناہان از اعمال ایشان و

حَاقَ بِهِمُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩﴾ وَقَالَ الْإِنشَاءُ ۝

ایشان آنجا می‌استند و می‌گویند و گفتند می‌فرمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَسَاءَ اللَّهِ مَا عَيْدَنَا بِسَيِّئٍ وَلَا نَمُوتُ بِمَرِيضٍ
 الخیر خواستے خدا بخیر پرستید تم بخیر دے

کرہا ہے خدا بھی پرستید تم بچہ دے بیچ چیزے را (نہ) ما ونہ پدران ما و

وَمِنَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفِتْنَةِ أُولَئِكَ يَحْمِلُونَ كِسْفًا مِّنَ الْعَذَابِ

حرام فی دالستیم
بعضی فرمان دے بیج چیزے را ہم چہین گردند آنانکہ بعض از ایشان بودند پس نیست

لَا إِلَهَ إِلَّا الْبَاقِي الْبَيِّنُ ① وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا

بجز خبر رسا خد آشکارا و دهر آئینه فرستادیم در گردن پیغامبر یا
بجز خبر رسا ندان آشکارا و دهر آئینه فرستادیم در هر گردن پیغامبر یا

نَا عَمْدُ وَاللَّهُ وَالْحَقُّ الْكَلَامُ قَبْلَهُمْ مَكَانَ هَذَا اللَّهُ وَ

عبادت خدا کنند و احقر از گنبد از تاجان پس از ایشان که بود که راه نمودن خدا و

و اسرار علیہ از جانب پیش او نیست که به هر کس که خواهد رسید

...



ولادان و عدد تفق

شده و به اجزان را

عدینه جلسه و ادم الی

یعنی پیغامبران سابق

آدمی بودند فرشته

نه بودند و الشدا علم ۱۲

و بی در حق

پیغامبران و نوحان

۱۳ تفسیر عثمانی

ع به انتخاب تم

دید پیغمبر که در صبر

و توکل استوار هستند

در هر دو جهان و اذن

نعمت و اعطای ثواب

از عادت جدیدانیت

بیشتر از این پیغمبران

را از میان مردم فرستاد

بودیم تا احکام ما را بشنود

کنند و مردم را به انجام

داد و بدی آگاه گردانند

اگر شما عید کنید از

دانش مدالی که به

احوال اعم سابقه و

واقعات تاریخی

پیغمبران آگاهند تحقیق

کثیر تا مسلم شود که

بیشتر از این پیغمبران

را به منصب پیغمبر

سر فرستاده اند باز

برو بینات و کتاب

و معجزه فرستاده

بودیم یا نه برسانی

که آنرا بدید و نقد یا

انکار کند و چه واقع

شد اهل حق به برکت

صبر و توکل چنان

منصور و کامیاب

شدند و چگونه سعادتمند

خاتم پس از تمام نبوت

تجابه گردیدند و وقت

کلمت ربکی لحسنی

علی بنی اسرائیل با

صبر و ادرمانا لان

لیتبع فزحون و قومه

و ما کالوا یحیون

(اعراف رکوع ۱۶)

مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی پس سیر کنید در زمین پس بنظرید

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۱۰ اِنْ تَحْصُصْ عَلَى هَذِهِمْ فَاِنَّ اللَّهَ

چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان اگر کوشتش کنی بر هدایت ایشان چه سود هر آینه خدا چگونه شد آخر کار تکذیب کنندگان اگر طعنه کوشتش کنی بر هدایت ایشان پس هر آینه خدا

لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ مُصْرِئِينَ ۱۱ وَأَقِمُّوا بِاللهِ حُجَّتَكُمْ

راه نماید آنرا که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردن بخدا حکم ترین راه نمی نماید آنرا که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردن بخدا حکم ترین

أَيُّهَا هُمْ لَا يَبْعَثُ اللهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدُكُمْ حَقًّا وَلَكِنْ

سوگند بآنچه خود که بر نه انگیزد خدا مرده را آری بر انگیزد و عده درست لازم شده بر وی و لیکن سوگند بآنچه ایشان نه بر انگیزد خدا آنرا که نمیرد آری بر انگیزد و عده درست لازم شده بر وی و لیکن

أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۲ لَيْسَ لَكُمْ إِلَهٌ إِلَّا أَنَا فَخَلَعُوا فِيهِ

بیشترین مردمان نمیدانند آری بر انگیزد تا بیان کند بر آنکه ایشان آنچه اختلاف می کنند در آن و اکثر مردمان نمیدانند (آری بر انگیزد) تا بیان کند بر آنکه ایشان آنچه اختلاف می کنند در آن و

لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبًا ۱۳ إِنَّا فَتَقَنَّا فَعَلُوا

تا بداند آنکه کافران که ایشان دروغ می گویند نیست فرزان ما بر آنکه چیزهای چو

أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۴ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

خواستیم آنرا بفرمودیم مگر گوئیم و آنرا بفرمودیم پس بشود و آنرا که ترک دیار خود کردند بر آنکه خدا خواستیم آنرا بفرمودیم و آنرا گوئیم مگر آن چیز را بشود پس بشود و آنرا که ترک دیار خود کردند بر آنکه خدا

بَعْدَ مَا ظَلَمُوا النَّبِيَّ ثُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۱۵ وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَهُ

بعد از آن که ستم کرده شد بر ایشان البته جادایم بیم ایشان را در دنیا بر آنکه نیک و ستم ایشان را در آخرت بزرگتر است بعد از آنکه ستم کرده شد بر ایشان البته جادایم بیم ایشان را در دنیا بر آنکه نیک و ستم ایشان را در آخرت بزرگتر است

كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۶ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۱۷ وَمَا أَرْسَلْنَا

می دانستند آنرا که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می نمایند و نه فرستادیم می دانستند آنرا که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل می نمایند و نه فرستادیم

مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا ظَلَمَ فِي الْيَمِينِ فَرَسَوْنَا لَهُ فِي الْأَرْضِ مَكَانًا

پیش از تو مگر مردانی را که در حق میسرستادیم بسوئی ایشان پس سوال کنید از اهل کتاب اگر پیش از تو مگر مردانی را که در حق میسرستادیم بسوئی ایشان پس سوال کنید از اهل کتاب اگر

لَا تَعْلَمُونَ ۱۸ يَا بَنِي إِدْرِسَ مَا أَفْلَحَ الْيَوْمَ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتَبَيِّنَ لِلنَّاسِ

نمیدانند و فرستادیم ایشان را بدلائل و کتاب ها و فرود آوریم بسوئی تو کتاب تا بیان کنی بر آنکه مردمان کنی دانند و فرستادیم ایشان را بدلائل و کتاب ها و فرود آوریم بسوئی تو کتاب تا بیان کنی بر آنکه مردمان

مَنْزِلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۱۹ فَأَمَّا مِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السُّبُوتَ

شریعت را که فرود آورده شده بسوئی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند آیا این شده اند آنرا که اندر یسیرند بر آنکه به آنرا که فرستاده شده است بسوئی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند آیا این شده اند آنرا که اندر یسیرند بر آنکه به

أَنْ يَخْشِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ وَيَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

از آنکه فرود برد خدا ایشان را بر زمین یا بیاید بر ایشان عذاب از آنجا که ندانند که عذاب

از آنکه فرود برد خدا ایشان را در زمین یا بیاید بر ایشان عذاب از آنجا که ندانند که عذاب

از آنجا که ندانند که عذاب از آنجا که ندانند که عذاب

از آنجا که ندانند که عذاب از آنجا که ندانند که عذاب

فتح الرحمن

والمؤمنون

آخرت

تفسیر عثمان

عنه اگر خدا تعالی

بدرست گشتی و

به انصافی آنها را

فرما سزا بدید

این آبادانی

زمین سعادتی هم

دوام می کند زیرا

قسمت بزرگ اهل دنیا

از ظالمان دیدگان

است و شاید که

از خطا و قصور بزرگ

و یا خود غالی باشد

(کلمه خطا و غی)

ظالمان و بدکاران

فرمانها کرده شوند

پس برای فرستادن

انبیاء معصوم بزمین

ضرورتی مانده باید

ایشان را با ملک و حکومت

زیست نمایند پس

صورت چون انسان

نیاید به هر دو بزمین

نحو امتداد و تدریج

حیوانات دیگر هم در

روی زمین مانده

ندارد زیرا همه آنها

برای منافع بنی آدم

آفریده شده اند

بافرض اگر خدا تعالی

بواسطه ظلم و عدوان

انسان بکشد و را بکشد

دارد، بهر اهرم

چاقو و ان نیز می برند

بهرحال اگر خدا تعالی

قلم بهر خطا

و تصور جزئی

و کلی مواخذه کند

و فرما سزا بدید

دنیا و یک لحظه تباوه

فنا کرد و بگرداند

تسلط بهر اسطه علم

و تقاضای سبک

و چنین می کند بلکه بزمین

بیشربیه یا بیسکه علی هون امید شه فی التراب الا ساء ما

مزد داده شده بود در تان امید که آریا بائی گذاردش بخاری یاد آرودش در خاک آگاه شود حکم ایشان است

اورا خرده داده شده آریا نگاه دارد آن مولود را بر خواری یا بپوشد او را در خاک آگاه شود بد است آنچه

یجکون ۹ للذین لا یؤمنون بالآخرة مثل السوء ولله المثل

این حکم آنا ترا که معتقد نمی شوند باختر صفت بدست و خدا ترست صفت حکم می کنند مرا آنا ترا که معتقد نمی شوند باختر صفت بدست و برای خداست صفت

الا علی و هو العزیز الحکیم ۱۰ ولویؤخذ الله الناس بظلمهم

بلند و او غالب با حکمت است و اگر گرفتار کند خدا مردمان را بسبب ستم ایشان بلند و او درست غالب با حکمت و اگر گرفتار کند خدا مردمان را بسبب ستم ایشان

ما ترک علیها من ذابۃ و لکن یؤخرهم الی اجل مسمى فاذا

نگذازد بر زمین هیچ جنبه و لیکن موقوف میدارد ایشان را تا وقتی مقرر پس چون نگذازد بر زمین هیچ جنبه و لیکن مهلت دهد ایشان را تا وقتی مقرر پس چون

جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون ۱۱ ویجمعون

برسد آن وقت مقرر ایشان باز نماند ساعتی و نه پیش روند و مقرر می کنند برسد و عده مقرر ایشان نماند ساعتی و نه پیش روند و مقرر می کنند

لله فایکرمون و تصف استنتهم الکذب ان لهم الحسنه الا

برائے خدا آنچه ناپسند میدارند و بیان می کنند زبان بانه ایشان دروغ را که ایشان را باشد نیکی و برائے خدا آنچه ناپسند میدارند و بیان می کنند زبان بانه ایشان دروغ را که ایشان را باشد نیکی

جرم ان لهم النار و اثمهم ففرطون ۱۲ تا الله لقد ارسلنا الی

شبه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش آنکه ایشان پیش فرستاده باشند بدو فرستاده ایم شما را آینه پنهان فرستادیم پس

شبه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش و آنکه ایشان پیش فرستاده باشند بدو فرستاده ایم شما را آینه پنهان فرستادیم پس

اثم من قبلک فرین لهم الشیطن انما لهم هو و لیهم الیوم

آتش است که پیش از تو بود و پس بپاراست برائے ایشان شیطان کردار بانه ایشان پس بپاراست برائے ایشان است امروز آتش است که پیش از تو بود و پس بپاراست برائے ایشان شیطان کردار بانه ایشان پس بپاراست برائے ایشان است امروز

ولهم عذاب الیم ۱۳ وما آتزلنا علیک الکتب الا لتبین لهم

ایشان را است عذاب درد منده و فرود نیارودیم بر تو کتاب را مگر بسبب آنکه بیان کنی برائے ایشان و ایشان را است عذاب دردناک و فرود نیارودیم بر تو کتاب را مگر بسبب آنکه بیان کنی برائے ایشان

الذی اختلفوا فی و هدای و رحمة لقوم یؤمنون ۱۴ والله انزل

آنچه در آن اختلاف کردند برائے راه نمودن و بخشایش قومی را که می گردند و خدا فرود آورد آنچه در آن اختلاف کردند برائے نمودن و بخشایش قومی را که ایمان می آورند و خدا فرود آورد

من السماء ماء فاحیا به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیه

از آسمان آب را پس زنده ساخت بآن زمین را بعد مرگ آن هر آینه درس نشانه است از آسمان آب را پس زنده ساخت به آن زمین را بعد مرگ آن هر آینه درس نشانه است

لقوم یسمعون ۱۵ و ان لکم فی الانعام لعلیه نسیقکم و ما

گروهی را که می شنوند و هر آینه شمار در چهار پایان پندست هست می نوشایم شمار از جو آنچه گروهی را که می شنوند و هر آینه شمار در چهار پایان پندست هست می نوشایم شمار از جو آنچه

فی بطونیه من یبین قریش و دم لبنا خالصا ساء یغالی الشریین ۱۶

در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا

در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا

در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا

در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا در ستم دلیست از میان سرکین و خون منمیر خالص گوارا آتش مندان گوارا

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا
 واز میوه بانه درختان خرما و درختان انگور قسه هست که میسازید از آن شراب مست کننده میسازید از آن روزی
 و از میوه بانه درختان خرما و درختان انگور میسازید از آن شراب مست کننده و میسازید از آن روزی

حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى
 خلخال هر آینه درین نشانه است گردی را که روی یابند و الهام فرستاد پروردگار تو بوسه
 خلخال (هر آینه) در این نشانه است گردی را که روی یابند و الهام فرستاد پروردگار تو بوسه

النَّجْلِ أَنْ تَتَّخِذَ مِنْ جِبَالٍ بُيُوتًا وَمِنْ الشَّجَرِ وَمِمَّا
 زبور شهید که بساز خانه ها از کوه ها و از درختان و از آنچه
 زبور شهید که بساز از کوه ها خانه و از درختان و از آنچه

يَخْرُجُ شَوْبًا مِنْ كُلِّ ثَمَرٍ فَاسْكِنُوا سُبُلَ رَبِّكُمْ ذَٰلِكَ
 مردمان بنای کنند باز بخور از هر جنس میوه ها و دیو راه بانه پروردگار خویش رام شده
 مردمان بنای کنند باز بخور از هر جنس میوه ها و دیو راه بانه پروردگار خویش رام شده

يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ط
 آن راه بری آید از شکم این زبوران آشامیدن گوناگون رنگ بانه او در آن آشامیدن شفاست مردمان را
 بری آید از شکم این زبوران آشامیدن گوناگون است رنگ بانه او در آن آشامیدن شفاست مردمان را

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ
 هر آینه درین مقدمه نشانه است گردی را که فکر می کنند و خدا آفرید شما را باز
 (هر آینه) در این مقدمه نشانه است گردی را که فکر می کنند و خدا بیافرید شما را باز

يَتَوَفَّكُم مِّنكُمْ مَنْ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ
 میگرداند شما را و از شما قسه هست که روانه کرده میشود بخوارترین علم آنگاه بماند بیدار شدن
 میگرداند شما را و از شما قسه هست که روانه کرده میشود بخوارترین زندگانی تا بماند بیدار از دانش

شَيْطَانُ اللَّهِ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
 شیطان را بر آینه خدا دانای تواناست و خدا فضل داد بعضی شما را بر بعضی
 شیطان را (بر آینه) خدا دانای تواناست و خدا برتری داد بعضی شما را بر بعضی

فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ
 در روزی پس نیستند آنانکه اخروی داده شده عائد کنند بآن روزی خود را بر آنها که مملکت است
 در روزی پس نیستند آنانکه اخروی داده شده عائد کنند بآن روزی خود را بر آنها که مملکت است

أَيْمَانُهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ
 خود تا به ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا را انکار می نمایند و خدا آفرید
 دست بانه ایشان پس باشند دلات موالی در مالداری بیکسان آیا به نعمت خدا انکار می کنند و خدا آفرید

لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ
 برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و
 برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و

حَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَنِعْمَتِ
 بزرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا به باطل متقدم می شوند و نعمت
 بزرگان و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا به باطل متقدم می شوند و نعمت

اللَّهُ هُمْ يَكْفُرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَكُم مِّنْ عِلْمٍ
 خدا ایشان ناسپاسی می نمایند و می پرستند و چه خدا قسه را که نمی توانند برای ایشان
 خدا ایشان ناسپاسی می نمایند و می پرستند و چه خدا قسه را که نمی توانند برای ایشان

فل یفزع کس فی
 خواب که ملوک خود را
 بر خود سازد از انعام
 کفر عظمی
 عین یقین در کسب
 امر اس شهید خالص
 و یا یادای دیگر مخلوط
 شده مریض داده
 میشود و بقدرت
 خداوند شفا می یابد
 در حدیث صحیح است
 که شخصی مرض اسهال
 مبتلا بود برادرش
 از آن حضرت صلی الله
 علیه وسلم معالجی خواست
 آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم فرمود که شهید
 نباشد از نوحه
 شهید اسهال زیاد تر
 شد و باز حاضر شد
 عرض کرد که یار رسول
 الله اسهال زیاد
 تر شده است آنحضرت
 فرموده صدق الله
 کذب لعل افیک
 (خدا صادق و من
 کاذب است)
 باز فرمود از دهانه
 نوشاندن بجان کیفیت
 ظاهر شد آنحضرت
 کلمات خود را مکرر فرمود
 بلاخره نوشاندن
 نوبت سوم اسهال بند
 شد و طبیعت صاف
 گردید اطباء بر وفق
 اصول خود گفتند که
 بعضی اوقات در شکم
 در کبوس قاسم میشود
 که هر غذا و یا دانه
 در شکم میرسد بجز
 دانه ماکو نامدی
 گردد و لهذا اسهال
 واقع میشود صاحب
 اش فقط همین است
 که مسهل و مله را آن
 را کبوس قاسم است
 در مسهل بودن شکم و شهید نداده و آنحضرت صلی الله علیه وسلم به همین اصول عمل می نمود و شهید را مومن الرشید و شهید را مومن الرشید

و من مترجم گوید و آن
 بنی انقوم بانی و آن
 یعنی نام او را در قسم
 مذکور کرده اند و آن
 یعنی برای منفعت
 دنیا و مال و متاع
 زیاده به دست
 آوردن مترجم
 گوید برادر حرم
 بین غموس
 است و حاصل مثل
 آنست که اعمال خود را
 ضبط کنی و بنام این
 زن عمل خود را براه
 کرد و الله اعلم و گویا
 این جا اشاره است
 بآنکه بین غموس ضبط
 کننده اعمال است
 و الله اعلم و مترجم
 گوید یعنی در دنیا و بعد
 کرده و قسم خود دعا
 کردن ببدب آنست
 که کافران من بعد قول
 ایشان را مقبره اند
 و بالایشان محبت
 ندارند بلکه مسلمانان
 در شرف افتد و الله
 اعلم و تفسیر عثمان
 علیه السلام آن روز
 بود که قایل باد
 داشتن است و تفسیر
 بر غیر محال است
 خود را به راه احییت
 بیان کند آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم نیز
 حالت امت خود را
 بیان خواهند کرد بلکه
 بر وفق قول بعضی مفسران
 آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم برای تزکیه شهادت
 تمام آن شهدا شهادت
 میداد که بیشک آنها
 و تفسیر خود را داده اند
 در حدیث آمده است
 که اعمال امت را بر روز
 بحضور آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم پیش

فِي كُلِّ أُمَّةٍ مِّنْهُمْ مَّنْ أَعْلَمَ أَنفُسَهُمْ وَجَنَّتْ بِكُلِّ هَيْدٍ أَعْلَمَ
 در هر امتی خواهی برایشان از قبیله ایشان و بسیار کم ترا خواهی برایشان
 در هر امتی خواهی برایشان از ایشان و بسیار کم ترا خواهی برایشان
 هُوَ لَآ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً
 کافران و فرود آوریم بر تو کتاب را برائے واضح بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و بخشایش و
 کافران و فرود آوریم بر تو کتاب را برائے واضح بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و بخشایش و
 بُشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِلَآئِهِ
 مژده دادن مسلمانان را (بر آئینه خدا می فراید بالصفات و نیکی کاری و عطا کردن
 مژده دادن مسلمانان (بر آئینه خدا می فراید بالصفات و نیکی کاری و عطا کردن
 ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَهْدِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ
 بخویشانداندان و منع می کند از بے حیائی و کار نامناسبه و هدی پند می دهد و بد شکارا تا بود که شکار
 بخویشانداندان و منع می کند از بے حیائی و کار نامناسبه و هدی پند می دهد و بد شکارا تا بود که شکار
 تَذَكَّرُونَ ۱ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ
 پند پذیر شوید و وفا کنید بعهده خدا چون عهد بندید و متکذیب سوگند هارا
 پند پذیر شوید و وفا کنید بعهده خدا چون عهد بندید و متکذیب سوگند هارا
 بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 بعد حکم ساختن آنها و بر آئینه ساخته اید خدا را بر خویش نمایان و بر آئینه خدا میداند آنچه
 بعد حکم ساختن آنها و بر آئینه ساخته اید خدا را بر خویش نمایان و بر آئینه خدا میداند آنچه
 تَفْعَلُونَ ۲ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزَاهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدٍ
 می کنید و مباشید مانند زنی که گسست رسته خود را بعد از استواری پاره پاره ساخته
 می کنید و مباشید مانند زنی که گسست رسته خود را بعد از استواری پاره پاره ساخته
 تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ
 می سازید سوگند های خویش را مگر در میان خود تا افزون تر خود گردید
 می گیرید سوگند های خود را بهانه در میان خود بلیب آنکه باشند گزینی ایشان زیاده از گردی
 إِنَّمَا يَبْتَلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ ۳ وَلِيَبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ
 جز این نیست که می آزماید خدا شما را با آن افزونی و البته بیان کند برای شما روز قیامت آنچه در آن
 جز این نیست که می آزماید خدا شما را با آن افزونی و البته بیان کند برای شما روز قیامت آنچه در آن
 خَتِيفُونَ ۴ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ جَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ
 اختلاف می نمودید و اگر خواسته خدا ساخته شما را یک گروه و لیکن گروه می کند هرگز
 اختلاف می نمودید و اگر خواسته خدا ساخته شما را یک گروه و لیکن گروه می کند هرگز
 نَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ مَوْلًى سَلَمًا عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۵ وَلَا تَتَّبِعُوا
 خواهد و راه می نماید هر که خواهد و البته پرسیده خواهد شد از آنچه می کردید و سزاوار
 خواهد و راه می نماید هر که خواهد و البته پرسیده خواهد شد از آنچه می کردید و سزاوار
 أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا
 سوگند های خود را در میان خویش و آنرا بجز و قدم بعد استواری آن و بچشمید
 عهده بپایان خود را در میان خود پس بجز و قدم بعد استواری آن و بچشمید
 الشُّعْرَ بِمَا صَبَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۶
 عقوبت بلیب بازداشتن شان از راه خدا و شمارا باشد عذاب بزرگ و
 عقوبت بلیب بازداشتن شان از راه خدا و شمارا باشد عذاب بزرگ و

الَّذِينَ يَبْعَثُ اللَّهُ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

استانید خون عهد خدا بهائے اندک هر آینه آنچه نزد یک خداست بهتر است شمارا
استانید خون عهد خدا بهائے اندک هر آینه آنچه نزد خداست بهتر است شمارا

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۖ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۚ وَ

اگر دانسته اید آنچه نزد یک شماست فانی شود و آنچه نزد یک خداست پاینده است و
اگر دانسته اید آنچه نزد شماست تمام زغالی شود و آنچه نزد خداست پاینده است و

لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ

بدینیم صابران را مزد ایشان بهجسب نیکوترین آنچه می کردند
بدینیم صابران را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرُوا أَنفُسَهُمْ وَهُمْ مُؤْمِنُونَ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاتَهُ

هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است هر آینه زنده کنیش بزنده گانی
هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است پس هر آینه زنده کنیش میدیم زندگانی

طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ فَإِذَا

پاک و بدینیم آن جان را مزد ایشان بهجسب نیکوترین آنچه می کردند پس وقتیکه
پاک دیدیم آن جان را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند پس وقتیکه

قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۚ إِنَّكَ

خوانی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده هر آینه
میخوانی قرآن خوانی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده هر آینه

لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۚ

نیست شیطان را علیه بر آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند
نیست شیطان را علیه بر آنانکه ایمان می آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ

جز این نیست که غلبه او بر آنانست که دوستداری اوی کنند و آنانکه ایشان با خدا
جز این نیست که غلبه او بر آنانست که دوستداری اوی کنند و آنانکه ایشان با خدا

مُشْرِكُونَ ۚ وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاعْلَمَ بِهَا

مشرک می کنند و چون بدل کنیم آیه بجای آیه و خدا داننده فرصت آنچه
مشرک می کنند و چون بدل کنیم آیه بجای آیه و خدا داننده فرصت آنچه

يُنَادِي قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتِرٌ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ

نزد می آید گویند جز این نیست که تو افرا کننده بل اکثر ایشان نمیدانند
نزد می آید گویند جز این نیست که تو افرا کننده بل اکثر ایشان نمیدانند

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ

بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو بر راستی تا مستقیم سازد خدا مومنان
بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو بر راستی تا مستقیم سازد مومنان

آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۚ وَلَقَدْ نَعْلَمُ آلَهُم

را و برائے راه نمودن و خورده دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران
را و برائے راه نمودن و خورده دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران

يَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْزِمُ عَلَىٰ لِسَانِ الْإِنْسَانِ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ

می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که گفتم می کنند بپوست او
می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که گفتم می کنند بپوست او

دل بپایه در دنیا
نعمت و بیم است
یعنی یک آیت بآیت
و دیگر نسخ کنیم
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث است
خبر من تلمذ قرآن
و علم به بهترین شما
شخص است که قرآن
را یاد بگیرد و بخواند
را یاد آموزد از این مومنان
مژده برای مومنان تعلیم
و تعلیم قرآن بهترین
کار است و در آیات
ما قبل و در وضع
ذکر شده است که
در عرض کارهای نیک
اجر داده میشود و لهذا
درین موقع بعض
آداب قرائت قرآن
را تعلیم می فرمایند تا
شخص از به احتیاطی
اجرای این بهترین کار را
ضایع نکند شیطان
و اما کوشش می کند
که مردم را از کلام بپایه
نیک باز دارد و خصوصاً
کاری مثل قرائت
قرآن که سرچشمه تمام
ای عملی است بر
شیطان گوار نمی
آید یقیناً به این کوشش
است که مومنان را از این
باز دارد و اگر درین
مقصد کامیاب نشود
او به چنان آفتابی مبتلا
سازد که از استحصال
نایده حقیقی قرائت
قرآن مانع گردد از تمام
این تدابیر و خواکار و
و خرابی باینکه پیش
میشود طریقه حفاظت
بهین است که چون
مومنان به قرائت
قرآن اراده کنند
اولاً از صدق دل
و ثانیاً از قرائت بر زبان

این تدابیر را خواکار و خرابی باینکه پیش میشود طریقه حفاظت بهین است که چون مومنان به قرائت قرآن اراده کنند اولاً از صدق دل و ثانیاً از قرائت بر زبان

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا

و میان کرد خدا داستان ذریه کردو امین

و میان کرد خدا مثال قریه کردو امین

رَسُولُهَا رَغْدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا

روزی او بشارتی از هر جائی پس ناسپاسی کرد ب نعمت های خدا پس چشاند خدا

روزی او بخشاوی از هر جائی پس ناسپاسی کرد به نعمت های خدا پس چشاند او را

اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝ وَلَقَدْ

او را بپوشش گرسنگی و ترس بسبب آنچه می کردند و هر آینه

خدا بپوشش گرسنگی و ترس بسبب آنچه می کردند (و هر آینه)

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَتَلُوا وَهْلَهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ

آمد پیش ایشان پیغامبر از جنس ایشان پس دروغ داشتند پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان

آمد پیش ایشان پیغامبر از جنس ایشان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان

يُلْمُونَ ۝ فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ رِزْقَ اللَّهِ حَلَالًا طَيِّبًا وَمَا أَشْكُرُوا

سنگار بودند پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شمارا حلال پاکیزه و شکر کنید

سنگار بودند پس بخورید از آنچه روزی داد شمارا خدا حلال پاکیزه و شکر کنید

بِعَمَلِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

بر نعمت خدا اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما

بر نعمت خدا اگر شما او را می پرستید جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما

السَّيِّئَةَ وَالَّذِينَ هُمْ وَآلَهُمُ الْخَبِيرُونَ وَمَا أَهْلُ لَيْلٍ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِهٖ فَمِنْ

مردار را دشمن و گوشت و خون را و آنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برزخ آن پس هر که

مردار را دشمن و گوشت و خون را و آنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برزخ آن پس هر که

أَصْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا تَقُولُوا لِمَا

سجده شده نسیسم کرده و از حد گذشته پس خدا آمرزگار مهربانست و گویند چیزی را که

بی چاره شده نسیسم کرده و از حد گذشته پس (هر آینه) خدا آمرزگار مهربان است و گویند چیزی را که

تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيُفْتَرُوا

بیان می کند علم او زبان شما بدو رخ آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید

بیان می کند علم او زبان شما بدو رخ آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

بر خدا دروغ را هر آینه آنرا که افترا می کنند بر خدا دروغ را

بر خدا دروغ را هر آینه آنرا که افترا می کنند بر خدا دروغ را

لَيُعَذِّبُنَّ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَعَلَى الَّذِينَ

در سنگار عذاب خواهد شد ایسان را بود بهره مندی اندک و ایشان را باشد عذاب دردناک و بهره مندی

در سنگار می شوند ایشان را بود بهره مندی اندک و ایشان را باشد عذاب دردناک و بهره مندی

هَادُوا وَاحْرَمُوا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَنَنْتُمْ وَلَكِنْ

حرام کرده بودیم آنچه قصه خواندیم بر تو پیش از این (و مورد انعام) و دستم نه کردیم بر ایشان و لیکن

بپوشانده حرام کرده بودیم آنچه بخیر بیان کردیم بر تو پیش از این و دستم نه کردیم بر ایشان و لیکن

كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ

بر جان خویش ستم می کردند باز هر آینه پروردگار تو آنانرا که کار بد کردند

بر جان خویش ستم می کردند باز هر آینه پروردگار تو آنانرا که کار بد کردند

و انرا بخیرند که بخوانند حال با حرام گفته بجهت انتساب می کنند پروردی برای آنها ظاهر خواهد شد که با اختیار کردن این روید بایام یکی می رسند چند روز و

ما ترجم گوید چنین

آزاد گوید که حج و عتقه

و غسل جنابت میگوید

باشد و الله اعلم ۱۵۳

ما ترجم گوید

یعنی پیوسته

میگردد در شریعت

طائفه گفتند که خداوند

روز مشبه از خلق فارغ

شد پس در مشغولیات

باید کرد و طائفه رسالت

گرفتند خداوند تعالی

تینم روز مشغول باین

سبب برایشان

واجب گردانید

والله اعلم ۱۲

تفسیر عثمان

ع در طریق دعوت

و تبلیغ باید بهمان راهی

برود که خداوند نشان

داده است و هیچ

احتیاج باین اندیشه

نیست که چه کسی

پذیرفت و کز ازان

انکار و رد بپوشد

بخدا بسیارید بهمان

ذات حالات افرادی

را که براه می آیند

غی آئید بهتر میدانند

هر طور که مناسب باشد

با آنکه معامله می کنند

عده اگر در راه دگر

بشارخ و اندوه

رسانیده شود در

وقت استحقاق

قدرت اجازه دارید

که انتقام سادایان

بگیرید لیکن مقام مبر

ازان بلند تر است

و اگر مبر گردید بقیه

آن در حق خود شما

و نیز در حق

تاشایان

بلکه خودی ۲۲

کنندگان بهتر میباشد

ع یعنی مظلوم و

شأن مبر کردن کار آسان

بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ

بنیادانی باز گویه کردند بعد از آن و شایسته کار شدند هر آینه هر در دگر تو

بِعَدْلٍ هَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ

بعد از این توبه آمرز گاه مهربانست هر آینه ابراهیم بود بزرگوار عبادت کننده برائے خدا حنیفی گشته و

لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱ شَاكِرًا لَا تُعْبِطُ اجْتِبَاءَهُ وَهَدَاهُ إِلَى

نبود از مشرکان و سپاس دارنده نعمت بآنست خدا را برگزیدش خدا دلال نمودش بسوئے

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۲ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَرَأَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ

راه راست و عطا کردمش درین سراجست و در آئینه در آخرت

لَيْسَ الصَّالِحِينَ ۳ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

از شایسته حالان است بعد از آن وحی فرستادیم بسوئے تو که پیروی کن کیش ابراهیم را دال بودار همیش را در بود

وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۴ إِنَّمَا جَعَلَ لِسَبْتٍ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ

از مشرکان جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنکه اختلاف کردند در آن و

إِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۵

هر آینه پروردگار تو حکم کند در میان ایشان روز قیامت در آنچه که اندران اختلاف می کردند و

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ

دعوت کن بپیش مردمان را بسوئے راه پروردگار خویش بدانش و پند نیک و مناظره کن بایشان

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ

بطریقی که دسه نیک است هر آینه پروردگار تو داننا تر است بکسی که گمراه شد از راه او و

هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۶ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا

داننا تر است براه یافتگان ع و اگر عقوبت کنید پس عاقبت کنید بمثل آنچه

عَوَّضْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ ۷ وَاصْبِرْ وَمَا

با شما معاوضه کرده شد و اگر صبر کنید هر آینه آن مبر بهتر است صابران را و صبر کن و نیست

صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَاسْتَرْزُقْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا

شکیبائی تو مگر بتوئیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه

فلان یمنه در صورت
 نخل ۱۲ شکارچی در
 صورت اسراف ۱۲
 و یا یعنی حق تعالی
 تفسیر عثمان
 تفسیر سلفی ۲۸۵
 لغز ۱۰ اسری سیده
 رایه این معنی گرفتن
 خداوند خود را در
 خواب و یا در عالم روح
 از کعبه بیت المقدس
 برده و شایسته است
 که شفیع فاسر
 بجای دی و رایه این
 معنی بگیرد که دایمی
 بندگان مرا از بی امانی
 را در خواب و یا محض
 در عالم روحانی از
 مصر بشنید و یا در
 سوره بکف که حضرت
 موسی علیه السلام برای
 ملاقات حضرت خضر
 علیه السلام رفت میبرد
 او سفر کرد که برای
 آن در چندین جا کلاه
 نهان گذاشته است
 مطلب آن چنین
 گرفته شود که این همه
 حرکت محض در خواب
 و یا سیر روحانی بتوحش
 پیوسته است باقی
 راجع به کلام در و یا
 که در قرآن حکیم آمده
 ابن عباس فرموده
 است و در یاقین
 اریها رسول الله
 الله علیه و سلم مفری
 از کلام عرب شواهد
 آورده اند که کلمه و یا
 گاه گاهی به معنی مطلق
 رویت چشم استعمال
 می شود لهذا اگر از آن
 بعین و اقوال مراد
 باشد باید معنی مطلق
 نظاره گرفته شود که
 پرده ظاهر بی عمل
 آمده است تا با خواهر نفوس

عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ۝ وَلَا
 تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَلَ مَلُومًا
 درستی خود را بسته با گردن خود دل کشای آنرا تمام کش آن که انگاه بشینی ملامت کرده شده دل
 دست خود را بسته با گردن خود دل کشای آنرا تمام کش آن که بشینی ملامت کرده شده
 فَحَسْرَةً ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّكَ كَانَ بِعِندِ
 در مانده گشتی و هر آینه پروردگار قوی کشاید روزی برای هر که خواهد و تنگ می کند هر آینه او به من گان خود
 در مانده (هر آینه) پروردگار قوی کشاید روزی برای هر که خواهد و تنگ می کند هر آینه او به من گان خود
 خَيْرِ الْبَصِيرَاتِ ۝ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مَخْشِيَةَ إِمْلَاقٍ مَّنْ تَرْزُقُهُمْ
 دانا بیناست و مکتبه اولاد خود را از ترس تنگدستی روزی میدهم ایم ایشان را و
 دانا بینا و مکتبه اولاد خود را از ترس تنگدستی روزی میدهم ایم ایشان را و
 إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ إِن كَانَ فَاحِشَةً
 شکارا هر آینه شستن ایشان هست گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیای است
 شکارا هر آینه شستن ایشان هست گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیای است
 وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قَتَلَ
 و بد را بیست و سه و مکتبه نفس را که حرام ساخته است خدا مگر بحق و دیگر گشته شود
 و بد را بیست و سه و مکتبه نفس را که حرام ساخته است خدا مگر بحق و دیگر گشته شود
 مَطَاوِفًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ
 به ستم پس داده ایم وارث او را قوتی پس باید که زیادتی نماند در کشتن هر آینه دس بیست
 به ستم پس دادیم وارث او را قوتی پس باید که زیادتی نماند در کشتن هر آینه دس بیست
 مَنصُورًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
 یاری داده شده و نزدیک مشوید بمال یتیم مگر بطریقیکه که او نیک است تا آنکه رسد
 یاری داده شده و نزدیک مشوید بمال یتیم مگر بطریقیکه که او نیک است تا آنکه رسد
 أَشْدَّ ۝ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُورًا ۝ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ
 به نهایت قوت خود و وفا کنید بعهد هر آینه عهد پر سیده خواهد شد از و وفا کنید
 به نهایت قوت خود و وفا کنید بعهد هر آینه عهد پر سیده خواهد شد از و وفا کنید
 إِذَا كَلَّمْتُم مَّنْ زَنَىٰ بِالْقِسْطِ سَلِّسُوا لَاسْتَقِيمَ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا
 پیامید و بسنجید به ترازوی راست این بهترین است و نیکوتر است از جهت عاقبت
 پیامید و بسنجید به ترازوی راست این بهترین است و نیکوتر است از جهت عاقبت
 وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ
 و مردی چیزی که ترا دانش آن نیست هر آینه گوش و چشم و دل هر یکی از این با
 و مردی چیزی که ترا دانش آن نیست هر آینه گوش و چشم و دل هر یکی از این با
 كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ فَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ
 پر سیده خواهد شد از و مردی در زمین خرامان هر آینه تو خواهی شکافت زمین را
 باشد از نفس خود پر سیده شده و مردی در زمین خرامان (هر آینه) تو خواهی شکافت زمین را
 وَلَن يَبْلُغَ الْجَمَالَ طَوْلًا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئًا عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝
 و نرسد بجوهر و مردی در نرسد به این خصلت با بدی او است نزدیک پروردگار تو ناپسندیده
 و نرسد بجوهر و مردی در نرسد به این خصلت با بدی او است نزدیک پروردگار تو ناپسندیده

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

این از آنکه است که وحی فرستاده است بسوئی تو پروردگار تو از علم و مقرر کن با خدا معبود دیگر را
این از آن که است که وحی فرستاده است بسوئی تو پروردگار تو از علم و مقرر کن با خدا معبودی دیگر را

فَقُلْ فِي هَمَّتُمْ لَهُ مَا قَدْ خُورًا ١٠ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَالْأَخْذَمِينَ

آنکه انداخته شوی در دوزخ طاعت کرده شده رانده گشته آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و خود را گرفت از
پس انداخته شوی در دوزخ طاعت کرده شده رانده گشته آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و خود را گرفت از

الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَاطِقٌ لَّكُمْ تَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ١١ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا

در میان دستان را هر آینه شای گویند سخن بزرگ و بدستیک گردانیدیم بهایت خود را از دل در این
در میان دستان را هر آینه شای گویند سخن بزرگ و بدستیک گردانیدیم بهایت خود را از دل در این

الْقُرْآنَ لِيَذْكُرُوا وَمَا يُزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ١٢ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا

قرآن تا چند یاد شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر میدان را بگو اگر بودند با خدا معبودان دیگر چنانکه
قرآن تا چند یاد شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر میدان را بگو اگر بودند با خدا معبودان دیگر چنانکه

يَقُولُونَ إِذَا أَلْبَسُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ١٣ سُبْحَنَ وَتَعَالَى يَقُولُونَ

ی گویند آنکه طلب کردند بسوئی خداوند عرش راه منازعت را یا است دس و بلندست از آنچه می گویند
ی گویند آنکه طلب کردند بسوئی خداوند عرش راه منازعت را یا است دس و بلندست از آنچه می گویند

عَلَا كِبْرًا ١٤ تَسْبِيحُ لَهُ السَّمُوتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ

بناهی عظیم بیای یادی کنند او را آسمان هفت گانه و زمین و هر که در میان این هاست و نیست
بیای یادی کنند او را آسمان و زمین و هر که میان این هاست و نیست

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنْ كَانُوا حَلِيمِينَ

چیز گر بیای یاد میکنند با ستایش او و لیکن شما هم نمی کنید یاد کردن ایشان را هر آینه دس است بردبار
چیز گر بیای یاد میکنند با ستایش او و لیکن شما هم نمی کنید تسبیح ایشان را هر آینه دس است بردبار

عَفُورًا ١٥ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

از کار و چون بخوانی قرآن را میسازیم در میان تو و در میان آنانی که باور نمیدارند
از کار و چون بخوانی قرآن را میسازیم در میان تو و در میان آنانی که باور نمی دارند

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ١٦ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

آخرت را پرده پوشیده و می بینم بر دل ایشان پوششها تا نفهمندش و در
آخرت را پرده پوشیده و می بینم بر دل ایشان پوششها تا نفهمندش و در

أَذَانَهُمْ وَقَالُوا إِذَا كُنْتَ رَبُّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ

گوش ایشان گران را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها و گردان شوند بر جانب پشت خود
گوش ایشان گران را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها و گردان شوند بر جانب پشت خود

نُفُورًا ١٧ مَحْنُ أَعْلَاهُمْ يَسْتَمِعُونَ بِكَ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ

دریده شده و نادانانند که می شنوند بسبب آن و وقتی گوش می دهند بسوئی تو و وقتی که ایشان
دریده شده و نادانانند که می شنوند بسبب آن و وقتی گوش می دهند بسوئی تو و وقتی که ایشان

يُحْجَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تِلْكَ غَوَّاتُ الْمَسْجُورَاتِ ١٨ أَنْظِرْ كَيْفَ

را از زبان باشد و وقتی گویند این ستم گران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو کرده را
را از زبان باشد و وقتی گویند این ستم گران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو کرده را

فَكَرُوا الْإِمْتِثَالَ فَضِلُوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ١٩ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا

زدند داستان با برائی تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن و گفتند آیا چون شوم
زدند داستان با برائی تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن و گفتند آیا چون شوم

أَعْدَاءُ كُنَّا نَسْتَدِينُكَ نَوَدُّكَ آلِهَةً وَبِهَيْبَةٍ يَشْعُرُونَ ٢٠ وَكَانُوا لَكَ آيَاتٍ

و در برابر تو نمیدانستیم که تو را پرستیم و با هیبت می ترسیدیم و تو را نشانه های
و در برابر تو نمیدانستیم که تو را پرستیم و با هیبت می ترسیدیم و تو را نشانه های

طی ترجمه گوید
هر دو آیت کرامت
است از عدم اعتقاد
ایشان بقرآن و معجزات
و معجزاتی ۱۱-
تفسیر عثمانی
عنه بر زبان
نداشتند که محکم غیر
هم شد بلکه میخواستند
هر یک جدا جدا
تحت سلطنت خدا
و از کون سازند اگر
با دشمنان گفته شود که چون
در مقابل ملک عرش نما
ز و راقده را نهایی
سود است لهذا به
عبادت یک مخلوق
عاجز و ناتوان پروردگار
تعالی می فروزی است
و اگر برای تقریب الیک
عشق معبودان موجود
باشد چنانچه کفار هم
میکنند البته خود آن
معبودان با طریقه توحید
در حقان آفریننده عرش
را نمی و خواستار قرب
او توانایند پس برای
عبادین آنها هنوز فزونی
ترشیده میشود که توحید
در حقان خداوند بزرگ
نابیند زیرا خدا ی توانا
به زبان تمام انبیاء و
رسول نطق انسانی
از شرک اظهار نمیدارد
کاف نموده است پس
چانه تعجب است که
این اقلان چگونه را می
گویند که در مقابل ما
عبد هر یک از مخلوق
بزرگان و ارباب و بزرگان
عالی پائی و خوبی های
لایزال و ابدی
گفته اند که شما از ما نمی
ترسید خواه از باعث
اینکه نزد ما شکوید
و از سبب فقدان توکل بر ما آن هیچ تالی بعضی مخلوقات مشفیه و نهیای میشود و اگر شخص با وجودی که چند آفریننده را می بیند و می بیند که این همه در ستمند است ۱۱

ذلك في الكتب مسطورا ٤) وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ

این عدده در لوح نوشته شده و بازداشت مار از آنکه بفرستیم نشانها متحرک
این کم در کتاب (پیر) حفظ نوشته شده و بازداشت مار از آنکه بفرستیم نشانها متحرک

كَلْبٍ مَّالٍ وَلَوْ^ط وَابْتِئَانُ شُودِ الْبَاقَةِ مُبْصِرَةٌ فَظَلَمُوا إِيَّاهُ وَ

در رخ نموده بودند آنرا پیر شیخیان و دادیم نمود در
 در رخ نموده بودند آنرا پیر شیخیان و دادیم نمود در

بُرْسِلُ بِالْأَيْتِ الْاِخْوِيًّا ٤ وَاذْكُلْنَاكَ إِنَّ رَبَّكَ أَكَلُ بِاللَّاسِ

فی ارسیم نشان بارا مگر برائے ترسانیدن و یا دکن چون تقیتم تر اگر برود کار و در گزین است هر دو ان را ای در کرد و
فی ارسیم نشان بارا مگر برائے ترسانیدن و یا دکن چون تقیتم تر اگر دهر این برود کار و در خوا اید گرفت و رواشا و

جَعَلْنَا الرُّعْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ الْإِفْتِنَاءَ لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي

آن کاش را که بگوئیم مگر امتحانی مردمان را دادیم چنین است درخت لعنت کرده شد در

القرآن ونحو فهمه فمما يزيدهم الاطعيا ما كبروا^٨ واذا قلنا

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَابْتَغِ الْوَعْدَ ابْنِ مَرْيَمَ إِذْ يَقُولُ لِخَلْقِ الْمَلَائِكَةِ سَاجِدُونَ إِنَّهُ جَعَلَ آلَ آدَمَ خُلَافَةً عَلَى الْبَرِّ وَالْبَرِّ وَالْأَرْضِ أَكْثَرُ

از ایشان را سجده کند آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس گفت آیا سجده کنم کسی را که آفرید

طینا ① قال اءیتک هذا الذی کرمت علی لیلین اخرین الی یوم
از کج بازگفت ایادید ی این شخص را که فضل دادی بمن اگر موگفت که زاری مرا تا روز

از گل گفت ای بس یاره خیره مرا که این را گمراهی کرده بر من اگر مہلت دہی مرا تا روز

لیفہ احلی بن دریتہ الاولیاء (۲) قال اذهب من تبعك هذه فان
قبالت البیت اذین برکت اولاد اور الامہ کے خدا فرمود یرد پس ہر سیکہ پیروی تو کند ایشان پس

قیامت البتہ از پیغمبر کرم اولاد اورا مگر اندکے خدا فرمود ہر دہس ہر کسیکے پیروی تو کند از ایشان پس ہر کس

اور یہ سزا ہے ہمہ شامت سزائے کامل و از جا بچیدان سرکرانہ اراکین

از راج سزائے بہ شامت سزائے کامل و از جای خندان سیر کو توابی از ایشان

باز خود آواز یکن بر لبک ایشان سواران خود را و میادگان خود را و شریک شتابان در اموال و فرزندان

وَعَلَّاهُمْ وَمَا نَعْلَاهُمْ الشَّيْطَانُ الْأَخْمَرُ ﴿٣٠﴾ (سُورَةُ الْأَنْعَامِ: ١٠١-١٠٢)

و در عهد دوازدهم و در عهد نهم و در ایش تراختیلان مگر بفریب و از هر آینه زندگان من نیست ترا برایشان هم
و در عهد دوازدهم و در عهد نهم و در ایش تراختیلان مگر بفریب (از آینه) نیست ترا برایشان هم

عليهم سلطان وكف برك وكيل الله ربكم الذي يربي لكم الفلك في البحر

قدرت و بس است پروردگار تو کار ساز پروردگار شما آنست که روان میکند برای شما آفتاب را در دنیا
و در آخرت (قدرت و بس است پروردگار تو کار ساز پروردگار شما آنست که روان میکند برای شما آفتاب را در دنیا

الْتَبَسُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ٧ وَإِذْ امْسَكَ الصُّرُفَ فِي الْبَحْرِ

طالب معیشت کند از فضل او بهره آید و دست شما مهربان و چون برسد شما محبت و دریا

استعمال کلی مستحسن شد پس اگر تمام خواہشات شما تکمیل شود چنانکه از وضعیت شما ظاهر است و خداوند میباید که شما نیز قبول نمی کنید آنکه

و ما یغنی چون کاهان
 قصه مرغان شنیدند
 آیت ان شجره انازین
 طعام الایم بالین
 رسید استعلا کردند
 محل طعن اساختند
 طاعت عزیمت کردند
 تعبیر است معنی نیکن
 اورا چراگون ایشان
 خود ازین برین
 زدن چو دیه
 اعانت نکرده ایشان
 غرور میزدن و سودان
 و بیادگان خود را
 آوازی و بهرگز این
 سو بیکر و ازان سو

تفسیر عثمانی

در حدیث است
که اگر از آن حضرت

بَلال کر وید کہ آں در حق این امت خلاف صححت و صحت است ۱۲

وَعَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ مِّنْهُم مَّا رَزَقْنَاهَا حِثٌّ مِّنْهَا ۚ وَكَانُوا شَاكِرِينَ ۝١٥

در ایالت ایروان و گنبد و کمره ایالتان و دوزخ است هرگاه که فرو کشند در زمانه آتش میفرایند هر ایالتان را میست

سَمِعُوا هُمْ يَا هُمْ كَفَرُوا يَا بَنِي آدَمَ إِذْ اتَّكَعْظَمُوا وَرَبَّانِي إِنَّ الْمُنَافِقِينَ

از این بلب آمدن و رفتند به شانه های ما و گفتند آیا چو شویم استخوانها و اعضا از هم پاشیده آیا بلب از این بلب می آید و رفتند به شانه های ما و گفتند آیا چو شویم استخوانها و اعضا از هم پاشیده آیا بلب از این بلب می آید

لَقَدْ جِئْتُمُوهُ ۖ اُولَئِكَ يَوْمَئِذٍ يَخْلُقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ قَدِرًا

ایماندیده اند که آن خداست که آفریده آسمان و زمین را و توانا است

پارمندا مانند ایشان و ساجده است برائے ایشان مینا و که در تاریخ شریفیت در آن پس قبول می شود و تمام کاران

الْكَفُورَ ۝ قُلْ لَّوْ اَنَّكُمْ تَعْلَمُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي اِذَا الْمَسَّكُمْ شَيْءٌ

بگو اگر میبودید شما مالک خزانهاست بخشش پروردگار را نگاه دارید می کردید به قرص آنکه
 از اسکی (البار) را بجا نمی بودید شما مالک خزانهای بخشش پروردگار آنجا هر آینه نیکی می کردید از قرص آنکه

فَنَقَّ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قُورَانًا ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَاهُم مِّن تَحْتِ السَّمَاءِ آيَاتٍ مُّتَنِيَةً

در این کتاب است از وی (رحیم) و هر آینه داویم موسی را نه نشانه روشن

اس بنی اسرائیل انجاء ہمہ فقال لہ فرعون اے اے موسیٰ

اس پر اس نے بی اسرائیل جوں بایشان پس گفت اورا فرعون (ہر آئینہ) من می پندام ترا اسے موسیٰ

و او کرده شد گفت هر آینه تودا آینه که گفت ستاده امت این شاهها مگر پروردگار آسانها و زمین

صَاحِبُ رَأْيٍ لَا تُظَنُّكَ يَفْرَعُونَ ﴿٢٠﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِزَهُمْ مِّنْ

بلیا فرستاده است آنرا و هر آینه من می پندارم ترا ای فرعون بکام شده پس خواست که بچیند با منی اسرائیل را از این
 قید و دلائل و روشن است و (بر آینه) من می پندارم ترا ای فرعون بکام شده پس خواست که بچیند با منی اسرائیل را از این

رَضٍ فَأَعْرِضْ ۚ وَمَنْ مَعَ جَمِيعًا ۖ وَقُلْنَا مَنْ بَعْدَ إِبْنِ إِسْرَءِيلَ

پس بنی اسرائیل اور انانزاکہ ہمراہ او بودند ہمیں جا و تعلیم پس ازوے بنی اسرائیل را

ملئوا الارض فاذا جاء وعد الآخرة جئنا بكم لغيا ۝ وبالحق انزلناه

و بعد از آنکه بیاورد و عده آخرت بیاریم بنهارا دهیم آنچه که در اسبق فروستادیم آنرا را

و اما از سنانك امانتكم او را بيايد و چون آنرا فرموده شد
استی خود آمده است و نه فرستادیم ترا مگر مرده و پنهان شده و ترسان شده و قرآن را میفرستادیم تا بخوانی آنرا

وَاللَّاسِ عَلَىٰ مَكْثٍ وَنُنَزِّلُهَا نَزِيلًا ۝٥ قُلْ إِنِّي أُوْهِدُهَا وَأُولَٰئِهَا أَصْنَافٌ

در آن بدرنگ و دو فرستادیم آنرا و فرستادنی بگو ایمان آرید بان یا ایمان نیارید هر آینه
در آن بدرنگ و دو فرستادیم آنرا و فرستادنی علیه بگو ایمان آرید به آن یا ایمان نیارید (هر آینه)

سے آئندہ بیچ مورد محلی بالی مانند کہ آیتسی را بے موقع بہلہ میر نہ آتا۔

عَلَىٰ أَنَا لَهُمْ إِنْ لَمْ يُمْسِكُوا هَذَا الحَدِيثَ أَشَقًّا ۖ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَىٰ

برہے ایشیاں اگر ایمان نہ دے بائیں سخن از بہت اندوہ
برہے ایشیاں اگر ایمان نہ دے بائیں سخن از بہت اندوہ

الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنُبَيِّنَهُ لَكُمْ آيَاتِهِمْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۖ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا

زمین است آرایش آنرا تا امتحان کنیم ایش را کدام کس از ایشان نیکو ترست در عمل هر آینه البته بعد مدام خواهم ساخت هر
زمین است آرایش آن تا امتحان کنیم ایش را کدام کس از ایشان نیکو ترست در عمل هر آینه اگر دانند ایم آن چیز را که

عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرْزًا ۝ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيِّ كَانُوا

مِنْ آيَاتِنَا كَذِبًا ۚ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ

شان ہائے عجب بودند چوں آرام گرفتند جوانان چند بسوئے غار پس گفتند اسے پروردگار ما بدہ مارا از
 شان ہائے عجب بودند چوں آرام گرفتند جوانان بہ غار پس گفتند اسے پروردگار ما بدہ مارا از

لَكَ رَحْمَةً وَهَيَّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَضَرْبَنَا عَلَىٰ أَعْنَافِهِمْ فِي

از یک خود بخفته و آماده ساز برآیست مارا یابی را در کار مایس پرده گذاشتیم بر گوش ایشان در
از خود بخفته و آماده ساز برای ما در کار مایس پرده گذاشتیم بر گوش ایشان در

لَكُمُف سَيِّئِينَ عَذَرَ ۖ ۝ تَعْنَهُمْ لِنَعْلَمَ أَيَّ الْجَانِّينَ أَحْطَىٰ لِمَا

فارسى خاينان بكم ساهباي شمرده شده باز مرا بختيم ايران را تا بد اينكم کدام يك از دو گروه يادآور است مقدريه
عاشا چند سالهاي شمرده شده باز مرا بختيم الشان را تا معلوم كنيم کدام يك از دو گروه يادآور است مقدريه

لَبَّكُمُ اللَّهُ (٤) نَقْصُ عَيْنِكَ نَاهُمْ يَا حُوَّ (٥) اللَّهُمَّ فِتْنِي أُمَّةً ابْرَاهِيمَ

در کل روندت از زمان مایخانیسم بر کو قبح ایشان بر آینه ایشان جوانان چند بودند که ایشان در میر میر

وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝ وَرَبُّنَا عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ إِنَّا قَالُوا أَفْقَالًا ۝ أَزِيدُوا ۝

در یادداشت‌های ایشان در بابیت درشته بهیم بر دل ایشان و مدح و ستایش ایشان گفتند پس می‌فرمود و کار ما همان پروردگار

سَمِعْتُ وَكَأَنَّكَ
لَمْ تَدْعُ إِلَى دُونِ الْهَالِقِ فَإِذَا شَطَطًا ٣

آسمان یا زمین است ہر آئینہ بخدا ایم پرستیدان بجزوے معبودے را ہر آئینہ گفتہ با نسیم آنگاہ سخن دروے

المهملات والآلة (المهملات والآلة)

این قوم را خدایان گرفته اند بجز خدا چنان می آرند بر نبوت آن خدایان

کتاب: غزوات و فتوحات رسول الله ﷺ

پس کیست ستمگار ترا از گنبد برکت بر خداداد و روح را و چو یکسو شود اے یاران ازین کافران: یکسو شدید را

[illegible]

یہ ہر تندرست انسان بجز غذا پس آرام کرے یہ سب کے غار سا فراخ کند بر شاہرورد و گار شہا بشتا لیش خود را

و یستند ایشان بجز خدا پس آرام گیرید به عار باد بر من که جز خدا را پروردگار خود دانستم

وہیاسازدیرائے شما منفعت را و کار شما وہ یعنی اے بے پندہ آفتاب را و تیرک خالص شود میل کن

و همیاسازد پیرای شاد که قضا منفعت را و انجی می رازی پندیده از دسی اصابید را و سنجید طایع سود پس کند

[illegible]

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعَهُمْ كَذِبٌ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَذِبٌ

یعنی خواهند گفت اصحاب کبف سه کس اند و چهارم ایشان سگ ایشان است و پنجم خواهند گفت که پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشان است

جَبَابَا الْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَتَامَهُمْ كَذِبٌ قُلْ رَّبِّي أَعْلَمُ

بشما را از آنکه پنهان است و نیز می گویند هفت کس اند و ششم ایشان سگ ایشان است و هفتم می گویند که هفت کس اند و ششم ایشان سگ ایشان است

عَلَيْهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تَتَّبِعِهِمْ إِلَّا مَرَأً طَاهِرًا مَوْلا

بر ایشان آنچه می داند ایشان را مگر اندک کسی پس گفتگو مکن در مقدمه ایشان مگر گفتگوئی سرسری و بشما را از آنکه پنهان است مگر اندک کسی پس گفتگو مکن در مخفی ایشان در امر ایشان مگر گفتگوئی سرسری و

تَسْتَفْتِي فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا هَ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكِ

سوال مکن در باب ایشان هیچ کس را از کافران و مگو هیچ چیز را که من البتہ خواهم کرد آنرا تحقیق مکن (سوال مکن) در باب ایشان هیچ کس را از کافران مگو هیچ چیز را که من البتہ کنده ام آن را

عَدَا ۱ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ زَوَادُكَ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ

فرودا مگر مقررند بزرگتر شد خدا و یاد مکن پروردگار خود را و بقیه فراموش کنی و بگو تو فراموش است که فرودا مگر این را بگو که خدا یاد مکن پروردگار خود را و بقیه فراموش کنی و بگو تو فراموش است که

يَهْدِيَنِّي لَا قَرْبَ مِنْ هَذَا ارْشَادًا ۲ وَلَيْتَوَانِي كَهَفُهُ ثَلَاثَ مَائَةٍ

راست کند مرا پروردگار من نزدیک تر از این به اعتبار راستی از آنچه کافران میگویند و درنگ کرده بودند در غار خود سه صد سال و آنرا پروردگار من نزدیک تر از این برادر عذاب دورنگ کرده بود در غار خود سه صد

سِنِينَ وَأَزَادُوا تِسْعًا ۳ قُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْتُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ

سال و افزودند نه سال دیگر بگو خدا دانای تراست بمقدار که درنگ کردند او را است علم غیب آسمان ها سال و افزودند نه سال دیگر بگو خدا دانای تراست بمقدار که درنگ کردند او را است علم غیب آسمان ها

وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَلَا يَشْرُكَ فِي

و زمین چه قدر بیناست و چه قدر شنواست نیست ایشان را بجز من هیچ کار سازد و شریک نمی گیرد در زمین چه قدر بیناست و چه قدر شنواست نیست ایشان را بجز او هیچ کار سازد و شریک نمی گیرد در

حُكْمِهِ أَحَدًا ۴ وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مَبْدَلَ

حکم خود هیچ کس را و بخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو هیچ کس تبدیل کننده نیست علم خود هیچ کس را و بخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو هیچ کس تبدیل کننده نیست

لِكَلِمَةٍ قَوْلٍ وَلَنْ يَخْذَلَكَ مِنْ دُونِ مُلْحَدًا ۵ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ

برای هر کلمه و هر آوازی و بجز من هیچ نیاست و منند کن خود را با آنکه علم من است و دیرا و هرگز نیایی بجز او هیچ پناه گاهی و صبر کن نفس خود را با آنکه

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهًا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْلَ الْاِثْمِ

یاد می کنند پروردگار خود را بصبح و شام می خواهند روئی او را در پند که در ننگد و چشم من است که از ایشان ان یادی کنند پروردگار خود را بصبح و شام می خواهند روئی او را باید که ننگد و چشم من است که از ایشان (از ایشان)

يُحْيِي رُوحَهُ الْاِحْيَاءِ وَلَا تَطْعَمُ مَنْ اَعْفَلْنَا قُلُوبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبِعْ

حیات کنان را از ایشان زندگانی و دنیا را و فرمان میر آنرا که فاعل ساخته ایم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است طبع کنان را از ایشان زندگانی و دنیا را و اطاعت مکن آنرا که فاعل ساخته ایم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است

هُوَلَا وَكَانَ أَمْرُهُ قَوْلًا ۶ وَقُلْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ

خوابش خود را دست کار او از حد گذراند و بگو این سخن راست است آمده از پروردگار شما پس هر که خواهد ایمان آورد و خوابش خود را دست کار او از حد گذراند و بگو این سخن راست است از پروردگار شما پس هر که خواهد ایمان آورد و

صل یعنی بگو خایم
کرد ایشان را الله تعالی
می یعنی باز متنبه شدی
تفسیر عثمانی
س و باب ایگو
سفران بطر عادی مجاور
نزد او فائده ندارد اگر
عادی هیچ شان هم معلوم
اجود کدام مقصد هم
باز از آن بدست نمی
آید و درین علاوه
ها برین آنچه خدای تعالی
بیان کرده در پی تحقیق
انسان و یا هر قدر یک
نحوای تعالی نزدیک کرده
است در زیادت
آن مجاور کردن نزدیک
نمودن به بود است
این عباس فرمود که
من از جمله آن مردان
معیل بهستم که از سابق
قرآن معلوم کردند که
اصحاب کبف هفت
نفر بودند زیرا حق تعالی
و قول اولی را در جافا
ما غیب فرمود و ما
قول سوم را جافا غیب
نفرمود علاوه بر این
اسلام بیان هم متغیر
است و در اولی
و او عطف انداخت
چون در جمله سوم
و شام بنیم بلیهم عطف
آورده شده پس انداخت
این عطف تا یکدست
که قائل این قولی کامل
اصدرت و توفیق به
تفصیل و اقتدا به
دارد نیز در باب ایگو
بعضی گفته اند که او را
مقتل تانی بهمیم کم
بگویم بودن یک
جمله از قائل
ایشان را و یا هر قدر
آنها درین سر قائل

طریق باید اقامت یافت نر باشند و سگ بر علاوه آنها بود ۱۲

مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيْكَ رَجُلًا ۚ لَكِنَّهُ هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ

از خاک باد از نطفه باز ترا مرد ساخت لیکن من استغاد و ازم که التبر و در کار هست و شریک مقرر می کنم

بِرَبِّي أَحَدًا ۚ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بآپ و در کار خود هیچ کس را در چاره چون در آمدی به بوستان خود گفتی آنچه خدا خواست است شد نیست تو توانی مگر

بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا ۖ وَلَوْلَا ۚ فَصَدَّقَ رَبِّي أَنُ يُؤْتِي

بشیت خدا اگر می بینی مرا کمتر از تو مال و فرزند پس شاید که پروردگار من بدید مرا

خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حِصَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا

بتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو عذایی از آسمان پس گردد زمین بے گیاه

زَلَقًا ۚ أَوْ يُصْبِحَ مَاءً وَهًا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۚ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ

غذا شده یا باشد آب او فرود رفته پس نتوانی آنرا جستن و بجزویت احاطه کرده شد میوه های او

فَأَصْبَحَ يَقْلُبُ كَفْبِهِ عَلَىٰ مَا نَفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا ۚ وَ

پس بامداد گردی مایه در دست خود محسوس بر آنچه خرج کرده بود در عمارت آن و آن افتاده بود بر سقف های خود و

يَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ۚ وَلَوْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَبْصُرُونَهُ

می گفت ای کاش شریک مقرر نکردم بآپ و در کار خود هیچ کس را نبود و او را هیچ حایلی که یاری دهندش

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ۚ هُنَالِكَ الْوَرَىٰ ۖ يَرَىٰ اللَّهُ الْخَيْرَ

بجز خدا و نبود خور انتقام گیرنده اینجا ثابت شد که کار سازی خدا ای همیشه باشد راست و بے بهر است

تَوَابًا وَخَيْرٌ عَقِيبًا ۚ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا حَيَوةَ الدَّيْنَارِ كَمَا أَتْرَكْنَاهُ

از دین تو اب و دادن و بتر است از دین جزا دادن و میان من بر آن ایستادند و دنیا داری مانند آیت کرد و فرستادش

مِنَ السَّمَاءِ فَاجْتَلَط بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ

از آسمان پس در هم پیچید برب و رستی زمین پس شد آشکار در هم شکسته می پرانیدش

الرَّيْحُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ۚ الْهَالِكُ وَالْبَتُونَ زِينَةُ

باد و بخت خدا بر همه چیز توانا و فرزند آن ایست

الْحَيَوةِ الدَّيْنَارِ وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ تَوَابًا وَخَيْرٌ

زندگانی دینار است و حیات پاکیده شایسته بتر است نزد پروردگار تو از دین تو اب و دادن

أَمَلًا ۚ وَيَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً ۚ وَحَشَرْنَاهُمْ

از جهت امید داشتن و آن روز گردانیم کوه ها را بر بیابان را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را

از حَشَرٍ آمِدٍ دَاشْتَنَ دَرِیَادِکُنْ اَرَزْدِیْدَ اَرْدَوَانِ نِیَمِ کَوِهْ بَارَ اَرَزْدِیْبِی زَمِیْنِ رَا خَیْرَتَمَهْ وَجَمْعِ سَازِیْمِ مَرْدَمَانِ رَا

بلاش اندوز میوه باطل که آنرا شریک خدا گردانیده بود و در غش قوتی داشت که باغ غلبه خدا میفرو یا انتقام گرفته می توانست

عنه خدایک اصل ترا
یعنی آدم علیه السلام
از خاک بے جان آنکه
سپس خود را از نطفه
پیدا در زمین و یک قطره
ناچیز بود و آرد و زندگی
بخشید و قوت بآی جسم
و در حاتی عطا کرد یک
مرد سالم و جسم ساخت
آیا باین همه انکار
میکنی که توانی پس
از مردنت و دایه ترا
حیات داده خواهی
توانست نعمت بآ
را که تو عطا کرده باز خواهی
مشایده من سرگزین
عقیده یستم بلکه یقین
مدم که او تبارک
است در خدای او
به یکس سپیم نیست
و کس نمی تواند مقابل
حکم و اختیار او در زند
عنه مال بهر صورت
نعمت خداست و اگر
کسی آنرا بایه فرونگد
قرارداد چهارافت
میشود و این که در چنین
ه و قول به باغ و خوش
انسان
تجدید نه ابدان
ما را از اند لا قوه
الا بالله می گفت
یعنی خدا آنچه بخاطر
فرایه بایق قوت و
اختیار ندایم حصول
آن تنهاد البت به
اعاد و اعانت دوست
اگر او بخا بدی تواند
به آن داحد باشد و
به ایات است که فکر
نقص در کار و پادشاه
خود اسودگی نازش لب
اسپیده باید این کلمات
را بگوید اشاره الله
لا قوه الا بالله سه
جمعیت داد و داد

فلما یقو وادی از
 دایه پلے دوزخ
 تا کی بدیگرے تواند
 رسید ۱۲ کفری غمانی
 و درین پیدا کردن
 زمین و آسمان مابین
 شیطانی را دعوت نموده
 بود که آمده تا شکند
 که دست ساخته شده
 است و یاد خلیق
 نقص و فطرت است
 خود را بگویند و ایجا
 عالم را از آنها چیرے
 مشوره گرفتن و نه
 ابدی خواستیم
 بلکه وقت ۱۸
 آفرینش زمین
 و آسمان و فضا وجود
 هستی هم ندانستند و
 چو خود آنها را آفریدیم
 همه انانیان غیر مردم
 که شمار چطور پیدا
 کنیم و یاد دیگر هم
 جنسان شمار چگونه
 خلق نماییم و چندی
 تو ان تصور نمود که
 این کار را میگویم و
 از آنها استعداد
 می نمودیم زیر احوال
 این اشتباهی بدو عالم
 بر ما معلوم بود و یک
 میدانستیم که آنها را
 و از راه حق میگویم
 کنند جای حیرت است
 که چه مردم آنها سایه
 خدای پدید نمید و
 پروردگار خود را
 گذارند آنها را بنی
 و مدد کار خود
 ساختند ۱۹
 سبحانہ تعالی
 علی قول القرآن علو
 کبریا - صد قرآن کریم
 بچهار صد مختلف
 انداخته اند و لایزال
 سخنان راست را
 می گویند مگر انان چنان محاسن

فَلَمَّا نَعَادُ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَعَرَضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا
 پس مگر از اسم ایشان هیچ کس را در و بر آورده نتواند پیش پروردگار تو صف کشیده گویم هر آینه آمدید پیش ما
 پس مگر از اسم ایشان هیچ کس را در و بر آورده نتواند بر پروردگار تو صف کشیده (هر آینه) آمدید پیش ما
 كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ زَبَلٌ زَعَمْتُمْ أَن لَّنْ جُعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَ
 چنانکه آفریده بودیم شمار اول بار بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برائے شما وعده گاه و
 چنانچه آفریده بودیم شمار اول بار بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برائے شما وعده گاه و
 وَضَعُ الْكِتَابِ فَتَرَىٰ لِلْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ فَمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ
 در میان بنیاده شود نامه اعمال پس به بینی کنه کاران را ترسان از آنچه دران ست و می گویند
 نهاده شود نامه اعمال پس به بینی کنه کاران ترسان از آنچه دران نوشته است و می گویند
 يٰوَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا
 ای وای بر ما چه حال است این نامه را می گزارد هیچ محصیت خود را و نه بزرگ را مگر احاطه کرده است آنرا
 ای وای بر ما چه حال است این نامه را که نگذاشت است هیچ محصیت خود را و نه بزرگ را مگر احاطه کرده است آنرا
 وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ
 و بیابند هر چه کرده بودند حاضر و دست نمید پروردگار تو بسنج کس و یاد کن چو گفتیم بفرشتگان
 و بیابند هر چه کردند بودند پیش رو و دست می گویند پروردگار تو بر هیچ کس و یاد کن چو گفتیم به فرشتگان
 السُّجْدَ وَالْإِدْمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْبَٰغِينَ فَفَسَقَ عَنْ
 سجده گفتند آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
 سجده گفتند آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
 أَمْرَ رَبِّهِ أَفْتَحِلُّوْهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِیْ وَهُمْ لَكُمْ
 فرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست می گیرید او را و فرزندان او را بخیر من و ایشان شمارا
 فرمان پروردگار خود ای مردمانی که می گیرید او را و فرزندان او را دوستان عزیز من و ایشان شمارا
 عَدُوًّا وَطَبَّئْسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلًا ۝ مَا أَشْهَدُ لَهُمْ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
 دشمنی اند شیطان بدعوض است ستم کاران را حاضر نموده بودم ایشان را نزد یک آفریدن آسمانها و زمین
 دشمنی اند شیطان بدعوض است ستم کاران را حاضر نموده بودم ایشان را وقت آفریدن آسمانها و زمین
 وَآخِلِقْ أَنفُسَهُمْ وَمَا كُنْتُ مَخْلُوعًا لِّلْمُضِلِّينَ عَصِدًا ۝ وَیَقُوْمُ
 و نه نزدیک خود آفریدن ایشان و نیستم مدد کار گیرنده گمراهان را در روزی که
 و نه وقت آفریدن خودشان و نیستم مدد کار گیرنده گمراهان را در روزی که
 یَقُوْلُ نَادُوا شُرَكَاءَیْ الَّذِیْنَ زَعَمْتُمْ قَدْ كُفِّرْتُمْ قُلْ لَا یَسْتَجِیْبُوْهُ اَللّٰهُمَّ
 گوید خدای تعالی ای شرکان ندا کنید شریکان مرا که گمان می نمودید پس ندا کنید آن جماعه و بجا نمید بگویند ندا کنه ایشان را
 و باید بگویند خدای تعالی ای شرکان ندا کنید شریکان مرا که گمان می نمودید پس ندا کنید آن جماعه پس جواب بخوانند و ادا
 وَجَعَلْنَا بَیْنَهُمْ مَّوْبِقًا ۝ وَرَأٰ الْمُجْرِمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْا هُمْ مَّوَاقِعُهُمْ
 و ما فیم در میان ایشان مهلکه و به بینند کنه کاران آتش را و به بینند که ایشان را اندک است و دوی
 و گردانند هم در میان ایشان جای پلائی و بینند کنه کاران آتش را پس خواهند داشت که ایشان در آتش اند و دران
 وَلَمْ یُجِبْ وَاعْتَمٰٓأْ مَّضِرًّا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِیْ هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ
 و نیامند از انال جلے باز گفتن و هر آینه توانا گویم در این قرآن برائے مردمان
 و نیامند از انال جلے باز گفتن و هر آینه بار بار نهادیم در این قرآن برائے مردمان
 مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرُ شُكْۜیًّا ۝ وَمَا نَعْمُ النَّاسُ
 هر نوع و داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصومت
 از هر مصل و هست آدمی بیشتر از همه چیز خصومت کننده همه و باز داشت مردمان را

می گویند مگر انان چنان محاسن و در راست هم از هیچ معصوم نمی شود و قیام در مقابل و لای لای جواب آورده می گویند به قرآن ایشان

أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ

از آنکه ایمان آرند چون بیاید بایشان هدایت و از آنکه طلب آمرزش کنند از پروردگار خود مگر با انتظار آنکه بیاید بایشان

سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ

روش پیشینیان یا بیاید بایشان عقوبت گوناگون شده و نمی فرستیم پیغمبران را

إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ

مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند آنانکه کافران به تشبیه پیروده

لِيُدْحِضُوا إِلَيْهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ۝ وَمَنْ

تا باطل را ببرد بسبب آن سخن حق را و سخن گرفتند آیات مرا و چیزها را که بایشان ترساننده میشوند و کیست

أَظَاهَرُ مِنْ ذَلِكَ آيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدْ مَتَّ بَدَاةَ

ستار تر از آنکه آشکارا شده باشد آیات پروردگار خویش پس روگردان گشت از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده

لَا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ

نماند بر ایشان ماسخه ای که ببرد ایشان را و ما نماند بر ایشان را و ما نماند بر ایشان را و ما نماند بر ایشان را

أَنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا ذُرِّيَّةً ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ

از بخوانی ایشان را بسوی هدایت پس نیامده براه هیچ گاه و پروردگار تو آمرزنده

ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ لَأَبْلَغُكُمْ عَذَابَ ظَلَمٍ

خداوند رحمت است اگر بخواهد عذرا کردی ایشان را با آنچه کرده اند و تشبیه فرستاده بدیشان عقوبت را بلکه

لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مَوْعِدًا ۝ وَتِلْكَ الْقُرَى الَّتِي كُنتُمْ

ایشان را میباید بهشت که نیامد این طرف اذن پناست و آن قریه ها را بلکه

لَتَأْخُذُنَّ حَتَّى آتِيَهُمُ الْبَحْرُ عَيْنًا أَوْ مَكْشِيًّا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا

بیمه راه میرود تا آنکه برسم محل جمع شدن دو دریا یا بروم مدت های دراز پس چون رسیدند

بَحْرَيْنِ مِمَّا نَسَبَا مَوْعِدَهُمَا فَتَجَدَّدَا فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝

محل جمع شدن دو دریا با هم آمیختند و در دو دریا شدند

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي جَدُّكَ الْكَبِيرُ ۝

پس چون گذشتند گفت موسی جوان خود را بسیار برای طعام (جاست) مادر مرا آید یا قیوم ازین سفر خود

فَتَنَبَّأَهُ بِمَا يَتْلُو فِي الْقُرْآنِ ۝

پس به او خبر داد آنچه می خواند در قرآن

فَتَنَبَّأَهُ بِمَا يَتْلُو فِي الْقُرْآنِ ۝

پس به او خبر داد آنچه می خواند در قرآن

فَتَنَبَّأَهُ بِمَا يَتْلُو فِي الْقُرْآنِ ۝

پس به او خبر داد آنچه می خواند در قرآن

عنه نظریه عندها
میان گفت که بعد از
اینکه از قرآن بدایت
عظیم الشان بدایت
رسد ایمان نیامده
و توبه نکند از عذ
مغفول نماند از خود
قبول حق چنانچه
و چه انتظار دارند بجز
اینکه مانند اقامه سابق
عذاب اشیای آنها را بکن
مبارک کن و اگر بخواه
کرده نشود عذاب
الهی به صورت پائین
تخلف پیش چشمشان
حاضر شود بلکه انهم من
تفسیر این و غیره
حضرت شاه فیروز
در انتظار دیگرانی مانند
مگر این مثل اقامه سابق
بلاک شوند یا عذاب
قیامت را بچشم می بینند
مجلس تفسیر این اختیار
نمودند که هرگاه شاخا بشر
کند و یا تفسیر خود آنها
بخواهند عذاب را مطلق
نمایم می نمایند
مجاوری ده و غرض
یعنی با او از حق را پست
نمایند بزرگ آوری
قدهای صداقت را
بفرستند مکن نیست
لله الام حادها
مستحق می کن از عذاب
کو ترسانند می شوند آنها
مورد تفسیر خود را می بیند
مستزای آن و غیره
تکذیب حق و استغناء
که میل میفرستد چنان
فراموش نموده که پیوسته
گاهی بخوابش می گذرد
از سبب جدال
با علی و استغناء
با علی ایشان بدول
های شان بدیده انگیز
در گوشه های شان
اختیار بر او خواهند

فلما سمی خضر را
یا فتد ۱۲ انفسک انی
عنه آن بنده همارت
از حضرت خضر علیهم
بود و حق تعالی او را از
وقت خصوصی خود نواخته
و از علم اسرار کویت صحر
و از علم فرمود بود
در این ملاقات فاست
که حضرت خضر را با او
کنیم و یا نبی و یا خضر
در اینجا اینگونه می باشد
فیصله منتهی شده با
این هر دو حق بر طرف
رحمان دارد که او را
نبی، پیامند و چنانکه
بعضی تحقیقین خیال دارند
که انبیا، نیکو خیریت
هدیه نیاورده باشند
بایشان اینقدر معرفت
و اختیار دارد و میخورد
که بر سایر مصالح خضر صبر
از شریعت مستغرق خضر
عکادیا القیبه مطلق و یا
از خداوند بزرگتر برین
را استناده کنند پس هم
تفاوت جزئی حضرت
خضر هم حاصل بود
و الشاکر به بر سر
مال موسی علیه السلام
با حفظ ملاقات بود ۱۲
بما سلام و تحیات
خضر علیهم السلام علت
تشویب آوردی را از
موسی علیه السلام جایا
شد حضرت موسی علیه
السلام در جواب علت
آمدن خود را انفس
داد حضرت خضر علیهم
گفت ای موسی
بدون شبهه الله تعالی
تا بریزم زوده لیکن
حقیقت این است که
علیکه در جزئیات
کوین از طرف الهی
از ذاتی شده و به آن
مقدار بشا عطا نشده است و علم اسرار تشریح ۱۲ تقدیر و اودان که بشا داده و بدین داده شده و بعد از آن بعون جفیکه از دریا آب بنیض اشاره کرده گفت که علم ما و شما یک نام

نَصَبًا ۳ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ
سفر خود گفت آیا دیدی چون آرام گرفتیم تلبیه کرده سگت پس من فراموش کردم مایه را
زحمت گفت آیا دیدی چون بایست که رفیق به نزد آن سنگ پس من فراموش کردم مایه را

وَمَا أَسْنِبُهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي لُجَجِ
یعنی آنچه فراموش ساخت مرا از آنکه یاد کنم قصه آن مکر شیطان و راه خود گرفت در دریا
و فراموشی من مکر او اند از مکر شیطان کرد یاد کنم آنرا و گرفت مایه را خود را در دریا

بَحْرًا ۴ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ ۚ فَارْتَدَّ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ۝
بسیار عجیب گفت موسی این بود آنچه می جستیم پس باز رفتند بر نشان اقدام خود نقص کنان
بجزر عجب گفت موسی این است آنچه می جستیم پس باز گشتند بر اقدام خود دست ناخته و نقص کنان

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ
پس یافتند بنده را از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را
پس یافتند بنده از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را

مِنْ لَدُنَّا ۖ عَلِمَا ۖ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَبَعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّا
از نزدیک خود علی علیه السلام گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه
از نزدیک خود علی علیه السلام گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه

عُلِّمْتُ رُشْدًا ۝ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ وَكَيْفَ
آموخته شدی از راه یابی گفت بر آئینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن و چگونه
آموخته شدی از راه یابی گفت دهر آئینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن و چگونه

تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ۝ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا
شکیبایی کنی بر چیزی که در نگرفته آنرا از روی دانستن گفت خواهی یافت مرا اگر خدا خواهد است شکیبایی
شکیبایی کنی بر چیزی که دانستن آن در اختیار تو نیست گفت خواهی یافت مرا صبر کننده اگر خواهد خدا

وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ۝ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ
و خلاف حکم ما تو در هیچ فرمانی گفت پس اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه
و تا فرمانی نکنم ترا در هیچ امر گفت اگر مراقت از پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه

أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ۝ فَانْطَلَقَا ۚ حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ
خود آغازم بر آن تو از حال آن بپایستی پس راه رفتند تا وقتی که سوار شدند بر کشتی
خود آغازم برای تو از آن و ذری پس برود در رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی

خَرَقَهَا ۚ قَالَ أَخَرَقَهَا التُّغْرُقُ أَهْلُهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا مُّرًّا ۝
خضر شکن کرد آن را گفت موسی آیا شکافتی کشتی را تا غرق کنی اهل آن را هر آینه آوردی چیزی عظیم را
پاره کرد آن را گفت موسی آیا پاره کردی آنرا تا غرق کنی اهل آن را هر آینه کردی چیزی عظیم را

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي
گفت آیا نگفتمت بودم که تو نتوانی با من شکیبایی کردن گفت موسی مواعده مکن مرا
گفت آیا نگفتم بودم که تو نتوانی با من صبر گفت موسی مواعده مکن مرا

بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا ۝ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا
با من آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمه من سختی را پس راه رفتند تا وقتی که برخوردند
به آنچه فراموش کردم و مینداز بر من در کار من دشواری پس برود در رفتند تا آنکه ملاقاتی شدند

عِلًّا فَقَتَلَهُ ۚ قَالَ أَقَتَلْتُ نَفْسًا زَكِيًّا ۖ يَغْفِرُ نَفْسًا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا مُفْكَرًا ۝
با تو جوای خضر بشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بجز نفس پاک هر آینه آوردی شئی تا پسندیده
با پیروی پس بکشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بجز نفس پاک هر آینه کردی چیزی تا مقبول

مقدار بشا عطا نشده است و علم اسرار تشریح ۱۲ تقدیر و اودان که بشا داده و بدین داده شده و بعد از آن بعون جفیکه از دریا آب بنیض اشاره کرده گفت که علم ما و شما یک نام

دل یعنی محبت نظر
مردمان از منزل
گوید و این کنایت
است از قدرت او
برین دو کار ۱۲-
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۱۰۴-

قبل کوه اندر بابا
تکونیت ازین قبیل
بجز بواسطت غوغه
اندا با جواب آن بجز
اغتراف مجز و قصور
چیزی دیگر نیست درین
موقع منظور آن بود
که بطلان خضر کس غوغه
آن را او نمود کند که
کس حکمت با مصلحت
تکونیه خدای تعالی
در احاطه کرده نمی تواند
گاهی صورت واقع در
ظاهر خراب و قبیح و یا
بے موقع معلوم بشود و بگوید
که یکو باقیات باطنی
علم و ادبی فهم کرده اند
حکمت بسیار پوشیده
می باشد - خضر
علیه السلام تنه کشتی را
بشکست حالانکه کشتی
بانان با نهان احسان
کرده بود نه چهره در
بدون اجرت سوار
کرده بودند یک بچہ را
که معروف بازی بود
بکشت و این حرکت
ظاهر انہایت بیخ
تظری آید - حضرت
خضر بر است کردن
دیوار بران اہل قریہ
احسان کرد کہ برایشان
بر نہایت بے مروتی
پیش آمدہ بودند اگر
خود خضر علیہ السلام در
آخر توہمات این
افعال خود را بیان
نمی کرد تا کو نیا تا امر
مرد طہرت می افتاد
و یا خضر را انما کنت

ذَكَرَ ۱۱ اِنَّا مَكْنَالَهُ فِي الْاَرْضِ اَتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ۱۱ فَاتَّبِعْ سَبَبًا
خبر سے ہر آئینہ و دسترس و ادیم اور از زمین و داویم اور از ہر چیز سامانے پس در پے سامانے افتاد
خبر سے ہر آئینہ و دسترس و ادیم اور از زمین و داویم ویرا از ہر چیز سبب پس در پے سببی افتاد
حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ ۖ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا
تا آنکہ رسید محل غروب آفتاب در یافت آنرا کہ فرو میرود در چشمه گل دلائی دریافت نزدیک آن چشمہ
تا چون رسید محل غروب آفتاب یافت آنرا کہ فرو میرود در دلدل گل دلائی دریافت نزدیک آن
قَوْمًا قُلُوبًا يَدُ الْقُرْبَيْنِ اِمَّا اَنْ تَعْلَبَ ۖ وَاِمَّا اَنْ تَكُنَ فِيْهِمْ حَسَدًا ۱۲
گرد ہے را تقیم ای ذو القربین اختیار بدست نیست یا اینست کہ عفویت کنی یا بگیری در میان ایشان مصلحتی کو
قوی را تقیم ای ذو القربین یا عذاب می کنی یا میبخشی در میان ایشان در دو مقام تنبیه کنی
قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْتَبُ بِهِ ثُمَّ يَكْفُرُ ۖ اِلَىٰ رَبِّهِ فَيَعْلَمُ بِهِ عَدَا اَبَاكَرُ ۱۳
انگفت ای کسی کہ ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد اورا باز گردانیده شود بسوی پروردگار خویش پس عذاب کند اورا عذاب سخت
گفت ای کسی کہ ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد اورا پس باز گردانیده شود بسوی پروردگار خود پس عذاب کند اورا عذاب سخت
وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهٗ جِزَاؤُ الْحُسْنِ ۖ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ اَمْرِنَا
و اما آنکہ ایمان آورد و کارش استوار کرد پس او را حالت خوش است از وی یاد داشت و خواهیم گفت در باب او از مقام خوشتر
و اما آنکہ ایمان آورد و کرد کارش استوار پس او را است شایع از حیث یاد داشت و خواهیم گفت او را از حکم خود
يُسْرًا ۱۴ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ۱۵ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ جَدَّهَا نَاطِعًا عَلٰ
سخن آسانی باز در پے سببی افتاد تا او فیکر رسید محل بر آمدن آفتاب یافت کہ آن بر می آید بر
آسانی باز در پے سببی افتاد تا چون رسید محل بر آمدن آفتاب یافت آنرا کہ بر می آمد
قَوْمًا يَجْعَلُ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ۱۶ كَذٰلِكَ وَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰدِي
گرد ہے کہ سخت ایم برای ایشان این طرف از آفتاب پنج پرده چنین بود و قدر و ہر آئینہ در گرفت ایم با یک نزدیک و بود
قوسے کہ سخت بودیم برای ایشان از پیش آفتاب پرده و اندک چنین است و در بحقیق احاطہ کردیم بہ آنچه نزد است
خَبْرًا ۱۷ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ۱۸ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ فَنَدَىٰ مِنْ دُونِهَا
از وی خبر داری باز در پے سامانی افتاد تا فیکر رسید در میان سدين یافت این جانب سدين
از حیث علم باز در پے سببی افتاد تا چون رسید در میان دو کوه یافت در پیش آن دو کوه
قَوْمًا لَا يَحْكُمُونَ يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ۱۹ قَالَ اَوَيْدُ الْقُرْبَيْنِ اِنْ يٰجُوجُ وَمَاجُوجُ
گرد ہے را کہ نزدیک نیستند آنرا کہ بفهمند سخن گفتند ای ذو القربین ہر آئینہ یا جوج و ماجوج
قوی کہ قریب بودند کہ بفهمند سخنی را گفتند ای ذو القربین رہا آئینہ یا جوج و ماجوج
مُفْسِدُونَ ۖ فِي الْاَرْضِ قَهْلٌ يُجْعَلُ لَهُ خُرْجَاعٌ اَلَا نَجْعَلُ بَيْنَنَا وَ
نفا و کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم برائے تو یا جی بر سر طرہ آنکہ بسازی در میان ما و
نفا و کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم برای تو مزدی برای یک بسازی میان ما و
بَيْنَهُمْ سِدًّا ۲۰ قَالَ مَا مَكْنِي فَيُرِي خَيْرًا فَاَعِينُونِي بِقُوَّةٍ اَجْعَلُ بَيْنَنَا
ایشان سده گفت آنچه دسترس داده است مراد راں پروردگار من بہتر است پس مدد کنید مرا برادر با تو تا بسازد میان
جیان ایشان بندی گفت آنچه دسترس داده است دران پیر و دو کار من بہتر است پس مدد کنید مرا بقیعت باز و کہ میان ما و
وَبَيْنَهُمْ رَمَقًا ۲۱ اَوَيْدُ الْقُرْبَيْنِ اِذَا اَسَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ
والشان چاہے حکم بیارید پیش من یا رہا ہے آہن تا مدد فیکر بر سر ساخت ما بین آن دو کوه گفت
و میان ایشان دیواری حکم بیارید من خیمہ ہای آہن تا مدد فیکر بر سر ساخت میان دو کوه گفت
اَنْفَعُوْا حَتَّىٰ اِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اَوَيْدُ الْقُرْبَيْنِ اَوْغُرْ عَلَيَّ قَطْرًا ۲۲ فَمَا اسْطَاعُوْا
آتش بر میدتا آنکہ آتش ساخت آن آہن را گفت بیارید پیش من تا بریزم بر آہن کہ آہن را بر آہن آہن
بدید تا چون سردانند آہن را گفت بیارید من رس تا بریزم بر آہن کہ آہن را بر آہن آہن
دیا خضر را انما کنت

و یا خضر را انما کنت

ن يظنه و هو وما استطاعوا له نقباً ۱۵ قال هذا احسن من ربي فاذا

که بالا روند بران و نتوانستند او را سوراخ کردن گفت این عنایت حق تعالی است از پروردگار من پس چون

جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حقاً ۱۶ و تركنا بعضهم

بباید وعده پروردگار من دل کند آنرا هموار و هست وعده پروردگار من راست و بگذاریم بعضی ایشان را

في ميده يوسع في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعاً ۱۷ وعرضنا

آن روز و هم آینه نازد در بعض و دیگر و میدهند و هم آینه نازد در بعض و هم آینه نازد در بعض و هم آینه نازد در بعض

همهم يومئذ للكافرين عرضاً ۱۸ الذين كانت اعينهم في غطاء

روزگار را آن روز پیش کافران رو بر آوردن آنانکه بود چشم ایشان در پرده

عن ذكركم و كانوا لا يستطيعون سماعاً ۱۹ احسب الذين كفروا ان

از یاد من و نمی توانستند سخن شنیدن یعنی از شدت بغض آیدند از شنیدن کافران که

يتخذوا عبادي من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكافرين نزلاً ۲۰

دوست گرفتن ایشان بندگان مرا بجز من موجب عقوبت نباشد هر آینه ما آماده جهنم و در آن برای کافران جلائی فرود آمدن

قل هل ينبت لكم يا اخسرين اعمالاً ۲۱ الذين ضل سعيهم في الحياة

بگو آیا خبر و بیم شمارا با آنانکه زیان کاران ترین مردم اند از روی عمل (ایشان) آنانکه که ضایع شده کوشش ایشان در زندگی

الدنيا وهم يحسبون انهم يحسنون صنعا ۲۲ اولئك الذين كفروا

دنیا و ایشان گمان می کنند که آنها خوب عمل می کنند این جماعه آنانکه که کافر شدند

بآياتهم ولقاءه فحبطت اعمالهم فلا تقيم لهم يوم القيمة وزناً ۲۳

بآیات ایشان و دیدار او پس نابود شد عمل ایشان پس بر آنها هیچ سزا نیست بوقت محاسبه و وزن

جزاءهم هم بما كفروا واخذوا آيتي رسلي هزوا ۲۴ ان الذين امنوا

جزای ایشان و در آن بهشت بپسند آن کافران شدند و گرفتند آیات مراد پیغمبران مرا به شوخی هر آینه آنانکه ایمان آوردند

وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلاً ۲۵ خلد فيها

و در آن بهشت جنت بودند بر آن ایمان کنند بهشت جنانی بهشت جنانی

فيهم و هم فيها خالدون ۲۶ قل لو كان البحر مداً لکلمات ربی لنفذ البحر

در میانند از آنجا باز نشستن بگو اگر باشد بحر سیاهی برای کلمات حق تعالی پروردگار من هر آینه قالی خود بحر

قل ان نفذت کلمات ربی ولو جئنا بمثله مدداً ۲۷ قل انما انما بشر

بگو اگر از آن کلمات پروردگار من اگر چه بیارم مانند آن دریا بطریق مدد بگو جز این نیست که من بشر

دل یعنی نزدیک شود
قیامت ۱۲ و مترجم
گوید این کتاب است
از خودی و بی قدری ۱۳
تفسیر عثمانی
عنه یعنی در وقت
هذا این سداستوار
شد و تاملت معین بین
طوری بایماند از
احادیث صحیح معلوم
شود که در نزد اول
حضرت مسیح علیه السلام
دقت و دجال وعده بر
آمدن باجور و مدح
بقریب قیامت است
البته آنوقت این
مناظره می شود و آنها
دیوار را شکست چنان
تورا و کتبی بر آینه کشید
آنها را بدوی انداخته
کس نمیدانند دنیا از
مقابل آنها عاجز می آید
به حضرت مسیح حکم میشود
که بندگان خاص مرا
موقوفه کرده و طوره
بروید با آن حضرت
مسیح علیه السلام به ملاک
احدیت دعا و تفرغ
میکند در تفرغ بر
یا جوع و ما جوع
یک دای بیخ مسلمان
می گردد که یکم همه پاک
میشوند تفصیل فرمود
کتب حدیث باب
الامارات الساعه
ملاحظه شود عده
یا جوع و ما جوع مانند
امواج بحر می شود
آورده به تعداد بشمار
می بر آید و یا مطیع
این است که از شدت
هول و اضطراب تمام
تخلیق با یکدیگر مخلوط
می شوند و در آن
درین یکدیگر داخل می
گردد و بهر آن صورت
حقیقه برای آنها تیار

دل منجم گوید القدر
چون می شود شد و دو
سال غشت ۱۲

تفسیر غمان ۱۳
عنه یعنی من بپرسم
و زوجه ام نازای

است چنانچه پنج ایضا
نظامی در ولادت موجود
نیست که صاحب زند

شوم لیکن تو قدرت
در وقت ملامت خود
بمن فرزند عطا کرد

از عهده خدمت دینی
بر آید بار امانت مقدس
ترا برداشته بتواند

من درین حالت
ضعف و بیروی چه
کرده می توانم آرزو

دارم که یک پسر لائق
و امین من مسند اجاد
یاک خود را اشتغال کند

و مالک خزائن علم و
حکمت آنها و دارش
کمالات نبوت گردد

(تنبیه) از احادیث
همچو ثابت است که در
مال انبیاء علیهم السلام

در امانت جدی می باشد
بلکه در امانت آنها و
دولت علم جریان می

یابد روح الهانی
در کتاب مستند است
کهانی (کنی) نیز این

مضمون روایت شده
است - لهذا ثابت و
محین است که در

"برخی دیدش من آن
یعقوب" وراثت
مالی مراد نیست و

تائید آن از خود کلمه
"آل یعقوب" ملاحظه
است زیرا آشکار

است که تنها پسر حضرت
زکریا می توانست
وارث (اموال و

املاک تمام آل یعقوب
شود بلکه از کفر نفس در امانت

مثلكم یوحی الی انسا الهكم الله واحد فمن كان یرجو الفاء
مانند شما و می فرستاده می شود بپس من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هر که کونج دارد ملاقات

مثل شما و می فرستاده می شود بپس من که معبود شما معبودی است یگانه و پس پس هر کسی که امید دارد لقای
ربّه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعبادۀ ربّه احدًا
در عبادت پروردگار خویش هیچ کس را

پروردگار خود را پس باید بکند کار پسندیده و شرک نسازد
در عبادت پروردگار خود کسی را

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدا سنجش منده مهربان

۱ ذکر رحمت ربك عبدك زكريا اذ نادى ربّه نداء
این است بیان بحق این پروردگار تو بر بنده خود زکریا چون ندا کرد پروردگار خود را بدعا

این است ذکر رحمت پروردگار تو بر بنده اش زکریا در اوقات که ندا کرد پروردگار خود را ندای
خفياً ۳ قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیباً ولم

پنهان گفت ای پروردگار من بر آئینه شست شده است استخوان از بدن من و پرتک آتش خیزد در من و زیت سفید من
پوشیده گفت ای پروردگار من تحقیق ضعیف شده است استخوان من و مغلزده سر من از پیری و

اكن ید عایك رب شقیاً ۴ و انی خفت السوالی من و راءى و كانت
بنوم در دعای تو ای پروردگار من بے سر و دهر آئینه من میترسم از اقبال خود بعد از خود و هست

نوم بدخواست از تو ای پروردگار من بے بهره و دهر آئینه من میترسم از اقبال خود بعد از خود و هست
امرأتی عاقراً فهب لی من لدنك ولیاً ۵ و رثنی و یرث منی یعقوب

زن من نازایی پس عطا کن مرا از نزدیک خود
که میراث گیرد از من و میراث گیرد از اولاد یعقوب

زن من نازایی پس بخش مرا از طرف خود متصرفی که وارث شود مرا و وارث شود از اولاد یعقوب
واجعله رب رضیاً ۶ یزکریا ان نبشرك بعلمه اسمی لم نجعل له

و بکن او را ای پروردگار من مرد پسندیده و تقیم ای زکریا هر آئینه ما ثبات میدهم ترا بطبقه که نام او بچیده است پس از انکه
و بگردان او را ای پروردگار من پسندیده ای زکریا با تحقیق ما ثبات میدهم ترا به پسر گرام آن بچیده است زکریا از او نام بردی

من قبل سمیاً ۷ قال رب انی یكون لی علم و كانت امرأتی عاقراً
پیش از من بچ هم نام او را بگفت ای پروردگار من چگونه میدانشد برائے من طوطا هست زن من نازایی و

پیش از من هم نام
گفت ای پروردگار من از گنجایا شد برای من پسر عال آنگذون من نازای است و

قد بلغت من الکبر عتياً ۸ قال کذلک قال ربك هو علی هین و
هر آئینه رسیدم ام از سبب کلاں سالی بنهایت ضعیف گفتم چنان است و عده گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است

بتحقیق رسیدم ام از سبب کلاں سالی با منتها (ضعف) گفته ام چنان است گفت پروردگار تو که این کار بر من آسان است (پ)
قد خلقتك من قبل و لم یتك شیئاً ۹ قال رب اجعل لی آیه قال
هر آئینه آفریدم ترا پیش از من و نه بودی تو چیزی گفت ای پروردگار من منین کن برائے من نشانه فرمود

هر آئینه آفریدم ترا پیش از من حال آنکه نبودی چیزی گفت زکریا ای پروردگار من منین کن برای من نشانی فرمود
ایتك الا تكلم الناس ثلث لیل سوياً ۱۰ فخرجه علی قوم من النصارى
نشانه تو آنست که سخن نتوانی گفتن با مردم سه شبانه روز در حالتیکه هیچ امزاج باشی پس بیرون آمد بر قوم خود از اعراب عبادت

تفسیر عثمانی
عنه و تفسیر کبریا در
آغوش خود برداشته
پیش قوم خود آمد مردم
اورا دیده بلی حیران
گشتند و گفتند ای پیر
چه لایق کردی این چیز
ساختگی را از کجا آوردی
زیاده ازین دروغ
بزرگ چه باشد که یک
دختر با کره دے شوهر
دعوی کند که مرا یک
پسر میداده عده
اقوام مردم در باره او
بدگمان شده و گفتند
مادر و پدر و خاندان
تو همیشه مردان نیک
بودند این خلقت بد
تو از کجا پیدا آمد از
مردمان نیک اولاد بد
محل فجیاست استغیث
میرم را... اخت باردی
ازین گفتند که از نس
باردن علیه السلام
برادر حضرت موسی
علیه السلام بود و گویا
مقتول و از او اخت
باردن... اخت باردی
می باشد چنانکه در
... و او کما خاندان...
علیه السلام را برادر
... عاده گفته حال
آنکه... عاده نام
مورث اعلای آن
قوم بود و ممکن است
... اخت باردی...
سخنی ظاهری گرفته
شود از بعضی احادیث
میگوید ظاهری شود که بابا
نام برادر میرم بود
بعیدیک در عصر رواج
است در آن عصر هم
مردمان مایه ای و ذرا
اساسی انبیاء صالحین
میگذاشتند و میگویند که
آن برادر میرم یک مرد
صالح بود... پس حاصل
کلام این است که پدرا
برادر کور و مان نیک و مانت پادرسا بود و نسبت توبه باردن علیه السلام متقی میشود... پس این حرکت نامنوا را چه طور مرتکب شدی ۱۲

مِنَ الْبَشَرِ احْدًا فَقَوَّيْ اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ اَكَلَهُ الْيَوْمَ

از آدمیان کسی را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام بپای خدا روزه را پس من نخواهم گفت امروز

انْسِيَا فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ط قَالَ اَيُّكُمْ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا ۱۷

ببخش آدمی پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته گفتند اے سرخس هر آینه آوردی چیزی را نشت را

ببخش آدمی پس آمد با پسر خود نزد قوم در حالیکه برداشته بود ادا را گفتند اے سرخس دهر آینه کردی تو کاری که بپس آوردی

يَا خَتُّهُرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ اَمْرًا سَوْعًا وَمَا كُنْتَ اَمْلًا بَغِيًّا ۱۸ فَاشَارَكَ

اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده پس سرخس اشارت کرد

اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده پس اشاره کرد (میرم)

الْبَيْتِ ط قَالَ اَوَاكَيْفَ تَكَلَّمُ مِنْ كَانَ فِي الْيَمِّ صَبِيًّا ۱۹ قَالَ اِنِّي عَبْدُ

بیطرف خود گفتند چگونه سخن گوئیم یا کسیکه هست در کلبه در حال کودکی گفت عیسی من منده

سبوی آن بچه گفتند چگونه سخن گوئیم یا شخصی که است در خور کلبه در کودکی گفت هر آینه من منده

اللَّهِ ط اَتَشْفِي الْكُتُبَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۲۰ وَجَعَلَنِي بَرًّا كَايْنِ مَا كُنْتُ سَوِيًّا

خدا ام داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیاپی و ساخت مرا خداوند بزرگت بر جا باشم

الله بستم داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیاپی و گرداننده مرا بزرگت بر جا باشم و

وَصُفِّنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۲۱ وَبَرَّ اَبُو اِلْدَاتِي وَلَمْ

سخن فرموده است مرا به نماز و زکوة مادام که زنده باشم و ساخت مرا نیکو کار بهر در خود

حکم موند فرموده است مرا به نماز و زکوة مادامیکه زنده باشم و نیک سلوک کننده با مادر خود و

يَجْعَلَنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۲۲ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ اَمُوتُ وَيَوْمَ

نه کرده است مرا گردن کش بد بخت و سلام بر من است روزیکه متولد شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه

ساخته مرا گردن کش بد بخت و سلام است بر من در روزیکه پیدا شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه

اَبْعَثْ حَيًّا ۲۳ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ط قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمَارُونَ

برای بخت شوم زنده شدم اینست تفسیر عیسی پسر مریم مراد میدارم سخن راست را که در دوسه مرقان اختلاف میکنند

برای بخت شوم زنده بپایم است (حال عیسی پسر مریم گفت) سخن راستی که در آن مردم نزاع می کردند

مَا كَانَ لِلَّهِ اَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ط سُبْحَنَهُ اِذَا قَضَىٰ اَمْرًا فَانْشَأَ

نیست لایق خدا آنکه بگیرد بچ فرزندی که ای او راست بچول سر انجام کند کاره جزین نیست که

بجست مزار در خدا که بگوید ولد ذاتی است پاک چون خواهد (الحقاد) امری را پس جز این نیست که

يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۲۴ وَاِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا

میگوید بدش نشو پس می شود و گفتند هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس بپرستید ادا این است

میگوید ادا شو پس ادا می شود و گفتند هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس بپرستید ادا این است

صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۲۵ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ

راه راست پس اختلاف کردند جماعت با میان خویش پس وای

راه راست پس اختلاف کردند فرقه با در میان خود پس خرابی است آنرا که

كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۲۶ اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا

کاران را از حاضر شدن روز بزرگ چه قدر شنوایان بشوید چه قدر بینا باشند روزی که برسانند پیش

کاران را از دیدن روز بزرگ چه قدر شنوایان باشند و چه قدر بینا باشند در روزیکه می آیند پیش ما

لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۲۷ وَاَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَصْرَةِ

لیکن این ستم گاران امروز در گمراهی ظاهر اند و بترسان ایشان را از روز حصرت

لیکن این ظالمان امروز در گمراهی آشکارند و بترسان ایشان را از روز حصرت

قَدْ اَنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُجُوْهًا

تپاشد هر آینه آنکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند برآوردند و در روز قیامت

فَاَتَيْنَهُمْ فِيْهَا بِلِسَانِكَ فَلاَ يُصْنَعُ فِيْهَا عَسْفَرٌ اَوْ كَسْفَرٌ وَلَهُمْ فِيْهَا مِنْ كُلِّ ثَمَرٍ مَّا شَاءُوْا

و این چنین است که ایشان را به زبان تو تاخیزد و هیچ کس را از ایشان را و بر سرانی گروه ستیزندگان را و بسیار

هَلْ كُنْتُمْ اَعْبُدُوْنَ اِلٰهًا غَيْرَ اللّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَنَزَّلَ الْمَظٰلِمَ

آیا کردید پیش از ایشان طبقات مردم آیاهی بینی هیچ کس را از ایشان یا می شنوی از ایشان آواز نمی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

طه مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقَىٰ ۝١ اَلَا تَذَكَّرُ ۝٢ اَلَمْ يَخْلُقْكَ فَرْغًا

قوله فرستادیم بر تو قرآن را تا زنجشکی لیکن فرو فرستادیم بر تو پند دادن که را که بر سر فرو فرستاد

تَنْسُفِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَالْجِبَالَ ۝٣ اَلَمْ يَخْلُقْكَ فَرْغًا وَنَزَّلَ الْمَظٰلِمَ

از جانب آید از آفریده زمین را و آسمانها را بلند را و بسیار بخشنده است بر عرش و از عرش

لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ ۝٤ اَلَمْ يَخْلُقْكَ فَرْغًا

او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر زمین است و آنچه در آسمانهاست و آنچه

فَاِنَّ يَظُنُّ السُّرُوْا خَفَ ۝٥ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى ۝٦ وَهَلْ

پس در میان اینها که نهاده است را و خدا هیچ معبود نیست مگر او و او راست نامهاست و آیا

تِلْكَ حَدِيْثٌ مُّوَسٰى ۝٧ اِذْ رَاْنَا اٰفَاقًا ۝٨ اِلٰهِيْهٖ اَنْكُشُوْا اِلٰی اَسْمٰتِ نَارًا

آنچه است تو خبر موسی چون دید آتش پس گفت اهل خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

يَخْلُقُ لَكُمْ مِنْهَا نَارًا ۝٩ اَلَمْ يَخْلُقْكُمْ مِنْ نَّارٍ ۝١٠ اَلَمْ يَخْلُقْكُمْ مِنْ نَّارٍ ۝١١ اَلَمْ يَخْلُقْكُمْ مِنْ نَّارٍ

ایمید دارم که بپارم پیش شما از آن آتش بخشد یا بپارم بر آتش راه نمایی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد که ای موسی

فَاِنَّا اَنَارُكَ ۝١٢ فَخَلَعَ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْاَوْدَاقِ الْقُدْسِ ۝١٣ وَنَا اَعْتَرَاكَ

بر آید پس بپوشد ز کلاه پس از یا بیرون کن نعلین خود را هر آینه تو ایستادن پاک طوی نام و من برگزیدم ترا

فَاَسْمِعْ لِكُلِّ سَمْعٍ ۝١٤ اِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ ۝١٥ وَاقِمْ

پس گوش بپوش بپوشی آید و می فرستاده میشود هر آینه من خدام نیست هیچ معبودی جز من پس عبادت من یکن و بر پا کن

الصَّلٰوةَ لِذِكْرِیْ ۝١٦ اِنَّ السَّاعَةَ اَتَتْ اَكَادًا خَفِيْهَا لَتَبْجٰی ۝١٧ تِلْكَ نَارُ

نماز را برآوردن من هر آینه تمام است آمدنی است بخوانم که پنهان بودم و وقت از شما جدا داده شد و هر کس

نار را برآوردن من هر آینه تمام است آمدنی است بخوانم که پنهان بودم و وقت از شما جدا داده شد و هر کس

دل پینه ایک دیگر
دوست باشند
یعنی هر چه را بطریق عادل
میدانند
تفسیر عثمانی
علیه السلام را از
نجا با بسط و
تفصیل یابی
بیان فرموده تا
اسامین بدانند که حق
قرآن بظرف حضرت
نبی کریم صلی الله علیه
و آله است و چه حدیث
و شکی نیست بر موسی
علیه السلام و می نازل
شد همان طور اخفرت
صلی الله علیه و آله و سلم
فیض و می ایستاد
شده و می کرد و می
موسی علیه السلام از
تعلیم توحید و غیره و مثل
بود و در می اخفرت
صلی الله علیه و آله و سلم
اصول تاکید و مراعات
شده است طوری که
حضرت موسی در
تعلیم حق مشکلات
و شاید را تحمل
داشتند اخفرت
صلی الله علیه و آله و سلم
تخل خود را چنانکه
موسی علیه السلام بر سر
مواضع و مشکلات غلبه
حاصل کرده و دشمنان
ایشان را خنود و مقهور
گردیدند و بهین و تیره
حضرت نبوی هم فاتح
و منصور گردیده و
مساندین ایشان تبار
و خلیفان خواهند شد
چون در آغاز سوره را
انزال قرآن و مکتوب
بود مطابق آن قصه
آغاز نبوت موسی و
ایمان بر سر او و بعد
از آن میدان است که از آیه
و یاد از این حادثه تدبیرت
یا خداوند که پنهان بودی
موسی علیه السلام پاک بود
و حکم نشینان آن بود
و اگر موز و یا نقش پاک

عَلَى عَيْنِي إِذْ تَشَقَّى اخْتِكَ فَقَوْلُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ

چون میرفت خواهر تو پیش می گفت ایادالمت گنهارا هر کسی که نگهبانی این طفل کند

بجز من بخود من) چون میرفت خواهر تو پیش می گفت آیاتش در هم شمارا کسی که تربیه کند اودرا

فَجَعَلْتُكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَوَقَّعْتُ لَنَفْسِكَ

پس باز آوردم ترا بسوی مادر تو تا خنک شود چشم و داند و پلین نباشد و بگشاید شخصی را

فَجَعَلْتُكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنِكَ فَتُونًا ۖ فَلَمِشْتَ سَيْنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ

پس غلام ساختیم ترا از اندوه و در محنت انگیزیم ترا باز مودن پس درنگ کردی سالهای چند در اهل مدین

ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَهُوسَىٰ ۚ وَأَصْبَحْتَكَ لِنَفْسِي ۚ إِذْ هَبَّ آتُ

پس آمدی از قدر و موافق تقدیر اے موسی و صبح شدی برای خود و برد تو

أَخِي ۖ يَا بَنِيَّ وَلَا تَتَّبِعُنِي ذِكْرِي ۚ إِذْ هَبَّ آتُ فَرْعَوْنَ ۖ إِنَّ طَغَىٰ ۚ

برادر تو باشا نهانست من و سستی نکن در یاد کن من بروید بسوی فرعون هر آینه دے از حد گرفته است پس بگویند

لَهُ قَوْلًا لِّبَنَاتِكَ يَتَدَنَّزْنَ أَوْ يَخْشَعْنَ ۚ قَالَ رَبَّنَا إِنَّا أَفْأَنَ يَصْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ

با و سخن نرم بود که پدر یا بر شوهر یا بر مرد گفتند اے پروردگار ما بر آئینه ما می ترسیم از آنکه تقدیر کند بر ما

أَنْ يَطْغَىٰ ۚ قَالَ لَا تَخْأَفَنَّنِي ۖ مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَارِي ۚ فَإِنَّهُ قَوْلُكَ إِنَّا أَرْسَلْنَا

از حد گذد گفت مترسید هر آینه من با شما ام می شنوم وی می بینم پس بروید پیش و بگویند هر آینه از حد گذد

رَبِّكَ فَارْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ۚ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جَعَلْتُكَ يَا بَنِي

پروردگار توایم پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب کن ایشان را هر آینه آوردم پیش تو نشانه

مَنْ رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَن اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۚ إِنَّا قَدْ أَوْرَجْنَا إِلَيْنَا أَنْ

از جانب پروردگار تو و سلامتی کن بر کسی که پیروی هدایت کند از هر آینه (و می فرستاده بسوی ما که

الْعَذَابُ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۚ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَهُوسَىٰ ۚ قَالَ رَبُّنَا

عذاب کن بر کسی را باشد که دروغ بخورد و دروغ گردان شود و فرعون گفت پس کیست پروردگار شما اے موسی گفت دروغی را ب ما

الَّذِي آعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۚ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ۚ

آنست که او هر چیزی را صورت فاعل او باز راه نمودن بخلق معاش خودش گفت پس چیست حال فرستاده

قَالَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ ۚ بَنِي فِي كِتَابٍ لَا يَحْضِلُ زَنِيٌّ وَلَا يَنْصَرُ ۚ الَّذِي جَعَلَ

گفت علم کی نزدیک بر دروغ گردان من و در کتابی که عطا می کند هر دروغ گردان و نه فراموشی او است که ساخت

لَكُمْ الْأَرْضَ مِمَّا هَدَاؤُسْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ط

برائے شما زمین را فرستاده و در آن کرد برای شما در آنجا راه با و فرود فرستاد از آسمان آب را

بفتح الرحمن
والتقديس
تفسير عثمان

در وقت دعوت
تبلیغ و عطا نصیحت
سخنی بگو که نرم آسان

رقت آورد اعلی باشد
اگر چه به ترد و طغیان
او امید قبول نیست با

این همه تو به این جنبل
که شاید قدری خود و
وقت نموده نصیحت

پایزد و یا جلالت و
جسوت خدا را شنیده
بترسد و بفرمان بر واری

بایل شود سخن خود را
پیرایه فخر با کن این
فرمایش خدا ندانسته

برای دعا و مبالغین
دستور اصل عالی و
مفید نیست چنانچه

در جانی دیگر خداوند
یوضاحت ارشادی
فرایه داوود ای صبیح

ریک با حکمت و الوافه
الحمت و جاد بهر باقی
بنی امین در حق رکوع

عنه تفصیل
تقریر از فرعون بود
این می آید قبل حضرت

موسی عدم امباب خود
جاه و جلال فرعون
را دیده که تیرسیم

کرا یا مستعد سخن خندیدن
است میان ممکن است
که پیش از آنکه سخن بدار

کامل بنمود دست تو را
در از کند با بعد از
شیدان بقر و غضب

آمده نسبت به بارگاه
کبریا می گشتاخی و زبان
در ازای نماید و یا مارا

اذیت کند که مقصد
اصلی قوت شود (تغلیف)
مین این خوف محقق

موسی علیه السلام و تشریح
مقابله می کرد از حد

تیسرے طبع ایدارہ
ندرد و مراطہا نہاند
آخاب روشن افکار
است موسی علیہ السلام
گفت خوب است
برو در چنین
بزرگ شایع نام
چاشت میدان تپیل
باید آداه باشد
تا مقابلہ آید یعنی
زانی کشتن عویست
و خلق زیادی بخت
می نمایند باید در
روز روشن این کار
صورت گیرد تا بیند
گان بیدار باز
حاضر باشند و در وقت
روز برای یکس استیفاء
و التماس واقع شود
حضرت شاه کیلیلیه
که از مقابلہ در میدان
عویست برود و غرض ندگی
و شستن یعنی فرعون
میخواست موسی را
و حضور تمام مردم
شکست بدید موسی
علیہ السلام اندوی
شکست فرعون را
داشت در تمام شهر
بانی مصر بر زمین لگه
فرعون شش گزشتن
عده واضح است که
حضرت موسی علیہ السلام
در آن جمیعت بزرگ
بر شخصی را عیب رفت
و حال خودش بنده
نصیحت کرد چون
جادوگران قصد کرده
بودند که در مقابل حق
سحر بکار اندازند
و حق را باطل معرفی
نمایند از حضرت
موسی بطور اخطار این
فرمودند آگه باشید
بدست خود غولقتن
و ابلک کنید و انباشت
خدای و معجزات جوی را

فَاخْرِجْنَاهُ مِنْ اَزْوَاجِهِمْ نَبَاتٍ شَتَّى ۱۹) كَاوَاوَا رَعَوْنَا عَافَكُمُ اِنَّ فِي ذٰلِكَ
پس بیرون آوریم یان آب انواع مختلف از نباتات
پس بر آوریم به آن انواع مختلف از نباتات
لَا يَتَّخِذُ الْاُولٰٓئِكَ مِنْهَا خَلْقًا كَمَا وَفِيهَا لَعْنٌ كَمَا وَفِيهَا نَجَاتٌ
نشان است خداوند خود بار
نشان است برائے معاصیان خود از زمین آرییم شمارا و دمان بر میگردد ایم شمارا و ازان بیرون خواهیم آورد شمارا
تَاٰرَۃٍ اٰخَرٰی ۲۰) وَلَقَدْ اَرَيْنَا اٰیٰتِنَا كَاٰفَاكُنَّ بَوَالٰی ۲۱) قَالَ اٰجْمَعُنَا
بار دیگر و هر آینه نمودیم فرعون را نشان بای غولقتن تمام آن پس در وقت بنده و قبول نکرد گفت آیا آمده
بار دیگر و هر آینه نمودیم فرعون را نشان بای خود همه آن پس در وقت بنده و قبول نکرد گفت آیا آمده (درما)
لَتُخْرِجَنَّا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِ اٰیْمُوسٰی ۲۲) فَلَمَّا تَبَيَّنَ لِمُوسٰی مِثْلُهٗ فَاَجْعَلْ
تا بیرون نماند از زمین ما بجادوی خود ای موسی پس هر آینه بیاریم پیش تو جادوئی خود ای آن پس معین کن
تا بر آری مارا از زمین ما بجادوی خود ای موسی پس هر آینه بیاریم پیش تو جادوئی خود ای آن پس معین کن
بَيْنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا تُخْلَفُهٗ نَحْنُ وَلَا اَنْتَ مَكَانَ اَسْوٰی ۲۳) قَالَ
برمان و میان خود و عده گاهیه که خلاف کنیم آنرا و نه تو
پس ما و بین خود و عده که نه خلاف کنیم آنرا و نه تو
مَوْعِدًا يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَاَنْ يَحْشُرَ النَّاسُ حُكْمًا ۲۴) فَتَوَلٰی فِرْعَوْنُ
و عده گاه شمار روز چنین است و آنچه جمع کرده بودند مردمان وقت چاشت پس باز گفت فرعون
و عده گاه شمار روز چنین است و آنچه جمع کرده بودند مردم وقت چاشت پس باز گفت فرعون
فَجَمْعًا كَيْدًا شَرًّا ۲۵) قَالَ لَهُمْ مُوسٰی وَیٰكُمُ لَا تَفْكُرُوْا عَلٰی اللّٰهِ كِبٰرًا
پس جمع کرد سحر خود را باز باید گفت مونس سحران را دایه بر شما اذا كنتم بر خدا دروغ را
پس را هم آورد و تدبیر حق (سحر خود را) باز باید گفت برای ایشان موسی دایه بر شما اذا كنتم بر خدا دروغ را
فَلَمَّا نَسُوا مَوْعِدَنَا وَفَدَّ خَابٌ مِّنْ اَفْئَرٰی ۲۶) فَتَنَّا زُجْرًا اَمْ هُمْ بَيْنَهُمْ
آنچه پاک سازد شمارا بیدار و هر آینه مطلب رسید هر که افتر کرد پس گفتند گردنبر حزان عسوفت خود در میان خویش
پس پاک گرداند شمارا بیدار و هر آینه مطلب رسید هر که افتر کرد پس گفتند گردنبر حزان عسوفت خود در میان خویش
اَسْكُرُوا النَّاسَ ۲۷) قَالَ اِلَٰهَ اِنْ هٰذِهِ اَسْحَابُ اِنْ يَرٰی اَنْ يَخْرُجَ مِنْ
پنهان گفتند از خدا گفت البتہ این دو شخص ساحران اند می خوانند که بیرون کنند شمارا از
مقهوره گردند نهانی گفتند هر آینه این برود جادو گردند بخوانند که بیرون کنند شمارا از
اَرْضِنَا بِسِحْرِ هٰؤُلَاءِ اِنَّا نَقْتُلُكَ الْيَوْمَ ۲۸) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۲۹) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۳۰) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۳۱)
زمین شما سحر خود و بخوانند که در کنند دین شایسته شمارا پس فراموش آید اسباب سحر خود را باز بیاید
ملک زمین "تان بزرگ جادوی خود و ببرند طایفه شما است شمارا پس فراموش آید اسباب سحر خود را باز بیاید
صَدَقَ ۳۲) وَقَدْ اَفْلَحَ الْیَوْمَ مَنِ اسْتَعٰی ۳۳) قَالَ اِلَٰهَ اِنَّا اَقَامْنَا نَقْلًا وَاَمَّا
صف کشیده و هر آینه رستگار شد امروز هر که غلبه آید
صف کشیده و هر آینه رستگار شد امروز هر که غلبه آید گفتند ای موسی یا نیست که تو گفتی یعنی عصا را یا
اَنْ تَكُوْنُ اَوَّلَ مَنِ اَقْلٰی ۳۴) قَالَ بَلِ الْاَقْوٰی ۳۵) فَادْجَالُهُمْ وَاَعْبٰیهُمْ
باز سحرها اول کسیکه بپایند گفت بگو شما گفتید پس ناگهان رستگاری ایشان و عصا بای ایشان
باز سحرها اول کسیکه بپایند گفت بگو شما گفتید پس ناگهان رستگاری ایشان و عصا بای ایشان
يَخْلُكُ الْیَوْمَ مَنِ اسْتَعٰی ۳۶) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۳۷) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۳۸) فَاجْعَلْ لِّمُوسٰی اٰیٰتًا ۳۹)
خود را بر پیش موسی بسبب سحر ایشان کمی دوند پس یافت در صحر خود موسی قرصه را
مخفی گردید موسی بسبب جادوی آنها که میدوند پس دریافت در دل خود هر آینه را موسی
خود را بر پیش موسی بسبب سحر ایشان کمی دوند پس یافت در صحر خود موسی قرصه را
مخفی گردید موسی بسبب جادوی آنها که میدوند پس دریافت در دل خود هر آینه را موسی

فلا یغنی بدارن
توریت ۱۲۱ مترجم
گوید چون موسی با بنی
کس از قوم خود بجانب
فرعون میفرستد حضرت موسی
از هم بسبق کرد خطاب
رسید و الله اعلم
یعنی مدت مفارقت
من ۱۲۱ یعنی بعد از آن
تفسیر عثمانی
عنه یعنی میگوید که
ساری هم موسی نام
داشت برقی به این
تفسیر اندک و اسرائیلی
بود در نزد بعضی قطعی
به هر حال هم چنین
رای دارند این
شخص در عمر حضرت
موسی منافق بوده
و مانند منافقین پیشتر
در صدد آن بود که در
افزون به حیل های
گونگون پیروان
حضرت موسی علیه السلام
راه گمراه نماید بر همین
این نیز باشد کتب
اسرائیلیه بارون
است علیه ما اختیار
خود این کار نکردیم بلکه
ساری از کتاب آنرا
برجاء نموده و حقیقت
چنین بود که با نیرات
قوم فرعون را با خود
برداشت و بگویم و می
دانستیم که آنرا چه کنیم
بعد از مشوره با جمعی آنرا
از وجود خود برآوردیم
ساری آنها را در آن
گذاخت و بقتل گو
سازد و بکشید و ما
نشان دادیم این قصه
را در فوائد سورۃ ۳۴
اعلان ملاحظه
کنید (تنبیه) ۱۳۱
آیا زیورات قوم فرعون
چطور پوست بی اسرائیل
افتاده بود و مصرین در باره آن اختلاف نظر دارند بعضی بر آنند که یا از آنجا باریت گرفته و یا بطور مال غنیمت یافته بودند و یا که ام صورت دیگری بوده خلاصه هر چه

الیه ما عشیبههم ۲ واصل فرعون قومه و ما هدی ۳ یبني اسرائيل
دریا آنچه بود و شایسته ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نمود
دریا آنچه بود و شایسته ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و گمراه نمود
قد اجبتكم من عدوكم و وعدكم جانب الطور الايمن و نزلنا
هر آینه نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را از جانب راست طور و نازل کردیم
(هر آینه) نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را از جانب راست کوه طور و نازل کردیم
عليكم المن والسلوى ۴ گوا من طيبت ما رزقكم ولا تطغوا فيه
بر شما من و سلوای (گفتم) بخورید از یا کیزه های آنچه روزی دادیم شما را و از حد نگذرید در آن
فجعل عليكم غضبي و من يحمل عليه غضبي فقد هوى ۵ واري
آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که محبت شد بر من خشم من البته طاعت شد و بر آئینه من
پس فرموده آمد بر شما غضب من و کسی که بر من غضب من پس تحقیق طاعت شد و بر آئینه من
لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحا هتدوا ۶ و ما انجلك عن
آمرزنده ام کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کارش شایسته کرد باز راه راست یافت و چه چیز است که او را غافل باند
بزرگ آمرزنده ام برای کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کارش شایسته کرد پس راه راست رفت و چه چیز است که او را غافل باند
قولهك يوسى ۷ قال هم اولاء على انزى فحلت اليك رب لذرني
از قوم خود اے موسی گفتت قوم من ایشان اند بر من و درشتانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود موسی
تو من اے موسی گفتت ایشان اینک را و اندر من و درشتانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود موسی
قال فانك قد فتنا قومك من بعد ما واصلهم السامري ۸ فجمع موسى
گفت خدا ابراهیم را که ما را از قوم تو جدا کرد و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گفت موسی
گفت (هر آینه) ما را از قوم تو جدا کرد و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گفت موسی
الى قومه غضبان افساه قال يقوم اليك ربك و وعدا حسنا
بسوی قوم خود غضبان افسوس کنان گفت اے قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
بسوی قوم خود غضبان افسوس کنان گفت اے قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
افطال عليكم العهد اريدتم ان يحل عليكم غضب من ربكم
آیا در از شد بر شما مدت و حق با خواستید که واجب شود بر شما خشم
آیا در از شد بر شما مدت یا خواستید که در آید بر شما غضب از پروردگار شما
فاخلفتم موعدى ۹ قالوا ما اخلفنا موعدك بسلكنا لكنا حملنا
پس خلاف کردید و وعده مرا گفتند خلاف نه کردیم وعده ترا با اختیار خویش و لیکن راه را که گفت کردنتا برداشتیم
بنابر این (پس) خلاف کردید وعده مرا گفتند خلاف نکردیم وعده ترا با اختیار خود و لیکن بار کرده شدیم
اوزار امن زينة القوم فقد فيها فذلك اتى السامري ۱۰ فاشترى
بارها از پیرایه قوم قبضه پس گفتند هم آنرا که در بین السامری بارها بیرون آورد
بارهای سنگین از زیور قوم فرعون پس بپندیم آنرا پس چنین انداخت ساری عده پس بر آورد
لهم على جسد اله خوار فقالوا هذال الهكم و اله موسى فتنبى ۱۱ افلا
برائے ایشان گویا که الهی که او را آورده و کاذب بود گفتند این اله ساری است پروردگار شما و پروردگار موسی پس گفتند که الهی
برائے ایشان یک گویا که الهی که او را آورده و کاذب بود گفتند این اله ساری است پروردگار شما و پروردگار موسی پس گفتند که الهی
يرون الا يرجع اليهم قولا ۱۲ و لا يسلك لهم صرا و لا نفعنا و لقد
نمیدیدند این گمراهان که باز نمی گواند بسوی ایشان نمی گواند برائے ایشان هیچ نریاست و نه سودی و بر آئینه
نمی بیند که جواب میدهد بایشان سخن ما و اختیار نموده مرالین را و خداوند لغوی
و در هر آینه

قال لهم هرون من قبل يقوم انما قنيتهم به وان سركم

گفته بود ایشان را بپوشیدن از این که می گفتند که قنیت می باشد و اگر سركم

الرحمن فاتبعوني واطيعوا امرى قالوا لن نطرس عليك عكفين

خداست پس پیروی من کنید و اطاعت کنید امر مرا گفتند ما ترس نداریم از تو که

حتى يرجع اليك موسى قال يظرون مامنعك اذ رايتم ضلوا

تا وقتی که برنگردد به سوی تو موسی گفت ای آنها می بینند که مانع تو را می بینند

لا تتبعن اف عصيت امرى قال يا بنوء لا تأخذن بعيتي ولا

از آنکه پیروی من نکنی و ایاهای حکم من کردی گفت ای پسران من مرا

والا اسي ابي خشيت ان تقول فرقت بين بني اسرائيل ولم

مگر ای من مرا هرگز از آنکه گویی جدائی انداختی میان بنی اسرائیل و نگاه

ترب قولي قال فما خطبك يسا امرى قال بصرت بسا لم

نداشتی سخن مرا گفت موسی پس چیست حال تو ای سامری گفت دیدم چهره مردم

يبصر واياه فقصت قصه من اثر الرسول فنبذتهم واو كذالك

بینا می بینند و اینها را من قصه من را از رسول خداوند پنداشتم و اینها را

سولت لي نفسي قال فاذهب فان لك في الحياة ان تقول لا

پایا است پیش من نفس من گفت پس برو هرگز از آنکه گویی سزا نیست که گویی

مساس وان لك موعد ان نخلفه وانظر الى الهك الذي ظلت

دست رسانیدن من بپسند و تو را وعده دیگر است که خلف کرده نشود و حق تو و بین من و خود که

عليه عاكفا لنخرقنه ثم لنسفنه في اليه نسفا انما الهكم الله

مکتوب بودی بر این الهه بپوشانیم از این پس پراکنده در دنیا پراکنده ساخته جز این نیست که معبود شما الهه است

الذي لا اله الا هو موسي كل شئ علمنا كذالك نقص عليك

آنکه نیست هیچ معبودی جز او و موسی گفت هر چه از دهن تو و اینها را من قصه من را

من انباء ما قد سبق وقد اتيتك من لدن ذكرا من

از اخبار آنچه پیش از من بوده است و من را از تو از سوی خداوندی که

اعرض عنه فان يحبل يوم القيمة ورا خلدن فيه و

از تو بگرداند از آن پس و کسی برآورد در روز قیامت بار من و در آن بار خلدن و

و

ولم يبق بقا اهل

ضلعان و این یعنی در

کامه که از در

ساخته بود و بشکل گوساله

و این یعنی اگر بخواه

شده بر دو دست

می گرفت و این یعنی

گناه ۱۲۱

تفسیر عثمانی

عده سامری گفت

پس خود چیز را

نگریستم که دیگران ندیده

بودند یعنی فرشته و فرستاده

خداوند (دیوین)

و بر اسب سوار دیدم

شاید این واقعه وقتی

صورت گرفته باشد که

بنی اسرائیل بدیدار

آمدند در عقب آنها

و از فوج هم داخل

شدند و در آن حال

بین بر دو جهت

شد تا آنکه از در

فروغ طلوعی از اسرائیل

بیگانه شود بهر حال

باید محسوس یا از راه

و جملان و یا بر اساس

کدام تمام سابق

شناخت که این خبر

است پس از زیر پای

او یا از زیر پای

شست خالی برداشت

و آن خاک را در گوساله

طلایی انداخت زیرا

به دلش افتاد که خاک

پای روح القدس

یقینا تاثیر خاصی دارد

حضرت شاه جنت الهی

علیه صلی الله علیه و آله

مذکور که کافران و کفر

از آنها نفی می کردند

بودند خاک برکت

در این مخلوق گردید

آمین سخن حق و ماضی

شده صورت گرفت

که مثل جاندار و ان

راستی است

مل یعنی قرآن مشر
ست برقص و غیره
آن موافق کتب سابقه
تفسیر عثمانی
عنه یعنی
خویندندان
و متعلقین خود را
هم به نماز تاکید کن
در حدیث است که
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم فرمود که پس چون
سبقت صادر شود برای
تحصیل اختیار ادرا
به نماز خواندن موافق
سازیده چون ده سال
شود او را از بنده کفایت
بخشد و حدیث
شاه عابدی میگوید
در کتب سابقه خبر
بعثت رسول خدا را
داده شده و یا مقصد
این است که نشانی
پیغمبران سابق کافی
و شافی بوده و این
پیغمبر هم اصول همان
سخنان سابق را تفسیر
می کند و خبر جدیدی گوید و
یانشانی این است که
واقعات را بر وفق کتب
سابق بیان میفرماید
و بهترین تفسیر به نزد
من آنست که این خبر
و غیره اختیار کرده اند
یعنی این مردم از روی
مخالفت و اصرار می
گویند که چرا کدام نشان
نیارود- آیا بر علاوه
صد آیات بینات
از جمله زیاد تر این
قرآن عظیم الشان به
آنها رسیده که چگونه
معنای فرمودی
و مهم کتب سابقه
را حاوی محافظت
و برای عداقت آنها
محبت و نگاه است و
انجام آن در آفتاب روشن است

الْآخِرَةُ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۝ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ

آخرت سخت تر و پاینده تر است آیا آنها فهمیدند که ما پیش از ایشان را از ایشان
آخرت سخت تر و پاینده تر است پس آیا آنها فهمیدند که ما پیش از ایشان را از ایشان

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّأُولِي

طیقات مردمان را می روند در منازل آن ملک شدگان هر آینه درین مقدر نشانه است خداوندان خود را
کرده با که گردش می کنند در جایهای ایشان (هر آینه) در این نشان ماست خوب است برای کسانی که عقل دارند

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَاوَا أَجَلٍ مُّسَمًّى ۝

و اگر نبود که کلماتی سابق صادر شد از پروردگار تو نبود که و حتی معین هر آینه عذاب لازم شد
و اگر نمی بود سخنی که سابق صادر شد از پروردگار تو (هر آینه) بودی قدام و اگر نمی بود عذبه مقرر شده

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ

پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خویش
پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خود

قَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ الْبَيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ

پیش از غروب شدن آن و بعضی ساعتها تسبیح و اطراف روز تسبیح کن
پیش از غروب آن و بعضی ساعتها تسبیح کن (اطراف) روز تسبیح کن

تَرْضَى ۝ وَلَا تَنْتَدِنَ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ

خوشنودی شوی و بازگشتی و دین خود را بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم با آن جماعت بار از ایشان از چشم آرایش
راضی شوی و مدح و ستایش را بجز آن بهره مند ساخته ایم به آن جماعت مختلفه از ایشان از چشم آرایش

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَنْفَتْنَهُمْ فِيهِ وَرِشْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ وَأَمْرٌ

زندگانی دنیا تا بختلایم ایشان را و رزق پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است و دین
زندگانی دنیا تا بختلایم ایشان را در آن و رزق رب تو بهتر و پاینده تر است و حکم کن

أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِشْقًا وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ

کسان خود را به نماز و استقامتی کن بر آدای علی طبع از تو رزق دادن ما رزق میدهم ترا
ای خانه خود را به نماز و خود نیز بر آن قائم (صابر) باش تا منی طبع از تو رزق ما رزق میدهم ترا

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۝ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِيُنَا بَآيَةٌ مِنْ رَبِّهِ أَوْ لَمْ

و عاقبت خیر اهل تقوی است و گفتند که چرا نمی آید نشانی از پروردگار خود
و عاقبت خیر اهل تقوی است و مردم می گویند که چرا نمی آید نشانی از پروردگار خود

تَأْتِيَهُمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ

نیامده است دلیل واضح از جنس آنچه در کتبهاست پیشین است و اگر ما بایک کردیم ایشان را
نرسیده است بایشان نشان آشکار از کتاب ماست پیشین عذبه و اگر ما بایک می کردیم ایشان را به عذوبتی

مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

پیش از فرستادن پیغامبر گفتند ای پروردگار ما چرا نه فرستادی بسوی ما پیغمبر تا پیروی آیات تو می کردیم
پیش ازین البتة گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبر تا پیروی می کردیم کتاب ترا

مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَنَخْرُجَ ۝ قُلْ كُلُّكُمْ ذَرِيَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ

پیش از آنکه غار شودیم در سوا کردیم بگوهر یک نقطه است پس شما هم نقطه باشید
پیش از آنکه ذلیل و سوا شویم بگوهر یک نقطه است پس شما هم نقطه باشید

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصُّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ۝

خواهید دانست که صاحبان صراط راست است و که راه یافت
زود میدانند که کیست صاحبان راه راست و که راه یافت

دل حرم خود را دراز
نشد عقوبت ما سید
مثل طوفان قوم نوح و
همی مرهم قوم بود
والله اعلم
تفسیر عثمانی
بعضی از این جمله
بے خبر از استماع
انداز پای مقدس
قرآنی تنگ حوصله
شده و بیکل قنوت
و بی انصافی در تفسیر
جلس نموده و چنین فیصله
کردند که در صد و نسیب
نبوت و ترویج آیات
قرآنی بر این بنا بآین
با بیشتر و دقت
تمام اظهار می نمودند
که این پیغمبر مثل انبی
است که در حقش داشت
میشود و نسبت به ما
برتری دارد و البته
ساحر است که از روی
سحر و افسون به جادو
میبرد از آنهارا بعد
از او و اهل بیت مردم
برآمده : با آنها می گفتند
که شما چه شده و چرا
با چنین کفاده خود را
تحت افسون ساحری
قرار میداد بر شما لازم
است که نزد کیش نزد
آنها شاید قرآن مجید را
ازین حیرت جادو گفتند
که قوت تاثیر و تصرف
حیرت انجمن آن از شما
کرده و متعجب شدند و
مجلس خفیه از سببی
متعقد نمودند تا برای
تلاش بر آورده خود که
بر علیه حق افتاد می نمودند
آنها را سراسر گفتند
مسلم است دشمن
بیشتر و جالاک
خوش ندارد تا کار دانی
با و ترتیبات ممانده

سورة الانبياء مكية ومكية اثنتا عشرة آية وسبعون حرفا

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خدا به انعام مهربان نهایت بار حق است

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة

نزدیک شد مردم و حساب ایشان و ایشان در غفلت

نزدیک شد مردم و حساب شان و ایشان در غفلت

وما ياتيههم من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه و

روگردانند نمی آید بایشان هیچ بخت از جانب پروردگار ایشان نوید آید و سرگشته اند آنرا

وما يعلعون ۱ لاهية قلوبهم واسر والنجوى الذين ظلموا هلك

بازیگران غافل شده و دل با نای ایشان و پنهان را و گفتند ایشان این ظالمان که نیست

در مالک آنها مشغول بازی هستند و بازی غرق است دل با نای شان و بخندند از گفتن را آنرا که سر کردند نیست

هذا الا بشر مثلكم افاتون السحر وانتم تبصرون ۲ قل ربی

این نفس سرگشته آدمی مانند شما آیا اقبال می کنید بسم و شما می بینید گفت پیغمبر پروردگار من

این نفس که آدمی است مثل فاس چو اگر رفتاری آید در محراب و حال آنکه شما می بینید گفت پیغمبر رب من

يعلم القول في السماء والارض وهو السميع العليم ۳ بل قالوا

میدانند هر سخن را که در آسمان و زمین باشد و او شنوا و داناست بلکه گفتند

میدانند هر سخن را که در آسمان و زمین باشد و او دست شنوا و داناست و دانای آنها انداخته می گویند و بلکه گفتند

ضغات احلام بل افتریه بل هو شاعر فليأتنا بآية كما ارسل

این قرآن خواب بلای پیغمبران است بل که می گویند بر بسته است آنرا بلکه می گویند او شاعر است پس باید که سارده پیش از شما بیاورد و شما

جواب بانه پریشان است بلکه دروغ بسته است آنرا بلکه شاعر است پس باید بیاورد نزد ما نشا چنانکه فرستاده شده به آن

ولون ۴ ما امننت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يومنون ۵

و گشتن و ایمان نیاورده بود پیش از ایشان هیچ دین که بپاک کردیم آنرا آیا ایشان ایمان خواهند آورد و

گشتن ایمان نیاورده پیش از ایشان هیچ قریسی که بپاک ساختیم آنرا آیا اکنون ایمان می آورند و

ما ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فاستلو اهل الذکر ان كنتم

و فرستادیم پیش از تو مگر مردان را که وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما

پیام نداشتیم و وحی از تو مگر بدست مردان که وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسید از یهود و نصاری که اگر شما

تعالون ۶ وما جعلناهم جسدا لا ياكلون الطعم وما كانوا خلدون

میدانند و نشا خیمت پیغمبران را کالبدی که نخوردند طعام و نبودند جادوید باشند گمان

میدانند و نشا خیمت ایشان را جلدی که نخوردند طعام و نبودند جادوید با حق گمان

تصدقهم الوعد واجتنبهم ومن نشاء واهلكنا السمر فين ۷ لقد

بر راست کردیم و حق ایشان و وعده را پس بر این اسم ایشان را هر که خواستیم و بپاک کردیم از حد گذرندگان را بر آید

سپس راست گردانیدیم بایشان و وعده را پس رستگاری دادیم بایشان و کسی را که خواستیم و بپاک کردیم از حد گذرندگان را بر آید

لقد اليكم كتاب فيه ذكركم افلا تعقلون ۸ وكم قصصنا من قرية

و فرستادیم بسوخته شما کتابی که در دست پیغمبر شما آیا نمی بینید و بسیار است کهستم از قسم و پند

و فرستادیم بسوخته شما کتابی که در دست پیغمبر شما آیا نمی بینید و بسیار است کهستم از قسم و پند

این پیش از وقت کنه کرد و لذا کمال روز واری و بوشیاری بصحبت بکار نمی گویند به پند و آنگاه و تباينات سیر از ۱۲

۱۰ من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وقالوا اتخذ
 ۱۱ احسن ولدا سبحنه بعل عباد فكمون ۱۲ لا يسبقون بالقول و
 ۱۳ هم باهم يعصون ۱۴ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يشفون
 ۱۵ ان ليس ارثهم وهم من خشيتهم مشفقون ۱۶ ومن يقل منهم
 ۱۷ ان الله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ۱۸ او
 ۱۹ ان الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رقا ففلقنهما وجعلنا
 ۲۰ من الباء كل شئ حي افلا يؤمنون ۲۱ وجعلنا في الارض رواسي
 ۲۲ ان تبصروا ۲۳ وجعلنا فيها فجاسبا لعلهم يهتدون ۲۴ وجعلنا
 ۲۵ السماء سقفا محفوظا ۲۶ وهم عن ايتها معرضون ۲۷ وهو الذي
 ۲۸ خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل في فلك يسبحون ۲۹ وما
 ۳۰ جعلنا للبشر من قبلك الخلد افاء من مت فهم الخلدون ۳۱ كل
 ۳۲ نفس ذائقة الموت ونبؤكم بالشئ والخير فنته والينا ترجعون ۳۳
 ۳۴ واذا راء الذين كفروا ان يتخذونك الاهزا اهذ الذي يدرك
 ۳۵

۱۰ من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وقالوا اتخذ
 ۱۱ احسن ولدا سبحنه بعل عباد فكمون ۱۲ لا يسبقون بالقول و
 ۱۳ هم باهم يعصون ۱۴ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يشفون
 ۱۵ ان ليس ارثهم وهم من خشيتهم مشفقون ۱۶ ومن يقل منهم
 ۱۷ ان الله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ۱۸ او
 ۱۹ ان الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رقا ففلقنهما وجعلنا
 ۲۰ من الباء كل شئ حي افلا يؤمنون ۲۱ وجعلنا في الارض رواسي
 ۲۲ ان تبصروا ۲۳ وجعلنا فيها فجاسبا لعلهم يهتدون ۲۴ وجعلنا
 ۲۵ السماء سقفا محفوظا ۲۶ وهم عن ايتها معرضون ۲۷ وهو الذي
 ۲۸ خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل في فلك يسبحون ۲۹ وما
 ۳۰ جعلنا للبشر من قبلك الخلد افاء من مت فهم الخلدون ۳۱ كل
 ۳۲ نفس ذائقة الموت ونبؤكم بالشئ والخير فنته والينا ترجعون ۳۳
 ۳۴ واذا راء الذين كفروا ان يتخذونك الاهزا اهذ الذي يدرك
 ۳۵

۱۰ من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وقالوا اتخذ
 ۱۱ احسن ولدا سبحنه بعل عباد فكمون ۱۲ لا يسبقون بالقول و
 ۱۳ هم باهم يعصون ۱۴ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يشفون
 ۱۵ ان ليس ارثهم وهم من خشيتهم مشفقون ۱۶ ومن يقل منهم
 ۱۷ ان الله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ۱۸ او
 ۱۹ ان الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رقا ففلقنهما وجعلنا
 ۲۰ من الباء كل شئ حي افلا يؤمنون ۲۱ وجعلنا في الارض رواسي
 ۲۲ ان تبصروا ۲۳ وجعلنا فيها فجاسبا لعلهم يهتدون ۲۴ وجعلنا
 ۲۵ السماء سقفا محفوظا ۲۶ وهم عن ايتها معرضون ۲۷ وهو الذي
 ۲۸ خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل في فلك يسبحون ۲۹ وما
 ۳۰ جعلنا للبشر من قبلك الخلد افاء من مت فهم الخلدون ۳۱ كل
 ۳۲ نفس ذائقة الموت ونبؤكم بالشئ والخير فنته والينا ترجعون ۳۳
 ۳۴ واذا راء الذين كفروا ان يتخذونك الاهزا اهذ الذي يدرك
 ۳۵

وله این کنایت

سرت از غلبه استعجاب

بر آدمی و الله اعلم

وله یعنی با سلام اکرم

و غنای بیش از بخت است

تفسیر عثمان

عنه این مردم از اینجا

بکی فاعل اند و بی غیر

علیه السلام استهزاء

می نمایند چنانچه بطریق

تخفیر و تخفیری گویند

«هذا الذي يذكر اليكم

آیا بهین شخص است

که معبودان شمارا بهر

ذکر می کنند و اما خود

شمارا شرم ندارد که

از ذکر معبود حقیقی حتی

از نام الرحمن و

بدی برند و از

کتاب بر حق او

انکاری کنند و چون

از زبان پیغمبر مذمت

معبودان باطل را

می شنوند نهایت آفروده

می گردند و تکیه صورت

حال این طور است

پس باید تقصارت

بنمود که آیا حالت

خود آینه خنده آفرست

و یا از فرق مقابل و

عنه بعضی چون

استهزاء و تشفیر کنان

را مشاهده می نمودند

آرزوی گردن کاه بهتر

است برین اشخاص

بے جفا و گستاخ و

نازل شود و خود کفار

هم بطور استهزاء و غلبت

آنها را طلب کردند و

با و حاجت تمام گفتند

که اگر ما در نزد شما

استحق غذا نیست پس چرا

خود را بر ما عذاب ادا

می سازید و خداوند

به هر گروه و فساد و

کافران بس پادشاه

الْهَيْكَلُ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ كَفَرُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

معبودان ما را و ایشان یاد خدا را مشکرانند آفریده شد آدمی از شستایی و

نام معبودان شمارا بهر بدی و ایشان از یاد حق منکرند عه آفریده شده انسان از شستاب

سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون ۝ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمْ

خواهم نمود شمارا آیتها را خویش پس مستجاب طلب کنید از من و می گویند که خواهد بود این وعده اگر

بزرگ و می دانند و می شناسان بشارت آن بآن خود را پس مستجاب کنید از من عه و می گویند که پس می آید این وعده اگر

راست گو هستید اگر بدانند کارشان صورت حال آن وقت که باز خواهند داشت از روی خویش

شمارا راست گو هستید اگر بدانند کارشان آنوقت را که باز خواهند خواست از رویهای خود

النَّارُ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۝ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ

آتش را و نه از پشت خویش و نه ایشان نصرت داده خود چنین نه گفتند بلکه بیاید ایشان قیامت ناگهانی پس حیران گردانند ایشان

آتش را و نه از پشت های خود و نه ایشان مدد می رسد و نه ایشان یاری داده خود چنین بگویی آید ایشان ناگهانی پس بهیبت گردانند ایشان را

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرَسُولِ

پس نتوانند دفع کردن و نه ایشان مهلت داده خود و هر آینه تشفیر کرده شد به پیغامبران

پس بخوانند توانست رد آن را و نه ایشان فرمت خواهند یافت و نه ایشان مهلت داده خود و هر آینه تشفیر کرده شد به پیغامبران

مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَسْتَهْزِءُونَ ۝ قُلْ

پیش از تو پس در گرفت با آنها تشفیر کردند از ایشان آنچه ای استهزای کردند بگو

پیش از تو باز پس نازل گردید (احاطه کرد) آنها را تشفیری که کردند از ایشان آنچه به آن استهزای کردند بگو

مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ

کے نگهبانی می کنند شمارا شب و روز از عقوبت خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش

که نگهبانی می کنند شمارا در شب و روز از (عذاب) زمین بلکه ایشان از یاد پروردگار خود

مُعْرِضُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ

رو گردان اند آیا ایشان را معبودان غیر ما که نگاه می دارند ایشان را از معاصی می توانست نصرت دادن

رو گردانند آیا برای ایشان معبودانی است که باز می دارند ایشان را غیر از ما می توانند یاری دادن

أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنْهَا يُخْلَصُونَ ۝ بَلْ مَتَّعْنَاهُمْ أَزْوَاجًا وَلَهُمْ مِنْ أَطْرَافِهَا

خویش را و نه ایشان از عقوبت ما به محبت خود محفوظ مانند بلکه بهر مندر ساخته ایم ایشان را و پدران ایشان را و تبت که در آتش

نفس بآن خود را و نه ایشان از طرف ما مستحق رفاقت اند (محفوظ داشت شوند) بلکه بیش دوام ایشان را و پدران ایشان را و تبت که در آتش

عَلَيْهِمْ الْعَصْرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّ كُنَّا تِلْكَ الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۝

بر ایشان مدت عمر آیا نمی بینند که ما در گرفت می کنیم زمین و در حرب را می کنیم آن را از جوانب آن

بر ایشان زندگی آیا نمی بینند که ما می آیم زمین را می کاهیم (افرا) کناره بآن آن

أَفَمَنْ الْغَالِبُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنْذَرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّةُ لِلدَّعَاءِ

آیا ایشان غلبه کنندگان و استحق جز این نیست که می ترسانم شمارا صافی حکم (دی) و نمی شنوند که با خواندن را

آیا ایشان غلبه کنندگان اند بگو جز این نیست که می ترسانم شمارا صافی حکم (دی) و نمی شنوند که با خواندن را

إِذَا مَا يَنْذِرُونَ ۝ وَلَكِنْ مَسْتَهْزِئِينَ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَنْقُولَنَّ

چون ترساننده می شوند و اگر رسد بایشان اندک از عقوبت پروردگار تو هر آینه می گویند

چون ترساننده می شوند و اگر رسد بایشان نفی (اندکی) از عذاب پروردگار تو هر آینه می گویند

لَوْ بَلَّغْنَا آتَاكَ ظَالِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گاران و در میان بیم ترازو و عدل را روز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گاران و می گذاریم ترازوهای و صفات را بر روز قیامت

از محبت غیر شده باید اندکی میر کشید آنچه من علامت بآن تبار و انتقام خود را بشمارا نمود می کنم

فَلَا تَظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ

برستم کرده شود بزرگترین کسب و عا و اگر باشد عین هم سنگ دانستند حاضر کنیم آنرا و

بهرستم خواهد شد بزرگترین نفس چیز و اگر باشد برابر دانسته از خردل بیادیم آنرا و

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

امان کننده بسیم و هر آینه دادیم موسی و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

وَلَقَدْ آتَيْنَا هَارُونَ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و هر آینه دادیم هارون و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و

ع حساب انطباع و صاحب نهانی است و بعد از آن ماسیه و مگر صورت نمی گیرد برای محاسبه اعمال تمام مخلوق بمعاد و مددگری قطعا فرود ناریم بعد از آن خداوند نشان داد که سلسله انذار و تحذیر از اساقیان بران طریقه بر میان داشته است و آنچه را نیک هر روز حضرت محمد صلی الله علیه و سلم مردم را می ترساند انبیای سابق هم مردم را از آسمان می ترسانند و عده حضرت خلیل به پدر و قوم خویش گفت که اندکی از اصلیت و حقیقت آنها بیان کنید که این بیت های سنگی بدست خود تراشیده اید بکدام دلیل خدا گردیده اند و هیچ شبهات عقل و فطرت و نقل معقد به باد تامل و تامل باوجوده نبوده لیکن بزرگترین دلیل بر حقیقت برتری حق این است که آباء و اجداد از قیام الامام پرستش اصنام می کردند پس طریق بزرگان اسلاف خود را چگونه ترک نمانیم و لعنه باین دلیل حقایق و دانش ها ثابت شد البتة است که بدان شارش شاگرد و بی خود بودند شاگرد به تقدیر کور و راه آنها

و انما نزلنا القرآن لعلهم یحذرون

صل العترة در آتش

اند افند و ملائکه

زمین شام ۱۲

تفسیر عثمانی

ضرورت پریدن از

من نیست فرض کنید

که این بت کلان حج و

سالم ایشان است

و او شستن هم نزدش

موجود است این کار

را کرده باشد و یک

در شانه بخت تحقیق

بهر الزام و حکمت می

توانم دعوی کنم که بت

کلان همه بتیان خود

را شکستاده اکنون

شماره دلیل دارد که

این عمل از او بوقوع

نیوست زیرا میداند

که در دنیا کارهای کلان

را برای خود را دایمی

عظیم با حق کوچک را

میل می کند و مسامحین

کلان مسامحت می

خورد و اتباع و محکوم

می سازند بنابر این

طریق بهتر می برسد

فیصل دعوی ما در شام

این است که خود شما

از این معبودان اگر

سخن زده بخواهند

ببرسد که این اجرا

چگونه صورت گرفت

البته در این مسائل جزا

فاصله نمی ماند ۵

در دو در است ۶

را فیصله میکنند ۷

ز قبیله از طرف ۸

سیان ماذن شد که

گفتن بل فدا گیریم

بذا بطور اخبار طائف

واقعه بود که حقیقت

دروغ گفته شود بلکه

الحکم شرعی است که

نقض تحقیق و تحقیق آنها

باعتبار خبری را

چهار مرتبه دعوی می کرد

فَعَلَهُمْ كَيْدُكُمْ هَازِقُوا بِهِمْ بِرِجَالِهِمْ كَانُوا يَنْظُرُونَ ۱۰ فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ

کرده است آنرا این بت بزرگ ایشان پس سوال کنند از جهان اگر سخن می گویند پس رجوع کردند بخود ایشان

فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمْ الظَّالِمُونَ ۱۱ ثُمَّ نَبَّاهُ عَنْهُمْ لَيْسَ بِكُمْ مِنْكُمْ ۱۲ قَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ

پس گفتند بایکدیگر بر آئینده شما را ستمکار پس خبر دادیم از ایشان که شما را نیست از ایشان

يَنْظُرُونَ ۱۳ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ شَيْءٌ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۱۴

مخبر می گویند گفت آیا عبادت می کنید بخدا چیزه را که هیچ منفعتی رساند بطمان و زیان نکند شما را

أُولَئِكَ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۵ قَالُوا حَرِّقُوهُمْ

تا خوشی ست و بخواه با یکدیگر شامی بر سنجید بخیر خدا ایامی جمیع بایکدیگر گفتند که بسوزانید او را و

انصُرُوا آلَهُتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ ۱۶ قُلْ إِنِّي أَرَى إِلَهَكُمْ بَصُرَتْ عَيْنِي فَتَدْبِرُوا

لصرت دیدم خدا یان خود را اگر گفتند و اید دل نفیتم اے آتش سرود خود سلامت باش بر

أَبْرَاهِيمَ ۱۷ وَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ۱۸ وَبَجَيْنَا وَلَوْ طَالَمَا

ایراهم و خواستند با او فریب کردن پس ما عظیم ایشان را زبانی کار کردیم و بر ما عظیم ابراهیم را دلو طرا بسوی

الْأَرْضِ لَقِيَ بَرَكْنَا فِيهِ الْعَالَمِينَ ۱۹ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً

زینتی که برکت نهادیم دران عالم بار او را و عطا کردیم او را اسحق و یعقوب که بزرگوار ابراهیم بود

وَكَلَّ جَعَلْنَا صَالِحِينَ ۲۰ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ

و هر یک را ساجیم شیخو کار و پیشوا گردانیدیم و ابراهیم را هدایت نمودند بفرمان ما و وحی فرستادیم بسوی ایشان

فَعَلَ الْخَيْرَاتِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَكَانُوا الْبَائِعِينَ ۲۱ وَ

کردن نیکیها و بر پا داشتند نماز و دادن زکوة و بودند ماری عبادت کنندگان و بودند بیکدیگر با دین و امانت

لَوْ أَنَّا آتَيْنَاهُمْ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ خُبْرًا ۲۲

لو طرا دادیم حکمت و علم و دیر ما نجات دادیم او را از تاریکی که می کرد کارهای نامالک بر آئینده ایشان

كَانُوا أَقْوَمَ سَوْفَ فَسَقِينَ ۲۳ وَادْخُلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۲۴

بودند قوم بد کنندگار و در آوریم او را در رحمت خود و بر آئینده او از نیکو کاران است

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَاهْلَكَ مِنْ أَكْثَرِ

و یاد کنیم نوح را چون دعا کرد پیش ازین پس قبول کردیم دعا را پس خلاص گردیم او را و گمان او را از اندوه

الْعَظِيمِ ۲۵ وَنُصْرًا مِنْ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْفَ

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که دروغ می کردند آیات ما را بر آئینده ایشان بودند گروهی بد

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که تلمذ می کردند آیات ما را بر آئینده ایشان بودند گروهی بد

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که تلمذ می کردند آیات ما را بر آئینده ایشان بودند گروهی بد

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که تلمذ می کردند آیات ما را بر آئینده ایشان بودند گروهی بد

فل يعنى من دون الله

ست واختلاف در فروع

بباید در اول معنی

اصل دین ۱۲-

تفسیر عثمان

مع این خطاب به

مشرکین که است که

بت با اید پرستیدند

یعنی شهادت بر ایشان

بدر آتش آید و بپزد و در

مستحبه و قود بالانکر

والجماعة (بقوله) بکرم

مطلب این نیست

که اسامی معذبی شوند

بل غرض اینست که

مجت بر بت پرستان

تمام تر شود. شکی در

آینده میفرماید

که لوکان بولاد

آلینا و در دو

و حیرت شان زیاده

شود و حقاقت نشان

و آخر گردد که از چیز

که توقع نکر داشتیم آنها

امر و خود را نگاه داشته

نخواستند پس حقاقت

ما را بطوری توانند

(تنبیه) مبرو از و ما

تعبود من دون الله

در اینجا فقط اسامی می

باشند زیرا خطاب

فقط به پرستندگان آنها

است. لیکن اگر ما

را عام بگزاریم قید

به بشر و عدم المانع

معتبر می باشد چه معبود

تصور می دهی که غیر از

از خود ندارند شوند

آنها با عبادین خود هم

آتش آید و در سانس

می شوند مثل شیاطین و

اسماء. باقی حضرت

سج و عزیز و ملائکه الله

که بسیاری مردم آنها را

معبود گردانیده اند

و حاجت این قیامت

فرمای مانع است که

وَكذٰلِكَ يُخَيِّرُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا ۝

و یاد کن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود از آنکه مرا تنها و یاد کن زکریا را چون ندا کرد رب خود از آنکه مرا تنها و

اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْمٰحٰنَهٗ زَوْجًا ۝

تو بهترین وارثانی پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را پس و یوسف را هم برای او زن دادیم پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را پس و یوسف را هم برای او

اَنْهٗمُ كَانُوْا اِسْرَءٰلَیْهِمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۝ وَیَدْعُوْنَ اَرْغَابًا وَّ اَرْهَابًا وَّ كَانُوْا لَنَا ۝

بر آید این پسران ششایی می کردند در نیکی و می خواندند ما را از روی توقع و ترس و بودند برای ما (بر آید) این پسران می ششایند در نیکیها و می خواندند ما را از روی توقع و ترس و بودند برای ما

خَشِيعِيْنَ ۝ وَالتّٰی اَحْصٰتْ فَرْجَهَا فَفُتِحَتْ فَاِیْهَا مِنْ رُّوْحِنَا وَجَعَلْنٰهَا ۝

نیازمند و یاد کن زنی را که بخت نگاه داشت شرکاء خود را پس و میدهم در آن روح خود را و ما هستیم او را و یاد کن آن زنی را که نگاه داشت شرکاء خود را پس و میدهم در آن روح خود را پس و میدهم در آن زن

وَابْنٰهَا اٰیَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ اِنَّ هٰذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّ اَنَا رَبُّكُمْ ۝

و پسر او را نشانه برای عالمها گفتیم بر آید اینست ملت شماست یکتا و من پروردگار شما و پسر او را نشانه برای عالمها (بر آید) اینست دین شماست یکتا و من رب شما

فَاعْبُدُوْٓنِ ۝ وَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۝ كُلُّ الشَّيْءِ لِنَا جَعُوْنَ ۝ فَتَنَ ۝

پس عبادت من کنید و متفرق شدند امت با در کار خود و میان خویش هر یک بسوی درج کنندگان اند پس هر که بکند پس برکتش کند مرا و پاره پاره کردند کار خود را در بین خود هر بسوی درج کنندگان پس هر که کند چیزی

مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ ۝ فَلَا كُفْرَانَ لِّسَعْيِهِٗ ۝ وَاِنَّكَ لَكَا تَبُوْنَ ۝ وَرَمٰ ۝

از جس کار باشد شایسته و او مؤمن باشد پس تا جوی نبود سعی او را و هر آینه برای او می نویسم و من هست از عمل باشد پس بدیده در مایه مؤمن باشد پس زبان نیست برای او کفر و او را از آن پس بدیده و من فرستد

عَلٰی قَرْيَةٍ اَهْلٰكَنَّهَا اَنهٗمُ لَا يَرْجِعُوْنَ ۝ حَتّٰی اِذَا فُتِحَتْ يَابُجُوجُ وَمَاجُوجُ ۝

بر هر دو پاره که بکند کار خود را باز گردانند یعنی بدینا تا وقتیکه گشاده شود قید یا جوج و ماجوج بر هر قریه که ما از آن بکند کار خود را باز گردانند یعنی بدینا تا وقتیکه گشاده شود قید یا جوج و ماجوج

وَهُمْ مِنْ كُلِّ حِزْبٍ يَّكْسِبُوْنَ ۝ وَاقْتَرَبَ الْعَمْدُ اَحْقَ فَاِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ ۝

و ایشان از هر پارتی رست تابند و نزدیک برسد و عده راست پس ناگهان حال ایشان پاره و خستند و ایشان از هر پارتی می ششایند و نزدیک شد و عده راست پس انگاه بعد این است که بالا باز مانده باشد

اَبْصَارُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُوْثِقُكَ كِتٰبِيْ غَفْلَةٍ ۝ مِنْ هٰذَا بَلُ كِتٰبِ الْيَمِيْنِ ۝

چشم کاfran گویند و او را بر ما بر آید و غفلت بودیم از این حال بلکه بودیم ستمگر چشم های کاfran (گویند) ای دای بر ما بر آید بودیم مادر بی خبری از این بلکه بودیم گزگاران

اِنَّكُمْ وَاَتَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ حَصْبٌ جَهَنَّمَ اَنْهٗمُ لَهَا وَاَرْدُوْنَ ۝

بر آید شما و آنچه می پرستید بجز خدا یعنی بتان آتش آید و در ج جهنم حاضر شوید (بر آید) شما و آنچه می پرستید بجز خدا آتش آید و در ج جهنم حاضر شوید

لَوْ كَانُ هَؤُلَاءِ اِلٰهًا تَاوَرَدُوْهُمَا وَكُلُّ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ۝ لَهٗمْ فِیْهَا زَفِیْرٌ ۝

اگر می بودند اینها خدایان حاضر می گشتند بر دوزخ و همه ایشان آنجا جا میدادند باشند ایشان را آنجا نادر باشد اگر می بودند این بتان معبودان می رسیدند به آن (بد دوزخ) و همه در آن جا دید باشند باشد برای آنها در آنجا بتان

وَهُمْ فِیْهَا لَا یَسْمَعُوْنَ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَةُ ۝ اُولٰٓئِكَ ۝

و ایشان آنجا هیچ نمی شنوند هر آینه آنها که سابقا مقدر شد برای ایشان از جانب ما نیکی این جماعت و ایشان آنجا هیچ نمی شنوند (بر آید) آنها که سابقا مقدر شد برای ایشان از طرف ما نیکی (سودات) آنها

عَنْهُمْ مَبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَةً ۝ وَهُمْ فِي مَا اشْتَكَتْ أَنْفُسُهُمْ

از دوزخ دور کرده شوند یعنی بشنوند شش آزار آزار اشتغال را و ایشان باشند در آنچه خواهد نفس بای ایشان

خَلِدُونَ ۝ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهِمُ الْمَلَائِكَةُ ۝ هَذَا يَوْمُكُمْ

جادیدانند اندوهین نه سازد ایشان را آن ترس بزرگ و پیش آید ایشان را فرشتگان گویند ایست آن روز که

الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يُطَوَّى السَّمَاءُ كُتُبًا

شمارا و عده داده می شود روزیک در پیچیم آسمان را مانند پیچیدن طیاره وقت نوشن نام را چنانکه

بَدَانَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعْبُدُهُ وَعَدَّ عَلَيْنَا لَكُنَّا مُفْعِلِينَ ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا

آغاز کردیم اول آفرینش را دیگر باره کنیم آفرینش و عده لازم بر ما هر آینه ما کننده ایم و بر آینه نوشتیم

فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ ۝ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ

در زبور بعد از تورات که زمین و ارث آن شوند بندگان را ایشان را مل بر آینه

فِي هَذِهِ الْبَلَاغَةِ الْقَوْمَ عِبَادِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ

در این کفرش کنایت است کرده عابدان را و فرستادیم ترا مگر از روی مهربانی بر عالمها بگو

إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۝ قُلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ

جز این نیست که می فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خداست یکتاست پس آیا گردن نهاده میست پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ أَدْرِي أَوْ لَا أَدْرِي أَوْ أَقْرَبُ أَمْ لِعِيبَادٍ مَا وَعَدُوا

اگران کنند پس بگو خبردارا حق شمارا برو چه که بر برابر باشد و نمی داند که نزدیک است یا دور است آنچه وعده داده می شود

إِن يَعْلَمَ الْيَوْمُ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّه

بر آینه خدای داند آشکارا از سخن می داند آنچه پنهان می کنید و نمی داند شاید تا خبر خود

فِتْنَةً لَّكُمْ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ قُلْ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ

اجتلا باشد شما را و بهره مندی باشد تا مدتی و می داند آنچه پنهان می دارید و نمی داند شاید این تاخر

كَرِيمٌ ۝ السُّتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ وَسَيُجَنَّبُكُمُ الرَّحْمَنُ ۝

از و عده طلب کرده می شود بر آنچه بیان می کنید

بَارِي خَاسِرٌ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فل یمن در آخر زمان
پیغامبر می مبعوث شود
و امت او بر زمین
غالب شود و اقامت نماید
تفسیر غنائی
عنه این است بیان
رسالت باو وحید و
لب لباب رحمت عظیمه
که آن حضرت با خود آورده
اند بمانا تو میدک کل
است انسان نیابد
در پند بر من و قبول
ایم نعمین بزرگ
مقدس و معین بزرگ
و لطفی را و او را پس
آیا شاهد قبول حق و
تسلیم بآن مستند و
حاضرید و اگر آماده
باشید نهو الهلا در نه
من تبلیغ کرده برانست
و من خودم اینک خود
تان عاقبت خویش
را ببینید عده اگر
باین تمام حجت و
الطاع کمال حق را قبول
نکردند یا نشاء الله تعالی
کون فرشتان را و شما
هم از من جدا می گرد
شاید شما و عمل من باین
است و هر کس بقیه
اعمال خود را می نگیرد
حضرت شاه رحمت الله
علیه منوبد هر طرف
یا هر بر او است یعنی
یا فعل هر دو
ع ۱۹
ع ۲۰
ع ۲۱
ع ۲۲
ع ۲۳
ع ۲۴
ع ۲۵
ع ۲۶
ع ۲۷
ع ۲۸
ع ۲۹
ع ۳۰
ع ۳۱
ع ۳۲
ع ۳۳
ع ۳۴
ع ۳۵
ع ۳۶
ع ۳۷
ع ۳۸
ع ۳۹
ع ۴۰
ع ۴۱
ع ۴۲
ع ۴۳
ع ۴۴
ع ۴۵
ع ۴۶
ع ۴۷
ع ۴۸
ع ۴۹
ع ۵۰
ع ۵۱
ع ۵۲
ع ۵۳
ع ۵۴
ع ۵۵
ع ۵۶
ع ۵۷
ع ۵۸
ع ۵۹
ع ۶۰
ع ۶۱
ع ۶۲
ع ۶۳
ع ۶۴
ع ۶۵
ع ۶۶
ع ۶۷
ع ۶۸
ع ۶۹
ع ۷۰
ع ۷۱
ع ۷۲
ع ۷۳
ع ۷۴
ع ۷۵
ع ۷۶
ع ۷۷
ع ۷۸
ع ۷۹
ع ۸۰
ع ۸۱
ع ۸۲
ع ۸۳
ع ۸۴
ع ۸۵
ع ۸۶
ع ۸۷
ع ۸۸
ع ۸۹
ع ۹۰
ع ۹۱
ع ۹۲
ع ۹۳
ع ۹۴
ع ۹۵
ع ۹۶
ع ۹۷
ع ۹۸
ع ۹۹
ع ۱۰۰

تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعُ وَتُؤْتِي الْحَمْلَ حَمْلًا وَثَرًا

غافل شود بر شیر دهنده از طعمی که شیر می دهد و بدهد بر زن باردار شکم خود را به بینی غافل شود و آن بر زن شیر دهنده از طعمی که شیر می دهد و بدهد بر زن حامل عمل خود را و بینی

النَّاسُ سُكَّرُوا فَهُمْ يَكْفُرُونَ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۝۷۰

مردمان را مست شده و نمی شناسند و لیکن عذاب خدا سخت است و لیکن مردم را مست و نمی شناسند (مست عظمی) و لیکن عذاب خدا سخت است عذاب و لیکن

النَّاسُ مِنْ يَحَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ ۝۷۱

مردمان کسی هست که گفتگو می کند در شان خدا بغیر دانش و پیروی می نماید هر شیطان بخیر را که فرستاده است مردم آن است که گفتگو میکنند در شان خدا بغیر علم و پیروی می کنند هر شیطان سرکش را که فرستاده شده

عَلَيْهِمْ أَنْ تُولَاهُ فَانْصِلْهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِينَ يَا أَيُّهَا

برو دس که بر کردوست داری او کند پس دس گمراه کنش و راه نایدش بسوی عذاب آتش ای ای که برو دس که (بر آید) کسی که دوستی کند با وی بر آید و گمراهی کند آنرا راه می ناید وی را بسوی عذاب دوزخ ای

النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ثَرَابٍ ثُمَّ

مردمان اگر در شک اید از رنجش پس بر آید ما آفریدیم شما را از خاک باز از مردم اگر هستید در شک از زنده شدن دوباره پس بر آید ما آفریدیم شما را از خاک باز از

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ

نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده می گوئیم تا دلخ سازیم برای شما قطره منی باز از خون بسته باز از پاره گوشت صورت داده و غیر صورت داده تا دلخ سازیم برای شما

وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

و قرار میدیم در رحمها چیزه را که خواهیم تا سواد سنین باز بیرون می آوریم شما را کودکی شده باز تربیت می کنیم و قرار میدیم در رحم با آنرا که خواهیم تا وقت معینی باز بیرون می آوریم شما را (مردم) طفل باز در تربیت میکنم

لِنَبَيِّنَ أَشْدَّكُمْ وَرَيْبٌ مِّنْ يَّتَوَقَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرْدُّ إِلَىٰ أَرْدَلٍ أَعْمَرَ

تا برسد بنهایت جوانی خود و از شما کسی بود که قبض ارجاع او کرده آید و از شما کسی بود که باز گردانیده شود به بدترین عمر تا برسد بکمال قوت خود و بعضی از شما آن است که دانات کرده میشود و بعضی از شما آن است که باز گردانیده میشود به بدترین عمر

لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا

تا نداند چیزی را بعد از آن که می دانست و می بینی زمین را خشک شده پس و قیقه کرد و فرستادیم تا نداند چیزی را بعد از آن که دانستن آن و می بینی زمین را خراب افتاده (خشک) پس چون فرو آوریم

عَلَيْهَا الْمَاءَ أَهْلَتْهُ وَرَبُّهُ وَانْبَثَّتْ مِنْ كُلِّ رُوحٍ فَهَيِّجْ ذَٰلِكَ بَيْنَ

بر آن آب را جیش کند و با فزاید و بر داند از هر قسم روحی و او را ایستاد به موجب آنست که بر آن آب را تازه شود (روحش کند) و میفزاید و بر داند از هر قسم باروتی (زیاده) پس لبیب آن است که بر آید

اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَآلَهُ الْحَيُّ الْمَوْتِيُّ وَآلَهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۷۲ وَأَنَّ

الله همواره حقیقت ثابت و آنکه زنده می کند مردمان را و آنکه او را هیچ چیز تواناست و آنکه الله اوست ثابت و آنکه او زنده می کند مردمان را و آنکه اوست بر هر چیز توانا و آنکه

السَّاعَةِ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝۷۳ وَمِنَ النَّاسِ

قیامت آمدنی نیست هیچ شک در آن و آنکه خدا برانگیزد و آنرا را که در گور باشند و از مردمان کسی هست قیامت آمدنی است نیست شک در آن و آنکه عذاب برانگیزد و آنرا را که در گور اند و بعضی از مردمان

مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝۷۴ ثَانِي

که گفتگو کند در شان الله بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن و پیغمبر است آنست که مجادل می کند در شان الله بدون علم و بدون برهان و بدون کتاب روشن در حالیکه مردمانند و است

عز زلزله های بزرگ
قیامت و قیامت کی
در عین قیامت و
یا بعد از آنکه تانی
و دم اندکی پیش از قیامت
که از علامت قیامت
بشارت میدهد و اگر در این
موقع بود من مراد باشد
آیت بر معنای ظاهر
قویانی میباشد و اگر تانی
مراد باشد و احتمال
دارد و سخت آنکه قیامت
زلزل شود و زمان غیر
دهنده باز زمان حامل
بیت خود مشهور شوند
و باز زلزله احوال و
شداید انجام مراد باشد
و اگر بلام تردید
تذلل عمل مرصه بگوید
تخلیل عمل شروحین
معنی دارد که آنقدر
اضطراب و سختی و
اختلال حواس رو
می دهد که اگر زبان
شیر دهنده موجود باشد
از فطرت و بیانشانی
اطفال خود را فراموش
می کنند و من زمان
حادثه ساطع میگردد آن
وقت مردم چنانند که
و بی خبر میشوند که قیامت
آنهاست و شراب
می پندارد حال آنکه
در آنها نشانه موجود
نیست بلکه از نشانه
عذاب خدا و دریت
فتوبات و عجب باورش
و حواس خود را می بازند
(تمتیه) اگر این
پیشانی و آشفته می
برای مردم باشد
در لاجرم بنیم الفهم
الاکرونی با فزاید اکثر
احوال است و در اینجا
انبات با قیامت رسالت
تبدیل می باشد و اگر آیت
حائره در حق اکثر مردم باشد و در حق تمام مردم قطعاً اشکالی نیست ۱۷

عَفُوهُ لِيُجْزَلَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

میز کردن خود را و تا گناه کند از راه خدا اورا است در دنیا رسوائی و بچشاندن اورا روز قیامت

عَذَابُ الْحَرِيقِ ۵ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ

عذاب سوختن گوئیم این به سبب آن اعمالی است که پیش فرستادش و دوست تو به سبب آن است که خدا اوست که کند

لِلْعَبِيدِ ۶ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْبَدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ

بر بندگان و بعضی از مردمان آنست که بتدی میکند الله را بر کناره پس اگر برسد اورا خیر

طَمَآنٌ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ فَنَقَلَ قَلْبَهُ عَلَىٰ وَجْهِ خَيْرِ الدُّنْيَا ۷

آرام گرد بان عبادت و اگر برسد اورا بلائی بر گردد بر روی خود زیان کار شد در دنیا و

الْآخِرَةِ ۸ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۹ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُ

آخرت است زیان ظاهر به نیایشی می خواند بجز خدا چیزی را که زیان نرساندش

وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ۱۰ ذَٰلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْبَعِيدُ ۱۱ يَدْعُو الْكُفْرَ أَقْرَبَ مِنْ

و سود نه بدیش است کفری دور میخواند کسی را که کفر او نزدیک تر است از

نَفْعِهِ ۱۲ لَيْسَ الْبَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ۱۳ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ مَنُوا

سود او بر آید بد خداوند است دید ما را است هر آینه خدا در آرد آنان را که ایمان آورده اند

وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۱۴ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

و کارهای شایسته کرده اند در بنوستانها که میرود در زیر آن جویها هر آینه عدا می کند آنچه می خواهد

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ

بر که بتدائست یا نشد که نصرت بخواد داد خدا بیجا میرد در دنیا و آخرت پس باید که بیادیز در سستی

إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ ۱۵ وَكَذَٰلِكَ

بجانب بالا باز باید که خنجر شود پس در نگرود آید دوری کند این تدابیر او چیزی را که خشم آورده و هم چنین

أَنزَلْنَا آيَاتٍ تَبَيَّنَتْ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ مَنِ يَشَاءُ ۱۶ إِنَّ الَّذِينَ مَنُوا

نزد فرستادیم قرآن را آیات روشن و بداند که خدا راه می نماید هر که خواهد هر آینه آنان که ایمان آورده اند

الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَتَوْا اللَّهَ بِكُفْرٍ

آنان که یهود شدند و مسلمانان و ترسانان و مجوس و آتایی شرک آورده اند

إِنَّ اللَّهَ يَفْضُلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۱۷ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

خدا اوست که فیصل می کند در میان ایشان در روز قیامت هر آینه خدا بر هر چیزی مطلع است

۱۸

دل بین بگردان ۱۷
دل بین بگردان ۱۷
تفسیر عثمانی
عبدالمکرر بن جابر
و مذنب بین اکنون انجام
اینک مؤمنین و مخلصین
در میان می فراید
عبد خداوند
۸ اراده ۱۰ خود کسی را
اگر متوجه نرساند چیزی را
میاید بر روی خواست
خود کسی را با تمام خود
تقصیر میاید و یکس اورا
از این دفعه مانع شد یعنی
تواند قدرت چون و
چرا و باز پرس را نماند
عبد و خوب مثال
بانی داغ و سخنان
روشن است مگر کسی
آزادی نمیداند خدا
اورا بفرماند - الله
بجوس آتش پرستند و به
وجود و خالق قائل اند
یکی خالق هر کدام آن
در زبان است و دیگری
خالق شرک و ادا هر دو
گویند و نام کدام نبی را
هم میگردند و هر دو میگویند
که پس از خواب شدند
یا نازل بر راه خلافت
بودند - کلام شهر سلسله
در این باب - مذنب اکبر
در - علی و علی مطاوع
کنند ملامت و غیره
بیشتر مذکور شد -
عبد الله علی تقی
منازعات تمام نمایی
و نزد انزل حق تعالی
در روز قیامت معلوم
آید در آن روز هر چه
یکدیگر تفریق جدا شده
بر حوائج و مقامات میزد
خود را می شنود فقط
الله تعالی میاید که

ولا يفتنه من ادبار

ایشان را از

سبب آنکه ایشان

ظلم شدند

درین آیت و است

بر صحت خلافت عقیقه

از پیروان ایشان از

مهاجرین و انصار و

و مکن خدند زمین

پس لازم آید که قامت

صلوة و ایثار و

امر معروف و نهی منکر

از اینان بظهور رسد

و همین فی الاصل چون

باین خصال جمع شود

باین صفت خلافت نبوت

تفسیر عثمانی

عده درین آیت اصل

نقد قرآنی بیان شد

یعنی بعضی ازین بگردن

جاف و گوشت و

خوردن و

خداوند

یا حق و

کافی رضای

حاصل کرده می تواند

و این گوشت و

بر خاست بدنه الهی

رسیده می تواند

تقوی و ادب دل

بجور و ادب

که چنانچه با صیبت

و ظلمت رفت

تا یک چیز نباشد

و این را اجازه

و این را به بین الله

برده و فتح می نمایند

گویند و این را

ظاهر که خود

راه رضای تو برای

قرآنی و ادب حاکم

این میان تقوی و

که صایه و من

شمار الله خاتمه

تقوی القلوب و ذکر

شده که عاشق خدا

طفیل آن رضای

الصَّلَاةُ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ

منازرا و آنان را که از آن رزق دادیم از ایشان خرج می کنند و بطن را ساخته ایم برای شما

منازرا و آنان را که از آن رزق دادیم از ایشان خرج می کنند و بطن را ساخته ایم برای شما

شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۝ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ صَوَافٍ ۝ فَإِذَا

شعائر خدا شمارا و در آن شیئی است پس یاد کنید نام خدا را

شعائر خدا شمارا و در آن شیئی است پس یاد کنید نام خدا را

وَجِبْتُمْ جُنُوبَكُمْ وَأَمْنًا وَاطْعَمُوا الْقَائِمَةَ وَالْمَعْتَرَةَ كَذَلِكَ

بیزمین افتد پهلوی آن بخورید اذان و بخورید در پیش بے سوال

بیزمین افتد پهلوی آن بخورید اذان و بخورید در پیش بے سوال

سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ لَنْ نَّبْنِيَ لَكُمْ هَاؤُلَاءِ مَأْوًا

رام گردانیدیم چهار پایا را برای شما و شما را که در کشتن گنبد می رسد بخدا گوشت قربانی با و نه خون این با

مست مودم چهار پایا را برای شما و شما را که در کشتن گنبد می رسد بخدا گوشت قربانی با و نه خون این با

لَكِنْ يَبْنَاهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۝ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝

لیکن میرسد بوی پرستش گاری از شما

لیکن میرسد بوی پرستش گاری از شما

هَذَا يَوْمَ الْيَوْمِ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا

راه نمود شمارا و بشارت ده بپسندگان را

راه نمود شمارا و بشارت ده بپسندگان را

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ۝ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَ بِلُغَتِهِمْ

پس آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

پس آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

ظُلُومًا ۝ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ۝ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

می کنند و پس آینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست

می کنند و پس آینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست

بَعْضُهُمْ فِي أَرْحَامِهِمْ ۝ يُدْفِعُ اللَّهُ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ

بعضی را در شکم بعضی دیگران

بعضی را در شکم بعضی دیگران

لَكُمْ مَتَّ صَوَامِعَ وَبِيعَ وَصَوَاتٍ ۝ وَاسْمِعُوا كُرْفِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرٌ

و ایران کرده می شد خلوتها را

و ایران کرده می شد خلوتها را

وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ الَّذِينَ

و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت دهد

و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت دهد

مَكَّنْتَهُمْ فِي الْأَرْضِ ۝ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالنُّعُوفِ

و مست رس و بیم ایشان را در زمین

و مست رس و بیم ایشان را در زمین

دل مترجم گوید مثلا
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم خواب دیدند که
بجست کوه اندر نشسته
که غنی بسیار دارد و پس
و هم بجایب یار و بگر
رفت و در نفس الامر
درین بود و مثل آنحضرت
صلی الله علیه و سلم خواب
دیدند که یک در آورده اند
حلق و قهر میکنند پس
و هم آمد که در پهل مال
این سخن واقع شود و در
نفس الامر بعد از
سالمه آن چند تحقق
شد و امثال این
معرفت استحقاق محقق
و منافقان در میان
می آید و الله اعلم
و فی الجمله برکت
تفسیر عثمانی
مفسرین در تفسیر
این آیت اختلاف
دارند مترجم محقق
قدس الله روحه
روض حضرت
شاه عبدالقادر
رحمت الله را اختیار
فرموده است و حضرت
شاه ولی الله قدس
سره در آخر ترجمه
الباقیه بدان طرف
اشاره کرده است
حضرت شاه صاحب
دره موضع القرآن
بنویسند حکمی یا
خری که از طرف الله
نمائے به پی برسد
در آن تقدیر یک خد
تفاوت واقع میشود
البته فکر و اجتهد و گاهی
میجو و درست و لغو
میشود و گاهی نیز بجز
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم در خواب
و دیده اند و خواب نبی
و هیاست که از مدینه بکوفه فرستاده و عمره را بجای آورده تصور نمودند که کثایده امثال چنین یو تو ع آید بقره ۳۳۹

وَاللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ۝ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبَهُمْ طَوَّانٌ الظَّالِمِينَ ۝ لَقِيَ شَاقَّ بُعِيدٍ ۝ وَ
و خدا و انا با حکمت است و تا بگوید خدا آنچه شیطان افکند بلائی در حق آنانکه
و الله نهایت دانا با طاعت است تا بگوید اندک القاصیند شیطان آزمایشی برای آنانکه در دل های ایشان
مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبَهُمْ طَوَّانٌ الظَّالِمِينَ ۝ لَقِيَ شَاقَّ بُعِيدٍ ۝
بیماری است و آنان که سخت است دل ایشان و دهر آینه ستمکاران در مخالفت و دور دور
مرض است و برای آنانکه سخت است دل های ایشان و دهر آینه ستمکاران در مخالفت و دور اند
لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أَوَّلُوا إِلَهُ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْاِبَهُ قَتْلُكَ
تا بداند آنان که داده شده است ایشانرا علم که حق است از جانب پروردگار و پس ایمان آرند یا پس نیایش کنند
تا بداند آنانکه داده شده است ایشانرا علم که حق است از جانب پروردگار و پس ایمان آرند یا پس نیایش کنند
قُلُوبَهُمْ طَوَّانٌ وَاللَّهُ لَهُدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صَوَابٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلَا يَزَالُ
دل ایشان و دهر آینه خدا راه نموده است مسلمانان را بسوی راه راست و همیشه باشند
دل های ایشان و دهر آینه الله هدایت کننده است آنانرا را ایمان آورده اند بسوی راه راست و همیشه باشند
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيضَةٍ مِنْهُمْ مَعْنَى تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيهِمْ عَذَابٌ
کافران در ستم از آن دمی تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید ایشان عقوبت
کسانی که کافر شدند در شک ازین تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید ایشان عذاب
يَوْمَ عَقَابِهِ ۝ أَلَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ تَحْمِلُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا أَوْ عَمِلُوا
روز نهایت محض باو شایسته آن روز خدا را است حکم کند میان ایشان پس آنانکه ایمان آورده اند و کارهای
روز نهایت محض در حق سلطنت و آن روز خدا را است مصلحتی کند میان ایشان پس آنانکه ایمان آورده اند و کارهای
الطَّالِحِينَ فِي جَنَّتِ التَّعْلِيمِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِئِكَ
شایسته کردند در پوستا نهان بخت باشند و آنچه کافر شدند و دروغ مژده آیت ما را آن جان
کارهای شایسته در جنت باشد بر نعمت باشند و آنچه کافر شدند و دروغ مژده آیت ما را پس آنجا
لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَتَلُوا أَوْ
ایشان را باشد عذاب خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا
برای ایشان است عذاب ذلت دهنده و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا
مَا أَكْزَرْتُمْهُمْ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ۝
نمزدند بر آینه روزی دهد ایشانرا خدا روزی نیک و دهر آینه خدا و بهرترین روزی دهنندگان است
نمزدند بر آینه و دهد ایشانرا الله روزی نیک و دهر آینه الله اوست بهترین روزی دهنندگان
لِيُدْخِلَهُمْ مَدَنًا خَيْرَ صَوْنَةٍ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ
البته در آمد و ایشانرا موعظه که خوشترند و خوشترند دهر آینه خدا دانا بردبار است حکم ایست و هر که
دهر آینه در آمد و ایشانرا موعظه که پسند کنند آرا و دهر آینه الله بهر چیز دانا بردبار است این است حکم و کسیکه
عَاقِبَ بِمِثْلِ مَا عُوْذِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ
در پی آید ای کسی افتاد و بمانند آنکه آید ادا دهد او را بعد از آن که کرده شد بر دین بر آینه نصرت تواند داد او را خدا بر آینه خدا
فقیرت کند بمانند آنچه عفویت کرده شد او را همان پس تنه ای کرده خود بر دین بر آینه نصرت دهد او را الله بر آینه نصرت دهد او را
عَفْوٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَخِّرُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
آمرزگار است این نصرت بسبب آنست که خدا در روز و در شب و در روز و در شب
آمرزگار است این بسبب آنست که دهر آینه الله داخل می کند شب را در روز و داخل می کند روز را در شب و
أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
بر بسبب آنست که خدا استوا بینا است این نصرت بر بسبب آنست که خدا بخیر است همانست و آنچه می خوانند کافران بجز و
بسبب آنست که دهر آینه الله استوا بینا است این بسبب آنست که دهر آینه الله اوست حق و دهر آینه آنچه را که می خوانند بجز را

هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْكَبِيرُ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَجَاءَتْ بِهَا حَبْلَاءٌ رُحُومٌ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَجَاءَتْ بِهَا حَبْلَاءٌ رُحُومٌ ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

وَمَا فِي السَّمَوَاتِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ لَبَنًا مَّهِينًا ۚ

ول من جم گوید بدین
آیت اشاره است
بآنکه اختلافی شرع
سبب اختلاف
عصور است و همه
شرع حق است و در
زبان خود معلوم است
پس نزاع در حقیقت
آنها بنابر کلام
تفسیر غنی بجهت
آنکه به نیت عمر
را شروع کردند لیکن
درین راه جهلند
که احرام را بشکنند و
در سال دوم توبه
مورد گرفت و باینکه
بر حضرت و عده غلبه
بر کافران داده شد و عمر
نمودند که جنگ علیه
این و عده علی خواهد شد
اما همان وقت و موقع
نه میسر بود دیگر وقت شد
باز آنکه میفرمودند که
یا عده بقدیم سر
موسم لغات موجود
نیست آری در خیال
و اجتماع خود بفرقات
مکن نسبت بنی هاشمی
حتی القوم را با آنها
مخفی خودی آید و
هر کدام را جدا گانه
اشاره می نمود و درین
صورت نسبت سالقا
به شیطان چنانکه موا
ان فی الاشیطان
ان اذکره نسبت
لکرمه ان به او نه
است ع ایاجنین
این اشکالات -
عظیم الشان را بدین
الذکر که گفته اند در
حقیقت مجرب حقیقی
همان خدای تعالی است
که غیر خودی همه باطل است
باید همه همان ذات را
خدا بخوانند و معبود

لَقَوْمٍ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ ارْزُقْنِي مَنَازِلَ مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنَازِلِينَ ۝

سنگاران و بجوای پروردگار من خود را در منزل مبارک و تو بهترین خود را در منزل مبارک

فَإَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝

پس فرستادیم در میان ایشان را از قبیل ایشان که عبادت خدا کنند نیست شما را هیچ معبود جز او نیست پس بترسید

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝

و گفتند ریختن از قوم او آنان که کافر شدند و کذب کردند بر آیات ما را پس بترسید

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ لَا يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا

زندگانی دنیا نیست این مگر آدمی مثل شماست مثل شما خوردن و آشامیدن را از آنچه شما

تَشْرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشْرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذْ الْخَيْرُونَ ۝

می آشامید و اگر فرمانبرداری کردید آدمی را مانند خویش را بر آنچه شما از آنجا که بشارت

إِنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّكُمْ مَخْرُجُونَ ۝ هَيْمَاتُ هَيْمَاتُ

از شما چون نمرید و خود را خاک و استخوان و استخوانها را از آنچه شما از آنجا که بشارت

لَمَّا تَوَعَدُونَ ۝ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيَاتُنَا مَبْعُوثِينَ ۝

آنچه وعده داده میشود و بشارت نیست زندگانی الا زندگانی این جهان است ماییم و زنده می شویم و بشارت

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كِبَارًا وَخَنَّ لَهُ بُرْهَانِينَ ۝ قَالَ رَبِّ

بیت این سخن مکرر می است که افتراف کرده است بر خدا و دروغ را و ما بر او برهان کفایت

أَنْصُرُنِي بِمَا كَذَّبْتَ ۝ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَدِيمِينَ ۝ فَآخَذَهُمْ

قدرت و مرا باطله آن کرد و من حق را بر او گفت بندگان را پس گرفت ایشان را

الْقَيْمِ بِمَا حَنَ فَجَعَلَهُمْ عُمَّاءَ لِذُلٍّ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مِنْ

آنرا بخت محسوب و عده را است پس گردانیدیم آنها را را مثل خاشاک در هم شکست پس دوری با او کرده و ستمگران را با نیکو

بَعْدَهُمْ قُرُونًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝

بعد از ایشان قریبها و دیگر را سبقت نمیکند هیچ گروهی از میعاد خود باز نایست

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا أَمْ يَتْلُوهُمْ عَشَاءَ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مِنْ

پس فرستادیم پیغامبران خود را به هر گاه آمد با حق و برادر و مکنایب کرد و در او پس از آنکه دوری با او کرده و ستمگران را با نیکو

بَعْدَهُمْ قُرُونًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝

بعد از ایشان قریبها و دیگر را سبقت نمیکند هیچ گروهی از میعاد خود باز نایست

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا أَمْ يَتْلُوهُمْ عَشَاءَ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مِنْ

پس فرستادیم پیغامبران خود را به هر گاه آمد با حق و برادر و مکنایب کرد و در او پس از آنکه دوری با او کرده و ستمگران را با نیکو

مخبر الرحمن

تفسیر عثمانی

عده که در میان ایشان

از کسب خود را نیکو

از هر چه در میان

این نشانی را بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کسب کند کائنات

از کسب خود را

از هر چه در میان

این نشانی را بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کسب کند کائنات

از کسب خود را

از هر چه در میان

این نشانی را بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کسب کند کائنات

از کسب خود را

از هر چه در میان

این نشانی را بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کسب کند کائنات

از کسب خود را

از هر چه در میان

این نشانی را بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کسب کند کائنات

از کسب خود را

طایفه ای نیست
بلکه ستمگر است
تفسیر عثمان
عنه شاید این بیان
بفته یازمین بلند باشد
که در وقت وضع حق
حضرت مریم در آنجا
قصرین داشت چنانچه
آیات سه مرتبه نشان
من تمام آن را معرفی
قد جعل ربك خلیفا
و نیری ایک جند
الغیاة فقط علیک
رطباً جنیا و لعل
ی که لکن تبه بلند
بود و در آنجا آن
چغره و باغی چنان
است و در وقت
خزان یک بود
کذا فرعون یخبرهم
لیکن یخفون عونه
میو بلند گریه و آه
از طفولیت حضرت
میست است یک
بافتاه ظالم بنام
دو تن از یمنین
شدند که حضرت موسی
به سر داری و سرافرازی
ناش خواهند بود
از این طغیانی با او
و دشمن شده و سپه
قتلش بود حضرت
مریم از الهام ربانی
او اگر تبه مهر
رخت و دهن از مرگ
تلاطم کور بر پیشانی
مراجعت کرد چنانچه
در آنجا حق تعالی
و آنچه ذکر شده و فتنه
مصر به اعتبار دور
نیل است و در
غزنی می شد و مراد از
سه جین در ذیل
است بعضی از سربو
جای ایمنی شام
نسطین را در آنجا
اند و هیچ جید نیست که

بعضاً وجعلناهم آحاداً یثقیل القلوب لا یؤمنون ۱۲ ثم أرسلنا موسیٰ
بعضی در ملک و ساجیم است با او ایشان پس دوری با او کردند و اگر ایمان نمی آوردند
عقب بعضی دور ملک او گردانیدیم ایشان را ایشان پس دوری با او کردند و اگر ایمان نمی آوردند
وَإِخَاهُ هَارُونَ هَیْأَلِنَا وَسُلْطٰنٌ مُّبِیْنٌ ۱۳ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا
و برادر او هارون را با ایشان خلیف و پادشاه ظاهر
و برادرش هارون را با ایشان پادشاه خودی رویشان
و کما توافوا مآلین ۱۴ فَقَالُوا أَلَمْ یُنْزِلْنَا وَمِثْلَنَا وَقَوْمُهُمْ لَنَا
و بودند کرده تکرار کنند پس گفتند آیا ایمان آوریم بعد آدمی مانند خویش و قوم ایشان را
و بودند کرده تکرار کنند پس گفتند آیا ایمان آوریم بعد آدمی مانند حال آنکه قوم ایشان را
عِبْدُونَ ۱۵ فَلَئِنْ بَوَّهْمَا فَمَا نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَنَیْنٌ ۱۶ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ
خدمت کنند گانند پس دروغ گفتند ایشان را پس شدند از ملک گردان و بر آینه دادیم موسی را
خدمت گارند پس تکیه کردند ایشان را پس شدند از ملک گردان و بر آینه دادیم موسی را
الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ یَحْتَدُونَ ۱۷ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْیَمَ رَافِقًا وَأَوْثَقْنَاهُمَا إِلَىٰ دَعْوَةٍ
کتاب بود که ایشان را راه یابند و ساجیم پسر مریم را در پیش ایشان دادیم ایشان را پسر شیعی بلند
کتاب تا ایشان راه یابند و گردانیدیم پسر مریم و مادرش را ایشان و جای دادیم ایشان را ایک یمنین بلند
ذَاتِ قُرْآنٍ وَبُیِّنٍ ۱۸ لَآ یَأْتِيهِمُ الرِّسَالُ كَمَا جَاءَ مِنْ السَّامِیَةِ ۱۹ وَاعْمَلُوا صَالِحًا
خداوند استوار و خدایان استوار و تقیم است پسر مریم از آینه با یمن و یکدیگر کار چگونگی
که خداوند استوار و خدایان استوار و تقیم است پسر مریم از آینه با یمن و یکدیگر کار چگونگی
إِلَىٰ بَنَاتِنَا قَوْمُونَ عَلَيْهِ ۱۹ وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ
هر آینه من با یمنی کند و انهم و بر آینه ایست ملت شما ملت یمن و در هر کار شما
و هر آینه من با یمنی کند و انهم و بر آینه ایست ملت شما ملت یمن و در هر کار شما
فَاتَّقُوا ۲۰ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حَبِیْبٌ ۲۱ إِلَیْهِمْ فِرْعَوْنُ ۲۲
پس بر رسید از من پس متفرقی ساختند ایشان را هر گروه در میان خویش پاره پاره هر گروه با یمن نزدیک است و دامن است
پس ترسان با رسید از من پس جدا کردند خود را در بین خود پاره پاره هر گروه با یمن نزدیک است و دامن است
فَدَرَكْنَاهُم فِی عَمْرِهِمْ حَتَّىٰ نَحْمِلُ مِنْهُمْ حَبِیْن ۲۳ اَلْیَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ لَمْ یَكُنْ لَهُمْ مَالٌ
پس گذاریم ایشان را در غفلت ایشان تامل گشته آیا می پندارند که آنچه ایدوی فتح ایشان را با آن زمان و
پس گذاریم ایشان را در غفلت ایشان تامل گشته آیا می پندارند که آنچه ایدوی فتح ایشان را با آن زمان و
بَنِیْنَ ۲۴ نَسَارَ لَهُمْ فِی الْخَیْرَاتِ بَلْ لَا یَشْعُرُونَ ۲۵ إِنَّ الَّذِیْنَ هُمْ
ترزدان سبی در نیکی می ایم برای ایشان بلکه می دانند و هر آینه آنان که ایشان
پس آن سحاب می ایم برای ایشان در غریب یمن نیست می دانند (هر آینه) آنان که ایشان
مَنْ خَشِیْعَةٌ لِّرَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ ۲۶ وَالَّذِیْنَ هُمْ یَبْتَیْغُونَ رِیَاضَهُمْ یُؤْمِنُونَ ۲۷
از ترس پروردگار خویشتن مضطرب باشند و آنان که ایشان بابت پروردگار خویشتن ایمان می آورند
از ترس پروردگار خود ترسانند و آنان که ایشان به آیات پروردگار خود ایمان دارند
وَالَّذِیْنَ هُمْ یُرِیْهِمْ لَا یُشْرِكُونَ ۲۸ وَالَّذِیْنَ یُؤْتُونَ مَّا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ
و آنان که ایشان پروردگار خویشتن شریک نمی کنند و آنان که می پندارند آنچه می دهند و دل ایشان
و آنان که ایشان پروردگار خویشتن شریک نمی کنند و آنان که می پندارند آنچه می دهند و دل ایشان
وَجَلَّةٌ إِلَیْهِمْ رِیَاضَهُمْ رِجْعُونَ ۲۹ أُولَٰئِكَ یَسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ ۳۰
ترسان است بسبب آنکه ایشان بسوی پروردگار خویشتن باز خواهند گشت این جا می کنند در نیکی با
ترسان است بسبب آنکه ایشان بسوی پروردگار خویشتن باز خواهند گشت این جا می کنند در نیکی با
وَالَّذِیْنَ هُمْ یُرِیْهِمْ لَا یُشْرِكُونَ ۳۱ وَالَّذِیْنَ یُؤْتُونَ مَّا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ
و آنان که ایشان پروردگار خویشتن شریک نمی کنند و آنان که می پندارند آنچه می دهند و دل ایشان
و آنان که ایشان پروردگار خویشتن شریک نمی کنند و آنان که می پندارند آنچه می دهند و دل ایشان

هَمَّ لَهَا سَبِقُونَ ۱۱ وَلَا تَكْفُفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ذَوَّلَدَيْنَا كَيْفَ يَنْطِقُ

ایشان بود که آن سبقت کنندگان اند و تکلیف نمیدانیم کسی را مگر قدری طاقت او و نزوی که ما کتب است که سخن بگوید

بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ ۱۲ بَلْ قَوْلُكُمُ الْغَيْبُ غَمْرَةٌ مِمَّنْ هَذَا أَوْ لَمْ يَكُنْ

براستی دل و دیرایشان ستم کرده نشود بلکه دل ایشان در غفلت است ازین سخن و ایشان را عملهاست

مَنْ دُونَ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمَلُونَ ۱۳ حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ

خبر خدا اینرا ایشان آید و آنگاه اند در غفلت خویش مانند تا وقتی گرفتار سازیم آسودگان ایشان را ببداد

إِذَا هُمْ يَنْجُرُونَ ۱۴ لَا تَجْرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنْهُ أَنْتَصِرُونَ ۱۵ قَدْ كُنْتُمْ

ناپایان ایشان فریادی کردند کفیم فریاد کنید امروز هر آینه شما را نصرت داده و سزا میدهد شد و هر آینه

إِنِّي تُتَّى عَلَيْكُمْ فَلْنَنْتَهِ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنْكَبُونَ ۱۶ مُسْتَكْبِرِينَ ۱۷

خداوند می رسد آیات ما بر شما پس شما بر پاشنه های خود باز می گشتید بلکه کتان بران قرآن

لَهُمُ اتَّجِرُونَ ۱۸ أَفَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ الْيَوْمَ الْقَوْلُ أَمْ جَاءَهُمْ قَالَمٌ بَاتِ آبَاءَهُمْ

بازمانده است قول و حرفی که در روزی سخن یا آمده است بایشان آنچه نیامده بود به پدران

الْأُولَى ۱۹ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ۲۰ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ

حق ایشان آیا گفتار خود را پیش ایشان باور نداشتند آیا میگویند بوس

جَنَّةٍ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَكَانَتْ هُمُ الْكَافِرُونَ ۲۱ وَكَوَالْتَبَةِ الْحَقِّ

در آنگاه است بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را و بیشتر از ایشان سخن راست را تا خدا پندارد اگر پیروی کرد خدا حق

أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ

از آرزوهای ایشان را هر آینه به انتقام شدند از زمین و آسمانها و زمین و آسمانها شود آسمانها و زمین و آسمانها

بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ دُرْهِمْ مُغْرَضُونَ ۲۲ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خُرُوجَ رَبِّكَ

بند ایشان را پس ایشان از پند خویش روگردانند گمانند آیا میجوای از ایشان مزدی پس مزد پدر و دگادگو

خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ۲۳ وَإِنَّكَ لَتَنْتَهِ عَنْهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۲۴

بهرتر است داد بهترین روزی و سزاوارتر است و هر آینه نمی بماند از ایشان بسوی راه راست

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ هُمْ فِي صِرَاطٍ لَنَا كُفُونَ ۲۵ وَوَرَجْنَهُمْ وَكَشَفْنَا

و در آینه آنانکه ایمان نمی آورند آخرت ایشان راه یکسو شوند گمانند و اگر هم کفر بر ایشان و برداریم

عَنْهُمْ مِنْ صِرَاطِ الْجَوَانِي طُغْيَانَهُمْ يَعْمَهُونَ ۲۶ وَلَقَدْ أَخَذْنَا لَهُمُ الْعَذَابَ

اینکه بایشان از ستمی بر آینه پستی شدند در برابر خود سرگشته شدند و هر آینه گرفتار کردیم ایشان را ببداد

فتح الرحمن
دل نبی با ما مانده
دل نبی با ما مانده
تفسیر عثمانی
عذاب اخروی یا
و نبوی گرفته شد نظر
میکنند که ما را ازین
عذاب نجات دهد
مگر نجات دهنده
کاست حکم شیخ
فریاد کنید چه این
فریاد بایسته نماند است
امروز هیچ کس نشد
آمد و میفرماید از
عذاب من نجات ده
تجاند چنانچه یک
خود عذاب به کلام
بگوید به پدر نشان
داده شد که در آنجا
یک عدد سردهای
مردود آنها نشد
شماره و یک عدد آنها
اسیر گردیدند زنهای
که به باغ میگردیدند
بوسی که کنند و نام
می نمودند بهر جن فریاد
و او را بگردانند آنها
سوی چشمه یک
مرتبه آنحضرت از
مطامع نظر تنگ آید
و عای بد کرد و چنانچه
سبقت سال برایشان
تقدیر سلاطین مردم
به خود دان استخوان
بای مردم و مردم و غیره
الربع
خون مجبور
شدند با آفرین آنها
در روز لعین و نام
میفرماید در رشته را
و اسطراخته اسیر
دعا نمودند پس اند
توای آن عذاب
را در رخ خود در دهن
وقت نه وقت شامت
و نه بول ناله

شان آمد و بروی آن قرآن مورد و حق شکستند و در حقیقت حال به آنها مشکف می شد که به پیغمبر این لام الله است که در دهن طالع هیچ اراض آنها گفت شد ۱۲

وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِمْ عَلَى بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ۝ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَ

در آیه غالب آمد بر بعضی ایشان بر بعضی بیای صفت می کند از آنچه تقدیر می کنند داننده نهان و

در آیه طبعی می گرد بعضی ایشان بر بعضی عا بیای است از آنچه بیان می کنند داننده نهان و

الشَّهَادَةِ فَذُكِّرُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ يَوْمَئِذٍ ۝ قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِيدُ بِمَا يُوعَدُونَ ۝

آشکار است بر ترست از آنچه مشرکی می آرند بگو ای پروردگار من اگر بخواهی مرا آنچه ترسیده می شوند

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيدَ مَا

ای پروردگار من پس داخل من مگرد گروه ستمگران و دهر آینه را بر آنکه بنمایم ترا آنچه

يُعَدُّهُمْ لِقَدَرُونَ ۝ إِذْ فَعَّمَا يَأْتِيهِمْ أَفْئِدَتُهُمْ فَهُمْ يُغْفَرُونَ ۝

داده می بیند ایشان توانایم و مقابله کن بدی را بخصی که آن نیک است ما دانا تر ایم

بِمَا يُصِفُونَ ۝ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ۝ وَ

آنچه بیان می کنند و بگو محوای پروردگار من می نیامم بگو از دغدغه های شیاطین و

أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ ۝ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ

ای نیامم بترست پروردگار من از آنکه حاضر شوند پیش من در غفلت خویش یا باشند تا وقتیکه بیاید کسی را از ایشان موت گوید

رَبِّ اجْعَلْ لِي عَمَلًا صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ

ای پروردگار من باز گردان مرا بود که کار نیکنم در مرا که بگذر استمشر نه چنین باشد هر آینه این سخن است که می

قَالَ لَهُمْ مِنَ الْأَعْمَالِ ۝ وَرَأَاهُمْ بَرِّزًا إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ وَأَذِ الْفَرْجِ فِي الصُّورِ

گویند از آن و پیش ایشان همچو باری باشد تار و زنجیر برانگیخته شوند پس چون دمیده شود در صور

فَلَا انْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُ ۝

پس قرابت با نباشد میان ایشان آن روز و نه با یکدیگر جواب سوال کنند پس هر که گران آید پهلای تراز و نه او

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِقُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُ ۝ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

پس آن جماعت ایشان نند رستگاران و هر که سبک شد پهلای تراز و نه او پس آن جماعت آنانند

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ

ازیان کردند در حق خویش در دوزخ جاوید باشند گنند می سوزد و نه ایشان را آتش و ایشان

فِيهَا كَالْحُوتِ ۝ أَلَمْ تَكُنْ أَتَى عَلَى كُفْرِكُمْ فَكُنتُمْ مَكِيدُونَ ۝ قَالُوا

آنجار و ترش هستند گویم آیا خوانده می شد آیات من بر شما پس آنرا دروغ می پنداشتید گفتند

رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

ای پروردگار ما غالب آمد بر ما بد بخت ما بودیم گروهی گمراه ای پروردگار ما بیرون آرا ما را از اینجا

ای پروردگار ما غلبه کرده بر شما بد بخت ما بودیم گروهی گمراه ای پروردگار ما بیرون آرا ما را از اینجا

عالمی که در میان و آسمان و مشرق در برزخ و تنها خداوند تعالی است ز او مفرد است به پسر دارد و در اختیار دارد که در ملک و نه در حکومت و سلطنت او کسی می تواند شریک شود و نه جز او کسی بیک ذره اختیار مستقل دارد و اگر چنان بودی بر حاکم با اختیار رحمت خود را گرفته عظیمی می شد و جمیع خود را فرا می آرد و بر دیگری بجز می برد و این نظام حکم و محیر العقول عالم بر هم و منقلب میگردید برای ترمیم صلوات تفسیر آیات و کلام بهما آیه را از الله تعالی از او سرور انبیا صلوات کنید و عده چون در باره حق خطای چنین گشتی را مرتکب میشوند بقیه یک عذاب شدیدی نازل میشود و تبار من به هر مومن بدایت داده شد که از عذاب الله ترسیده چنین دعا کند که هرگاه بر ظالمین عذاب نازل شود الهی مرا با آنها شلر نرانی چنانکه در حدیث است و انما اودت بقوم فقتل فتوفی غیر مفتون مطلب نیست که خداوند ابا را بداده ایمان و احسان مستقیم و ثواب تمام بداد که از ان تفسیری سر نزود که البیاض باشد با هم نموده و در حقیقت ...

دل منزه نم گوید
در غزوه نبی
مصطفی حضرت
و انچه را ششم شده و
منافقان در امتاعت
بدنای سستی کردند و
جامه اظهار برات
نمودند و جاهل و قوت
خودند خدا استخاض
بردت صدق نازل
ساخت و دم منافقان
و مدح برت گفته
و تهدید تو گفت گفته
خود را است یعنی
عبد الله بن ابی سفيان
است یعنی عیسی که
می گفتند فلان و فلان
چنین میگویند و مانده
ایم و به تحقیق نبی است
تفسیر عثمانی
عنه این خطاب و
کلمات برای تسلی آن
مسلمان است که
انرا می دانند و پیشین
میدرسید یا انقص
به عافیه صدق و عافیه
اش - ظاهر است که
آنها فوق الساعه و فلیکی
و پریشان بودند یعنی
اگرچه این شهرت بزرگ
کرد و در رخ نموده و
تا کور بود لیکن در
حقیقت در اعقاب آن
برای شایع و بهتری
مستور بوده - تا این
قدر مدت بر حملات
بگریزاش و ایدای
مقدید صبر کردن آیا
خالی از اجر میباشد
آیا این شرف کم است
که خود حق تعالی در
کلام پاک خود بزرگ
دورات شهادت نازل
گوید و شهادت شما
رسم است و تا بدید
قیامت که خبر شما را

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۱۱ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ

بر شما و رحمت او و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است چه چیز را که افکند و آنکه آوردند بجهت را

عَصَبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُونَهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَلَئِنْ أَفْرَى

جمله اند از شما میندارید این بجهت را بدید حق خویش بلکه آن بهتر است برائے شما هر گاه را

مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ

از ایشان چیزی نیست که حاصل کرد از معصیت و آنکه سرانجام داد عذاب آن بجهت را از ایشان و او است عذاب

عَظِيمٌ ۱۲ لَوْلَا رَأْسُ مَعْصُومَةٍ ظَنُّوا الْمُسْلِمُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ

بزرگ است چرا که چون شنیدید آنرا گمان میکردند مردان مسلمان و زنان مسلمان و حق خویش

خَيْرٌ أَوْ قُلُوبُ أَهْلِ آفَافِكُمْ مَبِينٌ ۱۳ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْكُمْ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ

خوبتر است یا دلیلهای شما که روشن است پس آن چهار نفر را آوردند بر این سخن چهار گواه

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَةِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۱۴ وَلَوْلَا

پس چون نیامدند بگواهان را پس آن چهار نفر نزد خدا ایشان را دروغ گو و اگر نمی بود

فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَسَسْتُمْ فِي مَا أَقَضْتُمُ

فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت هر آنچه میرسد ب شما در دنیا و آخرت و رحمت او در دنیا و آخرت

فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۵ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسَّبْتِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا

در آن عذاب بزرگ و تلک می گویید آنرا ب زبان های خود و می گفتید بدینهای خود آنچه

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا ۱۶ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۱۷ وَلَوْلَا

که نه بود شما را - حقیقت آن بدانش می چند استخفید آنرا آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود و چنان شد

إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَكُفِّرَ هَذَا بِهَذَا سُبْحَنَكَ هَذَا أَهْتَانٌ

که چون شنیدید آنرا می گفتید بیزاری ما که ب زبان آوریم این سخن را یا می گوییم ترا عافیا این سخن افزای است

عَظِيمٌ ۱۸ يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا إِلَى الْبَيْتِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۹

بزرگ است بپندمید هر شما را خدا تا باز بعل بنارید مانند این هر گاه اگر مسلمان هستید

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ۲۰ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ

و بیان می کند خدا برای شما آیات را و خدا دانای با حکمت است بر آنکه آنرا دوست می دارند آنکه

تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ عَذَابُ الْإِيمَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

تا کمال شود بجهت بدکاری در مسلمانان ایشانرا است عفویت در دوزخ نموده در دنیا و آخرت

بهر این قرآن خوانان جاری فرمود و برای اینکه مسلمانان حق از دواج و ابل بیست میسر علی السلام را شناسند ایشانرا چنان تعلیم داد که کلامی فراموش نشود و تلاطم محمد علی نیک است

ملا یمنه باطله لغز
ولا یمنه را شیخ زید
و یمنه با کفین
تفسیر عثمان
عنه یمنی بدت غا
مسکون خاص خود
غذا مسکون دیگر کس
به عیال و به خود غل
مغیره نیرا غنیمت نیست
که شخص دیگر بچمال
باشد و در آن وقت
در آمدن کس را پسند
می کند و باز و بسزا
پیش ازیک آدم در
آید و از داده اجازه
حاصل نماید اما بهترین
آوردن آواز و سلام
می باشد و حدیث
است که سر مرتبه سلام
بگوید اجازه داخل
شدن را بگوید اگر
بعد ازین هم بگوید
سلام گفت اجازه به
او داده نشد و پس
بگردد در حقیقت این
یک تعلیم یکانه است
که اگر می آن پابندی
شود در حق صاحب
خان و افرامات
گفته هر دو منفید و
بهتر باشد تا مساف
امروز خود مسلمانان
آن بدایات منفید
ترک داده اند و اقوام
دیگر آنرا از کتب
مسلمانان می آموزند
و ترقی کرده میرودند
و از این ازا مبتدای
سوره احکام زنانه و غل
و غیره بیان شده بود
اگر تحقیق رخا ندی
بدون اجازه داخل
شود و اگر بخواهد
این اموال را حرکت
مغنی بگوید و بنا برین
درین آیات ماسنلی
استقامت را برساند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
ای مسلمانان در میانید بختانها غیر خانه های خویش تا آنکه دستور می طلبید و
است مؤمنان در میانید بختانها که غیر خانه های شما است تا آنکه اجازه بگیرید و
تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۱۰ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا
سلام کنید بر اهل آن این بهترین است شما را بود که بپند بفرستید پس اگر نیابید
سلام کنید بر اهل آن این بهترین است برای شماست پس اگر نیابید
فِيهَا أَحَدٌ فَلَا تَدْخُلُوا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا
در اینجا هیچ کس را در میانید آنجا تا آنکه دستور داده شود شما را و اگر بشناخته شود که باز گردید
در آن کس را پس در میانید در آن تا آنکه اجازه داده شود برسان شما و اگر گفته شود برای شما که باز گردید
فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَعْمَلُونَ عَلَيْهِ ۱۱ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
پس باید که باز گردید آن پاک ترست شما را و خدا آنچه می کنید درناست نیست بر شما گناه است
پس بگردید این پاکیزه تر است برای شما و الله با آنچه می کنید درناست نیست هیچ گناه بر شما
أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
در آنکه در میانید بختانها که مسکون کس نیست در اینجا ممتنع باشد شما را و خدای دانند آنچه
در این که در میانید در خانه های غیر مسکون کردن متاع شماست والله میداند آنچه
تُبَدُّونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ۱۲ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ
آشکارای کنید و پنهان می دارید بگو مردان مسلمانان که پوشند چشم خود را و
ظاهر می کنید و آنچه پنهان می دارید بگو برای مؤمنان که پنهان اندازند برای خود را یعنی چشم خود را و
يَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ ذَٰلِكُمْ أَزْكى لَكُمْ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ مِّمَّا يَصْنَعُونَ ۱۳ وَ
نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه ترست ایشانرا از آنکه خدا شرمگاه خود را بپوشد می کنند و
نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه ترست ایشانرا (مر ۳۵۲) خدا شرمگاه خود را بپوشد می کنند و
قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَخْفِضْنَ مِنْ أَصْوَاتِهِنَّ وَلَا
بگو زنان مسلمانان را که پوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را و
بگو برای زنان مؤمنه که پنهان اندازند برای خود را یعنی چشم خود را و دهان خود را و
يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْحَكُنَّ عَلَىٰ بُيُوتِهِنَّ وَلَا
آشکاره کنند آرایش خود را و الا آنچه ظاهر است از آن مواضع است و باید که خود را بپوشند و دهان خود را بپوشند و
ظاهر کنند آرایش خود را و الا آنچه ظاهر است از آن مواضع است و باید که خود را بپوشند و دهان خود را بپوشند و
يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ
نمایند آرایش خود را الا بطور آن خویشتن یا پدران خویشتن یا پدران بطور آن خویشتن یا پسران خویشتن
ظاهر کنند زینت (مسکون) خود را مگر بطور آن خویشتن یا پدران خویشتن یا پدران بطور آن خویشتن یا پسران خود
أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ إِخْوَانُ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ خَوَاتِمَهُنَّ أَوْ
یا پسران بطور آن خویشتن یا پدران خویشتن یا پدران بطور آن خویشتن یا پسران خویشتن یا پسران خود
یا پسران بطور آن خود یا برادران خود یا پسران برادران خود یا پسران خواهران خود یا
نِسَاءَهُنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنْ
زنان خویشتن یا آنچه مالک او شده است دست ایشان یعنی علمان یا قبیله ای که صاحب شهوت نباشند از
زنان خود یا آنچه مالک او است دست بانی ایشان یا خدمتگاران که صاحب شهوت نباشند از
الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْحَكُنَّ
مردان یا طفلانی که هنوز مطهر نشده اند بر شرمگاه زنان و زنمندان زمین را
مردان یا طفلانی که هنوز مطهر نشده اند بر شرمگاه زنان و زنمندان زمین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ ۖ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا

ایها ایمانداران! خدا را با کمال تقوا بترسید و به خدا به کلی توبه کنید

الْمُؤْمِنُونَ لَكُمْ نُفُوزٌ ۝ وَأَنْتُمْ كُذِّبْتُمْ ۝

ایمانداران! شما بر شماست و شما را طرد کردند

عِبَادُكُمْ وَأَمَّا بَكُمْ أَنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْجَبُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ط وَاللَّهُ

پروردگاران! و اما بابت شما که فقیران شوند خدا تعجب می کند از فضل خود

وَاسِعٌ عَلَيْهِ ۖ وَلَيْسَتْ عُقُوبَةُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ

و وسیع است بر او و عقوبت کسانی که نمی یابند ازدواج تا آنکه غنی کند

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِنْكُمْ مَلَائِكَةٌ

خدا از فضل خود و کسانی که کتاب از شما می طلبند فرشتگان

فَكَتَبُوا لَهُمْ أَنْ يَكُونُوا فِيهِمْ حَيْرَانٌ ۖ وَأَوْفَرُ مِنْ قَالِ اللَّهُ الَّذِينَ لَا يَكُونُوا

پس نوشتند برای آنها که در میان آنها حیران گردانند و بیشتر از آنکه

وَلَا تَكُونُوا أَقْبَرُ عَلَى الْبَغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتَغُوا عَرْضَ

و نگردانید بزرگوارتر خود را بر سر خیانت اگر بخواهند حفظی را بطلبند

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنِ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ

زندگانی دنیا و هر که بخواهد آن را بکشد خدا از پس آن بزرگوارتر است

رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَمَثَلًا لِمَنْ خَالَوْا مِنْ

مهربان است و ما آیات روشن را فرستادیم و نمونه ای برای کسانی که

قَبْلَكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۖ اللَّهُ تَوْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُّورٍ

پیش از شما و پند برای پرهیزکاران خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور

مُشْكِكَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رِجَالِهَا كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ

درخشان است و در آن چراغی است چراغی که در پایه های آن استار

دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا

درختی است از درخت زیتون که درختی است که درختی است که درختی است

بَضِيٌّ وَلَوْ لَمْ تَكُنْ سُدَّةً نَارُهَا تَرَى عَلَى وَجْهِ الْقَوْمِ مِنَ الْبُشَاظِ

روشن است و اگر چه سد نباشد آتش آن را بر روی صورت مردم از آلودگی

وَلَوْ لَمْ تَكُنْ سُدَّةً نَارُهَا تَرَى عَلَى وَجْهِ الْقَوْمِ مِنَ الْبُشَاظِ

و اگر چه سد نباشد آتش آن را بر روی صورت مردم از آلودگی

صل ما عمل این آیت
آیت که مومنان را
و قسم است آنچه در ستر
آن حرج است در آن
و چه کفین بود و آنچه
و ستر آن حرج نیست
مانند مردگ در آن عقد
و ذراع و ساق پس
ستر و چه کفین از
اجنبان فرض نیست
بلکه سنت است در ستر
غیر آن از اجنبان فرض
ست نه از محرم و الله
اعلم ۱۲ و الله اعلم
روشن است ۱۲ و الله
یعنی در تفسیر است ۱۲
تفسیر عثمانی
بعضی مردم در جاهلیت
کنیزان را یکسب زنا
امری نمودند عبد الله
بن ابی ریحان را تقییر
چند کنیز داشت که از زنا
کاری آنها رو به پستی
می آورد و از آنجا بعضی
مسلمان شدند و از
ان فعل شیخ انکار کرده
چنانکه آن مخون آنها
را لغت و کوب مسکود
این آیت در اثر این
داشته اند و مشدود
رعایت این شان نزد
برای زیادت تفسیر
تقدیر اراده تخصیص
تقدیر اشتغال مشاع دنیا
را در این آیت ۱۱ ان
اردن تخصیصا لیتقوا
عرض الحیوة الدنیا
زیاده خود و در محرم
کاری کردن بر کنیزان
بهر حال محرم و نهائین
زبون است و تمام
کاری آنها پاک است
خواه کنیزان برضای
رغبت این کار را
کنند و بگویند اینها
آنها را کنیزان

دل حاصل این شل
تشبیه نوری است
که بسبب مواظبت
بر طهارت و عبادت
در دل مسلمانان حاصل
میشود بنور چراغ کرد
غایت درخشندگی باشد
و بجبت اشعار بآن
مواظبت می فرماید ۱۱
دل حاصل این شل
آنست که اعمال کافر
حبط شود و در آخرت
از این پنج ثواب نباشد
۱۲- دل حاصل این
شل آنست که بر کافر
قلبات بهیبت مترجم
شده است و انوار ملکیت
از دس بجای سده شد
است ۱۳
تفسیر عثمانی
ع و ذکر برندگان را
شاید ازین سبب جدا
گاز فرمود که آنها در وقت
پریدن در بین آسمان
و زمین مطلق می باشند
و این طور پریدن آنها
در پوزشانی بزرگ
قدرت است ع
حق تعالی به هر چیز
مناسب حال آن
طریق امانت و هدایت
و تسبیح خوانی را الهام
فرمود هر چیز آن طریق
را نمیدهد و ظریف خود را
ادامیکند لیکن
چانه انوس ۱۴
و تخیب است ۱۱
که با افزودن آن
بر غرور غفلت و غفلت
و جهالت گریختار آمد
از یاد ملک حقیقی غافل
و از ادای وظیفه
عبودیت روگردان
میشود - تنبیه
ذامع به تسبیح حق تعالی
الغفران مخفیه در
یاد به پا نوزدهم داده ایم

وَيُضِرُّ بِاللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۱۱ فَيُبَيِّنُ آيَاتِ اللَّهِ

و بیان می فرماید خدا است آنست که برای هر چیز داناتر است و خدا به هر چیزی داناتر است و خدا

آن تَرْفَعُ وَيَذْكُرُ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝۱۲

که بلند کرده شود آنرا یاد کرده شود آنجا نام او بپای یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ

مردانیکه باز ندارند ایشان را سود آگری و نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و بر پا داشتن نماز و دادن

الزَّكَاةِ مِنْ خِفَافٍ يَوْمَ مَا تُثْقَلُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝۱۳ لِيَجْزِيَ

زکوة می ترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن دلها و دیدها تا جزا دهد ایشان را

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

خدا بخوبی بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را خدا از فضل خویش و خدا روزی میدهد هر کس را خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۱۴ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَفْجِعُ بِهَا كَسْرُ

بغیر شمار یعنی بسیار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پنداشتن

الظَّمَانُ مَاءٌ حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ قُوَّةً

تشنه آب است تا وقتی که بیاید نزد یک آن نیاید شس چیز و یافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید بوی

حِسَابِهِ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۱۵ أَوْ كَظُلُمٍ فِي بُحْرٍ عَمِيقٍ

حساب و میراد خدا از دو کفنه حساب است و یا مانند تاریکی در دریای عمیق که یی پوشاند آن را

مَوْجٌ مِنْ قُوَّةٍ مَوْجٌ مِنْ قُوَّةٍ سَمَابٌ ظَلَمَتْ بَعْضُهَا قُوَّةً

موجی از بالائی آن موجی دیگر از بالائی آن ابر بود تاریکی است بعضی آن بالائی بعضی دیگر

إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَهُمَا وَمَنْ لَمْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ

بجود بیرون آورد دست خود نزدیک نیست که به بیندش و هر که نداد او را خدا روشنی پس نیست او را هیچ

نُورٍ ۝۱۶ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرِ

روشنی و آنرا ندیدی که خدا بپای یاد می کنندش هر که در آسمانهاست و زمین است و در میان

ضَمَّتْ كُلُّ شَيْءٍ قَدْعًا عَمَلًا لَهُ وَتُسَبِّحُ لَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝۱۷

بال کشته هر چه دالت است خدا دعای او را تسبیح او را و خدا داناتر است آنچه میکنند

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۱۸ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آنرا ندیدی که خدا

وَاللَّهُ رَاسُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۱۹ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آنرا ندیدی که خدا

یاد به پا نوزدهم داده ایم

يُنْزِلُ سَحَابًا مِّنْ يُّوَسُفَ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رِجَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

دران می کند انرا باز نفع می نماید میان آن باز می بارد و پس می بینی قطره را که بیرون می آید از

میزان در آن پس ترکیب می کند میان او بعضی را به بعضی باز می گرداند آنرا تو بر تو پس می بینی قطره های باران را که می بارید از

میزان آن و خودی آورد از جانب بالا از کوه ها که آنجا هست زلال را پس میرساندش بهر که

میان آن و خودی آورد از جانب بالا از کوه های که در آنجا هست زلال پس میرساند آنرا بهر که

تَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَّنْ يَّشَاءُ بِيَكَادُ سَنَابِقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

خواهد و باز میداردش از هر که خواهد نزدیک است درخشندگی برنی که در آن می باریده است دور کن چشمها را

خواهد و باز می دارد آنرا از هر که خواهد نزدیک است که روشنی برق آن بر باید دیده باران

يَقْبَلُ اللَّهُ الْإِثْلَ وَالْهَاسِطَانِ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

می گرداند خدا آفتاب و روز را هر آینه درین مقدمه میند که است خداوندان چشم را

خبر می کند اندک شب و روز را (هر آینه) در آن عبرت است برای صاحبان بصیرت در و

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْتَشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ

خدا آفرید هر جانور را از آب پس از اینهاست آنکه می رود بر شکم خود و از اینهاست که

یَهْتَشِي عَلَى رِجْلَيْهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّهْتَشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

می رود بر دو پای و از اینهاست که می رود بر چهار پای می آفریند خدا هر چه خواهد

میرود بر دو پای و بعضی از ایشان است که می رود بر چهار پای می آفریند خدا آنچه خواهد

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي

بر آینه خدا بر هر چیز تواناست بر آینه خود آوردیم آیات روشن را و خدا دلالت می کند

بر آینه الله بر هر چیز تواناست (هر آینه) خود آوردیم آیت های روشن میان کفنده را و الله دلالت می کند

مَنْ يَّشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ

هر که خواهد بسوئے راه راست و می گویند ما ایمان آوردیم بخدا و رسول و

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الرَّسُولِ

و می گویند ما اگر می شنیدیم یا اگر می فهمیدیم ما نبودیم در میان اصحاب رسول و

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الرَّسُولِ

و می گویند ما اگر می شنیدیم یا اگر می فهمیدیم ما نبودیم در میان اصحاب رسول و

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الرَّسُولِ

و می گویند ما اگر می شنیدیم یا اگر می فهمیدیم ما نبودیم در میان اصحاب رسول و

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الرَّسُولِ

و می گویند ما اگر می شنیدیم یا اگر می فهمیدیم ما نبودیم در میان اصحاب رسول و

تفسیر عیالی
کوبای رنگ است
قول بعضی سلف همد
طوره آسان کوبانی
ژاله وجود میبارد
بروقی آن ترجمه کرده
است لیکن راجح تر
دقوی تر این است که
از سلف باید آید
باشد و مطلب این است
که باید بایک در گفت
و تقاضا است که
میباشند زلالی باران
اند که از آن به لیاری
مردم نقصان جانی و
یامالی میرسد و برنی
از آن محفوظی ماند
مثل مشهور است
که زلال بر یک شمع
گداوی دارد و شمع را
خشت می ماند
بعد از روز و شب بود
از شب روز فقط بقدر
اوقالی می آید و اوقالی
گاهی روز را و گاهی شب
را دراز و کوتاه می کند
و گاهی آنها را به سوزی
و سردی آنها را به گرمی
تبدیل می نماید
بنی آدم باینه از دیدن
چنین نشان های
عظیم الشان قدرت
بصیرت و عبرت حاصل
کنند به آن شاه
حقیقی به صدق و
اخلاص دل رجوع کنند
که در قبض و تصرف
اوام تمام تصرفات
و تقلبات می باشد
لله آیات مکتوبه و
تقریبیه آنقدر واضح
است که بعد از دیدن
و شنیدن آن
نیایدان
گواه گردد و دل
بر راه راست شخصی
روان میشود که خدای

تأمل و اوقتی به این داده باشد - لیونهارم این نشان های واضح و روشن را می بینند لیکن به اعتبار توجیه دیدن و ندیدن آنها یک برابر است

فل یعنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد از آنکه با دانه ساخت ۱۲
 فل یعنی چنانکه تاملان حضرت عثمان مکره وند مترجم گوید تفسیر این آیت در حدیث آمده این خلافتی بعدی مثلثون سنه و الثا علم ۱۲
 تفسیر عثمانی عقیقین زمان فقیه قسم های سخت تالیفی خورده میجویند به تو یقین بدینکه اگر تو علم بدی تمام خانه و اهل و عیال را ترک داده تیار برینم که در راه خدا براسم آن حضرت فقط یک اشاره کنند بینه که چگونه همه اهل و دولت خود را در راه الله تبار خواهم کرد نظریه اظهار آرزو فرمود که باین قدر قسم های کمال و سوگند های طویل ضرورت نیست حقیقت فرمانبرداری شما بر من کشف شده است که نه با دعاوی بسا می کنید و در وقت عمل آهسته پامیکشید بر شما لازم است که در کل احکام الهی مثل مسلمانان صادق و اخلاص نشان دهید از قسم خوردن چه حاصل با فرض کنید که بندگان را بقسم متیقن و قانع بر بازید لیکن بحضرت الله چالاک و فریب هیچکس تاثیر ندارد و چه او تباری به تمام سخنان آشکارا و پوشیده آگهی دلد بالاخر بر تمام مکاری و لغاتی

إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الْظُلُمِ

بوسه خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و این جامع

بوسه الله و رسول او تا حکم کند در میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و میبیم بخودیم حکم را آن گروه

هُمْ الْمُفْلِحُونَ ۱ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُخْلِشْ لِنَفْسِهِ نَفْسًا

ایشانند رستگاران و هر که فرمان برداری کند خدا و رسول او و ترسد از خدا و عذر کند از عذاب او پس این چنانکه ایشانند رستگاران و هر که فرمان برداری کند الله و رسول او و او را برسد از الله یعنی گویند که هرگز نکرده اند

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أُفْرِقَ تَهُمْ لَيَفْتَحُنَّ

ایشانند مردواران و قسم خوردند بخدا بموکه ترین قسمهای خود که اگر بفرمانی از الله بیرون روند از وطن خود ایشانند مقصد رستگاران و سوگندی خوردند (مناقصان) به الله بموکه های خود که اگر بفرمانی از الله بیرون روند از وطن خود

قُلْ لَا تَقْسِمُوا عَاطَاةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ يَخِيرُ بَيْنَ أَعْمَالِكُمْ ۝ قُلْ

بگو قسم نخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است بر آئینه خدا جبار است با آنچه می کنید بگو قسم نخورید فرمانبرداری پسندیده (مطلوب است) بر آئینه الله جبار است بر آنچه می کنید عصبه بگو

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكُمْ مَآخِذُ

فرمانبرداری خدا بکنید و فرمانبرداری پیغمبر کنید پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که بر پیغمبر است آنچه بدوی لازم کرده شد فرمان بردار الله را و فرمان بردار رسول را پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که بر رسول آنچه لازم کرده شده برود

عَلَيْكُمْ مَآخِذُكُمْ وَإِنْ تَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَإِنَّمَا عَلَى الرَّسُولِ الْإِبْلَاقُ

بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمان برداری او کند راه یابید و نیست بر شما مگر پیغام رسانیدن بر شماست آنچه لازم کرده شده بشما و اگر فرمان بردار او راه یابید و نیست بر رسول مگر تبلیغ

الْمُتَّبِعِينَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

آشکارا و عده داده است خدا آنرا که ایمان آوردند از شما و کردند عمل های شایسته البته خلیفه سازد ایشانرا

فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

در زمین چنانکه خلیفه سازد آنرا که پیش از ایشان بودند و البته حکم کند برای ایشان دین ایشان را

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

که پسندیده است برای ایشان و البته بدیل کند در باره ایشان بعد از ترس ایشان را یعنی پرستش کنند مرا

وَأَيُّكُمْ كُفِرَ نَبِيٌّ شَيْطَانًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝

و هر یک که کفر کند با من چیز را و هر که ناسپاسی کند بعد از این پس آن گروه ایشانند نافرمان

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

و بر پا دارید نماز و بدهید زکوة را و فرمان برداری کنید پیغمبر را بود که بر شما رحم کرده شود

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْعَاجِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ وَمَا

مپندار کافران را عاجز کننده در زمین و جائی ایشان آتش است و

لَيْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْيُسْرَىٰ ذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۝

آن بد بازگشت است ای مسلمانان باید که دستوری بکنید از شما آنرا که مالک ایشان شده است آن بد مزبح است ای مسلمانان باید اجازه خواهد از شما آنرا که مالک ایشان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِنْكُمْ ثَلَاثُ قُرُوبٍ مِمَّنْ قَبْلَ صَلَاةِ

دست باشد شما را و آنکه در سیده اند بعد احتلام از شما سه قریب
دست باشد شما را و آنکه در سیده اند به بلوغ از شما سه قریب از میان

الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ

فجر و وقتی که بپوشید جامه های خود را از نیم روز و پس از نماز
صبح (یا بعد از ظهر) و وقتی که بپوشید جامه های خود را نیم روز و (یکبار) بعد از نماز

الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عُرُوفٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ

ثلاث این سه ساعت خلوت است برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزره بعد از اینها
ظن این سه وقت کشف عورت شماست در این سه وقت زمان خلوت شماست نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزره بعد از اینها

طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

در آیت خداوند بر شما بعضی از شما بر بعضی دیگر همچنین بیان می کند خدا برای شما آیات را
ظن کنندگانند بر شما بعضی از شما بر بعضی دیگر هم چنین روشنی می سازد اله برای شما سخنان خود را

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۱۰ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا

و خدا داننده با حکمت است و حق رسد طفلان از شما بحد احتلام باید که دستوری طلب کنند
والله بهر چیز دانا با حکمت است و حق رسد طفلان از شما به بلوغ پس باید که اجازه خواهند (بدون این وقت هم)

كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ

چنانکه استواری می طلبید و آنکه استواری می طلبید از ایشان بودند هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیات خود را و خدا
چنانکه اجازه می طلبید و آنکه با بلوغ بود و پیش از ایشان هم چنین روشنی می سازد اله برای شما سخنان خود را و الله

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۱۱ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

و دانا با حکمت است و کلان سال از زنان که توقع نکاح ندارند نیست بر ایشان
همچنین دانا با حکمت است و شصت سال از زنان و کلان سالان آنانی که توقع نکاح ندارند پس نیست بر ایشان

جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ مِنْ

بزره در آنکه فرو بپوشد جامه های خود را نه ظاهر کنان آرایش را و اگر بهر بزره کاری کنند بهتر است ایشان را
آنکه بزره در آنکه فرو بپوشد جامه های خود را و حالیکه نباشد ظاهر کننده زینت و طلب غفلت از این هم بهتر است برای ایشان و الله

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝۱۲ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَابِ خُرُوجٌ وَلَا عَلَى

و خدا شنوا داناست نیست بر نابینا گناه و نه بر ننگ گناه و نیست بر
والله بهر سخنان شنوا بهر چیز دانا است نیست بر نابینا تکلیف و نه بر ننگ تکلیف و نه بر

الرِّبَاسِ خُرُوجٌ وَلَا عَلَى الْأَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ

بزار گناه و نه بر ذات شما گناه و در آنکه بخورید از خانه های خویش یا خانه های پدران خویش یا
مهرین تکلیف و نیست تکلیف بر نفسهای تان و در آنکه بخورید از خانه های خود یا خانه های پدران خود یا

بُيُوتِ إِهْمَتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ

خانه های مادران خویش یا خانه های برادران خویش یا خانه های خواهران خویش یا خانه های عمهای خویش یا خانه های
خانه های مادران خود یا خانه های برادران خود یا خانه های خواهران خود یا خانه های عمهای خود یا خانه های

عَمَّتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ

عمهای خویش یا خانه های ننیهای خویش یا خانه های خاله های خویش یا خانه های پدربزرگهای او و خانه های دوست
عمهای خود خانه های مادران خود یا خانه های برادران خود یا خانه های خواهران خود یا خانه های عمهای خود یا خانه های

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا وَأَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا

نیست بر شما هیچ گناه و در آنکه بخورید همه یک جا یا متفرق و همه پس چون در آمدید بخانه ها
نیست بر شما گناهی و در آنکه بخورید یک جا (با هم) یا متفرق پس چون در آمدید بخانه ها

فصل یعنی غلامان و
کثیر کان ۱۲ و حاضر
آنست که محارم طفل
نیز درین ساعات
استند این کنند زیرا
کرده ان حامله زن
ساعات از حق میکنند
و عریان میشوند محارم
معنی آنست که محارم
را و طفل را عریان
دیدن در مست نیست
والله اعلم
یعنی نگاهبان وکیل
حفظا باشد ۱۲
و معنی آنست که
از رسم و عادت موقوف
ست نکات می کند
و حاجت اذن مخرج
نیست والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه یعنی غلامان و
کثیر کان چهار رکوع
بیش مسئله استند
و اجازه گرفتن ذکر
شده این معنون
تفسیر آن است نظریه
مناسبات مخصوص
در میان معنای
و یک بیان شده
حضرت شاه حبیب
مینویسد یعنی زنان
پیر اگر در خانه های خود
در جائه کم باشد
درست است و اگر
برده کامل داشته
باشند از این هم بهتر
و اگر در حین بر آمدن
از خانه جامه زانند
مانند برقع و غیره
بکشند باکی نیست
بیشتر که در آن اظهار
زینتی نباشد که حکم
پنهان کردن آنها
در آیت و ولایت بدین
زینت الهی داده
شده است ازین

ع یعنی تو است
آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) حاضرین
فرض میشود
خواستنی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم
نیت که قرار خواهم
نمود اگر بران
بگوید یا نگوید
اگر کسی بدو حق
صلی الله علیه وسلم
حاضر نشود باید از
عای بدین غیر بترسد
زیرا که عای بدین غیر
ماند از آن عای
نیت نیز در محلی
آنحضرت (صلی الله علیه وسلم)
عظمت را باید که
محفوظ نظر داشت
نباید در امتثال مردم
عام یا خاص و غیره
گفته صد آکنند بلکه
درم است ادرا
بالقاب یعنی چون
و یا نبی الله و یا
رسول الله بخواهند
حضرت شاه صفت
می نویسد که از
تواضع پیغمبر حاضر
شدن فرض می
گردد بر آن
هر کاری که
میخواست بر
علاء ه این حکم هم بود
که بدون اجازه نباید
از آنجا برخاست
و بر نه درین ایام
هم بر همه مسلمانان
لایم است که با او
مسلمان خود همین
را عایت کنند و الله
اینها منافقین بودند
که نشستن در مجلس بزرگ
در شنیدن بزرگ
صحت بر ایشان
باید داشت آنها اکثر
مجرور و کج خلق می یافتند پیغمبر را غیر بیعت دیده از مجلس بدون اجازه آهسته می آمدند مثلاً آنکه امام مسلمانان اجازه گرفت و بر فاست این معنی

فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ نَجِيَّةً مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ مَبْرُكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ
پس سلام گویند بر قوم خویش دعائے خیر یا بركت یا كبره خود آورده از نزد يك خدا هم چنین بیان می کند
پس سلام کنید بر آن خود سلامی که ثابت است از جانب الله یا بركت یا كبره هم چنین روشن می سازد
اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتُ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا
خدا برای شما آیات را بود که بفهمید
الله برای شما سخنان خود تا شما بداند
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّيْسَ لِمَنْ هُوَ قَائِمٌ يَسْتَأْذِنُ
بجدا و رسول او و چون باشند با او بر کاری که منع کردن ایشان می طلبند نزد آنها دستور می طلبند یعنی
به الله و رسول او و چون باشند با او بر کاری که منع کرده اند غیر و نه تا آنکه اجازت طلبند از وی را اجازه حاصل کنند
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
هر آینه آنانکه دستوری می طلبند از تو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و رسول او
لَهُمْ آيَاتُ اللَّهِ كَرَاهِيَةً لِّكَ أَمَّا الَّذِينَ كَرَاهُوا لَكَ فَأَسْرَأُوا
هر آینه آنان که اجازه می طلبند از تو برای بعضی کار خود پس اجازت بده هر گرا خواهی از ایشان و رسول او
فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضٍ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَن بَشَرَتْ مِنْهُمْ وَأُصْغِرْ
پس اگر دستوری طلبند از تو بر آن بعضی کار خود دستوری ده هر گرا خواهی از ایشان و اگر در بعضی طلب کن
لَهُمُ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ
برای ایشان از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربانست شما را بد طلبیدن پیغمبر را در میان خویش
برای ایشان از الله هر آینه الله آمرزنده مهربانست می کنند خواستن رسول را در میان خود
كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمُ إِذَا
مانند طلبیدن بعضی از شما بعضی دیگر را هر آینه می دانند خدا آنرا که بسبب بیرون می روند از شما پناه جوینان
مانند خواستن بعضی شما بعضی را نه (هر آینه) میداند الله آنان را که بسبب بیرون می روند از شما پناه جوینان
فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ
پس باید که بترسند آنانکه خلاف می کنند از حکم پیغمبر می کنند از آنکه برسد بدیشان فتنه یا برسد بدیشان
پس باید که بترسند آنانکه مخالف می کنند از حکم او از آنکه برسد بدیشان رافقتی یا برسد بدیشان را
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ
عذاب دردناک آگاه شو هر آینه خدا را است آنچه در آسمانهاست و زمین است میداند و نمی دانید
عَذَابٌ دُرْدَنَّاك بشنوید هر آینه الله برای الله است آنچه در آسمانهاست و زمین است میداند حالی را که شما
عَلَيْكُمْ وَيَوْمَ تَرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِتُكُمْ يَمْشِي عَلَى الْكُلِّ سَمًى عَلَيْهِ ۝
برای شما و روزی که برگردانیده شوند بسوی او و بزرگوار ایشان را با آنچه کرده اند و خدا بهر چیز داناست
بر آن هستند و روزی که رجوع داده میشود بسوی او پس بزرگوار ایشان را با آنچه کرده اند و الله بهر چیز داناست
سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ مِّنَ الْقُرْآنِ ۝ هَٰذَا آيَاتُ الْكِتَابِ الَّتِي كُنَّا نَقُولُ
سوره الفرقان مکیه از قرآن است اینها آیات کتابی است که می گفتیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم الله الرحمن الرحيم
آغاز می کنم بسم خداوند
پس اندازد مهربان
نهایت بارحم است
تَبٰرَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعٰلَمِیْنَ نَذِيرًا ۝
بسیار باریک است آنکه خود آورد در قرآن را بر بنده خویش تا باشد ترساننده عالم را
بسیار باریک است آنکه خود آورده کتاب تفصیل در قرآن را بر بنده خود تا باشد برای عالمیان ترساننده
باید داشت آنها اکثر مجرور و کج خلق می یافتند پیغمبر را غیر بیعت دیده از مجلس بدون اجازه آهسته می آمدند مثلاً آنکه امام مسلمانان اجازه گرفت و بر فاست این معنی

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ يَتَخَذُ وَلَدًا أَلَمْ يَكُنْ لَهُ

آنکه او را است پادشاهی آسمان و زمین و آنچه فرزند بخرد و هیچ شریک نیست و گرفته هیچ فرزندی و نیست او را

شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْ أَرَاكَ فَتَعْدَىٰ أَمْرًا ۚ وَالْخُنُودُ

اورا در پادشاهی و بیافرید هر چیز را پس اندازه کرد او را یا اندازه کردن و گرفتند کافران شریک در پادشاهی و آفرید هر چیز را پس اندازه در دست نمود آنرا اندازه کردن و گرفتند کفار

مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

بجز الله آن معبودی که نمی آفریند چیزی و خود و آنچه الله معبودانی که نمی آفریند چیزی را و ایشان بجز الله می شوند و نمی توانند و مالک نیستند

أَنْفُسَهُمْ خَيْرًا أَوْ لَا تَفْعَلُوا لَّا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا تُشْعِرُونَ

برای خویش زیادت و نه سودی و نمی توانند مرگ را و نوزندگانی را و نه برای آید زنده شدن را برای نفس های خود (و نه) ضرر و نه (حسب) منفعت را و مالک نیستند مرگ و نوزندگی و نه دوباره زنده کردن ایشان را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا آفَاكُ ۖ أَفْتَرَاكَ عَلَيْهِ

و گفتند کافران نیست این قرآن مگر دروغی که بر یافته است آنرا و یاری داده اند او را بر افزای و گفتند کافران نیست این مگر دروغی که یافته است آنرا و اعانت کرده او را بران افرا

قَوْمًا آخَرُونَ فَقَدْ جَاءَ ظِلْمًا وَزُورًا ۚ وَالْأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

گروه دیگر پس بمل آوردند ستم و دروغ را و گفتند قرآن افسانه های پیشینیان است قوم دیگر پس بمل آوردند ستم و دروغ را و گفتند قرآن افسانه های پیشینیان است

كَتَبْنَاهَا فِي سُبْحَةٍ عَلِيمَةٍ مُبَكَّرَةٍ ۖ وَأَمِيلًا ۚ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي

که بر ما نوشتیم در سحر است آنرا پس آن خوانده می شود بروی صبح و شام و بگو فرود آورده است آنرا پس آن خوانده می شود بروی صبح و شام

يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَفْوًا رَحِيمًا ۖ وَ

میداند آن که در آسمان و زمین است هر آنچه در آسمان و زمین است هر آنچه در آسمان و زمین است

قَالَ أَمَّا لَ هَذَا الرَّسُولِ يَا كُلُّ طَافٍ وَمِثْلِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ

گفتند چیست این پادشاه را که می خورد و طعام و می خورد در بازار با همه فرود در ستاده شده گفتند چیست این رسول را که می خورد و طعام و می خورد در بازار با همه فرود در ستاده شده

لِلْبَيْتِ مَلِكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ۚ أَوْ يُبَلِّغُ إِلَيْهِ كُنْزًا أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ

بوی که در فرشته تا باشد پادشاه و می ترسانند یا چنانکه از آسمان بر آید و می ترسانند یا چنانکه از آسمان بر آید بوی که در فرشته تا باشد پادشاه و می ترسانند یا چنانکه از آسمان بر آید

يَا كُلُّ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مُسْحُورًا ۚ أَظُنُّ

که بخورد از آن و گفتند این ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مردی مجاد و زده را و گفتند این ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مردی مجاد و زده را

كَيْفَ تَكُونُ الْآيَاتُ فَضْلًا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۚ تَبَارَكَ

چگونه داستانها از قدر حق تو و شهادت بدین گواه شدند انون نمی توانند که بیامند راه را ببار بار بگویند است چگونه آوردند بر آن تو شهادت بدین گواه شدند انون نمی توانند که بیامند راه را ببار بار بگویند است

الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

آنکه اگر خواهد بدین بهتر از این که از آسمان بر آید یا که می رود در حیاتش بجز آن که از آسمان بر آید یا که می رود در حیاتش

والمعنى تبارك و تعالی
تفسير عثمان
در صورتیکه مانند
باطل است بخود برای
خود و فرشتگان باز
با برود بین ما و همه
حق و استیلازی باشد
اگر حق را رسول بودی
بالتی چون و ششگان
از خود و فرشتگان
و حیوان طلب معاش
نار خودی و
اگر با او یک دست
فرشتگان نمی بود آنکه
یک نفر از فرشتگان
خدا باید برای اثبات
صدقت و اتمام
مع
در عرب و فارسی
و اما همه او
ی بود تا مردم او را
دید و بگوید پیغمبر
تسلیم میگذاشتند
ازین که محض یک
نفر در عالم نصف
و نهایت یکدیگر عوای
پیغمبری میکنند چه
حاصل می شود
و اگر فرشتگان هم
بعیت او نمیشدند
آنکه از آسمان یک
فرشته غیبی ظاهر
نفره می دادند
می شد تا ازین یک
درین شرح کرده
مردم را بوی خود
البی می کرد از این
هم قطع نظر کنیم باید
ماند و سزا
از این که از این
و غیره میداشت
که اگر بدینگان ازین
داده نمی توانست که
که خودش را میتوان
و آموختن میشت و
گذاشتن خود را میکرد

عنه مقابل عطا یا الهی یک بار از شی ندارد اگر او تعالی بخواند باغبان باشد بشاری بهتر از آن که این مردم از تو مطالب دارند بگو عطا می نماید بلکه او قدرت دارد که باطن و ظنیر را دور و قسوی که در آخرت بود ادا می است همه را فی الحال درین دنیا بتو ازانی فرماید لیکن حکمت الهی فعلی معقوف آن نیست و اگر تمام مطالبات و نیازهایت را باین تکلیف کرده شود باز هم این مردم حق و عدل را قبول ندارند و میگویند باقی دلائل و معجزاتی که بر ماست اثبات صداقت پیغمبر علی السلام بیان شده از حد کفایت زیاد است عدله حقیقت این است که این بدستخان از سو است و خود در پی تباهی و بربادی خود میگذشتند بلکه برای آنهاست شده بود لیکن سبب ناپیروی آن این شد که در حقیقت آرام نشاء آمده و در شرف غفلت غرق گردیده از یاد تو غافل شدند و به نصیحت تو کسی گوش نمیدادند بهرین علت است که در این صورت و برین دینوی مژده گشتن از لطف و کرم خود برادران آنها و آباد

الْأَشْرَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝ إِذَا رَأَوْهُمُ مِنَ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا أَلْفًا مَوْجِئًا

چون آنها و بدید ترا حمله های بدین می نمودند و بدید ترا قهر با می نمودند و بدید ترا قهر با می نمودند و بدید ترا قهر با می نمودند

وَزَفِيرًا ۝ وَإِذَا أَلْفَاؤُهَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مَقْرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ

و غریب و چون انداخته می نمودند از آن دوزخ ملکات ملک دست و پا بستند و عاقلند آنجا بر خویش و غریب و چون انداخته می نمودند در موضع ضیق از دوزخ در حالیکه بجز نبی باشند خواست آنجا ملک را برای خود

ثُبُورًا ۝ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝ قُلْ أَذَلِكَ

به ملک و گوئیم بدو عاقلند امروز یک ملک و بدید عاقلند به ملک بسیار و بدید عاقلند به ملک بسیار

خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَصِيرًا ۝

بهتر است یا بهشت جاوید آنکه وعده داده شده است متقین را باشند ایشان را پاداش و جای بازگشت بهتر است یا بهشت جاویدی که وعده کرده شده متقین را است جنت برای ایشان پاداش و جای بازگشت

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خُلْدٌ لَّنْ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدٌ مَسْئُورًا ۝ وَيَوْمَ

ایشان است در آنجا آنچه می خواهند در حالیکه جاویدند در آن است این موعود و بر پروردگار تو وعده طلبیده شده و آن روز ایشان است در آن آنچه خواهند در حالیکه جاویدند در آن است این موعود و بر پروردگار تو وعده طلبیده شده و آن روز

يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلُّنَا عِبَادِي

جمع کند حشد ایشان را آنکه می پرستند بجز خدا را پس گوید آیا شما مرا راه کردید این من را که مرا روزی را که جمع کند الله ایشان را و آنچه می پرستید بجز خدا را گوید الله از بعضی شواهد عبادین معبودهای ایشان را

هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۖ قَالُوا أَتُتْبَعُنِي لَكُنَّا أَنْ تَتَّخِذَ

یا ایشان بخود غلط کرده اند راه را گویند بهای یادی کنیم ترا سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست گیریم یا ایشان خود کم شدند از راه (مرا راه شدند) گویند بهای یادی کنیم ترا سزاوار نیست ما را که بگیریم

مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْنَاهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ سَأَلُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

بجز تو و لیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پسند و غیر از تو و لیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پسند را و

كَانُوا أَقْوَمًا ثُبُورًا ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ ۖ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا

شوند کرد و بهت با است که گوئیم اے کرده کا در آن هر آنچه دروغ داشتند شمار این میباید در آنچه می توانی بودند قوم ملک شدنی (ملک شوند) عدله (خداوند فرماید) پس به حقیقت تکذیب کردن میباید و از آنچه می گفتی پس اکنون می توانی

وَلَا تَصْرَافُ ۖ وَمَنْ يَظْلِمْ مِثْلَ نَبْذِ قُرْآنٍ عَذَابًا كَبِيرًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

و نه یاری دادن و هر که ستم باشد از شما بجز این عذاب بزرگ و نه مدد کردن و هر که ظالم است از شما می چشایم او را عذاب بزرگ و نفرستادیم پیش از تو

مِنَ الرُّسُلِينَ إِلَّا أَتَيْنَاكَ لَكُلِّ طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ رُسُلًا يَخْشَوْنَ ۖ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝

در حقیم بعضی شمارا در حق بعضی اجلاس آید صبر می کند و دست پروردگار تو بینا و گرداننده این بعضی شمارا برای بعضی آزمایشی آید صبر می کند و دست پروردگار تو بیند و همه چیز

و اجداد آنها و آندانی در سزای همان قدر به غفلت و نسیان افتادند حال آنکه بر ایشان لازم بود که از مشاهدات الهیه بهرندگی و شکرگزاری شوم حقیقت

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا

وگفتند آنانکه توقع ندارند ملاقات ما را چرا

وگفتند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را چرا

أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلِكَةَ أَوْ نُرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا

زود فرستاده نشد بر ما فرشته گان را یا چرا نمی بینیم پروردگار خود را هر آینه بزرگ شدند و از غم خویش سرکش شدند

عَنَّا كِبَارًا ۖ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ ۖ وَأُولَٰئِكَ

سرکشی بزرگ روزی که ببینند فرشته گان را هیچ مزه نیست آنروز گنه گاران را و سرکشی بزرگ همه روزی که ببینند فرشته گان را هیچ مزه نیست در آن روز گنه گاران را

يَقُولُونَ جَعَلْنَا جَبْرًا ۖ وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَىٰ عَمَلٍ فَيَجْعَلُهَا

گویند که باز داشته متوید بازداشتن مولا و متوجه شدیم بوسه آن چه کردند از کردار پس ساجیم آنرا گویند کاشی حاصل شود حاصلی محکم و رسیدیم لاف کردیم آنچه کردند از کردار پس ساجیم آنرا

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا أَوْ أَخْسَنُ مَقِيلًا ۖ

آنند زده بایست بر آنکند ط اهل بهشت آنروز بهترند از جهت قرارگاه و نیکوترند باعتبار جائی استراحت آنند خاک (آرامت) بر آنکند اهل بهشت در آن روز بهترند از حیث قرارگاه و نیکوترند از حیث جای قیلوله (استراحت)

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَتُزَلُّ الْمَلِكَةُ تَزِيلًا ۖ

وروزی که بشکند آسمان بسبب ابر و فرو آورده شوند فرشته گان خود آوردن قیامت بادشاهی حقیقی و روزی که بشکند آسمان بسبب ابر و فرو فرستاده شوند فرشته گان فرزندانی پادشاهی

وَمِمَّنْ آتَىٰ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَىٰ الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۖ

آنروز خندار است و باشد آنروز بر کافران روز دشوار و روزی که در آن روز ظاهر و حقیقی ثابت است خاص برای دشمن و هست آنروز بر کافران دشوار و روزی که

يُخَسِّصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَلْبِثُنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۖ

بزرگ ستمکار دودست خود را گوید اے کاشی من گرفتے همراه پیغمبر را ہے ستمکار دست بایست خود را در حالیکه می گوید کاشی من می گرفتم همراه رسول را بی

وَيَلْبِثُنِي لَمْ أَخَذْ فَلَا نَاخِلِيَّ ۖ لَقَدْ أَصْلَبُنِي مِنَ الدَّرِجَةِ بَعْدَ

ای دای بدمن کاشی منی گرفتم فلانی را دوست (هر آینه) گمراه کرده مرا از نصیحت بید

أَجْعَلَنِي ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۖ وَقَالَ الرَّسُولُ يٰٓرَبِّ

را اند آمده بود من و هست شیطان آدمی را در محنت تنها گزارانده و گفت پیغمبر اے پروردگار من را اند آمده بود من و هست شیطان مر آدمی را فریب دهنده و گفت رسول اے پروردگار من

إِنِّي قَوْمِي أَمَّا هَٰذَا فَقَدْ هَمَمْتُ بِغَدَاوَةٍ ۖ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَفْسٍ

برای تو من این قرآن را متروک ساختند و هم چنین گمراهیدم برای هر پیغمبری

عَلَمًا ۖ وَمِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ لِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ۖ وَقَالَ الَّذِينَ

و دشمنان از آنه گاران و بس است پروردگار تو راه گاه و نصرت دهنده و گفتند کافران و دشمن از گنه گاران و کافی است رب تو دنیا و مدد کار و گفتند

نُفِرُوا لَوْلَا نَزَلَ الْغَمَامُ ۖ جَمَلَةٌ ۖ وَاحِدَةٌ ۖ كَذٰلِكَ يُنْشِئُ بِهِ

چرا زود آورده شد بر پیغمبر قرآن یکدفعه هم چنین بد فحاش آوردیم تا استوار سازیم بآن کافران چرا خود آورده شد بروی قرآن همه بیک دفعه هم چنین کم کم خود آوردیم تا ثابت و استوار گردانیم بآن

وَمَا يَشْعُرُونَ إِلَّا أَنَّهُمْ فِي غَمٍّ ۖ وَكَانَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمًا ۖ

و آنچه حس نمی کنند که با وجود اعلان نامزد کارهای زشت می خواهند باین چشم بانی خود خداوند قدوس را ببینند و بشرت به گامی اوقای مشرف نشوند

عشقلان و

الجماع

حبیب کردیم او را

گوید یعنی آسمان بر

بهشت معناده خود

باش را اما این گاه

منشوق شود و اندر عالم

تفسیر عثمانی

عده ای یکد امید

ندارند که روزی بختند

ما حاضر خواهند شد

و حساب اعمال خود

را خواهند داد و از

خوف سزای خداوند

غافل گردیده و فغان

مندانند و گشت اخلاص

بزیان می آرند شلا

میگویند فرشته گان

که بر محمد صلی الله علیه

وسلم وحی آوردند

چرا با آن وحی بما

نازل شدند و یا

خدا می تواند چرا

رو بر و با خود ما سخن

نگفت لازم بود که بر آن

تصدیق قول توانا

عشقلان و

الجماع

حبیب کردیم او را

گوید یعنی آسمان بر

بهشت معناده خود

باش را اما این گاه

منشوق شود و اندر عالم

تفسیر عثمانی

عده ای یکد امید

ندارند که روزی بختند

ما حاضر خواهند شد

و حساب اعمال خود

را خواهند داد و از

خوف سزای خداوند

غافل گردیده و فغان

مندانند و گشت اخلاص

بزیان می آرند شلا

میگویند فرشته گان

که بر محمد صلی الله علیه

وسلم وحی آوردند

چرا با آن وحی بما

نازل شدند و یا

خدا می تواند چرا

رو بر و با خود ما سخن

نگفت لازم بود که بر آن

تصدیق قول توانا

ع علت کم کفر است
قرآن آنست که می شناسد
تصور کرده اید اگر
غور کنید بدینسان
فرستادن قرآن
دارای فوائد زیاد

است چه در
صوره یکبار
فرستاده

میشناسان
چنانکه باید و شاید
از آن بهره گرفته نمی
توانست مثلاً درین
صورت حفظ کردن
قرآن آسان تر شد
در نهی ان سهولت

دست داد کلام
که موجب حفظ

شد و مردم را تفاهیل
معانی و حکمت های

که در آن رعایت
کرده شده موقع

موقع اطلاع یافتند
و نشان نزول جدا گانه

بر آیت را دیدند از
تجلیات و تعبیرات

ایافته یافتند و چون
نهیام نمودند

را مطابق سوال صحیح
و عوץ در یافتند

قلب میسر میمانان
را تسکین حاصل شد

و گویا به نزول هر
آیت دعوی انجازه

تجدید شده رفت و
بهر نیل علی السلام

کرات و مرات نازل
شد و آن فی نفسیک

برکت مستقل بود و
بسیار فایده دیگر در آن

موجود است که از آن
فجود و ریاضات فی نفس

فوائد اشاره فرموده
است و در باب

اصحاب الرضی
و عا حسان چاه

گویند اختلاف زیاد است
در وجه السانی احوال زیاد نقل کرده نگاشته است

قَوْلَاكَ وَرَبُّكَ تَزِيلًا ۱۲۳ وَلَا يَأْتِيَنَّكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جُنْدُكَ بِالْحَقِّ وَ

دل ترا و خواندیم آنرا با حق و نیارند کافران پیش تو هیچ داستانی مگر بیاریم پیش تو جوابی راست و

دل ترا و خواندیم آنرا اندک اندک مهربانست و دخی آنرا کافران نزد تو مثل رسالی مگر می آید تو جواب راست و

أَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۱۲۴ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ

نیکوتر در بیان آنانکه بر اینجهت میروند افتان بر روی خویش بسوی دوزخ این جماعت

نیکوتر از روی بیان آنانی که بر اینجهت میروند از روی افتاد و سر آینه دادیم موسی را کتاب و ساجیم همراه او

بدرهتند از روی درجه و بسیار در افتاد گانند از راه و (هر آینه) دادیم موسی را کتاب و گردانیدیم همراه او

أَخَاهُ هَارُونَ وَنِيزًا ۱۲۵ فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا

برادر او هارون را و وزیر پس گفتیم بروید بسوی آن قوم که دروغ میفرمودند آیات ما را

برادرش هارون را و وزیر پس گفتیم بروید بسوی آن قومیکه تکذیب کردند آیات ما را

فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْوِيرًا ۱۲۶ وَقَوْمُ نُوحٍ كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ

القصه پس هلاک ساختیم آن قوم را هلاک کردی و قوم نوح چون دروغ میفرمودند پیغامبران را غرق ساختیم این جماعت را که دروغ میفرمودند آیات ما را

لِلنَّاسِ آيَةٌ مِّنْ آيَاتِنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۲۷ وَعَادًا وَثمودًا ۱۲۸

برای مردمان نشانه و همیما کردیم برای ستمکاران عذاب درد سنده و هلاک ساختیم عاد و ثمود و

برای مردم نشانی در عبرت و همیما کردیم برای ستمکاران عذاب درد ناک و هلاک ساختیم عاد و ثمود و

أَصْحَابَ الرُّسُلِ وَفَرِيقًا مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكُفِّرُونَ ۱۲۹ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُثْمِلِينَ ۱۳۰

اهل رسل را و طبقات بسیار را در میان ایشان و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمی را

اهل چاه را و جماعت بسیار را در میان این مذکورین و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمی را

وَلَقَدْ آتَيْنَا نوحًا عَلٰى الرُّسُلِ الَّتِي أَمْطَرْنَا السَّيْلَ أَفَلَا

هلاک ساختیم نوح را و هر آینه رسیده کافران بدی که باران زده شد بر وی باران بدی باریان سنگ آید

هلاک کردیم ریزه ریزه کردن و هر آینه رسیده کافران بدی که باران زده شده بود بر وی باران بد آید

يَكُونُوا أَوْ تُبْدُوا أَوْ يُنْفَخُوا أَوْ يُجْرَ ۱۳۱ وَإِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزِلًا

نمی دیدند آنرا بلکه توح نمیداشتند بر اینجهت را و چون بینند ترا نگرند ترا

نمیدیدند آنرا فی المثل توح ندا شدند و دوباره زنده شدند را و چون بینند ترا نمی گنج ترا

إِلَّا هَزْوًَا أَوْ أَهْلًا ۱۳۲ الَّذِي يَبْعَثُ اللَّهُ رَسُولًا ۱۳۳ إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْدَةِ

الاضغرة آیا این شخص است آنکه خدا میفرستد پیغامبر فرستادش هر آینه نزدیک بود که گمراه از پیشتش خدایان ما

مگر سخره (گویند) آیا این آنکس است که فرستاده اند از رسول (هر آینه) نزدیک بود که گمراه کن ما از معبودان ما

لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۱۳۴ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرُونَ الْعَذَابَ أَبَ ۱۳۵

اگر نه آن بودی که شکیبایی کردیم بر آن دو خاستند و است چون به بینند عذاب را کیست

اگر ما استوار نمی بودیم بر آنها و آینه دانند و قتی که بینند عذاب را کیست

أَضَلُّ سَبِيلًا ۱۳۶ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۱۳۷ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ

غلط کنده همراه را آیا دیدی آنرا که گرفته است خدای خود خواجش نفس خود را یا تو میروی بسوی

گم شده تر از راه آیا دیدی آنرا که گرفته معبود خویش هوای خود را آیا تو هستی بر روی

وَكَيْلًا ۱۳۸ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۱۳۹ إِنْ هُمْ إِلَّا

آینه یار یا می پنداری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می نهیند نیستند ایشان را

اضامن و کلیمان) بلکه آیا می پنداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند نیستند ایشان مگر

گویند اختلاف زیاد است در وجه السانی احوال زیاد نقل کرده نگاشته است

كَلَّا نَعْمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ١ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ ذِي الْفُلِّ الْكَافِرِ ٢

باز چاره پاپان بلکه ایشان غلط کنند خنجر راه را آید ندیدی بوی پیر و کار خود چگونگی دراز کرد سایه را و اگر

سَاءَ لَجَعَلَهُ سَاقِيًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ٣ ثُمَّ قَبَضْنَا يَدَنَا

باز گشت کرد اندیدی آنرا از سید باز بر گشتیم آفتاب را بروست راه نماند باز فرما گفتم مایه را بوی خوش

قَبْضًا يُبَسِّرًا ٤ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا ٥

باز گرفت آنرا آسان و دوست آنکه ساخته برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و

جَعَلَ لَهَا تَتَحَفًا ٦ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَدٍ يَدْعَىٰ رَحْمَةً ٧

ساخت روز را وقت برخاستن و دوست آنکه فرستاد باد ببارا مرده و پندیده پیش رحمت خویش

وَأَرْسَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ٨ لِيُنْزِلَ فِيهِ بِلَدًا مَّعِينًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا

فرود آوردیم از آسمان آب پاک را تا نازل سازیم بآن آب شسته مرده را و تا بوشانیم از آنچه

خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَبِيرًا ٩ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِ لَكُم مِّن دُونِ آلِهَاتٍ

آفریده ایم چهار پاپان را در مردم بسیار را و هر آنچه گوناگون بیان کردیم پند در میان ایشان تا بیندیشند پس قبول کنند

أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا أَكْثَرًا ١٠ وَأَوْسَيْنَا الْبَحْثَ فِي كُلِّ قَرْيَةٍ ثُمَّ بَرَأْنَا ١١

بیشترین مردمان مگر ناسپاسی را و اگر خواستیم میفرستادیم در هر دیه ترساننده پس

طُغِيَ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ فِي جِهَادٍ كَبِيرٍ ١٢ وَهُوَ الَّذِي يُجِبُ الْغَيْثَ

زبان مبر کافران را و جهاد کن بر ایشان بجهاد بزرگ و دوست آنکه در آید غایت و در بار

هَذَا آتِ بَرَاءَتٍ ١٣ وَهَذَا أَمْلٌ حَاجِرٌ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم بَرْزَخًا وَجِجْرًا

این یک آب غیرین و این بختی است و آن دیگر شورید مزه و ساخت میان هر دو و حجابی و مده

وَجَعَلْنَا فِيهِ رِجًّا وَنُفْرًا ١٤ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ السَّمَاءِ بَشَرًا مِّمَّا وَصَّوْرًا ١٥

و دوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس ساخت او را خداوند لب و دما دی و هست

رَبُّكَ قَدِيرٌ ١٦ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ١٧

پروردگار توانا و می پرستند بجز خدا بجز خندا بجزی را که نفع ندهد بایشان و ضرر نرساند بایشان و

كَانَ الْكَافِرُونَ عَلَىٰ رَيْبٍ مِّنْهُ ١٨ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ١٩ قُلْ

هست کافر بر خالفت پروردگار خود یعنی پندیده و فرستادیم ترا مگر بشارت و پندیده و ترساننده بگو

مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّبِعُنَا إِلَىٰ سَبِيلٍ ٢٠ وَتَوَكَّلْ

منی طلب از شما بر هیچ کس و آنچه میزد یعنی هر که خواهد که پیروی پروردگار خویش گوید و توکل کن

و اما یعنی بدست
نیل از طلع آفتاب
یا در اول روز ۱۲
و اما یعنی هر صفت
که آفتاب آفتاب میکند
میرود ۱۲
تفسیر غمائی
ع از جمیع طلوع
آفتاب هر جای
است از حق تعالی
آفتاب را می گذاشت
که طلوع کند پس
و اما می نمود مگر او
بقدرت خود آفتاب
را بر آورد و کما بساط
و یعنی از آن آغاز شد
و مایه تدریجی میگردید
اگر نمی بودی مردمان
سایه را قطعاً نشان میداد
زیرا هر چیزی بود و ضد
خوشه ساخته میشود
چنانکه گفته شده و
بعضی از این لایحه
در نقل را می بین
علیه السلام
این یوم القیامه من
الغیر الله یا تبارک
و تعالی ۱۲
تو این است که مومن
را بر ایمان و عده
خداوند قیامت بشارت
دهی و کافران و بدکردار
آن را از تناسخ و
انجام دهم آگاه کنی
کسی قبول کند یا نکند
ترا نقی نباشد زیرا
تو از آنها مژدنی خواهی
که در غیر فتن نشان
مترانند از ضیاع
آن باشد بلکه معصیت
این است که مردم با
اختیار خود بپیش
خداوند برآید راست
پروردگار بپایند
فرقی ندارد که آن را
مزد گویند یا نگویند ۱۲

والماتين تواضع برش
 غالب است ١٢
 تفسیر عثمان
 معنی مشارکان
 بزرگ و یا فقه
 بانی آسمانی که
 فرشتگان آنرا
 نظارت میکنند و
 یا ممکن است
 منازل
 دوازده گانه
 آفتاب براد
 باشد که
 بیت داتان
 بیان کرده اند حضرت
 شاه صاحب میوه
 آسمان بدو داده
 حقه تقسیم است و هر
 یکی را به برج گویند
 و نشانه هر یکی را
 است این عدد در
 برای حساب مقرب
 کرده است و در
 القرآن آمده افزون
 و کاستن و یا آمدن
 و رفتن را مختلف
 فرموده و یا طلب
 این است که بی
 عوض دیگری بخواهد
 است مثلاً اگر کار
 روزانه آنرا بش
 انجام میدهند و اگر
 و بیع شیب یا قیام
 آنرا بر روز جاری
 نمایند که در فی
 مع بنده گان خدا
 مانند مشرکین از
 شنیدن نام در حق
 نفرت می کنند بلکه در
 هر گفتار و کردار خود
 اظهار بندگی مینمایند
 از رفتار و کردار آنها
 تواضع و مناسبت خاک
 و بی تعلقی آشکار می
 و تا شکر برین بر زمین
 خرامان خرامان راه

عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَيِّدٍ مُّجْدٍ وَكَفَىٰ بِهِ يَدُ نَوْمٍ عِبَادِهِ
 و بیایک یادکن همراه مستایش او پس ست و ستی بنایان بندگان خویش
 و بیایک یادکن همراه مستایش او و کانی جز او راست: اینان بنده گان خود
 خَبِيرًا ۝ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ
 آنکه بیاورید آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
 آنکه آفریده آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
 ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمٰنُ فَسَبِّحْهُ بِحَمْدِهِ ۝ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ
 اوست بر عرش او خداوند رحمت بزرگ است پس برین حال وی را از بندگی و چو گفتند بندگان
 اسْجُدْ وَارْتَضِعْ لِرَبِّكَ ۚ قَالُوا اَوْعَا الرُّحَمٰنُ اَسْجُدَ لِمَا تَارَءُ مِنْ اَوْزَادِهِمْ تَعَزَّوْا
 که سجده کنید و رخصت را سخن آید که بجز من را نه نویسنده ای باده زیاده کرد این سخن در حق این میگوید
 که سجده کنید و رخصت را سخن آید که بجز من را نه نویسنده ای باده زیاده کرد این سخن در حق این میگوید
 تَبٰرَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا ۝
 بزرگوار است آنکه ساخت در آسمان برجهارا و ساخت در آن چراغ را این آفتاب را و ماه را روشن اوست
 و هر که بزرگ است آنکه ساخت در آسمان برجهارا و ساخت در آن چراغ را این آفتاب را و ماه را روشن اوست
 وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ الْبَيْلَ وَالْهَمَارَ خَلْفَ الْيَمَنِ ۚ اَرَادَ اَنْ يِّنْ كِرَآءًا اَرَادَ
 آنکه ساخت و در روز جانین بگذرد بر آسمان که خواهد پند گرفتن یا خواهد
 و اوست آنکه ساخت و در روز مختلف و خلف از یکدیگر عده برای آنکه خواهد پند گیرد یا خواهد
 تَشْكُورًا ۝ وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِينَ يَكْنُتُونَ عَلَى الْاَرْضِ هَؤُلَاءِ
 شکر گذاری کردن و بندگان خدا آنانند که میروند بر زمین یا بستگی دل و چون
 شکر گذاری را و بندگان رحمن آنانند که می گردند بر زمین یا بستگی دل و چون
 خَاطِبُهُمْ الْجَاهِلُونَ قَالُوا اَسْمَاءُ ۝ وَالَّذِينَ يَبْدُوْنَ كِرَآءًا
 سخن گویند بایشان نادانان گویند سلام بر شما باد و آنانکه شب میگردند بر آسمان پروردگار خویش سجده کنان و
 خطاب کند ایشان را نادانان را و نادانان شب میگردند بر آسمان پروردگار خویش سجده کنان و
 قِيَامًا ۝ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۚ اِنَّ
 قیام کنان و آنانکه می گویند ای پروردگار ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
 قیام کنان و آنانکه می گویند ای پروردگار ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
 عَنَّا اِنَّهَا كَانَتْ عَزَامًا ۝ اِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّ مُقَامًا ۝ وَالَّذِينَ
 عذاب دوزخ لازم شونده است هر آینه دوزخ بد آرام گاه است و بد مقام است و آنکه چون
 عذاب دوزخ است شدید لازم (هر آینه) دوزخ بد جائی لغو و بد جائی اقامت است و آنکه چون
 اِذَا الْاَفْقَارُ الْمَيْسِرُ فَوَاوْلَهُ يَقْتَرُوا وَ اَوْكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ۝ وَالَّذِينَ لَا
 خرج کنند اسراف نه نمایند و مکی بکنند و باشد عطاء ایشان میان جابین معتدل و آنانکه نمی پرستند
 خرج می کنند اسراف نمی کنند و مکی بکنند (در خرج) و باشد میان اسراف و مکی معتدل و آنانکه نمی پرستند
 يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ اِلَّا بِالْحَقِّ
 با خدا معبود دیگر را و نمی کشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا مگر بحق
 یا الله معبود دیگر و نمی کشند آن نفسی را که حرام گردانیده (الله) نفسی بحق
 وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ اَثَامًا ۝ يُضَعَّفُ لَهُ الْعَذَابُ اَبَدًا ۚ
 و آنانکه زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب دوزخ و آنکه زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب دوزخ
 و نمی کشند زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب دوزخ و آنکه زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب دوزخ

و نمی روند چنین نیست که از زیاده و نقصانند مریدان قدم می بردارند بیک رفتار آن حضرت علی الله علیه و سلم که در حدیث منقول است چنین رفتاری را تأیید نمی کند ۱۴

الْقِيَمَةُ وَيُحْمَدُ فِيهِ مَهَانَةٌ ۖ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

بیمت و جاوید ماند در آن ذلین مگر آنک توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته نمود

فَأُولَٰئِكَ يَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ط وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ١٠

پس ایشان را قید ملی کند الله سبحانه بدیهای ایشان را به شیعی با و همت خدا آمرزنده مهربان و

من تائب وعمل صالحاً فإنه يتوب إلى الله متاباً ۝۱۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

که گوید کند و کند کار نیک پس (هر آئینه) وی رجوع می کند بسوی الله رجوع کردنی از بندیده شده و آنکه

ای دروغ نمیدهند و چون بگویند بر میخیزد بگذرند بروش بزرگان و آنرا نگویند و داد و میگردانند را

فرخی شوند بیکار باطل (به شبهات و دروغ نمی دهند) و چون بجزر و بنجند پیچیده بگردد و بر کمانها ۵۰۰ دانگ جان چند داده شوند

یادت پروردگار ایشان کرد و گویند که آنوقت در شرف این آں و آنانکه می گویند است پروردگار ما به بخش

آیات پروردگار ایشان را یافتند بر آنها بطور اکران و کوران و آنجا که می گویند اے پروردگار ما بخش

لَا مِّنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فَرَّةً أُعْطِينَا

از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم و بکن مارا پیشوائے متقیان آنگاه
از زنان ما و از فرزندان ما خنجر چشم و بکن مارا برای زدن کافران پیشوا آنگاه

وَبَكَرْدَانِ مَارَا بَرَايِ پَرَمِيزِ دِلْدَانِ بِيَشَوَا آنِ گَرُوْدَه

داده شود ایشان را محل بلند بمقاله آنکه صبر کردند و بر خور اسیده شود ایشان را آنجا بد علای خیر و سلام جاویدان بخا
ش داده شود ایشان را بالا خانه به صعب آنکه صبر کردند و ملاقات کرده شود ایشان در آنجا بد علای و سلام جاوید بخند و در آن

سَنَتِ مُسْتَقَرًّا أَوْ عَمَلًا ﴿١٧﴾ قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ إِلَيْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ

ت نیل آرام گاه است و نیل مقام است بگو با قدری شمارد شمارا پروردگار من اگر نداشت عبادت شایس هر آینه
جائے تقدیر است و نیل جای اقامت است بگو بروائی کند بشمار من اگر نداشت عبادت شمارا (والله اعلم) پس آید

وَرَوَّاعٍ ذَا رَعٍ يَخْلُدُ عَلَيْهِ الْعُشْرُ ۚ لَئِنْ لَمْ يَرْكَبْهُ لَأَخْلَقَنَّ لَهُ أَشْقَىٰ ذُلًّا مِّمَّا يَتَلَوُّهُ ۚ

تکذیب نکردید پس زود است که باشد (جزای) تکذیب لازم

بنیام قداے بخشایند منزل الرحیم

غازی کنم به نام خدا اینک بے اندازه مهربان نهایت بارحم است

این آیات کتاب روشن است
شاید تو ملاک گرفته خیریت را به سبب آنکه

این آیت های کتاب روشن است و ظاهر کننده حق (شاید تواند بین کننده (هلاک کننده) نفس خود را باز کند

ان کسانوں علیہم من السماء آية فصلت اعناهم

وَكَأَيُّ يَتِيمٍ مِّنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمٰنِ مُحَمَّدٌ شَاكِرٌ

و می آید بدیشان پنج پندے از جانب پروردگار ایشان نوید می آورده مگر می باشد
 (از القیاد کنندگان) و می آید بدانان پنج پندے و نوید آورده حاضر و محض

کرد اگر انجا بخوید و خود را بزرگ بشنوید و در پیشگاه عظمت حضرت او سر اعات فرود نیاورید آنجا برای سر که کار از تبار شد که غنیه

مردمان را به سرزمین و پدر را بر سر سرزمین و در بینگاه صفت حضرت او سر اعلات و میا و دید آنگاه برای سر که کلا از قیاس بشد که عفت و ربه

صلى الله عليه وسلم بنده گرفتن
بنی اسرائیل گفت بود
پس هم چنین پرورش
کردن که بآن قدرت
بود گفت بنیان نهاده
تفسیر عثمانی
آنها را تنها از آگاهی
اعراض می نمودند بآن
تأذیب و استهزا هم
می کردند پس غرض
دردنیا و آخرت
سزای کردار
بای خود را خواهند
یافت و در آن وقت
حقیقت چیزیکه بآن
تسوی می کردند برآید
شان آشکار خواهد
شد. عده اگر این
کذبین بر احوال نیز
پیش یا افتاده شان
نوری کردند برآید
حصول معرفت پیدا
و معاد کافی بود و آگاهی
ببینند که ازین خاک
بیت و حق در تحت
یک نظام استوار
تجوی چه گلهامان
رنگ رنگ و انواع
واقفانند و دیو
باید دیدی آید آیین
دلیل بران نیست که
صانع قدرت و
حکمت بی انتها دارد
و زمام دود و حقیقت
اوست این چنین بر
روقی را بهر یگوئیند
و زینت بخشیده است
و تمنا و تعلل است
که هر وقتی بخواهد آفرین
و بران بداند و براتی
دو باره آباد نماید بنده
علیه بعد از اینکه این
آیات تکیه خوب
ضبطه شود برآید
تصدیق آیات شریحه
اشکالی باقی نمی ماند
آری اگر کسی نخواهد که این آیت را بپذیرد آن سخن جدا گانه است ۱۲

عَنْهُ مُعْرِضِينَ ٥ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٦
ازان روگرداننده پس ثابت شد که ایشان دروغ می کردند پس خواهد آمد بایشان بامصدق و غده که بآن
ازان روگردانندگان پس (بدرستی که) تکذیب کردند پس زود آید بایشان خبرهای آنچه
بسته هیزون ٥ اُولَئِكَ يَرْوُّوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَأْتَنَاهُمْ مِنْ كُلِّ قَرْيَةٍ
سخن می کردند آیدند اند بسوسه زمین چه قدر رویانیدیم در اینجا از هر جنس
استهزای کردند عده آیدند بزمین که چه قدر رویانیدیم دران از هر جنس
گرم ٥ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ يَعْلَمُ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٥ وَإِنَّ رَبَّكَ
نیک هر آینه درین ماجرا نشانده است و نیتند بیشترین ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو
مستند به (هر آینه) در این (رویانیدن) نشانده است (بمال قدرت) و نیست اکثر ایشان یقین کنندگان عده
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٥ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنِ اتَّبِعْ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
همان است غالب مهربان و آنگاه که آواز داد پروردگار تو موسی را که بیا پیش کرده است کاران
همان غالب مهربان و چون ندا کرد پروردگار تو موسی را که برو پیش قوم ظالمان
قَوْمَ فِرْعَوْنَ ٥ أَلَيْسَ لِقَوْمِهِمْ آلٌ يَتَّقُونَ ٥ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ٥
بیابیش قوم فرعون آیا بر میزگاری نمی کنند گفت اسے پروردگار من هر آینه من سے ترسم از آنکه دروغ می گویند مرا و
به قوم فرعون آیا نمی ترسند گفت اسے پروردگار من (هر آینه) من می ترسم از آنکه تکذیب کنند مرا و
يَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ ٥ وَلَوْ كُنْتُ
تنگ شود سینه من و جاری نمی گردد زبان من پس بفرست بر من فرست بسوسه بآوردن و قوم فرعون را
تنگ میشود سینه من و روانی ندارد زبان من پس بفرست بر من فرست بسوسه بآوردن و هست ایشان را
عَلَيْكَ ذَنْبٌ فَخَافُ أَنْ يُقَاتِلُونِ ٥ قَالَ كَلَّا فَإِذْ هَبْ بَايِتَنَا الْأَمْعَاكُ
بر من گناه است پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین باشد پس برود برید بکشتنهای ما هر آینه ما را
بر من و دعوی گناه پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین است پس برود برود و آیت های ما گرفته در آینه ما را
مُسْتَمِعُونَ ٥ فَاتَّبَعَ فِرْعَوْنَ قَوَّالًا تَارِسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥ أَنْ
شنونده ایم پس بیایند بفرعون پس بگویند هر آینه افرستاده پروردگار عالمیا ایم یا من پیام که
شنونده هستیم برزید برود بفرعون پس بگویند افرستاده پروردگار عالمیا ایم یا من پیام که
أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ٥ قَالَ أَلَمْ تُؤَمِّرْهُمْ فِينَا وَلَيْدًا أَوْ لَبِثْتَ فِينَا
بفرست همراه ما بنی اسرائیل را گفت اسے موسی آیا پرورش نکردیم نزد ما میان اهل خویش در حال طفلی و درنگ کردی
بفرست با ما بنی اسرائیل را گفت فرعون آیا پرورش نکردیم نزد ما خانه خود مثل پسر در حال طفلی بودی و نگذاشتی در میان ما
مِنْ عَمَلٍ لَّسِنِينَ ٥ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ
از عمر خود سالیها و کردی آن کردار خود را که از تو بعمل آمد و تو از ناسپاسان داندگانی
از عمر خود سالیها و کردی آن کرده خود را که کردی حال آنکه تو از ناسپاسانی
قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ أَوَّأْنَا مِنَ الْظَّالِمِينَ ٥ فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَكَّلْتُ
گفت کردم آن کردار آن گناه و من از کربانان بودم پس هر چه از پیش شما چون بفرستیدم از غیبت شما پس عطا
گفت (موسی) کردم آن کار را آن وقت در حالیکه از خطا کنندگان بودم پس هر چه از شما چون بفرستیدم از غیبت شما پس عطا
لِي بَنِي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ٥ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَسْمِيهَا عَلَىٰ أَنْ
مرا پروردگار من دانش و سزاختم مرا از پینا بران و آید این نعمت است که منت می نهد بر من که
مرا ب من حکم و مقرر نمود مرا از مرسلین و آن نعمت است که منت می نهد بر من که
حَكَمْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ٥ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ٥ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ
بنده گرفتی بنی اسرائیل را گفت فرعون و چیست پروردگار عالمیا گفت موسی پروردگار آسمان و
نظام ساخته بنی اسرائیل را گفت فرعون چیست رب عالمیان گفت (موسی) پروردگار آسمان و

وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا ۖ إِنَّ كُنُوتَكُمْ مُوقِنِينَ ۝ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمِعُونَ ۝

و ازین و آنچه در میان اینهاست اگر یقین آورده اید گفت فرعون آنرا از کوهی او بودند ایامی شنوید
و ازین است و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین کنندگان (یقین کنید) گفت فرعون آنرا از کوهی او بودند ایامی شنوید

قَالَ رَبُّكُمْ وَآبَائُكُمْ الْأَوَّلِينَ ۖ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ

گفت موسی برب شما و رب پدران پیشین شما گفت فرعون (هر آینه) تو که فرستاده شده بپوشیده شدی

سَجُونٌ ۝١٨ قَالَ رَبِّ الشَّرِيقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝١٩

گفت موسیٰ اوست رب مشرق و مغرب و آنچه در میان آنهاست اگر عقل و دلید (باین سخن ایمان بیارید) عجب

قال لين اتخذت الها غيري اجعلك من المسجونين قال اولاد

گفت زان (فهم است) اگر آفرایری معبودی غیر از من (به راستی) بگرداغم ترا از جوسین گفت موسی آیانندی میکنی

جنتی کسی کہیں کہ قال فات بہ ان کنت من الخدایین قالے
اگرچہ میرا دم پیش تو پتھر کے روشتوں را گفت پیاد آنرا اگر از راست گویا ہے پس ہاں دست

و اگر چه بیارم نزد تو چیز ظاهر کننده (مخبره روشن) گفت فروغ بیار آنرا اگر هستی از راست گویان پس انداخت

قصه واداری لعلان بکین و در پیدای او اهی بیتاء للظربان

قصه بود در این ناگهان وی از دای آستکار ایو ویر آورد دست خود را پس ناگهان سفید بود برای بینندگان

فوت فرغان بجای که گمانی اود بود هر آینه این شخص جادو گر گیت دانا میخواست که بیرون کند سهار الف زمین برشا

عقل و دین و پسر دارایی کرد او بودند (پیر آینه) این شخص چادو گریست عالم میخا که بیرون نهند شما را از وطن شما

فقد پس چه میفرماید مرا گفتند به خون دارا در او و برادرش را و یقینست در شهر

حَشْرِينَ ٣ يَكُونُ كُلُّ نَفْسٍ رَاغِبَةً فِي سَكَنِهَا ٤ فَيُجْمَعُ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ٥

تایبادتہ پیش نوہر جادو گر دانارا پس جمع کردہ شد مسا حانرا میعاد روزے میں
مخلف کفران را تا بیا رند نزد تو هر جادو گر بزرگ عالم را پس جمع کردہ شد جادوگران بوعده روز معلوم

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ۖ لَعَلَّكُمْ أَنْتَبِهُوا ۖ إِنَّ كَانُوا هُمْ

ایات شامق خوندن ایدر کف شمانیز جمع شویبار ایدر کف مایر روی کینم سحران کینم اگر ایشان
ایات شامق خوندن ایدر کف شمانیز جمع شویبار ایدر کف مایر روی کینم سحران کینم اگر ایشان

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَمَّا كُنَّا خُ

پس چو آمدند جادوگران گفتند فرعون را آیا بتیق مار باشد مزوی اگر باشیم

عليين ٨ قال نعم وانكم اذا بين المشرقين ٩ قال لهم موسى

گفت زعفران بیله وهر آینه شما آنوقت التیاز مقرران باشند گفت برای ساحرین هست

فَمَا أَتَى الْقَوْمَ فَهَوَّنَ ① وَأَلْفَوْا حِبَالَهُمْ وَرَدَّوْهُمُ إِلَى قَوْمِهِمْ وَوَقَّوْا ابْعِزَّةَ وَفَكَّوْنَ

پس انکند در یسا بهائے خود و عصای خود و گفتند باقبال (وقت) نوبت

از کارهای اینکست ناموفق تعیین کردن به آنان حاصل نشود.

فرعون دید و
دالته میخواست اعوان
مسند را برپا نهد بر سر
ایکوار کین و دالته خود را
برانگیزد و سخنان موسی
علیه السلام را بسبک
و اغوغ کند گفت مایا
می شنوید که موسی چه
سخنان میگوید و میبینی
می گوید ای کسی از شما
تصدیق میکند که غیر از
من دیگری پروردگار
آمان دزمین باشد؟
عبد حضرت موسی
علیه السلام بهمان سخن
را بیان نمود، حضرت
ابراهم علیه السلام
آخر به نزد گفته بود
یعنی سبب التماس گرفت
که مالک مشرق مغرب
است و ندیده طلوع و
غروب همه سیارات
را مطابق یک نظام محکم
و استواری نداید اگر
شما یکی عقل داشته
باشید گفته میوانید
که نگردد اندیشه این
نظام عظیم الی ان جز
خدا دیگری نیست آیا
کسی قدرت و قوت دارد
که در نظام برپا کرده
او بر ای یک شانیه غفل
اندازد و باقی تبدیل کند
فرعون چون این سخن
آخری را شنید مبهوت
گشت و از بخت و حال
صرف نظر نموده به تهنیت
و ترهیب آغاز کرد
چنانکه بعد از این می آید
حضرت شاه صاحب
می نویسد که حضرت
موسی برای نشان
دادن قدرت خدا همان
یک سخن را به امرات
مختلعه سحرآمیز نمود و در
انتهای حال فرعون

قُلْ لَهُمْ أَيْمَانُكُمْ تَعْبُدُونَ ۝ مِّنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكَ أَوْ

گفتند شود بایشان بجاست آنچه می پرستیدید بخدا
آیا نصرت میدهند شما را یا

يَنصُرُونَ ۝ فَكَيْبَرُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۝ وَجُنُودُ ابْلِيسَ

خدا انتقام می گشتند
استقام می کنند برای خود را نگاه میدهند خود را از غلبه ایس بر روی انداخته شوند در آن جهان و گمراهان (پسندگان ایشان) و لشکرهای شیطان

أَجْمَعُونَ ۝ قَالُوا أَوْ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۝ تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ

همه یک جا گویند و ایشان
همه گویند (گمراهان) در حالیکه ایشان در دوزخ حضورت می کنند

مُبِينٍ ۝ إِذْ سُورِكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَمَا أَضَلُّنَا إِلَّا الْبُحْرَمُونَ ۝

ظاهر
ظاهر

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ ۝ وَلَا صِدْقٍ حَمِيمٍ ۝ فَلَوْ أَن لَّنَا كَرَّةٌ

پس نیست از اینج شفاعت کننده و نه دوست مهربانی کننده
پس نیست از اینج کس از شفاعت کننده گان و نه دوست مهربان (در حق شریک) عه پسران علی و دی اما یکبار باز گفتی (بدینا)

فَنَكُونُ مِنَ السُّومِيَّينَ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

پس شویم از سگمانان
پس می شدیم از مومنان (دهر آینه) درین اجراء است و تعینند اکثر ایشان

مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْغَيْرِ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ

سگمانان
مومنان

الرَّسُلَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ

پیغامبران را
پیغمبران را

رَسُولٌ مُّبِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ وَمَا أَمْرُكُمْ عَلَيَّ مِنْ

برائے شما پیغامبران است
برائے شما پیغمبران است

أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝

مزد من نیست
مزد من نیست

قَالُوا أَنُؤْمِنُ بِكَ وَاتَّبَعَكَ إِلَّا ذُكُورًا ۝ قَالَ وَمَا عَلَيَّ بِمَا كَانُوا

گفتند آیا ایمان آوریم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند مفلک گان
گفتند آیا ایمان آوریم بر تو حال آنکه پیروی کرده اند مفلک گان

يَعْمَلُونَ ۝ إِن حِسَابَهُمُ الْآخِرُ ۝ وَكَانُوا بِطَارِدٍ

ی کردند
ی کردند

السُّومِيَّينَ ۝ إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قَالُوا الْبَيْنُ لَكُمُ تَنْتَهُ يَنْوَحُ

سگمانان
مومنان

مُؤْمِنِينَ ۝ إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قَالُوا الْبَيْنُ لَكُمُ تَنْتَهُ يَنْوَحُ

سگمانان
مومنان

مُؤْمِنِينَ ۝ إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قَالُوا الْبَيْنُ لَكُمُ تَنْتَهُ يَنْوَحُ

سگمانان
مومنان

پرستان و تمام لشکر
ابلیس برود و دوزخ
بر روی انداخته شوند
چون مرا بخندند بازم
مجادله کنند یکی دیگری را
لزم قرار ده و بالاخر
همگان گمراهی خویش
اعتراف نمایند و اقربا
کنند که حقیقت خطا و
گناهانی بزرگتر از آن
نماید که ما بهینان و
دیگر چیزها حقوق خلقی
داویم و آنها را ایستاد
عالمیان بر او برسانیم
و درین گمراهی شایسته
بزرگ پیروی کردیم
اکنون کدر من چیست
و رج گزینان من نمی
بهار ما میاید و نشیطاتی
بد ما میرسد بلکه خود
آنها میزد
دوخته شده
اند و کینه است
که بخشود خدای
تعالی شفاعت ما را
کنند یا اتقاد وستی
پیدا شود درین وقت
محبت و در ماندگی
محض با ما اظهار
دلسوزی و مهربوری
نماید راست است
الا خلاصه و مندر بعضی
لبعض عدل و انصاف
(از حرف رکع ۹)
عنه ترا چگونه توان
پذیرفت در حالی که
جزئی چند از مردمان
رفیق با تو رفیق و اقربا
نیست این گروه
پست که از روی ناپوش
با تو رفیق شده اند چنانچه
با تمام کارهای مومنان
غاصب گردید و فتن
و شرف ما اجاره نمی
دهد که در مجلس پهلوی
این سگمانان بنشینیم
گفت آنها را از پهلوی خود دور کن پس بلا داخل ندان که شرم من و طایفه خود را که عبادت از آنها نمایند شما را و انجام دادم تکمیل فرمائید این گروه شایسته من نیست ۱۲

تفسیر عثمانی
 که ازین عیش و سرور
 آرام و بانها ۱۸
 و پوستها ۱۱
 و چشمها و امانت
 اندوز خواست بود
 و از آن خانه بانه
 پر تعلق ز میانیک
 کوه باران خنده آنها
 بر پا کرد و باید باغها
 بنامه و باید آیین
 عمارت حکم و مکتب
 از عذاب خداست که
 خواهد داد و باید این
 خام را از سرگردان
 و از عذاب تباری
 سخنان را بپذیرد
 برای خیر و بهر دو
 می گویم که اگر تو
 پیغمبری و نسبت ما
 در میان تو و داری
 بخدا بگو چنان آتی
 بر ما بنام که از دیدن
 آن ما هم تسلیم کنیم
 سپس فرما بگو که
 کذبین ملک یک
 داده شتر بر آرد
 و چنین باشد حضرت
 صالح و ماکر حق
 توان بقدرت کامل
 خود این نشان بین
 میفرمود و از خود
 به در موضع القرون
 آمده است و تقدیر
 خدای تعالی و در اشیای
 حضرت صالح شتر
 داده از سنگ پدید
 آمد و آزادی گشت
 به جمل که برای
 چندی نیکو
 کردی و نشیند
 آب بر فرت هر
 مواشی از درم خورده
 و در می گنجینه و تنجو
 چنین خواهد داده شد که
 بنوبت یکروز شتر داده
 به حوض آب برود

وَمَنْ رَّبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۸ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهِمْ إِذِ

و هر آنکه بگوید که تو همان هست غالب مهربان در حق خود تکیه نمود و پیغمبران را
 و هر آنکه بگوید که تو دوست غالب مهربان تکذیب کردند تکیه نمود و پیغمبران را

قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَاتُفْقُونَ ۱۹ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ آمِينَ ۲۰

گفت بایشان برادر ایشان صالح آیا می فهمید
 گفت بایشان برادر ایشان صالح آیا می فهمید (هر آنکه) من شمارا رسول آمین

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۲۱ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عِلَّا

پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید و سوال نمی کنم از شما بر بلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر
 پس بترسید از الله و فرمان برید مرا و حق خواهم از شما بر بلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲۲ أَتُرْكُونَ فِي مَا هُمْنَا آمِينَ ۲۳ فِي جَنَّتٍ وَعَجُوبٍ ۲۴

پروردگار عالمیان آیا گمان می کنید در آنچه ایستادست
 پروردگار عالمیان آیا گمان می کنید در چیزهای که ایستادست آمین در باغها و چشمها

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضْبَةٌ ۲۵ وَتَنْجُوتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا

و درختها و خرماتانی که شکوفه آن نازک است و می تراشید از کوه ط خانه
 و درختها و غلاتی که شکوفه آن نرم و نازک است و می تراشید از کوه ط خانه با هر طرف

فَرَاهِينَ ۲۶ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۲۷ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۲۸

آشکارا شده پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید و اطاعت کنید حکم مبیاکان و از حد گذرند کارها
 در حالی که ما برید پس بترسید از الله و فرمان برید مرا و اطاعت کنید حکم مبیاکان و از حد گذرند کارها

الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ لَا يُصْلِحُونَ ۲۹ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۳۰

آنانکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند گفتند جز این نیست که تو از جاودزد گانی
 آنانی که فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی کنند گفتند جز این نیست که تو از جاود کرده شده گانی

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَاتِنَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۳۱ قَالَ هَذِهِ

تویی که می فرمادی مانند ما پس بیا نشان اگر از راست گویانی گفت این
 تویی که می فرمادی مانند ما پس بیا نشان اگر راست می گویان عه گشت (صالح) این

نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۳۲ وَلَا تَمْسُوهَا يُسُوءَ فَيَأْخُذْكُمْ

باده شتر است و برای یک نوبت آب خوردن است و شمارا نوبت روزی معلوم است و من گنبد را باید که از راهی کنید
 باده شتر است و برای یک نوبت آب خوردن است و شمارا نوبت روزی معلوم است و من گنبد را باید که از راهی کنید

عَنْ أَبِي يَوْمٍ عَظِيمٍ ۳۳ فَعَقَرُوهَا فَاصْبِرُوا إِنِّي مُبْرِئُكُمْ مِنَ الْعَذَابِ

عذاب روز بزرگ پس بکشد از آنها پس گنبد پریشان پس در گرفت ایشانرا عذاب
 عذاب روز بزرگ پس بکشد از آنها پس گنبد پریشان پس در گرفت ایشانرا عذاب

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۳۴ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ

هر آنکه درین امر نشان است و بنودند بیشترین ایشان را
 (هر آنکه) درین امر نشان است و بنودند اکثر ایشان را مومنان و در آئین رب تو دوست

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۳۵ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۳۶ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

غالب مهربان در حق خود تکیه نمود قوم لوط پیغمبران را چون گفت بایشان برادر ایشان
 غالب مهربان تکذیب کردند قوم لوط پیغمبران را و تکیه گفت بایشان برادر ایشان

لُوطُ أَلَّا تَتَّقُونَ ۳۷ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ آمِينَ ۳۸ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لوط آیا نمی ترسید هر آنکه من برائے شما پیغمبران را پس بترسید از خدا و فرمان من برید
 لوط آیا نمی ترسید (هر آنکه) من برائے شما رسول امانت کارم پس بترسید از الله و فرمان برید مرا

و روز دیگر مواشی مردم را بنام برده شود لعل با ماده شتر بیدی پیش میاید و در عذاب بزرگ نازل خواهد شد ۱۲۸

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٦

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٧

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٨

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٩

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٠

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١١

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٢

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٣

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٤

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٥

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٧

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٨

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٩

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

عده درین مقام
مردمان جهان محض
مرد بار احمد شہوت
رانی خود قرار داده اید
و با یکدیگر در میان یافتند
آن بیتی تنها شکر لایب
این فصل زشت و شہوت
عده این وعظ و نصیحت
را نگذاشت اگر آئین دہم
ارامین گفتار خود
از بیت نمودی ہر آئینہ
تر از این شہر بیرون
می گنیم قرعہ ماہ
آنان را خلع کردیم
و از آسمان سنگ باران
نمودیم تا یکبار تودہ
خاک گردیدہ فدا آنها
بہم مفعولہ در اعراض
و غیرہ گذشتہ
این کثرہ بیولید کرد
اصحاب ایکہ
عبادت از ہمان قوم
مدین است ایکہ
در فتنہ بود کہ این مردم
آزادی پرستیدند
بیان نسبت
اصحاب الایکہ
نامیدہ شدند و ہنوا
برین شعیب را یکبار
خوہم بتغییر لغزمو
زیر کہ اخوت اینبار
محض بر تعلقات قوی
و نسبی نہاداشتہ
اگر مدینہ گفتہ می
شد البتہ کلہم اقوام
مردمنی بود و چون
بعنوان اصحاب الایکہ
یاد شدند کہ اشارہ
بہ نسبت مذہبی نہا
ست لہذا اقوام
نامیدن شایان شان
حضرت شعیب ہوا
بہر حال مدینہ
اصحاب الایکہ یک
قوم است و شعیب
بطرف ہمین قوم نبوت

فل يعني آتش مثل
سائبان ظاهر شد و
پاک ساخت ١٢
تفسیر عثمانی
عنه خبر آن و خبر آن
آن در کتابهای سابقه
آسمانی موجود است
و انبیای گذشته
مسلمانان پیشگویی
کرده اند اگرچه در آن
آنها تحریف و تبدیل
زیاد بعل آمده با وجود
آن یک اندازه ازین
گونه خبر پیش گویند
تا به امروز هم
یافت میشود ١٦
داین مطلب در ١٣
نیز متوجه گرفت که
مضامین پیش ازین
قرآن اجمالا یا تفصیلا
در کتابهای سابقه
مندرج است خصوصا
قصص و توحید و
رسالت و صواب و غیره
مفصلین که همه کتب
سمادیه و انبیاء
مطابق بر این اتفاق داشته
باشد و این را در کتاب
کلامیه آن کتاب پیوسته
که قرآن پیش ازین در کتب
و صحائف آسمانی
داده شده بود چنانچه
بعضی افراد آنها را علانیه
و بعضی در محاسن
خصوصی خود با مرتضی
اقرار کرده اند و چنان
برین علم برنی از
انصاف پسندان
مسلمان شده اند
حضرت عبداللہ ابن
سلام و غیره الغرض
این اعتراف
و انشعابان
بنی اسرائیل برای
یک منصف فیسی
کردن طالب حق
باشند تا بی بزرگی

قَالُوا إِنَّا أَنْتَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ ١٠ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ كَاشِرًا

لَقَدْ جِئْتَنَا بِبَشَرٍ مِثْلِكَ ١١ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

الْكَذِبِينَ ١٢ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ١٣

قَالَ رَبِّنِي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٤ فَكَذَّبُوا فَخَذَّ عَنْهُمُ عَبْدُ اللَّهِ الظَّلْمَةَ إِنَّ

كَانَ عَدُوًّا لِلْبَاطِلِ ١٥ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن كَانَ أَكْثَرُ حَقًّا ١٦ وَمِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٧ وَإِنَّ لَكَ لَأُولِيَاءَ فِي الْقُلُوبِ ١٨ نَزَلَ بِهِ

الْفُرْقَانُ ١٩ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ٢٠ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ

مُبِينٍ ٢١ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ٢٢ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَأْتِيَهِمُ

بَنِي إِسْرَءِيلَ ٢٣ وَلَوْ تَرَىٰ كُنُوزَهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ٢٤ فَقَرَأَ عَلَيْهِمُ مَا كَانُوا

بِهِ مُؤْمِنِينَ ٢٥ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُتَكِبِينَ ٢٦ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٧

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٨ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٩

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٠ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣١

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٢ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٣

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٤ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٥

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٦ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٧

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٨ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣٩

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٠ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤١

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٢ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٣

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٤ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٥

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٦ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٧

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٨ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٤٩

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٠ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥١

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٢ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٣

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٤ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٥

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٦ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٧

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٨ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٩

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٠ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦١

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٢ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٣

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٤ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٥

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٦ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦٧

وَمَا تَنْزِيلُ يَدِ الشَّيْطَانِ ١٩ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيلُونَ ٢٠ اِنَّهُمْ

و فرود نیاوردند قرآن را شیطان و سزاوار نیست ایشان را و نمی گوانند هر آینه شیطانان و فرود نیاوردند قرآن را شیطانان و نشاید ایشان را و نمی گوانند (هر آینه) ایشان

عَنِ السَّمْعِ لَمْعًا ٢١ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ٢٢ كُنْ مِنَ

از شنیدن دور گردانند و پس بخوان با خدا معبود دیگری آنگاه باشی از از شنیدن (کلام ملائکه) دور کرده شد گانند پس بخوان با خدا معبود دیگری را پس بشوی از

الْمُعَذِّبِينَ ٢٣ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢٤ وَاخْفُضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ

عذاب گردان و بیم کن قبیله خود را و است کن بازو دانه خود را و است برائے آنگاه عذاب کرده شد گان و بر سران قبیله نزدیک تر خود را و است کن بازوی خود را برای آنگاه

تَبْعًا ٢٥ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٦ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِحْتُ مِمَّا تَعْمَلُونَ ٢٧

پیروی تو کردند از مسلمانان پس اگر نافرمانی کنند پس بگو بر آینه من بے حلقم از آنچه شما می کنید پیروی تو کرده اند از مومنان پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو (هر آینه) من بیزلم از آنچه شما می کنید

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ عُزِّ الرَّحِيمِ ٢٨ الَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ ٢٩ وَتَقْلُدُ فِي

و توکل کن بر غالب مهربان آنکه می بیند ترا چون بر می خیزی یعنی وقت سجده می بیند نشستن تو در میان و توکل کن بر غالب مهربان آنکه می بیند ترا و قیام بر می خیزی (برای) سجده و نشستن ترا (حرکات ترا) در میان

السَّجْدِ ٣٠ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٣١ هَلْ أَنْبَعَكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ

بجده گان گفتا هر آینه و بیان مست شنوا دانا آیا جز در هم شمارا بر چه کس فرودی آید بجده گان عده (هر آینه) ادبست شنوا دانا آیا طبر کفر شمارا که بر چه فرودی آید

الشَّيْطَانُ ٣٢ تَنْزِيلٌ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَنْبَاءُ ٣٣ يُكْفُونَ السَّمْعَ وَآكُثْرَهُمْ

شیطانان فرودی آید بر هر ده و گوئی گفتار می کنند گوش و بیشترین ایشان شیطانان فرودی آید بر هر ده و گوئی گفتار می کنند سخن شنیده را و اکثر آنها

كَذِبُونَ ٣٤ وَالشُّعْرَ آتَيْنَهُمُ الْغَاوُونَ ٣٥ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ

دروغ گویانند و شاعران پیروی ایشان می کنند گمراهان آماندیدی که ایشان در هر میدان دروغ می گویند و شاعران پیروی ایشان می کنند گمراهان (شاعران را پیروی می کنند گمراهان آماندیدی که ایشان در هر میدان

يَهْمُونَ ٣٦ وَأَلَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ٣٧ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

سرگردان شوند و آنکه ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنکه ایمان آوردند و عملها می سرگردان میشوند و این که ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنکه ایمان آورده اند و کارهای

الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ٣٨ وَسَيَعْلَمُ

ثابت گردند و ذکر خدا کردند بسیار و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظالم شدند و خواستند داشت ثابته کرده اند و ذکر کرده اند الله را بسیار و انتقام گرفتند بعد از مظالم شدند و اکنون خواستند داشت

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ٣٩

ظالمان که کدام جا پاد خواهند گفت ظالمان که کدام پهلوی گردند و کدام مرجع خواهند گشت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٤٠ وَتَسْبُحُونَ ٤١ وَتُسَبِّحُ

بنام خدا بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا اینکه بے اندازه مهربان نهایت بار حق است

طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابُ مُبِينٍ ٤٢ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٤٣

اینها آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برائے مسلمانان این آیت های قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برائے مومنان

و ما ینبی له شیطان
کلام ملائکه ١٩ و ما ینبی
تو از شنیدن ٢٠ و ما ینبی
از قیام بر کعبه و از نشستن
بجده ٢١ و ما ینبی
گدازان ٢٢ و ما ینبی
هر معنوی مبالغه می
گفتند ٢٣
تفسیر عثمان
ع پیش از سجده
اول اقارب خود را
تنبیه کن چه از حیث خبر
خواهی و دلسوزی حق
آنها مقدم تراست
و نیز طبعا صداقت و
حقانیت آدمی بذریع
مبالغه با تقدیرش آرزوی
دوستی و شیوه
موضع القرآن می نویسد
بجده می گویانند آیت
نازل شد آنحضرت
تمام قریش را دعوت
داد و بگوش آنها رسانید
حقی و دروغ و کجای
تو را آنگاه داد و گفت
من برای شما هیچ چیز
کرده نمی توانم خود شما
نگر عاقبت خود را بنهید
عده و قیام برائے
تجیدی خیزی و طهر
موسلین را میگری
که آیا آنها بیاد حق را
معرفت اند و با نفاق
رو می آید یا قیام برای
انظار آیت او می شوی
دور نماز جماعت
دو رکوع و سجود
دیگر افضل عبادت
مقتد یا نمازگزارانی
میکنی و بعضی سلف
گفت اند که در ساجدها
اهداد آنحضرت ۴
مرادند یعنی او آنحضرت
از صلب یک بنی به
صلب نبی دیگر مشتقل
شد با طریقی پیغمبر

عاقبة المفسدين ١٥ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْخَمْرُ لَكَ

آفرین مفسدان و هر آنچه دادیم داود و سلیمان را علم و گفتند سبایش آن خمار است

الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ١٦ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ

که فضل دادیم را بر بسیاری از بندگانش مؤمنان و وراثت شد سلیمان داود را

وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مِنطِقُ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ط ١٧

و گفت ای مردم دانایان ما گفتار مرغان و داده شد ما را از هر چیز

هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْبَيِّنُ ١٨ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ

این است فضل باین و حشیر گردید بر او سربازان لشکر بای او از جن و آدمیان

وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ١٩ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادٍ مُّثَلٍّ قَالَتْ نَحْنُ يَا أَيُّهَا

و مرغان پس این جماعت بعض را تار میدان بعض را ستاده کرده می شدند و گفتند ای سرور ما

الْمَثَلُ ادْخُلُوا مَسَكِنَكُم لَّا يُحِيطُ بِكُمْ سُلَيْمَانٌ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٠

مورچگان در آمد بجایگاه خود تا در هم نشاندند سلیمان و لشکر بای او نادانند

فَتَبَسَّ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

پس خندان لبخند کرد از گفتار مورچه و گفت ای پروردگار من الهام کن که مرا که شکر این نعمت تو کنم که

نَعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ آلِي وَالدَّيُّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ

ایام کرده من و پدر و مادر من و الهام کن مرا که بکارم کرد از شایسته که خوشنود شوی بان و در آور مرا بر نعمت خود

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ٢١ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَىٰ لِهَذَا هُدًى

در از راه بندگان شایسته خویش و باز جست احوال مرغان پس گفت چیست بمن که نمی بینم به بدر

أَمْ كَانُ مِنَ الْغَائِبِينَ ٢٢ لَأَعَذِّبَنَّكَ أَفَلَا أَدْرَأُكَ لِلنَّاسِ آيَاتِي

یا هست از غایبان و آفرینم عذاب کنم او را عذاب سخت یا تو نمی دانم او را باین مت که بیار پیش من

بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ٢٣ فَكَذَّبْتَ عُيُوبًا فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تَحْطُ بِهِ وَ

بخت ظاهر من تو گفت کرد نه مدت و در پس گفت در گفتم آنچه که در نه گفتمت بآن و

جئتُكَ مِنْ سَبَائِكَ بَيِّنِينَ ٢٤ إِنِّي وَجَدْتُ أُفْرَاةً تَسْلُكُهُمْ وَأُوتِيْتُ

آمدم تو از سبیل سبایچه باین را و آفرینم من یافتن کنده بادشاهی میگرد بر ایشان و داده شده است او را

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ٢٥ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

از من هر شیعه داد او را همه ست بزرگ یافتن که او و قوم او سجده می کنند

عنه برای اینکه
چشمهانی این
۱۶ باز شود و حقایق را
در پانصد و ایشان را
و قنای وقت معجزه با
ایشان داده می شد
ایشان می پنداشتند
که این همه جادو است
علائی که بدل یقین
داشتند که موسی
علیه السلام صادق
است و آیا نیکان
میدانند یا معجزات
غالی است جادو
و عقیده نیست مگر
محض بازی انصافی
و خود دیده و دانسته
بر خلاف غیر خود به
تکذیب حق امر او
از راستی انکار میکنند
در نتیجه پس از چند
روزی دریا گفتند
که انجم چنین مفسدان
صانع چگونه شد همه
را اسوان بحر ظنم
خود برود کسی را گورد
کعب هم نصیب نکشت
عنه حضرت سلیمان
پسر حضرت داود
علیه السلام است
الذی تعالی بر یک از
پادشاهان را افتخار
دی بهرزه مخصوصی از
علم عطا فرمود و تحت
لقد علم تمام علوم شریف
و احکام و اصول و
سیاست و حکمرانی
و غیره مندرج است
عنه از جمله پسران
داود علیه السلام
ماشهور اصلی است
حضرت سلیمان علیه السلام
بود که لشکر تعالی در
ذات وی نبوت و
پادشاهی هر دو را
مع فرمود ملک و

مطابق با اوست از آنکه پیش از او نبوت و پادشاهی را بر او می سپردند و چون پادشاهان را برای وی می سپردند چنانکه در سوره «سبا» می آید ۱۲-

بلکہ انہیں قدرتی کائنات کا ماحول کار میگرہ۔ شاید انہیں سبب، استخراج الخبث، البور، مخصوصی و ذکر فرمود اللہ اعلم۔

تَقْرُونَ ۝ اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَا تُبَيِّنْهُمْ بِحُجُودٍ ۝ اَلَا قَبْلَ لَهُمْ نَارُهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا

شاهان می فرمود باز رو بگو ای ایشان پس هر آینه بیابیم برایشان شکر باشد که طاقت نباشد ایشان را بمقابل ۲۰ و هر آینه سرور

کَذَلِكَ وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا اَلْأَيْمُنُ بِعَرِّهَا قَبْلُ اَلَا يَأْتُونِي

رو کرده و ایشان غار باشند و گفت سلیمان ای عزیزان کدام یک از شما می آرد پیش من بخت و در پیش ایشان از آن که می آید نزد من

مُسْلِمِينَ ۝ قَالَ عَفَرْتُ مِّنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِيكَ بِقَبْلِ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ وَ

مسلمان شده گفت عفره از جن من بیادش نزد یک تو پیش از آنکه بر خیزی از جایی خود و

اِنِّي عَلَيَّ لَقَوِيْ اٰمِيْنٌ ۝ قَالَ لِّدِيْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ اَنَا اَتِيكَ بِقَبْلِ

هر آینه من بر آن عرض توانا می آید و انا هم گفت صحیح که نزد یک او علم بود از کتاب الهی من بیادش نزد یک تو پیش

اَنْ تَرْتَابَ اِلَيْكَ طَرَفُكَ فَلَمَّا رَاَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِيْ ۝

از آنکه باز گردی بگو تو چشم تو پس چون سلیمان دید آنرا قرار گرفته نزد یک خویش گفت ای عفره عادت از فضل پروردگار است

لِيُبَيِّنَ لِيْ اَشْكُرُكُمْ اَمْ اَكْفُرُكُمْ مِّنْ شُكْرِكُمْ فَامَّا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ يَّغْفِرْ لَنَفْسِ

تا من نشانم آید که آیا شکر گذاری می کنم یا ناشکری می نمایم و هر که شکر گذاری کند پس جز این نیست که شکر گذاری میکند برای فائده نفس خود هر که ناشکری کند

غَنِيْ كَرِيْمٌ ۝ قَالَ نَذَرْتُ لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرَ اَتَهْتَدِيْ اَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِيْنَ لَا

بسیار از کم کننده است گفت سلیمان متوجه سازید برای امتحان این زن بخت و در آنجا بفرمایید آیا راه مستقیم را می پیماید یا بدیاری شود از آنکه

يَهْتَدُوْنَ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ اِهْذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَاَنَّهُ هُوَ ۝ وَاَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنَ

راه می پیماید چون بیاید بلیقوس گفت شد آیا هم چنین است بخت تو گفت گویا این همان است و داده شد مار ادانش بخت سلیمان

قِيْلَ لَهَا وَنَا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّاهَا مَا كَانَتْ تُعْبِدُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَلَمْ اَكُنْتُ مِنْ قَوْمٍ

پس از آنکه بفرمود و هم مسلمانان و بازداشت سلیمان آن زن را از آنچه عبادت می کرد بجز خدا هر آینه دی بود از گروه

يَفْرِقُونَ ۝ قِيلَ لَهَا اَدْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْ بِهٖ نَارًا ۝ وَكُفِّرَتْ عَنْ سَاقِهَا

از آن گفت شد بگو که در آنی باین گوشک پس چون بدید آنرا بچند استنشاق و چون آب و جامه برداشت از دو ساق خود

قَالَ اِنَّهُ صَرْحٌ مَُّرَدُّ مِنْ قَوْمٍ اَرَبْرَهَ قَالَتْ رَأَيْتِي ظَلَمْتُ نَفْسِيْ وَاَسْلَمْتُ مَعَ

گفت سلیمان این گوشه است بلیقوس گفت شد از پیش تو دیدم از این که بلیقوس گفت بلیقوس ای پروردگار من هر آینه من تم کردم بر نفس خود و انقاد کردم با

سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَى شُعُوْبٍ اَخَاهُمْ صَالِحًا اِنْ عِبُدُوا اللّٰهَ

سلیمان بر آنست خواهر پروردگار عالمها و هر آینه فرستادیم بگوئی نمود برادر ایشان صالح را که عبادت کنید خدا را

فَاِذَا هُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَكَذٰلِكَ نَرْسِلُ رُسُلَنَا بَيِّنٰتٍ ۝ وَكَذٰلِكَ نَضَعُ الْاَسْفَادَ

سلیمان را در آنکه رب عالمیان است و در هر آینه فرستادیم بگوئی نمود برادر ایشان صالح را به این که عبادت کنید خدا را

فَاِذَا هُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَكَذٰلِكَ نَضَعُ الْاَسْفَادَ

سلیمان را در آنکه رب عالمیان است و در هر آینه فرستادیم بگوئی نمود برادر ایشان صالح را به این که عبادت کنید خدا را

فَاِذَا هُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَكَذٰلِكَ نَضَعُ الْاَسْفَادَ

وَلَمْ يَزِدْهُمْ مِّنْهُ

علیه السلام خواست که

بلیقوس را معجزه نماید

و فعل جمال او در آن

نمایند اگر مناسب اند

بیکار آرد پس تدبیر

ساخت ۲۲

تفسیر عثمانی

عنه ناصد بر گشت

و به ملک خویشام

جنگ را رسانید

بلیقوس یقین گردید

که این شخص پادشاه

عادی نیست مافورا

خداوند بزرگی دقوة

بخشوده است جلیل

و قتال سودی نخواهد

بخشیده و حیل و زور

پیش او کار گزیده

می تواند بالآخر بغرض

اظهار اطاعت اعلی

یا سازد سامان زیاد

ردان شد تا بحضد

حضرت سلیمان علیه

السلام حاضر شود

چون ملک نزدیک

ملک شام رسید

حضرت سلیمان

یابان خود فرمود که

از من شما کیست که

پیش از رسیدن

بلیقوس تحت شلای

او را بخور من حاضر

کند و درین مقصود

حضرت سلیمان علیه

السلام این بود که

از چندین پرسو

عظمت و قوت

خدا داد خود را به

بلیقوس اظهار نماید

آنانا و بدانند که این

شخص تنها پادشاه

نیست بلکه دارا

یک قوت فوق العاده

باطنی نیز می باشد

(تنبیه از تبلی ان

فل يلقى مصائب
بروق قدر الهمجاري
بشود ١٢

تفسير عثمانی

عنه حضرت ملاح
عليه السلام بسیار
آنها را فرمایند و بهر
طریق از ایشان بپوشید
و تلقین نمود و بالاخر
تهدید عذاب داد پس
تو او را گفتند یا ملاح
انتها با قوتان گفت
من الصادقین ١٥

را عراف رکوع ١٢
یعنی اگر تو را استخوانی
عذاب الهی را بر ما
بیار تاثیر از کدام ره
گذراست با حضرت
صالح فرمود که ای
بدبختان! عجب است
راه ایمان و توبه نیکی
را اختیار نمی کنید کرد
دنیا و آخرت بفرشاید
آید بر عکس بطلب بدی
تجلیل می کنید - اگر
وقت بفرارند

تمام کسر شیخ بکسر شیا
خاندی یا بدستور
و فرصت است که اند
گنایان توبه کنید تا
محیط بانید - حیوانیه
و استغفار می کنید
که الله تعالی بخالت
عذاب بر شما رحمت
کند ١٥ از وقتیکه
قدم محسوس تو آمده و
بدین سخن با آغاز
کردنی ٢

مصائب خط
و غیره چهار
ششم و در هر ١٩
خارج جنگ و دعوی
شروع شده است
عنه این مصائب
و نواب از مصلحت
نیست بلکه از مصلحت
خود شمامت که الله تعالی

قَبْلِ الْحَسَنَةِ لَوْلَا اسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٢) قَالُوا أَظْهَرَ بَلًا

پیش از راحت چرا طلب آمرزش می کنید از خدا او در کم کرده شود بر شما گفتند مشکون بدرگرم از تو
پیش از نیکی چرا آمرزش می خواهم از الله تعالی بدستش را هم کرده خود ١٥

وَمِنْ مَعَكُمْ قَالَ ظَرَفَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّفْتَنُونَ ٣) وَكَانَ

و از آنانکه همراه تواند گفت مشکون بدستش نزد یک خداست بل شما قومی هستند که امتحان کرده می شود و بودند در حال
تفتن مثل بدرگرم بشود و بهر که باقت ١٥

الْمَدِينَةِ تَسْعَةٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ٤) قَالُوا

شهر تسع کف اوی کردند در زمین و اصرار می نمودند
شهر تسع کف اوی کردند در زمین و اصلاح نمی کردند گفتند

نَقَا سَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّنَنَّ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لَوْ لَيْسَ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكًا أَهْلَهُ

با یکدیگر قسم خورده که البته حق خون کیم بر صاحب و اهل خانه او باز البته خواهیم گفت و اوست او حاضر نزد یک وقت بلای شد
در خیال کردین خود قسم خورده بودند به الله که (هر آینه) چون می کیم بر صاحب و اهل دی باز بر آینه می گویم دعوی کننده (و اوست) او حاضر نزد یک

إِنَّا لَصَادِقُونَ ٥) وَمَكْرُؤًا مَكَرًا مَكْرًا مَكْرًا أَوْ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٦) قَالُوا

هر آینه ما راست گوئیم و بدستگاری کردند بنوعی از جمله و بدستگاری کردیم ما نوس از جمله و ایشان نمی دانستند پس بنگر
هر آینه ما راست گوئیم و ما عقده آنها یک فریب و ما صمیم یک فریب حال آنکه ایشان نمیدانستند پس بین

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُّكْرِهِمْ ٧) إِنَّا دَقَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ٨) فَذُكِّرُوا

چگونه بود سرانجام بدستگاری ایشان که با یک کردیم ایشان را و قوم ایشان را هر یک جدا پس این است
چگونه سرانجام خراب ایشان که در هر آینه با یک کردیم ایشان را و قوم ایشان را همه پس این است

بَيُّونُهُمْ خَاوِيَةً قَبِلُوا ظُلْمَ الْأَظْهَارِ فِي ذَلِكَ لَا يَبْهَتُونَ ٩) لَقَوْمٌ يَبْعَثُونَ

خائنانه ایشان حالی مانند به سبب قسم کردند هر آینه درین باجرا نشان است هر چه را که میدادند
خانه بانی ایشان خراب افتاده بسبب ظلم ایشان هر آینه درین نشانی است برای تو میک میدادند

أَنْجَبْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ٩) وَلَوْ طَرَأْذَقَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّا نُرَدُّ

نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرستش می کردند و فرستادیم او را طریقیون گفت قوم خود آیا پس می آید
نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و تقوی می کردند (و یاد کن) او را چون گفت قوم خود را آیا می کنید

الْفَاحِشَةِ وَأَنْتُمْ تُبْجَرُونَ ١٠) أَيْسَرُكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ

کار بے حیائی را و دشنامی ببینید آنها شای آید بر مردان باراده شهوت بجز
کار بے حیائی را حال آنکه شای ببینید آنها شای شتابید بر مردان از روی شهوت

النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ ١١) فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُو

زنان بلکه شما قوم نادانانید پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید
زنان را که داشته بلکه شما کرده نادانانید پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید

أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّزَيَّنُونَ ١٢) فَاجْهِنُوا أَهْلَهُ الْأَمْمَارُ

ای خاندان او را از رویه طریقی هر آینه ایشان مرسوم مالی طلبید پس نجات دادیم او را و اهل او را مگر زکشت
ای طوطا از مشبه خود (هر آینه) ایشان مردمانی هستند که مالی طلب اند پس نجات دادیم او را و اهل او را مگر زن او را

قُلْ رَحْمَةُ اللَّهِ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَرَبُّهُ يَتُوبُ عَلَى الذَّنْبِ ١٣) وَاصْطَفَى اللَّهُ خَيْرَ الْأُمَّةِ لِيُخْرِجَهُمْ

گو سبب خدا رحمت است و سبب بران بندگان او که برگزیده است ایشان را آیا خدا بهتر است یا آنچه مشرک می آرند
گو سببش است مرا الله را و سبب بران بندگان او که برگزیده است ایشان را آیا خدا بهتر است یا آنچه مشرک می آرند

عنه هزاران هزار
شکر و رضای راست
که مرادی و مبتدی
ساخت و تحقیق
مستحق توصیف و
ستایش تنها ذات
اقدس الهی
است و دیگر کرام
بر خوی و دیا
کمالی رسد ۳
از ان بارگاه قدس
میرسد عسل و شیرین
گذاشته اند که در حق خویشی
دید و بود و کام بنیان چین
تعبیر کردند که به بدست
یک شخص یعنی اسرائیل
سلطنت تو بریادی
شود و بنا بران
فرعون بطور حقیقت ما
تقدم این تدبیر احق
و ظالمان را سنجید
که بایستی اسرائیل
را بشیبه ضعیف گردان
تا بمقابل حکومت او
بیچ و عدل و حیرت
نفاشته باشند و
آینده تمام این اسرائیلی
که از بنی اسرائیل پیدا
شود باید بقتل برسند
تا بدین وسیله از
معیبت آینده جلوگیری
گردد و چون از
طرف دفران اندیشه
نیست لهذا باید آنها
زنده بمانند که چون
بزرگ شود مثل
کنیزان خدمت مارا
کنند و این کفرهای
نویسد که بنی اسرائیل
میں خود از یک پیشانی
صفت بر ما بر خیزند
علیه السلام صحبت
می نمودند که در ان خبر
داده شده بود به دست
یک جوان اسرائیلی
تربای سلطنت مصر
مقتدا است و گفته این سخن بگوش فرعون رسید و آن بے خرد از برای جلوگیری قفا او تدر این تدبیر ظلم و ستم جاری نمود ۱۲

أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۹ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّا

و فرموده شد آنگاه بخوانم قرآن پس هر که راه یافت پس جز این نیست که
و فرموده شد ام که بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

يَهْتَدِيَ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۱۰ وَقُلْ

راهی باید براسی نفع خویشتن و هر که گمراه شود جز این نیست که من از بیم کنند ۱۰
راه می باید بر نفع خود و هر که گمراه شود پس بخوانم قرآن نیست که من از بیم کنند ۱۰

أَحْمَدُ لِلَّهِ سِيرَتُكُمْ أَيْتُ تَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۱

ستایش خداست راست خواهد نمود شما را آیات خود پس بشناسید آنها و نیست پروردگار تو غفلت از آنکه می کنید
بهرستایش خدا نیز است و زود است که نشان دهد شما آیات خود را پس بشناسید آنها و نیست پروردگار تو غفلت از آنکه می کنید

سَوَاءٌ الْقَصَصُ وَنَبِيٌّ أَمْ لَا أَسْمِعُ الْكَلِمَةَ لِيَوْمٍ ۱۲

بنام خداست سخن بیاورد مهربان
آغاز می کنم بنام خداوند که بے اندازه مهربان نهایت با حق است

طَسَمَ ۱ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيِّنَا مَوْسَىٰ وَ

این آیت است کتاب روشن است بخوانم بر تو بعضی خبر موسی
این آیت است کتاب روشن است بخوانم بر تو بعضی خبر موسی

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۳ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

فرعون بر راستی برانگیخته گردید که باور می دارند هر آنچه فرعون
فرعون را بر راستی برای گردی که یقین می کنند و هر آنچه فرعون بگوید در زمین

جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهَا بَعْضٌ مِنْ أَهْلِهَا هُمْ وَ

راست با این آن را گروه کرده زمین می گرفت جماعت را از ایشان می گشت پس از ایشان را
گردانید این آنها گروه کرده مقهور ساخت یک طاغور از ایشان می گشت پس از ایشان را

يَسْتَضِيءُ مِنْهَا بَعْضٌ مِنْ أَهْلِهَا هُمْ وَ

زنده می گشت از ایشان را هر آنچه می بود از مضعدان و می خواستم که گفت فرعون و دیم
زنده می گشت و فرعون ایشان را هر آنچه می بود از مضعدان و می خواستم که گفت فرعون و دیم

الَّذِينَ اسْتَضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ آيَةً ۴ وَجَعَلَهُمُ الْآيَاتِينَ

آنانی زبون گرفت شدند در زمین و پیش از این ایشان را و وادار گشت ایشان را
آنانکه ضعیف گردانیده شده بودند در زمین و بخوانم ایشان را پیش از این ایشان را وادار گشت ایشان را

وَنُفِخَ فِيهِمْ فِي الْأَرْضِ وَنُفِخَ فِيهِمْ فِي الْأَرْضِ وَهَآمَنَ وَجُنُودُهُمْ

و دمساز دیم ایشان را در زمین و بنامیم فرعون را وادار گشت ایشان را از زمین گرفتگان
و جانی دیم ایشان را در زمین (مصر و شام) و نشان دیم فرعون و پادشاه ایشان را از دست می اسرائیل

مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۵ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ آدَمَ مَوْسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ

آپسختی فرسیدند و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی شیر بده او را پس چون بر سر می
خدا بی را که فرعونان از ان می ترسیدند و حکم کردیم مادر موسی که شیر بده او را پس چون بر سر می

عَلَيْهِ فَالْقِيَةِ فِي الْبَيْتِ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا سرَادُوهُ إِلَيْكَ وَ

برویم پسند از آنها در دریا و دمساز و غم گین مشو و آینه ما باز رساننده اویم بسوی تو
بردی پسند از او را در دریا و دمساز و غم گین مشو (هر آینه ما باز رساننده اویم بسوی تو)

جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۶ وَالنَّقْطَةُ الَّتِي فِرْعَوْنُ لِيَكُونَ لَهُمْ

گرداننده اویم از پیشا میران پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانگیخته ایشان
گرداننده اویم از پیشا میران پس بر گرفتند او را که ان فرعون تا کرد برانگیخته فرعون

مقتدا است و گفته این سخن بگوش فرعون رسید و آن بے خرد از برای جلوگیری قفا او تدر این تدبیر ظلم و ستم جاری نمود ۱۲

عَلَّوْا وَخَرْنَا رَانَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ۵

و همن و سبب اندوه هر آینه فرعون و هامان و لشکر بانی ایشان خطا کننده بودند

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ

و گفت زن فرعون این طفل خوشی چشم است مرا و ترا کشیدش بود

أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۶ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ

که بخد و دمارا یا فرزند گیریم او را و ایشان حقیقت حال نمی دانستند و گفت دل مادر

مُوسَىٰ فِرْعَاوُنَ كَادَتْ تُشْبِئُ بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمَا

موسی خالی از صبر هر آینه نزدیک بود که آشکارا کند آن قدر را اگر ما می بستیم بر دل او رفته و

لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۷ وَقَالَتِ رَجُلَتُهُ قَصِيدٌ قَصَصْتُ بِهِ عَنْ

تا باشد از باوردارندگان و گفت خواهرش را بر بے او میرود پس بدید او را از

جَنِبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۸ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ

در و قوم فرعون نمیدانستند و حرام ساختیم بر موسی شیر دایگان پیش از وصول خواهر بر او حرام

فَلَا تَدْرِكُهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ۹ فَرَدَدْنَاهُ

آبراه نامیم شمارا بر اهل خانه که خبر داری این طفل کند برای شما و ایشان برای او نیک خواهند پس باز رسانیدیم او را

إِلَىٰ أُمِّهِ كَذَتْ تَقْرَأُ عَلَيْهِمْ وَلَا تَجْزِي لَتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ

برای مادر او تا خشک شود چشم و داند و تا بداند که وعده خدا راست است و لیکن

كَثُرَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۰ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ

بزرگترین مردان نمیدانستند و چون رسید به نهایت جوانی خود درست اندام شد و او را حکمت و

عِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ

شش و نیم چنین جزای دهم و چون رسید بوقت خود و عطش کامل شد و او را حکمت و نبوت و

هَذَا مِنْ عَمَلِهِ فَاَسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي

این دیگر از دشمنان و پس مدد طلب کرد و آن کسی که از قوم او بود

مِنْ عَمَلِهِ فَاَسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي

از دشمنانش بود پس مدد خواست از کسی که از قوم او بود

و لایق صبری و دایم

تفسیر عثمانی

عنه به فرما بر سر

خود را در یک صندوق

چوبی گذاشته در آب

سپارد صندوق شنا

نمود بجای رسید کف

فرعون و حضرت امیر

آنها را زنت چهره مرعوب

این پس برخواست و آمدید

زیر آثار بنیابت و

شرافت از نامید اش

پدید آورد او را از مرض

پیش بر داشت مگر

نیجه برداشتن این بود

که آن پس چون بزرگ

شود دشمن فرعون و

فرعونان گردد و سوا

روح ایشان شود از

همین سبب الله تعالی

آنها را منع داد که او را

بردارند فرعون یعنی چه

خبر داشت که بدست

خوش شخصی را باز و

نعم پرورش میداد که

به دشمنی و خوف او

بزرگان پس را بکل

ارسانده است

در حقیقت

سجده فرعون در

و معجزان او در

اجرای مقصد نایک

خود خطای بزرگ کرده

چه با آنکه چهرای زیاد

اسرائیلی را بر کشید

بقتل رسانیدند موسی

را زنده گذاشتند لیکن

بدون از کتاب خطا

چهاره داشتند آیا

تقدیر خدا را تغییر داد

یا شیت از روی زبان

داشتند میخواستند خطا

بزرگ آنها این بود که

آنها پنداشته که

فیصلای تعالی

را تا بر انسان

فلما بعث موسى اياه
فوقى هذين الغفالت
كغضب كره و برمن

تفسير عثمان

عنه حضرت موسی
خواست که آن ظالمها
بگیرد مگر مظلوم پنداشت
که چون زبانی از زبان اظهار
غضب نموده است
مباد امر از بند مونس
علیه السلام کوشش
داشت که خون در دهان
را پنهان نماید مگر روز
از زبان اسرائیلی آن
را از افشاند

خبر قبل بفرعون رسید
و بجهنم او مشوره کرد
که شخص اجنبی آیا این
قدر جرئت و جسارت
پیدا کرده است که
الفرعون شاهی و ملا
زمین سلطان را بقتل
برساند به سپاهیان
امداده شد که فوراً
موسى را اگر خدای کند
اگر موسی را می یافتند
شاید قتل می رسانیدند
الفرعون یک تیراز
مشورت کننده گان
را خواج و عجب موسی
علیه السلام
فرمود و نامبرده
باشتاب از ده
راه نزدیکی فرور ایستاد
رسانید و از مذاق
آگاه نمود و مشوره داد
که فوراً از شهر بکاید
حضرت شاه صاحب
رو می فتح القرآن میسر
که این کلمات بگوشت
پیغمبر رسانیده شد که
مردم امراده کشش و اورا
خواهند کرد و او هم از
وطن خارج خواهند شد
چنانچه هر کفر و کجاست
نموده که به پیغمبر مخفی انجام

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ٢٠ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

شیطان است هر آینه شیطان دشمن گمراه کننده آشکارا است گفت ای پروردگار من مرا از من ستم کردم بر خویش

فَاغْفِرْ لِي فَعَفَّرَ لَهُ ٢١ إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ ٢٢ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ

پس بیامرز مرا پس بیامرزیدش هر آینه دے آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بحق انعام کردن تو

عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ ٢٣ فَاصْبِرْ فِي أَلْسِنَتِكَ خَافِئاً

بر من هرگز نخواهم بود مددگار گناهکاران گفت ای پروردگار من مرا از من ستم کردی پس من بیاغزشم و بر من ستم کردی پس امداد کرد در شهر قمران

يَتَزَوَّجُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِأَلَامٍ مَسٍ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ

انتظار کنان پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز بفریاد می بخاندش گفت بوسه

مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ٢٤ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطِشَ بِالَّذِي هُوَ

موسی هر آینه تو گمراه آشکارا هستی پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که او

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسُفُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسِي بِأَلَامٍ مَسٍ

دشمن من هستی و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کسی را دیروز

إِنْ تُرِيدَ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ

می خواهی مگر آنکه باشی ستمگاری در زمین و می خواهی که باشی از

الْمُصْلِحِينَ ٢٥ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدْيَنَةِ يَسْعُ نَقَالَ يَهُوسُفُ

نیوکاران دل آمد شخصی از آخر شهر شتابان گفت ای موسی

إِنَّ السَّلاَئِيَّا يَتَرَوْنَ بِكَ لَيَقْتُلُونَكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكُ مِنَ النَّاصِحِينَ ٢٦

هر آینه ریشان مشورت می کنند در حق تو تا بکشند ترا پس بیرون روم هر آینه من برای تو از نیک خواهانم

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِئِياً تَزَوَّجَ قَالَ رَبِّ اجْنُبْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٢٧

پس بیرون آمد از آن شهر قمران انتظار کنان گفت ای پروردگار من خلاص کن مرا از گروه ستمکاران

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سُبُلَ

و ده قبیله متوجه شد بسوی شهر مدین گفت امیدوارم از پروردگار خویش که دلالت کند مرا

السَّبِيلِ ٢٨ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ

راست و در قبیله رسید آب مدین یافت بران آب طافند از مردمان

يَسْتَقُونَ ٢٩ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ فَاخْطَبُمَا

آب می نوشانیدند و یافت آن طرف از ایشان دو زن که باز می گشتند و با خودی خود را گفت موسی بان دو زن چیست حال

قَالَ لَا تَسْتَفِي حَتَّى يُصَدَّ الرَّعَاءُ سَكَتَ وَأَيُّوْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ② فَسَقَ

فند مال بی نوشا تم تا آنکه باز گردانند شبانان (مواشی خود را) ویدما پیر کلان سال است پس آب نوشا نید (مواشی)

لَهَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَبَرٍ

[illegible]

فجاءته إحدى هذه النشئ على استحياء وقال إن أبي يدعوك

فہم پس اندھوئی چھے اریں دوان راہ میرفت بشمر
قائم سے بس آمدیش موسے یی ازان مردو راہ میرفت

گفت ہر آئینہ پدریں میخواند ترا
باجیا گفت ہر آئینہ پدریں میخواند ترا

يُجْزِيكَ أَجْرًا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ

و بعد از آنکه آب نوشانیدی مواشی را از علی پس چون رسید موسی نزد ابراهیم (یعنی نزد شعیب) و میان کردی و او را گفت

مخوف مجوت من القوم الظالمين ۳ قالت احدا لهما يا بخت
 قلمی از بن دود دختر اے بدر من

مختصات ازان قوم عالم سے گفت یک ازان دو اس، پیدرمن

دور کی اور ہر آئینہ بہترین کیسکے مزدور گیری شخصے توانا با امانت باشد گفت شیب ہر آئینہ من

بگوید ادا هر آینه بهترین سید نوکر بگری آنت که با قوت امین باشد گفت (خوب است این را بگویند)

و حق خود بشرط آنکه مزدوری من کنی بہت

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَنْزَلْنَا مَعَهُ الْقُرْآنَ وَالْحَقُّ يَكْفِي أَعْيُنَ النَّاسِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

پس اگر تمام کرمی ده سال را پس آن تبرع است از نزد یک کرمی خواهم که مشتق انگلیش بموت

يَخْدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٦ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ط

ی یافت مرا اگر خدا خواهد است از میان تو گفت موسی اینست عهد میان من و میان تو
ی یافت مرا اگر بخواد الله از صالحان گفت (موسی) این است عهد میان من و تو

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قُضِيَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

امام ازین دو مدت که داد انتم تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه می گوئیم
امام این دو مدت را که تکمیل نماید پس از خودی نباشد بر من و اعتماد بر خداست بر آنچه می گوئیم

٤٧ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ

است پس چون ادا کردم سینه آن میادرا دروان شد بانی خود دید بجانب
برای بوی گویه گواه است پس چون تکمیل کردم سینه میادرا در گرفته برد اهل خود را دید از جانب

لَوْ نَرَا قَالًا لَّهَلْهَلْنَا أَمْ كُنَّا رَأْيِي أَنَسْتُنَارُ الْعَلَىٰ أَيْتِكُمْ فَمَهْمَا

در آن گفت یا ایل خود توقف کنید هر آینه دیده ام آتشی میبارم که میبارم از آنجی
در آن گفت یا ایل خود درنگ کنید (هر آینه من دیدم آتشی شاید امن میبارم برای شما از آنجا (از آنجی))

وَأَوْجِدُوا مِنَ النَّارِ لَكُمْ تَصْطَلُونَ ۝ فَلَئِنْ أَتَيْتُمُوهُ

پس چون از آمدن شما در آن شهر که شما محصل کرم کنید
پس چون رسید (آمد) نزدیک آن شهر که شما کرده شد

برای آمدن از حدود سلطنت فرعون بگردن بود ۱۲-

فقیه محمدی
 مسجد خدایه ندامت
 جمعیک علی ازخانی
 بی توام هر وقت
 با حسن و نیکی تو
 محتاج می باشم حضرت
 شاه صاحب پیوسته
 چون ترنما را در آیدند
 در زیر ریخته است
 گفتند که با مسافرت
 که اگر کامیابی دهم آن
 دانه و گزسته میاند
 چونی بخانه رسیدند بقیه
 را به پدر خود گفتند بعد
 شان بوقی مشهور حضرت
 شعیب علیا السلام
 حشاش را رسیده داشت
 شخص نیک بخت
 صالحی را پدید آمد که
 هم بزمی او را نگهبانی
 تواند بود و خوشخو را
 بنگاه او هر روز میفرستاد
 حضرت موسی
 از انبیا فیض میطلبید
 او تلی بغض و مرعیت
 خود بطور متوقع خیر
 فرستاد و چو را آفرید
 میگوید: فرزندم خواسته
 بجزای زنی ردها شد
 میزنند که او را باریت
 کرد که من پیش میرودم
 و در عقب من بیاید این
 طریق را از من میبخواه
 نمود که مراد آنحضرت
 از من اجب میبخت
 خوش پیش و زن پنهان
 را امرالش میباید
 و حضرت موسی را بجا
 خود آورد. سه
 بی علیا السلام هرگز
 نداشت خود را به حضرت
 شعیب علیا السلام
 گفت و شعیب با و
 سلی داد و فرمود که
 نزن از جنگ آن
 ظالمات یا فتی
 شاه الله تعالی بتو
 فنی برسانده

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ

از کرانه راست میدان در چاهگاه
از کرانه راست میدان در موضع مبارک از درخت که

يَسْمُوْنِي اِنِّى اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۝۳۰ وَاَنْ اَتَى عَصَاكَ فَلَئِنَّ

اے موسیٰ ہر آئینہ من خدایم بگردگار عالمیا
و آنکہ باطن نعمائے خود را پس چون

رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي مُدِيرٌ ۝ اَوَلَمْ يَعْقِبْ يٰٓهٗوَ سَيِّ اَقْبِلْ

یہ کہ عصا حرکت میکند گویا دے بازیت رو بگرداند پشت داده و باز نه گفت قیتم اے موسیٰ پیش آئی

وَلَا تَخَفْهُ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣﴾ أَسْأَلُكَ بِكَ فِي حَسْبِكَ

مسترس بر آینه تو از ایمانی دور آرد دست خود را در گریبان خود

مَنْ مَرَّ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (نور ایمانی) در آرد دست خود را در گریبان خود

ایرون آید سفید شده از غیر ملته و بهم آرد بسوی خود باز دئے خود را از قفس ط

و پیوست کن ایست خود بازوی خود را از قرص من

این گروه نشانده فرمود آمدن از جانب یزدگرد کارگر بسوی فروغ و جماعت او هر آئینه ایشان بودند

ی این دو محبت است از طرف رب تو بر فرعون و سردارانش بر آینه ایشان بود

مرد بیدکار دل گفت اسے پردہ دگار من ہر آئینہ من شہام اذ ایشان منجھے ما پس می ترسم کہ

گفت ای رب من (هر آینه) من گفته ام از ایشان خطی را پس می ترسم که

ویرادر من بارون هم تراست از من از حجت زبان پس بفرست ادرا

از حیث زبان پس لغت ادرا

ری زده ای که سبزی را بی اختیار از آن پدید آوردی و آن را با دستش
 راه من حد کننده که باور دارم برآیند من می فرم از آنکه دروغ می خورند مرا گفت خدا حکم خواهد کرد

راه من به حد گدی که قدری نهد را (برای من) می خرم که تقدیب کند مرا و از خود او استقامی نمی خواهم کرد.

روئے تیرا برادر خود خوانیم داد شمارا غلبه پس نہ توانند رسید بقصد امانت و شما

وی تراه برادر ت و خواهر داد شمارا غله پس خواهند رسید ایشان بسوی شما

يَتَنَاجَىٰ اٰتَمَافَا وَ اَمَّا نَحْنُ مُرَاوِدُفَا فَفَا نَقُصُّفَا اِلَيْكَ مَا كُنَّا نَعْلَمُفَا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُفَا الْعَلِيمُفَا ﴿٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُم مُّوسَىٰ بِاٰيٰتِنَا

سبب شاقی ہائے ماضی کو کہ با شفا بارشند غالب شیوند پس چمن آورد نژاد ایران موسیٰ ک انہای

شئت قالوا ما هذا الا سحر مغتري وما سمعنا بهذا الا في

[illegible]

يَا أَيُّهَا الْاَوَّلِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَى رَبِّىْ اْعْلَمْ بِمِثْنِ جَاءَ بِالْاَهْلِ

و گفت موسی بدو و گارس و دانایمست بهر که آورده است هدایت
حقین هر دو را و گفت موسی رب من خوب عهد انلا دانا تراست ای بهر که آورده سخن هدایت

نظر دوباره زندی کند سپس از ایشان حساب میگیرد و مرا بچغیر فرستاده است و غیره و غیره از طرف بزرگان پیشین ماکتفه و گاهی گوش مازنی

سُ عِنْدَهُ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾

از نزدیک او و بهر که او را است عاقبت پندیده در آخرت هر آینه رستگار نمی شوند ستمکاران
از نزدی و بهر که او را است عاقبت پندیده در آخرت هر آینه رستگار نمی شوند ستمکاران

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي ۖ

دانشگاه امام برای شما هیچ خدا
ای (جامعه) در بار یاق من معلوم نیست (دانشگاه) امی برای شما هیچ حاکم (عالمی) از من

فَاَوْقَدْ لِي يَهَامُنَّ عَلَى الطَّيْنِ فَاَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي اُطَاعُ

پس آئیں برفروزد ہر ایم ای ہا میں برائی (محقق) گل پس بساز برایم قصری (شاید) نظر کم (اطلاعات یا علم)

وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ ق

مجموعه سوسی و دیگر آئینه منی به نام اورا (سوسی) را از درد غم بیان و بکسر نمود او

شکر بانه اودر زمین بغیر حق و گمان کردید که ایشان بنویسند یا باز گرفتارند و نشوند

و پنداشتند که ایشان بسوی ما باز گردانیده نخواهند شد

[illegible]

ظہیر (۱۲) وَحَوْلَهُمْ آسَۃٌ مِّنَ النَّارِ وَهُمْ فِيهَا كَالْعِخْلِلِ ۚ

وگروا ندیم افغان را پیشوایانست که میخواستند سوسه آتش و روز قیامت

يَنْصُرُونَ ﴿٣٠﴾ وَابْتَغِمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لِنَفْسِكُمْ وَلِيَوْمِ الْقِيَمَةِ

از سینه ایشان فرستادیم درین دنیا لغت را و بروز قیامت
از بی ایشان فرستادیم درین دنیا لغت را و در روز قیامت

مِّنَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا

شان از دور سخنان باشند و هر آینه دادیم موسی را کتاب بعد از آن که
شان از صمیم سخنان اند و هر آینه دادیم موسی را کتاب بعد از آنکه

فَلْيَكُنَّا الْقُرُونُ الْأُولَىٰ بِصَافِرٍ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَرَحْمَةً لَّعَالَمٍ

دلیل شدہ برائے مردمان و ہدایت و بحال میں نابود لاریشان
سایم کردہ ای محسن را دانا نندہ است (در حالیکہ بے غائی است) برای مردم و رہنما و رحمت تالی شان

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ

بهارند (پند پذیرند) و نبودی تو بگفتن غزلی چون فرستادیم بسوی حوطة علم

وینک ما آفریدیم قهرنار ایچی بد موسی یس در از شد بر ایشان

از بینندگان (حاضران) ولیکن آفریدیم ما گروه باران پس دراز شد برایشان

در اهل مدین که میخواندی برایشان آیات مبارک را و گویدیم

در اهل مدین که میخواندی برایشان آیت مبارک و مبین بودیم که

...

ملاقات آن عظمی
 بچنان محنت و درونی
 و بیط و تفصیل بیان
 میکنی که گوید بر بها
 پیش - طور - استاده
 می نگارستی حال که ظاهر
 است که تو را آنوقت
 موجود بودی بر علاقه
 حرم میداشتند که ای
 سستی و بازیج یک عالم
 صحبت هم نگرفت و نه
 در تنگ عالم جدیدی
 موجود بود که واقعات
 صحیح و حقیقی را بداند
 بنامان جائے وقت
 است که ترا این علم از
 کجا حاصل شد ؟
 حقیقت این است
 که بر سر اقوام دنیا
 مدت های مدید و قریب
 دراز گذشت و در اثر
 این علوم حرف نمیزدند
 شده رفت و آن بها
 روپستی نهاده بود
 لهذا آن ذات علیم
 خیر را در فرمود که از
 زبان یک امی آن
 سبق های فزوش
 شده را دوباره بیا
 بهم گران و بد تصور
 کن واقعات عبرت
 آورد و مملکت آمیز
 را بکمال محنت و کسب
 ساخته و در بر سر
 مردان دنیا بنهد تا
 چون از اینستد ناچار
 قبول کند که گویا پیش
 کنند آن ها وقت
 موجود بود و نام کیفی
 را بهیچیدید بنابرین
 پر دلخ است که چون
 خود را آنجا موجود
 بودی نیز ازین چه
 بیخوش گفت که این
 سخن بران همان ذلی
 است که بزبان تو

يَتَوَنَّ أَجْرَهُمْ لَمَّا تَبَيَّنَ بِمَا صَبَرُوا أَوْ يَدَّعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ

عاجه میشود ایشان را نزد ایشان دو بار بسبب آنکه صبر کردند و دخی می کنند بخصالت نیک بدی را و

مِمَّا زَنَزَرْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۴ وَإِذْ أَسْمِعُوا اللُّغُوهَ أَخْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا

از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند و چون بشنوند سخن بے بوده را رو بگردانند از آن و گویند

لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ رَسُولُكُمْ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَهْلِينَ ۵

ما راست کردار ما و شما راست کردار ما می شما سلام بر شما باد نمی خواهیم صحبت جاهلان را

أَنْتَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

یا محمد هرگز تو راه نمی نمایی هر که را دوست میداری ولیکن خدا راه می نماید هر که خواهد داد

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۶ وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهْدَىٰ مَعَكَ لَتَخْطِفَ

دانا تر است برای ما قتلگان و گفتند بعضی اهل کفر پیروی بدایت کنیم با تو ر بوده شویم

مِنْ أَرْضِنَاهُ أَوْ لَمْ تُنْكِنْ لَهُمْ حَسْرًا أَمْ إِنَّا لَجُنَّ بِالدَّيْتِ شَرًّا كُلِّ

از زمین خود یا آید یا نه دادیم ایشان را در حیرت یا امن رسانیده میشود بسوئی و میباید از هر

شَيْءٍ يَرِزْقَانِ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۷ وَكَمْ أَهْلَكْنَا

چیز (در حالیکه) روزی است از طرف ما ولیکن اکثر ایشان نمی دانند و بسا اهل کفریم

مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتُهَا فَتِلْكَ مَسْجِدُهُمْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا

از دیه با که از حد در گذشتند در گذران خود پس اینهاست جای ماندن ایشان مانده شد آنجا بعد

بَعْدَهُمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكَتَابُكُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ ۸ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ

از ایشان مگر اندکی و بهر چه بود آخر و ارشاد آن مسکن و نیست پروردگار تو هلاک کننده

الْقَرْيَةِ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ مِّمَّنْ رَزَقَهُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَلِيُخْلِفَ فِيهَا

دیها تا آنکه بفرستد در قبیله آن پیغمبر که بخواند بر ایشان آیات ما و هرگز نیستیم

مُهْلِكِي الْقَرْيَةِ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ۹ وَمَا أَوْفَيْتُكُمْ مِنْ شَيْءٍ

هلاک کننده دیه با مگر در آن حال که اهل آنهاست ستمکار باشند و هر چه داده شد شمارا از هر نوعی

فَتَنَاءَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا

پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش و زیست و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده تر است آیا

تَعْقِلُونَ ۱۰ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَسِرَ مَتَعْنَاهُ

می فهمید آیا پس سبک و وعده داده ایم بوی وعده نیک پس او را بمانده آنست مانند کسی است که بهره مندی را بفرستد

ط مخرج گوید بهر دو پیش از آنکه آنحضرت علم یابد بهجرت کند و نسخ یهودیت تصریح نماید معتقد قرآن بود و می گفتند عرب را فرمان قرآن لازمست ۱۲ یعنی مردمان اخرج کنند ۱۳- تفسیر عثمانی ع ۵ خود را سفردار و مستغنی گرفتند و در قبول حق گریختند بلکه هر حق بهر وقتیکه رسید برضا و رغبت نزد آنی سر تسلیم خم کردند- تفسیر- شیخ اکبر در نوغات نوشته است که ایمان این اهل کتاب بر تفرقه خود و مرتبه اصل آمد- بار اول مستقله یار دوم در ضمن ایمان آوردن بر نبی کریم صلی الله علیه و سلم و می راک آنحضرت مصدق تمام انبیای سابقین می باشد و تا یکدست میاید که ایمان داشتن ایشان ضروری است- بر علاوه بر خود آنحضرت صلی الله علیه و سلم ایمان آنها در مرتبه اول است اینک بر پیغمبر خود بیشتر ایمان آورده بود و نزدیک به پیغمبر در باب آنحضرت بشارت میداد و تصدیق نبوت او پیشگویی می نمود بنابراین اجرائی مردم بهر مرتبه می باشد باقی شرح ۱۰ ثلاثه تون ۹ اجزاء مرتین را که حدیث آمده می توان درین مختصر خلاصه

وَلَا يَخَافُ عَذَابَ اللَّهِ
وَلَا يَخَافُ عَذَابَ اللَّهِ
وَلَا يَخَافُ عَذَابَ اللَّهِ
وَلَا يَخَافُ عَذَابَ اللَّهِ

تفسیر عثمان

یعنی گفته میشود
که آنکه آنها را برای
کمال بطلید مگر آنرا
از اماند وجود و تضرع
می باشد چه خوشتر
و در مصیبت خود گرفتار
خواهند بود که آنان
المفسرون و قاضی
تجوید حضرت شاه
ما حبت الله است

کشایطین چون نام
نیکان را بگیرند پیشتر
گفته شود که آن نیکان
را بخوانند آن نیکان
بجواب خواهند داد
زیرا آنها را فرین
حرکات مشرقا و مغربا
نمودند و یا هیچ خبر
نداشتند عده

کامیابی آن جهان
فقط بندگان ایمان و عمل
صالح حاصل می گردد
حال هم اگر کسی از کفر
و شرک توبه کند و
ایمان بیاورد و راه حق
اخذ نماید حق تعالی
از خطای سابق
او درگذشت و او را
فائز المرام می گرداند

(تفسیر) - معنی آن
یکون من المفلحین
و عده ایست که ایمان
و انداز شریفانه
یعنی برادران است
که امیدوارند نجات
برچیز برای ابراهیم
چنین فعل کسی مارا
مخبر کرده نمی تواند
طریق و عده را مفسر
از فضل و کرم خود بگویند

مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۱ وَيَوْمَ

از متاع زندگانی دنیا باز و در روز قیامت از حاضر گردگان است و در روز

بِنَادِيهِمْ يَقُولُ آيِنُ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُزْعِمُونَ ۲ قَالَ

آواز دهد ایشان را پس گوید ای شرکاء من که شما گمان می کردید گفتند

الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ

آنانکه ثابت شد بر ایشان حکم عذاب است ای پروردگار ما این جماعت اند که گمراه کردیم گمراه کردیم ایشان را

كَمَا أَغْوَيْنَا تَبَيَّنَ إِلَيْنَا أَنَّا لَنَاقِبِعِدُونَ ۳ وَقِيلَ

چنانکه گمراه شدیم که به حق می بینیم از همه سوی تو ایشان را ما می پرسیدند و گفته شود

ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَذَعَبُوهُمْ فَلَمْ يَشْتَجِبُوهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ

بخوانید شرکاء خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نکنند دعای آن جماعت و به بینند عذاب

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۴ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ يَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

و گفتند کاش ایشان راه یابی بودند و روزی که آواز دهد خدا ایشان را پس گوید چه جواب دادید

الرُّسُلَ ۵ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

پیشتر را پس مشغول شود بر ایشان خبر نامه آن روز پس ایشان با یکدیگر سوال نکنند

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَقَسَمِي أَنْ يَكُونَ مِنَ

پس آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کار خالصه کرد پس امید است که باشد از

الْمُفْلِحِينَ ۶ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ

رستگارین و پروردگار تو می آفریند هر چه خواهد و برمیگزیند هر که خواهد نیست ایشان را

الْخِيَرَةُ سُبْحَنَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۷ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا

اختیار پالی خداوند است و بلندتر است از آنچه شرک می آرند و پروردگار تو میداند آنچه

تَكُنْ صَدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ ۸ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ

پس آنچه در سینه های ایشان و آنچه ایشان می دانند و او است خداوند است و هیچ کس را او را نیست

الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ نُوَلِّهِ مَا يَشَاءُ اللَّهُ فَنَقُولُ ۱۰ قُلْ

ستایش در دنیا و آخرت و او را است حکم و بسوی او باز گردانیده می شود

أَسْرَأُ بِكُمْ أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْفِيلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

آید بدید که اگر گرداند خداوند است که بر شما فیل را بچاند روز قیامت

سینه (خبر بدید) که اگر گرداند خداوند است که بر شما فیل را بچاند روز قیامت

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِنُجُيَاءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

کس است معبودی غیر حق که بیاید پیش شما و خبری را آید می شنوید

أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۚ مِنْ إِلَهٍ

که اگر کرده اند خدای تعالی بر شما روز را پاینده

غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تَبْصُرُونَ ۝ وَ

غیر خدا که بیاید نزد شما شب را که آرام گیرید در آن

مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا

از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز را تا آرام گیرید و در شب و روز بجویند چیزی

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ

از فضل او و تا آنکه بگویند که

شُرَكَاءِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ وَتَرَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

آن شرکایان را که می گویید و هر یک از ایشان را

شَهِيدًا ۖ أَفَلَا نَحْكُمُهُمْ أَتَشَاءُ ۚ أَلَمَّا أَتَيْنَاكَ فَوَعَدْنَاكَ

شاهدانی را پس گوئیم قوم را بیاید و دلیل خود

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝ إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى

از ایشان آنچه از برای کردند

فَبَغَى عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ

پس نهی کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از کتب

بِالْعَصْبَةِ أَوْ لِي الْقُوَّةُ ۖ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا

جاء صاحب توانائی را چون گفت باد قوم او

يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ۝ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۚ وَ

دوست می دارد و میسر کند کارها و بجو

لَا تَكُنْ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ

و از او شایسته نیست و تو را دنیا را و بخوبی کن چنانکه احسان کرده خدا بر تو

وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۝

و بجو فساد و در زمین

و این یعنی در روز ۱۲
و این یعنی هر یک از
بر قوم خود گواهی دهد
و این یعنی در دنیا
علی صانع بجای آن
تفسیر عثمانی
علی بعضی مفسرین
در صانع را از خزان
تفسیر کرده اند یعنی
قادر آنقدر پول
داشت که یک دست
مردان تو من هم آنرا
به سخن برداشتی
توانست لیکن اکثر
مفسرین «صانع»
را کلید با تفسیر نموده
اند یعنی عده مند و
خزاین او آنقدر زیاد
بود که در برداشتن
کلیدهای آن چندین
مرد قوی مانده شوند
این چندین مستبعد
نیست چنانکه بعضی
تفاسیر صمدت آنرا
شرح داده اند
عنه باین دوست
آنانی و از اهل چه خبر
و مباحثات سیاسی و
حالا آنکه اجمیت آن
نزد خدای تعالی برابر
یک بال گسی نیست
باید برای خدا شتایی
هر شخص را که
لافت میزند و فخر
و غروری نمایند
پسند و تجویز یک
منظور حضور آن ملک
حقیقی نباشد جز
تجایی و با آن چیزی
نیست مع مال
موجوده ابرای این
است که باید این
آنرا و از آخرت
بسیار است که در غفلت
و سرکشی غرق شده
خود را بیکباره سازد

و این یعنی با حضرت موسی علیه السلام مخالفت کن در زمین خدای تعالی برادر است در آن شو. در ملکت هت و ف را بر پا کردن و این مردم شرورند و شرانند اهلن تلقیا خوب نیست ۱۲

والمعنى در صورت لزوم یادش بحال ماند نیست و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه یاقوت حاصل دولت علیّه کیت و انفس که او مشتمل بر افاضاتش گرد و برودت و نیافت خدا و اذن و شکرت و آن دولت را انقیاد و خیر خود پنداشت خبر نداشت که چندین گروه در اثر شرارت و سرکشی خود در صلیق تیار و هلاک شدند آنها سلطنت مای قوی داشتند و نسبت به این بیون خزان و عساکر بیشتر ادا را بودند و اسرا انجام ایشان را شنید مگر جرت حاصل نکرد ملک این آیت کردید دو توبه دارد یکی آنکه هیچ حاجت برسان نیست بلکه الله تعالی بر هر زنده گناه آنها آگاه است و فرستگان آن عهد ایت کرده اند و گردان باب گاهی استفسار شود مقصد و مشروط کردن و سرزنش نمودن خواهد بود و یا گنای از کثرت گناهان است معنی تعداد آن گناه بعدی زیاد است که بر سیدان بزرگوار هر یک در حق نیست و موصوفه القرآن آمده است در پاره گناه برستی پس نمی آید چه اگر که کار خود را داشت میداشت چه آنکه می کرد چنانچه خداوند متعالی

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ

گفت جز این نیست که داده شده است مرا این فراوان بنا بر دانشی که نزدیک من است آیا ندانست که خدا هلاک کرد

مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا

پیش از دوسه از قرنهای آن قوم را که توانا بود از دوسه و بیشتر بود از جمعیت پیش از وی چندین گروه را کسی را که او بر منند شد و از وی قوت و زیادتر بود از وی جمع کردن مال عه

وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ۝۳ فَنُخْرِجُهُ عَلَىٰ قَوْمٍ بِزِينَتِهِ

و دیگر سیده نمی شوند که نگاران از گناهان خویش و پس بر آید و بر وی قوم خود در آرایش خود

قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لِيَكُن لَنَا مَثَلٌ مَّا أُوتِيَ

گفتند آنانکه طلب می کردند زندگی دنیا را که باشد ما را باشد آنچه داده شده است گفتند کسانی که طلب می کردند زندگی دنیا را که باشد ما را باشد آنچه داده شده

قَارُونُ ۚ إِنَّهُ لَكَنُ ظَالِمٍ ۝۴ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

قارون را هر آینه دس خداوند نصیب بزرگ است و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم قارون را هر آینه او صاحب نفیض بزرگ است و گفتند کسانی که داده شده ایشان را فهم و علم

وَيَكُفِّرُ تَوَّابٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝۵ وَجَعَلَ صَاحِبُهَا

وای بر شما تواب خدا بهتر است مرا آنس را که ایمان آورد و کارش است که در قرین کرده باشد و این سخن خزان است شمارا (دوای بر شما) تواب خدا بهتر است برای کسی که یقین کرد و کارش است و تلقین کرده خواهد شد این که

إِلَّا الصَّابِرُونَ ۝۶ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ

مگر صابران را پس فردی بر دیم قارون را و سراسه او را بر زمین پس نبود برای او مگر بعبر کنندگان پس فردی بر دیم او را و سراسه او را بر زمین پس نبود برای او

مِنْ قُوَّةٍ يَنْظُرُونَ ۚ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ۝۷

هیچ گردی که نصرت دهند او را غیر خدا و بنود خودش از انتقام کنندگان هیچ گردی که نصرت دهند او را غیر خدا و بنود قارون از منتقم کنندگان غلب

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانَ اللَّهُ

و بامداد کردند آنانکه آرزوی کردند منزلت او را دیروز می گفتند اے عجب که خدا و بامداد کردند آنانکه آرزوی کردند منزلت او را دیروز می گفتند اے عجب که الله

بِلِسْطِ الرِّسْقِ لَيْسَ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيُقْدِرُ لَهُ ۚ لَوْلَا أَنَّ مِّنْ اللَّهِ

نشاده می کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می سازد و اگر داند بود که انعام کرد خدا من ناید رزق را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می سازد اگر احسان نمی کرد خدا

عَلَيْنَا خَسَفَ بَنَاهُ وَيَكَاَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ۝۸ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ

برای هر آینه خودی بر دوسه که اوست که می شوند کافران این سرای باز پسین برای هر آینه خودی بر دوسه که اوست که می شوند کافران این سرای آخرت

يُجَاهِلُ الَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا ۚ وَ

مقصد می گویند آن را برای آنکه نمی خواهند عظمی طلبند و زمین و فساد و مقصد می گویند برای آنکه نمی خواهند عظمی طلبند و زمین و فساد و

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝۹ مَن جَاءَ بِأَحْسَنَةٍ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَمَن

حسن عاقبت بر که بخیر کاران را است هر که بیارد نیکی پس او را است بهتر از آن و هر که عاقبت نیکی بر که بخیر کاران را است هر که بیارد نیکی پس او را است بهتر از آن و هر که

گردان الزام داد حق سودی نند که فلان کس چرا کار بدی کند و چرا نیکی نپایند و آفرامی دهند

عنه شخصی که مصیبت
و فواید را باین
امیدی برادر که من
یک روز بخیر خدا
حاضر شدنی استم دور
آنجا انسان در برابر
هر عمل بد موافقه می
شود. اگر ناکام باشد
منی نایک از منی با
موجوده مراتب بلند
تر است برین تامل
میشود اگر کامیاب
بر آدم هیچ گفت
باور پنجاه و هجده
و خوشنودی الهی
و دیدار او نصیب
خواهد شد باید عقیده
را بخدا داشته باشد
که عده خدا احتیاجی
است و پنج قوت
آزما بازداشتنی
توانا اند و ای که آن
تخصص بدل پرورده
بود برآورده میشود
باعث روشنی دیدن
او می گردد. خداست
سخن هر کس را می
شنود و میداند و
محبت هیچ کس را
ضایع نمی کند عده
الهی تالی را از اطاعت
کسی چه نوع از معصیت
کسی چه زیان میرسد
او تالی ازین چیزها
بعلی بے نیاز است
بند و اطاعت
پروردگار خود هر قدر
رجح و محنتی که یکیش
ثمره آن را در دنیا
و آخرت می یابد پس
استحاضه یک مجاهدت
می کنند گاهی چنان
خیال کنند که از درج
و محنتی که در راه خدا
می کنند بر او تالی
احسان می کنند -
و اعیان باطن احسان از او تالی است که ایشان را توفیق اطاعت و ریاضت می بخشد. من عزم خلق تا سودی کنم. بلکه تا بر من گنجد می کنم.

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝

هر که امید داشته باشد ملاقات خدا را پس هر آینه میعاد خدا البتّه آئینه است و او است شنوا و دان

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝

هر که جهاد کند جز این نیست که جهاد کند برای خودش پس (ملاقات) الله آمدنی است و او است غنی از عالمین

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البتّه بخوبییم از سراییشان خطایان ایشان را و

لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا حَسَنًا الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

البتّه جزا دهیم ایشان را به نیکی ترین آنچه می کردند و تا که در این عالم گردیم انسان را که

بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

به نسبت پدر و مادر و سه تنگ معامله کردن و اگر کوشش کنند یا تو را تشریک آری یا من آنچه نیست ترا

عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِنِّي مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

و انچه پس فرما بر داری ایشان من بسوی من است باز گشت شما پس خبر دهیم شما را به آنچه می کردید

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البتّه در آرم ایشان را در زمره صالحان و

مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً

از مردمان کس هست که می گوید ایمان آوردیم بخدا پس چون فتنه بداده شد او را در راه خدا مشغول و در

النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا

مردمان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید فتح از نزدیک پروردگار تو گویند هر آینه ما

مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَيَعْلَمَنَّ

باشما بودیم آیا این نیست که الله داناست به آنچه در سینه های عالمیان است و هر آینه معلوم (متذکر) خواهد کرد

اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

خدا آنان را که ایمان آوردند و البتّه ممتاز از کفار منافقان را و گفتند کافران

لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلَنَحْمِلُ خَطِيئَتَكُمْ وَمَا هُمْ بِمُحْمِلِينَ

مسلمانان پیروی کنید راه ما را و بار ما را بمان شما را و نیستند ایشان بردارنده

مِن خَطِيئَتِهِمْ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنَّا

چیز از گناهان آنها نخواهد بود و دروغ می گویند و هر آینه ایشان را در بار خود خواهند برد و دیگر بار ما را

از گناهان ایشان هر آینه ایشان دروغ نمی گویند و هر آینه خود را در بار خود خواهند برد و دیگر بار ما را

مَعَ انْقَالِهِمْ وَلَيَسَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَلَقَدْ

همراه بارانی خویش و البته سوال کرده شوند روز قیامت از آنچه افترا می کردند و هر آینه

اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَىٰ قَوْمِهِ فَاٰتٰهُمْ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اِلَّا خَمْسِيْنَ عَامًا ۝

فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس توخت کرد در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال

فَاَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ ۱ فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَصْحَابَ السَّفِينَةِ ۝

پس گرفت ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و

جَعَلْنَاهَا اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ ۲ وَاِبْرٰهِيْمَ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَ

سازیم کشتی را نشانه برای عالمیان و فرستادیم ابراهیم را و گفت بگویم خود پرستش کنید الهی و

اَتَقُوْهُ ۚ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ ۳ اَللّٰمَّا تَعْبُدُوْنَ مِنْ

بزرگواران من این بهتر است شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید

دُوْنَ اللّٰهِ اَوْ تَنَاوَةٌ تَخْلُقُوْنَ اَفْكَارًا ۝ ۴ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ

بخش خدا بجان را و برمی بندید و دروغ را هر آینه آنانکه پرستش می کنند بخیر

اللّٰهِ لَا يَمْلِكُوْنَ لَكُمْ رِشْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللّٰهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوْهُ وَ

استدانی توانند برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد یک خدا روزی را و پرستش او کنید و

اَشْكُرُوْا اِلَيْهِ ۚ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ ۵ وَاِنْ تُكَذِّبُوْا فَقَدْ كَذَّبْ اَمَمٌ مِّنْ

شکرا و بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر دروغ می گویید پس هر آینه دروغ خورده بودند امت ها

قَبْلَكُمْ وَاٰلِی الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۝ ۶ اَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ

پیش از شما نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند

اللّٰهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ ۚ اِنْ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ۝ ۷ قُلْ سِيرُوْا فِی

خدا آفرینش را باز دیگر بار کند آفرینش هر آینه این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در

اَلْاَرْضِ فَانظُرُوْا كَيْفَ بَدَا الْخَلْقَ ثُمَّ اَللّٰهُ يُلْقِی السَّاعَةَ الْاٰخِرَةَ ۚ

زمین پس بینید چگونه تو کرد آفرینش را باز الهی بر بارش می کند آن بعد ایشان باز زمین را

اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ ۸ یَعَذِّبُ مَنْ یَّشَآءُ وَیَرْحَمُ مَنْ یَّشَآءُ ۝

بر آفریننده را بر هر چیز تواناست عذاب کند هر که خواهد و رحم کند بر هر که خواهد

وَالِیْهِ تُقْلَبُوْنَ ۝ ۹ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ ۚ

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

وَلِیْهِ اَوْبَاقُ الرُّسُلِ ۚ وَیُعْجِزُ السَّاعَةَ ۝ ۱۰ وَیُعْجِزُ السَّاعَةَ ۝ ۱۱

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

۱۳۰ براه اندازد با تاملین
از سر ایشان دفع کند
تفسیر عثمانی
عنه قومیت کشتی
نوح علیه السلام تا
مدت و راز بر کوه -
(جودی) موجود بود تا
برای تماشای کشتگان
ما به عیبت باشد
جهازات و کشتی
با یکم روزی هم یک
نوع علامت است
کودن آن سفینه
نوح را بیا میدهد
و نوع قدرت الهی
بنظری آید و یا شاید
این مراد باشد که این
تفسیر کشتی را برساند
بیشتر نشانی عیبت
گردانیدیم - حضرت
شاه صاحب می
نویسد و تفسیر این
سوره نازل شد
بسیاری اصحاب
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم از این امر
لا فزان جنگ آمده
در کشتی مهار شده
بطرف ملک جبر
رفت بودند چون آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
بهجرت کردند در
آنجا طرح اقامت
انگندند آن اصحاب
اهل کشتی هم به خیر و
عافیت با پیغمبری
الله علیه و سلم باز
یجاست نه موضع با
انگد فیر گویا دین
صورت تارخ نوح
علیه السلام و سفینه
نوح تکرار شده است
حضرت شاه صاحب
نویسد که اگر
انرا در خود
پس خاص شکر

عنه پنج خردمند
 بت پرستی را چنانکه
 نمیدانند چه بت
 پرستان هم بدل خود
 میدهند که این حرکتی
 است متناهی در جلی
 معنی نگر برای استوار
 داشتن شیرازه قوی
 نه بی ساخته و تحقیر
 کرده اند که بنام آن نما
 ایشان متحد و متفق
 و یار یکدیگر دوست
 و هم کار باشند چنانکه
 در این ایام طرز عمل
 اقوام عیسوی و یهودی
 را چنین مشاهده می
 کنیم و این مطلب
 است که بت پرستی
 باین سبب شیوع
 یافته که آن کلام کار
 معقولی است بلکه
 سبب عده آن
 تقلید کورکورانه
 و تعصب قومی
 و ملی و ملیت
 با همی باشد
 و این دعا باشد
 که مشاء بت پرستی
 همین محبت و دوستی
 با همی دود است
 یعنی چندان افراد
 مشهور قوم که مردم
 آنها را دوست
 داشته باشند چون از
 بان رفتند مردم به
 تذکار و فور محبت
 خویش نسبت ایشان
 محسوس و تصاویر آنها را
 ساخته و بطور یادگار
 نگه داشتند پس به
 تعلیم احترام آن مشرک
 و تصاویر برداختند
 و بالاتر آن تعلیم ترقی
 نموده عبادت گردید
 مفسرین این همه
 احتمالات را که از
 آیت استنباط میشود بیان کرده اند و ممکن است که از موده بینکم آن محبت بت پرستان مراد باشد که با بنان خود دارند چنانکه در جانی دیگر انداد میگویند بحسب الله فرموده

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و نیست شمارا بخیر خدا نیست دوست و نه یاری دهنده و آنانکه کافر شدند

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و نیست شمارا بخیر خدا نیست دوست و نه یاری دهنده و آنانکه کافر شدند

عَذَابُ إِلَيْهِ ۝۱۰ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ

عذاب در دهنده پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را

فَاجْتَبَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۱۱

پس برگزید خدا او را از آتش هر آینه درین ماجرا نشانه است بر آنانی که ایمان آورند و

قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ

گفت ابراهیم جز این نیست که بت گرفته اید بخیر خدا بجبهت دوستی در میان خویش در زندگانی

الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۚ وَلَيَعْنُ بَعْضُكُم

دنیا باز در روز قیامت نامتقد شود بعض شما بعض و لعنت کند بعض شما

بَعْضًا زُومًا وَاوَكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ مُّصْرِينَ ۝۱۲ فَأَمِّنْ لَهُ لُوطًا

بعض را دزدی و شمارا آتش است و نیست شمارا هیچ مددگاری پس قبول کرد او را لوط

وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۳ وَوَهَبْنَا

و گفت ابراهیم هر آینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش هر آینه دے غالب با حکمت است و عطا کردیم

لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ

او را اسحق و یعقوب و مقدر داشتیم در اولاد دے پیغمبری در کتاب را و دادیم او را

أَجْرًا فِي الدُّنْيَا وَآتَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ ۝۱۴ وَلُوطًا

مزد او در دنیا و هر آینه دے در آخرت از صالحان است و فرستادیم لوط را

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ الْفَاحِشُونَ فَمَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ

و گفت که گفت به قوم خود هر آینه شما باین می آید کار به حیانی را که پیش و سخی نموده است بر شما بسوی آن بیکس

مِّنَ الْعَالَمِينَ ۝۱۵ أَيْتَكُمْ لَأَنْتُمْ الرِّجَالُ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ۚ

از عالمها آیا می ستایید بر مردان و قطع طریق می کنید

وَأَنْتُمْ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرُ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا

و باین می آید در مجلس خود کار نا پسندیده را پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند

اَتَيْنَاكَ يَا اِلَهَ اِيْنِ كُنْتُ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٥﴾ قَالَ رَبِّ

یادش عذاب خدا را	اگر هستی	از	راست گویان	گفت اے پروردگار من
بیار برما عذاب خدا را	اگر هستی	از	راست گویان	گفت اے پروردگار من

اَضْرِنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

مهرت ده مرا	بر قوم	مفسدان	و وقتیکه آوردند	فرستادگان ما
دو هزار مرا	بر قوم	مفسدان	و چون رسیدند (آوردند)	فرستادگان ما

ابراهيم بالبشري قاله انا مهلك اهل هذا

پیش ابراهیم مرده را گفتند هر آئینه مالک کفنده
نزد ابراهیم با مرده (مرده را) گفتند (هر آئینه) مالک کفنده

نقد (هر آینه) مایل کند. این این

هر آينه اهل اين ديه ستار بودند گفت ابراهيم هر آينه در انجا لوط است

فریه ایم هر آینه اهل آن سنگاران اند ^ع گفت (ابراهیم) هر آینه دران نوط است ^ع

فانما نرى من اهل العلم من يهمل النجيه واهله الا افراتة

بهر که دران است (هر آینه) حیات مهد نیم اورا و اهل اورا که زنان او

کانت بن العبدین ۲) ولما ان جاءت رسالتنا طي سبيهم
 باشد از باقی ماندگان و وقتیکه آمدند فرستادگان ما پیش لوطا اندک پیش کرده شایسته ایشان

و در سینه اندر کسادهای مایه کوطا انداخته بپزند و سبب ایشان
است از باقی اندگان در غدا و چون رسیدند (آمدند) فرستادگان را نزد و انداخته بپزند و سبب ایشان

وَضَاوِ يَهُمُ ذَرَعًا وَقُلُوا لَا خُفٍّ وَلَا حُزْنَ إِنَّ اللَّهَ مَجْبُورٌ
 بِمَا تَعْمَلُونَ

فمن بعد ان فرستادگان مترس در اندوه خود به آيينه حیات دست نهاده و
تنگ دل شده بسبب ایشان و گفتند آن فرستادگان مترس و غم کین مشوره را شنیدند ناچهارم میوه هم ترا

وَأَهْلَكَ إِلَّا أَهْرَ أَتَاكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٠﴾ إِنَّمَا مَنَزَلُنَا

این کوایم حکمران تو باشد از بابی ماندگان
هر آنکه با فرود آرد انده ایام
این ترا سحر زن ترا که هست از بابی ماندگان (در عذاب) (هر آینه) مافرو آرد گایم

فَلْيَأْهِنْ أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رَجُلًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

این	دیه	عقوبتی را	از آسمان	بسیب آید
این	قریه	عقوبتی را	از آسمان	بسیب آنچه

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٥﴾

کرمی کردند و (هر آینه) گذاشتیم ازان دیر شان و از حق برائے کرده می یابند
(از حق می کردند و (هر آینه) گذاشتیم ازان (قریب) شان که آشکارا برای مردمان عاقل (مردی) گردی که تدریس میکنند)

إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا

استادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را پس گفت اے قوم من عبادت خدا کنید و کعبه دارید
استادیم بسوی مکه برادر ایشان شعیب را پس گفت ای قوم من! بجز سید خدا را ادا نمیدارید

يَوْمَ الْآخِرِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۚ وَلَكُمْ بُوءٌ

در باز پسین را دهر سو مگرید در زمین فادکنان پس مدوخی دستند اودا
در آخرت را دخی دید در زمین خرابانی زان کنندگان سر نکند برودند اودا

خَلَّاهُمْ الرِّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَيِّمِينَ ﴿٦﴾ وَعَادًا

در گرفت ایشانرا از ملزله پس با مداد کردند در خانه های خویش سرود افتاده و ملاک گردیدند

و بیا که در این میان
چو برون و علی السلام نیز کار عذاب را حاضر خواهند کرد و الله اعلم

و بعد از این که در آن سخن است این طرز احسن حضور کرده باشد و علم وجود بودن موطوعه اسلام نیز فارغ از اهل اجزاء خواهند بود و بدان علم

اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

کتاب یا محمد آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب و

اِقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ

بر بادار نماز را هر آینه نماز منع میکند از کار بی حیائی و فعل ناپسندیده و هر آینه یاد کردن خدا

لِكِبْرِ اللَّهِ يَعْزِمُ مَا تَصْنَعُونَ وَلَا تَجَادُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالْبَقِيَّةِ

بر جهت از بیم خدا میداند آنچه می کنید و مجادله کنید با اهل کتاب مگر بقیصه که

هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ

در نیک است مگر با آنکه گسسته کردند از ایشان و بگوئید ایمان آوردیم با آنچه فرود آورده شد

إِلَيْنَا وَأَنْزِلَ إِلَيْكُمُ وَالْهُدَىٰ وَهَكَذَا نُخَبِّرُكُمْ لَكُمْ مَسْلُومُونَ

سوی ما و آنچه فرود آورده شد بسوی شما و معبود شما یکی است و ما او را منقادیم

كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

چنانکه کتاب بای ما نازل شد و فرود آورده بودیم به چنان فرود آوریم بسوی تو کتاب پس آنانکه دادیم ایشان را کتاب ایمان می آورند بآن و از

هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِالَّذِينَ لَا الْكُفْرُونَ وَمَا كُنْتَ

بکس است که ایمان می آورده اند و انکار نمی کنند آیات ما را مگر کافران و نمی

تَتَوَّاهُمْ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كُتُبٍ وَلَا تَخْطُ بِمِثْلِكَ إِذَا الرُّسُلُ السَّابِقُونَ

را ندیدی پیش از نزول قرآن چنانکه کتاب را و وحی تو شکی نیست هیچ کتاب را بدست راست خود آنگاه در شک می افتادند این دروغگو یان

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِالَّذِينَ لَا

آیات قرآن آیات روشن است محفوظ در سینهای آنانکه داده شد ایشانرا علم و انکار نمی کنند آیات ما را مگر

الظَّالِمُونَ هُوَ قَالَ أُولَٰئِكَ لَا تَزِلُّ عَلَيْهِ آيَاتُ مَنْ رَّبِّهِمْ قُلْ إِنَّ آيَاتِ

مستکاران فل و گفتند چرا فرستاده شد بر این پیغمبر گشایان از جانب پروردگار و بگو این نیست که ایشان

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنْزَلْنَاهُ بِرُءُوسِهِمْ أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

نزد یک پروردگار من است و جز این نیست که من ترساننده آشکارم آیات کفایت نموده است ایشانرا آنکه فرستادم بر تو کتاب

بَلِّغْ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

که خوانند و بخود بر ایشان هر آینه درین مقدمه رحمت و چند است بر آنست و میگوید تسلیم میکنند (ایمان می آورند)

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ يَمِينًا وَبَيْنَكُمْ شُهَدَاءُ يَعْلَمُونَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بگو کس است خدا گواه میان من و میان شما میداند آنچه در آسمانها و زمین است

بگو کس است خدا ایمان من و میان شما گواه میداند آنچه در آسمانها و زمین است

کتاب

فتح الرحمن

فل من ترجم گوید بعض مفسران گفته اند که مراد از الذین اوتوا العلم تنها آنحضرت و پیغمبر است و صلی الله علیه و سلم و اهل علم و تفهیم عثمانی علی چهل سال عمر آنحضرت و صلی الله علیه و سلم پیش از نزول قرآن جمیع بین همین اهل که گذشت بر میدادند که در هر یک آنحضرت و صلی الله علیه و سلم پیش از آمدن نشست و نه کتاب خوانده و گاهی علم در دست خود گرفت و اگر چنین بود برای این باطل برستان گنجایش شدیدی بود که شاید کتب گذشته را خوانده و این چیزها را از آن اقتباس کرده و در دفتر تعبیرات خود آورده و اکنون قرات نمیداد اگر چه در صورت هم آن اظهار آنها غلطی بود زیرا هیچ انسان خواننده و نویسنده بلکه تمام افراد خواننده و نویسنده دنیا هم اگر یکجا هم دست نمیدادند تمام مخلوقات را با خود شامل کنند همچنین کتابی به نظر مردمین کرده نمیتواند بازم برای دهه مخلوقات موعود بدست می آمد که سخنانی جعل کنند اما علمای اهل علم و دین

بگو کس است خدا ایمان من و میان شما گواه میداند آنچه در آسمانها و زمین است

فصل فی تفسیر آیات این سوره
 تفسیر غنی
 مع خاتمه جمیع سوره
 چیز در وقت مقرر خودی
 آید و عذاب را که خواهد
 خداوند و اولاد حضرت
 شاه قاهره الهی
 که عذاب این است خاص
 بود که بدست مسلمانان
 قتل و اسیر شوند چنانچه
 در کتب کمالی که به دست آمده
 مکرر آن حضرت صلی الله علیه و آله
 بر سر آنها رسیده است این
 خداستانی خواهد گفت و بیا
 پس عذاب سخن خواهد
 زد مانند مال کیست
 زکوة نمیدهد در
 حدیث آمده است که
 مال بزرگوار بشکل
 باری جان کردن میشود
 و بر سرش را میبرد و
 خواهد گفت که من مال
 تو و خزانه توام من
 حضرت شاه صاحب
 رحمة الله علیه میفرماید
 بنیادی که علم و ستم
 کند در مکر از حد گذشت
 پس همان حکم بجهت
 داده شد چنانچه در
 حدیث آمده است و در عذاب
 بسوی همیشه رفتند
 بعرض این چیز اشاره
 است که این چند روز
 زندگی را در هر چنانکه
 ممکن باشد بگذرانند
 بعد از آن چه پیش آید
 بجا و تقدیری آید بدین
 وسیله به مهاجرین قبی
 داده شد و تکرار من
 و مفید از
 آن حضرت صلی الله علیه و آله
 سلم بر دوشان شاق
 و سنگین نگذرد و چنانکه
 خاطرنشان نمود که
 وطن خویش اندک
 و انقاد خود و بزرگوار

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ ﴿١﴾
 و آنانی که ایمان آوردند بباطل و کافر شدند بخدا آن جماعه ایشان اند زیان کاران
 و آنانی که ایمان آورده اند بباطل و کافر شده اند بخدا آن جماعه ایشانند زیان کاران
 وَیَسْتَعِجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَ
 و شتاب می طلبند از تو عذاب را و اگر نبود مهلت مسمی البته آمدی بدیشان عذاب و
 و شتاب می طلبند از تو عذاب را و اگر نبود مهلت مسمی آمد بدیشان عذاب و
 لَیَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ یَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ طَوَّانَ
 بر آید بآنها بآید بدیشان (عذاب) ناگهان و ایشان ندانند شتاب طلب می کنند از تو عذاب را و هر آینه
 بر آید بآنها بآید بدیشان (عذاب) ناگهان و ایشان ندانند عذاب طلب می طلبند از تو عذاب را و هر آینه
 جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٣﴾ یَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ
 دوزخ در گیرنده است کافران را روزی که بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از
 دوزخ احاطه می کند مگر آن کافران را روزی که فرا گیرد ایشان را عذاب از بالای ایشان و از
 تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذوقوا ما كنتم تعملون ﴿٤﴾ یَعْبَادِیَ الَّذِينَ
 زیر پای ایشان و بگوید خدا بچشید جز آنکه آنچه می کردید و اے بندگان من سرمان من
 زیر پای ایشان و بگوید خدا بچشید (جزای) آنچه می کردید عا اے بندگان من سرمان من
 اِنْ اَرْضِیْ وَاسِعَةٌ قَآیَمَیْ فَاَعْبُدُونِ ﴿٥﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ
 هر آینه زمین من گشاده است پس مرا مخصوص عبادت کنید هر نفس چشنده مرگ است باز
 (هر آینه) زمین من گشاده است پس مرا بپرستید هر نفسی چشنده مرگ است باز
 اَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ
 بسوی ما باز گردانیده شود و آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البته فرود آوریم ایشان را از
 بسوی ما گردانیده شود و آنانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته (هر آینه) جای ما بپوشانند ایشان را
 الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ
 بهشت بملکهای بلند میرود و زیر آن چون نهایی جاویدان آنجا نیک است مزد این عمل کنندگان
 جنت منزلهای بلند میرود و زیر آن جوی جاویدان در آن نیک است ثواب عمل کنندگان
 الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَحْمَةٍ یَّتَوَكَّلُونَ ﴿٦﴾ وَكَأَیْنَ مِنْ دَآئِبَةٍ لَا تَحْمِلُ
 آنانی که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می کنند و بسا جاوید که بر می دارد
 آنانی که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل می کنند و بسا جاویدان که بر می دارند
 رُسُلًا فَهَآؤُلَٰئِكَ رُسُلُ الْقَوْمِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ ﴿٧﴾ وَلَیِّنْ سَآئِلُهُمْ
 روزی خود را خدا روزی میدهد و او شمارانیز و او مست شنوا دانای و اگر سوال کنی ایشان را که
 روزی خود را خدا روزی میدهد و آنها را و شمارانیز و او مست شنوا دانای و اگر بپرسی ایشان را
 مِّنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَّسُجَّرِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ لَیَقُولُنَّ اللَّهُ فَآلَی
 کیست آنکه آفرید آسمانها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را البته گویند آن خداست پس از چه جهت
 کیست آنکه آفرید آسمانها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را البته گویند الله پس چگونه
 یَوْفُونَ ﴿٨﴾ اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّسْقَ لِمَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ لَهُ
 گردانیده میشوند از راه توحد خدا فراخ کند روزی برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ میزند برای هر که خواهد
 باز گردانیده میشوند خدا فراخ روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میزند برای هر که خواهد
 اِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ ﴿٩﴾ وَلَیِّنْ سَآئِلُهُمْ مِّنْ نَّزْلِ السَّمٰوٰتِ مَآءٍ فَآلَی
 بر آید خدا بهر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را کیست آنکه فرود آرد و از آسمان آب را پس زنده ساخت
 بر آید خدا بهر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را کیست آنکه فرود آرد از آسمان آب را پس زنده ساخت
 و انقاد خود و بزرگوار

الرَّحِيمَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

مهربان وعده کرده است خدا خلقت نمیکند خدا وعده خود را و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا لِّأَمِّنِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۖ وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ ۝

میدانند ظاهراً از تدبیر زندگانی دنیا و ایشان از آخرت غفلت میکنند

اولَمْ يَتَفَكَّرُوا فِيْ اَنْفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا

آیا تاکنون تفکر نکردند در حق خود که نیافریده است خدا آسمانها و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ وَاِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ

در میان آن هر دو است مگر به حق و مدت مقرر و در آید پس بیشتر از آنکه با دیدن پروردگار خویش

لَكٰفِرُونَ ۝ اَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

نامتقدانند آیا سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه شد عاقبت

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَنَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوهَا

آنکه پیش از ایشان بودند بودند قویتر از ایشان و شورا میدادند زمین را و آباد کردند آن را

اَكْثَرُ مِمَّا عَمَرُوْهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ

بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را و آمدند بدیشان پیغامبران ایشان بآیات حق پس ممکن نبود که خدا

لِيُظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۝ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ

ستم کردند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشان ستم می کردند باز حال بد عاقبت آن کسان شد که

اَسَاءُوا الشُّوْاى اِنْ كُنَّ بُوَايِبُ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝

بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را و بان استهزا سب می کردند

اللّٰهُ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُهَا ثُمَّ اِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ

خدا آفرید ای خلق را و بآفرینش باز و بآید کندش باز بسبب آنکه او گردانیده شود و روزی که تمام شود

السَّاعَةِ يَبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ مِنْ شَرِكٍ اِلٰهِمْ شَفَعُوْا

قیامت لازم شده خاموش مانند گنجه گران و نیامدند برای ایشان از شر بیکان ایشان هیچ شفاعت کننده

وَكَانُوا اِلٰهَهُمْ كُفْرًا ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِقُونَ ۝

و باشند بیکان خویش نامتقد و روزی که تمام شود قیامت آن روز پرانده شود و تقسم شوند مردمان

فَالْمُؤْمِنُ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ فَمِنْهُمْ رَوْضَةٌ يُجْرٰوْنَ ۝

اما آنکه ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند پس ایشان در بهشت خوش حال گردیده شوند

در همین دوران علاوه
بر اخبار جنگ دعوی
نبوت رسول کریم صلی
الله علیه و آله و تحریک
اسلامی برای اهل کفر
سبب پیچیده و مخفی
گردیده مشرکین که
موجسان آتش پرست
فارس را غیبا نمود
نزدیک میدانند
و نصاری را در زمین
که اهل کتاب بودند
برادران مسلمانان و
یا اهل دستان قریب
آنها قرار داده اند
چون از غلبه فارس خبر
میرسد مشرکین بکوشش
می شدند و افراد مقابل
مسلمانان یک فال
غلبه خودی گرفتند و
توهمات خوبی برای
آینده خودی نمودند
مسلمانان نیز طبعاً
آزاده می شدند که اگر
عیسویان اهل کتاب
از طرف جوس آتش
پرست مغلوب شوند
مباد آنها بافت
شعایت مشرکین
و اتو کردند
بالاخره از سوره
۲۸۱۳ (نهمین یکم از
ولادت نبی مصاب
قری تقریباً چهل و
پنج ساله از بعثت
چهل سال گذشت بود
در عهد خسرو پرویز
که کفر و فانی امیر
فارس بر دولت دوم
شکست مملکت و
فیصل گئی و او در
چهارم شام و در میان
صفر و قمر رادی ها
از دست و لاند و مکر
و ابله و بر قلعه مدین
را چنان زینت آید
آمد که با مجبور به تسلیم
شمارد حق و در سلطه
رومی با هم خطر افتاد
استغفار به بزرگ یا قل
دیار میرشدند و ناچار
ایرانی مقدس ترین
ملیک نصاری را از بیت
الله

فلما حاسن شئت

که ملک با ملک برابر

نیش و پس محو غلظت

شکایت او بفرمان گفت

تفسیر عثمانی

بقیه مفسرین

هرگز قهر و تمیز گرفت

که اوست در زان مشهور

دو باره بدست آورد

نزد گفت که اگر لایق

مرا بر ناس

پیر و بی خرد

از حسن

پایلیا

امیت المقدس پیاده

مفسرین گفت

خدا توانا همیشه

که مطابق پیشگوئی قرآن

مجید داخل موعود

۹ سال یعنی بعد از مرگ

یک سال از هجرت

تمام در روز قیامت

و یاری خدای تعالی

سالماتان بر سر کین

فتح و نصرت نمایان

حاصل نموده شد

بای کردند از دشمنان

این خبر که خدای تعالی

رو میان اهل کتاب

را نیز بر مجریان ایران

مظفر و منصور خود

است بشیر سرور

شهادت و شهادت

که خدا و دشمنان

مزید نصیب شد

بیاری مردم از مشاهد

حدیث این پیشگوئی

حیرت انگیز آن ایمان

آوردند حضرت

الطاهر و الطاهر

مشکین که گرفت و

آنحضرت علی الشهد

علیه السلام در باب آنجا

که مدینه را از اهل کفر

علی انصار الظاهر و

آله الباطنه ۱۲

الْأَرْضُ بِأَمْرِ رَبِّهَا إِذَا دَعَاكَ دُعُوَّةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

زمین بچشم او باز چون بخواند شمار یک بار خواندن ناله‌ها از زمین بر آید

زمین بچشم او باز چون بخواند شمار خواندن از زمین آنچه شما بر آورده می‌شود (از قبور خود)

وَلَهُ مَن فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ

و خدا را است آنچه در آسمان با و زمین است هر یک برای او فرمانبردارند و او است آنکه نو میکند

و خدا را است آنچه در آسمان با و زمین است همه برای او قاطع فرمانبردارند و او است آنکه ابتدای آفریند

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمُوتِ

آفرینش را باز دوباره کند و این دوباره کردن آسان تر است بر او و خدا را است صفت بلند تر در آسمان با

خلق را باز عاده می‌کند آنرا و این را عاده آسان تر است بر او و خدا را است شأن بلند تر در آسمان با

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۝

و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما مثال از نفس شما

و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما مثال از نفس شما

هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّالِكَ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ فِي مَآزِنَ قُلُوبِكُمْ فَأَنْتُمْ

آیا هست برای شما از پندگانی که مالک ایشان است دست شما از هیچ شریکی در این عطا کردیم شمارا تا شما

آیا هست شمارا از آنچه دست بای شما مالک آن اند (از غلامان شما) شریکان در آنچه داده ایم شمارا پس شما (و ایشان)

فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُوهُمْ كَخِيفَتَكُمْ أَنْفُسُكُمْ ۝ كَذَلِكَ تَقْضِي الْآيَاتِ

در آن یکسان یا شدید تر می‌داز ایشان مانند ترسیدن از خود خویش همچنین بیان می‌کنیم نشان با

در آن برابرید می‌ترسید از ایشان مانند ترسیدن آنان از خودتان بهم چنین نقیض می‌دید نشان بار

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

برای قومی که می‌فهمند بلکه پیروی کرده اند آرزوهای خود را بدون علم

برای قومی که می‌فهمند بلکه پیروی کرده اند آرزوهای خود را بدون علم

فَمَن يَهْدِي مَن أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ مُّصِيرٍ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ

پس کراه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنده پس راست کن روئے خود را

پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنندگان پس راست بدار روی خود را

لِلدِّينِ حَنِيفًا ۝ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

بدین ز خدا یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

لِلدِّينِ حَنِيفًا ۝ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

بدین ز خدا یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

لِلدِّينِ حَنِيفًا ۝ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

بدین ز خدا یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

لِلدِّينِ حَنِيفًا ۝ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

بدین ز خدا یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر آن هیچ تبدیلی نیست

عنه تا بیدار نه جهازات
 اصل تباری را از کفر
 بگذرانند و از فضل و
 لطفش خدای تعالی
 منفعت زیادی بدست
 آرید و برین نعمت پا
 شکر خدا را همیشه بجا آرید
 (تنبیه اول در باب
 انقضای وقت در خشک
 و آب ذکر بود و مقابل
 آن دین موقع بشارت
 و نعمت الهی را اندک کرداد
 شاید بدین طریقی هم
 اشاره باشد که بعضی
 از بیک طوفان باد و قیامت
 همه جا را آلوده نماید
 داشته باشد که بمان
 رحمت عظیم نازل
 میشود. یاد بای مسود
 شعور بوزیدن نموده
 خفته فضل در رحمت
 را میسر نماند. کافران بد
 باید که از شرارت و کفر
 نعمت باز آیند و چنان
 الطاف و احسان
 خدای تعالی را می بینند
 بندگان شکر گزار و خسته
 عده صاب خود بود
 که قبولان درود دان
 جدا کرده میشوند و سکین
 از سبب انکارشان
 و چاره قوت و وفای اند
 اکنون خاطر نشان می
 فرمایند که این اجراء در
 دنیا هم یقیناً بظهور میرسد
 زیرا اعداد عده داده
 و عادت اوست که گذ
 هم چنین و گدین انتقام
 گیرد. مومنان کامل هم
 انعام داد اعانت
 خود بر دشمنان غالب
 گردانند. ذکر کرد و برین
 میان ازین سبب آمد
 که چنانچه پیش ازین
 بامان باد میوزد
 به آن طرف غنایات بگذرد
 و بهین روش شایسته میورده

قُلْ سَيُرَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
 چو سیر کنید در زمین پس در بنگرید چو سیر بود اتمام آنانکه پیش از ایشان بودند
 گان اکثرهم مشرکین ۵ فاقم وجهك للدين القويم
 بودند بیشترین ایشان مشرکان پس راست کن روی خود را برائے دین درست پیش
 قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَنَّ يَوْمَ لَا مَرَدُّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْدَقُونَ مِنْ
 از آنکه بیاید روز یک باز گشتن نیست آنرا از جانب خدا آنروز متفرق شوند هر که
 از آنکه بیاید روز یک باز گواهندین نیست آنرا از طرف خدا آن روز مردم جدا جدا می شوند هر که
 كَفَرُوا عَلَيْهِمْ نَعْرَةٌ ۵ وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَهْدِيهِ ۵
 کافر شد پس بر دے ست ضرر کفر او و هر که کرده باشد شایسته پس این جماعه برائے خویشین آرام گاه راست می کنند
 کافر شد پس بروی است از برای کفر او و هر که کند کار شایسته پس برای نفس خودشان آرام گاه می سازند
 لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود هر آینه و دے دوست نمیدارد
 تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از فضل خود بر آید و دقتی دوست ندارد
 الْكَافِرِينَ ۵ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَةً وَلِيَذِيقَكُمْ
 کافران را و از نشان هائے خدا است که می فرستد باد هائے مرده و سیه و مرده آنکه بچشاند شمارا
 کافران را و از نشان هائے او دقتی است که می فرستد باد باران مرده و سیه و مرده برای آنکه بچشاند شمارا
 مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
 از رحمت خود یعنی باران دهد برای آنکه جاری شوند کشتی با بفران او برای آنکه در دری طلب کنید از فضل او برای آنکه شما
 از رحمت خود (یعنی باران) و تا جاری شود کشتی با بفران او و تا طلب کنید از فضل او در زرق او تا شما
 تَشْكُرُونَ ۵ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فِي أَوَّلِهِمْ
 شکر کنید و هر آینه فرستادیم پیش از تو پیغامبران را بپسوی قوم ایشان پس آوردند پیغمبر قوم خود
 شکر کنید عه و دهر آینه فرستادیم پیش از تو پیغمبران را بپسوی قومشان پس آوردند پیش قوم خود
 بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقِمْتَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُكُمْ وَأَوْكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
 نشان با پس انتقام کشیدیم از آنانکه نافرمانی کردند و بجز نصرت مسلمانان
 نشان با پس انتقام کشیدیم از آنانکه نافرمانی کردند و حق است بر ما مدد
 الْمُؤْمِنِينَ ۵ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُبَثِّرُ سَحَابًا فَيَسْطُرُهُ فِي
 لازم بر ما خدا است که می فرستد باد باران پس برانچه ازین باران پس خدا بکشد آنرا برادر
 برای مومنان عه خدا است که می فرستد باد باران پس برانچه ازین باران پس خدا بکشد آنرا برادر
 السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيُجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۵
 آسمان چنانکه خواهد و بجزدانش باره باره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن
 آسمان چنانکه خواهد و می نهد آنرا بر تو را میگرداندش باره باره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن
 فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادَةٍ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۵ وَإِنْ
 پس چون برساندش بهر که خواهند از بندگان خود بندگان ایشان شادمان شوند : اگر چه
 پس چون برساندش بهر که خواهد از بندگان خود ناگاه ایشان شادمان شوند : دهر آینه
 كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ كَسْبِ السَّيِّئِينَ ۵ فَانظُرْ إِلَى
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را نا امید شوند پس در شکر بگویند
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان (باران) پیش از ظهور سحاب نا امید از باران پس بپسوی

اِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُسْمِي

آرامش خدا چگونه زنده می کند زمین را بعد از مردنش هر آینه دمی (البته) زنده کننده

لِلْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِجَالًا ۝

مردگان است و او بر همه چیز تواناست
و اگر فرستیم پادشاهان پس به بندگان آن کشت را
و اگر فرستیم پادشاهان پس به بندگان آن کشت را

مُصَفِّرًا أَوْ أَظْلَمًا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۝ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَ

زرد شده البته شوند بعد از آن ناسپاسی کننده
زرد شده البته شوند بعد از آن ناسپاسی کننده

تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا أُولُوا أَفْئِدًا بَرِيْنَ ۝ وَمَا أَنتَ بِهِيَ الْعَبْدَى

نی شنوای گران را آواز خواندن چون رو بگردانند پشت داده
نی شنوای گران را آواز خواندن چون رو بگردانند پشت داده

عَنْ ضَلَّكَ هُمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْمَعُونَ ۝

از گمراهی ایشان
نی شنوای گران را آواز خواندن چون رو بگردانند پشت داده

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ

خدا است که آفرید شما را از ابتدای ناتوانی باز و او را شمارا بعد از ناتوانی توانائی باز

جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و او را شمارا بعد از توانائی ناتوانی و سپید موی می آفریند هر چه می خواهد و او است دانای

الْقَدِيرُ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَنَا بِالنَّارِ

توانا روزیک قائم شود قیامت سوگند خورند که ما را از آتش
توانا روزیک قائم شود قیامت سوگند خورند که ما را از آتش

سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أَتَوُا الْعِلْمَ وَ

راستی بگویند از راه برگردانیده میشوند و علم را ایمان
راستی بگویند از راه برگردانیده میشوند و علم را ایمان

الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ

و او را رسیده است ایشان را هر آینه توقف کردید
و او را رسیده است ایشان را هر آینه توقف کردید

وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا عَمَلُهُمْ

و لیکن شما نمی دانستید
و لیکن شما نمی دانستید

وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ وَلَقَدْ خَرَّبْنَا النَّاسَ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

و از ایشان توبه طلب کرده شد و هر آینه بیان کردیم برای مردم در این قرآن هر
و از ایشان توبه طلب کرده شد و هر آینه بیان کردیم برای مردم در این قرآن هر

كُلِّ مَثَلٍ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُمْ بَابَةً لِيَقُولُوا الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّهُمْ إِلَّا

و از هر گناهی را و اگر بیاری پیش ایشان نشانه گویند
و از هر گناهی را و اگر بیاری پیش ایشان نشانه گویند

كَاذِبُونَ ۝ وَلَقَدْ خَرَّبْنَا النَّاسَ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

و از ایشان توبه طلب کرده شد و هر آینه بیان کردیم برای مردم در این قرآن هر
و از ایشان توبه طلب کرده شد و هر آینه بیان کردیم برای مردم در این قرآن هر

و لا یعنی چون عقوبات
فعله مائنه کرد دنیا
را پیش بر ساحت خیال
نمود بر عکس آنکه دنیا
حیات دنیا را پیش بر
خیال بیکر کند و الله اعلم
تفسیر عثمان
عنه خلافت و در
اگر مرده را زنده کند و
شایخی تواند که سوختن
بر مردگان بقولانید و
یا بگوشت گریه برسانید
۵ یا بگوید یا رب انکسر
ح خصوص و تنگداری
۱۳ اراده شنیدن و
۸ مصلحت را هم ندانسته
باشند پس نباید از
دنا سباحتی آنها غم گین
و طول شری تو مصلحت
رسانیدن احکام و
پیغام خدا سباحتی و اگر
بدین بگویند بلکه از تو
باز خواست می شود
حق تراک می می شنوند
که بر طاعت با هم و
روشن ایقین نموده
و بر او تسلیم القبله
روان می شوند (تسلیم)
آتش بر من مضمون در
آخر دوره و غلبه
گذشته است آنرا
مطابق فراموشی
درین موقعه بحث
و سماع صوتی گفتگو
دارند این اختلافات
از عهد صحابه رضی الله
عنهم آمده است و بر
دو جانب برده و هم
قرآن و حدیث تسک
کرده اند و درین جا
باید دانست که در دنیا
بیک کاری بدون مشیت
و اراده خدا امکان
ندارد مگر کاری را که
انسان در امر او است

ما یمنی شل قدر رستم
 داسفند یار ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 بقی صفی ۹۹
 شانی کسی را
 بگو بکش داین
 مثل از ان تامل
 گفته شود و در صورتیکه
 بزنگنه مشی سنگر بزه
 لشکری تپاه ویر باد شد
 می گویند که خدای تعالی
 بر قدرت خود آنرا تپاه
 فرود آگر چه بدین مگر
 پاک کردن هم کار وقت
 بهان نیت تواناست
 درت بدین شیت او
 گله تفنگ و یا توپ
 هیچ تاثیر کرده نمی تواند
 در تان کیم در چله دیگر
 ز خود تان تفنگو هم و
 لکن الله جلهم و
 ویتنا در میت
 لکن الله ری و انفعال
 در کوه ۲ چون این کله
 یک واقعه خارق العاده
 بود بهمان وقت ۹ و ۱۰
 درمی و اگر از طرف
 مسلمانان و غیر مسلم
 آمدن و مستقیماً بسوی
 خدای تعالی نسبت کردند
 مطلب ۱۰ انگل لایع
 الموتی را ازین چنین
 بداند یعنی خدای قادر
 نیست که سخن بزنند
 و آواز خود را به سمع
 مرده برسانند زیرا
 این چیز خلاف اسباب
 ظاهری است. اگر در
 کدام سخن شمار میشوند
 و چون مومن لادن انگار
 کرده می تواند اکنون
 اگر از نصوص، شذیذ
 بعضی سخنان یابین
 طریق غیر معمولی ثابت
 شود فقط تا بهمان حد
 باید به صراحه موتی
 را قائل بنویسم محض از قیاس نمی توانیم سخنان دیگر را تحت
 صراحه ایادیم - بهر حال درین آیت از نفی ۹ اصباح ۹ مطلقاً نفی ۹ صراحه ۹ می شود و الله اعلم ۱۲-

مَبْطُورُونَ ۵ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۵
 بے بهره گونی با چنین مهر سے مہند خدا بر دل
 درو نگویان ہم چنین مہری مہند خدا بر دل ہائے
 فاصبر ان وعد الله حق ولا يستخفنك الذين لا يوقنون ۵
 پس صبر کن ہر آیتہ وعدہ خدا راست است و سبکسار ننگند ترا آنانکہ یقین نے آند
 پس صبر کن ہر آیتہ وعدہ خدا راست است و سبکسار ننگند ترا آنانکہ یقین ندارند
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱
 بسم خدا بخشنایندہ مہربان
 آغاز می کنم بنام خدا ایستہ اندازہ مہربان نہایت یادیم است
 انك ايت لك الكتاب الحكيم ۱۰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ۱۱ الَّذِينَ
 این آیت ہائے کتاب با حکمت است بدایت و بخشایش شدہ برائے نیکو کاران آنانکہ
 این آیت ہائے کتاب با حکمت است بدایت و رحمت است برای نیکو کاران آنانکہ
 يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۵
 پر پا میارند نماز را و میدهند زکوۃ را و ایشان با آخرت یقین می دارند
 پر پا می دارند نماز را و میدهند زکوۃ را و ایشان با آخرت یقین می دارند
 اُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵ وَمِنَ الْمُنَافِقِينَ
 این جماعہ بر ہدایت اند آمدہ از پروردگار ایشان و این جماعہ ایشانند در سعادہ و از مردمان
 این جماعہ بر ہدایت اند از جانب پروردگار ایشان و این جماعہ ایشانند در سعادہ و از مردمان
 مَنْ يَشْتَرِ الْهُدَىٰ بِلِقَاءِ رَبِّهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بَعِيرًا ۵ وَيَسْتَفْهِمَ
 کسی بہت گری ستاند سخنان بے بودہ را تا گمراہ کند ہر مردم را از راہ خدا بجز علم و سنجہ
 کسی است گری خرد سخنان بے بودہ را تا گمراہ کند ہر مردم را از راہ خدا بجز علم و سنجہ
 هُنَّ وَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۶ وَاذتُبُّوا عَلَيَّ آيَاتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
 راہ خدا را این جماعہ ایشان را است عذاب خوار کنندہ و چون خوانندہ شود برین شخص آیات ما رو بگرداند تکرار کنان
 شمر این جماعہ ایشان را است عذاب خوار کنندہ و چون خوانندہ شود برین آیات ما رو بگرداند تکرار کنان
 كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۵
 گویا نشنیدہ است آنرا گویا در ہر دو گوش دے گرائی است پس خبر دہدہ او را عذاب درد مہدہ ہر آیتہ
 گویا نشنیدہ است آنرا گویا در ہر دو گوش او گری است پس مژدہ دہدہ او را عذاب درد ناک (ہر آیتہ)
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۵ خَالِدِينَ فِيهَا
 آنانکہ ایمان آوردند و کردار ہائے شایستہ کردند ایشان را است بہشت ہائے جاویدان در آنجا
 آنانکہ ایمان آوردند و کردار ہائے شایستہ کردند ایشان را است بہشت ہائے جاویدان در آنجا
 وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۵ خَلَقَ السَّمُوتَ بِغَيْرِ عَمَدٍ
 و وعدہ دادہ است خدا وعدہ راست و اوست غالب با حکمت آفرید آسمان ہا بجز ستون ہا
 وعدہ دادہ است خدا وعدہ راست و اوست غالب با حکمت آفرید آسمان ہا بجز ستون ہا
 تَرَوْهَا وَالْقَرَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَّاسِيٌّ أَن تَقِيدَ بِهِمْ وَبَشَّرَتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ
 ہم بینید آنرا ۱۰ انگار در زمین کوہ ہا برائے احتراز از آنکہ بچند شمار و پراکندہ کردہ زمین از ہر لولہ جانور
 کہ بینید آنرا ۱۰ انگار در زمین کوہ ہا تا میلان (حرکت) ندید شمار و پراکندہ کردہ زمین از ہر لولہ جانور
 وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَالنَّجْمَاتُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۱۰ هَذَا خَلْقُ
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویا بنیدیم در زمین از ہر جفت (صفت) نیک این است آفرینش
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویا بنیدیم در زمین از ہر جفت (صفت) نیک این است آفرینش
 را قائل بنویسم محض از قیاس نمی توانیم سخنان دیگر را تحت صراحه ایادیم - بهر حال درین آیت از نفی ۹ اصباح ۹ مطلقاً نفی ۹ صراحه ۹ می شود و الله اعلم ۱۲-

لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١

ما این بنامند مرا چه چیز آفریدند آنرا که بچو و ستانند

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٢

و هر آینه عطا کردیم لقمان را حکمت را چون گفت

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٣

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٤

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٥

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٦

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٧

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٨

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ٩

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٠

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١١

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٢

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٣

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٤

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ إِذِ قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِتَتَّقِيَ اللَّهَ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٥

و هر آینه عطا کردیم لقمان را عقل مندی (حکمت) را

دل بپوشد و وقت

سست تر شود و اندک

تغییر عثمانی

اعمالی اکثر عطا

این است که حضرت

لقمن پیغمبر بود یک

یک انسان پاکباز

و پیغمبر گرامی بود که

نعمت الهی بر او کمال به

او عقل و فهم و شرافت

و داناتی و طاعت و

بود نامبر و مدبر

عقل و فکر عالی خود

حقایق را اظهار نموده

که مطابق احکام و هدایت

پیغمبر بود و نصایح

عالمات و مومنان و صلوات

ادب و مروت و غیرت

نامبر و مدبر و مدبر

یک حدیث آن را در کتاب

نقل فرموده و در تفسیر

در شرف او افزوده

است شاید از ذکر

آن مقدمه این باشد

هم چنانکه تفسیر بودن

شرف و دانش آن

از شهادت حضرت

الناسی از وی اینها

ثابت است و در مصادیق

متفق و دنیا هم این

شهادت و دینی را

و تصدیق دارند پس توحید را ترک گفتند و شرک را اختیار کردند گرامی آشکار است (تفسیر) اینکه حضرت لقمن باشند کدام ملک بود و کدام مصلحت زلیتی که و اناصل بعصه کافران پس از آنکه مردم می گویند که لقمن جفتی بود و در مذهب حضرت داود علیه السلام زلیت میگوید تعبیر و اناصل

عده بعضی از چنان
آنکه با وجودی بر این او
احسان آشکار چشمهای
خود را بسته بدون
منه و مدحانیت
التعالی و باری
شئون و صفات
و یاد احکام و شرائع
او مجادله می کنند متناهی
کدام اصول علی عقلی
و لذت کلب روشنی
و دوست ایشان است
و نه از کد اهلادی بر حق
هدایت یافته اند بلکه
محض تقلید کورکورانه
آباد اجداد را پیش
گرفته اند که اگر آن در
آیت آئینه می آید تفسیر
از تفسیر چندین بری آید
که مترجم محقق قدس الله
موازن علم و غایبانه
بطور عقلی و از سببی
یک نوع بصیرت را دارد
گرفته است که مسامحتی
فوق و وجه این علم است
عقل و فکر ناشی میشود
مطلب این طورش
که این مردم نه علم غایب
دارند نه باو نشان بصیرت
و جدایی حاصل است
و نه کتب پر روشن بینی
و دلیل عقلی را دارا هستند
این سخن ضعیف با
تزلزل است و تقریر
ما در باب آیت محض
از عرض تسهیل بایرود
گزیده عده علاقه
خود را با التعالی
مربوط سازید و انکار
و تکذیب کسی پاک
دارد و میکنند هم با
محضر را حاضر شوق
اند و آن وقت تمام کوا
آنها بمیدان شهود
آورده شود و آنها را
چرا خود را پنهان کرده
میباشند چه او تامل

فَخُورٍ وَاَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنْ أَنْتَ
خود ستاننده را و میانه روی کن در رفتار خود و فرود آر
خود ستارا و میانه روی کن در رفتار خود و بپست کن
اَلْاَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَيْرِ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ فَا فِي السَّمَوَاتِ وَا
آوازها را آواز خراش باشد آیا ندیدید که خدا را میگردانید بر آسمانها آنچه در آسمانها است و
آوازها را آواز خراش است آیا ندیدید که خدا سخن کرد بر شما آنچه در آسمانها است و
فَا فِي الْاَرْضِ وَاَسْبَغْ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن
آنچه در زمین است و تمام فرود آورده بر شما نعمت باری خود را آشکارا و پنهان و از مردمان کسی هست
آنچه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت باری خود را آشکارا و پنهان و از مردمان کسی هست
يُجَادِلُ فِي دِينِهِ لَمْ يَغْيُرْ عِلْمٌ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٌ مُنِيرٌ ۝ وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ
که مبارزه می کنند در باب خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن و چون گفته شود بایشان
که مبارزه می کنند در باب خدا بدون علم و هدایت و بغیر کتاب روشن عده و چون گفته شود بایشان
اتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَحْنُ مُسْلِمُونَ وَاَوْجَدْنَا عَالِياً لَّكُم مَّا لَوْ كُنَّا
که پیروی کنید چیزی را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا قیمت بران پدران خود را آید پیروی می کنند
که پیروی کنید چیزی را که فرود آورده است خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا قیمت بران پدران خود را آید پیروی می کنند
الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ اِلَى عَذَابٍ اَلْسَعِيْرٍ ۝ وَمَنْ يَسْلُكْ سَبِيلَ اللَّهِ يَجْعَلْ لَّهِ
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا
شیطان می خواند (پدران) ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را طرف خود را
وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَاِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ
و دوی نیکو کار است پس سر آئینه دست زده است بدست آدمی حکم و بسوی خداست بازگشت
و او نیکو کار باشد پس (پس) آئینه چنگ زده است به حلقه در دست او حکم و بسوی خداست عاقبت
الْاُمُوْنِ ۝ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزَنُهُ الْكُفْرُ ۝ اَلَيْسَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم
کارها و هر که کافر شود پس اندویشان نماند تر آنکه روی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشان را
تمام کارها و هر که کافر شود پس اندویشان نماند تر آنکه کفر او بسوی ماست بازگشت ایشان پس خبردار کنیم ایشان را
بِمَا عَمِلُوا اِنَّ اللَّهَ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝ نَسْتَعْتِبُكَ يَا رَبِّ
با آنچه می کردند هر آینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مند میانه از ایشان را اندکس باز
به آنچه می کردند هر آینه خدا داناست به (آنچه) معنائیک در سینه است عده بهره مند میانه از ایشان را دورهای اندک
نَضْطَرُّهُمْ اِلَى عَذَابٍ غَلِيْظٍ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
به بیکارگی بر اینم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که میافرید آسمانها
به بیکارگی بر اینم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که میافرید آسمانها
وَالْاَرْضِ لَيَقُوْنَ لِلَّهِ مَقْلٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدا را است بلکه اکثر ایشان نمیدانند
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو تمام ستایش خدا را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند
لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ۝ وَاِنْ
خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است هر آینه خدا همانست که نیاز مندوده و اگر آنچه
خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است هر آینه خدا او است که نیاز مندوده و اگر آنچه
فَا لَ اَرْضٍ مِّنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِ سَبْعَةِ اَجْرٍ
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آفرید از زمین دریا مهفت دریا دیگر
در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا یا سیاهی شود و دریا بحد از آن یا شد مهفت دریا
در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا یا سیاهی شود و دریا بحد از آن یا شد مهفت دریا

وَلَقَدْ كَلَّمْتُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ
 بِيَانِ زبرد سخن خدا را هر آینه خدا غالب با حکمت است نیست آفریدن شماوند بر این سخن شما
 بیاورد زبرد سخن خدا را هر آینه خدا غالب با حکمت است نیست آفریدن شماوند بر این سخن شما
 لَا نَفْسٌ إِلَّا حُدَّةٌ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِّجُ
 الامانند آفریدن و بر این سخن خدا را هر آینه خدا غالب با حکمت است نیست آفریدن شماوند بر این سخن شما
 لَيْلٌ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 شب را در روز و در روزی آرد و در روزی در شب و بکار انداخت درام کرد آفتاب و ماه را
 كُلُّ شَيْءٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ذَلِكَ
 هر یک می رود تا مدت معین و آید ندیدی که خدا با آنچه می کنید خبردار است این کارها
 بَانَ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ
 بسبب آنست که خدا بولست ثابت و بسبب آنست که آنچه می پرستند بجز دے بے اصل است و بسبب آنست که خدا
 هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ
 بولست بلند مرتبه بزرگ نعمد آید ندیدی که کشتی با می رود در دریا بقض خدا تا بناید شمارا
 مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَإِذَا غَشِيَهمُ
 جنش تانهاے خویش هر آینه در پس مقدمه نشان با است هر صبر کننده و پاسبان دارنده و او چون در گردانان را
 مَوْجٌ كَالظَّلِيلِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ
 موج مانند ساینان با بخواستند خدا را خالص کرده برانے او عبادت پس آنگاه که نجات داد ایشان را بسوی بیابان
 فَنَجَّاهُمْ مِّنْهُم مَّقْصُودٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ غَفُورٍ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 پس بجنش ایشان میان روی باشند و انکار نمی کنند آیات ما را مگر هر عبادت کننده تا پاس اے مردمان
 الْقَوَارِبُ كُمْ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلَا دَهُو
 بزرگواران پروردگار خویش و خدگ کنید از روزی که کفایت نلند هیچ پدری بچای پس خویش و نه فرزندے
 جَازِعٌ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 طاعت کننده باشد بجای پدر خود چیزی را هر آینه و عده خدا حق است پس فریب ندهد شمار از زندگانی دنیا
 وَلَا يَعْزِبُكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ
 و از نب ندهد شمار از مستند خدا شمع طمان فریفته هر آینه خدا نزدیک اوست علم قیامت و فرود میفرستد
 الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ قَدْ أَتَتْكَ مَوَدَّةٌ
 باران را میداند آنچه در شکم حاملها باشد و نه میداند هیچ نفس که چه گاه خواهد کرد فردا
 إِلَّا مَوَدَّةً تُرَدُّ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ قَدْ أَتَتْكَ مَوَدَّةٌ إِلَّا مَوَدَّةً تُرَدُّ

ول بنی سلوات ۳۱
 تفسیر عثمانی
 عده اگر تمام درختان
 دنیا را بکند بحرهای وجود
 را سبای بسایم بیداند
 آن صفت بحر دیگریم
 سیاهی گردیده باعداد
 آن برسد و تمام خلق
 بقدر استطاعت و
 مقدور خوش به تحریر
 سپرد از ندایم آن
 کلمات مرا که کلمات و
 غفلت و جهل خدای
 توبه را انجباری نلاید
 به تحریر آمده نتوانند
 عربای نویسنده گان تمام
 بشمار تامل سازند
 و شکست گردد و بیست
 بیایان رسد لیکن
 اوصاف و خوبی
 های خدای تبارک و تعالی
 نشود دیدی است که
 ندید توت با حق
 و غنای فی جود حق
 لا محدود و فخرهای
 رایبته سازند
 و الهی لا احصی شمار
 علیک است کما انیت
 علی تفک و عده
 طریقه یک وقت
 شغل یک تراز و
 غنیل تمام آورده ای
 جهان و یا بیگ وقت
 دیدن یک چیز و دنیا
 تمام چیزهای جهان نزد
 او برابر است یک
 آدم را زنده کردن
 و میراندن و تمام جهان
 را زنده کردن بر این
 همیش قدرت و وسع
 است علاوه بر زنده
 نمودن بار دم حساب
 بر زنده اعمال گذراندن
 و آینه تمام ادب و
 آخرین در انجمن و
 دلائل گردن نیز برای

وَلَا يَخْفَى الْوَعْدَ الْمَعْلُومَ
نزل نذر و وعده
عروج او قعود
کنند که از هزار سال
چنان نمایند و آن بهر
پیش خداوند تعالی در
یک روز تمام شود و فرست
آست که با هم ایشان
بعدت او نمیرسند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه تعالی باید داشت
که منیبات یا منجس
احکام خواهد بود و یا نه
جنس اکوان - بود
انسان یا کوان غیبیه یا
زمانی یا فاعله یا ماضی
و اکوان زمانی را باقی
ماضی مستقبل محلی
بر سه قسم کرده اند
از جمله آنها علم کل احکام
غیبیه یعنی علم الصلوة
والسلام و عطا کرده شد
و تعالی علم غیبیه احدی
الاسم لا یقصر من رسول
الایه (جن - روح ٢)
جزئیات آنرا از کبریا
است تجویز تفسیر
کرده اند اما علم کلیات
داصول اکوان غیبیه
را حق تعالی مختص به
فلسفه خود فرود است
مثلا بر جزئیات مشغول
بسیاری مردم را حسب
استعدادشان اطلاع
داد - و به رسول کریم
صلی الله علیه و سلم بهم
آنقدر حقه از علم
عطا کرده که
فیتوان آنرا اندک
نمود با انبیه علم کلی
اکوان غیبیه خاصه
رب المیزان است
و چون بگوید این آیت
مذکور است در احادیث
یه نفعایغ الشیبه
یاد شده که علم کلی آن خاص خداوند تعالی است و در حقیقت هر چه از جزئیات کل انواع اکوان غیبیه اشاره شده بهای ارض و قوت با غیب و مابین در آنرا تکیه

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَكُونُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
و نمیداند هیچ نفسی که کدام زمین خواهد مرد هر آینه خدا
و نمیداند هیچ نفسی که کدام زمین خواهد مرد عه بر آینه خدا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خداوند بخشنده مهربان
آغازی کنم بنام خداوند بے اندازه مهربان نهایت با رحم است
اللَّهُ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ هَاقُوا يَكُولُوا
فرود آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن از جانب پروردگار عالمهاست آیای گویند
فرود آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن از جانب پروردگار عالمهاست آیای گویند
اَفْتَرَاهُ قَبْلَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ ۝ وَلَقَدْ
بر یافته است آنرا بلکه دے راست است آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانی نوحی را که نیامده است بر ایشان و چون
اَفْتَرَاهُ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ ۝ وَلَقَدْ
لَعَلَّهُمْ تَهْتَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
تا بود که ایشان راه یابند خدا آنست که آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست
شاید که ایشان راه یابند خدا آنست که آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست
فِي سِتْرَةٍ ۝ إِنَّا كُنَّا مُسْتَوِينَ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ مَنْ وَلِيُّ الْأَرْضِ ۝
در سترش روز باز قرار گرفت بر عرش نیست شمارا جز دے هیچ دوستی و
در سترش روز باز قرار گرفت بر عرش نیست شمارا جز دے هیچ دوستی و
شَفِيعٌ ۝ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ
شفاعت کننده آیایند پذیر می شوید تدبیر می کند کار را فرود آورده از آسمان بسوی زمین باز
شفاعت کننده آیایند پذیر می شوید تدبیر می کند کار را فرود آورده از آسمان بسوی زمین باز
يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ ۝ ذَلِكَ عَلَى
بالا میرود آن کار بسوی خدا و در روزیکه هست مقدار آن هزار سال از آن حساب کمی شمارید و ایست صفت داد
بالا میرود آن امر بجانب او و در روزیکه اندازه آن هزار سال است از آنچه کمی شمارید این است دعوت و دانسته
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به خیرترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و
نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به خیرترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ
نو کرد آفرینش آدمی را از گل باز پدید آورد نسل او را از قطعه از آب
آغاز نمود آفرینش ان را از گل باز پدید آورد اولاد او را از عصاره از آب
مُهَيِّئِينَ ۝ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِ رَبِّهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
خوار باز درست اندام کرد و در وی روح خود پدید آورد برسانست شما گوش و
بے قدر باز درست اندام کرد او را و دمید در وی از روح خود پدید آورد برای شما گوش و
الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۝ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي
چشمها و دلها اندک شکر می کنید و گفتند چون گم شویم در
چشمها و دلها اندک شکر می کنید و گفتند چون گم شویم در
الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ بَلْ هُمْ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ كَفُورُونَ
زمین آیایند آفرینش نو خوانیم بود بلکه ایشان بملاقات پروردگار خویش کافرانند
زمین آیایند آفرینش نو خوانیم بود بلکه ایشان از ملاقات رب خود منکران اند

یاد شده که علم کلی آن خاص خداوند تعالی است و در حقیقت هر چه از جزئیات کل انواع اکوان غیبیه اشاره شده بهای ارض و قوت با غیب و مابین در آنرا تکیه

فل من جم گوید که در حق
آیات و داستان بر قول
کافیه که مراد دل داده
اند و بر آنچه این جا نیست
مقرر کرده بودند که ظاهر
مثل با حرام موبدی
شود و تعریف است
بجواب سخن کافران و
مناققان به نسبت
حضرت علی الشهدا علیه
سلم چون زینب را
مزدوج فرمود که زن
پسر خوانده را بزنه
گرفت و ۱۲ لقب یعنی
باین لقب خوانند ۱۲
لقب یعنی در حرمت
نکاح ۱۲ یعنی محرم
ارحام واجب است
و توارث به هجرت و اسلام
منسوخ شد توارث
بقرابت و در جام ۱۲
تفسیر عثمانی
ع تقاضای انصاف
صحیح است که هر
شخص بسوی پدر حقیقی
خود منسوب شود و اگر
شخصی کس دیگر را پسر
خواند آن شخص پدر
حقیقی او نمیکردد. اگر
شخصی ازنده اشقت
و محبت کسی را مجازاً
پسر یا پدر خواند نیز
جداگانه غرض این است
که در تعلقات نسبی و
احکام آن نباید اشتباه
و التباس واقع شود
در اجزای اسامی رسول
کریم صلی الله علیه و سلم
زید بن حارثه را آزاد
نموده پسر خواند و قرار
دم در داج مردم او را
بنام زید بن محمد صلی الله
علیه وسلم خوانند چون
این آیت نازل شد
مردم او را زید بن حارثه
خوانند. علم اگر

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

من مترجم گوید که

در غزوه احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن حضرت صلی الله علیه و سلم بخندق متحصن شدند و از منافقان سخنان نفاق سرزود مخلصان مستقیم را در زند و آخر فتح اسلام واقع شد و خدای تعالی در این

ایمان و مدد آنان و منت نهادن بر ایشان نازل ساخت و مترجم گوید حاصل کلام آنست که در جهاد و تقوی کنند اگر جنگ در مقدمه نفسانی میشد توقف میکردند ۱۲- تفسیر عثمانی

ع سال چهارم و پنجم هجرت - یهود بنی نضیر از مدینه اخرج شده بود و ذکرش در سوره بقره خواهد آمد در میان قبیله گشته و در پیش کرب بنی خزیره و غطفان و غیره قبایل عرب را تحریص نمودند و کالیب بن شد بن بکر که قوه مقدمه آنها بود مدینه هجوم میآورد - تقریباً یک شهر مع

جرار در حدود دوازده هزار نفر که با تجهیزات کامل عسکری مجهز و بر قوه خود نازان بود و تشکیل گردیده بود بنی قریظه که قوه محکم آنها جانب مشرقی مدینه و قریظ را تصرف با آنکه بیشتر با مسلمانان صلح کرده بودند از ترغیب ترغیب بود بنی نضیر و عبادات را بطاق لبنان گذشتند آماده امدادها بپیش شدند - جمیع مسلمانان مشغول بر مبارزه بودند و در بین ایشان یک عده زیاد از ان منافقین و فاجان وجود داشت که در وقت درود بخوانند

وَمِنْ تَوْبَةٍ وَأَبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ

مگر قیتم از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گرفتیم از ایشان و از نوح و از ابراهیم و از موسی و از عیسی پسر مریم و گرفتیم از ایشان

بَيِّنَاتٍ عَلَيَّكَ لَيْسَ الصَّدُقَاتُ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

عبد محکم تا خدا تعالی به پسر صد آن راست گویان را از راستی ایشان و مبیها کرده است برای کافران عبد محکم تا بهر صد خدا راست گویان را از راستی ایشان و مبیها کرده است برای کافران

عَذَابًا أَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَكُمْ

عذاب درد منده و ای مسلمانان یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و فیکر آمد بر شما عذاب درد نال ای مؤمنان یاد کنید احسان (نعمت) خدا را بر خود و فیکر آمد بر شما

جُنُودًا فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ رِيحًا وَجُنُودًا أَلْمَتْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

شکر با پس فرستادیم بر ایشان باد را و شکر با کرمی دیدید آنرا و دست خدا با آنچه می کنید شکر با پس فرستادیم بر ایشان باد را و شکر با کرمی دیدید آنرا و دست خدا با آنچه می کنید

بَصِيرًا إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ أَخَذَ الْأَبْصَارَ

بینا چون آمدند بر شما از جانب بالا و شاد از جانب پایین شما و چون خیره ماندند و دید با بینا چون آمدند بر شما (خروج مای کفار) از طرف بالا و از طرف پایین شما و چون خیره ماند چشمتان

وَبَغَّتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ

و بر سید دل و پنجه گردن و گمان می کردید نسبت خدا گمانهای مختلف آنجا امتحان کرده شد و بر سید دل و پنجه گردن و گمان می کردید نسبت خدا گمان های گوناگون آنجا امتحان کرده شد

الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ

مسلمانان را و جنبانیده شد ایشان را جنبانیدن سخت و چون می گفتند منافقان و آنانکه مؤمنان و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت و چون گفتند منافقان و آنانکه

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ قَالُوا عَذَابُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ إِعْرَافًا ۖ وَإِذْ قَالَتْ

در دل ایشان بیمار است و عده نادر ما را خدا و رسول او مگر بطریق فریب داون و چون گفتند در دل بای ایشان مرض است و عده نکره ما را خدا و رسول او مگر عده فریب و چون گفت

طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ

طائفه از ایشان ای اهل مدینه مرا نمی ماند نیست شمارا پس باز گردید و دستوری می طلبید گردید طائفه از ایشان ای اهل مدینه نیست جانی بود و باش شمارا پس باز گردید و اذن می طلبید گروهی

مِنْهُمْ النَّبِيُّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّهُمْ يَبْهَلُونَ

از ایشان از جنب پیغمبری گویند که بایته خانه های ما نامقبوط است و نمیشد آنجا نهانه نامقبوط نمی خوانند از ایشان از پیغمبری گویند که بایته خانه های ما برهنه نامقبوط است و نیست آن خانه با برهنه نامقبوط میخوانند

الْأَفْرَارَ ۚ وَلَوْ دَخَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الثَّقَنَةَ لَأَتَوْهَا

مگر گریختن و اگر در آمده میشد مدینه بر سر ایشان از نوای آن پس طلب کرده میشد از ایشان خانه جنگی البته میدادند آنرا مگر گریختن را و اگر میآورد آمدند بر سر ایشان از نوای آن پس طلب کرده میشد از ایشان خانه جنگی البته میدادند آنرا

وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا ۚ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا لَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ لَا

و توقف نمی کردند در داون فتره مگر اندکی و در آنجا عهده بسته بودند با خدا پیش از این که در آنجا می کردند در آن مگر اندکی و در آنجا عهده بسته بودند با خدا پیش از این که

يُولُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مُسَوِّدًا ۚ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ

برنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو سود ندهد شمارا مگر گریختن برنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو نفع ندهد شمارا این فرار

بِمَا كُنْتُمْ يَعْمَلُونَ ۚ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ

ببرنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو سود ندهد شمارا مگر گریختن بنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو نفع ندهد شمارا این فرار بنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو سود ندهد شمارا مگر گریختن

بِمَا كُنْتُمْ يَعْمَلُونَ ۚ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا يَمْلِكُ الْفِرَارُ شَيْئًا مِنَ اللَّهِ ۚ

ببرنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو سود ندهد شمارا مگر گریختن بنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو نفع ندهد شمارا این فرار بنگردانیدن پشت را و است عهده خدا بر سیده شده بگو سود ندهد شمارا مگر گریختن

ان فترتهم من الموت او القتل واذا لا تشعرون الا قليلا قل

من ذا الذي يعصمكم من الله ان اراد بكم سوءا او اراد بكم رحمة

ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا قد يعلم الله

المعوقين منكم والقاليلين لاخوانهم هلم اليك ولا ياتون

الباس الا قليلا ايشة عليكم فاذا جاءه الخوف رايهم

ينظرون اليك تدور اعينهم كالذي يغشى عليه من الموت

واذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة جدا ايشة على الخبيث

وليك له يومئذ احبط الله اعمالهم وكان ذلك على الله

يسيرا يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودو

وانهم بادون في الاعراب يسالون عن انبيائهم ولو كانوا فتيما

لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن

كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا ولما ارسلنا

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

وقد جاءكم الله بالرسول الذي كنتم تقولون انكم لن

يكون له قوة الا قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله

وقد جاءكم الله بالرسول الذي كنتم تقولون انكم لن

يكون له قوة الا قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله

ولا يبينه مصاد
شما و بعض نماز
آمیزه در دنده ۱۲۰
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۲۱۸
حیدر آباد بہا ناہ سافہ
از میدان جنگ لغزہ
گرفتہ رسول کریم
صلی اللہ علیہ وسلم
مشورہ فرمود بلاخرہ
مشورہ حضرت سلمان
فارسی ترجمہ شد کہ خدای
در ان سمت شہر کازان
طرف اندیشہ حلو دخل
بود حضرت زمان
شدید استقامت داشت
غلبہ اگر گران شد
بود صحابہ رضی اللہ
عنہم خود سرور عالم
صلی اللہ علیہ وسلم از
سر سختی پشگاہی خود
رنگ بستہ بودند مگر
سپاہیان و سپہ سالار
آہنہا کہ مستغرق نشہ
عشق الہی بودند در
کنن آن زمین طلوع
باقوہ حیرت انجروعت
مردانہ شغل بودند
مجاہدین بر زمین طلوع
کلمہ میزنند و میگفتند
"نحن الذین با یوہ
محمد علی بہاد الیقینا
ایدا و از حضور حق
جواب گفتہ میشد اللہم
لا غیر لا عیش الاخرہ
فاطمر الانصار والمہاجر
۱۲ خندق تیار شد
۱۸ عسکر اسلام و مقابل
و دشمن منکر گرفتہ شد
تقریباً بیست بابیت
و تخریب ہر دو فوج
مقابل یکدیگر سنگر گرفتہ
بودند چون در میان
خندق حاضر بودند کہ
باجود تو را بسیار زما
نقرا کنند عونا بر شہر

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ

و هر که فرما برداری کند از شما خدا و پیغمبر او را و

عَمَلِ صَالِحٍ مَعَهُمْ أَجْرَهُمْ ثَلَاثِينَ ۝ وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

مندی کارهای بدیم او را مزد او دو بار و مبیای کنیم برائے او روزی نیک

لِنِسَاءِ النَّبِيِّ لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِن تَقِيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ

ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند هر یک از سایر زنان اگر پرهیز گاری دارید پس ملائمت کنید

الْقَوْلَ فَيَطْعَمَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَفَن

در سخن گفتن را آنکه طعم کند کسی که در دل او بیمار گشت و بگویند سخن نیکو و بایند

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْعَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۝ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ

در خانه های خود و ظاهر نشیند (بجمل او را) مانند ظاهر کردن عادت جاهلیت پیشین بود و بر پا دارید نماز را و

آتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

برسید زکوة را و فرمان برداری خدا و رسول او کنید جز این نیست که میخواهد خدا تا دور کند از شما رجس را

أَلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُبَيِّنُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ

ای اهل بیت و تاپاک کند شمارا پاک گردانے و یاد کنید آنچه خوانده میشود در خانه های شما از آیات

اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا و از حکمت هر آینه خدا است لطف کننده خبردار هر آینه مردان مسلمان و زنان مسلمان

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُمْ أَقْرَبُونَ إِلَى اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝

و مردان و زنان باور دارنده و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ ۝

و مردان شکیبایی کننده و زنان شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ ۝ وَالذَّاكِرِينَ

و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده شرمگاه خود را و زنان محافظت کننده و مردان یاد کننده

اللَّهِ كَثِيرًا ۝ وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا كَانَ

خدا را به بسیار و زنان یاد کننده بسیار است خدا نے تپاے برای ایشان آمرزش بزرگ و پاداش عظیم

مُؤْمِنٌ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا ۝ إِن يَكُنْ لَهُمُ الْخِيَرَةُ

مومن و نه مومن چون مقرر کند خدا و رسول او کاری را که باشد ایشان را اختیار

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝

و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝

و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝

و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد و هر که بترسد خدا را خداوند برای او مخرجی قرار میدهد

خونک با پیداشد
کرین سنگینه با به
چهره های کفد پیخورد
آتش با سیکر افروخته
بودند از شدة باو خنجر
گردید و دیگر های شین
بر زمین افتاد و پیچ
صورت بخت و پیر
نوا شدند بر علقه
از شدت باو خنجر
ظلمه و ولع باها
شده و خنجر سردی
و تازی طاعت فرسا
رید در اثر آن شکر
کند بر ایشان و دسر
اسیر شد بالا خرابو
سفیان از یک توانا
زبردست نشان بود
بلبل رحیل فاخت
ناچار تمام لشکر کفار
به کوچ کشی پرداخت
خائب و خاسر برآمد
خود بر گشته و کفی
اللهم المومنین القتال
و کان الله قیامه
ع این جنگ با جنگ
احزاب و کجایی
جنگ خندق هم
ی که بید و موم برود
مشید و بحالت فاقه
و گرسنگی خندق کنین
و مین توانا و شش
محصور شد جنگیدن
حالاتی بود که فاقین
را زبانی دل خود را بر
آوردند و مومنین
ایز شب و استقامت
نمودند حضرت صلی
الله علیه وسلم در بین
جنگ فرمودند که در
آینده کفار برانجام
نموده نمی توانند بلکه
بر آنها هجوم خواهد بود
چنانچه پس طوفان
سید ع جیش و
رچه شما را از میان

کَرِيمًا يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُنِيرًا ۝ وَدَاعِبًا
 بآیة پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده رساننده و توبه کننده
 و لذت دهنده (هر آینه) ما فرستادیم ترا نشان دهنده و گواه مژده دهنده و توبه کننده و دعوت کننده

لِلَّهِ يَازِينَهٖ وَيَسْرَاجًا مُنِيرًا ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ
 بگویند خدا حکم او و چراغ روشن و بشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشان را با شهادت از جانب خدا
 بگویند خدا حکم او و چراغی در حق ایشان و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان راست از جانب خدا

فَضْلًا كَثِيرًا ۝ وَلَا تَطْعَمِ الْكَافِرِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَدَعَا أَذْهَمَ وَتَوَكَّلْ عَلَى
 بشارت بزرگ و فرمان مبر کا ترا و منافقان را و از تقوا اعتبار مکن و بشارت بزرگ از جانب خدا را و توکل کن
 بر فضل بزرگ و اطاعت کن مکرین و منافقان را و بگذار از بیت ایشان را و توکل کن بر

اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ
 خدا و بس است خدا کار ساز و اے مسلمانان چون نکاح کنید زنان مومنه را
 خدا و بس است خدا کار ساز اے مومنان چون به نکاح بگریید زنان مومنه را

طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَتَّسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَاوَةٍ
 طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست برسانید بایشان پس نیست شما بر این زنان هیچ عداوتی که
 طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست برسانید بایشان پس نیست شما بر این زنان هیچ عداوتی که

لَعَدُوْنَهَا فَتَتَّبِعُوهُنَّ وَسِرَّوْهُنَّ سِرًّا حَمِيْلًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا
 بشمارید آنرا پس متوهمید این مطلقات را و بگذارید آنها را گدازستن نیک اے پیغامبر هر آینه ما
 بخوان آن را بپوره کنید پس متوهمید ایشان را و بگذارید ایشان را گدازستن نیک اے پیغامبر هر آینه ما

أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي أَتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ
 طلاق کردیم بر اے تو زنان تو که داده مهر ایشان و کینه گاه که مالک ایشان شده است دست تو از آنچه
 طلاق کردیم بر اے تو آن زنان ترا که داده مهر برای ایشان را و آنچه کینه گاه که مالک شده (ایشان را) دست تو از آنچه

لِلَّهِ عَلَيْكَ وَبَنَاتُ عَمَّتِكَ وَبَنَاتُ خَالَكَ وَبَنَاتُ خَلَّتِكَ
 آنچه عادت ساخته است بر تو و حلال کردیم دختران عم ترا و دختران عمه ترا و دختران خاله ترا
 آنچه عادت ساخته است بر تو و دختران عم ترا و دختران عمه ترا و دختران خاله ترا

الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرًا مُؤْمِنَاتٍ وَهَبْتَ نَفْسَ النَّبِيِّ إِنْ رَادَ النَّبِيُّ
 آنانی که هجرت کرده اند با تو و حلال کردیم زن مسلمان اگر به بحث خود را بر اے پیغامبر اگر خواهد پیغامبر
 آنانی که هجرت کرده اند با تو و زن مومنه را اگر به بحث نفس خود را بر اے پیغامبر اگر بخواهد پیغامبر

أَنْ يَسْتَنْكِحَ حَيَّاهُ خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا
 بزرگ کرد آنرا خاص بر اے تو بجز مسلمانان هر آینه و البته آنچه
 که نکاح کند او را این رجم خاص بر اے توست بدون دیگر مسلمانان معلوم است بآنها هر آینه و البته آنچه

فَضْلًا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لَكِنَّا لَا يَكُونُ عَلَيْكَ
 فضل ما هستیم بر ایشان در حق زنان ایشان و در حق کینه گاه که مالک آنست است ایشان پس هر کس که بشارت بزرگ
 مقرر کردیم بر ایشان در حق زنان ایشان و آنچه مالک شده و دستهای ایشان تا بشارت بزرگ بر تو

حَرْجٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتَعْمَلُ
 هیچ تنگی و هست خدا آمرزنده مهربان پس بداری هر کس را خواهی از ایشان و جاسی و بی
 تنگی و هست خدا آمرزنده مهربان پس بداری هر کس را خواهی از ایشان و جاسی و بی

لِيَكُ مِنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتِغَيْتَ مِنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ
 نزدیک خواهی هر کس را خواهی و اگر خواهی کنی زنی را از آنچه که بیکسو کرده آنها را پس نیست هیچ تنگی بر تو پس حضرت دادن تراست
 نزدیک خواهی هر کس را خواهی و اگر خواهی کنی زنی را از آنچه که بیکسو کرده آنها را پس نیست هیچ تنگی بر تو پس این

لِيَكُ مِنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتِغَيْتَ مِنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ
 نزدیک خواهی هر کس را خواهی و اگر خواهی کنی زنی را از آنچه که بیکسو کرده آنها را پس نیست هیچ تنگی بر تو پس حضرت دادن تراست
 نزدیک خواهی هر کس را خواهی و اگر خواهی کنی زنی را از آنچه که بیکسو کرده آنها را پس نیست هیچ تنگی بر تو پس این

فل یعنی از کفار به تو
 رسانیده است ۱۲
 یعنی پیغامبر و نکاح آید
 ۱۳ یعنی بدین باب نکاح
 چیز باست که بر امنیت
 فرض شد و آنحضرت
 ۱۴ تفسیر عثمانی
 بقیه صفحه ۲۲۲-
 خلیف بود از ایشان سر راغ
 او را یا نقد بالاخر عم
 پدرش برادر او حضرت
 آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم رسیده و عرض کردند
 که معاذ حق بگریه دیدید
 را یا بایستاید رسول
 کریم صلی الله علیه و سلم
 فرمود که ضرورت معاشرت
 نیست اگر بخوای رضای
 خود بخور یا بشا برو و
 چو آنهایی که حضرت زید
 را حرام کردند حضرت زید
 گفت «منی خواهم که اگر
 حضور آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم جدا شوم چه
 او را نسبت بر او لایق
 عزیز تر نگاه داشته
 است و نسبت بر مادر
 و پدر مرا دوست نر
 میدارد» آنحضرت صلعم
 تا مرده را پس خوانده
 آزاد نمود چنانچه مردم
 قرار دم در راج آن همه
 او را بنام زید بن محمد
 میخواندند تا آنکه از بیت
 ۱۰ ادعوهم الایاهم هو
 اصطلاح الله نازل
 شد و بعد از آن بجای
 «زید بن محمد» ادرا
 بنام پدرش زید بن
 حارثه میخواندند چو
 مطابق حکم قرآن از نام
 وی شریف این نسبت
 بزرگ برداشته شد
 شاید برای تلافی آن
 از پس جمیع سائر
 صحابه رضی الله عنهم

این شریف مخصوص به او بخشیده شد که نامش در قرآن آهسته مذکور شد چنانکه در آئی می آید در نقل قضای زید منها و طرا، بقیه صفحه ۲۲۳

دل یمنی ازیں د
 منقذ بر مشیہ ہا بنیہ
 مہیرہ یا وہیہ نفس غیر
 مہیرہ ۱۲ و مترجم
 گوید این آیت ناسخ
 آیت سابقہ است
 و علی بن ابی طالب ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقیہ صفحہ ۲۲۳
 بہر حال چون حیثیت
 خانہ اقی حضرت ۶
 زینب بسیار ۱۲
 بلند بود و زید
 بن حارثہ ظاہر ۱۳
 داغ غلامی را برداشته
 آزاد شده بود و لہذا
 خود او نیز برادر او
 رضای مناکحت را
 بازید نہداشت لیکن
 منظر خدا در سوا لہ
 بود کہ ہمچہ تفریقات
 و امتیازات مہیوم
 در راہ نہایت قضا
 حاصل نشود بنا بر این
 آنحضرت زینب و
 برادرش را مجبور کرد
 کہ این مناکحت را قبول
 کنند آن وقت این
 آیات نازل شد و
 ایشان رضای خود را
 زبان رضای خدا
 و رسول کردند و نکاح
 زینب با زید جاریہ
 منعقد گردید - ۵۵
 حضرت شاہ صاحب
 می نویسد کہ اگر مردی
 پیش ازیک زن داشتہ
 باشد مرد واجب است
 کہ پیش ہر یک زن
 نبوت بردہ بکین این
 برآ حق و واجب شود
 و این حکم ازین سبب شد
 کہ اولاد مطہرات آنرا
 حق خود نہ اند و کسی
 کہ بدین اسلام را اضی
 است حکم مذکور را قبول
 نہ بردہ ہن کس و کس

ادنی ان تقر اعینہن ولا یحزن ویرضین بہا اتیتہن کلھن ط
 از آنکہ تنگ شود چشم ایشان و اندردہ نخوردند و خوشنود شوند یا بخوبی ایشان را ہمہ ایشان
 قرین تر است بر آنکہ در دشمن شود چشم ہائی ایشان و اندردہ مناک نشوند در امانی باشند یا بخوبی دادہ ہمنہ ایشان را
 واللہ یعلم ما فی قلوبکم و کان اللہ علیما حلیم ۱۱ لا یحل لک النساء
 و خدا میداند آنچه در دل ہائے شماست و ہست خدا دانایا بردبار
 و خدا میداند آنچه در دل ہائے شماست و ہست خدا دانایا بردبار
 من بعد ولا ان تبدل بہن من ازواجہ ولو اخرجک حسنہن الا ما
 بعد ازین و نہ حلال است آنکہ بدل کنی بجائے ایشان زنان دیگر را و اگر بیعت کرد ترا حسن ہایشان مگر آنچه
 بعد ازین و نہ حلال است آنکہ بدل کنی بجائے ایشان زنان دیگر را اگرچہ بتجربہ اندازد ترا حسن ایشان مگر آنچه
 ملک یمینک و کان اللہ علی کل شیء رقیب ۱۲ یا ایہا الذین امنوا
 مالک شد دست تو و ہست خدا ہر ہمہ چیز نگہبان و ای مسلمانان
 مالک آن باشد دست تو و ہست خدا ہر ہمہ چیز نگہبان و ای مسلمانان
 لا تدخلو بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر نظیرین
 و نہ نباید بخاتنہائے پیغمبر مگر و غنیمت و ستوری دادہ شود شمارا برائے طعمے نہ انتظار کنان
 در نہایت بخاتنہ ہائی پیغمبر مگر آنکہ آذن دادہ شود بشما بخوردن طعام در حالی کہ نہ انتظار بنایید
 انہ و لکن اذا دعیتم فادخلوا فاذ اطعمتم فان شربوا و لا
 بخندن شدن طعام را و لیکن چون خواندہ شود شمارا در آمد پس چون طعام خوردید ہر آگندہ شربید و نہ
 بخندن شدن آن را و لیکن چون خواستہ شربید پس در آمد پس چون طعام خوردید ہر آگندہ شربید و
 مستانہین کہ یث ان ذلکم کان یؤذی النبی فیسستی منکم
 آرام گیران برائے من ہر آئینہ این کار میرسانید بہ پیغمبر را پس شرم میداشت از شما
 منشیہا اس گہندگان برائے من یک دیگر را آئینہ این کار شما میرسانید بہ پیغمبر را پس شرم میداشت از شما
 واللہ لا یستی من الحق و اذا سالتہم متاعا فسلوہن من
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان پیغمبر رختے پس طلب کنید آنرا از
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون خواهید از زنان پیغمبر متاعی پس طلب کنید از ایشان از
 و راع حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبہن و ما کان لکم ان تؤذوا
 پس پردہ این خلعت پاک شرمست برائے دل سفہاد دل ایشان و سزاوار نیست شمارا کہ بر خاتنہ
 بیرون پردہ این سوال بیرون پردہ پاک دارندہ تر است برای دل ہائی شما و دل ہائی ایشان چنان نیست شمارا کہ بر خاتنہ
 رسول اللہ و لا ان تنکحوا ازواجہ من بعدہ ابد الا ان ذلکم کان
 پیغمبر خدا را و نہ آنکہ نکاح کنید زنان او را پس از دسے ہرگز ہر آئینہ این کار ہست
 پیغمبر خدا را و نہ اینکہ بہ نکاح بچکرید زنان او را پس از وی ہرگز ہر آئینہ این کار
 عند اللہ عظیم لان تبدواشیاء او مخفوه فان اللہ بکل شیء
 نزد یک خدا گناہ بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس ہر آئینہ خدا ہست بہر چیز
 نزد خدا گناہ بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس ہر آئینہ خدا ہست بہر چیز
 علیہم لا جناح علیہن فی ابائہن ولا ابناہن ولا اخوانہن
 و انما نیست هیچ بڑہ بر زنان در پردہ بنوشیدن پیش برادران خویش و نہ پیش پسران خویش و نہ برادران خویش
 و انما نیست هیچ گناہ بر زنان در عدم ستر نزد پدران ایشان و نہ پیش پسران خود و نہ نزد برادران خود
 ولا ابناہم اخوانہن ولا ابناہم اخواتہن ولا نسائہن ولا مالکک
 و نہ پسران برادران خویش و نہ پسران خواہران خویش و نہ زنان ہم جنس خویش و نہ مالک آن شدہ
 و نہ نزد پسران برادر ہائی خود و نہ نزد پسران خواہران خود و نہ نزد زنان خویشی زنان مسلمانان و نہ نزد آنچه مالک آن شدہ

ایمانهم ^ج واتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیدا ^ا ان

دست ایشان و بر سیدای زمان از خدا بر آیت خداست بر همه چیز گواه ^{بهر آیت}

الله و ملکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه

خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر ^{مسلمانان} درود فرستید بر او

وسلوا تسلیما ^ا ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

و سلام گوید بر سلام گفتی ^{هر آنکه} آنانکه می دشمنند خدا و پیغمبر او لعنت کرد خدا ایشان را و در

الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

و الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

مسلمانان را لعنت کرد خدا ایشان را و در دینا و آخرت و میساخت بر ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه محبت می کنند بر دشمنان مردان مسلمان

صلواتم بر من و بر آل من و بر
 وقت غفلت من و بر
 بنی اسرائیل گفتند که
 او آدمست و روزی
 بحسب اتفاق از کعبه
 آب غسل میکرد و جاش
 خوبتر میگردد و باده بود
 بفرمان خدا تا آنکه
 آن سنگ را در آن
 موسی عقب میگردد
 تا آنکه جماعت از بنی
 اسرائیل بفرمان
 دیدند گفتند
 اوست ندارد و اوست
 اتفاق خفیه را گویند
 و الله اعلم بالصواب
 استعداد و تعلیم
 با و هر دو با همی و الله اعلم
 و الله اعلم بالصواب
 و علم ندارد و قابلیت
 آنها را در و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 معانی و یا تفسیر
 کنند که سبب اینها
 پیغمبران گردیدند
 آیه و جاست پیغمبر
 نزد الله تعالی بسیار
 است با و هیچ گزند
 نقص نیست چرا
 تعالی تا چیزهای
 رسان را از پیغمبر خود
 ردی کند آری خط
 خرابی عاقبت برای
 شماست ببینید که
 مردم به موسی علیه السلام
 چهره بخدا و ازین
 باور دارند
 مگر الله تعالی از بسیار
 و جاست مقبولیت
 او همه را باطل گردانید
 بے خفا و بے عیب
 بودن موسی علیه السلام
 را با اثبات رسانید
 در روایات است که
 بعضی مفسرین بجهت
 موسی علیه السلام
 تحت کردند که حضرت

وَلْيَاؤُلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي التَّارِيقِ ۝ يُولَوْنَ يَلِيكَ تَنَا
 بزرگ دوستی و نه یاری دهنده روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش گویند اے کاش

بزرگ دوستی و نه مددگاری روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش می گویند اے کاش

أَطْعَمْنَا اللَّهَ وَأَطْعَمْنَا الرَّسُولَ ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا
 فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پیغمبر را و گویند اے پروردگار ما را بفرمان بردیم مهران خود را و بزرگان خود را

فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پیغمبر را و گویند اے پروردگار ما را بفرمان بردیم مهران خود را و بزرگان خود را

فَاَضْلُوْنَا السَّبِيلَ ۝ رَبَّنَا إِنَّهُمْ ضَعِيفٌ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ اللَّهُ
 پس گمراه ساختند ما را از راه اے پروردگار ما را بفرمان بردیم ایشان را و چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت

پس گمراه ساختند ما را از راه اے پروردگار ما را بفرمان بردیم ایشان را و چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت

كِبَرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ
 سخت اے مسلمانان مباشید مانند آنکه در میانند موسی را پس پاک ساخت خدا تعالی او را

کشان اے مسلمانان مباشید مانند آنکه در میانند موسی را پس پاک ساخت خدا تعالی او را

مِنَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 از آنچه گفتند بودند و مست نزد خدا با آبرو اے مسلمانان بترسید از خدا

از آنچه گفتند بودند و مست نزد خدا با آبرو اے مسلمانان بترسید از خدا

وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۝
 و بگویند سخن استوار تا بصلاح آورد کردارهای شما را و بپاکیزد شما را از گناهان شما را و

و بگویند سخن استوار تا بصلاح آورد کردارهای شما را و بپاکیزد شما را از گناهان شما را و

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى
 هر که فرمانبرد خدا و رسول او را پس هر آینه مطلب بابت بد بفرمان بزرگ بر آید بپیش روی او و هر که

هر که فرمانبرد خدا و رسول او را پس هر آینه مطلب بابت بد بفرمان بزرگ بر آید بپیش روی او و هر که

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا ۝
 آسمانها و زمین و بر زمین و بر کوهها پس قبول نکردند که بردارند آنها و ترسیدند از آن و

آسمانها و زمین و بر زمین و بر کوهها پس قبول نکردند که بردارند آنها و ترسیدند از آن و

حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝ يُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
 برداشت آنها آدمی هر آینه و اوست ستمگر نادان و ظالم نادان و کفر خدا کند عذاب کند منافقین

برداشت آنها آدمی هر آینه و اوست ستمگر نادان و ظالم نادان و کفر خدا کند عذاب کند منافقین

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ
 و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و برگشت رجوع کند بر مردان مسلمانان و

و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و برگشت رجوع کند بر مردان مسلمانان و

الْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝
 زنان مسلمان و اوست خدا آمرزنده مهربان

زنان مسلمان و اوست خدا آمرزنده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في
 همه ستایش خدا را است که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

همه ستایش خدا را است که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

فتح الرحمن

فل یمنی شام و
یعنی زبان حال ۱۲
فل یمنی اذن شفاقت
داد ۱۲ تغیر عثمانی
بقیه صفحہ ۴۲۸-
درین زحمت خوار
کنند خود را مبتلائی
کردند و به مجردیکه ذات
حضرت سلیمان را
حس می نمودند از کار
دست می کشیدند نیز
ازین اجرا ظاهر شد
که شریف الشان
و غیره برای حضرت
سلیمان محض فضل
اینزدی بودند کسی و
اگر خدا بخواهد می تواند
پس از مرگ شخص هم
در حق او اثر داده و به
دین سبب تکمیل آن
انعامات گردد که به
سلیمان در زندگی و
ازانی شده و بعد از
موت هم تا یک وقت
لازمه آنرا داده ام داد
و دوا نمود که در کمال
مفوضه میفرمان را
اللہ تعالی بچ
تدایر بیان می
رساند یعنی نصایح
را در نظر ندارد و دند
از شرک گذاری منعم
حقیقی روگردانند
لهذا غافل است از توبه
آن بند رشکست تمام
باغها و زمین باغی نشد
و میوه های لطیف و
نہاتات اعلی و درخت
بسیار و ویت های خلد
دارم و بزرگ و بد جانیک
انگور و خربار و انوار
و اقسام نعمت با میدا
می شد اکنون غیر از
کنند و بزرگ و بد جانیک
۱۳۰

وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكْلٍ خَمْطٍ وَاَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّنْ

و عوض دادیم اوستان را بجای دو بوستان ایشان بوستانهای دیگر نهادیم میوه های بد مزه و خداوند رحمت کرد چنانکه اندک از

سیدر قلیل ۵ ذلک جزینہ لهم بما کفروا وھل نجزی الا الکفور

این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان و سزائی بدینندیم مگر ناسپاس را

و جعلنا بینہم و بین القرى التي برکنا فیہا قرى ظاہرہ و

و گذاشتیم در میان ایشان و میان آن دیوہا که برکت نهادیم در آن دیوہا را که ظاهر است و از راه بنظر می آید و

قد رافیہا السیطر سیدر وافیہا لیلالی وایاماً امینین ۵ فقالوا ربنا

مقرر کردیم در آن دیوہا آمد رفت را بقتیم سیر کنید درین دیوہا تا امن باشد پس گفتند و ای خداوند ما را

بعد بین اسفارنا و ظلموا انفسہم فجعلنہم احادیث و مرقنہم

و دوری پیدا کن در میان سفرهای ما و ستم کردند بر خویش پس گردیدیم ایشان را افشاخها و پاره پاره ساختیم ایشان را

کل مفرق طان فی ذلک لایت لکل صبار شکور ۵ و لقد

تمام پاره پاره ساختیم هر آینه درین ماجرا نشانه است هر صبر کننده شکرت گویند و در آئینه

صدق علیہم ابلیس ظنہ فاتبعہ الا فی یقا من المؤمنین

راست یافت شیطان در حق ایشان اندیش خود را پس پیروی او کردند مگر کسبے اندک از مسلمانان

وما کان لہ علیہم من سلطان الا لنعلم من یؤمن بالآخرۃ من

و نبود شیطان را بر ایشان هیچ علمه لیکن مبتلا گردانیدیم تا بداییم کسی را که ایمان می آورد با آخرت از آنکه

ھو منہا فی شک و ربک علی کل شیء حفیظ ۵ قل ادعوا الذین

وے در شبہ است از وے پروردگار تو بر هر چیز نگهبان است بگو بخوانید آنا را که

رعبکم من دون اللہ لا یملکون مثقال ذرۃ فی السموات و الارض

گمان می کنید بجز عند امانک نیستند و کم وزن یک ذره در آسمان باوند زمین نیست ایشان را در

الشفاعۃ عندہ الا لمن اذن لہ طحہ اذا فرغ عن قلوبہم قالوا ماذا

در خواست نزد یک خدا توانی مگر برای کسی که اجازه دهد او را ملائکہ او را بخشد و طحہ را از او ببرد و در خواست

قال ربکم قالوا الحق وھو العلی الکیبر ۵ قل من یرزقکم

فرموده است پروردگار شما حق را و او است بلند مرتبه بزرگ قدر بگو که رزق میدهد شما را

و میوه های زحمت و تلخ چیزی ندارد و بهترین آن دوختن یک عدد قلیل بهر میوه باشد این و آن در بین زنا حضرت مسیح و رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم بود و چون است بقیه صفحہ ۴۳۰

اَنتَ مَرْوَنَّا اَنْ تَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَتَجْعَلَ لَكَ اَنْدَادًا وَاَسْرُ وَالنَّكَاةَ لَهَا
چون میفرمودید ما را که کافر شویم بخدا و مقرر کنیم برای او همتا باز شریمان و دشمنان شدند نهان و پوشیده بیدارند بران
چون امری کردید ما که کافر شویم بخدا و مقرر کنیم برای او همتا باز شریمان و دشمنان شدند نهان و پوشیده بیدارند بران
اَوَالْعَذَابُ وَجَعَلْنَا الْاَعْمٰلَ فِيْ اَعْنَاقِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا هَلْ يُجْزَوْنَ
یا باینده عذاب را و یا باینده ای که طو قها در گردن
چون باینده عذاب را و یا باینده ای که طو قها در گردن باقی
اَلَا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝ وَمَا اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالُ
گر بگویند آنچه می کردند و نه فرستادیم در هیچ دینیم کننده را مگر گفتند
مگر سوا آن آنچه می کردند و نه فرستادیم در هیچ دینیم کننده مگر گفتند
مَذْكُوْرًا اِنَّا بَاۡرِئُوْنَ سَلَمًا اَرْسَلْنَاهُمْ بِهٖ كُفْرُوْنَ ۝ وَقَالُوْا اِنَّمَا اَنْتُمْ اَوَّلُ
شما را آن دینیم ما باینده فرستاده شده است شما را همراه آن نامعتقدیم و گفتند ما زیاده تریم یا اعتبار اموال و
شما را آن دینیم ما باینده فرستاده شده است شما را همراه آن نامعتقدیم و گفتند ما زیاده تریم یا اعتبار اموال و
اَوَّلَادُ الْاَوَّلٰى ۝ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِيْنَ ۝ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
اولاد و دینیم ما عذاب کرده شده بگو هر آینه پروردگار من گشاده میکند روزی را برای هر که
اولاد و دینیم ما عذاب کرده شده بگو هر آینه پروردگار من گشاده میکند روزی را برای هر که
يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَمَا اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ
خواهد و تنگ میکند برای هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال شما و نه اولاد شما
خواهد و تنگ میکند برای هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال شما و نه اولاد شما
بِالَّذِيْ تَقْرُبُكُمْ عِنْدَ رَبِّكَ اِلَّا نَفْسٌ اٰمِنٌ وَعَمِلٌ صٰلِحٌ اَفَاُولٰٓئِكَ
آنچه که مقرب گرداند شما را نزد یک با هر چه قربت میکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردارش پاک است پس آنجا است
چیزی که مقرب گرداند شما را نزد ما نزدیک گردانند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردارش پاک است پس آنجا است
جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوْا وَهُمْ فِيْ الْعَرۜفَةِ اِمۜنُوْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ يَسۜمِعُوْنَ
جزای دو چند بمقتضا عمل کردند و ایشان در گوشه نشینان بلند امین باشند و آنانکه سعی می کنند
جزای دو چند بسبب آنچه کردند و ایشان در نظر بای بلند امین باشند آنانکه سعی می کنند
فِيْ اٰیٰتِنَا مُعۜجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ فِيْ الْعَذَابِ مُخۜضَرُوْنَ ۝ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ
در دو آیات ما مقابله کنان آنجا در عذاب حاضر کرده ستونند بگو هر آینه پروردگار من
در دو آیات ما مقابله کنان آنجا در عذاب حاضر کرده ستونند بگو هر آینه پروردگار من
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لِمَنْ يَّشَاءُ مِنْ شَيْ
گشاده می کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میکند برای هر که خواهد و هر چه خرج کند از بندگان
گشاده می گرداند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میکند برای هر که خواهد و هر چه خرج کند از بندگان
فَمَنْ يَخْلَفۜهُ ۝ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزٰقِيْنَ ۝ وَيَوْمَ يُحۜشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُوْلُ
پس خدا عرض آن دهد و او بهترین روزی دهندگان است و روزی که بران بگردد خدا ایشان را همه یکجا باز بگوید
پس خدا عرض آن دهد و او بهترین روزی دهندگان است و روزی که بران بگردد خدا ایشان را همه یکجا باز بگوید
لِلنَّاسِ اَهُلَاۤءُ اَمْ اَيَّاكُمْ كَانُوْا يَعۜبُدُوْنَ ۝ قَالُوْا سُبۜحٰنَكَ اَنْتَ وَلِيۤنَا
بر فرستندگان آیا ایشان شمارا عبادت می کردند فرستگان گویند یا کی تراست تو کارسازمانی
بر فرستگان آیا این گروه شمارا عبادت می کردند گویند فرستگان یا کی تراست ما بگوی تو ایم نه بگوی آنها تو کار
مَنْ دُوۡرُۡهُمْۭ بَلْ كَانُوْا يَعۜبُدُوْنَ الْجِنَّ اَكۜثَرُهُمْ ۝ وَمِنۜهُمْ
سوائه ایشان بلکه ایشان عبادت می کردند دیوان رافل ایشان بدیوان اعتقاد داشتند
بجز ایشان عبادت می کردند جن ها اکثر ایشان به جن با اعتقاد کنندگان بودند
اَوَلٰٓئِكَ اَتَّخِذُ اَعۜنَادًا مُّشۜرِكِيۡنَ ۝ اَمْ اَمَّا اَنْتَ فَاَعۜدَدۜلَآءَ
آنان را من میگردانم اعدایان مشرکان را یا امّا تو را اعدایان را یا امّا تو را اعدایان را یا امّا تو را اعدایان را

فتح الرحمن
ملک یمن عمارت طایفه
بجست و سرسبز طایفه
بود پس گویا عبادات
شمالین کردند ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه آن بدعتی که
آیات خدا را در خود
طرف ملین قرار داده
مردم را از آن بازی
در نزد گویای پند آورد
که خدا و رسول را
شکست میدهند
پس همه آنها گرفتار و
برای محکوم شدن به
عذاب حاضر کرده می
شوند نه هیچ یک غافل
شوند و نه گریختنی
قواند عباد این تبلیغ
برای مسلمانان است
که از نفاق در راه
خیر از نفاق انفس
خارج کردن از
رزق نمی باید روزی
مقدور به صورت باشد
میرسد و مقدور چیز که
خدا می تواند بکند خود
بخوبد کسی بد بخیر
کند یا نماند هیچ کس و یا
بیشی واقع نشود بلکه
آنرا در آخر صفت
کنند برکت عاید میشود
حق تعالی عطا فرماید آنرا
میداد خواهد آن عوض
بجست مال غلبه بگردند
یا بشکل قناعت و
غزای قبی و حصص
معاذ و در آخرت هم
یقینی است غلامه
نزد او تا هیچ چیزی که
ندارد مسلمانان باید که
نسبت بکفایت آیند
مستحق الی همیشه
خوش بین باشند
و در مقابل خوشنودی
او اندیش افروز و نادان
در دل رده ندیده دل

نشان نوری العرش اتقوا عتید در آیت گویا پس عزت هم شده فرمود که من چنانکه در دنیا با عتیر تعلق گرفتم روزی در ضعیف مرا هم تفاوت است در آخرت هم با اعتبار مرا آیت ثواب و عذاب

عده دواى نبوت
بیغیر و مجرت خوراک
او یادی اسلام که آمد
شهر از زن و پدر
از پسر جدا کند یا زن
که در لها تاثیر تو اماره
میانه بجز جادوی
آشکارا چیز دیگری
نیست از سبب یا نشانی
عده از تعصب غنا
منصرف شده بانها
داخل تمام خلایق
تلاش قیام کند چنانچه
جمع شده با هم بحث و
مشوره نمایند و پنهانی
غور کنند و بسنجند که این
رفیق شلخته رسول
الهی مسلم که پیش از
چهل سال بین شما
زینت خود و حالات
جزئی و کلی او را از
طوفان تشنه تاب آورده
بچشم سردیده اید و
امانت و دیانت
صدق و عفاف
و نهم دانش
اوراد و امانت
بوده و در هیچ یک
مسائل گاهی الزام
نفسانیت و با خود
غرضی بر عائد نکرده
اید آید و افعال و کلمات
بیرونی که از نیل باطن
بر می آید چون مبتلا شد
و مردم را دشمن هم
دیگر ساخته است؟
آیا از دست دیوان
گان می آید که چنین
سخنان حکمت گویند
آیا مجنون می تواند برای
قوم خود این قدر خیر
خواهی و دلسوزی و بیزار
لذخ اخروی و ترقی
دنوی آنها چنین
دستور العمل بزرگ
تقدیم نماید و او شمارا
نظرات پس هر یک و آینه تباری انجیز آگاه می کند تاریخ اقوام را بشماره ایان می نماید و بهر دلائی و شواهد و غیره در شمارا انبیا این کار باز دارد و انکار و انکار نیست بدارا

فَالْيَوْمَ لَا يَسْأَلُكُمْ لِبَعْضِ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ
پس امروز نمی گوییم که بعضی شما برای بعضی نفع و ضرر رسانند و نه زیان کردن و فرماییم
ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون و اذ انتل عليكم
ستم گران را بچشید عذاب آن آتشی را که شما آنرا دروغ می پنداشتید و چون خوانده شود بر ایشان
ايتنا بينت قالوا ما هذا الا سر جل يريد ان يصدكم عما كان
آیات ما رویشان آمده گویند باید که بچشید این پیغام بر سر مرده که بخوابد که باند او شمارا انا بچ
يعبد اباؤكم و قالوا ما هذا الا افك مفترى وقال الذين كفروا
یستندید پدران شما و گویند نیست این (قرآن) مکر و دروغی برافشته شده و می گویند که افغان
للحق كما جاءهم ان هذا الا سحر مبين و ما آتيتهم من كتب
سخن راست را چون برسد (بیاید) بایشان نیست این هیچ چیز مگر جادوی آشکارا و ما ندانیم این ترا هیچ کتابی
بدرسونهم ما ارسلنا اليهم قبلك من نذير و كذب الذين
که بخوانند آن شمارا و نه فرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده و دروغ داشتند آنرا که
من قبلهم و ما بلغوا معشار ما آتيتهم فكلوا و اسلبوا فكيف
پیش از ایشان بودند و نرسیدند (ایشان) به ده یک آنچه که داده بودیم ایشان را پیشانیان را پس تکریم کردند بیایمان را پس چگونه
كان نكير قل انما اعطاكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى و
بواحد عقوبت من بگو جز این نیست که بپندیدیم شما را یک کلمه که بر چند برای خدا و کان دو کان و
انكاروا عقوبت من بگو (جز این نیست) بپندیدیم شما را یک نصیحت که بر چند برای خدا و دو دو
فرادى ثم تفكروا فاصحابكم من جنه طان هو الا نذير
یک یک باز تامل کنید که نیست این شما هیچ جتنی نیست او مکریم کننده
یک یک باز مکرر کنید نیست بر خلق شما هیچ سودا (جنونی) نیست او مکر ترساننده
لكم بين يدي عذاب شديد قل ما سألکم من اجر فهو
برای شما پیش از آمدن عذاب سخت بگو آنچه سوال کرده باستم از شما جیس مزد پس آن
لكم ان اجرى الا على الله وهو على كل شئ شهيد قل
شمار است نیست مزد من مگر بر خدا واد بر همه چیز جبر دار است بگو
برای شماست نیست مزد من مگر بر خدا و نذر اوست بر همه چیز (و اد کلمات بر همه چیز جبر دار است) بگو
ان ربی یقذف بالحق علام الغيوب قل جاء الحق و ما
بر آنکه برود و کار من بجز تبارک و تعالی نیست و راست را آن پروردگار دانسته پوشیده بگو آمد حق راست و
(بر آنکه برود و کار من می افتد دین راست را اوست دانسته چیزهای پوشیده بگو آمد دین راست و
یهدی الباطل و ما یعبد قل ان ضللت فانما اضل على
آتش را بوی کند و بگو باطل و نه دیگر بار آفریند بگو اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه می شوم
پیدا کرده می تواند در هر چیزی را و نه عاده کرده می تواند در هر چیزی را و نه عاده کرده می تواند در هر چیزی را (پس جز این نیست)
نظرات پس هر یک و آینه تباری انجیز آگاه می کند تاریخ اقوام را بشماره ایان می نماید و بهر دلائی و شواهد و غیره در شمارا انبیا این کار باز دارد و انکار و انکار نیست بدارا

نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ وَلَوْ

نفس خویش و اگر راه یا کم پس بسبب آنست که وحی فرستد بکس من بپروردگار من برآئینه و سه شتوا نزدیک است و وحی که اگر

تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَاقُوا قَوْمَهُمْ وَأَخَذُوا مِنْهُمْ مَكَانَ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ

بینی چون معصوب بشوند پس بنهاده از عذاب خلاص شدن و گرفته شوند از هر جانب نزدیک ملک و گویند آنکه ایمان آوردیم بقرآن

وَإِنْ لَهُمُ التَّنَاقُوشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ

و از کجا بود ایشانرا بدست آوردن ایمان از جایی دور یعنی محال شد و حال آنکه کافر بودند بقرآن پیش ازین و

يَقْدِرُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا

نیازند از آنکه نادیده از مکان دور و جدای انگند شد میان ایشان و میان

يَسْتَهْلِكُونَ كَمَا فَعَلَ بِالشَّيَاطِينِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَكُونُوا فِي شَكٍّ قَرِيبٍ

ای خواستند چنانچه کرده شد با مثال ایشان پیش ازین هر آینه ایشان بودند در شک و شکب خودی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخوانیده بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ لِمَلَائِكَتِهِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ

بهر نامش خدا تراست آفریننده آسمانها و زمین سازنده فرشتگان را پیغمبران را زنده ایشانرا خداوند بیاورد

مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

دو دوگان و سه سه گان و چهار چهار گان و چهار گان زیاده می کند در آفرینش هر چه خواهد هر آینه خدا بر هر چیز

قَدِيرٌ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ

تواناست آنچه خدا باز کند خدا برای مردم از رحمت پس هیچ بازدارنده نیست آنرا و آنچه باز کرد

فَلَا مُمْسِكَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَدْعُوكُمْ

پس هیچ بازدارنده نیست آنرا بعد از او و عزیز و حکیم ای ایها الناس مناد می کنم

نِعْمَتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ مِنَ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَزِيحُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

نعمت خدا را بر خویش ایها ایچ آفریننده هست غیر خدا روزی سید بد خدا شمارا از جانب آسمان

وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِ تَوْفُكُونَ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ

در زمین نیست هیچ معبود مگر او پس ای که گردانیده می شود و اگر کذب کردی و اگر کذب کردی و اگر کذب کردی

كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

دروغ گفتی کسی را پیش از تو و بسوخته خدا باز گردانیده میشود کارها ای ایها الناس

اینست که ایمان مقبول و مخفی آنست که پیش از مرگ در دنیا حاصل شود در آخرت چون بچشم صریح بینند همه باوری کنند در این هیچ کمال و زمیت نیست ۱۲

فل یعنی گرفته شوند
یا سانی ۱۲ و این
نظیر میگویند ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه اگر من این را
بپروردگارم مثل الطوفان
خود برپا کرده ام پیش
از چند روز و هم میگویند
و چیز سخنی از من تمام
نی شود یعنی عداوت
و نیارابدوش خود
گرفتن دولت همه
داستان و رسوایی آخرت
را بدین فتن را بسیار
بناشد لیکن اگر
من بر راه راست
۱۲ هستم چنانکه فی الواقع
می باشم بدانند که
این همه از تائید
و امداد حضرت
رب العزت و از برکت
و هدایت الهی است
که هیچ وقت مرا ترک
نمی کند خدا من همه
چیز را می شنود و از
هر کس من نزدیک
تر است و بیشتر
مدد خواهد فرمود خداوند
پیشا فرمان خود را در
دنیا روشن خواهد کرد
خواه شان را قبول
کنند یا از ان انکار
نمایند و همه در
آلوقت خواهند گفت
که بخوان پیغمبر را با او
نمودیم اکنون ایمان
ای آری حال آنکه ایمان
آوردن آنوقت فائده
ندارد آنوقت از رحمت
وقت که ایمان آورده
خود را اجتناب میدارند
اکنون بین ایشان
و ایمان فاصله
و نداشت آنها کجای
نوازند بطرف ایمان
راه یا بدین مطلب

مَنْ فَضَّلَهُ اللَّهُ غُفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنْ

از فضل خود بر آینه او آمرزنده قدر دانست و آنچه که فرستادیم بسوی تو از

الکتاب هو الحق مصداقاً لما بین یدیه ۝ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ

قرآن بمومن راست باور دارنده آنچه پیش از دیت بر آینه خدا به بندگان خود خبر دار

بصیرٌ ۝ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا

چنانست باز میراث دادیم قرآن را پائنا که برگزیدیم از ایشان را از بندگان خود و

فَبِهِمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ ۝ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ۝ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ

بعض ایشان ستمگارست بر نفس خود و بعض ایشان میان دوست و بعض ایشان سبقت کننده است

بِالْخَيْرَاتِ ۝ بِإِذْنِ اللَّهِ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ

بسی است بختی با حکم خدا این است فضل بزرگ بوستان های همیشه ماندن

يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ

در آیند آن جا زور داده شود ایشان را از آنجا قسم دست و انگشتری طلا و زیور داده شوند و در باریک لباس ایشان

فِيهَا خَيْرٌ ۝ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۝

آنجا خیر است و گفتند بپرستایش خدا شرافت که دور گردان ما اندوده را

إِنَّ رَبَّنَا لَغُفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ

بر آینه پروردگار ما آمرزنده قدر شناس است آنکه خود آورد ما را بسرای همیشه ماندن از

فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا غُوبٌ ۝ وَالَّذِينَ

فضل خود نرسد ما را آنچه بختی و نرسد ما را در آن ماندگی و آنرا که

كُفِرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۝ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفَ

لازشند ایشان راست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود

عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا ۝ كَذَلِكَ نُجْزِي كُلَّ قَوْمٍ ۝ وَهُمْ بِصُطْرٍ خَوْسٍ

از ایشان چیزی از عذاب دوزخ هم چنین سزا میدیم بر تائیس را و این دوزخ فریاد کنند

فِيهَا ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝

بر ما که ای پروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنچه می کردیم

لَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُبْدَىٰ كَرَفِيَةٍ ۝ مِنْ تَذَكُّرٍ ۝ كَمَا التَّذَكُّرُ ۝

ما را که ندانیم سزاوار آفتد که چند یاد شود در آن هر چند یاد رفتن خواهد آمد بشما ترساننده

وَمَنْ يَتَذَكَّرْ فَإِنَّهُ لَهُ مَرْجِعٌ ۝ وَنُفِثَ فِي قُلُوبِهِمْ ۝

و هر که تذکر کند باز او را رجعت است و در دلها گشاده شد و

ول یعنی از پیغامبر
معلم بامت محمد رسیده
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عبد الله بن عباس
امت و اگر بهرست بخوبی
از هیچ امتان بهتر و
برتر است و از ایشان
کتاب ساخت البتة
افراد لیکن نیستند چه
از آنجا که آنان اند که با
وجود ایمان آلوده
میستند و گناه اند
از این است «عالم»
نفسه و نیز آنانند
که با عدل و دیندار
رفتار دارند و غرق گناه
اند و بزرگ و بی می
باشند و از آنجا که مقتصد
نامیده و حافظ از آن
بندگان کامل است که
بفضل و توفیق خداست
تو را در مقام آورده
نیکی با سایر بوی کنند
و در تحصیل کمال از
مقتصدین پیش میرند
چیزهای سبب رانم
ترک نمی کنند و از
خوف گناه از کفر و جبر
بلکه بعضی مباحات
نیز بر میز می کنند
بزرگی و فضیلت اعلی
نقطه بهره ایشان است
با وجود این تفاوت همه
را از یک جنیت از
جله بندگان برگزیده
خویش شمرده و بر سر
دیده و در جابل بهشت
اند که باری اگر مومن
باشد بالاخر جنایت
وقت به جنت میرود
و حدیث فرموده که
گناه کار و مومن است
یعنی عاقبت الامر مومن
خواهد شد و گناهانه
روی اختیار کرد

فی یوم یوم
تفیر عثمانی
عنه این جا
بدن خیان داده میشود
بیشمار قتل و کشتن
داده بودیم که باین فکر
میکردید و هر کافری که کشتی
نموده بودیم که اگر در
دوران آن اراده تفکر
میداشتید تا نیک
دیده و سنجیده راه را
راستوار میشد اعتبار
کنید حق بسیاری از
شما بعد از سن شصت
و هفتاد سالگی نمردند
بر طایفه چنان اشخاص
و حالات نزد شما فرستاد
شد که شمار از آنجا
به دسترس نمانده از خوف
غفلت بیدار کنند
آیا بعد از این چه مدتی
باقی مانده است ؟
آنوقت برای ابد الایمان
مزه عذاب را بچشید
از هیچ طرف توقع مدد
نکنید - عده اوستایی
بسیج احوال و افعال
پنهان و آشکار میدهند
خود آگاه بوده و از آگاهی
دل دار امیدانند نیست
و استعداد هیچ کس از
پیشیده نبوده و موافق
آن با هر شخص حال
می کند و این را هم
میدانند که مردم را نیکو براه
تخلیص خود فریاد و
زاری می کنند که
دو باره چنین خطبه را
مرتکب نمیشوند در
دعای خود در و نگویند
چه اگر مبتدا بار هم بر سر
رجعت داده شوند از
شرارت خود باز نمی
آیند - زیرا طبیعت
ایشان چنین است
" و لورده الامداد

فَذُو قُوَّةٍ لِلظَّالِمِينَ مِنْ مُصِیْرٍ ۝ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ
بسیج بخت پس نیست ستارگان را هیچ یاری دهنده
پس بچشید (عذاب را) پس نیست ستارگان را هیچ مددگار
وَالْاَرْضُ اِنَّهٗ عَلَیْهِمْ يَذَاتُ الصَّدُوْرِ ۝ هُوَ الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ
و زمین است بر آئینه و سینه داناست بخت و داناست آنگاه که دانسته شمار
و زمین است (بر آئینه و سینه داناست بر آنچه در سینه دانست آنگاه که دانسته شمار
خَلِیْفٌ فِی الْاَرْضِ ۝ مَنْ كَفَرَ فَعَلِیْهِ كُفْرُهُ ۝ وَاَلَا یَزِیْدُ الْكَافِرِیْنَ
جانشین در زمین پس هر که کافر شود ضرر هر دو است کفر او و نمی افزاید
جانشین با در زمین پس هر که کافر شود پس بر وی است ضرر هر دو و نمی افزاید کافران را
كَفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْكُفْرَیْنَ كُفْرُهُمْ
کفر ایشان نزد یک پروردگار ایشان کفر عجب را و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان
كَفْرُ ثَنَانٍ نَزْدَ پروردگار ایشان مگر عجب را و نمی افزاید کافران را کفر ایشان
اَلَا خَسَارًا ۝ ۱۵ ۝ قُلْ اَرَءِیْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِیْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ
مگر زیان را بگو آیا دیدید شرکیان مقرر کرده خود را آنگاه که می پرستید سوا
مگر زیان بگو آیا دیدید شرکیان خود را آنگاه که می پرستید
اللّٰهُ اَرُوْنِیْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ ۝ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِی السَّمٰوٰتِ
خدا بنمایند مرا چه چیز آفریده اند از زمین آیا ایشان راست میگویند در آسمان یا
الرب بنمایند مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان راست میگویند در آسمان یا
اَمْ اَتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَمِنْهُ بَیِّنٌ ۝ بَلْ اِنْ یَعْدِلُ الظَّالِمُوْنَ بَعْضُهُمْ
نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان بر حجت اند از آن بلکه وعده نمیدهند ستارگان بعضی از ایشان
یاد داده ایم یا ایشان کتابی که اجازه میدهد بر شرک کردن ایشان پس ایشان بر حجت اند از آن (نه چنین است) بلکه وعده نمی دهند ستارگان
بَعْضًا ۝ اَلَا عَزَّوَجَلَّ ۝ اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَنْ تَزُولَا
بعضی را مگر بطریق رفیق
بعضی را مگر از دوسه فریب
وَلٰكِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ ۝ مِّنْ بَعْدِهَا اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا
و اگر بگذرد نگاه ندارد این هر دو را هیچ کس بعد از خداوند
در قسم است اگر زائل شوند نگاه نمیدارد آن را هیچ کس بعد از او سست بر دبار
عَفُوْرًا ۝ ۱۶ ۝ وَاَقْسَمُ بِاللّٰهِ جَهْدَ اَیْمَانِهِمْ لَیْنِ جَآءَهُمْ نَذِیْرٌ لِّیَكُوْنُنَّ
آمرزگار و قسم خودند بخدا سخت ترین قسم باین خود که اگر بیاید بایشان ترساننده البته خواهند بود
آمرزگار و قسم باین خودند به الله سخت ترین قسم باین خود که اگر بیاید بایشان ترساننده هر آینه خواهند بود
اَهْدٰی مِنْ اَحَدٍ ۝ اَلَا مَسَّحُ فَلَیْجَآءَهُمْ نَذِیْرٌ مَّا زَادَهُمْ
راه یافته ترا از هر یک است
پس چون آمد بایشان ترساننده زیاده نکرد و حق ایشان
راه روند ترا از هر یک است
پس چون آمد بایشان ترساننده زیاده نکرد و حق ایشان را
اَلَا تَقُوْرُ ۝ اِسْتَكْبَارًا فِی الْاَرْضِ ۝ وَنَكَرَ السَّیِّئُ طَوَّلًا ۝ اَلَا یَحِیْقُ
مگر مغروران را بسبب سرکشی در زمین
و حیل اندیشیدن برای کار بد و احاطه نمی کنند
اَلَمْ تَرَ السَّیِّئُ اَلَا بِاَهْلِهٖ طَهْلٌ ۝ فَمَلْ یَنْظُرُوْنَ اِلَّا سُنَّتَ الْاَوَّلِیْنَ ۝
و بل بدانند بیست و پنج مکر باطل او
مگر آئین عقوبت پیشینیان را
فریب بد مکر باطل او پس انتظار ندارند مگر عقوبت پیشینیان را

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۚ

پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آیین خدا را تحویلی

أَوَلَمْ يُبْدِ بِكَ الْآرِضَ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ

آیا سرنگونه اند در زمین تا به بینند چگونه شد سرانجام آنانکه پیش از

قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۖ وَكَانَ اللَّهُ لِيَجْزِيَ شَيْءًا

ایشان بودند و آن جماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و دیرگزینست که عاجز کند خدا را چیزی

فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ۚ وَلَوْ يُوَاخِذُ

در آسمان یا در زمین هر آینه او هست دانای توانا و اگر گرفتار کردی

اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَاهُ عَلَى ظَهْرِهِمَا مِنْ ذَنْبٍ ۖ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ

خدا مردمان را بجزای آنچه می کردند ننگ داشتی بر پشت زمین هیچ جا نوری را نمی بیند و لیکن تاخیر میدهد ایشان را

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَاذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعَمَلِهِمْ بَصِيرًا ۚ

تا مهلکه معین پس چون آمد مهلکه ایشان پس هر آینه خدا هست به بندگان خود بینا

سَوَاءٌ يَسْأَلُكَ الْمَلِكُ أَمْ يَقُولُ ثَلَاثُ وَثْنَانِ أَوْ خَمْسِينَ أَوْ مِائَةً

همانند است که پادشاه از تو بپرسد یا بگوید سی و دو یا پنجاه یا صد

رَبِّكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۚ

پس نام خدا بخشاینده مهربان

يَس ۚ وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ ۚ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۚ عَلَىٰ صِرَاطٍ

پس بقرآن با حکمت هر آینه تو از پیمایان بر راه

مُسْتَقِيمٍ ۚ تَنْزِيلُ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۚ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَنتَ بِرَاسِي

راستی مراد کو ارم فرو فرستادن غالب مهربان تا بترسانی قومی را که ترا سرانیده شده اند

أَبَاؤَهُمْ فَمَنْ عَفَاؤُنَ ۖ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ

پدران ایشان پس ایشان عافان اندل هر آینه ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان پس ایشان

لَا يُؤْمِنُونَ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلًا ۖ فَمَالِيَ إِلَىٰ الْأَذْقَانِ

ایمان نمی آورند (هر آینه) ما گردانیدیم ایلم در گردن بانی ایشان طوق پس آن طوق را تا از رخ بیاورند

فَمَنْ مَقْدَحُ حُونَ ۚ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا ۖ وَمِنْ

پس ایشان سر بالا کردیم و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و

بَيْنَ يَدَيْهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ

پس ایشان سرور برآمدگان اند (یعنی سرهای ایشان بالا بردیم و گردانیدیم پیش روی ایشان دیواری و

ول یعنی در بی منزلت
این بفرستد بی جوش نشد
بود ۱۲- تفسیر عثمانی
ع اگر در مقابل هر
گناه جزئی مردمان را
مواخذه کند هیچ ذی
روح بر سطح زمین باقی
نماند یعنی تا فرمان باز
سبب تا فرمان خود تبار
شوند و فرمان برود این
کامل که عادت تا فرمان
آنها بسیار کم است
از سبب تفتیح کردند
زیرا عالم را نظامی
است که زندگانی چند
انسان صالح و جانی
نگه بخلاف حکمت

است چون این

دو طبقه مردم یکی

از زمین می گردند

کامیابوری بران

نگه داشتن حیوانات

هم باقی نماند زیرا در

آنها و هیچ عالم

برای این حضرت

انسان است شاید

مولا نبی را حمد واجب

رحم الله بهین تفصیل

که در وجه ملازم گفته اند

کدام تفسیری اظهار

یا تفسیر باشد اما عامه

مفسرین در وجه ملازم

چنین نوشته اند که گفته

اند که تا فرمان بسبب

تا فرمانی و فرمان برود

و در اب و اسطر

عصیان غامضان که

کرده می شوند ع

قرآن کریم به کمال نشان

العیاذی و تعلیمات پر

حکمت و مضامین

عالی یک شاهد قوی

است برین که بنیبر

ای که آنرا آورده

یقیناً فرستاده خدا

و به شک و شبهه

فلترجم گوید این
هر دو آیت تفسیر
ست یا س ایشان را
از شافعیان حق ۱۲
فلترجمی از اعلان خبر
و شرافت یعنی لوح
محفوظ ۱۲-
تفسیر عثمانی
عنه این قریه نزد اکثر
نویسندگان شهر
الظاهره میباشد
و در مملکت شام
است و در باب
هشتم و یازدهم
کتاب اعلان
را بخوبی
شیخ محمد
شیرازیکه باندک
تفاوت میان شافعی
است لیکن این کثیر
در حدیث از حدیث
تاریخی و از روی
مابقی قرآن بر آن
بعضی اعتراضات
کرده است. اگر
آن اعتراضها صحیح
باشد باید قریه دیگری
را تسلیم نمود. و الله اعلم
بیان این قصه برای
مؤمنین بشارت و
برای مکذبین عبرت
می باشد و نام
بائس ایشان را نمی
توان بطور صحیح تعیین
نمود و نه بطور یقین
می توان گفت که این
باستحقاق فرستادگان
الله تعالی بود و یا
بواسطه بیخبری حکم
شده بود که بطور ناگهانی
از بی نشان قریه برودند
برود احتمال است
مگر متبادر و قریب به
قیاس میسر است که
پیغمبران باشند شاید
پیش از حضرت مسیح
علیه السلام بعثت شده باشند

خلفهم سداً فاعشیدهم فلم لا یبصرون ۹ و سوا علیهم

پس پشت ایشان دیوارهای بزرگ کشیدیم و ایشان را پس ایشان هیچ نمی بینند و سوا علیهم
عقب ایشان دیواری پس پرده انداختیم بخشع باطن ایشان پس ایشان هیچ نمی بینند و لیکن است برایشان

انذار لهم امرکم تنذرهم لا یؤمنون ۱۰ انما تنذرون من اتبع

که بگویم کفر ایشان را باینکه نمی آید از ایمان بخوانند باین نیست که می ترسایند که بگویم کفر ایشان را باینکه نمی آید از ایمان بخوانند باین نیست که می ترسایند آن را که پیروی

الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بغفره و اجر کریم ۱۱ انما

ذکر کند و ترسد از خدا غایبانه پس بشارت ده او را بامرزش و مزد گرامی هر آینه که
گذیرند و بترسد از رحمن بدون دیدن پس بشارت ده او را بامرزش و مزد گرامی هر آینه که

نحن نوحی الیهم و نکتب ما قد مو اوتاهم و کل شیء احصیناه

زنده می گردانیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش فرستادند و می نویسیم نقش را قدم ایشان را و هر چیز را که احاطه کردیم
زنده می گردانیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش فرستادند و می نویسیم نقش را قدم ایشان را و هر چیز را که احاطه کردیم

فی امام مبین ۱۲ و اضرب لهم مثلاً اصحاب القریة مراد جاءها

در کتاب ظاهر و در میان کن برای ایشان داستان قصه اهل دیه چون آمدند بآن دیه
آزاد را مل (دختر) روشن و میان کن برای ایشان یک مثل مردان آن قریه مسود و چون آمد به آن ده

المرسلون ۱۳ اذ ارسلنا الیهم اثین فکذبوا فاعززنا بالثالث فقالوا

پس ما بران آنچه فرستادیم بسو ایشان دو نفر را پس بدو فرستادیم که نسبت کردند ایشان را بر این که خود را دویم
فرستاده شدگان ما را که فرستادیم بسو ایشان دو نفر را پس بدو فرستادیم که نسبت کردند ایشان را بر این که خود را دویم

انما الیکم مرسلون ۱۴ قالوا اما انتم الا بشر مثلاً و ما نزل لرحمن

هر آینه ما بسو شما فرستادیم که بگویم اهل دیه گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه خود فرستاده است خدا
هر آینه ما بسو شما فرستادیم که بگویم اهل دیه گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه خود فرستاده است خدا

من شیء ان انتم الا کذابون ۱۵ قالوا ربنا یعلم انما الیکم

شیخ چیز نیستید شما مگر دروغ گویند گفتند آن سلف پروردگار ما میداند که هر آینه ما بسو شما
شیخ چیز نیستید شما مگر دروغ گویند گفتند آن سلف پروردگار ما میداند که هر آینه ما بسو شما

لکم رسولون ۱۶ و ما علینا الا البلاء النبین ۱۷ قالوا انما تطیرنا بکم

فرستاده گانیم و نیست بر ما مگر پیام رسانیدن و بشارت گفتند اهل قریه هر آینه ما شگون بد گزینیم به شما
فرستاده شدگانیم و نیست بر ما مگر پیام رسانیدن و بشارت گفتند اهل قریه هر آینه ما شگون بد گزینیم به شما

لین لم تنهوا لرجسکم و لیسستکم مناعذاب الیم ۱۸

اگر باز نمانید ستمکارانیم شمارا و البت برسد به شما از عذاب دردناک
اگر باز نمانید ستمکارانیم شمارا و البت برسد به شما از عذاب دردناک

قالوا طاعکم معکم این ذکرتم بل انتم قوم مسرفون ۱۹

گفتند شما شگون بد تنها همراه شماست آیا اگر بپندارید خود را شکارا بر شگون بد عمل کنید بلکه شکار و نه از حد گذشتن آید
گفتند فرستادگان نال بد شما همراه خود شماست آیا اگر بپندارید خود را شکارا بر شگون بد عمل کنید بلکه شکار و نه از حد گذشتن آید

وجاء من اقصى المداينة رجل یسوع فقال یقوم اتبعوا

و آمد از دورترین محلهای آن شهر مردی به نام یسوع گفت ای قوم من پیروی کنید
و آمد از خنهای آن شهر مردی که میدوید گفت ای قوم من پیروی کنید

الرسلیین ۲۰ اتبعوا من لا یسئلکم اجرا و هم مهتدون ۲۱

ان پیغمبران را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند
فرستادگان را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند

ملک بین پیش از
انفصال رفته اند
۱۲ و این یعنی شتر و کر

گدن ۱۲
تفسیر عثمانی

عنه آفتاب راه مقصود
خوش را منتظر نماید
و بقدر یک دقیقه یا یک
انگشت هم از آن منحرف
و شافری شود و انقطاع
که بدان معروف است
باز نمی آید و در گوش
شب روز در حرکت
سایان خود منازل
معین و مقصد احتیاج
ملی کند پس بفرمان
خداوندی در سری حدیث
را از آنجا شروع می
کند این نظام تا تزیین
قیامت بهین طریق
جریان دارد و نگاه
وقتی فرستد که با و
حکم داده میشود که از
مغرب برگردد و این
بهان وقتی است که در
های توبه را می بینند
نه کار و نه الحیرت
البعیج حقیقت این
است که تمام این نظام
طلوع و غروب آفتاب
از طرف آن نفوذ نمائد
و یا غیر بر باشد است
که باینچ کس انتظام
او غلبی دارد و نمی توان
و نیز حرکت و دانای
او انتقادی گرفته اند
بر وقت و هر طور که
خودش اراده کند که
این نظام را برهم
در هم ناید کسی بحال
انکار ندارد و عده
حضرت شاه صاحب
در حمله الله در باب
تعبیر لا الشئ بیننا
لهمان تدک القفر
نکته بیان می نماید که
و فیک ماه و آفتاب در آخر ماه یکجا می شوند و آفتاب را میگرد

وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ۵۷ وَآيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ ۵۸ نَسْخُ مِنْهُ النَّهَارُ فَآذَاهُمْ

و از آنچه ایشان نمیدانند و نشانه هست ایشان را شب است و شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در

و از آنچه نمیدانند و یک نشانه است برای ایشان شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در

مُظْلِمُونَ ۵۹ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

تاریکی آیندگان باشند و آفتاب میرود بر آنست که قرارگاه و لیست این است اندازه خدا غلب

الْعَلِيمُ ۶۰ وَالْقَمَرُ قَدَرُهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۶۱

دانا و ماه مقرر کردیم بر آنست او منزل با تا آنکه باز گردد بشکل شایخ کهنه

و دانا و دیرای ماه مقرر کردیم منزل با تا آنکه باز گردد و مانند شاخه کهنه خوشه خرا

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ تُسَابِقُ النَّهَارَ وَكُلٌّ

نه آفتاب می رسد و نه در یابد که در یابد و نه شب سبقت گرفته است بر روز و هر یک

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۶۲ وَآيَةُ لَهُمُ أَنْ نَأْتِيَهُمُ الْفُلْكَ

از آفتاب و ماه دستار در آسمانی سیری کنند و نشانه هست ایشان را که ما بر یاد آستیم قوم بنی آدم را در کشتی

در مدار خود رشتنای کند عده و یک نشانه است ایشان را که در آستیم قوم بنی آدم را در کشتی

الْمَشْحُونِ ۶۳ وَخَلَقْنَا لَهُمُ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۶۴ وَإِنْ نَشَأْ غَرَقْنَاهُمْ

بر کرده شده و آفریدیم بر آنست ایشان اند کشتی آنچه سواری شوند بر آن و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

پیک کرده شده و آفریدیم بر آنست ایشان مانند کشتی آنچه سواری شوند بر آن و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقِذُونَ ۶۵ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۶۶

پس هیچ فریاد رس نباشد بر آنست ایشان و نه ایشان را ب کرده شوند ملین رحمت کردیم از جانب خود و بهره مند ساختیم تا آنکه

پس نباشد فریاد رسی بر آنست ایشان و نه ایشان خلاص کرده شوند مگر از روی رحمت خود ما برای بهره مند ساختن تا وقتی

و إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَاتَّقُوا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۶۷

و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دوست شما باشد از عقوبتی که پس پشت شما باشد بود بر شما مگر کرده شود و از آن

و چون گفته شود بایشان که اجتناب کنید از آنچه که پیش روی شماست و از آنچه که در عقب می گذارید تا شما را مگر کرده شود و از آن

فَإِن تَابُوا فَهُم مِّنْ أُمَّةٍ مُّقْتَصِدَةٍ وَإِن جَاءُوا بِعَدُوٍّ لَّنَا فَغَوَّاهُ لَا تَعْلَمُ أَلَمِ الْأَمْنِ ۶۸

پس اگر باز گردند پس از آنست که اگر خدا می خواهد خواست طعام داد عده او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر

آیا طعام و ایم می رسد اگر اگر می خواست الله طعام میداد و را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر

يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۶۹ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا

می گویند کافران که باشد این و عده اگر راست گویند انتظار نمی برند مگر

ی گویند کافران که بعل آید این و عده اگر راست گویند انتظار نمی برند مگر

صَبِيحَةٍ وَآجِدُكُمْ فِيهَا صُفًىٰ وَآجِدُكُمْ فِيهَا صُفًىٰ ۷۰ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ تَوَصِّيَةً

یک صبح و در آنست ایشان را و ایشان حضورت کنان باشند پس نتوانند و وصیت کردن

یک آواز سخت را که بگوید ایشان را در مالیک ایشان در مسلمات خود حضورت می کنند پس نتوانند و هیچ تو صد

و فیک ماه و آفتاب در آخر ماه یکجا می شوند و آفتاب را میگرد

وَأَلَّا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَيُخَوِّفُ فِي الْأُصُورِ فَأَذَاهُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ ۝
 و نه بآل خود باز گردند و دمیده شود در صورت پس ناگهان ایشان از قبر با
 و نه بآل خود باز گردیده توانند و دمیده شود در صورت پس ناگهان ایشان از قبر با
 إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۝ قَالُوا يَوَيْلَنَا مِنْ بَعْثِنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا
 بوی برود و کار خویش بشتابند گویند ای وای بر ما که بر خیزانند ما را از خواب گاه ما
 بوی برود و کار خود می شتابند گویند ای وای بر ما که بر انگشت ما را از خواب گاه ما برای نشان گفته میشود این است
 وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِنْ كُنْتُمْ إِلَّا صِحْرَةٌ
 کرده داده بود خداوند راست گفتند پینا میران نباشد این واقع می شود
 آنچه داده کرده بود رحمن راست گفته بودند پیغمبران نباشد و آنچه قیامت مگر یک آواز
 وَاحِدَةٌ فَأَذَاهُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مَحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تَرْجِعُونَ ۝
 تنده پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد یک ما حاضر کرده شده باشند پس امروز رستم کرده نخواهد برگشت پس
 پس آنگاه ایشان جمع آورده نزد ما حاضر کرده شده گان اند پس امروز رستم کرده نشود بران نفس هیچ نمی
 وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ
 و جز داده نخواهد شد الا محبت آنچه می کردید هر آینه اهل بهشت امروز در کار س هستند
 و جز داده نمی شود مگر آنچه می کردید هر آینه اهل بهشت امروز در کاری هستند
 فَكُفُّوا عَنْهُمْ وَأَرْوَاهُمْ فِي ظُلِّ عَلَىٰ الْأَرْيَافِ مَسْكُونُونَ ۝
 شادانند ایشان و زنان ایشان در سایه با بر سخت یا تنگ کنند گان اند ایشان راست
 فِيهَا فَاكِهِمْ وَأَلْهَمُوا بَعْثُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ۝
 در بهشت میوه و ایشان راست آنچه طلب کنند گفته شود سلام باز از جانب پروردگار مهربان و
 در بهشت میوه و ایشان راست آنچه میخواهند برای ایشان اسلام است گفته میشود گفتنی از جانب رب بران
 أَمَّا الْيَوْمَ آيَاتُ الْمَجْرُمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْمِدْ إِلَيْكُمْ يَبْنِي أَدَمَ ۝
 بگویم جدا شود امروز ای گناه گاران آیا حکم نفرستاده بودم بسوی شما ای اولاد آدم که
 گفته میشود برای کافران و جدا شود امروز ای مجرمان آیه ای عهد کرده بودم باشما ای فرزندان آدم که
 لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَإِنْ أَعْبَدُونِي فَلَهُذَا
 پرستید شیطان را هر آینه و شما را دشمن آشکار است و آنکه پرستید مرا این است
 پرستید شیطان را (بر آینه) او شمار است و دشمن آشکار و به آنکه پرستید مرا این است
 وَارْطَبُوا لِقَائِهِمْ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا
 راه راست و هر آینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق بسیار را آیا
 راه راست و هر آینه گمراه ساخت از شما خلق بسیاری را آیا
 تَعْقِلُونَ ۝ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا
 نمی دانستید این دوزخ است که وعده داده می شد شما در آید بان امروز بسبب
 نمی دانستید این دوزخ است آنکه وعده داده می شدید در آید دران امروز بسبب
 كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ
 کافران خود امروز مهربانیم بر زبان ایشان و سخن گویند با ما دستهای ایشان و گواهی مید
 آنکه کفر می کردید امروز مهربانیم بر زبان های ایشان و سخن گویند با ما دست های ایشان و گواهی مید
 أَجْلِهِمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ
 بایستی ایشان را می زدیم که نمی کردند و اگر خواستیم نابود کنیم چشم ایشان را
 بایستی ایشان را می زدیم که نمی کردند و اگر خواستیم نابود کنیم چشم های ایشان را

تفسیر عثمانی
 ۱۸ نفع بسیار است
 ۱۹ نفع بسیار است
 ۲۰ نفع بسیار است
 ۲۱ نفع بسیار است
 ۲۲ نفع بسیار است
 ۲۳ نفع بسیار است
 ۲۴ نفع بسیار است
 ۲۵ نفع بسیار است
 ۲۶ نفع بسیار است
 ۲۷ نفع بسیار است
 ۲۸ نفع بسیار است
 ۲۹ نفع بسیار است
 ۳۰ نفع بسیار است
 ۳۱ نفع بسیار است
 ۳۲ نفع بسیار است
 ۳۳ نفع بسیار است
 ۳۴ نفع بسیار است
 ۳۵ نفع بسیار است
 ۳۶ نفع بسیار است
 ۳۷ نفع بسیار است
 ۳۸ نفع بسیار است
 ۳۹ نفع بسیار است
 ۴۰ نفع بسیار است
 ۴۱ نفع بسیار است
 ۴۲ نفع بسیار است
 ۴۳ نفع بسیار است
 ۴۴ نفع بسیار است
 ۴۵ نفع بسیار است
 ۴۶ نفع بسیار است
 ۴۷ نفع بسیار است
 ۴۸ نفع بسیار است
 ۴۹ نفع بسیار است
 ۵۰ نفع بسیار است
 ۵۱ نفع بسیار است
 ۵۲ نفع بسیار است
 ۵۳ نفع بسیار است
 ۵۴ نفع بسیار است
 ۵۵ نفع بسیار است
 ۵۶ نفع بسیار است
 ۵۷ نفع بسیار است
 ۵۸ نفع بسیار است
 ۵۹ نفع بسیار است
 ۶۰ نفع بسیار است
 ۶۱ نفع بسیار است
 ۶۲ نفع بسیار است
 ۶۳ نفع بسیار است
 ۶۴ نفع بسیار است
 ۶۵ نفع بسیار است
 ۶۶ نفع بسیار است
 ۶۷ نفع بسیار است
 ۶۸ نفع بسیار است
 ۶۹ نفع بسیار است
 ۷۰ نفع بسیار است
 ۷۱ نفع بسیار است
 ۷۲ نفع بسیار است
 ۷۳ نفع بسیار است
 ۷۴ نفع بسیار است
 ۷۵ نفع بسیار است
 ۷۶ نفع بسیار است
 ۷۷ نفع بسیار است
 ۷۸ نفع بسیار است
 ۷۹ نفع بسیار است
 ۸۰ نفع بسیار است
 ۸۱ نفع بسیار است
 ۸۲ نفع بسیار است
 ۸۳ نفع بسیار است
 ۸۴ نفع بسیار است
 ۸۵ نفع بسیار است
 ۸۶ نفع بسیار است
 ۸۷ نفع بسیار است
 ۸۸ نفع بسیار است
 ۸۹ نفع بسیار است
 ۹۰ نفع بسیار است
 ۹۱ نفع بسیار است
 ۹۲ نفع بسیار است
 ۹۳ نفع بسیار است
 ۹۴ نفع بسیار است
 ۹۵ نفع بسیار است
 ۹۶ نفع بسیار است
 ۹۷ نفع بسیار است
 ۹۸ نفع بسیار است
 ۹۹ نفع بسیار است
 ۱۰۰ نفع بسیار است

این گفتار که زنجیران سخنان عادی هم حاضر شد. اکنون خسارت عاقبت های خود را بشنید. اینکه دوزخ آماده است که در صورت ارتکاب کفر وعده آن بشمار داده شده بود این...

ل یعنی صاحب
 نیم باشد ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 ع چنانکه آنها
 از آیات ایشان
 خود را باند
 اگر خاتم بود
 جزا در همین دنیا بمانی
 ظاهری آنها را ستایش
 ایشان را بلی کور
 گردانیم تا هیچ راه
 در اطراف یافته نتوانند
 بهای طور که این مردم
 نمی خواهند راه بانی
 شیطانی را ترک
 گویند و براه خدا روند
 شوند قدرت داریم که
 صورت های آنها را
 مسخ کرده بکلی محو
 و بیکر گردانیم که باز
 برای تمییز کلام
 احتیاج از جان
 خود جنبیده نتوانند
 لیکن ما چنین اراده
 نکردیم و آنها را ازین
 جوارح و قوی محروم
 نسازیم این مصلحتی بود
 که از طرف ما به ایشان
 داده شده بود
 امروز چشم ها
 دست ها و پاها
 و دیگر اعضای
 شان گویا می خواهد
 که این مردمان بد
 فرجام را بچکار کار
 تا شاید آفتی کرده
 بودند عیبه را بود
 چشم و رخ صورت
 را مستبعد ندانید
 آیا نمی بینید که یک
 آدم قوی و متندرست
 در حالت پیری چگونه
 از ویدیق شنیدن و
 رفتن معذور گردانید
 میشود همان طور که در
 طغیبت کم زور و
 ناتوان و بی مایه و در بیگان محض بود و پیری باز بسوی همان حالت برگردانیده می شود پس خدایکه در حالت پیری و کهن سالی آنها قوت های شان را سلب میکند

فَاَسْتَبْقُوا الصِّرَاطَ فَانِّي يَبْصُرُونَ ۱۹ وَ لَوْ شَاءَ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ

پس سبقت کنند بسوی راه پس از کجا به بینند و اگر خواهم مسخ کنیم ایشان را بر جائی ایشان
 پس سبقت کنند بسوی راه پس چگونه بینند و اگر خواهم مسخ کنیم صورت های ایشان را در جائی ایشان

فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۲۰ وَمَنْ نَعْبُدْهُ فَكَيفَ يُنْفِخُ فِي الْخَلْقِ

پس نتوانند گذشتن از اینجا و باز نگردند و هر که را در از میدیم بگویم بگویم ری گمش در آفرینش
 پس نتوانند رفتن از اینجا و نتوانند بازگشتن و هر که را که در از میدیم بگویم بگویم ری گمش در آفرینش

أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۲۱ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

آیا در نمی یابند و نیاوریم این بیچاره را شعر و لایق نیست و این مگر پند
 آیا عقل ندارند و نیاوریم این بیچاره را شعر و لایق نیست و این مگر پند

وَقُرْآنٍ مَّبِينٍ ۲۲ لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ كَاذِبًا وَيُخَيِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ ۲۳

و قرآن آشکارا تا بترساند هر که زنده باشد و ثابت شود حجت بر کافران
 و قرآن آشکارا تا بترساند هر که زنده باشد (بزندگی روحانی) و ثابت شود الزام بر کافران

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا الْعُكَّامُ لَهُمْ لَهَا مَلَكُوتٌ ۲۴

آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهار پایان را پس ایشان آفرما نگذاشتند
 آیا نمی بینند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهار پایان را پس ایشان آفرما نگذاشتند

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُمُونَ ۲۵ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَاقِبُ ۲۶

و رام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعضی از آن سواری ایشان است و بعضی از آن می خورند و ایشان را از دست
 و رام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعضی از آن سواری ایشان است و از بعضی آنها بخورند و ایشان را از دست دران

مَشَارِبٍ ۲۷ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۲۸ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّهُمْ

آشامیدنیها آیا شکر نمی گزارند و گرفتند بدوین الله معبودان را تا بود که ایشان
 آشامیدنی یا آیا پس شکر نمی کنند و گرفتند بدوین الله معبودان را تا بود که ایشان

يَنْصُرُونَ ۲۹ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ۳۰ فَلَا

یاری داده شوند نتوانند یاری گردان ایشان و این بتان برای ایشان لشکر حاضر کرده شده اند پس
 مدد کرده شوند نمی توانند مدد گردان ایشان حال آنکه بتان برستان برای معبودان لشکر حاضر کرده شده اند پس

يُحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ ۳۱ وَأَمَّا الْإِنْسَانُ أَنَا

اندوه بگیرم ننگ ترا سخن ایشان هر آینه امید داریم آنچه می نهان می کنند و آنچه آشکارای نماید دیده است آدمی که
 اکنون اندوه بگیرم ننگ ترا سخن ایشان هر آینه امید داریم آنچه می نهان می کنند و آنچه آشکارای نماید دیده است آدمی که

خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۳۲ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ

آفریدیم او را از لطف پس ناگهان او خصومت کننده آشکارا شد و پدید آورد برای ما مصلحت و فراموش کرد
 آفریدیم او را از لطف پس ناگهان او خصومت کننده آشکارا شد و پدید آورد برای ما مصلحت و فراموش کرد

خَلَقَهُ قَالَ مَنْ مِثْلِي الْعِظَامُ وَهِيَ رَمِيمٌ ۳۳ قُلْ يَحْيَا الَّذِي أَنْشَأَهَا

آفرینش خود را گفت که زنده کند استخوانها در حالیکه آن کهنه شده باشند بگویند که کهنه شد و فراموش کرد
 آفرینش خود را گفت که زنده کند استخوانها در حالیکه آن کهنه شده باشند بگویند که کهنه شد و فراموش کرد

أَوَّلَ مَرَّةٍ طَوْهٌ وَهُوَ بَکْلٌ خَلَقَ عَلَيْهِ ۳۴ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ

اول بار و او بهر قسم آفرینش و انانست آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز
 اول بار و او بهر قسم آفرینش و انانست آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز

فتح الرحمن

مل یعنی باشا ملین
والله اعلم ۱۲

مل یعنی واز

جانب چپ نیز
بجهت گمراه کردن
والله اعلم ۱۲

تفسیر ثانی

عنه این حکم لغزشگاه
داده میشود که بهر

اینهارا حق
کرده راه دوزخ

را به این نشان
دهید و تنبیه

مرا از حق
بایک تم گنبدگان

است و یازنان
کافه است واز

ایمیدون من
دون الله افعال

و شایع و غیر مرادند
عنه در حقیقت خود

تان ایمان نیارودید
و اکنون الزام را

بگوشن می اندازید
ما به قدرت و استقامت

که می گذاریم ایمان
در دل شما جان

بگیرد بلکه خود از حد عقل
و انصاف تجاوز

کردید و فرموده
تا همین بے آرایش

را نشینید و اغوی
ما پذیرفتید اگر

عقل انهم و عاقبت
اندیشی خود را بکاری

برودید گاهی بسخنان
ما گوش نمی نهادید

ظاهر است که ما گواه
بودیم و از یک گمراه

بدون اینکه دیگران
بگرای دعوت نماید

چه توقع میتوان کرد
ما همان کاری را که

وَكُنَّا نُرَبِّاُ وَعَظَامًا اِنَّا لَنَسْعُوْنَ ۱۶ اَوْ اَبَاؤُنَا الْاَوَّلُونَ ۱۷ قُلْ

و ما نسیم حاکم و استخاسته چند آریا ما بر اینجسته شویم
و بگردیم افعال و استخوانها آریا ما بر اینجسته می شویم

نعم و انتم داخرون ۱۸ فالتساوی زجرة واحدة فاذا هم ينظرون ۱۹

آرے و شما خوار باشید پس جز این نیست که آن بر اینجسته یک نوحه تنه باشد پس ناگهان ایشان بنگرند
بنا بر این که بر اینجسته در حالیکه ذلیل باشند پس جز این نیست که آن بر اینجسته برانند و وقت ایشان می بینند و

قَالُوا يَوْمَئِذٍ هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۲۰ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

گویند اے وای بر ما این است روز جزا گفتن خود این است روز فیصل کردن قضا که آن را
گویند اے وای بر ما این است روز جزا (از طرف خدا گفته شود) این است روز فیصل که شما آن را

تَكْذِبُونَ ۲۱ احشروا الذين ظلموا وازوا بهم وما كانوا يعبدون ۲۲

یدوزخ نسبت می کردید گفتن خود بر اینجسته اے ملانکه سرکاران را با هم را با هم ایشان را
تکذیب می کردید بجهت گنبد آتان را که حکم کردند و جفت های ایشان را اے و آنچه می پرسیدند

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ اِلَى صِرَاطِ الْحَيِّ ۲۳ وَقَفَوْهُمْ اِنَّهُمْ مُسْئِلُونَ ۲۴

بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوئے راه دوزخ و باز دارید ایشان را بر آئینه ایشان سوال کرده خواهند شد
بجز الله پس دلالت کند ایشان را بر راه دوزخ و البته داده کنید ایشان را (بر آئینه) از ایشان سوال کرده میشود

مَا لَكُمْ لَا تَنصَحُونَ ۲۵ بَلْ هُمْ اَيُّومٌ مُّسْتَسْلِمُونَ ۲۶ وَاَقْبَلْ بَعْضُهُمْ

چسیت شما را یا پدر بگری می کنید بلکه ایشان امروز کردن نهاد و گمانند
چسیت شمارا که بهر بگری می کنید و مدد کرده نمی توانند بلکه ایشان امروز کردن بنده گمانند خود را تسلیم کنند گمانند و در آورند

عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۲۷ قَالُوا اَلَا اَنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ۲۸ قَالُوا بَلْ

بر بعضی از یک دیگر سوال کنندگان گفتند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست و گفتند (نه چنین است) بلکه
شما بنودید مسلمانان و بنود ما را بر شما هیچ تسلیم بلکه شما بودید گروهی

طُغَيْنَ ۲۹ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا اِنَّكَ لَآ تَقْوَنَ ۳۰ فَاَعْوَيْتُمْ اِنَّا كُنَّا

از حد گذشت پس لازم شد بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با شیم پس گمراه کردیم شمارا بر آئینه
از حد گذرندگان پس لازم شده بر ما سخن پروردگار ما بدرستی که ما چشیده عذاب با شیم بنابر آن گمراه کردیم شمارا بر آئینه

غَوِينَ ۳۱ فَاِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۳۲ اِنَّا كُنَّا نَفْعَلُ

گمراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که دوزخ عذاب با هم مشترک باشند
بودیم گمراهان عذاب خدا گوید پس به حقیقت همه ایشان آنروز در عذاب مشترک اند (هر آینه) ما هم چنین می کنیم

بِالْمُجْرِمِينَ ۳۳ اِنَّهُمْ كَانُوا اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۳۴

با گنبدگان هر آینه ایشان چون گفته شود بدیشان که نیست هیچ معبود مگر خدا سرکش می کردند
با گنبدگان هر آینه ایشان بودند که چون گفته می شد به ایشان که نیست هیچ معبودی بجز الله بکبر می کردند

وَيَقُولُونَ اِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ۳۵ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ

و می گفتند آریا ما ترک کنند معبودان خود با شیم بر آینه گفته شاعر دیوانه بلکه آورده پیغمبر سخن درست را و
و می گفتند آریا ما ترک کنندگان معبودان خودیم برای گفته شاعر دیوانه (چنین نیست) بلکه آورده پیغمبر سخن حق را و

صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ ۳۶ اِنَّكُمْ لَذَاقُوا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ وَمَا تَحْزَنُونَ ۳۷

با در دامت سائر پیغمبران را هر آینه شما چشیده عذاب درد دهنده با شیم و جز داده نخواهد شد مگر
تصدیق کرده است پیغمبران را هر آینه شما چشیده عذاب درد ناکید و جز داده نشود مگر

مناسب حال ما بود اگر چه خود ما می شنیدید بهر حال هر چه شدنی بود شد جفت خدا بر ما قائم گرد و فرموده اولیاده لاشن جهنم ملک و همین

فتح الرحمن
ملفوظات امیر المومنین

شدند از شرک و غیره و
سوار می ۱۱ دل یعنی خسترا

تفسیر عثمانی

سیدنا ابی جابر بیان
فی یافت پشیمان بود
از هر محنتی و غم

نهایت تلخ و بد مزه
می باشد حق تعالی

بقدرت خود در دوزخ
ورضی رویانیده است

شجرۃ الزقوم یاد کرده

وَأَنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ (١٨) إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ ۝ (١٩) وَلِيكَ لَهُمْ رِزْقٌ

این جامه ایشانراست رودی
آن جامه هست ایشان راست رزق

مقرر افراع میوہ و ایشان نواخت گانند در بہشت ہائے بہت بر تخت پا

تَقْبِلِينَ ﴿٢٣﴾ يَكَاؤُ عَلَيْهِمْ بِكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٢٤﴾ تَضَاءُ لَكَ الشَّمْسُ بِدِينِ ﴿٢٥﴾

درد گردانیده میشود بایرشان پیان از شراب صاف سفید رنگ لذت دهنده برای خوشندگان

و لا هم عنها ينزفون و عند هم قصص الطوفان عین

دوران است دوران سمرقند ایشان از آن مست کرده میثوند که بیهوده گوئی کنند و نزد ایشان باشد زبان فو اندیشم

یا ایشان برین معنی است که در مرغ در پرده پوشیده اند پس روئے آوردند بعضی این بستن بر بعضی یا یکدیگر استفسار کنان
یا ایشان برین معنی است که پنهان (در صغای) باز روی آوردند بعضی ایشان بر بعضی از یکدیگر استفسار کنان

الْقَابِلُ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۳۰) يَقُولُ أَتَيْتُكَ بِمِثْلِ

تو گینده از ایشان (دهر آینه) بود مرا هم شفیق (رفیق) کردی گفت آیتانو

باز دارندگان شریعت آیا چون میریم و نشویم خاک و استخوان می چند آیاما جزا داده خواهیم شد باز گرفت
مدق کنندگانی آیا چون میریم و نشویم خاک و استخوان ما آیاما جزا داده شد گنیم گرفت (آن ریشتر)

لَ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٢٦﴾ فَاطْلِعْ فَارَاهُ فِي سُوءِ الْحُجْمِ ﴿٢٧﴾ قَالَ تَاللَّهِ

شما سربرافراخته اورا می بیند پس سر بر او در دید آنرا در وسط دروخ گفت قسم به الله

بیت نزدیک بودی یا ننگِ هلاک کنی مرا / اگر نبودی خنانش پیر و دگر من بهر آغوشی از حاضر گردگان در عذاب البتیسیم

نُبَيِّتِينَ ۝ إِلَّا مَوْتَنَا الْأَوَّلَىٰ وَمَا خَيْرٌ لِّمُعَدِّينَ ۝ إِنَّ هَذَا

دره شونده. مگر ملکوت بخشن خود و نسیتم ما عذاب کرده شده هر آینه این است
مگر به مرگ بخشن خود و نسیتم ما عذاب کرده شدگان هر آینه باین است

والقوز العظیم ۳۸) لیست هذا فلیعمل العملون اذ لك خیر نزل
برای بزرگ برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنندگان آیا آنچه مذکور شد بیکو ترست مہمانی

شجرة الزقوم (۴۱) اِنَّا جَعَلْنَاهَا قِئْطًا لِلظَّالِمِينَ (۴۲) شجرة خمر

دفعه دوم هر آینه باس خیمه زوم را عقوبت برائے ستمکاران دهر آئینا آن درختی است که برمی آید
خفت زوم (هر آینه) با ساختارم آنرا عقوبت برائے ستمکاران دهر آئینا آن درختی است که برمی آید

اصل الجحیم طلعها کانت رؤس الشیطین ﴿۳۷﴾ فانهم لا یكون
 دوزخ عوضه آن مانند سرهای شیاطین است
 پس سر آن دوزخیان را بخواند

دو رخ مع خوشه اش مانند سر لایه شیا همین است پس (هر آینه) ایشان خورند گاهند

...



دل یعنی در روز ۱۳
تفسیر عثمانی
سه نزد بعضی محققین
حضرت الیاس علیه
السلام از نس حضرت
بارون است الله
تعالی اورا بجوی کند
از شهرهای ملک شام
که بعلبک نام
داشت فرستاد و در
آن یک بت بزرگ بود
نام گذاشته بودند
علی رسیدند حضرت
الیاس آنها را از
غضب خدا و از انجا
بدین بدستی ترسانید
عده آشکارا امت
که در بعضی آنها
ندیدند تجلی و ترکیب
ظاهر الیاس را
بوجودی آوردند
آنها باین عمل صانع
نبی توان گفت صانع
حقیقی ذاتی است
که تمام اصول و
فروع و احوال و
صفات و موصوفات
را پیدا آورده شما
و پدر این شمار آفرید
است پس چگونه
دارد که این لعن الخلقین
را گذارند بر پیش
بت الیاس و پیروان
و از آن ملک
جوئید حال
آنکه بطور ظاهر
به آفرین یک
فرد هم قدرت ندارد
بلکه وجود او برینست
پرستندگان و امت
و بر او هر طور که خواهند
مشکل صورت آفرید
ساخته و استاده
کردند و الیاس
را الیاسین نامید
میگویند چنانکه بر طوس

هَرُونَ ۱۰ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ اَهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۱۲
بارون هر آینه ما هم چنین جزا میدیم بنیکوکاران را
بارون (بحقیق) ما چنین جزا میدیم بنیکوکاران را
و ان الیاس لیس المرسلین ۱۳ اذ قال لقومه الا تتقون ۱۴ اتدعون
و هر آینه الیاس از فرستادگان بود چون گفت ب قوم خود آیا پرستشی می کنید
و بحقیق الیاس از رسولان است چون گفت ب قوم خود آیا می ترسید آیاهی بر سرید
بعلا وتذرون احسن الخالقین ۱۵ الله ربکم ورب آبائکم
بل را (و بل نام بی ست) و ترک می کنید بنیکو ترین آفرینندگان را ترک می کنید خدا را پدر و جد و گار شما و پدر و جد
بل را (و می گذارید بر سرش) بنیکو ترین آفرینندگان را (بحقیق) باشد یا ظاهر می باشد که اندک است رب شما و رب پدران
الاولین ۱۶ فکذبوه فاتهم لحضرون ۱۷ الا عباد الله المخلصین ۱۸
خستین شما پس دروغ می پنداشتند اورا پس هر آینه شما حاضر گردانید علی عبادگان حاضر کرده خدا
خستین شما پس تذبذب کردند اورا پس بدین کسی که ایشان حاضر کرده میشوند مگر بنده گان برگزیده الله
وترکنا علیک فی الاخرین ۱۹ سلم علی الیاسین ۲۰ انا کذلک نجزی
و گذاریم بر الیاس تنگائی نیک در پیشان سلام باد بر الیاسین هر آینه ما هم چنین جزا میدیم
و بانی گذاریم بر الیاس در مردم یسینان (این را که) سلام باد بر الیاس (بحقیق) ما هم چنین جزا میدیم
المحسینین ۲۱ ان من عبادنا المؤمنین ۲۲ وان لوطا لیس المرسلین ۲۳
بنیکوکاران را هر آینه ما بود از بنده گان گردیده ما و هر آینه لوط بود از فرستادگان
بنیکوکاران را (بحقیق) او از بنده گان گردیده خاص ماست و بحقیق لوط از رسولان است
اذ نجیناه واهله اجمعین ۲۴ الا عجزوا فی الغیرین ۲۵ ثم دمرنا الاخرین ۲۶
یا کن چون نجات دادیم او را و اهل خانه او را همه یکتا سر پیروزان کردیم از باقی ماندگان باز ملاک ماست آن دیگران را
چون نجات دادیم او را و اهل او را همه یکتا سر پیروزان کردیم از باقی ماندگان باز از پنج برگنده اندا خیم آن دیگران را
وانکم لتسرون علیهم مصبحین ۲۷ و باللیل ۲۸ افلا تعقلون ۲۹ وان
و هر آینه شما گد می کنید بر مساکین آن قوم هیچ گان و بوقت شب نیز یا در می یابید و هر آینه
و بحقیق شما می گذارید بر ایشان وقت صبح و هنگام شب آیا نقل نمی کنید و بحقیق
یونس لیس المرسلین ۳۰ اذ ابق الی الفک الممشحون ۳۱ فساهم
یونس بود از فرستادگان چون گرفتار رسید بسوی کشتی برگردیده پس قرع اندازی کرد
یونس از رسولان است چون گرفتار رسید بسوی کشتی برگردیده پس قرع اندازی کرد
فکان من المدحضین ۳۲ فالتقمه الحوت وهو لیدر ۳۳ فلو لا الله
پس شد از مخلوبان پس فرو برد او را می داد و گفته بود که سبب ملامت با من اگر نه آنست که من
پس شد از نذیرندگان (مخلوبان) پس لغز کرد او را می داد و بود ملامت شده پس اگر نبود اینک
کان من المسبحین ۳۴ لکبت فی بطنه الی یوم یبعثون ۳۵ فنبذنا
از تسبیح کنندگان می بود البته بانی می ماند در شکم ماهی تا روزی که مردمان بر این سخن شوند پس بر تافیه او را
اد بود از تسبیح کنندگان البته بانی می ماند در شکم ماهی تا روزی که مردمان بر این سخن شوند پس میفکند و او را
بالعراء وهو سقیم ۳۶ و انبتنا علیه شجرة من یقطین ۳۷ و ارسلنا
بر زمین بے گیاه و او بیمار بود و در میانیم بر سر او درختی از تنم کرد و فرستادیم او را
لجماع الی گیاه و او بیمار بود و در میانیم بر سر او درختی از تنم کرد و فرستادیم او را
الی وائت الف او یزیدون ۳۸ فامنوا فاستجبت لهم الی حین ۳۹ فاستقیه
بسوی هدایت را یا بیشتر از آن یا بیشتر پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشان را مانند کسی که استغفار کند
بسوی هدایت را یا زیاده از آن پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشان را مانند کسی که استغفار کند پس بر سر از مشرکان
میگویند چنانکه بر طوس

دل یعنی ناز
عصفت نذ
دل یعنی ذوق
کرد و ساقی آنها را برید
از جنب غیرت برادر
خدا تعالی و الله اعلم
فلترجم گوید سلیمان
علیه السلام از
امرا و مضعف ۱۳
شد بخاطر آورد ۱۱
که انبیا با صد زن
صحت دارم و هر زن
چیز ازید و هر که شایسته
باشد جهاد کننده مرا
اعتقاد حق امرانند
زنت گفت ان الله
گو سلیمان بهر که پس
یعنی زن حامله را از یک
زن طفل ناقص خلقت
زاده آن طفل را بر
تحت سلیمان انداختند
سلیمان علیه السلام متنبه
شد و رجوع به لذت
کرد و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث صحیح
است که حضرت سلیمان
روزی قسم خورد که انبیا
نزد تمام زوجات خود
میرود و اگر به بیعتاد و
یا خود یا بعد از فراغ
میشند نماز هر زن
پسری تولد گردد کرد
راه خدا جهاد کنند
ان الله اعلم ۱۳
بزرگان نرا اندا اگر چه
در دلتش موجود بود
فرشته القا کرد که
ان الله اعلم ۱۴
خدا با حق رفت کرد
نقیض آن مباشرت از
یعنی زن او فرزندی
بوجود نیاختنها از
بلکن یک زن طفلی
ناقض آن خلقت تولد
شد بعضی مفسرین
میگویند که او را آورده بر وقت سلیمان نداشتند که از این بقوه قسم نماندند بنی موقر بر عهد کعبه فرمود از شایسته آن حضرت سلیمان علیه السلام را اندامت دست

حَسَنَ تَابٍ ۱۱ يٰۤاٰدُ وَاٰنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
نیکی باز گفت رست گفتم اے داود و هر آینه ساجیم ترا بادشاه در زمین پس حکم کن میان مردمان
نستین یگو اے داود و هر آینه ساجیم ترا انانیت در زمین پس حکم کن میان مردمان
يٰۤاٰحَقُّ لَا تَتَّبِعِ الْهَوٰی فِیْضَلٰکَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِیْنَ یَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ
براسی و پیروی سن خواش نفس را اگر آن گمراه کند ترا از راه خدا هر آینه آنانکه گمراه می شوند از راه
انصاف و پیروی حکم را اگر گمراه کند ترا از راه الله بدرستی آنانکه گمراه میشوند از راه
اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ ۱۲ اِنَّمَا اَنْسَاۤیُوهَاۤ اِحْسَابٌ ۱۳ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ
خدا ایشان را است عذاب سخت بسبب آنکه فراموش کردند روز حساب را و نیاوریدیم آسمان و زمین را و
الله ایشان را است عذاب سخت بسبب آن که فراموش کردند روز حساب را و نیاوریدیم آسمان و زمین را و
وَ اَبَیْنَهُمَاۤ اَبَاطِلًا ۱۴ اُولٰٓئِکَ ظَنُّوْا اَنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا قَوْلٌ لِلَّذِیْنَ کَفَرُوْا مِنْ لَّدُنْکَ
آنچه در میان آنهاست بے بهره این گمان که ذرات است پس دانستی کاران را سستی از عفو بت انش
آنچه در میان آنهاست عفو این گمان آنان است که منکر شده اند پس عذاب است از جنس آتش آنان که منکر
اَمْ یَجْعَلُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا عَمَلُوْا الصّٰلِحٰتِ کَالْمُفْسِدِیْنَ فِی الْاَرْضِ ۱۵ اُولٰٓئِکَ یُفْجَرُ عَنْهُمْ
آیا بسیاریم آنانرا که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند مانند فاسق کنندگان در زمین آیا سبب سازیم
آیا می گردانیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند مانند فاسق کنندگان در زمین (آیا می گردانیم
الْمُتَّقِیْنَ کَالْفٰجِرِیْنَ ۱۶ کَتَبَ اَنْزَلْنٰهُ اِلَیْکَ مَبْدُۤا لِّکَ وَاٰیٰتِهٖ وَ لَیْسَ لَکَ مِنْهَا
بهر چیز آنرا مانند بدکاران این قرآن کتابت با برکت کرد و آوردیم او را بسوی تو و مابقی نازل کنند در آیات او و نماند که در عذاب
فرستدگان خدا مانند بدکاران (حقا که این است مبدی که تو فرستادیم آنرا بسوی تو مانند هر کس که مردم در کلمات او و تا بقصد خداوندان
اَلْکِتٰبِ ۱۷ وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَیْمٰنَ ۱۸ نَعْمَ الْعٰدِلُ ۱۹ اِنَّکَ اَوْکٰتٌ اِذْ عَرَضَ عَلَیْهِ
خود و عطا کردیم داود را و فرزند سلیمان نام یحیی بنده بود سلیمان بر آینه او رجوع کننده بود بخدا یاد کن چنان موعود شد
داوود را دادیم و داود سلیمان یحیی بنده بود سلیمان (بدرستی که او بسیار رجوع کننده بود و چون پیش کرده شد بر روی
بِالْعِشْقِ الصّٰفِیَّتِ الْجَادَّةِ ۲۰ فَقَالَ اِنِّیْ اُحِبُّکَ حُبًّا لِّخَدِیْعَیْنِ ۲۱ ذِکْرٌ رِّزْقِیْ
وقت به که اسبان تیز رو پس گفت هر آینه دوست داشتیم این اسبان را از قبیل رعیت بل اغراض کنان از ذکر و رزق
بوقت عصر اسبان خاخر تیز رو پس گفت سلیمان (بدرستی که من بر گزیدم محبت اسبان را از (سبب) یا بعد از و رزق خود
حَتّٰی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۲۲ اَرَدُّوْهَا عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْاَعْنَاقِ ۲۳
تا آنکه پنهان شد از حجاب در پرده فل باز گردانید این اسبان را بر من پس شروع کرد دست رسانیدن بر آنها و گردن های
آنها را پنهان شد از حجاب در پرده (گفت) باز گردانید اسبان را بر من پس شروع کرد مسح کردن ساقها و گردن های آنها
لَقَدْ هَمَمْتُ اَسْلَمْنَ ۲۴ وَ الْقَبِیْلَ عَلٰی کُرْسِیِّ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ ۲۵ قَالَ رَبِّ اَعْفِرْ لِّیْ وَ
هر آینه از مودع سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی که از جوع و کشته ای پر بود و کلام من بسیار مرا و
(بدرستی که) از مودع سلیمان را و انداختیم بر تخت او جسدی که از جوع و کشته ای پر بود و کلام من بسیار مرا و
هَبْ لِّیْ مَلَاۤئِکَۃً یَّبْغِیْ اِحْدٰی مِنْۢ بَعْدِیْ اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۲۶ فَسَخَّرْنَا لَهُ
عطا کن مرا آن بادشاهی که راست نماید بایک کس را غیر از من بر آینه تویی بخشا بنده پس مسح گردانیدیم
عطا کن به بادشاهی که سزاوارست از من (بدرستی که) تو بخشا بنده پس مسح گردانیدیم برای او
الرِّیْثَ یَحْزَرِیْ ۲۷ بِاَمْرِکَ رَخَّ حَمِیْتُ اَصَابَ ۲۸ وَ الشَّیْطٰنِ کُلِّ بَنَآءٍ وَ خَوَّصَ ۲۹
با در این وقت بفرمان او یا بستی روان شده هر جا که خواسته باشد و مسح گردانیدیم دیوان را بر عکس بنا کنند و او هر فرد و دنده
مادر اگر چه وقت بفرمان او به هر کسی هر جا که خواست و مسح گردانیدیم اشیا را بر زمین را بر مصلحت و خواص را
وَ اٰخِرِیْنَ مَقَرَّرِیْنَ فِی الْاَصْفَادِ ۳۰ هٰذَا عَطَاۤیُ نَافِیْۤا مِنْۢ اَوْ اَمْسِکَ ۳۱
و مسح گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا بهم بسته در زنجیر بگفت اینست بخشش یا پس عطا کن یا نگه دار
و دیگران را دست و پا بسته در زنجیر یا این است عطا کن یا نگه دار یا باز دار

وَمَا لِي ۲۳
 وَاَحَدَةٌ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَنَزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً زَوْجًا
 شخص باز بیا فرید از آن شخص زش را و دو فرساده را سه شاز چهار پایان هشت قسم
 یک بود باز آفرید از آن جفت آنرا و دو فرستاد (آفرید) برای شاز چهار پایان هشت فرموده و از اصفان مختلفه
 یخ لقمه فی بطون اقم لکم خلقا من بعد خلق فی ظلمت ثلاث
 مے آفریند شمارا در شکم مادران شایک نوع آفریند از آفریدن دیگر در تاریکی مے گانه
 ی آفریند شمارا در شکم های مادران شایک نوع آفریند پس از آفریدن دیگری در تاریکی های سه یگان
 ذلکم الله ربکم له السلاک لا اله الا هو فانی تصرفون ان کفروا
 اینست خدا پروردگار شمارا و راست پادشاهی نیست هیچ مبود و مگر او پس از کجا گردانیده میشود اگرنا سیاسی کنید
 این (کننده کارها) اله است پروردگار شمارا و راست پادشاهی نیست هیچ مبود و مگر او پس از کجا گردانیده میشود اگرنا سیاسی کنید
 فان الله عسی عنکم قد ولا یرضه لعباده الکفر وان تشکروا یرضه
 پس هر آینه خدا بے نیازست از شما و نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید پسند کند آنرا
 پس اگر ایمانی اند بے نیاز است از شما و نمی پسندد برای بندگان خود کفر را و اگر شکر کنید رخصی ایمان بیاید می پسندد آنرا
 لکم ولا ترزوا لیه و لیسر اخری ثم الی ربکم مرجعکم فیکتبکم بها
 برای شکر شمارا و در هیچ پروردارنده یار و یکره را باز بسوی پروردگار شمارا برگشت شماست پس خرد بد شمارا با آنچه
 برای شکر شمارا و در هیچ پروردارنده یار و یکره را باز بسوی پروردگار شمارا برگشت شماست پس خرد بد شمارا با آنچه
 کنتم تعملون ان علیهم بذات الصدور و و اذا مس لانساک فز
 میکردید (هر آنچه) او داناست به آنچه در سینها و چون برسد آدمی را
 ی گردید (هر آنچه) او داناست به آنچه در سینها و چون برسد آدمی را
 دعاربه منیب الیه ثم اذا خوله نعمة منه نسی ما کان بدعوا الیه
 و عاقد بجناب پروردگار خود رجوع کرده بسوی او باز چون عطا کند شکر از نزدیک خود فراموش سازد آنچه دعای میکرد و بخت او
 یحیا ندرود کار خود را رجوع گشتن بسوی او باز چون از آنی کند او را نعمتی از طرف خود فراموش کند یا آنچه بخواند خدا بخت آن را
 من قبل و جعل لله انذار الیضل عن سبیله قل تشکروا بکفرکم
 پیش ازین و مقرر کند برای خدا همه را تا همراه کند از راه خدا بگو بهر مذهب باشد بکفر خود
 پیش ازین و مقرر کند برای خدا همه را تا همراه کند از راه خدا بگو بهر مذهب باشد بکفر خود
 قلیلا من انکم من اصحاب النار امن هو فانت انکم الیل ساجدا
 اندک زانے هر آینه توار اهل دوزخی ایمان ناسپاس مشرک بهر سمت یا سیکه او عبادت کند اله است در ساجدها
 اندک زمانی (هر آینه) توار اهل دوزخی عده آسید او عبادت کند اله است در ساجدها و کتمان و
 قلیلا من انکم من اصحاب النار امن هو فانت انکم الیل ساجدا
 اندک زانے هر آینه توار اهل دوزخی ایمان ناسپاس مشرک بهر سمت یا سیکه او عبادت کند اله است در ساجدها
 اندک زمانی (هر آینه) توار اهل دوزخی عده آسید او عبادت کند اله است در ساجدها و کتمان و
 والذین لا یعلمون انما یبذلکم لعلکم یرجعوا الی الله فیکفروا
 و آنانکه نمیدانند جز این نیست که بپندارید بیستوند خداوندان خرد بگو یا محمد از طرف من اے همه گان من که
 و آنانکه نمیدانند جز این نیست که بپندارید بیستوند خداوندان خرد بگو یا محمد از طرف من اے همه گان من که
 امنوا اتقوا ربکم للذین احسنوا فی هذه الدنیا حسنة وارضوا لله
 ایمان آید و بعدتر رسید از پروردگار خود آمرانرا که بگو کار می کردند در دنیا حالت نیک باشد و زمین خدا
 ارضای و بعدتر رسید از پروردگار خود آمرانرا که بگو کار می کردند در دنیا حالت نیک است و زمین الله
 و اوسع انما یوفی الصبرون اجرهم بغیر حساب قل انی امرت
 شده است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 فراخ است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 انما یوفی الصبرون اجرهم بغیر حساب قل انی امرت
 شده است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 فراخ است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا

وَمَا لِي ۲۳
 وَاَحَدَةٌ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَنَزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً زَوْجًا
 شخص باز بیا فرید از آن شخص زش را و دو فرساده را سه شاز چهار پایان هشت قسم
 یک بود باز آفرید از آن جفت آنرا و دو فرستاد (آفرید) برای شاز چهار پایان هشت فرموده و از اصفان مختلفه
 یخ لقمه فی بطون اقم لکم خلقا من بعد خلق فی ظلمت ثلاث
 مے آفریند شمارا در شکم مادران شایک نوع آفریند از آفریدن دیگر در تاریکی مے گانه
 ی آفریند شمارا در شکم های مادران شایک نوع آفریند پس از آفریدن دیگری در تاریکی های سه یگان
 ذلکم الله ربکم له السلاک لا اله الا هو فانی تصرفون ان کفروا
 اینست خدا پروردگار شمارا و راست پادشاهی نیست هیچ مبود و مگر او پس از کجا گردانیده میشود اگرنا سیاسی کنید
 این (کننده کارها) اله است پروردگار شمارا و راست پادشاهی نیست هیچ مبود و مگر او پس از کجا گردانیده میشود اگرنا سیاسی کنید
 فان الله عسی عنکم قد ولا یرضه لعباده الکفر وان تشکروا یرضه
 پس هر آینه خدا بے نیازست از شما و نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید پسند کند آنرا
 پس اگر ایمانی اند بے نیاز است از شما و نمی پسندد برای بندگان خود کفر را و اگر شکر کنید رخصی ایمان بیاید می پسندد آنرا
 لکم ولا ترزوا لیه و لیسر اخری ثم الی ربکم مرجعکم فیکتبکم بها
 برای شکر شمارا و در هیچ پروردارنده یار و یکره را باز بسوی پروردگار شمارا برگشت شماست پس خرد بد شمارا با آنچه
 برای شکر شمارا و در هیچ پروردارنده یار و یکره را باز بسوی پروردگار شمارا برگشت شماست پس خرد بد شمارا با آنچه
 کنتم تعملون ان علیهم بذات الصدور و و اذا مس لانساک فز
 میکردید (هر آنچه) او داناست به آنچه در سینها و چون برسد آدمی را
 ی گردید (هر آنچه) او داناست به آنچه در سینها و چون برسد آدمی را
 دعاربه منیب الیه ثم اذا خوله نعمة منه نسی ما کان بدعوا الیه
 و عاقد بجناب پروردگار خود رجوع کرده بسوی او باز چون عطا کند شکر از نزدیک خود فراموش سازد آنچه دعای میکرد و بخت او
 یحیا ندرود کار خود را رجوع گشتن بسوی او باز چون از آنی کند او را نعمتی از طرف خود فراموش کند یا آنچه بخواند خدا بخت آن را
 من قبل و جعل لله انذار الیضل عن سبیله قل تشکروا بکفرکم
 پیش ازین و مقرر کند برای خدا همه را تا همراه کند از راه خدا بگو بهر مذهب باشد بکفر خود
 پیش ازین و مقرر کند برای خدا همه را تا همراه کند از راه خدا بگو بهر مذهب باشد بکفر خود
 قلیلا من انکم من اصحاب النار امن هو فانت انکم الیل ساجدا
 اندک زانے هر آینه توار اهل دوزخی ایمان ناسپاس مشرک بهر سمت یا سیکه او عبادت کند اله است در ساجدها
 اندک زمانی (هر آینه) توار اهل دوزخی عده آسید او عبادت کند اله است در ساجدها و کتمان و
 قلیلا من انکم من اصحاب النار امن هو فانت انکم الیل ساجدا
 اندک زانے هر آینه توار اهل دوزخی ایمان ناسپاس مشرک بهر سمت یا سیکه او عبادت کند اله است در ساجدها
 اندک زمانی (هر آینه) توار اهل دوزخی عده آسید او عبادت کند اله است در ساجدها و کتمان و
 والذین لا یعلمون انما یبذلکم لعلکم یرجعوا الی الله فیکفروا
 و آنانکه نمیدانند جز این نیست که بپندارید بیستوند خداوندان خرد بگو یا محمد از طرف من اے همه گان من که
 و آنانکه نمیدانند جز این نیست که بپندارید بیستوند خداوندان خرد بگو یا محمد از طرف من اے همه گان من که
 امنوا اتقوا ربکم للذین احسنوا فی هذه الدنیا حسنة وارضوا لله
 ایمان آید و بعدتر رسید از پروردگار خود آمرانرا که بگو کار می کردند در دنیا حالت نیک باشد و زمین خدا
 ارضای و بعدتر رسید از پروردگار خود آمرانرا که بگو کار می کردند در دنیا حالت نیک است و زمین الله
 و اوسع انما یوفی الصبرون اجرهم بغیر حساب قل انی امرت
 شده است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 فراخ است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 انما یوفی الصبرون اجرهم بغیر حساب قل انی امرت
 شده است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا
 فراخ است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از مزد ایشان بیکار است بگو بهر آینه فرموده شده مرا

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

بر عبادت کتم خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش و فرموده شد مرا بآنکه باشم محنتین مسلمانان

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لَخَالِصِ السَّاجِدِينَ عَذَابًا مُّذِرًا ۝ وَاَمْرًا تُرْثَوْنَهُ ۝ اُولَئِكَ يَلْعَنُونَ ۝

خداوندی که خدا ترا خالص ساخته بر آئین او پرستش بر او امر کرده من باینکه باشم اول زبان برادران را مرگده شد

دل بمن از شک ۴۲

دل بمن بآنکه

خود او اهل خانه

را بفرستد از خانه

تفسیر عثمانی

عده قدر کم خداوندی

بکمال اخص مندی

همان ذات بیان رای

کتم - مشا بر کرمی بر سینه

اعتقاد دارد بگرایی

تقدیر بجهت که انجام پیش

ما سوی الله چه خواهد شد

در آیت الهی انجام چنان

عمل را تو نمی کنی

عده بمن بآنکه ستم

تو ناگونی می شوی نگر

سخن خوب و مفید را

پذیرفته متابعت میکنند

یا مطلب این است که

مؤمنان خدا را می شنوند

در آنجا آنرا که شغل بر

هدایات اعلی اعلی

ست عمل می کنند شغل

یکدیگر از یک حیث

پهلوی رخصت و

اباحت دارد و از

پهلوی دیگر عزیمت

آنها رخصت را گنجد

عزیمت را اخیلا می

کنند و یا چنانی ترجمه

کنند که کلام خدای را

شبه سخنان بهتر آنرا

پیروی می کنند زیرا

سخنان او همه بهتر و

مفید است و گنجد

تالان المفسون حضرت

شاه صاحب مطلب

آنرا این طور بیان کرد

است - نیک پسندید

از او بعلی آرد یعنی

امرا نصیب و از نبی

اجتناب می نماید چنانکه

عمل کردن اذن الله که

نیک است اجرا کردن

آخر آنکه نیک باشد

سبب آنرا که بسبب

عده و مرگ از پشت حکم عذاب بر ایشان ثابت شده است می توانستند راه کا حیا بپایان چنانکه بدینسان را که از سبب شهادت زنی طهر آتش شده اند کلام کس بر او آورده می تواند

ملایق و عده یا ۲
 وعید و انذار یا ۱۳
 بشارت ۱۲
 و یا بجزر و س ۱۶
 چیزه نماید که عذاب
 را باقی نگذارد و مانند
 این نجات باشد و
 یعنی بندگان که چند کس نایک
 او باشند مانع شود
 هم چنین کسی که معیوان
 بسیار نایک باشد می کند
 مانع است و میده که
 خاص بر آن یک
 کس است آن یک
 کس توفیق امور را
 باشد هم چنین کسی
 موهب باشد و شخص خدا
 کار از او است و الله
 اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 مع مطلب مثالی
 یعنی تفسیر شده این است
 که بسیاری از احمق و غلط
 و قصص و پیروای او
 مختلف فکر کرده اند
 تا بهر کسی زین نشین
 شود و نیز در حق تبارک
 آیت تکرار میشود و
 بعضی عده از
 و تفسیر و
 مثالی این
 مطلب گرفته اند
 که در بعضی آیات که
 سلسله کتب
 مضمون غلی و دزدی
 شود این قبیل آیات
 را به تفسیر و توجیه
 در بعضی مواضع نایک
 نوع مضمون در جمله
 دوم آن نوع است متقابل
 اش بیان میشود چون
 ان لا یلهی فی سحر
 نیر و ان العیار
 علی جمیع یا
 بنی عبادی انا
 لغفور الرحیم و ان عذاب
 جهنم لا یموت

اولی الالباب ۱۷ افسن شرح الله صدر الاسلام فهو على نور
 خداوندان خرد را آيا که کشاده کرده است خدا سینه او را برای دین اسلام پس او بر روشنی باشد
 برای خداوندان عقول آيا که فراع کرده است خدا سینه او را برای دین پس او بر روشنی باشد
 من ربه فویل للقسیة قلوبهم من ذکر الله اولیک فی ضلل مبین
 از جانب پروردگار خود مانند سخت دلائل است پس و آيا که آنرا که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشان در گمراهی است
 از جانب پروردگار خود مانند سخت دلائل است پس و آيا که آنرا که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشان در گمراهی است
 الله نزل احسن الحديث کتبنا کتابنا متانی نقشع من جلود
 خدا نازل ساخت بهترین سخن کتابی که بعضی او مانند دیگر است آیت و تو دل من غیر میشود از شنیدن آن پوست
 الله نازل کرد بهترین سخن کتاب که در بین خود می نویسد که تکرار شده مع مراد است میشود از آن بر پوست است
 الذین یحشون ربه ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک
 آنانی که می ترسند از پروردگار خود بعد از آن نرم میشود پوست ایشان و دل های ایشان از یاد کردن خدا ایشان
 هدای الله یهدی به من یشاء و من یضلل الله فماله من هاد
 هدایت خدا راه می نماید بآن هر که خواهد و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه نمایند
 افسن یتقی یوحیه سوء العذاب یوم القیمه و قیل للظالمین ذوقوا
 آيا که احترام می کند بر من خود از سختی عذاب روز قیامت و گفته شود مستکاران را بچشید
 آيا که باز میدارد بر من خود بد عذاب را روز قیامت را بر این است با آنکه از خدا می ترسند او گفته شود مستکاران را بچشید
 ما کنتم تکسبون ۵ کذب الذین من قبلهم فاتهم العذاب من
 و بال آنچه می کردید بد و عذاب است که بر آنانی پیش از ایشان بودند پس بیاید بد ایشان عذاب از
 آنچه کسب می کردید بلکه بد آنانی پیش از ایشان بودند در رسول ما پس رسد بد ایشان عذاب از
 حیث لا یشتعرون ۵ فاذا هم الله الخزی فی الحیوة الدنیه و العذاب
 آنجا که نمیدانستند پس چشاند ایشان را خوار و خوار در زندگی دنیا و هر آینه عذاب
 حیث آنکه نمی پندارستند عذاب را پس چشاند ایشان را الله رسوایی را در زندگی دنیا و هر آینه عذاب
 الاخرة الیوم لو کانوا یعلمون ۵ ولقد ضل ربنا للناس فی هذا القرآن
 آخرت سخت تر است اگر میدانستند و هر آینه بیان کردیم بر آن مردمان در این قرآن
 آخرت بزرگتر تر است اگر میدانستند و طریقی گرفتند و هر آینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن
 من کل مثل تعلم یتذکرون ۵ قرانا عربیا غیر ذی عوج لعلمهم
 از هر نوع داستان بود که ایشان پند گیرند خود آوریم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان
 از هر چیز مثلی تا ایشان منکر کنند (نازل کردیم) قرآن را بر زبان عربی که در آن هیچ نیت تا ایشان
 یتقون ۵ ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء فکفوا سون و رجلا سکا
 بزرگوار می کند بیان کرد خدا داستان بندگان که در دین شریمان مختلف و بندگان
 بزرگوار می کند آورده الله مثل یک مردی را که در میان شریمان اختلاف کند و باشند بر ضد یکدیگر و یک مردی که غافل باشد
 لرجل هل یستون مثلا الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون ۵ انک
 بر آن مردی که آيا بر این ندانند هر دو مرد و بحث مثل اول البقیه است یا خدا را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند که حق را می بینند
 میت و انهم میبتون ۵ ثم انکم یوم القیمه عند ربکم تحضرون ۵
 خواهی مرد و خواهی زن ایشان خواهند مرد باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر حضور خواهید کرد
 مرد می است و خواهی زن ایشان هم مرد می است باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خود مجامع خواهید کرد

و بزرگوار می کند الله تفسیر و الله درون با بعد و چنین آیات را به مثالی می گویند که در این دو نوع مضمون مختلف بیان شده است که کسی را که اینها متقابل میانه لطیف

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ

پس کیست ستمگار تر از کسی که دروغ بر خدا و دروغ داشت
پس کیست ستمگار تر از آنکه دروغ گفت بر خدا و تکذیب کرد

بِالصِّدْقِ أَذْجَلُ الْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِي

دین راست را چون بیاد باد آیات در دوزخ جائے کافران
پس راستی را چه سود ویک رسیده او آیات در دوزخ جائے افاقت برائے کافران

جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ لَهُمْ

آورد دین راست را و باورد آیتها آنرا آنجا هستند پرهیز گاران ایشان را است آنچه خواهند
آورد دین راست را و باورد آیتها آنرا آنجا هستند پرهیز گاران ایشان را است آنچه خواهند

عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝ يُكْفِرُ اللَّهُ عَنْهُمْ

نزدیک پروردگار ایشان این است جزائے نیکو کاران
تا از ایل کند خدا از ایشان بدترین آنچه

أَسْأَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا

کردند و بدید ایشان را مزد ایشان را بحسب نیکو ترین آنچه میکردند
کردند و بدید ایشان را مزد ایشان را بحسب نیکو ترین آنچه میکردند

يَعْمَلُونَ ۝ أَلَيْسَ لِلَّهِ

بکاف عبده و یخوفونک بالذین من دونه و من یضلل الله فما
کار از بنده خود را و می ترسانند ترا بآن که غیر خدا اند و هر که گمراه کند خدا پس نیست

لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَضَبَ اللَّهُ

او را هیچ راه نمایند و هر که گمراه نماید خدا نیست او را هیچ گمراه کننده آیات خدا غالب
او را هیچ راه نمایند و هر که گمراه نماید خدا نیست او را هیچ گمراه کننده آیات خدا غالب

ذِي الشَّقَامِ ۝ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

خدا بدان انتقام کشیدن و اگر به برسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین البتہ بگویند
انتقام گیرنده و انتقام اگر برسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را البتہ گویند

لَقَدْ قُلُّوا أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ

خدا آفرید بگوید دیدید آنرا که می پرستید بجز خدا
الله آفرید بگوید دیدید آنرا که می پرستید بجز الله اگر خواهد بر حق من خدای تعالی سختی را

بَضُرُّهُ ۝ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ فِتْنَةٌ مِمَّنْ

آیا این بتان دین کننده سختی او هستند یا اگر خواهد بر حق من بخشش آید آیا این بتان باز دارندة بخشش او هستند
آیا این بتان زایل کننده ضرر او هستند یا اگر خواهد خدا بر حق من بخشش آید آیا این بتان باز دارندة بخشش او هستند

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى

بگو پس است مرا خدا بروی اعتباری کند اعتماد کنندگان
بگو پس است مرا خدا بروی اعتباری کند اعتماد کنندگان

مَكَانَتِكُمْ إِلَى عَمَلٍ فَعُولٍ تَعْلَمُونَ ۝ مَنْ يَأْتِ بِعَذَابٍ يُخْزِيهِ

وین خود بر آئیند من نیز عمل کننده ام برود مع خود پس خواهند دانست که را که بیاید عذاب که رسوا کندش و
بکمال خود (بر آئیند من نیز) عمل کننده ام (رحال خود) پس زود باشد که بیاید عذاب که رسوا کند او را و

يُجْلِّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

کے را که خود آید برود عذاب دائمی بر آئیند ما زود آوردیم بر تو کتاب را برای همه مردمان مشتمل بر دین راست
زود آید برود عذاب دائمی بر آئیند ما زود آوردیم بر تو کتاب را برای همه مردمان مشتمل بر دین راست

چند آیت
پس در مذبح
الله شکر خدا
در شکر کار الهی
رو شکر و جلیل
شرکت بیان شده
بود تا بران مشرکین غیر
علیه السلام را از بتان
خود میسر نمایند که
به پرش کن بسبب
تو بین و تحقیر و ان
لما بقهر و غضب
مبارک باد اترامه
الله و مجنون و غوط
المحاسن بازند
جواب داده شده که
تسخیر کند خدای
مقتدر را که ز گردید
ازین خدا بیان عاجز و
تاوان چه خون و
هر اس باره و آیات او
امداد و جان آن عزیز
منتقم کافی نیست کند
و چون برسد و بیایند
محبت کند این هم که
خط و گمراهی و بیگیت
که شرف این مشرکین
برود میکند که بشناسند
پرستنده خدا را احد
را یا چنین باز بگو با
تبر باشند حقیقت
اینجا نهفته است
که کسی را بر او راست
روان کردن و یا از ان
راه خرف ساختن
همه اختیار خداوند
است چون خدا غنی
را بسبب نادانی و بگو
اش بر او کامیابی
ر نه چون شر و آن شخص
همه بخود و محاسن
و دیوانی که در حق
برای آید این سخنان
عادی هم قوت اصعب
ی گردد آیا این سخن
دلان این مقدمه شود
در تیر نماند که نه که
خوار را بر او و در

وَلَا يَخِيءُ بِهِ سَآئِرُ تَفْسِيرِ عِثَانِ

عنه این آیت مقام

رفیع حقود و رحمت بی

پایان حضرت ارحم الراحمین

را اعلان می کند و در

حق شدید ترین بیضا

بایوس صلاح عالم حکم

شفاداد و شرک احمود

زنجبیل و مودت بیهودی

نفرانی بچوبی امتیاز

با کوره ناست و فاجر

هر که باشد لایق ازین کائنات

آیت خدا می شود سببی

ع سبب و نیست که از

رحمت خدا بایوس

۲ شود و بلی قطع امید

کند زیر اکراد تامل

سجانه گنا بان هر کار

بخواهد صفات می کند

و بی کس دست

ادرا گرفته نمی تواند عذابا

برمان بناید سبب و

رحمت حضرت او تا

امید شود این قدر

سخت که در موانع و در

فات قدس ای امر

فرموده کرم و شرک

را بدون توبه صفات

نخواهد کرد - لبتذا

ان الله یغفر الذنوب

جیاء را باطن برسد

باید مقید داشت

چنانکه حضرت او

عز وجل میفرماید ان

الله لا یغفران لیکم

به و یغفر ما دون

ذک لمن یشاء

النساء ر کوع ۵۸

ما ازین تقدیر لازم نمی

آید که الله تعالی بدون

توبه هیچ گناه خود را

کسان را صاف کرده

نمی تواند و این

مطلب است که

برای پیچیدگی

شان فرمود این آیت

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

بل این فتنه است و لیکن اکثر ایشان نمیدانند هرگز گفتند این کلمه آنانکه پیش از ایشان بودند

در چنین نیست بلکه از عظامی این گفت از این گفتند این کلمه را اگر عظامی گفتند و در حق

فَمَا آخَرُهُمْ قَالُوا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَاصْبِرْ لَهُمْ صَبْرًا مَسْكُومًا ۝

پس دفع خود از ایشان ببار آید می کردند پس رسید بدیشان عقوبت بای آید کردند و

پس دفع خود از ایشان در عذاب را آید می کردند پس رسید بدیشان عقوبات آید می کردند

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الْأَعْيُوبُ ۝ سَيَاكِبُ مَا كَسَبُوا ۝ وَمَا هُوَ بِمُحْجَبٍ

آنکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت بای آید کردند و نیستند ایشان عاجز و

آنکه ستم کردند ازین گروه مشرکان خواهد رسید بدیشان عقوبت بد برای آن عالمی کرده اند نیستند ایشان عاجز و

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ

آیا ندانستند که خدا گشاده میسازد رزق را برای هر که میخواهد و تنگ می کند برای هر که خواهد و آید در

آیات غفلت کردند و انداختند که الله فراخ می کند رزق را برای هر که خواهد و تنگ می کند برای هر که خواهد و آید در

لَا يَتْلُوهُمْ إِلَّا قَوْمٌ يَمُوتُونَ ۝ قُلْ يُعْبَادِي الَّذِينَ أُسْرِفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ

تلاش آنهاست قومی را که ایمان می آرند بجز از طرف من است آن بندگان من که تجاوز از حد کردند بر خود

دلائل است برای قومی که ایمان می آرند بجز از طرف من است آن بندگان من که تجاوز از حد کردند بر نفس بای خود

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

نا امید مشوید از رحمت خدا هرگز نیستند خداست آمرزد گنا بان را بجز یک جا هر آینه خدا بجز از آنست که

نا امید مشوید از مهربانی الله بختی الله می آمرزد گنا بان را بجز از آنست که خدا بجز از آنست که

الرَّحِيمُ ۝ وَإِنِّي إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْأَلُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ۝ ثُمَّ

مهربان و رحیم بود و بگویم پروردگار خویش و منتقاد مشوید او را پیش از آن که بیاید بشما عقوبت

مهربان و رحیم بود و بگویم پروردگار خود و در حق خود بگویم برای او پیش از آنکه بیاید بشما عذاب پس

لَا تَتَصَرَّوْنَ ۝ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ

نمودار نشوید و پیروی کنید به نیکوترین آنچه فرستاده شد بسوی شما از جانب پروردگار شما پیش از آنکه

نمودار نشوید و پیروی کنید به نیکوترین سخن را که نازل شده بسوی شما از جانب پروردگار شما پیش از آنکه

يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۝ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ مِّمَّنْ

بیاید بشما عذاب ناگهانی و شما خبردار نباشید در پیش از آن که بگوید نفس ای من

بیاید بشما عذاب ناگهانی و شما خبردار نباشید در پیش از آن که بگوید نفس ای من

عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ مِنَ السَّاكِرِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ

بر لغیر کردن من در حق خدا و هر آینه من بدم از سخن کنندگان یا گوید اگر

بما بگویم کوتاهی کردم در حق الله و (هر آینه) بدم از سخن کنندگان یا گوید اگر

اللَّهُ هَذَا بَشِيَ لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ

خدا بدایت کرده مرا از بیمتد از متقین یا گوید و قتی که سبایتد عذاب را کاش

الله بدایت می کرد مرا از بیمتد از متقین یا گوید و قتی که سبایتد عذاب را کاش

أَنْ لِّي لَكْرَةٌ فَأَكُون مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ بَلْ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ

مراد جوع با شد و تا باستم از نیکو کاران آنگاه خدا فرماید آری آمد پیش تو آیات من پس رد و درستی آنرا

مراد جوعی باشد (بدینا) تا شوم از نیکو کاران (خدا فرماید چنین نیست) بلکه تحقیق آمد پیش تو آیات من پس تکذیب کردی

مَا كُنْتَ كَذِبًا وَ كُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كُنْتُمْ

در روز قیامت و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

آنها را بیکدیگر نمودی و بودی از کافران و روز قیامت می بینی آنان را که در روز قیامت

ملک فی حق اختتام

تفسیر عثمانی

ع حضرت شاه

صاحب (رحمہ اللہ)

نویسہ برای آنها

حکم برای کتب

سکونت کنند لیکن

کس آن جای را

طلبه کتب برای وی

آزاده شده است

و نزد بعضی مراد این

است که در جنت

سیر و ملاقات

رفت و آمد نیست

عنه نه مگر یک

برای حساب نزد

اجلای میفرماید

بدو عرض صف زده

معروف تسبیح و تحمید

پرواز کار خودی باشد

ذات اعلم العالمین

بنده کمال صحت

والصاف قناعات

می نماید در اثر آن

بر طرف بخش و خوش

تمام نعمه الحمد لله رب

العالمین و ملکی گردد

بخی اینک دکل سائیل

و خوبی خدای را سزد

که پروردگار تمام عالمها

که کار جهانی را باین

خوبی و عدالت فیصل

نمود باین نحو

در بار ختم میشود عمو

مفسرین این آیت

را بهین اسلوب بیان

کرده اند لیکن حضرت

شاه صاحب حمہ اللہ

این آیت را بر حالت

حاضر و عمل کرده و

فیض حقیت بنهم را

بسی ملایم را منع

نموده است چنانچه

مطلب

فیصل بین فرشتگان

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

در دهن کرده خود کافران را بسوی دوزخ گروه گروه تا وقتی بیایند نزدیک دوزخ و اگرده شود دروازه باین آن

درانده میشوند کافران بسوی دوزخ گروه گروه تا چون بیایند نزدیک دوزخ باز کرده شود دروازه باین آن

وَقَالَ لَهُمْ خُذْنَهَا الُمَيَاتُكُمْ رَسُولٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

و گویند ایشان را کلبه بانان دوزخ آیات نموده بپوشانید این از جن شما میخوانند بر شما آیات پروردگار شما را

وگویند بایشان کلبه بانان دوزخ آیات نموده بپوشانید این از جن شما میخوانند بر شما آیات پروردگار شما را

وَيُنذِرُكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا أَبِلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ

و بپوشانید شما را از ملاقات این روز شما گفتند آری و لیکن محقق شد حکم

و بپوشانید شما را از ملاقات این روز شما گفتند آری و لیکن محقق شد حکم

الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا

عذاب بر کافران گفتند شود در آید بدو از باین دوزخ جاویدان در اینجا

عذاب بر کافران گفتند شود در آید بدو از باین دوزخ جاویدان در اینجا

فَبَشِّرْهُم بِمَثْوًىٰ فِيهَا سَوَاءٌ مَّا كَانُوا ۚ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ

پس بد جای میگردان است دوزخ در دهن کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت

پس بد جای میگردان است دوزخ در دهن کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خود بسوی بهشت

زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خُذْنَهَا سَلَامٌ

گروه گروه تا وقتی بیایند نزدیک بهشت دو گروه دروازه باین آن و گویند ایشان را کلبه بانان بهشت سلام

گروه گروه تا چون بیایند نزدیک بهشت در حالیکه کلمه باشد دروازه باین آن و گویند ایشان را کلبه بانان بهشت سلام باد

عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا فِيهَا خَالِدِينَ ۝ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا

بر شما باد و خوشحال شد بد پس در آید بهشت جاویدان و گویند سپاس خدا را راست کرد باین

بر شما خوش باشد پس در آید بهشت جاویدان (پس باین اعزاز و اکرام در آید دران) و گویند متعین سائیل است راست آن

وَعْدَهُ وَوَرَّثْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ أَهْلَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۚ فَنِعْمَ أَجْرُ

و عده خود و عطا کرد ما را زمین جانی می گیریم او بهشت هر جا که خواهیم پس نیک مزد

و عده خود را و داد ما را زمین (بقسم و دلت) خانه می گیریم از بهشت هر جای که خواهیم پس نیک مزد عمل

الْعَامِلِينَ ۝ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ

کار کنند گان است بهشت و ببینی فرشتگان را گرد آید گان بدو عرش تسبیح می گویند

کار کنند گان است بهشت و ببینی فرشتگان را گرد آید گان بدو عرش تسبیح می گویند

وَيُخَلِّدُونَ فِيهَا بِحَسَنٍ مُّطَهَّرٍ ۚ وَفِيهَا لَهُمْ حُفُّونَ مِمَّا كَانُوا يَكْفُونَ

و بپوشانند در آنجا با حسن پاکیزه و در آنجا دارند کوهی از آن کوهی که می پوشیدند

و بپوشانند در آنجا با حسن پاکیزه و در آنجا دارند کوهی از آن کوهی که می پوشیدند

و بپوشانند در آنجا با حسن پاکیزه و در آنجا دارند کوهی از آن کوهی که می پوشیدند

يَذُنُّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامِ الْوَجْهَ الْكَاشِبَ ۝ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ أَذَرْتُمُ اللَّهَ

وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَأَنْ تَشْرِكُ بِهِ ۝ وَمِنْ أَطْفَالِكُمْ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۝

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا فَلَا يَمَيِّزُ كَرَمَ

الْأَمْنِ تَنْبِيْ ۝ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ وَلَوْ كَفَرَ

الْكَافِرُونَ ۝ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّسُومَ مِنْ أَعْلَى

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْزِلَ الْيَوْمَ التَّلَاقَ ۝ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۝

لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۝ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝

لِيَوْمَ يُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ لِيَوْمٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِبِينَ ۝ مَا

لِالْطَّالِبِينَ مِنْ حِمِيمٍ وَلَا تَفْغِيْعٌ يَطَاعُ ۝ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْعَيْنِ وَمَا خَفِيَ

الْأَصْدُورِ ۝ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

لَا يَقْضُونَ شَيْئًا ۝ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي

الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا

زِينًا يُنَبِّئُ عَنْهُ النَّفْسُ الْكَافِرَةُ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ يَسْتَكْبِرُونَ

ولین با خدا و فرشتگان
۱۲ و این است که بگوید
تفسیر عثمانی
عنه التورن صورت
تدار که پس بدینا
فرستاده شود حالا
در اثر اعلال گذشته
خود خدا و چهار مجازات
می گردد این فیصله
بلاست ابدی در حق
شما از سببی شده است
که شما در مقابل این
دعوت که حق تعالی
ذات یگانه و یکسان است
گای گوش ننهادید و
دانا از ذات او و یا
و خدا ننش انکار کردید
علی اگر کسی شاربوی
خدا را باطل دعوت
میداد فوراً آموخته
گفته پیر وی می نمودید
ازین دافه مرشت
و طبیعت شما بخوبی
اندازه میشود اگر بفرست
بار هم بدینا رجعت
داده شود همین کفر
و شرک را کسب
کرده پس می آید بنا
بر ان امروز مجازات
بجای جرم شما همین حسن
دوام است که از محکم
عدالت عالی آن خدا
بگیر صادر شده است
و در پنج جای ملاحظه
آن امکان ندارد
آرزوی تحلیص ازین
بلی عبت است
عنه بندگان باید
از نهمه و دانش کار
۱۱ بگردند و فقط بسوی
خدا و احد رجوع
کرده او را بجا آورند
بنده ای کسی را شریک
نخنداند بیشک
کافران و مشرکان
ازین عمل و روش
و عباد بندگان مخلص
بهی برتر که چنان از
له باب انوار معرفت
نفرموده و متباه که
خدا را پذیرفته اند
لیکن عباد را و بخت
همان است که در جمع
مشرکین نموده و عباد
بندگان را از ایشان

و عباد بندگان مخلص

دل یعنی محله یا بطن
 بسیار بنا کردند
 تفسیر عثمانی
 سه چون کسی آمان
 را از عذاب دنیا نجات
 داده توانست از عذاب
 آخرت چنان رستگاری
 خواهد داد سه حضرت
 شاه صاحب روضه
 میگوید به فرعون گفت
 بود که مرا بکشد یا شاید
 از این سلطنت او
 مشوره قتل را نپذیرد
 زیرا از فرزند او میراث
 ترسیده بودند که ببادا
 رب او انتقام بگیرد
 مرید بران خود فرعون هم
 بدل ترسان در عوب
 شده بود لیکن بعضی
 اینکه مردم قوت و
 شجاعت خود را اظهار
 کند از انتهای شقاوت
 و بی حیای خود این
 چنان بلا زد تا مردم
 بداندند که هیچ خوف
 و هراس در از اصداء
 حکم قتل نیست
 و اراده او را هیچ
 بازداشت نمی تواند
 سه چون موسی
 علیه السلام از مشوره
 بای آنها آگاهی
 یافت به قوم
 خود فرمود که من
 این تهدیدات را
 قطعاً خیال نمی آورم
 یک شخص فرعون چیست
 اگر متکبرین اجدادین
 تمام دنیا یک جامع
 شوند باز هم پروردگار
 من دشمنای من است
 که از شر آنها نجات
 دهم من خود را فقط به
 پناه او سپرده ام همان
 ذات تعالی حامی و
 مددگار من است

هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَا فِي الْأَرْضِ فَآخِذٌ هُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ
 زیاد تر از ایشان بقوت و بهر نشانها در زمین من گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان
 ایشان سخت تر از ایشان از روی قوت و نشانها در زمین پس گرفت ایشان را الله بسبب گناهان ایشان
 وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ① ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ
 و نه بود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده این عقوبت بسبب آن بود که آمدند بایشان پیغامبران ایشان
 و نیست ایشان را از (عذاب) التذلیع منع کفتره معاین (گرفت) بسبب آن است که می آمدند بایشان پیغامبران آنان
 بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخِذٌ هُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ قَوِيٌّ شَدِيدٌ الْعِقَابِ ②
 بهر نشانها پس ایشان را فرستادند پس گرفتار کرد ایشان را خدا باینکه خدا و انان سخت عقوبت مست
 بانشان بپس کافر شدند پس گرفتار کرد ایشان را الله به تحقیق الله قوی سخت عقوبت است
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ③ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ
 و هر آینه فرستادیم موسی را به نشانها و سولت و بخت ظاهر بسوی فرعون و
 (قسم است) به تحقیق فرستادیم موسی را بانشان بای خویش و حجت ظاهر بسوی فرعون و
 هَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا الْسِحْرُ كَذَابٌ ④ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ
 هان و قارون پس گفتند جادوگری دروغ است پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از
 هان و قارون پس گفتند جادوگری دروغ است پس چون آورد بایشان حق را از
 عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ
 نزد ما گفتند بکشید فرزندان آنان که ایمان آوردند همراه او و زننده کنیزان را دختران ایشان را
 نزد ما گفتند بکشید پسران آنان را که ایمان آوردند همراه او و زننده کنیزان را زنان (دختران) ایشان را
 وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ⑤ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون ای پادشاه بگذارید مرا تا بکشم
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم
 مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبِّي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ
 موسی را و باید که دعای کند بجانب پروردگار خویش هر آینه من میترسم از آن که بداند دین شما را یا بدیده آرد
 موسی را و باید که بخواند پروردگار خود را (یا خدا خود) بعد از آن که بداند دین شما را یا ظاهر سازد
 فِي الْأَرْضِ فَسَادٌ ⑥ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ
 در زمین فساد را و گفت موسی هر آینه من پناه گرفته ام به پروردگار خود و پروردگار شما
 و گفت موسی (هر آینه) من پناه بردم به پروردگار خود و پروردگار شما
 مِنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ⑦ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ
 از هر متکبری که ایمان نمی آورد بروز حساب را و گفت مردی مؤمن
 از هر متکبری که ایمان نمی آورد بروز حساب و گفت مرد مؤمن
 مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ
 از خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من
 از اقارب فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من
 اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ
 خدا است و هر آینه آورده است بگناهانها از جانب پروردگار شما و اگر بفرص دروغ گو باشد پس وبال
 خداست حال آنکه (به تحقیق) آورده است بگناهانها بای روشنی از پروردگار شما و اگر باشد دروغ گو پس بروی است
 كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 برادوست دروغ گو را و اگر راست گو باشد البتة بر شما بعضی آنچه وعده میداد شما را هر آینه خدا
 (و بای) دروغ گو را و اگر باشد صادق بر شما بعضی آنچه وعده می کند بر شما به تحقیق الله

لَا تَقَالُ تَعَالَى لَا تَخَافَا نَحْنُ مُجْتَمِعَانِ دَارِي (طه رکوع ۲) نه بر آن چون حمایت و امداد او تعالی حاصل باشد از انسان مژده متکبر چه خوف خواهد بود ۱۲۰

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۱ يَقَوْمُ لَكُمْ الْمَلَكُ الْيَوْمَ

راهنما ناپايد کسی را که باطل است از حد گذرانده دروغ گو ای قوم من امروز شمار است پادشاهی در حالیکه

ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ جَاءَ نَاظِرِينَ

غالب شده در زمین پس که نصرت دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید پس که نصرت دهد ما را از عذاب الله اگر بیاید پس

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

لَفْت فرعون گفت من ندیدم شمارا مگر آنچه از راه می بینم و دلالت نمی کنم شمارا مگر بر راه

الْإِنشَاد ۲ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ

راستی و گفت آنکه ایمان آورده بود اے قوم من هر آینه من می ترسم بر شما از مانند

يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۳ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ الَّذِينَ

روز جماعت هائے پیشین مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه

مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِلْعِبَادِ ۴ وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ

بعد از ایشان بودند و خدا اراده نمی کند بر بندگان و اے قوم من هر آینه من می ترسم

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۵ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

بر شما از روز آواز دادن بایکدیگر روزی که رو بگردانید پشت داده بود شمارا از خدا هیچ

عَاصِمٍ ۶ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۶ وَلَقَدْ جَاءَ كَيْسُفٌ

نگهبانان را و هر گاه گمراه سازد خدا پس نیست او را هیچ راه نماینده و هر آینه آمده بود پیش ازین بشما یوسف

مِنْ قَبْلِهَا بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ

پیش ازین با بایدها روشن پس همیشه بودید در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما آنرا تا ندیدید که مرد

فَلْتَمَنَ لَكُمْ يَتِيعَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ رَسُولٍ كَذَّابٍ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ

لغیر خدا را فرستاد خدا بعد از کسی را که باطل است و گمراه می کند خدا هر که است او

مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۷ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَغْيِرُ سُلْطَانَ

از حد در گذرانده است (گمراه می کند خدا) آنانکه در آیات خدا بغیر کدام سندی که

أَتَاهُمْ كِبَرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَّابٌ لَكَ يَطْبَعُ اللَّهُ

آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شد این مبارزه ایشان نزد یک آنانکه ایمان آوردند و چنین مری نهند خدا

عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ ۸ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا مَعْزُومِي لِمَ تُؤْخَذُ

بر هر دل متکبر سرکش و گفت فرعون اے مایمان عمارت کن بر اے من که سرکش

عنه عموم مفسرین از يوم التناد روز نهای بی بدیگری امروز قیامت را هر دو بگیرند و فیکر هر دو بر اے جمع شدن و حساب دادن در محشر خوانده میشوند و اهل جنت و اهل دوزخ و اهل اعراف یکدیگر را صدق خواهند کرد و بالاخر ندا خواهد آمد یا اهل الجنة خلوا صلاوت و یا اهل النار خلوا و یا موت و کما وردی الله لیکن حضرت شاه صاحب راجحه الله له میوم التناد روزی را مراد گرفته است که در آن بر فرعون عذاب نازل شد چنانچه می نویسند که روزی که بر ایشان دوزخ شد که در محشر قلمم مرق گردیدند و نه گام فرق شدن تمام نفری یک دیگر را صدای کردند شاید آن مردوسم بذریه کشف معلوم کرد باشد و یا ازین قیاس که بر قوم عذاب بین طور دارد می شود و اظهار کردید که قصه تمام شد و نادره میسر بود و اکنون بعد از او که میفرماید آمدنی است بگو یا از ابتدا سلسله رسالتی را انکار کردید لیکن حضرت شاه صاحب (رحمته الله) میفرماید که ابلیس مصر در حیات حضرت یوسف به نبوت او قائل شد بعد از وفات وی چون سر رشته سلطنت مصر رو بخالی نهاد و اظهار کرد که قدر نعمت

فل یغفر لکم ذنوبکم
 توبای دهنده است
 تفسیر عثمانی
 سه مسکن آنکن که
 در دوزخ است و روز
 قیامت داران و آفر
 میشود بر صبح و شام
 باران آن نیک و دانه
 میشود تا بطور نوز یک
 مژده یعنی آن غلب
 آینه را پیشینه
 بر دمان بود حال حال
 بر ذبح از احادیث
 ثابت است که باین
 صوره هر روز به هر کس
 جای نشینش در روز
 برای هر کس قرارگاه
 جنت و دوزخ است
 داده میشود (تفسیر)
 از این آیه فقط تفسیر
 فرعون در عالم زند
 ثابت شده بود - بعد
 از این آیه تفسیر صلی
 الله علیه و سلم معلوم شد
 که جمیع کفار بیک گناه
 مؤمنین هم در دوزخ
 محذب میشوند را عاقبت
 الله تعالی که در حق الا
 مادیت العیون و البصر
 آثار برمی آید هم چنانکه
 از جمله جناتیان ابرواح
 شهیدان در حواصل -
 پیرندگان سبز داخل
 شده و سیر جنت می
 کنند از جمله دوزخیان
 ابرواح فرعونیان را هم
 در حواصل - پیرندگان
 سیاه داخل نموده
 بر صبح و شام بسوی
 دوزخ میفرستند -
 البته اقامت ابرواح
 با اجساد آنها در
 جنت و یا در دوزخ در
 آخرت میباشد اگر
 این صحیح باشد شاید
 تفاوت بین کلمات

بِالْفِرْعَوْنِ سَوَاءٌ الْعَذَابُ ۝ الْكَافِرُونَ عَلَيْهِمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 در لغت این آیه است که در دوزخ است و روز قیامت داران و آفر
 میشود بر صبح و شام باران آن نیک و دانه میشود تا بطور نوز یک مژده یعنی آن غلب

عَشِيَاءَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۝ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۝
 شام و روزی که قائم شود قیامت گوئید در آتش خویشان فرعون را در سخت ترین عذاب
 شام و روزی که قائم شود قیامت گوئید در آتش خویشان فرعون را در سخت ترین عذاب

وَأَذِيتُ حَاجُونَ فِي النَّارِ يَقُولُ الضَّعُفَاءُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
 و یا در آن چون با هم مبارزه می کنند در دوزخ پس گویند تاوان سرشان را
 و یا در آن چون با هم مبارزه می کنند در دوزخ پس گویند تاوان (پیر و ان) بیکدیگر (رو ساء)

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا قُلْ أَنْتُمْ مَعْنُونَ ۝ عَنَّا نَصِيبٌ مِمَّا نَسْتَأْذِنُ ۝ قَالَ
 بر آئینه ما تابع بودیم شما را پس آیا شما دفع کننده هستید از سر ما یک حصه از عقوبت آتش گویند
 (بر آئینه ما بودیم شما را پیر و ان پس آیا شما دفع کننده هستید از سر ما یک حصه از عقوبت آتش گویند)

الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا فِيهَا آلَ اللَّهِ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝
 سرشان سر آئینه ما بودیم در آتشیم هر آئینه خدا مقدمه فصل کرده است در میان بندگان
 سرشان سر آئینه ما بودیم در آتشیم هر آئینه الله بقیع فصل کرده است میان بندگان

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا
 و گویند آنانی که در آتش اند که همانان دوزخ را دعا کنند بخواب پروردگار خود را تا سبک کند از ما
 و گویند آنانی که در آتش اند برای (فرشتگان) متفرقان دوزخ بخوابید از پروردگار خود تا تخفیف کند از ما

يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۝ قَالُوا
 هر یک روزی از عذاب گویند که همانان آید تا آمدند بشارتبران شما با معجزه با گویند آری
 روزی اندک از عذاب گویند (مؤمنان دوزخ) ایها اوقات دعا را امتناع ساختند نمی آمدند بشارتبران تا بشارت های روزی

بَلَى قَالُوا أَفَأَدْعُوا ۝ وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ إِنَّا لَنَنْصُرُ
 که همانان گویند پس شما دعا کنید و نیست دعا برای کافران مگر در ضلالتی
 گویند (مؤمنان) پس (خودتان) بخوابید (از طرف خدا فرموده میشود) و نیست خواست کافران مگر در ضلالتی (بر آئینه ما دعای کفر)

رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝
 بشارتبران خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگی دنیا و روزی که قائم شوند گواهان و
 بشارتبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که قائم میشوند گواهان

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝
 روزی که سود ندارد ستانان را و عذر آلودن ایشان و ایشان از است لعنت و ایشان را است عقوبت آن سراسر
 در روزی که هیچ نفع ندارد ستانان را معذرت های ایشان و عذر ایشان از است دوری از رحمت و در ایشان از است سراسر

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ ۝
 و هر آئینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب ما هستیم بنی اسرائیل را بر آیه راه نمودن
 و بقیع دادیم موسی را امور هدایت و میراث دادیم بنی اسرائیل را کتاب هدایت گفته

وَذَكَرَىٰ آلَ إِبْرَاهِيمَ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۝ اَسْتَغْفِرُ
 و بشارت دادن خداوند آن خردا پس صبر کن هر آئینه وعده خدا راست است و آمرزش طلب کن
 و بشارت دهنده برای خداوندان عقول پس صبر کن (بشارت های خدا) بقیع وعده الله راست است و آمرزش بخواب برای آنکه نسبت ایشان تو

لَذُنُوبِكُمْ ۝ وَسَيَجْزِيكَ رَبُّكَ بِالْعَمَلِ وَالْإِبْرَارِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
 بر آیه گناه خود و سبب گوئی با ستانان پروردگار خود شام و بگاه
 و بشارت دهنده برای خداوندان عقول پس صبر کن (بشارت های خدا) بقیع وعده الله راست است و آمرزش بخواب برای آنکه نسبت ایشان تو

فل یعنی اعاده الی الله
تفسیر عثمان
سه کسانیکه دلائل
توحید و کتب مساویه
و معجزات و هدایات
پیغمبران او خواستند
مجادله کنند و انرا الهی
نشان بی سند و
خونسدای حق را نخواستند
نمایند حقیقه در دست
آنها هیچ حجت دلیلی
نیست و در حقیقت
این چیزهای واضح
و آشکار گنجایش شک
و تردید نباشد فقط
تکبر مانع آنهاست
که حق را تسلیم و به
پیغمبری پیروی نمایند
زیرا اینها نسبت
به پیغمبر و قدر باشند
و یا اظهارش ادب و خرم
شدن مجبور شوند
لیکن بدانند که آنها
باین مقصد خود
قادی خواهند
رسید آنها مجبور
میشوند که یا بجهنم
پیغمبر سر اطاعت
نمکنند و یا بجهنم
با درجه ذلت و رسوا
برسدند و خواست
از ب خود شرمندگی
و عار است و شرمش
است و این آیت
معلوم شد که خدا بقول
برندگان میرسد
این سخن بدون شک
و شبهه صحیح است
مگر مطلب این نیست
که هر دعای هر بنده
را قبول کند یعنی آنچه
میخواهد با و بداند
بلکه اجابت و جزای
نوع است که در
احادیث بیان شده
اعطای چیزی بوقوف
بر مشیت او و تامل

يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
مُجَادَلَةٌ وَلَنْ يَكُنْتُمْ لَهُمْ فِي شَيْءٍ مِّنْ حَقٍّ إِنْ يَدْعُونَكَ إِلَىٰ طُغْيَانٍ
كَبِيرٍ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٦ خَلَقَ
السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٧
وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٨ إِنْ السَّاعَةُ لَا تَنبِيءُكَ
أَنذَرْتُكَ نَارًا تَلَدُّ ٩ وَقَالَ رَبُّكُمْ
إِذْ عَصَاكُمْ أَنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ١٠ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ١١ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ مَّا رَأَىٰ
الْأَهْلُوفَ أَتَىٰ يُؤْفَكُونَ ١٢ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا آيَاتِ اللَّهِ
يُحَدِّثُونَ ١٣ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ
بِنَاءً وَصُورَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ وَرَفَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ
مُتَّقُونَ ١٤

مجموعه است که تامل فی موضع آخره فیکشف مایه عن الیه انشاء (الهم رکوع ۴) بهر حال کار بنده خواستن است و خود خواستن یک عمل است بلکه

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَرَّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝

خدا پروردگار شما پس بسیار بابرکت است خداست پروردگار عالمها

اللَّهُ يَرْبُّدُ دَارِ شَمَا ۝ يَسْبِقُ بَابُكَتِ اسْتِ الْبَلَدِ يَرْبُّدُ دَارِ شَمَا ۝

خدا پروردگار شما پس بسیار بابرکت است است البلد پروردگار عالمها

هُوَ فَادُّعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

او پس عبادت کنید او را در حالیکه حاضر کنندگان باشند برای او دین را بر ستایش خدا از است که پروردگار عالمهاست همه

قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَسْتُ

گو بگو این من منع کرده شدم از آن که عبادت کنم آنان را که شما می پرستید بخیر خدا و قبیله

جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأَمْرٌ أَنْ أُسْلِمَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

آمد باین نشانه ها از جانب پروردگار من و فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالمها را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

او است آنکه آفرید شما را از خاک باز از لطف منی باز از خون بسته باز

يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكَوُنُوا أَشْيُوخًا وَ

بیرون می آورد شما را کودک شده باز بانی می گذارد تا برسید به پختگی خود باز بانی میگذارد تا شوید پیر کلاں سال و

مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلِ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلَ مُّسَمًّى وَكُلُّكُمْ

بعضی از شماست که بموت میرسد پیش ازین و بانی می گذارد تا برسید بمدت معین (برای مرگ) و نامیده

تَعْقُلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۝ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرُ أَفَّا تَعْلَمُونَ ۝

بعضی از شماست که می زند و می میراند چنانچه بپایان نرسد نیست که

يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَمْجَدُونَ فِي آيَاتِ

گوید او را که بشود پس میشود آید بیدید بسوی آنکه مکاره می کنند در آیات

اللَّهُ أَنِّي يَصْرَفُونَ ۝ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أُرْسِلُنَا بِهِ

خدا از ما جدا گردانیده میشوند آنانکه دروغ میگویند کتاب را و آنچه فرستادیم با ما

رُسُلَنَا فَسُوفَ يَعْلَمُونَ ۝ إِذَا الْأَغْطَالُ فِي أَعْنَاقِهِمُ وَالسَّلَاسِلُ

بنا بر آن خود را جدا خواهند دانست حقیقت حال و قیام طوفان در گردن ایشان باشند و زنجیرها بر

يَسْحَبُونَ ۝ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا

کشیده میشوند در آب گرم باز در آتش بر تافته شوند

كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ۝ مَنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ

شریک می گرفتید بخیر خدا گویند که ما گم شدیم از راه ما بگوید که ما

ساده از پنج حریف
بنات او تنهایی گاهی موت
و قضا عاقلانه و نه غافل
سین و بر دامن است که
چون حیات او ذاتی است
تمام لوازم حیات او هم
ذاتی میباشد همه
کلمات و خوبی ها همه
متعلق بحیات است
کیسکی علی الاطلاق
است خاص و مستحق
عبادت و مالک تمام
کلمات و خوبی ها همه
باشد از همین سبب
الحمد لله رب العالمین
را بداند و هوالمحی و المموت
چنانکه آیت اقبال
از ذکر نعمت ها تقدیر
اللهم رب العالمین
فرموده بود آنکه از بعضی
سلف منقول است
که قتیله لا اله الا الله
تغیر شود باید الحمد لله
رب العالمین را به آن
مقدون ساخت مأخذ
آن همین آیت است
ساده بعد از شایسته
کلمات و واضح آن
چرا بخیر و خدای
واحد و معبود و یکتا
و خاص تابع فرمان
مع او نه است
یعنی از طفلی جوانی
و از جوانی به پیری
میرسد و بعضی از
پیش از جوانی دیا
چیزی و فانی میکند
بهر حال همه لغز تا
بیک میعاد معین و
دعده نوشته و سبانی
مستند به کس از موت
و حشر مستحق نیست
هر آنکه زود یا چاره باشد
نوشید و ز جا به پیری
کل من علیها فان
ص حضرت مشاه

و الله اعلم بالصواب و بعضی فکر کند که شما از بین این خدا و او را که شستید پس امکان دارد که از یک دور دیگر هم در کنید و آن بر خواستن است بعد از موت بنا بر این این دور حتی را چه حال میدهد

تَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْءًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝

نمی پرسیدیم پیش ازین چه میخواستند شما را گمراه می کند خدا

ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْجُرُونَ ۝

این عقوبت بسبب آنست که شادمان میشدید در زمین ناحق و بسبب آنست که می تازیدید

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا قَبْلُكُم مَتَوًى السُّكَّرِ ۝

در آیدید دروازه های دوزخ جاودیدان آنجا پس بد جائے متکبران است

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَمَا نَرِيكَ بِعُضِّ الذِّئْبِ نَحْوَهُمْ ۖ

مبصر کن اے محمد هر آنچه وعده خدا را است ست پس اگر بنمایم ترا بعض آنچه وعده میدهد ایشان را

تَوَفِّيكَ وَالنَّيَّارِ جَعُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ

اگر بعض روح تو کنیم پس بسوی ما باز گردانیده شوند کافران و هر آنچه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو

مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ

از ایشان کسی هست که قصه اش خوانده ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه اش بخوانده ایم بر تو و نبود

لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَفُتِنَ بِالْحَقِّ

نیکو پیغمبر را که بیاورد نشانه مگر بحکم خدا پس و فتنة آفران خدا نصیب کرده شود بر او

وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْبَاطِلُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

و زیان کار شدند آنجا که سوده گویان خدا آنست که آفرید برائے شما مواشی را

لَتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَكُونُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا مَنْ أَرْحَقُوا

تا سوار شوید بر بعض آنها و بعض آنها را میوزید و شما راست در آنها منافع بسیار و تا می رسید

عَلَيْهَا حَاجَةٌ فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝

سوار شده بر آنها بمقصدی که در سینۀ شما مستقر شده است و بر چهار پایان و دو پر بر شانه برداشته میشود

وَبَرِّكُمْ آيَةٌ فَإِنَّ آيَةَ اللَّهِ تُنْكَرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

و خدا ای نماید شمار ایشان آنها را خود پس کدام یک از ایشان را می شناسید خدا الهام می بخشد آنکه در

الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا

زمین تا بنگرد چون بود آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند

أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدُّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا عَصَى عَنْهُمْ

بیشتر از ایشان و زیاده تر بقوت و به نشانها در زمین پس دروغ بخورد از ایشان

مطلب آیت را چنان
مخرج اندک کسی را
که در دنیا بخواند هر روز
برای جان شکر کند آنها
در دوزخ چیزی نبودند
گویا این جمله جبر است
و افسوس اعتراض علی
شما می باشد لیکن
خلاصه کلام حضرت
شاه (رحم الله) این
است که مشرکین اول
انکار کرده بودند که ما
قطعا آنها را شریک
نکردیم و اینیم لیکن از
دو خطای بی ساخت
از زبان شما می بر آید
«مضامنه» که در دینی
انهار اعتراض شریک
گردانیدن می باشد
بعد از آن انگلی دل
گرفته به انکاری بر روزگار
که ما بدون خدا قطعا دیگر
کس را خوانده بودیم
«عده» خدا را
که اله تعالی بی آنها
واده است یعنی
انهم می گردد
اسکان و در بعضی
عده درجات تواجرا
شود (چنانکه در واقع
«بلد» و «فتح» که
و غیره بظهور می رسد)
و یا بعد از وفات تو
الیا گردد بهر حال اینها
از مضافه ما به هیچ جا
نگرخته نمی تواند بود
انجام ایشان بدست
قوی ما است و چون
این زندگی بپایان رسد
مذندگانی چنان دیگر
نکس عذاب الهی
بعض می آید حاصل
ظلمی بیخ صورت
مکن نیست
و اول تفسیر بعضی
پیغمبران را بگویم
که می دانستند که این است که بعد از نزول این آیه در میان آنها تمسک

مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا

آنچه می کردند پس وقتی که آمدند پیغامبران ایشان با بینه ها با شواهدی شدند با آنچه

عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ فَلَمَّا

نزدیک ایشان بود از دانش و در گرفت ایشان را آنچه بآن استهزای کردند پس و قتل

رَأَوْا بَاسًا نَّكَالًا أَمْ تَأْتِيهِمْ الْبُيُوتُ بِاللِّغَامِ وَكُفِّرُوا بِلِقَائِهِمْ مُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

دیدند عقوبت را گفتند یا درواستیم خدا را آنکه را آنها و منکر شدیم با آنچه از ایشان می کردیم

فَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ فِتْنَةٌ أَنتُمْ كُنْتُمْ كَافِرًا أَوْ أَبْسَاسُ الَّذِينَ اتَّبَعْتُمُ اللَّهُ التَّيَّاسُ قَدْ

پس هرگز نیفتاد ایشان را ایستاد ایشان و قتل دیدند عقوبت را آئین خدا که

خَلَقْتُ فِي عَبْدٍ وَخَسِرْتُكَ الْكَافِرُونَ ﴿٧﴾

گذاشته است در بندگان او و زیان کاران شدند آنچه کافران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ﴿١﴾ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتَهُ قُرْآنًا

این جزو قرستان است از جانب خدای بخشنده مهربان این کتاب است و در آن آیات او را در جایگاه قرآن

عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ

عربی است برای قومی که میدانند مژده و ترسانند پس اعراض کردند اکثر ایشان

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ وَقَالُوا أَأَتَيْنَا فِي الْكِتَابِ مَمَاتٍ عَوْنًا

پس ایشان نمی شنوند و گفتند و بهای ما پدیده است از آنچه میخوانی ما را

لِنُؤَدِّيَ أَذِنَا وَقُرْآنُ بَيْنَتَا وَبَيْنَكَ حَبَابٌ فَاَعْمَلْ لَنَا

بوی آن و در گوش ما گواهی است و میان ما و میان تو میانی است پس کار کن برای ما

عِبَادُونَ ﴿٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ الْوَحْيُ فَاعْبُدُوا اللَّهَ

کارکنندگان ایمان منم و جز این نیست که من بشرا میمانم شما و می کرده میشود بوی من که پروردگار شما

إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ وَبَيْنَ الْيَمِينِ لِلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

معبود یگانه است پس راست متوجه شوید بوی او و آمرزش بخوانید از او و دای مشرکان را

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ

که بخندند زکوة و ایشان با آخرت نامعتقدند

ملک بنی طهماسب
ملک بنی برطخود
تفسیر عثمان
عده در سابق با
اقوام گذشته اند که
تعداد اوقات نسبت
به اینها برابری است
بودند نیز آنها نسبت
به این مردم با کارها
و آثار دیگر خود را
گذاشته بیک چون
غضب خدا رسید
تا آن روز و وقت
و سازد سالان مشان
بکار نیامده و مانند
خوش و خاشاک
آفتابه و برادر شده
عده اکنون از پیش
و اعتراض به تفسیر
فانده حاصل می شود
چقدر تو به ایمان
گذشت از مشاهد
غضب هر کس را عینا
یقین کند که در این
یقین موجب نجات
نمی شود و از سبب
آن غضب نازل شد
بر می کرد و حال الله
تعالی او نیست آنچه
لننزلن سلطان السیات
حتی اذا احقر احدیهم
الموت قال انی جئت
الان ولا الذین یقولون
وهم کفله (نسار کوم)
تجلی و قال فی تعبه
فی فروع الامانی
و در تعصیت
قبل و گفت
من المفسرین و فی
الحدیث ان الله
قال فی یوم یوم الیوم
بالم یفرغ من عباده
علویت عروم آنست
که اول از راه انوار
و استنار پیش می
آید بانه چون گرفتار
خدا شود و بر باد می شود

آنچه می کردند پس وقتی که آمدند پیغامبران ایشان با بینه ها با شواهدی شدند با آنچه

وَقَالُوا مَن اَشَدُّ مَنَاقِبَةً اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّا اللّٰهُ الَّذِي

و گفتند کسیت زیاده تر از ما بقوت آید اندیدند که آنکذا ای که

و گفتند کسیت پیشتر از ما از حیث قوه آید اندیدند که خدا ای که

خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً طَوَّكَانُوا يَا بَيْتَنَّا يَجْحَدُونَ ۵

بیا فرید ایشان را اوزیاده تر است از ایشان بقوت و ایشان بایات ما انکار می کردند

فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِيْ اَيَّامٍ مَّجْسُاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ

پس فرستادیم بر ایشان باد سستند در روزهای شوم تا بمشایم ایشان را

عَذَابِ الْاٰخِرَةِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَخْزٰى

عذاب رسوائی در زندگانی دنیا و دهر آئینه عذاب آخرت رسوا کننده تر است

وَهُمْ لَا يَصْزَوْنَ ۶ وَاَمَّا شُعْبَدٌ فَمَا كَانَ مِنْهُمْ فَاَسْتَحَبُّوا الْعَمَلِ

و ایشان نصرت داده نشوند و اما شعود پس راه نمودیم ایشان را پس اختیار کردند ناپیانی را

عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ صُفْعَةٌ الْعَذَابِ اِلَهُونَ بِمَا كَانُوا

بر راه یابی پس در گرفت ایشان را عقوبت سخت عذاب خودی بسبب آنچه

يَكْسِبُونَ ۷ وَنَجِّنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوا يَشْكُرُوْنَ ۸ وَيَوْمَ

ی کردند و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و سپردند که سپر بیزگاری می کردند و آنروز که

يَحْشُرُ اَعْدَاءَ اللّٰهِ اِلَى السَّابِقِ فَمِنْهُمْ يُدْعَوْنَ ۹ حَتّٰى اِذَا مَا

برای ششم شوند و مشرکان خدا را و اس ساخته بسوی آتش پس ایشان باین صفت باشند تا وقتیکه

جَاءَ وَهَاشْهَدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَاجْلُودُهُمْ

بیایند نزدیک دوزخ گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشم ایشان و پوست ایشان

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۰ وَقَالُوا اِلَاجُلُودِهِمْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْنَا

بآنچه می کردند و گفتند پوستهای خود را چرا گواهی دادید بر ما

قَالُوا اَنْظَرْنَا اللّٰهُ الَّذِيْ نُنْطِقُ كُلَّ شَيْءٍ وَّ هُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ

گویند گویا کرد ما را آن خدا ای که گویا کرده است هر چیز را و او بیا فرید شمارا اول

مَرَّةٍ وَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۱۱ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَوُونَ اَنْ يَّشْهَدَ

بار و بسوی او باز گرداننده شوید دور پردر نهان نمی شدید و گواهی دهد

عَلَيْكُمْ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَلَا جُلُودَكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ اللّٰهَ

بر شما گوش شما و چشمهای شما و پوستهای شما و لیکن پندارستید که خدا

بر شما گوش شما و چشمهای شما و پوستهای شما و لیکن پندارستید که خدا

فتح الرحمن
و من بعض ارباب
جیدین بعض اشاره
کرده بشود الله اعلم
و بعضی درین دار
خوف آنکه ۱۲
تفسیر عثمانی
ایضا معنی
دارد که اذن الفاظ
ترافی فی الاخبار و یا
ترافی در حق مراد بگویم
چنانکه در شمس کان من
الذین آمنوا و اوصوا
بالصبر و قوا مواجعه
لله (پاره ۳۰ کوع ۱۵)
و در جای دیگر در مقتل
بدو یک زخم بر پاره
۳۹ کوع ۳۰ بین معنی
مراد گرفته شده است
بهر حال هر قدر آن کریم
تصریح ترتیب زمانی
نمیتد آری در تذکرات
نعت ذکر زمین و
در تذکرات
اقتد ذکر آسمان
مقدم کرده شده و
نکته آن به ادنی تامل
و تدبیر معلوم میشود تا
تفصیل آنرا نمی توان
در اینجا آورد و چند
جمله فقط بفرض تنبیه
اهل علم نوشته شده
عنه شاید در جواب
تهدید غلبه ای که از طرف
بیگانان پس آمده آنها
گفته باشند که از راه
آوردن ترکیست که از او
خوف کنیم آیا مانند
امردمان قوی را که
موجب ساخته میتوان
حضرت شاه را در مثلث
میگوید که این مردم
بسیار جسیم قوی بودند
بقوت بدنی خود تا ندیدند
لیکن فرود تنگتر انسان
بجسور الله تعالی شود
یور که جانی می گردد
و...

و لا یخجل شیاطین
والله اعلم و الله اعلم
و من بعد انما خلت کتبنا
قابل و خلت دست و
آخرت قابل و خلت
نیست و الله اعلم و الله اعلم
و لا یخجل شیاطین و لا یخجل شیاطین
و لا یخجل شیاطین و لا یخجل شیاطین
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
صاحب و الله اعلم
نویسده یعنی دنیا
بعض با از میر آسان
می گردد و یک در
آخرت میر کنند
و یا گفته و مذبح
نشین آنها
مقصد مد خروج
از آنجا که ای امکان
ندارد و بعضی با در
دنیا بدین طرز و خسته
رویند و مادر آخرت
هر چه معذرت و فریاد
گفت قطعا پذیرفته نمی
شود و ع آواز قتل
کرم مانند برق در دل
های سامعین تاثیر
می کند کسی که شنید
فریاد آن می گردد و کافه
برای دفع تاثیر آن
چنان تدبیر می کند که
به ایشان آن خطا
عوض نگردد و آنقدر
فایده می آید که هر چه
که بخوبی هم شنیده
نمی تواند بدین وسیله
از غفلت و یاوه سرای
ما آواز قرآن مجید
می شنود در این ایام هم
جامان بجهت تفسیر با
رای مجید که حق کل
آمد و مفید بدین دنیا
کردن شود و هر چه
شنیده نشود لیکن
غرض رعد صداقت
از آواز پندار و سر
قلب مطهر می شود

لَا يَعْلَمُ كَثِيرٌ أَمَّا يَعْمَلُونَ ۝ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ
مکنید نمی دانید بسیار از آنچه می کنید
و این گمان شما آن گمانی که برده بودید به پروردگار خود
أَرَدْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالْبَاسُ مَثْوًى
آه که کرد شما پس زبان بگردانید
پس اگر صبر کنند پس آتش غابگاه
پس ساخت شمارا پس شعله از زبان کاران
لَهُمْ طُورَانِ يُسْتَعْتَبَانِ فَأَمَّا هُمُ مِنَ السَّعْثِينَ ۝ وَفِيضْنَا لَهُمْ قَرْنَةٌ
ایشان است و اگر غفلت کنند پس نیستند ایشان عفو کرده شده
پس نیستند ایشان از گروه عفو کرده شده و گمانستیم برای ایشان بهشتیان
فَرِيقَهُمْ قَابِلِينَ أَيْدِيَهُمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي
پس آید است کردند آن بهشتیان برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و ثابت شد بر ایشان
پس آید است کردند برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و ثابت شد بر ایشان
أَمْرٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝
است آنچه پیش از ایشان گذشت اند از جن و آدمیان
به عقوبت ایشان بودند زبان کاران
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوْفِ بِهِ لَعَلَّكُمْ
و گفتند کافران گوش نهند
مشتوبه این قرآن را و سخن می پرده گویند در انداختن آن بپوشش
باین قرآن و سخن می پرده گویند در انداختن آن بپوشش
تَغْلِبُونَ ۝ فَكُنْذِرْ يَقِيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنْ يُجِزِيَ اللَّهُ
غالب شود پس البته بخشایم
غالب شود پس البته بخشایم
أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذَلِكَ جَزَاءُ عِبَادِ اللَّهِ النَّارِ لَهُمْ
بجس بدترین آنچه می کردند
می کردند به این است جزای دشمنان الله آتش ایشان است
فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ
در این سرای جاوده این جزا به آنکه که ایشان به آیات ما انکار می کردند
و گویند
كَفَرُوا أَسْرَأْنَا الَّذِينَ أَضَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ جَعَلْنَاهُمْ
کافران اے پروردگارا بنما ما را آن دو گسست که گروه ساختند ما را از جن و انس تا در آتش آید آن پروردگار
کافران اے پروردگارا بنما ما را آن دو گسست که گروه ساختند ما را از جن و انس تا در آتش آید آن پروردگار
تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَ مِنَ الْآسَفِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا
زیر قدمهای خود شما شوند از فرودمانندگان
زیر قدمهای خود شما شوند از فرودمانندگان
اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلِكَةِ لَا تَخَافُوا
خداست باز قائم ماندند خود می آید برای ایشان فرشتگان که مترسند
الاست باز قائم ماندند (برای) خود می آید برای ایشان فرشتگان که مترسند
لَا تَخَافُوا أَلَيْسَ رُؤُوسَ الْجَنَّةِ الْبَقِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ تَحْنُ
انده خورید و غرض حال شود به بهشتی که وعده داده می شده
هم گین مطهر و خوش باشید به آن بهشتی که شمارا به آن وعده داده می شده

الرمح هم این تدبیر را مجید انداخته و حق به اهل قلوب صفا میرسد که از زشت تر از این چیست که که خوش بپند و قیمت را خوش کند و ندانند که باستان

اُولَئِكَ كُفٍ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي

درستان شما بودیم در زندگانی دنیا و در آخرت نیز و شمار است در این جا آنچه بطریق

نفسكم وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ۝ نَزَّلْنَا مِنْ غَفْوَرٍ رَّحِيْمًا ۝ وَمِنْ

نفس شما و شمار است در آن آنچه بطریق طلبید و شمار است در آن آنچه خواهش می کنید

اَحْسَنُ قَوْلًا تَسْمَعْنَ دَعَا اِلَى اللّٰهِ وَعَمَلٌ صَالِحًا قَالَ اٰتٰنِي مِنْ

بهتر از آنکه می شنوید دعوت را دعوت را بگوئی خدا و کردار بخیر و گفت بدو سر می آید من از

المُسْلِمِيْنَ ۝ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ

مسلمانان ۱ و برابر نیست و برابر نیست و بدی جواب بازده بآنچه که آن

اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَتْ وَحْيًا حَمِيْمًا ۝ وَمَا

بهتر است پس تاگاه آنس که میان تو و میان من و دشمنی است که با او سازد خورشید و خورشید است و

يُلْقِيهَا الْاَلَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَمَا يُلْقِيهَا اِلَّا ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ۝

نیز که می شود این صفت که آنانکه صبر کردند و قرین کرده میشود باین صفت که صاحب تقصیر بزرگ

وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْعًا فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهُ هُوَ

و آنچه بازگرداند ترا و مسخر باز گرداننده آمده از جانب شیطان پس بپناه طلب کن بخدا بپناه خود است

السَّمِيعُ الْعَلِيْمُ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهِ الْيَلُّ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۝

شنوای دانای و از نشانه های اوست شب و روز و آفتاب و ماه

لَا تَسْجُدُ لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدْ لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ

نماز را نکن برای خورشید و ماه را و سجده کنید خدا را که آفرید این چیزها را

اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ۝ اِنْ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ

اگر ابرار فقط عبادت می کنید پس اگر استغبر کنید کافران چه پاک پس آنانکه نزدیک پروردگار گزیده

يَسْمِعُوْنَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهِ

شنای او می شنود او را شب و روز و ایشان مانده نمی شوند و از نشانه های او است

اَنْ تَرٰكَ تَرٰى الْاَرْضَ خَالِصَةً وَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ

که می بینی زمین را فرسوده پس بنگر فرود آوریم بر سر آن آب بجوش آمد

وَرَبَّتْ طُرُقُ الْحَيٰاتِ السُّوْقٰى طَرَاتٌ عَلٰى كُلِّ

و بلند شد هر آینه آنکه زنده کرده است زمین را البته زنده کننده هر گاه است او بر همه

و بلند شد هر آینه آنکه زنده کرده است زمین را (بر آینه) زنده کننده هر گاه است (جلیق) او بر همه

تفسیر عثمان
سوره این آیه یک
سوره ای که خداوند
را که بگویند اخلاق
هم داده تقسیم می شود
نیک بد اندک و نیک
بایدی و بدی با نیک
برابر نیست و هر یک
تأثیر جدا دارد و دارد
بلکه بعضی نیک نسبت
به نیک دیگر مؤثر تر و
بعضی بدی نسبت به
بدی دیگر مؤثر تر است
بنابر این من تات
و تقوی را با هم می آید
را سبکی باید داشت
که یکبار با بدی تقوی
نکند بلکه تا اندازه ممکن
مقابل بدی به نیکو
پیش بیاید اگر کسی بد
سخن زشت بگوید یا
بدی نماید یا بدی
دی طریقی اختیار کند
که بهتر از این باشد
مثلاً در جواب قهر و
فتنه به بیهوشی
در جواب دشمنی به
تهدید و شایستگی
نمی دهد و جواب سخنی
بد به نری و هر رانی
بیاید بجز این
طریقی را خواهد
دید که سخت قرین
دشمنی نیست
می گوید اگر چه
از دل دوست
نشود مگر وقتی میرسد
که او ظاهر آماندگی
دوست می باشد
و خداوند بد را نکند
است بعد از آنکه
روز از نفع دوست
شود و بعضی عداوت
را یک کلمه نقل می رود
که در کتابی می نویسد
الشد ان جعل معكم
بیر حلال که حلال است

و از نشانه های او است شب و روز و آفتاب و ماه

عنه آنکه اشخاص از زبان آنانکه در این خداوند است و می دهند آیت تنزیل را می شنوند و آیات کونیه خدا را در صفی دیگر می بینند باز هم از مجروری باز نمی آید و سخنان واضح و راست را تو شبهات بی اساس می سازی و یا آنرا قصد تحریف و تغییر داده مطلب را غلط و مغشوش کنی و یا توجیه نموده و از پذیرفتن این آیات پشیمانی می کنی حق تعالی چنین بگردان بد خوب میدانم که آن که این مردم بر سرکاری بای خود بنادند و در رفقا و کردار آنها بر خدا تکیه نیست - آنکه که بجهنم را و تعالی برود بچشم سر خواسته یعنی الحان او تعالی آنها را سهل و داده است زیرا عادت اوست که بجز رافقا گرفتاری نکند از همین سبب بود... اهلکوا... شتم از با تعلقون بعیر یعنی هر چه بخواهید بکنید ۱۹ مگر یاد داشته باشید که تمام حرکات تان نزد الله تعالی ثبت و محفوظ است و مدعی خساره آنرا خواهید برداشت. چنانچه فکر کنید آن بجزای شریعت بای خود در پیش خدا نیستند و تحقیق که از سبب رفتار شرافت مندانه و کردار صالحانه و نیکیان خود و انکسار است

شئ قدیر ۵ ان الذين يُلحدون في آياتنا لا يخفون علينا

چیز تواناست هر آینه آنانکه می کنند در آیات ما پوشیده نیستند از ما (بجمله) آنانکه می رفتاری میکنند در آیت های ما پوشیده نمی شوند بر اهل پس جزا می رسد آنانکه می گویند

اقتن يُلحق في السار خير ام من ياتي امسائق ما لقيمة ط

آیا سیکه انداخته شود در آتش بهتر است یا سیکه بیاید ایمن شده روز قیامت آیا آنکه انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید به امن روز قیامت

اعملوا ما تشاءون انما بما تعلمون بصير ۵ ان الذين كفروا

بکنید هر چه خواهید هر آینه خدا با آنچه می کنید بیناست (بجمله) آنانکه کافر شدند و بگویند به آنها که حق می بینید هر چه خواهید تحقیق الله به آنچه می کنید بیناست (بجمله) آنانکه کافر شدند

بالذکر لما جاءهم وانه لكتب عن يزر ۵ لا ياتيه الباطل

بقرآن و قتی که آمد بدیشان پوشیده نیستند از ما تحقیق آن کتابیست که می آید قدر راه نمی یابد بدو باطل به نصیحت (بقرآن) مجروری که آمد به ایشان (پوشیده نیستند از ما) عطا و تحقیق (این نصیحت (قرآن) که می آید است نادره و عزیز القدر می آید ببلوایل

من بين يداه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ۵

از پیش روی او و نه از پس پشت او فرستاده شده است از خداست داناستوده از پیش روی آن و نه از عقب آن فرستاده شده است از حکیم ستوده

ما يقال لك الا ما قد قيل للرسل من قبلك ان ربك

یا محمد گفته نمی شود ترا مگر آنچه گفته شده بود پیش از این را پیش از تو هر آینه پروردگار تو یا محمد گفته نمی شود مگر آنچه گفته شده بود پیش از تو (هر آینه) پروردگار تو

لذو مغفرة و ذو عقاب ۵ ولجعلناه قرانا اعجيبا

خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت دردمند است و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان نمی خداوند آمرزش است (مؤمنان را) و خداوند عقوبت دردناک است (کافران را) و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان نمی

لقالوا لو لا فصلت آيته طء اعجيب ق عربی قل هو للذين

هر آینه می گفتند که اگر این عرب (بزرگان ما) آیت های او (قرآن) عجیبی است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان هر آینه می گفتند که اگر این عرب (بزرگان ما) آیت های او (قرآن) عجیبی است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان

امواهدى و تشفاء و الذين لا يؤمنون في اذانهم و قر

را هدایت و شفاست و آنانکه ایمان ندارند در گوش ایشان گران نیست مؤمنان هدایت و شفاست و آنانکه ایمان نمی آورند در گوشهایشان گران است

و هو عليهم عوى اولئك ينادون من مكان بعيد ۵ ولقد

و قرآن بر ایشان گریانست این آجانه بمثل چنانست که آواز داده میشوند از جائی دور و قرآن بر ایشان گوری است آن جمله در چنان اند که آواز داده میشوند از جائی دور (و بجمله)

اتينا موسى الكتب فاختلف فيه و لو لا كلمة سبقت من ربك

دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودى کلمه که سابق صادر شده از پروردگار تو دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودى کلمه که سابق صادر شده از پروردگار تو

لقضى بينهم و انهم لفي شك من مريب ۵ من عمل صالحا

التي فیصل کرده شد در میان ایشان و هر آینه ایشان در شک قوی اند از طرف قرآن و التي فیصل کرده شد در میان ایشان و هر آینه ایشان در شک اضطراب اند از انداز قرآن هر که بکند کار نیک

فلنفسه و من اساء فعليه و ما ربك بظلام للعبيد ۵

پس نفع او است و هر که بدکاری کند پس وبال برویست و نیست پروردگار که ستم کند بر بندگان پس برای (اللع) خود او است و هر که بدی کند پس وبال آن برویست و نیست پروردگار که ستم کند بر بندگان

عنه از مجروری خود در مؤمنان نصیحت شبهات پدید می آید حالانکه از هیچ طرف در این گمراهی دروغ نیست آن نصیحت خود و انکسار است

مل مترجم لوی بی بی
 انبر نیغی علی لم تقد
 کندند فان قیدہ تفق
 شوند و انتقام شد و انتقام
 اعلم و مل مترجم لوی
 مغفرت در حق خود
 است و انتقام نصبت
 و در حق خود انتقام
 لازم است مگر آنکه عذاب
 در گذارد و الله اعلم
 تفسیر غمانی
 سه ایشان بی بی
 و چند بجای می گردند که
 مجازات بعض اعیان
 آنها داده شود و نیز
 معاصی بزرگ بگردند
 که از گرفتند است
 هیچ جای گردن نهاده
 نیست حضرت شاه
 عاصب رفته الله ای
 نویسد یک نیکو عمل
 هر عقده را از ناسخ بکشد
 خود میداند در توفیق
 بلی در می ماند ایشان
 از غمهای در اندکی
 تدبیری بکنند خواهند
 توانست عده بی بی
 در جائیکه غم مناسب
 باشد صحت کند شفا
 چون از حرکت نشاند
 سختی بفرستند و قوت
 نفس بکار ایشان شد
 بر بگرد و قصه رفته اعتراف
 کرد و ایشان صحت
 گردند این فصل محمود
 و با نیکو انتقام صحت
 باشد مثلاً شخصی بیهوش
 سبب کوفت نماید و از
 زور و ظلم به فشار
 آوردن کوشش کند و
 باز از هم عاف و جواب
 به حوصله و جرأت او
 از باده و یا قطع نظر از
 حیثیت شخصی به توبین
 وین یا با نیکو تائید
 جمعیت مسلمین می
 شود و در این چنین حالت

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝ إِنَّ تَشَاءُ يَسْكُنَ الرِّيحَ

و از نشان است او طغی در دریا مانند کوه با از نشان است او طغی ای روان است در دریا مانند کوه با

فَيُظَلِّلُنَّ رَوَابِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

پس ایستاده شود طغی بر پشت دریا هر آینه درین مقدمه نشان است بر صبر کننده

بَشِيرٍ ۝ أَوَيُّوهُم بِمَا كَسَبُوا أَوْ يَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ۝ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ

شکر کننده را یا اگر خواهد طغی بکشد اهل طغی بدار بسبب آنچه کردند و در گذرد از بسبب آنکه بدارند و از ایشان

يَسْتَأْذِنُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمُ مِنْ مَّجِيصٍ ۝ فَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

مخصوص می کنند در آیات ما که نیست ایشان را هیچ مخلص پس آنچه داده شد شمار از هر چیزی که باشد

فَمَتَاعٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۝ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَيُّ الَّذِينَ آمَنُوا

اندرک بهره ایست از زندگی دنیا و آنچه نزد الله است بهتر و پائین تر است برای آنان که ایمان آورده اند و ایمان

كَارِهِمْ يَتُوكُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبِيرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشِ

بر بگرد و کار خود تو نمی کنند و برای آنان که بزرگی می کنند از گناهان بزرگ و از بیهوشی

وَأَذَامَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

و چون عظمی ایستاد ایشان می آمرزند و آنان که قبول کردند فرمان پروردگار خود را و بر پا داشتند

الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝

نماز را و کار ایشان از سر مشورت باشد یا بیکدیگر و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج می کنند

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۝ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ

و آنان که چون برسد بد ایشان تنگی ایشان انتقام می کنند و جزای بدی بدی است

مِثْلَهَا ۝ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۝ إِنَّ إِلَيْنَا لَالْظُلُمِينَ ۝

مانند آن پس هر که عفو کند و بفرموده اصلاح آورد پس جزا و پیر خداست هر آینه خدا دوست می دارد ظالمان را

وَلَكِنْ أَنْتُمْ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۝ إِنَّمَا

و هر آینه کسی انتقام کشد به مقدم شدن خود پس آن جماع نیست بر ایشان هیچ راه ملامت

السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ

راه ملامت بر آن جماع است که ظلم می کنند مردمان را و بیهوشی نمایند در زمین

الْحَقِّ ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

حق آن جماع ایشان است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

و هر آینه این صفت است عذاب دردناک و هر که صبر کنند و بپایند و هر آینه این صفت است

وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ ۝ وَلَكِنْ صَبَرُوا غَفَرْنَا عَنْ ذَلِكَ

لَیْسَ عَزْمُ الْأُمُورِ مِمَّنْ یُضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ قَوْلٍ مِّنْ بَعْدِهِ ۖ

از کار بایسته محض و است و هر گاه گمراہ کند خدا پس نیست او را هیچ کار سازی بعد از دست و

تَرَى الظَّالِمِينَ لَسَارِأُ الْعَذَابِ یَقُولُونَ هَلْ رَدِّیْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ۚ

بینی ستمکاران را چون مشاهده کنند عذاب را گویند آیا هست برآوردن ایشان را به سبیل

وَتَرَهُمْ یَعْرَضُونَ عَلَیْهَا خَشَعِیْنَ مِنَ الذَّلَالِ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ

و بین ایشان را پیش آورده شوند نزدیک و درج متواضع شده از خواری می گردند بگوشه چشم

خَفِیْ وَ قَالَ الَّذِیْنَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِیْنَ الَّذِیْنَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

پنهان شده و گفتند اهل ایمان هر آینه زیان کاران آمانند که در زیان انداختند نفس های خود

وَأَهْلِیْهِمْ یَوْمَ الْقِیَمَةِ طَاغُوتًا إِنَّ الظَّالِمِیْنَ فِیْ عَذَابٍ مُّقِیْمٍ ۚ

و عویش و ندان خود را روز قیامت آگاه شود بر آئین ستمکاران در عذاب دائم باشند و نباشند

كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِیَاءَ یَنْصُرُوهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَ مِمَّنْ یُضِلُّ اللَّهُ

ایشان را کار سازان که نصرت دهند ایشان را جز خدا و هر گاه گمراہ کنند خدا

فَمَا لَهُ مِنْ سَبِیْلِ ۖ فَاسْتَجِیْبُوا لِرَبِّكُم مِّنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمَ لَا

نیست او را هیچ راه راست و جواب بگویند پروردگار خود را پیش از آنکه

مَرْدُكُهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مُّجَآئِیْمِهِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَّكَرٍ ۚ

نیست آنرا از جانب خدا نیست شمارا هیچ پنهانی آن روز نیست برآوردن شما هیچ کار ساز

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا ابْتَغَ ۖ

پس اگر روگردانند پس نه فرستاده ایم ترا برای ایشان مگر این

وَأَنَّا إِذَا دَقَّقْنَا الْأَنسَانَ مِّنَ الرَّحْمَةِ فَفَرِحَ بِهِ ۚ وَ إِن تَصِبْهُمْ سَبْعَ

و هر آینه ما چون بخشایم آدمی را از جانب خود محض رحمت و او فریاد برآوردن و میباید

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِیْهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ لَقُورٌ ۚ

بسیار آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس آدمی ناسپاس و درنده است خدا را و است

وَالْأَرْضُ حَرْشٌ لِّمَنْ یَّشَآءُ طَیِّبٌ لِّمَنْ یَّشَآءُ ۚ وَ إِن تَصِبْهُمْ سَبْعَ

و زمین آفریننده هر چه خواهد عطای کند و دشتان هر گاه خواهد و عطای کند بر سران

وَالَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ أَزْوَاجُهمْ ذُكْرَانٌ وَ إِنَّا وَجَعَلْنَاهُمْ عَقِیْمًا ۚ

و آنرا خواهد یا جمیع کند برآوردن ایشان پسران و دختران می سازد هر گاه خواهد ترا بفرستد هر آینه او

پسران - یا جفت دهد ایشان را پسران و دختران می گرداند کسی را که خواهد طیب (طاهر) یا کینه (کینه) است

عنه - نه خبری
توس خورده اخوت
و ذلت و است
چشم بانی خود را پایان
از اختیاری نظر بکنند
درست دیده نمی تواند
عنه از انچه بودی
برست نباید این کفر
در وقت الله چنین معنی
کرده است که در آن
روز شمار پناه گاهی
است و نه جایست که
خود را آن پنهان کنند
در آن گفته شود
توسول بایستد که
زیر دست باری آید
بقولانی فرض خوان
رسانیدن بپیشانی
است پادای آن شغل
هر کسی اگر این قبول فی
کنند بگویند میرند الله
از اعراض آنها بگویند
و طبع مشرب به طبع
الانسان چنان واقع شد
است را در آن شد الله
که چون ضایع این هم است
و باید به نظر تقاضای بگوید
باز بگوید از سر بگوید
باین صفتی که فرمود
تمام نیست باری را الله
را از احوش می بیند چنان
ناسپاس میشود و گوید
یعنی وقت اسوده حالی
را ندیده است خلاصه
ایست که خواه حالت
فرقی و عیش یا باشد
و ناسپاسی و عیب است
و خود را نمی ماند الله
شیوه مؤمنین و تقوی را
است که در زمین سختی
و در حالت فراخی شکر
منعم حق خود را ادا
نمیکنند و هیچ حال
افادات و اعانات
او حال را از احوش می
نمیستد ۱۲۰

صل متروم گوید اشارت
 عبارت از دیدن خواب
 است و از انجا علم در
 خاطر بطریق الهام وارد
 پس برده عبارت از
 آنست که آواز شنود
 و کسی را نبیند و قسم
 ثالث آنست که فرشته
 بصورت آدمی متشکل
 شود و سخن گوید و الله
 اعلم بالصواب
 گوید قسم خوردن چنانچه
 اثبات همان چیز را دارد
 آنچیز که ثابت است
 بآنکه آنچیز خود دلیل
 خودست چنانکه گویند
 قسم بلب میگویند و زلف
 ثلثون تو که تو مشغول
 در بابی و الله اعلم بالصواب
 و معنی عادی
 و قوله قد قریش
 قوی تر بودند ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 علیه السلام
 را خانان مصری
 و قوای موجوده
 خود طاقت نداشتند که
 خداوند قدس مدین
 دنیا بادی مشافهت
 سخن گوید مادام سخن
 کرده بتواند ازین
 سبب ملامت او باشد
 سرحدت دارد و الله
 بلا واسطه از پشت پرده
 سخن زند یعنی قوت
 سامعین از استماع
 کلام لذت اندوزی
 درین حالت چشم باز
 دولت دیده که متعجب شد
 نتواند چنانکه حضرت
 موسی علیه السلام بطور
 دیده فاطم النبیا و صلی الله
 علیه و سلم در دیدار الهی
 پیش از عذاب الله تعالی
 بواسطه فرشته سخن می
 گوید که فرشته بنجد
 شده بر سر روی چشم ظاهری شود بلکه مستقیماً بقلب بنی نزول می کند و فرشته و صورت آن شخص بفرشته تبارک و تعالی ادراک می شود. بقره بر ص ۸۹

عَلَيْهِمْ قَدِيرٌ ۝ وَكَانَ لِبَشَرِ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ الْأَوْحِيَا ۝ وَمِنْ وَرَأَى
 دانای توانا است و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با او سخن را بشنود یا از پس
 و از آنکه هر چیز را با او دانای توانا است طاقت برای هیچ بشری که سخن گوید با او خدا گوید اشاره یا از پس

حِجَابٍ أَوْ رَسُلٍ ۝ رُسُلًا فَيُوحِي بِأُذُنِهِ فَيُشَاءُ ط ۝ عَلَيَّ حَكِيمٌ ۝ وَ
 پرده یا بفرستاده فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواهد است هر آینه خدا بلند مرتبه با حکمت است و
 پرده یا بفرستاده رسولی را پس برساند بحکم او آنچه خدا خواهد است به تحقیق که اوست بر همه برتر با حکمت و

كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ
 به چنین وی فرستادیم بسوی تو قرآن را از کلام خود نمیدانستی که چیست کتاب و
 به چنین وی فرستادیم بسوی تو روح از آن را از حکم خود بزودی تو که میدانستی که چیست کتاب و

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
 نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن ساختیم ایم و وحی را روشنی راه می نمایم بآن هر کرامی خواهیم از بندگان خویش
 نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن گردانیدیم آنرا روشنی که هدایت می نمایم به آن کسی را که خواهیم از بندگان خود

وَإِنَّكَ لَنَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي
 و هر آینه تو به هدایت نمی بسوی راه راست
 و به تحقیق تو به هدایت می کنی بسوی راه راست

لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۝ نَزَّلْنَاهُ فِي الْأَنْزِلِ ۝ اللَّهُ تَصْدِيرُ الْأُمُورِ ۝
 او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز میگرداند کارها
 مراد است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه باش خاص بسوی باری گردد همه امور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
 بسم الله الرحمن الرحيم
 آغاز می کنم بنام خدا ای که بے اندازه مهربان نهایت با رحم است

حَمْدٌ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ
 قسم به کتاب واضح و قسم به کتاب و واضح که هر آینه ما ساختیم این کتاب را کلام عربی بود که شما
 قسم است به کتاب و واضح که (هر آینه) ما گردانیدیم این کتاب را قرآن عربی زبان تا شما

تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَّ حَكِيمٌ ۝ أَفَنَضْرِبُ
 و هر آینه این کتاب حجت است در لوح محفوظ نزد یک ما هر آینه این کتاب بلند مرتبه با حکمت است و آیات
 و تحقیق این قرآن حجت است در اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد ما بر هر حکم با حکمت آیات می گردانیم

عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ
 از شما پسند را اعراض کرده بر آن که هستید گردیده از حد فرشته و بسیار فرستادیم
 از شما این قرآن را اعراض کنان ازین سبب که هستید قومی از حد گذرانده و بسیار فرستادیم

نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَنْبِئُهُمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا أَنْ يُبَيِّنَ لَهُمْ
 پیامبران را در پیشینیان و نمی آید بایشان این را بجز بیانی که او را بداند استنباط می کردند
 و بیاید بایشان این را بجز بیانی که او بداند استنباط می کردند

فَإِذَا كُنَّا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَنَحْنُ الْعَاقِلُونَ ۝ وَلَكِنْ
 پس هلاک کردیم سخت تر از قریش و با اعتبار دست درازی و مذکور شد در استخوان غنیمان و اگر
 پس هلاک کردیم قوم سخت تر از پیشینیان را از قریش از روی قوه و گذشت در استخوان محب پیشینیان و در قسم است اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمُوتَ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ
 سوال کنی از ایشان که چه کسی بآفرید آسمانها و زمین را البته گویند بآفرید آنها را خداوند غالب
 بپرسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را (هر آینه) گویند آفریده آنها را غالب

الْعَلِيمُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

دانا و آست که ساخت براے شما زمین را مساحت و ساخت براے شما در زمین راه

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدِرُ فَأَنْشُرَ حَبَابَ

تا بود که شما راه یابید و آست که فرو آورد از آسمان آبی یا نذره پس زنده کردیم بآن

بَلَدًا مَّيِّتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَنْثَرُ وَاجِبَ كُلِّ شَاوٍ

شهر مرده را هم چنین بر آورده خواهیم شد و آست که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن و

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الظَّالِمِ الْأَنْعَامَ فَاتْرِكُونِ لَتَسْتَأْذِنَ عَلَى ظُهُورِهِمْ

ساخت براے شما شمشیری و چهار پایان چیزه را که بران سوار شوید تا راست بشینید بر پشت مرکوب باز

تَذَكَّرُوا نِعْمَ رَبُّكُمْ إِذْ اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

یاد کنید نعمت پروردگار خود را و نیک راست نشینید بران و بگوئید پالی خدا را که سخر ساخت برلے ما این مرکوب را

وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ

و بنودیم بران توانا و هر آینه ما بسوی پروردگار خویش رجوع خواهیم کرد و مقرر کردند برانے خدا از بندگان او

جُزْءًا مِّنَ الْإِنْسَانِ لَكُفُورٍ مِّمَّنْ هُمْ أَتَمُّ لِحَدِّهِمْ لَخَلْقِ بَنَاتٍ وَاصْفَاءِ

او را در هر آینه آدمی تا سپاس ظاهر است آیا گرفت خدا از مخلوقات خدا دختران را و برگزیده است مثلاً

بِالْبَيْنِ ۝ وَإِذْ ابْتِأَازَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ

به پسران و چون خبر داده شود بے از ایشان بگوید که مثل ساخته است برانے خدا و روست

مَسْوَدٌ أَوَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوْ مَنُ يَنْشَوُافِي الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخَصَامِ

سیاه گردد و او را از رخ باشد آیا آنرا که پرورده میشود در زیور و داد در صفت حقومت

غُلَامِينَ ۝ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنَّا شَاوٍ

ظاهر می گردد و برانے خدا ثابت کرده اند و دختران مقرر کردند فرستگان را که بندگان خدا اند

شَهِدُوا وَخَلَقَهُمْ سَنَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْكَوْنَ ۝ وَقَالُوا الْوَيْلَ لَنَا

آیا حاضر بودند نزد یک آفرینش ایشان نوشته خواهد شد این گواهی ایشان و پیرسیده خواهند شد و گفتند کافران اگر میخواست

الرَّحْمَنِ مَا عَدَدْنَاهُمْ يَا لَيْسَ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمِ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝

خدا یگانه نمی گردیم این فرستگان را نیست ایشان را باین مقدمه دانش نیستند ایشان مگر دروغ گو

أَتَيْنَهُمْ كِتَابًا مِّنْ قَبْلِهِ فَهَمَّ بِهَا مَسْكُونٌ ۝ بَلْ قَالُوا إِنَّا نَا بِلَعْنَةٍ

دادیم ایشان را کتابی پیش از قرآن پس ایشان به آن چنگ در زدگان اند (نی) باندگی گویند از پیران ما یا بایستیم بدران خود را

فل یسبحوا بحمده و یقولوا الحمد لله رب العالمین
یعنی بگوید و بگوید الحمد لله رب العالمین
اعلم ان غیر عثمان
بقیه ص ۳۳ - دعوا
ظاهر در آن چندان
دخی اند و خیال من این
صورتی است که در وقت
عالمه مدله در حق اند
عنما آرا از " یا تقی
فی مثل صلوات الجوس
تغیر فرموده است در
الباب - بدو الخلق
صحیح بخاری برای این
کود صورتی و می تفرغ
آدم ملک موجود است
بهین کیفیت را در حد
در و برات علی بیان
فرموده است و می
قرآنی اکثره همین
صورت می آید چنانکه
در نزل با روح
الاجین علی قلبک
و نازل علی قلبک
یا ذن الله از لفظ
قلبک - اشاره
میشود که این مملک
باصطلاح پیرسیده
باطنی بعلی ای قاری
از وجود پیغمبر هستی
جدا گزیده نظر نمی رسد
و بطوری که مملک می شود
که شخصی با دیگری صحبت
کند تا بهم نشینان قریه
تیر آن مطلب را می
نمیداند لهذا این نوع
را خصوم ما در این آ
بلفظ " و حیاء تعبیر
فرموده که لفظ و حی
در لغت بر اخفاء اشاره
سریه و دالت می کند
در صورت سوم این
سنت که فرشته تجسد
شده پیش نمی یابید
کلام و پیام خدا را
طوری برساند که یک
نفر به یکی خطاب می

نزدیک حضرت جبرئیل یک و در هر صورت اصلی خود پیش آن حضرت صلی الله علیه و سلم آمد اکثر بار در صورت حضرت وحید یکی (رضی الله عنہ) می آمد و بعلی آدم فرمودن بهم تشریف آورده است

عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۖ عَلَىٰ أَشْهَرُ مُتَّبِدُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قُرْآنٍ

برویش و سر آینه ما بر خورشید ایشان راه یافتیم و هم چنین فرستادیم پیش از تو در پنج و بیست
و ده آینه ما بر خورشید ایشان راه یافتیم و هم چنین فرستادیم پیش از تو در هر یک

مَنْ نَذَرَ الْأَقَالَ فَنَذَرُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا أَبَاءَنَا عَلَى الْأَمَةِ وَنَا عَلَى أَشْرِهِمْ

مگر آئینہ شمعان آن کو یہ (میرا آئینہ) کیا قسم پداران خود را بر آبی و در آئینہ آبرو نقش و قدم ایشان

معتدون **قال** اولو جلتكم يا هادي قوما وجهتم عن غير اباؤكم فقالوا انما

وقت آنکه گفتم (ردایم گفت) پیغمبر آید اگر چه آورد و دام بشه راه نماند از آنجا که یافتم اید بران بدان خود را گفتند (هر آینه)

باب فی جہاد و قتال
بانی فرستاده شد تا از امر او آن مصلحتی که پس از انقام کشتیدم از ایشان پس در حق چنان بود عاقبت

لَمَّا كَانَتْ بَيْنَ ١٥ وَاقَالَ الرَّبُّ لِنَبِيِّهِ وَقَالَ اِنَّنِي بَدَا عَمَّا تَعْبُدُونَ

دروغ دارندگان • ما وکن چون گفت ابراهیم پدر خود را • و قوم خود را هر آینه من بیه تعلیم از آنچه شما پرستش می کنید
تعلیم نداشتگان • و را یاد نداشت چون گفت ابراهیم پدر خود را • و قوم خود را هر آینه من بیه تعلیم

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيُخَوِّدُنِي ۖ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ

[illegible]

و اما در این رجوع گفتند بلکه بهره مندی سابقه ایشان را و بدان ایشان را تا و قتی که آمد بدیشان و این راست و

تا انان رجوع کرده بودند چنین نگردد بلکه بفرموده مندرسان قدیم ایشان و دیگران از ان راه تا انکه تمام ایشان و دیگران دست و

والله که آن بدیشان دین راست گفتند این جا دوست دهر آینه ما همدان نام مقدر است

عَقَابُ الْوَلَاةِ نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ٥ اَهُمَّ

و گفتند چرا نزد او دستوده شد این قرآن بر مردت بزرگ از این این دوده است
و گفتند چرا نزد او دستوده شد این قرآن بر مردی کتان از این دوده است

يَقْسِمُ بِرَحْمَةِ رَبِّكَ الْحَكِيمِ قَسَمًا بَيْنَهُ وَمَعِيَّتَهُمْ فِي السَّيْرِ الدُّنْيَا

حسنه و رحمت پروردگار مرا اما نعمت کرد و ایمان ایشان روزی ایشان را در زندگانی دنیا

و بعضی را خیار بعضی ایشان بر بعضی
تا شنید که بعضی ایشان بعضی را ت

و پسندیدیم بعضی ایشان را بر بعضی از روی درجات تا بگرداند بعضی ایشان را بوی از این (مستحق) و

درخت برود و اگر گو بهتر است از این نوع می دانند
و اگر نه احتمال آن را می دانند و می گویند مردان بزرگ کرده
و اگر نه از این نوع می دانند و می گویند مردان بزرگ کرده

بسم الله الرحمن الرحيم

و نیز بانها نیز
بر آینه ای آید به کم برای آن مردمان که کافر شوند و عین موفقیه این را سقراط و افلاطون و نیز ارسطو نیز

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

ملایم مسلمان شوم
۱۲ ایمن در زبان
حضرت موسی علیه السلام
گفت بوده الله اعلم
و من مرم گوید بر این
مسئله که یکس غیر خدای
تعالی معبود نیست مشرکان
ایرا و کردند که ترسایان
عیسای رای برستند
و اگر کسی نیز معبود
مارامی شکر آید با
عیسی باشد و گمان
کردند که کفایت غالب
آمدن خدای تعالی لشق
شبه فرمود الله اعلم
تفسیر عثمان
۵ در آن عطف ملک
گردد و لوح معراج
معبر البیاض کلان
میدان شتافزون بهر
کشیده آب دریای
نیل را بذر بهری
بیاض خود آورده بود
مطلب او این بود
که با این همه سامان و
شوکت و حشمت آیا
حقیقت ما تقاضا
دارد که مقابل آدم
صاحب حیثیت
محو شود چون
موسی گردن خود را خم
نمایم عیسی گویند
فرعون که بای طلاء
پیوسته بر رئیس و
زیری را که در نوازش
خود قرار میداد با کوره
بای طلاء پیوسته شایسته
دفع محض و اوصاف
بسته ایستاده می شد
مطلبش از این سخن
این بود که با شخصیک
ما در اعت و احترام
میدیم چنین محاملی
کنیم پس کسی را که
خدای تعالی بلور نایب
خود بفرستد آیا درست
او که بای طلاء و در جلد او یک فوج فرشتگان هم نباشد ۱۲

اِذَا هُمْ مِنْهَا يَخْكُونَ ۵ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ اِیْةٍ اِلَّا هِيَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَآ

تا که این ایشان از آن نشان بای خندیدند و آنچه نمودیم بایشان هیچ نشانه مگر وی بزرگتر بود از سابق مانن خود از یک دیگر خود

وَ اِذَا هُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۶ وَقَالُوا اَیُّ الشَّعْدِادِ عَلَمًا

و اگر رفتار کردیم ایشان را بعقوبت بود که ایشان رجوع کنند و اگر رفتار کردیم ایشان را بعقوبت تو که ایشان رجوع کنند

رَبِّكَ بِمَا عَمِدَ عِنْدَكَ اِنَّا لَكَا هِتَدُونَ ۷ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ

بجانب پروردگار خود بیان اسماء کرده است نزدیک تو هر آینه راه یا نشانی که در کردیم از ایشان عقوبت را پروردگار خود را بر آنچه عهد کرده است با تو هر آینه راه یا نشانی پس چون دور کردیم از ایشان عذاب را

اِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۸ وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَقَوْمِ اَلَيْسَ لِي

تا که این ایشان عهدی شکنند و آواز داد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست بدست من همان وقت ایشان شکسته عهد را و ندا کرد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست برای من

مَلِكٌ مِّمَّنْ هَؤُلَاءِ اَلَا نُنَزِّلُكَ فِي مَنَاحِقٍ اَوْ لَا تَبْصُرُونَ ۹ اَمْرًا

پادشاهی مصر و این بویها میرود از زیر کوشک من آیا نمی بینید پادشاهی مصر در حالیکه این بویها میرود در قصر من آیا نمی بینید

خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مِثْلُ ۱۰ وَلَا يَكَادُ بَيْنُ ۱۱ فَلَوْلَا اَلْقَى عَلَيْهِ

بهتر از این شخصی که در آنجا است و نزدیک نیست که سخن واضح و بیاد پس چرا نه خود آورده شد بر این سخن بهتر از این شخصی که ادب عزت است و نمی تواند که سخن بوضاحت گوید پس چرا انداخته شد بر وی

اِسْوَرَةً مِنْ ذَهَبٍ اَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقَاتِلِيْنَ ۱۲ فَاسْتَحَفَّ قَوْمًا

دستوانها از زر یا چنانچه آمدند همراه او فرشتگان جمع شده پس بے عقل که قوم خود را دستوانها از طلا یا چنانچه آمدند همراه او فرشتگان صف بستگان عیسی خفیف العقل ساخت قوم خود را

فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ۱۳ فَلَمَّا اَسْفَوْا اتَّقَمْنَا مِنْهُمْ

پس قبول کردند فرمان او را هر آینه ایشان بودند گروه فاسق پس آن هنگام که چشم آوردند و دیدند که ایشان پس اطاعت کردند گفتند او را هر آینه ایشان بودند قوی تا فرمان پس چون چشم آوردند ما را انتقام گرفتیم از ایشان

فَاَعْرَفْنَاهُمْ اَجْمَعِيْنَ ۱۴ فَجَعَلْنَاهُمْ سَفَآءً مِّثْلًا ۱۵ لَّا اٰخِرِيْنَ ۱۶ وَ لَمَّا

پس عرق ساختیم ایشان را همه یک جا پس ساختیم ایشان را پیش رو و داستان پیش نهادن را پس عرق ساختیم ایشان را همه پس ساختیم ایشان را پیش گذشتگان و داستان عبرت برای آیندگان و چون

ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مِثْلًا ۱۷ اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصُلُّوْنَ ۱۸ وَقَالُوا اَلَمْ يَكُنْ اٰخِرًا

داستان زده شد به پسر مریم تا که این داستان همچو شو قتی آواز بلند می کنند و گفتن آیا معبودان ما بهترند اگر اینده شد پسر مریم مثل آنکه که قوم تو از این مثل لغو بای نمی روند و گفتن آیا معبودان ما بهتراند

اَمْ هُوَ اَوْ اَمَّا بُوْهُ لَكَ اَلَا جَدُّ اَبْلَ ۱۹ هُمْ قَوْمٌ خٰصُّوْنَ ۲۰ اِنْ هُوَ اِلَّا

یا عیسی آن حرف نزدند با تو مگر مکاره بلکه ایشان قومی خصوصیت کننده اند نیست عیسی مگر با او میاورند این مثال را برای تو مگر برای محاد بلکه ایشان قوم خصوصیت آوردند نیست ابن مریم مگر

عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مِثْلًا ۲۱ لِبَنِيْ اِسْرَآءِیْلَ ۲۲ وَ لَوْ شَاءَ جَعَلْنَا

بنده که انعام کرده ایم بروی و ساختیم او را نشان بر آن بنی اسرائیل و اگر میخواستیم البته کرده می بنده که انعام کرده ایم بروی و ساختیم او را تحت برای بنی اسرائیل و اگر خواستیم البته میافریم

مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِی الْاَرْضِ ۲۳ يَخْلُقُوْنَ ۲۴ وَ اِنَّهٗ لَعَلَمٌ لِّلْاٰسَآءَةِ

بدل شما فرشتگان در زمین خلیف شوند و هر آینه عیسی نشان است قیامت را باز شما فرشتگان را که در زمین خلافت کنند و هر آینه ابن مریم نشان است برای قیامت

فَلَا تَسْتَوِينَ بِهَا وَالَّتِي عَنِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصْدَقُكُمْ

پس شیعه کمند در قیامت و یحیی یا محمد پیروی من کنید ایست راه راست
پس شایک نیارید و آمدن قیامت و پیروی کنید مرا این است راه راست

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَكِنَّ جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ

شیطان بر آئینه او در حق شما دشمن ظاهر است
شیطان بر آئینه او برای شما دشمنی است آشکارا

قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ

آورده ام بطاعت را و آمده ام تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه اختلاف می کنید
در حقیقت آورده ام بشما سخنان حکم و تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه که اختلاف می کردید در آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ

پس بترسید از خدا و فرمان من بترسید هر آینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید او را ایست راه
پس بترسید از الله و اطاعت کنید مرا هر آینه الله دوست پروردگار من و پروردگار شما پس بپرستید او را این راه

مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ

راست پس اختلاف کردند جماعت با در میان خویش پس واسطه آنانرا که ستم کردند از
راست است پس از هم جدا شدند چندین گروه از بین ایشان عده پس دانی برای آنانکه ظلم کردند از

عَذَابٍ يَوْمَ إِلَهِمْ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

عذاب روز درود دهنده آنها انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان
عذاب روز درونک انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان در حالی که ایشان

لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الشَّقِيقِينَ ۝

خبردار نباشند دوستان آنروز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند مگر برادرهای گواران
به خبر باشند دوستان در آنروز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند مگر برادرهای گواران الله

يَعْبَادُ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَخْزُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِ

گفته شود ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اند بلین شوید ای آن بندگان من که ایمان آوردند بآیات
که گفته می شود برای ایشان ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه اند بلین می شوید آن (بندگان) که ایمان آوردند بآیات

كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ يُطَافُ

مسلمان بودند گفته شود در آید به بهشت شما و زنان شما و شما را خبر داده شده گردانیده شود
بودند فرمان بر دار در آید به بهشت شما و زنان شما و شما را خبر داده شده گردانیده شود

عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ تَتَلَذَّ

برایشان کاسه های برادر طلائی و صراحی ها و باشد در بهشت آنچه خواهش کند نفس و لذت گیرد
ایشان کاسه های برادر طلائی و صراحی ها و باشد در بهشت آنچه خواهش کند نفس با لذت گیرد

الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثَتْهُمُ بِمَا كَانُوا

از دیدن او چشمها و شما اینجا جاویدان باشید و این آن بهشت است که (مثل) میراث داده شد شمارا بسبب آنچه
(از دیدن او) چشمها و شما در اینجا باشید جاوید و این آن بهشت است که (مثل) میراث داده شد شمارا بسبب آنچه

تَعْمَلُونَ ۝ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْ أَنْتَاجِهَا ۝ إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي

عمری کردید شمارا است اینجا میوه بسیار که از آن میخورید هر آینه نعمت کاران در
عمری کردید شمارا است در آن میوه بسیار که از آن میخورید هر آینه نعمت کاران در

عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ لَا يَفْقَهُونَهُمْ فِيهِمْ مَبْسُورُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ

عذاب و در جحیم جاویدان اند سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در عذاب ناامید شده خاموش باشند
عذاب و در جحیم جاویدان اند سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در عذاب ناامید شده خاموش باشند

عَذَابٍ دُونَ ذَلِكَ ۝ إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوِينَ ۝ أُولَئِكَ يَلْعَنُونَ

عذاب و در جحیم جاویدان اند سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در عذاب ناامید شده خاموش باشند
عذاب و در جحیم جاویدان اند سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در عذاب ناامید شده خاموش باشند

عده یعنی ستمان و یحیی
و یا حال بود بعضی چیز
های که شریعت موسوی
آنرا حرام گردانیده
بود بیان می کنیم که آن
دلائل هم بعضی ازین
حرم علیکم را از عمران
روایت شده عده یعنی
اختلاف پیدا شده
بهیود از انکار کردند
و نصاری بر دوی ایمان
آورند پس نصاری
هم روزان به چندین
فرقه تقسیم شدند کسی
حضرت مسیح را پسر
خدا میخواند کسی او را
یکی از اولاده خدا می
دانند و دیگری را حق
جدا نموده است خلص
یعنی تعلیم اصلی حضرت
مسیح را قبول نیست
عده مردمانی که
با وجود چنین ایمان
آیا با هر دو ایت
دو خدا ایمان می آوردند
چه چیز را انتظار دارند
از شما احوال شما
میان گفت ایشان
و حق با در خواست کرد
که قیامت یکدم ناگهان
بر آنها قائم شود فلین
پذیرفتن آن وقت
کاری نخواهند داد
للع در آن روز
دوستان از یکدیگر
یگریزند تا از سبب
یکدیگر داری یکی دیگری
گرفتار نشود جمیع دوستی
با محبت با منقطع می
شود. انسان پیشانی
می گردد که با فلان آدم
شر برادر او می گردانند
چه بچرخد او امروز
گرفتار محبت شد
در آنوقت محب
میبوی هم از دیدن

مُنْذِرِينَ ۝ فِيهِ يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٌ ۝ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا ۝ كَمَا

ترماننده در آن شب مبارک فیصل کرده میشود به کار استوار
 فرود آوردم آنرا بوی گردون از نزدین غیش به این راه یابودم
 ترماننده در آن (شب) جدا کرده میشود به کار پاکی و محکم
 ببله حکم از نزدین راه یابودم

مرسلين ٥ رحمت من ربك انهم السميع العليم رب السموات

دوازدهم علل بسبب خفا ایل از نزدیک پروردگار تو بر آید دوست شنوا دانا
پند و دگر آسانند

الارض وما بينهما من كنز موقين ۝ لا اله الا هو يحيي ويميت

این و آنچه در میان این بر دوست اگر بپسندند آید
 پسندند آن نیست پسندید و بر دوستی که میسر آید

بَابُ وَرَبِّ ابْنِ كَرِ الْأَوَّلِينَ ١ بَابُ هَمْزٍ فِي شَائِبِ يَعْصُونَ ٢ فَاذْقَبْ يَوْمَ

است و بگوید که شما دو کار پهلوانان را شنیدید و می دانید که این دو کار از آن است که با کوفت در شبه اند بازی می کنند پس انقدر باش روزی صد بار

تَنَالِي السَّمَاءَ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿٦﴾ لَقَدْ خَشِيَ الْإِنْسَانُ هَذَا عَابَابَ إِلَيْهِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا

نخاسته کز نور و روان را در آفتاب که در آید از بهشت خنک و در آنجا که در کارها

شَفَعْنَا عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُمْمِنُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّا نَحْنُ الذَّالِمُونَ وَقَدْ جَاءَهُمْ

۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

سور مبین ۱۳ یٰ اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قَدْ جَاءَکُمْ ذِکْرُکُمْ فَاذْكُرُوهُ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ ۝

سول ظاهر باز روی گردانیدند از روی و گفتند او را بگویم که چه میفرموده است و در روز است بهر آینه ماهور گذرد

عذاب و قتل انہم عابدوں کا ہے۔ یہاں پر حضرت ابو بکرؓ نے فرمایا کہ انہم ان کے ہر گنہگار بن گئے۔ پھر روزیہ در گرفت۔ ان دنوں حضرت بزرگ ہر گنہگار

از این اندک عرصه به تحقیق مشاهده کنید که هرگز هم در روزی که پیشتر به کوشش و کوشش به تحقیق

و بعد از آنکه بفرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان قوم فرعون را و آدم بدیشان پیغام بری کرد این سخن که

فصل پنجم در بیان آنکه هر کس که بخواهد از این راه نجات یابد باید که از این راه نجات یابد

یلم لئید من بنده فدا دارا که آینه من برآست شایع بفرمایانم و سر کف میفکند بدو حسد را سزا یمن

[illegible]

و هر آینه من بپناه گرفتیم بپروردگار خود و کارش از آنست که بخواهد و

وَلَا يَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ مَا وَفَّقَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ وَلَهُ أَسْرَارُ كَثِيرٌ لَا يَأْتِيهِ الْقِيَاسُ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا فِي قَدَرٍ مَعْلُومٍ

در خی دارید مرا پس یسوع شوید از من پس دعا نزن بجنابش ببرد و فارغید که این دعا هم قسم گنیم کار است
پس او عمارت دهنه ببرد و کار خود که این دعا هم قسم گنیم کار است

١٢٠

مستقیم بر سر وقت شب هر آنچه شمار تو جاسی کرده شود بگذار در بازار آید میدهد هر آنچه این نامه لشکر است
(تو) بپوشان و در آن روزها که در بازار آید بپوشان و در آن روزها که در بازار آید بپوشان و در آن روزها که در بازار آید بپوشان

...

عده دین اندر شکن
که باده ایا یک بقدرت
الله تعالی در محراب
آدم بحال خود باقی ماند
و فرعونان هم از ان
بگذرند آنرا بهمان حال
بگذارد زیرا که چون
شکر فرعون
این راه را
بینند در ان
میدارند چنانچه
طورش چون فرعونان
راه را خشک ساخت
دیدند در ان آمدند پس
از حد و آنها آب بحر
بحکم خدای تعالی از
چهار طرف حرکت
کرده با هم پیوست
و بدین وسیله تمام
شکر در آب غرق گشت
عده بنی اسرائیل
را ملاک آن ساختیم
چنانکه در سوره شعرا
نموده کار یافتن ازین بری
آید که بعد از غرق فرعونان
بنی اسرائیل در مصر
دست یافتند و اگر
این واقعیت ثابت نشد
مطلب چنین میشود
لوح سامانیکه فرعونان
گذشته بودند همان
قسم را بنی اسرائیل
دادیم و الله اعلم -
عده در دایات
ست که بر مردن بودن
آن در دانه آسمان
می گردد که از ان روزی
اش فرودی آید و با
علی صالح او
از ان بلا میفتد
و از زمین بماند
موضع گری می
کنند که بر ان نازل
میگردد یعنی
الموس که این
سماعت از ان

مُخْرَقُونَ ۴۷ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَشُجُرٍ ۴۸ وَ مَقَامِرٍ كَرِيمٍ ۴۹
عرق شده بسیار گذاشتند از بوستانها و چشمه ها و شسته ها و محل گرامی
عزیز شده گاهند عده بسیار گذاشتند باغها و درختها و ولت ها و منازل
نعمه گانوافیه کافیهین ۵۰ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۵۱ فَمَا بَكَتْ
گذران بار قنایت کردان محفوظ بودند هم چنین شد و عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را پس نگر نیست
سامان آسایش که بودند در ان تنعمان هم چنین شد و میراث دادیم ان را برای قوم آخر عده پس گریه نکنند
عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۵۲ وَلَقَدْ أَخَذْنَا ابْنِي
برین قوم فرعون آسمان و زمین و نه شدند مهلت داده شده و سهر آئینه اخلاص کردیم بنی
بر فرعونان آسمان و زمین و نه شدند مهلت داده شدند (سهر آئینه) حیات دادیم بنی
إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْبَرِّينَ ۵۳ مَنْ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا
اسرائیل را از عذاب خوار کننده که از جانب فرعون بود سهر آئینه فرعون بود سرگشته
اسرائیل را از عذاب ذلیل کننده از عذاب فرعون (سهر آئینه) او بود بلند
مِنَ السُّرُوفِينَ ۵۴ وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِينَ ۵۵ وَآتَيْنَاهُمْ
از تعدی کنندگان و سهر آئینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالم ها و دادیم ایشان را
از جمله از حد گذرندگان (سهر آئینه) برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها و دادیم ایشان را
مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهَا بَلَاءٌ مُّبِينٌ ۵۶ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۵۷ إِنْ هِيَ إِلَّا
از قسم معجزات آنچه در ان امتحان ظاهر بود سهر آئینه این جماعه می گویند که نیست عاقبت کار مگر
از نشانی با آنچه در ان نعمت آشکارا بود عده (سهر آئینه) این کفار که می گویند نیست هیچ مردن (که بعد از ان نازل
مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُشْرِكِينَ ۵۸ فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنْتُمْ
باین موت مختن و نیستیم با بر این مختن شده پس بیارید پدران ما را اگر هستید
مردن مختن و نیستیم بر این مختن شده پس بیارید پدران ما را اگر هستید
صَادِقِينَ ۵۹ أَهَمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۶۰ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ
راست گو آیا این جماعه بهتر اند یا قوم تبع میری و آنکه پیش از ایشان بودند بلاك ساختیم آنها را
راست گو یا آیا ایشان بهترند (قوی خرد) یا قوم تبع و آنکه پیش از ایشان بودند بلاك ساختیم ایشان را
إِنَّهُمْ كَانُوا أَجْرَمِينَ ۶۱ وَمَا خَلَقْنَا السَّهْوَتِ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا
سهر آئینه آنها گناهکار بودند و نیافریدیم آسمان ها و زمین را و آنچه در میان هر دو است
پدر ستمکار ایشان بودند کافران و نیافریدیم آسمان ها و زمین را و آنچه میان هر دو است
لَعِينٌ ۶۲ مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶۳ إِنْ
بازی گمان نیافریدیم این هر دو را مگر بتدریج درست و لیکن اکثر مردم نمیدانند
بازی گمان (یعنی عبت) نیافریدیم هر دو را مگر بتدریج درست و لیکن اکثر مردم نمیدانند
يَوْمَ الْفَصْلِ ۶۴ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ ۶۵ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شُعْبَا
روزی قیامت میعاد ایشانست همه ایشان است روزی که هیچ دین و دوستی از دوست و دیگر چیزها
روزی که هیچ موعده مقرب همه ایشان است روزی که هیچ دین و دوستی از دوست و دیگر چیزها
وَأَكْثَرُهُمْ يَنْصُرُونَ ۶۶ إِنْ مِّنْ رَّحْمَةٍ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۶۷ إِنْ
و اکثر ایشان را نصرت داده شود مگر آنکه رحم کرد بر خدا سهر آئینه خدا غالب مهربان است سهر آئینه
و اکثر ایشان مدد کرده شوند مگر آنکه رحم کند الله سهر آئینه الله غالب بارم است سهر آئینه
شُجَرَاتِ الزُّقُومِ ۶۸ طَعَامُ الْإِشِيمِ ۶۹ كَالْهَيْلِ شَيْغَلٍ فِي الْبُطُونِ ۷۰
درخت زقوم طعام اشیم مثل مس که اخته شده بجوش در شکم ها
درخت زقوم غوراک گناه کار (کلان) است مانند مس که اخته بجوش میخورید در شکمها
است مانند مس که اخته بجوش میخورید در شکمها

است مانند مس که اخته بجوش میخورید در شکمها

فل يعني مقدر نیستند
 کجاست جزای اعمال
 ایشان باشد
 تفسیر عثمانی
 علیه السلام بعد از
 غور و تفکر قیسه می تواند
 که این چیز از اختیار و
 اقتدار او خارج بود
 محض از فضل الله
 قلم و قدرت کامله او
 این اشعار در کار
 مبرود اند و باین
 برهان لازم است که
 بکاری مشغول بایم و آن
 کار فقط همین است که
 فرمان برداری و اطاعت
 آن شوم حقیقی و محسوس
 علی الاطلاق لحاظ
 مستعار خود را صرف
 غایب تاد آید
 سرانجام ما درست
 گردد و آنگاه
 رسیده هر نوع بدی
 و شکایت پیش روی خواهد
 آمد و هر کس پا داشت کرد
 مای خود را خواهد یافت
 مدتی تورات داده
 منقذت یافت فیصل
 و با سخنان دانش یافتم
 و تفکر بین ایشان عطا
 فرمود و چقدر برین سید
 ازین آیهها معنی گردانید
 این بود غذائی روحانی
 غیر ازین غذائی جسمانی هم
 بایشان بیل داده شد
 حتی درین دسوی بر
 ایشان تر و ترست بود
 الله درین عمر تمام
 جهان ایشان را فضیلت
 علی حاصل بود اما باعتبار
 بعضی نقصان جزئی قیسه
 در آن عمر هم فروست
 نداد و بعضی احکام
 نهایت واضح و مفصل
 و با محبت آفرید
 برین دادیم که در باب
 دین و دین و دین و دین

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِحَقِّ قِيَامٍ حَدِيثُ عَبْدِ اللَّهِ ^ع آيَةُ يُؤْمِنُونَ

این نشانیها خداست میخوانیم آنرا بر تو براسستی پس بکدام سخن بعد از سخن الله و آیت های او ایمان آرند

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ^ع سَمِعَ آيَةُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ ثُمَّ يَصْرُحُ بِمُسْتَكْبِرٍ أَكَانَ

داسه هر دروغگوئی گناهکار را می شود آیات خدا را خوانده میشوند بروی باز اصراری کند و بخود و دیگران عویا

لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ^ع وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَ هَاهُنَا

نشیده است آنرا پس مژده ده او را عذاب درد آید و چون دانفت شد بر چیزی از آیات ما به سخن گیرد آنرا

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ^ع مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ

آنگاه از ایشانراست عذاب خوار کننده آن طرف ایشان دوزخست و دفع نکند از ایشان آنچه

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ^ع

کسب کردند چیزی را و دفع نکند نیز آنکه دوستان گرفته اند جز خدا و ایشانراست عذاب بزرگ

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ^ع اللَّهُ

این قرآن هدایت است و آنانی که کافر شدند بآیات پروردگار خویش ایشانراست عذاب درد دهنده از جنس سخن خدا

الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي لَكُمْ فِيهِ مَاءٌ وَرَبُّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ^ع

آنست که سخر کرد برائے شما دریا را تا روان شود در آن بفرمان او و تامل میبست کنید از فضل او و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ^ع وَسَخَّرَ لَكُمْ فِي السَّهْوِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

تا شکر کنید و سخر کرده است برائے شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است همه را بدیده او و از حاجت خود

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ^ع قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا

هر آنچه درین مقدار نشان یافت گردید که تفکر می کنند بگو مسلمانانرا که در گذر کنند از آنگاه که

لَا يَرْجُونَ أَتَمَّ اللَّهُ لِيَجْزِيَ قَوْمًا تَسَاءَلُوا كَسِبُونَ ^ع مِنْ عَمَلٍ صَارٍ

تو بخود روزی که خداوند است تا سزا دهد خدا اگر چه را از ایشان محاسب آنچه می کردند هر که بکند کارش است

فَلَنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلِمَا أَنْتَ إِلَيْهِ رَجِعُونَ ^ع وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي

پس بر هر نفسی که بد کردی کند پس (روای آن) بر او است باز بسوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهد شد و هر آنچه از او می

إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ وَرَبُّهُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ ^ع فَضْلُهُمْ

اسرائیل را کتاب و حکمت و پیغمبری و روزی دادیم ایشان را از نعمت ما و فضیلت دادیم ایشان را

عَلَى الْعَالَمِينَ ^ع وَأَتَيْنَهُمْ بَيْنَهُ مِنَ الْأَمْثِلِ اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

بر عالمها لغو دادیم ایشانرا از آنگاه که در میان دین پروردگار خود اختلاف کردند مگر بعد از آنکه آمد بدیشان

بِرَعَايَانٍ ^ع وَادَّيْمُ الْإِسْرَائِيلَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

بر رعایان و دادیم ایشانرا از آنگاه که در میان دین پروردگار خود اختلاف کردند مگر بعد از آنکه آمد بدیشان

و اینها در محبت و برهان پیش کرده میشود

لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

والتفسير من قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

عنه يعني غير از اين
زندگي و حياتي زندگي
و در غيرت و فقط سين
يك جهان است كه
زيتن مادر دن دران
سين بي آيد همان طور كه
بواسطه باران سبز واز
زيتن ميرود و در خشك
سالي شد بر چرخ خشك
شده خنجر و در و خنجر
ان انز بهين طور
است و قتي آيد كه
پيدا ميشود بعد از ان
تا يك وقت سين زنده
مي ماند بالاخر دروش نامه
اورا خاتمه ميدهاين
سلسله موت و حيات
در دنيا جاري است
بعد از ان پايه نيست
عنه يعني زمان نام
ديدار است تا بايد داشت
كه ان پايه كاري كرده بني
تواند زير اكن حسن
دارند نشود زاراده
نابرابان اين مردم چيز
بسي معلوم نيست حالانكه
تقرت اور دنيا نافذ
جاري است پس چرا
اين مرد خداوند را
تمام كار با بني دانند كه
وجود و متفرع على الاطلاق
بودنش از دي دلائل
نظريه و برابن عقلي و
نظريه ثابت شده است
و زمانه را غير و تقرت
دادن و شب و دريا
كي بعد بگري اودن بگري
اوست بهمن معني در
حديث دانوده كرده شده
كه عبارات از الله
است آنرا نيايد خوان
زير اچون انسان در بر
بدني گويد بهمن نيست
ي گويد كه جودش در
لبوسي او منسوب است
حالا كه نماي حداث

عنه اگر چه از
طرف ما اینده
نقصت و تقصیر
اتمام حجت کوبایی
شد لیکن سرخوردن
شما تم نکشت یا فر
بصوره کامل جنایت
کار شدید و یا از کفر
توبه نکریدین و این مطلب
گفته شود که از اول
به جنایت کاری آغشته
بودید بلکه در لغات
دنیا گرفتار آمدید هیچگاه
خیال نکریدید که از این
دنیا گای رخت رحلت
پریشین و محض خود را
پیش مشن بهم است
و اگر گای بد ما شنا
خطور هم کرد دل خود را
باین تصور تسلط اید
که در شلیک ما در دنیا
مقابل مسلمانان
آزار آستیم در آخرت
هم چنین زور و قوت
را خواهیم داشت
سه انسان باید
بیوی او تمالی موجود شود
احسانات و انعامات
او را قدر کند محض بر
بدایات او روان شود
از همه منصرف شد فقط
برای حصول خوشنودی
او تمالی فکر کند مقابل
بزرگی و عظمت او همیشه
با اختیار و رضای خود
منطیع و منقاد باشد
خیال نموده سرکش را
گای بدیل خود دنیا در
در حدیث قدسی است
«الکبریا را درانی العز
ازاری لمن تازعنی
و اهلها منقادته
فی النار» (کبریا)
چادر من عظمت است
از من است بنا بر این
هر کسی که در کی از من
چو جبر با من منازعه

و منازعه کند من را در آتش بختاب خواهم نمود (۱۱۲)

اکثر الناس لا یعلمون و لله ملک السموات و الارض و یوم تقوم

الکثر مردمان نمیدانند و خدا تراست پادشاهی آسمانها و زمین و روزی که قائم شود

الساعة یومئذ یخسر السباطون و تری کل امه جاثیه تفکک امته

قیامت آنروز زبان کار شوند و تری کاران و برین بر گردید و ریزان و آمده هر گروه را
قیامت در آنروز زبان کار شوند و تری کاران و برین بر خیزد و ریزان و آمده هر گروه

تدعی الی کینه الیوم تجزون ما کنته تعملون و هذا کتبنا ینطق علیکم

خوانده شود بگویند نام اعمال او یعنی بر آنه سوال میباشند گوئیم امروز جزا داده شود شما را بحسب آنچه می کردید گوئیم این بازاست که انچه با حققت
خوانده می شود بگویند نام اعمال او از طرف خدا گفته شود امروز جزا داده می شود بحسب آنچه می کردید این است کتاب ما که گوی می بدید اعمال شما

یا احمق انما کانت سننیه ما کنته تعملون فاما الذین امنوا و عملوا الصالحات

براستی هر آینه ما نمی شنید آنچه شما می کردید پس اما آنکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
یعنی هر آینه ما نمی شنید آنچه شما می کردید پس اما آنکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

فیدخلهم ربهم فی رحمته ذلک هو الفوز السبین و اما الذین کفروا

پس در آید ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود اینست فیروزی ظاهر و اما آنکه کافر شدند
پس در آید ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود اینست رستگاری آشکار و اما آنکه کافر شدند

افکم تگن ایتی تنل علیکم فاستکبرتم و کنته قوم ما هجرین و اذا قیل

ایشانرا گوئیم آیا خوانده نمی شد بر شما آیات من پس کبر کردید و کنته قوم ما هجرین و چون گفته می شود
(گفته میشود برای ایشان آیات من خوانده میشد بر شما پس کبر می کردید و بودید قوم مجرم کارها و چون گفته میشود برای شما)

ان وعد الله حق و الساعة لا ریب فیها قلتم ما ندری ما الساعة ان نظن

که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شبه نیست در آن گفتید میانه ایم چیست قیامت لغور میکنیم آنرا
که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شک نیست در آن می گفتید میانه ایم چیست قیامت هیچ لغور نمی کنیم

الاظن انکم بیستیقینین و بذا لهم سبک ما عملوا و حاق بهم ما

مگر با احتمال ضعف و بیستیم یا یقین کننده و ظاهر شد ایشانرا عقوبت بآنچه بجا آورده بودند و گرفت ایشانرا آنچه
مگر خیال و بیستیم یا یقین کنندگان و ظاهر شد ایشانرا بدیهای آنچه کرده بودند و متعلق شود بایشان آنچه

کانوا یستهزئون و قیل الیوم ننسکم كما نسیتکم لقاء یومکم هذا

باین استهزای کردند و گفته شود امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردیم این روز خود را
بر این استهزای می کردند و گفته شود امروز فراموش می گذاریم شما را چنانکه فراموش کرده بودید ملاقات این

و ما وکم النار و ما لکم من نصیرین ذلکم یا کفکم ان تخذلکم ایبت الله

و جانے شما در آتش است و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده این عذاب بسبب آنست که شما گفتید بودید آیات خدا را
و جانے شما در آتش است و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده این عذاب بسبب آنست که شما گفتید بودید آیات خدا را

هزوا و غرتکم الحیوة الدنیا فالیوم لا یخرجون منها و لا هم

و خفیه کرد شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان
به منزه و خفیه کرده بود شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند از آن و نه از ایشان

یستعینون فلیله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین

و رضایت ساختن خدا طلب کرده شود پس خدا تراست ستایش پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالمها
طلب میشود (عذر و توبه پس مرا تراست که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالمها است)

وله الذکر یاء فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم

و او را است بزرگی در آسمانها و زمین و او است غالب با حکمت
و تنها او را است بزرگی در آسمانها و زمین و او است غالب با حکمت سه

سورة الاحقاف مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثَلَاثُونَ آيَةً

بسم خداست بخشاینده مهربان
آغاز می کنم بنام هدایت کننده مهربان نهایت بارم است

حَمْدٌ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

فرو فرستادن کتاب از جانب خداست غالب یا حکمت مست
فرو فرستادن کتاب است از طرف الله غالب یا حکمت

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْبَيْنَينَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ

بنا فریدیم آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دوست مگر به تدبیر درست و بپایان معین و آنچه
بنا فریدیم آسمانها و زمین را و آنچه در میان آنهاست مگر بحکمت و بقدیر معین و آنچه

كُفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا وَأَعْرَضُوا عَنْ آيَاتِنَا وَمَا نُرِيهِمْ إِلَّا ظُلُمًا مُّسْتَدِيرًا

کافر شدند از آنچه ترسانیده شده ایشان را و گردانید بگو آید دید آنچه می پرستید
کافر شدند از آنچه ترسانید و غرض گشتند از آیات ما و آنچه می پرستید

اللَّهُ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ إِيْتُونِي

خدا بنمایید مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکت در آسمانها بیارید بمن
الله بنمایید مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریک در آسمانها بیارید بمن

بِكُتُبٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ آثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَمَنْ

کتابه که آمده باشد پیش ازین یا بقیه از علم اگر هستید راست گو
کتابی که قبل ازین (قرآن) است یا بقیه از علم (پیغمبران) اگر هستید راست گوینان و کتبت

أَضَلُّهُمُ مِن دَعْوَاهُمْ إِنْ دُونَ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

گمراه تر از کسیکه بخواند و بجز خدا چیزی را قبول نکند و گمراه تر از کسی که بخواهد
گمراه تر از کسیکه بخواند و بجز الله آنرا که اجابت کند (خواندن) او را تا روز قیامت

وَهُمْ عَنِ دَعْوَانِهِمْ غَافِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا

و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و چون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان ایشان را دشمن و باشند
و ایشان از خواندن ایشان بے خبران اند و چون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان ایشان را دشمنان و باشند

بِعِبَادِهِمْ كَافِرِينَ وَإِذَا اتَّعْتُمْ عَلَيْهِمِ الْبُيُوتَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

عبادت ایشانرا ستمگر و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده گویند این
عبادت ایشانرا ستمگران و چون خوانده شود بر ایشان آیت باقی آشکارا گویند آنانی که کافر شدند (به نسبت)

لِلْحَقِّ لَنَجْآءَهُمْ هَٰذَا بِشَرِّ مِّمَّا أَفْتَرْتُمْ قُلْ إِن

حق حق (قرآن) بخود می گوید که آمد بایشان این جادوی ظاهر است (بلکه) آیه ای گویند که افزا کرده است آنرا (محمد) بگو اگر
افتریتنه فلا تمیلکون لی من الله شیءاً هو أعلم بما تفيضون فيه

بر سر تمام آنرا پس نمی توانید شما برای من از خدا چیزی را خدا و اناترست بسخنانی که فرو میرود در آن
افتر کرده باشم آنرا پس نمی توانید برای من از الله چیزی را خدا و اناترست بسخنانی که فرو میرود در آن

كُفَرِيهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا

بسم الله است اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و دوست آمرزگار مهربان بگو نیست من
کافی گواه است الله میان من و میان شما و دوست آمرزگار مهربان بگو نیست من اول رسول

مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بَكُمْ إِنْ أَتَيْتُمُ الْاِمْيَوتَ

از پیغمبران و نمیدانم چه کرده خواهد شد با من و با شما یعنی در دنیا پیرود می نیستم الا آنچه دمی فرستاده میشود
از رسولان و نمیدانم (بطور تفصیل) چه کرده خواهد شد من و ندانم چه کرده میشود (بنا بر پیرود می نیستم مگر آنرا که دمی کرده میشود

اگر در دعای شریک خود راست هستید از کدام کتاب آسمانی سندی بیارید و یا در چنان اصول علی ثابت کنید که نزد عقلاء و ائمه مسلم باقی ماند باشد چیزی که دلیل نقلی یا عقلی ندارد آن چیز محکوم بر کفر خواهد شد و چه گمراهی و حقاقت بزرگ تر ازین فعل خواهد بود که از خدا منفعت شد و چنان مخلوق بیجان و یا بے اختیار را حاجت ردای خویش قرار دهند که با اختیار مستقل خود به فریاد کسی رسیده نمیتواند بلکه این بهم ضروریست که آنها را خواندن کسی اہلیت آگهی داشته باشند نقل نظر از زبان سنی که بخواهند اختیار رے ندارند حتی فرشتگان و پیغمبران هم ک قدرت وادارند بر چیز را بشنوند و یا کاری را اجرا کنند معذرت که تنهایی سخن را شنیده و همان کاری را اجرا کرده می توانند که از طرف الهی اجازه و قدرت آن بایشان اعطا شده باشد چون در محشر به امداد اعانت بیشتر حاجت می افتند این معبودان بچاره به پرستندگان بجا آمد کرده می توانند کاری بگردانند و مقارن آنها را بشارت می کنند و بشاری زیاد خود را اظهار خواهند کرد بلکه این این اندازه اظهار خواهد نمود که تا نا توانا یا تابعدارند و ناقص

إِلَىٰ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ من مگر ترسانند آتشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ من مگر ترسانند آتشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و

كُفِّرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَّا

منکر شوید بآن و گواهی داده باشد گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس و کے ایمان آورد و

أَسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

سرکشی کردید شما البتہ ستمکار باشید هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را و گفتند

كُفِّرُوا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ

کافران در حق مسلمانان اگر این دین بهتر بود سے سبقت نکرده سے بر ما هوئے آن و چون راه نیافتند بآن

فَسَيَقُولُونَ هَذَا آفَكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِن قَبْلِهِ كُتِبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

خواهند گفت این دروغی است قدیم و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و بخشایش

وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيٍّ لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبَشَرِ

و این کتابیست باور دارنده زبان عربی آمده بر آینه بر سرانند ستمکاران را و برای مژده دادن

لِلْحَسَنِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا فَلَإِنَّ

نیکی کاران را هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خدا است باز قانع ماندند پس هیچ ترس نیست

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً

برایشان و نهایش آن اندوه نوزند انجمه اهل بهشت اند جاویدان آن جا پاداش داده شوند

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا طَحَمَلَتْهُ

بموجب آنچه می کردند و امر کردیم انسان را که نیکی کند به پدر و مادر و نیکی کردی او را

أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتَهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصْلُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ

مادر او به مشقت و زاده است او را به مشقت و او را جدا کردن او از شیر می ماه است و زنده ماند تا و تفکیک رسید

أَشْدَّ هُوَ بِبَلَغِ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

بمخال قوت خود در رسید به چهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن مرا تا شکر گویم در مقامی نعمت تو

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلَحَ رُبِّي

الهام کرده بر من و بر پدر و مادر من و کار نیک کنم که خوشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن بر آئے من

فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي اتَّخَذْتُ الْيَمِينَ وَآلِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

در فرزندان من بر آینه رقیب مردم بسوئے تو و بر آینه من از مسلمانانم این جماعه آینه شد

در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

و در اولاد من که بر آینه من رجوع کرده ام بسوئی تو و بر خفای من از قرآن بردارم آن جماعه آینه شد

حکم در آن زمان
مشرکان جاہل عرب
بعدم و نقل بنی اسرائیل
عقیده داشتند چون
بیت شہرت نبوت
آنحضرت صلی اللہ علیہ
و سلم بلند شد مشرکین
خواستند نظریہ
علای بنی اسرائیل
را درین بارہ معلوم
کنند غرض حقیقی این
این بود کہ آن مردم
را کند بی غایت برای
شان و بطی بدست آید
کہ بگوید این علم اہل
کتاب ہم سخنان او را
تکذیب می کنند مگر
مشرکین درین مقصد
بیشتر ناکام ماندند -
خداوند تعالی از زبان
بنی اسرائیل تصدیق
تا سید حضرت صلی اللہ
علیہ وسلم را نمودہ فقط
بہمین عقیدہ سخن کہ آن
مردم ہم مانند قرآن
تورات را کتاب آسمانی
دانند آنحضرت صلی اللہ
علیہ وسلم حضرت موسی
را پیغمبری گفتہ بدین
طریق دعوی رسالت
از طرف آنحضرت
و حق قرآن کہ کم چیز
جدید و غریب نیست
بلکہ باین طریق کہ بعضی
علمای یہود صحیحاً اقرا
کردند و گواہی دادند کہ
بدون شک و شبہ در
کتاب بابی باز ظهور
بک رسول ظہیر ایشان
از ملک عرب و کتاب
ادبیر دادہ شدہ و این
رسول همان رسول موعود
است و این کتاب
ہم چنان مست کہ
دران بارہ خبر دادہ شد
بود این شہادت ہای
علمای یہود در حقیقت بران

تَقْبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجِزُّ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

بهر آنکه از ایشان بپذیرد بهترین آنچه عمل کرده اند و در گذرم از جرمهای ایشان در این بهشت باشند

وَعَدَ الصِّدِّيقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ

وعدده راستی کرد و وعده داد می شنوند و آنکه گفت به پدر و مادر خود و دل تنگ شدم

لَكِنَّا نَعِدُنِي أَنْ أُخْرِجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهِيَ كَيْسَتُغَيِّرَ اللَّهُ

بلست شما آید و وعده میدهم که برآورده شود و دهها نسل گذشته است از من پیش از آن که در دنیا بودم و خداوند

وَيْلَكَ أَمِنْ هَٰذَا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا يَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا اسْمَا طَيْرٍ ۚ أَوَلَيِّنَ

ای گویید و ای بر کوسان شو بهر آئینه وعده خدا راست است پس گوید نیست این وعده مگر اسمانهای پرنده

أَوَلَيْكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ

این جماعت آتاسند که ثابت شد بر ایشان وعده عذاب از جمله امتها که گذشته اند پیش از ایشان از جنیان

وَالْإِنْسِ أَتَاهُمْ كَانُوا خَيْرِينَ ۝ وَلَئِنْ رَجَعْتَ مِمَّا عَمِلُوا وَلَوْ قُبِحَ عَمَلُهُمْ

و آدمیان بهر آئینه ایشان بودند زیانکار و اگر برگردی از آنچه کردند و اگر عملشان زشت بود

وَهُمْ لَا يَصْلَحُونَ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طِبْعَتَكُمْ

و ایشان ستم کرده نشوند و روزیک پیش آورده شوند کافران بر آتش گفته شود آیا ضایع کردید طبعت های خود را

فِي حَيَاتِكُمْ أَلَمْ تَكُونُوا أَتَقَرَّبُونَ ۖ فَالْيَوْمَ يُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ

در زندگانی دنیا و ای خویشاوندان و بهر من در زندگانی دنیا پس امروز جزا داده شود شمارا عذاب خواری بسبب آنکه

تُكْتَبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۖ وَإِذْ كُنْتُمْ أَوَّلَ

تکبر می کردید در زمین ناحق و بسبب آنکه بدکاری می کردید و یاد کن بهر قوم عاقد را

إِذَا نَدَّ رِقْمُهُ بِالْأَحْقَافِ ۖ وَقَدْ خَلَّتِ اللَّيْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

چون برساند رِقْم خود را بر زمین احقاف و دهرا نسل گذشته بودند ترسانندگان پیش رو و پس از او

أَلَّا تَتَّقُوا اللَّهَ ۖ أَلَا تَخَافُ عَلَيْهِمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا

که عبادت کنید مگر خدا را بهر آئینه من می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ گفتند آیا آمده پیش ما

لِتَقْتُلَنَا عَنْ الْهَيْئَةِ ۖ فَاتَّبَعُوا مَا تَتَّبِعُونَ ۖ قَالَ أَلَمْ يَأْتِ الْفِتْنَةَ

تا باز داری ما را از پیوستن میوه دان خود پس بیار آنچه وعده میدی ما را اگر راست گویا می گفت جز این نیست که

الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ قَآؤَ رَسُولِي ۖ وَلَكِنِّي أَنَا نَذِيرٌ ۝

علم نزد خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شدم همراه او و لیکن من هشدار دهنده هستم که نادانی می کنید

علم آن نزد خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شده ام به آن و لیکن من می هشدارم که نادانی می کنید

نوت و غیره و آنرا قبول نکنید بدانید که هیچ علم و گناه بزرگتر از آن نیست و برای آنچه ظالمان و گنهاران چه توقع نجات و نلاح میخوانند

صلی الله علیه و آله و سلم
یعنی در هیچ کس از ایشان باز نماند و الله اعلم
و من ترجمه گوید این
تقدیر است حال سجد
و شقی را پس سجد حق
خدا تعالی و حق الودین
بجای آورد با انواع نعم
مخفی نشود و در قیامت
حق تعالی رجوع میکند
و شقی معی که میان
کفر و عقوبت و الدین
و انکار مواد و صورت
سجد منطبق است
بر حضرت ابوبکر صدیق
و بر غیر ایشان نیز و الله
اعلم و صلی الله علیه و آله
جانب باین مضمون
تفسیر عثمانی
بقیه بر صفحہ ۵۰۲

۱۰ انارسلنا الیکم رسولا
شاهد علیکم کما ارسلنا
الی ذنون رسولا و الله
و حق برست بهر دو جن
عبد الله این سلام و غیره
۱۱ میگوید و این روی اخضر
صلی الله علیه و آله و سلم
آورده و اظهار کرده
گفت: این نهادا وجه
لیس بود چه کتاب این
چهره چهره در غلغله
آنها بختانیت می کرد
و اشیع الامجاد که در آن
است گواهی دادند پس
چون موسی علیه السلام
تقریباً هزار سال
پیش از وقوع برجیزی
ایمان آورد و علمای یهود
بر صدق آن گواهی میدهند
و بعضی اخبار یهودیه
شهادت علمی و ربانی
مشرف با سلام شوند
لهذا با وجود این همه
شهادت با آنکه از

دل بی جنگ و جفا
شود اعیان بسلاح
نماند و الله اعلم -۱۲-

تفسیر عثمانی

ع خدا قدرت دارد
که برین کافران عذاب
آسان بفرستد و باشد
«عاد» و «ثمود» آنها
پاک کن لیکن منظور خدا
از شروع نمودن جهنم

و قتال این بلاست
که بدگان را بر
استخوان کند - او

میخواهد ببیند که چند
مسلمان برای

نثار کردن جان
مال خود در مقابل نام

خدا آماده هستند و از
بین کفار چند نفر ازین

پیش آمد با تکیه و میدار
می شوند و ازین مصلحتی که

الله تعالی بایشان
داده است فائده می

بردارند ازین سبب
مانند قوه های سابق

آنها را یکدم نمی گردد
مستاصل نمی کنند حال

بهشتی که از زبان انبیاء
علیهم السلام و در جنان

میج خودشان بایشان
معرفی و معلوم شده بود

دران داخل کرده بودند
چون در آنجا رسند هر

بهشتی نشین خود را
خود بخود خواهند شناخت

و لش بهان طرف
که جای رایش

اوست پس می کند
(تنبیه ابن عباس)

«عزیز الله» را معنی
طیبه بهم می گویند است

یعنی جنت با خوشبختی
های گوناگون برای شان

معطر کرده شده -۱۳-

عنه شایسته کند
که مکران گذرشت

الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ

که کافران پیروی
ناراست کردند
و مؤمنان پیروی
درین راست کردند که از جانب

رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ۖ فَالَّذِينَ آمَنُوا

پسوردگار ایشانست
بچنین بیان می کند
خدا برای مردمان
پسوردگار ایشان است بهم چنین بیان می کند الله برای مردمان احوال ایشانرا پس یون مغرب (ملائاتی) متوجه

كُفَرُوا فَضْرِبِ الرِّقَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتْهُمُ وَهُمْ فَشِدَّةٌ وَالْوَتَاكُ فَكُلَّمَا مَكَا

کافران پس بزنند
کردن بار
تا و تکیه خوشتریزی بسیار کردید در ایشان پس حکم لقمه بیدار پس با حسان خلاص کردن

بِأَعْقَابِهِمْ يَضْرِبُ الرِّقَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتْهُمُ وَهُمْ فَشِدَّةٌ وَالْوَتَاكُ فَكُلَّمَا مَكَا

با کافران پس بزنند
کردن بار
تا و تکیه خوشتریزی بسیار کردید در ایشان را (و امیر گرفتید) پس مضبوط کنند قدر پس یا

بَعْدُ ۖ وَامَّا فِدَاءُ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهُمْ ذَٰلِكَ ۖ وَلَوْ كِشَاءُ اللَّهِ

بعد ازین و یا مانع
بجوش گرفتن تا آنکه
بهنده جنگ
بعد ازین و یا مسا و منه کنید تا آنکه بنده جنگ سلاح خود را حمل این است و اگر میخواست الله

لَا تَصْرِفْهُمْ وَلَكِنْ لِّيَبْلُو أَعْضَاءَ بَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ

خود انعام کشیده
از ایشان و لیکن
بجوایز که بدهد
خود انعام میکند از ایشان و لیکن میخواهد که امتحان کند بعضی شمارا با بعضی عه و آنرا که شسته شدند در راه

اللَّهُ فَلَئِنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سَهَّلَهُمْ وَيُصْلِحْ بَالَهُمْ ۖ وَبَدَّ خَلْقَهُمُ الْجَنَّةَ

خدا پس خط خواهد کرد
عمل ایشان را راه
خواهد نمود ایشان را و نیک خواهد کرد
الله پس هرگز ضلالت نخواهد کرد عمل های ایشان را و بازودی راه نماید ایشانرا و اصلاح کند حال ایشانرا و در ادیان آنها را بدو

عَرَفَهُمْ ۖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ

که شناسا کرده است
ایشان را با آن
اے مسلمانان اگر نصرت
که معلوم گردانیده آنها برای ایشان اے مؤمنان اگر نصرت دهید درین خدا نصرت دهد خدا شمارا و ثبات کند

أَقْدَامَكُمْ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ ۖ وَأَصْلُ أَعْمَالِهِمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

قدم های شمارا
و آنرا که
کافرانند پس پاک
قدم های شمارا و آنرا که کافرانند پس یروی افتاده بپاک است برای ایشان و خلیع کرده الله اعمال ایشان را این بسبب است که ایشان

كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

نابیندند و چیزه
را که فرو آورده است
خدا پس خط کرد خدا عمل ایشان را و آسایش کرده اند در زمین
تا بنگرند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ ذَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ذُلًا لِّكُفْرِهِمْ

چگونه بود انجام
آنها که پیش
از ایشان بودند
چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند (بلکه رفتند و دیدند) از بیخ کن الله ایشان را و برای کافران است

أَمْثَلُهَا ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

مانند این تقویت
این بسبب است
که الله مددگار مؤمنان است و بسبب آنست که کافران نیست هیچ مددگار برای ایشان
مانند آن تقویت عه این بسبب آنست که

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

هر آینه خدا در آورد
آنها را که ایمان
آورده اند و کارهای
بر آینه الله میدارد آنان را که ایمان آورده اند و کردند کارهای نیک به جنت با نیک میرود زیر درختان آن

تحتها الأنهار ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

جویها و آنرا که
کافرانند بهره
بر میگیرند و میخورند
جویها و آنرا که کافرانند بهره بر میگیرند و میخورند چنانکه میخورند چنانکه میخورند چنانکه میخورند

چون درین جهان
زلیل و سواست
نند و مذهبهای آنها چنان
بجای برابری که شد آیات کافران از دینی بیکه سزا داده می شود -۱۴-

وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۝ وَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَةٍ تَرَكُوا

دانش جائی ایشان است و بسیار از دین کوفی تر بود از دین تو
و دانش مسلان ایشان است و بسی از دین قریه کر آن قوی تر بود از دین قریه تو

الْبَقِیَّ أَخْرَجْتَ أَهْلَکَ هُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ۝ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَیِّنَةٍ مِنْ

که جلا وطن کرده ترا بگم ساختیم ایشان را پس نیست یار نصرت دین برائے ایشان آیا هر که باشد بر طریق روشن از
که بیرون کرده ترا بگم ساختیم ایشان را پس نیست یار مددگار برای ایشان آیا هر که باشد بر راه روشن از

رَبِّهِمْ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوُّ عَمَلِهِ ۝ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۝ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي

پیرود کار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در کارهای او و مانند آن که پیروی کردند خواستهش خود را صفت پیشینه که
پیرود کار خود مانند کسی است که زینت داده شد برای او و مثل پیرود پیروی کردند خواستهش مانند خود را صفت بهشتی که

وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۝ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ

و عده داده شد متقیان را اینست در آن بهشت جو بهشت از آب که بدیده اندکی متغیر نشده و جو بهشت از شیر که مزه اند
و عده داده شده به متقیان (این است) در آن جو بهشت از آب که بدیده اند و جو بهشت از شیر که مزه اند

طَعْمُهُ ۝ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ۝ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ

برند گشته و جو بهشت از می از لذت دهنده آشامان گان را و جو بهشت از شمشیر عسل که مزه شده و ایشان از است
مزه و جو بهشت از شراب خوشگوار برای آشامندگان و جو بهشت از شمشیر عسل که مزه شده و ایشان از است

فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۝ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ طَعْمُهَا خَالِدٌ فِي

آبجا هر جنس میوه با و ایشان راست آمرزش از پیرود کار ایشان
در آن از هر جنس میوه با و آمرزش از پیرود کار ایشان (آیا اهل بهشت) مانند آنست که همیشه باشد در

النَّارِ وَسُقُومَاءٌ حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ

آتش و نوشانیده شوند آب گرم پس پاره پاره ساخت رود بانه ایشان را و از مردمان است که گوش می دهند به تو
آتش نوشانیده میشوند آب گرم پس پاره پاره می کنند و ده بای ایشان را و بعضی ایشان آن است که گوش می نهی بگویند

حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

تا دینش که بیرون روند از نزد تو گویند یا آنانکه عطا کرده شد ایشان را علم چه چیز گفت پیشین
تا چون بیرون روند از نزد تو گویند به آنانکه داده شده آنها را علم چه گفت آنجا

أَنفَاكُ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۝

الحال آن جماعه آنانست که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند خواستهش نفس خود را
اکنون آن جماعه آنان اند که مهر نهاده است الله بر دل بای ایشان و پیروی کردند خواستهش بانی خود را

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ۝ فَهَلْ يَنْظُرُونَ

و آنانکه راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بد ایشان تقوی ایشان را و نظر میکنند
و آنانکه راه یافتند زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و داد بد ایشان تقوی ایشان را پس انتظار نمی برند

إِلَّا السَّاعَةَ ۝ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۝ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۝ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا

مگر قیامت را که بیاید بد ایشان تا همان پس بر آید آمده است علامات قیامت پس از کجا بماند برائے ایشان پس نظر میکنند
مگر قیامت را که بیاید بایشان تا همان پس هر آینه آمده است علامات آن پس بجا باشد برای ایشان چون

جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ ۝ فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۝ وَاسْتَغْفِرُوا لِذَنبِكُمْ ۝

بیاید قیامت ایشان پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و آمرزش طلب کن برائے گناهان خود و
بیاید قیامت ایشان پس در گفتن ایشان سه پس ثابت باش باین اعتقاد که نیست معبود مگر الله و آمرزش بخواه

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۝ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۝ وَيَقُولُ

در حق مردان مسلمان و زنان مسلمان و خدا می داند چنانچه در رفت و شد و چنانچه ماندن شما و می گویند
پس برای مردان مؤمن و زنان مؤمن و الله میداند بازگشت شمارا و مسکن شمارا و می گویند

ولا تترجموا توبه از انجا
تا آخر سور در باب جدید
مردم ضعیف الايمان نزل
شد ۱۲ اصل این
آیات بحکم آن شخص
است که بحکم علم در
آیه بعیم حقیقت کل
نرسد بسبب بوم بود
نفس بر دل او محتاج
استفسار دیگران گردد
و تخوین است بقیت
مثل این شخص را الله
اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی
عنه یعنی نصرت قرآن
مثلاً بکجه تنال الکلام
گذشته و عده و وعید
جنت و دوزخ همه را
شنیدند اکنون برای
باور کردن انتظار کدام
وقت را دارند همان
ساعتی را انتظار دارند
که قیامت قائم شود چند
علامات قیامت بخواه
شده است و تحقیق
در رسد موقع تحصیل
فهم دانش و باور کردن
برای آنها کجا باقی ماند
یعنی فهمیدن و باور کردن
آنوقت بکافی آید زیرا
که نجات به آن مرتب
نی شود و حضرت شاه
معاذ حق می نویسد
علامه بزرگ قیامت
بعثت نبی است همه
انبیاء انتظار بعثت
خاتم النبیین را داشته
چون او مبعوث شد
(مفعول و تخیل عالم
حاصل گشت) اکنون
فقط قیامت قیامت
باقی است و در حدیث
آمده که نبی کریم بسوی
الکشت شهادت
والکشت رسمی اشاره
کرده فرمود: انادوا الساعة

کها قیوم و قیامت مانند این دو کلمه استیم گویان از قیامت این قدر پیش بر آمده ام که انگشت و سبلی از کلمه شهادت پیش بر آمده است و در شرح صحیح مسلم نقل این داده است و درین

فل یعنی منافقان

یا یهود و نصاری

ظلمت نفاق بر روی

ایشان بویده ای شد

والله اعلم ۱۲

تفسیر عثمان

ع حضرت شاه

صاحب (رحم الله)

مینویسد یعنی ازین

به تنگ آمده آردی

جهادی کنی و اگر خدا

حزب شمار غالب

کنی فدا داری بای

(تنبیه) مترجم محقق

قدس الشریعه ترجمه

«تولیم» را به کیست

ناکس شدید کرده است

چنانکه داری بسیاری

مفسرین بیان است

علمای دیگر «تولی»

را بمعنی اعراض گرفته

چنین مطلبی گیرند

اگر شمار جهاد در راه

الله تعالی اعراض کنید

ظاهر است که در دنیا

امن و العاف تا کم

نمی شود چون در دنیا

امن و العاف باقی

نماند ظاهر است که

فدا دین و حق

ناشناسی برود

کاری آید و بعضی چنان

تفسیر کرده اند که اگر شما

از ایمان آردن بخواهید

کردید کیفیت زمانه

جاهلیت خودی کنید

یعنی خرابی با دلی نعلی با

و فسادی که در انفس

وقت بود و بر

سخنان ادنی

و جزئی روابط

و خویشاوندی منتقل

میگشت تمام نقشه باقی

با دیگران نام میشود و اگر

خطاب آیت مخصوص

معتقدین باشد

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا يَزَلِ فِي سُورَةٍ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَهُمْ فِيهَا

مسلمانان چرا افزو فرستاده نشد سوره پس چون فرستاده شود سوره

مؤمنان چرا فرو فرستاده نشد سوره پس چون فرستاده شود سوره

الْقِتَالِ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ نَظْرَ

قتال یعنی آنان را که در دل ایشان بیماری است می نگرند بوی تو مانند نظر کردن کسی

جنگ می بینی آنان را که در دل ایشان مرض و شك نفاق است می بینی بوی تو مانند دیدن کسی

الْمُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا

اورا بپوشیده از مرگ باشد بسبب حضور موت پس و آنست ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر و باطن در است

بپوشیده از مرگ باشد بسبب حضور موت پس و آنست ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر و باطن در است

عَزَمُوا الْأَمْرَ فَوَصَّدَ قَوْلُ اللَّهِ لَكَ خَيْرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ

مقرر شود کار اگر عزم خود را است کرده است با خدا بهتر بود بر آنست ایشان پس اے ضعیف ایمان اگر متولی

مؤکد شود کار پس اگر است کرده ای رده عده خود را به الله البتة بهتر بود برای ایشان پس آیا توقع میشود از شما که اگر حکومت

تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ

امور مردمان شوید البتة نزدیک اید از انقباض کاری کنید در زمین و قطع قبیل داری نمایند این جماعه آنانند

داده شود شمار آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید رشت داری بای خود را (آری) آن جماعه آنان اند

لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْبِرْ لَهُمْ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

کفر است که و ایشان را خدا پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیات را نمی کنند در قرآن

کفر است که و ایشان را خدا پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیات را نمی کنند در قرآن

أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ

یا بر دل با مغل آن دلهاست بر آئینه آنانکه برگشتند بر جانب پشت خویش پس از آن که

یا بر دلها ایشان تعلماست بر آئینه آنانکه برگشتند بر پشت بای خود پس از آنکه

مَا تَكُنْ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَهُمْ ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ قَوْلُ

ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است بر آنست ایشان مهلت داده است ایشانرا از پیروی سبب آلت ایشان

ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است بر آنست ایشان مهلت داده است ایشانرا از پیروی سبب آلت ایشان

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ

با آنکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است و فرمان برداری شما خواهیم کرد در بعضی کارها و خدا

بر آتانی که ناپسندیدند چیزی را که فرستاده الله که فرمان برداری شما خواهیم کرد در بعضی کارها و الله

يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

میدانند سخن پنهان گفتن ایشان را پس چگونه باشد حال وقتی که قبض روح ایشان کنند فرشتگان میزنند روی بای ایشان

میدانند را از گفتن ایشان را پس چه حال که باشد چون قبض کنند ارواح ایشان فرشتگان در حالیکه میزنند روی بای ایشانرا

وَادِّبَارَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسْتَحْطُوا وَكَرَهُوا ضِرَافَ حَبِطٍ

و پشتمانی ایشان را این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزه کردند که حاشم آورده اند و ناپسندیدند و ناپسندیدند و ناپسندیدند

و پشتمانی بای ایشان را این بسبب آنست که پیروی کردند چیزه را که حاشم آورده اند و ناپسندیدند (پس) بای ایشان را این بسبب آنست که

أَعْمَالَهُمْ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ

اعمال ایشان را آیا پندار داشته اند آنانکه در دل بای ایشان بیماری است که ظاهر نخواهد کرد خدا

علمای ایشان را آیا پندار داشته اند آنانکه در دلها بای ایشان مرض است که ظاهر نماند الله

أَصْغَاءَهُمْ وَلَوْ نَشَاءُ لَكُنَّا مُّسْمِكُهُمْ فَلَعَزَمْتُمُ الْمَسِيحَ وَلَعَزَمْتُمُ

کینهای ایشان را و اگر میخواهیم می نمودیم ایشان را بتو پس می شناسی ایشان را بای قیافه ایشان و الله یستغنی عن

کینهای ایشان را و اگر میخواهیم می نمودیم ایشان را بتو پس می شناسی ایشان را بای قیافه ایشان و الله یستغنی عن

چنین مطلب هم گرفته می شود که اگر جهاد اعراض کنید از شما این توقع کرده میشود که از شرارت بای منافقان خود در زمین خرابی بر پا می کنید و از مسلمانان

فِي كُنْهِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَسَبُّوْكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ

در اسلوب سخن و خدا میداند کردارهای شما را و لیسب و توبیخ شما را تا بشناسیم

الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ ۝ وَنَبِّئُوا خَبَارَكُمْ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بجهدان را از شما و صابران را و بپایانم احوال شما را و خبر بپایانم شما را تا بشناسم که کافر شدند

وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۝ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ

و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغمبر بعد از آنکه واضح شد ایشانرا

الْهُدَى ۝ كُنْ يَضُرُّوْا اللَّهَ شَيْئًا ۝ وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

راهدایت هیچ زبان نرسانند خدا را و ضایع خواهد کرد خدا عملهای ایشانرا و ای کسانی که ایمان

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّ

سلمانان فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغمبر را و باطل نمیدانید عمل بایستی خود را و هر آینه

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَا تَوَاوَهُمْ كَفَرًا فَلَنْ

آنانکه کافر شدند و بازداشتند از راه خدا بازگردند و ایشان کافر بودند پس هرگز

يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۝ فَلَا تَهْتَفُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ ۝ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ۝

خواهد آمد از خدا ایشان را پس سستی نمید و بسوی صلح نخواهید و شما را غالب

وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ ۝

و خدا با شماست و مایع نخواهد ساخت عملهای شما جز این نیست که زندگانی دنیا بازیست و

لَهُمْ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ۝

بپسندد و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید بدید شما را از شما دانه طلبد از شما مال شما را و

إِنْ يَسْأَلْكُمْ فِي حَرْبٍ فَبِحَقِّكُمْ تَبْخُلُوا ۝ وَيُخْرِجْ أَصْغَانَكُمْ ۝ هَٰؤُلَاءِ

اگر طلبد از شما مال شما را پس مبالغه کنید در خواستن سخن می گوید و ظاهری کند که بایستد بایستد شما را و هلاک بپایانم

تَدْعُونَ لِتَغْنُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۝ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ۝ وَمَنْ يَبْخُلْ

که خوانده میشود شما را تا خرج کنید در راه خدا پس از شما کسی است که بخل می کند و هر که بخل کند

فَأَنْتُمْ يَبْخُلُونَ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ ۝ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ۝ وَإِنْ

پس جز این نیست که بخل می کنید از خویش و خدا تو بخیر است و شما محتاجید و اگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۝

روگردان شوید بدل گردد گروهی دیگر از شما باز نباشند آنچنانچه مانند شما

وَلَا يَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ ۝

و نه خواهند بود که شما بودید و نخواهند بود مانند شما

وَلَا يَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ ۝

و نه خواهند بود که شما بودید و نخواهند بود مانند شما

وَلَا يَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ ۝

و نه خواهند بود که شما بودید و نخواهند بود مانند شما

وَلَا يَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ ۝

و نه خواهند بود که شما بودید و نخواهند بود مانند شما

صل یعنی بار بار و در بار
و سوره ۱۲۰ و صل یعنی جمع
مال را ۱۲۰ و صل یعنی
منفعت اتفاق از خود
باز میدارد ۱۲۰ و صل یعنی
گوید آنحضرت صلی الله
علیه وسلم خواب دیدند
گویا آنحضرت با اصحاب
در یک داخل شدند و
باطنیان خاطر حلق و
قصر مشغول اندیش آن
سال بقصد دعوت موجه
گرفتند و چون پیغمبر
رسیدند کفایت قریش از
و صل بکعبه باطل آمدند
و بعد تشویش بسیار یافتند
صلح کرده بغیر از و صل
بکعبه بازگشتند خدایتعالی
آن عمل را از ایشان
قبول فرمود و از آن
که در آنجا نشانی تشویش
بجهت تأکیده نرم آنحضرت
صلی الله علیه و سلم کرده
بودند را صحت شد ثواب
آن عمل قوت بسیار
نصیب ایشان گردانید
بختیغصص فخر خیر که بعد
ازین سفر با تراجی و صل
شده و فخر بکرم خداوند
بناظران بیعت گردانید
و غیر ایشان از انان خود
منع نمود و مضمون روایا
سال آینه و ظهور رسیده
پس در باب و صل و صل
در و صل منافقان بسیار
توقیف مضمون روایا و
بیان حکمت توقیف و
تهدید منافقان از سفر
حدیبیه و میان تشویش
خود با صل بیعت این سوره
نازل فرمود و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع ۱۰
و امثال آن مقصود
آزمایش است از
پسین آزمایش سخت

اینکای خود که گرام مردم در راه خداوندی بکنند و در شدید ترین امتحانات ثابت قدم و استواری باشند و کدام باز جانبازی پهلوانی می کنند ۱۲۰

فَمَنْ يَكُنْ فَاسْتَبَيْنَكَ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ

پس هر که بکشد عهد پس جز این نیست که می شکند بضر نفس خود و هر که تمام کند آنچه بر او با خدا عهد کرده است

فَسَوْفَ يَكُنْ لَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلْتُكُمْ

پس خواهد داد او را مزد بزرگ اکنون خواهند گفت با تو پس گذارستان از اعراب و مشغول کرد ما را

أَمْوَالَنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي

اموال ما و فرزندان ما پس طلب آمرزش کن برائے ما می گویند بزبان خود آنچه نیست در

قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ

دل ایشان بگو که می تواند برائے شما از خدا چیزی اگر خواهد زیاں رسانیدن بشما یا خواهد

بَكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ

در حق شما سود دادن بلکه هست خدا با آنچه می کنید خبردار بلی ظن کردید که

يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ

باز خواهد گشت پیاپی و مسلمانان بسوی اهل خانه خویش هرگز و آراست شد این ظن در دل شما

وَظَنَنْتُمْ ظَنُّ السَّوْءِ وَكَنتُمْ قَوْمًا بُورًا وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

و ظن کردید ظن بد و گشتید قومی پلک شده و هر که ایمان نیاورد بخدا و پیاپی او

فَأَنَّا نَعْتَدُ بِالْكَافِرِينَ سَعِيرًا وَذَلِكَ السَّعُوتُ وَالْأَمْرُضُ يُغْفَرُ

پس بر آئینه ما آمده که ایم برائے این کافران آتش را و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آرزد

لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ

هر که خواهد و عذاب می کند هر که خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان خواهند گفت با تو

لَا يَخْلَفُونَ إِذْ أَنْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوا هَذَا وَتَتَّبِعْتُمْ يَذْهَبُونَ

پس که از شما نماند و قیصر روانه شوید بسوی غنیمت ها و تا بدست آید آنرا بگذارید اما تا از پی شماردیم می خواهید

يَنْبِئُكُمْ اللَّهُ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ فَسَيَقُولُونَ

خبر دهد شما را خدا بگو پیروی ما نخواهید کرد هم چنین فرموده است خدا پیش از این پس خواهند گفت

لَا تَحْسَدُوا وَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ

بلی حسد می کنید با ما بلکه همیشه فهم نمی کردند مگر اندک می گوید پس گذارستان را از

أَعْرَابٍ سَتَدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَى بَالٍ شَدِيدَةٍ تَقَاتِلُوهُمْ أَوْ يَسْجُدُوا

اعراب را شما خوانده خواهید شد بسوی قومی که خداوندان کارزار سخت اند که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند

و اگر بایستد که شما را بفرزند و آیین است که بفرزند از حد به خدی تعالی دروغ بسته خواهد کرد (الباقی)

دل یعنی آنکه در
سفر حدیبیه موافقت
نکردند و الله اعلم ۱۲
اف یعنی غنیمت های
خیر است یعنی
فارس در دم و انچه
در زبان حضرت ابوبکر
و حضرت عمر متحقق
شد و الله اعلم ۱۳
تفسیر عثمانی
ع بعد از رجعت
حدیبیه با حضرت
صلی الله علیه و سلم حکم
داده شد که به "حجر"
بجای برده شود و در آنجا
بهره سکونت داشتند
و آنجا بهمدی کرده در
جنگ ۱۰۰ هزاره
اقوام کفار را برای هجوم
بجانب آماده ساخته
آورد و هر دو حد حق تعالی
به آنحضرت خبر داد و این
نشانی که به "حدیبیه"
نزدیک بودند در مکه و غیره
استغای شو نیست
خواهند کرد چرا که درین
بجای خطره کمتر و امید
غنیمت بیشتر است
بایشان بگو که پیش از
استغای شما الله تعالی
بما اطلاع داده است
که شما درین سفر بیجا
ماهر نخواهید رفت
درین صورت شما
بگونه همراه رفتی
توانید اگر بایر وید
معنای آن این میشود
که گویا فرموده خداوند
تعالی کرده شده حال
آنکه هیچ عیت تبدیل
آن ممکن نیست
یعنی اینها غلبی کم فهم اند
و از بخردی فهمیده نمی
توانند که مسلمانان
همه بد و قناعت دارند
ایمانی مومنان

فان تطيعوا امر الله اجر احسناء وان تتولوا كما توليت من
 علم ۱۲ فصل یعنی غنائم
 خبر و غیره ۱۲ فصل یعنی
 غنائم خبر ۱۲ فصل یعنی
 در حدیث ۱۲ فصل
 یعنی لغز قریش جمع
 شدند که آنحضرت
 را صلی الله علیه و سلم
 تشویق رسانند
 خداست
 دست
 ایشانرا
 از قتال باز
 داشت و هم صلح
 انجامید ۱۲ فصل یعنی
 غنائم فارس و روم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 عهده اندکی جبر گلب
 در جنگ بشما
 قطعا اجازه داده نمی
 شود. لیکن بعد از آن
 مگر که بای زیاد پیش
 می آید و مسلمانان با
 قوه های نهاییست
 جنگی داخل پیکاری
 شوند که سلسله آن
 تا زمانی جریان خواهد
 داشت که آن قوه ها
 یا مسلمان میشوند
 و یا بتادیه جزیه مطیع
 اسلام می گردند اگر
 واقعا شوق جهاد
 دارند و آنوقت در
 میدان کارزار داخل
 شده و دشمنان
 به سربد اگر درین موقع
 حکم خدا را پذیرفتند
 خدا بشارت بهترین پادشاه
 خواهد داد تنبیه مراد
 ازین اقوام جنگجوی
 حنیفه و غیره می باشند
 که قوم میل گذاب
 بود و یا به سوازن
 نفیض و غیره که در
 زمین یا آبها مقابل
 شده بود و یا آن مرتدین
 مراد است که صدیق اکبر رضی الله عنه بر ایشان
 لشکر کشی کرده بود و یا فارس و روم و کرد و غیره که در عهد خلفای راشدین با آنها جنگها و قوت

فان تطيعوا امر الله اجر احسناء وان تتولوا كما توليت من

پس اگر فرمان برداری کنید بید خدا شمارا مزد نیک و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده بودید

قبل يعذبكم عذابا اليما ليس على الاعلى حرج ولا على الاخرى

پیش ازین عذابت کند شمارا خدا عذاب دردناک نیست بر ناپیشتا تکلیف و نه بر

حرج ولا على المريض حرج من يطع الله ورسوله يدخله

کنایه و نه بر بیمار کنایه و نه بر بیمار کنایه و نه بر بیمار کنایه

جنت تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذب به عذابا اليما

بهشت نهایی می رود زیر آن جویها و هر که روی گردان شود عذابت کند عذاب دردناک

نقد رضى الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم

هر آینه خوشنودش خدا از مسلمانان و قتیله بیعت می کردند با تو زیر درخت پس دانست

ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم وانا بهم فتاح قريب

آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و گویا داد ایشان را تسخیر نزدیک

ومغانم كثيرة ياخذونها وكان الله عزيزا حكيم

و غنیمت های بسیار که بگیرند آنها را و هست خدا غالب با حکمت و عده داده است شمارا

الله مغانم كثيرة اخذونها فاعجل لكم هذه وكف

خدا غنیمت های بسیار که بگیرد آنها را پس زود عطا کرد این غنیمت و باز داشت

ابدي الناس عنكم وليتكون آية للمؤمنين ويهدى لكم صراطا

دست مردمان را از شما و تا باشد این مقدمه نشانه مسلمانان را و تا بناید خدا شمارا راه

مستقيما واخرى لم تقدروا عليها قد احاط الله بها وكان الله على

راست و عده داد خدا غنیمت های دیگر نیز که هنوز دست نیافته اید بر آن دانست است خدا آنرا دست خدا بر

كل شيء قد يراهم ولو فالتكم الذين كفروا ولو الاكابر منهم الذين

همه چیز که می بینید و اگر جنگ می کردند با شما کافران البتة می بیند ایشان را باز نمی یافتند

وليكوا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل كون تجد

کار ساز و نه نصرت دهنده مانند آن خدا که گذشت است پیش ازین و بخوابی یافت

لسنة الله تبديلا وهو الذي كف ايديهم عنكم وايدىكم

و دست آنها را باز داشت دست کافران از شما و دست شمارا

و ادست آنها باز داشت دست کافران را از شما و دست بای شمارا

عَمَّ يَبْطِنُ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

از کافران در میان که بعد از آنکه فیروز شد ساخت شمارا بر ایشان و هست خدا با پیکر می کند

بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ

بینا این کفار قریش آنانند که کافر شدند و بازداشتند شمارا از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را

مَعُوقًا اَنْ يَبْلُغَ حُجَّتَهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٍ

موقوف داشته از آنکه برسند بجای خود و اگر نبودند مردان مسلمان و زنان مسلمان

مَنْ تَعْلَمُوهُمْ اَنْ تَطَّوَّهُمْ فَمَا يَكُنْ لَهُمْ مَعْرَةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ

که می دانید ایشان را اگر نبویست خوف آنکه بی کند سر ایشان را پس برسد بشمار آنها و بداند که بی علم از ایشان

لِللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّوُا الْعَدُوَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

بر کراهت هر که دوست خود اگر این مؤمنان جدا میشدند (از کفار) البته عذاب میدادیم آنان را که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

عقوبت درد و مزه آنگاه که قسم کردند کافران در دل خویش غیرت را از جنس غیرت

الْبَاهِلِيَّةِ فَانْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغمبر خود و بر مسلمانان

وَالزَّكٰوٰةُ كَلِمَةً التَّقْوٰى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ

و ثابت کرد بر ایشان سخن پر بهر گاری و بودند سزاوار آن و اهل آن و هست خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ

بر هر چیز دانا و ثابت هر آنچه راست نمود خدا پیغمبر خود را خواب محقق

لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللَّهُ اٰمِنِينَ فَيُخْلِقِينَ رِءُوسَكُمْ

باید محمونی که البته داخل خواهند شد مسجد حرام اگر خدا خواسته است امان شده تراشیده موئیس سر خود را

وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

و مقصران گرفته تر سال شده پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش ازین

فَتَحَا قَرِيبًا هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينٍ اَحَقَّ لِيُظْهِرَهُ

تنه نزدیک را اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را به هدایت و دین حق تا غالب کند دشمن

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

بر دینان همه آن و کفایت خدا اظهار حق کننده محمد صلعم پیغمبر خداست و آنانکه همراه اویند

فلان توفیق است
بآن قصد که بعد از نفاق
صلح بنه او تن از او باشر
قریش خواستند که بنجر
بر صحابه تاحث آرند
صحابه همه را اسیر کرده
پیش آنحضرت علی الله
علیه وسلم آورده اند و غنیمت
غلو فرمود ظاهر از روی
بند و معیفت است و
میج آنست که این آ
بشارت بفتح کرد
آوردن لفظی از
جهت تحقیق و توح
بشدت و الله اعلم
فلان تصدیق رویا
بالفعل محقق شد
و فتح عاجلا میسر شد
والله اعلم و صلوات
جماعت از مسلمانان این
صلح را کرده بودند و خدا
خداست اطمینان را
بدل ایشان انداخت
تا بر حق آنحضرت صلی الله
علیه وسلم رضادادند الله
اعلم

تفسیر غمانی

چند سوره مشرکین
به حدیث رسیده
بودند که موع یا نه آخر
را شهید کنند و بعض
مسلمانان را که تپانیده
آزاد بدهند چنانچه یک
اندازه آزاد را از او رانند
حتی یک مسلمان را هم
کشند کلمات استثنای
آنکه گفتند بالاخر صحابه
رضی الله عنهم آنها را
زنده دستگیر کرده
بجغور رسول کریم صلی الله
علیه وسلم حاضر کردند
آنحضرت آنها را اسرا
فرمود و بیج استقامت کردند
درین کار به سبب جنین
واقعات اشاره شد
و در بیان که (یعنی

صلح مثل آنست که اسلام در اول حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند و در وقت غالب و بسیار شد عاقبت حال غلبه اسلام آنست که پیشتر آمد و خداوند را که میفرماید ۱۵ خداوند این مع سورت بر لیس علم و آداب فرود آورد که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم در امر دینی پیشدستی نلکند و با حضرت پیغمبر و اولاد و بنو طالب نلکند و اگر فاسق یا فتنی گوید بغير تفقیش حال امضاست عزیمت نمایند در صورتیکه میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن بچشم کشنده دانا سنجند یا بکشد و لقب بدیهان و غیبت کردن و ظن بد مقدر کردن و بطلان نسب بزرگواران فخر کردن منع کرده و ضعف ایمان را بر ضعیفیت ایمان تنبیه فرمود و الله اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه من رفته الله بنویس و درستی و نری که در سرشت کسی باشد در هر موقع بکسان بروز میکند و آنکه باریه ایمان اصلاح یافته باشد تنبیه و نری بر یک حقوق خود ظهور می نماید علم انوشتر آنکه اگر با کافری به احسان و حسن سلوک پیش آملن مصالحت شرعی باشد باکی ندارد مگر در محله دین نباید مشارک است و کمزور بداند ۱۲

أَشَدَّ أَعْلَى الْكَفَّارِ حَمَاءَ بَيْنَهُمْ رُكْعًا سَجْدًا تَفِي يَتَبَعُونَ فَضْلًا

تخت اند بر کافران مهربان اند در میان خود می بینی ایشان را رکوع کنند و بجهه نمایند می طلبند فضل را سخت اند بر کافران مهربان اند در میان خود می بینی ایشان را رکوع کنند بجهه کثان می طلبند فضل را

مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنَ اتِّسَاعِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ

از خدا و خوشنودی را نشان صلاح ایشان در روی ایشان است از اثر سجده ای که ذکر پیشود داستان ایشان است از الله و خوشنودی او را علامت ایشان در رویهای ایشان است از اثر سجده این (که ذکر شد) صفت ایشان است

فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَكَرِهَ

در تورات و در انجیل ایشان است در انجیل ایشان مانند زراعت هستند که بر آورد گیاه سبز خود را پس قوی کردند آن را در کوریت و صفت ایشان در انجیل ایشان است که بر آورد شارب خود را پس قوی کردند آن را

فَاسْتَعْظَمُوا فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ

پس سطر شد پس استوار شد بر ساق خود که بشکفت می آورد زراعت کنند و را تا بخشم آن و بسبب ایشان کافران را

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

و عده داده است خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند از این است آمرزش و مزد بزرگ و عده داده است الله آنان را که ایمان آورده اند و کرده اند کارهای شایسته از ایشان آمرزش و مزد بزرگ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

ای اے مسلمانان پیش دستی نکنید در پیش خدا و رسول او و ترسیده باشید از الله (هر آینه) الله

سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ

شنو ادا ناست ای اے مسلمانان بلند نکنید آوازهای خود را بالاتر از آواز

النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ

پیغامبر بلند گوید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برائے آخر از آنکه نابود شود پیغمبر بلند گوید با او سخن مانند بلند گفتن بعضی شما به بعضی (از خوف) آنکه مانع شود

أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضَوْنَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ

عمل شما و شما جز دارینا شنید هر آینه آنانکه بیست می کنند آوازهای خود را نزدیک

رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

پیغامبر خدا آن جماعه آنانکه اند که آزموده است الله دلهای ایشان را برای تقوی ایشان راست آمرزش فرستاده الله آن جماعه آنانکه آزموده است الله دلهای ایشان را برای تقوی ایشان راست آمرزش

وَأَجْرٌ عَظِيمٌ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ يَنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكُتْرَهُمْ

و مزد بزرگ و مزد بزرگ (بحق) آنانکه ندا می کنند ترا از بیرون حجرها اکثر ایشان

لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

و اگر ایشان صبر کردند تا تو قتی که بیرون آئی بوی ایشان بهتر بود برائے ایشان و اگر ایشان صبر کردند تا تو قتی که بیرون آئی بوی ایشان بهتر بود برائے ایشان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِشْمٌ

اے مسلمانان! احتراز کنید از بسیاری گمان بد هر آینه بعضی بد گمانی گناه است
اے مؤمنان! اجتناب کنید از بسیاری گمان بد بعضی بعض گمان گناه است

وَلَا تَحْسَبُوا أَنِّي مَغْلُوبٌ ۚ بَعْضُكُم بَعْضًا يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ

و چاسوسی مکنید و غیبت نکنید بعضی شما بعضی را
و محسب مسلمانان را مغلوب مکنید (چون بعضی شما بعضی را آید دوست میدارد و یکی از شما که بخورد

لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا

گوشت برادر خود کمرده باشد پس متغیر شوید از آن: بترسید از خدا هر آینه خدا توبه پذیرنده مهربان است اے
گوشت برادر مرده خود را (و غیبت نکنید بعضی شما بعضی را آید دوست میدارد و یکی از شما که بخورد

النَّاسِ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُ شَعُوبًا قَبَائِلَ

مردمان بر آینه آخریم شمار از یک مرد و یک زن و ما خیمت شمارا جماعتها و قبیلها
مردمان (بر آینه) ما آخریم شمار از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شمارا نژادها و قبیلها

لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّا كَرَّمَكُم بِذَلِكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ قَالَتْ

تا با یکدیگر متعارف سازان شوید هر آینه گرامی ترین شما نزد یک خدا بر بهترین کار قرین شماست هر آینه خدا دانای جزو است گفتند
تا با هم شمارا متعارف سازان شوید (بجای قرین شما نزد الله بر بهترین کار قرین شماست (بجای قرین شما نزد الله بر بهترین کار قرین شماست

الْأَعْرَابُ أَمْ أَفْلَاحٌ لَّكُم مَّا مَنَعَهُمُ الْإِيمَانُ فَهُمْ لَا يَسْعَوْنَ فِي الْإِيمَانِ

اعراب ایمان آورده اند و هم بگو ایمان محققیت نیافریده و دلیل بگوئید منقاد شده ایم و هنوز در میانه است ایمان
عرب ها بے مادی نشن که ایمان آورده ایم بگو ایمان نیافریده و لیکن بگوئید منقاد شده ایم در حال که داخل نشده ایمان

فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِفْ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ شَيْئًا ۚ

بدل هائے شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید که ندید شمارا از جزائے اعلیٰ شما چیزی
در دل هائے تان عده و اگر فرمانبرداری کنید از رسول او و انافص نکنید چیزی را از اعمال شما

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است جز این نیست که مؤمنان بحقیقت آنانند که ایمان آوردند بخدا و پیغمبر او
(بجای قرین) الله آمرزنده مهربان است جز این نیست که مؤمنان کامل آنانند که ایمان کردند به الله و رسول او

ثُمَّ لَمْ يُزَيِّنُوا بِأَوْجَاهِهِمْ وَأَيُّهَا مَوَالِيهِمْ وَأَنْفُسُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ لِيَكُونَ

باز شهادت نکردند و جهاد نمودند با موال خود و جان خود در راه خدا آن جماعه
باز شک نیافرودند و جهاد (کوشش) نکردند مال هائے خود و نفس هائے خود در راه الله آن جماعه

هُمْ الصَّدَقُونَ ۚ قُلْ أَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي

ایشانند راست گویان بگو آیا خبر داری که الله خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در
ایشانند راستان بگو آیا خبر داری که الله خدا را بدین خود حال آنکه الله میداند آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ يَسْمُونَ عَلَيْكَ

آسمانهاست و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می نهند بر تو
آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می نهند بر تو

إِنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَسْمُوا عَلَىٰ إِسْلَامِكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ

بایک مسلمان شده اند بگو منت منهد بر من باسلام خود بلکه خدا منت می نهد بر شما بایک
بایک مسلمان شده اند بگو منت منهد بر من باسلام آوردن خود بلکه الله منت می نهد بر شما به آنکه

هَدَىٰكُمْ لِلْإِيمَانِ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ

هدایت کرد شمارا بایمان اگر راست گویید
هدایت کرد شمارا بسوی ایمان اگر راست گویان عده (هر آینه) الله میداند پوشتیده آسمانها

عده در این آیت و
انودی کند که چون ایمان
و یقین که حق در دل
را رخ شود و ریش در دانه
خفاک غیبت عیب
جوی و بفره از آدم دور
میشود و تحقیق عیب
و از ادا دادن دیگران
آفته باشد بدین
کردن وی ایمان تا
هنوز بکلی جا نگرفته در
حرفی آمده یا معشر
من امن بستانه و لم
یغض الا ان الی علیه
لا تقابلوا المسلمین ولا
تتبعوا عوراهم و الحث
این کثیر (صفحه)
حضرت شاه صاحب
رحمه الله میفرماید یکی
میگوید که ما مسلمانیم یعنی
مسلمان را قبول کردیم
درین صورت مصافحه
نیست اما یکی میگوید
که من پوره یقین دارم
یقین او کامل است
آنکه آن کجاست کسی
و اقتضای باب ایمان
خود یقین کامل دارد و او
از اظهار چنین دعوی
میزد دعوی مشرک
عده حضرت شاه
صاحب (رحمه الله)
میفرماید اگر یکی از
دست مایل آید دعوی
و تخمین خود مینماید
بلکه شایسته خدا است
که بجای آن بنی مارا
توفیق داده گوید خاتم
سوره خاطرنشان نمود
که اگر برای یاسینی
به هدایت قرآنی و تعلیم
استماع توفیق نصیب
شمار شود احسان و
منت گذارد بیک
شکر احسان و انعام
خدای را ادا کنید
که او به شما چنین توفیق از انانی فرموده

۲۸ صلواتی آید بر خدای
از حدیث ایشان ۱۲
۱۲۷ صلواتی بر خدای
محموط ۱۲



تفسیر عثمانی

۱۵ از بزرگی عظمت
شان قرآن چه توان
گفت این کتابی است
که به نزل خود هر کس به
راستش کرد و با قوت
اعجازیه و اسرار و مود
بی انتهای خود دنیا را
محجوبت ساخت و این
قرآن دارای مجده شرف
بذات خود باشد است
که از هر کس نقص عیب
پاک بوده به عجب کلمه
آن طرف نماند چینی و
انتقاد واقع نمیشود با
این بزرگان آنرا بقول
نمی کنند انکار آنها
ازین سبب نیست
که آنها بر علیه آن کدام
حجت و بر بانی دارند
بلکه محض از جهل حافت
خود بر این واقف عجب
می کنند که چنان از
خاندان و طایفه خود فخرها
مردی به عنوان رسول
بسوی آنها آمد و خود را
بزرگ معرفی کرده بگفتن
را بپند و نصیحت میداد
مطلب بر آن سخن عجیبی
گفت که هیچ کس آنرا
باور کرده نتواند اینک
مطلبیکه مرده با خاک
آمیخته آیا باز بسوی
زندگی برگردد اندیشه
این باز شنیدن بسیار
دور از عقل و از ایمان
و عادت عجمی است
علاوه بر اینکه
بسیار در امان است

وَالْأَرْضُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَن يَعْمَلُونَ ۝۵۰

د زمین و خدا بیناست با چیزی کند
و زمین را و خدا بیناست با آنچه می کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم آغاز می کنم بسم خداوند
بسم آغاز می کنم بسم خداوند

قَدْ خَلَّوْا الْقُرْآنَ الْهَجْدَ ۝۵۱ بَلْ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ

قسم به قرآن با بزرگی که تو پیشتر خبر خدای
قسم است بقرآن باینکه آن را که کافران از آنند آمد بدیشان ترساننده از قوم ایشان پس گفتند

الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۝۵۲ عَازِمِينَ أَنْ يَأْتِيَهُمْ كُرْهُاءُهُمْ يَوْمَ يَنْصُرُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۝۵۳

آن کافران این چیز است عجیب
کافران این چیز است عجیب

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ ۝۵۴

ما را آیدند دانسته ایم آنچه کم می کند زمین
ما را آیدند دانسته ایم آنچه کم می کند زمین

بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ قَرِيبٍ ۝۵۵ أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ

حق راست را دیدند که می آید بدیشان پس ایشان در کاری مضطرب آیا (عقلات کردند) پس ندیدند بسوی آسمان
دین راست را بنگاریدند که می آید بدیشان پس ایشان در کاری مضطرب آیا (عقلات کردند) پس ندیدند بسوی آسمان

فَوْقَهُمْ كَيْفَ بُنِيَتْ فَأَوْزَيْتُهَا وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ دَائِرَةٍ ۝۵۶

بالای خود چگونه بنا کرده ایم آنرا و آراسته ایم آنرا و نیست در آن هیچ شکافی
بالای خود چگونه بنا کرده ایم آنرا و آراسته کردیم آنرا و نیست در آن هیچ شکافی

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝۵۷ تَبَصَّرُوا وَكُنْ

و انداختیم در آن کوه ها و رویمانیدیم در آن از هر نوع خوش آینه
و انداختیم در آن کوه ها و رویمانیدیم در آن از هر نوع خوش آینه

لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۝۵۸ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبًّا وَنَبْتًا

بر هر بنده رجوع کننده و فرود آوردیم از آسمان آب بابرکت پس رویمانیدیم بسبب آن بوستانها و درختان
برای هر بنده رجوع کننده و فرود آوردیم از آسمان آب بابرکت پس رویمانیدیم بسبب آن بوستانها و درختان

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ۝۵۹ رِزْقًا لِلْعِبَادِ ۝۶۰ وَأَحْيَيْنَا

گردوی کند آنرا و درختان خرا بلند بالا بر آمده آنرا دیده است گویند روزی برآید بهندگان و زنده سازیم
شست در درخت و در رویمانیدیم درختان خرا بلند بالا بر آمده آنرا دیده است گویند روزی برآید بهندگان و زنده سازیم

بِهِ بَلَدَةً قَتِيلًا ۝۶۱ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُمْ إِذْ نُفِيَ عَنْهُمْ رَبُّهُمْ وَجَاءَ رَجُلٌ

باز شهر مرده را بهم چینی باشند بر آمدن از کور بدروغ نسبت کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل رس
بآن آب ملک مرده را بهم چینی است بر آمدن از کور (از کور) تلفظ کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل چاه

وَنُوحٍ ۝۶۲ وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطَ ۝۶۳ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ ثَمُودَ ۝۶۴

و نمود و عاد و فرعون و برادران لوط و اهل ایکه و قوم ثمود
و نمود و عاد و فرعون و برادران لوط و اهل ایکه (باشندگان جگن) و قوم ثمود

كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ۝۶۵ أَفَعَبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي

همه یک بدروغ نسبت کردند بر اینها همان را پس ثابت شده وعده عذاب من آیا عاجز شده بودیم در آفرینش مخلوقین بلکه ایشان در
همه یک بدروغ نسبت کردند بر اینها همان را پس ثابت شده وعده عذاب من آیا عاجز شده بودیم در آفرینش مخلوقین (از) بلکه ایشان در

نوشته باقیش هم خوش آیند میباشد ۱۲

فلین کرنا تین
والله اعلم
یعنی اگر کلمه حق
فرشته دست راست
ی نوید و اگر کلمه باطل
باز فرشته دست چپ
ی نوید و الله اعلم
مترادفین روان
کننده و گویای دهنده است
و مترجم گوید عادت
بادشاهانست که اسیر را
پیش ایشان دو کس
گرفتاری آوردن جهت
دو فرشته را خطاب نمود
یعنی از ایشان
از اسیران و الله اعلم
و مترجم گوید
اندازند یا به طلب کنند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
مترادف از درگ جان
رگ گردن است که
آنها را شریک میگویند
که چون آن رگ بریده
شود انسان می میرد
شاید گویای از جان و
روح باشد مطلب
ایمن است که با باطن
علم از روح و نفس
هم تراز و یکسان یعنی چنانکه
انسان در باب اعمال
خود علم دارد و علم باطن
بعلی که او چنان خودش
داند هم بیشتر است
نیز علت و مشأرا
باسم و ناشی
چنان قرین حاصل
می باشد که معلول و
ناشی را یا نفس خود را
هم نمی باشد حضرت
شاه صاحب الامر علیه
السلام و خداوند
واقع انسان نزدیک
است اما که قادر
از جان است کسی
بر خوب گفتار است
جهان نهان در جسم و او در جهان نهان و ای نهان اند نهان ای جان جان

لَبَسَ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْنَاهُ قُوسًا

سجده انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز و غلط میکرد و اندیش

بِهِ نَفْسَهُ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَكَلِّمِينَ عَنْ

نفس او و ما نزدیک تریم به او از رگ جان و از رگ جان من (یا دکن) چون فرا گیرند و (فرشته) فرا گیرنده از

الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝

راست نشینده و در پهلوی چپ نشینده و زبان نمی آورد (آدمی) سخن مگر نزدیک او نگهبانی است میباید

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۝ ذَلِكُمْ مَّا كُنْتُمْ تُحْيِيهِمْ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

و بیاید سحری موت براستی ایست آنچه از ان کناره می بردی و دمیده شود در صور و بیاید سحری (سحری) مرگ براستی (گفته میشود) این است آنچه که از ان کناره می گرفت و دمیده می شود در صور

ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَ مَا سَأَلَتْ ۝ وَتُهَيَّأُ ۝ لَقَدْ

ایست روز وعده عذاب و بیاید هر نفس همراه او روان کننده است و گویای دهنده است گویم هر آینه این است روز وعده عذاب و می آید هر نفسی همراه او یک رواننده و یک گویای دهنده (هر آینه)

كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ ۝ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۝

بودی در بے خبری از این مقدم پس برداشتم از تو پرده را پس چشم تو امروز تیز بین است بودی در بے خبری از این روز پس برداشتم از تو پرده (غفلت) چرا پس چشم تو امروز تیز است

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ۝ أَلْقِيَ فِيْ جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَتِيدٍ ۝

و گفت فرشته هم نشین او ایست آنچه نزدیک من بود حاضر کرده شده گویم با فلانده و در فرشته در دوزخ هر ناپسند سرکش را و گوید فرشته هم نشین او این است آنچه نزدیک من حاضر است (گویم) با فلانده ای و در فرشته در دوزخ هر ناپسند سرکش را

مُنَادٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ آخِرَ الْقِيَمَةِ فِي

بر اسمان کننده مال را در گذشته از حد را شک اندازنده آنکه مقرر کرد با خدا موجودی دیگر پس با فلانده این هر یک را در منع کننده مریض را در گذشته از حد شک اندازنده آنکه مقرر کرد با خدا موجودی دیگر پس بیدار بیدار او را در

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتَكَ وَلَكِنْ كَانِ فِي ضَلَالٍ

عذاب سخت گفت هم نشین او گفت اے پروردگار من گمراه نکردم این شخص را و لیکن دس بود در گمراهی عذاب سخت گفت شیطان رفیقش ای پروردگار من گمراه نکردم این شخص را و لیکن او بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدُنِّي وَقَدْ قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ ۝

دور فرمود خصومت کنید نزدیک من حالانکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئ شما و وعده عذاب دور میفرماید (الله) خصومت کنید نزدیک من حال آنکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئ شما و وعده عذاب

مَا يَكِدُّ الْقَوْلُ لَدَىٰ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ ۝ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِرَجُلٍ

نفر داده سخن شود و وعده نزدیک من و تسلیم منستم کننده بر بندگان روزی که گویم دوزخ را نفر داده نشود سخن نزدیک من و تسلیم منستم کننده بر بندگان روزی که گویم دوزخ را

هَلْ أَمْتَكُتْ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ۝ وَآزَلَفْتُ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرِ

آیا پشیدی و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین بهشت و نزدیک گرداننده شود بهشت برای متقیان نه آیا پشیدی و دوزخ گوید هیچ ازین زیاده بهشت و نزدیک گرداننده شود بهشت برای متقیان

بَعِيدٍ ۝ هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ

دور نده گویم این است آنچه وعده داده میشد شما را نزدیک کرده شده برای رجوع کننده ادب نگه دارنده را برساند هر یک که برگردد از خدا دور نیست (گویم) این است آنچه وعده داده میشد شما را برای هر رجوع کننده نگه دارنده (حدود) هر یک که برگردد از خدا

وَعَدَ الْوَّابِينَ ۝ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝

و وعده داده شد به بازگشت کنندگان و اولئک هم المتقون

بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ لَهُمْ
 نازیده و پیش آمد بیدل متوجه شده گوئیم داخل شوید در بهشت همراه سلامتی ایست روز همیشه باشید این است
 نازیده و بیاد دل رجوع کننده به خدا (گوئیم) داخل شوید در بهشت در حال سلامتی این است روز همیشه بودن ایشان است
مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ
 آنچه خواهند در بهشت و نزد یک ما زیاده است از آن و بسیار هلاک کردیم پیش ازین است با که
 آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاده هم است و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از امت با که ایشان
أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّجِيصٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 قوی تر بودند ازین چنانچه در دست درازی پس نقص کردند در شهرها که هیچ گریز گاه نیست هر آینه درین مقدمه
 قوی تر بودند ازین چنانچه از روی قوت پس بختکاو کردند در شهرها آیا جای گریز هست نه (هر آینه) در این (مذکور)
لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 بخدمت کسی را کرده داریا گوش نهند متوجه شده و هر آینه آفریدیم
 جای بخشن (بند) است برای کسی باشد مراوردل یا گوش نهند و اوست متوجه (حاضر) و (هر آینه) آفریدیم
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ
 آسمان با زمین و آنچه در میان برود هست در شش روز و نرسید مایه با مادی
 آسمان با زمین را و آنچه در میان آنهاست در شش روز و نرسید مایه با مادی
فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ
 پس صبر کن بر آنچه می گویند و بپای یاد کن همراه ستایش پروردگار پیش از آمدن آفتاب و پیش از
 پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح گفته باش با ستایش پروردگار خود پیش از آمدن آفتاب و پیش از
الْغُرُوبِ وَمِنْ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ وَاسْتَغْفِرْ يَوْمَ يَكُونُ
 فرو شدن و در بعض اوقات شب بپای یاد کن خدا را و عقب نماز نیز و بفتویا پس قصه روز یک آواز دهد
 غروب و در بعض اوقات شب تسبیح بخوانند و بعد از سجده نماز نیز و بشو روز یک آواز دهد
السَّادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ
 آواز دهنده از جای نزدیک دل روز یک بشنوند نوحه تند بغیر ترده و آنروز روز
 آواز دهنده از جای نزدیک روز یک بشنوند آواز محقق را آنروز روز
الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَاللَّيْلُ الْمَصِيرُ ۝ يَوْمَ تَشَقُّقُ
 بر آمدن ایشان است هر آینه بازنده می نم و می میرانیم و بسو است بازگشت روز یک بشکافد
 بر آمدن است (هر آینه) بازنده می کنیم و می میرانیم و بسو است بازگشت روز یک بشکافد
الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاعًا ۝ ذَلِكُمْ عَلَيْكَ يَسِيرٌ ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ
 زمین از سر ایشان بیرون آید شتابان این بر ایشان است آسان بر ما بسیاریم ایچ می گویند
 زمین از ایشان بر آمده شتابان این حشر بر ما آسان است ما خوب می دانیم آنچه می گویند
وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذِكْرٌ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَتَخَفُ وَعِيدًا
 و نیستی تو بر ایشان جبر کننده پس بپند ده به قرآن هر گرامی ترس از عده عذاب من
 و نیستی تو بر ایشان جبر کننده پس بپند ده بقرآن کسی را که می ترس از عده عذاب من
إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝
 بسم خدا می بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بنام خداوند بے اندازه مهربان نهایت بارحم است
وَالذَّرِيتِ ذُرْوَاهُ ۝ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ فَالْجَزِيتِ يَسْرَاهُ ۝ فَالْمَقْسَمَاتِ أَقْرَاهُ ۝
 که بیاد باشد بر آنگاه کنده خاک و جز آن بر آنگاه کردنی پس قسم باد بر دانه بار آب پس قسم بکشتی بانه روان شونده پس قسم بفرشتگان که
 که بیاد بای بر آنگاه کنده ر خاک را بر آنگاه کردنی پس بر دانه گان باد پس بر روان شونده یا آسانی پس تعجب کننده گان کار

فلان این تصویر هست
 آخر اگر چه در استماع
 نذر اسادی باشند
 و الله اعلم بالصواب
 ارتفاق و بلاد بار ۱۱۱-
 تفسیر عثمانی
 سحر که در
 دنیا خدا را یاد کرد و دند از
 گناهان محفوظ بوده
 بسوی او رجوع نمودند
 و بدون مشاهده از قهر و
 جلال او ترسیدند و بایک
 دل پاک در رجوع کنند
 بحضور او حاضر شدند و
 این جنت به بجز مردم
 داده شده بود و قی در
 رسیده که سلامتی و
 عافیت در آن داخل
 گردند و فرشتگان را
 سلام گویند و ایچ روز
 رانیزه آن رسانند
 طبق اهل بیان تعجب
 اخروی کفار بود در میان
 مقابل آنها در تنگم این
 جنت آمد اکنون با ناز
 مجازات کفار گری کند
 یعنی پیش از آخرت
 در دنیا هم چندین قوم
 شمرند و سرکش را تها
 کرده ایم که آنها در قوت
 و تعداد نسبت با قوم
 موجوده کفار را تها
 بیشتر بودند و آنها بر
 شهرهای بزرگ و زیاد
 دست یافته بودند
 ۱۴ باز چون عذاب الهی
 ۱۵ در رسید بر وی زمین
 ۱۶ جای گریز و پناه
 نیافتند و در این طلب
 است که در وقت عذاب
 خواسته در قریب
 خود جای پناه و فرار
 کنند مگر هیچ پناهی
 نیافتند شرح آخر تذکر
 از حد ترجمه به این است
 با شرح اهل انکار

فل یفنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر و شکل بره و شکل عقرب و الشیء اعلم ۱۲-
 و معنی پیش از وجود خارجی در عالم ملکوت بنوع و عقوبت و امثال این تصور میشود و الله اعلم ۱۳-
 و کتب خود یعنی دارالکرم البیرونی و کتب بایان برترین بایاد و الله اعلم ۱۴-
 تفسیر عثمانی
 سه بیشتر قسمت را در عبادت الهی می گذرانند و در آخر شب نزدیک باعداد اضافی از نماز تفسیر خویش را میخوانند که بار الهی حق عبودیت را او کرده بتواضع کونای خود گذارند و باین جهت طایفه حرافه گشت عبادت آنها را مغرور و شیطان را بلکه بر تناسل ترقی بندی نشان در خوف و خشیت آنها میافزود.

چنانکه در سخن زدن خود مشبه ندانید درین کلام بهم شک و شبه نیست و درین تعلیقا خواهد شد قیمت بر با تو باشد آخرت ختمی آید و عبادی فدای مستان ضرور پوره میشود بعد از این بر مساسبت و فی احوالهم فی السائل را محرم و مهابان نواری حضرت ابراهیم را حکایه می کنند که تمهید است برای آنکه بواسطه السلام از بر

۱۸- چنانکه در سخن زدن خود مشبه ندانید درین کلام بهم شک و شبه نیست و درین تعلیقا خواهد شد قیمت بر با تو باشد آخرت ختمی آید و عبادی فدای مستان ضرور پوره میشود بعد از این بر مساسبت و فی احوالهم فی السائل را محرم و مهابان نواری حضرت ابراهیم را حکایه می کنند که تمهید است برای آنکه بواسطه السلام از بر

انما توعدون لصادق وان الدین لواقع والسماء ذات الحجاب انکم

هر آینه و عده که کرده میشود بظن راست است و هر آینه جزای اعمال بود نیست قسم باسمان خداوند را بهمانی هر آینه شما

بحق آید و عده داده میشود بشارت است و هر آینه انصاف واقع شدنی است قسم به آسمان مشک (مزنین) هر آینه شما

لفی قول مختلف یوفک عنه من اوله قیل انحراصون الذین هم

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

در سخن با هم اختلاف دارند و پیوسته باز کرده اند و میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز انحراص

إِذَا قُلْتُمْ فَاصْطَبِرُوا ۚ إِنَّ أَسْمَاءَ الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا

گفت پس چیست مقصد شما ای فرستادگان گفتند
گفت پس چیست مقصد شما ای فرستاده شدگان گفتند

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مِّمَّنْ ۖ لَّا يُزِيلُ عَنْهُمْ حُجْرَةً مِّنْ طِينٍ ۖ ۝۱۰

هر آئینه فرستاده شدیم بسوی کوه کنگار تا بفروسیم بر سر ایشان سنگ باری از کج
(هر آئینه) فرستاده شده ایم بسوی کوه کنگار (از آن) تا بفروسیم بر سر ایشان سنگی از کج

مَسْوْمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمَسْرِ فَيُنْفِقُ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ

نشان نموده شده است نزد یک پسر و در گذار تو بر اے آنانکه از همدیرون شده اند پس بر آوردیم هر که را بود در آن دیه از
نشان نموده شده نزد پسر و در گذار تو بر ای از همدیرون روندگان پس بر آوردیم هر که را بود در آن قریه از

المؤمنين ﴿١٢﴾ فما وجدنا فيه غير بنيت من المسلمين ﴿١٣﴾ وتركنا فيها

مومنان پس نیایتم در اینجا یک خانه از مسلمانان و
مومنان پس نیایتم در اینجا یک خانه از مسلمانان

يَا كَافِرُونَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ فِي مَوْسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى

نشان برائی آنانکه می ترسند از عذاب در دینده و در قهقهه موسی نشان است چو فرستد بپوسته.

وَعَنْ بَسْطَانٍ مُّهِينٍ ^{١٥} قَتَلَنِي بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَحْرًا وَهَجُونٍ ^{١٦} فَأَخَذَنِي

فرعون بدلیل واضح پس روگردان شد همراه قوت خود فلک و گفت جادوگر را یاد دلوان است پس گفتند او را
فرعون بدلیل واضح پس روی گردان شد با قوت خود (لشکر خود) و گفت این جادوگر یاد دلوان است پس گفتند او را

وَجُنُودَهُ قَبَضْنَاهُمْ فِي أَيِّمٍ وَهُوَ لِيَوْمِئِذٍ ۚ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ

شکر اور آپس، افکنہ تم ایسا نرا در در یاد افکنہ بود کارے را کہ موجب سلامت باشد در نقد عادتہ است چون فرستاید بر ایشان
شکر اور آپس، افکنہ تم ایسا نرا در در یاد حاد یک مستحق سلامت بود در (نقد) عادتہ است چون فرستاید بر ایشان

لَرَّيْحِ الْعَقِيدِ ۱۸ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالْزَيْفِ ۱۹ وَفِي

و در

شود اذ قيل لهم تستعوا حث حيا ۲۰ ففتوا عن امرهم فاحلهم

نمود شاه است چون گفته شد ایشا نرا بهره مند با سفید نامی پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش پس در گرفت ایشانرا
(مقدمه) نمود شاه است چون گفته شود برای ایشان بهره گیرید نامی پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خود پس فراموش ایشانرا

صُعِقَتْ وَهِيَ يَنْظُرُونَ ﴿٥١﴾ فَاِسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَاهِ وَمَا كَانُوا مُتَصِرِينَ ﴿٥٢﴾

روند و ایشان میدیدند پس توانستند بر خاستن و نبودند انتقام کشنده
در ایامی و ایشان میدیدند پس توانستند بر خاستن و نبودند انتقام کشندگان

قَوْمٌ نُوْحٍ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا اقْوَامًا فَاسِقِيْنَ ۝ وَالسَّمَاءَ بَيْنَهُمَا يَبْدُو

لایک را جیم قوم نوح را پیش ازین هر آینه ایشان بودند که در دین و کار و آسمان را بنا کردیم بقوت
لایک را جیم قوم نوح را پیش ازین هر آینه ایشان بودند که در دین و کار و آسمان را بنا کردیم بقوت

إِنَّا لَنُوسِعُونَ ① وَالْأَرْضَ قَرَشَةً فَأَفْنِعُمُ الْبَاهِدُونَ ② وَمِنْ كُلِّ

وزیر را	کتر ایندیم پس یچو ستر اینده ایم	والهیر
وزیر را	کتر ایندیم پس نیکو ستر اینده ایم	عه وازهر

فِي خَلْقِنَا رُوحَيْنِ لَكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ فَقُلْ إِلَى اللَّهِ أَنِي لَكُمْ مِّنْهُ

کے آفریدیم دو قسم تاسما پند یذیر شوید کی پیغامبر گوید پس بگریزید بسوئے خدا ہر آئینہ من برائے ہمارا از جانب او
ہی آفریدیم جفت تاسما پند یذیر شوید (گوای پیغمبر) بگریزید (از شرک) بسوی اللہ از سر آئینہ من برای شما از جانب او

صحت و مرض . کفر و ایمان . و غیر ذلک ۱۲-

ولسی خانہ
 حضرت مولانا
 علم ۱۲
 یعنی آثار آن
 سنگباران مربوط
 است و الدائم علم ۱۲
 ولسی یعنی لشکر محمد ۱۲
 یعنی اعلیٰ داد و بخش
 تفسیر عثمانی
 روز بروز و شرف
 شان زیادہ شدہ -
 آخر کار غلب الہی آہنہا
 فرا گرفت و یک صاعقہ
 شد و ہر ایک پنجششم
 سر میاید ہند بہ آہنہا
 بین رفتند ہمہ زد و
 طاقت و دعاوی تکیہ کن
 دشمن و شوکت آہنہا
 یکدم بجاک آ میخت
 میمیک از آہنہا نوا
 کہند از افغانان باز بر
 خیزد چگونہ می توانستند
 انتقام بگیرند و چه کسی را
 بلک خود بلبلند -
 علم زمین و آسمان
 ہمہ آفریدہ شدہ قدرت
 خدا در قبضہ تصرف
 است ازین جهت
 مجرم ادعای کہ مختص بہ
 برہہ حقانہ نیز اگر آدم
 را در عجب و صنعت
 کرب خالق کائنات
 نور تفکر کہ معرفت
 کاملہ میرسد
 یعنی نرواہ و بطوریکہ
 این زیل گفتہ است
 اوروز حکایہ بدین نظر
 تجارب و مشاہدات
 داعتراف دارند کہ
 ہر یک نوع جنس
 را مہ یافت میشود
 از زمین - چیز
 متقابل و متضاد
 است مثلاً شب
 روز زمین آسمان تاری
 و شمس - سیما بی و

صلی الله علیه و آله می فرماید تا در این کتاب شریف
 مساوات کنی بخلایق
 خدا را بشما علم است
 یعنی تورات یا قرآن است
 و این آیه را در آسمان
 است ۱۱- تفسیر عثمانی
 ۱۲- تفسیر عثمانی
 و تبلیغ و کماحقه ادا کرد
 ازین آیه را تفسیر
 زیاده کردن و اندک کردن
 شدن برای تو هیچ ضرر
 نیست الزام هر چه
 اهل حق بر او دش خود
 ایشان خواهد آمد آری
 و غیظ و تعلقین و تقصیر
 است پس این کتاب را
 دوام داده و تفسیر یک
 ایمان باشد این پسند
 تو بفتح و کام می شود و
 که نیکو ایمان آورد و بلند
 آینه به دفع خیر و نایب
 می شوند و نیز بر سر
 کافران محبت
 خدا تمام می شود ۱۳
 عده از بندگی ۲
 شان من هیچ فائده
 نمی رسد بلکه نفع خود
 ایشان است من
 چنان آقا و مالک هستم
 که به غلامان خود بگویم
 و بفرمایم برای من کمائی
 کنید و بایست نان و
 خوراک بدهید و صفات
 بی نیاز من ازین بخلایق
 پاک و برتر است من
 از آنها روزی نخواهم
 بود یا ایشان روزی
 میرسانم خوب بسنجید
 بچون و فائده و مند و
 توانا یا یا در راه
 خدات شایم
 حاجت است
 حکم بندگی محض
 ازین جهت بنماداده
 شد که قول و فعل را به شهنشای عظمت و کبر یابی اعتراف کرده سختی الطاف و مراحم مخصوص می نماید و من نکریم خلق ناسود می کنیم بلکه تا بر بندگان جوی گم

نذیر مبین ۳ و لا تجعلوا مع الله الها خيرا لي لكم منه نذير مبين ۴

ترساننده آشکارا و مقرر کننده با خدا موجود دیگر هر آینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارا
 ترساننده آشکارا و مقرر کننده با خدا موجود دیگر (هر آینه) من برای شما از جانب او ترساننده آشکارا

كذلك ما آتی الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او

هم چنین نیامده است نزد یک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پنجامبر
 هم چنین نیامده است به آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پنجامبر

مجنون ۴ اتوا صوابه بل هم قوم طاعون ۵ فتول عنهم فما

دیوانه است آیا بایکدیگر وصیت کرده آمده اند یا بیکدیگر از ایشان مرده سرکش اند پس روی باز کن از ایشان پس نیستی
 دیوانه است آیا بایکدیگر وصیت کرده مرده اند یا این (آری) بلکه ایشان گروهی سرکشند پس روی بگردان از ایشان پس نیستی

انت بسلوهم و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین و ما خلقت الجن

تو ملامت کرده شده و پندیده بر آینه پند دادن سود میدهد مومنان را و نیافریده ام جن
 تو ملامت کرده شده و پند داده باش پس بر آینه پند دادن نفع میدهد مومنان را و نیافریده ام جن

والانس الا ليعبدون ۵ ما اريد منهم من رزق وما اريد ان

و انس را مگر برای آنانکه بپرستند مرا نمی خواهم از ایشان رزق را و نمی خواهم که
 و انس را مگر برای آنانکه بپرستند مرا یعنی از آنها بپرستند را خواهم از ایشان رزق و نمی خواهم که

يطعمون ۱۱ ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین ۱۲ فان للذین

مرا طعام دهند (هر آینه) الله همان است روزی دهنده خداوند توانائی زود آورنده پس هر آینه آنانکه
 طعام دهند مرا (هر آینه) الله همان است روزی دهنده خداوند توانائی زود آورنده پس هر آینه آنانکه

ظلموا ذنوبا مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون ۱۳ قویل

ستم کرده اند لغیب است یعنی از عقوبت مانند لغیب یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب طلب نکنند از من پس دلت
 ستم کرده اند لغیب مانند لغیب یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب طلب نکنند از من پس دلت

للذین كفروا من يؤمنهم الذی یوعدون ۱۴

کافران را از ان روز ایشان که وعده داده میشوند
 کافران را از ان روز ایشان که وعده داده میشوند

والطور ۱ و کتب مسطور ۲ فی رقی منشور ۳ و البیت المعهود ۴ و السقف

قسم به کوه طور و قسم بکتاب نوشته شده در کاغذ شده و قسم بخانه معهود و قسم بسقف
 قسم است به کوه طور و کتاب نوشته شده در ورق کشاده و به خانه آباد و به سقف

المرقوع ۵ و البحر المسجور ۶ ان عذاب ربك لواقع ۷ و الذین من دافع

برافراشته شده و دریا پر کرده شده هر آینه عذاب پروردگار تو یود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده
 بلند و به دریای جوشان (پیر) که به تحقیق عذاب پروردگار تو واقع شدنی است نیست اورا چیزی دفع کننده

یوم تنور السماء مورا ۹ و تسیر الجمال سیرا ۱۰ قویل یوم مین

روزیکه جیش کشد آسمان جیش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دلت آن روز
 روزیکه بلرزد آسمان بلرزده آمد و روان گردد کوه با روان شدنی پس شایبی است در ان روز

للمکذبین ۱۱ الذین هم فی خوض یلعبون ۱۲ یوم یدعون

دروغ شکارندگان را آنانکه ایشان به بے بوده گوئی یا نگوئی کنند روزیکه به سختی روان کرده شوند
 برای مکذیب کنندگان آنانکه ایشان به پیروده گوئی یا نگوئی کنند روزیکه به سختی روان کرده شوند

إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا ۖ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ تُهَمَّكُنَّ بِهَا نَارُ كَذِبُون ۚ أَفَسِعَ هَذَا

بسی آتش دوزخ روان کردنی اینست آتشی که شما آنرا دوزخی می گردید
بسی آتش دوزخ روان کردنی (گفته میشود این همان آتشی است که شما آنرا کذاب می گردید آیا حرام است این

أَمْ أَنْتُمْ لَا تَبْصُرُونَ ۚ اَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ

یا شما در نمی بینید
در آید باین آتش پس صبر کنید یا نکند بر ابراست بر شما
یا شما نمی بینید در آید در دوزخ پس صبر کنید یا صبر نکند بر ابراست بشما

إِنَّمَا يُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ ۖ فَاكْهِنُوا

جزای نیست که جز ادا داده خواهد شد بحسب آنچه می کردید
هر آینه متقیان در بوستانها و لغت با باشند خوشحال شده
(جزای نیست) که با دامن داده میشود به آن چیز می کردید هر آینه متقیان (ترسندگان) در بهشت با لغت با هستند در جایگاهشان

بِمَا أَتَيْتُمْ بِهِمْ وَوَقِفْتُمْ رَجِيمًا ۚ عَذَابُ ابِ الْجَحِيمِ ۚ كَلَّا أَتَاهَا ذَاتُ الْأُتَادِ ۚ

بسیب آنکه لغت داد ایشان را پروردگار ایشان را بسبب آنکه نگه داشت ایشان از عذاب دوزخ بخارید و بنوشید گوشت را را بسبب آنکه
بر آنچه گفته کرده ایشان را پروردگار ایشان و (در آنکه نگه داشت ایشان از عذاب دوزخ بخارید و بنوشید گوشت را را بسبب آنکه

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ مَتَّكِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۚ

می کردید
تکیه زده
بر تخت های یکدگر گسترده
و که خدا کنیم ایشان را بخوران کشد و چشم
می کردید تکیه زده بر تخت های گسترده شده قطار و بخت گردانیم ایشان را بخورهای بزرگ چشم

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ۖ وَوَلَّاهُمُ

و آنانکه ایمان آوردند و بر بانی ایشان رفت اولاد ایشان در ایمان برسانیم بدیشان اولاد ایشان را و نعمان زین ایشان را
و کسانیکه ایمان آوردند و پیروی کرد ایشان را اولاد ایشان با ایمان برسانیم بدیشان فرزندان ایشان را و نعمان کنیم از ایشان را

مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۚ وَامْدُدْ لَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

از جزای عمل ایشان چیزی را هر مردی با آنچه عمل کرد در گره باشد
و پی در پی عطا کنیم ایشان را میوه
از (جزای) عمل ایشان چیزی را هر شخص به آنچه عمل کرد در گره است و پی در پی عطا کنیم ایشان را میوه ها

وَالْحِمِّ مِمَّا كَسَبُوا ۚ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْسِيمٌ ۚ

و گوشت از جسد طلب کنند
از دست یک دیگر می گیرند آنجا پیاله شراب نه پیاده گونی باشد در آن نه بزه کاری
و گوشت از هر آنچه آرزو برسد از دست یک دیگر می گیرند آنجا پیاله شراب نه پیاده گونی باشد در آن نه گناه

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ زُلُفًا مِنْ لَدُنْهُمْ ۚ وَكَا تَمْ كُنُونَ ۚ وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ

و آمدند و شدند
ایشان بود آنانکه چند از ایشان گویا آن نوجوانان مرد را رسید در پرده پنهان اند و رو آورد بعضی ایشان
و می گردند بر ایشان نوجوانان ایشان گویا که ایشان (خادمان) مرد را رسیدند در خلعت (صدف) و رو آورد بعضی ایشان

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۚ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِ آبِ مُشْفِقِينَ ۚ

بر بعضی از یکدیگر سوال کنان گفتند
هر آینه ما پیش از این در میان اهل خانه خود ترسان بودیم
بر بعضی از جایگاه ز یکدیگر می پرسند و می گویند پدری که ما بودیم پیش از این در خانه های خود ترسندگان

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَفْنَا عِزَّ آبِ السَّمُورِ ۚ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۚ

پس لغت فراوان داد ما را خدا و نگه داشت بار از عذاب باد گرم
هر آینه ما پیش از این عبادت می کردیم او را
پس احسان کرد خدا بر ما و نگه داشت بار از عذاب عموم (هر آینه) ما بودیم پیش از این می خواندیم خدای را

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۚ فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٌ وَلَا

هر آینه اوست احسان کننده مهربان یا محمد پس بنده پس نیستی تو بقتل پروردگار خود
کاهن و نه
بدستیک اوست نیکو کار مهربان به پس بنده و نیکوکار پس نیستی تو بقتل پروردگار خود (کاهن) خبر گیرنده از جن ها و نه

مَجْنُونٌ ۚ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُ بِهِ رَيْبُ الْمُنُونِ ۚ قُلْ

دیوانه
بلکه آیای گویند شاعر است انتظار می کشیم در حق او و ادب زمانه را
دیوانه
سه آیای گویند که شاعر است انتظار می کشیم بر او
گوش زمانه را

وَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَجْنُونُونَ ۚ

و آنانکه کفر کردند آنانکه مجنونند

عبد در آن هنگام
بهشتیان بسوی یکدیگر
متوجه شده و محبت خواهند
کرده یکدل خوشنود
خواهند گفت که ما در دنیا
همیشه ترسان و در زمان
بودیم و فکری نکردیم پس
از امر سرانجام چه
خواهد شد و اندیشه
نکرده همیشه و اندیشه
احسان پروردگار را
کنید که امر و جهان را
ما حنون و ملکن داشت
و از حرارت آتش دوزخ
برکنار فرموده است
ما از خدای خویش خوف
در عبادتیم و او را
میخواندیم امر و دیدیم
که حضرت او محض به
لطف و کرم خود بفریاد
ما رسیده و با ما ناله
سزاوار عثمانیت است
رفتار نمودند کافران
پیغمبر خدا را گاهی دیوانه
و گاهی کاهن می گفتند
و چنان می پنداشتند
که از جن ها و شیاطین
چند خبر راست در روز
گرفته نشی کنند. گر این
مسائل این قدر نمی فهمید
که کدام دیوانه و کاهنی
تا امروز توانسته چنین
نصایح قیمت اروا نده
زبانی حکیمان را بچنین
طرح آشکار و شاکسته
بیان نماید ازین سبب
فرمود که آنها را از این
آنیک بدانند و نصایح
پیغمبر را بایشان
ببرسان و از یاد
گونی آنها بفرود
مشو. فضل و رحمت
کردگار یار مددگار است
نه کاهنی و نه مجنون بلکه
رسول مقدس خدای
ازین سبب به تبلیغ

عده آیان خانی کند
کلمات پیغمبر کلام
خانیست بک از دل
خود آنرا تراشیده است
و بدو روغ بسوی خدا
منسوب نموده علی
تخصیص که بر سخی یقین
ندارد و نخواهد آنرا تسلیم
کنند چنین احوالات
به بوده و بجهت و در
پیدا می کنند و نه برای
تخصیص یا در کننده نوی
بدرا بهمان نسبت است
همین مفهوم کافی است
که اگر مردم هیچ قوتی برای
دنیا را یکجا کنند باز هم
مانند این قرآن آورده
نمی تواند چنانکه یکسک
نی تواند مثل خدا
زمین و آسمان پیدا
کنند سخی مثل قرآن
خدا می تواند نام ساخته
نی تواند عده چرا
سخن پیغمبر را نمی پذیرند
آیا فوق ایشان خدای
نیست که پذیرفتن سخن
او بر آنها لازم باشد
آیا ایشان بدون کلام
آفریننده خود خود پیدا
شده اند یا خود را خدا
می پندارند و یا این
خیال خام را می پذیرند که
آسمان زمین آفریده
خود آنهاست بنابر این
هر چه میخوانند میکنند
و هیچکس مانع آنها
نیست این همه
قیالات بطل باطل و
مبطل است ایشان
هم در دل بآن خودی
دانند که خدا ضرور
موجود است که خود
ایشان و جمیع
آسمانها و زمین را انعم
پیدا آورده است
مگر با وجود این علم
از ان ایمان و یقین

تَرْصُوفَانِي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنَافِقِينَ ۵۰ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَاءُ لَهُمْ هَذَا
انتظار بقیه بر آئین من باشم از انتظار کشند کلام
آیا می فرماید باین عقیده عقل بآن ایشان
انتظار برید به (تحقیق) من نیز باشم از انتظار
أَهُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ۵۱ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۵۲ فَلْيَا تَوْ
یا ایشان گروه سرکش اند آیا می گویند بر بسته است قرآن را بکلی ایمان نه آرند پس باید که بپارند
یا ایشان گروه سرکش اند آیا می گویند که خود گفته است (قرآن را) بکلی ایمان نمی آرند پس باید بیارند
بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صِدْقَيْنِ ۵۳ أَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ
سخن مانند این اگر راست گویند آیا ایشان آفریده می شوند بجز آفریننده یا ایشان
سخن مانند این اگر راست گویند آیا آفریده شده اند بدون آفریننده یا خود ایشان
الْخَالِقُونَ ۵۴ أَمْ خَلِقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَلْ لَا يُؤْفِقُونَ ۵۵ أَمْ عِنْدَهُمْ
خود آفریدگار اند آیا آفریده اند آسمان با زمین را بکلی ایشان یا نزد یک ایشان
آفرینندگان اند آیا آفریده اند آسمان با زمین را (نه چنین است) بکلی یقین نمی کنند عده آیان نزد ایشان
خَزَائِنِ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُضْطَرُونَ ۵۶ أَمْ لَهُمْ سُلُمٌ يَسْتَعِينُونَ
خزانه های پروردگار است یا ایشانند چیره دست آیا ایشان ترا بر دایه هست که بران صعود کرده
فرزانه های پروردگار است یا ایشانند مسلط شدگان (غالبان) آیا ایشانرا زمینه ابر است که می رسند
فِيهِ فَلْيَا تَمْسُقْهُمْ بِسُلْطَنٍ مُبِينٍ ۵۷ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ
می شود پس باید که بیارند ششونده ایشان دلیل ظاهر را آیا خدا را دختران پیدا می شوند شمارا
بران پس باید که بیارند ششونده ایشان سند آشکار آیا مردار است و دختران و شمار است
الْبَنُونَ ۵۸ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۵۹ أَمْ عِنْدَهُمْ
پسران آیا سوال می کنی از ایشان مزدی بر راست پس ایشان از عزامت گرانتر شده اند آیا نزد یک ایشان
پسران آیا می خواهی از ایشان مزدی پس ایشان از نادان گرانتر اند آیا نزد ایشان
الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۶۰ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ
علم غیب است پس ایشان می نویسند آیا می خواهند بداند یعنی پس کافران ایشانند در
علم غیب است پس ایشان نوشته نگاه میدارند آیا می خواهند مکر را پس آنانکه مکر اند ایشانند در
الْمَكِيدُونَ ۶۱ أَمْ لَهُمْ آلٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۶۲ وَ
ضرر بداند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی هست بجز خدا یا که خدا است از آنکه شرک می کنند و
ضرر بداند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی بجز الله پاک است خدای از آنچه شرک می آرند و
إِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۶۳ فَذَرْهُمْ حَتَّى
اگر ببینند یک باره از آسمان افتاده گویند این ابر است برهم نشسته پس بگذار ایشان را تا آنکه
اگر ببینند باره از آسمان دود آینه گویند ابر است تیره پس بگذار ایشان را تا آنکه
يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يَصْعَقُونَ ۶۴ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ
لغات کنند بان روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند روز بدیع کنند از ایشان مکر ایشان
لغات کنند آن روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند روز بدیع کنند از ایشان مکر ایشان
شَيْئًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۶۵ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ
چیز را و نه ایشان نصرت داده شوند و هر آینه ستمگران را عذاب است غیر این
چیز را و نه ایشان مدد کرده شوند (و تحقیق) ستمگران را عذابی است پیش از آن
وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶۶ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا
و لیکن اکثر ایشان نمیدانند و صبر کن بر حکم پروردگار خود هر آینه تو حضور چشم منی و
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند و با حق منتظر (صبر کن) امرم پروردگار خود را پس (بدین می) تو پیش نظر منی و

فلما بعث الله
محمدا بن عبد الله
القرشي

خود را ببل خود دید این
رویت تنها بذریع
نبود بلکه بصر بود
از دیدار پروردگار بهر دور
ولدت اندر زو و زنا

از مازنا بصر بهی
آید از همین سبب
ابن عباس در بعضی آیات
ظلالی فرموده که راه
مرتین مرتبه نقلیه بود
درین موقع از دیدار باری
مطلب این است که
در یک وقت واحد دو
طریق دیدار کمالی
حدیث «النش القم
بکرتین» تا هم بدین
چشم ظاهری
و هم بدین
چشم دل آما

باید دانست که این
آن درستی نیست که
آن در «لا تدرک الاله
کرده شده زیرا که غرض
از این فی احاطه است
یعنی نگاه او را احاطه
کرده نمی تواند علاوه
بر این چون از این
پرسیده شد که دعوی
رویت مخالف آیت
«لا تدرک الاله»
می باشد فرمود -
در نیک واک
از آنجا

الذی هو نور» و
ترندی ازین معلوم شد
که تجلیات و الوارضاوند
قدوس متعاقبات است
بعض الوارضاوند المبر
است و بعض نیست
و رویت بدنی بجماع
به و در جماعتی است
و از همین سبب
گفت که در جوارحی که در آخرت

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۚ وَكَم مِّن تِلْكَ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ

پس خدا تراست آنچه و این جهان و بسیار فرشته اند در آسمان باشد که نفع نمی کند شفاعت ایشان

ثُمَّ لَا مِنَ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۚ إِنَّ الَّذِينَ

چیز را مگر بعد از آنکه دستور دهد خدا و رضا مند شود بر آن هر که خواهد هر آینه آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيْسُوا تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ تَشْمِيَةُ الْأَنْتَىٰ ۚ وَمَا لَهُمْ بِهِ

باور نمیدارند آخرت را مسیحی می کنند فرشتگان را بنیام و خیران و نیست ایشان را بقوت این مقدمه

مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

بیانج دانش پیروی نمی کنند مگر وهم را و هر آینه وهم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را

فَاعْرِضْ عَنْ مَّن تَتَّبِعُ ۚ عَنْ ذِكْرِ نَاوَكُم يَرُدُّكُمْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا هَٰذَا

پس اعراض کن از کسی که روگردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگی این جهان را این است (طلب دنیا)

مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ

نهایت ایشان از رسی دانش و هر آینه پروردگار تو داناست بهر که غلط کرد راه خدا و دوست

أَعْلَمُ بِهِمْ أَهْتَدَىٰ ۚ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ

دانا بهر که راه یافت و خدا تراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است عاقبت کار جز ابد

الَّذِينَ اسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنَةِ ۚ الَّذِينَ

آنانکه بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد آنان را که نیکو کاری کردند بحسب نیک آنانکه

يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشِ إِلَّا اللَّتَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

پرهیزگاری می کنند از کبائر گناهان و بے حیائی با سوائے کنایان صغیره هر آینه پروردگار تو بسیار آمرزش مست

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتُمْ فِي بُطُونِ

او است دانا باحوال شما و قتی که پدید کرد شما را از زمین و قتی که شما بچید بودید در شکم

أُمَّهَاتِكُمْ ۚ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ۚ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي

مادر این خویش پس ستایش نمید خویشتن را خدا دانا تر است بکسی که پرهیزگاری کرد آیا دیدی کسی را که

تَوَلَّىٰ ۚ هُوَ أَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْثَىٰ ۚ إِنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ ۚ أَمْ

روگردان شد و داد اندک و داد و سخت دل شد آیا نزدیک او است علم غیب پس گویا او هر چیز را می بیند آیا

لَمْ يَكُنْ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِّنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ وَفِي هَٰذَا تَرْوَاةً

خبر داده نشد باینکه در صحیفه موسی و ابراهیم که نوا بود مقصودش آنکه بهر چه داشت و آنچه بردارنده و

خبر داده نشده با آنچه در صحیفه موسی و دهمید باقی ابراهیم و نادار بود که بر نمی دارد و آنچه بردارنده

در آخرت لعیب عثمان میشود و تقی است که توبه بینایی ایشان نیز و ترو کمال ترساخته میشود و هیچ وقت پره

وَزُرْ أُخْرَى ۝ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۝ وَأَنْ سَعَى سَوْفَ
 بارگناه دیگری را و آنچه سوسد آدمی را و آنچه سوس کرده است و آنچه سوس آدمی
 یاری ۝ ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءُ الْآوَفَى ۝ وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۝ وَأَنْ هُوَ
 دیده خواهد شد باز داده خواهد شد بحسب آن سوسی جزای تمام و آنچه بسوی پروردگار گشت بازگشت و آنکه او
 داده میشود باز جزا داده میشود او را جزای کامل و آنچه بسوی پروردگار گشت بازگشت و آنکه او (تعالی)
 أَصْحَابُ آبِكَ ۝ وَأَنْ هُوَ أَمَاتٌ وَاحِدٌ ۝ وَأَنْهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ
 خدا انید و گریانید و آنکه او میرا میداد و از زنده کرد و آنکه خدا آفرید دوستم
 چون است که بخواند و میگردد و آنچه خاص او می ماند و زنده می گرداند و آنچه او آفرید جفت
 الذِّكْرُ وَالْأُنْثَى ۝ مِنْ نطفَةٍ إِذَا تُنْفِثُ ۝ وَأَنْ عَلَيْكَ الشَّعَاءُ الْآخِرَى ۝
 نر و ماده را از نطفه چون رمخته شود در رحم و آنکه بر خدا لازم است آن سپید کردن دیگر
 نر و ماده از نطفه و نطفه ریخته شده شود در رحم و آنچه بر خداست آفریدن دیگر
 وَأَنْهُ هُوَ غَنِيٌّ وَأَنْهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ۝ وَأَنْهُ أَهْلَكَ
 و آنکه او تو را ساخت و سرمایه داد و آنکه بهر نیت پروردگار ستاره مشرقی و آنکه او هلاک ساخت
 و اینکه او (تعالی) تو را نگر ساخت و خزان داد و آنچه خاص او است پروردگار شعری و آنکه او هلاک کرده
 عَادَ الْاَوَّلَى ۝ وَتَنُودُ فَمَا أَنْفَ ۝ وَقَوْمٌ نُوْجٍ مِنْ قَبْلُ طَائِفَتُهُمْ
 عاد نخستین را و هلاک کرده شود در این پیش کس را بانی نکه است و هلاک کرد قوم نوح را پیش از این بر آینه ایشان
 عاد نخستین را و نمود در این بانی نکه است پیش کس را و هلاک کرده قوم نوح را پیش از این (بر آینه ایشان)
 كَانُوا هُمْ أَظْلَمُ وَأَطْعَ ۝ وَالْمَوْفِقَةُ أَهْوَى ۝ فَغَشِمَ كَمَا غَشَى ۝
 بودند ستارتر و از حد گذشت تر و نه موفقه را بر زمین افکند پس پوشانید برده آنچه پوشانید و
 بودند ظالم تر و سرکش تر و قریه بانی موفقه را از گون را بپایند پس پوشانید از آنچه پوشانید
 فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ تَمَارَى ۝ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْاَوَّلَى ۝ أَزِفَتْ
 پس در کدام یک از آن گفت بانی پروردگار خود را آدی شبیهی این بیخامبر ترساننده است از جنس ترساننده گان پیشین نزدیک آمد
 پس کدام یک از نعمت بانی پروردگار خود نیکو می کنی این ترساننده است از جمله ترساننده گان پیشین نزدیک شد
 الْأَزِفَةُ ۝ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝ أَقِمْنَ هَذَا
 قیامت نیست او را سوائه خدا هیچ ظاهر کننده و آیا ازین
 نزدیک شونده (قیامت) نیست او را بجز الله هیچ ظاهر کننده و آیا ازین
 الْحَدِيثُ تَعَجُّبُونَ ۝ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝ وَأَنْتُمْ
 سخن تعجب می کنید و خنده می نمائید و نمی گریید و شما
 سخن تعجب می کنید و می خندید و گریه نمی کنید و شما
 سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدْ لِلَّهِ وَاعْبُدْ ۝
 بازی کننده هستید پس سجده کنید خدا را و پرستش نمائید
 بازی کنندگانید پس سجده کنید خاص الله را و بندگی کنید
 سَوْفَ تَقْبَلُونَ مِنْ رَبِّكَ إِذَا اسْتَجَبْتُمْ لَهُ ۝
 شما را از آن که بخواهید بخواهید
 آغازی کنی بنام خدا بخواهید بخواهید
 اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالشَّيْقُ الْقَمَرُ ۝ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا
 نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه و اگر کارزان ببینند نشانه اعراض کنند و گویند
 نزدیک شد قیامت و پاره شد ماه و اگر ببینند کارزان نشانی روی می گردانند و می گویند

فصل یعنی سنگباران
 کرد ۱۲ اشارت
 بان تعدد کارزان از حضرت
 پناهمبر صلی الله علیه و سلم
 سجزه طلب کرده اند خدا
 تعالی او را و قطوف
 یک بر کوه ایوبیس دیگر
 بر کوه یسوعین و الله
 علم ۱۲
 تفسیر غمانی
 بقیه و الله
 را برداشت کرده تواند
 در حالیکه آن چیز در دنیا
 به یکس حاصل نیست
 علی یک رویت و به
 خاص بروی روایت
 ابن عباس در شب
 معراج به سیدنا محمد
 صلی الله علیه و سلم میسر
 شد و درین خصوصیت
 بیج بشر شریک نسیم
 آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم نیست نیز اگر
 تفاوت در میان بود
 و تجلیات در نظر گرفته
 شود میتوان گفت کرد
 اقوال عالیه و اینها
 رضی الله عنهما بیخامبر
 نیست شاید المؤمنین
 در یک درجه نبی می کنند
 و ابن عباس اثبات
 آنرا در حدیث دیگری نمایی
 و بهین طور در آیات
 بیخامبر
 است تطبیق ممکن
 است والله سبحانه و
 تعالی اعلم
 مال سرایه و تشریف جلاله
 با بهر بخشایش دوست
 یعنی «اقتی» را
 «افقر» گرفته اند یعنی او
 کسی را غنی و کسی را فقیر
 ساخته است این سخن
 ذات اقدس در بیان آنرا زیاده بود که است و اینها
 در بیان آنرا زیاده بود که است و اینها

و اینها در بیان آنرا زیاده بود که است و اینها

ایمانی این مناسب مظهر میشود زیرا که کبریا برای متقابل درین بوده - و اگر مطلب اولی گرفته شود باید مقابل آن هلاک آورده شود و ذکر آن بعد از این آید یعنی بعد از اینکه خزانه مال و دولت میدهد همان

فل منی لاک قوم
فل منی برای انتقام
خصومت نوح ۱۲-
تفسیر عثمانی
سه بندگرتن از
قرآن باطل آسان است
زیر امضای مربوط به
ترغیب و ترهیب
وانذار و تنبیه
آن بلی صاف
و سهل و موثر
است پس کسی که
اراده بهمدین را کند
می بخشد تنبیه - مطلب
آیت این نیست که
قرآن محض یک کتاب
سجلی است و یکسر از
دقائق و خواص خالی
است در باب کلام
علم و خبر و گویا چنین
نگان میتوان کرد آیا
میتوان فرض نمود که چون
الله بایندگان خود کلام
می کند (اماز الله) از
علوم غیر متناهی خود
بلی تبیی کرد و
شک نیست که کلام
وی آنقدر دارای حقائق
و عمیق و نجات رقیق
است که در کلام دیگر
جستجوی آن کاریست
بسیار بوده - از خواست
کرد حدیث آمده است
«لا تنفقی عجائبه»
(عجایب و اسرار قرآن
گاهی ختم شدنی نیست)
علماء امت و علمای
ملت و در کشف دقائق
و اسرار این کتاب در
استنباط و استخراج
بهره با احکام عملی
خود اصراف
کردند باز هم
به کز و عمق
آن رسیده
توانستند ۱۲-

سحر مستقر ۱۰ و کذبوا و اتبعوا أهواءهم و كل أمر مستقر ۱۱

محرکت قوی و دروغ نمودند و پیروی خواسته خود کردند و هر چیزی در وقت خود قرار گرفته است و جادوی واهی است و تلبیب کردند (یعنی را) و پیروی کردند خواهش های خود را و هر کاری مستقر بوقت خود است و

لقد جاءهم من الأنباء ما فيه من دجر ۱۲ حکمة بالغه فما نعن

بر آینه آمده است بدیشان از خبر با آنچه در آن پند است و آمده است دانش تمام پس فایده عمید به (بحقیق) آمده بایشان از خبر بای پیشین آن آنچه در آن زجر (پند) است (آمده است) حکمت بالغه پس نالیده می دهد

النذر ۱۳ فتول عنهم يوم يدع الله الى شيء فكله خشعا ابصارهم

ترسانند پس اعراض کن از ایشان آن روز که خواهند خوانند بسوئی چیزی را خوش طعم یا باطن ایشان را بشناسند پس اعراض کن از ایشان آن روز که دعوت کنند دعوت کنند به چیزی که ناگوار و حاکمیه پایان (ذیل) باشد چشم بای

يخرجون من الأحداث كأنهم جراد منتشر ۱۴ فطعين الى الله

بر آیند آن روز از قبور گویا ایشان رخ برانده اند شباب کنان بسوئی آن خواننده می بر آیند از قبر با گویا ایشان رخ بای پراننده اند شباب کنندگان بسوئی آن دعوت کننده

يقول الكفر ون هذا يوم عسير ۱۵ كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا

گویند کافران این روز سست دشوار دروغ نمودند پیش از ایشان قوم نوح پس دروغی داشتند می گویند منکران این روز است سخت تلبیب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تلبیب کردند

عبدنا و قالوا نحن و اذ دجر ۱۶ فد عارثه ابي مغلوب فانتصر ۱۷

بنده ما را و گفتند دیوانه است و با او سخن درشت گفتند پس دعا کرد و بجناب پروردگار خود که من مغلوب شده ام پس انتقام بکش بنده ما را و گفتند دیوانه است تهدید کرده شد (بنده ما) پس دعا کرد و رب خود را که من مغلوب شده ام پس انتقام بکش

ففتحت ابواب السماء بهاء من ههنا ۱۸ وفجرنا الارض عيونا فالتق السماء

پس گشادیم درهای آسمان را بآب بسیار و ریزنده و دروازه کردیم از زمین چشم ها پس جمع شد آب پس گشادیم درهای آسمان را به آب بسیار و ریزان و جاری کردیم از زمین چشم ها پس یک جا شدند آب ها

على امر قد قذر ۱۹ وحملته على ذات الواح ودس تجري باعينه جزاء

از هر جانب بنابر کار که مقدر شده بود دل و سوار کردیم نوح را بر کشتی خداوند محنت با و میجا میرفت بخوف و خشم به جهت انتقام بنا بر امری که مقدر شده بود و بر داشتیم او (نوح) را بر کشتی دای خفته با و میجا میرفت پیش نظر ما جهت انتقام

لئن كان كفروا ولقد تركنا آية فهل من مدكر ۲۰ فكيف كان

برای کسی که باور نداشته بود ندا را و اول و هر آینه گذارستیم این عقوبت را ایشان پس آیا هیچ پند گیرنده هست پس چگونه بود کسی که بیدردی او کرده شده بود و لا بحقیق! بگذارستیم این را ایشان پس آیا هیچ پند گیرنده هست پس چگونه بود

عذابی ونذر ۲۱ ولقد يسرنا القرآن للذکر فهل من مدكر ۲۲ كذبت

عقوبت من و ترسانند نهایی من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پند گیرنده هست در من سخن نمودند عذاب و ترسانند نهایی من و (بدست) آسان گردانیدم قرآن را برای فهمیدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پند گیرنده هست و تلبیب کردند

عاد فكيف كان عذابی ونذر ۲۳ انا ارسلنا عليهم رجا صررا

قوم عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانند نهایی من هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد قتل را قوم عاد پس چگونه بود عذاب و ترسانند نهایی من و هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد قتل

في يوم نحس مستقر ۲۴ تنزع الناس كأنهم عجاج نخل فتعقر فكيف

در روز شوم بفاصل سخت بر می کنند مردمان را گویا ایشان تنهائے درختان خرما از تنج برکنده اند پس چگونه بود در روز شوم که شوی آن نازد من بردن آنها مستقر بود از تنج برکنده می کنند مردم را گویا ایشان تنج باسه فراموش برکنده اند پس چگونه بود

كان عذابی ونذر ۲۵ ولقد يسرنا القرآن للذکر فهل من مدكر ۲۶

عقوبت من و ترسانند نهایی من و هر آینه آسان کرده ایم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پند گیرنده هست عقوبت و ترسانند نهایی من و (بحقیق) آسان گردانیدم قرآن را و بایا پند گیرنده هست پس چگونه بود

عقوبت و ترسانند نهایی من و هر آینه آسان گردانیدم قرآن را و بایا پند گیرنده هست پس چگونه بود

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنَّدْرِ ۝١ فَقَالَ لَهُ الْكَلْبُ إِنَّكَ بِنَدْرِ ۝٢

دردن خود نموده و فرمود که ای کلبه پس گفتند ای کلبه از قوم خود را پیروی کن (هر آینه ما آن گاه)

لَقِيَ ضَلِيلٌ وَسَعِيرٌ ۝٣ أَلَيْسَ الَّذِي كَرَّمْتُم مِّنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ ۝٤

در گمراهی و دیوانگی با شیعه آیا نازل کرده شد بر دمی از میان ما بله او دروغ گوئی

أَنزِلْ ۝٥ سَيَعْلَمُونَ ۝٦ غَدًا أَئِنَّ الْكَذَّابَ الْإِنشِرَ ۝٧ إِنَّا مُرْسِلُونَ ۝٨

خود پسندست خواهند دانست فردا کیست دروغ گوئی خود پسند (هر آینه ما خواهیم فرستاد)

النَّافِرِ فَنَزَّلَهُمْ هُمْ فَأَرْقَبَهُمْ وَأَصْطَبِرُ ۝٩ وَبَيَّنَّ لَهُمُ أَنَّ الْمَاءَ قَسَمُهُ

باده شتر را بجای آب ایستاد پس ایستاد و صبر کن ایستاد و صبر کن و بیاور ایستاد که آب مقسم است

بَيْنَهُمْ كُلٌّ نَدْرٍ مِّنْهُمْ ۝١٠ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ۝١١

در میان ایشان هر یک حصه از آب حاضر نمود صاحبش پس آواز دادند یار خود را پس دست درازی کرد و بجز درج ساخت

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَدْرِ ۝١٢ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً

پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدنهای من (هر آینه ما فرستادیم بر ایشان یک نعره)

فَكَانُوا كَهَشِيمٍ الْمُخْتَطِرِ ۝١٣ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِينَ هُمْ مِّنْ

پس شدند مانند خیزه در هم شکسته که خطبه مازنده آنرا بآنها کرده باشد و هر آینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پند گیرند پس آیه ای

مُدَّكَ ۝١٤ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنَّدْرِ ۝١٥ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا ۝١٦

بزرگوار است دروغ می کردند قوم لوط ترسانندگان را (هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگباران)

أَلْ لَّوْطُ أَخِيذَهُمْ بِسَجَرٍ ۝١٧ نَعْمَ مِّنْ عِندِنَا كَذَّبَتْ لُوطُ مِّنْ شَكْرٍ

ای لوط خانه لوط که خاص ساخته ایست از آن وقت محرم برای آن نزد و یک خویشتن هم چنین برای بدیم هر کس را شک گذری کرد

وَلَقَدْ آتَيْنَاهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنَّدْرِ ۝١٨ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ

و هر آینه آن ترساننده بود ایشانرا از عقوبت ما پس مکاره کردند در آن ترسانیدنهای و هر آینه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از

صَبِغَةٍ فَطَسَّسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنَدْرِ ۝١٩ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم

خطه همانان او پس محرم بود چشم ایشان را پس بگشاید عذاب مرا و ترسانندگان مرا و هر آینه غارت کرد ایشان را

بِكُرَّةٍ عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ ۝٢٠ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنَدْرِ ۝٢١ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ

یک نگاه عقوبت جانی گیرنده پس بگشاید عذاب مرا و ترسانیدنهای مرا و هر آینه آسان ساختیم قرآن را

لِلَّذِينَ هُمْ مِّنْ شَكْرٍ ۝٢٢ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّدْرُ ۝٢٣ كَذَّبُوا

برای آنکه پند گیرند پس آیه ای بآنها پند گیرنده و هر آینه آمدند نعره و ندان فرعون را ترسانندگان دروغ می کردند

بِرَأْسِهِمْ فَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْفِرْعَوْنَ ۝٢٤ قُلْ هُوَ الَّذِي كَذَّبَ وَكَذَّبُوا

بر سران خود پس بپند گیرند و هر آینه آنکه پند گیرنده و هر آینه آنکه پند گیرنده و هر آینه آنکه پند گیرنده

فل منترجم کوی خطبه
احاط است که از شاه
خشک و خار بران
گوسفند بنانند و آن
مردمان یا نال
سے گرد خدا شاهی آن
پانها شده تشبیه دار
تفسیر عثمانی
سے فرشته آسمانی
نیست بلدانند ما
یک بشر است و ملا
بران تنها است که
بج قوت و جمعی ندارد
میجا به کمانا مغلوب
و تابع خود بسیار
چنین نمی شود تنهای
چون و حاکم خواهد
بود که گرفتار و دام تبلیغ
او گردیم - ادا را میرساند
که اگر قبول نکند
در آتش خواهد افتاد
علا که دافقر بر عکس
است چه اگر مانع
او خوشم گردانود
آتش می آید
عنه حضرت شاه
صاحب رحم الله
تعالی اینجاست
شتراده هر آینه
میرفت همه جانور
می روی بدوی اگر غنچه
الله تعالی نوبت مقدر
فرمود که یک روز او برود
در دزد بگر جانور
آب پوشند
حضرت شاه صاحب
رحم الله اینجاست
دزد بدکاری که یک
تند او را شای داشت
یک رفیق خود را تحریک
کرد که شتراده را بکش
آن مرد شترانی کرد
لعه یعنی حضرت
لوط علیه السلام را
عکس می کردند لوط
را بلکه تمام پیغمبران را

صلی بنی در سرعت
وجود مولد آسان بودن
ست ۱۲ یعنی در
در محظوظ ۱۲
تفسیر عثمانی
۱۵ ایجاد وجود را
ارزانی داشتن نعمت
بزرگ او تامل بلکه
اصل و بیخ نعمت است
و آن بر دو قسم است
۱ ایجاد ذات ۱۱
۲ ایجاد صفت ۱۲
۱ کنون اللغات
آدم را بوجود آورد
در وصف ۱۳
علم بیان نیز نهاده
یعنی این را قدرت
داد که مافی الغیور را
به نهایت معانی و غنی
اداکند و سخن دیگران
را جمیع بجا نماندند
ببین صفت انسان
قرآن را می آموزد و
دیگران را می آموختند
و سخنان غیر و شر را
هدایت و ۱۵
فلاک ایمان ۱۰
و کفر دنیا و آخرت را
بطور واضح می نمود
می نهادند یعنی
طیور و غروب و کم و
زیاد شدن و یاقایم
مانند بر دو بیگ
حالت علایق و نوری
آفتاب و اجتناب
تجدید فعل و مواسم
و لطیف مختلف بر
سفلیات اثر انداخته
این همه با حمت یک
حساب خاص نظام
است و نعل می آید چه
چل کلین هر دو از
دارو آن بیرون قدم
نهادن چون صفای فکر
او تامل از برای نهنگ
خود برد و شد برود
نهادن است در این پنج
کتابی کرده و توانست و همیشه در خدمت مایندگان مشغولند ۱۲

بِأَيِّنَا كَلَّمْنَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ ۱۲ الْفَارُكُ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيكُمُ
تأمل این که ما با آنکه از ایشان گفتیم و از ایشان گرفتیم و از ایشان گرفتیم و از ایشان گرفتیم
آیات را نامی پس از آنکه از ایشان گرفتیم و از ایشان گرفتیم و از ایشان گرفتیم و از ایشان گرفتیم
أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ۱۳ أَمْ يَقُولُونَ خُنْ جَمِيعٌ فَلْيَصْرَحْ سِيئَتُهُمْ
آیا شما را حکم خلاصی است در کتاب های پیشین آیات گویند ما جماعتی هستیم انتقام گیرنده اکنون شکست خواهد شد
اجتمع و يُولُونِ الدُّبُرِ ۱۴ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذًى وَ
این چاه را و بگردانند ایشان پشت بلکه قیامت و عده گاه ایشان است و قیامت سخت تر و
این محبت و بگریزد پشت گردانده بلکه قیامت و عده گاه ایشان است و قیامت آفت بزرگ و
أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ۱۵ أَمْ يَقُولُونَ خُنْ جَمِيعٌ فَلْيَصْرَحْ سِيئَتُهُمْ
تأمل ترست هر آینه که ایشان در گمراهی و جهالت اند یا دین را بگریزد و خود را در دوزخ بر
تأمل تر است هر آینه که ایشان در گمراهی و جهالت اند یا دین را بگریزد و خود را در دوزخ بر
وَجْهَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ سَعِيرٍ ۱۶ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۱۷ وَمَا مَرَكَا
روستای ایشان گویند بگریزد و دست را ساندن دوزخ را هر آینه ما هر چیز را پدید آوریم با اندازه مقرر و نیست علم ما
رویهای شان (گفته شود با ایشان) بگریزد و دست را ساندن دوزخ را هر آینه ما هر چیز را پدید آوریم با اندازه مقرر و نیست علم ما
إِلَّا وَاحِدَةً كَلِمَةً تَبْصُرُ ۱۸ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّكِرٍ ۱۹
هر یک که باشد و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم
هر یک که باشد و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم و هر یک را پدید آوریم
وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ۲۰ وَكُلٌّ صَغِيرٌ وَكَبِيرٌ مُسْتَقَرٌّ ۲۱ إِنَّا
و هر چیزی که کرده اند مکتوب است در کتاب اعمال و هر خودی و بزرگی نوشته شده است و هر آینه
و هر چیزی که کرده اند مکتوب است در کتاب اعمال و هر خودی و بزرگی نوشته شده است و هر آینه
الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ۲۲ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ فَلْيَكُ مُّقْتَدِرٌ ۲۳
برگزینان در بوستانها و چشمها باشند هر آینه متقین در مجلس راستی باشند نزدیک پادشاه گونا
متقین در بهشت با و نهرا می باشند نشسته در مجلس راست نزدیک پادشاه گونا
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۲۴
سبحان پروردگار منزه از آنچه وصف میکنند
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۵
بسم خداوند بخشنده مهربان
أَفَظَعَتِ الْغَمَامُ غَمَامًا ۲۶
آغاز می کنم بسم خداوند بخشنده مهربان
الرَّحْمَنِ ۱ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۲ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۳ عَلَيْهِ الْبَيَانُ ۴ الْقَمَرُ ۵
خدا آموخت قرآن را آفرید آدمی را آموخت سخن گفتن آفتاب
رعن آموخت قرآن را آفرید انسان را آموخت ادراک سخن گفتن آفتاب
وَالْقَمَرُ حُسْبَانُ ۵ وَالْجَمُّ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۶ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ
و ماه را حساب مقرر کردند و گیاه و درخت سجده می کنند و آسمان را برافراشت و فرود آورد
و ماه را حسابی است و گیاه و درخت سجده می کنند و آسمان را برافراشت و بنهاد
الْمِيزَانَ ۷ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۸ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا
تراز را مقصد آنکه از حد تجاوز نکنید و ترازو در راستی بچینید باقسات و نقصان نکنید
تراز را تا تجاوز نکنید در ترازو در راستی بچینید باقسات و نقصان نکنید
الْبِيزَانَ ۹ وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۱۰ فِيهَا فَاكِهَةٌ ۱۱ وَالنَّخْلُ ذَاتُ
در ترازو زمین را گسترده برای حیوانات دران میوه است و درختان خزان است خداوند
در وزن کردن زمین را گسترده برای مخلوق دران میوه است و درختان که مرا حسان

صلی بنی بهولت
توان گرفت ۱۲-
تفسیر عثمانی

عنه جبرئیل سامع
دادن هم در حق نادان
حقیقه انعام است و
بیان کردن این سزا
تامرود از استماع آن
دست از گناه کشند
نیز یک انعام مستقل است
حضرت شاه صاحب
(رحمه الله) بنویسد
«در هر آیت نعمتی را
نشان داد، بعضی

از آنها بی الحال
نعمت است
و در باب دیگری
خبر دادن هم نعمت
است تا از آن
گناه کنند»

عنه از انسان
و باین فرض اینکه در کتاب
گناهان او علم آوری
شود سوال کرده نمی شود
زیرا که خدای تعالی از

ازل هر چیز را میداند
و آگاه است البته
بظهور الزام و تنوع
استغراق قانونی پس
می آید که تا آن «فوریک
لشتم اعمین» (در حجر
رکوع ۶) و یا مطلب
این است که بوقت
بر فراست از قبر با

سوال می شود اما پیش
بعد از آن زمانی آن
نمیست نه کسیکه
در دنیا خائف و ترسان
بود از عذوبت

بود از عذوبت
رب خود ایستاده شد
و در دوزخ حساب اذن
دارد و از سبب همان
بیم و ترس از تلافی
الله گناه می کرد و گناه
براه می رفتی و رفتی
بود برای وی در بهشت

دو باغ عالی شان مهیا است که صفات آن حد آیت مابعد بیان کرده شده ۱۲-

الْأَعْرَبُ كَيْفَا تُكْذِبُ ۝ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۝

از نعمت بای پروردگار خویش دروغ می شمرید پس چون بشکند آسمان
نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید پس چون باز گردد آسمان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید پس آنروز سوال کرده نشود
پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید پس در آن روز پرسیده نشود از گناه او یا هیچ آدمی و

لَا جَانٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ يَعْرِفُ الْجَنُّ الْمُؤْمِنُونَ بَسْمِ اللَّهِ فَيُؤْخَذُ

نه جنی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید
نه جنی پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید

بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي يُكَذِّبُ

موسه پیشانی و پایها نیز پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید نیست آن دوزخ که دروغ می شود
از روی پیشانی و از پای ها پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید این است آن دوزخ که کذب می کردید

بِهَآئِ الْيَمِينِ ۝ يُطَوَّفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

آنها را در آن گردش کنند میان آن آتش و میان آب گرم جوشیده
آنها را در آن گردش می کنند میان آتش و میان آب گرم جوشان

تُكَذِّبُ ۝ وَلَئِنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝

دروغ می شمرید و کسی را که ترسیده است از ایستادن در دوزخ و در دوزخ
شما هر دو کذب می کنید و کسی را که ترسیده است از ایستادن بخاطر پروردگار خویش و در جنت است پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ فِيهَا عَجَبَيْنِ ۝

دو بوستان خدادادند شاهانه پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید در آن دو بوستان دو چشمه
گردان می خورند بسیارند پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید در آن دو بوستان دو چشمه اند جاری

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ رِزْقٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید در آن دو بوستان از هر میوه دو قسم باشد پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود
پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید در آن دو از هر میوه دو قسم می باشد پس کدام نعمت بای پروردگار خود

تُكَذِّبُ ۝ مُتَكِينِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۝ وَحِجَابُ الْجَنَّتَيْنِ ۝

دروغ می شمرید متکیان بر فرشهای پهن است از حریر و ابریشم است و دیواره آن دو بوستان نزدیک بود
شما هر دو کذب می کنید متکیان بر فرشهای پهن است از حریر و ابریشم است و دیواره آن دو بوستان نزدیک است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ فِيهِنَّ قُصُورٌ الصُّرُوفُ ۝ كَذِبُهَا لَيْسَ قَبْلَهُنَّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید در آن کوکبها حوران باشند و در آنجا چشمه جاری است و آنها را هیچ آدمی پیش از این
پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید در آنجا حوران باشند و در آنجا چشمه جاری است و آنها را هیچ آدمی پیش از این

وَلَا حِجَابٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۝

و نه هیچ حجابی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید گویا آن حوران یا قوت و در جان اند
پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید گویا آن حوران یا قوت و در جان اند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۝ فَبِأَيِّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید جز آنکه نیکی کاری اگر انعام بسیار پس کدام یک
پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید جز آنکه نیکی اگر انعام بسیار پس کدام یک

الْأَعْرَبُ كَيْفَا تُكْذِبُ ۝ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۝

از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید و غیر اینها جنتهاست پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید
نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید و غیر اینها جنتهاست پس کدام نعمت بای پروردگار خود شما هر دو کذب می کنید

مل بی بفتح و دال

تفسیر عثمانی

عده در آنجا سخنان

نوع و اشیاء و یاوه

مغولی باشد نه کسی

دور غایب و نه نزدیک

تتمت و بهر تنی کند

از هر طرف تنها آواز

های سلام یا سلام

یا بلند میشود یعنی چنان

یکدیگر را در فرشتگان

به چشمان سلام می کنند

و سلام رب کو هم میرسد

که صورتی است از اجزای

و اکرام نهایت زیاده است

کثرت سلام اشاره

بسی این مطلب

است که اکنون در اینجا

رسیده از تمام آفات

و مصائب دنیا محفوظ

و مقصود مجمع و سالم

می باشد بهر گونه آزار

بشایسته و گاهی نه

موت و فتنه و شای

آید عطف

میوه های گوناگون

و نهایت فراوان

نه بیشتر کسی آنرا بداند

جیده و مانند میوه است

موسمی و وقتی و دنیاست

که تمام شود بلکه باده باد

هر وقت و هر آن موجود

می باشد و بگردد آن

هم بهیچ نوع مخالفت

و منتهی گامی پیش

نمی ناید به هر باد

و زمان دنیا در رجعت

نصیب میشوند پیرا

و نشو و نما و آفتاب قدرت

خداطوری میشود که بیشتر

خوبتر و خوش شکل تر

اندک و چون می باشند

و سخنان شیرین و ناز

و انداز و لریا و بیافت

آنها نهایت جالب

محبت است بر عاقلان

بلکه هم عمری باشند و باغبان

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِكِتٰبِ الْغَيْبِ حَتّٰى يَخْرُجَ مِنْ فَمِّ الْغَيْبِ مَا يَبْهَتُ الْاَشْهَادَ ۚ

آید و شدی کند بر ایشان از جوان جاویدان

گردش می کنند بخاطر ایشان بچکان جاوید ماندگان

به آنجا که باز نگردد و گویا و پیاپی از

شراب جاری ندرد و در داده شود ایشانرا از آن شراب و نه بهوش شوند

و آمد و رفت کنند بامیه از هر جنس که اختیار کنند

شراب حیات (جاری) که ندرد و در میشوند از آن و نه شطیحات گویند (بهوش می شوند) و میوه از آنچه که بپسند کنند

و با گوشت مرغیان از هر جنس که بپسند کنند

و ایشانرا استوران شاد چشم مانند مردارید پلا شیده کرده شده

و گوشت پرند از آنچه خواست کنند و حوران گلاب چشم مانند دانه های مردارید پلا شیده در مدت

با دامن دیمیم کعبه می کردند

نه متوجه در بهشت

سخن می بود و نه حرفه گناه با شریکین بودند این سخن

با دامن آن کار با می کردند

در آن جای بود و گوی و نه سخن گناه

مگر گفتن

در درختان کنار میخاد

چون خوب انداخته است دست راست در درختان نیز (کنار) میخاد

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

در درختان کوه تیر و تیر و آن و در سایه دراز

فلا يعني مني راحة
يعني تعذيب منكم مني راحة
از حاله بحاله تا ابدی
پسند اے شود و التا علم
فلا یعنی شرب و التا

تفسیر عثمانی

سے کہ ہم کس است
کردم مادر از نفقہ اس
رای سازد در آنجا قفر
ظاہری و باطنی از شما
بیز نفوذ ندارد پس
بدون ذات مقدس
ما کیست کہ در فطر آب
چنین صورت دلپذیر
را در ہم می کنی و باز در آن

روح سیدہ علیہ

در ظاہر و باطن شما در زمین

پسندید لیکن در داخل

خاک آن را برودش

دادن باز آن را بر او

کشت سبز و خرم را منتظر

کار کیست و التا

یا این پنج و خدای قہری

و سطحی ہم کردہ نمی تواند

کہ آن تیار کردگی است

دے با این ہم بگویم

بشود و در خزانہ ہائے

زمین ہم آن آب را

قطرہ ماذی فری می کشد

چہ قدرت داشتند کہ

آب را می ساقط و یا

بلند بود و بلند و برستی

از این ہای ستائید

لعل اگر بخوانیم آب

شیرین زلال را

بہرہ العین شود و محبت

لَجِبُوا حُونَ هَالِي مِيَقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ١٣ ثُمَّ اِنَّكُمْ لَآلِهَ الصَّالُونَ

جمع کرده شوند در ميعاد روز مقرر ١٣ پس از آنکه شما اسے گمرايان

المَكذِبُونَ ١٤ اَرَا كُنُونَ مِنْ جَحِيمٍ زُرَّوْا ١٥ فَمَا لَوْ مِنْهَا الْبَطُولُ

دروغ شمارندگان ١٤ خواهید خورد از درختان ١٥ پس چرا بايد کرد از آن ز قوم شکم بار

فَتَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ١٦ فَتَارِبُونَ شَرِبَ الْهَيْدِ ١٧ هَلْ اَنْزَلَهُمْ

پس خواهد آشاميد بران طعام از آب گرم ١٦ پس خواهد آشاميد مانند آشاميدان شتران مستقيم ايست مہمانی الی

يَوْمَ الدِّينِ ١٨ نَحْنُ خَلَقْنَكُمْ فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ ١٩ اَفَرَأَيْتُمْ مَا تَشْكُرُونَ ٢٠

روز جزا ١٨ ما آفریدیم شما را پس چرا بادر نمی کنید یعنی اعاده را آيا می بینید آنچه میسر کردیم در زمين و دل

اَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ اَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ٢١ نَحْنُ قَدْ زَايَيْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا

آيا شما می آفرينيد آنرا يا ما آفريننده ايم و ٢١ ما مقرر کردیم در میان شما مرگ را و ما ميستقيم

نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٢٢ عَلَى اَنْ نُبَدِّلَ اَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢٣

ما عاجز کرده شدہ ٢٢ از آنکہ عوض شما آریسم قوسے مانند شما و بيا فرستيم شما را در علای که نمیدانید

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْاُولٰٓئِ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ٢٤ اَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْمِلُونَ ٢٥

و ہر آئینہ داشتہ اید آفرینش نخستین را ٢٤ پس چرا پسند نمی گیرید ٢٥ آیدید یا آنچه سے کارید

اَنْتُمْ تَزْرَعُونَ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ٢٦ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ حُطًا مَّا نَفَلْتُمْ

آيا شما مير و یا نيد آنرا يا ما رو یا نندہ ايم ٢٦ اگر خواہيم بگردايم آن زراعت را کہ اے در ہم شکتہ بہ نجب مايند

تَقْلَهُونَ ٢٧ اِنَّا لَمَعْرِضُونَ ٢٨ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ٢٩ اَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي

گویند ٢٧ پس آئینہ ما عارضت کشد گایم بلکه ما محروم مانند گایم ٢٩ آیدید آن آب را

تَشْرَبُونَ ٣٠ اَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ٣١ لَوْ نَشَاءُ

ی آشامید ٣٠ آيا شما فرود آورده اید آن را از ابر ٣١ يا ما خود آوردہ گایم اگر خواہيم

جَعَلْنَاهُ اَجَافًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ٣٢ اَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ٣٣

شور بگردايم آنرا ٣٢ پس چرا استکبر نمی گویند ٣٣ آیدید آن آتش را کہ از میان شما درخت بر می آید آيا شما

اَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ٣٤ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تِلْكَ ذِكْرًا وَمَتَاعًا ٣٥

آفریدہ اید ٣٤ درخت آنرا يا ما آفريننده ايم ٣٥ شما ما ساقط آن درخت را بر آي باد و یا می بیند و بکار بردن

لِلْمُقْوِينَ ٣٦ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ٣٧ فَلَا تُفْسِدُوا مَوْقِعَ الْبُحْرَةِ ٣٨

برائے مسافران ٣٦ پس بیا بی یاد کن برود و کار بزرگ خود را ٣٧ پس سوگند میخورم با قناتن سستار با وصل

برای صحرائیان (مسافران) پس بیا بی یاد کن نام برود و کار خود را کہ از ہم بزرگ است پس قسم میخورم بکبر و رفعت ستارگان

لايات است کہ رسول کرم صلی اللہ علیہ وسلم آب را نوشيدہ میفرمود ہا کہ لعل الذي سقاہ خدا با آفتاب بر جزو و مہمل طعاما جاجا بنونہا (ابن کثیر)

سلا علی بن روح محقق
 لا استمرتم کویله
 لولا دخل است بر
 برهنه او عاده آن بر
 ناکید است ۱۲
 تفسیر عثمان
 عه حضرت شاه
 صاحب رده الشاهی
 نوید یعنی فرشتگان
 آن کتاب را دست
 میزنند آن کتاب همین
 قرآن است که در دستها
 فرشتگان و یاد لوح محفوظ
 نوشته شده و بعضی غیر
 «لا یسمی» را بسوی قرآن
 راجع کرده است یعنی این
 قرآن را است تفسیر فرشتگان
 گویند و این پاک یعنی کلمات
 دل صاف و اخلاق پاک
 را در قفسه یک شانه
 هم او را باز داشته حتی
 توانید حتی است که
 او به تفسیر حق خود بود
 اگر آن مرده از جمله
 مقربین الهی است
 بلندترین درجه راحت
 و عیش جاتی در دعای
 خواهر رسید و اگر
 از اصحاب همین
 باشد باز هم
 برایش اندیشه و
 خطری نیست حضرت
 شاه صاحب رده الشاهی
 میگوید یعنی از طرف
 آنها خود را راضی و آسوده
 در و و این مطلب
 است که از طرف
 اصحاب همین باسلام
 خواهر رسید و یا به گفته
 میشود گمانه براس
 تو ترانس سلامتی و
 امن است و قود زنده
 اصحاب همین شامل
 هستی در بعضی احوال
 است که برای میرنده
 پیش از موت این
 بشدت با رسانده میشود

وَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝۱۰
 و این ناری است بزرگ اگر بداند
 و از تحقیق این سخن است اگر بداند قسم بزرگ
 هر آینه این کتاب قرآن است که مقدر نوشته شده است در کتاب پوشیده
 تحقیق این قرآن است با عزت نوشته شده در کتاب پوشیده
 تَزِيلُ لِمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْ رِزْقِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۱۱
 که دست نمی رسانند آن مگر پاک کردگان و فرستاده شده است از پروردگار عالمیان آیات این سخن
 من نمی کند آن را مگر پاک ساخته شدگان را پاکان و فرستاده شده از طرف پروردگار عالم کزین آیات این سخن
 أَنَا أَنَا هُنَا ۝۱۲ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝۱۳
 شما کار کننده آید و می سازید نصیر خود آنکه شما بدو رخ نسبت می کنید پس نگاه کرد سرور و خلق
 شما سستی می کنید و می گیرید چه خود را اینکه تکیه می کنید آنرا پس چرا نه چون برسد
 الْحَقُّومُ ۝۱۴ وَأَنَّهُ جَبِينٌ مُنْتَبِهُ ۝۱۵ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ
 بنای کلو و شما نگاه می بینید و ما نزدیک تریم با او به نسبت شما و لیکن
 روح بگو حال آنکه شما در آن وقت می بینید و ما نزدیک تریم بسوی او نسبت به شما و لیکن
 لَا تَبْصُرُونَ ۝۱۶ فَلَوْ أَنِ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝۱۷ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ
 نمی بینید پس اگر هستید غیر مقهور حکم الهی چرا باز میگردانید روح را اگر
 نمی بینید پس چرا اگر هستید غیر مقهور حکم الهی (غیر جزا داده شدگان) چرا باز نمی گردانید آن روح را اگر هستید
 صَادِقِينَ ۝۱۸ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝۱۹ فَرَوْحٌ وَرِيحٌ وَجَنَّتْ
 راست گویند پس اگر باشد آن مرده از جمله مقربین پس برای او راحت و روزی و بهشت
 راست گویند پس اگر باشد آن مرده از جمله مقربین پس برای او راحت و روزی و بهشت
 نَعِيمٌ ۝۲۰ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝۲۱ فَسَاءَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝۲۲
 نعمت و اما اگر باشد از اهل سعادت پس سعادت است ای صاحب خاطر از اهل سعادت
 پر نعمت است و اگر باشد او از اشخاص دست راست پس سلامتی برسد و از اشخاص دست راست
 وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۝۲۳ فَنَزَلَ مِنْ جَمِيمٍ ۝۲۴ وَتَصْلِيَةٌ
 و اما اگر باشد از دروغ شمارندگان گمراهان پس اوست همای از آب گرم و اوست در آلودن
 و اگر باشد از کمترین گمراهان پس (اوست) همای از آب جوشان و انداختن
 حَكِيمٌ ۝۲۵ إِنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ الْيَقِينُ ۝۲۶ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝۲۷
 بدو رخ هر آینه این خبر دست به شهادت است پس بیای یاد کن پروردگار بزرگ خود را
 تحقیق این سخن همانا شایان یقین است پس بیای یاد کن نام پروردگار در که از همه بزرگ است
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝۲۸
 بسم الله الرحمن الرحیم
 آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت با رحمت است
 سُبْحَانَ اللَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۲۹
 بپای یاد کرد خدا را پروردگار آسمانها و زمین است و اوست غلب دانا و اوست
 بپای یاد کرد خدا را پروردگار آسمانها و زمین است و اوست غلب با حکمت و اوست با دانا
 السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۳۰ هُوَ
 آسمانها و زمین زنده می کند و می میراند و او بر هر چیز توانا است اوست
 آسمانها و زمین زنده می گرداند و می میراند و او بر هر چیز توانا است اوست
 الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۳۱ هُوَ الَّذِي
 نخستین همه و اوست آخرین همه و اوست آشکار و اوست پنهان و او بهر چیز دانا است اوست آنکه
 پیش از همه و پس از (همه) اوست ظاهر و اوست پنهان و او بهر چیز دانا است اوست آنکه

فلما بلغه روز است
برگم ۱۲ ص یعنی هر
کسی که نمرد یا بخت نکند
ملک خدا باشد پس آن
نخل کردن نهایت
شفیع است ۱۳
تفسیر عثمانی
ع از ایمان آوردن
بر الله و یا از تعقیب
راه های معرفت و یقین
کدام چیز مانع شما
میشود و درین موارد
سستی و تعلل و تقاض
چرا باشد غرور و دقت
کنید و تکیه بر رسول خدا
شمار ایسوی کدام چیز
غیر یا نوس مستحق بلک
بطرف پروردگار مدنی
حقیقی شده عوت می کند
که عقیده آن در اصل
فطرت شما و بعیت
نهاد شده و نیز انذار
و عیبیت او تعلیل را
پیش از آمدن خود بدینا
کرده ایست چنانچه تا پیش
اقرار یک اندازه تا بهر
چیزی در تقوب بنی آدم
یافت میشود باز نیز
دلائل و براین ارسال
رسل یاد دهنی و تجدید
آن عهد و بیان ازلی
نیز کرده است و انبیای
سابقین از امت های
خود این عهد را هم
گرفته اند که به اتباع
خاتم الانبیاء صلی الله
علیه و سلم خواهند پیوست
نیز بسیاری از شما
بستند که بدست
میداد رسول گزینم
صلی الله علیه و سلم عهد
آنچه کرده اند که بیعت
و طاعت و الطاعت
فی سبیل الله و طوعه
امور ایمانی بای می شود
پس بعد از این جمله

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ط
آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد بر عرش
بیا فرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد (تفسیر کرد) بر عرش
يَعْلَمُ مَا يَلْجِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
میداند آنچه در می آید به زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
میداند آنچه می دارید در زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٥ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
اندر آن و او با شماست هر جا که باشید و خدا با آنچه می کنید بیناست او را است پادشاهی آسمانها
در آن و او با شماست هر جا که باشید و الله به آنچه می کنید بیناست او را است پادشاهی آسمانها
وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٥ يُورِثُ اللَّيْلُ النَّهَارَ وَتُورِثُ النَّهَارُ
و زمین و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها و در روز و در روز و در روز و در روز
و زمین و بسوی الله باز گردانیده میشود کارها و در روز و در روز و در روز و در روز
فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلَيْكُمْ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٦ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْتَفِقُوا
در شب و او داناست بطن سینه ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید
در شب و او داناست به آنچه در سینه است ایمان آرید به الله و رسول او و خرج کنید
مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلِفِيْنَ فِيْهِ فَاَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْتَفِقُوا لَهُمْ اَجْرٌ
از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین و دیگران در دس پس آنان که ایمان آوردند و خرج کردند از شرافت انراست مژ
از آنچه که بدست شما داده است نامی خود ساخته در آن از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین و دیگران پس آنکه ایمان آوردند از شما و
كِيْفَرٌ ٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ يَدْعُوْكُمْ لَتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ
بزرگ و چیست شمارا که ایمان نیارید بخدا و رسول او دعوت می کند شمارا که ایمان آید به پروردگار خویش
بزرگ و چه شده شمارا که ایمان نمی آید به الله در حالی که رسول می خواند شمارا که ایمان بیارید به پروردگار خود
وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ٨ هُوَ الَّذِيْ يَنْزِلُ عَلٰى عَبْدٍ
و هر آنچه عهد گرفته است از شما که اگر هستید با پروردارنده و دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
و هر چه عهده گرفته است عهد محکم از شما که اگر هستید مؤمنان به او دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
اِنَّ رَبِّيْنَا لَيَبْرُؤُنَا اَزْ شَمَارِكِ الْاَزْ تَارِيْكِ ٩ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ
آیات و افع تا بیرون آرد شمارا از تاریکی با بسوی روشنایی و خدا بر شما بخشایند
آیات و افع تا بیرون آرد شمارا از تاریکی با بسوی روشنایی و هر چه عهده گرفته است عهد محکم از شما که اگر هستید مؤمنان به او دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
رَحِيْمٌ ٩ وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَتَّقُوْا اِنِّىْ سَبِيْلُ اللّٰهِ وَلِیُّرَاثِ السَّمَوَاتِ وَ
مهربان است و چیست شمارا که خرج نکنید در راه خدا و خدا انراست واپس گذاشته آسمانها و
مهربان است و چه شده شمارا که خرج نمی کنید در راه الله و خدا انراست میراث آسمانها و
اَلْاَرْضِ لَا یَسْتَوِی مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ لَفْظٍ وَقَاتِلْ اَوْ تَلِكِ
و زمین و برای نیست از شما آنکه خرج کرد پیش از لفظ و مقاتله کرد آن گروه
و زمین برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از لفظ و مقاتله کرد آن گروه
اَعْظَمُ دَرَجَةً ١٠ مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَدَ اللّٰهُ
در مرتبه بزرگ ترند از آنانکه خرج کردند بعد از لفظ و مقاتله کردند و هر دو فریق را و عدده داده است
بزرگ ترند از روی درجه از آنان که خرج کردند بعد از لفظ و مقاتله کردند و هر دو فریق را و عدده داده است
اَحْسَنُ ١١ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ١٢ مِّنْ ذَا الَّذِیْ یُقْرِضُ اللّٰهُ قَرْضًا
حالت نیک و خدا با آنچه می کنید خبردار است و کیست آنکه قرض دهد خدا قرض دادن
نیکی را به شما و خدا به آنچه می کنید خبردار است کیست آنکه قرض دهد الله قرض دادن
پس بعد از این جمله

چنانچه آن نمی تواند که سیکار داده باور کردن را داشته باشد باور کند و سیکار داده باشد از باور کردن و عینا خود برگردد ۱۲

فلترجم گوید بجه
 در دنیا و دین و جمل اورد
 کفیه که اینجا تحصیل نور
 نیت و الله اعلم
 وکلی یعنی هر صفت
 مسلمانان را
 یعنی اجل ۱۲
 تفسیر عثمانی
 در دست است
 در دنیا ظاهر و باطن
 و زبان و دوی اسلام
 ی که در هر حال باطنی
 شالین بود که گزینار
 لذات و شبهات شود
 راه نفاق را اختیار کرده
 بودید و نفس خود را فریب
 داد و خود را در پلکت
 انداختید باز هیچ توبه
 نکردید بلکه خطر بودید که آیا
 چو دقت آید اسلام و
 مسلمانان مورد کد و کلام
 آفت بلا واقع میشود
 و راجع بدین دعا متبادری
 شک و شبهات بود
 در همین فریب که خبر بود
 که در آینده هیچ جزای
 این کردار و رفتار
 منافقان و بیگانه می رسد
 بلکه این خیالات و
 توهمات را بدماغ خود
 پرده انداخته که مغفیر
 این همه شر و غفلت و اسلام
 و مسلمانان بیایان خواهد
 رسید با آخر غالب
 میشود می ماند نقد آخرت
 پس در اینجا هم بکلام جلیل
 غایت خواهم یافت
 شناسان این خیالات
 بودید که حکم الله متعال
 رسید و گوی شمار اگر
 فشار داده آن دعا باز
 کلام است سلطان شما
 انده کشیده چنان
 عروم تان نمود که
 اکنون هیچ راه نماند
 باقی مانده ۱۲

حَسَنًا فَيُضَعِّفْ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ① يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

نیک پس در چند اندک آن قرص را بر آید و او را است مزد بزرگ یاد کنی روزی که ببینی مردان مسلمان را و زنان مسلمان را

يَسْعَىٰ نَزْلَهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَيَنْفِئُهُم بِكُفْرِهِمْ أَلْيَوْمَ حَسَنًا تَجْرِي مِنْ

باین صفت که می شتابد نور ایشان پیش دست ایشان و بجانب راست ایشان گفته شود مرده باد شمارا امر و شمارا است پوست آنها میرود

تَحْتِهَا إِلَّا نَهْرٌ خَالِدٌ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ② يَوْمَ يَقُولُ لُ

زیر آن جوئی با جاوید باشد آن جا نیست مطلب یا بی بزرگ روزی که گویند

الْمُنْفِقُونَ السُّفْهَاءُ الَّذِينَ آمَنُوا أَلْظُرُونَا نَقْتَرِبْ مِنْ تَوْرِكُمْ ③

مردان منافق و زنان منافق مسلمانان را انتظار ما را بکشید تا روشتی بگویم از نور شما

فَقِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ

گفته شود باز گردید پس پشت خویش پس بگوئید روشتی را پس ایستاده کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه باشد

بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ④ يُنَادُوهُمْ أَمْ كُنْتُمْ

اندر درون آن دیوار دعا بگره مت و بیرون آن عذاب است و عذاب منافقان مسلمانان را آیا ما نبودیم

مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ كُنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ كُفَرًا ⑤ وَلَمْ تَتَّبِعُوا نِعْمَتَنَا ⑥

همراه شما گفتند آری و لیکن شما در باطن خود کفر داشتید و نیکو نیت نبودید و نیکو نیت نداشتید و نیکو نیت نداشتید

الْأَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَعَزَّكَ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ⑦ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ

آرزو با تا آنکه برسد فرمان خدا و فریب دلا شمارا در غیاب برداری خدا شیطانی فریبنده پس امروز فرا گرفته شود

مِنْكُمْ فَلَئِنَّ لَآ مِنْ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا وَكُمُ النَّارُ مِنْ مَوْلَاكُمْ ⑧

از شما فداست و نه از کافران گرفته شود چنانچه شما آتش است همان آتش لایق شمامت و

بِعَسَىٰ الْمُصِيبَةُ ⑨ أَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

بد بازگشت است و آید وقت نرسیده است مسلمانان را که خیاالش کند دل ایشان و وقت یاد کردن خدا

وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ

و وقت یاد آوردن آنچه آمده است و حق و جانشینان مانند آنکه داده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز گشت

عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَفَسَدَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ⑩ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

بر ایشان امت پس محنت شد دل ایشان و بسیار از ایشان نافرمانند بدانند که الله

يَحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ⑪

زنده می کند زمین را بعد از مرده بودن آن بر آیت میان کردیم برای شما نشانیها بود که شما در آیت

زنده می گردانند زمین را بعد از مرده بودن آن (هر آیت) واضح بیان کردیم برای شما نشانیها را شاید شما عقل کنید

بِخَبْرِهِمْ

بِخَبْرِهِمْ

سے مترجم محقق

در حدیث الباقی

الشہداء را

العید یقون قبول کرد

است یعنی کسی

الشد و جمع بغير ان او

لا ایمان آوردند باید

اثر یقین آنها اعمال

و احوال آنها قیامت

ایمانداران راست

در احوال و امور

اند و همین حضرت

نزد الله تبارک و تعالی

احوال و امور مردم اند

کامال و کمال

جنت و سعادت و

شهر علی الناس و

بکون الرسول علیکم

در حق و کرم و

باین ایمانداران

قرار علی و در ایمان

نوب و در دنیا و

و تفسیر این آیت

و تم دیگر کرده

این حقیر گواهی

مفضل آن را ندارد

علم الله تبارک و تعالی

بهر چیز علم ذاتی است

و نه محض آثار حاصل

نموده باین برای

دی و مشکل است

که مطابق علم علی و

تمام احوال و حوادث

را قبل از وقوع در

مخبر بود و فرمایند

عادت اکثر دینداران

حکمر این است که

الف و گزاف می

که چون نام الف

شود پس از جیب

نی و از یقین رفیق

شکل نمی خرد و

شان در کمال

چند بر علیه دیگر

به قول و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

میدان و حق

المُكْمِلِينَ وَالْمُتَمِلِّقِينَ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعَفُ

مردان تجارت دهنده و زنان تجارت دهنده و آنانکه قرض داده اند خدا را قرض نیک دو چند داده شود

لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ

ایشان را و ایشانراست مزد گرامی قدر و آنانکه ایمان آوردند بخدا و پیغمبران او آنجا علیشانند صدیقان

وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا

و غیر ایمان نزد یک پروردگار خویش ایشانراست مزد ایشان و نور ایشان و آنانکه کافر شدند و دروغ میفرمودند

بآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ لِّهَؤُلَاءِ

آیات ما را آن گروه اهل دوزخ اند بدانید که زندگی دنیا بازی است و میوه نیست و آرایش است

وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي أَمْوَالٍ وَالْأُولَٰئِكَ لَمَّا كُنْتُمْ خَيْرًا لِّلْكَافِرِ

و خود ستایی است در میان خویش و از یکدیگر زیاده طلبی است در مالها و افزون شدن مانند پارسه که شکفت آرد زراعت کنندگان را

نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

رستخوار و باز خشک شود پس زرد به بینی آنرا باز و در هم شکسته گردد و در آخرت عذاب

شَدِيدٌ ۝ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ

عزت است و عفو از آرزوی است از جانب خدا و خوشنود است و نیست زندگی دنیا مگر بهیچ

الْغُرُورِ ۝ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَاءِ

بهرشت فریب باشد سبقت کنید بسوی آرزوی از جانب خدا و بسوی بهشت که پهنائی او مانند پهنائی آسمان

وَالْأَرْضِ أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ

و زمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان آورده اند به الله و رسولان او اینست فضل خدا میدهد آنرا

مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ

بهر که خواهد و خدا قهار و فضل بزرگست و هر سیدی و بیستی در زمین

وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كَيْفٍ مِّن قَبْلِ أَنْ تُبْرَأَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و نه در جان شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه برآیند این کار بر خدا آسان است

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۝ وَاللَّهُ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

چرا زاده ایم تا نماند و غمید بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان نشوید با آنچه عطا کرد و شمارا و خدا تعالی دوست نمی دارد و هر چه کند

فَخُورٍ ۝ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمُ يَخْلَقُونَ مَا يُؤْمَرُونَ النَّاسُ بِالْبَخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ

خودستایند را دوست نمی دارد و آنانکه بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که گردان شود

مَخْرُجًا ۝ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا قَدِيرٌ ۝

خارج کننده را و آنانکه بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که گردان شود

مَخْرُجًا ۝ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا قَدِيرٌ ۝

خارج کننده را و آنانکه بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که گردان شود

سابقه کان خروج کرمین کاران متوکلین و صاحبین است که پول را دوست ندارند و میدانند که در حق و راحت فقط از جانب بهمان مالک علی الاطلاق است ۱۲

وَمَا يَنْفَعُ سُلَيْمَ بْنَ الدَّرَدِمِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَمِعَ
 بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 تَقْسِيرُ عِثْمَانِ
 ٥٤ از این آیهها
 اکثر نافران اندیدین
 به خاتم الانبیا و صلی الله
 علیه و سلم ایمان نمی آورند
 اگر چه بحقیقت آن میدادند
 ٥٥ این کتاب
 احوال پیغمبران
 سابق را شنیده
 آرزوی کرده اند که
 ٥٦ افسوس باز آن ١٩
 پیغمبران غنی پسان
 پیدا شدیم بر اے ما
 بدست آغلان آن
 درجات محال است که
 محبت انبیاء حاصل
 میشود « بدانند که لایق
 مثال این رسول و
 مبعوث فرموده در
 محبت او میتوان
 نسبت به سابق دو
 چند گان و بزرگی بدست
 آورده و فضل خدا
 موقوف نشده است
 تنبیہ حضرت شاه
 صاحب رحمته تفسیر
 آیت را قرار فوق کرده
 است لیکن از اکثر
 سلف منقول است
 که درین موقع « که علم
 یلیم یا معنی « که یلیم
 است یعنی تا آن اهل
 کتاب (که ایمان نیاوردند)
 بداندند که آنها بر فضل
 خدا قدرت ندارند و
 فضل فقط بدست
 است بهر که نخواهد
 اوزانی میفرماید
 چنانچه یکسایند از
 این کتاب بر
 خاتم الانبیا
 (صلی الله علیه و سلم)
 ایمان آوردند و بر ایشان
 این فضل کرد که بر ایشان دو چند اجزاده میشود و خطای گزشتہ شان معاف و برای ایشان روشنی رحمت می گردد و کسی نیکو ایمان نیارودند آنها از این انعامات محروم اند ١٢٠

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ٥ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ

هر آینه خدا بموت است بی نیاز ستوده
 پس (هر آینه) الله دست بی نیاز موصوف به صفات پسندیده (تحقیق) فرستادیم رسولان خود را بالاثباتها و فرستادیم همراه ایشان

الْكِتَابَ وَالْيَزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ٦ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ

کتاب و ترازو تا اهل کنند مردمان
 کتاب و ترازو را تا نامم باشند مردم به انصاف و فرود آوریم آهن را در آن جنگ

شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ٧

سخت است و منفعت است دیگر برای مردمان و تا بداند خدا کسی را که نصرت دهد خدا را
 سخت است و منفعت است برای مردمان و تا معلوم کند الله کسی را که مدد می کند خدا را و رسولان او را نادیده (در غیاب)

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ٨ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَآدَمَ بِآيَاتِنَا

بهر آینه خدا توانای غالب است و (تحقیق) فرستادیم نوح را و ابراهیم را و آدم را در اولاد ایشان
 بیشک الله توانا غالب است و (تحقیق) فرستادیم نوح و ابراهیم را و آدم را در اولاد هر دوی ایشان

الَّذِينَ آمَنُوا وَآلَهُمْ بِرِجْوَى ٩ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْتَ وَآلُكَ

پس پیغمبری و کتاب پس بعضی ایشان را راه یابنده است و بسیار از ایشان تا زمان اند باز از عقب فرستادیم بر
 و پیغمبری و کتاب را پس بعضی از ایشان راه یافتگان اند و بسیاری از ایشان تا زمان اند باز از عقب فرستادیم بر

أَنَّا رَحِمُكُمْ بَرَسُلَانَا وَقَفَيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ ١٠ وَجَعَلْنَا

بچه ایشان پیغامبران خود را و آنچه آوردیم عیسی پسر مریم را و دادیم انجیل و نهادیم
 قدمهای ایشان پیغمبران خود را و از عقب فرستادیم عیسی پسر مریم را و دادیم او را انجیل و نهادیم

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَافَةً وَرَحْمَةً ١١ وَرَهْبَانِيَ ابْنَدَ عَوْهَا

در دل تائبان او مهربانی و بخشایش و گوشه نشینی که خود پیدا کرده بودند آنرا
 در دل بای بیرون او و ترجیح و مهربانی و ترک دنیا را که آنها لو پیدا کرده بودند آنرا

مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ١٢

ما فرض نکرده اند بر ایشان لیکن اختراع کردند طلب خوشنودی خدا پس نگذاشتند حق نگهداشتن آن
 ما فرض نکرده اند بر ایشان لیکن اختراع کردند برای طلب خوشنودی الله پس رعایت نکردند آنرا چنانچه حق رعایت آن بود

فَاتَّبَعْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ١٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند از ایشان و ما مزد ایشان و بسیار از ایشان بدکارانند اے آنانکه
 پس دادیم آنان را که ایمان آوردند از ایشان پاداش ایشان و بسیاری از ایشان نافرمان اند اے

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُلِهِ يُؤْتِكُمْ كُفْلًا مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ

ایمان آورده اید به پیغمبران سابق بزرگواران خدا و ایمان آرید به پیغامبران او تا بدیدد شما را دوحه از رحمت خود و بدید
 مؤمنان بزرگوار خدا و ایمان آورید به پیغمبران او تا بدیدد شما را دوحه از رحمت خود و بدیدد

لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ١٤ لِيَعْلَمَ

شمارا نور را که راه روید به آن و تا بیاورد شمارا و خدا آمرزگار مهربان است خداست باین مقصد خبر داد تا بداند
 در شمارا نور که راه روید به آن و بیاورد شمارا و خدا آمرزگار مهربان است تا بداند

أَهْلَ الْكِتَابِ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ

اهل کتاب که ایشان قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدانند که فضل
 اهل کتاب که قدرت ندارند بر چیزی از فضل خدا و آنکه تحقیق فضل

بِكَبِيرٍ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ١٥

ببزرگست خدا است میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است
 ببزرگست الله است میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ
قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِمَا بَيْنَ يَدَيَّ
وَأَنَا بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۚ
مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُهُ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُهُ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُهُ

تفسیر عثمانی
عصای که در میان
جالبیت کرده ایم
است. اکنون بعد از
نزد به ایت پیچین
حرکت اقدام کنید و
پیش از قربت با هم
خود کفاره بدهید اگر
نقطه این کار از شما
مرز عقوبت کرده از الله
صافی بخوابید عصب
کارمندان صادق
نیست که از حد مقرر
خدا بجا و گذشت بانی
مانند کافران که حدود
مقرر خدا را بجا نیاورند
نمی کنند بلکه فرود
خود حدود مقرر کنند
از ایشان صرف نظر
کن چه برای آنها عذاب
در ناک مهیا است -
چنین مردم در زمان پیش
هم ذلیل و خوار شدند
و حال هم نصیب شان
رسوایی است - بعد از
استماع آیات صاف
دروغ خدای تعالی
بر انکار پنازاری
کردن و احکام خدای
را عادت و احترام
نمودن مراد گرفته

<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>
<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p>

مل یقین بود که راز
ایشان مدایه است
مسلمین بود الشیطان
و مل یقین بجای السلام علیک
السلام علیک گویند
یعنی هر که بود با او
و مل یقین بجای السلام
راست است بیاست
که ارا غلب رسیده
والله اعلم
تفسیر عثمانی
ع اگر در مشوره نقد
و لغز باشد صورت
اختلاف آن و لغز
ترجم و شواهدی کرده
بر آن در ساحت همه
عموماً عاقل را مقرب
می کنند و از یک طرف
اول سر بود و باز پنج
شاید از کتب مسلمانان
و در حدیث اعتبار فرمود
بعد از آن به دو لادانی
من ذلک و لا اکثر یقیم
نمود و این حضرت
عمر فرمای خلافت ما
در شش صحابه را کرده
و حال آنکه عدد شش
طاق نیست و شاید از
سببی باشد که در آن
وقت همین شش نفر
برای امر خلافت نسبت
بدیگران اهل متقی تر
بودند لهذا از پنج کی تا
آنجا صرف نظر نمی شد
نیز انتخاب خلیفه از
جمله همین شش نفر
می آمد پس ظاهر است
که غیر از شش انتخاب
شده عده رای دهند
به پنج بالغ میشود باز
هم اعتبار حضرت
عمر بصورت مساوی
تقدیر رای دهندگان
نام عهد الله این عمر
را گرفته بود و الله
تعالی اعلم ۱۲

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى

آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و نی پاشد بایکدیگر راز گفتن

ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ

سه نفر مگر خدا چهارم ایشان است و نی پاشد راز گفتن پنج نفر مگر خدا ششم ایشان است و نی پاشد کمتر از آن

وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا أَتَتْهُمُ مِنْهُمُ بَعَاثُهُمْ أَوَّلَ الْقِيَمَةِ

مگر خدا بایشان است و نه زیاده ازین مگر خدا بایشان است هر جا باشند باز دهد ایشان را روز قیامت آنچه کرده اند و نه یار تر از آن مگر خدا بایشان است هر جا باشند باز خیر دهد ایشان را آنچه کرده اند در روز قیامت

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوُا عَنِ الْيَتَامَى ثُمَّ

هر آنچه خدا بهر چیز داناست آیا ندیدی بسوی آنانکه منع کرده شد ایشان را از یکدیگر راز گفتن و باز به تحقیق الله بهر چیز داناست آیا ندیدی بسوی آنانکه منع کرده شده اند از راز گفتن با هم

يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْا عَنْهُ وَيَنْجُونَ بِالْأَثَمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

خود می کنند در آنچه ازین منع کرده شد ایشان را و با یکدیگر راز می گویند در باب گناه و تعدی و تا فراموشی می گردند بدان چیزیکه نهی کرده بودند از آن و با یکدیگر راز می کنند بگناه و تجاوز

الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِمَّا لَمْ يُحِبُّ بِهِ اللَّهُ يَتَوَلَّوْنَ فِي أَنْفُسِهِمْ

و چون برسانند پیش تو دعا کنند ترا بآن کار که در عا کرده است ترا خدا بآن می گویند و در دل خویش
و چون برسانند پیش تو دعا کنند (خجست گویند) ترا به آنچه که خجست نفع است ترا به آن الله می گویند و در دل (میان) خود

لَوْ لَا يَعْلَمُ اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصْطَلُونَهَا قَبْلُ الْكَافِرِينَ ۝

چرا عذاب می کن ما را خدا بسبب آنچه می گوئیم و می دانست پس است ایشان را دوزخ و آیت ما بجای پس بد جایست دوزخ
چرا عذاب می کن ما را الله بسبب آنچه می گوئیم پس است ایشان را دوزخ و داخل میشوند در آن پس بد موضع است دوزخ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا إِلَّا بِالْعَدْلِ وَإِنْ مَعْصِيَتِ

ای مسلمانان چون با یکدیگر راز گوئید پس باید که راز گوئید در باب گناه و تعدی و تا فراموشی
ای آن که این ایمان آورده اند چون با یکدیگر راز گوئید پس باید سرگوشی کنید در سخن گناه و تا فراموشی

الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝

و تا بر سر راز گوئید در باب نیکی کاری و پرهیز گاری و ترسید از خدا که بسوی او حشر کرده خواهد شد
و سرگوشی کنید به حق و پرهیز گاری و ترسید از خدا که بحضرت او جمع کرده میشود

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَرْبِهِمْ شَيْئًا

جز این نیست که راز گفتن بد از کار شیطان است تا اندوه بین کنند مسلمانان را و نیست هیچ زیان رساننده بایشان
(جز این نیست) که سرگوشی کردن از کار شیطان است تا اندوه بین کنند آنان را که ایمان آورده اند حال آنکه نیست هیچ زیان رساننده بایشان

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

مگر بار آید خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان
ای که این ایمان دارید

إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فَاذْهَبُوا فَاذْهَبُوا فَاذْهَبُوا فَاذْهَبُوا فَاذْهَبُوا فَاذْهَبُوا

چون گفته شود شما را که راه را باز کنید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید
چون گفته شود شما را که راه را باز کنید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید و بفرمایید

فَالْتَفَرُّوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ

پس بفرمایید تا بلند کند خدا شما را براسه آنکه ایمان آورده اند و شما را که علم داده شده است ایشان را علم و خدا
پس بفرمایید تا بلند کند خدا آنان را که ایمان آورده اند و شما را که علم داده شده علم در جهات و خدا

فل من مكرم كيد الان
علم منوع است باقر
كرى ايد و الله اعلم
فل معنى منافقان يا
يهود و رستى كبر و نود الله
اعلم ۱۲

تفسير عثمانى
ع قسم هاي دروغ
خوره جان و مال خود را
از دست مسلمانان بگيرد
مي كند و خود را مسلمان
ظاهر كرده و پيروي از ديني
ديگران را از قبل

بهر معني راه خداي
ميدارند پس بايد
و التبت كه اين معني

۲ بد ميگويي بچا و حوت

يافته مي توانست الهتدب

تهاتيت ذلت آور

حقا كبر خا شده في

مستند و چون وقت

متراد رسد و بچا و حوت

و بگيري را از هفت الهتي

نجات داده مي تواند

تعال ولا خواهد داد و

اولاد دارد و آنها خوا به

خورد كه براي حفاظت

آنها قسم هاي دروغ مي

خورد عهده يعني عادت

و روش انجام داد را بچا

هم بكار خواهد برد -

شيكه نزد خدا دروغ

كفته خلاص مي شوند

وي پندارند كه خطي

پوشيدار بستم و حيله

خوني بكار مي برم بچا و حوت

خدا هم بخوردن قسمها

دروغ تباري شوند كه

پروردگار را نكند چنين

بودم بلكه اين قسم

لايحه مشابه بدماع بود

بهر اعيانه باشند كه

در انجام بهمين اهلها

ربا مي خوانند اذنت

سر انجام لشكر

شيطاني يعني خراب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقُولُوا

يا ايها الذين آمنوا چون خواهيذ كه را از گوئيد يا چنانچه پس گفت بدسيد
يا ايها الذين آمنوا چون خواهيذ را از گوئيد يا چنانچه پس گفت بدسيد

بِأَن يَدِيْ جُؤَاكُمُ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ ۖ وَإِن لَّمْ تَجِدُوا

بيش از ده از لقم خود خيرات را الي كار بهتر است بشمارا
و يا بزرگوار است اين كار بهتر است شمارا

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۖ أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَالُوا أَبْغَيْنَ يَدِيْ جُؤَاكُمُ

يا ايها خدا امزگار مهربانست و آيا ترسيديد از آنكه گفت بدسيد بيش از ده از لقم خود
پس از آئين الله آمرزنده مهربان است آيا ترسيديد از آنكه گفت بدسيد بيش از ده از لقم خود

صَدَقْتُمْ ۖ وَادَّكُمُ تَفْعَلُوا ۚ وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

خيرات را پس چون بگريد و در كنز اعيان خدا از شما پس باريد نماز را و بدسيد زكوة را
خيرات را پس چون بگريد و در كنز خدا از شما پس باريد نماز را و بدسيد زكوة را

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَاللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ إِلَى الَّذِينَ

و فرمانبرداري كنيد خدا را و رسول او را و خدا جبار است يا ايها كسي
دوران بر داري كنيد خدا و رسول او را و خدا جبار است يا ايها كسي

تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَهْلَكَهُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلُقُونَ عَلَى

دوستي كردند يا قومي كه غضب کرده است خدا بر ايشان و نيستند پس منافقان از شما و از يهود و مسلمانان
دوستي كردند يا قومي كه غضب کرده است خدا بر ايشان نيستند اين منافقان يهود از شما و از ايشان و مسلمانان بخورند

الْكِبْرِ ۖ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۚ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ

بزرگوار و ايشان ميدانند آماده ساخته است خدا براي ايشان عذاب سخت بر آيند بدست
دروغ و ايشان ميدانند آماده ساخته است خدا براي ايشان عذاب سخت بر تحقيق ايشان بدكار است

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ حُجَّةً ۖ فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

آنها مي كردند گرفتند سوگند هاي خود را پس باز و در حقيقت مردم را از راه خدا
آنها مي كنند گرفتند سوگند هاي خود را پس باز و در حقيقت مردم را از راه خدا

فَلَهُمْ عَذَابٌ يَشْتَدُونَ ۚ لَن نَّغْفِرَ عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ

پس براي ايشان است عذاب خور كننده و دفع نخواهد كرد ايشان اهل اولاد ايشان از عذاب خدا
پس ايشان است عذاب ذلت آور و دفع نخواهد كرد ايشان اهل اولاد ايشان از عذاب خدا

شَيْءًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

چيزي را اين جماعه اهل دوزخ اند ايشان آنجا جا و ميدان باشند روزيكه براي ايشان را خدا
چيزي را ايشان است اهل دوزخ ايشان باشند در آنجا جا و ميدان همه روزيكه براي ايشان را خدا

جَمِيعًا فَيُخْلِقُونَ لَهُمْ مَا يَخْلُقُونَ لَكُمْ وَيُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ أَلَا

همه يك جا پس سوگند خوردند و حضور او چنانكه سوگند بخورند حضور شما و مي پندارند كه ايشان بر چيزي هستند آگاه
يك جا پس سوگند خوردند و حضور خدا چنانكه سوگند بخورند نزد شما و مي پندارند كه ايشان هستند بر چيزي را آگاه

أَنَّهُمْ هُمُ الْكَافِرُونَ ۚ اسْتَحْذَرُ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَاسْتَمِعُوا لَهُمْ ۚ ذَكَرَ اللَّهُ

بر آيند ايشان در غلو غالب آمده است بر ايشان شيطان پس فراوش ساخت از خاطر ايشان يا كردن خدا
بر آيند ايشان اند در غلو يان غلبه کرده است بر ايشان شيطان پس فراوش گردانيد از ايشان يا خدا

أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۚ

اين جماعه لشكر شيطان است آگاه شو هر آينه لشكر شيطان ايشان است زيان كاران
اين جماعه گروه (لشكر) شيطان است آگاه شود هر آينه گروه لشكر شيطان ايشان است زيان كاران

است. تعويجات آن زود نيازوي كاميابي را اديده ميتواند و زود آخرت كدام راه نجات در باي است از عذاب شديد ۱۳

فل منزه توبه
 آنحضرت مصلی الله علیه
 و سلم چون بدین آیه بفرمود
 تغییر رخ کردند و ایشان
 بسبب شقاوت ازلی
 می در عدوت آنحضرت
 پیش گرفتند آنحضرت
 اراده فرمود که آنهم را
 جلا وطن فرماید و ایشان
 آن ملائمت را بپذیرند
 فرستادند که شما کفار
 کنید و در جنگ استعدادی
 در زیر یک مار فقی شش
 ایم خدا استیلا بر خلافت
 اراده منافقان در اهل
 جمع کردن لشکر میبود
 القاف نمود تا حاضر کردند
 و جلا وطنی اختیار کردند
 و سخن اهل لقا را
 نشنیدند و بقتال و
 تکرار جمع رجال
 اتفاق یافتند و
 احوال ایشان
 فی شرفی آن را
 گویند که بغیر قتال سبب
 مسلمانان افتد خدای
 تعالی منت بر مسلمانان
 نهاد حکم فی بیان فرمود
 و از اراده منافقان خبر
 داد و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 مراد از اهل الحشر
 نزاع بین مشرکین این
 است که برای قوم
 یهود این اولین
 موقع بود که دشمن
 خود را ترک گویند
 بیشتر چنین واقعه
 پیش آمده بود
 یا در لول الحشر
 بدین طرف اشاره
 باشد که مدینه را
 گذاشته بسیار
 یهود به خیبر فرستادند
 رقت و شرم آن
 خواب بود که در عهد
 خلافت حضرت عمر بود

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ

بر آنکه آنانکه خلافت می کنند یا خدا و رسول او این جماعه در جهل خود ترین مردم اند حکم کرد

الله لَا غَلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۝ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ لَا تَجِدُ قَوْمًا

خدا البتة غالب شوم من و غالب شوند پیغامبران من هر آینه خدا توانا غالب است نخواهی یافت قومی را

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

که ایمان دارند بخدا و روز آخر باین صفت که دوستی کنند با کسی که خلافت کرده است یا خدا و رسول او

وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ

اگر چه آن جماعه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا قبیله خویش و ندان ایشان

كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ

نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و تقویت داده است ایشان را بفيض عینی از جانب خود و داخل می کند ایشان را

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ

بپوشش آنها می رود زیر درختانش جو بهای جاودان باشند خوشنود شد خدا از ایشان و

رَضُوا عَنْهُ ۝ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝

خوشنود شدند ایشان از خدا ایشانند لشکر خدا گاه شوهر آینه لشکر خدا ایشانند رستگاران

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكَ مِمَّا يَكْفُرُونَ لَهُمْ ۝

و آنانی که ایمان آوردند و نپوشانیدند ایمان خود را با شرک آنانی که کفر است

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

و سپاهای یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

اوست آنکه بر آورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان

أَوَّلَ الْحَشْرِ ۝ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَلُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ

در اول جمع کردن لشکر گمان نداشتید که خارج شوند و گمان می کردند که مانع ایشان باشند

حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَنَّهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۝

قلوبی ایشان از عقوبت خدا پس بیاید با ایشان عقوبت خدا از آنجا که نمی دانستند

قَدْ فُتِيَ قُلُوبُهُمُ الرَّعْبُ يُجْرِبُونَ يَوْمَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي

افتکند در دل ایشان ترس را خراب می کردند خانه های خود را بدستهای خویش و بدستهای

اَلْأَعْدَاءِ ۝

دشمنان

در اول جمع کردن لشکر گمان نداشتید که خارج شوند و گمان می کردند که مانع ایشان باشند

الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ۝ وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ

مسلمانان نیز خراب رشد پس عبرت گیرید ای صاحبان بینایی و اگر آن بود که نوشت خدا

عَلَيْهِمْ الْجَلَاءَ لَعَلَّ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝

بر ایشان جلا و طغی بر آینه عقوبت می کرد ایشان را در دنیا و ایشان را در آخرت عذاب آتش

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ نَرَكْتُمْ هَا فَاقِمْ عَلَى

نخست کشته عقوبت است آنچه بریدید از درخت خرما یا اگر استخفید آنرا ایستاده بر

أَصُولِهَا فَإِنَّ اللَّهَ وَلِيَّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى

نخ خود پس بفرمان خدا بود و تا خود کند بدکار آنرا و آن مالیکه عائد گردانید خدا بر

رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ لَكِنَّ اللَّهَ

پیامبر خود را از اموال بنی نضیر پس نتاخته بودید بر اسبان و نه شتران را ولیکن خدا

يَسْطَرُ سِلَاحَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا

غالب می گرداند و پیغامبران خود را بر هر که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

عائد گردانید خدا بر پیغامبر خود از اموال ساکنان ویران خدایان است و پیغامبر را و خویش و ندان

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كُنْ لَكُمْ دُولَةٌ يَتْلُونَ

را و یتیمان را و محتاجان را و مساکین را و این حکم بدین سبب است تا تقوی آن بی واد و گرفت میان

الْأَغْنِيَاءَ مِنْكُمْ ۚ وَمَا اتَّكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

تو حرام از شما و هر چه بدید شما را پیغامبر بپذیرید آنرا و هر چه منع کند شما را از آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْعَقْرَاءِ الْمُهَجِّرِينَ

باز ایشان و بر سید از خدا هر آینه خدا سخت کننده عقوبت است آن بی ایمان بجهت کشته راست

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالُهُمْ يُبْتَغُونَ فَرِضًا مِنَ اللَّهِ

آنکه بیرون کرده شد ایشان را از خانه های ایشان و اموال ایشان می طلبند نصبت را از بیرون و کار خویش

وَبِهِ ضَوَانٌ ۚ وَيُنْصَرُونَ ۚ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلَىٰ بِالضُّعْفَانِ مِنَ

و خوشتر بودی و لغت میدهد خدا و پیغامبر او را این جمله ایشانند راست و عده

در ممانندی او را و مدعی کند الله و رسول او را این جمله ایشانند راستان

صل بنوعه دیگر و علامه اعظم و صل بنی علی درخت بیوه داره قوت جهاد جایز است و ترک آن نیز جایز و الله اعلم بالصواب یعنی نویسنده ندان

پیغامبر را ۱۱۱

تفسیر عثمان

سے اگر توبه از جنگ جزئی گناه موب شد و بسوی صلح مسامحت کنند و مسلمانان هم موافقت نمایند و این صورت اموالیکه بدیده صلح بدست می آید نیز داخل حکم فی است و جهاد مبارک نمی گویند اموال بی، خالصا با اختیار و تصرف آن مختص است می بود ممکن است که این اختیار را کاذبا گرفته برای آنحضرت صلی الله علیه و سلم و چون آنکه در آیات حاضر از لفظه علی رسول و قباد و مشهور و احتمال است که محضر حاکمان باشد بهر حال الله تعالی را رجحان این اموال در آیت مابعد بر آنحضرت هدایت فرمود که جو باید بدارد ندان و ندان مصارت بصرف رساند شود

پیغامبر را ۱۱۱

تفسیر عثمان

سے اگر توبه از جنگ جزئی گناه موب شد و بسوی صلح مسامحت کنند و مسلمانان هم موافقت نمایند و این صورت اموالیکه بدیده صلح بدست می آید نیز داخل حکم فی است و جهاد مبارک نمی گویند اموال بی، خالصا با اختیار و تصرف آن مختص است می بود ممکن است که این اختیار را کاذبا گرفته برای آنحضرت صلی الله علیه و سلم و چون آنکه در آیات حاضر از لفظه علی رسول و قباد و مشهور و احتمال است که محضر حاکمان باشد بهر حال الله تعالی را رجحان این اموال در آیت مابعد بر آنحضرت هدایت فرمود که جو باید بدارد ندان و ندان مصارت بصرف رساند شود

و الله اعلم بالصواب

و اما یعنی بدین جهت
 مترجم گوید ازین آیت
 معلوم شد که در حق سر
 مسلمان را حق است
 پس اگر چه غایب بود
 باید داد و آنکه ایان فی
 کفایت کشید و الله اعلم
 و اما یعنی از عذاب خدا
 که موجب است برداشتن
 و الله اعلم ۱۳- و مسکنی
 بایک دیگر خانه جنگی باشد
 و معلقت ایشان یکی
 نیست و الله اعلم ۱۴-
 تفسیر عثمانی
 بقیه ص ۵۲- البیض
 ابو بکر رازی حنفی در
 احکام القرآن و نقل
 کرده است
 که این صلح
 راجع باحوال
 منقول است و اما
 غیر منقول امام احتیاط
 دارد که اگر مصلحت
 دادند بین لشکر تقسیم
 کند و اگر مصلحت
 نداد برای مصالح
 عامه نداد و چنانکه
 در سواد عراق حضرت
 عمر به مشوره بعض
 صحابه جلیل القدر
 چنین کلام اجراآت
 کرده بود- و بر وفق
 همین مسلک شیخ
 ابو بکر رازی « و اعلموا
 انما غنیمت الیه » را
 باحوال منقول و
 آیات سوره حشر را
 بر احوال غیر منقول حل
 کرده است باین
 طریق که آیت اول
 و اما انما الله علی رسول
 منہم « بر حکم » فی و
 آیت دوم « اما انما الله
 علی رسول من ابن القری
 بر حکم » غنیمت « مجمل
 است و نه غنیمت

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْزَوْنَ مِنْهَا حَاجَةً إِلَيْهِمْ

و نیز اسکان راست که جائے گنجینه و راسایا حجرت و خاص کردند ایمان خود را پیش از ایشان در صورت میلند برگراد حجرت کند بر سر الشیخ و

لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ نَفْسِهِمْ وَ

در دانی که خود و ملک (رحمد) از اینجی داد و شد مهابران را و مقدم میدهند و عیال را بر نفس با خود و

لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَقِّعْ فِيهِمْ خَصَاصَةً فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و هر که نگهبان شده از حرم نفس خود پس آن جامه ایشانند رستگاران
و هر که هست ایشان از اجتناب بر آنچه ایشان می نمایند و هر که نگهبان شده از حرم نفس خود پس آن جامه ایشانند رستگاران

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

فیزا تا نراست که آمدند بعد مهاجران و القادسی گویند
و آنان که آمدند بعد از ایشان می گویند: اے پروردگار ما بیا مرز ما و آن برادران ما را که

سَبِّحُوْا بِاَلْحَمْدِ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَخْلُقْ شَيْئًا وَّلَا يَجْعَلُ فِيْ قُلُوْبِنَا غُلًّا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا اِنَّكَ

بخت کردن که ایمان آوردن و پیدایمان در دل ما به گنیز به نسبت آمان که ایمان آوردند اسیر در دگر ما به آینه کرد
بخت کردن بر ما به ایمان و سر دادن در دل ما به گنیز به نسبت آمان که ایمان آوردند اسیر در دگر ما به آینه کرد

وَوَفَّ رَحِيمُهُ ۝۱۰ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ (إِذَا دُعِيَ إِلَى اللَّهِ فِى الْحَرْبِ)

مناقصه شده بار یک آبیاری میوه آنانک
مناقصه شده بار یک آبیاری میوه آنانک

فَرُّوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَيْسَ أَمْرُكُمْ لَهُمْ لَخَرَجْتُمْ مَعَهمْ وَلَا تَطْعَمُهُمْ فَبُكَّةٌ

فرستاد از اهل کتاب بخدا اگر حلاله و حرام کرده شود شکار البیت بیرون شود یک ماه از بهاره قضا و زمان قبول یلیم در معده قضا

[illegible]

و اگر قتال کرده شود یا شام البتة نصرت دایم شمارا و خدا توای می دهد که ایشانند و علویان بخدا اگر

وَمَعَهُمْ وَلَدٌ قَوْلُهُ الْكِتَابُ وَهُوَ كَلِمَةُ

دلاورین کرده شود اهل کتاب را جلادین مشهوره همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب نصرت ندهند ایشان را و اگر بعضی از ایشان

٣٠٠
٣٠١
٣٠٢
٣٠٣
٣٠٤
٣٠٥
٣٠٦
٣٠٧
٣٠٨
٣٠٩
٣١٠
٣١١
٣١٢
٣١٣
٣١٤
٣١٥
٣١٦
٣١٧
٣١٨
٣١٩
٣٢٠
٣٢١
٣٢٢
٣٢٣
٣٢٤
٣٢٥
٣٢٦
٣٢٧
٣٢٨
٣٢٩
٣٣٠
٣٣١
٣٣٢
٣٣٣
٣٣٤
٣٣٥
٣٣٦
٣٣٧
٣٣٨
٣٣٩
٣٤٠
٣٤١
٣٤٢
٣٤٣
٣٤٤
٣٤٥
٣٤٦
٣٤٧
٣٤٨
٣٤٩
٣٥٠
٣٥١
٣٥٢
٣٥٣
٣٥٤
٣٥٥
٣٥٦
٣٥٧
٣٥٨
٣٥٩
٣٦٠
٣٦١
٣٦٢
٣٦٣
٣٦٤
٣٦٥
٣٦٦
٣٦٧
٣٦٨
٣٦٩
٣٧٠
٣٧١
٣٧٢
٣٧٣
٣٧٤
٣٧٥
٣٧٦
٣٧٧
٣٧٨
٣٧٩
٣٨٠
٣٨١
٣٨٢
٣٨٣
٣٨٤
٣٨٥
٣٨٦
٣٨٧
٣٨٨
٣٨٩
٣٩٠
٣٩١
٣٩٢
٣٩٣
٣٩٤
٣٩٥
٣٩٦
٣٩٧
٣٩٨
٣٩٩
٤٠٠
٤٠١
٤٠٢
٤٠٣
٤٠٤
٤٠٥
٤٠٦
٤٠٧
٤٠٨
٤٠٩
٤١٠
٤١١
٤١٢
٤١٣
٤١٤
٤١٥
٤١٦
٤١٧
٤١٨
٤١٩
٤٢٠
٤٢١
٤٢٢
٤٢٣
٤٢٤
٤٢٥
٤٢٦
٤٢٧
٤٢٨
٤٢٩
٤٣٠
٤٣١
٤٣٢
٤٣٣
٤٣٤
٤٣٥
٤٣٦
٤٣٧
٤٣٨
٤٣٩
٤٤٠
٤٤١
٤٤٢
٤٤٣
٤٤٤
٤٤٥
٤٤٦
٤٤٧
٤٤٨
٤٤٩
٤٥٠
٤٥١
٤٥٢
٤٥٣
٤٥٤
٤٥٥
٤٥٦
٤٥٧
٤٥٨
٤٥٩
٤٦٠
٤٦١
٤٦٢
٤٦٣
٤٦٤
٤٦٥
٤٦٦
٤٦٧
٤٦٨
٤٦٩
٤٧٠
٤٧١
٤٧٢
٤٧٣
٤٧٤
٤٧٥
٤٧٦
٤٧٧
٤٧٨
٤٧٩
٤٨٠
٤٨١
٤٨٢
٤٨٣
٤٨٤
٤٨٥
٤٨٦
٤٨٧
٤٨٨
٤٨٩
٤٩٠
٤٩١
٤٩٢
٤٩٣
٤٩٤
٤٩٥
٤٩٦
٤٩٧
٤٩٨
٤٩٩
٥٠٠
٥٠١
٥٠٢
٥٠٣
٥٠٤
٥٠٥
٥٠٦
٥٠٧
٥٠٨
٥٠٩
٥١٠
٥١١
٥١٢
٥١٣
٥١٤
٥١٥
٥١٦
٥١٧
٥١٨
٥١٩
٥٢٠
٥٢١
٥٢٢
٥٢٣
٥٢٤
٥٢٥
٥٢٦
٥٢٧
٥٢٨
٥٢٩
٥٣٠
٥٣١
٥٣٢
٥٣٣
٥٣٤
٥٣٥
٥٣٦
٥٣٧
٥٣٨
٥٣٩
٥٤٠
٥٤١
٥٤٢
٥٤٣
٥٤٤
٥٤٥
٥٤٦
٥٤٧
٥٤٨
٥٤٩
٥٥٠
٥٥١
٥٥٢
٥٥٣
٥٥٤
٥٥٥
٥٥٦
٥٥٧
٥٥٨
٥٥٩
٥٦٠
٥٦١
٥٦٢
٥٦٣
٥٦٤
٥٦٥
٥٦٦
٥٦٧
٥٦٨
٥٦٩
٥٧٠
٥٧١
٥٧٢
٥٧٣
٥٧٤
٥٧٥
٥٧٦
٥٧٧
٥٧٨
٥٧٩
٥٨٠
٥٨١
٥٨٢
٥٨٣
٥٨٤
٥٨٥
٥٨٦
٥٨٧
٥٨٨
٥٨٩
٥٩٠
٥٩١
٥٩٢
٥٩٣
٥٩٤
٥٩٥
٥٩٦
٥٩٧
٥٩٨
٥٩٩
٦٠٠
٦٠١
٦٠٢
٦٠٣
٦٠٤
٦٠٥
٦٠٦
٦٠٧
٦٠٨
٦٠٩
٦١٠
٦١١
٦١٢
٦١٣
٦١٤
٦١٥
٦١٦
٦١٧
٦١٨
٦١٩
٦٢٠
٦٢١
٦٢٢
٦٢٣
٦٢٤
٦٢٥
٦٢٦
٦٢٧
٦٢٨
٦٢٩
٦٣٠
٦٣١
٦٣٢
٦٣٣
٦٣٤
٦٣٥
٦٣٦
٦٣٧
٦٣٨
٦٣٩
٦٤٠
٦٤١
٦٤٢
٦٤٣
٦٤٤
٦٤٥
٦٤٦
٦٤٧
٦٤٨
٦٤٩
٦٥٠
٦٥١
٦٥٢
٦٥٣
٦٥٤
٦٥٥
٦٥٦
٦٥٧
٦٥٨
٦٥٩
٦٦٠
٦٦١
٦٦٢
٦٦٣
٦٦٤
٦٦٥
٦٦٦
٦٦٧
٦٦٨
٦٦٩
٦٧٠
٦٧١
٦٧٢
٦٧٣
٦٧٤
٦٧٥
٦٧٦
٦٧٧
٦٧٨
٦٧٩
٦٨٠
٦٨١
٦٨٢
٦٨٣
٦٨٤
٦٨٥
٦٨٦
٦٨٧
٦٨٨
٦٨٩
٦٩٠
٦٩١
٦٩٢
٦٩٣
٦٩٤
٦٩٥
٦٩٦
٦٩٧
٦٩٨
٦٩٩
٧٠٠
٧٠١
٧٠٢
٧٠٣
٧٠٤
٧٠٥
٧٠٦
٧٠٧
٧٠٨
٧٠٩
٧١٠
٧١١
٧١٢
٧١٣
٧١٤
٧١٥
٧١٦
٧١٧
٧١٨
٧١٩
٧٢٠
٧٢١
٧٢٢
٧٢٣
٧٢٤
٧٢٥
٧٢٦
٧٢٧
٧٢٨
٧٢٩
٧٣٠
٧٣١
٧٣٢
٧٣٣
٧٣٤
٧٣٥
٧٣٦
٧٣٧
٧٣٨
٧٣٩
٧٤٠
٧٤١
٧٤٢
٧٤٣
٧٤٤
٧٤٥
٧٤٦
٧٤٧
٧٤٨
٧٤٩
٧٥٠
٧٥١
٧٥٢
٧٥٣
٧٥٤
٧٥٥
٧٥٦
٧٥٧
٧٥٨
٧٥٩
٧٦٠
٧٦١
٧٦٢
٧٦٣
٧٦٤
٧٦٥
٧٦٦
٧٦٧
٧٦٨
٧٦٩
٧٧٠
٧٧١
٧٧٢
٧٧٣
٧٧٤
٧٧٥
٧٧٦
٧٧٧
٧٧٨
٧٧٩
٧٨٠
٧٨١
٧٨٢
٧٨٣
٧٨٤
٧٨٥
٧٨٦
٧٨٧
٧٨٨
٧٨٩
٧٩٠
٧٩١
٧٩٢
٧٩٣
٧٩٤
٧٩٥
٧٩٦
٧٩٧
٧٩٨
٧٩٩
٨٠٠
٨٠١
٨٠٢
٨٠٣
٨٠٤
٨٠٥
٨٠٦
٨٠٧
٨٠٨
٨٠٩
٨١٠
٨١١

بیت باز گردانند پشت خود را بحد اذن مملو کرده نشود و ایشان را
هر آینه شما را مسلمانان بادرع ترید در خاطر ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زهدا ابن سبب آلت کراشاں فرمے بستند کہ می بختند و جنگ نمکند یا شمشیر شده کرده

[illegible]

بر آن حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها جفت ایشان در میان و پیش بخت می پنداری ایشان را می جا بخت کرده و

شَهَادَةُ الرَّسُولِ

کے ایٹھ پر آگئے ہاں اب اس کی نسبت کہ ایٹھ کی جیسے ہستند کہ وہ بھی یا ہندو جہاں اس کی نسبت داس ہندو جہاں اس کی نسبت

[illegible]

.....



قَرِيبًا ذَاتُ أَوْبَالٍ أَمْرُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ كَيْفَ لَشَيْطَانٍ

در نزدیکی چشیدند و بال گناه خود را و ایشان را عذاب دردناک و ایشان منافقان باطن کتاب اند و ایشان شیطان است

إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرُوا فَلَا يَكْفُرُونَ إِلَى بَرِيٍّ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ

گفت آدمی را کافر شو پس چون کافر نشد گفت (شیطان) هر آینه من بیزارم از تو (بر تحقیق) من می ترسم از خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ

پس شد عاقبت عالمیان و این آدمی و آن شیطان را در آتش جاودگانند و در آنجا ماندند و این است

جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَالتَّعَظُّبُ لِنَفْسٍ قَدْ مَتَّ

جزا ستمکاران ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تا دل کند هر نفس که چه فرستاده است

لَعْنًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

بها که لعن فرمود و بترسید از خدا هر آینه خدا خبردار است آنچه می کنید و مباحثید مانند آنکه

سُئِلَ اللَّهُ فَانْسَدَّ عَنْهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ لَا يَسْتَوِي

فرمود پس خدا قلوب را بر او ایضا و حال ایشان را این جماعت ایشانند و کاران برابر نیستند

أَصْحَابُ الدَّارِ الْأُولَىٰ أَصْحَابُ الدَّارِ الْآخِرَةِ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

اهل دوزخ و اهل بهشت ایشانند و اهل بهشت ایشانند و اهل بهشت ایشانند

أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لِّرَأْيِنَا خَاشِعَةً مُّتَّصِلَةً غَيْرُ خَشْيَةٍ

فرود آوردیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا بنیایش کرده باره باره شده از خوف

اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ هُوَ

خدا و این امثال با میان می کشیم آن را برای مردمان تا ایشان نظر کنند او است

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ

آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا او است بخشنده

الرَّحِيمُ ۝ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ

مهربان او است آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او بادشاه نهایت پاک و صلوات

الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ تَسْبِيحُ اللَّهِ عَمَّا

ایمان دهنده و پرهیز دارنده غالب صاحب شوکت و بزرگواری

يُشْرِكُونَ ۝ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

سازنده و پدید آورنده و پدید آورنده و پدید آورنده و پدید آورنده

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

صلوات بر محمد و آله و علی بن ابی طالب
تفسیر عثمان
عنه در تفسیر تفسیر
بگوید بنی قریظ
عذری خود را چشید
اند بنی قریظ
بگوید که چشید
از وطن فرار نمودند
لذات در زمین نزدیکی
اهل کرب و در منزل
یافته اند همان حالت
بنی قریظ را مشاهده
کنند که در میان دست
مسلمانان سزاوارت
و عذاب دردناک است
بدستور سابق بر حال
ماند عذاب شیطان
در این دایره ان را به
کفر و معصیت می انگیزد
و چون آن بدام
اطعمی او اگر قتل شود
آگاه می گردانند از
تو علیده و از کفر توینما
زیر این از خدا می ترسم
در این قول محض ریا
و مکاری است آنچه
این می شود که خوش
را بزم و فرخ ساخته
داودا هم با خود نهاد
الهی گرفتار نمود حضرت
شاه صاحب دین و دنیا
میگوید که شیطان
در آخرت این سخن را
خواهد گفت و بدو سه
بغل یک کافر آمده
مردم رای جفا کنند
هرگاه فرستادن را دید
راه فرار را اختیار کرد
و قرآن در دهنه افکند
نزدشته بهین مثال از
شیطان است که آنها بنی قریظ است و عاقبت خود باقی ماند و او ایشان را بجای شوق و در یک نمودند و فرمودند که در آخرت معصیت شدند و خودشان خدا و خود را شکر

صلواته مکتوبه
 آنحضرت علی الله
 علیه السلام خواستند
 که بفرموده خود شوند و
 مری شریف آن بود که
 کسی این کلام بقصد
 آنحضرت مطلع نکند
 تا همان بر سر ایشان
 رسد کی از صحابه عرف
 ایشان نام نوشتند
 بر قصه که مطلع شد
 خداوند تعالی آنحضرت
 علی الله علیه السلام را
 اطلاع داد تا آنکه
 را از راه باز آوردند
 خداوند تعالی در باب
 منع از دوستی لغت نازل
 ساخت ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 ص ۱۱۱ آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم با این
 که در سوره «ان انشأ»
 مذکور است و بود این
 صلح نامه و سال تا یک
 با او کارخان عهد شکنی
 کردند در اثر آن
 آنحضرت را در آن
 که نهانی در تنه
 فرج شد بطوریکه
 گفت که آنرا دگر
 این خبر نشوند
 مباد آنچه بیزاری
 جنگ را شروع
 کنند بدین واسطه
 جنگیدن در حرم شریف
 ناگزیر گردید مسلمانان
 بنام حاطب بن ابی
 بلتع که از جمله مهاجرین
 و اصحاب بد بود
 به ابائی که مکتوبی فرستاد
 که اگر چه صلی الله علیه
 و سلم مانند شب
 سیاه در شب
 تاریک بر شما هجوم
 آوردی است آنحضرت
 بنده بودی آگاه گردید
 چنانچه حضرت علی و سیر و چند صحابه حکم داد که زنی عازم سفر گردیده در فلان مقام ادواغبید یافت آن زن مکتوبی را در آن گرفت بهار دید بقیه بر صحنه و هم

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یاسی کند او را هر چه در آسمانها و زمین است و او است غالب با حکمت
 یاسی کند او را آنچه در آسمانها و زمین است و او است غالب با حکمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان
 آغازی کنم بپایم خداوندی که اندازه مهربان نهایت با رحم است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ

فلان مسلمانان دوست بگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را
 اے مسلمانان عداوتی گیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را

أَلَيْسَ بِاللَّذَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ

و یحییان پیغام بسبب دوستی و کفر آنکه کافران با آنچه آمده است بشما از دین راست می کشند
 بایران بسبب دوستی (حال آنکه) کافرانند به آنچه آمده است بشما از دین راست می کشند

أَيَاكُمْ أَنْ تَوَفَّوهُ أُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَاهِدٌ فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءُ

شمارا نیز بر آنکه ایمان آوردید خدا را دوست بگیرید اگر چه آمده ایم از اوطان خود بر آنکه جهاد در راه من و طلب
 شمارا برای آنکه ایمان آوردید به الله که پروردگار شماست اگر چه آمده ایم از اوطان خود بر آنکه جهاد در راه من و طلب

فَرْضَاتِي نَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِاللَّذَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ

و رها مندی من پنهان میفرستید بسبب دوستی و من میدانم آنچه پنهان می کنید آنچه آشکارا می نمایند
 رها مندی من (دوست می گیرید آنها را) پنهان میفرستید بسبب دوستی و من خوب میدانم آنچه پنهان می کنید و آنچه آشکارا می نمایند

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا

و هر که از شما باشد این کار هر آینه شایسته کرد راه بهار را
 و هر که بکند این کار از شما پس از تحقیق فطرت کرده است راه راست را اگر نظر بیاندیشد با شنید

لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَلْسَنُونَ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا

باشند در حق شما و بلسان میگویند شما را دشمنان و دستان و زبانهای خود را بایجاد دوست دارند
 بر شما دشمنان و دستان می کشند بشما دست با دست خود را و زبانهای خود را به بدی و دوست دارند که

تَكْفُرُونَ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ

که قریبید شما را از شما و اولاد شما و فرزندان شما روز قیامت فیصل خواهد کرد خدا
 شما را از کفر و کفر شما را و اولاد شما و فرزندان شما در روز قیامت فیصل می کند خدا

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ يَتَعَمَلُونَ بِصِيرَةٍ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي

در میان شما و خدا با آنچه می کنید بیناست
 در میان شما و الله به آنچه می کنید بیناست (بدستند) می باید شمارا پیروی کنید

إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ هُمُ نَابِرَةٌ وَامْنَكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ

ابراهم و آنکه همراه او بودند چون گفتند قوم خود را بر آنچه ما به تعظیم از شما و از آنچه می پرستید
 ابراهیم و آنکه بودند با وی چون گفتند قوم خود را (بجای ابراهیم) از شما و از آنچه می پرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ تَعْبُدُونَكُمْ وَبَدَلْنَا بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

خود خدا نامتقد شد که بشما بدید آدمیان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی
 بخود الله منکر شدیم از شما و ظاهر شد میان ما و میان شما دشمنی و کینه

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا يَا لَكُمْ وَحْدَهُ الْقَوْلُ إِبْرَاهِيمَ لَيْسَ اسْتَعْفَرُونَ

بیشتر تا و گفت که ایمان آید بخداست شما را پیروی کنید است با ابراهیم که در قول ابراهیم پدر
 بیشتر تا و گفت که ایمان آید بخداست شما را پیروی کنید است با ابراهیم (پدر خود را که) طلب آمرزش خواهم کرد

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

و هر که از شما باشد این کار هر آینه شایسته کرد راه بهار را

لَكَ وَمَا أَفْلَحُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ طَرَبْنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا

برائے تو ہی تو اے میرے تو از خدا چیز سے دل گفت ابراہیم اے پروردگار! بر تو توکل کر دیم و بسوئے تو رجوع نمودیم
برای تو تو مالک یستم برای تو تسبیح را از جانب خدا چیزے ای گفتند ای پروردگار! ما خاص بر تو توکل کر دیم و بسوئے تو رجوع نمودیم

وَإِلَيْكَ النُّصَيْرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا ۝

و بسوئے تست باز گشت اے پروردگار! ما را از بدست کافران و بیمارز برائے ما اے پروردگار! ما
و بسوئے تست باز گشت ہم اے پروردگار! ما را از بدست مشق (زبردست) کافران و بیمارز ما اے پروردگار! ما

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن

ہر آئینہ توئی غالب با طاعت ہر آئینہ ہست شمارا بجائے مذکورہ اقتداء نیک کے را از شمارا
(حقیق) توئی غالب با طاعت حقیق ہی باید شمارا بجائے مذکورہ اقتداء نیک کسی را کہ

كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

امید دارو ملاقات خدا را در روز آخرت را و ہر کہ رو گردان شود پس ہر آئینہ خدا بے نیاز
امید دارو ملاقات اللہ را و روز پسین را و ہر کہ رو گرداند پس (حقیق) اللہ بے شمار

الْحَمِيدُ ۝ عَسَىٰ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بَعْدَ ذَلِكَ هُمْ

ستارگار است نزدیک است خدا از آنکہ مبداء کند در میان شما و در میان
ستودہ کار است امید است اللہ کہ مبداء کند میان شما و میان آنانکہ دشمنی داشتند با شما

مُؤَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لَا يَهْدِي اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ

دوستی را و خدا ہر چیز تواناست و خدا آمرزگار مہربان است منع نمی کند شمارا از مواصلت آنانکہ
دوستی را و خدا ہر چیز تواناست و خدا آمرزگار مہربان است منع نمی کند شمارا از اللہ از آنانکہ

كَذَبُوا قَاتِلُكُمْ فِي الدِّينِ وَكَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبْسُوهُمْ

جنگ نہ کردہ اند با شما در مقدمہ دین و بیرون نہ کردہ اند شمارا از خانہ ہائے شما منع نمی کند از آنکہ احسان کنند با شما و
جنگ نہ کردہ اند با شما در امر دین و شکستہ اند شمارا از خانہ ہائے شما از آنکہ بیگونی کنند با شما و

نَقِصُوا إِلَيْهِمْ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ

انقصان کنند در حق ایشان ہر آئینہ خدا دوست می دارد انصاف کنند گانرا جز این نیست کہ منع میکند شمارا خدا از
انقصان کنند در حق ایشان بیشک اللہ دوست می دارد انصاف کنند گانرا (جز این نیست کہ) منع می کند اللہ شمارا از

الَّذِينَ قَاتَلُوكُم فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ

مواصلت آنانکہ جنگ کردہ اند با شما در مقدمہ دین و بیرون کردہ اند شمارا از خانہ ہائے شما و معاشرت دیگران کردند در برابر
آنانکہ جنگ کردند با شما بروین و شکستہ اند شمارا از خانہ ہائے شما و معاشرت یک دیگر کردند

إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَدَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْكُمْ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

آوردن شما منی کند از آنکہ دوستی دارد با ایشان و ہر کہ دوستی دارد با ایشان پس آنچہ ایشانند مستکاران و
در اخراج شما از آنکہ دوستی کنند با شما و ہر کہ دوستی کند با ایشان پس آن چہ ایشانند مستکاران ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

مسلمانان چون بیایند پیش شما زناہن بھرت کردہ پس امتحان کنید ایشانرا و خدا داناست
مؤمنان چون بیایند نزد شما زناہن مسلمان بھرت گان پس امتحان کنید ایشانرا اللہ داناست

بِأِيمَانِهِنَّ ۝ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید ایشانرا باز نفرستید ایشانرا بسوئے کافران
بایمان ایشان پس اگر بدانید ایشانرا کہ مؤمن اند واپس نفرستید ایشانرا بسوئے کفار

لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا نَفَقُوا أَمْوَالَهُنَّ ۝

نہ این زنان حلال اند کافران را و نہ آن کافران حلال اند این زنان را و بدہید بھرتوہنرا آنچه خرچ کردند و نہ نیست گناہ
نہ آن زنان حلال اند کافران را و نہ آن کافران حلال اند این زنان را و بدہید کافرانرا آنچه خرچ کرده اند و نہ نیست گناہی

نِسْتُ حَاسِبًا بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝

نہ است خواستم بر کافران منت نہم تا آنہا در معاشرت این خدمت از اہل و عیال من خبر گیری کرده و با آنہا سلوک نیک کند - تفسیر صفحہ ۵۵۰

وہا یعنی درین قول
اقتدار با ابراہیم نشاید
کردن و استغفار بر ابراہیم
کافر دست نیست
واللہ اعلم ۱۲ - و
یعنی ایشانرا تو یقین اسلام
دہ ۱۲ و مترجم گوید
در صلح حدیبیہ بعض نہاد
کفار بھرت کردہ ہمینہ
ہی آمدند و بعض نہاد
مسلمین مرند گشتہ بہ کفار
الحق ہی شدند خدا نے
تو را حکم این جملہ بیا
فرمودہ واللہ اعلم ۱۲ و
یعنی قسم بدین نشانہ
کہ سبب ناخوشی
کے شوہر ان غریبا لبیب
عشق جوان دیگر نہادہ
دندہ اللہ اعلم ۱۲ و
یعنی ہر کہے شوہر ان
کفار دادہ بودند باز
گردانیدہ اللہ اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
بقیہ صفحہ ۵۵۰ - این
نفری بسرعت تمام
بھان شدند وزن
مذکور را عینا بھان
مقام گرفتار کردند زن
مذکور بود از لیت معل و
مناقشہ زیادتی خطرا
بدیش ان سپو - بودہ
خواندن معلوم شد کہ
حاطب بن ابی بلتعہ
کفار نوشتہ است و
اطلاع بحکم مسلمانان
دادہ است آنحضرت
حاطب را بحضور خود
خواستہ علت این
حرکت را پرسید -
نامزدہ گفت - یا رسول
اللہ! نہ من کفر اختیار
کردہ ام نہ از اسلام
برگشتہ ام - سخن بدست
بھین است کہ ان ہی
من در کہ بودہ ہر کس
حاجی و مدگار آنہا

فان يفتح الرحمن
 اتممت بنيد کرده التذ
 اعلم ١٢ و فليكن ان
 مرتبه و با مشرکان
 شود و بايد طلبيد
 اگر زن مسلمان شود
 بجهت که مهر او بايد داد
 و الله اعلم بالصواب
 طيفت متاين از نشان
 و فليكن مرتبه که اگر
 کفار بايد باشند و نه
 مرتبه بايشان مگر در
 از ايشان مهر بايد طلبيد
 چنانچه ما بجهت مسلم
 شده اگر کفار ميان با
 از غنا هم اصل بايشان
 شوهران مرتبه و مهر
 بايد و لا بد چنانچه که اين
 همه احكام تفصيل شده
 نزديک اين تفصيل اين
 احكام ثابت شده است
 پس اگر کس مالکي در
 حريم بود باز در حريم
 کبره پس احكام عمل کرده
 خود و الله اعلم بالصواب
 يعني فرزند کسی را بايد بگويي
 غصب نکنند و الله اعلم
 و فليكن حريم حريم
 حکم بكتاب ايشان
 کرده است پس هرگز
 ايمان نبرند و
 ثواب
 نيابند
 چنانچه
 کافران بجهت مردن بر کفر
 توقع ثواب نند و الله
 اعلم بالصواب
 رعايل من آن بود که از
 غم و اوج کسب فائده
 است با اسلام ضرر
 نميرسد و الله اعلم
 و نصرت را که از شتراني
 بر شتر کرده است بقتل
 پوره شده است کسی
 آنرا از حادثه نمی تواند
 و چنانکه در نفس شتراني
 مملکت کرده و کس هم

عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

بر شما که نکاح کنید بایشان چون بدید ايشان را مهر ايشان و نگاهداريد دست آوريد
 بر شما که نکاح بکنيد بجهت زنان را چون بدید زنان را مهر بای ايشان و نگاهداريد تا موس مانی

الْكُفْرِ وَتُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفْرِ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ أَنْ تَنْكِحُوا

زنان مسلمانان را و طلب کنید آنچه شتران طلب کنند آنچه خرج کرده اند و فليكن است حکم خدا مصلحتی
 زنان کافرا و بجهت ايشان آنچه خرج کرده ايد و بجهت کافران آنچه خرج کرده اند و فليكن حکم خدا مصلحتی علم می کند ايشان

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِنْ فَانَكُمُ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفْرِ

میان شما و خدا دانسته با حکمت است و اگر از دست شما مرد و کسی از زنان شما بجهت کافران
 ميان شما و خدا بهر چیز دانای با حکمت است و اگر از دست شما مرد و کسی از زنان شما بجهت کفار

فَعَاقِبْتُمْ فَاقُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ قُلُوبُهُمْ لَا تَقْوُوا لِلَّهِ

پس عقوبت رسانند کافران را و الله پس بدید آنرا که رفته باشند زنان ايشان مانند آنچه خرج کرده باشند و فليكن حکم خدا
 پس لعوبت شما برسد و طيفت بجهت ايشان پس بدید آن کسان را که رفته است از زنان ايشان مقدار چیزی که خرج کرده اند و فليكن حکم خدا

الَّذِينَ آمَنُوا بِهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاطِنُ

که شما را و اباور دارند ايد و الله اے پيغمبر چون بيايند نزد یک نوزنان مسلمان که بجهت کنند با تو
 که شما را و اباور دارند ايد اے پيغمبر چون بيايند نزد تو نوزنان مؤمنه برائے بجهت کردن

عَلَى أَنْ لَا يُنْكِحُنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَصْرُقُنَّ وَلَا يَبْزِينَ وَلَا يَفْتُلُنَّ

باین شتر که شریک مقرر کنند یا خدا چیزی را و از وی نکنند و زن نکنند و زن نکنند
 بر این که شریک نشازند به الله چیزی را و از وی نکنند و زن نکنند و زن نکنند

أَوْ لَدَهُنَّ وَلَا يُاتِينَ بَهْتَانٍ يَفْضِلْنَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ وَلَا

اولاد خود را و نیارند سخن دروغ را که افتر کرده باشند آخر در میان دستهای و پاهای آنها و فليكن حکم خدا
 اولاد خود را و نیارند سخن دروغ را که افتر کرده باشند آخر در میان دستهای و پاهای آنها و فليكن حکم خدا

يَعْصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ قِيَابَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ

نافرمانی نکنند ترا در کار نیک پس بجهت قبول کن از ايشان و طلب آمرزش کن برائے ايشان از خدا هر آینه خدا آمرزگار
 نافرمانی نکنند ترا در کار نیک پس بجهت قبول کن از ايشان و طلب آمرزش کن برائے ايشان از الله بخیر الله آمرزگار

رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مهربان است اے مسلمانان دوستی نداريد با گروهی که غضب کرده است خدا بر آنها
 مهربان است اے مؤمنان دوستی کنید با گروهی که غضب کرده است الله بر آنها

قَدْ يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكَافِرُ مِنَ الْكَافَرِ ۝ أَصْحَابُ الْقُبُورِ ۝

آن جماعه نپرسد شده اند از کواب آخرت چنانکه نپرسد شده اند کافران که از اهل قبورند و الله
 نپرسد شده اند از آن جماعه که آخرت چنانکه نپرسد شده اند کفار از اهل قبور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم الله الرحمن الرحيم
 آغاز می کنم ب نام خداوند بزرگوار و مهربان و بخشنده

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بهای یا: کو خدا را بگوهر آسمانهاست و آنچه در زمین است و او دست غالب با حکمت اے
 بهای یا: کو خدا را بگوهر آسمانها و آنچه در زمین است و او دست غالب با حکمت ای

أَمْوَالَهُ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ ۝ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا

مسلمانان چنانچه می گوید آنچه نمی کنید بسیار ناپسندیده شد نزد خدا آنکه بگوئید
 مؤمنان چنانچه می گوید آنچه نمی کنید بزرگ است از روی غضب نزد الله آنکه بگوئید

صلی اللہ علیہ وسلم
یعنی فاسرنا نعم ۱۲
صلی اللہ علیہ وسلم
عمل نہ کردند ۱۲
تفسیر عثمانی ۱۲
مفسر کراچی ۱۲
آخرا زمان آمدہ طوری
مکلفند کہ هیچ نشان
آن باقی نماند چنانچہ در
انجیل موجود در مکتب
موضع ذکر آن حضرت
صلی اللہ علیہ وسلم قریب
یہ صراحت موجود است
و دان برای صاحبان
عقل و الفاضل گنجایش
تاویل و انکشاف
نیست۔ در انجیل
یوحنا بکر فاطمہ
روایت کلموس
آن قدر بشارت
واضح است کہ
مطلب بے تکلف
آن بجز احمد بمعنی
حمود و ستودہ
دیگر شے نمی تواند
چنانچہ بعضی علمای اہل
کتاب ہم ناچار بہ
اعتراض و یا تمسک
آن مجبور شدند کہ
ایمان پیشکش
سورہ عالم صلی اللہ علیہ
سلم نہ بروح القدس
و نہ بر شخص دیگر
تطبیق شدہ میتواند
علمای اسلام بحمد اللہ
راجع باین بشارات
کتاب ہادی مستقل
توسعہ اند مؤلف
فامل تفسیر حقانی جو
صفت تفسیر سورہ عاف
در خصوص بشارات
فاطمہ و تحریف
انجیل بحث کامل و
قناعت بخشی نموده
است خداوند اجر
نیک دہد علیہ
حضرت مسیح (علیہ السلام) بانشاہائی روشن آمدہ یا کسیکہ علیہ السلام بشارات اورا داده بود یعنی حضرت احمد مجتبیٰ محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم فانات واضع را گرفتہ

يَدْخُلْكُمْ جَنَّتُ بَجَرْمِي مِنْ تَحْتِهَا اَلَا تَهْتَدُونَ مَسْكِنٌ حَاطِبِي فِي جَنَّتِ

در آرد شمارا بدوستانها میرود و زیر آن جوی من و بجانهاست یا بیزه در بہشت بائے

عَدْنِ ذَلِكَ الْغَوْزُ الْعَظِيمُ هُوَ آخِرُ حُجُوبِهَا نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَقَتٌ

بجانبه اندن اینست فیروزی بزرگ دیدار هست دیگر دوست میدارد آنرا آن نعمت نصرت از جانب خداست و قوت چاوید این است کامیابی بزرگ دیدار دیگر دوست میدارد آنرا آن جبین نصرت از جانب خدا و قوت

قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا

قریب حصول است و بشارت دہدہ مسلمانان را ای مسلمانان با شید نصرت دہندہ خدا چنانکہ نزدیک است و بشارت دہدہ مؤمنان را ای مؤمنان شویید مددگاران اللہ چنانچہ

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارُ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ

گفت عیسیٰ پسر مریم بایاران خاص خود کیستند نصرت دہندگان من کسوں خدا متوجہ شدہ گفتند گفت عیسیٰ پسر مریم بایاران خاص خود کیستند مددگاران من در راه خدا گفتند

اَلْحَوَارِيُّونَ مَنْ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرَتْ

آن یاران خاص ماہم نصرت دہندگان خدا را پس ایمان آوردند بعضی بنی اسرائیل و کافر ماندند آن یاران ماہم مددگاران اللہ پس ایمان آورد طائفہ از بنی اسرائیل و منکر شدند (کافرانند)

طَائِفَةٌ قَالُوا بَلْ نَا لَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِرُوا ظَاهِرِينَ

بعضی پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان پس رشدند غالب طائفہ پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان پس گردیدند غالبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ

اوست آنکہ بر ایشان بشارت داد و پیغامبر سے از قوم ایشان بخواند بر ایشان آیات اور او پاک می سازد ایشان را اوست آنکہ بر ایشان بشارت داد و ناخوانان پیغمبر سے از ایشان بخواند بر ایشان آیات اور او پاک می سازد ایشان را

يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

سے آموزد ایشان کتاب و داناگی و بر آئینہ ایشان بودند پیش ازین در گمراہی ظاہر می آموزد ایشان کتاب و حکمت و بر آئینہ ایشان بودند پیش ازین در گمراہی ظاہر

وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لُمَّا يُلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ

و بیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در قوس دیگر از بنی آدم کہ بنور نبوت بر سر اند با مسلمانان و دامت غالب با حکمت و فضل و بشارت کرد از آن رسول را برای مردمان دیگر نیز از ایشان (بنی آدم) کہ بنور نبوت بر سر اند با ایشان و دامت غالب با حکمت این است فضل

اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا

خدا میدہد شے بہر کہ خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است داستان آنکہ ہمہ را شد بر ایشان خدا میدہد آنرا بہر کہ خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است مثال آنکہ یاد کرده شد بر ایشان

الْثَّوْرَةِ ثُمَّ كَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ حِمَارٍ يَحْمِلُ أَثْقَالَ دَابَّةٍ مِّثْلُ

توریت باز نہ برداشتند آنرا مانند داستان غرمت کہ بردارد کتاب باردا بدست داستان توریت پس نہ برداشتند آنرا مانند حال خراسان کہ بردارد کتاب باردا بدست داستان

دل بینی در خطبه اول
 مترجم گوید این آیت
 عقاب است بر امضا
 و اشک است بر آب
 قهر که کار دل از شک
 آمد شانه از خورشید
 دیده متفرق شد و
 در خدمت آن حضرت
 صلی الله علیه و آله
 مگر از ده نفس که
 ابو بکر و عمر از آن
 و الله اعلم بالصواب
 گوید ریس منافقان هر
 بعض اسفار بکلمات
 نفاق متکلم شد آنرا
 شعله از انوار برض
 آنحضرت صلی الله علیه
 و آله رسانید
 منافقان مجلس
 شریف آمده قسم
 خود را که مرکب آن
 کلمات نشسته اند این
 سوره در حکایت آن
 اقبال و تهدید و تکذیب
 ایشان نازل شد
 تفسیر عثمانی
 حضرت شاه
 صاحب راجع الشاهی
 نویسد که در باب هر
 آذان این حکم نیست
 زیرا که آدم یار دیگر هم
 جاعه را یافت میباید
 وجهی محض بیک موضع
 میشود اگر فوت شود
 یافت نمی شود از
 یاد الله خطبه مراد
 است و نماز هم در
 اعظم لفظان داخل
 است یعنی در وقتی
 بود که خطبه را گوید
 کند و آن وقت
 خرید و فروخت
 حرام است در راه
 از شش فقره که
 اهتمام و مستعد
 ارتفاق است و دیده

الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ وَآلِهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵
 قومی که دروغ می فرمودند آیات خدا و خدا را می نساید گروه متکاران را
 آن مردمان که دروغ می فرمودند سخنان خدا و خدا را می نساید قوم ستکاران را
 قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ
 یهود اگر گمان دارید که شما دوستان خدا هستید
 یهود اگر می پندارید که شما دوستان خدا هستید بدون
 النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۶ وَلَا يَتَمَتُّونَ أَبَدًا
 مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه
 مردمان و یهود پس آرزو کنند مردمان خود را اگر هستید راست گویان و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه
 قُلْ مَتَّ أَبَدِيًّا بِاللَّهِ عَلَيْهِمُ بِالظَّالِمِينَ ۷ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَتَّقُونَ
 بیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست بهتر کاران بگو هر آینه مرگی که می گریزید
 بیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست بهتر کاران بگو هر آینه مرگی که می گریزید
 مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلْغِقٌ تَرْتُدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا
 از آن بگذرد رسیده است بشما باز رجوع کرده خواهید شد بجهنم دانسته نهان و آشکارا پس چه سود ستارا با آنچه
 از آن پس (هر آینه) آن رسیده است بشما باز برگردانده میشود بسوی دانسته نهان و آشکارا پس چه سود ستارا با آنچه
 كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا أُوذِيَ بِالصَّلَاةِ مِنْ يَوْمٍ
 می گردید ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز
 می گردید ای مومنان چون اذان داده شود برای نماز در روز
 اجْمَعُوا فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ
 جمع پس کنید بسوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شمارا اگر
 جمع پس کنید بسوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شمارا اگر
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۹ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ
 میدانید پس چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید در زمین و
 میدانید پس چون ادا کرده شود نماز پس بپراکنده شوید در زمین و
 ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۰ وَإِذَا
 طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا بسیار تا شما رستگار شوید و آن مسلمانان چون
 طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا بسیار تا شما رستگار شوید و چون
 رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا فَلْيَضْحَكُوا وَلَا يَمْسُوا قُلْ مَا عِنْدَ
 بر زمین کار دانسته یا بازی را متفرق شده متوجه میشوند بسوی آن و بگذارند ترا بشماره و با آنچه نزد
 ببینند تجارت را یا تماشا را متفرق شوند بسوی آن و بگذارند ترا بشماره و با آنچه نزد
 اللَّهُ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو وَمِنَ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ۱۱
 خداست بهتر است از بازی و از سوداگری و خدا بهترین روزی دهنندگان است
 خداست بهتر است از تماشا و از سوداگری و خدا بهترین روزی دهنندگان است
 رَحِيمٌ مِنَ اللَّهِ الرَّحِيمِ ۱۲
 بخشنده از خدا بخشنده مهربان
 بخشنده از خدا بخشنده مهربان
 إِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ قَالُوا لَوْ شَهِدْنَا لَكُنْ رَسُولٌ لَنَا لَوْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ إِنَّكَ
 که چون بیایند پیش تو منافقان گویند گواهی میدهم که تو پیغمبر خدای و خدا می داند که تو
 چون بیایند پیش تو منافقان گویند گواهی میدهم که (بجایی) تو رسول خدای و خدا می داند که (بجایی) تو
 ما نیست عده لاهوتی که گویند که انسان را زیاد الله باز در چون بازی و تماشا شاید که از آن بگذارد و راه لاهوتی غیر فرموده یا شد

انفقوا من مآثر قتلهم من قبل ان ياتي احدكم الموت فيقول رب

خرج قتلهم از آنچه عطا کرده ایم شمارا پیش از آنکه بماید به یکی از شما مرگ پس بگوید ای پروردگار من

لولا اخرتني الى اجل قريب فاصدق واكن من الصالحين و

کاش موقوف می گذاشتی مرا تا مدت اندک تا صدق داده باشی و در شمار صالحین و

لن يوتر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبير بما تعملون

هرگز مهربانند خداوند خدای کس را چون بماید اجل او و خدا خبردار است به آنچه می کنید

يسئل الله عن كل نفس ما عملت و الله اعلم بما تعملون

پرسش خداوند از هر نفسی که عمل کرده است و خدا آگاهتر است به آنچه می کنید

يسبح لله ما في السموات وما في الارض له الملك وله الحمد وهو على

همای باد می کند خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و او است پادشاهی و او راست ستایش داد و بر

كل شئ قدير هو الذي خلقكم فمنكم كافر و منهم مؤمن و الله بما

همه چیز تواناست او است آفرید شمارا پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن است و خدا به آنچه

تعملون بصير و خلق السموات و الارض بالحق و صوركم فاحسن

می کنید بینااست آفرید آسمان با و زمین را به تدبیر درست و صورت بستم شمارا پس بنیک ساخت

صوركم و اليه المصير و يعلم ما في السموات و الارض يعلم ما تسرون

صورتهاست شمارا و بسوخته او است بازگشت همه میدانند آنچه در آسمانها و زمین است و میدانند آنچه پنهان میدانید

و ما تعلمون و الله عليهم يذاق الصدق انه ياتكم نبوء الذين كفروا

و آنچه شما را می کنید و خدا داناست بگفتن سنیها آید ای شما که ایماندار است بگفتن آنرا که کافر بودند

من قبل فذاقوا وبال امرهم و لهم عذاب اليم ذلک بائع كانت

پیش از این پس چشیدند و بال کار خود را و ایشانراست عذاب درد دهنده این عذاب آشت که

تأنيهم رسالهم بالبينت فقالوا البشیر یهد و نذاف کفر و او تو لواق

می آمدند پیش ایشان بگفتن بران ایشان را بفرمود پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند ما را پس کافر شدند و گردانیدند و

استغنى الله و الله غنی حمید و رعم الذين كفروا ان لن یبعثوا

بے نیاز است خدا و خدا گوهر ستوده است پسنداشتند کافران که بر ایشان نخواستند شد

قل بلی و لنی کتبعتن ثم کنتون بماعلم و ذلک علی الله یسیر

بگو ای من و من من پیروی کرده ام از آنچه می دانستم و آنرا بر خداست و آنرا بر خداست

یابود یا بلی فرستاده ام و من پیروی کرده ام از آنچه می دانستم و آنرا بر خداست و آنرا بر خداست

از آسمان می فرستد و من پیروی کرده ام از آنچه می دانستم و آنرا بر خداست و آنرا بر خداست

تفسیر عثمان
عنه بنی و ان توفی
بر انسان را از آنچه
بایستی که بنگارند و
ایمان می آورند و آنرا
آن منم حقیقی را میگویند
مگر چنان بنگارند که رسید
و بعضی کافر شدند
و بعضی ایمان
یا فتنه بدین
شب و شب
اللهم تعالی و وجود
ای مستعد قوت
پند حق کفر و ایمان
را و دعوت کرده بود
مگر وقت مردمان را
بطاعت محمد صلی الله علیه و آله
بود پس کس را این
فطرت قائم ماند کسی
از حالات بر محیط خود
متاثر شده برضات
آن راه دیگری اختیار
نمود - اللّ تعالی از این
علم این مردود چیز را
داشت که کدام کس
به اراده و اختیار خود
گرام طرف خواهد داشت
و باز بر حق این سزا
و یا الهام و اولم را
مستحق خواهند بود
چیز را مطابق علم خود
در قسمت او نوشته
بود که چنان عمل می آید
علم محیط اللّ تعالی
مستلزم آن نیست
که در دنیا قوت اراده
و اختیار مافی ثمانه
اراده و علم که برین
مسئله قیق یک
مضمون متعل
بنویسیم و اللّ الموفق
عنه ای را آنها نیک
مانند هستند ما را
هدایت می کنند و اگر
فرستاده می فرستد
می بود یا بلی فرستد
از آسمان می فرستد

ما یقین قرآن ۱۲

یعنی آنکه بعضی از کلمات

تفسیر علمانی

یعنی در شرحی و فنی

ریخ و راحت خلاصه

در معانی قرآن الله و

رسول الله را می بیند

اگر چنان که در تفسیر لغوی

خود شاست - رسول

خداوند نیک و بد را

نمایانده و طبع خود را

ادانده از اطاعت

و یا معصیت شایسته

الله یعنی نفع و یا نقص

نیرسد - بسا اوقات

السان در محبت و

فرعایان و اطاعت

گرفتار

آدم الله

و احکام

۱۵

اورا فراموش می

کند در پی این تعلقات

افتاده و مرکب چهرین

بدی می گردد از چهرین

شیء محروم میشود و فانی

با در هر لحظه زین و

اولاد و دقت اورا

آرام نمی گذارد - درین

گیر و دار مبتلا شده

از آخرت غافل

میشود - بر ظاهر است

که اهل و عیالی که سبب

این هدر خردن و نقصان

لحان گردند حقیقتاً

دوست گفته نمی شوند

بلکه بدترین دشمنان

اند و دشمنی و عداوت

آنها را بسا اوقات

انسان احسان نمی

کند از همین سبب

حق تعالی خاطر آن

نمود که از این دشمنان

بر خدا باشد و رویه

را اختیار نکند که

سبب اصلاح و بهبود

و نیکی ایشان بگردد

بر باد دادن دین نتیجه داشته باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و همه اولاد از همین قبیل می باشند بسیار ی زنان خدا دوست چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالتَّوْرَ الَّذِيْ اَنْزَلْنَا وَاَللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ

پس ایمان آرید بخدا و رسول او و بخود که در فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

پس ایمان آرید به الله و رسول او و به این توری که در فرستاده ایم و خدا به آنچه می کنید

خَبْرٌ ۝۸ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۝۹ وَمَنْ يُّؤْمِنْ

خبردار است خبر داده شود شمار او قیامت آن روز روز ظهور غیبی نسبت به بعضی باشد و هر که ایمان آورد

خبردار است (خبر داده شود بشمار روزی که جمع کنند شمار او در روز جمع قیامت) آن روز روز بردن و با حق (ظهور غیبی) است و هر که

بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

بخدا و بکنند کار صالحه دور کند از هر مصلحتی او را و داخل می کند او را به بوستانها نیکو می رود

بکند و بکنند کار صالحه دور می کند از وی بدیهای او را و داخل می کند او را به بوستانها نیکو می رود

تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا اَبَدًا ذٰلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝۱۰ وَالَّذِيْنَ

زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه است فیروزی بزرگ و آنجا نیک

زیر (قصرهای آن) جویها جاویدان آنجا همیشه این است کامیابی بزرگ و آنجا نیک

كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَبِئْسَ

کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا و بد جائز است

کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا و بد جائز است

الْمَصِيْرُ ۝۱۱ فَاَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ الْاِيْذَانِ ۝۱۲ وَالَّذِيْنَ يُّؤْمِنُ بِاللّٰهِ

دوزخ نه میرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که جوخ کند بخدا

مرجع است دوزخ نمیرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که ایمان آورد بخدا

يَهْدِيْ قَلْبَهُ ۝۱۳ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝۱۴ وَاَطِيعُوْا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْا الرَّسُوْلَ

راه نماید دل او را و خدا بهر چیز داناست و فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید رسول را

راه نماید دل او را و خدا بهر چیز داناست و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر را

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّهَا عَلَيَّ رَسُوْلُنَا اَلْبَلَّغُ الْمُبِيْنُ ۝۱۵ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۝۱۶

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر منم بیاغیام رسانیدن آشکار است خدا هیچ معبود نیست مگر او و

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر ما رسانیدن بود است خدا دوست نیست هیچ معبود بر حق مگر او و

عَلَيَّ اَللّٰهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝۱۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اٰتُوا

بر خدا باید که توکل کنند مؤمنان اے مسلمانان هر آینه بعض

باید بر خدا توکل کنند مؤمنان ای مؤمنان (تجقق) بعض

اَزْ وَاٰجِكُمْ وَاَوْلَادَكُمْ عَدُوَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ وَاِنْ تَعَفَّوْا تَصِفُّوْا

از اوج شما و بعض اولاد شما دشمنان اند و حتی شما حذر کنید از ایشان و اگر عفو کنید و در گذرید

زنها می شما و اولاد شما دشمن اند و حتی شما حذر کنید از ایشان و اگر عفو کنید و در گذرید

تَعَفَّوْا اِنَّ اِلٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝۱۸ اِنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فَتْنَةٌ

بیاورید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آفتان است

بخشید پس (هر آینه) خدا آمرزنده مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آفتان است

وَاللّٰهُ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ۝۱۹ فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاَسْمِعُوْا

و خدا نزد یک او است مزد بزرگ پس بترسید از خدا آن قدر که توانید و سخن شنوید و

خدا نزد او ثواب بزرگ است پس بترسید از الله هر قدر که توانید و سخن شنوید و

اَطِيعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُّوقِ شَهْرَةَ نَفْسِهِ فَاُولٰٓئِكَ

فرمان بردارید کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته باشد از هر نفس خود پس آن جماعت

اطاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرص (رجل) نفس خود پس آن جماعت

هُم الْمُفْلِحُونَ ٦) إِنْ تَقَرُّوْا بِاللَّهِ فَرَضًا حَسَنًا يُضَعِفْ لَكُمْ وَيَغْفِرْ

ایشان را رستگار دان
اگر قرص دهید خدا را قرص نیکو دو چند دهد پس

ايشان را رستگار دان
اگر قرص دهید خدا را قرص نیکو دو چند دهد پس

لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ٧) عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٨)

شمارا و خدا قدر شناس برادر بارست داننده پنهان و آشکارا غالب با حکمت

شمارا و خدا قدر دان برادر بارست داننده پنهان و آشکارا غالب با حکمت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مل بعد طهر سه
کمر ساس نکرده باشد
۱۱ و با یعنی موافقت
۱۲ پدید آید و مراجعت
کند و الله اعلم
۱۳ شکلی از مطهرات
۱۴ تفسیر عثمانی
عنه تعالی این
آیت اگر چه حضرت
رسول کو صلی الله
علیه وسلم است مگر
خطاب بتمام امت
است یعنی چون مردی
رئیا بر کدام ضرورت
و مجبوری طلاق زن
خود را داده کند باید
بر عدت طلاق بدیده
در سوره بقره شرح
داده شده که عدت
مطلقة مرجع است
(لما هو ذنب الخفیه)
بنابر این پیش از حیض
در حالت طهر باید زن
را طلاق داد تا تمام
حیض داخل نشود و غیر
کند که اگر مرد زن را طلاق
دهد در حال خلل
آن حیض را در حال خلل
داده است و عدت شده
کینم و باز در صورت
پیش از انقضاء طلاق هر
قدری که از حیض گذشته
از عدت کم میشود و حیض
کامل نشود و باقی آن در عدت
درم چون علاوه بر
حیض موجوده مرجع
شمار میشود بنابر این
این حیض زیاده از
مرجع خواهد بود و بنا
بر این طریق مشروع
هست است که طهر
طلاق داده شود و از
عدت این قید هم نشود
است که در آن طهر
مباشرت نکند و بام عدت
بر مرد و زن هر دو لازم است که شمار عدت را فراموش نکند مبادا از سبب غفلت و سهو که برای احتیاطی و اختلاف واقع شود نیز طلاق بطریق داده شود که در شمار ایام عدت

سَبْعَ سِنِينَ وَمِنْ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْوَالُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ

هفت آسمان و از زیر آن فرود می آید تدبیر کار در میان آسمانها و زمین باین کرد
هفت آسمان را و زمین را مانند آن نازل میشود هم خدا در میان آنها تابدار است

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

که خدا بر همه چیز تواناست و نیز بداند که خدا آگاه است هر چیزی را با اعتبار علم
که الله بر هر چیز تواناست و بداند که خدا احاطه کرده است هر چیز را از روی علم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا تعالی بخشایند مهربان
آغاز می کنم بسم خدا تعالی اندازه مهربان نهایت بارم است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ

ای پیغمبر چرا حرام می کنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو میطلبی خوشنودی زنان خود و خدا
ای پیغمبر چرا حرام می گردانی چیزی را که حلال ساخته خدا برای تو میطلبی خوشنودی زنان خود را و خدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْبَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ

آمرزگار مهربان رحمت هر آنچه مشروط ساخته است خدا برای شما که دانستید که شما را و خدا کار ساز شاست دست
آمرزگار مهربان است (تحقیق) مقرر کرده الله برای شما که دانستید که شما را و خدا مالک (کار ساز) شاست دست

الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَإِذَا أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلْيَتَلَفَّاتٍ

و ای که کن چون پنهان گفت پیغمبر با بعضی از اوج خود سخن را پس چون گفت کرد
و ای که کن چون پنهان گفت پیغمبر با بعضی از اوج خود سخن را پس چون خبر داد و حقه (عاطف)

بِهِ وَأَظْهَرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلْيَتَلَفَّاتٍ

آن سخن را و مطلع ساخت خدا بخانی پیغمبر را بر افشای آن سخن شما را کرد پیغمبر پس و بعضی خبر داد و آنرا
پس آن و مطلع ساخت خدا پیغمبر را بر آن شناساند پیغمبر بعضی آنرا و اعراض کرد از بعضی پس چون خبر داد پیغمبر آنرا

قَالَ مَنْ أُنْبَأَ هَذَا قَالَ تَبَايَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ۝ إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ

بافشای آن زن گفت که خبر داد ترا باین افشای آن خبر و او را خدا دانست و او را که پیغمبر گفت که خبر داد ترا
(حضر) به آن گفت حضرت خبر داد ترا باین گفت خبر داد مرا دانای خبر داد اگر هر دو می شناسد که خبر دادی الله هر آنچه را که

صَعَتْ قُلُوبُكُمْ وَأَنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَحَبِيبُكُمْ

خوشی با هر آنچه که شده است دل شما و اگر با هم متفق شوید بر یک خبر پیغمبر پس هر آنچه خدا کار سازد دست و پیغمبر
است دل با شما و اگر با یکدیگر معاشرت کنید بر او (بر شماست) پیغمبر پس (هر آنچه) خدا دوست مدد کار او و پیغمبر

صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرٌ ۝ عَسَى أَنْ يَمُنَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ

مردان شایسته از مسلمانان و فرشتگان بعد از این مدد کارند اگر پیغمبر طلاق کند شما را آورد است بکردار کار او
مردان شایسته از مؤمنان و فرشتگان بعد از این مدد کارند اگر پیغمبر طلاق کند شما را آورد است بکردار کار او

أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَنِيتٍ تَبْتَغِي

خوشی و بدی برای آن از زنان دیگر بهتر از شما کردن نهادگان باوردند گان مال کنندگان
خوشی و بدی از زنان دیگر بهتر از شما کردن نهادگان ایمان داران ایستاده شوند گان در نماز توبه کنند گان

عِلَّتٍ لِيَسْخَرُوا مِنْكُمُ الْيَهُودُ وَالنَّاسُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُوبِ ۝

و ایستادند که از آن روز و دارند گان شوهر دیده گان شوهر نادیده گان ای مسلمانان نگاه دارید و بپایند را و
عبادت کنند گان روزه دارند گان بیوگان و دختران ای مؤمنان نگاه دارید نفس با سبب خود را و

أَهْلِيكُمْ نَارًا أَوْ قُودًا لِلنَّاسِ ۝ وَالْحَارَةُ عَلَيْكُمْ لَكُمُ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝

ای خانه شما آتش است که اگر از آن مردمان باشند و سنگهاست مقررند بر آن آتش فرشتگان درشت و سخت و
ای خانه خود را از آتش که اگر از آن مردمان باشند و سنگهاست مقررند بر آن آتش فرشتگان درشت و سخت و

دل مشرق گوید که
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم را بر قلبه اسود
از خود ساخت و در اوج
آنحضرت فرست
کردند آنحضرت
۱۸ صلی الله علیه و سلم
خدا داشت ایشان
با برادر خود حرام کردند
و آنحضرت سره از
اسرار خود با بعضی از
انصار فرمود و در میان
آن میان کرد آن زوجه
بدانکه انصار بودند
آنحضرت مسلم بطریق
و سبب بر افشای آن
سر مطلع شد و توبه
از میان قدرت در میان
نهادند و عتاب فرمودند
خداوند تعالی در باب
پس از اوج طهارت
و توبه ایشان نازل
ساخت و الله اعلم
و صلی الله علیه و سلم
۱۲ قتل پیغمبر و
عاشق و الله اعلم
تفسیر عثمان
ع مطلب از حرام
گویندین حلال کردند
این است که این خبر را
حلال و مباح دانست
عبد کرده بود که در این
آنها استعمال نگاه کرده
اگر اجزای چنین کار نبی
بر کدام مصلحت صحیح
باشد شرفا جائز است
که مناسب شدن منفی
آنحضرت نبود که بر آن
حصول خوشنودی
بعضی از اوج اینگونه
عادت را اختیار کنند که
آینده موجب تکلیف
است کرده نمایان
حق تعالی او را مشغول
که هر چند از اولی خوش
اختلاف کردند که هر دو

صلی الله علیه و آله حضرت
 نبی در هر مکرر آمد
 و فرج لایت است
 اندم ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 حضرت
 نوح حضرت ۱۹
 لوط چندیگان یک و نه
 مکرر خانه هر دو خانه های
 آنها منافی بودند ظاهر
 این دو بابا بفرمان لعل
 داشتند لیکن بدل
 شریک حال کافران
 بودند پس بنیاد انجام آنها
 چو شال الله تعالی ایشان
 را بهم به همراه عام
 دو دخیان به دوزخ
 انداخت رشت زنجیر
 پیچید آنهارا از دوزخ
 عذاب الی بر بانی ده
 نتوانست بر عکس آنها
 خام فروغ حضرت
 آسیه بنت مزاحم
 ایامدار را سخ و لیه
 کامله دشوهر او بیکه بخت
 باغی خدا بود آن خام
 نیک شوهر خود را از
 عذاب خدا بانی ده
 نتوانست و از جرم
 بیگانه و شرارت
 شوهر بر خاشاک زدند
 زبید حضرت
 شاه (رحم الله)
 میزید یعنی
 ایمان خود را دست
 کشید نه شوهر زن
 خود را بخت داده می
 تواند زن شوهر را
 این (قالون بطور کوی)
 بهیشت اندیشه شده
 است بنیاد این و هم
 بدل آورده شود که
 (صداق الله) بیان
 این مثل به از اج
 مطهر است است
 بلکه درباره آنها آن گفت
 شد که در سوره نور است

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۝ يٰ أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا
 سخت و نافرمانی نمی کنید خدا را در آنچه فرموده است ایستاد ایستاد می کنید هر چه می شود ایستاد از خود گوئیم اے کافران
 نافرمانی نمی کنید الله را در آنچه فرموده است خدا ایستاد ایستاد می کنید (لغت میشود در انرا) ای کافران
 لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يٰ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 عذر پیش نیارید امروز جز این نیست که جزا داده میشود شمارا بحسب آنچه می کردید اے مسلمانان
 عذر کشید امروز جز این نیست که جزا داده میشود مطابق آنچه می کردید ای مؤمنان
 تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً تَوْسِطًا عَسَىٰ أَنْ يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ
 رجوع کنید بسوی الله توبه خالص امید هست از پروردگار شما که از این گنجه از شما بپوشد شمارا در آورده شمارا
 توبه کشید بسوی الله توبه خالص امید است که پروردگار شما دور کند از شما گناهان شمارا و در آورده شمارا
 جَنَّاتُ جَنَّتِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 بهشتستانهاست رود زیر آن جوینها روزی که رسوا نکند خدا پیغمبر را و نه آنهارا که ایمان آورده اند
 به بویستان که پیوسته میرود زیر (قهرهای) آن جوینها (میدارد) در روزی که رسوا نمی کند الله پیغمبر را و آنهارا که ایمان آورده اند
 مَعَهُ تَوَكَّلْهُمْ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ تَحْتِهَا أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا زُكْرًا
 همراه او تورا ایشان میزد میان و دودست ایشان و بجانب راست ایشان می گویند اے پروردگار ما ده بر ما نوزاد را
 همراه او و تورا ایشان میشتاید پیش روی ایشان و طرفت پای راست ایشان می گویند ای پروردگار ما تمام ده برای ما نوزاد را
 اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يٰ أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
 بیامرز ما را هر آینه تو بر هر چیز توانائی اے پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان نیز
 بیامرز ما را هر آینه تو بر هر چیز توانائی ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان
 وَاعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أَهْلُهُمْ نَبِيٌّ مُصَدِّقٌ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ
 در مشت مشو بر ایشان و جائے ایشان دوزخ است و دسے بد جائے است پدید آورده خدا استای را برای آتای
 در دستش کن بر ایشان و جائے مسکونت ایشان دوزخ است و بدبر مع است و فرج بیان کرد الله یک مثل برای
 كَفَرُوا أَمْرَاتِ نُوحٍ وَآمَرَاتِ لُوطٍ وَكُنَّ مِنْ عِبَادِكُمْ
 کافران زن نوح را دوزن لوط را بودند زیر کجای دوسیده ششایست از
 کافران زن نوح را و زن لوط را بودند زیر کجای دوسیده از
 صَاحِبَيْنِ فَخَانَتْهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ
 بنده گان ما پس خیانت کردند آن دوسیده پس دفع نه کردند ایشان از آن دوزن پس شما از عذاب خدا
 بنده گان صابح ما پس خیانت کردند آن دوزن به بنده پس دفع نکردند ایشان از آن دوزن از (عذاب) از چندی و گفته
 مَعَ الَّذِينَ أُخْلِلُوا ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَمْرَاتِ فِرْعَوْنَ إِذْ كُنَّ
 با در آیت گان و پدید آورده خدا استای را برای آتای دوزن فرعون را چون گفت
 با داخل شد گان و بیان کرد الله یک مثل برای مؤمنان زن فرعون را چه چون گفت
 رَبِّ إِنِّي لَأُبِي عِنْدَكَ بِبَيْتِي لِحَبْلٍ وَجَنَّتِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَكَمَلَهُ وَجَنَّتِي مِنْ
 اے پروردگار من بیا کن برائے من نزد تو یک خانه در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از
 اے پروردگار من بیا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و کردار او و نجات ده مرا از
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَفَرَّقْنَا بَيْنَ عَمْرٍاءَ النَّبِيِّ أَحْصَيْتُمْ فَرَجًا فَفَتَحْنَا فِيهِ
 قوم ستم گران و مریم دختر عمران را که نگاه داشت فرج خود را پس و میدیم در فرج او
 قوم ظالمان (و مثل بیان کرد خدا) مریم دختر عمران آنرا نگه داشت مگر خدا پس و میدیم در آن
 مِنْ زَوْجَانَا وَصَلَّاهُ قَتْلًا كَمَلَتْ كَتْمًا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَبِيلَتَيْنِ ۝
 روح خود را و باور داشت سخنان پروردگار خود را و کتابهاست او را و بود از فرزند بنده گان و
 یک روح از طرف خود و تصدیق کرد سخنان پروردگار خود و کتسای برای او را و بود از عبادت کنند گان

ملک عزیم گوید این
 مثل است کافر و من
 راد انشاء الله ۱۲
 تفسیر عثمانی
 طه اول در باب
 آسمان در زمین تذکار
 میان آمده بود در اینجا
 ذکر چیز باری است
 که بین زمین و
 آسمان واقع است
 است یعنی قدرت خدا را
 بینند که برندگان در میان
 زمین و آسمان گامی میان
 با راه نشود گامی آنرا
 مع کرده چگونه در پرواز
 می باشند با وجودیکه
 جسم آنها لقیق و مائش
 الی المیزان است پایان
 نمی افتد و نه توفه جاذبه
 زمین این پرند که کوچک
 را بوی خود جذب
 می کند بخوبی بدون
 رهن دست کبکست
 که آنها را در فضا
 نگه
 داشته
 است
 بیشک
 رحمت و حکمت خود
 ساختن آنها را چنان
 کرده و در آن قوی نهاده
 است که این پرندگان
 به آن وسیله ساعت
 بای و دانه را هوا قیام
 کرده بتوانند به آن
 ذات تعالی استعدادهای
 چیز را می اندازد تمام مخلوق
 را در حفاظت خود نگاه
 میدارد شاید از بیان
 مثال پرندگان در این
 موقع بدین طرف هم
 اشاره باشد که خداوند
 آسمان به تنهایی غدا
 قادر است و کفار از
 کفر و شرارت خود محروم
 عذاب نیز می باشد لیکن چنانکه رحمت رحمن پرندگان را در هوا نگهداشته است عذاب هم از رحمت او باز داشته شده است عذاب کافران به فریب بزرگی مبتلا اند اگر آنها می پندارند که

السَّعِيرِ ۱۱ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

دو زح را هر آنچه آنانکه می ترسند از پروردگار خویش غایبان ایشان تراست آمرزش و مزد

كِبِيرٌ ۱۲ وَأَسْرُوْا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۳

بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویند آنرا (هر آنچه) خدا بسیار داناست با آنچه در سینه ها باشد

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۱۴ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

آیا نداند کسی آفرید و دوست یاریک بین خبردار اوست آنکه رام ساخت برائے شما

الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ

زمین را تاراه روید در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و سوئے اوست

الْكُشُورِ ۱۵ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا

برای خفتن آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرود شمارا بر زمین پس ناگهان

هِيَ تَكُونُ ۱۶ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

زمین جنبش کند آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ ۱۷ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ

پس خواهید دانست چگونه است ترسانیدن من و هر آنچه دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه

كَانَ نَذِيرٌ ۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفًى وَيَقْبِضْنَ ۱۹

عقوبت من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالا که خود گشاینده بازوگاه گاه فراهم می آرند

يَمْسِكُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۲۰ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۲۱ هُوَ الَّذِي

نگاه می آید از ایشان مگر خدا هر آنچه او بهر چیز بیناست آیا ایست آنکه

هُوَ جَعَلَ لَكُمُ يَمْرُوكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِى

وے لشکر است برائے شاهرهت میدهد شمارا بخیر خدا نیستند کافران مگر در

عُزْرٍ ۲۲ أَمْ نَزَّلْنَا الْقُرْآنَ فَذُكِرْتُمْ بِهِ ۲۳ أَمْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى لِسَانٍ

فریب آیا ایست آنکه روزی دهد شمارا اگر منع کند خدا رزق خود را چنین نیست بلکه

لِجَوَابٍ عَنِ عِتْيَةٍ ۲۴ أَمْ نَزَّلْنَا الْقُرْآنَ فَذُكِرْتُمْ بِهِ ۲۵ أَمْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى لِسَانٍ

حکم پیوسته اند در سرگشتی و رسیدگی آیا ایست که برود نوحه ساز افتاده برده خود را یا تفرستد یا کسی که

يَمْسِكُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۲۶ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ

میرود را است ایستاده بر راه راست بخود اوست آنکه بیا فرید شمارا و

میرود را است ایستاده بر راه راست بخود اوست آنکه بیا فرید شمارا و

مل یعنی بارگزه نشو
تفسیر عثمانی

عنه چون با ایمان
داریم یقین است که بطن

ایمان رستگار خواهد شد

و چون یعنی میج بر همان
ذات نزل دارم کامیاب

دار مقاصد یعنی است

دین نیکو علی الله هو

حسبه ان الله بالغ امره

هر روز و هر روز وجود شما

نیست خدا ایمان و نازل

پس شما چه طوری نکرده

به علم هستد علم یعنی

چنانکه شما گمان دارید

و یا شما چنانکه با عقیده

داریم همه همایه

زندگی و پاکت یعنی

همان الله تعالی است

مثلاً آب که سبب زندگی

هر چیز است فرض کنید

آب را چشمه را دچاه با

خشک شده زمین

فرود و چنانکه اکثر مردم

تابستان پیش می آید که

کیست که آب صاف

و شفاف مانند روغن

۲ را به آن مقدار کشی

۱۶ کبرای زندگی و بقا

۲ شاکانی باشد بسیار

۲ کند همه را باید که خون

متوکل بر همان خلق الهی

و مالک علی الاطلاق توکل

کند این مثل باران

میدهد که چون به چشم

بدایت خشک شده

چشمه خشک شدنی

بدایت و معرفت را بگو

عمومی الله علیه و سلم را

کردن معجز کار همان بود

مطلق است که بطن و

احسان خود سامان

زندگی ظاهری و باطنی

همه جانداران را همیا

و آله فرود اگر فرض

محال این چشمه خشک

جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝۹

پدید آورد برائے شما شنوایی و چشم و دلها اندکے شکر می کنید
پدید آورد برائے شما گوش و چشم و دلها اندکی شکر می کنید

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝۱۰ وَيَقُولُونَ

بگو اوست که پراکنده ساخت شما را در زمین و بسوئے او برانگیخته میگردانید و میگویند (کاروان برای
بگو اوست آنکه پراکنده ساخت شما را در زمین و بسوئے او برانگیخته میگردانید و میگویند) کاروان برای

مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝۱۱ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ

کے باشد این وعده اگر راست گوئید بگو جز این نیست که علم نزد یک
هر وقت باشد (آمدن) این وعده اگر راست گوئید بگو جز این نیست که علم (قیامت) نزد

اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝۱۲ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَّئَتْ وُجُوهُ

خداست و جز این نیست که من بیم کننده آشکارم و آنگاه که به بینند آن وعده را نزدیک شده ناخوش گشته و روئے
الله است و جز این نیست که من ترساننده آشکارم و پس چون ببینند آن وعده را نزدیک شده زشت کرده روی های

الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ۝۱۳ قُلْ

آنانکه کافر شدند و گفته شود (از طرف خدا) این است آنچه می طلبید
آنانکه کافر شدند و گفته شود (از طرف خدا) این است آنچه می طلبید آنرا

أَرَأَيْتُمْ إِن أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ

آیا دیدید اگر بپاک کند مرا خدا و آنرا که همراه من اند را رحمت کند بر ما بهر حال که خلاصی دهد
خوب بنگرید اگر بپاک کند مرا الله و آنرا که با من اند را رحمت کند بر ما پس کیست که پناه دهد

الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْيَوْمِ ۝۱۴ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ

کافران را از عذاب درود منهد بگو اوست بخشاینده با و ایمان آوردیم و بر روی
کافران را از عذاب دروناک بگو اوست نهایت بخشاینده ایمان آوردیم با و بر روی

تَوَكَّلْنَا فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۱۵ قُلْ

توکل نمودیم پس خواهیم دانست که کیست در گمراهی ظاهری بگو
توکل نمود ایم الله پس زود خواهیم دانست که کیست در گمراهی آشکار عده بگو

أَرَأَيْتُمْ إِن أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ۝۱۶

آیا دیدید اگر شود آب شما فرود افتد پس که بیارد به شما آب رودان را
خوب بینید اگر گردد وقت صبح آب شما فرود افتد پس کیست که بیارد برای شما آب رودان را

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۝۱ مَا أَنتَ بِمُعْجِزٍ ۝۲ وَ

قسم به قلم و آنچه می نویسد فرشتگان نیستی تو بفعل پروردگار تو دیوانه
قسم به قلم و آنچه می نویسد نیستی تو به فضل پروردگار خود دیوانه

إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَسْنُونٍ ۝۳ وَإِنَّكَ لَعَلَّ خُلِقَ عَظِيمٌ ۝۴

هر آینه تراست مزد بے نهایت و هر آینه تو بر خفته بنهایت بزرگی
(هر آینه) تراست مزد بے نهایت و هر آینه تو آفریده شده بر خوی بزرگی

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ۝۵ بِأَيْسَرُ الْفَتْوَنَ ۝۶ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید که کدام یک از شما دیوانه است
پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید که کدام یک از شما دیوانه است بیشک پروردگار تو اوست

گردد چنانکه آرزوی اشتیاق است کیست که برای مخلوق آنگونه آب پاک صاف و شفاف را همیا نماید ۱۲

فتح الرحمن

فلان ابن کذا

ست از شدت حال

تفسیر عثمانی

ترجمہ از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

معجم لغوی

از علامہ

امام حسین

راغب اصفہانی

يُؤَيِّنَا تِلْكَ الْأَنْبِيَاءَ ۖ وَعَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَ لَنَا خَيْرًا مِّنْهَا ۚ إِنَّا إِلَىٰ

اے وائے ماہر آئینہ ماہودیم از حد گذشت امید است پروردگار باک غرض و بعد از ما بوسستای بهتر از این بر آئینہ ما بسوئے

رَبِّنَا رَاحِبُونَ ۚ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كُنَّا نَعْلَمُونَ

پروردگار خود تو بخوارند گانیم چنین است عذاب و هر آئینہ عذاب آخرت بزرگ تر است کاش

يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۚ أَفَنَجْعَلُ

می دانستند هر آئینہ متقیان را نزدیک پروردگار ایشان بوسستاهائی نعمت باشند آیا گردانیم

الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۚ مَا لَكُمْ وَقْفَ ۚ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۚ أَمْ لَكُمْ

مسلمانان را برابر مجرمان چسبیت شمارا چگونه مقرر می کنید آیا نزدیک شما

كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۚ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَهَا تَخْيِيرُونَ ۚ أَمْ لَكُمْ

کتابی که در آن می خوانید که هر آئینہ است برای شما در آن آنچه پسند می کنید آیا هست شمارا

إِيمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَمَلِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ لَكُمْ فِيهَا تَحْكُمُونَ ۚ سَلَامٌ

عبد بانی حکم است بر شما مگر حکم آن تا به قیامت باقی باشد باین معنیون که هر آئینہ شمارا است آنچه مقرر کنید بر این امر که

أَيُّهُمْ يَذَّكَّرُ ۚ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ ۚ إِنَّ

کدام یک از ایشان باین مقدمه معذرت آید این مشرکان را مشرکیان بپند پس باید که بیارند مشرکیان خود را اگر

كَانُوا صَادِقِينَ ۚ يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ

راست خوانند روزیکه جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را بسجده

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۚ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذُلٌّ وَقَدْ كَانُوا

پس نتوانند و خاشعانه در حالی که باین افتاده باشند چشمهای ایشان را از زمین می پوشاند ایشانرا ذلت و (بحقیق)

يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۚ قَدْ زُرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ

خوانده می ایشان را بسجده حالانکه ایشان بی علت بودند پس بگذار مرا با کسی که دروغ می گوید

بِهَذَا الْحَدِيثِ تَسْتَسْتَدِرُّهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۚ وَأَمَّا

این سخن را پایه پایه خدایم کشید این جماعه را از آن راه که نمیدانند و مهلت خواهیم داد

لَهُمْ إِنْ كُنْزِي مَتِينٌ ۚ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرُومٍ

ایشانرا بر آئینہ جلد من حکم است آیا می طلبی از ایشان مزد پس ایشان از نادان

مَثْقُونٌ ۚ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۚ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ

راشنا بحقیقیت نه بیزمن حکم است یا می طلبی از ایشان مزد پس ایشانرا از نادان

کتابی که در آن می خوانید که هر آئینہ است برای شما در آن آنچه پسند می کنید آیا هست شمارا

ایمانی که در آن می خوانید که هر آئینہ است برای شما در آن آنچه پسند می کنید آیا هست شمارا

ایمانی که در آن می خوانید که هر آئینہ است برای شما در آن آنچه پسند می کنید آیا هست شمارا

ایمانی که در آن می خوانید که هر آئینہ است برای شما در آن آنچه پسند می کنید آیا هست شمارا

فل یعنی یونس علیہ السلام
 ۱۲ کتب لیکن
 رحمت در رسید
 و بد حال نشد
 و این کنایت
 مست از شدت عداوت
 ایشان ۱۳ و کفر
 گویند ظاهر نزدیک بنده
 آنست که معنی آیت
 اینست عقوبت ثابت
 چیست آن
 عقوبت ثابت و
 هر چیز مطلق
 ساخت قراکه
 چیست آن
 عقوبت
 ثابت بعد
 از آن چند عقوبت
 گذشت بر ایشان فرمود
 تفسیر عثمانی
 سه اگر بعد از قبول توبه
 فعل و احسان مزید
 خدا و یاوری نمی کرد
 در همین میدان بی گناه
 جایگاه از شکم ای بیرون
 انداخته و بلود مورد
 الزام شده افتاده
 می ماند و آن کلمات
 و کلمات دیگر محض
 بلفظ و کرم خدا در
 وقت ابتلاء هم باقی
 بود ازین پرمه می شد
 طبع بعد از عباد و نمود
 فرعون و بسیاریان
 و گزاف آمد پیش او
 چندین قوم باید آمدند
 که هر یک دارای گناهای
 مختلفی بودند مانند
 قوم لوح قوم شیب
 و قوم لوط که قریب بای
 شان و از کون کرده
 شده بود اقوامیک
 و غیر این خود را فراموشی
 کرده بودند با خدا بیعت
 پرور اختیار فرمود
 قتل آنان را و اخذ

رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝۱۵

پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی فل چون دعا کرد داو پر از غم شده بود اگر نه آنست
 پروردگار خود و مشو مانند صاحب ماهی (یونس) چون دعا کرد در حالیکه پر از غم بود اگر نبودی آن

أَنْ تَذَرَهُ نِعْمَةً مِّنْ رَبِّكَ لَنَبَذَنَّ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ۝۱۶ فَاجْتَبِهْ

که دریافتی و در آخرت از جانب پروردگار او البته بر تافته میشد بر زمین بی گناه داو بد حال بود پس فل پس برگزیدش
 که دریافتی و در احسانی از پروردگارش البته امتیازی می شد نمیدان بے گناه در حالیکه مذمت کرده شده ای پس برگزید او را

رَبِّهِ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۷ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِيزُ لِقَوْلِكَ

پروردگار او پس ساخت او از جمله صالحان و هر آینه فزونیک اند کافران که بلغز اند ترا
 پروردگار او پس گردانید او را از نیکوکاران کامل (هر آینه) نزدیک اند کافران که بلغز اند ترا

بِأَبْصَارِهِمْ لَهَا يَسْمَعُونَ وَالَّذِي يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝۱۸ وَمَا

بچشم بای قیض خود چون شنیدند قرآن را و می گویند هر آینه این پیغام پر واز است و بحقیقت نیست
 بچشم بای (تیز) خود چون شنیدند قرآن را و می گویند (بحقیقت) او دیوانه است و نیست

يَسْمَعُونَ وَالَّذِي يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝۱۹

این قرآن مگر پسند عالمهارا
 این قرآن مگر پسند عالمهارا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم آغاز می کنم بسم خدا بی بخشاینده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا بی بخشاینده مهربان نهایت بارحم است

الْحَاقَّةُ ۝۱ مَا الْحَاقَّةُ ۝۲ وَمَا أَذْرُكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝۳ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

قیامت قیامت و چه چیز خبردار کرد ترا که قیامت آن قیامت است دروغ شود و چه خبر خود
 آن ثابت شونده (قیامت) قیامت آن ثابت شونده و چه چیز دانای ترا که قیامت آن ثابت شونده (قیامت) کذب کردند نمود و

عَادٌ بِالْقَارِعَةِ ۝۴ فَمَا تَشُودُ فَاهْلُكُوا بِالطَّاغِيَةِ ۝۵ وَمَا عَادُ

عاد قیامت را اما نمود پس هلاک کرده شد از ایشان بنوعی شده و اما عاد
 عاد آن کوبیده (قیامت) را پس اما نمود پس هلاک کرده شوند به آفت از حد گذرنده و اما عاد

فَاهْلُكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝۶ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَلْينِي

پس هلاک کرده شد از ایشان بنوعی شده و اما عاد
 پس هلاک کرده شدند به باد سرد و سخت سرکش از انقباض برآمده مقرر کرد خدا از ایشان هفت شب و هشت

أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى ۝۷ كَانَهُمْ رَعِجَارٌ نَّخْلٌ

روز نهایت بخش پس میدیدی ای اے بیننده آفتاب بزمین افتاده گویا ایشان تنهائے درختان خرما
 روزی در بی در بی پس می بینی آن قوم را در آن مرده افتاده گویا ایشان تنهائے درختان خرما

خَاوِيَةٍ ۝۸ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ ۝۹ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ

از پیش برین شده اند پس ای اے بی ایشان هیچ باقی مانده و کرد فرعون و آنانی که پیش از او بودند
 کاداک اند پس آید بی ایشان هیچ باقی مانده و کرد فرعون و آنانی که پیش از او بودند

وَالْمُؤْتَفِكَةَ بِالْخَاطِئَةِ ۝۱۰ فَعَصَا رَسُولُ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً

و اهل موافقات نیز گناه را پس تا فریب داری کردند فرستاده پروردگار خود و پس گرفت خدا آنجمعه را در زمین
 و قریب بای و از کون شد خطارا پس تا فریب داری کردند فرستاده پروردگار خود و پس گرفت ایشان را خدا اگر متقن

رَأَيْتَ ۝۱۱ إِنَّا لَنَاطِقُ الْمَاءِ حَمَلِكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۝۱۲ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ

عظیم بر آینه و قریب از حد گذشت آب سوار کردیم شما را بر کشتی روان تا بکنیم این مقدمه را برای شما
 سخت سه (بحقیقت) ما و قریب از حد گذشت آب سوار کردیم شما را بر کشتی روان تا بکنیم این مقدمه را برای شما

عده در عصر نوح علیه
السلام چون طوفان
آب آمد از نقطه نظر
اسباب ظاهری و
انسانی و علایق یافته
نی توالت محض از
قدت و حکمت انعام
و احسان الیوه که همه
مستمران را طریقی ساخته
روح را با همافزایش بخا
و ادیم بر ظاهر است
که در چنین طوفان
عظیم الشان به رسالت
ماندن یک کسی چه توقع
میشود لیکن بایک نمونه
قدت و حکمت خود را
نشان دادیم تا مردم
از نادانیه دنیا است
بیاد داشته باشند
و گوش بایک سخن عقل
را شنیده و نفوس را از
مغفولگی دارند گاهی
فراموش نکنند که الله
در یک زمان خاص بهما
این احسان فرموده
است و باید بداند
که هم چنانکه در هنگامه
گیر و دار و نیاز و فراق
از بحران نافرمان جدا
نگذاشته باشند در
حادثه بزرگ قیامت
هم همین حال عقل می
آید بعد از آن بهین
موضوع معنی متقبل
می شود و عده بهر
کیک از طرف چپ
بدست او اعمال نامه
داده میشود میداند که
برین بدستی آمده است
در آن وقت با نهایت
حسرت تمی می کنند که
ای کاش این اعمال نامه
بمن داده نمی شد نمی
فهمیدم که حساب کتاب
چیت ای کاش
مرگ تقدیر یافته

تَذَكُّرَةً وَتَعِيَهَا أَذُنٌ وَاعِيَةٌ ۝ فَاذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ

پند و یاد دارد آنرا گوش یاد دارنده پس چون دمیده شود در صور بلیار

وَاحِدَةٌ ۝ وَخَسِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۝

دمیدن و بر داشته شود زمین و کوه با و کوه با پس کوفته شود از یک بار کوفتن

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ وَالنَّشَقِطَتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝

پس آنروز صحنه قیامت و بشکافتن آسمان پس آنروز سست شده باشد پس آن روز واقع شود واقع شود و باره شود آسمان پس آن روز سست باشد

وَالسَّالْكُ عَلَى الْأَعْيَادِ وَيَحْمِلُ عَرْشُ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ ۝

و فرشتگان بر کناره های آن باشند و بردارند تخت پروردگار تراز بالائی غویض آنروز هشت کس و فرشتگان به کناره های آن باشند و بردارند عرش پروردگار تراز بالای خود آنروز هشت (هشت نفر فرشته یا جنت صف فرشته)

يَوْمَئِذٍ نَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ

آنروز پیش آورده شود شمار اینها نشانند از حال شما هیچ سرے اما آنکه داده شدش نامه اعمال او در آن روز پیش کرده میشود (نزد خدا) پس نامه اعمال او

بِئَمِينَةٍ ۝ يَقُولُ هَآؤُمَا اقْرَءَا وَكِتَابِي ۝ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ

بدست راست او گوید بخیرید بخوانید نامه اعمال مرا هر آینه من متقدم بودم که من بهم خوانم رسید بدست راست او پس گوید بخیرید بخوانید نامه اعمال مرا (هر آینه من پیش می دانستم آنکس ملاقی نموده ام)

حَسَابِي ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا

حساب خود پس آن شخص در زندگانی پسندیده باشد در بهشت بلند (از حیث مرتبه و مقام) یوه بای آن حساب خود را پس آنکس در زندگانی پسندیده هست در بهشت بلند (از حیث مرتبه و مقام) یوه بای آن

دَانِيَةٍ ۝ كَلَّا وَاتَّبِعُوا هُنَا أَسَافَتُكُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝

فربا اقول مست گفته شود بخیرید و در آن ایام اسرافت کردید و بدید در روزهای گذشته قریب نموده است گفته میشود بایشان بخیرید و بنویسید گوارا بخیرید پیش فرستاده بودید در روزهای گذشته

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشَمَالٍ ۝ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي لَمْ أَوْتِ كِتَابِي ۝

و اما آنکه داده شدش نامه اعمال او بدست چپ او گوید ای کاش داده نمی شد مرا نامه اعمال من و اما آنکه داده شدش نامه اعمالش بدست چپ او پس گوید کاش داده نمی شد مرا نامه اعمال من

وَلَمْ أَذِرْ مَا حَسَابِي ۝ يَلِيَّتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةُ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي

ای کاش میدادستم چیست حساب من ای کاش مرا که کار بودی هیچ نفی نکرد از من و نمی دانستم چیست حساب من کاش مرا که دینی میبود قطع کننده هیچ نفی نکرد از من

مَالِي ۝ هَلَاكَ عَنِّي سُلْطَانِي ۝ خَذَوهُ فَعْلَوهُ ۝ ثُمَّ الْجَحِيمُ

مال من زائل شد از من بادشاهی من گفته شود ای فرشتگان بگیریدش پس طوق بگردن کنیدش باز در دوزخ مال من زائل شد از من حکومت من گرفته میشود از طرف خدا بگیرید او پس بگردن او طوق اندازید باز در آتش

صَلَوهُ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝

داخل کنیدش باز در زنجیر که مساحت آن هفتاد ذراع است در آیدشش شدید در آتشش باز در زنجیری که در آیدشش

إِنَّ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝

هر آینه این شخص ایمان نمیداشت بحدایع بزرگ و رخصت نمیداد مردمان را بر طعام دادن فقیر (هر آینه) اولود که ایمان نمی آورد به الله که بزرگ است و ترغیب نمی کرد به طعام دادن مسکین

میدان تا بعد از مردن بار دیگر به خاصتن نصیب من نمی شود یا اگر بر می آید مرا افزونی برد - انفس من که آن مال و دولت و جاه و حکومت هیچ بکار من نیامده امروز همه آنها

صل منوم گوید عادت
 سیات آنست که دست
 راست اسیر رابست
 چپ خود بگیرد و بشمار
 بگردن او حلال
 کند لهذا باین
 اسلوب گفته شد
 و معنی عقوبت را
 و معنی گفتند متی بنا
 اوله ان کتم صا قین
 و معنی جبریل
 علیه السلام ۱۲
 تفسیر عثمانی
 مع خدا که هم با
 انسان قوت میرساند
 مگر به روز خیان چنان
 طهارت مرغی داده نمی
 شود که سبب راحت
 و قوت ایشان گردد
 طایریم زخم با کوه زنیان
 با داده میشود که آنرا
 غیر از همان گز کاران
 کسی خورده نمی تواند
 آن هم از فوط گرسنگی
 و تشنگی چنان می پندارد
 که از خوردن آن بهانه
 فانه میرسد بعد با
 ظاهر میشود که
 خوردن آن
 نسبت به
 مذاب گرسنگی
 عذابی است بزرگتر
 را عاذا نالک من
 جمع الواح العذاب
 فی الدیاد الاخرة
 مع یعنی چیزی که
 از جنت و دوزخ
 بیان شده آن
 شامی است و نه
 سخنان بی سنجش
 لایمان است بلکه
 این قرآن کلام الهی است
 که از یک فرشته
 بزرگ از آسمان
 گرفته بر یک بزرگترین
 پیغمبر فرود آورده هم
 آنکس که از آسمان آورده هم آنکس که با الهی زمین رسانید هر دو رسول کریم اند کریم بودن یکی را بچشم سری بینید که است و دیگری از میان کریم اول الذکر ثابت است ۴۲

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنًا حَمِيمٌ ٣٥ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ٣٦

پس نیست این شخص را امروز اینجا خوشاوندی و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر از زرداب

يَا كَلْبُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ٣٧ فَلَا أَفْسَسُ بِمَا تَبْصُرُونَ ٣٨ وَمَا لَا تَبْصُرُونَ ٣٩

خو زند آنرا مگر گناه کاران پس قسم بخورم با آنچه می بینید و آنچه نمی بینید

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٤٠ وَهُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤١

بهر آینه قرآن گفتار فرشته بزرگواریست و نیست آن گفتار شاعر اندکی شایمان می آید

وَلَا يَقُولُ كَا هِنَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤٢ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٣

و نیست گفتار کاهن اندکی پند می پذیرد خود آورده شده است از جانب پروردگار عالمیان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ٤٤ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ٤٥

و اگر می بست بیضا مبر بر ما بعض سخنها را و اگر می بست دیگر بر ما بعض سخنان را

لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ٤٦ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِيزِينَ ٤٧

و می بریدیم رگ دل او را و پس نیست از شما هیچ کس از او بازدارنده و

إِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِّلْمُتَّقِينَ ٤٨ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ٤٩ وَإِنَّهُ

بهر آینه قرآن پند می دهد به پندگاران و دهر آینه امید داریم که بعض متذکرانند و دهر آینه قرآن

لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ٥٠ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ٥١ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

حسرت است بر کافران و دهر آینه قرآن راست درست است پس بپای یاد کن پروردگار

رَبِّكَ الْعَظِيمَ ٥٢

بزرگواری خود را پروردگار پس بزرگ خود را

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ ذِي الْمَعَارِجِ ٥٣ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

خداوند مرتبه های بلند بالا میروند فرشتگان و روح بسوی او در روزی که

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٥٤ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٥٥ إِنَّهُمْ

که هست مقدار آن پنجاه هزار سال پس صبر کن صبر نیک (بهر آینه) آنها

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٥٤ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٥٥ إِنَّهُمْ

یَرْوَنَّهُ بَعِيدًا ۴ وَتَرْبُهُ قَرِيبًا ۵ یَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْبَلِ ۸ وَ	دور می بینند آن روز را و مانند یک می باشد روز بزرگ شود آسمان مانند مس گداخته و
تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ۹ وَلَا یَسْأَلُ حِمْلُهُ حِمْلًا ۱۰ یَبْصُرُ وَهْمَهُ ط	و مانند پشم ریش و دمای بینم آنرا نزدیک روز بزرگ گردد آسمان مانند مس گداخته و
یَوْمَ الذِّجْرُ لَوْ یَقْدَرُ مِنْ عَذَابٍ یَوْمَ یَذِیْبُنِی ۱۱ مَصَابِحُهُ و	روز دگر که گدازد که خوش دیدار عذاب آنروز فرزندان خود را و نیز زن خود را و
أَخْبَهُ ۱۲ وَفَصِیْلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِیهِ ۱۳ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا ثُمَّ	پراورد خود را و نیز قبیله که جاسه میدهد او را و نیز هر که در زمین است همه یک جا پس
یُحْیِیهِ ۱۴ كَلَّا اِنَّهَا لَطِ ۱۵ نَزَاعًا لِلشَّوْیِ ۱۶ تَدْعُو مَنْ اَدْبَرَ و	برآورد او را و قبیله که نمی کند او را بخود یعنی او محسوب به آن قبیله است و هر که در زمین است همه یک جا باز
تَوَلَّى ۱۷ وَجَمَعَ فَاَوْعَى ۱۸ اِنَّ الْاِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا ۱۹ اِذَا مَسَّهُ	پشت کرد و بدو را جمع نمود و در آنرا فرو کرد و هر آینه دوزخ آنست که سست است مثل زنده پوست سر را بر کشنده بخود اوست کرد و
الشَّرَّ جَزُوعًا ۲۰ وَاِذَا مَسَّهُ الْخِیْرُ مَنُوعًا ۲۱ اِلَّا الْبَصِلِیْنِ ۲۲ الَّذِیْنِ	اعراض کرد و در آنرا جمع نمود پس در آنرا دگر داشت هر آینه آدمی آفریده شده است ناسخ کننده چون بر سرش
هُمْ عَلٰی صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۲۳ وَالَّذِیْنَ فِیْ اَمْوَالِهِمْ حِیٌّ مِّمَّا	محبوبیت اضطراب کننده و چون بر سرش رها نیست بخل نمایند مگر نماز گزاران آنانکه
لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۲۴ وَالَّذِیْنَ یَصِدُّوْنَ یَوْمَ الدِّیْنِ ۲۵ وَالَّذِیْنَ	شر باشد به صبر و چون بر سرش باد و خیز باشد بسیار بخل کنند و هر آن نماز گزاران که ایشان
هُمْ مِّنْ عَذَابٍ رَّهْمٍ مُّشْفِقُونَ ۲۶ اِنَّ عَذَابَ رَّهْمٍ غَیْرُ مَأْمُونٍ ۲۷	ایشان بر نماز خویش همیشه باشند گامند و آنانکه در اموال ایشان حصه هست مقرب
وَالَّذِیْنَ هُمْ لِفُرُوحِهِمْ خَفِضُوْنَ ۲۸ اِلَّا عَلٰی اَزْوَاجِهِمْ وَامْلَکَتْ	بر نماز خود دوام کنند گامند و آنکه در اموال ایشان حصه مقدار است
اِیْمَانُهُمْ فَانَّهُمْ غَیْرُ مُلَوِّدِیْنَ ۲۹ فَمِنْ اَبْنٰی وَاُولٰٓئِكَ فَاُولٰٓئِكَ	برای سائل و بیایه کم سوال و آنانکه باور میدارند روز جزا و آنانکه
هُمُ الْعَادُونَ ۳۰ وَالَّذِیْنَ هُمْ لَا مُنْتَهٰی لَهُمْ وَعَهْدُهُمْ رَاْعُونَ ۳۱ و	برای سوال کننده و بی بهره غیر سائل و آنکه تقدیر حق کنند بر روز جزا و آنانکه
	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گامند هر آینه عذاب پروردگار ایشان چنانی است که از آن ایمن نتوان شد
	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گامند هر آینه عذاب پروردگار ایشان چنانی است که از آن ایمن نتوان شد
	و آنانکه ایشان اندام نهایی خود را نگه دارند گامند مگر بر زمان خود یا آنچه گامند اگر آنکس آنها شده است
	و آنانکه ایشان اندام های شهوت را نمی خود را نگه دارند گامند مگر بر زمان خود یا آنچه گامند مالک آن شده است
	دست های ایشان پس هر آینه این فریق سلامت کرده شده نیست پس هر که طلب کند سوائه این پس آن جماعه
	دست های ایشان پس هر آینه این فریق سلامت کرده شده نیست پس هر که طلب کند سوائه این پس آن جماعه
	ایشان از حد گذشته اند و آنانکه ایشان امانت های خود را وعده های خود را عاریت کنند گامند و
	ایشان از حد گذشته اند و آنانکه ایشان امانت های خود را عاریت کنند گامند و

تفسیر غنی
 به یکم زنده بمانی
 مختلفه دارد و کوه با نیز
 بر نهایی مختلفه می باشد
 کما قال تعالی ۱۱ و من
 الجبال جدد بیض و حمراء
 مختلفه الوانها و در آن
 سود (فاطر)
 روع ۴ و در جای
 دیگر فرموده که العین
 المنقوشه (القارعة)
 یعنی کوه ها مانند چشم
 ندانی شده بلور
 یا غنچه باره فضیله و از
 می کند عصب از تن
 دوزخ یک کش و
 طلبیدن بلی می آید و
 تیره مردانیکه در دنیا
 حق را فراموش کرده و
 از قبول کار با سئ
 شائسته اعراض می
 کردند و بی وقار کردن و
 نگهداشتن بخل مشغول
 بودند به همان لطافت
 دوزخ جذب شده
 میروند و بعضی آثار
 است که دوزخ او را
 بزبان حال خواهد خواند
 را ای یا کافری یا منق
 الی یا جامع المال
 یعنی ای کفرای منق
 ای منق کننده مال ایست
 من بیا مرم با طراف
 خواننده گریخت پس
 یک کردن بسیار دراز
 پدید خواهد آمد که گفارا
 بر چیده چنان خواهد
 برداشت مشکله جانود
 از زمین و از می بردارد
 (العیاذ بالله) است
 به هیچ طرف پناشای
 و بهشت گشتان نمیدهد
 اگر قهر فاقه مرض و سختی
 بیایید صبر شده
 مضطرب و آشفتگی کرد
 بلکه چنان بایست میشود
 که گویا انور و بی سبیل
 برای بر آمدن او نیست
 اگر دولت نرسد حتی و قوامی را تا کل گردد برای اجرای مصلی دست او پیش نشود و در راه خدا توفیق خرج کردن نداشته باشد بلی هر دایم که در آن ده آینه میاید از آن مستثنی اند ۱۲

والمعنى انهم
تفسير عثمان
عنه چون گفته شود
قرآن و ذکر جنت را
می شنوند از تمام
اطراف بسوی
توشتایان می آیند
سپس بر رختخواره
و تشریف بردارند
با وجود این اعمال ایشان
این طبع را هم دارند که
هم ایشان در بوستان
های جنت داخل کرده
شوند چنانکه ایشان
می گفتند که اگر رفتن
و بازگشت ما بسوی
خدا شد و آنچه هم برای
ما بهتر و بهر سودی
هرگز نمی دربارگاه آن
خداوند عادل و حکیم
چنین ملکت وجود ندارد
تغییر این غیر مطلب
این آیات را چنان
گرفته است که این
مشکلات را که نزد تواند
چهره که بر سرست
زیاد جوق جوق بر است
و چپ میروند
یعنی چون قرآن
را می شنوند
چرا این قدر
می کنند و از آن
با وجود این قدر حشمت
و نفرت آیا این نوع
را هم نداند که هر شخص
از ایشان بطور یقین
در جنت خواهد درآمد
هرگز نمی دربارگاه آن
غالبه ظاهر من
الندوة سر منین
کانه من حرم مستغفرة
فرت من قنوة
(مترجمه و ترجمه)
عنه چنانکه بسوی
کدام نشان و علامت
خاص به تشریف می آید
و یکی که تشریف می آید که

الَّذِينَ هُمْ يَشْهَدُهُمْ قَائِمُونَ ٣٣ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ

آنانکه ایشان بخوابیده باشند می بینند و آنانکه ایشان بر نماز خود

يُحَافِظُونَ ٣٤ أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ٣٥ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا

می نگاه دارند که این جنان در بوستان های باستان گرامی گردانند پس چیست کافران را

قَبْلَكَ مُطِيعِينَ ١ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ٢ أَيُّطْمَعُ

پس توشتایان اند از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده آیا طمع می کند

كُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ٣ كَلَّا إِنْ تَخْلُقْنَاهُمْ

هر شئی از ایشان که در آورده شود بوستان نعمت کلا اگر شما ایشان را

يَعْلَمُونَ ٤ فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِ رَوَّعْنَا

میدانند پس قسم بخورم به پروردگار مشرق و مغرب ما که هرگز نمی توانیم

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٥ فَذَرْنَاهُمْ يَخُوضُوا

بر آنکه عوض از ایشان بهتر از ایشان شود و ما را باز نیست پس بگذار ما را تا فرود روند و بمانند

وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ٦ يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ

و بازی کنند تا آنکه بر خیزند یا خورز خود که وعده داده میشود ایشان را روزیکه بر آیند از

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِصُونَ ٧ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

قبور را شبان گو یا ایشان بسوی نشان میدوند خاشعانه بپایان آورده بپای ایشان

تَرَهُمْ ذُلٌّ ٨ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ٩

در آن روز ایشان را ذلت این همان روزی است که بایشان وعده داده میشود

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

پس ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او که بترسان قوم خود را پیش از آنکه بیاید بدیشان

عَذَابُ آلِيمٍ ١ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٍ ٢ أَنْ أَعْبُدُوا

عقوبت دزد دهنده گفت ای قوم من من برای شما ترساننده (اعلام کننده) آشکارا یا نیکو عبادت کنید

اللَّهُ وَالْقُوَّةَ وَاطِيعُونَ ٣ يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُوَخِّرْكُمْ

خدا را و بزرگواران من بپزداید گناهان شما و تاخیر دهد شما را

و یکی که تشریف می آید که بپزداید گناهان شما و تاخیر دهد شما را و یکی که تشریف می آید که بپزداید گناهان شما و تاخیر دهد شما را

فلما داین پنج بیت
 بودند ۱۱ فلما مترجم
 گویند در یک آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم نماز
 صبح بیرون میخواندند
 جماعه از جن آخر استماع
 کردند و ایمان آوردند
 خداوند تعالی از ایمان
 ایشان گفتگو
 ایشان با قوم خود
 درین سوره خبر داد تا
 قولوا انواستقاموا
 والله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 این اسمائے
 بتان ایشان است
 برای هر مطلبی بی شائبه
 بودند همان بتا بعد
 ازین در عرب رواج
 پیدا کرده و در هندستان
 هم بچند بتهاست
 بنفوس و برما
 اندر شو
 و نهان
 و غیره مشهور است
 حضرت شاه عبدالعزیز
 رحمه الله تحقیق مفضل
 آن را در تفسیر عزیزی
 کرده است در بعض
 روایات است که
 در از منافع چند
 مرد بزرگ بودند بعد از
 وفات ایشان قومی
 باغوا شیطان تصادف
 ایشان را بطور یادگار
 تراشیده نصب کردند
 آهسته آهسته پرستش
 آنها شروع شد
 العباد بالله الله علیه
 یک کافر ایمان زدند
 نگذاشتند این کس را
 آن نیست که باقی
 نگذاشته شود هر
 کس که باقی ماند از تجربه
 من میگوید که از لفظ
 او هم افراد بی حیا
 معاند میگویند و تا سپاس پیدا خواهند شد زیر آزار میگردانند بین ایشان
 شخصی موجود باشد علاوه بر آنکه عودش بر او راست نمی آید و میگردانند از آن راهم گمراه خواهد کرد ۱۳

وَمَكْرُؤًا مَكَرًا كَبِيرًا ۱۱ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا ۱۲
 و بدستگاه کردند ریسان بدستگاه عظیم و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و د
 و جیل کردند جیل بزرگ و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و در ا و
 اَرْسُوا عَاهَ ۱۳ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۱۴ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۱۵ وَلَا تَزِدِ
 سواران و یغوث و یعوق و نسر را و گفتند نوح هرگز (نیز) گمراه کردند بسیاری را و میفرمای
 الظَّالِمِينَ ۱۶ إِلَّا ضَلَالًا ۱۷ يَمَّا خَطْبَاهُمْ عَرْقٌ ۱۸ فَادْخُلُوا نَارًا ۱۹ فَلَمْ
 ستگار آنها مکر گمراهی بسبب گناهان خود عرق کرده شدند پس در آورده شدند در آتش پس
 يَجِدُ ۲۰ وَالْهَمَّ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ۲۱ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
 نیافتند برای خود معبودان غیر از خداوند را مددگار و گفت نوح ای پروردگار من نگذار بر
 الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۲۲ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ ۲۳
 زمین از کافران هیچ سالن شونده هرگز (نیز) تو اگر نگذاری ایشان را گمراه سازند بتان گمراه و
 زمین از کافران سالن شونده خایه (هرگز) تو اگر نگذاری ایشان را گمراه کنند بتان گمراه و
 لَا يَلِدُوا إِلَّا فِجْرًا كَفَّارًا ۲۴ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ
 نوزادند مگر بدکار تا سپاس دارا ای پروردگار من بپدرم زما و پدرو مادر مرا و هرگز کرد زما
 بَنِي مُؤْمِنًا ۲۵ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۲۶ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۲۷
 بخانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مده ستگار آنها مگر پلای
 در خانه من در حالیکه من باشد و جمیع مردان مؤمنین و زنان مؤمنین را و میفرمای ستگار آن را مگر پلای
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲۸ سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۹
 بنام خداوند بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت بارحم است
 قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا
 که بگوئی فرستاده شد بسوئے من که گوش نهادند جماعه از جن پس گفتند هرگز (نیز) ما شنیدیم قرآن
 بگوئی فرستاده شد بمن که شنیدند چند نفر از جن (قرآن را) پس گفتند (هرگز) ما شنیدیم قرآن
 عَجَبًا ۳۰ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَامْتَابُوا ۳۱ وَلَكِنْ شَرِكٌ بَرَبْنَا أَحَدًا ۳۲
 که دلالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم بان و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را
 که دلالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم به آن و هرگز شریک نسازیم به پروردگار خود کسی را
 وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۳۳ وَأَنَّهُ كَانَ
 و بیان کردند آن جنیان که بلندست بزرگی پروردگار ما بزرگتر است از من و فرزندان و آنکه آنرا
 (و تصدیق نمودیم باین) که بلند است شان پروردگار ما بزرگتر است از من و فرزندان و آنکه آنرا
 يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۳۴ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَّنْ نَقُولَ
 می کردیم جابل ما بر خدا دروغ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگوئیم
 نادان ما که می گفت بر خدا دروغ (و تصدیق کردیم) بر آنکه گمان کرده بودیم (گمان مایل) که
 الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۳۵ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ
 سب آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را و آنکه مردان بی آدم
 انسان و جن بر الله دروغی (و تصدیق شدیم) این که بودند مردانی از انسان

فل اشارت است
 بانکه در جالبیت چون
 بجای فرودی آمدگی
 گفتند خود بسید بن
 الوادی من سقیا تو
 فل یعنی بنیامین
 ۱۱ فل یعنی برائے
 شنین کلام ملائکه
 ۱۲ فل یعنی ازانی میشد
 و کلامی آمد و شریف
 محمد علی الله علیه وسلم
 تفسیر عثمانی
 ۱۳ پیش از نزول
 قرآن هم تمام جنیان
 بیک راه بودند برخی
 نیک و شایسته بودند
 و بسیاری بکار و با
 بنجار بین ایشان
 هم فرق بود جمیع با
 خواهد بود بعضی مشرک
 بعضی نصرانی جمعی یهودی
 و غیر ذلک و مثلا راه
 عمل هر یکی جدا خواهد
 بود حال قرآن نازل شد
 که اختلافات لغزات
 را محو کردن بخوابد لیکن
 اینگونه مردم کجا هستند
 که هر حق را قبول کرده
 بیک راه روان شوند
 چون چنین مردم پیدا
 نمی شود که تمامی حق را
 بپذیرند بنابر آن هنوز
 هم اختلافات باقی می
 ماند - علی مومن صلی
 را در حضور حضرت الهی
 بیخ انداخته نباشد
 نه خوف نقصان که
 نیکی و محنت او را بمان
 برود و نه ترس از بے
 انصافی که تبرا بر صفا
 دیگری برود و مثل الله
 شود انقض آن شخص
 از نقصان یافتن ذات
 در سوالی تا ناامون
 محفوظ است ۱۲

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا
 بزاده می گرفتند و فرودان پس زیاد کردند و رهنمایی را اول و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه
 از جن پس زیاد کردند که بسیار ایشان را سرگشتی و دو چندی بهین که جنیان گمان بردند چنانکه
 ظَنُّنَا أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۝ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا
 شما گمان کرده بودید که هرگز نه فرستد خدا هیچ کس را اول و آنکه ما دست رسانیدیم به آسمان پس یافتیم که آسمان
 شیار (الاشباه) گمان بردید که هرگز دوباره نزنند الله شکس را و (بیان کردند جنیان) آنکه ما رسیدیم به آسمان پس یافتیم آنرا
 مِلَّةً خَرَسًا شَدِيدًا وَشَهَابًا ۝ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ
 پر کرده شده است بهایسیانان محکم و بسیار بانه فرود آورنده و آنکه ما نشستیم پیش ازین بجایا برائے شنیدن و
 پر کرده شده بهایسیانان محکم و بسیار بانه فرود آورنده و آنکه ما نشستیم در نشستن گاه باز آسمان برای شنیدن (خبر آسمانی)
 فَسَنُيَسْمِعُكَ الْآنَ يَجِدُ لَهُ شَهَابًا رَّصَدًا ۝ وَأَنَّا لَنَبْذُرُ الْأَشْرَارَ
 پس هر که گوش بند محال بیاید برائے خود ستاره مهیاساخته و آنکه ما میندایم آسمان را
 پس اکنون سبک گوش بند بیاید برای خود ستاره های آتشین (زیاده تر نسبت بسابق) و آنکه ما میندایم آسمان را
 أَرِيدُ بِسَنٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادُ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَأَنَّا مَسَّا
 اراده کرده شد در حق آسمان که در زمین اند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خبر را و آنکه از ما
 خواسته شدی در حق آسمان که در زمین اند یا خواسته است در حق آنها پروردگار ایشان هدایت (خبر) را و آنکه بعضی از ما
 الصُّلْحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَائِفًا قَدْ دَأَّ ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن
 همه شاکر کاران اند و بعضی از ما سوائے اینست هستیم فرق بائی مختلف و آنکه ما دانستیم که
 نیکوکاران اند و بعضی از ما سوائے آن بودیم ما برادرهای مختلف است و آنکه ما دانستیم که
 لَنُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنُتَعْجِزَ هَرَبًا ۝ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا
 هرگز عاجز نخواهیم کرد خدا را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از جهت گریختن و آنکه ما چون شنیدیم
 هرگز عاجز نخواهیم کرد الله را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی گریختن و آنکه ما چون شنیدیم
 الْهُدَىٰ أَمَّا بِيَهُ ۝ فَسَنُيُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝
 هدایت را ایمان آوردیم به آن پس هر که ایمان آورد به پروردگار خویش پس او را ترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ سستی
 هدایت (قرآن) را ایمان آوردیم به آن پس هر که ایمان آورد به پروردگار خود پس نمی ترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ سستی
 وَأَنَّا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَائِسُونَ ۝ فَسَنُأَسْلَمُ فَأُولَئِكَ
 و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما قسسانند و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما قسسانند
 و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما قسسانند و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما قسسانند
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَأَمَّا الْقَائِسُونَ فَاكُوا الْجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَأَنَّا لَوْ
 قصد کردند راه راست را و اما قسسانان پس باشند بهر برای و درج بهر و (این هم از من) که اگر
 قصد کردند راه راست را و اما قسسانان پس باشند بهر برای و درج بهر و (این هم از من) که اگر
 اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا ۝ لَنَنْفِثَنَّهُمْ فِيهِ
 راست می استقامند بر راه راست البته می نوشانیم آب بسیار تا بیاورایم ایشان را دران
 بسیار تا بیاورایم ایشان را دران بسیار تا بیاورایم ایشان را دران بسیار تا بیاورایم ایشان را دران
 وَمَنْ يَعْزُضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنَّا لَمَسْنَا
 و هر که اعراض کند از ذکر پروردگار خود در آردش بجزای سخت و آنکه ما مسجدها
 و هر که اعراض کند از ذکر پروردگار خود در آردش بجزای سخت و آنکه ما مسجدها
 اللَّهُ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ
 مخصوص برائے خداست پس عبادت کنید با خدا هیچ یک را و آنکه چون ایستاد بنده خدا را که عبادت کند خدا را
 خاص برای ذکر خداست پس بر شش مکنید با الله هیچیک را و اینگونه چون برخواست بنده الله که عبادت کند الله را

والمعنى صرف مال
 كنيد در جهاد بتوجه ثواب
 آخرت و الله اعلم
 و مترجم گوید این
 آیت بعدیکال نازل
 شد و آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم در همین سوره
 لاحق کردند بجهت
 مناسبت و لهذا البس
 سوره را اسلوب نخی
 مانند الله اعلم ۱۲
 یعنی از حیثیت و قی ۱۲
 و معنی هدیه بردن
 بر ریشی تا کسی زیاده
 از قیمت هدیه رعایت
 کند از اخلاق را ذیل آیت
 ۱۲ تفسیر عثمانی
 ۱۳ اندازه جمع
 و کامل شب و روز
 تنهایی خداوند
 معلوم است و بیک
 اندازه خاص گاهی شب
 را از روز کوتاه تر و گاهی
 دراز تر و گاهی هر دو را
 برابر می سازد - برای
 بندگان در آن وقت
 خواب غفلت کفایت
 یا یک ثلث یا دو ثلث
 شب را بطور کامل
 حفاظت کردن خصوصاً
 هنگامیکه وسایل فتنه
 مانند ساق و غیره
 مهیا نباشد کما آسان
 نیست بنابر آن بعض
 صحابه تمام شب خواب
 نمی کردند کما در خواب
 روند و از بیداری یک
 ثلث شب محروم گردیدند
 بنابر آن الله تعالی
 بر رحمت خود از آسایش
 کرد و فرمود که شبانه
 باید نماز را بر سر رساند
 نمی توانید لهذا اسیر کرد
 که توفیق بیدار شدن
 و توفیق باشد هر قدر که
 خواهد قرآن بخواند و کون
 بر امت نه نماز بجز در مرض

عَلَيْكُمْ قَافِرٌ وَأَمَّا تَكُنَّ مِنَ الْقُرْآنِ عِلْمًا أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى

بر شما پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن دانست خدا که خواهد بود بعضی از شما بیماران
 بر شما اکنون بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن دانست الله که می باشد بعضی از شما مریضان

وَأَخْرُونَ يُصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يُبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ

و دیگران که سفر می کنند در زمین طلب روزی می نمایند از فضل خدا و دیگران که
 و دیگران صغری کنند در زمین طلب می کنند فضل خدا (روزی را) و دیگران

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَافِرٌ وَأَمَّا تَكُنَّ مِنَ الْقُرْآنِ عِلْمًا أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى

کارزار می کنند در راه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و
 جنگ می کنند در راه الله بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و

أَتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ

بدهید زکاة را و وام دهید خدا را وام دامن نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود خویشتن از
 داده باشید زکوة را و قرض دهید الله را قرض نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود کدام

خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

عمل نیک آنرا بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر با عتبار مرد و طلب آمرزش کنید از خدا
 نیکی می یابید آنرا نزد الله بهتر و بزرگتر از روی ثواب و آمرزش بخوانید از الله

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است بخفیه خدا آمرزگار مهربان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کَیْفَ قَدَرٌ ۱۹ ثُمَّ قَتَلَ کَیْفَ قَدَرٌ ۲۰ ثُمَّ نَظَرَ ۲۱ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۲۲ ثُمَّ

چگونه اندازه کرد باز در لغت باو برد چگونه اندازه کرد باز در نظر کرد باز دروی ترش کرد و پیشانی در هم کشید باز چگونه اندازه کرد باز گشت شود چگونه اندازه کرد پس نظر کرد باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید باز

أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۲۳ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُوشِرُ ۲۴ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ

پشت گردانید و بکمر کرد پس گفت نیست قرآن مگر جادوئی است که نقل کرده میشود از ساحران نقل کرده نیست این قرآن مگر کلام پشت گردانید و بکمر کرد پس گفت نیست این قرآن مگر جادوئی است که نقل کرده میشود از ساحران نیست این قرآن مگر کلام

الْبَشَرِ ۲۵ سَأَصْلِيهِ سَفَرٌ ۲۶ وَمَا آدُرُّ بِكَ فَاسْفَرْ ۲۷ لَا تَبْقَىٰ وَلَا تَذَرُ ۲۸

آدمی خواهم در آورد و در باره بدوزخ و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست دوزخ باقی نمی گذارد و ترک نمی کند بشعره زود است که بید از کم او را در آتش و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آتش باقی نمی ماند چیزی را و می گذارد و عه

لَوَاحِئَ النَّبَرِ ۲۹ عَلَيْهِمَا تِسْعَةُ عَشْرَ ۳۰ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

سوزنده است آدمیان ترا بر دوزخ مؤهل اند و زده کس را و در ساخته ایم شمار ایشانرا مگر بلا در حق فرستگان و بگردانیده ایم شمار ایشانرا مگر آزمائش در حق کافران تا یقین کنند

مَلَائِكَةٍ ۳۱ وَمَا جَعَلْنَا عَدُوَّ الْأَفْتِنَةِ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِلَّا يَسْتَفْتِيهِمُ الَّذِينَ

فرستگان را و بگردانیده ایم شمار ایشانرا مگر آزمائش در حق کافران تا یقین کنند اهل کتاب و تازیانه شوند مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل

أَوْثَرُوا الْكُتُبَ وَيَزِيدُ الَّذِينَ آمَنُوا إِيْمَانًا وَلَا يَرْتَابُ الَّذِينَ آمَنُوا

اهل کتاب و تازیانه کردند مومنان در ایمان خود و تازیانه فریب نیفتد اهل کتاب و مسلمانان و تازیانه کردند کفار در دل ایشان ایمان نیست و کافران کتاب و مسلمانان و تازیانه کردند کفار در دل ایشان مرض است و کافران

مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا امْتَلَا ۳۲ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَتَهْدِي

چه چیز اراده کرده است خدا باین داستان هم چنین گمراه می کند خدا هر که خواهد و راه می نماید آنچه چیز اراده کرده است الله باین مثل (عدد ملائک) هم چنین گمراه می کند الله هر که خواهد و راه می نماید

مَنْ يَشَاءُ ۳۳ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۳۴ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ۳۵

هر که خواهد و نداند لشکر پروردگار ترا مگر او تبارک و تعالی و نیست این مگر پند برای بنی آدم و کلام هر که خواهد و نمیداند لشکر برای پروردگار ترا مگر او و نیست آن مگر پند برای مردم

كَلَّا وَالْقُرْآنِ وَالْإِنجِيلِ ۳۶ وَإِذَا دَبَّرَ ۳۷ وَالصَّبْحِ إِذَا اسْفَرَّ ۳۸ أَنَّهُمَا أَحَدُ الْكَبَرِ ۳۹

نه قسم به ماه و شب چون پشت برگرداند قسم به صبح چون رو روشن شود و هر آینه دوزخ که از پیش پاهای بزرگ است حق قسم است به ماه و شب چون بلند و قسم به صبح چون روشن شود (هر آینه) دوزخ را از چیزهای بزرگ است

نَذِيرٌ لِلْبَشَرِ ۴۰ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۴۱ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

ترساننده برای آدم را از ترساننده است برای هر که خواهد از شما که پیش شود یا باز پس ماند هر نفس با آنچه در حالیکه ترساننده است انسان را برای هر که خواهد از شما که پیش شود یا پس ماند هر نفس با آنچه

كَسَبَتْ رَهِيْنَةً ۴۲ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ۴۳ فِي جَنَّةٍ يَتَسَاءَلُونَ ۴۴ مَن

کرد در گرد دست مگر اهل سعادت در پوستانها باشند سوال کنند از کرده است گرد دست مگر اصحاب دست راست (ایشان) در پوستانهای پسران از یک دیگر از

الْمُجْرِمِينَ ۴۵ مَا سَأَلْتُمْ فِي سُقْرِ ۴۶ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ۴۷ وَلَمْ نَكُ

گناهکاران چه چیز در آورد شمارا در دوزخ گویند نه بودیم از نماز گزارندگان و ندادیم اعمال مجرمان (می گویند برای عباد چه چیز در آورد شمارا در دوزخ گویند نه بودیم از نماز گزارندگان و نبودیم

فل من مرم گویید این
تقصیر است حال کافر
را که خداوند تعالی
او را نعمت ها داده باشد
و او مصر باشد بر کفر
و قنص و قسرم آذین
و انکسیر تقصیر حال
تاویل و غیر دوست و الله
اعلم ۱۲ اول مرتجع
گوید این آیت اشارت
ست بر دوشه تقصیر
عده تسعة عشر و آخر
صلی الله علیه وسلم آنرا
در همین سوره لاحق فرموده
بجهت مناسبت لهذا
بما ترسموه می ماند در
اصول و الله اعلم ۱۱
تفسیر عثمانی مع
روی خود در آتش کرده
محفل نگه داشت تا بپزد
بغیرند که آواز قرآن می شنیدند
و انقباض زیادی دارد
سپس پشت خود را
گردانده و باو بایک کلام
چیز نهایت نفرت انگیز
به بیان آغاز می کنند
حال که قبلاً بجهت مناسبت
آن آیه آورده بود و آن
اسم برای خوشنودی قوم
خود از ان برگشت
۱۵ با اکثر شریک عالم غفور
و تبارک و تعالی کرد این
چیزی نیست مگر جادو
است که از پیشانیان
نقل شده آمده است
و این یعنی کلام آن
است که در لباس
نیک جادو و ظهور رسیده
۱۶ پدر را از پسر شوهر
را از زن دوست
۱۷ را از دوست جدا
۱۸ می سازد - عه
۱۹ آتش و بویک عضو
۲۰ و دوزخ را باقی
خواهد ماند که از سوختن
محفوظ اند از نبرد از

سوزاندن بران حال هم خواهد گذشت یکد دوباره بحالت اصلی برگردانیده میشوند و در آتش خواست سوختن همین سلسله الابد جاری می ماند و معیار باشد

فصل یعنی گویند باید
که کتاب بر هر یک نازل
شود ۱۲ است که آدمی
الیه میباید خواست
فصل یعنی آدمی است
که مثل صدق جاریه
و علم با ۱۲ است مرتبه
نیز چون بر تریل پیش
آنحضرت مسلم و می آید
آنحضرت مسلم و بخدا
را اتمام تمام فرمود
و هم حضور جبرئیل قبل
انقضای و می تبارک
تا از خاطر مبارک نرود
خدا تعالی باین معنی باشد
فرمود ۱۲ -

تفسیر عثمان
عنه حق
خدا را شایسته
و نه خبر
بنده گان خدا را از حق
الیه تقدیر مردمان دیگر
بر تقدیر ما بهتر است
کردیم در صحبت پدر
نموده در شکوک و شبهات
عزیز شده و رقیم و بزرگ
ترین و دریم ترین سخن
ایک گاه بی یقین میماند
که روز انصاف بهم آید
است این چیز را دانای
تکذیب می کردیم تا اینکه
ساعت موت در دید
و چشم سر دیده به آن
مستغنی که تکذیب می
کردیم یقین حاصل
شد عه این
درخواست بای میبود
شان هم برای این
نیست که اگر هم چنین
بعی آورده شود و افترا
قبول خواهند کرد بلکه
سبب حقیقی آن این
است که این مردمان
عذاب نمی ترسند - و
منظورشان طلب
حق نیست و این
درخواست با محض از روی تعنت است اگر فرض این درخواست بای شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد که... و لو تزلزل علیک کنا بانی قراطس لیسو باید بهم تعلیم الدین کفر و...

نُطْعِمُ السَّكِينِ (۱۳) وَ كُنَّا نَحْوُ ضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۱۴) وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِیَوْمِ
غلام فقیر را و با کارورده آمدیم باور آینه گان و دروغ میسر و دیم روز
که طعام میدادیم محتاج را و بودیم که فرد میرسیم (در باطل) با فرد فنگان و بودیم که تکذیب می کردیم روز

الدِّینِ (۱۵) حَتَّى أَتَيْنَا الْيَقِينَ (۱۶) فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۱۷) فَمَا
جزا را تا آنکه رسید به امرک من پس بودند ایش از شفاعت شفاعت کنندگان پس بصیت
جزا را تا آنکه رسید به امرک من پس بودند ایش از شفاعت شفاعت کنندگان پس بصیت

لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرِ مُعْرِضِينَ (۱۸) كَانَتْهُمْ حُجْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (۱۹) فَفَرَّتْ مِنْ
ایشان از التذکره گردان شده گویا ایشان خزان رم کرده اند که گریخته باشند از
ایشان از التذکره گردان شده گویا ایشان خزان رم کرده اند که گریخته باشند از

قَسُورَةٍ (۲۰) بَلْ يَرِيْدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ اَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةٌ (۲۱) كَلَّا بَلْ
شجره بلکه میخواهد هر شخصی از ایشان که داده شود نامه بانی نشاده و لایق بلکه
شجره بلکه میخواهد هر شخصی از ایشان که داده شود در قلمای سرگشته نه چنین است بلکه

لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۲۲) كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (۲۳) فَمِنْ شَاءِ ذَكَرَهُ (۲۴) وَ مَا
نمی ترسند از آخرت نای بر آینه قرآن پندست پس هر که خواهد بخواند آنرا و یا
نمی ترسند از آخرت عه نه چنین است (بر آینه) قرآن پندست پس هر که خواهد که پند گیرد یا کند آنرا و

يَذْكُرُونَ إِلَّا اِنْ يَشَاءَ اللّٰهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوٰی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۲۵)
یاد نمی کنند پندگان مگر و قتیله خواسته باشد خدا دوست سزاوار آنکه از دوسه برسد و دوست سزاوار آنکه بیاورد
یاد نمی کنند مگر و قتیله خواسته باشد خدا دوست سزاوار آنکه از روی برسد و دوست سزاوار آنکه بیاورد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بسم الله الرحمن الرحیم

لَا اَقِیْمُ یَوْمَ الْقِیْمَةِ (۱) وَلَا اَقِیْمُ بِالنَّفْسِ التَّوَّامَةِ (۲) اَبَحْسَبُ
قسم بخورم بر روز قیامت و قسم بخورم به نفس طاعت کننده و آیای پندارد
قسم بخورم بر روز قیامت و قسم بخورم به نفس طاعت کننده بریدی آیای پندارد

اَلْاِنْسَانُ اَلنَّجْمِ عِظَامُهُ (۳) بَلْ قَادِرِیْنَ عَلٰی اَنْ یَّسْوِیَ بَنَانَهُ (۴) بَلْ
آدمی که نفع نیکم استخوانهای او را آری می نیم توانا شده بر آنکه هموار کند سر انگشت بانی او را بلکه
انسان که نفع بخورم کرد استخوان های او را بلکه (جمع می نهم) در حالیکه توانایم بر اینکه درست کنیم سر انگشتان او را بلکه

یَرِیْدُ الْاِنْسَانُ لَیْفَجِرَ اَمَامَهُ (۵) یَسْئَلُ اَیَّانَ یَوْمِ الْقِیْمَةِ (۶) فَاِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)
میخواهد آدمی که مصیبت کند در زمانیکه پیش روی و دست و پا برسد که خواهد بود روز قیامت پس و قتیله شیره شود چشم
میخواهد انسان که بپوشد حیاتی (مصیبت) کند پیش روی خود لونی در زمان حال و آینه می پرورد که خواهد بود روز قیامت پس خیره شود چشم

وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَ جَمَعَ الشَّاهِسُ الْقَمَرُ (۹) یَقُولُ الْاِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ اَیْنَ
و خیره گردد ماه و بجماع کرده شود آفتاب و ماه بخوبی آدمی آنروز که نجاست
و خیره گردد ماه و جمیع کرده شود آفتاب و ماه گردد انسان آنروز که نجاست جائز

الْمَقَرُّ (۱۰) كَلَّا لَا وَرَیْطَ لَی رَیْطَ یَوْمَئِذٍ اَلِیْسَتْ یَوْمَئِذٍ اَلِیْسَتْ (۱۱) یَبْیَنُ الْاِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ
که روز گاه نای نیست ای که پناه بسوخته پروردگار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز
که روز چنین نیست نیست یکه پناه خاص بسوی (مشیت) پروردگار است آنروز قرار گاه خبر داده شود انسان را در آن روز

یَسْأَلُ مَرَّ اٰخِرٍ (۱۲) بَلِ الْاِنْسَانُ عَلٰی نَفْسِهِ بَصِیْرٌ (۱۳) وَ لَوْ اَلَقَ مَعَاذِیْرَهُ (۱۴)
حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود پس گزاشته و بلکه هست آدمی بر آنکه الزام خود بخشد اگر چه در میان آرد عذرهای خود را و
پس آنچه پیش فرستاده و پس گذارشته بلکه انسان بر نفس خود حجت (بیانی) است اگر چه پیش کند عذرهای خود را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بسم الله الرحمن الرحیم

لَا اَقِیْمُ یَوْمَ الْقِیْمَةِ (۱) وَلَا اَقِیْمُ بِالنَّفْسِ التَّوَّامَةِ (۲) اَبَحْسَبُ
قسم بخورم بر روز قیامت و قسم بخورم به نفس طاعت کننده و آیای پندارد
قسم بخورم بر روز قیامت و قسم بخورم به نفس طاعت کننده بریدی آیای پندارد

اَلْاِنْسَانُ اَلنَّجْمِ عِظَامُهُ (۳) بَلْ قَادِرِیْنَ عَلٰی اَنْ یَّسْوِیَ بَنَانَهُ (۴) بَلْ
آدمی که نفع نیکم استخوانهای او را آری می نیم توانا شده بر آنکه هموار کند سر انگشت بانی او را بلکه
انسان که نفع بخورم کرد استخوان های او را بلکه (جمع می نهم) در حالیکه توانایم بر اینکه درست کنیم سر انگشتان او را بلکه

یَرِیْدُ الْاِنْسَانُ لَیْفَجِرَ اَمَامَهُ (۵) یَسْئَلُ اَیَّانَ یَوْمِ الْقِیْمَةِ (۶) فَاِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)
میخواهد آدمی که مصیبت کند در زمانیکه پیش روی و دست و پا برسد که خواهد بود روز قیامت پس و قتیله شیره شود چشم
میخواهد انسان که بپوشد حیاتی (مصیبت) کند پیش روی خود لونی در زمان حال و آینه می پرورد که خواهد بود روز قیامت پس خیره شود چشم

وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَ جَمَعَ الشَّاهِسُ الْقَمَرُ (۹) یَقُولُ الْاِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ اَیْنَ
و خیره گردد ماه و بجماع کرده شود آفتاب و ماه بخوبی آدمی آنروز که نجاست
و خیره گردد ماه و جمیع کرده شود آفتاب و ماه گردد انسان آنروز که نجاست جائز

عنه منكرين قيامت
ی بنده استند که دنیا
باین کلماتی کجا فتنه میشود
کدام کس یاوری کند
کردنی خواهد آمد که آدمیان
همواره باشند و بیانی
از نانی باقی نماند و این
دورخ نهید ایت عذاب
همه مختار بود و جلی
معلوم میشود باین فرمود
جواب آنها داده شده
که بقی چندین مردم بود
و چندین قوم بجز اے
گناهار بود و تبارک و تعالی
اند پس در عقاب
آنها هم این سلسله
موت و ولایت بهم جاری
است - آنکه و کرامات
قدیم مانست به همچنان
معلوم شد بدانی که
کفار عصر حاضر را هم
بدنای پیشینیان خوانیم
فرستادنی که در ازمنه
مختلف مردان تو من
و نیز و فتنه افشا و مجربین
قوی را پاک کرده و متولد
برین امر چگونه قادر
نیست که همه مخلوق
را یکدم نیست
و نابود کند و تمام
مجرمان را بیک
وقت مرده عذاب
بخشاند بعد در
زمین بچو کوه با چرخ سخت
و سنگین را از زیر کاز
های خود بیخ جیش می
کنند و در همین زمین
چشمهای آب را که از
سبب نرم و سیال
بودن دایم روان می
باشند و آشناسانده
به بسیار آسانی
سیراب میشود
پس خدا نیک
درین زمین حقیر فرمود
های متضاد قدرت
خود و مناظر موت و حیات

الْآخِرِينَ ۱۴ كَذَلِكَ تَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۱۵ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۱۶ اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ

و اینها را هم چنین می کنیم با گناهکاران و ای دران روز برای تکذیب کنندگان آیانها فرماید ایم

مَنْ قَدْ هَمَّ بِهَا ۱۷ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ۱۸ اِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۱۹ فَقَدْ نَأَىٰ فَتَنَعُمْ

از آب محقر پس نهادیم آن آب را در جای مضبوط تا اندازه معین پس اندازه کردیم پس نیکو از آب بی قدر پس نهادیم آنرا در قرارگاه استوار تا مدت مقرر باز پوره کرده و اشیاء آنرا پس نیکو

الْقَادِرُونَ ۲۰ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۱ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۲۲ اَحْيَاءُ

اندازه کنند گایم ما و اے آنروز دروغ شمارندگان را آیانها سازیم زمین را می کنند آدمیان جمع کنند زندگان را توانایان را و ای دران روز برای تکذیب کنندگان آیانها کنیم زمین را جمع کنند زندگان

وَأَمْوَانًا ۲۳ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيًا شَجَرًا ۲۴ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً ۲۵ وَبَلَّغْنَاهُمْ يَوْمَئِذٍ

دردگان را و آفریدیم در زمین کوهها بلند و نوشتیم بر زمین شمارا آب شیرین فرو راننده تشنگی عده دای دران روز

لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۶ اِنَّا نَطْلُقُكَ اِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ۲۷ اِنَّا نَطْلُقُكَ اِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثُلُثٍ

دورخ شمارندگان گفته شود بر دید بسوئ چیزی را که آنرا دورخ می شود و گفته شود بر دید بسوئ سایه صاحب سر برائے تکذیب کنندگان گفته شود برای ایشان ایروید بسوئ چیزی که شماران تکذیب می کردید بر دید بسوئ سایه که

شَعْبٍ لَا ظِلِّيلٌ وَلَا يَغْنِي مِنَ الْهَرَبِ ۲۸ اِنَّا نَطْلُقُكَ اِلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ ۲۹ وَجَعَلْنَا

شعبه نه سایه سر و پا باشد و نه کفایت کند از گری آتش هر آینه آن آتش می افکند شربا باشد کوشک گویان شربا باشد زمین زندگست

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۰ هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ۳۱ وَلَا يُؤْذِنُ لَهُمْ فَيَعْتَدُونَ ۳۲ وَيْلٌ

و اے آن روز دروغ شمارندگان را این روز روز نیست که سخن گویند و روز مستوری داده شود ایشان را تا قدر لغیر نمایند و اے دای دران روز برای تکذیب کنندگان این روز نیست که سخن گویند و اجازه داده شود ایشان را در غفلت و این

يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۳ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۳۴ جَمَعْنَاهُمْ وَاَوَّلِينَ ۳۵ فَاَن كَانَ لَكُمْ

آنروز دورخ شمارندگان را این روز روز فصل کردن است جمع کردیم شمارا با پیشینیان پس اگر شمارا دران روز برای تکذیب کنندگان این روز فصل است جمع کردیم شمارا و پیشینیان را پس اگر هست شمارا

كَيْدٌ فَكَيْدُونَ ۳۶ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۷ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَ

حیلست بد سگالی کنند و در حق من و اے آنروز دورخ شمارندگان را هر آینه متقین در سایه باشند و مگر بی بس مکر کنند با من و ای دران روز برای تکذیب کنندگان هر آینه متقین باشند در سایه و

عِيُونَ ۳۸ وَفَوَكَهٍ يَّتَابَعُوهُنَّ كَمَا وَاْتَتْهُنَّ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۳۹ اِنَّا

در چشمها و در میوهها از پی کدورت کنند بگویم بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گوارا بسبب آنچه می کردید هر آینه ما در کنار نهرها و میوهها از آنچه آرد می کنند گفته شود برای شان حور و باید و نوشید و باید خوردن و نوشیدن گوارا بگویم آنچه می کردید هر آینه ما

كَذَلِكَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۴۰ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۱ كَلُوا وَتَسْتَعْمِلُوا

همچنین جزای دایم نیکوکاران را و اے آنروز دورخ شمارندگان را اے دورخ شمارندگان بخورید و بنوشید و هر آینه ما

فَلْيَلَا اِنَّكُمْ مَّجْرُمُونَ ۴۲ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۳ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ اَرْكِعُوا

اندکس هر آینه شمارندگان را و اے آنروز دورخ شمارندگان را و ای دران روز برای تکذیب کنندگان و چون گفته شود بایستادن که خم شوید (به پیش خدا) و ای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بکدام سخن بعد از قرآن ایشان خواستند آورد

لَا يَرْكِعُونَ ۴۴ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۵ فَاَيَّ حَالٍ يَتَّبِعُ الْيَوْمَئِذٍ

نارنجی گذارند و اے آنروز دورخ شمارندگان را پس بکدام سخن بعد از قرآن ایشان خواستند آورد و ای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بکدام سخن بعد از قرآن ایشان خواستند آورد

سورة النبأ مكي آية أربعون يتوقفها ربوعان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا می بخشایند به نام خداوند مهربان به نهایت بارحم است

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۱ عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ ۲

از چه چیز کاخران بایکدیگر سوال می کنند آری سوال می کنند از خبری بزرگ از چه می پرسند مردم از یکدیگر عه از خبری بزرگ می پرسند

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۳ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۵

که ایشان در آن خلقت دارند و ک ل آن ها خواهند دانست هرگز نمی دانند خواهند دانست پس هرگز نمی دانند خواهند دانست

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ۶ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۷ وَخَلَقْنَاهُ أَزْوَاجًا ۸

آیا نخواستیم زمین را فرشی و کوه ها را میخها و آخریدیم شمارا نژاده آید نخواستیم زمین را فرش و کوه ها را میخها و آخریدیم شمارا جفت جفت

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۹ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۱۰ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۱۱ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۱۲ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ۱۳

و ما خیم خواب شمارا راحتی و ما خیم شب را پرده و ما خیم روز را و گردانیدیم خواب شمارا برای رنج سختی و گردانیدیم شب را پوشش و گردانیدیم روز را

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۱۴ لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۱۵

و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان تا بر آیدیم بسبب آن آب دانه و گیاه را و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان تا بر آیدیم بواسطه آن دانه و گیاه و

جَنَّاتٍ أَلْفَافًا ۱۶ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۱۷ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ ۱۸ وَنُفِثَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۱۹

بوستانها هم پیچیده را هر آینه روز فیصل کردن هست و وقت معین روز یکدمیده شود در باطنی در هم پیچیده عه بیشک روز فیصل و نفی است مقرر روز یکدمیده شود در

وَالصُّورُ فُتَاتُونَ ۲۰ أَفْوَاجًا ۲۱ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۲۲

صور پس بیایند گروه کرده کرده شد و شکافته شود آسمان پس باشد دروازه دروازه و صور پس می آید فوج فوج و شکافته شود آسمان پس باشد دروازه دروازه و

سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۲۳ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۲۴

روان کرده آید کوه ها را پس باشند مان سراب هر آینه دوزخ است انتظار کننده روان کرده شود کوه ها را پس گردند سراب بیشک دوزخ در محلی است

لِّلطَّغْيَانِ مَأبًا ۲۵ لِّبَثِّينَ فِيهَا أَحْقَابًا ۲۶ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ

سرکش ترا هست مرغ ایشان نژاد آید بدوزخ اقامت کنندگان در آنجا مدت بایستی در آنجا بختی را و سرکشان را درگاه درنگ کنندگان در آن قرنهای بی نهایت نه چشند در آن سردی را و

لَا تَشْرَبُونَ ۲۷ لَا أَحْيَاءٌ وَغَسَاقَةٌ ۲۸ جَزَاءُ لِّمَا كَانُوا لَا يَرْجُونَ ۲۹

نهی آشامیدنی را مگر آب گرم و زرداب را جزا داده شد جزا مواجی را هر آینه ایشان توقع نمیداشتند از نوشیدنی را مگر آب گرم و زرداب پاداش کامل (مواجی کردار) بیشک ایشان بودند که توقع نداشتند

وَجَزَاءُ لِّمَا كَانُوا لَا يَرْجُونَ ۳۰

و جزا داده شد جزا مواجی را هر آینه ایشان توقع نمیداشتند از نوشیدنی را مگر آب گرم و زرداب پاداش کامل (مواجی کردار) بیشک ایشان بودند که توقع نداشتند

مل مراد بعثت و قیامت
سبت ۱۲ و بیانی آن
۱۲- تفسیر عثمانی
عنه یعنی مردم در تحقیق
و بجای کدام مسئله
مشول اند و آیا این
استعداد
را دارند
النبأ
و بجای خویش آن
امر را بدانند و هرگز نمی
یا مطلب این است
که کلام را استوار
اولاد را از هم و دیگران
حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله
مؤمنان می پرسند که
قیامت چه وقت می
آید و سبب تشرش
چیست و در همین
ساعت چرا نمی رسد
میدانید که اینها از چه
واقعه ای هستند و از آن
بزرگی می پرسند که بزرگ
علمشان به آن میرسد
و تحقیق نظر بولانش
را بچشم سر مشاهده کنند
عنه یعنی باغهای انبوه
در سبزه باغی که در آن
درخت باو آنهاست
موانع آن آفریده ایم -
(تثبیت) تا اینجا بهر حال
قدرت خویش را بیان
فرموده و ازین به بعد
احوال قیامت را آشکارا
میکند و آنکه خدا اینک
دارای چنین حکمت و
اقتدار باشد و مخلوقات
را از علم بوجود آورده
آیا باز دیگر ندانند و اینها
و میدانند که خداوند
برای بخش اعمال بزرگ
چه اشکال خواهد داشت
زیرا حکمت یا انوارش
تقاضای آن دارد که

و بعد از شب روزی آید که بنشیند از دنیا آخرت است ۱۲

چون یک کارخانه بزرگ مهبل و بی تیو گذارنده شود لایق برای این مریاتات مسلسل و طولی دنیا یک تیو همان و انجام روشنی لازم است که آنرا آخرت می نامیم طریکی پس از خواب بیدار

۴۹ مخفی دارند و این جادو عادت بهمان معانی می باشد که نزد مردم است و این است که بعضی از کلمات را در قرآن می بینیم که در لغت نیست و بعضی از کلمات را در لغت می بینیم که در قرآن نیست و اینها را باید که از معنی لغوی خارج کرد و به معنی قرآنی گرفت و بعضی از کلمات را در قرآن می بینیم که در لغت نیست و بعضی از کلمات را در لغت می بینیم که در قرآن نیست و اینها را باید که از معنی لغوی خارج کرد و به معنی قرآنی گرفت

حَسَابًا ۱ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ۲ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۳

حساب را و تکذیب می کردند آیات ما را دروغ و افشن و هر چیز را ضبط کردیم بطریق نوشتن

فَذُرُوا الَّذِينَ ثَبَرْنَا الْأَعْدَاءَ لَهُمْ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

پس بگذارید پس از آنکه دشمنان را که برای شما دشمنان قرار داده ایم و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و در میان انکار باشد و زنان و عزیزان و بیگانه ها و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

لَعَاوًا ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

وَأَعْمَاءَ ۱ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۲ وَكَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا ۳

و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند و دشمنان شما هستند

عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝۱۰۰ إِذَا الْكَافِرُ عَظَّمَ نَجْرَهُ ۝۱۰۱ قَالُوا

آیا با بانه گردانیده شود تم سحالت
آیا با بر خوانیم گفت به قدم بائے خویش

تلك إذا كثرة خائفة (١٢) فليتها هي زجرة واحدة (١٣) فإذا هم

آن راجع آنگاه رجوع زایل و منتهی باشد پس جز این نیست که آن واقعه یک آواز
بین بازگشتی است زمان آدرعه پس تحقیق آن یک آواز شدید است
پس نامهای ایشان
پس نامهای ایشان

بِالسَّاهِرَةِ ۖ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۖ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ

بر روی زمین آمده باشند آیا آمده است پیش فخر موسی ^{علیه السلام}
 بر میدان باشند عصبه آیا آمد ترا قصه موسی و قتیله آواز دادش رب باد در میدان ^{بودی}
 آواز دادش پروردگار داد بودی

المقدس طوى ١٢ اذهب الى فرعون انه طغى ١٣ فقل هل

یال طوی نام
برو بیوی فرعون
برو آئینه
از خدا گرفته است پس بگویند
آل که نامش طوی است
فرعون
برو آئینه از سرتابی کرده
پس بگویند

لَكَ إِلَى أَنْ تَرْكَبَهُ ۖ (١٨) وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْتَبِرَهُ ۖ فَاسْرِعْ

پس بنمود بطریق
پس بنمودش

الاية الكبرى (٢٠) فكتب وعص (٢١) ثم ادبر يسع (٢٢) وحشر

پس دروغ داشتند از او ای کرد پس ازان مجلس بار نشست تدبیر کنان پس جمع کردند و
پس تلمذ یب کرد و تا فراموشی نمود پس پشت گردانید و به حقه افتاد پس گرد آورد همه را

فنادى فقال انار بكم الاعلى ^{١٠} فاخذ الله نكال الاخرة و

پس اگر تار کرد اورا خدا لعنت کند پس ببردگار بلند تر شما پس اگر قتل الله لعنت کند پس ببردگار بلند تر شما لعنت کند پس ببردگار بلند تر شما لعنت کند پس ببردگار بلند تر شما

اولی قرآن فی ذلک لعبرة لمن یخشى ﴿١٧﴾ ؕ انتم انشأ خلقا

هر آینه در این (بند) جای وقت است مگر کسی را که می تواند آید آفریدن شهادت و اقرار است

وَالسَّمَاءُ بَيْنَهُمَا ① رَفَعَ سُبُلَهَا سُبُوًى ② وَأَعطَش لِبَنِيهَا وَأَخْرَجَ

آسمان بنا نموده آن را برافراشت بلندی آن را پس راست گردان را و تاریکی کرد شب آنرا آشکار نمود

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ رَحِيماً ۖ ﴿٧٢﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا

روزان را درین راه بگذرانید تا آنکه به آب رسید و بعد از آن که در آنجا رسید

وَالْعِبَالِ أَرْسَهَا ⑤ مَتَاعًا لَّهُمْ وَلَا تَعْلَمُ ⑥ فَاذًا

ف آں را د کوہ باردا استوار ساخت برای کار سازی شفا و چهار پایان شما پس وقتیکہ

عزت الطاهره الكبرى ۵. يوم يتذكر الانسان ما سعى ۹. وبرزت
يايد قيامت روزيك ياد كنند آدمي آنچه عمل كرده بود و ظاهر كرده خود

روزیکه بیاد آرد انسان آنچه سعی کرده بود و ظاهر آورده شود

بحجیم کین یری (۱۰) و اما من طبع (۱۱) و اسرار الحیوة الدنیا (۱۲) قرآن
رع برائے ہرکے دیدن خواہد نواب باعتبار تحقیق کردہ اس سیکر از مذکور شدہ باشد و ہرگز بدہ باشد و مذکور گاہی از ہر جملہ اسرار ہرگز

رج بماند که دیدش خوابد پس هرگز سرش نکرده باشد و اختیار کرده باشد زندگانی دنیا را پس بیشک

۱. فیضی و عمامه و یار
 ۲. بیضا ۱۲۰۰۰ شریح
 ۳. گزیده معنی بهیور اگر دهن
 ۴. معین است که سبزه یار
 ۵. تفسیر عثمانی
 ۶. عیسیٰ آیت الله علیه
 ۷. تدم یا با خود بفرق کند
 ۸. بزرگ دانه و دوا هم
 ۹. شد با ما مرد کرده ن
 ۱۰. تو انیم که در استخوان
 ۱۱. بای و سیه باز جان
 ۱۲. دمیده شود و اگر چنین
 ۱۳. شد برانے اخاره
 ۱۴. بزرگ میرسد زیر اما
 ۱۵. برای زندگ ثانی بیج
 ۱۶. حقیقه عالم این را به
 ۱۷. قشقرق گفتند که این
 ۱۸. چیز با حقیقه ما ما
 ۱۹. است حال آنکه بعد از
 ۲۰. مردن زنده شدن
 ۲۱. امکان ندارد و خساره
 ۲۲. و زمین حقیقت داشته
 ۲۳. باشد معنی این
 ۲۴. امر فطرح و دشواری
 ۲۵. آید اما نزد قدرت
 ۲۶. الهی کار یک چشم
 ۲۷. برهم زدن است که
 ۲۸. چون یک آواز مهیب
 ۲۹. بظهور آید یعنی صور میزد
 ۳۰. شود بمید رنگ مردگان
 ۳۱. اولین و آخرین در
 ۳۲. میدان حشر گرد آیند
 ۳۳. بعد ازین بیانات برآ
 ۳۴. عبرت منکران و اقبه
 ۳۵. کو حک ترین سرزنشی
 ۳۶. که بشی از مترجم خود
 ۳۷. دنیا یعنی فزون داد
 ۳۸. شده است تذکار
 ۳۹. می یابد و عبارت
 ۴۰. دیگر منکران را تنبیه
 ۴۱. نماید ازنده که عاقبت
 ۴۲. سانی که از حق انکار
 ۴۳. آورده بود ندم شد
 ۴۴. معنی این قصه
 ۴۵. است سخن بفرستی است

بفرستاد که در دل ایشان ترس خدا بوده و در نکات این فکر باید توجه موسی علیه السلام و فرعون و این بطور ضمنی بود اکنون باز بهضمون اصلی (قیامت) رجوع میفرماید ملا

شَاءَ أَشْرَكَ ۚ كَلَّا لَمْ يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۖ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ

خواست زنده ساختن منی بعل بنیاد آنچه فرمودش خوا بزند اش گرداند فی بعل بنیاد آنچه فرمودش

طَعَامِهِ ۚ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۚ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۚ

طعام خود بسوئے آنکه مار بختیم آب را ریختنی باز شکافیم زمین را شکافنی

فَأَثْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۚ وَعَبَادًا وَقَضْبًا ۚ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۚ وَحَدَائِقَ

پس رویا میسازیم در آن زمین دانه را و عباد و سبزه و درختان خرما را و باغها را

غُلًّا ۚ وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۚ لَّا مَتَاعًا لَّكُمْ وَلَا نِعَامُكُمْ ۚ فَاذْجَأَتِ

گردختان بسیار دارد و میوه را و علف دواب را برای منفعت شما و چهار پایان شما

الصَّاحِبَةُ ۚ يَوْمَ يَغْزِي السَّيْرُ مِنَ أَخِيهِ ۚ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۚ وَ

آواز گشت روزی که بگریزد و مرد از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود و

صَاحِبَتُهُ وَبَنِيهِ ۚ لِكُلِّ أُمَرَىٰ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَانٌ يُغْنِيهِ ۚ

از زن خود و فرزندان خود هر مردی را از ایشان آرزو میگرداند که از هر مردی دیگران

وَجَوْهَ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٍ ۚ صَاحِبَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۚ وَوَجْهَ يَوْمَئِذٍ

رویکه پاره رویها آفرود روشن باشد خندان و شادان باشد و روی باری باشند در آن روز

عَلَيْهَا غُبْرَةٌ ۚ تَرْهَقُهَا قَلَرَةٌ ۚ أَوَلَيْكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجْرَةُ ۚ

بر آن غبار باشد غالب آید بر روی تاریکی این جماع ایشانند کافران بدکاران

سَبَّحْتَ لِلَّهِ الْمَدْحَ ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعِزَّةِ ۚ وَوَسَّيْنَا

بناام خداست بختا میسازد مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۚ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۚ وَإِذَا الْجِبَالُ

ووقتیکه آفتاب سحر شود و وقتیکه ستارگان تیره شوند و وقتیکه کوهها

سِيرَتْ ۚ وَإِذَا الْعُشَارُ عُطِلَتْ ۚ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۚ

روان کرده شود و وقتیکه حشرات از راه خود را محفل گذاشته شود و وقتیکه جانوران وحشی را جمع کرده شود

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۚ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۚ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ

و وقتیکه دریاها را مثل آتش افروخته شود و وقتیکه ارواح را با جسد جمع کرده شود و وقتیکه دختران و پسران را که در گهواره بودند

سُئِلَتْ ۚ بَابِي ذُنُوبٌ قَبْلَتْ ۚ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۚ وَإِذَا السَّمَاءُ

پرسیده شود که بگویم گناه کشته شد و وقتیکه نامه های اعمال را کشاده شود و وقتیکه آسمان را

بُرْسِدَتْ ۚ

پرسیده شود که بگویم گناه کشته شده و وقتیکه نامه های اعمال کشوده شود و وقتیکه آسمان را

تفسیر عثمانی

عنه یعنی حیوانات گله که از سایه آن دم می کنند در آن روز چنین مضطرب میشوند که با حیوانات الهی در آبها یک جا شده گرد آیند چنانکه در اوقات خوف اکنون هم دیده میشود شقه در آبهای کمرها شدت می کنند با مشابه افتاده بعضی درندگان در شهر پناه آورده اندسانی دریای گنگا و جمنالوفا شد و بر یک چهری چند نفر نشست بودند و چند مار نیز در یک گشت چیری خود را بچا پانیده بودند و از پس جان خود بودند یکی بدیگری ملاحظه کرده نمی توانست

۱ رقیب یعنی مفسرین (دشمن) را بگویند

۵ مرغ عوی تفسیر کرده اند بعضی معنی حشر که بود مرغ عوی است والله اعلم

عده در عرب جاهلیت رواج بود که پدران و فرزندان خود را با شتهای بی رحمی زنده بگوری کردند بعضی از سبب تنگدستی و بیم مصروف غرضی و بعضی از جهل از نزد داماد این است که قرآن کریم آنها را آگاه ساخت که ازین بخرمانی مظلوم پر سیده میشود که بگویم گناه کشته شد

۱۰ وید و پدران خیال میکنند از فقر و تنگدستی خودشن است و هر سخنی که بر آنها کنند حق و راست

بلکه جرم کشتن اولاد خصمها که زنده در گور کردن باشد نسبت بقص بی گانه و دیگر نوع کشتن سنگین تر است

عده در آیات باشد
و شبه نیست حقیقت
این است که از کثرت
گناه آئینه دلشان را
زنگ گرفته و سیاه
شده بابرین صورت
حقایق بطور صیغ در آن
منکس نمی شود در
حدیث است که چون
بنده گناهی می کند در
دلش یک نقطه سیاه
پیدا می شود پس اگر
توبه کرد زایل گردد و الا
هر قدر گناه کند آن نقطه
بزرگتر و وسعت
می کند و حاصل دلش
سیاه می گردد بعدی که
حق را از باطن فری فرود
نمی تواند و مکه بین مذکور
ازین قبیل مردم اند که
از شرارت های بی پای
دلشان سرخ شده
و به آیات الهی تمسخر
می نمایند و علیین
جائی است که در آن
اسمای اهل جنت
مندرج و نام هائ
اعمال شان مرتب
گذاشته میشود و ارواح
آنها را تحت پرانجا
برنده بعد بمقام شان
رسانند و ارواح شان
را با قبور آن بایک
نوع تقبیل باشد گویند
این موضع بالای آسمان
بهتم بوده و ارواح
مقران عالی مقام
در آن قیام پذیرند
والله اعلم بالصواب
خودش می گویند
بر مسلمین تمسخر نموده
گری می نمودند و
بر عیش و تنعم
غیش مغرور
گردیده تصور می کردند
که اگر زمین عقابند و
افکار ما هیچ نیست چرا بچنین عیش و استراحت رسیده ایم لعل که این گروه نادان که راه زهد و ریاضت می گذرانند و لذت اندوهم را بر لذت اندوهم موجود ترجیح میدهند و زحمت بجا

بَلْ سَكَتَ رَأْيَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ ۱۳ ۝ كَلَّا أَنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
بلکه زنگ بسته است بر دل بایه ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ ۱۳ ۝ كَلَّا أَنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
بلکه زنگ بسته است بر دل بایه ایشان آنچه می کردند

يَوْمَ يَدْعُ لَهُمُ الْخُجُوتُ ۝ ۱۴ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ۱۵ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا
آنروز حجب باشند باز هر آینه ایشان در آینه گان دوزخ باشند باز گفته شود ایشان را اینست

يَوْمَ يَدْعُ لَهُمُ الْخُجُوتُ ۝ ۱۴ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ۱۵ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا
آنروز حجب باشند باز هر آینه ایشان در آینه گان دوزخ باشند باز گفته شود ایشان را اینست

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ ۱۶ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۝ ۱۷ ۝ وَ
آنچه شما آنرا در دوزخ می شنیدید

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ ۱۶ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۝ ۱۷ ۝ وَ
آنچه شما آنرا در دوزخ می شنیدید

مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ ۱۸ ۝ كِتَابٌ مُرْفُوعٌ ۝ ۱۹ ۝ يُشْهِدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۝ ۲۰ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ
چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک کردگان خدا

مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ ۱۸ ۝ كِتَابٌ مُرْفُوعٌ ۝ ۱۹ ۝ يُشْهِدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۝ ۲۰ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ
چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک کردگان خدا

لَفِي نَعِيمٍ ۝ ۲۱ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝ ۲۲ ۝ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
در نعمت باشند بر تخت ها نشسته نظر می کنند بهر جانب

لَفِي نَعِيمٍ ۝ ۲۱ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝ ۲۲ ۝ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
در نعمت باشند بر تخت ها نشسته نظر می کنند بهر جانب

النَّعِيمِ ۝ ۲۳ ۝ يَسْقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ۝ ۲۴ ۝ خِتَمُهُ مِسْكَ ۝ ۲۵ ۝ وَفِي ذَلِكَ
نعمت نوشانیده می شوند از شراب خالص سر به مهر

النَّعِيمِ ۝ ۲۳ ۝ يَسْقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ۝ ۲۴ ۝ خِتَمُهُ مِسْكَ ۝ ۲۵ ۝ وَفِي ذَلِكَ
نعمت نوشانیده می شوند از شراب خالص سر به مهر

فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۝ ۲۶ ۝ وَمِنْ أَرْجَائِهِمْ تَسْنِيمٌ ۝ ۲۷ ۝ عَيْنًا لَشَرِبٍ
باید که رغبت کنند رغبت کنند گان و آینه ش او از تسنیم است آن چشمه البت که می نوشند

فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۝ ۲۶ ۝ وَمِنْ أَرْجَائِهِمْ تَسْنِيمٌ ۝ ۲۷ ۝ عَيْنًا لَشَرِبٍ
باید که رغبت کنند رغبت کنند گان و آینه ش او از تسنیم است آن چشمه البت که می نوشند

بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ ۲۸ ۝ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا
ازان نزدیک کردگان خدا هر آینه گاه ایشان

بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ ۲۸ ۝ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا
ازان نزدیک کردگان خدا هر آینه گاه ایشان

يَضْحَكُونَ ۝ ۲۹ ۝ وَإِذَا امْرَأُوهُمْ يَتَعَامَرُونَ ۝ ۳۰ ۝ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
میخندیدند و چون می گذشتند بهر مسلمان با یکدیگر چشم میزدند و حرات کرده و چون باز می گشتند بآهل خانه خود

يَضْحَكُونَ ۝ ۲۹ ۝ وَإِذَا امْرَأُوهُمْ يَتَعَامَرُونَ ۝ ۳۰ ۝ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
میخندیدند و چون می گذشتند بهر مسلمان با یکدیگر چشم میزدند و حرات کرده و چون باز می گشتند بآهل خانه خود

انْقَلَبُوا فَاكْهَيْنَ ۝ ۳۱ ۝ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ ۝ ۳۲ ۝ وَمَا
باز می گشتند دامن شده و چون می دیدند مسلمانان را می گفتند هر آینه ایشان گمراهانند

انْقَلَبُوا فَاكْهَيْنَ ۝ ۳۱ ۝ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ ۝ ۳۲ ۝ وَمَا
باز می گشتند دامن شده و چون می دیدند مسلمانان را می گفتند هر آینه ایشان گمراهانند

أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَفَظِينَ ۝ ۳۳ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
و گاه بفرستاده شده بودند بر سر مسلمانان پس امروز

أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَفَظِينَ ۝ ۳۳ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
و گاه بفرستاده شده بودند بر سر مسلمانان پس امروز

يَضْحَكُونَ ۝ ۳۴ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝ ۳۵ ۝ هَلْ تَوْبُ الْكُفَّارِ مَا كَانُوا
میخندند بر تخت ها نشسته نظر می کنند بهر جانب

نفسه را که از عیش و استراحت رسیده ایم لعل که این گروه نادان که راه زهد و ریاضت می گذرانند و لذت اندوهم را بر لذت اندوهم موجود ترجیح میدهند و زحمت بجا

دل یعنی موت را بر تابد
والله اعلم بالصواب
پول موت بعد از ان
سوال منکر و نیکر بود
از ان حشر و حساب
و در بر مراد بعد از ان
دو نوع یا بهشت الله

تفسیر غمان

ع یعنی انسان
در زندگانی دنیا مراتب
مختلفی را بجهت و آخرت
مرتبه مرتبه بعد از ان
برنج پس از ان جنگ
قیامت و خلافت است
که در قیامت بجهت ان
و مراتب مختلفه گرفتار
آید هم چنانکه در آغاز
شب روشنایی
شفق دیده میشود
و بزوبه شفق
آخرین آنکه فروغ
خورشید پدید
آید و در بار دوم
تاریکی شب
مستولی می شود

و تمام اشیا را در خود فرو
برد شبانگاه ماه طالع
میشود و طالع مندرج
رویه تزییدی بنهد و با
طالع بدر میشود و بدر
تابان باشد در خشتان
خویش نقای تیره
و طالعانی را در ان
دورانی می
سازد و مراتب
و مدارج کواکب
انسانی بنحوالات
کوناگون شب شبیه
است و الله اعلم
عنه یعنی اگر چه پیش
لا آید بای مذکور عقل
عقل منیر
لازم بود که از قرآن
استفاده می کردند
مگر کار آنها بر عقل
مستولی می شود

ع یعنی انسان
در زندگانی دنیا مراتب
مختلفی را بجهت و آخرت
مرتبه مرتبه بعد از ان
برنج پس از ان جنگ
قیامت و خلافت است
که در قیامت بجهت ان
و مراتب مختلفه گرفتار
آید هم چنانکه در آغاز
شب روشنایی
شفق دیده میشود
و بزوبه شفق
آخرین آنکه فروغ
خورشید پدید
آید و در بار دوم
تاریکی شب
مستولی می شود

بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
اِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ۝ وَاذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ۝ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ۝ وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَاذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ۝	و قتیکه آسمان بشکافتد و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار گوش کردن ست و قتیکه زمین را بشکافتد و آنچه در آن را بر خوار گرد و و خالی گردد و بشکافتد فرمان رب خویش را و آن زمین لایق است بهین	و قتیکه آسمان بشکافتد و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار گوش کردن ست و قتیکه زمین را بشکافتد و آنچه در آن را بر خوار گرد و و خالی گردد و بشکافتد فرمان رب خویش را و آن زمین لایق است بهین
يَا أَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ اِلَىٰ رَبِّكَ كَدًا حَافِلًا ۝ فَمَنْ مَنَ اَوْتِيَ كِتٰبَهُ بِيَمِينٍ ۝ فَسَوْفَ يَحَسِبُ حِسَابًا يَّسِيرًا ۝ وَيُنْقَلِبُ اِلَىٰ اَهْلِهِ مُسْرُورًا ۝ وَاَمَّا مَنْ اَوْتِيَ كِتٰبَهُ وِرَءَ ظَهْرِهِ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۝ وَيَصْلٰى سَعِيرًا ۝ اِنَّهٗ كَانَ فِيْ اَهْلِهٖ مُسْرُورًا ۝	ای آدمی هر آینه تو کارکننده تا لحافات پروردگار خود بکوشش تمام پس ملاقات خواهی کرد پروردگار خود اما هر که ای انسان هر آینه زحمت کشیده تار سیدان پروردگار خود بکوشش تمام با طاعتی شوی و او پس کسی را که داده شد او را نام اعمال او بدست راستش پس با حساب کرده شود حساب آسان و باز گردد	ای آدمی هر آینه تو کارکننده تا لحافات پروردگار خود بکوشش تمام پس ملاقات خواهی کرد پروردگار خود اما هر که ای انسان هر آینه زحمت کشیده تار سیدان پروردگار خود بکوشش تمام با طاعتی شوی و او پس کسی را که داده شد او را نام اعمال او بدست راستش پس با حساب کرده شود حساب آسان و باز گردد
اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ يَّخُوْرَ ۝ يٰۤاِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهٖ بَصِيْرًا ۝ فَلَآ اَقْسَمُ بِالْغَمَقِ ۝ وَاَلَيْلٍ وَّمَا وُسْقٰ ۝ وَاَلْقَمَسَ اِذَا التَّسْقٰ ۝	هر آینه وے گمان کرده بود که رجوی کند بموت خدا شتعالی آری رجوی کردن محقق است هر آینه پروردگار او بود با حال ادینا پس هر آینه او گمان کرده بود که رجوی نمی کند بخدا شتعالی بنی ضرور رجوی می کند هر آینه پروردگارش بود با حال او دنیا پس سوگند بخورم به سحر حق اول شب و قسم بخورم بشب و آنچه شب آنرا منع کرده است و قسم بخورم بماه چون تمام شود سوگند بخورم به سحر حق شام و قسم بخورم بشب و آنچه شب آنرا منع کرده است و سوگند بماه و قتیکه کامل گردد	هر آینه وے گمان کرده بود که رجوی کند بموت خدا شتعالی آری رجوی کردن محقق است هر آینه پروردگار او بود با حال ادینا پس هر آینه او گمان کرده بود که رجوی نمی کند بخدا شتعالی بنی ضرور رجوی می کند هر آینه پروردگارش بود با حال او دنیا پس سوگند بخورم به سحر حق اول شب و قسم بخورم بشب و آنچه شب آنرا منع کرده است و قسم بخورم بماه چون تمام شود سوگند بخورم به سحر حق شام و قسم بخورم بشب و آنچه شب آنرا منع کرده است و سوگند بماه و قتیکه کامل گردد
لَنُرَكِّبَنّٰ طَقَاعًا مِّنْ طَبَقٍ ۝ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝ وَاِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ۝ بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَكْتُمُوْنَ ۝ وَاَلَمْ يَعْلَمُوْا بِمَا يُوعَدُوْنَ ۝ فَنَسْتَبْرِئُهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ	خواهیم در سید بجایه بعد حلقه و پس چیست این کافران را که ایمان نمی آرند و چون خوانده شود بر آینه خواهیم در سید بجایه بعد حلقه و پس چیست ایشانرا که ایمان نمی آرند و چون خوانده شود برایشان قرآن سجده نمی کنند بلکه این کافران دروغ می سرودند و برایشان قرآن سجده نمی کنند بلکه این کافران تذبذب می کنند و خدا انا ترست با آنچه در دل خود نگاه میدارند پس خبر کن ایشانرا بحداب در دهنده لیکن آنانکه الله انا ترست به آنچه در دل خود نگاه میدارند پس بشارت بده ایشانرا بحداب در دهنه مگر آنانکه	خواهیم در سید بجایه بعد حلقه و پس چیست این کافران را که ایمان نمی آرند و چون خوانده شود بر آینه خواهیم در سید بجایه بعد حلقه و پس چیست ایشانرا که ایمان نمی آرند و چون خوانده شود برایشان قرآن سجده نمی کنند بلکه این کافران دروغ می سرودند و برایشان قرآن سجده نمی کنند بلکه این کافران تذبذب می کنند و خدا انا ترست با آنچه در دل خود نگاه میدارند پس خبر کن ایشانرا بحداب در دهنده لیکن آنانکه الله انا ترست به آنچه در دل خود نگاه میدارند پس بشارت بده ایشانرا بحداب در دهنه مگر آنانکه
اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَكُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝	ایمان آورند و کردارهای شایسته گردند ایشان را است مزدی نهایت ایمان آورند و کردند عمل های شایسته مرایشان را است مزدی نهایت	ایمان آورند و کردند عمل های شایسته مرایشان را است مزدی نهایت

بده چون قرآن نزدشان خوانده شود سر باز میزنند و مانند مسلمانان به سجده می افتند و اظهار تجرد و تذل می نمایند حتی چون مسلمانان آیات الهی را می شنوند و به سجده می افتند

مل ضریع نام گیه

خاردارست ۱۲

تفسیر عثمان

تحریر ناکرورد و کار

غوش را یاد کرد

باز نماز گذارد و بخش

سلف (ترکی) را از کوه

داد و ترجمه در اینجا صد

فطر تفسیر کرده اند و بختین

از ذکر اسم ربها تکریم

عید از (فصلی) نماز

عبد یعنی پروردگار و اول

صدق فطر و باز بختین

و باز نماز است انظار

هو الاول تبت علیها

مذمب حنفی به تفسیر

اول ازین آیت کریمه

و مسند استباط

کرده اند اول اینکه

در تحریر خاص گفتن

کلمه (الله اکبر) فرض

نیست و مطلق ذکر

نا خدا که مشرب بنظم

باشد نه

شکل عرض و قف

و حاجت بنده کانی

است: قرار احادیث

می گفتن (الله اکبر)

سنت یا واجب است

و هم اینکه تکریم

در نماز شرط است نه

رکن؛ چرا که عطف

(فصلی) بر (ذکر اسم رب)

طالت دارد بر خیاریت

معطوف و معطوف

علیه و الله علم

عده یعنی بنده کانی

مصابدا آخرت و

بسیب آن خسته و

در مانده و بعضی گفته

انداز

(عاطف نامیده)

مربوط حال

دیناست زیرا ابیهرم

در دنیا معقل ز عمت

بسیاری کرده و چون

براه حق نبی باشد

بسیاری کرده و چون

براه حق نبی باشد

بسیاری کرده و چون

براه حق نبی باشد

بسیاری کرده و چون

براه حق نبی باشد

ذکر اسم ربیه فصل ۱۵ بَلْ تَوَثُّوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ حَيُّوْا

یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گذارد بلکه اختیاری کنید زندگانی این جهان را و آخرت بهتر است

و ابقی ۱۴ اِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُولٰٓئِ ۱۵ صُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَ مُوْسٰی

و پاینده تر است هر آینه این مضمون مذکور است در صحیفه های پیشینیان (در صحیفه های اولی) صحیفه های ابراهیم و موسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۱۶ وَ عِشْرُوْنَ اٰیَةً

بسم الله الرحمن الرحیم بخشایند و عیسی بن مریم

هَلْ اَتَاكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ ۱۷ وَ جُوْهُ يَوْمِيْنِ خَاشِعَةٍ ۱۸ عَامِلَةٌ

آیا آمده است خبر قیامت یکباره رویها آرزو خوار باشند کارکننده

تَاصِبَةٍ ۱۹ تَصْلٰ نَارًا حَامِيَةً ۲۰ تُسْقٰ مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ۲۱ لَيْسَ لَهُمْ

محنت کشنده باشند در آتش افزون شده آب نوشاننده شوند از چشم نهایت گرم مباشر ایشانرا

طَعَامٌ اِلَّا مِنْ ذُرِّيْعٍ ۲۲ لَا يَسْمِنُوْنَ وَلَا يَغْنٰوْنَ ۲۳ مِنْ جُوْعٍ ۲۴ وَ جُوْهُ يَوْمِيْنِ

برنج طلعه سگر از گیاه خاردار که فربه نکند و دفع کسنی نه نماید یک پاره رویها آرزو

تَاْعَمٰ ۲۵ لَسَعِيْهَا رَاضِيَةً ۲۶ فِيْ جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۲۷ لَا تَسْمَعُ فِيْهَا اَرْغِيَّةٌ ۲۸

ناله باشند بوی خود رضامند شده باشند در بهشت عالی نشنوی آنگاه هیچ سخن بے بوده

فِيْهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۲۹ فِيْهَا سُرُرٌ مَّرْفُوْعَةٌ ۳۰ وَ اَكْوَابٌ مَّوْضُوْعَةٌ ۳۱ وَ نٰرٌ

در اینجا چشمه روان باشد در اینجا تخت های بلند باشد و کوزه های نهاده شده و و ساد با

مَصْفُوْفَةٌ ۳۲ وَ زُرَّاجٌ مُّبِيْنٌ ۳۳ اَفَلَا يَنْظُرُوْنَ اِلَى الْاٰدِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۳۴

بدر یک دیگر گزاشته و بساط های نفیس بر آن نهاده کرده آمانه می نهند بسوی شتران چگونه آفریده شد

وَ اِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۳۵ وَ اِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۳۶ وَ اِلَى

و بسوی آسمان چگونه بر داشته شد و بسوی کوه ها چگونه بر افراشته شد و بسوی

الْاَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۳۷ فَذَكِّرْ اِنَّ اِلٰهًا اَنْتَ مَذْكُوْرٌ ۳۸ لَسْتَ عَلَيْهِمْ

زمین چگونه پهن کرده شد پس بپندره جز این نیست که تو پند دهنده هستی بر ایشان

بِمَصِيْبٍ ۳۹ اِلَّا مَنْ تَوَلٰى وَ كَفَرَ ۴۰ فَيَعِدُّ بِهٖ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَكْبَرَ ۴۱

لما شئت به که رو بگرداند کافر شود پس عذاب کندش خدا بجهنم بزرگ

اِنَّ الْيَتٰى اِيَّاهُمْ ۴۲ ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۴۳

هر آینه بسوی ماست رجوع ایشان باز هر آینه بر ماست حساب ایشان

بِمَصِيْبٍ ۴۴ اِلَّا مَنْ تَوَلٰى وَ كَفَرَ ۴۵ فَيَعِدُّ بِهٖ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَكْبَرَ ۴۶

لما شئت به که رو بگرداند کافر شود پس عذاب می کند او را الله به عذاب بزرگتر

اِنَّ الْيَتٰى اِيَّاهُمْ ۴۷ ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۴۸

هر آینه بسوی ماست باز رجوع ایشان باز بر ماست حساب ایشان

بِمَصِيْبٍ ۴۹ اِلَّا مَنْ تَوَلٰى وَ كَفَرَ ۵۰ فَيَعِدُّ بِهٖ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَكْبَرَ ۵۱

لما شئت به که رو بگرداند کافر شود پس عذاب کندش خدا بجهنم بزرگ

اِنَّ الْيَتٰى اِيَّاهُمْ ۵۲ ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۵۳

هر آینه بسوی ماست باز رجوع ایشان باز بر ماست حساب ایشان

وَلْيَعْلَمُوا أَنَّهُمْ
۱۲ لَمْ يَكُنْ لِي بَعْضُ نَازِ
جفت ست و بعض طاق
۱۳ فَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
بندگان است بر اعمال
۱۴ اِنْ تَنْتَهِبُوا
بچهار پنج بخت عفویت
میکرد ۱۵ اِنْ تَنْتَهِبُوا
و یقیناً راحی ایشان
نمی دهید و حق ایشانرا
مال خود جمع می کنید ۱۶
۱۷ لَمْ يَكُنْ لِي بَعْضُ نَازِ
اکرام الهی اکرام بنشینم
و اطعام مسکین ست
آزادی باید کرد و دشما
باین صفت برستید
که تیمار حق ایشان
نمی دهید و حق ایشانرا
مال خود جمع می کنید ۱۸
۱۹ لَمْ يَكُنْ لِي بَعْضُ نَازِ
و بعضی جبال ائمان
را با سائر ارض برابر
کرده شود ۲۰

تفسیر عثمان
۲۱ لَمْ يَكُنْ لِي بَعْضُ نَازِ
نشاخت خلاصه اینکه
در نظر انسان تنهایی
دنیوی اهمیت دارد
و معیار عزت و ذلت
خود همین راحت و
زحمت دنیا را میدانند
و خبر ندارند که هر چه
آزادیش است و دست در
نعمت شمر گذاری با و را
امتحان می کند و در سختی
صبر و استقامتش را در
نعمت دور و دره و سزا
دلیل مقبولیت و عزت
بدر بار خداوندی است
و نه سختی و زحمت دین
ابانت و مردودیت
مگر انسان از بس
غافل است بلامتی
خود حق نمیداند و از بی
حیالی و نادانانگی
و زریه و انزاع می پرد
خویش می آورد و ع

بسم الله الرحمن الرحیم
آغاز می کنیم بنام خداوندی که بی اندازه مهربان و نهایت با رحمت
وَالْفَجْرِ ۱ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۲ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۳ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِيرٌ ۴ هَلْ فِي
قسم بیخ و شب هائیکه ده گانه و قسم بجفت و طاق و قسم بشب و روز و قسم به شب و روز و قسم به شب و روز و قسم به شب و روز
ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حُجْرٍ ۵ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۶ إِمْرَءَاتٍ الْعِمَادِ ۷
مقدمه سولند من معتبر هست صاحب خرد را آید اندیدی که چگونه محال کرد پروردگار تو با قوم عاد که عادت داشتند در خانه بلند
چیز را که با خود می بردند تمام را صاحب عقل را آید اندیدی که چگونه کرد پروردگار تو با قوم عاد که در ارم بودند دارای ستونهای بزرگ
الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ ۸ وَتَوَدَّ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۹
که آفریده نشده است مانند آن در شهرها و چگونه محال کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگ هائیکه بزرگ را در وادای (قری)
و قَرَعُونَ ذِي الْأَوْتَادِ ۱۰ الَّذِينَ طَعَفُوا فِي بِلَادِ ۱۱ فَأَكْثَرُوا فِيهَا
و چگونه محال کرد با فرعون صاحب میخانههای همه این جماعت با آنکه سرش را پس بسیار جل آوردند در اینجا
و چه کرد با فرعون صاحب میخ با کسی بودند که سرش را کرده بودند در سر با پس بسیار در آن شهر
الْفَسَادِ ۱۲ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۱۳ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ ۱۴
شاد را پس بر سخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب هر آینه پروردگار تو همین گاه ست
فرمودند پس سخت بر ایشان پروردگار تو تازیانه عذاب هر آینه پروردگار تو همین گاه ست
فَإِذَا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ ۱۵ وَنَعَّمَهُ ۱۶ فَيَقُولُ إِنِّي أَكْرَمُهُ ۱۷
پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار او پس گرامی کندش و نعمت دهدش پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا
پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار او پس عزت دهدش و نعمت دهدش پس گوید پروردگار من عزت داد مرا
وَإِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۱۸ فَيَقُولُ إِنِّي أَهَانُ ۱۹ كَلَّا بَلْ
اما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بر دین و رزق دیرا گوید پروردگار من حقارت کردم مرا نه بله
و اما وقتی امتحان کندش پس تنگ سازد بر دین و رزق او را پس گوید پروردگار من ذلیل ساخت مرا نه بله
لَا تَكْفُرُونَ بِالْيَتِيمِ ۲۰ وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۲۱ وَتَاْكُلُونَ
گرامی نمیدارید یتیم را و یکدیگر را رغبت نمیدید بر طعام دادن فقیر و میخورید
عزت نمی دبد یتیم را و عزیز یکدیگر را بر طعام دادن محتاج و میخورید
الذَّاتِ أَكَلًا لِّمَاءٍ ۲۲ وَتَجِدُونَ الْبَالَ حَبَآجًا ۲۳ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ
مال میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار
میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار
دَكَادَكَ ۲۴ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۲۵ وَجِئْتُ بِوَسِيلَةٍ حَمِيمَةٍ ۲۶
بست کردن بعد بست کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده و آورده شود آن روز و درج را
بست کردن بعد بست کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف و آورده شود آن روز و درج
يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۲۷ يَقُولُ لِيكَ تَنِي قَدْ مَتِ ۲۸
آن روز یاد کند آدمی و بجا باشند اورا نفع آن یاد کردن گوید اے کاش من فرستاده می کل نیک
آن روز یاد کند انسان را بجا باشد و دهد او یاد کردن گوید اے کاش چیزی پیش فرستادمی
حَيَاتِي ۲۹ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَنْ آيَةٍ أَحَدٌ ۳۰ وَلَا يُؤْتِي وَثَاقًا ۳۱
برای این زندگانی با و دانی خویش پس آن روز عفویت نمکند مانند عفویت خدا هیچ کس و بزرگتر از من و مانند بستن او
در زندگی خویش پس آن روز عذاب نمکند مانند عذاب او هیچ نمی
در میراث گرفتن مرده طلال و حرام و حق و باطل را حق نمی کنند هر چه بدست آوردند به هم می کنند اگر حقوق بیامی و مسکین تلف شد ۳۲

دل بوجه واقع
شود که بیکس خبر او بران
تأویست و الله اعلم
و یعنی تراقتان
در که حلال خواهد
شد ۱۲ و ۱۳
یعنی آدم و قبیح
قدت ۱۲ و ۱۳ یعنی
عادت آدمی است که
بقوت خود فکر کند
و نه بداند که چه قدر ناتوان
میگردد و نیز میگوید
فکر کند و نمی داند که خدا
اورای بدین که بنیاد
حق و حقیقت است ۱۲
و ۱۳ یعنی حقیقت
توت آنست که این
اعمال بجا آورده است
یعنی شب چهارم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه خداوند
جل مجد آورده است
را چنان عذاب شد
کند و چنان سخت در
بنده کند که بداند که
شدت از طرف احد
بدیده و هیچ مجری نشود
باشد حضرت شاه
عبدالعزیز صاحب
میلیند که در این
روز بیکس مانند
عذاب او تالی عذاب
نمودند آنکس نه
مؤکلف و دوزخ
به اورد و در ۲۰
دویند زیرا ۱۵
این عذاب مانند عذاب
جهانی است و عذاب
الهی عذاب روحانی
است که در مجرم
را در حشر و عذاب
و چاره نگردد و بدین
است که آن را باین
مناسبتی نیست و
باشد که او دیگری
نمودند زیرا مؤکلفین

احد ۳۷ یا ایها النفس المطمئنة ۳۸ ارجع الى ربك راضية
یعنی کس دل که نشود روح مومن را وقت مرگ اس نفس آرام گیرنده باز گردد پس در دو کار خویش تو خوشنود شده
یعنی ای عه ای نفس آرام گیرنده باز گردد بسوی پروردگار تو خوشنود کرده شونده

مَرْضِيَّةٌ ۳۸ فَاَدْخَلْنِي فِي عِبْدِي ۳۹ فَاَدْخَلْنِي جَنَّتِي ۴۰
و از تو نیز خوشنود گشته پس در آن مرد که بنده گان خاص من و در آدم بهشت من
خوشنود کرده شده پس شامل تو در بنده گان من و در ای در بهشت من

سَوَابِكُمْ كَيْتَا ۴۱ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۴۲ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۴۳ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۴۴
بنام خداست بخشاینده مهربان
آغازی که بنام خدا می کند اندازه مهربان نهایت بارم است

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۴۵ وَأَنْتَ حِلُّ هَذَا الْبَلَدِ ۴۶ وَاللَّهُ مَأْوَدٌ ۴۷ لَقَدْ
قسم بخورم باین شهر یعنی که مبارک و تو حلال خواهی شد باین شهر و قسم بخورم بر این شهر و بهر چه زاده است و هر آینه
قسم بخورم باین شهر و بهر چه زاده است و هر آینه

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۴۸ أَيْحَسِبُ أَنْ كُنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۴۹ يَقُولُ
آفریدیم آدمی را در مشقت و آیا گمان می کند آوی که قادر نشود بر وی بیکس می گوید
آفریدیم انسان را در مشقت آیا می پندارد که هرگز قدرت بر وی نیابد بیکس می گوید

أَهْلَكَتُمْ مَا لَا كِبَدًا ۵۰ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ ۵۱ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۵۲
خریدم مردم را مال تو بر تو آیاسی پندارد که ندیده است او را بیکس آیاسی پندارد که ندیده است او را بیکس
خریدم مردم را بسیار آیاسی پندارد که ندیده است او را بیکس آیاسی پندارد که ندیده است او را بیکس

وَلِسَانًا وَتَفْتَيْنِ ۵۳ وَهَكَذَا يَتَّبِعُ الدَّجْدِينَ ۵۴ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۵۵ وَمَا
و زبان را و دلب را و دلالی کردیم او را بر دوراه و پس درین راه گزرا گاه سخت و چه چیز
و یک زبان و دلب و نمودیم او را دوراه پس نلذشته است بر گذرگاه سخت و چه چیز

أَذْرَكَ مَا الْعَقَبَةُ ۵۶ فَكَيْفَ رَقَبَةٍ ۵۷ أَوْ اطَّعِمْنِي يَوْمَ رَجَعْتِي مَسْغِفَةً ۵۸
مطلع ساخت ترا که صیت گزرا گاه سخت و خلاص کردن برده یا طعام دادن بر روز هر گزستی
و انرا که ترا که صیت گزرا گاه سخت آزاد کردن بر روز یا طعام دادن در روز هر گزستی

ذَا مَقْرَبَةٍ ۵۹ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۶۰ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا
صاحب قربت را یا فقیر صاحب خاکساری را بعد از این باشد از آنکه ایمان آوردند و با یکدیگر وصیت کردند
صاحب قربت را یا مسکین خاکسار را پس باشد از آنکه ایمان آورده اند و وصیت کردند

بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۶۱ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِمْنَةِ ۶۲ وَالَّذِينَ
بیکبایی و با یکدیگر وصیت کردند بشفقت بر خلق الله این جاعه ایشانند اهل نیک بختی و آنانکه
هم دیگر بر البصر و وصیت کردند هم دیگر را به مهربانی ایشان اند صاحبان حظ بسیار و کمال

كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَةِ ۶۳ عَلَيْهِمْ نَارُ مُؤَصَّدَةٍ ۶۴
کافر شدند بآیات ما اینها اهل کفرند ایشان کافر شدند بر آیه ما ایشان کافر شدند بر آیه ما ایشان کافر شدند بر آیه ما
کافر شدند بآیات ما ایشان اند صاحبان شامت و نکت بر ایشان است آنکس سر پوش کرده شده

سَوَابِكُمْ كَيْتَا ۶۵ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۶۶ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۶۷ كَرَّمَكَ اللَّهُ ۶۸
بنام خداست بخشاینده مهربان
آغازی که بنام خدا می کند اندازه مهربان نهایت بارم است

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۶۹ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ۷۰ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۷۱ وَاللَّيْلُ
قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از پس آفتاب در آید و قسم بر روز چون نمایان کند آفتاب او قسم بشب
و قسم بآفتاب و روشنی آن و بآفتاب چون بیاید بدینال آن و بر روز چون در روشن سازد آفتاب و شب

وَاللَّيْلُ إِذَا جَلَّهَا ۷۲ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۷۳ وَاللَّيْلُ
قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از پس آفتاب در آید و قسم بر روز چون نمایان کند آفتاب او قسم بشب
و قسم بآفتاب و روشنی آن و بآفتاب چون بیاید بدینال آن و بر روز چون در روشن سازد آفتاب و شب

وَاللَّيْلُ إِذَا جَلَّهَا ۷۴ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۷۵ وَاللَّيْلُ
قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از پس آفتاب در آید و قسم بر روز چون نمایان کند آفتاب او قسم بشب
و قسم بآفتاب و روشنی آن و بآفتاب چون بیاید بدینال آن و بر روز چون در روشن سازد آفتاب و شب

تفسیر غفرانی

بقیه صف ۵۹۹

اگر افکار و خیال آزاد

باش باز هم در عین

غذاب بکنوع تحقیق

لوی مید بد چنانکه در

قید جهانی اگر دست

و پای بسته بهم باشد

بسیب چو لیل منکر

بهر طرف فی الجملة

تسکین حاصل میگردد

ایر نفس آنکه خدای

قهار نگرش را نیز

قید کرده و چنان

بجای خودش گرفتار

ساخته که فکرش نیز جز

کلفت بندد بجز مری

را اندیشه نوازند ظاهر

است که قید فکری هزار

بار از قید جسمی سخت

تر است از بنامست

کرد و انکار سودانی

را اگر چه در باغ بای

و بیج و محرابا

فراخ هم بر بند بسبب

غلبه دام و فخر و جاه

گستاخ در نظر غفلان

می آید عیون

بدیده عقل و دهری

فطرت نیک و بد را

بصورت اجمال باو

فهماند از ان بواسطه

تبلیغ انبیاء و رسل

بطور مفصل نهایت

و ارفع ساخت که این

راه بدو این راه نیکو

از این جهت است که در این کتاب

اِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءَ وَمَا بَيْنَهُمَا ۝ وَالْأَرْضَ وَمَا عَلَيْهَا ۝ وَنَفْسٍ

چون بپوشاند آفتاب را و قسم بآسمان و بنا کردن خدا و در قسم بزمین هموار ساخته خدا و در قسم به نفس آدمی

وَمَا سَوَاهَا ۝ فَالْيَوْمَ أَجْزَاهَا وَتَقْوَاهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝ وَ

و در دست اندام نمودن خدا و این قسم با خدا و خلق خدا و دلش شفا و در آن توئی او را بر آینه سنگارش هر که پاک ساخت نفس را و

قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝

بر آینه زبان کاران شد هر که با سفل اساطین بر و آنرا دروغ نمردند قوم خود و لب سر کشی خود و فتنه بر نامت بد بخت ترین آن

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝

پس گفت ایشان را پیامبر خدا بگذارد ماده شتر بر آنکه خدا آفریده است و متوقف نشوید آب خورد و در این دروغ شتر و ندید بر این

قَدْ مَدَّ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَدَآئِهِمْ فَمَسُوهُمَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

پس عقوبت فرود آورد بر ایشان پروردگار ایشان که بید محصیت ایشان پس بنمود که عقوبت را بر سر ایشان و و خدای ترسد

سَأَلْنَا مَلَكِيَهُ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ فِي السَّمَاءِ الْعَلِيِّ ۝

بنام خدا و بختناست مهربان و آغایم کنیم بسم خداوندی اندازد مهربان نهایت بارحم است

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝

قسم شب چون بپوشاند و قسم بروز چون ظاهر شود و قسم بد آنکه آفرید نر و ماده را

إِن سَأَلْتُمْ لَسَنَتُهُ ۝ فَامَّا مَنْ أَغْطَى وَآتَقَ ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۝

که بر آینه سعی شما مختلف است پس اما هر که عطا کرد و پر بیز گاری نمود و یار داشت ملت نیک را

فَسَنِيَسِرُّهُ لِيَسِرُّهُ ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۝ وَكَذَّبَ

پس بپوشد و پنهان کند بر سران رسیدن بر سران و اما هر که بخل کرده خود را بے نیاز شود و بد دروغ نسبت کرد

بِالْحُسْنَى ۝ فَسَنِيَسِرُّهُ لِيَسِرُّهُ ۝ وَمَا يَعْنِي عَنْ مَالِهِ إِذَا تَرَدَّى ۝

ملت نیک را پس بپوشد و پنهان کند بر سران رسیدن بر سران و آنچه دروغ نمکند از دے مال او و فتنه نیک را فتنه

إِن عَلِمْنَا لَهْدَى ۝ وَإِن لَّنَا الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ۝ فَإِنذَرْتُمْكُمْ

بر آینه بر ما لازم است راه نمودن او و هر آینه بر ماست آسمان و این جهان پس ترسانیدم شما را

نَارًا تَلْقَى ۝ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۝ وَ

آتش که شعله میزند در نیاید بان آتش مگر بد بخت ترین مردم آنکه دروغ نمرد و در گردان شد و

سَيَجْزِيهَا الْآثِقُ ۝ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَنَزَّاهُ ۝ وَمَا لِحَدِّ عُنْدَهُ

بسیار داشته خواهد شد از این آتش پر بیز گار ترین مردم آنکه مید بد مال خود را تا پاک نفس گردد و نیست هیچ کس را نزد او

زَوْادُ اسْتِ ۝ بَارِئُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝

زود است که باز داشت شتر خود را این پر بیز گار آنکه مید بد مال خود را پاک کرد و نباشد هیچ کس را نزد او

سَمِيعُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝ عَزِيزُ اسْتِ ۝

پس آن در جهان و میلان بار او و اختیار بنده مکرر عزم رسیده در به خود و فعلی می کرد که خالق آن فعل خدای تعالی و کاسب آن بنده است و سلسله مکانات و مجامع است

ول مترجم گوید
که چند روزی ۲۱

نیامد بود لغار ۱۷
گفتند و در عریه و قلاه

خداے تعالیٰ پر اے
تسلی این سورہ فرود آؤ

١٢ فصل في معنى شريعت

تفسیر عثمانی

چون پیغمبر

آئین مشرک و ادخل

سخت بزار بود، هلد

عبادت خدای یگانه

در دل او سوز و
آتش عشق الهی در

کانون سینما و مشتعل

کامل وصول الی اللہ

وهدایت خلق التدا
اگر نفس توحیدی

ادافقون تر

از تمام کائنات
بود لیت نهاد و بودند

بگوش آمده بود ا مادر

و دستور العمل مفصل

موجود نبود تا قلب
محرک را که از دست

و کرسی فراخ بود

محقق و آراهمے
ساخت لهذا ۱۲۱۱

جذبه طلب و تائمه

عادت حضرت
اورا بیقرار

و مسرگردان

و کو با میرفت و یذکر

پرو دگار مستغول می
شود و به محو رسد

حقیقی مناجات

خداوند جبرئیل

رافرسناد و پینام
خود را در غار حرا

بوابدار غ کرد و راه

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ

بر آینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین صورت پس گردانیدیم آنرا فرود ترا از

سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ

بر فرودماندگان ولی مگر آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشانرا است اجر غیر

مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يَكْبُرُكَ بَعْدُ بِالَّذِينَ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

نهانیت پس ای چه چیز جل میکند ترا بعد این همه پند و عقوبت در باب جزای اعمال و آیه نیست خدا حکم کننده ترین حاکمان

سُبْحَانَ الْقَلَمِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم الله خدا را بخشنایند و مهربان آغاز می کنم بنام خداوندی که بے اندازه مهربان نهایت بارحم است

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اِقْرَأْ ۝

بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریدگار است آفرید آدمی را از خون پاره بسته بخوان و

رَبِّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ

پروردگار تو بزرگوار تر است آنکه علم آموخت بدستباری قلم آدمی را آنچه نمیدانست و حق هر آینه

الْإِنْسَانَ لِكَيْطَغُ ۝ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَ ۝ أَرَأَيْتَ

آدمی از حد میگذرد و تشنگی بپند خود را تو مشرب شده بر آینه بسوی پروردگار مست رجوع آید دیدی

الَّذِي يَتَّبِعُكَ إِذَا أَصْلَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ

تشی که پی می کند بنده را چون نماز می گذارد آید دیدی که چه میشد اگر براه راست بودی یا به پر پیزگاری

بِالتَّقْوَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَمْ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَبْصُرُ

فرموده آید دیدی که چه میشد اگر دروغ می نمود و رو گردان می گشت آیا ندانست این رو گرداننده که خدا بصر بپند و

لَيْنَ أَمْ يَنْتَهِ لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝ فَلْيَدْعُ

اگر باز بخوابد ایست و خوابیم کشید و او بپوشد پیشانی بآن موئی پیشانی دروغ زن خطاکار پس باید که فریاد کند

نَادِيَهُ ۝ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝ كَلَّا لَا تَطَعُ ۝ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

ای مجلس خود را مانع خوابیم طلبید پیاد باران می کند زبان او قبول کن و نماز گذار و قرب خدا طلب نما

سُبْحَانَ الْقَلَمِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم الله خدا را بخشنایند و مهربان آغاز می کنم بنام خداوندی که بے اندازه مهربان نهایت بارحم است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝

بر آینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَدْرِ ۝ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ ضَلَالٍ تَضَلُّوا ۝

و چه دانایند ترا که چیست قدر و چه خواهند دانست که در چه گمراهی می گمراه شدند

دل یعنی و تشنگی کافر
ش فطرت سلیم را
مخلق ساخت ۱۲-
دل و تشنگی که معنی
آیت چنین باشد پس
چه چیز باعث تکذیب
ا تو میشوید یا محمد ص
جزا ا اعلان بجلان
ب بند ۱۲
۲۰ گوید اقرا باسم
ربک تا عالم تعلیم اول
چیز نیست که بر آن
صلی الله علیه وسلم
نازل شد و معنی
اقرا تیه است برای
و می قرآن تلاوت
آن ۱۲ یعنی باید
دانست که عاقبت
استاد و هدایت بهشت
ست و عاقبت ضلال
و اضلال و دروغ است
پس این مدعا را بگو
از طاقت ادا کرده شد
۱۲ یعنی فرستاد
سوز عقوبت کند و
دل یعنی یک دفعه
از لوح محفوظ با آسمان
و بنا ۱۲
تفسیر عثمان
۱۲ از
تا عالم تعلیم این فتح
آیت در سوره تها
قرآن کریم پیشتر نزل
یاف حضرت
بنوی در غدا
۱۲ حرا بیات
بروردگار بجان
مشغول بود که
ناگهان جبرئیل وحی
آورد و گفت اقرا
در بخوان حضرت پیغمبر
فرمودند ما را القاری
در من خواننده نیستیم
جبرئیل حضرت وی
را در کنار گرفته چند
بار فرمود مگر گفت
خویش بخوان بعد پروردگار

فل ينفذ حال
الشان منقعه
ارسال رسول و
انزال ١٨
كتاب التلخيص
بود ازین
جهت رسول فرستادیم
و قرآن فرود آوردیم
و این ایش از
تکلیف نکریم ترک
ادیان خویش مگر بعد
اتمام حجت ظاهر را
و این بعض مقبول
شد و بعض مردود
تفسیر عثمان

عنه یعنی کار با اینکه
در این سال بر نظام
عالم مقدمه انداختگان
برای تعیین لغات آن
فرود آوردیم که امری
سوره الدخان یا از
دین کل امر مراد است
خیر است یعنی هر نوع
امور خیریه را با خود
گرفته از آسمان فرود
آوردند و الله اعلم
قبل از بعثت با
سادات آن حضرت
ارباب ادیان متغیر
بودند و پیران هر دین
برینداشته غلط
خویش را بر سر خود
ادخار آن عصر
متقاضی بود که بنیاد
خرافات متزلزل
گردد و مردمان از
وادی ملامت بگریز
منزل هدایت برسند
و این امر حقیقی و الهی
سلطین و دانش
مکمل و ایت
اولیاء میسر می
گردد مگر به
پیروی ارشاد
پیغمبر ایشان
و مقلد امیری که با کتاب

لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ
شبه قدر بهتر است از هزار ماه
فرود می آیند فرشتگان و روح
فِيهَا يَأْذُنُ رَحْمَةً مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ فَهِيَ حَتَّى مَطْلِعِ الْفَجْرِ
در آن شب بفرمان پروردگار خویش بر آن سر انجام کردن هر کاره آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی است
در آن بگویم رب ایشان را برای هر کاره آموختن سلامت است آن شب تا طلوع فجر
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خداوند بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام خداوندی که این انداز مهربان نهایت با رحم است
لَا يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ
نبودند آنانکه کفر را اختیار کردند از اهل کتاب و مشرکان باز ایستادگان
حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ مِنْ رَبِّهِمْ لِيُبَيِّنَ اللَّهُ مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
تا وقتیکه بیاید ایشان محبت ظاهر و کلام پدیدار از جانب خدا میخواند صحیفه های پال را همه
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ مِنْ رَبِّهِمْ لِيُبَيِّنَ اللَّهُ مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
تا آنکه بیاید ایشان محبت ظاهر و کلام پدیدار از جانب خدا میخواند صحیفه های پال را همه
فِيهَا كُتِبَ قِيمَتُهُ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
در آن محفها احکامیت راست و درست و متفرق نشدند
در آن محفها احکامی است راست و محکم و پراکنده نشدند
بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
بعد از آنکه آمد ایشان را محبت ظاهر و امور نشاندگان که پیر شدند خداوند را خالص
لَهُ الدِّينَ هُ حَنْفَاءً وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ
برای او پندش را متدین بدین ابراهیم شده و پراکندند کارها و بدیند زکوة را و این است احکام ملت
برای او پندش را پیر راه ابراهیم و پراکندند کارها و بدیند زکوة را و این است طریق مردمان
الْقِيَمَةِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرِكِينَ فِي
درست هر آینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در
محل ملت مستقیم هر آینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در
نَارَ جَهَنَّمَ خُلِدُوا فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ
آتش دوزخ باشند جاویدان آنجا آنجا ایشانند بدترین خلق هر آینه آنانکه
آتش دوزخ باشند جاویدان در آنجا ایشانند بدترین خلق هر آینه آنانکه
أَمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آنجا ایشانند بهترین خلق جزای ایشان نزدیک
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشانند بهترین خلق جزای ایشان نزدیک
رَحْمَةً جَنَّتْ عَنْ تَبْجُورٍ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خُلِدُوا فِيهَا أَبَدًا
پروردگار ایشان بوسه ها می دهد همیشه باشد دست میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه
پروردگار ایشان بوسه ها می دهد برای سکونت ابدی روان باشد زیر درختان آن جوی با جاویدان باشند در آن همیشه
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ
خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شد ایشان از خدا این دعدا است که هر که راست کرد پروردگار خود
خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شد ایشان از خدا این دعدا است که هر که راست کرد پروردگار خود

و این سال بر نظام
عالم مقدمه انداختگان
برای تعیین لغات آن
فرود آوردیم که امری
سوره الدخان یا از
دین کل امر مراد است
خیر است یعنی هر نوع
امور خیریه را با خود
گرفته از آسمان فرود
آوردند و الله اعلم
قبل از بعثت با
سادات آن حضرت
ارباب ادیان متغیر
بودند و پیران هر دین
برینداشته غلط
خویش را بر سر خود
ادخار آن عصر
متقاضی بود که بنیاد
خرافات متزلزل
گردد و مردمان از
وادی ملامت بگریز
منزل هدایت برسند
و این امر حقیقی و الهی
سلطین و دانش
مکمل و ایت
اولیاء میسر می
گردد مگر به
پیروی ارشاد
پیغمبر ایشان
و مقلد امیری که با کتاب

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله

والمؤمنات هم النساء المؤمنات

يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَسَّادِ الْمَبْتُوثِ ١٧ وَتَكُونُ الْجِبَالُ

باشند مردان مانند مردانه بائی برانگشته ساخته و باشند کوهها

كَالْعِهْنِ الْمَنْقُوشِ ١٨ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ١٩ فَهُوَ فِي

مانند پشم رنگین منقوش نموده پس اما هر که گران شد پهلای حسنت او پس آن شخص در

عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ٢٠ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ٢١ فَأَمَّا

گزاران پسندیده باشد و اما هر که سبک شد پهلای او پس جائی آن شخص

هَآوِيَةٍ ٢٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ٢٣ نَارُ حَامِيَةٍ ٢٤

باوید باشد و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست باوید آتشی است جو شونده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٢٥ وَبِشْرَافَاتٍ

بسم خداست بخشننده مهربان آغاز می کنم بنام خدا

الْمَكَاثِرِ ٢٦ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ٢٧ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٢٨ ثُمَّ كَلَّا

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طلبی مال تا وقتیکه رسیدید بگورستانها و سست

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٢٩ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ٣٠ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ٣١

خواهید دانست سست اگر بدانید حقیقت کار را با علم یقین غافل نمی گردید

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ٣٢ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّاسَ عَنِ

پس هر آینه بی بیند آنرا بچشم یقین پس هر آینه بپرسد سوال کرده خواهد شد از نعمت

وَالْعَصْرِ ٣٣ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ ٣٤ خَسِرَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

و تمام یزبان که هر آینه آدمی در زیان است مگر آنانکه ایمان آوردند و عملهای

الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ ٣٥ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ ٣٦

شایسته گردند و یکدیگر را وصیت گردند بدین درست و یکدیگر را وصیت گردند بشکیبایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٣٧ وَبِشْرَافَاتٍ

بسم خداست بخشننده مهربان آغاز می کنم بنام خدا

وَبِئْسَ لِلْجَنَّةِ لِمَنَةٌ ٣٨ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ٣٩

وای بر کسی که جمع کرد ثروت را و اندک فرمایم آورد مال را و نگاشت آنرا

در زیاده

تفسیر عثمان

عنه

انسان از خساره

این گروه چهار چیز را

است اول ایمان

آوردن بخدا و رسول

دو ماله

الهی خواه بدینا

تعلق داشته

باشد خواه آخرت

دوم اثر این یقین

محدود بدل و ماله

نباشد بلکه از جوارح

هم باید نمایان گردد

و حیات عملی را آینه

ایمان قلبی سازد سوم

تنها بر صلاح و فلاح

نود قناعت نکرده

مفاد اجتماعی قوم

ملت را هم در نظر

داشته باشد

و چون دو

مسلمانان یکجا

شوند یکدیگر را بقول

و فعل خود در حق

و در هر حال با اختیار

نمودن صداقت

تاکید نمایند چهارم

یکدیگر وصیت و

نصیحت کنند که در

راه حق و اصلاح

افزاد ملل

متخل بر گونه

سختی با امور خلافت

طبع گردیده بعد الصبر

و استقامت عمل نمایند

و از راه نیکی باشند

پس خوش قسمتی

که خود را این اوصاف

چارگان آراسته و

کاملی سازند و باز

بنشیل بی لوری می

پروازند نام میگو

و لا یخض علی طعام البسکین ۳ قویل
 و یخض علی طعام البسکین ۳ قویل
 این سوره تصویر حال
 کافرت و نصف
 تصویر حال منافق
 و الذی اعلم ۱۲
 کوفت نام
 حوضت
 کدر آخرت خواهد
 بود امت آنحضرت
 علی الله علیه و سلم
 از ان خوانند آشا
 مید ۱۲

تفسیر عثمانی
 که در قرآن مجید
 کثیر است از معنی خوبی
 و بهتری زیاد
 واجب
 بحر احاطه بیت سوم
 و شش قول ذکر رود
 بقیه این قول را ترجمه
 داده که این کلمه بر همه
 انواع نعمت باشد
 دینی و دنیوی حسی و معنوی
 شامل است که خواه
 بخود آنحضرت علی الله
 علیه و سلم رسید است
 و خواه بطغیض حضرت
 و بی مرامتان اود را
 رسید نیست حوض
 کوثر که از نعمت
 عظیم است ان خداوند
 و در اسلام بنام
 کوثر مشهور
 است نیز در
 این نعمت با هم
 داخل است حضرت
 نبوی صلی الله علیه و سلم
 امت خویش را در
 روز قیامت به آب
 این حوض سیراب
 می فرماید تنبیه نزد
 بعض محمد بن حدیث
 حوض کوثر بعد تو آخر
 رسیده لهدا بر همه
 مسلمان لازم است که به آن معتقاد کنند و معاف حیرت افزای این حوض در احادیث وارد است از بعض روایات ثابت میشود که در میدان حشر است و اما اکثر مفسرانند که در بهشت

الْبَيْتِ ۲ وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْبُسْكِينِ ۳ قَوْلٌ

و در عبت نمیدهد بر طعام دادن فقیر
 و تحریص نمی کند بر طعام دادن محتاج
 پس دانی
 پس خرابی راوی

لِلْمَصَلِّينَ ۴ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۵

آن نماز گزاران را
 آن نماز گزاران را
 که ایشان از
 که ایشان از
 نماز خود غفلت می ورزند
 نماز خویش غافلند

الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ۶ وَيَسْتَعْجِلُونَ الْمَاعُونَ ۷

آنانکه ایشان را می کنند
 آنانکه ایشان را می کنند
 و عجلت می نمایند ماعون را
 و عجلت می نمایند ماعون را

سُورَةُ الْكَافِرُونَ ۱

بنام خداست بخشنایند
 آغاز می کنم بنام خدا اینک بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

وَلَا يَأْتِيهَا الْكُفْرُ ۲ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۳

یا محمد هر آینه ماعظا گردیم ترا کوفتر
 هر آینه ادا دیم ترا کوفتر
 پس نماز گزار بر آس پروردگار خود و دست را بکمر کن
 پس نماز گزار برای رب خود و قربانی کن

وَلَا آتَتْكُمْ عِبَادَةٌ ۴ وَلَا آتَتْكُمْ عِبَادَةٌ ۵

و نه شما پرستش می کنید آنچه
 و نه شما پرستش می کنید آنچه
 من می پرستم
 من می پرستم

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۶

شمارا
 شمارا
 دین شماست و مرا دین من
 دین شماست و مرا دین من

بنام خداست بخشنایند
 آغاز می کنم بنام خدا اینک بی اندازه مهربان نهایت با رحم است
 و نه شما پرستش می کنید آنچه
 و نه شما پرستش می کنید آنچه
 من می پرستم
 من می پرستم
 شمارا
 شمارا
 دین شماست و مرا دین من
 دین شماست و مرا دین من

عہ شان ربوبیت

و پادشاہی الہی

شامل عام مخلوقات

است اما این صفات

را چنانکہ در انسان

نہادہ اندہ در سایر

مخلوقات نیافریدہ

اند لهذا حکم رب و

ملک و غیرہ بانسان

مضاف شد و خصوصاً

و سورہ کہ جزا

انسان مخلوق

دیگری را

بدان شایان ۳۹

نیست، بلکہ

شیطان بہمان از نظر

انسان انسان را

می فریبید و می لغزانہ

و تسلط آن بر انسان

تا وقتی کہ بایست کرد

در غفلت است اما

ہمین کہ انسان متنبہ

شود و بہ فکر پروردگار

مشغول گردد تسلط

شیطان بہم خورد

و از انسان دور

گردد و اسے شیطان

در حق و انسان ہر

دو موجود است،

و لکن لک جعلنا مثل

بنی عدو از شیاطین

الانس والجن و حی

بعضہم الی بعض فخرت

القول غرورکم (الناس)

رکوع ۳۴ او نمائے

از ہر دو نگاہ بدارد ۴۲

بسم اللہ الرحمن الرحیم

بنام خداے بخشنندہ مہربان
آغاز می کنم بنام خداے بے اندازہ مہربان نہایت بارحم است

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ

بگو پناہ میگیرم بہ پروردگار مردمان
بگو پناہ میگیرم بہ رب مردمان

النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي

مردمان سے از شر وسوسہ اندازندہ
مردمان سے از شر وسوسہ کنندہ پنہان شونده

يُؤْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶

وسوسہ می افکند در سینہ ہائے مردمان
وسوسہ می افکند در دل ہائے مردمان از جنیان و مردمان

دُعَاءُ قُرْآنِ

اللَّهُمَّ اِنْسِ وَحَشِيَّتِي فِي قَبْرِى اللَّهُمَّ اَرْحَمْنِي بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

الہی محمد بن میری وحشت دور کن
الہی رحمت کن بر من بطویل قرآن عظیم

وَاجْعَلْ لِي اِمَامًا وَنُورًا وَهَدًى وَرَحْمَةً اللَّهُمَّ يَدْكُرْنِي مِنْهَا كَسَبِيَّتِ

اور اس کو میرے سے پیشوا اور روشنی اور ہدایت اور رحمت بنادے الہی بگو یاد دلا دے جو میں اس میں سے بچوں کیا ہوں
و بے آواز را برائے من امام و روشنی و ہدایت و رحمت الہی بگو آراں سو کردم مرا یاد دہان

وَعَلِّمْنِي مِنْهَا كَجَلَّتْ اَرْزُقْنِي تِلَاوَتَهُ اَنَاءَ الْبَحْرِ اَنَاءَ النَّهَارِ وَاجْعَلْ

اور بچکو سکھادے اس میں سے جو بخانتا ہوں اور اس میں تلاوت رات دن میرے نصیب کر اور اس کو
و آنچه نہ دالسم مرا معلوم کردان و مرا توفیق دہ ازانی فرا تلاوت قرآن در ساعات شب و ساعات روز و بے آواز

لِي حِجَّةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ

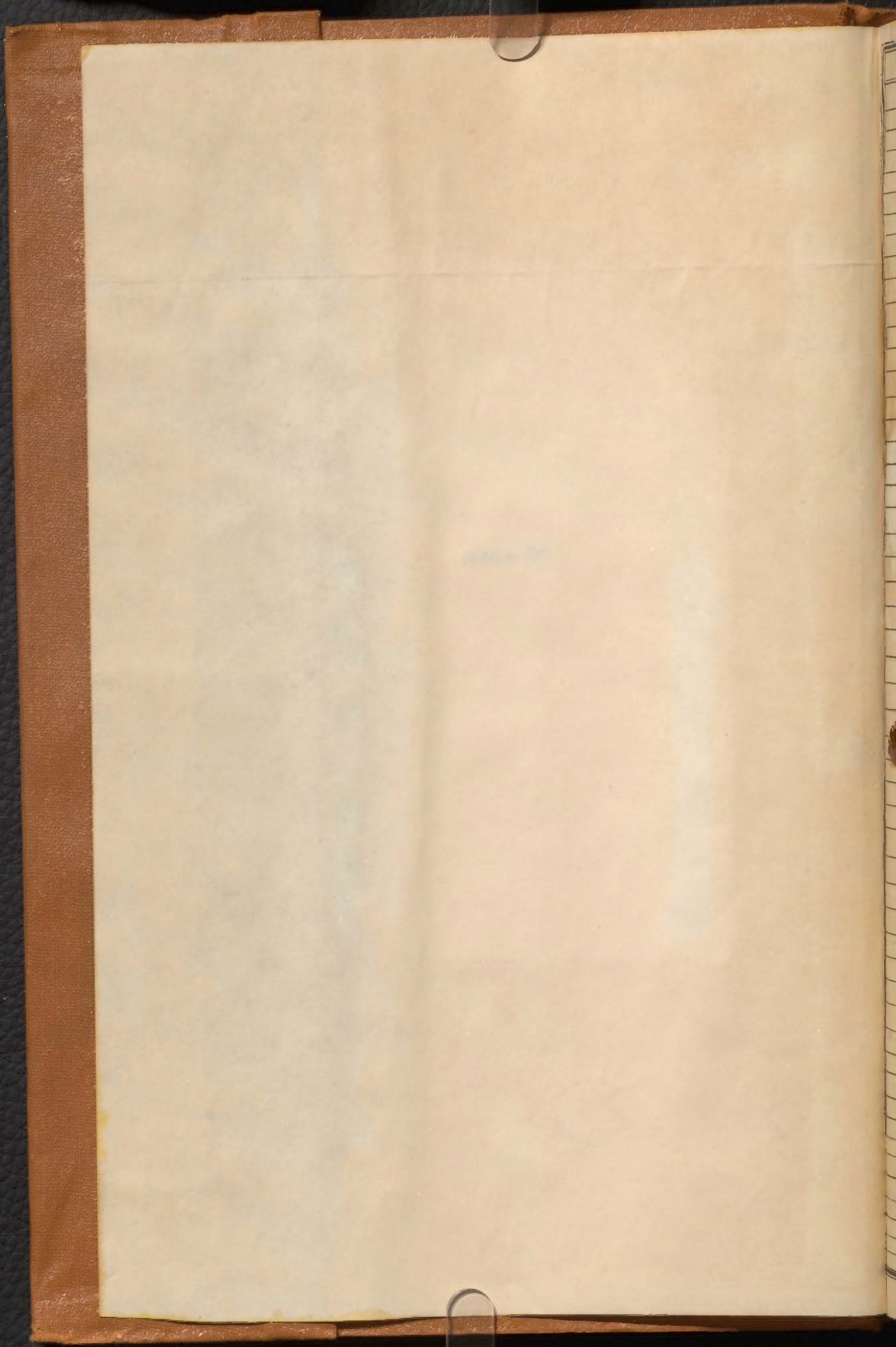
میرے لئے حجۃ یا رب العالمین حجت بن وے
برائے من و میں اسے پروردگار جہانوں دعا و برا قبول فرما

فهرس السور بترتيب التلاوة

العدد	السورة	الصفحة	ركوعاتها	آياتها	ترتيب نزولها	الجزء مع العدد
۱	الفاتحة	۲	۱	۷	۵	۱
۲	البقرة	۳	۳۰	۲۸۶	۸۷	۱
۳	آل عمران	۵۰	۲۰	۲۰۰	۸۹	۳
۴	النساء	۷۸	۲۳	۱۷۷	۹۲	۴
۵	المائدة	۱۰۷	۱۶	۱۲۰	۱۱۲	۶
۶	الانعام	۱۲۹	۲۰	۱۶۵	۵۵	۷
۷	الاعراف	۱۵۱	۲۳	۲۰۶	۳۹	۸
۸	الانفال	۱۷۸	۱۰	۷۵	۸۸	۹
۹	التوبة	۱۸۸	۱۶	۱۲۹	۱۱۳	۱۰
۱۰	يونس	۲۰۸	۱۱	۱۰۹	۵۱	۱۱

العدد	السورة	الصفحة	آياتها	ترتيب نزولها	الجزء مع العدد
١١	يوسف	٢٢٢	١٠	١٢٣	١١
١٢	يوسف	٢٣٦	١٢	١١١	١٢
١٣	الرعد	٢٣٩	٦	٣٣	١٣
١٤	ابراهيم	٢٥٦	٤	٥٢	١٤
١٥	الحجر	٢٦٢	٦	٩٩	١٥
١٦	الزمر	٢٦٨	١٦	١٢٨	١٦
١٧	مجادل	٢٨٣	١٢	١١١	١٧
١٨	القصص	٢٩٢	١٢	١١٠	١٨
١٩	مريم	٣٠٦	٦	٩٨	١٩
٢٠	طه	٣١٣	٨	١٣٥	٢٠
٢١	الانبيا	٣٢٣	٤	١١٢	٢١
٢٢	الحج	٣٣١	١٠	٤٨	٢٢
٢٣	المؤمنون	٣٣١	٦	١١٨	٢٣
٢٤	النور	٣٣٨	٩	١٠٢	٢٤
٢٥	الفرقان	٣٥٨	٦	٤٤	٢٥
٢٦	الشعراء	٣٦٥	١١	٢٢٤	٢٦
٢٧	النمل	٣٤٥	٤	٩٣	٢٧
٢٨	القصص	٣٨٣	٩	٨٨	٢٨
٢٩	العنكبوت	٣٩٥	٤	٦٩	٢٩
٣٠	الزمر	٤٠٣	٦	٨٣	٣٠
٣١	الزمر	٤١٠	٢	٣٣	٣١
٣٢	الزمر	٤١٣	٣	٣٠	٣٢
٣٣	الاحزاب	٤١٤	٩	٤٣	٣٣
٣٤	سبا	٤٢٦	٦	٥٣	٣٤
٣٥	فاطر	٤٣٣	٥	٣٥	٣٥
٣٦	يونس	٤٣٩	٥	٨٣	٣٦
٣٧	القصص	٤٤٥	٥	١٨٢	٣٧
٣٨	ص	٤٥٢	٥	٨٨	٣٨
٣٩	الزمر	٤٥٤	٨	٤٥	٣٩
٤٠	المؤمن	٤٦٥	٩	٨٥	٤٠
٤١	نجم السجدة	٤٤٥	٦	٥٣	٤١
٤٢	الشورى	٤٨٢	٥	٥٣	٤٢
٤٣	الزخرف	٤٨٨	٤	٨٩	٤٣
٤٤	الزخرف	٤٩٢	٣	٥٩	٤٤
٤٥	الحاشية	٤٩٤	٢	٣٤	٤٥
٤٦	الاحقاف	٥٠١	٢	٣٥	٤٦
٤٧	محمد	٥٠٥	٢	٣٨	٤٧
٤٨	الفتح	٥١٠	٢	٢٩	٤٨
٤٩	الحجرات	٥١٢	٢	١٨	٤٩
٥٠	مكية	٥١٤	٣	٣٥	٥٠
٥١	الذاريات	٥١٩	٣	٦٠	٥١
٥٢	الذاريات	٥٢٢	٢	٢٩	٥٢
٥٣	النجم	٥٢٥	٣	٦٢	٥٣
٥٤	القمر	٥٢٤	٣	٥٥	٥٤
٥٥	الرحمن	٥٣٠	٣	٤٨	٥٥
٥٦	الواقعة	٥٣٣	٣	٩٦	٥٦
٥٧	الحديد	٥٣٦	٣	٢٩	٥٧
٥٨	المجادلة	٥٣١	٣	٢٢	٥٨
٥٩	الحشر	٥٣٢	٣	٢٣	٥٩
٦٠	الممتحنة	٥٣٨	٢	١٣	٦٠
٦١	القصف	٥٥٠	٢	١٣	٦١
٦٢	الجمعة	٥٥٢	٢	١١	٦٢

العدد	السورة	الصفحة	ركوعاتها	آياتها	توقيف نزولها	الجزء مع العدد
٢٣	المنفقون مكية	٥٥٣	٢	١١	١٠٣	٢٨ قد سمع الله
٢٣	التغابن	٥٥٥	٢	١٨	١٠٨	"
٢٥	الطلاق	٥٥٤	٢	١٢	٩٩	"
٢٦	التحریم	٥٥٩	٢	١٢	١٠٤	"
٢٤	المائد مكية	٥٦١	٢	٣٠	٤٤	٢٩ تبارك الذي
٢٨	القصص	٥٦٣	٢	٥٢	٢	"
٢٩	الحاقة	٥٦٦	٢	٥٢	٤٨	"
٤٠	المعارج	٥٦٨	٢	٣٣	٤٩	"
٤١	نوح	٥٤٠	٢	٢٨	٤١	"
٤٢	الجن	٥٤٢	٢	٢٨	٣٠	"
٤٣	الزمر	٥٤٣	٢	٢٠	٣	"
٤٣	المدثر	٥٤٦	٢	٥٤	٢	"
٤٥	القيامة	٥٤٨	٢	٣٠	٣١	"
٤٦	الذهم مكية	٥٤٩	٢	٣١	٩٨	"
٤٤	المرسلات مكية	٥٨١	٢	٥٠	٣٣	"
٤٨	القصص	٥٨٣	٢	٣٠	٨٠	٣٠ ع
٤٩	الزمر	٥٨٣	٢	٣٦	٨١	"
٨٠	طيس	٥٨٤	١	٣٢	٢٣	"
٨١	التكوير	٥٨٤	١	٢٩	٤	"
٨٢	الانفطار	٥٨٨	١	١٩	٨٢	"
٨٣	التكثيف	٥٨٩	١	٣٦	٨٦	"
٨٣	الانشقاق	٥٩١	١	٢٥	٨٣	"
٨٥	البروج	٥٩٢	١	٢٢	٢٤	"
٨٦	المقارن	٥٩٣	١	١٤	٣٦	"
٨٤	الاعلى	٥٩٣	١	١٩	٨	"
٨٨	الغاشية	٥٩٣	١	٢٦	٦٨	"
٨٩	الفجر	٥٩٥	١	٣٠	١٠	"
٩٠	البلد	٥٩٦	١	٢٠	٣٥	"
٩١	الشمس	٥٩٦	١	١٥	٢٦	"
٩٢	التين	٥٩٤	١	٢١	٩	"
٩٣	العلق	٥٩٨	١	١١	١١	"
٩٣	الانشراح	٥٩٨	١	٨	١٢	"
٩٥	التين	٥٩٨	١	٨	٢٨	"
٩٦	العلق	٥٩٩	١	١٩	١	"
٩٤	القدر	٥٩٩	١	٥	٢٥	"
٩٨	البينة مكية	٦٠٠	١	٨	١٠٠	"
٩٩	الزلزال	٦٠١	١	٨	٩٣	"
١٠٠	الحديث مكية	٦٠١	١	١١	١٣	"
١٠١	التارعة	٦٠١	١	١١	٣٠	"
١٠٢	الكافرون	٦٠٢	١	٨	١٦	"
١٠٣	العصر	٦٠٢	١	٣	١٣	"
١٠٣	الحزقة	٦٠٢	١	٩	٣٢	"
١٠٥	الفيل	٦٠٣	١	٥	١٩	"
١٠٦	القدرين	٦٠٣	١	٣	٢٩	"
١٠٤	الماعون	٦٠٣	١	٤	١٤	"
١٠٨	الكوثر	٦٠٣	١	٣	١٥	"
١٠٩	الكافرون	٦٠٣	١	٢	١٨	"
١١٠	النصر مكية	٦٠٣	١	٣	١١٣	"
١١١	الحبيب مكية	٦٠٥	١	٢	٣٠	"
١١٢	الاحلاص	٦٠٥	١	٢	٢٢	"
١١٣	الفلق مكية	٦٠٥	١	٥	٢٠	"
١١٣	الشمس	٦٠٦	١	٢	٢١	"





JUN 14 1983

